والذینهملاماناتهموعهدهمراعون (مومنون/۸)

و آنانکه به امانت ها و عهد و پیمان خود کاملاً وفا می کنند

دوست عزیز !

این کتاب به عنوان امانت در اختیار شما قرار گرفته است ، پس در حفظ و نگهداری آن بکوشید .

۱ _ ورق زدن نادرست

۲ _ گذاشتن هر نوع شیء میان اوراق کتاب به عنوان نشانه

۳ _ علامت گذاری ⟷ و نوشتن مطلب (هر چند مفید) بر روی اوراق و جلد کتاب

۴ _ فشار آوردن بر شیرازه کتاب

۵ _ برداشتن و گذاشتن نادرست کتاب در داخل قفسه

از مواردی است که باعث کاهش عمر کتاب می شود و با روحیه امانتداری مغایر است

وظیفه شرعی حکم می نماید هرگاه با فردی متخلف مواجه شدید ابتدا تذکر دهید و چنانچه مفید واقع نگردید ، کتابداران را در جریان امر قرار دهید .

همواره موفق و موید باشید

۲۹۷/۵۸
۱۱۶۴۳الف
پانچ شد

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: مفتاح السعادت

مؤلف: [illegible] ابن شعشع، محمدتقی

موضوع: اسلام - مجموعه ها — زبان: فارسی

سال چاپ: ۱۲۹۵ ق — محل چاپ: ....

شماره عمومی: [illegible] — کتابخانه / بخش: ....

وقفی / خریداری: .... — تاریخ: ....

طول: ۲۱ — عرض: ۱۴ — شماره صفحه ها: ۵۲۳ ص

مصدر به فهرست

مصور ☐ درسي ☐ گراوري ☐ افست ☐

ملاحظات ....

۲۹۷۱۰۸
م ۱۱۶۴ الف
۱۴۵۵۹۱
۳۰
۲۳۹۷۹۹
کتابخانه آستان قدس مشهد
شماره ثبت ~~۳۲۰۷۹۹~~
تاریخ آبان ۸۰

ابواب فهرست فی هذه الرسالة التی لو بابونها در لکان البابع

در فاتحه ما بین الطلوعین که خوانده شود باب ۱	از طلوع آفتاب تا پیشین باب ۲	در اعمال مابین پیشین تا غروب باب ۳	در اعمال مابین غروب تا وقت خواب باب ۴	در اعمال مابین خواب تا نصف شب باب ۵	در اعمال نصف شب تا صبح باب ۶
۷۸ نمازهای مستحبه باب ۷	۸۸ در حوائج و استغاثات نماز ... باب ۸	۹۲ در استغاثات ادعیه و انواع باب ۹	۱۰۱ در طلب اولاد و ... باب ۱۰	۱۰۵ در ادعیه ... باب ۱۱	در ادعیه الام اعضا باب ۱۲
۱۱۸ در ادعیه ... باب ۱۳	۱۲۲ در حرس و حفظ و احتجاب باب ۱۴	۱۳۹ در ادعیه ... باعث حفظ ... باب ۱۵	در نفرین کردن ... باب ۱۶	در حجابها و حجابهای ... باب ۱۷	در دفع سحر شیاطین ... باب ۱۸
در ادعیه ... باب ۱۹	در بعضی اسرار باب ۲۰	در اعداد و مثلث باب ۲۱	در قواعد کلیه اعداد باب ۲۲	در خواص اسماء الحسنی باب ۲۳	در اصطلاحات علم اعداد باب ۲۴
۲۰ در تفسیر ... باب ۲۵	در حقیقت الاشیاء ... طاعون باب ۲۶	در استخاره و ... باب ۲۷	در ادعیه مسافر باب ۲۸	در زیارت پیغمبر باب ۲۹	در زیارت ائمه بقیع و ثواب او باب ۳۰
در ثواب زیارت امیر المؤمنین ... باب ۳۱	در زیارت عاشورا و ثواب او باب ۳۲	در تحقیق مطالب ... باب ۳۳	در آداب زیارت اربعین باب ۳۴	ثواب زیارت امام حسین باب ۳۵	در زیارت کاظمین ... باب ۳۶
در زیارت امام رضا ... باب ۳۷	در زیارت عسکریین باب ۳۸	در زیارت صاحب الامر باب ۳۹	در ثواب زیارت امام حسین در نصف شعبان باب ۴۰	در زیارت ... حسین در روز فطر باب ۴۱	در زیارت ... روز عرفه باب ۴۲
در ثواب ... مؤمنین ... خاتمه	در ثواب سوره قرآن باب [illegible]	در خواص سوره قرآن باب [illegible]	در ذکر روزها باب [illegible]	در ذکر ... هفته باب [illegible]	در ... فضول ... باب [illegible]
جدول در احوال ... باب [illegible]	در اعمال ماه رجب باب [illegible]	در بیان احوال ... باب [illegible]	در آداب یوم مبعث باب [illegible]	در اعمال ماه شعبان باب [illegible]	در دعاهای ایام شعبان باب [illegible]
در اعمال شب نصف شعبان باب [illegible]	در فضائل ماه رمضان باب [illegible]	آداب دخول ماه رمضان باب [illegible]	در فضیلت ... رمضان باب [illegible]	در اعمال اول شب و افطار باب [illegible]	در نمازهای شبهای رمضان باب [illegible]
ادعیه روز و شب ... باب [illegible]	در اعمال شب عید فطر باب [illegible]	در اعمال روز عید ... باب [illegible]	خاتمه	در خوشنویس [illegible]	محرم ... [illegible]

فهرست حواشی

صفحه ۴ باب ...	آیات ... و منافع	صفحه ۱۹ باب ... مطالب	... متعلقه ... اسماء الله	ص ۹۲ باب ...	اکبر و شرح او
صفحه ۱۲۵ باب ... در شرح ...	صغیر و شرح او	باب ... دعاء	مسلسل و شرح او	باب ... بعضی امور	متعلقه بعلم ...
باب ...	نثر ...	خمسه عشر و مناجات	امیر المؤمنین ... و مناجات	باب ...	فضیلت ... و اعمال او
باب ... اعمال ...	... خواص ...	باب ... احکام	اختصاصات و ...	باب ... عسلیه	و احکام او
باب ... تکفین میت	و ... او	باب ...	... و احکام او	باب ...	و مسائل متعلقه ... دفن میت
باب ... فضل	و اعمال او ... روز جمعه	و صلوات ...	...	باب ...	احکام ...
باب ۷۹	و ادعیه روز ...	باب ...	... بعضی از خصوص	...	روایتین ...
...	امام ...	...	...	...	...
...	...	حدیث در ...	... کشف الغطاء	و حدیث موتوا	... و معنی ...
مطالب ...	... معنی ...	جوهرة ... و حدیث	... و حدیث	خضع کل ... و حدیث	...
...	...	... اقسام ...	... و معرفة الله	سبب ...	...
...	...	...	...	...	...

در ... حوا
... و امام ...
... تفسیر ...

هذا كتاب مفتاح السعادات

من مؤلفات المتحلي بالفضائل والفواضل

زبدة الرجال الافاضل واضع ماب الادب في المحاضر والمحافل

صاحب العقل والنقل ومعدن الجود والفضل البراع البارع وهو من

الى ذرى الرفيع مراتب العلو الى غاية القصوى وما صب رايات الفضل لمن

طلب العليا مقتدى الانام ملجا الخواص والعوام الشيخ محمد تقي ابن

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل الدعاء ذريعة لوصول الداعين الى غاية مراتب المرام

وصير الايات والمناجات مفتاح السعادات بسيد الانام وصلى الله على

ترجمان الوحي ومبين اسماء الله العظام مفسر ونزل من القران ما هو شفاء ورحمة

من بين انبياء الفخام المصطفى واولاده بين اولياء الله الكرام الهادين الى زاد المعاد

ودار السلام عليه وعليهم الصلوة والسلام الى قيام يوم القيام **اما بعد** چون

بعضی از برادران و دوستان یقین از این کمترین خدام شرع مبین محمد تقی بن محمد باقر عفی الله

عنهما التماس مختصری کردند که مشتمل باشد بر انچه انسان محتاج باو میشود در تکمیل نفس و وصول

بمقامات از عبادات و غیر عبادات در اقسام ادعیه و انواع احراز و اذکار و استغاثات و اجابات

على تفصيل الذي كتب في الفهرست البوبا لهذا نام نهادم او را بمفتاح السعادات و كنز الكمالات

بالله التوفيق في جميع الحالات و ترتيب دادم او را بهفتاد و نه باب **باب اول** مشتمل است

بر مقدمه و چند فصل مقدمه در روایاتیست از ائمه اطهار در فضیلت این وقت وارد شده و از ساعت

غفلت میگویند چنانچه میان غروب افتاب و برطرف شدن شفق انرا ساعت غفلت میگویند و سزاوار انست که

ادمی در این وقت بیدار باشد زیرا که خواب اینوقت شوم است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

روایت که خواب صبح شوم است منع میکند روزی را و زرد میکند رنگ او و تغییر میدهد از او این

خواب هر شوم میت بدرستیکه خداوند تبارک و تعالی قسمت میفرماید روزیها را در میانه

طلوع صبح تا طلوع افتاب پس حذر کنید از خواب در این وقت و فرمود حضرت امام زین العابدین

در تفسیر ایه شریفه فالمقسمات امرا که ملائکه قسمت میکنند روزیهای بنی ادم را در میانه

طلوع صبح تا طلوع افتاب پس هر که بخوابد در این وقت میخوابد از روزی خود یعنی محروم

میشود از ان و مراد یا انست که در ان روز روزی حلال باو نمیرسد بلکه از ممر حرام روزی مینماید

یا انکه روزیکه باو میرسد از راه استحقاق نیست بلکه از عقلیت و در کافی از حضرت صادق در تفسیر ایه

شریفه ان قران الفجر كان مشهودا مرویست که انحضرت فرمود یعنی نماز صبح حاضر

میشوند او را ملائکه شب و ملائکه روز پس هرگاه بگذارد بنده نماز صبح را وقت طلوع

صبح می نویسند ملائکه شب یکمرتبه و ملائکه روز یکمرتبه **تنبیه** در تشخیص صبح صادق

از کاذب بدانکه روشنی روز از روشنی افتابست و روشن نمیشود مگر چیزیکه تیره و کثیف باشد

نفس مثل ما و زمین و اجزاء آن خواه جدا باشد از ان یا نه و هر چه روشن میشود بسبب افتاب صاف

سایه از آن بطرف دیگران و حقتعالی بحکمت بالغه گردیدن افتاب را بدور زمین قرار فرموده

پس هرگاه افتاب زیر زمین باشد میافتد سایه زمین بالای زمین بر شکل مخروطی و احاطه میکند

کند و احاطه میکند هوائیکه روشن شده بروشنی افتاب بهمه اطراف این مخروط پس روشن میشود

اطراف سایه مخروطی بروشنی از هوای روشن لیکن روشنی هوا چون ضعیف است بسبب انکه ذاتی

ذاتی نیست بلکه از دیگری کسب شده نفوذ نمیکند بسیار در اجزاء ان مخروط بلکه هر چند دور می شود

ان روشنی زیاد می شود ضعف ان پس هرگاه بوده باشیم ما در وسط ان مخروط خواهیم بود در

خواص سوره حمد در ابن بابویه

که امام کاظم

بساید هزار از خواص مستعجب حضرت رسالت

بابی احادیث الاتقید و در فضائل ادعیه

چنانچه در صحاح و مصابیح و دیگر اخبار

صعوبات از اغلال رنه شود کثرا ملک

شفاست جمیع درد ها و آخرا عات سطح

بمرض و مجنون خواند شفا یابد حضرت

و حضرت امیر المؤمنین علی السلام

دست بجیبه و چشم کور را تلاوت و اخلاص

مرکب این سوره را بعد از تعزیم او را

به مسیحا مه سی که غلو الحق نکورید

و مرض جذام اشفا تسلسل کرده که الکتاب

وارد العلوم تو نشانکرد و تلاوت کلام

بر ظرف پاک بنواسید و بعد از آن

واب باران کانون الاول دم نوید

و بشوید ایا کسه صباح هفت نوبت

بیماری با عمر الکتابر بخواند و بیار شفا بدرد

ابواب حکمت و معرفت بر وی گشاده شود

و هر چیز بشنود یاد گیرد و از علوم ربانیه

بی اسرار بر وی منکشف گردد و اگر

کسی را عمر کرده باشند و خواهد که باطل

کند انرا بخ

ختم

۱ر۱

تاریکی سخت و چون نزدیک شود آفتاب بافق شرقی میل میکند آن مخروط سایه از بالای سر و بطرف
مغرب میآید نزدیک بصر آن اجزای که در اطراف بیشتر روشن شده بودند بروشنی هوا
که از آفتاب روشن شده بود و در اینوقت اندکی قوت می کرد روشنی آن اجزا پس ادراک
کند از چشم نزدیک صبح وهم چنین هر چند زیاده می شود نزدیکی آفتاب بافق زیاده می شود
روشنی اطراف سایه بچشم تا وقتیکه طلوع می کند آفتاب و اول مرتبه که ظاهر میشود روشنی
نزدیک صبح تاریک و بلند است مانند ستونی و از اصبح کاذب میگویند و تشبیه است بدم گرگ
باریکی و بلند یکه دارد و صبح اول نیز گویند باعتبار آنکه قبل از صبح دویم است و اورا کاذب جهت
ان گویند که ظاهرا دروغ می نماید چرا اگر روشنی آفتاب بودی بایستی که افق که نزدیکتر بافتاب است
روشن شود چرا همین بالای آن روشن شده پس گویا دروغ می گوید که روشنی آفتاب است و این
روشنی صبح کاذب ضعیف و باریک است و در انوقت باقی است روی زمین بر تاریکی خود که بجهت
سایه خود دارد و بعد از آن زیاد میشود روشنی تا اینکه میرود بطرف طول و عرض و پهن
میشود در عرض افق بشکل نصف دایره و این صبح دویم است و اینرا صبح صادق میگویند بجهت
آنکه راست خبر داده است که صبح است و ظاهر کرده صبح را و افضل اوقات نماز وتر میانه صبح اول و دویم است
چنانچه بسند صحیح از اسمعیل بن سعد اشعری مرویست که گفت سؤال کردم از حضرت ابو الحسن
الرضا ع از ساعت نماز وتر فرمود که دوست ترین آنها بسوی من صبح اول است و روایت شده است که مردی
سؤال کرد از حضرت امیر المؤمنین ع از وتر در اول شب آنحضرت جواب نفرمود چون میانه
صبح اول و دویم شد بیرون آمد آنحضرت بسوی مسجد و سه مرتبه ندا فرمود که چه شد آنکسی که
سؤال کرد از وتر خوب ساعتی است از برای وتر این ساعت پس برخواست و وتر گذارد و صبح دویم
عبادات متعلقه باز بسبب است پس هر گاه معلوم نمودی طلوع او را بخوان یا فالِقَهُ مِنْ
حَیْثُ لا اَرَی وَ مُخْرِجَهُ مِنْ حَیْثُ اَرَی صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ اَوَّلَ یَوْمِنا

هذا صَلاحًا وَ اَوْسَطَهُ فَلاحًا وَ آخِرَهُ نَجاحًا و بخوان آنچه را که روایت کرده صدوق از جناب
امام جعفر صادق ع که فرمود حضرت نوح ع هر صبح و شام می خواندند اَللّٰهُمَّ اِنّی اُشْهِدُکَ
اَنَّهُ ما اَصْبَحَ بی مِنْ نِعْمَةٍ وَ عافِیَةٍ فی دینٍ اَوْ دُنْیا فَمِنْکَ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ
الْحَمْدُ وَ لَکَ الشُّکْرُ بِها عَلَیَّ حَتّی تَرْضی وَ بَعْدَ الرِّضا اینرا در صبح ده مرتبه
و در شام ده مرتبه پس بسبب این نامیده شد بعبد شکور و بخوان آنچه در کافی از حضرت
امیر المؤمنین ع روایت کرده در صبح سه مرتبه بگوید سُبْحانَ اللّٰهِ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ و بعد
این دعا را بعد بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ زَوالِ نِعْمَتِکَ وَ مِنْ تَحْویلِ عافِیَتِکَ
وَ مِنْ فُجاءَةِ نَقِمَتِکَ وَ مِنْ دَرَکِ الشَّقاءِ وَ مِنْ شَرِّ ما سَبَقَ فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَسْئَلُکَ بِعِزَّةِ مُلْکِکَ وَ شِدَّةِ قُوَّتِکَ وَ بِعِظَمِ سُلْطانِکَ وَ بِقُدْرَتِکَ عَلی
خَلْقِکَ اَنْ تَفْعَلَ بی کَذا و کذا و از دعائی که خوانده می شود نزد طلوع صبح دعائیست که روایت
کرده است انرا در کافی بسند صحیح از حضرت باقر ع که آنحضرت فرمود گذشت رسول خدا ص بمردیکه
می کاشت درخت در باغی که برای او بود پس آنحضرت در آنجا توقف فرمود و گفت آیا راه نمایم ترا بدرختی
که ثابت تر باشد بیخ آن و زودتر باشد هنگام چیدن آن و نیکوتر باشد میوه آن و باقی تر باشد
عرض کرد آنمرد بلی راه بنما ای رسول خدا پس فرمود آنحضرت که هر گاه صبح شوی و داخل شام شوی
پس بگوی سُبْحانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَکْبَرُ پس بدرستیکه برای
تست اگر بگوئی انرا بعوض هر تسبیحی ده درخت در بهشت از انواع میوه و اینها از جمله باقیات
الصالحات است یعنی عملیکه باقی میماند اجر و ثواب آن که این کلمات باعث آنها می شود و از آنحضرت باقر ع
مرویست که آنحضرت فرمود که هر که صبح کند و بر او انگشتری باشد که نگین او عقیق باشد و انرا در
دست راست بانگشت کرده باشد پس صبح کند پیش از اینکه کسی را ببیند پس بگرداند نگین از
بطرف باطن کف و بخواند سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را و بگوید آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لا شَریکَ

باب اول در اعمال مستحبه در طلوع صبح

له وکفرت بالجبت والطاغوت وامنت بالله وحده لاشریك له وکفرت بالجبت والطاغوت
وامنت بسر ال محمد وعلانیتهم وظاهرهم وباطنهم واولهم واخرهم نکهدار
خدای تعالی او را از شر انچه فرود میاید از اسمان وانچه بالا میرود وانچه فرو میرود
در زمین وانچه بیرون میاید از ان در دنیا حقتعالی تا انکه داخل شام شود واز انچه خوانده می شود در
صبح دعائیست که روایت شده از حضرت صادق استودع الله العلی الاعلی الجلیل العظیم
دینی ونفسی واهلی ومالی وولدی واخوانی المؤمنین وجمیع ما رزقنی ربی و
جمیع ما رزقنی ربی وجمیع من یعنینی امره استودع الله المخوف المرهوب المتضعضع
لعظمته کل شیء دینی ونفسی واهلی ومالی وولدی واخوانی المؤمنین وجمیع ما رزقنی
ربی وجمیع من یعنینی امره می خوانند این را سه مرتبه فصل سیم اکر نزد طلوع صبح باوضو نباشد
پس بشتاب بسوی وضو تا اینکه در وقت اذان صبح با طهارت باشی وهر اینه ذکر میکنیم ما در اینجا کیفیت
وضوی کامل را بدانکه هرکاه اراده وضو داشته باشی اینست اکر پیش از ان مسواک ونماید که مالیده شود
مسواک بر عرض دندانها نه بطول انها ومجربست انکشت بعوض مسواک روایت کرده است شیخ طوسی از حضرت
صادق که پیغمبر فرمود که مسواک کردن بانکشت وانکشت شهادت مسواک کردنست وسنتست رو
کردن بقبله در حال وضو واکثر علمای ما ذکر نکرده اند وبعضی ذکر کرده اند این را ومستحب است
بانچه روایت شده از ائمه که بهترین مجالس مجلسی است که بوده باشد رو بقبله پس اکر وضو میسازی
از ظرفی که ممکنست تکف اب برداشتن از اب بکذار انرا بجانب راست خود واکر وضوی سازی از نهر ماء جاری
مثلا سزاوار انست که چنان بنشینی که جانب راست تو باشد در وقت نکاه کردن باب بکو الحمد لله
الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله نجسا وبعد از ان بشوی هر دو دست را ما بند دست پیش از انکه
داخل کنی یکمرتبه اکر وضوی تو از حدث خواب باشد یا از حدث بول باشد ودو مرتبه از حدث غایط باشد
وسنتست شستن تنها از غیر سر حکم بعد از ان بکذار دست راست در اب وبسم الله بکو چنانچه روایت

در اداب واوراد متعلقه بوضو

کرده شیخ بسند صحیح از حضرت باقر که انحضرت فرمود هرکاه بکذاری دست خود را در اب پس بکو
بسم الله وبالله اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین بعد از ان سه مرتبه
مضمضه بکن سه کف اب بعد از ان استنشاق بکن بهمان نحو وبکو عقب هر یک از اینها
انچه بعد از این ذکر میشود بعد از ان بردار بدست راست یك کف ونیت بکن بجا اوردن
وضوی واجب قربة الی الله ومقارن دار نیت را باشستن بالای روی خود وباقی بدار حکم
نیت را تا فارغ از وضو وبکو نزد شروع در شستن رو بسم الله وظاهر انست که تسمیه اول وضو
کفایت از این چه این تسمیه نزد شروع در رو واجبست وهرکاه بریزی اب را بر روی سزاوار انست که
بکشی دست خود را بر ان جهة حکایت وضوی پیغمبر وابتدا بشستن بالای رو نما وحد رو در
طول وعرض انقدر است که بکیرد در ان انکشت بزرك وانکشت میان وواجبست داخل کردن اب در میان
ان مو که دیده شود پوست رو از زیر ان در مجلس کفتکو بر نحوی که برسد اب بر ان بروشی که شسته شود
پس بردار یك کف اب بدست چپ وبشوی بان دست راست در حالتی که ابتدا کنی از مرفق وبکشی دست
راست را بر ان تا سرهای انکشتان وبعد از ان بردار یك کف دیکر وبشوی دست چپ را بعد از ان
مسح کن پوست پیش سر خود را یا موی انرا که در نزد دست کشیدن از حد پیش سر بمقدار سر انکشت مضموم
بر تری دست راست وببقیه ان تری مسح کن پشت پای راست خود را از سر انکشتان تا کعب بعد از ان مسح
کن پشت پای چپ خود را بتری دست چپ وسزاوار انست که مسح کنی پاها را بتمام کف وباید که تری وضو
باشد افعال وضوی تو پی در پی ورعایت کرده شود در انها ترتیب مذکور وسزاوار است که اب وضو را
بدستمال ومثل ان خشك نکند در کافی از حضرت ابی عبدالله روایت فرموده که در اثنای
انکه حضرت امیرالمؤمنین با محمد بن حنفیه نشسته بود ناکاه فرمود ندا باو ای محمد بیاور برای من
ظرفی از اب که وضو بسازم برای نماز پس محمد اورد اب از برای انحضرت پس انحضرت ریخت اب را بدست
راست بر دست چپ وفرمود بسم الله والحمد لله الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله

باب اول در ادعیهٔ وضوء و اذان

بجا [sic] بعد از آن مضمضه کردند و فرمودند اللهم لقّنی حجتی الفائل [sic] و اطلق لسانی بذکرک بعد
از آن استنشاق کردند و فرمودند اللهم لا تحرم علی ریح الجنة و اجعلنی ممن یشم ریحها
و روحها و طیبها بعد از آن شستند روی مبارک خود را و فرمودند اللهم بیض وجهی
یوم تسود فیه الوجوه و لا تسود وجهی یوم تبیض فیه الوجوه و بعد از آن شستند دست
راست خود را و فرمودند اللهم اعطنی کتابی بیمینی و الخلد فی الجنان بیساری و حاسبنی
حسابا یسیرا بعد از آن شستند دست چپ خود را و فرمودند اللهم لا تعطنی کتابی بشمالی
و لا تجعلها مغلولة الی عنقی و اعوذ بک من مقطعات النیران بعد از آن مسح کردند سر
مبارک خود را و فرمودند اللهم غشنی رحمتک و برکاتک بعد از آن مسح کردند
پاهای مبارک خود را و فرمودند اللهم ثبتنی علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام
و اجعل سعیی فیما یرضیک عنی بعد از آن سر مبارک را بالا کردند خود را و نگاه کردند بمحمد و فرمودند
ای محمد هر که وضو بسازد مثل این وضوی من و بگوید مثل این گفتگوی من خلق میکند
خدای تعالی از هر قطرهٔ فرشتهٔ که تقدیس کند او را و تسبیح کند او را و تکبیر کند او را پس
می نویسد خدای تعالی ثواب او را برای او تا روز قیامت پس چون فارغ شد از وضو رو بمسجد آورد
روایت کرده صدوق از حضرت صادق ع که هر که برود بسوی مسجد نمیگذارد پا بر هیچ خشکی
و تری مگر آنکه تسبیح کند از زمین که پا گذاشته تا زمین هفتم و سزاوار است که بخوانی نزد
بیرون آمدن از خانه خود بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین و الذی هو یطعمنی و یسقین
و اذا مرضت فهو یشفین و الذی یمیتنی ثم یحیین و الذی اطمع ان یغفر لی خطیئتی
یوم الدین رب هب لی حکما و الحقنی بالصالحین و اجعل لی لسان صدق فی الآخرین
و اجعلنی من ورثة جنة النعیم و اغفر لابی در دعة الداعی از پیغمبر صلی الله علیه و آله
روایت کرده که هر که وضو بسازد آنگاه بیرون رود بسوی مسجد و بگوید در وقتی که بیرون می رود

در شروع ادعیهٔ خروج از خانه و دخول در مسجد

از خانه خود بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین راه نماید خدای تعالی او را و از طعام بهشت
و هرگاه بگوید و الذی هو یطعمنی و یسقین اطعام کند او را خدای تعالی او را از طعام بهشت و
بیاشامد او را از شراب بهشت و هرگاه بگوید و اذا مرضت فهو یشفین بگرداند خدای تعالی
او را کفارهٔ گناهان او و هرگاه بگوید و الذی یمیتنی ثم یحیین بمیراند خدای تعالی او را مرگ
شهدا در بلندی مرتبه و زنده گرداند او را زنده شدن نیکبختان و هرگاه بگوید و الذی
اطمع ان یغفر لی خطیئتی یوم الدین بیامرزد خدای تعالی از برای او گناهان او را هر چند بیشتر
باشد از کف دریا و هرگاه بگوید رب هب لی حکما و الحقنی بالصالحین ببخشد خدای تعالی
مر او را حکم و علم و ملحق گرداند او را بصالحین و هرگاه بگوید و اجعل لی لسان صدق
فی الآخرین بنویسد خدای تعالی از برای او در ورق سفیدی اینکه فلان بن فلان از جملهٔ
راستگویان است و هرگاه بگوید و اجعلنی من ورثة جنة النعیم عطا کند خدای تعالی
برای او منزلی در بهشت نعیم و هرگاه بگوید و اغفر لابی بیامرزد خدای تعالی پدر و مادر
او را و هرگاه خواهی داخل مسجد شوی ملاحظه کفشهای خود را بکن که پاک باشد و پیش گذار
پای راست خود را و بگوی بسم الله و بالله و من الله و الی الله و خیر الاسماء کلها لله
توکلت علی الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح لی
ابواب رحمتک و توبتک و اغلق عنی ابواب معصیتک و اجعلنی من زوار
و عمار مساجدک و ممن یناجیک فی اللیل و النهار و من الذین فی صلوتهم خاشعون
و ادحر عنی الشیطان الرجیم و جنود ابلیس اجمعین بعد از آن اذان بگو زیرا که اذان
صبح از مستحبات است حتی آنکه بعضی از متقدمین قائل بوجوب آن شده اند و آن شاذ است
و باید که ایستاده باشی در حال اذان و رو بقبله کنی باواز بلند و از روی تانی بگوئی
و وقف کنی در هر فصل اذان و التفات نکنی بجانب راست و چپ و حرف زدن در اثنای

باب اول در اذان و اداب صلوات و رفع اشکال اذان

ان و صلوات بفرستی بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نزد ذکر آنحضرت زیرا که صدوق از حضرت صادق روایت کرده که فرمود صلوات بفرست بر پیغمبر صم هرگاه ذکر کنی او را یا ذکر کند در اذان ذکر کننده نزد تو در اذان و غیر آن و ظاهر این حدیث دلالت می کند بر وجوب صلوات بر آن حضرت بر هر ذکر کننده یا شنونده هرگاه ذکر کند او را یا بشنود ذکر او را با انضمام احادیث دیگر و بعضی قائل بوجوب شده اند مط و بعضی تخصیص داده اند بتشهد و قول اول احوط است و ثانی اقرب و قدر واجب ادا می شود بگفتن اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و اما آنچه روایت شده است که چون نازل شد آیه مذکوره گفتند یا رسول الله سلام بر شما را دانستیم چگونه است صلوات بر شما فرمایید فرمود بگویید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْرٰهِیْمَ وَ آلِ اِبْرٰهِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَجِیْدٌ پس ظاهر اینست که مراد بان بیان افضل کیفیات صلوات بر آنحضرتست نه اینکه خصوص این نحو واجب باشد و سزاوار است که هرگاه صلوات بفرستی بر این نحو ملاحظه کنی اینرا که آنحضرت از جمله آل ابرهیم است پس صلوات بر آنحضرت فرستاده می شود اولا در ضمن صلوات بر ابرهیم و غرض از تشبیه اینستکه مخصوص پیغمبر و آل او بصلواتی دیگر علیحده مثل آن صلواتی که شامل بود ایشان او غیر ایشان از بقیه آل ابرهیم پس بنابراین لازم نمی آید خلاف قاعده که مقرر شده است میان اهل بلاغت که هرگاه چیزی را بچیزی تشبیه کنند باید که مشبه به اقوی باشد از مشبه و حال آنکه پیغمبر صم افضل بود از ابرهیم چه شکی نیست که صلواتی که شامل همه آل ابرهیم باشد من حیث العموم اقوی است از آنچه مخصوص ببعضی باشد پس مشبه به یعنی صلوات بر همه آل ابرهیم که پیغمبر و آل او هم از جمله ایشانند اقوی است از مشبه یعنی صلوات بر خصوص پیغمبر و آل او و توجیهات دیگر نیز کرده اند که ذکرش باعث طول کلام است پس هرگاه فارغ شدی از اذان فاصله کن میان او و اقامه بسجده یا نشستنی پس بگو در حالیکه در سجده یا با نشسته باشی اللهم

در اداب اقامه و دعای او و اداب ایستادن بنماز

اجْعَلْ قَلْبِیْ بَارًّا وَ عَیْشِیْ قَارًّا وَ رِزْقِیْ دَارًّا وَ اجْعَلْ لِیْ عِنْدَ قَبْرِ رَسُوْلِکَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ مُسْتَقَرًّا وَ قَرَارًا بعد از آن بخوانی هر دعائی که میخواهی و سؤال میکنی حاجت خود را پس بتحقیق که روایت شده است از پیغمبر صم که دعا میان اذان و اقامه رد کرده نمیشود بعد از آن بر میخیزی جهة اقامه و بجا میاوری در آن جمیع اداب اذان را مگر زانی و گذاشتن انگشتها در گوشها و بلند کردن آواز بلکه باید اقامه آهسته تر باشد و تاکید طهارت داشتن و ایستادن در حال اقامه بیشتر است از حال اذان و میگوئی هرگاه فارغ شوی از اقامه و حال آنکه رو بقبله باشی اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ تَوَجَّهْتُ وَ مَرْضَاتَکَ طَلَبْتُ وَ ثَوَابَکَ ابْتَغَیْتُ وَ بِکَ اٰمَنْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ قَلْبِیْ لِذِکْرِکَ وَ ثَبِّتْنِیْ عَلٰی دِیْنِکَ وَ لَا تُزِغْ قَلْبِیْ بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنِیْ وَ هَبْ لِیْ مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهَّابُ و باید بایستی در نماز با وقار و خشوع و بگذاری دستهای خود را بر روی رانها مقابل زانوها و بگشای میان قدمهای خود را بقدر سه انگشت گشاده از یکدیگر یا یک شبر و نگاه کن بموضع سجود خود و بخواطر خود در آور که این نماز کسی است که وداع می کند از نماز و از آخر اوست بعد از آن قصد کنی اداء نماز صبح واجب جهة فرمان برداری امر خدای تعالی و مقارن دار نیت را بیکی از هفت تکبیر و بلند کن در هر یک دستهای خود را تا بحتی که کف دستها بسمت قبله باشد و انگشتان بیکدیگر چسبیده باشند غیر شستها که باید آنها گشاده باشد و ابتدا می کنی بتکبیر نزد ابتداء دست برداشتن و تمام می کنی از آن نزد تمام شدن آن و در نیت دوام معتبر است که قربت چنانچه گذشت و دیگری تعیین فعل منوی بطریقیکه تمیز دهد آنرا از غیر آن و ممتاز نماید مثلا آن نماز صبح را در خواطر از جمیع ماعدای خود از عبادات و غیر عبادات جدا سازد و بخوان میان آن هفت تکبیر این سه دعا را که روایت کرده ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از حضرت صادق ع دعای اول بعد از تکبیر سیم است اَللّٰهُمَّ اَنْتَ

باب دویم در ادعیه تکبیرات افتتاحیه و وقت نیت نماز

الملک الحق لا اله الا انت سبحانک انی ظلمت نفسی فاغفر لی ذنبی انه لا
یغفر الذنوب الا انت و بعد از تکبیر پنجم بگوید لبیک و سعدیک و الخیر
فی یدیک و الشر لیس الیک و المهدی من هدیت لا ملجا منک الا الیک
سبحانک و حنانیک تبارکت و تعالیت سبحانک رب البیت الحرام
و بعد از تکبیر هفتم خواه تکبیرة الحرام باشد یا غیران بگوید وجهت وجهی للذی
فطر السموات و الارض عالم الغیب و الشهادة حنیفا مسلما و ما انا من
المشرکین ان صلواتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین
لا شریک له و بذلک امرت و انا من المسلمین و در روایت دیگر باین نحو واقع شده
وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض علی ملة ابرهیم و دین محمد
و منهاج علی حنیفا مسلما تا اخر بی اضافه عالم الغیب و الشهادة و اتفاق
کرده اند علمای ما بر اینکه جایز است مقارن داشتن نیت با هر یک ازین هفت تکبیر پس تو
مخیری دران و بهتر است که تکبیر اخر را تکبیرة الاحرام قرار دهد و بعد از فراغ از دعا سیم
استعاذه می کنی باین طریق و میگوئی اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم آهسته
در همان رکعت اول بعد از ان بخوان سوره حمد را بترتیل یعنی مراعات حروف و وقفهای
ان و ادا کن جایهای ان و حاضر کند قلب خود را بتفکر در معانی ان و ساکت می شوی بعد
از ان بقدر نفسی بعد از ان بخوان سوره را همان نحو و اگر بتوانی بهتر است که بخوانی سوره
نبا یا غاشیه یا قیامت یا دهر یا انچه مانند اینها باشد در درازی چنانکه روایت کرده است
شیخ بسند صحیح از حضرت صادق و ساکت می شوی بعد از ان بقدر نفسی پس میداری
دستهای خود را چنانچه برداشتی دران هفت تکبیر و میگوئی الله اکبر بعد از ان برکوع میروی
بقسمیکه بگذاری دست راست را بر زانوی راست پیش از دست چپ بر زانوی چپ و پر

در بستن زبان و محبت

بسته او گشاده گردد این
فقلنا اضربوه ببعضها کذلک
یحیی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم
تعقلون اگر خواهد جای دیگری(?) کردن
کسی را رحیم و مهربان گرداند این آیات را بنویسد
بر لوحی بزعفران بقلمی که از درخت
مورد بوده باشد با عسل ... بشوید
و بان شخص بیاشامد بقدر ...
بصدق و اخلاص علم بخواند آن کس مشفق
و مهربان گردد و کین و بغض از سینه وی
بیرون برد بر کتابت این آیات کلام ایت
ثم قست قلوبکم من بعد ذلک فهی
کالحجارة ... لما یتفجر منه الانهار و ان
منها لما یشقق فیخرج منه الماء و
ان منها لما یهبط من خشیة الله و
ما الله بغافل عما تعملون اگر خواهد
دشمن زیر دست او باشد انچنانکه هیچ
نوع بر وی ظفر نیابد این آیات را برخواند
بر قطعه از حلوا و بخورد دش دهد ...
خصم بروی عقد گردد و زبون شود این
سر مختصر ابدنست و الله

در اداب و اذکار رکوع و سجود است

کنی کفها را از زانوها خود و فرو گیری زانوهای خود را با انگشتان مانند لقمه که برداری و
برگردانی زانوها را بطرف پشت که از پیش بر آمده نباشد و هموار کنی پشت خود را بطریقی که
اگر قطره آبی بران بچکد از جای خود نغلطد و بکشی گردن خود را و نگاه کنی میان قدمهای خود
بعد از ان بگو اللهم لک رکعت و لک اسلمت و بک امنت و علیک توکلت
و انت ربی خشع لک سمعی و بصری و شعری و بشری و لحمی و دمی
و مخی و عصبی و عظامی و ما اقلته قدمای غیر مستنکف و لا مستکبر
و لا مستحسر بعد از ان بگو هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه سبحان ربی العظیم
و بحمده بعد از ان راست میشوی و میگوئی سمع الله لمن حمده بعد از ان تکبیر میگوئی
و میروی بسجود بخضوع و خشوع در حالیکه بگذاری بر زمین کفها را پیش از زانوها
و چنان میکنی که دستها در وقت سجود بمنزله بالها شوند از برای تو و پهن میکنی
کفها را در حالیکه مضموم باشد انگشتان در برابر دوشها و روی خود و نمیگذاری
هیچ عضوی از بدن خود را بر روی عضو دیگر و میگذاری پیشانی خود را از روی اعتماد
تمام بر زمین و علاوه بر هفت عضو واجب باید بر زمین گذاشته شود بینی خود را بر خاک میمالی
و نگاه میکنی در وقت سجود بسر بینی و میگوئی اللهم لک سجدت و بک امنت
و لک اسلمت و علیک توکلت و انت ربی سجد وجهی للذی خلقه و شق
سمعه و بصره الحمد لله رب العالمین تبارک الله احسن الخالقین بعد از ان بگو
سبحان ربی الاعلی و بحمده و باید که بوده باشد با اداب چنانچه در رکوع ذکر شد بعد از ان
برداری سر خود را و تکبیر میگوئی و مینشینی بحالت تورک یعنی بنشینی بر روی ران چپ و بیرون
کنی هر دو پاهای را از زیر خود و بگذاری پشت پای چپ خود را بر زمین و پشت پای راست را بر
کف پای چپ و سرین را بر زمین نه و میگوئی استغفر الله ربی و اتوب الیه و ایضا میگوئی

در رفع ... و یافتن راه

و اذ اخذنا میثاقکم
و رفعنا فوقکم الطور خذوا ما
آتیناکم بقوة و اسمعوا قالوا سمعنا
و عصینا و اشربوا فی قلوبهم العجل
بکفرهم قل بئسما یامرکم به ایمانکم
ان کنتم مؤمنین بنویسد این آیات را بر
لوحی بلور بمشک و ... شامی و
بشوید بگلاب و ... بود ازان
اب بیاشامد بقدر ...
از او ... و ایات ...
بنویسد ... و اذ یرفع ابرهیم القواعد
من البیت و اسمعیل ربنا تقبل منا
انک انت السمیع العلیم ...
راهی گم شود و راه نداند ...
یکبار بخواند ...
دمد و بر دست ...
از ادراح(?) شخصی ...
قد نری تقلب وجهک فی السماء
فلنولینک قبلة ترضیها فول
وجهک شطر المسجد الحرام
و حیث ما

اللهم

اللّهمّ اغفر لی وارحمنی واجبرنی وادفع عنّی انّی لما انزلت الیّ من خیر فقیر
تبارک الله ربّ العالمین و بعد از آن تکبیر بگو و برو بسجده دویم مثل سجده اوّل
پس بردار سر خود را و نشین بعنوان تورّک یک لحظه و این را جلسه استراحت میگویند
بعضی از علما این را واجب دانسته اند بعد از آن برخیز بگو بردار زانوها را پیش
از دستها و اعتماد کن در وقت برخواستن بر دستها و بگو بحول الله و قوّته اقوم
واقعد وارکع واسجد پس هرگاه راست ایستادی بخوان حمد و سوره چنانچه
گذشت در رکعت اوّل و باید که بوده باشد سوره قل هو الله احد بعد از آن ساکت
می شوی بقدر نفسی پس تکبیر میگوئی برای قنوت و قنوت میگوئی بکلمات فرج در
حالیکه بلند کنی دستها را بطرف آسمان و بهم گذاری انگشتها را غیر از شستها
پس میگوئی لا اله الّا الله العلیّ العظیم سبحان الله ربّ السّموات السّبع وربّ
الارضین السّبع وما فیهنّ وما بینهنّ وربّ العرش العظیم والحمد لله ربّ
العالمین و در بعضی از کتابهای دعا وما تحتهنّ بعد از ما بینهنّ زیاد شده
و در بعضی وما فوقهنّ بعد از وما تحتهنّ زیاد شده و در بعضی وهو ربّ العرش
العظیم و نیافته ام من این زیادتیها را در آنچه مطلع شده ام بر آن از کتابهای معتبره
احادیث و میگوئی بعد از کلمات فرج اللّهمّ اغفر لنا وارحمنا واعف عنّا فی
الدّنیا والآخرة انّک علی کلّ شیء قدیر بعد از آن میگوئی اللّهمّ الیک شخصت
الابصار ونقلت الاقدام ورفعت الایدی ومدّت الاعناق وانت دعیت
بالالسن والیک سرّهم ونجویهم فی الاعمال ربّنا افتح بیننا وبین قومنا بالحقّ
وانت خیر الفاتحین اللّهمّ انّا نشکو الیک غیبة امامنا وقلّة عددنا و
کثرة عدوّنا وتظاهر الاعداء علینا ووقوع الفتن بنا ففرّج ذلک اللّهمّ

بعدالک

وجوههم شطره وانّ الّذین اوتوا الکتاب لیعلمون انّه الحقّ من ربّهم وما الله بغافل عمّا یعملون اگر کسی درد سر و درد یا قوه باو و طشتی ازمس و این آیت برخواند و صاف نموده مقدار مستعمل ... نظر کند بعد از آن ... تا سه روز با اخلاص و اعتقاد درست شفا یابد تا الخیرات اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعا انّ الله علی کلّ شیء قدیر این آیت را بر قدح آب سود بخواند سی و سه نوبت بر شادیر زده پشه و کیک و حشرات موذیه از آن بگریزد الم تر الی الّذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا این آیت را هفت نوبت با اسم بخواند و بر خود دمد از شر دزدان در امان خوشحال باشد و اگر بعد عقب نماز بر خواند از وسواس شیطان محفوظ

بعدالک تظهره وامام حقّ نعرفه اله الحقّ آمین ربّ العالمین بعد از آن میگوئی
اللّهمّ من کان اصبح وله ثقة او رجاء غیرک فانت ثقتی ورجائی یا اجود
من سئل ویا ارحم من استرحم ارحم ضعفی ومسکنتی وقلّة حیلتی و
امنن علیّ بالجنّة وفکّ رقبتی من النّار وعافنی فی نفسی وفی جمیع
اموری یا ارحم الرّاحمین بعد از آن بلند کن دستها را بتکبیر و رکوع و سجود کن
چنانچه گذشت بعد از آن بنشین برای تشهّد بطریق تورّک و نگاه کن بکنار خود و بگو
بسم الله وبالله وخیر الاسماء کلّها لله اشهد ان لا اله الّا الله وحده لا شریک
له واشهد انّ محمّدا عبده ورسوله ارسله بالهدی ودین الحقّ بشیرا ونذیرا بین
یدی السّاعة واشهد انّ ربّی نعم الرّبّ وانّ محمّدا نعم الرّسول اللّهمّ صلّ
علی محمّد وآل محمّد وتقبّل شفاعته فی امّته وارفع درجته بعد از آن حمد
می کنی خدا را دو مرتبه یا سه مرتبه و واجب از این تشهّد همین شهادتین است و
صلوات بر پیغمبر و آل پیغمبر صلّی الله علیه و آله بعد از آن سلام بده و قصد بکن از آن بیرون آمدن
از نماز را و بگو السّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته و قصد میکنی بآن انبیا
و انبیا علیهم السّلام را و حفظه را و اشاره می کنی بگوشه چشمها بطرف راست خود
و هرگاه فارغ شدی از نماز پس شروع کن در تعقیب مثل دستیکه وارد شده در تفسیر کلام
ایزد منّان فاذا فرغت فانصب والی ربّک فارغب که مراد اینست که هرگاه فارغ شوی
از نماز واجب پس تعب بکش بسوی پروردگار خود در دعا و رغبت کن بسوی او در
سؤال که عطا کند بتو و روایت کرده است شیخ بسند صحیح از حضرت صادق که فرمود
تعقیب مبالغه کننده تر است در طلب رزق از رفتن بتجارة در شهرها و مراد تعقیب
دعا خواندن عقب نماز است و در کافی از حضرت باقر مرویست که دعا بعد از نماز واجب افضلست

ماند و آنچه بود کلاب خواند و دیگر خود ... اثر بخشد ملول و سلاطین مفرح و مکرم بود و اگر بر خواند از آن مواظبت ... بهشت به بیند و از تا جای خود در بهشت ... فرود حضرت رسالت پناه ... سید ولد آدم منم و سید جوانان امیر المؤمنین علی است و سید اهل بهشت حسن و حسین است و سید شهدا حمزه و سید ... فاطمة البتول است و سید ... خلیل است و سید کلامها قرآنست و سید ... و سید ... آیة الکرسی نزول شد هفتاد هزار فرشته مقرّب برای تعظیم این سوره از آسمان آمدند همه تسبیح کنان حضرت رسالت فرمود هر که این آیت را بصدق برخواند هر تسبیحی که این فرشتگان کنند ثوابش در دیوان او بنویسند و هیچ آیه شریف و عظیم تر نیست از آیة الکرسی و گفته اند اسم اعظم در این آیه است

از نماز سنت و روایات در این باب از ائمه هدی بسیار و افضل تعقیبات تسبیح حضرت فاطمه
زهراست پیش از آنکه بگرداند پاهای خود را در نماز واجب آمرزیده می شود و ابتدا می شود
تکبیر و نیز فرمود ما امر میکنیم اطفال خود را بتسبیح فاطمه زهرا ع چنانکه امر میکنیم ایشانرا
بنماز پس ملازم شو از آن زیرا که هر که ملازم نشد از آن بنده که بدبخت شود و فرمود تسبیح
حضرت فاطمه ع در هر روز عقب هر نماز دوستراست نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز
و از حضرت باقر ع مرویست که فرمودند نیست شده که عبادت کند خدا را بچیزی از تمجید افضل
از تسبیح فاطمه زهرا و اگر می بود چیزی افضل از آن هر اینه عطا می کرد آنرا پیغمبر ص بفاطمه ع
و روایات در فضیلت تسبیح فاطمه زهرا بسیار در میاید و باید که بوده باشد نشستن تو
در تعقیب متصل بنشستن تو در تشهد و بر همان هیئت رو بقبله و با تورک و ترک کن
در اثناء آن کلام و التفات و مانند آن زیرا که روایت شده است که آنچه ضرر می
رساند بنماز ضرر میرساند بتعقیب و هر گاه سلام دادی سه تکبیر بگوی و بلند کن در
هر یک دستها را تا برابر روی خود بنحوی که پشت آنها بطرف روی خود باشد و
کف آنها بطرف قبله و این تکبیرها اول تعقیب است بعد از آن میگوئی لا اله الا الله
الهاً واحداً و نحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین
و لو کره المشرکون لا اله الا الله مخلصین له الدین و لو کره المشرکون
لا اله الا الله ربنا و رب آبائنا الاولین لا اله الا الله وحده وحده انجز
وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده فله الملک و له الحمد یحیی
و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر استغفر الله
الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه اللهم اهدنی من عندک و افض
علی من فضلک و انشر علی من رحمتک و انزل علی من برکاتک سبحانک

الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة و لا نوم له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم ... تا اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون این آیه ایست که اگر خواهد که خانه یا بقعه همیشه آبادان و معمور باشد این آیت را بنویسد بر ورق آهو روز یکشنبه در ساعت پنجم مراد کیرد در بحر در قطعه از حجر ... در موضع پاک در بنا عمارت ... از موضع دیر خراب شود و همیشه آنجا بارگاه فرشتگان بود و جن از آنجا بگریزد آیه او کالذی مر علی قریة و هی خاویة علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله مائة عام ثم بعثه قال کم لبثت قال لبثت یوما او بعض

تا لا اله الا انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعاً فانه لا یغفر الذنوب کلها جمیعاً
الا انت اللهم انی اسئلک من کل خیر احاط به علمک و اعوذ بک
من کل شر احاط به علمک اللهم انی اسئلک عافیتک فی اموری کلها و
اعوذ بک من خزی الدنیا و عذاب الآخرة و اعوذ بوجهک الکریم و
عزتک التی لا ترام و قدرتک التی لا یمتنع منها شیء من شر الدنیا و الآخرة و
من شر الاوجاع کلها و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم توکلت علی الحی
الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ ولداً و لم یکن له شریک فی الملک و لم
یکن له ولی من الذل و کبره تکبیراً بعد از آن تسبیح میکنی بتسبیح فاطمه زهرا ع بعد
از آن میگوئی ده مرتبه و این مخصوص بتعقیب صبح است لا اله الا الله وحده لا
شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی بیده الخیر و هو
علی کل شیء قدیر و ده مرتبه بگوید و این نیز مخصوص بتعقیب صبح است سبحان
الله العظیم و بحمده و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صد مرتبه استغفر
الله ربی و اتوب الیه و صد مرتبه استجیر بالله من النار و اسئله الجنة و صد
مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و ده مرتبه اشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شریک له الهاً واحداً احداً فرداً صمداً لم یتخذ صاحبة و لا
و لا ولداً و سی مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و سزاوار است که
شمرده شود این تسبیحها و ذکرها بتسبیح از تربت امام حسین ع و روایت کرده شیخ در تهذیب
بسند صحیح از حضرت صاحب الامر ع که تسبیح افضل چیزیست که تسبیح کرده می شود بآن بدرستی که
تسبیح کننده که فراموش میکند تسبیح را و میگرداند تسبیح را پس نوشته میشود برای او ثواب
تسبیح که قصد داشته و فراموش کرده بعد از آن میگوئی و این مخصوص بتعقیب صبح است یا مقلب

فقال بل لبثت مائة عام فانظر الی طعامک و شرابک لم یتسنه و انظر الی حمارک و لنجعلک آیة للناس و انظر الی العظام کیف ننشزها ثم نکسوها لحماً فلما تبین له قال اعلم ان الله علی کل شیء قدیر کسی را بنده که گریخته باشد و مال او را برده و خواهد که از او عقد کند که برود و مال او ضایع نکرده این آیت را بنویسد بر برگ مورد و در شیشه کند و روغن یاسمین کند و موم بر سر نهد بر و در زیر ستون بجامع نهد خشم کند و در زیر ... و مال باز آید با خدای تعالی که گریخته و هم ... یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن و الاذی کالذی ینفق ماله رئاء الناس و لا یؤمن بالله و الیوم الآخر فمثله کمثل صفوان علیه تراب فاصابه وابل فترکه صلداً لا یقدرون علی شیء مما کسبوا و الله لا یهدی القوم الکافرین این آیت

ومن کتب هذه الآیة ... الا الله ...

۲۳۹۷۹۹

القلوب و الابصار صل علی محمد و آل محمد و ثبت قلبی علی دینک و دین نبیک صلی الله علیه و آله و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی و هب لی من لدنک رحمة انک انت الوهاب اللهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک و تحویل عافیتک و من فجاة نقمتک و من درک الشقاء و من شر ما سبق فی الکتاب اللهم انی اسئلک بعزة ملکک و عظم سلطانک و شدة قوتک علی جمیع خلقک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی کذا و کذا بعد از آن میگوئی اعید نفسی و دینی و اهلی و مالی و ولدی و اخوانی و ما رزقنی ربی و جمیع من یعنینی امره بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و برب الفلق من شر ما خلق و من شر غاسق اذا وقب و من شر النفاثات فی العقد و من شر حاسد اذا حسد و برب الناس ملک الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنة و الناس بعد از آن بخوان سوره فاتحه و آیة الکرسی و آیه شهد الله انه لا اله الا هو تا سریع الحساب و آیه ملک که قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب و آیه سخره ان ربکم الله الذی خلق السموات و الارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بامره الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا و خفیة انه لا یحب المعتدین و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها و ادعوه خوفا و طمعا ان رحمة الله قریب من المحسنین و آخر کهف قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جئنا بمثله مددا قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعبادة ربه احدا

(میتوانی حاجت خود را بگوئی)

ونیز صفویه ... در ... است که ابو سعید برطرف ... یاد کنید که هفت نوع از دنیا فرو شوید و ان را در زیر درخت انگور یا درخت خرما بزد از جمیع بلاها میوه اش بیشتر کردد و هر کس را تب باشد از آن بیرون شود آیه مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة و الله یضاعف لمن یشاء و الله واسع علیم هر کس که بر این آیه مداومت نماید دشمن مقهور گردد و در ویش نگردد و بهر مرادی که دارد واصل گردد و آیه آمن الرسول تا آخر منافع سوره آل عمران از آیات است که در وقت ده روز دو شنبه بعد از نماز عشا که مردمان در خواب باشند بخواند بیست و یک بار و باد بر خود دمد قرض که دارد ادا شود و اگر همین طریق در صبح بخواند ابواب معرفت بروی مفتوح گردد و از مغیبات بر وی کشف گردد و بدرجه اولیا برسد و اگر برابر سلطان

و از اول صافات تا فاتبعه شهاب ثاقب و سه آیه از آخر صافات سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین و سه آیه از سوره الرحمن از یا معشر الجن و الانس تا فلا تنتصران و چهار آیه از آخر سوره حشر از لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا و هو العزیز الحکیم بعد از آن میخوانی سوره قل هو الله احد را دوازده مرتبه بعد از آن میگوئی در حالیکه گشاده باشی دستهای خود را برابر روی خود اللهم انی اسئلک باسمک المکنون المخزون الطهر الطاهر المبارک و اسئلک باسمک العظیم و سلطانک القدیم یا واهب العطایا و یا مطلق الاساری یا فکاک الرقاب من النار اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعتق رقبتی من النار و ان تخرجنی من الدنیا آمنا و تدخلنی الجنة سالما و ان تجعل دعائی اوله فلاحا و اوسطه نجاحا و آخره صلاحا انک انت علام الغیوب بعد از آن میگوئی سبحان الله کلما سبح الله شیء و کما یحب الله ان یسبح و کما هو اهله و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله و الحمد لله کلما حمد الله شیء و کما یحب الله ان یحمد و کما هو اهله و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله و لا اله الا الله کلما هلل الله شیء و کما یحب الله ان یهلل و کما هو اهله و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله و الله اکبر کلما کبر الله شیء و کما یحب الله ان یکبر و کما هو اهله و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر علی کل نعمة انعم بها علی و علی کل احد من خلقه ممن کان او یکون الی یوم القیمة اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و اسئلک خیر ما ارجوا و خیر ما لا ارجو و اعوذ بک من شر ما احذر و من شر ما لا احذر و بعد از آن میگوئی بسم الله و صلی الله علی محمد و آل محمد و افوض امری الی الله ان الله

بجهت ... و قلعه ... ۱۰ ... اولیا است ... یا اندازه ... و مرادات او حاصل شود آیه الم الله لا اله الا هو الحی القیوم نزل علیک الکتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه و انزل التوریة و الانجیل من قبل هدی للناس و انزل الفرقان ان الذین کفروا بآیات الله لهم عذاب شدید ... این آیات از برای حفظ و ذکا در غایت نیست که هر کس که دوام برنجا ... باشد و قوتش بنا باشد بنویسد در ساعت ... روز یکشنبه در ساعت ششم ... مشک و زعفران و گلاب ... وقت ... و از نباتات شاید ... ان طلوع آفتاب باید که چیزی که شبهه باشد نخورد و زبان از غیبت و دروغ نگاه دارد تا محل اجابت افتد آیه هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تاویله و ما یعلم تاویله الا الله

بصیر بالعباد فوقيه الله سيئات ما مكروا لا اله الا انت سبحانك اني
كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين
حسبنا الله ونعم الوكيل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم يمسسهم سوء ما
شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله ما شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء
الله وان كره الناس حسبي الرب من المربوبين حسبي الخالق من المخلوقين حسبي
الرازق من المرزوقين حسبي الذي لم يزل حسبي حسبي من كان مذ كنت
حسبي حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم بعد
از آن میگوئی الحمد لله الذي ذهب بالليل بقدرته وجاء بالنهار
برحمته خلقا جديدا ونحن في عافية بمنه وجوده وكرمه مرحبا
بالحافظين والتفات کن بطرف راست و بگو حیاکما الله من کاتبین والتفات
کن بطرف چپ خود و بگو کتبا رحمکما الله بسم الله اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله واشهد ان الساعة
آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور على ذلك احيا وعليه اموت
وعليه ابعث ان شاء الله اقرئ محمدا صلى الله عليه وآله مني السلام
بعد از آن میگوئی اللهم صل على محمد وآل محمد في النهار اذا تجلى
وصل على محمد وآل محمد في الليل اذا يغشى وصل على محمد وآل محمد
في الآخرة والاولى وصل على محمد وآل محمد ما لاح الجديدان وصل
على محمد وآل محمد ما حدى الحاديان وصل على
محمد وآل محمد ما عسعس ليل وما ادلهم ظلام وما
تنفس صبح وما اضاء فجر اللهم اجعل محمدا خطيب
وفد المؤمنين اليك والمكسو حلل الامان اذا وقف بين يديك

والناطق اذا خرست الالسن بالثناء عليك اللهم اعل منزلته وارفع درجته
واظهر حجته وتقبل شفاعته وابعثه المقام المحمود الذي وعدته واغفر
له ما احدث المحدثون من امته بعده اللهم اني اسئلك موجبات رحمتك
وعزائم مغفرتك والغنيمة من كل بر والسلامة من كل اثم واسئلك الفوز
بالجنة والنجاة من النار اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل لي في صلوتي
ودعائي بركة تطهر بها قلبي وتؤمن بها روعي وتكشف بها كربي
وتغفر بها ذنبي وتصلح بها امري وتغني بها فقري وتذهب بها ضري
وتفرج بها همي وتسلي بها غمي وتشفي بها سقمي وتؤمن بها خوفي وتجلو
بها حزني وتقضي بها ديني وتجمع بها شملي وتبيض بها وجهي واجعل لي
ما عندك خيرا لي بعد از آن میگوئی وحال آنکه کف دستها را بر داری
الهي ان ذنوبي وكثرتها قد غبرت وجهي عندك وحجبتني عن استيهال
رحمتك وباعدتني عن استنجاز مغفرتك ولولا تعلقي بآلائك وتمسكي
بالرجاء لما وعدت امثالي من المسرفين واشباهي من الخاطئين بقولك يا
عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر
الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم وحذرت القانطين من رحمتك
فقلت ومن يقنط من رحمة ربه الا الضالون ثم ندبتنا برحمتك الى دعائك
فقلت ادعوني استجب لكم ان الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون
جهنم داخرين الهي لقد كان ذل الاياس علي مشتملا والقنوط من رحمتك بي
ملتحفا الهي قد وعدت المحسن ظنه بك ثوابا واوعدت المسيء ظنه
عقابا اللهم وقد امسك رمقي حسن الظن بك في عتق رقبتي من النار وتغمد
زللي واقالة عثرتي وقلت وقولك الحق لا خلف فيه ولا تبديل يوم

ندعو كل اناس بامامهم اللهم انى اقر واشهد واعترف ولا اجحد واسر واظهر
واعلن وابطن بانك انت الله الذى لا اله الا انت وحدك لا شريك لك و
ان محمدا عبدك ورسولك وان عليا امير المؤمنين وسيد الوصيين و
وارث علم النبيين وقاتل المشركين وامام المتقين ومجاهد الناكثين والقاسطين
والمارقين امامى وحجتى وصراطى ودليلى ومحجتى ومن لا اثق بالاعمال وان
زكت ولا اراها منجية وان صلحت الا بولايته والايتمام به والاقرار بفضائله
والقبول من حملتها والتسليم لرواتها اللهم واقر باوصيائه من ابنائه
ائمة وحججا وادلة وسرجا واعلاما ومنارا وسادة ابرارا وادين بسرهم
وجهرهم وظاهرهم وباطنهم وحيهم وميتهم وشاهدهم وغائبهم لا شك
فى ذلك ولا ارتياب ولا تحول عنه ولا انقلاب اللهم فادعنى يوم حشرى
وحين نشرى بامامتهم واحشرنى فى زمرتهم واكتبنى فى اصحابهم واعتقنى
بهم يا مولاى من حر النيران فانك ان اعفيتنى منها كنت من الفائزين اللهم
وقد اصبحت فى يومى هذا لا ثقة لى ولا مفزع ولا ملجا غير من توسلت
بهم اليك من آل رسولك على وفاطمة والحسن والحسين وعلى ومحمد وجعفر
وموسى وعلى ومحمد وعلى والحسن ومحمد صلوات الله عليهم اجمعين
اللهم فاجعلهم حصنى من المكاره ومعقلى من المخاوف ونجنى بهم من كل
عدو طاغ وفاسق باغ ومن شر ما اعرف وما انكر وما استتر على وما ابصر
ومن شر كل دابة ربى آخذ بناصيتها ان ربى على صراط مستقيم اللهم
بوسيلتى اليك بهم وتقربى بمحبتهم افتح على ابواب رحمتك وحببنى
الى خلقك وجنبنى عداوتهم وبغضهم انك على كل شىء قدير اللهم و

تتمه حملا از زندان
على ما تقولون
فلما استيئسوا منه خلصوا نجيا
مستقيم ... ما اخذ عليكم موثقا
فقد ... ولتستخلف ربى قوما
به اليكم ولا تضرونه شيئا ان
غيركم ... ربى على كل شىء حفيظ این
... تقطعه
ایشان بنویسد ... و بعد از آن
... هزار
... باشد ... با ...
... ودولتیا با ...
نوبت بخواند رفعت ... بود پیش
این کتاب گوید که مرا ... اورا
خلیفه ... بودند ... دشمنان ...
نزد سلطان عثمانی ... سلطان ...
خشم گرفت ... این کتاب ... بعد از سه روز
نوشت ... این اسم کرد ...
خلیفه ... اسم ... دید ...
کردند به سبب ... وچونکه ... بیرون
... اورا ...
در اسلامبول ... تمام
اورد با اعزاز واکرام ... قال الملك
اوراخلعت داد ... فلما
ائتونى به استخلصه لنفسى
... قال انك اليوم لدينا مكين

لكل متوسل ثواب ولكل ذى شفاعة حق فاسئلك بمن جعلتهم اليك سببى
وقدمتهم امام طلبتى ان تعرفنى بركة يومى هذا وشهرى هذا وعامى هذا
اللهم فهم معولى فى شدتى ورخائى وعافيتى وبلائى ونومى ويقظتى
وظعنى واقامتى وعسرى ويسرى وصباحى ومسائى ومنقلبى ومثواى
اللهم فلا تخلنى بهم من نعمتك ولا تخيبنى بهم من نائلك ولا تقطع رجائى من
رحمتك ولا تفتنى باغلاق ابواب الارزاق وانسداد مسالكها وارتتاج
مذاهبها وافتح لى من لدنك فتحا يسيرا واجعل لى من كل ضنك مخرجا و
الى كل سعة منهجا برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم واجعل الليل والنهار
مختلفين على برحمتك ومعافاتك ومنك وفضلك ولا تفقرنى الى احد
من خلقك برحمتك يا ارحم الراحمين انك على كل شىء قدير وبكل شىء محيط
بعد از ان میخوانی دعای صباح حضرت سید سجاد علیه السلام را وان از دعاهای
صحیفه کامله است الحمد لله الذى خلق الليل والنهار بقوته تا اخر دعا بدانکه
دعاها و ذکرها که وارد شده از اصحاب عصمت سلام الله علیهم در تعقیبات خصوصا
در تعقیب نماز صبح بسیار است جدا وانچه ما ذکر کردیم مختصر اخذ شده از روایات
متعدده ومجتمع نشده در روایت واحدی پس ترا است که اختصار کنی بر بعضی از
ان هرگاه وسعت نداشته باشد وقت تو از برای همه وهرگاه بیابی در نفس خود سستی
یا ماندگی پس قطع کن تعقیب را وتکلیف مفرمای او را باتمام کردن ان با وجود بی میلی
بسوی ان واقبال بران زیرا که توجه واقبال روح عبادتست ودعای بی اقبال مثل
جسد بی روح است وسنت است نشستن تو در مصلای خود بعد از فراغ از نماز صبح تا اینکه
طلوع کند افتاب هر چند مشغول بتعقیبات نباشی پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت

قال اجعلنى على خزائن الارض انى حفيظ عليم وكذلك
مكنا ليوسف فى الارض
يتبوأ منها حيث يشاء نصيب
برحمتنا من نشاء ولا نضيع اجر
المحسنين
اگر کسی را وجعی باشد
از سر چون در چشمی که اطبا از
معالجت ان عاجز باشند بگیرد روز
پنجم از کانون الثانی پیش از طلوع شمس
اب باران وبا کحل اصفهانی مخلوط سازد
وایات را بنویسد در جای ابگینه صاف
بزعفران و با ب کانون ... شوید وان
کحل را بدان اب ... سازد دو ... دارد تا
خشک شود ودر چشم کشد نور
بصرش بیفزاید ودیگر درد ... نه
بیند و گاه باشد که ... دلشاد ...
کند ایت قالوا تالله لقد
اثرك الله علينا وان كنا
لخاطئين قال لا تثريب عليكم
اليوم يغفر الله لكم وهو ارحم
الراحمين اذهبوا بقميصى
هذا

امیرالمؤمنین ع که فرمودند که هر که نماز کند پس بنشیند در مصلای خود تا طلوع آفتاب
خواهد بود از برای او پرده‌ای از آتش و سزاوار است خواندن سورهٔ یس بعد از تعقیب پس بدرستی
که خوانندهٔ آن در صباح همیشه محفوظ است و روزی داده شده است تا آنکه شام کند و
این سورهٔ یس را دافعه میگویند بجهة آنکه دفع میکند از خوانندهٔ خود هر شری را و قاضیه
نیز میگویند باعتبار آنکه بر می‌آورد از برای خوانندهٔ خود هر شری را و قاضیه نیز می
گویند باعتبار آنکه بر می‌آورد از برای خوانندهٔ خود هر حاجت را **باب سوم در فضل**
اول بدانکه وارد شده است که منقسم میشود دوازده ساعت و نسبت هر ساعتی بیکی از
ائمه اثنی عشر علیهم السلام و تخصیص آن بدعائی که خوانده شود در آن و من ذکر میکنم
هر یک از اینها را با دعای آن در محل خود ان شاء الله تعالی ساعت اول همین ساعتیست که کلام
ما در این باب در آنست یعنی ما بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب و این منسوبست بحضرت
امیرالمؤمنین ع و دعای او اینست اللّهمّ ربّ الضّیاء والفلق والفجر والشّفق
واللّیل وما وسق والقمر اذا اتّسق خالق الانسان من علق اظهرت قدرتک
ببدیع صنعتک وخلقت عبادک لما کلّفتهم من عبادتک وهدیتهم
بکریم فضلک الی سبل طاعتک وتفرّدت فی ملکوتک بعظیم السّلطان
وتودّدت الی خلقک بقدیم الاحسان وتعرّفت الی بریّتک بجسیم الامتنان
یا من یسئله من فی السّموات والارض کلّ یوم هو فی شأن اسئلک
اللّهمّ بمحمّد خاتم النّبیّین الّذی نزل به الرّوح الامین علی قلبه
لیکون من المنذرین بلسان عربیّ مبین وبامیر المؤمنین علیّ بن ابی
طالب ع ابن عمّ الرّسول وبعل البتول الّذی فرضت ولایته علی
الخلق وکان یدور حیث دار الحقّ ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد فقد جعلتهم
وسیلتی وقدّمتهم امامی وبین یدی حوائجی وان تغفر لی ذنبی وتطهّر

قلبی وتستر عیبی وتبلّغنی من طاعتک وعبادتک املی وتقضی لی حوائجی
للدّنیا والآخرة یا ارحم الرّاحمین و جایز است اینکه این دعا را بگردانی از جملهٔ
تعقیبات تا بوده باشد آخر آنچه بجا می‌آوری آنرا بعد از نماز سجدهٔ شکر پس
بتحقیق که روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت ابی عبدالله علیه
السّلام که فرمودند سجدهٔ شکر واجبست بر هر مسلمانی تمام میکنی بآن نماز
خود را و راضی میکنی بآن پروردگار خود را و بشگفت می‌آیند ملائکه از تو بدرستیکه
که بنده هرگاه نماز کند بعد از آن سجده کند سجدهٔ شکر را میگشاید پروردگار عالم حجاب
را میان بنده و میان ملائکه پس میفرماید ای ملائکهٔ من نگاه کنید بسوی بندهٔ من بجا آورده
است فرض مرا و تمام کرده است عهد مرا پس سجده کرده است برای من بجهة شکر
برانچه انعام کرده‌ام من بآن بر او ای ملائکهٔ من چه چیز است برای او ملائکه عرض می
کنند رحمت تو ای پروردگار پس میفرماید خدای تعالی پس از آن دیگر چه چیز پس میگویند ملائکه
ای پروردگار کفایت مهم او و رسیدن به بهشت تو پس میفرماید خدای تعالی
پس از آن دیگر چه چیز پس باقی نمیماند چیزی از چیزها مگر آنکه میگویند آنرا ملائکه پس
میفرماید خدای تعالی ای ملائکه پس از آن دیگر چه چیز میگویند ملائکه ای پروردگار ما
نمیدانیم علمی دیگر از برای ما پس میفرماید خدای تعالی هر آینه شکر میکنم من او را
چنانچه او شکر کرد مرا و رو می‌آورم بسوی او بفضل خود و مینمایم باو رحمت
خود را و سنتست طول دادن این سجده‌ها پس بتحقیق که روایت کرده است در فقیه نیز که
حضرت کاظم ع بسجود میرفتند بعد از نماز صبح میکردند پس برنمیداشتند سر مبارک را تا آنکه
بلند میشد روز و هرگاه میکنی این دو سجده را پهن میکنی ذراعهای خود را بر زمین و میچسبانی سینه و
شکم خود را و میخوانی آنچه روایت کرده است [illegible] پس میگوئی در سجدهٔ اول اللّهمّ
انّی اشهدک واشهد ملائکتک وانبیاءک ورسلک وجمیع خلقک انّک انت الله ربّی والاسلام

دینی و محمداً صلی الله علیه و آله نبیّی و علیاً و الحسن و الحسین و علیاً و محمداً و جعفراً و موسی و علیاً و محمداً و علیاً و الحسن و محمد سلام الله علیهم ائمتی بهم اتولّی و من عدوّهم اتبرّء بعد از ان میگوئی سه مرتبه اللهم انی انشدک دم المظلوم بعد از ان میگوئی اللهم انی انشدک بایوائک علی نفسک لاولیائک لتظفرنهم بعدوک و عدوهم ان تصلی علی محمد و آل محمد و علی المستحفظین من آل محمد صلی الله علیه و آله بعد از ان میگوئی سه مرتبه اللهم انی اسئلک الیسر بعد العسر بعد از ان می گذاری گونه راست خود را بر زمین و میگوئی یا کهفی حین تعیینی المذاهب و تضیق علیّ الارض بما رحبت یا باری خلقی رحمة بی و کان عن خلقی غنیا صل علی محمد و آل محمد و علی المستحفظین من آل محمد صلی الله علیه و آله بعد از ان میگذاری گونه چپ خود را بر زمین و میگوئی یا مذل کل جبار و یا معز کل ذلیل قد و عزتک بلغ بی مجهودی بعد از ان میگوئی سه مرتبه یا حنان یا منان یا کاشف الکرب العظام بعد از ان سجده دیم را بجا میاوری و میگوئی در ان صد مرتبه شکراً شکراً بعد از ان سؤال میکنی حاجت خود را و روایت شده از ان حضرت که میفرمودند در سجدهٔ شکر با آواز حزین و حال آنکه اشکهای او روان بود عصیتک ربّ بلسانی و لو شئت و عزتک لاخرستنی و عصیتک بسمعی و لو شئت و عزتک لاصممتنی و عصیتک بیدی و لو شئت و عزتک لکنعتنی و عصیتک برجلی و لو شئت و عزتک لجذمتنی و عصیتک بفرجی و لو شئت و عزتک لعقمتنی و عصیتک بجمیع جوارحی التی انعمت بها علیّ و لیس هذا جزاؤک منی بعد از ان میگوئی العفو العفو هزار مرتبه بعد

لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم هر کس خواهد که قدر و مرتبه و حشمتش بیفزاید و مقبول القول گردد و مردمان مطیع گردند باید سه روز از ماه که شب ایشان مهتاب باشد سیوم و چهاردهم و پانزدهم افطار بنماید چون کند و سبزی و غلیا ... تا عشا و در قبله نشیند و بتسبیح و تهلیل مشغول تا نماز خفتن ... و بعد از ان ... و این ایات را بنویسد ... بسم الله الرحمن الرحیم الر تلک آیات الکتاب الحکیم اکان للناس عجبا ان اوحینا الی رجل منهم ان انذر الناس و بشر الذین آمنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم قال الکافرون ان هذا لساحر مبین ان ربکم الله

از ان می چسبانی گونه راست خود را بر زمین و میگوئی با آواز حزین سه مرتبه بؤت الیک بذنبی عملت سوء و ظلمت نفسی فاغفر لی ذنوبی فانه لا یغفر الذنوب غیرک یا مولای بعد از ان می چسبانی گونه چپ خود را بر زمین و میگوئی سه مرتبه ارحم من اساء و اقترف و استکان و اعترف و میگوئی هر گاه بر داری سر خود را از سجده یا شکراً اللهم لک الحمد کما خلقتنی و لم اک شیئا مذکوراً رب اعنّی علی اهوال الدنیا و بوائق الدهر و نکبات الزمان و مصیبات اللیالی و الایام و اکفنی شر ما یعمل الظالمون فی الارض و فی سفری فاصحبنی و فی اهلی فاخلفنی و فیما رزقتنی فبارک لی و فی نفسی لک فذللنی و فی اعین الناس فعظمنی و الیک فحببنی و بذنوبی فلا تفضحنی و بعملی فلا تبتلنی و بسریرتی فلا تخزنی و من شر الجن و الانس فسلمنی و لمحاسن الاخلاق فوفقنی و من مساوی الاخلاق فجنبنی الی من تکلنی یا رب المستضعفین و انت ربی الی عدو ملکته امری ام الی بعید فیتجهمنی فان لم تکن غضبت علیّ یا رب فلا ابالی غیر ان عافیتک اوسع لی و احب الیّ اعوذ بنور وجهک الذی اشرقت به السموات و الارض و کشفت به الظلمة و صلح علیه امر الاولین و الاخرین ان یحل علیّ غضبک و ینزل بی سخطک لک الحمد حتی ترضی و بعد الرضا و لا حول و لا قوة الا بالله

فصل دوم

در انچه کرده می شود در روز پس بدان که خواندن ادعیه بسیار که متعلق بحضرت امام حسن است در ساعت دوم از طلوع آفتاب تا بر طرف شدن سرخی آن اللهم یا خالق السموات و الارض و مالک البسط و القبض و مدبر الابرام و النقض و من لا یخیب مضطر اذا دعاه و یکشف السوء یا مالک یا جبار یا واحد یا قهار یا عزیز یا غفار

یا مَن لا تُدرِکُهُ الأبصارُ وَهُوَ یُدرِکُ الابصار یا مَن لا یُمسِکُ خَشیَةَ الانفاقِ وَلا یُقَتِّرُ خَوفَ الاملاقِ یا کَریمُ یا رَزّاقُ یا مُبتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبلَ الاستحقاقِ یا مَن یُنَزِّلُ الرُّوحَ مِن اَمرِهِ عَلی مَن یَشاءُ مِن عِبادِهِ لِیُنذِرَ یَومَ التَّلاقِ کَبُرَت نِعمَتُکَ عَلَیَّ وَصَغُرَ فی جَنبِها شُکری وَدامَ غِناکَ عَنّی وَعَظُمَ اِلَیکَ فَقری اَسئَلُکَ یا عالِمَ سِرّی وَجَهری یا مَن لا یَقدِرُ سِواهُ عَلی کَشفِ ضُرّی اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ رَسُولِکَ المُختارِ وَحُجَّتِکَ عَلَی الأبرارِ وَالفُجّارِ وَعَلی اَهلِ بَیتِهِ الطّاهِرینَ الأخیارِ وَاَتَوَسَّلُ اِلَیکَ بِالاَنزَعِ البَطینِ عَلِیّاً وَبِالإمامِ الزَّکِیِّ الحَسَنِ المَقوُلِ سَمّاً فَقَدِ استَشفَعتُ بِهِم اِلَیکَ وَقَدَّمتُهُم اَمامی وَبَینَ یَدَی حَوائِجی اَن تَزیدَنی مِن لَدُنکَ عِلماً وَهَب لی حُکماً وَتَجبُرَ کَسری وَتَشرَحَ بِالتَّقوی صَدری وَتَرحَمَنی اِذا انقَطَعَ مِنَ الدُّنیا اَثَری وَتَذکُرَنی اِذا نُسِیَ ذِکری بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ **فصل** و انچه سزاوار است که کرده شود در اول روز تصدق است بهرچه میسر شود و هرچند چیزی حقیر باشد و اینکه ثقة الاسلام در کافی از حضرت صادق ع روایت کرده که فرمود پیغمبر ص که صبح کاه بدهید صدقه بدرستیکه بلا تجاوز نمی کند از صاحب او و باو نمیرسد و نیز از انحضرت در همان کتاب مرویست که صبح کاه بدهید صدقه و از روی شوق و محبت بدهید زیرا که نیست مؤمنی که تصدق کند بصدقه که اراده کند بان انچه را نزد خداست مگر اینکه دفع کند خدا از او بسبب ان صدقه شر انچه فرود می اید از اسمان بسوی زمین در ان روز مگر اینکه نگاه دارد او را خدای تعالی از شر انچه فرود میاید در ان روز و از انچه کرده می شود در اول روز مسح کردن بکلاب است در حدیث است که هر که مسح کند روی خود را بکلاب نمیرسد او را در ان روز

بجهت سهل شدن وضع حمل و باران

رفع السماء بغیر عمد ترونها ثم استوی علی العرش و سخر الشمس و القمر کل یجری لاجل مسمی یدبر الامر یفصل الایات لعلکم بلقاء ربکم توقنون وهو الذی مد الارض و جعل فیها رواسی و انهارا و سبلا ومن کل الثمرات جعل فیها زوجین اثنین یغشی اللیل النهار ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون این ایات را بنویسد و بر شکم زن حامله بندد بچه در شکم او بسلامت ماند این ایت الله یعلم ما تحمل کل انثی وما تغیض الارحام وما تزداد وکل شیء عنده بمقدار عالم الغیب والشهادة الکبیر المتعال اگر در موضعی که خشک باشد و روز ادینه با اعتقاد تمام غسل کند و بطرف صحرا رود و در هزار نوبت این ایت را بر خواند و بتضرع و زاری هرچه تمامتر الله باران با خیر و برکت فرستد بنحوی که همه مردمان بهره ور گردند

اختیار او نه فقری و باید که مسح کرده شود روی و دستها و صلوات فرستاده شود بر پیغمبر صلعم و از انچه غالبا در اول روز کرده میشود مندیل پیچیدن و پوشیدن جامها و موزه و نعلین است اما مندیل سزاوار انست که گفته شود نزد ان اَللّهُمَّ سَوِّمنی بِسیماءِ الإیمانِ وَتَوِّجنی بِتاجِ الکَرامَةِ وَقَلِّدنی حَبلَ الاِسلامِ وَلا تَخلَع رِبقَةَ الایمانِ مِن عُنُقی و مکروه است مندیل پیچیدن در حالیکه نشسته باشی و هرگاه مندیل پیچیدی پس تحنک کن بمندیل خود بدرستیکه تحنک سنت موکدات چنانچه روایت کرده شیخ در تهذیب بسند حسن از حضرت صادق ع روایت کرده که فرمودند که هر که عمامه بپیچد و نگرداند عمامه را از زیر حنک خود پس برسد باو افتی که نباشد برای ان دوائی ملامت نکند مگر نفس خود را و روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت صادق ع که فرمودند بدرستیکه من تعجب می کنم از کسیکه شروع کند در حاجت خود و حال انکه او با وضو باشد چگونه بر نمی اید حاجت او و بدرستی که من تعجب می کنم از کسیکه شروع کند در حاجت خود و حال انکه گردانیده باشد عمامه را از زیر حنک خود چگونه بر نمی اید حاجت او و احادیث در ترغیب تحنک بسیار است در همه اوقات خواه بوده باشد در نماز یا غیر ان و مخصوص نیست استحباب ان بحال نماز مثل ردا و اما اداب در پوشیدن جامها پس سزاوار کوتاه کردن جامه است پس بتحقیق که نقل شده در تفسیر کلام خدای تعالی وَثِیابَکَ فَطَهِّر که مراد اینست که جامه خود را کوتاه کن و سزاوار انست که نگذرد استین از سرهای انگشتان و بگذرد جامه از کعبین و قدری و بپوشد جامه پاکیزه و مپوش جامه شهرت را و بپوش جامه سفید بتحقیق روایت شده از حضرت صادق ع که مکروه هست سیاهی مگر در سه چیز موزه و عمامه و عبا و اما دعا نزد پوشیدن جامه چنانچه از حضرت صادق ع منقول است اینست که بگوید اَللّهُمَّ اجعَلهُ ثَوبَ یُمنٍ وَبَرَکَةٍ اَللّهُمَّ ارزُقنی فیهِ شُکرَ

بجهت رفع مرض ضعف

و لبستان اهنا لم برسد که انرا بتعویذ ببندد از ان این ایات کلام الله انزل من السماء ماء فسالت اودیة بقدرها فاحتمل السیل زبدا رابیا ومما یوقدون علیه فی النار ابتغاء حلیة او متاع زبد مثله کذلک یضرب الله الحق والباطل فاما الزبد فیذهب جفاء واما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض کذلک یضرب الله الامثال للذین استجابوا لربهم الحسنی هر که از حمی باشد که اطبا از معالجه او عاجز باشند و یا از جن و پری افت رسیده باشد بستانند یک رطل عسل خام و با نیم رطل اب کرفس بجوشاند چنانکه با قوام اید و این ایات را در طشت مسین نویسد و باب باران کانون نو بشوید و ان اب را با کرفس و اب را فرو شوید و ان اب را در کاسه کند و عسل اضافت کند و در ان در اشامد مقدار سه وقیه از ان و چون افتاب طلوع کند باب شاه کاه که آفتاب ندیده باشد

نعمتك وحسن عبادتك والعمل بطاعتك الحمد لله الذي رزقني ما استر به عورتي
واتجمل به في الناس واز حضرت امام محمد باقر ع مرویست که گفته شود نزد پوشیدن
جامه نو این دعا اللهم اجعله ثوب يمن وتقوى وبركة اللهم ارزقني فيه
حسن عبادتك وعملا بطاعتك واداء شكر نعمتك الحمد لله الذي
كساني ما اواري به عورتي واتجمل به في الناس و سزاوار است که پوشیده
نشود زیر جامه رو بقبله اما پوشیدن موزه و نعل پس باید که بوده باشد
در حالیکه نشسته باشد و می پوشد نعل پای راست را پیش از چپ و نزد کندن می کند
بعکس این در حالیکه ایستاده باشد و میگوید نزد پوشیدن هر یك از موزه و نعل
بسم الله وبالله اللهم صل على محمد وال محمد ووطئ قدمي في الدنيا و
الاخرة وثبتهما على الصراط يوم تزل فيه الاقدام و میگوید نزد کندن آنها
بسم الله الحمد لله الذي رزقني ما اوقي به قدمي من الاذى اللهم ثبتهما على
صراطك ولا تزلهما عن صراطك السوي و روایت شده از حضرت صادق ع کراهت
پوشیدن موزه سرخ در سفر نه حضر و روایت شده از آنحضرت که هر که بپوشد نعل
زرد کهنه نمی کند آنرا تا آنکه بهم رساند مالی را و در روایت دیگر باشد در سرور تا
تا کهنه کند آنرا افضل واز آنچه عادت جاری شده در میان طلوع آفتاب و زوال اکل و
شربست و سزاوار است که پاره از آداب دعا آنها ذکر شود پس هر گاه چیزی خواهی بخوری
پس نشین بر جانب چپ خود و منشین بر تبع زیرا که آن نشستنی که ناخوش میدارد
آنرا خدای تعالی و دشمن میدارد صاحب آنرا چنانچه روایت شده از حضرت امیر
المؤمنین ع و از حضرت صادق ع مرویست که هر گاه دستخوان گذاشته شود بخوری
بخوری بگو بسم الله والحمد لله رب العالمين پس میامرزد خدای تعالی آنرا پیش از آنکه
اذرا

برسد لقمه بدهن و در روایتی شده استحباب تسمیه بر هر رنگی و هر که فراموش کند تسمیه را بر
هر رنگی پس بگوید بسم الله على اوله واخره و سزاوار است که گفته شود نزد شروع
در اکل این دعا الحمد لله الذي يطعم ولا يطعم ويجير ولا يجار عليه ويستغني
ويفتقر اليه اللهم لك الحمد على ما رزقتنا من طعام وادام في يسر وعافية
من غير كد منا ولا مشقة بسم الله خير الاسماء بسم الله رب الارض والسماء
بسم الله لا يضر مع اسمه شيء في الارض ولا في السماء وهو السميع العليم اللهم
اسعدني في مطعمي هذا بخيره واعذني من شره وامتعني بنفعه وسلمني من ضره
و سزاوار است که بوده باشد اول آنچه بخوری هر روز ناشتا بیست و یك دانه مویز سرخ
زیرا که روایت شده از حضرت پیغمبر ص که هر که در ناشتا ۲۱ دانه مویز سرخ بخورد بیمار
نشود مگر بیماری که در آن بمیرد و بشوید دستهای خود را هر دو پیش از طعام و بعد از آن
هر چند بوده باشد چیز خوردن تو یك دست و روایت شده از حضرت امیر المؤمنین ع
که دست شستن پیش از طعام زیاد می کند در عمر و جلا میدهد چشم را و ابتدا کن تو
اگر صاحب طعام باشی بشستن اول بعد از آن بشوید بعد از تو کسیکه بر طرف راست
تو باشد و در شستن دیم میشوئی آخر هم و ابتدا کند کسیکه بر طرف چپ تو باشد
و پاك مکن دست خود را بپارچه بعد از شستن اول و پاك کن آنرا بان بعد از شستن
دوم بعد از آنکه مالیده باشی تری آنرا بچشمهای خود و پاك مکن دست را بچیزی هر گاه
اثر طعام باشد تا آنکه بلیسی آنرا و تکرار کن حمد خدای تعالی را در اثنای اکل و ابتدا
کن باکل پیش از حاضران اگر بوده باشی صاحب طعام و فرا گیر دست خود را از آن بعد
از ایشان و سزاوار نیست چیز خوردن بدست چپ و نه آشامیدن بان و نه چیز خوردن
بدو انگشت و هر گاه حاضر شود نان پس انتظار مکش حاضر شدن غیر آنرا از طعم و مگذار نان

مجرب حصول اولاد و فور روزی

زیر کاسه و ... میبر بانرا بکار دو ابتدا کن بنمک و ختم کن بان و در روایت ختم بسرکه نیز وارد شده
و سنت حاضر کردن سبزی تازه بر مائده و نخورد گوشت دیگری را دو مرتبه و نخورد در
هر سه روز و مکروه است ترک آن چهل روز و خالی مکن تمام گوشت استخوانرا بلکه بگذار
در آن بقیه پس بتحقیق که روایت شده است که از برای جن در آنها است و اینکه هر که بکند این
میرود از خانه او آنچه بهتر از آن باشد و سنت طول دادن نشستن بر مائده را اگر
بوده باشی تو صاحب طعام پس بتحقیق که روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند
حسن از زراره که گفت شنیدم از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که میفرمودند که
سه چیز است که هرگاه بیاموزد آنها را شخصی خواهد بود آنها زیادتی در عمر او و بقای
نعمت بر او پس گفتم من که چیست آنها فرمودند که طول دادن در رکوع و سجود
در نماز و طول دادن نشستن بر طعام هرگاه چیزی بخورد بر مائده خود و بجا آوردن
احسان بسوی اهل آن و بگو بعد از فراغ از اکل آنچه روایت شده از حضرت صادق ع
الحمد لله الذی اطعمنا فی جائعین و سقانا فی ظامئین و کسانا
فی عارین و هدانا فی ضالین و حملنا فی راجلین و آوانا فی ضاحین
و اخدمنا فی عانین و فضلنا علی کثیر من العالمین و اما آنچه مشهور
شده است در این زمان از خواندن سوره فاتحه بعد از طعام پس اطلاع نیافتم من بر آن در
کتابهای حدیث و سزاوار است که بشویند حاضران دستهای خود را همه در یک طشت
و برندارند و بر نریزند تا پر شود و سنت است خلال کردن و مکروه است ساختن آن از برگ
خرما و از نی و ریحان و مورد و انار و سزاوار است بیرون انداختن آنچه بیرون آید از میان
دندانها بخلال و فرو بردن آنچه بیرون آید بزبان و سزاوار است که بوده باشد آنچه
میخوری تو موافق آنچه خواهند آنرا عیال تو نه آنچه میخواهی آنرا تو نه ایشان پس بتحقیق که

روایت

بعد ما جاءهم العلم بغیاً بینهم و من یکفر بآیات الله فان الله سریع الحساب
منافع این آیت در محبت است بیاورد کوزه نو و بیست و یک نوبت بر او بخواند و در آن اندکی شکر در افکند و بخورد مطلوب هر مرادش میسر گردد بقدرت حق تعالی آیت
زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین والقناطیر المقنطرة من الذهب والفضة والخیل المسومة والانعام والحرث ذلک متاع الحیوة الدنیا والله عنده حسن المآب
هر کس تلاوت این آیت در عقب نمازها نافله کند وقت کار در فراخ روزی گردد و هر مرتبه بزرگی رسد و از اشراف الناس شود و اگر علم مخفی بر وی کشف گردد مثل کیمیا و سیمیا و مانند آن چهل روز صایم شود و مثل ترک حیوانی کند و بجیزی علاج کند و افطار ... و هر روز هزار نوبت بخواند در آخر روز مراد خود

برسد

روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی از حضرت صادق ع که فرمودند که پیغمبر
صلی الله علیه و آله که مؤمن میخورد بخواهش اهل خود و منافق میخورد اهل او
بخواهش او و اما آداب آشامیدن آب پس اینست که بگوئی نزد آشامیدن آب
الحمد لله منزل الماء من السماء و مصرف الامر کیف یشاء بسم الله
خیر الاسماء و میگوئی بعد از آشامیدن آب الحمد لله الذی سقانی ماء عذباً
و لم یجعله ملحاً اجاجاً بذنوبی الحمد لله الذی سقانی فاروانی و اعطانی
فارضانی و عافانی و کفانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه فی
المعاد من حوض محمد صلی الله علیه و آله و تسعده بمرافقته برحمتک
یا ارحم الراحمین و سنت است آشامیدن آب آهسته آهسته نه یکبار پس بتحقیق
که روایت شده است از پیغمبر صلی الله علیه و آله که آشامیدن آب بیکدم عبّا مورث کباد است
و سزاوار است که بیاشامی آب را بدست خود و بسه نفس و حمد کنی خدا را بعد از هر نفسی
و سؤال کرده شده است از حضرت صادق ع از آشامیدن بیک نفس پس فرمودند که اگر آنکه آب میدهد
تو بنده تو باشد پس بیاشام بسه نفس و اگر آزاد باشد بیاشام بیک نفس و بتحقیق که
روایت شده است که هر که بیاشامد آب پس باز گیرد آنرا و حمد کند خدا را سه مرتبه
واجب میشود از برای او بهشت و بسیار مخور آب پس بتحقیق که روایت شده است از
حضرت صادق ع که پرهیز از بسیار خوردن آب پس بدرستیکه آن ماده هر دردی است
و روایت شده است که هر که بیاشامد آب پس یاد کند حضرت امام حسین ع و لعن کند
کشندگان او را مینویسد خدای تعالی از برای او صد هزار حسنه و ساقط میکند از او صد
هزار گناه و بلند میکند از برای او صد هزار درجه و بمنزله آنست که آزاد کرده باشد
هزار بنده باب سیم در آنچه کرده میشود میان زوال آفتاب تا غروب و بعد در این باب مقدمه است

برسد قل اللهم ... من تشاء بغیر حساب تا آخر
اذ قالت امرأت عمران رب انی نذرت لک ما فی بطنی محرراً فتقبل منی انک انت السمیع العلیم فلما وضعتها قالت رب انی وضعتها انثی والله اعلم بما وضعت و لیس الذکر کالانثی و انی سمیتها مریم و انی اعیذها بک و ذریتها من الشیطان الرجیم فتقبلها ربها بقبول حسن و انبتها نباتاً حسناً و کفلها زکریا کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقاً قال یا مریم انی لک هذا قالت هو من عند الله ان الله یرزق من یشاء بغیر حساب
هر کسی را فرزند نباشد و یا در وجود آید خطا کند این آیت را بر لوح نقره در شرف شمس نقش سازد و سه روز و سه شب ... و زن آنرا در گردن تعلیق سازد خدای تعالی فرزندی مقبول کرامت کند اما نقاش باید که طاهر و صایم باشد
اینست آیت
تمام

وچند فضل است روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله که فرموده که در زوال افتاب میشود کشوده میشود درهای اسمان و درهای بهشت و مستجاب میشود دعا پس خوشا حال کسی را که بالا برده شود از برای او عمل صالح و روایت کرده شده است نیز از پیغمبر صلی الله علیه واله که فرمود که افتاب را نزد زوال حلقه است که داخل میشود در ان پس هرگاه داخل شود در ان زایل میشود افتاب پس تسبیح میکند هر چیز که پائین عرش است بحمد پروردگار من عز وجل و ان ساعتیست که صلوات میفرستد بر من در ان پروردگار جل جلاله و فرض کرده است بر من و بر امت من در ان نماز و فرموده است اقم الصلوة لدلوک الشمس الی غسق اللیل یعنی بپا دار نماز را از زوال افتاب تا نصف شب و این ساعتیست که می اورند در ان جهنم را در روز قیامت پس نیست مومنی موافق افتاده باشد ان ساعت را باینکه بوده باشد در ان ساعت را اینکه بوده باشد او سجده کننده یا رکوع کننده یا ایستاده مگر اینکه حرام گرداند خدای تعالی بدن او را بر اتش و سزاوار است برخواستن بسوی نماز در اول وقت ان خواه نماز واجب باشد یا سنت مگر انچه استثنا شده پس بدرستیکه فضل اول وقت بر اخر ان مثل فضل اخرتست بر دنیا چنانکه روایت شده از حضرت صادق ع و روایت شده نیز از ان حضرت ع که اول وقت خشنودی خدای تعالی است و اخر ان عفو خدا و ظاهر اینست که این فضیلت دریافته میشود بمشغول شدن در اول وقت بمقدمات نماز مانند طهارت بی سستی و درنگ چنانکه گفته شهید ره و موقوف نیست دریافتن ان بر داخل شدن در نماز در اول وقت و اما انچه در بعضی روایات مذکور شده که ظاهرش خلاف اینست چنانکه روایت شده از ائمه ع که توقیر و تعظیم نکرده است نماز را که تاخیر کرده است طهارت را تا اینکه

داخل وقت شود پس نیافته ام من از برای او سندی که اعتماد باشد بر ان و بر تقدیر اندک عمل بانچه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از حضرت صادق ع که هر که بشنود چیزی از ثواب بر چیزی پس بکند انرا خواهد بود از برای او اجر ان و هر چند نبوده باشد حدیث چنانکه رسیده است باو پس ان ضرر نمیکند ما را چه ان دلالت نمیکند مگر بر اینکه در میان در امدن طهارت میان اول وقت و سزاوار است انتظار کشیدن نماز و مشرف شدن بسوی وقت ان چنانکه روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه واله انتظار میکشیدند وقت نماز را و میفرمودند ارحنا یا بلال یعنی داخل کن بر ما راحت را ای بلال باعلام کردن بداخل شدن وقت چنانکه فرموده است قره عین من در نماز است و اول زوال شروع کردن سایه است در زیادتی بعد از کم شدن یا حادث شدن ان بعد از ظرف شدن پس بدرستیکه هرچند زیاده میشود بلندی افتاب یاد میشود کم شدن سایه تا اینکه هرگاه برسد افتاب بانچه نهایت بلندی انست در ان روز و میرسد سایه بانچه نهایت بلندی انست در ان روز یا بالکلیه بر طرف میشود و این نزد رسیدن افتاب است بدایره نصف النهار یعنی منتصف مابین مشرق و مغرب و معلوم است که در این وقت اوضاع افتاب نسبت بساکنان بعضی اقالیم میباشد در وقت زوال در طرف جنوب از سمت الراس ایشان و نسبت ببعضی در طرف شمال و نسبت ببعضی مقابل سر ایشان می افتد پس در ان دو موضع اول بر طرف نمیشود سایه در منتصف روز بلکه میماند درین وقت در انتهای کوتاهی ان بقیه از سایه کشیده بطرف شمال یا جنوب و درین دو حال شروع سایه در زیادتی اول وقت زوالست و در موضع سیم بر طرف میشود سایه بالکلیه و اول ظاهر شدن ان اول وقت زوالست و سایه شاخص را پیش از زوال ظل میگویند و بعد از ان فی میگویند چه فی بمعنی رجوع است و سایه بعد از زوال رجوع میکند بتدریج بمقداری که داشت پیش از

رفع خفقان ذکر یا دبه قال رب هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء فنادته الملائکة وهو قائم یصلی فی المحراب ان الله یبشرک بیحیی مصدقا بکلمة من الله وسیدا وحصورا ونبیا من الصالحین قال رب انی یکون لی غلام وقد بلغنی الکبر وامراتی عاقر قال کذلک الله یفعل ما یشاء کی دا شغلی و علی بسته باشند بنویسد [illegible] دهد فتح [illegible] قل ان الفضل بید الله یؤتیه من یشاء والله واسع علیم یختص برحمته من یشاء والله ذو الفضل العظیم اگر کسی را خفقان دل باشد این ابت را بر کوزه سفالین بنویسد و [illegible] چشم افکند کرد [illegible] اب را بخورد [illegible] کرد ابت افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه

یرجعون قل امنا بالله وما انزل علینا وما انزل علی ابراهیم واسمعیل واسحق ویعقوب والاسباط وما اوتی موسی وعیسی والنبیون من ربهم لا نفرق بین احد منهم ونحن له مسلمون ومن یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه وهو فی الاخرة من الخاسرین اگر کسی [illegible] باشد [illegible] این ایات را [illegible] لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون وما تنفقوا من شیء فان الله به علیم کل الطعام کان حلا لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه من قبل ان تنزل التوریة قل فاتوا بالتوریة فاتلوها ان کنتم صادقین اگر کسی این ایات را بنویسد بر دیبای سفید و مقداری عنبر اشهب در ان [illegible] بکلاه دوزد

زوال ومیکشد وقت فضیلت نماز ظهر از زوال تا اینکه بگردد فیء یعنی سایه که حادث
میشود بعد از زوال مساوی شاخص و وقت فضیلت نماز ظهر از زوال تا اینکه بگردد
فیء یعنی سایه که حادث میشود بعد از زوال مساوی شاخص و وقت فضیلت عصر تا اینکه
بگردد فیء دو برابر شاخص و سنتست تاخیر کردن هر یک از فریضه ظهر و عصر
از اول وقت آن بمقدار اینکه بگذاری نافله آنرا و کسی که نافله آنرا نمیگذارد پس سزاوار
نیست از برای او تاخیر از اول وقت فضیلت و مشهور اینست که وقت نافله ظهر و آنرا صلوة
اوابین میگویند از زوالست تا اینکه بگردد فیء دو قدم یعنی بقدر دو هفت شاخص چه غالب
اینست که قامت هر شخص بقدر هفت قدم است بقدم خودش و وقت نافله عصر و آنرا سبحه
میگویند از فارغ شدن از ظهر تا اینکه بگردد سایه چهار قدم و بعضی از علمای ما برآنند
که میکشد وقت این نافلها بکشیدن وقت فضیلت فریضه آنها پس نافله ظهر تا اینکه
بگردد سایه مثل شاخص و نافله عصر تا اینکه بگردد دو برابر آن و این قول دور نیست
و در سنتهای معتبره دلالت بر آن هست بلکه در بعضی احادیث واقع شده آنچه دلالت میکند بر اهت[?]
ظاهرا بر آنچه زیاده از این توسعه است چنانکه روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب
بسند صحیح از حضرت صادق ع که فرموده نماز سنت بمنزله هدیه است هرگاه آورده شود
آن قبول کرده میشود پس مقدم دار هر چه را خواهی و مؤخر دار هر چه را خواهی و لیکن
نمیدانم کسی از علمای ما را که عمل کرده باشد بانچه مستفاد میشود از اطلاق این روایت از
توسعه در تقدیم و تاخیر و گویا مراد بتقدیم اداست و بتاخیر قضا والله اعلم و مشهور
میان علما قدس الله ارواحهم اینست که جایز نیست اعتماد بر ظن بداخل شدن وقت مگر با
عدم قدرت بر تحصیل علم است پس جایز نیست در آن اعتماد بر خبر یک عادل و نه بر اذان شهر
هر چند مؤذن عادل باشد مگر با عجز از علم و ظاهر کلام محقق در معتبر اینست که جایز است

اعتماد

اعتماد بر اذان یک عادل اما خبر دادن دو عادل یا اذان ایشان پس ظاهر جواز اعتماد
بر آن است هر چند قادر باشد بر آنکه علم شرعی حاصل است بان و سزاوار است از
برای کسی که اعتنا داشته باشد بشان نوافل و اهتمام بدریافتن فضیلت اول وقت
اینکه آماده کرده باشد و در صحن خانه خود یا بر بام خود چوب راستی که نصب کرده شده
باشد در مکان هموار و باید که از راست نصب شده باشد که بهیچ طرف میل
نکرده باشد بهفت حصه پس هرگاه برسد سایه بنهایت نقصان و ابتدا کند در زیاد
یا در حادث شدن پس شروع کند در نافله ظهر اگر کسی است که توفیق داده است خدا
تعالی او را ببجا آوردن نوافل یا ادای ظهر در اول وقت آن اگر محروم است
از آن سعادت و تفحص کند سایه را پس هرگاه بگردد بقدر دو سبع شاخص یا مثل
آن بنابر خلاف مشخص شود برای نافله گذار بیرون رفتن وقت نافله ظهر پس اگر در این
وقت هنوز تمام نکرده باشد یک رکعت آنرا ترک کند نافله را و مشغول شود بفریضه
و اگر تمام کرده است یک رکعت آنرا و تمامی رکعت باین میشود که فارغ شده باشد از ذکر
سجده دویم و هر چند بر نداشته باشد سر را از آن پس مقدم دارد هفت رکعت باقی را بر فریضه
و ظاهر تر آنست که شش رکعت باقی در این هنگام اداست زیرا که هشت رکعت در حکم
یک نماز است بعد از آن میگذارد نماز ظهر را و تفحص میکند سایه را بعد از آن پس اگر نرسیده
باشد بچهار سبع شاخص یا دو برابر آن و بنا بر آنچه گذشت از خلاف پس شروع میکند در نافله
عصر و اگر رسیده باشد معلوم میشود بیرون رفتن وقت آن و خواهد بود حال آن در
ترک آن و مقدم داشتن بر فریضه مثل حال نافله ظهر چنانکه گذشت و آنچه مذکور شد در
غیر روز جمعه است و در جمعه زیاد میشود بر این دو هشت رکعت چهار رکعت دیگر و میگذارد از این
بیست رکعت هیجده رکعت را پیش از زوال در حالیکه سه حصه کرده باشد آنرا ثلث آنرا که

شش

شش رکعت باشد در وقت پهن شدن افتاب و ثلث دیگر در وقت بلند شدن ان و ثلث دیگر در وقت راست ایستادن ان و میگذارد باید دو رکعت را بعد از زوال

فصل

انچه بجامی اوردی بعد از مشخص شدن زوال اینست که بخوانی انچه را روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه که حضرت باقر علیه السلام تعلیم کرده است انرا بمحمد بن مسلم و فرموده است باو محافظت کن بر این چنانکه محافظت میکنی بر چشمهای خود و ان اینست سُبْحَانَ اللّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا بعد از ان بشتاب بسوی وضو بعد از ان شروع میکنی در نافله زوال پس نیت میکنی دو رکعت اول را و میگوئی هفت تکبیر را با دعاهای انها بر نحوی که گذشت ذکر ان در باب اول بعد از ان میگوئی اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ و میخوانی بعد از فاتحه در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دویم سوره جحد چنانکه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن بعد از سلام میدهی و میگوئی ان سه تکبیر را که بعد از نماز سنت است چنانکه گذشت و تسبیح فاطمه بعد از ان میگوئی اَللّٰهُمَّ اِنِّی ضَعِیفٌ فَقَوِّ فِی رِضَاکَ ضَعْفِی وَخُذْ اِلَی الْخَیْرِ بِنَاصِیَتِی وَاجْعَلِ الْاِیمَانَ مُنْتَهٰی اَمَلِی وَرِضَایَ وَبَارِکْ لِی فِیمَا قَسَمْتَ لِی وَبَلِّغْنِی بِرَحْمَتِکَ کُلَّ الَّذِی اَرْجُو مِنْکَ وَاجْعَلْ لِی وُدًّا وَسُرُورًا لِلْمُؤْمِنِینَ وَعَهْدًا عِنْدَکَ بعد از ان میگذاری دو رکعت دیگر به همان نحو بغیر شش تکبیر که در اول نماز گفته میشود با دعاهای انها بعد از ان دو رکعت دیگر مثل انها و میخوانی بعد از هر یک از این دو رکعتها تعقیب و دعائی را که مذکور شدند و بعد از انکه تمام کردی شش رکعت را با توابع ان برخیزی و اذان میگوئی از برای ظهر و فاصله میکنی میان اذان و اقامت بدو رکعت بر همان منوال و این دو رکعت هفتم و هشتم اند از نافله ظهر بعد از ان اقامه میگوئی و میگوئی بعد از اقامه اَللّٰهُمَّ

بحق مهربانی
بشری لکم
ولتطمئن قلوبکم
وما النصر الا
من عند الله
العزیز
الحکیم
اگر بزرگی
بر بنده
خود خشم گرفته
باشد ان
بنده باید که
ایات را بنویسد
در برابر روی
همانجا که
جای نشستن
او باشد
مدفون سازد
مشفق گردد
ایت اینست الذین
ینفقون فی السراء و
الضراء والکاظمین

رَبِّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ الْقَائِمَةِ بَلِّغْ مُحَمَّدًا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِیلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِیلَةَ بِاللّٰهِ اَسْتَفْتِحُ وَبِاللّٰهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاجْعَلْنِی عِنْدَکَ وَجِیهًا فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِینَ بعد از ان مشغول شو بنماز ظهر و رعایت کن جمیع انچه رعایت کردی در نماز صبح از اعمال واجبه و سنت بکن قرائت را بغیر بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ و میخوانی در رکعت اول سوره سبح اسم ربک الاعلی یا والشمس یا انچه شبیه انها باشد در درازی چنانکه روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب از حضرت صادق بسند صحیح و برخیز بعد از تشهد اول و گوینده انچه را میگفتی نزد برخواستن برای رکعت دویم و بخوان حمد را یا تسبیحات اربع را سه مرتبه اضافه کنند با انها استغفار را بعد از ان تکبیر بگو برای رکوع بردارنده دستها را چنانکه گذشت و رکوع بکن و سجود بکن بر نحوی که گذشت بعد از ان برخیز و بجا اور رکعت دیگر بر همان نحو بعد از ان تشهد بخوان و سلام بده بعد بعد از ان سه تکبیر را که در تعقیب صبح مذکور شد میگوئی بعد از ان لا اله الا الله الها واحدا و نحن له مسلمون تا اخر دعا چنانکه گذشت در تعقیب صبح بعد از ان تسبیح میکنی بتسبیح حضرت فاطمه و میخوانی هر چه را خواهی از دعاهائی که پیش ذکر کردیم در تعقیب نماز صبح غیر ذکرهائی که مخصوص بتعقیب صبح است و دعائی که متضمن ذکر دخول در صباح است مثل ان سه دعای اخر بعد از ان میگوئی یَا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِیلَ وَسَتَرَ الْقَبِیحَ یَا مَنْ لَمْ یُؤَاخِذْ بِالْجَرِیرَةِ وَلَمْ یَهْتِکِ السِّتْرَ یَا کَرِیمَ الصَّفْحِ یَا عَظِیمَ الْمَنِّ یَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ یَا بَاسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَةِ یَا سَامِعَ کُلِّ نَجْوٰی وَیَا مُنْتَهٰی کُلِّ شَکْوٰی یَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا یَا رَبَّاهُ یَا رَبَّاهُ یَا

العافین عن الناس والله
یحب المحسنین والذین اذا فعلوا
فاحشة او ظلموا انفسهم ذکروا الله
فاستغفروا لذنوبهم ومن یغفر
الذنوب الا الله ولم یصروا علی
ما فعلوا وهم یعلمون اولئک جزاؤهم
مغفرة من ربهم وجنات تجری
من تحتها الانهار خالدین فیها ونعم
اجر العاملین
اگر خواهد که در دل
دشمن خوف و هراس اندازد تا اگر
در کارزار و در خصم در دنبال او نیاید
دست بیابد که نتواند بر او ظفر یابد
و بر روی شغال چهار ده ایه را بر روی
از طرف بردارد تا دشمن دنبال او نیاید
بر وی خواند و بر دارد
ایه اینست سنلقی فی قلوب الذین
کفروا الرعب بما اشرکوا بالله
ما لم ینزل به سلطانا وماویهم
النار وبئس مثوی الظالمین ولقد
صدقکم الله وعده اذ تحسونهم باذنه
حتی اذا فشلتم وتنازعتم فی الامر و
عصیتم من بعد ما اریکم ما تحبون منکم
من یرید الدنیا

باب سیم در تعقیب نماز ظهر

رباه یا سیداه یا سیداه یا غایة رغبتاه یا ذا الجلال والاکرام
اسألك بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسین وعلي ومحمد و
جعفر وموسی وعلي ومحمد وعلي والحسن ومحمد صاحب الزمان
سلام الله علیهم ان تصلی علی محمد وال محمد وان تکشف کربی وتغفر
ذنبی وتنفس همی وتفرج غمی وتصلح شأنی فی دینی ودنیای وان تدخلنی الجنة
ولا تشوه خلقی بالنار ولا تفعل بی ما انا اهله برحمتك یا ارحم الراحمین
بعد از ان میگوئی یا سامع کل صوت یا جامع کل فوت یا باری النفوس
بعد الموت یا باعث یا وارث یا سید السادات یا اله الالهة یا جبار الجبابرة
یا ملك الدنیا والاخرة یا رب الارباب یا ملك الملوك یا بطاش ذا البطش الشدید
یا مبدئ یا معید یا فعالا لما یرید یا محصی عدد الانفاس ونقل الاقدام یا من
السر عنده علانیة اسألك بحق خیرتك من خلقك وبحقهم الذی اوجبت لهم
علی نفسك ان تصلی علی محمد واله وان تمن علی الساعة بفكاك رقبتی
من النار وان تنجز لولیك وابن نبیك الداعی الیك باذنك وامینك فی خلقك
وعینك فی عبادك وحجتك علی خلقك علیه صلواتك وبركاتك وعده
اللهم ایده بنصرك وقو اصحابه وصبرهم واجعل لهم من لدنك سلطانا نصیرا و
عجل فرجه ومكنه من اعدائك واعداء رسولك یا ارحم الراحمین بعد از ان
میگوئی اللهم رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما
بینهن وما تحتهن ورب العرش العظیم ورب جبرئیل ومیكائیل و
اسرافیل ورب السبع المثانی والقرآن العظیم ورب محمد خاتم
النبیین صل علی محمد وال محمد واسألك باسمك الاعظم الذی به تقوم

السموات والارض وبه تحیی الموتی وترزق الاحیاء وتفرق بین المجتمع و
تجمع بین المتفرق وبه احصیت عدد الاجال ووزن الجبال وكیل
البحار اسألك یا من هو كذلك ان تصلی علی محمد وال محمد وان تفعل
بی كذا وكذا بعد از ان سؤال میکنی حاجت خود را بعد از ان سجده
میکنی در سجده شکر را و میگوئی در انها و بعد از انها انچه گذشت در تعقیب نماز صبح

فصل در بعد از انکه فارغ شدی از انچه متعلق است به نماز ظهر برخیز بنافله
عصر و تکبیرة الاحرام میگوئی جهت دو رکعت اول لیکن شش تکبیر دیگر زیراکه
سنت نیست انها در هیچ نافله مگر در جاهای اول زوال و اول نافله مغرب
و وتیره و یکرکعت اخر وتر و میخوانی در نافله عصر انچه خواهی از سورها و بهتر اینست که
بخوانی در ان دو رکعت از سورها انها را که ترغیب واقع شده است در انها از ائمه هدی علیهم السلام
و اختیار میکنی از انها انچه بیرون نرود وقت بخواندن ان و تحقیق روایت شده است از حضرت
باقر ع که هر که بخواند سوره صف را در نمازهای واجبی و سنتی خود بدارد خدای تعالی
او را در ردیف صف با ملائکه خود و پیغمبران خود و هم از حضرت است ع که هر که مداومت
کند بر خواندن سوره ق در نمازهای واجبی و سنتی خود فراخ گرداند خدای تعالی
بر او روزی او را و بدهد باو نامه اعمال او را بدست راست او و حساب کند او را حساب
اندك و هم از حضرت است ع که بسیار بکنید تلاوت سوره الحاقه را در نمازهای واجب و سنت
زیراکه این از جمله ایمان بخدای تعالی و رسول او است و هرگز زایل نمیشود از خواننده
ان ایمان تا انکه بمیرد و بعد از فارغ شدن از دو رکعت اول میگوئی اللهم انه
لا اله الا انت الحی القیوم العلی العظیم الحلیم الكریم الخالق الرازق المحیی
الممیت البدیع لك الحمد ولك المن ولك الكرم ولك الجود ولك الامر

وحدک لا شریک لک یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن
له کفوا احد و لم تتخذ صاحبة ولا ولدا صل علی محمد و آل محمد
وافعل بی کذا و کذا بعد از ان میگذاری دو رکعت دیگر و میگوئی بعد از انها
اللهم رب السموات السبع تا اخران بعد از ان میگذاری دو رکعت دیگر و
میگوئی بعد از انها اللهم انی ادعوک بما دعاک به عبدک یونس اذ ذهب
مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبت له و نجیته من الغم فانه دعاک و
هو عبدک و انا ادعوک و انا عبدک و سالک و هو عبدک و انا اسالک
و انا عبدک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تستجیب لی کما استجبت له
و ادعوک بما دعاک به عبدک ایوب اذ مسه الضر فدعاک انی مسنی
الضر و انت ارحم الراحمین فاستجبت له و کشفت ما به من ضر و آتیته اهله
و مثلهم معهم فانه دعاک و هو عبدک و انا ادعوک و انا عبدک و
سالک و هو عبدک و انا اسئلک و انا عبدک ان تصلی علی محمد و آل محمد
و ان تفرج عنی کما فرجت عنه و ان تستجیب لی کما استجبت له و
ادعوک بما دعاک به یوسف اذ فرقت بینه و بین اهله و اذ هو فی السجن
فانه دعاک و هو عبدک و انا ادعوک و انا عبدک و انا اسئلک و انا عبدک
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفرج عنی کما فرجت عنه و ان تستجیب لی
کما استجبت له فصل علی محمد و آل محمد وافعل بی کذا و کذا و ذکر میکنی حاجت خود را
و بعد از ان میگذاری دو رکعت اخر را و میگوئی بعد از ان یا من اظهر الجمیل و
ستر القبیح تا اخر و بعد از فارغ شدن از این اذان میگوئی برای نماز عصر و

فاصل

حصول محبت و اندوه و انفع · آیت را از اول سوره نسا بنویسد این بر قطعهٔ حریر سفید در شب ادینه بنویسد بنیت زن شوهر و نام مادر هر دو در زیر هر دو نشان ساطفن دبینا ایشان صفا و محبت پدید اید و هرگز دشمنی ایشان فرقت نیابد ببرکت قران عظیم سورة النساء آیت
بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا و نساء و اتقوا الله الذی تساءلون به و الارحام ان الله کان علیکم رقیبا · اگر خواستگاری نکو کند و بدو ندهند یا کسی مانع باشد در شب جمعه بدان نیت در خانه خاطر در اید این آیت را بر ورق نویسد و در برابر قبله در دیوار استوار کند هفت دو نوبت با خلاص برخواند مرادش حاصل گردد آیت فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع فان

فاصله میکنی میان اذان و اقامه بسجده و دعا میکنی بانچه گذشت در صبح و ظهر
بعد از ان مشغول شو بنماز عصر رعایت کنند جمیع اداب را که سابقا مذکور
شد و میخوانی در رکعت اول اذا جاء نصر الله و الفتح یا الهکم التکاثر و
مانند انها را در کوتاهی چنانکه روایت کرده است آن شیخ طایفه در تهذیب
از حضرت صادق بسند صحیح و بعد از فارغ شدن از نماز تعقیبات میکنی بانچه تعقیب
کردی بان در ظهر مگر انچه مخصوص بظهر است میگوئی بعد از ان انچه مخصوص
بعصر است و ان اینست استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم
ذو الجلال و الاکرام و اسئله ان یتوب علی توبة عبد ذلیل خاضع فقیر بائس
مسکین مستکین مستجیر لا یملک لنفسه ضرا و لا نفعا و لا موتا و لا حیوة و لا نشورا
اللهم انی اعوذ بک من نفس لا تشبع و من قلب لا یخشع و من علم لا ینفع و من
صلوة لا ترفع و من دعاء لا یسمع اللهم انی اسئلک الیسر بعد العسر و الفرج
بعد الکرب و الرخاء بعد الشدة اللهم ما بنا من نعمة فمنک وحدک
لا اله الا انت استغفرک و اتوب الیک و سنت است استغفار بعد از نماز عصر
هفتاد مرتبه و قراءت سورهٔ قدر ده مرتبه پس بتحقیق که روایت شده است از
حضرت صادق که فرموده که هر که استغفار کند بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه بیامرزد
خدای تعالی هفتصد گناه او را و از حضرت ابی جعفر ثانی که فرموده که هر که بخواند انا
انزلناه فی لیلة القدر ده مرتبه بعد از نماز عصر بگذرد از برای او بر مثل اعمال
خلایق در ان روز بعد از ان دو سجده شکر کن و بخوان در انها و بعد از انها از انچه را
پیش گذشت و باید که بوده باشد اخر انچه میخوانی اینکه بگوئی اللهم انی وجهت
وجهی الیک و اقبلت بدعائی علیک راجیا اجابتک طامعا فی مغفرتک

ذی · مکین

برای حاجت · بر آن مدین · خفتم الا تعدلوا فواحدة او ما ملکت ایمانکم ذلک ادنی · در ظرفی بمداد و در مقامی بنویسد در خواب نوم رفته باشد بیفشاند در خوابی نبی ان اعلام کنند از ان دون مراد خود · آیت ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعما یعظکم به ان الله کان سمیعا بصیرا · این آیت را هر کسی که حاجت دشوار حاصل گردد طلب دارد و ان حاجت دشوار حاصل گردد بنویسد در روز ادینه در طلوع شمس و در جامهٔ دختر بکر بچسباند و از گردن در اویزد و حاجات و مهمات برآید و از پادشاه کار او نیک گردد ببرکت قران · آیت من یشفع شفاعة حسنة یکن له نصیب منها و من یشفع شفاعة سیئة یکن له کفل منها و کان الله علی کل شیء مقیتا و اذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها ان الله کان علی کل شیء حسیبا الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة

طامعا مغترا بک طالبا ما اویت به علی نفسک متنجزا وعدک اذ تقول
ادعونی استجب لکم فصل علی محمد وال محمد واقبل الی بوجهک
وارحمنی واستجب دعائی فصل بتحقیق که گذشت که روز قسمت شده
بدوازده ساعت و هر یک از انها منسوبست بیکی از ائمه اثنی عشر
صلوات الله علیهم و از برای هر یک از انها دعائیست که مخصوص بانست و بتحقیق ما ذکر کردیم
دعاهای چهار ساعت را که منسوبست بیکی از ائمه یعنی امام علیهم السلام و
میگوئیم در این مقام واما ساعت پنجم پس از زوال افتاب است تا گذشتن بمقدار
چهار رکعت و این از حضرت باقر است و این دعای انست و بهتر انست که بخوانی بعد از
رکعت ... نافله زوال اللهم انت الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تأخذه
سنة ولا نوم هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن
الرحیم هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو بکل شیء علیم فالق
الاصباح وجاعل اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا ذلک تقدیر
العزیز العلیم یا غالبا غیر مغلوب ویا شاهدا لا تغیب یا قریبا غیر بعید ذلکم الله
ربی لا اله الا هو علیه توکلت والیه انیب اتذلل الیک تذلل الطالبین
واخضع بین یدیک خضوع الراغبین واسئلک سؤال الفقیر المسکین
وادعوک تضرعا وخفیة انک لا تحب المعتدین وادعوک خوفا وطمعا
ان رحمتک قریب من المحسنین واتوسل الیک بخیرتک وصفوتک من
العالمین الذی جاء بالصدق وصدق المرسلین محمد عبدک و
رسولک النذیر المبین وبولیک وعبدک علی بن ابی طالب امیر
المؤمنین وبالامام محمد بن علی باقر علوم الاولین والاخرین والعالم بتاویل

الکتاب المستبین واسئلک بمکانهم عندک واقدمهم امامی وبین
یدی حوائجی ان توزعنی شکر ما اولیتنی من نعمتک وتجعل لی فرجا و
مخرجا من کل کرب وغم وترزقنی من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب
وتیسر لی من فضلک ما تغنینی به عن کل مطلب واقذف فی قلبی رجائک
واقطع رجائی ممن سواک حتی لا ارجو الا ایاک انک تجیب الداعی اذا
دعاک وتغیث الملهوف اذا ناداک وانت ارحم الراحمین واما ساعت ششم
پس از گذشتن مقدار چهار رکعت است از زوال تا نماز ظهر و این از حضرت
صادق است و این دعای انست و خوبست که بخوانی انرا بعد از رکعت ششم از
نافله زوال اللهم انت انزلت الغیث برحمتک وعلمت الغیب بمشیتک
ودبرت الامور بحکمتک وذللت الصعاب بعزتک واعجزت العقول
عن علم کیفیتک وحجبت الابصار عن ادراک صفتک والاوهام عن
حقیقة معرفتک واضطررت الافهام الی الاقرار بوحدانیتک یا من یرحم
العبرة ویقیل العثرة لک العزة والقدرة لا یعزب عنک فی الارض ولا
فی السماء مثقال ذرة اتوسل الیک بالنبی الامی محمد رسولک العربی
المکی المدنی الهاشمی الذی اخرجتنا به من الظلمات الی النور وبامیر
المؤمنین علی ابن ابی طالب الذی شرحت بولایته الصدور وبالامام
جعفر بن محمد الصادق فی الاخبار المؤتمن علی مکنون الاسرار صلی
الله علیه وعلی اهل بیته بالعشی والابکار اللهم انی اسئلک بهم
واستشفع بمکانهم لدیک واقدمهم امامی وبین یدی حوائجی ان تعطینی
الفرج المنجی والمخرج الوحی والنصر القریب والامان من الفزع فی الیوم

العصیب وان تغفر لی موبقات الذنوب وتستر علی فاضحات العیوب
فانت الرب وانا المربوب وانا الطالب وانت المطلوب وانت الذی
تقذف بالحق وانت علام الغیوب یا اکرم الاکرمین ویا خیر الفاصلین
ویا احکم الحاکمین ویا ارحم الراحمین واما ساعت هفتم پس از نماز
ظهر است تا گذشتن مقدار چهار رکعت پیش از عصر واین از حضرت
کاظم است واین دعای آنست اللهم انت المرجو اذا اشتد الامر وانت
المدعو اذا مس الضر ومجیب الملهوف المضطر والمنجی من ظلمات البر والبحر
ومن له الخلق والامر والعالم بوساوس الصدر والمطلع علی خفی السر یا
غایة کل نجوی ومنتهی کل شکوی یا من له الحمد فی الآخرة و
الاولی یا من خلق الارض والسموات العلی الرحمن علی العرش استوی له
ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما وما تحت الثری وان تجهر
بالقول فانه یعلم السر واخفی الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی اسئلک
بمحمد خاتم النبیین وخیرتک من خلقک والمؤتمن علی اداء رسالتک و
بامیر المؤمنین علی بن ابی طالب الذی جعلت ولایته مفروضة مع
ولایتک ومحبته مقرونة برضاک ومحبتک وبالامام الکاظم موسی
ابن جعفر علیهما السلام الذی سئلک ان تفرغه لعبادتک وتخلیه
لطاعتک فاجبت دعوته ان تصلی علی محمد وآله صلوة تقضی بها عنی
واجب حقوقهم وترضی بها فی اداء فروضهم واتوسل الیک بهم و
استشفع بمنزلتهم وقد قدمتهم امامی وبین یدی حوائجی ان تجزینی
علی جمیل عوائدک وتمنحنی جزیل فوائدک وتاخذ بسمعی وبصری وعلانیتی

در اداء حاجت روز آدینه در طلوع الشمس خاتمی نویسد
و بر بازوی بندد اینست دهیچکس با او
مقاومت نتواند کردن ودر چشم مردم
با هیبت باشد اینست یا ایها الناس
قد جاءکم برهان من ربکم وانزلنا
الیکم نورا مبینا فاما الذین آمنوا
بالله واعتصموا به فیدخلهم فی رحمة
منه وفضل ویهدیهم الیه صراطا
مستقیما منافع سوره مایده هر کو
این سوره هفت نوبت برخواند و آنرا
در کاسه بنویسد و اگر این را بر شراب جاج خواند
و بعسل بشوید و بیاشامد درد دل
هرگز نباشد و از خفقان نیز سالم گردد
وچیزها بر خاطرش منکشف کردد
آیت اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود
احلت لکم بهیمة الانعام الا ما
یتلی علیکم غیر محلی الصید وانتم حرم
ان الله یحکم ما یرید اگر کسی خواهد که
کسی را از شرب خمر و شبهه باز دارد باید
که شب جمعه غسل کند باب باران و بقیه آن
آب را هفتاد نوبت

وسری وناصیتی وقلبی وعزیمتی ولی الی ما تعیننی به علی هواک و
تقربنی من اسباب رضاک وتوجب لی نوافل فضلک وتستدیم لی
منائح طولک یا ارحم الراحمین فصل واما ساعت هشتم
پس از گذشتن چهار رکعت است پیش از عصر تا نماز عصر واین از حضرت
امام رضا واین دعای آنست اللهم انت الکاشف للملمات والکافی
للمهمات والمفرج للکربات والسامع للاصوات والمخرج من الظلمات و
المجیب للدعوات الراحم للعبرات جبار الارض والسموات یا ولی یا مولی یا
علی یا اعلی یا کریم یا اکرم یا من له الاسم الاعظم یا من علم الانسان ما لم
یعلم فاطر السموات والارض وهو یطعم ولا یطعم اسئلک بمحمد المصطفی من
الخلق المبعوث بالحق وبامیر المؤمنین الذی اولیته فالفیته شاکرا
وابتلیته فوجدته صابرا وبالامام الرضا علی بن موسی الذی وفی
بعهدک ووثق بوعدک واعرض عن الدنیا وقد اقبلت الیه ورغب عن
زینتها وقد رغبت فیه ان تصلی علی محمد وآل محمد فقد توسلت بهم
الیک وقدمتهم امامی وبین یدی حوائجی ان تهدینی الی سبل مرضاتک
وتیسر لی اسباب طاعتک وتوفقنی لابتغاء الزلفة بموالات اولیائک
وادراک الحظوة من معادات اعدائک وتعیننی علی اداء فروضک و
استعمال سنتک وتوفقنی علی المحجة المؤدیة الی العتق من عذابک والفوز
برحمتک یا ارحم الراحمین واما ساعت نهم پس از نماز عصر است تا اینکه بگذرد
دو ساعت واین از حضرت جواد است واین دعای آنست اللهم یا خالق الانوار ومقدر
اللیل والنهار تعلم ما تحمل کل انثی وما تغیض الارحام وکل شیء عنده بمقدار

قطع احرام بر خواند و بار دیگر
در قصه حجون با زنان پیر و سر عدد قرص بر گردنش
و بخورد آنکس در مسجد الحرام بر دلش سرد کنند آیت
تا زنده باشد یاد حرام نکند
حرمت علیکم المیتة والدم و
لحم الخنزیر وما اهل لغیر الله به و
المنخنقة والموقوذة والمتردیة و
النطیحة وما اکل السبع الا ما ذکیتم
وما ذبح علی النصب وان تستقسموا
بالازلام ذلکم فسق الیوم یئس
الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم
واخشون الیوم اکملت لکم دینکم
واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم
الاسلام دینا اگر کسی کاهل نماز
باشد و خواهد که این ابر نماز حریص
گرداند چنانکه یک نماز از او فوت نشود
آیت یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الی
الصلوة فاغسلوا وجوهکم وایدیکم
الی المرافق وامسحوا برؤسکم وارجلکم
الی الکعبین اگر خواهد میان دو محرم
فرقت و قطعیت اندازد چنانکه
تا قیامت میان ایشان الفت نباشد
این آیت را روز شنبه

اِذا تفاقَم اَمرٌ طُرِحَ علیكَ واِذا غُلِّقَتِ الاَبوابُ فَصْلكَ واِذا ضاقَتِ الحاجاتُ
فَزِعَ اِلی سِعَةِ طَولِكَ واِذا انقَطَعَ الاَمَلُ مِنَ الخَلْقِ اتَّصَلَ بكَ واِذا وَقَعَ الیأسُ
مِنَ النّاسِ وَقَفَ الرَّجاءُ علیكَ اَسئَلُكَ بِحَقِّ النَّبیِّ الاَوّابِ الَّذی اَنزَلتَ
علیهِ الكتابَ وَنَصَرتَهُ علی الاَحزابِ وَهَدَیتَنا بهِ اِلی دارِ المَآبِ وَبِاَمیرِ
المُؤمِنینَ عَلیِّ بنِ اَبی طالبٍ الكریمِ النِّصابِ المُتَصدِّقِ بِخاتَمِهِ فی
المِحرابِ وَبِالاِمامِ الفاضِلِ مُحَمَّدِ بنِ عَلیٍّ علیهِ السَّلامُ الَّذی سُئِلَ فَوَفَّقتَهُ
لِرَدِّ الجَوابِ وَامتُحِنَ فَعَضَدتَهُ بِالتَّوفیقِ وَالصَّوابِ صَلَّی اللهُ علیهِ وَعَلی اَهلِ
بَیتِهِ الاَطهارِ اَن تَجعَلَ مَوالاتی لَهُم عِصمَةً مِنَ النّارِ وَنَجاةً اِلی دارِ القَرارِ
فَقَد تَوَسَّلتُ بِهِم اِلَیكَ وَقَدَّمتُهُم اَمامی وَبَینَ یَدَی حَوائِجی وَاَن
تَعصِمَنی مِنَ التَّعَرُّضِ لِمَواقِفِ سَخَطِكَ وَتُوَفِّقَنی لِسُلوكِ سَبیلِ مَحَبَّتِكَ
وَمَرضاتِكَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ واما ساعت دهم پس از دو ساعت است بعد
از نماز عصر است تا نزدیك زردی آفتاب و این از حضرت هادی است و این دعای
انست اَللّهُمَّ اَنتَ الوَلیُّ الحَمیدُ الغَفورُ الوَدودُ المُبدِئُ المُعیدُ ذُو
العَرشِ المَجیدِ وَالبَطشِ الشَّدیدِ فَعّالٌ لِما یُریدُ یا مَن هُوَ اَقرَبُ اِلَیَّ مِن حَبلِ
الوَریدِ یا مَن هُوَ عَلی كُلِّ شَیءٍ شَهیدٌ یا مَن لا یَتَعاظَمُهُ غُفرانُ الذُّنوبِ وَلا
یَكبُرُ علیهِ الصَّفحُ عَنِ العُیوبِ اَسئَلُكَ بِجَلالِكَ وَبِنورِ وَجهِكَ الَّذی مَلَأَ
اَركانَ عَرشِكَ وَبِقُدرَتِكَ الَّتی قَدَرتَ بِها عَلی خَلقِكَ وَبِرَحمَتِكَ الَّتی وَسِعَت
كُلَّ شَیءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتی ضَعُفَ لَها كُلُّ قَوِیٍّ وَبِعِزَّتِكَ الَّتی ذَلَّ لَها كُلُّ عَزیزٍ
وَبِمَشِیَّتِكَ الَّتی ضَعُفَ (صَغُرَ) فیها كُلُّ كَبیرٍ وَبِرَسولِكَ الَّذی رَحِمتَ بِهِ العِبادَ وَ
هَدَیتَ بِهِ اِلی سُبُلِ الرَّشادِ وَبِاَمیرِ المُؤمِنینَ عَلیِّ بنِ اَبی طالِبٍ اَوَّلِ مَن آمَنَ

اختصار امره نمود دشمن

عند الطلوع بنویسد بر طاس مسین مملو بشوید و بدهد شخص مقصود یا شامد عداوت و فرقه در میان واقع شود
ایت وَمِنَ الَّذینَ قالوا اِنّا نَصاری اَخَذنا میثاقَهُم فَنَسوا حَظًّا مِمّا ذُكِّروا بِهِ فَاَغرَینا بَینَهُمُ العَداوَةَ وَالبَغضاءَ اِلی یَومِ القِیٰمَةِ وَسَوفَ یُنَبِّئُهُمُ اللهُ بِما كانوا یَصنَعونَ
اگر خواهد که دشمن از خانهٔ خود آواره کرده بازنگردد این ایت را هزار و نود و نه بار به نیت خصم بخواند بیشك مستجاب گردد ایت قالوا یا موسی اِنّا لَن نَدخُلَها اَبَدًا ما داموا فیها فَاذهَب اَنتَ وَرَبُّكَ فَقاتِلا اِنّا هاهُنا قاعِدونَ قالَ رَبِّ اِنّی لا اَملِكُ اِلّا نَفسی وَاَخی فَافرُق بَینَنا وَبَینَ القَومِ الفاسِقینَ قالَ فَاِنَّها مُحَرَّمَةٌ عَلَیهِم اَربَعینَ سَنَةً یَتیهونَ فِی الاَرضِ فَلا تَأسَ عَلَی القَومِ الفاسِقینَ
اگر کسی را چیزی دزدیده باشند و خواهد که دزد رسوا شود این ایت را بنام متهم

بِرَسولِكَ وَصَدَّقَ وَالَّذی وَفی بِما عاهَدَ علیهِ وَتَصَدَّقَ وَبِالاِمامِ البَرِّ
عَلیِّ بنِ مُحَمَّدٍ علیهِ السَّلامُ الَّذی كَفَیتَهُ حیلَةَ الاَعداءِ وَاَرَیتَهُم عَجیبَ الآیَةِ
اِذ تَوَسَّلوا بِهِ فِی الدُّعاءِ اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَد استَشفَعتُ بِهِم
اِلَیكَ وَقَدَّمتُهُم اَمامی وَبَینَ یَدَی حَوائِجی وَاَن تَجعَلَنی مِن كِفایَتِكَ
فی حِرزٍ حَریزٍ وَمِن كَلائَتِكَ تَحتَ عِزٍّ عَزیزٍ وَتوزِعَنی شُكرَ آلائِكَ
وَمِنَنِكَ وَتُوَفِّقَنی لِلاِعتِرافِ بِاَیادیكَ وَنِعَمِكَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ عَنّا
یازدهم نزدیك زردی آفتاب است تا زردی آن و این از حضرت عسكری است علیه السلام
و این دعای انست اَللّهُمَّ اِنَّكَ مُنزِلُ القُرآنِ وَخالِقُ الاِنسِ وَالجانِّ وَجاعِلُ الشَّمسِ
وَالقَمَرِ بِحُسبانٍ المُبتَدِئُ بِالطَّولِ وَالاِمتِنانِ وَالمُبتَدِئُ لِلفَضلِ وَالاِحسانِ
وَضامِنُ الرِّزقِ لِجَمیعِ الحَیَوانِ لَكَ المَحامِدُ وَالمَمادِحُ وَمِنكَ العَوائِدُ وَالمَنائِحُ
وَاِلَیكَ یَصعَدُ الكَلِمُ الطَّیِّبُ وَالعَمَلُ الصّالِحُ وَاَنتَ العالِمُ بِما تُخفِی الصُّدورُ
وَالجَوانِحُ اَسئَلُكَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ علیهِ وَآلِهِ رَسولِكَ اِلَی الكافَّةِ وَاَمینِكَ
المَبعوثِ بِالرَّحمَةِ وَالرَّأفَةِ وَبِاَمیرِ المُؤمِنینَ عَلیِّ بنِ اَبی طالِبٍ علیهِ السَّلامُ
المُفتَرَضِ طاعَتُهُ عَلَی القَریبِ وَالبَعیدِ المُؤَیَّدِ بِنَصرِكَ فی كُلِّ مَوقِفٍ مَشهودٍ
وَبِالاِمامِ الحَسَنِ بنِ عَلیٍّ الَّذی طُرِحَ لِلسِّباعِ فَخَلَّصتَهُ مِن مَرابِضِها وَامتُحِنَ
بِالدَّوابِّ الصِّعابِ فَذَلَّلتَ لَهُ مَراكِبَها اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَد
تَوَسَّلتُ بِهِم اِلَیكَ وَقَدَّمتُهُم اَمامی وَبَینَ یَدَی حَوائِجی وَاَن تَرحَمَنی بِا
لتَّوفیقِ لِتَركِ مَعاصیكَ ما اَبقَیتَنی وَتُعینَنی عَلَی التَّمَسُّكِ بِطاعَتِكَ ما
اَحیَیتَنی (مِنّی) وَاَن تَختِمَ لی بِالخَیراتِ اِذا تَوَفَّیتَنی وَتَفَضَّلَ عَلَیَّ بِالمَیاسَرَةِ اِذا
حاسَبتَنی وَتَهَبَ لِیَ العَفوَ اِذا كاشَفتَنی وَلا تَكِلَنی اِلی نَفسی فَاَضِلَّ وَلا

دعا ... عود ...

دزد ... نمود ... در استقبال ... ان مقام
سی و شش نوبت بر خاك ان مقام که از ان موضع دزد دیده باشند بخواند و بر اطراف چهار راه افشاند بر ودی دزد در سوا گردد ایت یُریدونَ اَن یَخرُجوا مِنَ النّارِ وَما هُم بِخارِجینَ مِنها وَلَهُم عَذابٌ مُقیمٌ وَالسّارِقُ وَالسّارِقَةُ فَاقطَعوا اَیدِیَهُما جَزاءً بِما كَسَبا نَكالًا مِنَ اللهِ وَاللهُ عَزیزٌ حَكیمٌ
هر کس این ایت را در عقب صلوة پنج بر خواند چهل و یك با ورد سازد و بر چشم ملوك و سلاطین و خواص و عوام عزیز گردد و جمیع مردمان از او بترسند و هیچ کس با وی دشمنی نکند الا انکه مقهور گردد و در هر کاری که شروع کند در دست او تمام شود و صاحب مال و دولت و سعادت گردد به برکت ایات قران کریم ایت
فَسَوفَ یَأتِی اللهُ بِقَومٍ یُحِبُّهُم وَیُحِبّونَهُ اَذِلَّةٍ عَلَی المُؤمِنینَ اَعِزَّةٍ عَلَی الكافِرینَ یُجاهِدونَ فی سَبیلِ اللهِ وَلا یَخافونَ لَومَةَ لائِمٍ ذٰلِكَ فَضلُ الله

تحوّجنی الی غیرک فاذل ولاتحمّلنی مالاطاقة لی به فاضعف ولا تبتلینی بما لاصبر لی علیه فاعجز واجرنی علی جمیل عوائدک عندی ولاتؤاخذنی بسوء عملی ولاتسلّط علیّ من لایرحمنی برحمتک یا ارحم الرّاحمین

واما ساعت دوازدهم از زرد شدن آفتابست تا غروب آن از حضرت خلف حق وحجّت بر خلق صاحب الزّمان علیه السلام است دعای آن اینست اللّهمّ اَنت السّقف المرفوع والمهاد الموضوع ورازق العاصی والمطیع الذی لیس له من دونه ولیّ ولیّ ولاشفیع اسئلک باسمائک التی اذا سمّیت علی طوارق العسر عادت یسرا واذا وضعت علی الجبال کانت هباء منثورا واذا رفعت الی السّماء تفتّحت لها المغالق واذا اهبطت الی ظلمات الارض اتّسعت لها المضائق واذا دعیت بها الموتی انتشرت من اللّحود واذا نودی بها المعدومات خرجت الی الوجود واذا ذکرت علی القلوب وجلت خشوعا واذا قرعت علی الاسماع فاضت العیون دموعا اسئلک بمحمّد رسولک المؤیّد بالمعجزات المبعوث بمحکم الآیات وبامیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب الذی اخترته لمواخاته ووصیّته واصطفیته لمصافاته ومصاهرته وبصاحب الزّمان المهدیّ الذی تجمع علی طاعته الآراء المتفرّقة وتؤلّف به بین الاهواء المختلفة وتستخلص به حقوق اولیائک وتنتقم به من شرار اعدائک وتملاء به الارض عدلا واحسانا وتوسّع علی العباد بظهوره فضلا وامتنانا وتعید الحقّ الی مکانه عزیزا حمیدا وترجع الدّین علی یدیه غضّا جدیدا ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد فقد استشفعت بهم الیک وقدّمتهم امامی وبین یدی حوائجی وان توزعنی شکر نعمتک فی

یوتیه من یشاء والله واسع علیم انّما ولیّکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصّلوة ویؤتون الزّکوة وهم راکعون ومن یتولّ الله ورسوله والذین آمنوا فانّ حزب الله هم الغالبون هرکس خواهد که پیش اکابر معزز ومقبول القول گردد این آیت را بر نگین انگشتر نقش کند در شب بیست ویکم رمضان که شب قدر است و سوره فتح برو خواند و در انگشت کند معزز گرامی شود و مقبول القول گردد و هیچکس از سخن او بیرون نباشد آیت یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک وان لم تفعل فما بلّغت رسالته والله یعصمک من النّاس اگر کسی خواهد که بصید رود و صید بسیار کند این آیت را بر پوست خرگوش باغت کرده نویسد و در وقتی که طالع حمل باشد و برباز و بندد و بصید رود دولت ایزد تعالی مشاهده کند آیت یا ایّها الّذین آمنوا لیبلونّکم الله بشیء من الصّید تناله ایدیکم ورماحکم لیعلم الله من یخافه بالغیب

التوفیق لمعرفته والهدایة الی طاعته وتزیدنی قوّة فی التمسّک بعصمته والاقتداء بسنّته والکون فی زمرته انّک سمیع الدّعاء برحمتک یا ارحم الرّاحمین باب چهارم در آنچه کرده می شود درمیان غروب آفتاب تا وقت خواب اول وقت نماز مغرب بنا بر مشهور برطرف شدن سرخی طرف مشرقست ومیکشد وقت فضیلت تا پنهان سرخی مغرب ووقت ادای آن تا اینکه باقی بماند تا نصف شب بقدر گذاردن آن تا نماز عشا پس هرگاه تحقیق کردی داخل شدن وقت را میگوئی ده مرتبه آنچه راکه روایت کرده صدوق در فقیه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام از دعای نوح پیغمبر تمام وآنچه راکه روایت کرده کلینی در کافی و ذکر آنها گذشت در دعاهای نزد طلوع صبح پس دست خود را بر سر خود بگذار وبکش بصورت خود وبگیر محاسن خود را وبگو احطت علی نفسی واهلی ومالی وولدی من غائب وشاهد بالله الذی لا اله الّا هو عالم الغیب والشّهادة الرّحمن الرّحیم الحیّ القیّوم لاتاخذه سنة ولانوم الی قوله وهو العلیّ العظیم بعد از آن سزاوار است پیشی گرفتن بسوی نماز مغرب پس بدرستیکه مستفاد از روایات معتبره است که از برای هر نماز دو وقت است مگر مغرب پس بدرستیکه گردانید از برای او یکوقت ومتحقق میشود مغرب بزایل شدن شفق از بالای سر و سزاوار است که ترک نشود اذان واقامت نماز شام ومیان اذان واقامه بنشیند چنانچه از حضرت صادق ع روایت شده که هر که بنشیند میان اذان واقامه خواهد بود مثل کسیکه بغلطد بخون خود در راه خدا وآنچه گفته میشود درمیان اذان واقامه مغرب اینست اللّهمّ انّی اسئلک باقبال لیلک وادبار نهارک وحضور صلواتک واصوات دعائک وتسبیح ملائکتک ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تتوب علیّ انّک انت التّواب الرّحیم دبهر

فبای اقتدی تهد من رکه دریتیم ذلک فله عذاب الیم باشد باید مدت وحاجتمند ومضطر باشد ودر روزه دارد در دقعه بیست و یکم و در روز جمعه وبنشیند خواند حتی ابد نمازی که چهار نوبت بخواند و در روز بعد و گشاده گردد تعالی در رزق و روزی بر و گشاده گردد بلکه بسیار باشد و از هیچ کس احتیاج نباشد تمام آن بسبب برکت کلام مجید محتاج گردد آیت اللّهمّ ربّنا انزل علینا مائدة من السّماء تکون لنا عیدا لاوّلنا وآخرنا وآیة منک وارزقنا وانت خیر الرّازقین خواص این سوره بنهایت است مؤلف این کتاب گوید که در جامع مصر پیش شیخ الاسلام نجم الدین المکی قدّس الله روحه کتابی دیدم در خواص سوره انعام بعضی اخبار نبوی صلّی الله علیه وآله امده است که هفتاد هزار فرشته که با هر یک هفتاد هزار ملک بود با این سوره را اهل بیت ومقصود امدند و این سوره بخواند حق سبحانه وتعالی چهل و یک نوبت بخواند حق سبحانه وتعالی سیئات او را کفارت کند هر کس این آیت اول را در صبح

از آن فاصله کردن بسجده است بدانکه صفت سجدهٔ شکر اینست که سجده کند و جمیع اعضای
خود را بزمین بچسباند بخلاف سجدهٔ نماز که می باید ساعد خود را از زمین جدا کند
بعینا بنحوی که در تعقیب گذشت و این سجدهٔ شکر در همهٔ اوقات مطلوبست و مخصوص بعقیب
و میان اذان و اقامه ندارد و تاکید دارد نزد تذکر نعم الهی و زیاد شود فضیلت او
نزد نزول بلاء و باین طریق نیت کند که شکر می کنم خدا را که این بلا را کفارهٔ معاصی
من نمود یا مرا داخل در خواص بندگان خود کرد بنزول بلا نظر به البلاء للولاء
و امثال اینها و از حضرت صادق مرویست که آنحضرت فرمود که بسکه خدای تعالی
خود را بر شکر نعمتی سجده کند در غیر نماز خدای تعالی از برای او ده حسنه می نویسد و از
نامهٔ اعمال او ده سیئه محو می کند و بلند میکرداند برای او ده درجه و از حضرت
امام رضا مرویست که اقل آنچه در سجدهٔ شکر کافی است سه نوبت شکراً لله است
و معنی شکراً لله اینست که خدا را شکر میکنم برای آنکه مرا توفیق داده است برای
خدمت خود یا اداء فریضهٔ خود اگر بعد از عمل باشد یا مرا توفیق داد به دین
اسلام و ایمان و محبت اهل بیت و بغض اعداء ایشان یا صحت بدن و زیادتی
مال و اولاد و امثال اینها پس بدرستیکه شکر موجب زیادتی توفیق و نعمت است
چنانچه خدای تعالی می فرماید و لئن شکرتم لازیدنکم یعنی اگر شکر کنید مرا هر آینه
من زیاد می کردانم از برای شما و دعاهای سجدهٔ شکر بسیار است مختصر ترین اینها
اینست که حضرت امیر در سجدهٔ شکر که بعد از نماز فریضه می کرد این دعا را می خواند
وَعَظتَنی فَلَم اَتَّعِظ وَ زَجَرتَنی عَن مَحارِمِکَ فَلَم اَنزَجِر وَ غَمَرتَنی اَیادیکَ
فَما شَکَرتُ عَفوَکَ عَفوَکَ یا کَریم و از حضرت امام زین العابدین
مرویست که صد نوبت بگوید اَلحَمدُ لِلّٰهِ شُکراً و بعد از هر ده نوبت الحمد لله شکراً می گوید یکنوبت بگوید

شکراً

شُکراً لِلمُجیبِ پس بگوید یا ذَا المَنِّ الَّذی لا یَنقَطِعُ اَبَداً وَ لا یُحصیهِ غَیرُهُ وَ یا ذَا المَعروفِ
الَّذی لا یَنفَدُ اَبَداً یا کَریمُ یا کَریمُ پس تضرع کند و حاجت خود را مسئلت
نماید و بگوید لَکَ الحَمدُ اِن اَطَعتُکَ وَ لَکَ الحُجَّةُ اِن عَصَیتُکَ لا صُنعَ لی وَ لا
لِغَیری فی اِحسانٍ مِنکَ اِلَیَّ فی حالِ الحَسَنَةِ وَ السَّیِّئَةِ یا کَریمُ یا کَریمُ
صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اَهلِ بَیتِهِ وَ صِل بِجَمیعِ ما سَئَلتُکَ وَ سَئَلَکَ مَن فی
مَشارِقِ الاَرضِ وَ مَغارِبِها مِنَ المُؤمِنینَ وَ المُؤمِناتِ وَ ابدَء بِهِم وَ ثَنِّ بی
بِرَحمَتِکَ و بعد از آن جانب راست روی خود را بر زمین گذارد و بگوید اَللّٰهُمَّ لا تَسلُبنی
ما اَنعَمتَ بِهِ عَلَیَّ مِن وِلایَتِکَ وَ وِلایَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ پس جانب چپ رو را بر زمین
نهد و همین دعا را بخواند بِسمِ اللّٰهِ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ عالِمُ الغَیبِ وَ الشَّهادَةِ
الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعوذُ بِکَ مِنَ الهَمِّ وَ الحُزنِ وَ السُّقمِ وَ العَدَمِ وَ الصَّغارِ
وَ الذُّلِّ وَ الفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنها وَ ما بَطَنَ و در هر نوبت دست راست خود را بر جانب
چپ روی بکشد تا جانب راست روی و گفته اند که در هر نوبت دست خود را بر سینه
خود بکشد و در دو سجدهٔ شکر که در عقب نماز شام بجا می آورد بگوید اَسئَلُکَ بِحَقِّ
حَبیبِکَ مُحَمَّدٍ صلعم اِلّا کَفَیتَنی مَؤونَةَ الدُّنیا وَ الآخِرَةِ وَ کُلَّ هَولٍ دونَ الجَنَّةِ
پس جانب چپ رو را بر زمین گذارد و بگوید اَسئَلُکَ بِحَقِّ حَبیبِکَ مُحَمَّدٍ صلعم لَما غَفَرتَ
لِیَ الکَثیرَ مِنَ الذُّنوبِ وَ القَلیلَ وَ قَبِلتَ مِن عَمَلِیَ الیَسیرَ پس عود کن بسجده یعنی
پیشانی بر زمین گذار و بگو اَسئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صلعم لَمّا اَدخَلتَنِی الجَنَّةَ وَ جَعَلتَنی
مِن سُکّانِها وَ لَمّا نَجَّیتَنی مِن سَفَعاتِ النّارِ بِرَحمَتِکَ ابن ادریس در سرائر ذکر کرده
که هر گاه همی تو رسد دست خود را بر موضع سجده بکش و بر روی خود بکش از جانب
چپ روی خود و بر پیشانی خود بنر بکش و بر جانب راست روی فرود آور و گران هم را زایل شود و بعد

نوبت بگوید و شام هفت
سبحانه و تعالی از مرض شفا عطا کند
امان خویش نگهدارد و منافع سورهٔ
انعام بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی خلق السموات و الارض
و جعل الظلمات و النور ثم الذین
کفروا بربهم یعدلون
بنویسد جامه طفل بر گهواره آن
بندد از بسیار گریستن و شر ام الصبیان
محفوظ ماند و له ما سکن فی اللیل
و النهار و هو السمیع العلیم اگر کسی را
مرضی باشد این آیه را بنویسد بزعفران
و عود و معالص کند و در رکوی صاحب
مریض او برد بقدرت حق تعالی بصحت
و سلامت ماند این غایت آزموده است
و مجرب و مؤلف بکرات تجربه کرده اما
این خواص که نوشته اند در این کتاب
باید که از سر صدق و اخلاص و یکسر
موی خلاف شرع رسول نکند و از جمیع
معاصی و محرمات پرهیز در عمل آنها
زیرا که فاتحة الکتاب همانست که حضرت
امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب

بر دست بربند
و چشم کنده خواد در شکست بند
اما هر کس این شرط نگه ندارد در هر که
در محل اجابت نیفتد و اعتقادش در
کلام مجید فاسد کردد و موجب کفر
باشد نعوذ بالله اینست و ان
یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو
و ان یمسسک بخیر فهو علی کل شیء
قدیر و هو القاهر فوق عباده و هو
الحکیم الخبیر اگر خواهد از زنان که
و عمارات ایمن گردد باید که تسبیحی سازد
چهل و یک دانه از موم کافوری و بر
هر دانه چهل و یکنوبت برخواند و در
ثیاب این تسبیح چهل و یکنوبت و دو رکعت نماز
بر قبله بیاورد و دو روی بسته
بگذارد و زبان جمله اعادی بر وی بسته
گردد قل ارأیتم ان اخذ الله سمعکم و ابصارکم
و ختم علی قلوبکم من اله غیر الله یاتیکم
به انظر کیف نصرف الآیات ثم
هم یصدفون اگر خواهد که علم مغیبات
چون علم ریاضی و هندسی بر وی کشف
شود چهل شبانه روز از حیوانات اکل نکند و
از چیزهای حرام به پرهیز دو این آیت را
هر شبانه روز هزار نوبت

از آن افتتاح کن نماز را و رعایت کن دایرا که پیش از این گذشت و اختیار میکنی از
سورها در رکعت اوّل نصر یا تکاثر یا آنچه مانند آنها باشد در رکوع تا هی چنانچه
روایت کرده بشیخ بسند صحیح و در رکعت دویم توحید و تعقیب میخوانی بعد از فراغ
تسبیح تکبیر معروف و تسبیح حضرت زهرا بعد از آن میگوئی آنچه از حضرت صادق
روایت کرده در فقیه الحمد لله الذی یفعل ما یشاء و لا یفعل ما یشاء غیره
پس تعقیب بخواند اگر خواهد زاید بر این چنانچه صدوق در همان کتاب از حضرت صادق
روایت کرده که هر که نماز مغرب بگذارد پس از آن تعقیب کند و حرف نزند تا اینکه دو
رکعت نماز بگذارد نوشته میشود از آن دو رکعت از برای او در علیین پس اگر
بگذارد چهار رکعت نوشته میشود آنها برای او حج مقبولی و هرگاه فوت شود
وقت آنها سزاوار است قضای آنها مانند باقی نوافل زیرا که از ائمه علیهم السلام
در تفسیر قول خدای تعالی و الذین علی صلوتهم دائمون که مراد اینست که مداومت
میکنند بر نماز سنت اگر فوت شود از ایشان در شب قضا میکنند از آن در روز
و اگر در روز فوت شود از ایشان قضا میکنند از آن در شب و سزاوار است نزد
شروع در آنها اینکه افتتاح کنی رکعت اوّل را بآن هفت تکبیر و بآن سه دعای آنها که
گذشت و بخوانی در آن بعد از حمد سوره توحید سه مرتبه و در رکعت دویم
سوره قدر و اگر اکتفا کنی بحمد مجزیست چنانچه در باقی نوافل شبانه روز نیست
و سزاوار است طول کردن قرائت در جمیع آنها و نوافل شب و میگوئی در سجده آخر
از این دو رکعت اللهم انی اسئلک بوجهک الکریم و اسمک العظیم و ملکک
القدیم ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تغفر لی ذنبی العظیم انه لا
یغفر العظیم الا العظیم و هرگاه فارغ شدی از چهار رکعت مانعی نیست بکامل کردن

از آنچه در تعقیب صبح گذشت بعد از آن دو سجده شکر میکنی بآنچه گذشت بعد از آنکه
فارغ شدی برمیخیزی برای دو رکعت نماز غفیله پس میخوانی در رکعت اوّل
بعد از حمد و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی
فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له
و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین و در رکعت دویم بعد از حمد و عنده
مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقة
الا یعلمها و لا حبة فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب
مبین بعد از آن قنوت میخوانی و میگوئی اللهم انی اسئلک بمفاتح
الغیب التی لا یعلمها الا انت ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل
بی کذا و کذا پس از آن میگوئی اللهم انت ولی نعمتی و القادر علی
طلبتی تعلم حاجتی فاسئلک بحق محمد و آله علیه و علیهم السلام لما
قضیتها لی و سؤال میکنی حاجت خود را چنانچه روایت کرده هشام بن سالم
از حضرت ابی عبد الله علیه السلم که هر که نماز کند این دو رکعت را میان شام و خفتن
و دعا کند باین دعا و سؤال کند از حاجت خود را عطا کند او را آنچه سؤال کرده
و وجه تسمیه این ساعت بساعت غفلت آنست که شیطان پراکنده می کند لشکر
خود را در هر شب در این ساعت و بخود مشغول می شوند و از مردمان غفلت می کنند
چنانچه لشکر روز را پراکنده و معین میکند میان طلوع فجر و آفتاب چنانچه این
مضمون را در فقیه از حضرت باقر روایت کرده و فرموده آنحضرت که حضرت رسالت
فرمود که بسیار کنید ذکر خدا را در این دو ساعت و پناه گیرید بخدا از شر شیطان و لشکر او
و اطفال خود را نگاه دارید در این دو ساعت بدرستیکه این دو ساعت غفلت است و

وظاهر انست که مراد میان مغرب و وقت نماز عشا است یعنی میانه غروب آفتاب و برطرف شدن شفق است و هر گاه بگذرد این وقت وقت گذشته و از آنچه سنتست کردن آن در ساعت غفلت دو رکعتست که بخوانی بعد از حمد سوره قل هو الله احد در رکعت دویم و اما در رکعت اول میخوانی بعد از حمد سینر ده مرتبه اذا زلزله پس بتحقیق روایت کرده شیخ طوسی از حضرت صادق ع که هر که بگذارد این نماز را در هر شبی مزاحمت کند با من در بهشت یعنی در درجه من باشد و تداند ثواب آنرا مگر خدای تعالی و اول وقت نماز عشا فارغ شدن از مغربست بنا بر مذهب مشهور و وقت فضیلت آن باقیست تا ثلث شب و وقت ادای آن تا مقدار گذاردن چهار رکعت پیش از نصف شب پس سزاوار انست که مبادرت کند باذان و اقامه با دعاهای آنها چنانچه گذشت بعد از آن افتتاح کن بهفت تکبیر و دعای او و میخوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره اعلی یا شمس یا آنچه مانند اینها باشد در درازی و در رکعت دویم سوره توحید پس قنوت می کنی و طول مده قنوت را و تعقیب را زیرا که وقت وسیعست با آنچه گذشت از قنوت و تعقیبات مشترکه میان صبح و شام پس میگوئی اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُؤْمِنَّا مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرَكَ وَلَا تَحْرِمْنَا فَضْلَكَ وَلَا تُحِلَّ عَلَيْنَا غَضَبَكَ وَلَا تُبَاعِدْنَا مِنْ جِوَارِكَ وَلَا تَنْقُصْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَنْزِعْ عَنَّا بَرَكَاتِكَ وَلَا تَمْنَعْنَا عَافِيَتَكَ وَاَصْلِحْ لَنَا مَا اَعْطَيْتَنَا وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ الْمُبَارَكِ الطَّيِّبِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ وَلَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَتِكَ وَلَا تُؤْيِسْنَا مِنْ رَوْحِكَ وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ كَرَامَتِكَ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ و بعد از آن میخوانی هر یک از سوره فاتحه و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را ده مرتبه بعد

من فصلنا الآیات لقوم یعلمون بنویسد بر چهار قطعه کاغذ منسوب ... سنگی در کلاه دوزد و یکی بر دست بندد و یکی در سینه مرد مسافر هر طرف که خواهد برود از آفات دعاها بسلامت ماند و بزرگی دیوا رعایت و حمایت کند وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْاَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِيمَا آتَاكُمْ اِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَاِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ هر که این سوره اعراف را یا بار بخواند از دیدار دو زد در جنت نم بیند و اگر به نیت غایب خواند زود به وطن رسد این ایت را بنویسد بر کاغذ خطائی اما باید که در حین کتابت غسل کرده باشد بعد از کتابت بر مجموع خود او برد غمی از او زایل گردد منافع سوره اعراف بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الٓمٓصٓ كِتَابٌ اُنْزِلَ اِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنْذِرَ بِهِ وَذِكْرٰى لِلْمُؤْمِنِينَ

از آن میگوئی سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ ده مرتبه بعد از آن میگوئی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بعد از آن ده مرتبه میگوئی اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاَسْبِغْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَمَتِّعْنِي بِالْعَافِيَةِ مَا اَبْقَيْتَنِي فِي سَمْعِي وَبَصَرِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي اَللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوبُ اِلَيْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بعد از آن میگوئی و آن از دعاهای طلب روزیست اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي وَاِنَّمَا اَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ تَخْطُرُ عَلٰى قَلْبِي فَاَجُولُ فِي طَلَبِهِ الْبُلْدَانَ وَاَنَا فِيمَا اَطْلُبُ كَالْحَيْرَانِ لَا اَدْرِي اَفِي سَهْلٍ هُوَ اَمْ فِي جَبَلٍ اَمْ فِي اَرْضٍ اَمْ فِي سَمَاءٍ اَمْ فِي بَرٍّ اَمْ فِي بَحْرٍ وَعَلٰى يَدَيْ مَنْ وَمِنْ قِبَلِ مَنْ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ عِلْمَهُ عِنْدَكَ وَاَسْبَابَهُ بِيَدِكَ وَاَنْتَ الَّذِي وَاَنْتَ الَّذِي تَقْسِمُهُ بِلُطْفِكَ وَتُسَبِّبُهُ بِرَحْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ يَا رَبِّ رِزْقَكَ لِي وَاسِعًا وَمَطْلَبَهُ سَهْلًا وَمَاْخَذَهُ قَرِيبًا وَلَا تُعَنِّنِي بِطَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِي فِيهِ رِزْقًا فَاِنَّكَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي وَاَنَا فَقِيرٌ اِلٰى رَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجُدْ عَلٰى عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ اِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ و این دعا بجهة طلب روزی بسیار خوبست بعد از آن سجده میکنی دو سجده شکر و می گوئی در سجده اول اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ يَا اَحَدُ مَنْ لَا اَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ يَا اَحَدُ مَنْ لَا اَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ اِلَّا كَرَمًا وَجُودًا يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ اِلَّا كَرَمًا وَجُودًا صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ اَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا بعد از آن میگذاری گونه راست خود را بر زمین و میخوانی این دعا را بعد از آن می

اتبعوا ما انزل اليكم من ربكم ولا تتبعوا من دونه اولياء قليلا ما تذكرون ... روزی و کسب معیشت از برای ... در وقت صلوات آخر ماه بنویسد در وقت ... و با خود دارد در ... باشد این ایت رمضان و با خود دارد محتاج ... و کر لیسا کند وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْاَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ هر کسی که کافر ... کرده باشد بسیار و در هر عقب این ایت را ورد سازد و در هر نوبت بخواند این ایت صد نوبت بعد از نماز قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا وَاِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ خداوند سبحانه کار ما اش را با مراد رساند این ایت را اگر کسی از دشمن ... ببرکت این ایت رها شود کینه و عداوت از دل او برود و دوستی و محبت مبدل شود این ایت را بر بتا مصری خواند ... در ثلث سعد ... گردد و دو ... که صفت نو این با یک دیگر دوست شوند وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ ... کرد این ایت

بگذاری گونه چپ خود را بر زمین و میخوانی این دعا را بعد از آن سجود میکنی بسجود
و میگذاری پیشانی خود را بر زمین و میخوانی این دعا را بعد از آن میگوئی این دعا را
که رفع میشود بان سختیها یا سابغ النعم یا دافع النقم یا باری النسم
یا مجلی الهمم یا مغشی الظلم یا کاشف الضر و الالم یا ذا الجود و الکرم
یا سامع کل صوت یا مدرک کل فوت یا محیی العظام و هی رمیم و
منشئها بعد الموت صل علی محمد و آل محمد و اجعل لی من امری فرجا
و مخرجا یا ذا الجلال و الاکرام بعد از آن میگذاری دو رکعت وتیره را نشسته
و جایز است گذاردن آنها ایستاده لکن نشسته افضل است از ایستادن و میکشد
وقت این دو رکعت تا کشیدن وقت عشا پس بعد از نصف شب قضا می شوند و
افتتاح میکنی آنها را بهفت تکبیر با سه دعای مذکور و میخوانی در رکعت اول سوره
ملک یا واقعه و در دویم سوره توحید و میخوانی بعد از فراغ هر دعائی را که
خواهی باب پنجم در آنچه کرده می شود در میانه وقت خواب تا نصف شب اول
آنچه بجا میاوری از آن در اراده خواب طهارت است روایت کرده صدوق در فقیه
از حضرت صادق ع که هر که طهارت بگیرد بعد از آن جای گیرد در فراش خود شب
بروز آورد در حالتیکه فراش او مانند مسجد او باشد و جایز است تیمم برای خوابیدن
هر چند قادر باشد آبرا مانند تیمم از برای نماز جنازه و از اعمال سنتی
نزد خوابیدن خواندن سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون است چنانچه
بسند صحیح صدوق در فقیه روایت کرده و کلینی بسند صحیح از ابی اسامه روایت کرده
که گفت شنیدم از حضرت ابی عبدالله ع که میفرمود هر که بخواند قل هو الله را صد مرتبه
هنگامیکه میرود بخوابگاه خود آمرزیده شود برای او آنچه قبل از آن کرده باشد پنجاه

الانهار و قالوا الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق و نودوا ان تلکم الجنة اورثتموها بما کنتم تعملون
اگر خواهد که ارواح را مشاهده کند بیاورد زهره مرغ سیاه که در روز شنبه ذبح کرده باشد در مقارنه عطارد و مشتری بسوزاند با توتیا و نقل ... خلط کند و سه روز ترک حیوانی کند بعد از آن صباح و مسا هفتاد و دو نوبت بخواند و آن سرمه را در چشم کشد و یکساعت چشم فرو گیرد و بعد از آن بگشاید ارواح را مشاهده کند اما باید که سر را فاش نکند و آیه ... این آیت اینست
ان ربکم الذی خلق السموات و الارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بامره الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین

سال و روایت کرده در کافی نیز از آنحضرت که فرمود حضرت رسالت ص که هر که بخواند سوره
الهیکم التکاثر را نزد خواب نگاه داشته شود از فتنه قبر و سزاوار است آنکه بخوانی
وقتیکه بخوابی بپهلو آنچه روایت کرده صدوق در فقیه از محمد بن مسلم که فرمود بمن
حضرت ابو جعفر ع که هر گاه بخوابد مرد بر دست راست خود پس باید که بگوید بسم الله
و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم انی
اسلمت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک و فوضت امری الیک و الجأت
ظهری الیک و توکلت علیک رهبة منک و رغبة الیک لا ملجأ و لا منجا
منک الا الیک امنت بکتابک الذی انزلت و برسولک الذی ارسلت
بعد از آن تسبیح میکنی تسبیح زهرا ع الحدیث بدانکه مشهور استحباب تسبیح زهرا است
در دو وقت یکی بعد از نماز و دیگری نزد خوابیدن و ظاهر روایتی که وارد
شده است تقدیم سبحان الله است بر الحمد لله و ظاهر روایت صحیحی که وارد شده است
در باب تسبیح زهرا علیها السلم مطلقا اقتضا میکند تاخیر از آن را و سزاوار
است که بوده باشد خوابیدن تو بر جانب راست پس بدرستیکه این خواب مؤمنانست
چنانچه در حدیث صحیح وارد شده و از آنچه خوانده می شود نزد پهلو خوابیدن است
که چون بخوابگاه خود میروی سه مرتبه بگو الحمد لله الذی علا فقهر و الحمد
لله الذی بطن فخبر و الحمد لله الذی ملک فقدر و الحمد لله الذی یحیی
الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر در کافی بسند صحیح روایت کرده
که هر که بگوید این طریق بیرون رود از گناهان مانند حالیکه زائیده است او را
مادر او و روایت شده است در کتاب مذکور از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمودند
هر که بخواند این آیه را نزد خوابیدن قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم

کشودن بخت
این آیات را بر ... زمین که در ...
زیتون نویسد و در زمین که درخت و زرع و کشت باشد و از درختها بلند سفید ... دفن کند ... میوه ...
وهو الذی یرسل الریاح بشرا بین یدی رحمته حتی اذا اقلت سحابا ثقالا سقناه لبلد میت فانزلنا به الماء فاخرجنا به من کل الثمرات کذلک نخرج الموتی لعلکم تذکرون و البلد الطیب یخرج نباته باذن ربه
این آیت را با آب ... بخواند صد و بیست ... نوبت با سوره تبارک ... و چون ... بخت بسته باشد بدان سر و تن خود را بشوید بختش گشاده گردد
و لو ان اهل القری امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء
یا فتاح اذا جاء نصر الله و الفتح
این آیات را بمقارنه قمر و مریخ ... سبز نویسد و در کلاه دوزد ... چشم مردمان ...

الله واحد فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة
ربه احدا بلند شود از برای او نوری بسوی مسجد الحرام در میان ان نور ملئکه
باشند که استغفار کنند از برای او و روایت شده است در کتاب مذکور نیز از حضرت
صادق ع که فرمود نیست بنده که بخواند اخر کهف را وقتیکه میخوابد مگر اینکه بیدار شود
و این از اسرار عجیب است و مجربه که نیست شکی در ان و نیز در کتاب مذکور از حضرت صادق
بسند صحیح روایت کرده که فرمود هرگاه بترسی از جنابت پس بگو در وقت خواب خود اللهم
انی اعوذ بك من الاحتلام ومن شر الاحلام ومن ان يتلاعب بي الشيطان
في اليقظة والمنام و نیز روایت شده است در کتاب مذکور که هرگاه پیغمبر ص بخواب می
رفتند میفرمودند باسمك اللهم احيا وباسمك اموت و هرگاه بیدار میشدند
می فرمودند الحمد لله الذي احياني بعد ما اماتني واليه النشور و روایت
شده است در کتاب مذکور نیز از حضرت صادق ع که فرمود هرگاه بشنوی اواز خروس پس
بگو سبوح قدوس رب الملائكة والروح سبقت رحمتك غضبك لا اله
الا انت سبحانك وبحمدك عملت سوء وظلمت نفسي فاغفر لي انه لا يغفر
الذنوب الا انت و از انچه سزاوار است کردن ان نزد خواب سرمه کشیدن است
در حدیثست که سرمه کشیدن نزد خواب امانست از خوابیکه نازل شود در چشم
و روایت شده است که انحضرت میخواندند این دعا را نزد سرمه کشیدن اللهم اني
اسئلك بحق محمد وال محمد ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل
النور في بصري والبصيرة في ديني واليقين في قلبي والاخلاص في عملي
والسلامة في نفسي والعافية في ديني والسعة في رزقي والشكر
لك ابدا ما ابقيتني و روایت کرد کلینی در کافی از حضرت صادق ع که فرمود هرگاه

در بیان دفع وسواس

نماید ایت فالقى عصاه فاذا هي ثعبان مبين ونزع يده فاذا هي بيضاء للناظرين این ایت را بنویسد مفید است از برای دفع وساوس و ازاله خوف هفده دفعه در طلوع شمس یک یک فرد و در عقبش بگو اب بنیشاپ شامد شك و وسوسه و خوف و فکرهای مختلف از دل وی زایل گردد و خرد و حکمت و فیض در دلش نزول کند واما ينزغنك من الشيطان نزغ فاستعذ بالله انه سميع عليم ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون منافع سوره انفال با نیت توانگر سه نوبت بخواند حق تعالی او را متمول گرداند و اگر در میان جماعتی نزاع و مجادله باشد این ایه را هفت نوبت بصدق برخواند به نیت اینها صلح افتد بسم الله الرحمن الرحيم يسئلونك عن الانفال قل الانفال لله والرسول فاتقوا الله واصلحوا ذات

بعد مرد چیز برا اگر ناخوش دارد در خواب خود پس بگردد از جای که بر ان خوابیده بوده
و بگوید انما النجوى من الشيطان ليحزن الذين امنوا وليس بضارهم شيئا
الا باذن الله وعلى الله فليتوكل المؤمنون بعد از ان بگوید عذت بما عاذت
به ملائكة الله المقربون وانبياؤه المرسلون وعباده الصالحون
من شر ما رايت ومن شر الشيطان الرجيم باب ششم در انچه گذارده می شود در
میان نصف شب تا طلوع صبح بدانکه روایات بسیار وارد شده است از اصحاب
عصمت علیهم السلم در باب برخواستن شب و بیان فضیلت ان روایت کرده کلینی در کافی
بسند صحیح از حضرت صادق ع که فرمود شرف مؤمن برخواستن اوست در شب و عزت
او استغنای اوست از مردم و روایت کرده است نیز در کافی بسند حسن از عبد الله بن سنان
که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله ع که میفرمود سه چیز است که اینها فخر مؤمن و
زینت اوست در دنیا و اخرت نماز در اخر شب و مایوس بودن او از انچه در دستهای
مردم است و یاری کردن او امام را از ال محمد صلی الله علیه واله و روایت کرده است
نیز در کافی از انحضرت در قول خدای تعالی کانوا قليلا ما يهجعون که فرمود بودند
ایشان که اقل شبها فوت میشد از ایشان که بر نمیخواستند و روایت کرده است در کافی نیز
که امد مردی بخدمت امیر المؤمنین ع پس گفت بدرستیکه من محروم از نماز شب پس فرمود
انحضرت که تو مردی که بتحقیق در بند کرده است ترا گناهان تو و روایت کرده است
شیخ در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق ع در قول خدای تعالی ان ناشئة الليل
هي اشد وطأ واقوم قيلا که فرمود برخواستن اوست از رخت خواب که اراده ندارد
بان مگر خدا را و در همان کتاب از همان جناب نیز بسند صحیح روایت کرده که فرمود نیست مؤمنی
مگر اینکه بیدار شود در هر شب یک مرتبه یا دو مرتبه پس اگر برخیزد خواهد بود ان بسیار نیکو

ببینکم و رسوله ان کنتم واطيعوا الله ورسوله اگر کسی دل سخت باشد مؤمنین مگر دل نکند پاره از دو چیز موعظه قبول نکند و سر قرص به برد به نیت و خیر کند و این ایات را بر او بخواند و دو چهل نوبت این ایات دل او رقیق گردد و بدیده انکس دهد و دل قبول کند موعظه بجان و دل انما المؤمنون الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم واذا تليت عليهم اياته زادتهم ايمانا وعلى ربهم يتوكلون و اگر در دست ظالمی گرفتار شود و چاره و خلاص از ندانند این ایت را خواند که حق تعالی فرشتگان تواند تلاوت کند او را و رحمت را بمدد او فرستد مؤلف این کتاب احمد تمیمی گوید که نوبتی در میان بودم در دو رطه افتادم قریب هفده کس رسیدند از قطاع طریق شمشیرها برکشیده و انچه با من بوده از الات و اجناس مجموع بردند و انگاه قصد کشتن من کردند من متحیر شدم و هیچ تدبیر ندانستم مضطر اشتم حایل کرده یکی

انما

واکر نه میکشاید شیطان میان پاهای خود را پس بول میکند در کوش او آیا نمی بیند احدی
از شما که هرکاه برنمیخیزد و نه بوده است این از او برمیخیزد و حال آنکه کران و مکدر و سنکین
و کاهلست و روایتکرده نیز از عمرو بن یزید بسند صحیح از انحضرت که فرمود بدرستیکه
در شب هر اینه ساعتی هست که موافق نمی افتد از انبده مسلمانی که نماز کند و دعا
کند خدا را در آن مکر اینکه مستجاب کند خدایتعالی برای او و کفتم اصلحک الله کدام ساعت است
از شب فرمود که هرکاه بکذرد نصف شب تا ثلث باقی و فرمود در تفسیر این شریفه
سیماهم فی وجوههم من اثر السجود که ان بیداری در نماز است و روایات از اصحاب
عصمت علیهم السلام بسیار است فضل هرکاه بیدار شوی از خواب پس اول انچه سزاوار است
برای تو عمل ان اینست که سجده کنی از برای خدای تعالی پس بتحقیق که روایت شده است که
پیغمبر صلی الله علیه و آله هرکاه بیدار می شدند از خواب خود سجده می کردند بعد از آن
بکو در حال سجود یا بعد از برداشتن سر از آن الحمد لله الذی احیانی بعد ما
اماتنی و الیه النشور الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده و اعبده
و در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایتکرده که فرمود هرکاه برخیزی در شب پس
نکاه کن در اطراف اسمان و بکو اللهم انه لا یواری عنک لیل ساج و لا سماء ذات
ابراج و لا ارض ذات مهاد و لا ظلمات بعضها فوق بعض و لا بحر لجی تدلج
بین یدی المدلج من خلقک تعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور و غارت
النجوم و نامت العیون و انت الحی القیوم لا تاخذک سنة و لا نوم سبحان
الله رب العالمین و اله المرسلین و الحمد لله رب العالمین بعد از ان بخوان
پنج ایه از اخر ال عمران ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و
النهار لایات لاولی الالباب الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم

در دفع زندان

از ایشان بستند چون مصحف را آمد و آن مصحف را از من
خواندم بحظ جماعتی بدیع پیدا شدند
بر اسبان ابلق سوار شده و عمامهای سفید بر
سر نهاده و جامهای سبز پوشیده و هر که
اسب ستم ایشان رسید کشته گشت
که ایشان ملائکه اند و ملائکها نیز بندها
برکشیدند و ان بدبختان را بکشتند
کردند و مرا کفتند یا تمیمی چون در
ظلم مقید کردی این ایت را برخوان
تا فرج یابی از ان تا حال هر غمی و
و کاری صعب پیش بیامد که این ایت را
میخواندم خداوند عز و جل فرج فرستاد
و مترجم این رساله بارها در وقت
شداید بخواند حق تعالی این رحمت کرامت
کرد و هر که در این شک اورد کافر کرد
این ایت اینست اذ تستغیثون ربکم
فاستجاب لکم انی ممدکم
بالف من الملائکة مردفین و ما
جعله الله الا بشری و لتطمئن قلوبکم
و ما النصر الا من عند الله ان الله عزیز
حکیم

و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک
فقنا عذاب النار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته و ما للظالمین
من انصار ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان امنوا بربکم
فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار
ربنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف
المیعاد و هرکاه نصف باشد پس بتحقیق که داخل شده است وقت نماز شب و
کاهی تعبیر میکنند از نصف شب بزوال نیز و شناخته می شود زوال شب
بشروع نمودن ستارهائی که طلوع نموده اند نزد مغرب بانحدار و فرود امدن و نماز
شب اطلاق میشود در احادیث کاهی بر هشت رکعت و کاهی بر یازده رکعت باضافه
دو رکعت شفع و یکرکعت وتر و کاهی بر سیزده رکعت باضافه نافله دو رکعت صبح
و این نماز شب از سنتهای موکد است روایت کرده است شیخ در تهذیب بسند صحیح
از حضرت صادق که فرموده بود در وصیت رسول خدا بعلی علیه السلام ای علی
وصیت میکنم ترا در باب نفس خود بچند خصلت پس حفظ کن انها را پس فرمودند
خداوندا یاری کن او را و ذکر کردند پاره از خصلتها تا انکه فرمودند و علیک بصلوة
اللیل و علیک بصلوة اللیل و علیک بصلوة اللیل و علیک بصلوة الزوال و علیک
بصلوة الزوال و علیک بصلوة الزوال و ظاهر اینستکه انحضرت صلی الله علیه و اله
اراده کردند بنماز شب سیزده رکعترا و بنماز زوال هشت رکعتی را که نافله زوال است
چنانچه کفته اند بعضی از علمای ما پس هرکاه خواهی متوجه شوی بسوی عبادت و باشد
ترا حاجتی بتخلی پس ابتدا کن بان اول و چون خواهی داخل بیت الخلا شوی پس اکر بوده
باشد نقش انکشتر تو یا همراه تو هرجا که باشد نامی که احترامی داشته باشد پس داخل مکن ازا

در دفع تنگی

مکر این ایت را در
سعد بن ولید و بوبا زو سدید تیر بندرا
زود در تیر انداختن کسی با وی مقاومت
تواند کردن ایت و ما رمیت اذ رمیت
و لکن الله رمی و لیبلی المؤمنین
منه بلاء حسنا این ایت را در
قبضه شمشیر ولید و در شقم پیدا
کند مظفر و منصور کردد اکر
اوا اندازه و لشکر دشمن بسیار باشد این ایت
و اذ یریکموهم اذ التقیتم فی اعینکم قلیلا و
یقللکم فی اعینهم لیقضی الله امرا کان
مفعولا و الی الله ترجع الامور
اکر کسی که مخالف شده بعد
خواهد که در حال کسی که وی
باشد تغییر و تبدیل پدید اورد در وی
این ایت بنویسد انکس و مادر او در روز
یکشنبه یا روز شنبه هر روز یکبار نوبت
برخواند بصدق و اخلاص و اعتقاد
تمام البته بی شک در کار انکس تغییر و
تبدیل بدید ذلک بان الله
لم یک مغیرا نعمة انعمها علی قوم حتی
یغیروا ما بانفسهم و ان الله سمیع علیم
اکر کسی فقیر باشد و
خواهد

بابجود و هم چنین درمهای سفید را که در کیسه نباشند بعد از آن پیش بکذار پای چپ را نزد اول داخل شدن اکر بوده باشد دان بنا و اکر فضای حاجت بکنی در فضای مثل صحرا و مانند آن پس پیش بنه پای چپ را در موضعی که می نشینی در آن و بکو بسم اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِیْثِ الْمُخْبِثِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ و هرکاه قضاء حاجت بکنی در فضائی پس اختیار کن موضعی را که دیده نشود در آن بدن تو و باید بوده باشد اعتماد و سنکینی تو در وقت تخلی بر پای چپ تو و سزاوار است کشودن پای راست و طول مده نشستن را و حرف مزن مکر برای حاجتی که خوف فوت آن داشته باشی یا خواندن آیة الکرسی یا الحمد لله رب العالمین یا حکایت اذان یا ذکر خدای تعالی و بعد از آنکه فارغ شدی برخیز و بکش دست راست خود را بر شکم خود و بکو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَمَاطَ عَنِّیَ الْاَذٰی وَ هَنَّانِیْ طَعَامِیْ وَ شَرَابِیْ وَ عَافَانِیْ مِنَ الْبَلْوٰی و استبراء کن و هرکاه خواهی استنجا کنی بکو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ جَعَلَ الْمَاءَ طَهُوْرًا وَ لَمْ یَجْعَلْهُ نَجِسًا و بکو در حال استنجاء مقعد اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِیْ وَ اَعِفَّهُ وَ اسْتُرْ عَوْرَتِیْ وَ حَرِّمْنِیْ عَلَی النَّارِ پس هرکاه بیرون آئی از خلا پس پیش بکذار پای راست را و بکو در بیرون آمدن اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَرَّفَنِیْ لَذَّتَهُ وَ اَبْقٰی فِیْ جَسَدِیْ قُوَّتَهُ وَ اَخْرَجَ عَنِّیْ اَذَاهُ یَا لَهَا نِعْمَةً لَا یَقْدِرُ الْقَادِرُوْنَ قَدْرَهَا و چون بیرون آمدی مسواک کن و وضوی کامل بساز چنانچه در باب اول کذشت بعد از آن خود را خوشبو ساز پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت صادق ع که فرموده بود از برای پیغمبر صلی الله علیه و آله مشک دانی که هرکاه وضو می ساخت میکرفت از آن بدست خود و حال آنکه هنوز اعضای وضوی آنحضرت تر بود و روایت شده است نیز از آنحضرت که فرموده دو رکعت که بکذاری از اینکه خوش افضل است از هفتاد رکعت که بکذاری از آن

بدون آن و بدانکه بوی خوش کردن سنتست از برای هر نمازی و هر دعائی و نیست مخصوص بنماز شب پس هرکاه وضو ساختی و بوی خوش کردی بنشین رو بقبله و بخوان دعای حضرت امام زین العابدین را که میخواندند از ادعیهٔ شب اِلٰهِیْ غَارَتْ نُجُوْمُ سَمَائِكَ وَ نَامَتْ عُیُوْنُ اَنَامِكَ وَ هَدَاَتْ اَصْوَاتُ عِبَادِكَ وَ اَنْعَامِكَ وَ غَلَّقَتِ الْمُلُوْكُ عَلَیْهَا اَبْوَابَهَا وَ طَافَ عَلَیْهَا حُرَّاسُهَا وَ احْتَجَبُوْا عَمَّنْ یَسْاَلُهُمْ حَاجَةً اَوْ یَنْتَجِعُ مِنْهُمْ فَائِدَةً وَ اَنْتَ اِلٰهِیْ حَیٌّ قَیُّوْمٌ لَا تَاْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ وَ لَا یَشْغَلُكَ شَیْءٌ عَنْ شَیْءٍ اَبْوَابُ سَمَائِكَ لِمَنْ دَعَاكَ مُفَتَّحَاتٌ وَ خَزَائِنُكَ غَیْرُ مُغْلَقَاتٍ وَ اَبْوَابُ رَحْمَتِكَ غَیْرُ مَحْجُوْبَاتٍ وَ فَوَائِدُكَ لِمَنْ سَاَلَكَ غَیْرُ مَحْظُوْرَاتٍ بَلْ هِیَ مَبْذُوْلَاتٌ اِلٰهِیْ اَنْتَ الْكَرِیْمُ الَّذِیْ لَا تَرُدُّ سَائِلًا مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ سَاَلَكَ وَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ اَحَدٍ مِنْهُمْ اَرَادَكَ لَا وَ عِزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ وَ لَا تَخْتَزِلُ حَوَائِجَهُمْ دُوْنَكَ وَ لَا یَقْضِیْهَا اَحَدٌ غَیْرُكَ اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ تَرٰانِیْ وَ وُقُوْفِیْ وَ ذُلَّ مَقَامِیْ بَیْنَ یَدَیْكَ وَ تَعْلَمُ سَرِیْرَتِیْ وَ تَطَّلِعُ عَلٰی مَا فِیْ قَلْبِیْ وَ مَا یَصْلُحُ بِهِ اَمْرُ اٰخِرَتِیْ وَ دُنْیَایَ اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذِكْرَ الْمَوْتِ وَ اَهْوَالَ الْمُطَّلَعِ وَ الْوُقُوْفَ بَیْنَ یَدَیْكَ نَغَّصَنِیْ مَطْعَمِیْ وَ مَشْرَبِیْ وَ اَغَصَّنِیْ بِرِیْقِیْ وَ اَقْلَقَنِیْ عَنْ وِسَادِیْ وَ مَنَعَنِیْ رُقَادِیْ كَیْفَ یَنَامُ مَنْ یَخَافُ مَلَكَ الْمَوْتِ فِیْ طَوَارِقِ اللَّیْلِ وَ طَوَارِقِ النَّهَارِ بَلْ كَیْفَ یَنَامُ الْعَاقِلُ وَ مَلَكُ الْمَوْتِ لَا یَنَامُ لَا بِاللَّیْلِ وَ لَا بِالنَّهَارِ وَ یَطْلُبُ رُوْحَهُ بِالْبَیَاتِ وَ فِیْ آنَاءِ السَّاعَاتِ و بسجود میرفتند آنحضرت ع بعد از این دعا و میچسبانیدند کونه مبارک خود را بخاک و میفرمودند اَسْئَلُكَ الرَّوْحَ وَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عَنِّیْ حِیْنَ اَلْقَاكَ و میکذاردند پیش از نماز شب دو رکعت که میخواندند در رکعت اول

ان قل هو الله احد و در دویم قل یا ایها الکافرون و بعد از ان بلند میکردند دستهای
مبارک خود را بتکبیر و دعائی میکردند و تو هرگاه بگذاری این دو رکعت را پس خوبست که
بخوانی این دعا را که روایت کرده است صدوق ره در امالی از ابی الدرداء که حضرت امیر
المؤمنین ع میخواندند در دل شب الهی کم موبقة حلمت عن مقابلتها بنقمتک
وکم من جریرة تکرمت عن کشفها بکرمک الهی ان طال فی عصیانک
عمری و عظم فی الصحف ذنبی فما انا مؤمل غیر غفرانک و لا انا براج
غیر رضوانک الهی افکر فی عفوک فتهون علی خطیئتی ثم اذکر العظیم
من اخذک فتعظم علی بلیتی آه ان انا قرأت فی الصحف سیئة انا ناسیها
و انت محصیها فتقول خذوه فیا له من مأخوذ لا تنجیه عشیرته و لا تنفعه
قبیلته آه من نار تنضج الاکباد و الکلی آه من نار نزاعة للشوی آه من غمرة
من لهبات لظی پس گریه کن بعد از این دعا و بکن هر دعائی که خواهی بعد
ازان برخیز بنماز شب و بتحقیق اجماع کرده اند علمای ما بر اینکه اول وقت ان نصف شبست
و اینکه هرچند نزدیک شود بصبح صادق خواهد بود افضل پس اگر طلوع کند
صبح و گذارده باشد چهار رکعت تمام کند باقی را مسلک بحمد تنها بی سوره
بقصد ادا و مشهور انست که جایز است تقدیم ان بر نصف شب برای کسیکه عذری
داشته باشد لیکن قضای ان افضل است از تقدیم و هرگاه خواهی شروع کنی در
نماز شب پس سزاوار است که بگوئی اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة
و اله و اقدمهم بین یدی حوائجی فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا و الاخرة
و من المقربین اللهم ارحمنی بهم و لا تعذبنی بهم و اهدنی بهم و لا
تضلنی بهم و ارزقنی بهم و لا تحرمنی بهم و اقض لی حوائج الدنیا و الاخرة

تحفهٔ عزت

من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم هر کس خواهد قدر و منزلت و حشمتش بیفزاید و مقبول القول گردد در دلها و مطیع او گردند باید سه روز از ماه شعبان صائم باشد سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم افطار بنان جوین کند و سبزی و نمک ایضا و از نماز شام تا عشاء روی بقبله نشیند و بتسبیح و تهلیل مشغول شود تا نماز خفتن و بعد ازان نماز را ادا کند و تعقیبات بجا آورد و این ایه را بنویسد و در زیر سر گذارد و بخوابد صبح چون نماز بامداد کند بیرون رود بچشم ایشان اثر قبولیت در دلها پدید آورد که همه تعجب کنند سبب این ایه سوره یونس

بسم الله الرحمن الرحیم الر تلک ایات الکتاب الحکیم اکان للناس عجبا ان اوحینا الی رجل منهم ان انذر الناس و بشر الذین امنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم قال الکافرون ان هذا لساحر مبین ان ربکم الله الذی خلق

انک علی کل شیء قدیر و بکل شیء علیم بعد ازان ابتدا کن در رکعت اول بهفت تکبیر
باسه دعاهای انها و افضل انست که بخوانی دران بعد از حمد سی مرتبه توحید و در
رکعت دویم قل یا ایها الکافرون و در شش رکعت سورهای دراز مثل سوره انعام و
کهف و انبیا و یس و حم ها و انچه مانند اینها باشد در درازی و جایز است در نمازهای
سنتی خواندن سوره از روی مصحف هرچند از حفظ داشته باشد غیر از سوره الحمد
در نمازهای واجبی پس ان جایز نیست مگر انکه هیچ سوره از حفظ نداشته باشد و بعضی
گفته اند جایز است و ان ضعیف است و اگر تنگ باشد وقت تو از سورهای دراز کافیست
ترا حمد و قل هو الله احد در هر رکعتی و مرتبه است اقتصار بر حمد تنها مانند باقی نوافل
و بدانکه بتحقیق اتفاق کرده اند علمای ما بر اینکه قنوت چنانچه سنتست در نمازهای واجب
سنتست در هر رکعت دویمی از نوافل و در کافی از حضرت صادق ع روایت کرده که در قنوت
او بگو اللهم اغفر لنا و ارحمنا و عافنا و اعف عنا فی الدنیا و الاخرة انک
علی کل شیء قدیر و سه تسبیح نیز در انکتاب از ائمه اطیاب در قنوت کافی دانسته علی
حسب الروایه و سنتست مانند خواندن قنوت هرچند در نوافل روز باشد و سزاوارست
طول دادن ان خصوصا در نماز شب زیرا که وقت دران وسعتی دارد و صدوق ره در فقیه
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله روایت کرده که هر که از شما درازتر باشد قنوت او در دار
دنیا درازترست راحت او در روز قیامت و از دعاهای مختصر که لایق است که خوانده شود
در قنوت نوافل و غیر اینها الهی کیف ادعوک و قد عصیتک و کیف لا ادعوک و
قد عرفت حبک فی قلبی و ان کنت عاصیا مددت الیک یدا بالذنوب مملوة
و عینا بالرجاء ممدودة مولای انت عظیم العظماء و انا اسیر الاسراء انا الاسیر
بذنبی المرتهن بجرمی الهی لئن طالبتنی بذنبی لاطالبنک بکرمک و لئن طالبتنی

السموات و الارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یدبر الامر ما من شفیع الا من بعد اذنه ذلکم الله ربکم فاعبدوه افلا تذکرون تا عشره باشد و باقی ایات را گرو جمع پای باشد نو و براینه نبویسد بهر گونه ... کند بر ... خویش را بدان بشوید و اذا مس الانسان الضر دعانا لجنبه او قاعدا او قائما فلما کشفنا عنه ضره مر کان لم یدعنا الی ضر مسه کذلک زین للمسرفین ما کانوا یعملون خاصیت این ایت بسیار است از جمله برای سهولت حمل و اسانی رزق و مداوای درد گوش اگر بنویسد بر کاغذ ختائی در شب چهارشنبه و در گوش ... درد گوش از او برود و اگر بنویسد و تعوید کند روزی او رسد و اسانی بوی رزق رسد ایت قل من یرزقکم من السماء و الارض امن یملک السمع و الابصار و من یخرج الحی من المیت

بحرمتی لا اطالبنك بعفوك ولئن امرت بی الی النار لاخبرن اهلها انی کنت اقول لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم ان الطاعة تسرك والمعصية لا تضرك فهب لی ما يسرك واغفر لی ما لا يضرك يا ارحم الراحمين وان

واز دعاهای متوسط که سزاوار است خوانده شود در قنوت دعای وسایل التوبه مسایل است که از حضرت روایت شده اللهم ان الرجاء لسعة رحمتك انطقنی باستقالتك والامل لاناتك ورفقك شجعنی علی طلب امانك وعفوك ولی يا رب ذنوب قد واجهتها اوجه الانتقام وخطايا قد لاحظتها اعين الاصطلام واستوجبت بها علی عدلك اليم العذاب واستحققت باجتراحها مبير العقاب وخفت تعويقها الاجابتی وردها عن قضاء حاجتی بابطالها لطلبتی وقطعها الاسباب رغبتی من اجل ما انقض ظهری من ثقلها وبهظنی من الاستقلال بحملها ثم تراجعت يا رب الی حلمك عن الخاطئين وعفوك عن المذنبين ورحمتك للعاصين فاقبلت بثقتی متوكلا عليك طارحا نفسی بين يديك شاكيا بثی اليك سائلا ما لا استوجبه من تفريج الهم ولا استحقه من تنفيس الغم مستقيلا اياك واثقا مولای بك اللهم فامنن علی بالفرج وتطول علی بسهولة المخرج وادللنی برافتك علی سمت المنهج وازلقنی بقدرتك عن الطريق الاعوج وخلصنی من سجن الكرب باقالتك واطلق اسری برحمتك وطل علی برضوانك وجد علی باحسانك واقلنی عثرتی وفرج كربتی وارحم عبرتی ولا تحجب دعوتی واشدد بالاقالة ازری وقو بها ظهری واصلح بها امری واطل بها عمری وارحمنی يوم حشری ووقت نشری انك جواد كريم رؤف رحيم ومیخوانی در مناهر

دو رکعت از هشت رکعت این دعا را اللهم انی اسئلك ولم يسئل مثلك انت موضع مسئلة السائلين ومنتهی رغبة الراغبين ادعوك ولم يدع مثلك وارغب اليك ولم يرغب الی مثلك انت مجيب دعوة المضطرين وارحم الراحمين اسئلك بافضل المسائل وانجحها واعظمها يا الله يا رحمن يا رحيم وباسمائك الحسنی وامثالك العليا ونعمائك التی لا تحصی وباكرم اسمائك عليك واحبها اليك واقربها منك وسيلة واشرفها عندك منزلة واجزلها لديك ثوابا واسرعها فی الامور اجابة وباسمك الاعظم المكنون الاكبر الاعز الاجل الاكرم الذی تحبه وتهواه وترضی به عمن دعاك واستجبت له دعاءه وحق عليك ان لا ترد سائلك وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك من خلقك ان تصلی علی محمد وال محمد وان تعجل فرج وليك وابن وليك وتعجل خزی اعدائه وان تفعل بی كذا وكذا بعد از آن تسبیح می کنی تسبیح فاطمه زهرا را و میخوانی بعد از آن هر دعائی که خواهی پس سجده می کنی دو سجده شکر و خوب است بخوانی در آنها این دعا را که منسوب است بامام زین العابدین الهی وعزتك وجلالك وعظمتك لو انی منذ بدعت فطرتی من اول الدهر عبدتك دوام خلود ربوبيتك بكل شعرة فی كل طرفة عين سرمد الابد بحمد الخلائق وشكرهم اجمعين لكنت مقصرا فی بلوغ اداء شكر خفی نعمة من نعمك علی ولو انی كربت معادن حديد الدنيا بانيابی وحرثت ارضها باشفار عينی وبكيت من خشيتك مثل بحور السموات والارضين دما وصديدا لكان ذلك قليلا فی كثير ما يجب من حقك علی

بصیب من يشاء من عباده وهو الغفور الرحيم قل يا ايها الناس قد جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدی فانما يهتدی لنفسه ومن ضل فانما يضل عليها وما انا عليكم بوكيل واتبع ما يوحی اليك واصبر حتی يحكم الله وهو خير الحاكمين این سوره ... هود از برای تعلیم علوم و خواص در حکمت و مفهوم کردن اشیا و علوم دقیقه بنویسید بر برگ زیتون بعد از آب زیتون و زعفران و فرو شوید باب شمالی چون قمر صاعد باشد هر شمال و چند روز بیاشامد چنان در علوم زیرك و خبیر گردد که خود یاد نکند سوره هود منافع

بسم الله الرحمن الرحيم

الر كتاب احكمت اياته ثم فصلت من لدن حكيم خبير سوره ابراهيم وقال الذين كفروا لرسلهم لنخرجنكم من ارضنا او لتعودن فی ملتنا فاوحی اليهم ربهم لنهلكن الظالمين

من ارادنی بسوء ... فقل انی متوفيك ... قل هو الله ... از برای جمیع امراض ... بنویسید بر جامی پاک ... بعسل صاف ... و زعفران ... و گلاب فرو شوید ... بیاشامد البته تسکین ... اندام را ... مفید باشد این آیات یا ایها الناس قد جاءتكم موعظة من ربكم وشفاء لما فی الصدور وهدی ورحمة للمؤمنين از برای باطل شدن سحر این آیات را ... بنویسید و با خود دارد سحر باطل گردد قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سيبطله ان الله لا يصلح عمل المفسدين این آیات از برای جمیع امراض و اعراض و اوجاع بنویسد بر قطعه شکر و حل کند با ... که پیش از طلوع ... باشد بخورد مریض دهد ... وان يمسسك الله بضر فلا كاشف له الا هو وان يردك بخير فلا راد لفضله

وَلَوْ أَنَّكَ إِلٰهِي عَذَّبْتَنِي بَعْدَ ذٰلِكَ بِعَذَابِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ وَعَظَّمْتَ لِلنَّارِ خَلْقِي
وَجِسْمِي وَمَلَأْتَ طَبَقَاتِ جَهَنَّمَ مِنِّي حَتّٰى لَا يَكُونَ فِي النَّارِ مُعَذَّبٌ غَيْرِي
وَلَا يَكُونَ لِجَهَنَّمَ حَطَبٌ سِوَايَ لَكَانَ ذٰلِكَ بِعَدْلِكَ عَلَيَّ قَلِيلًا فِي كَثِيرِ
مَا اسْتَوْجَبْتُهُ مِنْ عُقُوبَتِكَ وهرگاه فارغ شدی از رکعت هشتم پس بخوان این
دعا را یا اللّٰه یا اللّٰه ده مرتبه صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي وَثَبِّتْنِي
عَلٰى دِينِكَ وَدِينِ نَبِيِّكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ
لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ و میگوئی نیز اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ لَكَ الْكَرَمُ
وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْأَمْرُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ
يَا مُحْيِي يَا مُمِيتُ يَا بَدِيعُ يَا رَفِيعُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْحَمَ
ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَأُنْسِي بِكَ بعد از آن
میگوئی آنچه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میخواند بعد از رکعت هشتم اَللّٰهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عَاذَ بِكَ وَلَجَأَ إِلٰى عِزِّكَ وَاسْتَظَلَّ بِفَيْئِكَ وَاعْتَصَمَ
بِحَبْلِكَ وَلَمْ يَثِقْ إِلَّا بِكَ يَا جَزِيلَ الْعَطَايَا يَا مُطْلِقَ الْأُسَارٰى يَا مَنْ سَمّٰى نَفْسَهُ مِنْ
جُودِهِ وَهَّابًا أَدْعُوكَ رَاغِبًا وَرَاهِبًا وَخَوْفًا وَطَمَعًا وَإِلْحَاحًا وَإِلْحَافًا وَ
تَضَرُّعًا وَتَمَلُّقًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا وَرَاكِعًا وَسَاجِدًا وَرَاكِبًا وَمَاشِيًا وَذَاهِبًا
وَجَائِيًا وَفِي كُلِّ حَالَاتِي وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا و یاد میکنی حاجات خود را بعد از آن سجده میکنی دو سجده
شکر و میخوانی در آنها بعد از آن آنچه گذشت و بعد از آنکه فارغ شدی از
هشت رکعت مخیری بر این که دو رکعت نماز شفع و یک رکعت وتر و افضل اوقات آنها میان صبح

أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ... مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقٰى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ اگر کسی را موی چند باشد و خواهد که انگور شن بسیار باشد و خواهد که در برکت بود این آیت را بیست و یک نوبت بر آب مورد معطر خواند در وقت صحو در شرف قمر یا تثلیث زهره با مشتری و در آن موضع بریزد و غیره أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللّٰهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ اگر خواهد که خانه ظالم خراب کند این آیت را بر خاک زمین و قف خواند در آن خانه

کاذب و صبح صادق است چنانچه گذشت در باب اول نزد ذکر صبح صادق و کاذب که وارد شده است
از آن از حضرت امیر المؤمنین ع و بدانکه شایع بر السنه علمای متاخرین اطلاق وتر است
بر رکعت سیم تنها نه بر مجموع سه رکعت و شایع در احادیث که وارد شده از
اصحاب عصمت علیهم السلام عکس اینست چنانچه روایت کرده است ابن را شیخ در تهذیب بسند
صحیح از حضرت صادق ع که پدر را انحضرت حضرت باقر علیه السلام میخواندند در وتر قل هو الله
احد در هر سه رکعت آن و چنانچه روایت کرده است نیز در تهذیب بسند موثق از انحضرت
که پیغمبر صلی الله علیه و آله میگذاردند هشت رکعت زوال و چهار رکعت نماز اول
و هشت رکعت نماز بعد از آن و چهار رکعت عصر و سه رکعت مغرب و چهار رکعت بعد از
مغرب و چهار رکعت عشای آخر و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت وتر بود و دو رکعت فجر و نماز
صبح دو رکعت تا آخر حدیث و چنانکه روایت کرده است ابن بابویه صدوق بسند صحیح از حفص بن
سالم خیاط که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که میفرمود که باکی نیست
اینکه بگذارد مرد دو رکعت از وتر را بعد از آن برود و برآورد حاجت خود را باز برگردد
پس بگذارد یک رکعت و هم چنین غیر اینها از احادیث و اما اطلاق وتر بر رکعت سیم تنها
پس آن در احادیث بسیار کمست لکن بسیار است در عبارتهای متاخرین علمای ما قدس الله
ارواحهم و اما قدمای پس اکثر ایشان تعبیر میکنند از آن بمفرده و وتر چنانکه تعبیر کرده است
شیخ طوسی در مصباح و غیر آن و از اینجا ظاهر میشود که کسیکه نذر کند نماز وتر را مطلق
بیرون نمیاید از عهده بیقین مگر بگذاردن سه رکعت و ظاهر میشود که آنچه ذکر
کرده است از شیخ جلیل ابو علی طبرسی در کتاب مجمع البیان از وجه نامیدن سوره فاتحه بسبع
المثانی با اینکه مثنی میشود قرائت آن در هر نماز واجب و سنتی کلامی است درست خالی از قصور
و آنچه اعتراض کرده اند بر او از استفاضه این کلمه بنماز وتر وارد نیست والله اعلم و میخوانی در هر

افشانند سه نوبت این عمل کند متواتر خانه آن ظالم را حق سبحانه و تعالی خراب کند آیت وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ این آیت را هر کس که مواظبت نماید بر تلاوت بعد از نماز صبح و قرائت را قطع نکرده باشد حق تعالی در مال و روزی او برکت کند و مرادهای وی میسر گردد و اگر طالب فرزند باشد فرزند صالح وی را کرامت کند و کشت و زرع آن با خیر و برکت شود و همیشه صاحب نعمت بود و درویش و ذلیل نگردد بقدرت حق تعالی اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ اگر در دنیا با جای

بلی از دو رکعت شفع بعد از حمد سوره قل هو الله احد و اگر خواهی میخوانی قل اعوذ برب الفلق در رکعت اول و قل اعوذ برب الناس در دویم پس هرگاه سلام دادی بخوان این دعا را الٰهی تعرّض لک فی هذا اللیل المتعرّضون و قصدک فیه القاصدون و امّل فضلک و معروفک الطالبون و لک فی هذا اللیل نفحات و جوائز و عطایا و مواهب تمنّ بها علی من تشاء من عبادک و تمنعها من لم تسبق له العنایة منک و ها انا ذا عبدک الفقیر الیک المؤمّل فضلک و معروفک فان کنت یا مولای تفضّلت فی هذه اللیلة علی احد من خلقک و عدت علیه بعائدة من عطفک فصلّ علی محمّد و آله الطیّبین الطاهرین الخیّرین الفاضلین و جد علیّ بطولک و معروفک یا ربّ العالمین و صلّی الله علی محمّد خاتم النبیین و آله الطاهرین الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهّرهم تطهیرا انّ الله حمید مجید اللّهمّ انّی ادعوک کما امرت فاستجب لی کما وعدت انّک لا تخلف المیعاد بعد از آن برخیز برای مفرده وتر و افتتاح کن در آن بهفت تکبیر با سه دعای آنها میخوانی در آنها بعد از حمد قل هو الله احد سه مرتبه و معوذتین بعد از سه مرتبه توحید بعد از آن بلند میکنی دستهای خود را و قنوت میخوانی و حال اینکه گریه کنی یا خود را بگریه بداری بآنچه روایت کرده است از رئیس المحدثین بسند صحیح در فقیه از احدهما یا حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق علیهما السلم که فرمودند بگو لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلیّ العظیم سبحان الله ربّ السموات السبع و ربّ الارضین السبع و ما فیهنّ و ما بینهنّ و ربّ العرش العظیم اللّهمّ انت الله نور السموات و الارض و انت الله جمال السموات و الارض و انت الله زین السموات و الارض و انت الله عماد السموات و الارض و انت الله

نا اثر باشد باید که هشت
نوبت روی بجانب آسمان کند
و بخواند و در عقب گوید این آیه
یا خفی الالطاف نجنی مما اخاف
حق تعالی او را کرامت فرماید
نجات و مهالک بقدرت خواند و
حفظناها من کل شیطان رجیم
از برای برکت در کشت و زرع
بر لوح زیتون بنویسد چنانکه گفته اند
این آیت و الارض مددناها و القینا
فیها رواسی و انبتنا فیها من کل
شیء موزون و جعلنا لکم فیها
معایش و من لستم له برازقین
و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما
ننزله الا بقدر معلوم این
آیت را شش هزار نوبت بخواند
بر زبیب طایفی هر نیت که خواهد
و بخورد و بعد از آنکه وضو و غسل
کرده باشد و از برای حفظ بغایت
نیکوست و لقد آتیناک سبعا من
المثانی و القرآن العظیم لا تمدن

و انت الله غیاث المستغیثین

قوام السموات و الارض و انت الله صریخ المستصرخین و انت الله المفرّج عن المکروبین و انت الله المروّح عن المغمومین و انت الله مجیب دعوة المضطرّین و انت الله اله العالمین و انت الله الرحمن الرحیم و انت الله کاشف السوء و انت الله بک تنزل کلّ حاجة یا الله لیس یردّ غضبک الا حلمک و لا ینجی من عقابک الا رحمتک و لا ینجی منک الا التضرّع الیک فهب لی من لدنک یا الهی رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک بالقدرة التی بها احییت جمیع ما فی البلاد و بها تنشر میت العباد لا تهلکنی غمّا حتی تغفر لی و ترحمنی و تعرّفنی الاستجابة فی دعائی و ارزقنی العافیة الی منتهی اجلی و اقلنی عثرتی و لا تشمت بی عدوّی و لا تمکّنه من رقبتی اللّهمّ ان رفعتنی فمن ذا الذی یضعنی و ان وضعتنی فمن ذا الذی یرفعنی و ان اهلکتنی فمن ذا الذی یحول بینک و بینی او یتعرّض لک فی شیء من امری و قد علمت ان لیس فی حکمک ظلم و لا فی نقمتک عجلة و انّما یعجل من یخاف الفوت و انّما یحتاج الی الظلم الضعیف و قد تعالیت عن ذلک یا الهی فلا تجعلنی للبلاء غرضا و لا لنقمتک نصبا و مهّلنی و نفّسنی و اقلنی و لا تتبعنی ببلاء علی اثر بلاء فقد تری ضعفی و قلّة حیلتی استعیذ بک اللیلة فاعذنی و استجیر بک من النار فاجرنی و اسئلک الجنّة فلا تحرمنی بعد از آن دعا کن خدا را بآنچه دوست داری و استغفار کن خدا را هفتاد مرتبه اینست آخر حدیث و سنت است که دعا کنی برای چهل کس از برادران خود یا زیاده پس میگوئی اللّهمّ اغفر لفلان و فلان نام ایشان بعد از آن میگوئی استغفر الله ربّی و اتوب الیه و سزاوار است که بشماری استغفار را بدست راست خود و دست نگاه دار دست چپ خود را چنانکه روایت کرده است از رئیس محدثین در فقیه بسند صحیح و اگر بسیار استغفار را بصد افضل خواهد بود

عینیک الی
ما متعنا به ازواجا منهم و لا
تحزن علیهم و اخفض جناحک للمؤمنین
این آیت را بنویسد بر لوح قصر و در هوا
بیاویزد و در موضع طاهر وضع
کند تا زوج عسل بود و در
آن چند اخیر و برکت باشد که جهانیان
تعجب کنند و هر که آن عسل بنوشد هیچ مرض
نبیند و هر که آن عسل بنوشد هیچ
ملول نگردد این آیت و اوحی ربک الی
النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا و من
الشجر و مما یعرشون ثم کلی من کل الثمرات
فاسلکی سبل ربک ذللا یخرج من
بطونها شراب مختلف الوانه فیه
شفاء للناس ان فی ذلک لآیة لقوم
یتفکرون هر کس که این آیت را
مداومت نماید بعد از نماز شام
ارباب فتوح و فیض
اربعین حق تعالی ابواب
و اموال دنیی بر وی بجهت اکرامت فرماید
و اگر دریا با خود دارد از امواج و مضرات
حیوانات بحری محفوظ و محروس بقدرت حق ماند
و هو الذی سخر البحر لتاکلوا
منه لحما طریا و تستخرجوا منه حلیة
تلبسونها و تری الفلک مواخر

بلی از دو رکعت شفع بعد از حمد سوره قل هو الله احد و اگر خواهی میخوانی قل اعوذ
برب الفلق در رکعت اول و قل اعوذ برب الناس در دویم پس هرگاه سلام دادی بخوان
این دعا را الهی تعرض لک فی هذا اللیل المتعرضون و قصدک فیه القاصدون
و امل فضلک و معروفک الطالبون و لک فی هذا اللیل نفحات و جوائز
و عطایا و مواهب تمن بها علی من تشاء من عبادک و تمنعها من لم تسبق له
العنایة منک و ها انا ذا عبدک الفقیر الیک المؤمل فضلک و معروفک
فان کنت یا مولای تفضلت فی هذه اللیلة علی احد من خلقک و عدت
علیه بعائدة من عطفک فصل علی محمد و اله الطیبین الطاهرین الخیرین
الفاضلین و جد علی بطولک و معروفک یا رب العالمین و صلی الله علی
محمد خاتم النبیین و اله الطاهرین الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم
تطهیرا ان الله حمید مجید اللهم انی ادعوک کما امرت فاستجب لی کما
وعدت انک لا تخلف المیعاد بعد از ان برخیز برای مفرده وتر و افتتاح کن در ان
بهفت تکبیر با سه دعای انها و میخوانی در انها بعد از حمد قل هو الله احد سه مرتبه
و معوذتین بعد از ان (بعد از سه مرتبه توحید) بلند میکنی دستهای خود را و قنوت میخوانی و حال اینکه
گریه کنی یا خود را بگریه بداری بانچه روایت کرده است از رئیس المحدثین بسند صحیح
در فقیه از احدهما یا حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق علیهما السلام که فرمود
بگو لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب
السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم
اللهم انت الله نور السموات و الارض و انت الله جمال السموات و الارض
و انت الله زین السموات و الارض و انت الله عماد السموات و الارض و انت الله

برکت در کشت و زرع

نجوت خطر نافع باشد باید که هفت
نوبت روی بجانب اسمان کند
و بخواند و در عقب گوید این ایه
یا خفی الالطاف نجنی مما اخاف
حق تعالی از انها کرامت فرماید از جمیع
مخاوف و مهالک بقدرت خود این ایت و
حفظناها من کل شیطان رجیم
از برای برکت در کشت و زرع خود بستر
بر لوح زیتون بنویسد چنانکه گفته اند
ایت و الارض مددناها و القینا
فیها رواسی و انبتنا فیها من کل
شیء موزون و جعلنا لکم فیها
معایش و من لستم له برازقین
و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما
ننزله الا بقدر معلوم این
ایت را شش هزار نوبت بخوانند
بر زبیب طایفی هر نیتی که خواهد
و بخورد و بعد از ان که وضو و غسل
کرده باشد و از برای حفظ بغایت
نیکست و لقد اتیناک سبعا من
المثانی و القران العظیم لا تمدن

و انت الله غیاث المستغیثین

قوام السموات و الارض و انت الله صریخ المستصرخین و انت الله المفرج عن المکروبین
و انت الله المروح عن المغمومین و انت الله مجیب دعوة المضطرین و انت
الله اله العالمین و انت الله الرحمن الرحیم و انت الله کاشف السوء و انت
الله بک تنزل کل حاجة یا الله لا یرد غضبک الا حلمک و لا ینجی من عقابک
الا رحمتک و لا ینجی منک الا التضرع الیک فهب لی من لدنک یا الهی رحمة
تغنینی بها عن رحمة من سواک بالقدرة التی بها احییت جمیع ما فی البلاد
و بها تنشر میت العباد و لا تهلکنی غما حتی تغفر لی و ترحمنی و تعرفنی الاستجابة
فی دعائی و ارزقنی العافیة الی منتهی اجلی و اقلنی عثرتی و لا تشمت بی
عدوی و لا تمکنه من رقبتی اللهم ان رفعتنی فمن ذا الذی یضعنی و ان وضعتنی
فمن ذا الذی یرفعنی و ان اهلکتنی فمن ذا الذی یحول بینک و بینی او یتعرض
لک فی شیء من امری و قد علمت ان لیس فی حکمک ظلم و لا فی نقمتک عجلة و انما
یعجل من یخاف الفوت و انما یحتاج الی الظلم الضعیف و قد تعالیت عن ذلک
یا الهی فلا تجعلنی للبلاء غرضا و لا لنقمتک نصبا و مهلنی و نفسنی و اقلنی
و لا تتبعنی ببلاء علی اثر بلاء فقد تری ضعفی و قلة حیلتی استعیذ بک
اللیلة فاعذنی و استجیر بک من النار فاجرنی و اسئلک الجنة فلا تحرمنی بعد
از ان دعا کن خدا را بانچه دوست داری و استغفار کن خدا را هفتاد مرتبه اینست اخر
حدیث و سنتست که دعا کنی (در قنوت) برای چهل کس از برادران خود یا زیاده پس میگوئی اللهم
اغفر لفلان و فلان تا اخر ایشان بعد از ان میگوئی استغفر الله ربی و اتوب الیه و سزاوار است
که بشماری استغفار را بدست راست خود و راست نگاه دار دست چپ خود را چنانکه روایت
کرده است از رئیس محدثین در فقیه بسند صحیح و اگر زیادتی کنی استغفار را بصد افضل خواهد بود

برکت در عسل نحل

عینیک الی
ما متعنا به ازواجا منهم و لا
تحزن علیهم و اخفض جناحک للمؤمنین
این ایات را بنویسد بر لوح قصر و در هوا
اندرون عسل بود در موضع طاهر دفن
کند و برکت باشد که جهانیان
از چند اخیر و برکت
تعجب کنند و هر که از ان عسل بنوشد هیچ مرض
و اوحی ربک الی
النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا و من
الشجر و مما یعرشون ثم کلی من کل الثمرات
فاسلکی سبل ربک ذللا یخرج من
بطونها شراب مختلف الوانه فیه
شفاء للناس ان فی ذلک لایة لقوم
یتفکرون هر کس که این ایات را
مداومت نماید بعد از نماز شام یک
اربعین حق تعالی ابواب فتوح و فیض
و اموال دینی بر و بحار اکرامت فرماید
و اگر در دریا با خود دارد از امواج و مضرات
محفوظ و محروس ماند بقدرت حق
تعالی ایات و هو الذی سخر البحر لتاکلوا
منه لحما طریا و تستخرجوا منه حلیة
تلبسونها و تری الفلک مواخر

بعد از آن میکوئی هفت مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لِجَمیعِ
ظُلْمی وَجُرْمی وَاِسْرافی عَلٰی نَفْسی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ بعد از آن میکوئی رَبِّ اَسَأْتُ وَ
ظَلَمْتُ نَفْسی وَبِئْسَ ما صَنَعْتُ وَهٰذِهِ یَدایَ یا رَبِّ جَزاءً بِما کَسَبَتْ وَهٰذِهِ رَقَبَتی
خاضِعَةٌ لِما اَتَیْتُ وَها اَنَا ذا بَیْنَ یَدَیْکَ فَخُذْ لِنَفْسِکَ مِنْ نَفْسِیَ الرِّضا حَتّٰی تَرْضٰی
لَکَ الْعُتْبٰی لا اَعُودُ بعد از آن میکوئی اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ سیصد مرتبه بعد از آن می
کوئی رَبِّ اغْفِرْ لی وَارْحَمْنی وَتُبْ عَلَیَّ اِنَّکَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحیمُ و سنت است
طول دادن قنوت پس اضافه می کنی باین آنچه را پیش گذشت ذکر آن در هشت رکعت
پس اگر وسعت داشته باشد وقت پس اضافه کن باین دعائی که میخواند سید عابدین
چنانچه صدوق در کتاب امالی روایت کرده سَیِّدی سَیِّدی هٰذِهِ یَدایَ قَدْ مَدَدْتُهُما
اِلَیْکَ بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً وَعَیْنایَ بِالرَّجاءِ مَمْدُودَةً وَحَقٌّ لِمَنْ دَعاکَ بِالنَّدَمِ
تَذَلُّلًا اَنْ تُجیبَهُ بِالْکَرَمِ تَفَضُّلًا سَیِّدی اَمِنْ اَهْلِ الشَّقاءِ خَلَقْتَنی فَاُطیلَ
بُکائی اَمْ مِنْ اَهْلِ السَّعادَةِ خَلَقْتَنی فَاُبَشِّرَ رَجائی سَیِّدی اَلِضَرْبِ الْمَقامِعِ
خَلَقْتَ اَعْضائی اَمْ لِشُرْبِ الْحَمیمِ خَلَقْتَ اَمْعائی سَیِّدی لَوْ اَنَّ عَبْدًا اسْتَطاعَ
الْهَرَبَ مِنْ مَوْلاهُ لَکُنْتُ اَوَّلَ الْهارِبینَ مِنْکَ لٰکِنّی اَعْلَمُ اَنّی لا اَفُوتُکَ سَیِّدی
لَوْ اَنَّ عَذابی مِمّا یَزیدُ فی مُلْکِکَ لَسَاَلْتُکَ الصَّبْرَ عَلَیْهِ غَیْرَ اَنّی اَعْلَمُ اَنَّهُ لا یَزیدُ
فی مُلْکِکَ طاعَةُ الْمُطیعینَ وَلا یَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِیَةُ الْعاصینَ سَیِّدی ما اَنَا
وَما خَطَری هَبْ لی مِنْ فَضْلِکَ وَجَلِّلْنی بِسِتْرِکَ وَاعْفُ عَنْ تَوْبیخی بِکَرَمِ
وَجْهِکَ اِلٰهی وَسَیِّدی اِرْحَمْنی مَصْرُوعًا عَلَی الْفِراشِ تُقَلِّبُنی اَیْدی اَحِبَّتی
وَارْحَمْنی مَطْرُوحًا عَلَی الْمُغْتَسَلِ یُغَسِّلُنی صالِحُ جیرَتی وَارْحَمْنی مَحْمُولًا قَدْ تَناوَلَ
الْاَقْرِباءُ اَطْرافَ جَنازَتی وَارْحَمْ فی ذٰلِکَ الْبَیْتِ الْمُظْلِمِ وَحْشَتی وَغُرْبَتی وَ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ سُبْحانَ الَّذی اَسْرٰی بِعَبْدِهِ لَیْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ اِلَی الْمَسْجِدِ الْاَقْصَی الَّذی بارَکْنا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیاتِنا اِنَّهُ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ

اِنَّ اللهَ مَعَ الَّذینَ اتَّقَوْا وَالَّذینَ هُمْ مُحْسِنُونَ

وَتُحَدِّثُنی واکر تنک باشد وقت از طول دادن قنوت پس مرتراست اقتصار بانچه خواهی
انچه وسعت داشته باشد از وقت و از دعاهای مختصر که خوبست قنوت بان در وسعت
و تنکی وقت در وتر و غیر ان این دعاست اَللّٰهُمَّ اِنَّ کَثْرَةَ الذُّنُوبِ تَکُفُّ اَیْدِیَنا
عَنِ انْبِساطِها اِلَیْکَ بِالسُّؤالِ وَالْمُداوَمَةَ عَلَی الْمَعاصی تَمْنَعُنا مِنَ التَّضَرُّعِ وَ
الْاِبْتِهالِ وَالرَّجاءُ یَحُثُّنا عَلٰی سُؤالِکَ یا ذَا الْجَلالِ فَاِنْ لَمْ یَعْطِفِ السَّیِّدُ عَلٰی
عَبْدِهِ فَمِمَّنْ یَبْتَغِی النَّوالَ فَلا تَرُدَّ اَکُفَّنَا الْمُتَضَرِّعَةَ اِلَیْکَ اِلّا بِبُلُوغِ الْآمالِ
وَصَلَّی اللهُ عَلٰی اَشْرَفِ الْاَنْبِیاءِ وَالْمُرْسَلینَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ پس هرگاه فارغ
شدی از قنوت پس رکوع کن و میکوئی بعد از سر برداشتن از رکوع هٰذا مَقامُ مَنْ
حَسَناتُهُ نِعْمَةٌ مِنْکَ وَسَیِّئاتُهُ بِعَمَلِهِ وَذَنْبُهُ عَظیمٌ وَشُکْرُهُ قَلیلٌ اِلٰهی
طُمُوحُ الْآمالِ قَدْ خابَتْ اِلّا لَدَیْکَ وَمَعاکِفُ الْهِمَمِ قَدْ تَقَطَّعَتْ اِلّا عَلَیْکَ
وَمَذاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ سَمَتْ اِلّا اِلَیْکَ فَاِلَیْکَ الرَّجاءُ وَاِلَیْکَ الْمُلْتَجَاُ یا اَکْرَمَ
مَقْصُودٍ وَیا اَجْوَدَ مَسْؤُولٍ هَرَبْتُ اِلَیْکَ بِنَفْسی یا مَلْجَاَ الْهارِبینَ بِاَثْقالِ الذُّنُوبِ
اَحْمِلُها عَلٰی ظَهْری وَما اَجِدُ لی اِلَیْکَ شافِعًا سِوٰی مَعْرِفَتی بِاَنَّکَ اَقْرَبُ مَنْ
رَجاهُ الطّالِبُونَ وَلَجَاَ اِلَیْهِ الْمُضْطَرُّونَ وَاَمَّلَ ما لَدَیْهِ الرّاغِبُونَ یا مَنْ فَتَقَ الْعُقُولَ
بِمَعْرِفَتِهِ وَاَطْلَقَ الْاَلْسُنَ بِحَمْدِهِ وَجَعَلَ مَا امْتَنَّ بِهِ عَلٰی عِبادِهِ کِفاءً لِتَاْدِیَةِ
حَقِّهِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلا تَجْعَلْ لِلْهُمُومِ عَلٰی عَقْلی سَبیلًا وَلا لِلْباطِلِ
عَلٰی عَمَلی دَلیلًا بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ بعد از آن دو سجده می کنی و تشهد
می خوانی پس هرگاه سلام دادی تسبیح کن تسبیح حضرت زهرا پس بخوان این دعا را که معروفست
بدعای حزین اُناجیکَ یا مَوْجُودًا فی کُلِّ مَکانٍ لَعَلَّکَ تَسْمَعُ نِدائی فَقَدْ عَظُمَ جُرْمی وَقَلَّ
حَیائی مَوْلایَ یا مَوْلایَ اَیَّ الْاَهْوالِ اَتَذَکَّرُ وَاَیَّها اَنْسٰی وَلَوْ لَمْ یَکُنْ اِلَّا الْمَوْتُ لَکَفٰی

قُلِ ادْعُوا اللهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ اَیًّا ما تَدْعُوا فَلَهُ الْاَسْماءُ الْحُسْنٰی وَلا تَجْهَرْ بِصَلاتِکَ وَلا تُخافِتْ بِها وَابْتَغِ بَیْنَ ذٰلِکَ سَبیلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبیرًا

خواهد که جای او خوش باشد سوره الکهف را

صباح شفاعت زهرا بیاشامد

كيف وما بعد الموت اعظم واذهى مولاى مولاى حتى متى والى متى اقول لك العتبى مرة بعد اخرى ثم لا تجد عندى صدقا ولا وفاء فيا غوثاه ثم واغوثاه بك يا الله من هوى قد غلبنى ومن عدو قد استكلب علىّ ومن دنيا قد تزيّنت لى ومن نفس امّارة بالسوء الّا ما رحم ربّى مولاى يا مولاى ان كنت رحمت مثلى فارحمنى وان كنت قبلت مثلى فاقبلنى يا قابل السحرة اقبلنى يا من لم ازل اتعرّف منه الحسنى يا من يغذّينى بالنعم صباحا ومساء ارحمنى يوم اتيك فردا شاخصا اليك بصرى مقلّدا عملى قد تبرّء جميع الخلق منّى نعم ابى وامّى ومن كان له كدّى وسعيى فان لم ترحمنى فمن يرحمنى ومن يونس فى القبر وحشتى ومن ينطق لسانى اذا خلوت بعملى وسالتنى عمّا انت اعلم به منّى فان قلت نعم فاين المهرب من عدلك وان قلت لم افعل قلت الم اكن الشاهد عليك فعفوك عفوك يا مولاى قبل ان تلبس الابدان سرابيل القطران وتغشى وجوههم النار عفوك عفوك يا مولاى قبل ان تغلّ الايدى الى الاعناق يا ارحم الراحمين وخير الغافرين بعد از ان سجده مى كنى ومى كوئى اللهم صلّ على محمّد وآل محمّد وارحم ذلّى بين يديك وتضرّعى اليك ووحشتى من الناس وانسى بك يا كريم يا كائنا بعد كلّ شىء لا تفضحنى فانّك بى عالم فلا تعذّبنى فانّك علىّ قادر اللهم انّى اعوذ بك من كرب الموت ومن سوء المرجع فى القبور ومن الندامة يوم القيمة اسئلك عيشة هنيئة وميتة سويّة ومنقلبا كريما غير مخزى ولا فاضح اللهم مغفرتك اوسع من ذنوبى ورحمتك ارجى عندى من عملى فصلّ على محمّد وآل محمّد واغفر لى يا حيّا لا يموت وبعد از انكه فارغ شدى از مفرده وتر وانچه متعلق بانست بر

میخیزی برای دو رکعت نافله صبح ومی نامند انها را دساستین باعتبار انکه پنهان کرده می شوند در نماز شب چنانکه روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت رضا علیه السلم که بر کن ما بینها نماز شب را وظاهر کشیدن وقت انها است ناطلوع سرخی چنانچه متضمن است بعضی روایات وچنانکه قایل شده بان جماعتی از علمای ما هر چند افضل اوقات انها میانه صبح کاذب وصادق است ومیخوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون ودر دوم قل هو الله پس هرگاه سلام دادی بخواب بر پهلوی راست رو بقبله بروشیکه میت را در لحد می گذارند وبگذار کونه راست خود را بر روی دست راست خود وبگو استمسکت بعروة الله الوثقى التى لا انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتين واعوذ بالله من شرّ فسقة العرب والعجم ومن شرّ فسقة الجنّ والانس ربّى الله ربّى الله ربّى الله امنت بالله وتوكّلت على الله لا حول ولا قوّة الّا بالله ومن يتوكّل على الله فهو حسبه انّ الله بالغ امره قد جعل الله لكلّ شىء قدرا حسبى الله ونعم الوكيل اللهم من اصبح وله حاجة الى مخلوق فانّ حاجتى ورغبتى اليك وحدك لا شريك لك لك الحمد والحمد لله ربّ الصباح الحمد لله فالق الاصباح الحمد لله ناشر الارواح الحمد لله قاسم المعاش الحمد لله جاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم اللهم صلّ على محمّد وآل محمّد واجعل فى قلبى نورا وفى بصرى نورا وعلى لسانى نورا ومن بين يدىّ نورا ومن خلفى نورا وعن يمينى نورا وعن شمالى نورا ومن فوقى نورا ومن تحتى نورا واعظم لى النور واجعل لى نورا امشى به فى الناس ولا تحرمنى نورك يوم القيمة بعد

ازان بخوان آیة الکرسی و معوذتین و پنج آیه از آخر آل عمران ان فی خلق السموات و الارض
تا انک لا تخلف المیعاد بعد ازان می نشینی و تسبیح می کنی تسبیح حضرت زهرا علیها السلام
بعد ازان می گوئی صد مرتبه سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَاَتُوبُ
اِلَيْهِ بعد ازان میگوئی هفت مرتبه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ بعد ازان سجده می کنی دو سجده شکر و میگوئی در انها آنچه بر بهد
بخواطر تو از دعاها که پیش گذشت و دعا بکن دران از برای برادران مومن پس میگوئی
اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَاللَّيَالِي الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ اِذَا يَسْرِ وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ
وَاِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَافْعَلْ بِي وَبِفُلَانٍ وَفُلَانٍ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِنَا مَا نَحْنُ اَهْلُهُ فَاِنَّكَ
اَهْلُ التَّقْوٰى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ باب هفتم در بیان بعضی از نمازهای مستحبه از ان
جمله نماز حضرت رسولست سید بن طاوس از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده
که از انحضرت سؤال کردند از نماز جعفر طیار حضرت فرمود چرا غافلید از نماز حضرت
رسول شاید حضرت رسول نماز جعفر را نکرده باشد و جعفر نماز انحضرت را کرده باشد
راوی عرض کرد ان نماز را بمن تعلیم فرمائید فرمود دو رکعت نماز میکنی و در هر رکعت
یکمرتبه فاتحه و پانزده مرتبه سوره انا انزلناه میخوانی پس در رکوع و بعد از سر
برداشتن و در سجده اول و در سر برداشتن و در سجده دویم و در سر برداشتن هر یک
پانزده مرتبه سوره قدر را میخوانی پس تشهد میخوانی و سلام می گوئی و چون فارغ
شوی در میان تو و خدا گناهی نماند مگر انکه آمرزیده شده است و هر حاجتی که بطلبی
روا شود لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْاَوَّلِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهًا وَاحِدًا
وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لَا نَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ
کره

درهمان موضع نحو کند البته دخوا ... انزالی هو هنلا ما ادرامداد ... و نواهی اجتناب کند این آیه اینست اَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ اَبُوهُمَا صَالِحًا فَاَرَادَ رَبُّكَ اَنْ يَبْلُغَا اَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ يا رحیم یا رحیم یا رحیم ارحمنی بعزتک استغیث یا وهاب یا معطی یا رازق و بکلک بر قد حی ابر بخوانند از برای دفع پشه و بجهت عطار ... بحوالی ان افشانند بقدرت حق تعالی دفع گردد اِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْاَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلٰى اَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا این آیت انست که اگر خواهد حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب ببیند شب بیست و هفتم رجب غسل کند و این آیت را نود و نه مرتبه با خلاص تمام بخواند و سیصد و سه نوبت صلوات فرستد بر ین قیاس که ...

کَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَاَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ
وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ نُورُ
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ قَيَّامُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَ
مَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَاِنْجَازُكَ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ
حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ اَللّٰهُمَّ لَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ
وَاِلَيْكَ حَاكَمْتُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ
وَاَسْرَرْتُ وَاَعْلَنْتُ اَنْتَ اِلٰهِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ
لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ مؤلف گوید که این نماز از نمازهای
مشهور ما بین عامه و خاصه است فریقین در کتب خود روایت کرده اند و بعضی انرا از
نمازهای روز جمعه شمرده اند و از روایات اختصاص معلوم نمیشود و ظاهرا در سایر
ایام تو انکرد و از انجمله نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است که ابن بابویه و عیاشی
و کلینی و شیخ و دیگران بسندهای صحیح و حسن و معتبر بسیار روایت کرده اند از حضرت
صادق که هر که چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بعد از فاتحه پنجاه مرتبه سوره
قل هو الله احد بخواند چون فارغ شود میان او و حق تعالی گناهی نماند مگر انکه آمرزیده گردد و
سید و شیخ از حضرت صادق روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز حضرت امیر المؤمنین را
بجا آورد از گناهان بیرون اید مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد و حاجتهای او
بر آورده شود و چون فارغ شود این دعا را بخواند که تسبیح انحضرتست سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ
مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا
يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَارِكُ اَحَدًا فِي اَمْرِهِ
سُبْحَانَ مَنْ لَا اِلٰهَ غَيْرُهُ پس این دعا بخواند یا مَنْ عَفَا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَازِ بِهَا اِرْحَمْ

اللهم صل ... عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ بَيْتِهِ ... وَاَصْحَابِهِ التَّابِعِينَ لَهُ بِاِحْسَانٍ ... سوره فتح از انجا که ... دوازده نوبت آخر سوره فتح ... بخواند و روی بقبله ... محمد رسول الله ... بدست راست ... نشان ... بخسبد جمال مبارک سید ولد آدم را در خواب ببیند و در خبر که در کمبارک مصطفی را مرکه در خواب ببیند روی او را در دوزخ نه بیند و هرکه شان او را کافر گرداند آیت قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحٰى اِلَيَّ اَنَّمَا اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ اَحَدًا برای دفع درد سر بنویسید سوره مریم را با این آیت بر پوست آهو بعد از عصر و بر سر بندد دیگر درد سر و شقیقه نباشد سوره مریم بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ كهيعص ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا اِذْ نَادٰى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا قَالَ رَبِّ اِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّاْسُ شَيْبًا وَلَمْ اَكُنْ

عدلن

عبدك يا الله يا الله نفسي انا عبدك يا سيداه انا عبدك بين يديك يا سيداه
يا ربّاه بك يا الهي بكينونيتك يا املاه يا رحماناه يا غياثاه عبدك عبدك لا حيلة
له يا منتهى رغبتاه يا مجري الدم في عروقي عبدك يا سيداه يا مالكاه ايا هو
ايا هو يا هو يا ربّاه عبدك لا حيلة لي ولا غنا لي عن نفسي ولا استطيع لها
ضرا ولا نفعا ولا اجد من اصانعه تقطعت اسباب الخدائع عني واضمحل كل
مظنون عني افردني الدهر لك فقمت بين يديك هذا المقام يا الهي بعلمك
هذا كان كله فكيف انت صانع بي وليت شعري كيف تقول لدعائي
اتقول نعم ام تقول لا فان قلت لا فيا ويلي يا ويلي يا ويلي يا عولي يا عولي
يا عولي يا شقوتي يا شقوتي يا شقوتي يا ذلي يا ذلي يا ذلي الى من وممن
او عند من او كيف او ماذا او الى اي شيء الجأ ومن ارجو ومن يجود علي
بفضله حين ترفضني يا واسع المغفرة وان قلت نعم كما الظن بك والرجا
لك فطوبى لي انا السعيد وانا المسعود فطوبى لي وانا المرحوم يا مترحم يا
مترئف يا متعطف يا متجبر يا متملك يا مقسط لا عمل لي مع نجاح حاجتي
اسئلك باسمك الذي جعلته في مكنون غيبك واستقر عندك فلا
يخرج منك الى شيء سواك اللهم به وبك وبه فانه اجل واشرف
اسمائك لا شيء لي غير هذا ولا احد اعود علي منك يا كينون يا مكون يا من
عرفني نفسه يا من امرني بطاعته يا من نهاني عن معصيته ويا مدعو ويا
مسئول ويا مطلوب اليه رفضت وصيتك التي اوصيتني بها ولم اطعك
ولو اطعتك فيما امرتني به لكفيتني ما قمت اليك فيه وانا مع معصيتي لك
راج فلا تحل بيني وبين ما رجوت يا مترحما لي اعذني من بين يدي ومن خلفي

ومن فوقي ومن تحتي ومن كل جهات الاحاطة بي اللهم بمحمد سيدي وبعلي وليي
وبالائمة الراشدين عليهم السلام اجعل علينا صلواتك ورافتك و
رحمتك واوسع علينا من رزقك واقض عنا الدين وجميع حوائجنا يا الله
يا الله انك على كل شيء قدير پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بکند واین
دعا را بخواند هیچ گناهی میان او وخدا نماند مگر آمرزیده شود واز جمله نماز حضرت
فاطمه زهرا است سید بن طاوس بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که
فرمود مادرم حضرت فاطمه ع دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل تعلیم وی کرده بود در رکعت
اول بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دویم بعد از حمد صد مرتبه توحید
می خواند وچون سلام می گفت این دعا را میخواند سبحان ذي العز الشامخ المنيف
سبحان ذي الجلال الباذخ العظيم سبحان ذي الملك الفاخر القديم سبحان من
لبس البهجة والجمال سبحان من تردى بالنور والوقار سبحان من يرى اثر النمل
في الصفا سبحان من يرى وقع الطير في الهواء سبحان من هو هكذا ولا هكذا
غيره وسید گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح
مشهور حضرت فاطمه ع که بعد از هر نماز خوانده می شود بخواند وبعد از آن صد مرتبه صلوات
بر محمد وآل محمد بفرستد وشیخ ره در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده وگفته است
که چون تسبیح حضرت فاطمه ع را خواندی این دعا را بخوان یعنی دعائیکه پیش مذکور شد
پس گفته است که سزاوار است برای کسیکه این نماز را بکند واز این دعا فارغ شود زانوها
و ذراعهای خود را برهنه کند وبسجده رود وجمیع مساجد سبعه را بخاک برساند که
جامه در میان مانع نشود ودعا کند وحاجات خود را از خدا طلب نماید ودر سجده این
دعا بخواند یا من ليس غيره رب يدعى يا من ليس فوقه اله يخشى يا من ليس دونه

ملك تتقى يا من ليس له بوّتى يا من ليس له حاجب يرشى يا من ليس له بوّاب يغشى يا من لا يزداد على كثرة السؤال الّا كرماً وجوداً وعلى كثرة الذنوب الّا عفواً وصفحاً صلّ على محمّد وآل محمّد وافعل بى كذا وكذا پس بجاى افعل كذا وكذا حاجات خود را ذكر كند واز انجمله نماز جعفر طيار است شكى نيست كه اين نماز از جمله متواترات است عامه وخاصه بسندهاى بسيار روايت كرده اند ومخالفان نيز اين نماز را صحيح دانند مگر بادرى از ايشان لكن اغلبى از ايشان بواسطه عداوت باطنى كه با حضرت امير المؤمنين ع دارند وافراى او ع اين نماز را نسبت بعباس بن عم پيغمبر ص ميدهند وبعد از نمازهاى شبانه روزى نافله نوافل بحسب صحيح سند وكثرت ثواب اين نماز نمير سد بسند معتبر از حضرت امام زين العابدين عليه السلم منقولست كه چون جعفر طيار برادر امير المؤمنين ع از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزى آمد كه فتح خيبر دست امير المؤمنين ع شده بود حضرت رسول ص بقدر يك تير پرتاب باستقبال آن بزرگوار شتافت چون جعفر نظرش بر جمال عديم المثال انحضرت افتاد مشتاقانه بسوى او دويد حضرت او را در بر كشيد ودست در گردن او در آورد وبسيار با او سخن گفت پس بر ناقه عضبا سوار شد وجعفر را رديف خود ساخت چون ناقه براه افتاد فرمود اى جعفر اى برادر ميخواهى بخشش بزرگى كنم نسبت بتو ميخواهى ترا عطيه گرانبهائى بدهم مى خواهى تو را بر گزينم مردمان گمان كردند كه مال خطيرى از غنايم خيبر باو عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلى يا رسول الله پدر ومادرم فداى تو باد پس حضرت نماز تسبيح را تعليم وى فرمود وحضرت صادق ع فرمود كه صفتش اينست كه چهار ركعت است بدو تشهد بدو سلام ودر ركعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت ميخواند ودر ركعت دويم بعد از حمد سوره والعاديات ودر ركعت سيم بعد از حمد سوره اذا جاء نصر الله ودر ركعت چهارم بعد از حمد سوره قل هو الله ودر هر ركعت

بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه بگويد سبحان الله والحمد لله ولا اله الّا الله والله اكبر ودر ركوع همين تسبيحات را ده مرتبه بگويد وچون سر از ركوع برميدارد ده مرتبه ودر سجده اولى ده مرتبه وبعد از سر برداشتن ده مرتبه ودر سجده دويم ده مرتبه وبعد از سر برداشتن پيش از آنكه برخيزد ده مرتبه در هر چهار ركعت چنين كند كه مجموع سيصد دفعه شود وهزار ودويست تسبيح بوده باشد وبروايت معتبر حضرت رسول ص فرمود كه اگر هر روز بكنى بهتر است از براى تو از دنيا وانچه در او هست واگر در هر جمعه يكى يا هر ماهى يا در هر سالى يكمرتبه هر گناهى كرده باشى وميان دو نماز كرده آمرزيده شود وبروايت معتبر ديگر فرمود اگر بقدر كف درياها وعدد ريك بيابانها گناه بر تو باشد خدا بيامرزد وبجهت حوائج مشروع مجربست والتماس دعاها بكرد در اين نماز مستحب كلينى بسند معتبر از حضرت صادق ع روايت كرده است كه در سجده نماز جعفر چون از تسبيحات فارغ شوى بگو سبحان من لبس العزّ والوقار سبحان من تعطّف بالمجد وتكرّم به سبحان من لا ينبغى التسبيح الّا له سبحان من احصى كلّ شيء علمه سبحان ذى المنّ والنعم سبحان ذى القدرة والكرم اللهمّ انّى اسئلك بمعاقد العزّ من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك واسمك الاعظم وكلماتك التامّة التى تمّت صدقاً وعدلاً صلّ على محمّد واهل بيته پس حاجات خود را ذكر كند وشيخ در مصباح اين دعا را روايت كرده با اين زيادتى سبحان ذى القدرة والكرم سبحان ذى العزّة والفضل سبحان ذى القوّة والطول اللهمّ انّى اسئلك تا آخر دعا وايضا شيخ وسيد از مفضل بن عمر روايت كرده اند كه گفت ديدم روزى حضرت امام جعفر صادق ع را بجا آورد

پس این دعا را خواندند یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ بقدر یکنفس و یا کند یا رَبّاه
یا رَبّاه یا رَبّاه بقدر یکنفس یا رَبِّ یا رَبِّ باز بقدر یکنفس یا الله یا الله بقدر یکنفس
یا رحیم یا رحیم باز بقدر یک نفس یا رحمن یا رحمن هفت مرتبه یا ارحم الراحمین هفت مرتبه
پس این دعا بخواند اَللّهُمَّ اِنّی اَفتَتِحُ القَولَ بِحَمدِكَ وَاَنطِقُ بِالثَّناءِ عَلَيكَ
وَاُمَجِّدُكَ وَلا غايَةَ لِمَدحِكَ وَاُثني عَلَيكَ وَمَن يَبلُغُ غايَةَ ثَنائِكَ وَاَمَدَ
مَجدِكَ وَاَنّی لِخَليقَتِكَ كُنهُ مَعرِفَةِ مَجدِكَ وَاَیَّ زَمَنٍ لَم تَكُن مَمدُوحاً
بِفَضلِكَ مَوصُوفاً بِمَجدِكَ عَوّاداً عَلَى المُذنِبينَ بِحِلمِكَ تَخَلَّفَ سُكّانُ اَرضِكَ
عَن طاعَتِكَ فَكُنتَ عَلَيهِم عَطُوفاً بِجُودِكَ جَواداً بِكَرَمِكَ يا لا اِلهَ اِلّا اَنتَ
المَنّانُ ذُو الجَلالِ وَالاِكرامِ پس حضرت فرمود ای مفضل هرگاه ترا حاجت
ضروری هم رسد نماز جعفر را بکن و این دعا را بخوان و حوائج خود را از خدای
طلبکن که بر آورده میشود بدانکه هرگاه تسبیح مذکور را کلا یا بعضا در بعضی
احوال مقرره فراموش نماید و در حال دیگر بخاطر آورد در آنحال از او قضا نماید
هرگاه او را کار باشد و فرصت خواندن تسبیح نداشته باشد چهار رکعت را بدون
تسبیح بجا میآورد و بعد از نماز تسبیحات را در راهی که میرود بجا میآورد و در بعضی
از روایات مذکور است که افضل اوقات این نماز اول روز جمعه است و از حضرت رضا ع
منقولست که آنجناب در سفر خراسان آنرا در آخر شب بجا میآوردند و از نافله شب
محسوب میداشتند و این روایت بنا باشد اشعاری بفضیلت آنوقت نیز داشته باشد
و از حضرت صادق ع مرویست که اگر خواهی حساب نما از نوافل شب و اگر خواهی حساب
نما از نوافل روز حساب میشود از برای تو از نماز جعفر یعنی هم دو اجر داری و
در جواز اتیان بنماز واجب باین نحو محل تامل است و بعضی از علما قائل بجواز آن شده اند

و آن خالی از قوت نیست چه ظاهر اطلاق حدیث صحیح دلالت بر آن دارد و در آن
فعلی که منافی نماز باشد نیست و باینجهة بعضی جواز ادای فریضه حاضره را باین نحو نیز
احتمال داده اند

باب در نمازهای ایام و لیالی و نماز هر روز و هر ماه و سال

منقولست از پیغمبر ص که هر کس در شب شنبه چهار رکعت نماز کند بدو سلام
در هر رکعت الحمد یکبار و آیة الکرسی سه بار و توحید یکبار بخواند و چون سلام دهد سه بار
آیة الکرسی بخواند حق تعالی او را و پدر و مادر او را بیامرزد و از آنجماعت خواهد بود
که پیغمبر ص شفیع او خواهد بود نماز روز شنبه از حضرت پیغمبر ص منقولست که هر که
روز شنبه چهار رکعت نماز کند بدو سلام در هر رکعتی الحمد یکبار و سوره جحد سه بار
بخواند چون سلام دهد یکبار آیة الکرسی بخواند خداوند عالم بعدد هر مرد یهودی و زن
یهودیه عبادت یکساله از برای او بنویسد نماز شب یکشنبه از پیغمبر ص مرویست که هر که
در شب یکشنبه دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و یکبار آیة الکرسی و یکبار سوره
اعلی و یکبار توحید بخواند روز قیامت روی او مانند ماه شب چهارده درخشان
باشد و الله تعالی او را تا وقت مرگ بعقل او متمتع و بهره ور سازد نماز روز یکشنبه از پیغمبر ص
منقولست که کسی که روز یکشنبه چهار رکعت نماز کند بدو سلام در هر رکعت یکبار الحمد
و یکبار آیه آمن الرسول تا آخر سوره بخواند خدای تعالی بعدد هر مرد نصرانی و زن نصرانیه
عبادت یکساله در نامه عمل او نویسد نماز شب دوشنبه از آنحضرت مرویست کسیکه در
این شب چهار رکعت نماز کند بدو سلام در هر رکعتی هفت بار الحمد و یکبار سوره قدر بخواند
و چون سلام دهد صد بار بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و صد بار بگوید اللهم
صل علی جبرئیل خدای تعالی هفتاد هزار قصر با او عطا نماید که در هر قصری هفتاد
هزار خانه باشد و در هر خانه هفتاد هزار حجره و در هر حجره هفتاد هزار کنیزک باشد

پس این دعا را خوانند یا ربّ یا ربّ یا ربّ بقدر یکنفس و اکند یا رباه
یا ربّاه یا ربّاه بقدر یکنفس یا ربّ یا ربّ باز بقدر یکنفس یا الله یا الله بقدر یکنفس
یا رحیم یا رحیم باز بقدر یک نفس یا رحمن یا رحمن هفت مرتبه یا ارحم الراحمین هفت مرتبه
پس این دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَفْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ وَاَنْطِقُ بِالثَّناءِ عَلَيْكَ
وَاُمَجِّدُكَ وَلا غايَةَ لِمَدْحِكَ وَاُثْنی عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ غايَةَ ثَنائِكَ وَاَمَدَ
مَجْدِكَ وَاَنّى لِخَليقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ وَاَىَّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحاً
بِفَضْلِكَ مَوْصُوفاً بِمَجْدِكَ عَوّاداً عَلَى الْمُذْنِبينَ بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ سُكّانُ اَرْضِكَ
عَنْ طاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفاً بِجُودِكَ جَواداً بِكَرَمِكَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ
الْمَنّانُ ذُو الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ پس حضرت فرمود ای مفضل هرگاه ترا حاجت
ضروری بهم رسد نماز جعفر را بکن و این دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا بطلب
طلب کن که بر آورده میشود بدانکه هرگاه تسبیح مذکور را کلاً یا بعضاً در بعضی
احوال مقرره فراموش نماید و در حال دیگر بخاطر او رسد در آن حال از او قضا نماید
هرگاه او را کار باشد و فرصت خواندن تسبیح را نداشته باشد چهار رکعت را بدون
تسبیح بجا میآورد و بعد از نماز تسبیحات را در راهی که میرود بجا میآورد و در بعضی
از روایات مذکور است که افضل اوقات این نماز اول روز جمعه است و از حضرت رضا
منقولست که آنجناب در سفر خراسان از اول آخر شب بجا میآوردند و از نافله شب
محسوب میداشتند و این روایت بنا باشد اشعار بفضیلت آنوقت نیز داشته باشد
و از حضرت صادق مرویست که اگر خواهی حساب نما آنرا از نوافل شب و اگر خواهی حساب
نما آنرا از نوافل روز حساب میشود از برای تو از نماز جعفر یعنی هم و اجر ادای فرض
در جواز اتیان بنماز واجب باین نحو محل تامل است و بعضی از علما بل بجواز رسیده اند

دادن خالی از قوت نیست چه ظاهر اطلاق حدیث صحیح دلالت بر آن دارد و در آن
فعلی که منافی نماز باشد نیست و با ینجهت بعضی جواز ادای فریضه حاضره را باین نحو نیز
احتمال داده اند **باب** در نمازهای ایام و لیالی و نماز هر روز و هر شب
و سال منقولست از پیغمبر صلعم که هر کس در شب شنبه چهار رکعت نماز کند بدو سلام
در هر رکعت الحمد یکبار و آیة الکرسی سه بار و توحید یکبار بخواند و چون سلام دهد سه بار
آیة الکرسی بخواند حقتعالی او را و پدر و مادر او را بیامرزد و از آنجماعت خواهد بود
که پیغمبر صلعم شفیع او خواهد بود نماز روز شنبه از حضرت پیغمبر صلعم منقولست که هر که
روز شنبه چهار رکعت نماز کند بدو سلام در هر رکعتی الحمد یکبار و سوره جحد سه بار
بخواند چون سلام دهد یکبار آیة الکرسی بخواند خداوند عالم بعدد هر مرد یهود و زن
یهودیه عبادت یکساله از برای او بنویسد نماز شب یکشنبه از پیغمبر صلعم مرویست که هر که
در شب یکشنبه دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و یکبار آیة الکرسی و یکبار سوره
اعلی و یکبار توحید بخواند روز قیامت روی او مانند ماه شب چهارده درخشان
باشد و الله تعالی او را تا وقت مرگ بعقل او متمتع و بهره ور سازد نماز روز یکشنبه از پیغمبر
منقولست که کسی که روز یکشنبه چهار رکعت نماز کند بدو سلام در هر رکعت یکبار الحمد
و یکبار آیه آمن الرسول تا آخر سوره بخواند خدای تعالی بعدد هر مرد نصرانی و زن نصرانیه
عبادت یکساله در نامه عمل او نویسد نماز شب دوشنبه از آنحضرت مرویست که کسیکه در
این شب چهار رکعت نماز کند بدو سلام در هر رکعتی هفت بار الحمد و یکبار سوره قدر بخواند
و چون سلام دهد صد بار بگوید اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد و صد بار بگوید اللّهم
صلّ علی جبرئیل خدای تعالی هفتاد هزار قصر باو عطا نماید که در هر قصری هفتاد
هزار خانه باشد و در هر خانه هفتاد هزار حجره و در هر حجره هفتاد هزار کنیزک باشد

نماز روز دوشنبه نیز مثل نماز شب اینست و ثواب همان ثواب نماز شب شنبه از حضرت پیغمبر مرویست که کسیکه در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و آیة الکرسی و توحید و آیه شهادت را هر کدام یکبار بخواند هر چیز یکه از خدای تعالی بخواهد باو میدهد نماز روز سه شنبه از آنحضرت مرویست که کسیکه در این روز بیست رکعت نماز کند بعد از نصف روز در هر رکعتی یکبار الحمد و یکبار آیة الکرسی و سه بار توحید بخواند تا هفتاد روز از او گناه ننویسند شب چهارشنبه از آنحضرت مرویست که کسیکه در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد و آیة الکرسی و توحید و قدر هر کدام را یکبار بخواند خدای تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد روز چهارشنبه از آنحضرت مرویست که هر کس در این روز دوازده رکعت نماز بکند بشش سلام در هر رکعتی الحمد یکبار و توحید و معوذتین هر کدام سه بار بخواند از پیش عرش خدای تعالی منادی ندا کند که عمل را از سر گیر که خدای تعالی گناهان گذشته و آینده ترا آمرزید شب پنجشنبه از آنحضرت مرویست که هر کس در این شب بعد از نماز شام و خفتن دو رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار و آیة الکرسی و چهار قل هر کدام پنج بار بخواند و چون سلام دهد پانزده بار استغفار کند و ثواب آنرا بوالدین خود ببخشد حق ایشان را ادا کرده باشد نماز روز پنجشنبه مثل نماز شب دوشنبه است و هم چنین نماز شب جمعه و روز جمعه و نیز از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که کسیکه شب جمعه دو رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و پانزده بار سوره اذا زلزلت بخواند حق تعالی او را از عذاب قبر و اهوال روز قیامت ایمن گرداند و اما نماز هر روز از حضرت کاظم علیه السلام مرویست که هر کس هر روز نزد زوال چهار رکعت نماز کند بدو سلام در هر رکعتی یکبار الحمد و یکبار آیة الکرسی بخواند خدای تعالی او را و اهل و مال و دنیا و دین او را نگاه دارد و اما نماز هر ماه از حضرت جواد مرویست که هر گاه ماه نو

داخل شود در روز اول انماه دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت الحمد یکبار و سوره قل هو الله سی بار بخوان بعد از آن تصدق کن بچیزیکه ترا میسر شود تا آنکه سلامتی انماه را خریده باشی و در روایت دیگر وارد شده است که در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه توحید بخوان و در رکعت دویم بعد الحمد سی مرتبه سوره قدر و اما نمازیکه در هر سال باید کرد دو رکعت است و در این دو رکعت بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند و این نماز را در روز اول محرم باید کرد و چون سلام دهد سه نوبت بگوید اللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَبَدِیُّ الْقَدِیمُ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ وَهٰذِهِ سَنَةٌ جَدِیدَةٌ فَاَسْئَلُکَ الْعِصْمَةَ فِیهَا مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ وَالْعَوْنَ عَلٰی هٰذِهِ النَّفْسِ الْاَمَّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغَالَ بِمَا یُقَرِّبُنِی اِلَیْکَ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعَامِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ خدای تعالی دو ملک می فرستد که موکل او شود و شیطان را از او دفع کند و او را یاری دهد و خدای تعالی توفیق دهد او را در باقی مانده عمر و اما نماز هدیه میت دو رکعت است که در شب دفن میت بجا میاورد در رکعت اول یک حمد و آیة الکرسی باید خواند و در رکعت دویم یک حمد و ده نوبت سوره قدر باید خواند و چون سلام دهد بگوید اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوَابَهَا اِلٰی قَبْرِ فلان و نام میت را ببرد و در روایت دیگر وارد شده است که در رکعت اول بعد از حمد ده بار سوره توحید و در رکعت دویم بعد از حمد ده مرتبه سوره تکاثر بخواند و از جمله نمازها نماز فاقه است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که فرمود که از کسیکه نماز فوت شود و نداند که چند نماز فوت شده است و بعد از آن پشیمان شود شود از فوت کردن آن نمازها و او را ممکن نشود که آنها را قضا کند باید که در شب دوشنبه پنجاه رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام در هر یک رکعت الحمد یکمرتبه و یازده مرتبه توحید بخواند و چون

فارغ شود صد نوبت استغفار کند و صد نوبت تسبیح گوید و صد نوبت صلوات بر پیغمبر و آل پیغمبر فرستد پس بدرستیکه هر که این نماز را بکند خدای تعالی محاسبه او را نکند بنماز یکه از او فوت شده است و دیگر نمازهای مستحبه بسیار است ذکر شد ام از آنها و اما نمازهای مشهور در اماکن خود ذکر میشود ان شاء الله تعالی

باب هشتم در بیان نمازهای حوائج و نماز طلب مغفرت بجهت پدر و مادر اما نمازهای حوائج بسیار است بعضی از آنها نماز یست که طبرسی از اد در کتاب کنوز النجاح ذکر کرده است و گفته است که از ناحیه مقدسه نوشته بیرون امد که از مصنف نوشته بود که کسی را که بخدای تعالی حاجتی باشد باید که در شب جمعه بعد از نصف شب غسل کند و بمصلای خود امده دو رکعت نماز کند در رکعت اول الحمد بخواند و چون بایاک نعبد و ایاک نستعین برسد صد نوبت از انرا تکرار کند و در نوبت صدم تا اخر الحمد را بخواند و بعد از ان یکبار سوره توحید بخواند بعد از ان برکوع رود و سجده کند و در رکوع و سجود هر کدام هفت نوبت تسبیح بخواند و رکعت دویم را مثل رکعت اول بجا اورد و بعد از اتمام نماز این دعا را بخواند اللهم اِنْ اَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ وَاِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ مِنْكَ الرَّوْحُ وَمِنْكَ الْفَرَجُ سُبْحَانَ مَنْ اَنْعَمَ وَشَكَرَ سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ وَغَفَرَ اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَاِنِّي قَدْ اَطَعْتُكَ فِي اَحَبِّ الْاَشْيَاءِ اِلَيْكَ وَهُوَ الْاِيمَانُ بِكَ لَمْ اَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا وَلَمْ اَدْعُ لَكَ شَرِيكًا مَنًّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَنًّا مِنِّي بِهِ عَلَيْكَ وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا اِلٰهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ وَلٰكِنْ اَطَعْتُ هَوَايَ وَاَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ فَاِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرَ ظَالِمٍ وَاِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي

فَاِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ و چون بلفظ یا کریم برسد چندان مکرر کند که نفس منقطع شود و بعد از ان بگوید یا آمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ اَسْئَلُكَ بِاَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْطِيَنِي اَمَانًا لِنَفْسِي وَاَهْلِي وَوَلَدِي وَسَائِرِ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتّٰى لَا اَخَافَ اَحَدًا وَلَا اَحْذَرَ مِنْ شَيْءٍ اَبَدًا اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ يَا كَافِيَ اِبْرٰهِيمَ نُمْرُودَ وَيَا كَافِيَ مُوسٰى فِرْعَوْنَ يَا كَافِيَ مُحَمَّدٍ اُمَّ الْاَحْزَابِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ بعد از ان بسجده رود و بسوی خدای تعالی تضرع کند و حاجت خود را از خدای تعالی بخواهد پس بدرستیکه هر مرد مؤمن و زن مؤمنه که این نماز را بکند و این دعا را بخواند خالصاً مخلصاً لله خدای تعالی بفرماید درهای اسمان را از برای اسطه دعای او بکشایند و هر حاجتی که دارد بر اورده شود مگر انکه دعا در قطع رحم باشد که مستجاب نمیشود و از انجمله نماز یست که در کتاب دفع الهموم و الاحزان از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست و از اینست که انحضرت فرمود هر کسرا حاجتی باشد میباید که سه روز روزه بگیرد که اخر ان سه روز جمعه باشد و طهارت کند و چیزی تصدق کند خواه ان چیز کم باشد یا زیاد و چون نماز را تمام کند بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ اَلَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ اَلَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الَّذِي مَلَاَتْ عَظَمَتُهُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الَّذِي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَخَشَعَتْ لَهُ الْاَبْصَارُ وَوَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خَشْيَتِهِ

اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِیَ حاجَتی فی کَذا وَکَذا و بعد از آن فرمود که
این دعا را سفیهان خود میاموزید که بآن دعا می کنند در عمل نامشروع و از آنجمله
نماز عفیله است که در نوافل یومیه گذشت و از آنجمله نمازیست که از حضرت صادق ع
مرویست که فرمود هرگاه یکی از شماها بیمار شود طبیب برای او طلبید چیزی باو می دهد
و هرگاه تو را حاجتی باشد بپادشاهی باشد بدربان رشوه می دهد و اگر یکی
از شما را امر مکروهی برسد باید که بسوی خدای تعالی فزع کند و طهارت کند و چیزی
تصدق کند خواه کم و خواه بسیار بعد از آن داخل مسجد شود و دو رکعت نماز کند
و حمد و ثنای خدای تعالی را بجای آورد و بر محمد و آل محمد صلوات فرستد بعد از آن بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنْ عافَیْتَنی مِمّا اَخافُ مِنْ کَذا وَکَذا الله تعالی مطلب و را براورد و از آنجمله نمازیست که
سید علی بن حسین بن حسان بن باقی قرشی از او در کتاب اختیار خود از حضرت صادق ع
روایت کرده است که آنحضرت فرمود که کسی را اگر حاجتی باشد بخدای تعالی باید که روز پنجشنبه
بعد از چاشت غسل کند و چهار رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد بخواند و بیست
بار سوره قدر و چون سلام دهد صد بار بگوید اللّهمّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و بعد
از آن دست خود را بسوی آسمان بردارد و صد بار بگوید یا اَللّٰهُ و بعد از آن دو
انگشت سبابه خود را حرکت دهد و ده بار بگوید یا اَللّٰهُ و بعد از آن نمقدار
بگوید یا رَبِّ یا رَبِّ که نفس منقطع شود و بعد از آن دست خود را برابر روی خود برد
و ده بار بگوید یا اَللّٰهُ و بعد از آن بگوید یا اَفْضَلَ مَنْ رُجِیَ وَیا خَیْرَ مَنْ دُعِیَ
وَیا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطیٰ وَیا اَکْرَمَ مَنْ سُئِلَ یا مَنْ لا یَعْتَزُّ عَلَیْهِ ما فَعَلَ یا مَنْ
حَیْثُ ما دُعِیَ اَجابَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مُوجِباتِ رَحْمَتِکَ وَبِاَسْمائِکَ الْعِظامِ
وَبِکُلِّ اسْمٍ لَکَ عَظیمٍ وَاَسْئَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَریمِ وَبِفَضْلِکَ الْعَظیمِ وَاَسْئَلُکَ

بِاسْمِکَ الَّذی اِذا دُعیتَ بِهِ اَجَبْتَ وَاِذا سُئِلْتَ بِهِ اَعْطَیْتَ وَاَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ
الْعَظیمِ الْاَعْظَمِ یا دَیّانَ یَوْمِ الدّینِ مُحْیِیَ الْعِظامِ وَهِیَ رَمیمٌ وَاَسْئَلُکَ بِاَنَّکَ اَنْتَ
اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُیَسِّرَ لی اَمْری وَلا تُعَسِّرَ
عَلَیَّ وَتُسَهِّلَ لی مَطْلَبَ رِزْقی مِنْ فَضْلِکَ الْواسِعِ یا قاضِیَ الْحاجاتِ یا قَدیراً عَلیٰ
ما لا یَقْدِرُ عَلَیْهِ غَیْرُکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَاَکْرَمَ الْاَکْرَمینَ و اما نماز طلب مغفرت
بجهة والدین که خداوند عالم در آیه شریفه ارشاد نموده مردم را بطلب مغفرت برای ایشان مکان
فرموده وَاخْفِضْ لَهُما جَناحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ و مراد از ذل در این مقام تواضع است
یعنی فرو خوابان برای ایشان بال تواضع را یعنی ایشان را در زیر بال خود گیر و بخود ضم کن
چنانکه ایشان ترا در حال صغر در زیر بال خود گرفته بودند و بعد از آن فرمود وَقُلْ
رَبِّ ارْحَمْهُما یعنی برای ایشان دعا کن برحمت و مغفرت در حال حیات و بعد از ممات
ایشان بواسطه جزاء تربیت ایشان مرترا در حال کوچکی تو و از اینجا ظاهر میشود دعای
فرزند از برای والدین خود در حال ممات ایشان مستجاب و مسموع است و الا امر باو بی
فایده می بود و اینکه حق تعالی فرزند را وصیت کرده که از برای والدین دعای نیکو کند
و والدین را امر نکرده برای اولاد دعا کنند برای آنستکه والدین کمال شفقت بفرزندان
دارند و احتیاج بسفارش نیست پس سزاوار است از برای ایشان طلب مغفرت کردن
بانچه حضرت امام زین العابدین علیه السلام از برای والدین خود دعا می خوانده چنانچه
در صحیفه کامله مذکور است اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَاَهْلِ بَیْتِهِ
الطّاهِرینَ تا آخر دعا و نماز کنی بانچه از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست و آن اینست که
فرمود کسیکه شب پنجشنبه میان شام و خفتن دو رکعت نماز کند در رکعتی یکبار الحمد
و پنج مرتبه آیة الکرسی و پنج مرتبه قل ها قل یعنی قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و قل

اَعُوذُ بِرَبِّ الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند و چون سلام دهد یازده مرتبه استغفار
کند و ثواب از ابو الدین بخشد پس بدرستی که حقوق والدین را ادا کرده است **باب نهم**
و حوائج دعائی است که در ادعیهٔ السّر مذکور است و از اینست که حقتعالی فرموده ای
محمد صلعم کسیرا که حاجتی باشد بسوی من با بعبرمن باید که در وسط شب در خلوت مرا بخواند
در حالتی که با طهارت باشد و بگوید یا اَللهُ مَا اَجِدُ اَحَدًا اِلاّ وَ اَنْتَ رَجَاؤُهُ وَ مَنْ اَرْجَى خَلْقِكَ
لَكَ اَنَا وَ يَا اَللهُ وَ لَيْسَ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِكَ اِلاّ وَ هُوَ بِكَ وَاثِقٌ وَ مِنْ اَوْثَقِ خَلْقِكَ بِكَ
اَنَا وَ يَا اَللهُ وَ لَيْسَ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ اِلاّ وَ هُوَ لَكَ فِي حَاجَتِهِ مُعْتَمِدٌ وَ فِي طَلِبَتِهِ
سَائِلٌ وَ مِنْ اَلَحِّهِمْ سُؤَالاً لَكَ اَنَا وَ مِنْ اَشَدِّهِمْ اِعْتِمَادًا لَكَ لِاَنِّي اَمَسُّ شَدِيدًا
ثِقَتِي فِي طَلِبَتِي اِلَيْكَ وَ هِيَ كَذَا وَ كَذَا چون بلفظ کذا و کذا برسد حاجت خود را
نام ببرد پس بدرستیکه هرگاه این دعا را بخواند پیش از آنکه از آن مکان برود حاجت او را
روا کنم باید که نفس خود را باین خوش دارد و از انجمله دعائیست که از حضرت امام رضا ع
مرویست و این دعا از جملهٔ ادعیهٔ الوسائل الی المسائل است و آن اینست بِسْمِ اللهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ خَيْرُ مَنْ اَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ اَنْ يَدْعُوكَ وَ مَنْ وَعَدْتَهُ بِالْاِجَابَةِ
اَنْ يَرْجُوكَ وَلِيَ اللّٰهُمَّ حَاجَةٌ قَدْ عَجَزَتْ عَنْهَا حِيلَتِي وَ كَلَّتْ فِيهَا طَاقَتِي وَ ضَعُفَتْ
عَنْ مَرَامِهَا قُدْرَتِي وَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِيَ الْاَمَّارَةُ بِالسُّوءِ وَ عَدُوِّيَ الْغَرُورُ الَّذِي اَنَا
مِنْهُ مُبْتَلًى اَنْ اَرْغَبَ فِيهَا اِلَى ضَعِيفٍ مِثْلِي وَ هُوَ فِي النُّكُولِ شَكْلِي حَتَّى تَدَارَكَتْنِي
رَحْمَتُكَ وَ بَادَرَتْنِي بِالتَّوْفِيقِ رَأْفَتُكَ وَ رَدَدْتَ عَلَيَّ عَقْلِي بِتَطَوُّلِكَ وَ اَلْهَمْتَنِي
رُشْدِي بِتَفَضُّلِكَ وَ اَحْيَيْتَ بِالرَّجَاءِ لَكَ قَلْبِي وَ اَزَلْتَ خُدْعَةَ عَدُوِّي عَنْ لُبِّي
وَ صَحَّحْتَ بِالتَّامِيلِ فِكْرِي وَ شَرَحْتَ بِالرَّجَاءِ لِاِسْعَافِكَ صَدْرِي وَ صَوَّرْتَ لِي
الْفَوْزَ بِبُلُوغِ مَا رَجَوْتُهُ وَ الْوُصُولَ اِلَى مَا اَمَّلْتُهُ فَوَقَفْتُ اَللّٰهُمَّ رَبِّ بَيْنَ يَدَيْكَ

ذکر کردیم که حضرت صادق ع
که اسماء الله سیصد و
شصت است خدای تعالی اسماء خود را چهار
جزء کرده است تا آخر آن حدیث که ذکر
کردیم از مراد در فصل باب مذکور و نیز مروی
شده است که خدای تعالی را هزار اسم مقدس
مطهر است و در روایتی وارد است که خدای
تعالی را چهار هزار اسم است و تخصیص
این نود و نه اسم بذکر بواسطهٔ اختصاص
آنها است بمزید شرف بر باقی اسماء و یا
بواسطهٔ آنستکه این اسماء اشهر و اظهر
اسماء الهی است تخصیص داده شد بذکر

باب شصت و سیم در جوشن کبیر

و این باب مشتمل است بر اسماء الحسنی و ما وضع
کرده ایم بر ترتیب حروف ابجد در هر فصل
ده اسم مذکور است و نام
این دعا را جوشن کبیر و بسیار رفیع
الشان است و این دعا را از حضرت
امام زین العابدین ع مروی شده است
و آنحضرت آنرا از پدر بزرگوار خود روایت
کرده است و پدرش از جد او و جد او از
پیغمبر صلی الله علیه

سَائِلاً لَكَ ضَارِعًا اِلَيْكَ وَاثِقًا بِكَ مُتَوَكِّلاً عَلَيْكَ فِي قَضَاءِ حَاجَتِي يَا مَنْ تَجَاحَ
وَ اُمِدُّهَا سُبُلَ الْفَلَاحِ وَ اَغْنِنِي اَللّٰهُمَّ بِكَرَمِكَ مِنَ الْخَيْبَةِ وَ الْقُنُوطِ
وَ الْاَنَاةِ وَ التَّثَبُّطِ هَنِّئْنِي اِجَابَتَكَ وَ سَابِغَ مَوْهِبَتِكَ اِنَّكَ مَلِيٌّ وَلِيٌّ وَ عَلَى
عِبَادِكَ بِالْمِنَائِحِ الْجَزِيلَةِ وَفِيٌّ وَ اَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ وَ بِعِبَادِكَ
خَبِيرٌ بَصِيرٌ و از انجمله دعائیست که از حضرت امام زین العابدین ع مرویست و این از جملهٔ دعا
های صحیفهٔ کامله است و آن اینست اَللّٰهُمَّ يَا مُنْتَهَى مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ وَ يَا مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ
تا آخر دعا و از انجمله دعائیست که خلف بن عبد الملک بن مسعود در کتاب مستغیث ذکر کرده و گفته است که
این دعا از برای هر مطلبی مجربست و از جبرئیل ع به پیغمبر تعلیم کرده و آن دعا اینست یا
نُورَ السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضِ وَ يَا زَيْنَ السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضِ وَ يَا جَمَالَ السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضِ
وَ يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ يَا غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَ صَرِيخَ
الْمُسْتَصْرِخِينَ وَ مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ وَ مُنَفِّسَ الْمَكْرُوبِينَ وَ مُفَرِّجَ الْمَغْمُومِينَ
وَ مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَ يَا كَاشِفَ كُلِّ سُوءٍ وَ يَا اِلٰهَ الْعَالَمِينَ و اما ذکر رقاع
استغاثات در امور مخوفه از انجمله اینها چیزیست که از حضرت صادق ع مرویست و آن
اینست که آنحضرت فرمود که هر کسیکه رزق او کم شده باشد و معیشت او تنگ باشد یا حاجتی
مهم داشته باشد از امور دنیا و آخرت باید که در وقت طلوع آفتاب در رقعهٔ سفیدی
این دعا را که مذکور می شود بنویسد و در آب روان اندازد و باید که اسمهای ائمهٔ معصومین
در یک سطر باشد و دعا اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ مِنَ الْعَبْدِ
الذَّلِيلِ اِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ سَلَامٌ اِلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ
وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْقَائِمِ سَيِّدِنَا وَ مَوْلَانَا
صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ رَبِّ اِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ الْخَوْفُ فَاكْشِفْ ضُرِّي وَ اٰمِنْ

و آله
روایت کرده است که آنحضرت در بعضی از
جنگها بود و جوشن سنگینی در بر داشت
که بدن مبارک او را آزار میکرد جبرئیل ع
بر آنحضرت نازل شد و گفت که خدای تع
ترا سلام میرساند و میگوید که این
جوشن را از بدن خود بکن و این دعا را
بخوان که این دعا امانست از برای تو
و از برای امت تو پس کسیکه بخواند این
دعا را در وقت بیرون آمدن از خانه
خود یا با خود دارد الله تعالی او را حفظ
خود نگاه میدارد و او را ثابت میکند
حب خود را بر او و توفیق میدهد
او را بواسطهٔ اعمال صالحه و مثل
کسیست که چهار کتاب خدا را خوانده
باشد و بعد هر حرفی دو زن از حور
تعالی باو میدهد و کسیکه سه بار
این دعا را بخواند الله تع بدن او را بر آتش
حرام میگرداند بهشت را از برای او واجب
میسازد و دو ملک که نگاه میدارند
او را از معاصی و در امان خدای تعالی است
در مدت حیات خود ای محمد تعلیم مکن این
دعا را مگر مؤمن متقی

دعای جوشن کبیر انتخاباً از ده دعا

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک باسمک یا الله یا رحمن یا رحیم یا کریم یا مقیم یا عظیم یا قدیم یا علیم یا حلیم یا حکیم سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

جهت گشادگی کارها

یا سید السادات یا مجیب الدعوات یا رافع الدرجات یا ولی الحسنات یا غافر الخطیئات یا معطی المسئلات یا قابل التوبات یا سامع الاصوات یا عالم الخفیات یا دافع البلیات سبحانک

جهت نصرت

یا خیر الغافرین یا خیر الفاتحین یا خیر الناصرین یا خیر الحاکمین یا خیر الرازقین یا خیر الوارثین یا خیر الحامدین یا خیر الذاکرین یا خیر المنزلین یا خیر

حوّلنی بحقّ محمّدٍ وآل محمّدٍ واسئلک بکلّ نبیٍّ ووصیٍّ وصدّیقٍ وشهیدٍ ان تصلّی علی محمّدٍ وآل محمّدٍ یا ارحم الراحمین اشفعوا لی یا ساداتی بالشّان الّذی لکم عند الله فانّ لکم عند الله لشاناً من الشّان فقد مسّنی الضّرّ یا ساداتی والله ارحم الرّاحمین فافعل بی یا ربّ کذا وکذا بجای کذا وکذا حاجت خود را ذکر کند و بعد از آن رقعه را به پیچد و در میان بندقه از گل گذارد و در آب جاری یا در چاه اندازد و بر دو رقعه این شکل را بنویسد واز انجمله رقعه ایست

که از حضرت هادی مرویست و قصه او انست که بعضی بنده زادهای آنحضرت پیغام نمودند خدمت آنجناب از بلاها و مصائب خود در وقتی که در حبس متوکل لعین آن پاکدین مبتلا بود و آن ملعون وعده قتل آن مظلوم را داده بود و جمیع اموال او را گرفته بود آنحضرت امر نمودند او را بنوشتن این کلمات الله در سر رقعه و مخفی نمودن او در سر مکان در شب خداوند او را نجات داد و اموال او باو رد شد و آن اینست

بسم الله الرّحمن الرّحیم الی الله الملک الدّیّان الرّؤف المنّان الاحد الصّمد من عبده الذّلیل البائس المسکین فلان بن فلان اللّهمّ انت السّلام ومنک السّلام والیک یعود السّلام تبارکت وتعالیت یا ذا الجلال والاکرام صلوات الله علی محمّدٍ وآله وبرکاته ودائم سلامه امّا بعد فانّ من حضرتنا من اهل الاموال والجاه قد استعدّوا من اموالهم وتقدّموا بسعة جاههم فی مطالبهم ولم تسؤهم وتاخّر المستضعفون المقلّون عن تنجّز حوائجهم لابواب الملوک ومطالبهم فیا من بیده نواصی العباد اجمعین ویا معزّ اولیائه للمؤمنین ومذلّ العتاة الجبّارین انت ثقتی ورجائی والیک مهربی وملجای وعلیک توکّلی وبک اعتصامی وعیاذی فانّ یا ربّ صعبه وتحزّ لی قلبه و

یا حبیب من لا حبیب له ... یا من له العزّة والجمال یا من له القدرة والکمال یا من له الملک والجلال یا من هو الکبیر المتعال یا منشئ السحاب الثقال یا من هو شدید المحال یا من هو سریع الحساب یا من هو شدید العقاب یا من عنده حسن الثواب یا من عنده امّ الکتاب اللهم انی اسئلک باسمک یا حنان یا منان یا دیان یا برهان یا سلطان یا رضوان یا غفران یا سبحان یا مستعان یا ذا المنّ والبیان یا من تواضع کل شیء لعظمته یا من استسلم کل شیء لقدرته یا من ذلّ کل شیء لعزّته یا من خضع کل شیء لهیبته یا من انقاد کل شیء من خشیته یا من

وردّ عنّی نافره واکفنی بائقه فانّ مقادیر الامور بیدک وانت الفعّال لما تشاء لک الحمد والیک یصعد الحمد لا اله الّا انت سبحانک وبحمدک تمحو ما تشاء وتثبت وعندک امّ الکتاب وصلّی الله علی محمّدٍ وآله الطّیّبین الطّاهرین والسّلام علیهم ورحمة الله وبرکاته واز انجمله استغاثه است بسوی حضرت صاحب الزمان و آن اینست که انچه مذکور میشود در رقعه نویسد و آنرا بقبری از قبور ائمه علیهم السلم اندازد یا به بندد آنرا و مهر کند و گل پاکی را بردارد و آنرا در میان آن گل گذارد و در نهر آبی یا چاه عمیقی یا غدیر آبی اندازد که بجناب صاحب الزمان علیه السلام میرسد و آنحضرت بنفس خود متولی حاجت آن میشود و آن رقعه اینست بسم الله الرّحمن الرّحیم کتبت یا مولای صلوات الله علیک مستغیثاً وشکوت ما نزل بی مستجیراً بالله عزّ وجلّ ثمّ بک من امرٍ قد دهمنی واشغل قلبی واطال فکری وسلبنی بعض لبّی وغیّر خطیر نعمة الله عندی اسلمنی عند تخیّل ورود الخلیل وتبرّء منّی عند ترائی اقباله الیّ الحمیم وعجزت عن دفاعه حیلتی وخاننی فی تحمّله صبری وقوّتی فلجأت فیه الیک وتوکّلت فی المسئلة لله جلّ ثناؤه علیه وعلیک فی دفاعه عنّی علماً بمکانک من الله ربّ العالمین ولیّ التّدبیر ومالک الامور واثقاً بک فی المسارعة فی الشّفاعة الیه جلّ ثناؤه فی امری متیقّناً لاجابته تبارک وتعالی ایّاک باعطائی سؤلی وانت یا مولای جدیر بتحقیق ظنّی وتصدیق املی فیک فی امر کذا وکذا فیما لا طاقة لی بحمله ولا صبر لی علیه وان کنت مستحقّاً له ولاضعافه بقبیح افعالی وتفریطی فی الواجبات الّتی لله عزّ وجلّ فاغثنی

یا مولای صلوات الله علیک عند اللهف و قدم المسئلة لله عز و جل
فی امری قبل حلول التلف و شماتة الاعداء فبک بسطت النعمة
علی و اسئل الله جل جلاله لی نصرا عزیزا و فتحا قریبا فیه بلوغ الامال
و خیر المبادی و خواتیم الاعمال و الامن من المخاوف کلها فی کل
حال انه جل ثناؤه لما یشاء فعال و هو حسبی و نعم الوکیل فی
المبدء و المال و بعد از آنکه او را نوشت بسوی نهر یا غدیر رود و
ببعضی از ابواب آنحضرت توسل جوید مثل عثمن بن سعید عمری یا فرزند
او محمد بن عثمن یا حسین بن روح یا علی بن محمد السمری که این جماعت ابواب
آنحضرت بوده اند پس یکی از ایشانرا آواز کند و بگوید یا فلان بن فلان
سلام علیک اشهد ان وفاتک فی سبیل الله و انک حی عند الله
مرزوق و قد خاطبتک فی حیاتک التی لک عند الله عز و جل و
هذه رقعتی و حاجتی الی مولینا صلی الله علیه فسلمها الیه فانت الثقة
الامین و بعد از آن رقعه را در نهر یا چاه یا غدیر اندازد که حاجت او
روا می شود انشاء الله و از جمله قصص کثیره دیده است باید که بنویسی الحمد و آیة الکرسی
و آیة العرش یعنی آیه سخره را و بعد از آن بنویس بسم الله الرحمن الرحیم من العبد
الذلیل فلان بن فلان الی المولی الجلیل الذی لا اله الا هو الحی القیوم سلام علی
آل یس محمد و علی و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی
و محمد و علی و الحسن و محمد بن الحسن حجتک یا رب العالمین اللهم
انی اسئلک بانی اشهد انک انت الله الهی و اله الاولین و الاخرین
لا اله غیرک و اتوجه الیک بحق هذه الاسماء التی اذا دعیت بها استجبت

واذا

یا من قامت السموات بامره یا من استقرت الارض باذنه یا من تسبح الرعد بحمده یا من لا یعتدی علی اهل مملکته
یا غافر الخطایا یا کاشف البلایا یا منتهی الرجایا یا مجزل العطایا یا واهب الهدایا یا رازق البرایا یا قاضی المنایا یا سامع الشکایا یا باعث البرایا یا مطلق الاساری
یا ذا الحمد و الثناء یا ذا الفخر و البهاء یا ذا المجد و السناء یا ذا العهد و الوفاء یا ذا العفو و الرضاء یا ذا المن و العطاء یا ذا الفصل و القضاء یا ذا العز و البقاء یا ذا الجود و السخاء یا ذا الآلاء و النعماء
اللهم انی اسئلک باسمک یا مانع یا دافع یا رافع یا صانع یا نافع یا سامع یا جامع یا شافع یا واسع یا موسع

و اذا سئلت اعطیت لما صلیت علیهم و هونت علی خروج روحی و کنت لی
قبل ذلک غیاثا و مجیرا ممن اراد ان یفرط علی او ان یطغی پس دعا کن
با نچه میخواهی و این نوشته را در میان بندقه گل یا گل کنار دو سوره یس را بران
بخوان و بعد از آن انرا در چاه عمیقی یا نهری یا چشمه عمیقی بینداز که حاجت تو
روا می شود انشاء الله تعالی باب دهم در طلب اولاد و مال و روزی اما اول نماز
ابتنی است که مشهور است بصلوة الحبل و ان دو رکعتست که از بعد از نماز جمعه
باید کرد و بعد از نماز این دعا را باید خواند اللهم انی اسئلک بما سئلک به
زکریا اذ قال رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین اللهم هب
لی ذریة طیبة انک سمیع الدعاء اللهم باسمک استحللتها و فی
امانتک اخذتها فان قضیت فی رحمها ولدا فاجعله غلاما مبارکا
زکیا و لا تجعل للشیطان فیه نصیبا و احمد بن فهد در کتاب مهذب البارع
ذکر کرده که حضرت امام زین العابدین ببعضی اصحاب خود گفت که در طلب فرزند
این دعا را هفتاد بار بخوان که رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین و اجعل
لی من لدنک ولیا یرثنی فی حیوتی و یستغفر لی بعد وفاتی و اجعله
خلقا سویا و لا تجعل للشیطان فیه نصیبا اللهم انی استغفرک و اتوب
الیه انک انت الغفور الرحیم پس هر که بسیار این قول را بسیار بگوید
خدای تعالی روزی میکند باو انچه آرزو داشت از مال و فرزند و خیر دنیا
و آخرت بواسطه آنکه فرمود و استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل
السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و
یجعل لکم انهارا و در کتاب مکارم الاخلاق شیخ رضی الدین ابو علی طبرسی

یا مانع کل ممنوع یا خالق کل مخلوق یا رازق کل مرزوق یا مالک کل مملوک یا راحم کل مرحوم یا ناصر کل منصور یا ساتر کل معیوب یا ملجا کل مطرود
یا عدتی عند شدتی یا رجائی عند مصیبتی یا مونسی عند وحشتی یا صاحبی عند غربتی یا ولیی عند نعمتی یا غیاثی عند کربتی یا دلیلی عند حیرتی یا غنائی عند افتقاری یا ملجائی عند اضطراری یا معینی عند مفزعی
یا علام الغیوب یا غفار الذنوب یا ستار العیوب یا کاشف الکروب یا مقلب القلوب یا طبیب القلوب یا منور القلوب یا انیس القلوب یا مفرج الهموم یا منفس الغموم
اللهم انی اسئلک باسمک یا جلیل

ازرای

از برای طلب فرزند از امام محمد باقر ع روایت کرده است که انحضرت فرموده که از برای
طلب فرزند در صبح و شام هفتاد بار باید گفت سُبحانَ الله و ده بار باید گفت
اَستَغفِرُ الله و نه بار باید گفت سبحان الله و در بار دهم باید خواند وَاستَغفِرُوا رَبَّکُم
تا الخر ایه و ایضاً در همان کتاب مذکور است که مردی از کثرت دختر بخدمت حضرت
صادق ع شکایت کرد انحضرت فرمود هرگاه با زوجه خود اراده مواقعه کنی دست
راست خود را بر طرف راست ناف او بگذار و هفت بار سوره قدر بخوان و چون
زن اثر حمل در خود بیابد دست راست خود را بر جانب راست ناف او بگذار و
هفت بار سوره قدر بخوان چون انمرد این عمل را بجای اورد هفت پسر از برای او متولد
شد و مردم بسبب این عمل را بجا اوردند و خدای تعالی بجمیع ایشان پسران ارزانی داشت
و شیخ طبرسی در تفسیر جوامع ذکر کرده و در مجمع البیان در تفسیر سوره هود که حضرت
امام حسن چون بر معویه وارد شد و چون بیرون میامدند حاجبی با نحضرت عرض
کرد که من صاحب مالم و برای من فرزندی نمیشود چیزی بمن بیاموز شاید که خدای
تعالی فرزندی بمن عطا فرماید انحضرت فرمود که بر تو باد که استغفار کنی پس انمرد استغفار
بسیار می کرد تا انکه در هر روزی هفتصد بار استغفار می کرد تا انکه خدای تعالی ده پسر باو
عطا فرمود الحدیث و شیخ شهید در کتاب دروس ذکر کرده که مردی بخدمت امام موسی کاظم ع
امد از قلت و کمی ولد شکایت کرد انحضرت فرمود که استغفار کن و تخم مرغ را که در اب
نجوشید بخور یعنی تخم را در اتش برشته کن و بخور و در روایت دیگر وارد شده
که خوردن گوشت و تخم باعث کثرت نسل میشود و دعای امام در صحیفه کامله بجهة
اولاد معروفست اما دعایی که تعلق بطلب رزق دارد شیخ طوسی در کتاب
متهجد ذکر کرده که مردی از فقر خود خدمت حضرت صادق ع شکایت کرد پس انحضرت او را

امر کرد

یا جلیل یا جمیل یا وکیل یا کفیل یا دلیل یا قبیل یا مدیل یا منیل یا مقیل یا محیل سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب
یا دلیل المتحیرین یا غیاث المستغیثین یا صریخ المستصرخین یا جار المستجیرین یا امان الخائفین یا عون المؤمنین یا راحم المساکین یا ملجأ العاصین یا غافر المذنبین یا مجیب دعوة المضطرین
یا ذا الجود والاحسان یا ذا الفضل والامتنان یا ذا الامن والامان یا ذا القدس والسبحان یا ذا الحکمة والبیان یا ذا الرحمة والرضوان یا ذا الحجة والبرهان یا ذا العظمة والسلطان یا ذا الرأفة والمستعان یا ذا العفو والغفران
یا من هو رب کل شیء یا من هو اله کل شیء یا من هو خالق کل شیء یا من هو صانع کل شیء یا من هو قبل کل شیء یا من هو بعد کل شیء یا من هو فوق کل شیء یا من هو عالم بکل شیء یا من هو قادر علی کل شیء یا من هو یبقی و یفنی کل شیء
اللهم انی اسئلک باسمک

امر کرد که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد و در روز جمعه در وقت چاشت بر بام بلندی
یا بصحرا رود بطریقی که کسی او را نبیند و زیارت پیغمبر کند و در همان مکان دو
رکعت نماز کند و بعد از ان بر زانو در اید و چنان کند که زانوهای او بر زمین
برسد و دست راست خود را بر بالای دست چپ گذارد و روی بقبله کرده
بگوید اَللّهُمَّ اَنتَ اَنتَ انقَطَعَ الرَّجاءُ اِلّا مِنکَ وَخابَتِ الآمالُ اِلّا فیکَ
یا ثِقَةَ مَن لا ثِقَةَ لَهُ غَیرُکَ وَاجعَل لی مِن اَمری فَرَجاً وَمَخرَجاً وَارزُقنی مِن
حَیثُ اَحتَسِبُ وَمِن حَیثُ لا اَحتَسِبُ پس سجده کند بر روی زمین و بگوید
یا مُغیثُ اِجعَل لی رِزقاً مِن فَضلِکَ چون این عمل را بجا اورد هنوز صبح شنبه
نرسیده باشد که باو رزق تازه برسد انتهی محمد بن عثمان بن سعید عمری گوید که
کسیکه طلب رزق کند اگر در مدینه نباشد و در یکی مشاهد مقدسه باشد
در نزد سران امامیکه در بلد اوست زیارت پیغمبر کند و اگر در یکی از مشاهد
نباشد پس بعضی از صلحا را که در بلد اوست زیارت کند و بعد از ان بصحرا رود و در
بجانب راست خود توجه کرده زیارت پیغمبر کند تا مطلب او حاصل شود و در کتاب
دعا طبرانی مذکور است که پیغمبر باهل صفه فرموده در وقتیکه از فقر خود بان حضرت
شکایت کرده بودند که بگویند اَللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبعِ وَرَبَّ العَرشِ العَظیمِ اِقضِ
عَنَّا الدَّینَ وَاَغنِنا مِنَ الفَقرِ و در کتاب ابن دنیا مذکور است که از برای طلب رزق
بگوید لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ کَثیراً اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ
مِن فَضلِکَ وَرَحمَتِکَ فَاِنَّهُ لا یَملِکُها اَحَدٌ غَیرُکَ پس بدرستیکه این دعا باعث
زیادتی رزق میشود و در همان ساعت نفقه بتو میرسد و در کتاب مصباح شیخ
طوسی و مصباح ابن باقی مذکور است که از برای طلب رزق در سجده نماز واجب بگوی یا

یا مؤمن یا مهیمن یا مکون یا ملقن یا مبین یا مهون یا ممکن یا مزین یا معلن یا مقسم
یا من هو فی ملکه مقیم یا من هو فی سلطانه قدیم یا من هو فی جلاله عظیم یا من هو علی عباده رحیم یا من هو بکل شیء علیم یا من هو بمن عصاه حلیم یا من هو بمن رجاه کریم یا من هو فی صنعه حکیم یا من هو فی لطفه لطیف یا من هو فی قدمه قدیم
یا من لا یرجی الا فضله یا من لا یسئل الا عفوه یا من لا ینظر الا بره یا من لا یخاف الا عدله یا من لا یدوم الا ملکه یا من لا سلطان الا سلطانه یا من وسعت کل شیء رحمته یا من سبقت رحمته غضبه یا من احاط بکل شیء علمه یا من لیس احد مثله
یا فارج الهم یا کاشف الغم یا غافر الذنب یا قابل التوب یا خالق الخلق یا صادق

باب دهم در طلب مال و اولاد و وسعت روزی

خیر المسئولین یا خیر المعطین ارزقنی وارزق عیالی من فضلک فانک ذو الفضل العظیم و در کتاب نفلیه شیخ شهید ره مذکور است که کسیکه در دعای خفتن سوره واقعه را بخواند از فقر و فاقه ایمن شود و در کتاب علی بن راغب که از ساعی مشهور است مذکور است که کسیکه مداومت کند باین دعا اسباب روزی براو آسان شود و رزق او برای او میسر شود و آن دعا اینست اللهم یا سبب من لا سبب له یا سبب کل ذی سبب یا مسبب الاسباب من غیر سبب صل علی محمد و آل محمد و اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک عمن سواک یا حی یا قیوم و از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که کسیکه صبح کند و این کلمات را بگوید بهم انهسته رزق او نوت شود الحمد لله الذی عرفنی نفسه و لم یترکنی عمیان القلب الحمد لله الذی جعلنی من امة محمد الحمد لله الذی جعل رزقی فی یده و لم یجعله فی ایدی الناس الحمد لله الذی ستر عورتی و لم یفضحنی بین الناس و از جمله ادعیه رزق دعای صحیفه سجادیه است اللهم انک ابتلیتنا فی ارزاقنا بسوء الظن الدعاء و از انجمله در عقب نماز صبح ده بار بگوید سبحان الله العظیم و بحمده و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و در روایت دیگر ده بار بگوید سبحان الله العظیم و بحمده استغفر الله و اسئله من فضله خدایتعالی فراخ میکرداند روزی او را و ایضا از برای ایمن بودن از فقر در صبح و شام بگوید لا حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الحی الذی لا یموت الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا و ابن بابویه در علل الشرایع ذکر کرده که هرکه نماز شب را ترک کند روزی بر او تنگ میشود و ایضا در روایتست که شخصی شکایت کرد از فقر

باب یازدهم در ادای قرض و دفع غم

تنگدستی خود به پیغمبر ص آنحضرت فرمود که هرگاه داخل خانه خود شوی سلام کن اگر کسی در خانه باشد و اگر در خانه نباشد یکنوبت سوره توحید بخوان پس آنمرد این فعل را بجای آورد خدایتعالی افاضه رزق کرد ... و این روایت را ابو علی طبرسی در مجمع البیان ذکر کرده و سید ابن طاوس در کتاب اقبال از حضرت صادق ع روایت کرده است که آنحضرت فرمود که نشستن مرد در عقب نماز فریضه صبح و دعا خواندن او تا طلوع آفتاب انفع است در طلب رزق از طلب در در باب یازدهم در ادعیه دیون و در دعیون روایت کرده زمخشری در کتاب ربیع خود که حضرت پیغمبر ص فرمود که هیچ غمی نیست مگر غم دین و هیچ دردی مگر درد چشم یعنی جمیع غمها در جنب غم قرض و جمیع دردها در جنب درد چشم اصلا قدری و وجودی ندارد اما برای دفع دین پس از جمله ادعیه آن دعائیست که در ادعیة السر مذکور است و آن اینست که خدایتعالی فرمود ای محمد هرکه از امت تو که او را هم دین فرو گیرد پس نازل شود بمن و بگوید یا مبتلی الفریقین اهل الفقر و اهل الغنی و مجازیهم بالصبر فی الذی ابتلیتهم به و یا مزین حب المال عند عباده و ملهمهم الانفس الشح و السخاء و فاطر الخلق علی الفظاظة و اللین عندی دین فلان بن فلان و قد فضحنی بمنه علی به و اعیانی باب طلبته الا منک یا خیر مطلوب الیه الحوائج الیه یا مفرج الاهما و مل فرج همی و اهما ولی فی الذی لزمنی من دین فلان بتیسیرک لی من رزقک فاقضه یا قدیر و لا تهتکنی بتاخیر ادائه و لا بتضییقه علی و یسر لی اداءه فانی به مسترق فانکه ذلی من سعتک التی لا تبید و لا تغیض ابدا پس هرگاه این دعا را بخواند صاحب دینرا از او بر میگردانم و دین او را ادا میکنم و ایضا از جمله ادعیه دین دعای صحیفه کامله است و ایضا از حضرت صادق ع مرویست که هیچ سیغمبری شکایت نمیکرد آنکه در اهل

خود دعوت مجابه گذاشته است و حضرت پیغمبر در میان مادر دعوت مجابه گذاشته است
بلی برای دفع شداید ما داوان اینست یا قائماً لم یزل یا الغنی و الله یا آی یا حی یا
قیوم صل علی محمد و آله و افعل بی کذا و کذا و دعا دیگر بجهة حوایج و قضا
دیون ما داوان اینست یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء یا الله یا رب صل
علی محمد و آله و اقض عنی الدین و افعل بی کذا و کذا ایضاً کفعمی ره در کتاب بلد
الامین خود ذکر کرده از ائمه ع روایتی از برای قضاء دین که قرض دار دو رکعت نماز
کند و بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند چون از نماز فارغ شود آیه کریمه قل اللهم را
تا بغیر حساب بخواند پس بگوید یا رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما تعطی منهما من تشاء
صل علی محمد و آل محمد و اقض عنی دینی حضرت پیغمبر ص فرمود اگر کسی این
عمل را بجا آورد خدا تعالی دین او را ادا کند اگر چه قرض او به مقدار طلا باشد که روی
زمین را پر کند و اگر مهموم یا مکروب باشد خداوند او را از آن کرب و هم خلاصی دهد
و ایضاً مرویست از برای قضاء دین روز جمعه و در بعضی روایات در هر روز
این دعا را بخواند اللهم اغننی بحلالک عن حرامک و اغننی بفضلک عمن
سواک و ایضاً از برای قضاء دین در صبح ده بار و در شام ده بار بگوید توکلت علی
الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ ولداً و لم یکن له ولی من الذل و
کبره تکبیراً و ایضاً در کتاب نثر اللئالی علی بن فضل الله حسینی راوندی مذکور است
که مردی قرضی براو بود بحضرت عیسی ع شکایت کرد پس حضرت عیسی ع باو گفت که
بگوی اللهم یا فارج الهم و منفس الغم و مذهب الاحزان و مجیب دعوة
المضطرین و رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما انت رحمانی و رحمن کل شیء
فارحمنی رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک و تقضی بها عنی الدین فلو کان

علیک

اداه الله تعالی عنک
علیک ملؤ الارض ذهباً پس هرگاه این دعا را بخوانی گر قرض تو به مقدار طلا باشد
که روی زمین را پر کند که خدا تعالی بلطف خود ادا کند و ایضاً در روایت وارد
شده است که کسی که بر او قرض باشد سوره مبارکه الحمد را بسیار بخواند و بسیار
استغفار کند و بسیار بگوید سبحان الله و بحمده استغفر الله و اسئله من فضله
شیخ جلیل احمد بن فهد در کتاب عده روایت کرده از معاذ بن جبل که او گفت که
یکروز جمعه محبوس شدم از خدمت رسول الله ص و با او نتوانستم نماز کرد آنحضرت
فرمود ای معاذ چه چیز ترا منع کرد از نماز جمعه عرض کردم یا رسول الله ص یوحنا
یهودی از من چند اوقیه گندم طلب دارد و هر روز بر در خانه من نشسته بود و
مترصد من بود من ترسیدم اگر بیرون ایم مرا حبس کند پس از این جهة نتوانستم بنماز
حاضر شوم آنحضرت فرمود ای معاذ می خواهی که خدا تعالی دین ترا ادا کند گفتم بلی یا
رسول الله ص پس آنحضرت فرمود که قل اللهم مالک الملک را بخوان پس بگوی که یا
رحمن الدنیا و الآخرة تا آخر چنانچه گذشت پس خدا تعالی دین ترا ادا می کند و ایضا
آنچه تعلق بدرد چشم دارد از آنجمله دعائی است که ابا محمد جعفی از حضرت صادق ع
روایت کرده و آن دعا در تعقیب نماز صبح مذکور شده و ابن طاوس ره در مهج الدعوات
گفته است که در کتاب مجموع ابن عقبه یافتم که اسمعیل حضرمی کور شده بود در خواب
دید که شخصی باو گفت که بگوی یا قریب یا مجیب یا سمیع الدعاء یا لطیفاً لما
یشاء رد علی نور بصری و چون این دعا را خواند نور چشم آن عود کرد
و گفت دیده ام بخط رضی الدین آوی ره که پیغمبر مردی کوری تعلیم کرد و نور
چشم او باو رد شد فرمود باو که دو رکعت نماز کن و بعد از آن بگوی
اللهم انی اسئلک و ادعوک و ارغب الیک و اتوجه الیک بنبیک

محمد

مُحَمَّدٍ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ یا مُحَمَّدُ اِنّی اَتَوَجَّهُ بِکَ اِلَی اللهِ رَبِّکَ وَرَبّی لِیَرُدَّ بِکَ عَلَیَّ
نُورَ بَصَرِی پس چون انمرد این عمل را بجای اورد در همان ساعت حق تعالی
نور چشم او را باو رد کرد و در مجلد اول کتاب مجتمل مذکور است که چشم شخصی
ضعیف شده بود در خواب دید که گوینده باو گفت که بگوی اُعیذُ نُورَ
بَصَری بِنُورِ اللهِ الَّذی لا یُطْفا و دست خود را بچشم خود بکش و در عقب ان
ایة الکرسی بخوان و چون ان شخص این عمل را بجای اورد چشم او صحت یافت و این
عمل بسیار مجربست و کفعمی ره گفته دیده ام من بخط شیخ رجب بن محمد حافظ در بعضی
از مصنفات او که کسیکه السکور از اسماء الله چهل بار بر آب بخواند و چشمی را که درد
دارد بان بشوید چشم او از درد شفا میابد باذن الله تعالی و از جمله چیزهای
که تجربه کرده شده است از برای دفع درد چشم و درد جمیع اعضا توسل بحضرت
امام موسی کاظم است باب ۱۲ در ادعیه الام اعضا و کشودن بسته شده و
ت دار هرگاه تو را علتی باشد دست خود را در عقب هر نماز واجبی هفت
نوبت بموضع سجده خود بکش و بان علت بمال و این دعا را بخوان یا مَنْ کَبَسَ
الاَرْضَ عَلَی الْماءِ وَسَدَّ الْهَواءَ بِالسَّماءِ وَاخْتارَ لِنَفْسِهِ اَحْسَنَ الاَسْماءِ
صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بی کَذا وَکَذا بجای کذا و کذا شفای خود را
بخواهد و از حضرت صادقه مرویست که فرمود که کسی را که علتی باشد باید که تا
چهل روز در هر صباح هر روز چهل بار بر ان علت این دعا را بخواند که بِسْمِ اللهِ
الرَّحْمنِ الرَّحیمِ الْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمینَ حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَکیلُ
تَبارَکَ اللهُ اَحْسَنُ الْخالِقینَ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ
و ایضاً در مصباح متهجد مذکور است که کسیکه از دردی طلب عافیت کند باید که

در سجده دوم از دو رکعت اول از نماز شب این دعا را بخواند یا عَلِیُّ یا عَظیمُ یا
رَحْمنُ یا رَحیمُ یا سَمیعَ الدَّعَواتِ یا مُعْطِیَ الْخَیْراتِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ
اَعْطِنی مِنْ خَیْرِ الدُّنْیا وَالاخِرَةِ ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَاَذْهِبْ عَنّی هذَا الْوَجَعَ و در وقت
گفتن هذا الوجع نام ان درد را ببرد و بعد از ان بگوید فَاِنَّهُ قَدْ غاظَنی وَاَحْزَنَنی و الحاح
کند در دعا که در ان زودی عافیت میابد انشاء الله تعالی و در کتاب منهج الدعوات از حضرت
صادقه روایت کرده است که انحضرت فرمود که هرگاه ترا علتی باشد بعد از نماز شب
سجده کن و در حالت سجده بگو اَللّهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ دُعاءَ الْعَلیلِ الذَّلیلِ الْفَقیرِ اَدْعُوکَ
دُعاءَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ وَقَلَّتْ حیلَتُهُ وَضَعُفَ عَمَلُهُ مِنَ الْخَطَرِ وَالْبَلاءِ دُعاءَ
مَکْرُوبٍ اِنْ لَمْ تُدارِکْهُ هَلَکَ وَاِنْ لَمْ تَسْتَنْقِذْهُ فَلا حیلَةَ لَهُ فَلا اُحیطُ
بی یا سَیِّدی وَمَوْلایَ مَکْرَکَ وَلا تُثَبِّتْ عَلَیَّ وَلا تَضْطَرَّنی اِلَی الْیَأْسِ مِنْ رَوْحِکَ
وَالْقُنُوطِ مِنْ رَحْمَتِکَ وَطُولِ الصَّبْرِ عَلَی الاَذی اَللّهُمَّ لا طاقَةَ لی بِبَلائِکَ وَ
لا غِنی بی عَنْ رَحْمَتِکَ وَهذَا ابْنُ بِنْتِ نَبِیِّکَ وَحَبیبِکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ
بِهِ اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ فَاِنَّکَ جَعَلْتَهُ مَفْزَعاً لِلْخائِفِ وَاسْتَوْدَعْتَهُ عِلْمَ ما کانَ
وَما هُوَ کائِنٌ فَاکْشِفْ ضُرّی وَخَلِّصْنی مِنْ هذِهِ الْبَلِیَّةِ اِلی ما عَوَّدْتَنی مِنْ
عافِیَتِکَ وَرَحْمَتِکَ اِنْقَطَعَ الرَّجاءُ اِلّا مِنْکَ یا اَللهُ یا اَللهُ یا اَللهُ و ابن ادریس
در کتاب سرائر ذکر کرده که مردی بحضرت صادقه عرض کرد از سفیدی که در چشم
او بهم رسیده بود انحضرت فرمود که بر تو باد که در حال سجده دعا کنی پس انمرد
چنان کرد و از ان مرض شفا یافت باذن حق سبحانه و تعالی و از جمله دعاهای صحیفه
کامله است اَللّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلی ما لَمْ اَزَلْ اَتَصَرَّفُ فیهِ است که حضرت امام
زین العابدین هرگاه بیمار می شد یا از دردی یا بلائی بانحضرت روی میداد از برای

خواندی و در کتاب عده الداعی از حضرت صادق روایت کرده است که انحضرت فرمود که هرگاه علتی داشته باشی باید که از زیر سقف بزیر اسمان روی دهی و دو دست خود را بلند کنی و بگوئی اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ عَیَّرْتَ اَقْوَاماً فِی کِتَابِكَ فَقُلْتَ قُلِ ادْعُوا الَّذِیْنَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُوْنِهِ فَلَا یَمْلِكُوْنَ کَشْفَ الضُّرِّ عَنْکُمْ وَلَا تَحْوِیْلاً فَیَا مَنْ لَا یَمْلِكُ کَشْفَ ضُرِّیْ وَلَا تَحْوِیْلَهُ عَنِّیْ اَحَدٌ غَیْرُهُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاکْشِفْ ضُرِّیْ وَلَا تَحْوِیْلَهُ عَنِّیْ اَحَدٌ غَیْرُهُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاکْشِفْ ضُرِّیْ وَحَوِّلْهُ اِلٰی مَنْ یَدْعُوْ مَعَكَ اِلٰهاً اٰخَرَ فَاِنِّیْ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ غَیْرُهُ و ایضا در عده مذکور است که حضرت صادق ع بداود رقی در حالتیکه او بیمار بود نوشت که ای داود یک صاع گندم بخر و بر پشت بخواب و ان گندم را بر روی سینه خود بریز بهر روش که ریخته شود و بگو بهاللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِیْ اِذَا سَئَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ کَشَفْتَ مَا بِهٖ مِنْ ضُرٍّ وَمَکَّنْتَ لَهُ فِی الْاَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلِیْفَتَكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَلٰی اَهْلِ بَیْتِهٖ اَنْ تُعَافِیَنِیْ مِنْ عِلَّتِیْ و بعد ازان راست بنشین وان گندم را از حوالی خود جمع کن و باز این دعا را بخوان و بعد ازان بکید بکید قسمت کن و بهر مسکینی یکید بده و در وقت دادن باز این دعا را بخوان داود گوید چنین کردم گویا از بند گشوده شدم و دیگران نیز تجربه رسانیده اند و در عده از انحضرت نقل کرده است که هرگاه دردی داشته باشی دست خود را بر موضع ان درد بگذار و سه بار بگوی اَللّٰهُ اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّیْ حَقّاً لَا اُشْرِكُ بِهٖ شَیْئاً اَللّٰهُمَّ اَنْتَ لَهَا وَلِکُلِّ عَظِیْمَةٍ فَفَرِّجْهَا عَنِّیْ در عده از انحضرت روایت کرده است که فرمود برای جمیع دردها بگوی بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ کَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلّٰهِ فِیْ عِرْقٍ سَاکِنٍ وَغَیْرِ سَاکِنٍ عَلٰی عَبْدٍ شَاکِرٍ وَغَیْرِ شَاکِرٍ

یا من الیه یهرب الخائفون یا من الیه یفزع المذنبون یا من الیه یقصد المنیبون یا من الیه یرغب الزاهدون یا من الیه یلجأ المتحیرون یا من به یستأنس المریدون یا من به یفتخر المحبون یا من فی عفوه یطمع الخاطئون یا من الیه یسکن الموقنون یا من علیه یتوکل المتوکلون

فصل ع٤ جهت درد دست نافع

اللهم انی اسئلك باسمك یا حبیب یا طبیب یا قریب یا رقیب یا حسیب یا مهیب یا مثیب یا مجیب یا خبیر یا بصیر

فصل ع٥ جهت سیلان خون مفید

یا اقرب من کل قریب یا احب من کل حبیب یا ابصر من کل بصیر یا اخبر من کل خبیر یا اشرف من کل شریف یا ارفع من کل رفیع یا اقوی من کل قوی یا اغنی من کل غنی یا اجود من کل جواد یا ارأف

وعقب نماز واجبی محاسن خود را بدست راست خود بگیر و سه بار بگوی اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنِّیْ کُلَّ کَرْبَتِیْ وَعَجِّلْ عَافِیَتِیْ وَاکْشِفْ ضُرِّیْ پس فرمود و احرص ان یکون ذٰلِكَ مَعَ دُمُوْعٍ وَبُکَاءٍ و جهد کن که این دعا را با گریه و اشک چشم بخوان و انیضا در کتاب عده روایت کرده است که انحضرت فرمود هرگاه ترا دردی باشد دست خود را بران درد بگذار و بگوی بِسْمِ اللّٰهِ پس دست خود را بر موضع درد بمال و هفت بار بگوی اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِرَسُوْلِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِاَسْمَاءِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ مَا اَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ عَلٰی نَفْسِیْ و در کتاب عده روایت کرده که هرگاه فرزند بیمار شود باید که مادر او بر پشت بام رود و مقنعه از سر خود بردارد چنانچه موی او نمایان شود بطرف اسمان و سجده کند و بگوید اَللّٰهُمَّ رَبِّ اَنْتَ اَعْطَیْتَنِیْهِ وَاَنْتَ وَهَبْتَهُ لِیْ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ هِبَتَكَ الْیَوْمَ جَدِیْدَةً اِنَّكَ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ و هنوز سر از سجده برنداشته باشد که فرزند او شفا یابد و شهید در کتاب دروس گفته است که درد کسیکه مشتد شود چهل نوبت سوره الحمد بر قدح اب بخواند و ازان اب بر مریض بپاشد و مقداری گندم نزد مریض بگذارد و او بدست خود بسائل دهد و امر کند سائل را که او را دعا کند که ازان مرض شفا یابد و نیز در بعض مصنفات خود فرموده هرگاه شخصی بازوی راست بیمار را بگیرد و هفت بار الحمد بخواند و بعد ازان این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اَزِلْ عَنْهُ الْعِلَلَ وَالدَّاءَ وَاَعِدْهُ اِلَی الصِّحَّةِ وَالشِّفَاءِ وَاَمِدَّهُ بِحُسْنِ الْوِقَایَةِ وَرُدَّهُ اِلٰی حُسْنِ الْعَافِیَةِ وَاجْعَلْ مَا نَالَهُ فِیْ مَرَضِهٖ هٰذَا مَادَّةً لِحَیٰوتِهٖ وَکَفَّارَةً لِسَیِّئَاتِهٖ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ و اگر نابده ندهد هفتاد مرتبه الحمد بخواند و در درس فرموده که

من کل رؤوف

فصل ع٥ جهت دفع امراض العصب

یا غالبا غیر مغلوب یا صانعا غیر مصنوع یا خالقا غیر مخلوق یا مالکا غیر مملوك یا قاهرا غیر مقهور یا رافعا غیر مرفوع یا حافظا غیر محفوظ یا ناصرا غیر منصور یا شاهدا غیر غائب یا قریبا غیر بعید

فصل ع٦ جهت دفع سحر

یا نور النور یا منور النور یا خالق النور یا مدبر النور یا مقدر النور یا نور کل نور یا نورا قبل کل نور یا نورا بعد کل نور یا نورا فوق کل نور یا نورا لیس کمثله نور

فصل ع٧ جهت دفع بکی و غم

یا من عطاؤه شریف یا من فعله لطیف یا من لطفه مقیم یا من احسانه قدیم یا من قوله حق یا من وعده صدق یا من عفوه فضل یا من عذابه عدل یا من ذکره حلو یا من فضله عمیم

فصل ع٨ جهت دفع وجع

اللهم انی اسئلك باسمك

دعا کردن در حال سجود را دلیل میکردانند لتهار اوهم چنین دست را بر موضع سجده مالید
و بران علت کشیدن از ازاله مرض میکند و از حضرت صادق مرویست که یکی از
مومنان هر کاه علتی داشته باشد و از روی اخلاص بکوید وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ
شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ و دست بران علت بکشد خدا تعالی او را شفا دهد
و از حضرت امام رضا مرویست که فرمود از برای دفع جمیع امراض یا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَ
مُذْهِبَ الدَّاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْزِلْ عَلَى وَجَعِي الشِّفَاءَ و از حضرت پیغمبر
مرویست که فرمود که هیچ بنده این کلمات را بر مریضی نخواند مکر آنکه خدا تعالی او را
شفا دهد مکر آنکه خدا تعالی او را شفا دهد مکر آنکه مرک او مقدر شده باشد
و آن کلمات اینست اَسْأَلُ اللهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اَنْ يَشْفِيَكَ و در
کتاب مجتنی مذکور است که برای بیمار این دعا باید خواند اللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ
الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ وَمَا اَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ اَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو
عَنْ كَثِيرٍ اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هٰذَا الْمَرَضَ مِنَ الْكَثِيرِ الَّذِي
تَعْفُو عَنْهُ وَتُبْرِءُ مِنْهُ اُسْكُنْ اَيُّهَا الْوَجَعُ وَارْتَحِلِ السَّاعَةَ مِنْ هٰذَا
الْعَبْدِ الضَّعِيفِ سَكَّنْتُكَ وَرَحَّلْتُكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَ
النَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ پس اکر عافیت یافت بسجاز دبها و الا مکرر بخواند
تا شفا یابد و درین مقام چند دعای متفرقه است از برای دفع علل اعضای متفرقه
که منقول از کتاب طب الائمه و غیر اینست علامه قده در کتاب تحریر خود ذکر کرده که
هشام بن ابرهیم بحضرت امام رضا از بیماری خود شکایت کرد و از اینکه او را فرزند
نمی شد انحضرت او را امر کرد که آواز خود را بلند کند در اذان کردن در منزل خود
کوید پس هشام آواز خود در اذان بلند کرد و سقم و مرض او برطرف شد و اولاد او بسیار

محمد بن راشد کوید که من و عیال من همیشه ناخوش بودیم چون این خبر را از هشام شنیدم بار عمل
کردیم از من و عیال من مرض و بیماری زایل شد از حضرت امام محمد باقر منقولست که در دسر
مرویست که دست خود را بر موضعی که درد میکند بکذار و هفت بار بکوی عوذ
بِاللهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ از برای درد کوش نیز همین عمل کن که شفا می یابد انشاء الله از حضرت امام حسن
عسکری مرویست از برای درد سر بر ظرف آب بخوان اَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا اَنَّ السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ اَفَلَا يُؤْمِنُونَ و از آن
آب بیاشام که شفا می یابی انشاء الله از برای درد شقیقه از حضرت امام محمد باقر مرویست که
فرمود دست خود را بر طرفی از سر که درد دارد بکذار و سه بار بکوی یَا ظَاهِرًا
مَوْجُودًا وَيَا بَاطِنًا غَيْرَ مَفْقُودٍ اُرْدُدْ عَلَى عَبْدِكَ الضَّعِيفِ اَيَادِيكَ الْجَمِيلَةَ
عِنْدَهُ وَاَذْهِبْ عَنْهُ مَا بِهِ مِنْ اَذًى اِنَّكَ رَحِيمٌ قَدِيرٌ و نیز از انحضرت مرویست
که از برای کری کوش دست خود را بکذار بر آن کوشی که نمیشنود و بکوی لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا
الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَاَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللهِ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ
نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ تا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ از برای درد دهن از حضرت
صادق مرویست که دست خود را بر موضع درد بکذار و بکوی بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ الَّتِي لَا يَضُرُّ مَعَهَا شَيْءٌ
قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الطَّاهِرِ الْمُقَدَّسِ الْمُبَارَكِ الَّذِي مَنْ
سَئَلَكَ بِهِ اَعْطَيْتَهُ وَمَنْ دَعَاكَ بِهِ اَجَبْتَهُ اَسْئَلُكَ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ اَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاَنْ تُعَافِيَنِي مِمَّا اَجِدُ فِي فَمِي وَفِي رَاْسِي وَ

یا ربّ البرایا و العبید و الخلایق یا ربّ الانهار و الاشجار یا ربّ الصحاری و القفار یا ربّ اللیل و النهار یا ربّ الاعلان و الاسرار
فی بقاء و جهلتی الرحمة کتبها علی یا من تقدّس فی کل شیء امره یا من لحق بکل شیء علمه یا من بلغت الی کل شیء قدرته یا من لا تحصی العباد
ولغفر لکم و ارحم و انت ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله

فی سمعی و فی بصری و فی بطنی و فی ظهری و فی یدی و فی رجلی و فی جوارحی کلّها شفا یابد انشاءالله و از برای درد دندان از حضرت صادق ع مرویست که دست خود را بر موضع درد بگذار الحمد و توحید و ایهٔ کریمه وَتَرَی الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ تا اخر ایه بخوان که شفا یابد و از برای درد دندان از امیرالمؤمنین ع مرویست که دست خود را بر موضع سجود خود بکش پس دست خود را بر دندانیکه درد میکند بمال در ان وقت این دعا را بخوان بِسْمِ اللَّهِ وَالشَّافِي اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ و از برای درد شکم از حضرت پیغمبر ص مرویست که فرمود هرگاه شکم کسی درد کند قدری عسل را در اب گرم داخل کند و بیاشامد و هفت بار سوره فاتحة الکتاب بخواند شفا یابد انشاءالله تعالی و ایضا از حضرت امیرالمؤمنین ع مرویست که اب گرم را بیاشام و بگوی که یا الله یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا ربّ الارباب یا اله الالهة یا ملک الملوک یا سید السادة اشفنی و شفنی من کل داء و سقم فانی عبدک و ابن عبدک اتقلب فی قبضتک و از برای درد پهلو از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که فرمود هرگاه از نماز فارغ شوی دست خود را بر موضع سجده بگذار و ایهٔ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَمَن يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِندَ رَبِّهِ تا اخر سوره بخوان و از برای درد ناف از حضرت صادق ع مرویست که فرمود دست خود را بر موضع درد

بگذار و سه بار بگو وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ از برای درد مثانه از انحضرت علیه السلام مرویست که فرمود سه مرتبه ایه أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ تا اخر ایه بخواند و چون بیدار شود همین ایه را بخواند و از برای درد پشت از حضرت باقر علیه السلام مرویست که دست خود را بر موضع درد بگذار و ایهٔ کریمه وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّؤَجَّلًا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ تا اخر ایه بخواند و هفت بار سوره قدر را بخوان و از برای درد دندانها از انحضرت مرویست که فرمود هرگاه ران تو درد کند اب گرم در طشتی کند و در ان طشت بنشین و دست خود را بران درد بگذار و ایهٔ أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ تا اخر ایه بخوان و این ایه در باب درد سر گذشت و از برای درد زانوها از انحضرت مرویست که فرمود بعد از نماز بگوی یا اجود من اعطی و یا خیر من سئل و یا ارحم من استرحم ارحم ضعفی و قلة حیلتی و عافنی من وجعی و از برای درد فرج از حضرت صادق ع مرویست که دست چپ خود را بران موضع گذارد و سه بار بگوید بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِندَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ و بعد از ان بگوید اللهم انی اسلمت وجهی الیک و فوضت امری الیک لا ملجأ و لا منجی منک الا الیک و از برای درد ساق پاها از انحضرت مرویست که فرمود هفت بار بر موضع درد ایه وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا

من کرمه یا من لا تبلغ الاوهام کنهه یا من له نعمة یا من لا تحیط الاوهام کنه کبریائه یا من له ... یا من لا یبلی و لا یزول ... العظمة و الکبریاء یا من لا ترد العباد قضاه یا من لا عطاء الا ملکه یا من لا یخلف ... عطاء ملوک یا من لا ... الاعطاء ... الصغار ... الجنة ... یا من له ... الاولی یا من له الکبریاء یا من له الآیات الکبری یا من له الآیات یا من له ... الغنی یا من له الحمد و الثناء یا من له القضاء یا من له العرش و الکرسی یا من له السموات العلی یا من له ... اللهم انی اسئلک باسمک یا عفو یا غفور یا صبور یا شکور یا رءوف یا عطوف یا مسئول یا ودود یا سبوح یا قدوس یا من فی السماء عظمته یا من فی الارض آیاته یا من فی کل شیء دلایله

تا آخر آیه بخوان و از برای دفع بواسیر از حضرت علی علیه السلام مرویست که فرمود دعای یا جواد
یا ماجد یا رحیم یا قریب یا مجیب یا باری یا راحم صل علی محمد و آله واردد
علی نعمتک واکفنی امر وجعی بر بواسیر بخوان و از برای درد پاها از حضرت باقر
مرویست که فرمود که بر موضع عراقیب که جمع عرقوب و آن پس پاشنه است و برای
او از برای درد او اول سوره فتح را تا عزیزا حکیما بخوان و از برای درد زیر قدم از حضرت امام
حسین علیه السلام مرویست که دست خود را بر موضع درد بگذار و بگو بسم الله وبالله
وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات
بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون و از برای ورم از حضرت صادق ع مرویست که
فرمود که اگر ورم در بدن باشد باید که وضو بسازد از برای نماز واجبی و قبل از نماز و بعد
از نماز ورم خود را تعویذ کند بآخر سوره حشر یعنی از لو انزلنا تا آخر سوره بخواند و از
برای عرق النسا که آن عبارتست از دردی که از ورک تا ران کشیده است از برای دفع
آن از امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که فرمود دست خود را بر آن موضع بگذار و بگو بسم
الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله اعوذ بسم الله العظیم من شر کل عرق نعار ومن شر حر
النار و از برای دفع سل از حضرت صادق ع مرویست که فرمود که صاحب سل بسیار
بگوید یا الله یا الله یا رب الارباب ویا سید السادات ویا اله الالهة ویا ملک
الملوک ویا جبار السموات والارض اشفنی وعافنی من دائی هذا فانی عبدک
وابن عبدک اتقلب فی قبضتک وناصیتی بیدک از برای خنازیر که آن
عبارتست از اورام صلبه مستدیره که در عروق و زیر بغل و اصل ران حاصل
می شود و ثعالبی گفته است که خنازیر غده چندست که در گردن بهم میرسد از برای
دفع خنازیر حضرت امام رضا فرمود بگوی یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی که

جوشن کبیر
یا من فی البحار عجائبه یا من فی الجبال خزائنه یا من یبدؤ الخلق ثم یعیده یا من الیه یرجع الامر کله یا من اظهر فی کل شیء لطفه یا من احسن کل شیء خلقه یا من تصرف فی الخلائق قدرته
درد گوش
یا حبیب من لا حبیب له یا طبیب من لا طبیب له یا مجیب من لا مجیب له یا شفیق من لا شفیق له یا رفیق من لا رفیق له یا مغیث من لا مغیث له یا دلیل من لا دلیل له یا انیس من لا انیس له یا راحم من لا راحم له یا صاحب من لا صاحب له
درد گوش
یا کافی من استکفاه یا هادی من استهداه یا کالی من استکلاه یا راعی من استرعاه یا شافی من استشفاه یا قاضی من استقضاه یا مغنی من استغناه یا موفی من استوفاه یا ولی من استولاه سبحانک

انشاء الله تعالی دفع می شود از برای برص از حضرت صادق ع مرویست که صاحب برص وضو کرده و دو رکعت
نماز بگذارد و بعد از نماز بگوید یا الله یا رحمن یا رحیم یا سامع الاصوات یا معطی
الخیرات اعطنی خیر الدنیا والاخرة وقنی شر الدنیا والاخرة واذهب عنی ما اجد
فقد غاظنی واحزننی و از برای خون که از جای ایدا از برای دنبلها و جراحتها از حضرت
صادق ع منقولست که فرمود که کسیکه غالب باشد بر او یکی از اینها در وقتیکه بجامه
خواب برود بگوید اعوذ بوجه الله العظیم وکلماته التامات التی لا یجاوزهن
بر ولا فاجر من شر کل ذی شر و از برای بادیکه عارض اطفال سود می شود حضرت صادق ع
فرمود که هفت الحمد را بمشک و زعفران بنویسند و از آب بشویند و از آن آب تا یکماه
بآن طفل بدهند که شفا می یابد انشاء الله تعالی و از برای صرع از حضرت امام رضا ع مرویست که
فرمود که قدحی را آب کنند و سوره الحمد و معوذتین بخوانند و بر آن قدح بدمند و از
آن آب بر سر و روی مصروع بریزند و از برای صرع منقولست از علی بن ابی طالب علیه السلام
که بر کسیکه صرع دارد این دعا را بخوان عزمت علیک یا ریح بالعزیمة التی عزم بها
علی بن ابی طالب ع ورسول الله ص علی جن وادی الصفراء فاجابوا واطاعوا لما اجبت
واطعت واخرجت عن فلان بن فلانه از برای قولنج از حضرت صادق ع مرویست که برای
صاحب قولنج بنویسد فاتحه و توحید و معوذتین را و بعد از آن این دعا را بنویس اعوذ
بوجه الله العظیم وبعزته التی لا ترام وبقدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا
الوجع ومن شر ما فیه و بعد از آن از آب بشوی و آن آب را صاحب قولنج ده
که ناشتا بیاشامد از برای تخمه و امتلاء مرویست از حضرت کاظم ع که فرمود کسی را که
تخمه باشد سه نوبت این آیت را بر آب بخواند یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر
او لم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من

جوشن کبیر
درد پهلو
اللهم انی اسئلک باسمک یا خالق یا رازق یا ناطق یا صادق یا فالق یا فارق یا فاتق یا راتق یا سابق یا سامق
درد گردن
یا من یقلب اللیل والنهار یا من جعل الظلمات والانوار یا من خلق الظل والحرور یا من سخر الشمس والقمر یا من قدر الخیر والشر یا من خلق الموت والحیوة یا من له الخلق والامر یا من لم یتخذ صاحبة ولا ولدا یا من لیس له شریک فی الملک یا من لم یکن له ولی من الذل
دفع درد دل
یا من یعلم مراد المریدین یا من یعلم ضمیر الصامتین یا من یسمع انین الواهنین یا من یری بکاء الخائفین یا من یملک حوائج السائلین یا من یقبل عذر التائبین یا من لا یصلح عمل المفسدین یا من لا یضیع اجر المحسنین یا من لا یبعد عن قلوب العارفین یا اجود الاجودین یا

الماء

الماء كل شيء حي افلا يؤمنون وبعد ازان ابرابپا شامد ودست خود را بر شکم خود
بکشد شفا می یابد ان شاء الله تعالی برای تاليل وآن جمع ثولولست وثولول مانند ابله چیزیست
که در عضو بهم میاید از برای دفع ان از حضرت امام رضا منقولست که فرمود
بگیر از برای هر ثولولی که بر بدن نشت هفت دانه جو وبر سر هر جوی اذا وقعت را
تا هباء منبثا وایه ویسئلونك عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها
قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا را بخوان وبعد ازان ان دانهای
جو را بر لته بگذار وبران لته سنگی به بند و در چاه انداز وبعضی گفته اند بهتر آنست
که این عمل را در محت الشعاع بجا آورد واز برای وسوسه از حضرت صادق منقولست
که فرمود دست خود را بر سینه خود بکش وبگوی بسم الله وبالله محمد رسول الله
صلی الله علیه واله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم امسح عني ما
احذر وهمین دعا را اگر سه بار بخوانی بعد ازانکه دست خود را بر شکم خود بکشی
حقتعالی وسوسه وار زور را از تو زایل می گرداند وحضرت خضر را دعائی هست
که کسیکه انرا بخواند چهل سال وسوسه او زایل شود وان دعا در ادعیه انبیا
مذکور است شیخ رجب الدین در کتاب خود گفته که هر که بسیار بگوید یا غیور وسوسه
او زایل شود از برای دشواری وضع حمل در پاره کاغذ بنویسد بسم الله الرحمن
الرحیم کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار کانهم یوم
یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذ قالت امرأت عمران رب انی نذرت
لك ما فی بطنی محررا وان کاغذ را بر ران راست ان زن به بندند وچون زاید ان کاغذ را
از او جدا کنند وایضا برای عسر ولادت از حضرت صادق مرویست که بسم الله الرحمن
الرحیم مریم ولدت عیسی هو الذی خلقكم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم

بجهة دفع باد لغوه یا دائم البقاء یا سامع الدعاء یا واسع العطاء یا غافر الخطاء یا بدیع السماء یا حسن البلاء یا جمیل الثناء یا قدیم السناء یا کثیر الوفاء یا شریف الجزاء دفع چشم زخم اللهم انی اسئلك باسمك یا ستار یا غفار یا قهار یا جبار یا صبار یا بار یا مختار یا فتاح یا نفاح یا مرتاح دفع حبسه یا من خلقنی وسوانی یا من رزقنی وربانی یا من اطعمنی وسقانی یا من قربنی وادنانی یا من عصمنی وکفانی یا من حفظنی وکلانی یا من اعزنی واغنانی یا من وفقنی وهدانی یا من انسنی واوانی یا من امانی واحیانی یا من یحق الحق بکلماته یا من یقبل التوبة عن عباده یا من یحول بین المرء وقلبه یا من لا ینفع الشفاعة الا باذنه یا من هو اعلم بمن ضل عن سبیله

یخرجکم طفلا ثم لتبلغوا اشدکم ثم لتکونوا شیوخا فان مع العسر یسرا ان
مع العسر یسرا وصلی الله علی محمد وال محمد وسلم تسلیما را بنویسند وبر ران
زن به بندند که اسان می زاید ان شاء الله تعالی ودر بعضی از کتابهای اصحاب امامیه مذکور است
که از برای عسر ولادت اول سوره انشقاق را تا والقت ما فیها را بنویسند پس بسم
الله وبالله ان مع العسر یسرا هفت نوبت واول سوره حج را تا عذاب شدید بنویسند
وبعد ازان از بر ران چپ زن به بندند که اسان می زاید ان شاء الله تعالی ودر کتاب حیوة
الحیوان مذکور است که برای عسر ولادت ان چیز را بنویسند که از حضرت عیسی مرویست
شده وان اینست یا خالق النفس من النفس ومخرج النفس من النفس ومخلص
النفس من النفس خلصها وبعد ازان بر ران چپ ان زن باید بست که اسان زاید
ودر همان کتاب گفته است که برای عسر ولادت این را بنویسد که بسم الله الرحمن
الرحیم لا اله الا الله الحلیم الکریم سبحان الله رب العرش العظیم الحمد لله رب
العالمین کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ
فهل یهلك الا القوم الفاسقون واز برای حل مربوط یعنی گشادن کسیکه او را بسته
باشند ونتواند باز وجه خود مقاربت کند شیخ ابو العباس احمد بن فهد در کتاب عدة
الداعی ذکر کرده است که اول سوره فتح را تا مستقیما وسوره اذا جاء نصر الله وایه ومن
ایاته ان جعل لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها وجعل بینکم
مودة ان فی ذلك لایات لقوم یتفکرون ادخلوا علیهم الباب فاذا
دخلتموه فانکم غالبون ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض
عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر رب اشرح لی صدری ویسر لی امری واحلل
عقدة من لسانی یفقهوا قولی وترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض ونفخ

حرز کبیر تتمه یا من لا تنقضی عجائبه یا من لا ترد قضائه یا من انقادت له الامور یا من انطوت له کل شیء لامره یا من ارسل الریاح بشرا بین یدی رحمته یا من جعل الارض مهادا یا من جعل الجبال اوتادا یا من جعل الشمس سراجا یا من جعل القمر نورا یا من جعل اللیل لباسا یا من جعل النهار معاشا یا من جعل النوم سباتا یا من جعل السماء بناء یا من جعل الاشیاء ازواجا یا من جعل النار مرصادا اللهم انی اسئلك یا سمیع یا شفیع یا رفیع یا منیع یا سریع یا بدیع یا کبیر یا قدیر یا خبیر یا مجیر دفع چشم زخم یا حی قبل کل حی یا حی بعد کل حی یا حی الذی لیس کمثله حی یا حی الذی لا یحتاج الی حی یا حی الذی لا یشارکه حی

باب دوازدهم

فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا كَذَلِكَ حَلَّتْ فلان بن فلان عن فلانه بنت فلانه
یعنی نام شوهر و مادر او و نام زن و مادر او را بنویسد و بعد از ان لَقَدْ جَاءَكُمْ
رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ
رَحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
الْعَظِيمِ را بنویسند و بر مربوط بندند کشاده می شود باذن الله تعالی و نیز از برای
حل مربوط در کتاب جایزه مذکور است که اول سوره فتح را تا نَصْرًا عَزِيزًا و آیه
وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَمُوجُ فِي
بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا و آیه وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ
مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ
خَلْقٍ عَلِيمٌ و بعد از ان بنویسد حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا
لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا را سه نوبت بنویسد و بعد از ان اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَكْنُونِ
بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ ان تحل ذکر فلان ابن فلان عن
فلانه بنت فلانه بکهیعص بحمعسق بقل هو الله احد وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ
الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا بِأَلْفِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
بنویسد و بر مربوط ببندد که انشاء الله تعالی کشوده شود و در بعضی از کتب اصحاب دیده ام
که بر دو برگ زیتون بنویسد یکی از انها را مرد فرو برد دیگری را زن اگر مرد
فرو می برد بر او بنویسد وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ و بر برگی که زن
فرو میبرد بنویسد وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ از برای تب شهید ره
در کتاب دروس ذکر کرده است که پیغمبر ص از برای دفع تب این دعا را تعلیم کرد بعلی ع
اللَّهُمَّ ارْحَمْ جِلْدِيَ الرَّقِيقَ وَعَظْمِيَ الدَّقِيقَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فَوْرَةِ الْحَرِيقِ

يا حي قبل كل حي يا حي بعد كل حي يا حي الذي ليس كمثله حي يا حي الذي لا يشاركه حي يا حي الذي يحيي الموتى يا حي يا قيوم لا تأخذه سنة ولا نوم
بند شصت و هشتم
يا من له ذكر لا ينسى يا من له نور لا يطفى يا من له نعم لا تعد يا من له ملك لا يزول يا من له ثناء لا يحصى يا من له جلال لا يكيف يا من له كمال لا يدرك يا من له قضاء لا يرد يا من له صفات لا تبدل يا من له نعوت لا تغير
بند شصت و نهم
يا رب العالمين يا مالك يوم الدين يا غاية الطالبين يا ظهر اللاجين يا مدرك الهاربين يا من يحب الصابرين يا من يحب التوابين يا من يحب المتطهرين يا من يحب المحسنين يا من هو اعلم بالمهتدين
بند هفتادم
اللهم اني اسئلك باسمك يا شفيق يا رفيق يا حفيظ يا محيط يا مقيت يا مغيث يا معز يا مذل يا مبدئ يا معيد

يَا أُمَّ مِلْدَمٍ إِنْ كُنْتِ آمَنْتِ بِاللَّهِ فَلَا تَأْكُلِي اللَّحْمَ وَلَا تَشْرَبِي الدَّمَ وَلَا تَفُورِي مِنَ الْفَمِ
وَانْتَقِلِي إِلَى مَنْ يَزْعُمُ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَإِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ پس چون امیر المؤمنین این
کلمات را گفت در همان ساعت شفا یافت در کتاب روضه کلینی از حضرت
صادق ع مرویست که وقتی حضرت پیغمبر ص تب کرد جبرئیل نزد او آمد و آن حضرت
را باین دعا تعویذ کرد که بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ يَا مُحَمَّدُ بِسْمِ اللَّهِ أَشْفِيكَ وَبِسْمِ
اللَّهِ أُدَاوِيكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يُعْنِيكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَافِيكَ بِسْمِ اللَّهِ خُذْهَا
فَلْتَهْنِيكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ و نیز در کتاب روضه
کلینی مذکور است که ائمه علیهم السلام تب را با آب سرد دوا میکردند باین روش
که چند جامه را با آب سرد تر می کردند یکی را بر جسد خود می گرفتند و دیگری
در آب بود پس هر گاه آنچه بر جسد بود خشک می شد از آنکه تر بود می پوشیدند
و یافت شده است بخط حضرت امام رضا ع که از برای تب بر سه پاره کاغذ باید نوشت
بر پاره اول این را بنویسد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ و بر قطعه
دویم بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ و بر قطعه سیم
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ و بعد از ان
بر هر قطعه سه بار سوره توحید بخوانند و صاحب تب در سر روز هر روز
یکی را فرو برد و در کتاب طب الائمه مذکور است که ائمه فرموده اند که جد ما
از برای تب اختیار نکرده مگر ده درم شکر را که با آب سرد شربت کرد و بناشتا بیاشامید
و از حضرت امام رضا ع مرویست که کسیکه تب غب دارد مقداری از عسل را با شونیز
ممزوج کند و بناشتا سه انگشت از آن بلیسد و در وقت خواب نیز سه بار بلیسد شفا

جوشن کبیر
بند هفتاد و یکم
يا من هو احد بلا ضد يا من هو فرد بلا ند يا من هو صمد بلا عيب يا من هو وتر بلا كيف يا من هو قاض بلا حيف يا من هو رب بلا وزير يا من هو عزيز بلا ذل يا من هو غني بلا فقر يا من هو ملك بلا عزل يا من هو موصوف بلا شبيه
بند هفتاد و دوم
يا من ذكره شرف للذاكرين يا من شكره فوز للشاكرين يا من حمده عز للحامدين يا من طاعته نجاة للمطيعين يا من بابه مفتوح للطالبين يا من سبيله واضح للمنيبين يا من آياته برهان للناظرين يا من كتابه تذكرة للمتقين يا من رزقه عموم للطائعين والعاصين يا من رحمته قريب من المحسنين
بند هفتاد و سوم
يا من تبارك اسمه يا من تعالى جده يا من لا اله غيره يا من جل ثناؤه يا من تقدست اسماؤه يا من يدوم

یابد و در کتاب جرائح از حضرت امام حسن عسکری روایت کرده است که یا نار کونی بردا
و سلاما را بنویسید و بر صاحب تب به بندند شفا یابد باب سیزدهم در ادعیهٔ زندانی
و درد کم شده و غایب از آن جمله ابن طاوس در مهج الدعوات خود گفته که از جمله ادعیهٔ
مستجابه اینست که بسیار بگوید زندانی اللهم انی اسئلک العفو و العافیة و المعافاة
فی الدنیا و الآخرة و از آن جمله دعائیست که حضرت صاحب الزمان او را تعلیم کرده که برای
محبوسی و بخواند زندان خلاص شد و آن اینست اللهم الهی عظم البلاء و برح الخفاء
و انکشف الغطاء و انقطع الرجاء و ضاقت الارض و منعت السماء و انت
المستعان و الیک المشتکی و علیک المعول فی الشدة و الرخاء اللهم صل
علی محمد و آل محمد اولی الامر الذین فرضت علینا طاعتهم و عرفتنا بذلک
منزلتهم ففرج عنا بحقهم فرجا عاجلا قریبا کلمح البصر او هو اقرب یا محمد
یا علی یا علی یا محمد اکفیانی فانکما کافیانی و انصرانی فانکما ناصرای یا مولانا
یا صاحب الزمان الغوث الغوث الغوث ادرکنی ادرکنی ادرکنی الساعة
الساعة الساعة العجل العجل العجل برحمتک یا ارحم الراحمین بحق محمد و آله
الطاهرین در کتاب المستغیثین مذکور است که این دعا را بر بوطی از زهاد
شنید که یا من لا تراه العیون و لا تخالطه الظنون و لا تصفه الواصفون
و لا تأخذه سنة و لا نوم اجعل لی من امری فرجا و مخرجا یا غیاث
المستغیثین یا ارحم الراحمین و مکرر کرد از اسیر بار پس بلطف خدای تعالی
خلاصی یافت از ریسمانی که او را بسته بودند بعضی از راویان حدیث گفته اند که
واقع شده بودم و این دعا را خواندم و نجات یافتم و در کتاب المستغیثین مذکور است
که مردی را بزندان می بردند در راه زندان بدیواری رسید که بر دیوار نوشته بود

که یا ولیی فی نعمتی و یا صاحبی فی وحدتی و یا عدتی فی کربتی پس چون این دعا
مکرر خواند او را رها کردند و چون برگشت و باز بدیوار رسید هیچ چیز بر آن
دیوار نوشته نیافت و نیز در آن کتاب مذکور است که مردی ده سال بود که حبس کرده
بودند پس در خواب دید کسی را که این دعا را باو تعلیم کرد تحصنت بالحی الذی لا یموت
و رمیت کل من ارادنی بسوء بلا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و اصبحت
فی جوار الله الذی لا یرام و لا یستباح و حمی الله الکریم و ذمته التی لا تخفر
و استمسکت بالعروة الوثقی و توکلت علی الله ربی و رب السموات و
الارض لا اله الا هو و اتخذته ولیا ما شاء الله لا قوة الا بالله حسبی الله و نعم
الوکیل و چون این دعا را خواند خدای تعالی او را از بند خلاصی دهد و نیز
در آن کتاب مذکور است که بنواسیه شخصی را در بند کرده بودند حضرت عیسی را
در خواب دید که این کلمات را باو تعلیم کرد که لا اله الا الله الملک الحق المبین پس چون
این دعا را خواند در بقیه همان روز شفا یافت از بند خلاص شد و در مهج الدعوات
مذکور است که مردی در شام مدت مدیدی در حبس بود و بسیار بر او تنگ گرفته
بودند پس حضرت فاطمه را در خواب دید که این دعا را تعلیم او کرد که اللهم بحق
العرش و من علاه و بحق الوحی و من اوحاه و بحق النبی و من نباه و بحق البیت
و من بناه یا سامع کل صوت و یا جامع کل فوت یا باری النفوس بعد الموت صل
علی محمد و آله و آتنا و جمیع المؤمنین و المؤمنات فی مشارق الارض و
مغاربها فرجا من عندک عاجلا بشهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده
و رسوله صلی الله علیه و آله و علی ذریته الطیبین الطاهرین و سلم تسلیما
چون این دعا را خواند از آن بند خلاصی یافت و در کتاب متهجد از حضرت کاظم

چهل پاندا کند و بگوید یا عِبادَ اللهِ اَجیبُوا یا عِبادَ اللهِ اجیبوا و مکرر این کلمه را
بگوید کران دابه محبوس شود و نتواند بجائی رفت و بعد از ان بوری کفتند که بعضی
از شیوخ ما برای ما حکایت کرد که استرا و کریخته بود و این حدیث را می دانست
پس این ندا را کرد الله تعالی ان استر را حبس کرد از برای او و در بعضی از مصانیف شیخ
رجب بن محمد بن رجب حافظ ره مذکور است که هرگاه کسی اسم الشهید الحق را بر چهار
گوشه کاغذ بنویسد و نام کسی که گم شده یا غایب را در میان ان ورقه بنویسد و نصف شب از
زیر سقف بیرون اسمان اید و نظر در ان ورقه کند و هفتاد بار این دو اسم را بخواند خبر ان
گم شده یا غائب برسد و نیز شیخ رجب ره ذکر کرده است که کسیکه نصف شب در زوایای
خانه خود بایستد و هفتاد بار بگوید یا مُعیدُ و بعد از ان بگوید یا معیدُ رُدَّ علیّ فلان
بن فلان در همان هفته خبر ان غایب یا ان غایب خودش باو میرسد فسبحان الذی اودع
اسراره اسمائه یعنی منزه میدانم خدایرا که اسرار خود را در اسماء خود بامانت گذاشته

باب چهاردهم در ذکر ایات حرس و استکفا و ایات حفظ و شفا و روش احتجاب از انظار
ستمگرها و ایاتی که در انها فوائد متفرقه است اما ایات حرس پس در انها دو روایت است
روایت اولی ابو العباس احمد بن فهد ره در عدة الداعی خود از پیغمبر ص روایت کرده
که پیغمبر ص فرمود کسیکه ان ایات را بخواند در نفس خود و مال خود اصلا مکروهی نه
بیند و شیطان نزدیک او نمی اید و قرانرا فراموش نمیکند و ان ایات از اول سوره
بقره است بِسمِ اللهِ الرحمن الرحیم الم ذلک الکتاب تا هُمُ المفلحون و ایة الکرسی است
و ایه لِلّهِ ما فی السموات وما فی الارض وان تُبدُوا ما فی انفُسِکُم تا اخر سوره فانصرنا
علی القوم الکافرین و روایت دویم نیز از انحضرت ع روایت شده است و در ان ایات
که مروی شده است سی و سه ایه است بتفصیل و بعد و ان سوره الحمد است تا المفلحون و ایة

الکرسی است تا خالدون و از ایه لله ما فی السموات تا اخر سوره البقره و ایه سخره است از سوره
اعراف قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا اخر سوره اسرا و اول سوره والصافات تا
تا انّا خلقناهم من طینٍ لازبٍ و از سوره الرحمن یا معشر الجن والانس تا فلا تنتصران
و اخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن تا اخر سوره و از سوره جن و انه تعالی
تا شططا له معقبات من بین یدیه و من خلفه یحفظونه من امر الله و در سوره یس
انا جعلنا من بین ایدیهم تا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و در سوره بقره ختم الله علی قلوبهم
تا و لهم عذاب عظیم الله الشافی الکافی المعافی بالکف لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم و از حضرت پیغمبر ص مرویست که فرمود من کلمه را میدانم که هیچ مکروبی انرا
نمیگوید مگر انکه خدای تعالی کرب و اندوه او را زایل میکرداند و دعا نمیکند باو
هیچ مسلمانی مگر انکه دعای او مستجاب میشود و ان دعاء برادر من یونس است که خدای
تعالی از او حکایت کرده است در کلام خود لا اله الا انت سبحانک انی کنت من
الظالمین و این روایت را در حیوة الحیوان ذکر نموده دمیری شافعی و صاحب کتاب دلائل
ذکر کرده است از ابو الحسن محمد بن علی شریف علوی ره که گفت بمن هم و غم سختی رسیده
بود تا انکه سبب مرض من شده بود جد خود رسول الله را در خواب دیدم که بمن فرمود
ای محمد چیست ترا عرض کردم از امور دنیا هم و غمی مرا فرو گرفته است و مال و جاه من رفته است
و با این حال عیال من بسیار شده است و در میان این حال ترسی از سلطان نیز بمن رسیده است
و این ترس از ان چیزهای دیگر اعظم است پس حضرت پیغمبر ص فرمود ایا ترا تعلیم کنم خبری از
غرایب قران که خدای تعالی رد کند بتو مال و جاه ترا و بسبب ان سلطان را از تو دفع کند
و برطرف کند هم و غم ترا و باصلاح اورد کار عیال ترا من گفتم بلی یا رسول الله ان حضرت
فرمود این شش ایه و جوابهای انرا در وقت هر سختی بخوان که خدای تعالی از ان سختی ترا بیرون

النعمة یا من یقلب القلوب یا من لا یدبر الامر الا هو یا من لا ینزل الغیث الا هو یا من لا یبسط الرزق الا هو یا من لا یحیی الموتی الا هو
جهت خطا شدن از اسباب
یا ناصر الاولیاء یا قاهر الاعداء یا رافع السماء یا انیس الاصفیاء یا حبیب الاتقیاء یا کنز الفقراء یا اکرم الکرماء یا اله الاغنیاء
جهت دفع درد بازو
یا کافیا من کل شیء یا قائما علی کل شیء یا من لا یشبهه شیء یا من لا یزید فی ملکه شیء یا من لا یخفی علیه شیء یا من لا ینقص من خزائنه شیء یا من لیس کمثله شیء یا من لا یعزب عن علمه شیء یا من هو خبیر بکل شیء یا من وسعت رحمته کل شیء
جهت رفع کارها بسته شده
اللهم انی اسئلک باسمک یا مکرم یا مطعم یا منعم یا معطی یا مغنی یا مقنی یا مفنی یا محیی یا مرضی یا منجی
یا اول کل شیء و آخره

یا اله کل شیء و ملیکه یا رب کل شیء و صانعه یا بارئ کل شیء و خالقه یا قابض کل شیء و باسطه یا مبدئ کل شیء و معیده یا منشئ کل شیء و مقدره یا مکون کل شیء و محوله یا محیی کل شیء و ممیته یا خالق کل شیء و وارثه
جهت دفع قبض
یا خیر ذاکر و مذکور یا خیر شاکر و مشکور یا خیر حامد و محمود یا خیر شاهد و مشهود یا خیر داع و مدعو یا خیر مجیب و مجاب یا خیر مؤنس و انیس یا خیر صاحب و جلیس یا خیر مقصود و مطلوب یا خیر حبیب و محبوب
جهت برکت در دعا
یا من هو لمن دعاه مجیب یا من هو لمن اطاعه حبیب یا من هو الی من احبه قریب یا من هو بمن استحفظه رقیب یا من هو بمن رجاه کریم یا من هو بمن عصاه حلیم یا من هو فی عظمته رحیم یا من هو فی حکمته عظیم یا من هو فی احسانه قدیم

برد وامر دنیا واخرت ترا کفایت می کند هیچ مهمومی نمیخواند این ایات را مکر انکه حق تعالی هم او را
بر طرف می کند وهیچ محبوسی نمیخواند انرا مکر انکه خلاص می شود از حبس ابو الحسن میکوید
چون بیدار شدم واین ایات را خواندم بعد از نماز خود ناکاه رسول سلطان امد که سلطان
ترا میخواهد چون نزد سلطان امدم کفت تو در خواب مرا ترسانیدی کمان میبرم که
نفرین کرده باشی بر من بخدا قسم که از من بتو خوفی نمیرسد پس انچه از من کرفته بود بمن رد
کرد واز مال خود نیز زیاده کرد بر ان وبالجمله برکت این ایات بهرچیز بود رسیدم ونامیده
شده بایات استکفا یعنی تلاوت ان کفایت میکند محبوس وخائف وقرض دار ومهموم را
وان شش ایه است با جوابهای انها ایه اول الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله
وانا الیه راجعون جواب ان اولئك علیهم صلوات من ربهم ورحمة
واولئك هم المهتدون ایه دوم الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم
فاخشوهم فزادهم ایمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوکیل جواب ان فانقلبوا
بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء فاتبعوا رضوان الله والله ذو فضل
عظیم ایه ۳ وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی
الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین جواب ان فاستجبنا
له ونجیناه من الغم وکذلك ننجی المؤمنین ایه ۴ وایوب اذ نادی ربه انی
مسنی الضر وانت ارحم الراحمین جواب ان فاستجبنا له فکشفنا ما به من ضر
واتیناه اهله ومثلهم معهم رحمة من عندنا وذکری للعالمین ایه پنجم
وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد وجواب ان فوقیه الله سیئات ما
مکروا وحاق بال فرعون سوء العذاب ایه ششم والذین اذا فعلوا فاحشة او
ظلموا انفسهم ذکروا الله واستغفروا لذنوبهم ومن یغفر الذنوب الا الله ولم

یا من ... عن ارادته ... از جهنم درگذر
اللهم انی اسئلك باسمك یا مسبب یا مرغب یا مقلب یا معقب
یا مرتب یا مخوف یا محذر یا مذکر یا مسخر یا مغیر از جهنم درگذر
فصل نود وهشتم یا من علمه سابق یا من وعده صادق یا من
لطفه ظاهر یا من امره غالب یا من کتابه محکم یا من قضاؤه کائن یا من
قرانه مجید یا من ملکه قدیم یا من فضله عمیم یا من عرشه عظیم از جهنم درگذر
یا من لا یشغله سمع عن سمع یا من لا یمنعه فعل عن فعل یا من لا یلهیه
قول عن قول یا من لا یغلطه سؤال عن سؤال یا من لا یحجبه شیء عن شیء یا من
لا یبرمه الحاح الملحین یا من هو غایة مراد المریدین یا من هو منتهی همم
العارفین یا من هو منتهی طلب الطالبین یا من لا یخفی علیه ذرة فی العالمین
جهة مال و دولت
یا حلیما لا یعجل یا جوادا لا یبخل یا صادقا لا یخلف یا وهابا لا یمل یا قاهرا لا یغلب
یا عظیما لا یوصف یا عدلا

یصروا علی ما فعلوا وهم یعلمون جواب ان اولئك جزاؤهم مغفرة من ربهم وجنات
تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ونعم اجر العاملین واز حضرت صادق
مرویست که فرمود عجب دارم از کسیکه بترسد از چهار چیز چون پناه نمی برد بچهار چیز
عجب دارم از کسیکه او را خوفی باشد از کسی چون پناه نمی برد باین قول خدای تعالی
حسبنا الله ونعم الوکیل بواسطه انکه خدای تعالی بعد از ان فرموده است که
فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء وعجب دارم از کسیکه غمناك باشد
چون پناه نمی برد بسوی این کلام خدای تعالی که لا اله الا انت سبحانك انی کنت
من الظالمین چه بعد از ان فرموده فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلك ننجی
المؤمنین وعجب دارم از کسیکه مردم با او مکر کنند چون پناه نمی برد بسوی این کلام
خدا که فرموده است افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد بواسطه انکه خدای
تعالی در عقب ان فرموده است که فوقاه الله سیئات ما مکروا وعجب دارم از کسیکه
دنیا را خواهد چون پناه نمی برد باین کلام خدا که لا حول ولا قوة الا بالله بواسطه
انکه خدای تعالی در عقب ان می فرماید ان ترن انا اقل منك مالا وولدا فعسی ربی
ان یؤتین خیرا من جنتك واما ایات شفا از انجمله این ایات عظیم الشان است کسیکه
اینها را بشوید بعد از نوشتن و بیاشامد یا با خود نکاه دارد شفا یابد وان ایات اینست
ویشف صدور قوم مؤمنین وشفاء لما فی الصدور یخرج من بطونها
شراب مختلف الوانه فیه شفاء ورحمة للمؤمنین واذا مرضت فهو یشفین
قل هو للذین امنوا هدی وشفاء ذلك تخفیف من ربکم ورحمة الان
خفف الله عنکم قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابرهیم وارادوا به
کیدا فجعلناهم الاخسرین الم تر الی ربك کیف مد الظل ولو شاء لجعله

جوشن کبیر
لا یخیف یا غیاث یا کبیر یا مقتدر
لا یفتقر یا ... یا لا اله الا
لا یفعل سبحانك یا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب
تمام شد دعای جوشن صغیر
در بیان ثواب ... هر که این دعا را بخواند در
مرویست که هر که این دعا را بخواند حق تعالی با او عطا
هر وقت بوده باشد حق تعالی ثواب بیشمار و بهر حرفی از ان
فرماید ثواب بیشمار و بعد هر حرفی
دو حوریه با او دهد و بعد هر حرفی از
زبور و تورته و انجیل و فرقان
ثواب کرامت فرماید و
حق تعالی او را ثواب موسی و عیسی و ابرهیم
مانند ثواب ... و هر که در اول ماه مبارك
رمضان این دعا را بنیت خالص داشته باشد
بخواند خداوند عالم ثواب شب قدر را با او عطا فرماید و بیافریند خدا
در هر اسمانی و در زمین و در بیت المقدس و در مشرق و در مغرب
هفتاد هزار ملك را که هر ملکی از انها را بیست هزار سر بوده باشد
و در هر سری بیست هزار دهن بوده باشد که بر هر دهنی بیست هزار زبان
بوده باشد که

ساکنا وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم بالف لا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم واما ایات حفظ کسی انهارا بخواند یا با خود دارد در حفظ
ونکهبانی خدای تعالی است وان ایات اینست ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم
فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین له معقبات من بین یدیه ومن خلفه
یحفظونه من امر الله ان ربی علی کل شیء حفیظ انا نحن نزلنا الذکر
وانا له لحافظون وحفظناها من کل شیطان رجیم وحفظا من کل شیطان
مارد ان کل نفس لما علیها حافظ ان بطش ربک لشدید انه هو یبدئ
ویعید وهو الغفور الودود ذو العرش المجید فعال لما یرید هل اتیک
حدیث الجنود فرعون وثمود بل الذین کفروا فی تکذیب والله من
ورائهم محیط بل هو قران مجید فی لوح محفوظ واما ایاتی که سبب حفظ قران
وعلوم دینیه می شود وما در مقام ذکر میکنیم مقام اول در دعا غیر ایست که باعث
حفظ میشود ومقام دویم در دعا قیر وادویه ایست که مورث حفظ می شود پس میکوئیم
که شیخ طوسی ره در کتاب متهجد خود ذکر کرده است کسیکه خواهد حفظ قران کند
باید که در شب جمعه چهار رکعت نماز کند در رکعت اول الحمد وسوره یس بخواند و
در رکعت دویم الحمد وسوره دخان بخواند ودر رکعت سیم الحمد والم سجده که از سجده
لقمان می کویند بخواند ودر رکعت چهارم الحمد وسوره ملک بخواند وچون سلام
دهد حمد وثنای الهی بجای اورد وصلوات بر محمد وال او بفرستد وبرای مؤمنان
استغفار کند وبکوید اللهم ارحمنی بترک المعاصی ابدا ما ابقیتنی وارحمنی
من ان اتکلف ما لا یعنینی وارزقنی حسن النظر فیما یرضیک عنی اللهم
بدیع السموات والارض ذا الجلال والاکرام والعزة التی لا ترام اسئلک

کبرودهی
پنجهزار دهن بوده باشد
کربا السنه مختلفه تسبیح وتقدیس
خدا کنند وثواب انرا بخواننده این
دعا دهند ودر نزد مبعوث شدن از قبر
حاضر شوند در نزد او هفتاد هزار
فرشته با علمهای نور وهفتاد هزار
غلمان وهفتاد هزار ناقه که شکم انها
از لؤلؤ وپشت انها از زبرجد سبز
باشد وپاهای انها از یاقوت سرخ
باشد ودر پشت هر ناقه قبه از نور
باشد که در هر قبه چهار صد در
باشد ودر هر دری چهار صد سریر
باشد ودر هر سریری فرشی از
سندس واستبرق وبر هر فرشی
چهار صد حوری وچهار صد کنیز
نشسته باشند که کیسوهای انها
از فر باشد وبر سر هر کنیزی تاج
سرخ از طلا باشد وتسبیح وتنزیه
خدا نمایند وثواب او را بقاری
این دعا دهند وهفتاد هزار ملک
دیکر که با هر ملکی کاسه از لؤلؤ سفید
باشد که در انها ...

یا الله یا رحمن بجلالک وبنورک وجهک ان تلزم قلبی حفظ کتابک کما علمتنی
وارزقنی ان اتلوه علی النحو الذی یرضیک عنی واسئلک ان تنور بکتابک
بصری وتطلق به لسانی وتشرح به قلبی وتشرح به صدری وتستعمل
به بدنی وتقوینی علی ذلک وتعیننی علیه فانه لا یعین علی الخیر غیرک ولا یوفق
له الا انت واز حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله مرویست باسناد صحیح که فرمود کسیکه خواهد
حفظ قران وعلم کند باید که این دعا را بزعفران وعسل سفید بنویسد وباب باران
بشوید بشرط انکه ان اب باران را پیش از انکه بزمین برسد فرا کرفته باشد وبناشتا
بیاشامد سه روز متوالی که این فعل را بجا اورد هر چیز که خواهد حفظ کند ان شاء الله
وان دعا اینست اللهم انی اسئلک فانت مسئول لم یسئل مثلک اسئلک
بحق محمد نبیک ورسولک وابرهیم خلیلک وصفیک وموسی کلیمک
ونجیک وعیسی کلمتک وروحک واسئلک بصحف ابرهیم وتوریة
وانجیل وزبور داود وقران محمد صلی الله علیه وعلیهم اجمعین واسئلک
بکل وحی اوحیته وبکل حق قضیته وبکل قضاء قضیته وبکل
سائل اعطیته واسئلک باسمک الذی اذا دعاک به انبیاؤک واصفیاؤک
واحباؤک استجبت واسئلک بکل اسم انزلته فی کل کتاب من کتبک
واسئلک باسمک الذی اثبت به ارزاق العباد واسئلک بالاسم الذی
استقل به عرشک واسئلک باسمک الذی وضعته علی الارضین
فاستقرت واسئلک بالاسم الذی دعوت به السموات فاستقلت
واسئلک باسمک الذی وضعته علی اللیل فاظلم واسئلک باسمک الذی
وضعته علی الجبال فارست واسئلک بالاسم الواحد الاحد الفرد الصمد

دلالت از شرح ...
ماند ... لطیف سندی
باشد وبر ... باشد که ... اله نور الله
باشد که بر نوشته باشد ... ودر زیر انها نوشته
وحده لا شریک له ... فلان که است که
باشد که انها ... خواننده این دعا است در ... مداومت
اید ... هر ملایک وحور
نموده است این هر ... از پیش وپس باید
وغلمان وکنیزان ... تا ... بر عرش باز دارند ... ان
تا که او را ... ندا کند ای بنده خدا
وقت منادی ندا کند ای بنده خدا
داخل بهشت شو بحساب جبرئیل عرض کرد
پیغمبر خدا عرض کرد که هر که این دعا
در ماه مبارک رمضان یکمرتبه بخواند
خدا جسد او را بر اتش جهنم حرام کرداند
وهر که سه مرتبه در این ماه بخواند
بهشت برای او واجب کردد وخدا ملکی را
بر او موکل کرداند که او را از معاصی
حفظ نمایند ودرهای بهشت را بر
روی او کشایند ودرهای جهنم را
بر روی او بسته کردانند ودر زندگی
وممات خود در امان حق تعالی
بوده باشد وجبرئیل عرض کرد
که این دعا را ...
الی

الوتر العزیز الذی ملاء الارکان کلها الطهر الطاهر المطهر یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا مهیمن یا قدوس یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام ان تصلی علی محمد وال محمد و ترزقنی حفظ القران العزیز و العلم و الحکمة برحمتك یا ارحم الراحمین اللهم ارحمنی واکفنی یا کافی کل شیء بقدرتك علی کل شیء اکفنی کل شیء واصرف عنی کل ذی شر بشر برحمتك یا ارحم الراحمین وابن فهد در عدة خود ذکر کرده است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله فرمود یا علی هرگاه خواهی که هر چیز را اگر بشنوی حفظ کنی بگوی سبحان من لا یعتدی علی اهل مملکته سبحان من لا یاخذ اهل الارض بالوان العذاب سبحان الرؤف الرحیم اللهم اجعل فی قلبی نورا و بصرا و فهما و علما انك علی کل شیء قدیر در کتاب تحصیل ذکر نموده که مردی پیغمبر را در خواب دید و گفت یا رسول الله چیزی بمن بیاموز که خدای تعالی بسبب آن دل مرا زنده کرداند آنحضرت فرمود بگو یا حی یا قیوم لا اله الا انت اسئلك ان تحیی قلبی اللهم صل علی محمد وال محمد پس آنمرد سر روز این دعا را خواند خدای تعالی دل او را زنده کردانید در کتاب دعوات در شرح چهل اسم ادریسی مذکور است که کسیکه چهل روز هر روز بیست و هفت بار پیش از صبح بگوید یا حی یا قیوم فلا یفوت شیئا علمه ولا یؤده بر بیت خالص فهم او زیاد می شود و چیز را که حفظ کرد فراموش نمی کند و کفعمی از شیخ شهاب الدین سهروردی باین طریق نقل نموده که هر که قلیل الحفظ باشد و بعد از ان هر روز بعد از نماز صبح قبل از انکه با کسی حرف بزند بگوید یا حی یا قیوم فلا یفوت شیئا الا علمه ولا یؤده حفظ او بسیار می شود و فراموشی او کم می شود و از ابو العباس بونی منقولست که کسیکه کثیر النسیان باشد سزاوار انست که در نماز سنتی صبح مداو

نقل است که من و بدوه که از جمله هر... سطلی یا بنت در ... بخوانند هرگاه این دعا را در حالتیکه با طهارت باشند با خود دارند از همه بلیات ایمن باشند و از جمله هر دشمنی که بخوانند البته مغلوب گردد و از حضرت امام حسین ع منقولست که فرمودند که پدرم علی ابن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه این دعا را بمن تعلیم کرد و وصیت بحفظ آن نمود و فرمود که این دعا را بر کفن من بنویس که این دعا سریع الاجابة است و کنزیست از کنوز الهی که بر سرادق عرش قبل از خلقت دنیا به پنج هزار سال نوشته شده بود و هر که این دعا را بظرف پاکی بنویسد با آب باران و زعفران بشوید و بیاشامد هر دردی که داشته باشد بر طرف کردد و حوائج دنیا و اخرت او بر اورده کردد و هر وقت عمره ثواب هفتصد هزار شهیدان بدر از برای او بنویسند و خدا او را از شر

کذ

کند بر قرائت ایه کریمه ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا تا اخر سوره البقره و بعد از ان بگوید اللهم لا تنسنی ما اقرء فی یومی هذا فانك قلت سنقرئك فلا تنسی پس بدرستیکه هر چیز بخواند در انروز فراموش نکند و در کتاب جمع الشتات از حضرت صادق ع روایت کرده که آنحضرت فرمود هرگاه خواهی از ما حدیثی نقل کنی پس اگر خبث را شیطان از تو فراموش نماید دست خود را بر پیشانی خود بگذار و بگوی صلی الله علی محمد واله اللهم انی اسئلك یا مذکر الخیر و فاعله و الامر به ذکرنی ما انسانیه الشیطان پس بدرستیکه خدای تعالی از یاد تو میاورد و در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت صادق ع روایت کرده است که آنحضرت فرمود که کسی را که سهو بر او غالب باشد در نماز باید در وقت دخول به بیت الخلا بگوید بسم الله و بالله اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم و در رساله نفلیه شهید علیه الرحمه مذکور است که سنت مرکسی را که کثیر السهو است نماز را خفیف بجای اورد و در وقتی که شروع بنماز می کند ران چپ خود را بانکشت مسبحه دست راست بزند و در ان حال بگوید بسم الله و بالله توکلت علی الله و اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم و چند چیز که ابهار را تاثیر در نسیان محفوظ است و در نظم سخاوی مذکور است خواندن الواح قبور است و سیب ترش و کشنیز تر و رفتن در میان قطار شتر و حجامت پس سر خود را اندوه بردن نیاد را با ایستاده بول کردن و خوردن نیم خورده موش **باب نهم**

در ذکر ادویه ایست که مورث حفظ می شود از انجمله انچه ایست که ابن مسعود از پیغمبر صلی الله علیه و اله روایت کرده است و ان ده درهم قرنفل و ده درهم دانه سپند و ده درهم کندر سفید و ده درهم شکر سفید است که مجموع را بسایند و بیکدیگر مخلوط نمایند مگر دانه سپند را که باید بتمام بلند و باد و بر نسایند و هر روز در وقت صبح یکدرهم و در وقت

جوشن اعدا و شیاطین ... و هر که مقتدا و مرتبه حفظ نماید و هر که صادق بخواند خدا نید عاران بنیت صادق و باور طاعون همه بلاها را از او مثل وبا و طاعون و جذام و جنون و غیرهم را از او و از اهل آن بلد دور نماید و حضرت موسی بن جعفر ع این دعا را از جهت هلاکت موسی بن مهدی عباسی که اراده قتل آنحضرت را نموده بود خوانده بود در همان روز موسی بن مهدی بدرک واصل شد و شرح این دعا بسیار است و لیکن جلیل القدر و باعث ملال شود مختصر شد که ... و دعا بر دکوار جوشن صغیر اینست

بسم الله الرحمن الرحیم

الهی کم من عدو انتضی علی سیف عداوته و شحذ لی ظبة مدیته و ارهف لی شباحده و دف لی قواتل سمومه و سدد نحوی صوائب سهامه و لم تنم عنی عین حراسته و اضمر ان یسومنی المکروه و یجرعنی زعاق مرارته فنظرت یا الهی

باب ۱۰

خواب یکدرهم ازان بخورند برای حفظ و قطع بول و بلغم و تقویت پشت و کرده نافعست
واین روایترا بعینها در کتاب لفظ الفواید دیده ام و نیز در کتاب لفظ الفوائد مذکور است
که کسیکه خواهد حفظ او بسیار شود در هر روز یکمثقال زنجبیل مربی بخورد و در همین
کتاب گفته است که چیزیکه تجربه شده است از برای حفظ اینست که بیست درهم
مویز سرخ منزوع العجم یعنی دانه او را ازان بیرون آورند و یکمثقال سعد کوفی
و دو درهم لبان الذکر و نیم درم زعفران بگیرد و مجموع اینها را بکوبد و باب باران
خمیر سازد تا آنکه باقی ماند در قوام معجون و هر روز ناشتا یکدرهم ازان بخورد و
نیز گفته است که کسی که مداومت کند بر خوردن مویز ناشتا فهم و ذهن و حفظ و نقص
بلغم روزی او می شود و در کتاب طریق النجات مذکور است که سه چیز است که
بلغم را می برد و حفظ را زیاد می کند و آن سه چیز روزه و مسواک و قراة قرآن است
و در بعضی اخبار وارد شده است که خوردن گوشتی که در پهلوی گردن است و خوردن
حلوا و عدس و نان سرد و قرائت آیة الکرسی حافظه را قوی می گرداند و از جمله ادویه
حفظ اینچیزیست که از ابوبصیر روایت شده است که گفت بحضرت صادق ع عرض کردم که
چگونه قدرت یابیم براین علمی که شما تفریع کرده اید برای ما یعنی چون علم بفروع دین
بهم رسانیم و از احفظ کنیم آنحضرت فرمود که ده درهم قرنفل و ده درهم کندر ذکر
بگیرد و خوب بکوبد و هر روز ناشتا قدری ازان بخورد و ایضا از برای کسیکه
بعید الذهن و قلیل الحفظ باشد بگیرد قدری از سناء مکی و قدری از سعد هندی
و فلفل سفید و کندر ذکر و زعفران خالص و قدر اجزاء همه مساوی باشد و مجموع را
بکوبد و بعسل بیامیزد و در هفت روز متوالی هر روز یکمثقال ازان بخورد
و اگر چهارده روز ازان بخورد انشاءالله حفظ برسیده می شود براو که بوده باشد ساحر

الهی
ضعفی عن احتمال الفوادح
وعجزی عن ملمات الجوائح
عن الانتصار ممن قصدنی
لمحاربته ووحدتی فی کثیر من
ناوانی وارصادهم لی فیما فیه
لم اعمل فکری فی الارصاد لهم بمثله
فایدتنی بقوتک وشددت
ازری بنصرک وفللت لی شبا
حده وخذلته بعد جمع عدیده
وحشده واعلیت کعبی علیه
ووجهت ما سدد الی من مکایده
الیه ولم تشف غلیله ولم تبرد
حزازات غیظه وقد عض علی انامله
وادبر مولیا قد اخفقت سرایاه
فلک الحمد یا رب من مقتدر لا یغلب
وذی اناة لا یعجل صل علی محمد وآل
محمد واجعلنی لانعمک من الشاکرین
ولآلائک من الذاکرین الهی وکم
من باغ بغانی بمکایده ونصب لی
اشراک مصائده ووکل بی تفقد
رعایته واضبا الی اضباء السبع
لطریدته انتظارا

یعنی مردم او را ساحر گویند و بعضی ازان ادویه دوائیست که یافت شده است بخط
شیخ احمد بن فهد رحمة الله علیه و تجربه بصحت آن شاهد است و آن کندر و سعد
و شکر طبرزد است باید که اجزاء جمیع متساوی باشد و مجموع را نرم بکوبد و سفوف
سازد و هر روز ناشتا پنج درهم ازان بخورد تا سه روز و قطع کند تا پنج روز و در
کتاب لفظ الفواید بعینه این دوا مذکور است و در کیفیت احتجاب بحصبات بچند نوع است
از انجمله اینچیزیست که ذکر کرده است از اصاحب کتاب مستوجب المحامد و آن اینست
که هر گاه بترسی از مکانی پس فرا گیر پنج عدد سنگریزه و بپاش از اندرون خود و هفت
عدد سنگریزه فرا گیر و نزد سر خود دفن کن که ایمن میشوی انشاءالله تعالی و باز در کتاب مذکور
ذکر شده است که هر گاه در صحرا در وقت خواب بترسی پنج عدد سنگریزه فرا گیر و نزد
سر خود دفن کن و پنج سنگریزه دیگر فرا گیر باسماء انبیا اولوالعزم باین روش که اول را
که برمیداری بگو نوح ع دویم را که برمیداری بگو ابرهیم ع و سیم را که برمیداری بگو موسی
و ۴م که برمیداری بگو عیسی ع و پنجم را که برمیداری بگو محمد صلی الله علیه و آله و بعد
ازان یکی ازاین پنج ریزه را بجانب قبله انداز و در وقت انداختن آن بگو قوله دویم را
بجانب مشرق انداز و بگو الحقّ و سیم را بجانب شمال انداز و بگو وله و چهارم را بجانب
مغرب انداز و بگو الملک و پنجم را بآن سنگریزه که دفن کرده بودی بگذار و بگو
وقفوا ولا تبرجوا وضرب بینهم بسور له باب باطنه فیه الرحمة وظاهره من قبله
العذاب و بعد ازان چهل سنگریزه دیگر بردار و در حول خود دفن کن و بجواب
که این حجاب بزرگیست و ازانجمله صفت اخفا یعنی از چشم دشمن فتح محنت را بگو
پس فرا گیر بدست چپ سنگریزه چند بعدد حروف مجزومه یعنی حروفیکه جزم
داده که آن سه است و بعدد حروف منصوبه یعنی حروفیکه فتحه دارد که آن چهار است

لانتهاز فرصته وهو یظهر لی بشاشة الملق
ویبسط لی وجها غیر طلق فلما رایت
دغل سریرته وقبح ما انطوی علیه
لشریکه فی ملته واصبح مجلبا لی
فی بغیه ارکسته لام راسه واتیت
بنیانه من اساسه فصرعته فی
زبیته وارדیته فی مهوی حفرته
ورمیته بحجره وخنقته بوتره و
ذکیته بمشاقصه وکببته لمنخره
ورددت کیده فی نحره ووبقته بندامته
وفتته بحسرته فاستخذا
وتضاءل بعد نخوته وانقمع بعد
استطالته ذلیلا ماسورا فی ربق
حبائله التی کان یومل ان یرانی
فیها یوم سطوته وقد کدت یا
رب لولا رحمتک ان یحل بی ما حل
بساحته فلک الحمد یا رب من مقتدر
لا یغلب وذی اناة لا یعجل صل علی محمد
وآل محمد واجعلنی لانعمک من
الشاکرین ولآلائک من الذاکرین
الهی وکم من حاسد شرق
بحسرته وشجی

سنکریزه بدست راست کیری پس یک سنکریزه از دست راست خود از منصوبات بینداز
و در وقت انداختن آن بکوی اَفَحَسِبْتُمْ اَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَاَنَّكُمْ اِلَيْنَا
لَا تُرْجَعُونَ و بعد از آن سنکریزه دویم را از دست چپ بینداز و در آنوقت بکو
يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنِ اسْتَطَعْتُمْ اَنْ تَنْفُذُوا مِنْ اَقْطَارِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
فَانْفُذُوا الْاٰيه و بر سنکریزه سیم که از منصوبات از دست راست بعقب خود بینداز
و بکو صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا الْاٰيه سنکریزه چهارم از منصوبات که در دست راست به
پیش روی خود بینداز و بکوی وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا
فَاَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا الْاٰيه و بعد از آن انچه از مجروحات در دست چپ مانده است در
عمامه خود بکذار و برو که مجربست از اعداء کفعمی در بلد الامین خود ذکر کرده که در
بعضی اسفار خود از حلب با من جماعتی از مکاریان و تاجران بودند و با ایشان بار
بسیار بود و از خراج کیران می ترسیدند که ضرری بایشان رسد پس من ببعضی اصحاب
خود کفتم که هفت سنکریزه بده بمن پس سنکریزه ها را کرفتم و صنعت اخفا را بجا
آوردم جمیع قافله بسلامت رفتند از خراج کیران و ایشان اصلا متعرض ما نشدند
بلطف الله تعالی و ایضا هرکاه خوف داشته باشی یا در جنکی واقع شوی چهار سنک
ریزه فرا کیر و در اندرون چپ خود آنها را بشمار و سنکریزه اول را از جانب راست خود
بینداز و دویم را از جانب چپ خود بینداز و سیم را از بالای سر خود بر پشت سر انداز
و در جمیع آنها که اندازی بکو قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ که لشکر دشمن شکسته شود
و اکر شکست نخورند لامحاله از آن میان بسلامت نجات خواهی یافت و از انجمله اینکه
هرکاه در راه ترسی پنج سنکریزه را فرا کیر اول را بنام خدای تعالی دویم را باسم جبرئیل
و سیم را باسم موسی و چهارم را باسم محمد و پنجم را باسم ابراهیم و آن سنکریزه ها را با خود نکاه دار

تعظیمه و تکریمه و سلقنی بحد لسانه و حمل عنی ثقلها بموت عشیته و تلددنی خلاف التنزل امامیه فما ذلک یا رب منه فیه فما ذلک یا رب منک الی فیه و اتقا بشرح عن احابتک و تکلک دعائی علی ما اوعیته من حسن دفاعک علی ما انه لن یضطهد من اوی الی ظل کنفک و ان لا تقرع الفوادح من لجا الی معقل الانتصار بک فقد تحصنت من باسه بقدرتک فلک الحمد یا رب من مقتدر لا یغلب و ذی اناة لا یعجل صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی لنعمائک من الشاکرین و لآلائک من الذاکرین الهی و کم من سحائب مکروه جلیتها و سماء نعمة امطرتها و جداول کرامة اجریتها و اعین احداث طمستها و ناشئة رحمة نشرتها و جنة عافیة البستها و غوامر کربات کشفتها و امور جاریة قدرتها و لم تعجزک اذ طلبتها

که ایمن میشوی از آفات انشاء الله تعالی و اما آیاتی که متضمن فواید متفرقه است از انجمله انچه روایت
که صاحب کتاب نزهة الادباء از حضرت صادق روایت کرده است که آنحضرت
فرمود هرکاه بدرنده برسی در روی او آیة الکرسی بخوان و بکوی عَزَمْتُ عَلَيْكَ
بِعَزِيمَةِ اللّٰهِ وَبِعَزِيمَةِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ وَعَزِيمَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَعَزِيمَةِ
عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ وَالْاَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَلَّا تَنَحَّيْتَ عَنْ طَرِيقِنَا وَلَمْ
تُؤْذِنَا اِنْ سبع بر میکردد انشاء الله تعالی و نیز در کتاب نزهة الادباء مذکور است که هرکاه
بخوابکاه خود روی بکوی اَيُّهَا الْاَسْوَدُ الْوَثَّابُ الَّذِي لَا يُبَالُونَ بِغَلْقٍ وَلَا بَابٍ
عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِاُمِّ الْكِتَابِ اَلَّا تُؤْذُونِي وَاَصْحَابِي اِلٰى اَنْ يَذْهَبَ اللَّيْلُ وَيَؤُوبَ
الصُّبْحُ بِمَا آبَ تا ایمن شوی از آزار کیک و در مجمع البیان طبرسی از حضرت پیغمبر
روایت کرده از برای ایمن شدن از کیک هفت نوبت این آیه را بخوان وَمَا لَنَا اَلَّا
نَتَوَكَّلَ عَلَى اللّٰهِ وَقَدْ هَدٰانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلٰى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
الْمُتَوَكِّلُونَ بخوان بر قدح آبی و بعد از آن بکوی اِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللّٰهِ فَكُفُّوا شَرَّكُمْ
وَاَذَاكُمْ عَنَّا و آن آب را بر حول خود بپاش و در کتاب طریق النجاة مذکور است که نزد
ملاقات سک درنده بکوی اَفَغَيْرَ دِينِ اللّٰهِ يَبْغُونَ وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَ
الْاَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ صاحب معجم اهل الادب و صاحب عده
ذکر کرده اند که هشام بن نساب کلبی بخدمت حضرت صادق آمد آنحضرت فرمود باو
که تو نی آنکسی که قرآن را تفسیر میکنی هشام کفت بلی آنحضرت فرمود خبر ده مرا از قول حق
تعالی که فرموده است وَاِذَا قَرَاْتَ الْقُرْاٰنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
حِجَابًا مَسْتُورًا کدام ابتر و ابراست که هرکاه پیغمبر می خواند می کردید حجاب میان او و کفار
هشام کفت نمیدانم تعلیم کن از این یابن رسول الله فرمود سه آیه بود از سوره کهف و من

فانها و لم تمتنع علیک اذ اردتها فلک الحمد یا رب من مقتدر لا یغلب و ذی اناة لا یعجل صل علی محمد و اجعلنی لنعمائک من الشاکرین و لآلائک من الذاکرین الهی و کم من ظن حسن حققت و من عدم املاق جبرت و من مسکنة فادحة حولت و من صرعة مهلکة انعشت و من مشقة ازحتها لا تسئل یا سیدی عما تفعل و هم یسئلون و لا ینقصک ما انفقت و لقد سئلت فاعطیت و لم تسئل فابتدات و استمیح باب فضلک فما اکدیت ابیت الا انعاما و امتنانا و الا تطولا یا رب و احسانا و ابیت یا رب الا انتهاکا لحرماتک و اجتراء علی معاصیک و تعدیا لحدودک و غفلة عن وعیدک و طاعة لعدوی و عدوک لم تمنعک یا الهی احلالی بالشکر عن اتمام احسانک و لا حجزنی ذلک عن ارتکاب مساخطک اللهم و هذا مقام

اظلم ممن ذکر بآیات ربه فاعرض عنها و نسی ما قدمت یداه تا اذا ابدا و از سوره نحل
اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و ابصارهم و اولئک هم
الغافلون و از سوره جاثیه افرایت من اتخذ الهه هویه تا افلا تذکرون
و بجهة ادام کردن ذایه ایه کذشته افغیر دین الله یبغون را در کوش او بخواند باب سی و
دردعای بد کردن بر دشمن شیخ ابو جعفر بن بابویه ره در کتاب عیون اخبار الرضا ع
روایت کرده است که مردی بخدمت حضرت صادق ع امد و شکایت کرد از مردی
که با او ظلم می کرد انحضرت فرمود چرا دعای مظلوم را که پیغمبر ص تعلیم کرده او را بامت نمی
خوانی چه هیچ مظلومی ان دعا را بر ظالم خود نخواند مگر انکه نصرت یافت بر او و
کفایت کرد خدای تعالی او را و ان دعا اینست اللهم طمه بالبلاء طما و غمه
بالبلاء غما و ارمه بیوم لا معاد له و ساعة لا مرد لها و ابح حریمه و صل
علی محمد و آل محمد و اهل بیته علیه و علیهم السلام و اکفنی امره و قنی
شره و اصرف عنی کیده و اخرج قلبه و سد فاه عنی و خشعت الاصوات
للرحمن فلا تسمع الا همسا و عنت الوجوه للحی القیوم و قد خاب من حمل ظلما
قال اخسئوا فیها و لا تکلمون صه صه صه صه صه صه صه شیخ کمال الدین
دمیری در کتاب حیوة الحیوان ذکر کرده است که کسی در مدت ده روز هزار بار سوره فیل را
بخواند و کسی را که میخواهد در خاطر بگذراند و در روز دهم در اب جاری بنشیند و بگوید
اللهم انت الحاضر المحیط بمکنونات السرائر اللهم عز الظالم و قل الناصر
و انت المطلع العالم اللهم ان فلانا ظلمنی و اذانی و لا یشهد بذلک
غیرک اللهم انک مالکه فاهلکه اللهم سربله سربال الهوان و
قمصه بقمیص الردی پس ده بار بگوید اللهم اقصفه پس بگوید فاخذهم الله

عبید
ذلیل اعترف لک بالتوحید و اقر علی نفسه بالتقصیر فی اداء حقک و شهد لک بسبوغ نعمتک علیه و جمیل عاداتک عنده و احسانک الیه فهب لی یا الهی و سیدی من فضلک ما ارید الی رحمتک و اتخذه سلما اعرج فیه الی مرضاتک و امن به من سخطک بعزتک و طولک و بحق نبیک محمد و الائمة صلوات الله علیه و علیهم اجمعین فلک الحمد یا رب من مقتدر لا یغلب و ذی اناة لا یعجل صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی لنعمک من الشاکرین و لآلائک من الذاکرین الهی و کم من عبد امسی و اصبح فی کرب الموت و حشرجة الصدر و النظر الی ما تقشعر منه الجلود و تفزع الیه القلوب و انا فی عافیة من ذلک کله فلک الحمد یا رب من مقتدر لا یغلب و ذی

بذنوبهم و ما کان لهم من الله من واق در همان روز دشمن او هلاک میشود یونس بن عمار می گوید
شکایت کردم بحضرت صادق ع از مردی که مرا ازار و اذیت می کرد انحضرت فرمود که نفرین
کن او را پس بر او نفرین کردم فایده نکرد بان حضرت دو مرتبه عرض کردم فرمود این روش
نیست نفرین کردن از کناهان توبه کن و روزه بگیر و نماز کن و چیزی تصدق کن و
چون اخر شب شود وضو کامل بساز و دو رکعت نماز کن و سجده کن و در سجده بگوی اللهم
ان فلان بن فلان یعنی نام دشمن و پدر او را ببر و بعد از ان بگوی اذانی اسقم
جسده و اقطع اثره و انقص اجله و اجعل ذلک له فی عامی هذا یونس می گوید
چون این را بعمل اوردم اندک زمانی نشد که ان دشمن من هلاک شد و شیخ طوسی در
کتاب متهجد خود ذکر کرده است که کسیکه او را دشمنی باشد که او را اذیت کند باید که در سجده
دویم از دو رکعت نماز نافله شب بگوید اللهم ان فلان بن فلان سهرنی و نوه بی و
عرضنی للمکاره اللهم فاصرفه عنی بسقم عاجل یشغله عنی اللهم و قرب اجله
و اقطع اثره و عجل یا رب ذلک الساعة الساعة و زمخشری در کتاب ربیع الابرار
خود ذکر کرده است که کسی شکایت بحضرت امام حسن ع کرد از مردی که با او ستم می کرد انحضرت
فرمود که هرگاه دو رکعت نماز از نافله مغرب بگذاری سجده کن و بگوی یا شدید المحال یا
عزیز اذللت بعزتک جمیع من خلقت فصل علی محمد و آل محمد و اکفنی مؤنة
فلان بمن شئت پس چون ان مرد این عمل را بجا اورد در همان وقت صدای گریه و زاری
از خانه ظالم او برخواست و این روایت را احمد بن داود نعمانی نیز در کتاب دفع الهموم
و الاحزان ذکر کرده است و شیخ مفید ره این روایت را باین عبارت ذکر کرده است که یا
ذا القوة القویة و یا ذا المحال الشدید و یا ذا العزة التی کل خلقک لها ذلیل
اکفنی هذه الطاغیة و انتقم لی منه دعائی که حضرت صادق ع بر داود بن علی بن عبد الله

یعجل صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی لانعمک من الشاکرین و لآلائک من الذاکرین الهی و کم من عبد امسی و اصبح فی کرب الموت و حشرجة الصدر و لا یجد انینا و عویلا یتقلب فی غمه و لا یجد محیصا و لا یسیغ طعاما و لا یستعذب شرابا و انا فی صحة من البدن و سلامة من العیش کل ذلک منک و تفضلا فلک الحمد یا رب من مقتدر لا یغلب و ذی اناة لا یعجل صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی لانعمک من الشاکرین و لآلائک من الذاکرین الهی و کم من عبد امسی و اصبح خائفا مرعوبا مسهدا مشفقا وحیدا و جلا هاربا طریدا او منجحرا فی مضیق او مخباة من المخابی قد ضاقت علیه الارض برحبها لا یجد حیلة و لا منجی و لا ماوی و انا فی امن و طمانینة و عافیة من ذلک کله فلک الحمد یا رب من مقتدر لا یغلب و ذی اناة لا یعجل

بن عباس در وقت سحر در سجده کرد بواسطه آنکه معلی بن خنیس را که خادم آنحضرت بود داود کشته بود و یکساعت زیاده از وقت دعا نگذشت که داود مرد و آواز گریه از خانه او برخاست وان دعا اینست یا ذَا الْقُوَّةِ الْقَوِيَّةِ وَالْقِدَمِ الْأَزَلِيَّةِ وَيَا ذَا الْمِحَالِ الشَّدِيدِ وَالنَّصْرِ الْعَتِيدِ وَيَا ذَا الْقُوَّةِ الَّتِي كُلُّ خَلْقِكَ لَهَا ذَلِيلٌ خُذْ دَاوُدَ بْنَ عَلِيٍّ بِعِزَّتِهِ اَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ وَاَنْجَاهُ مُفَاجَاتِ مَلِكٍ مُنْتَصِرٍ و شیخ مفید نیز در ارشاد خود این دعا را ذکر کرده و کفعمی در کتاب بلد الامین و درع الحصین میگوید که کسی که در شب ماریلی سجده کند بر خاک و هزار بار بگوید الْمُذِلُّ و بعد از آن بگوید یا مُذِلَّ الْجَبَّارِينَ وَمُبِيرَ الظَّالِمِينَ اِنَّ فُلَانًا اَذَلَّنِي فَخُذْ لِي حَقِّي مِنْهُ در همان وقت خدای تعالی دشمن او را می گیرد و کسیکه در سجده پنجاه و پنج بار بگوید اللّٰهُمَّ آمِنِّي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ ایمن می شود از دشمن انشاء الله تعالی و اگر کسی را دشمنی باشد که قادر بر دفع او نباشد از ارده هزار سنبه بسازد و بر هر یک یا قوی را بخواند و بیندازد از برای طیور شر دشمن او کفایت شود ایضا در آن کتاب گفته کسیکه در تحت الشعاع در آخر شب بگوید یا قَاهِرُ يَا قَهَّارُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ اَنْتَ الَّذِي لَا يُطَاقُ انْتِقَامُهُ و بعد از آن بر دشمن نفرین کند خدای تعالی آن دشمن را بقهر خود بگیرد ابن طاوس در کتاب اقبال خود گفته کسیکه از ظالم خود ترسد در اول روز از ذی الحجة الحرام بگوید حَسْبِي حَسْبِي حَسْبِي مِنْ سُؤَالِي عِلْمُكَ بِحَالِي شر دشمن او کفایت می شود انشاء الله تعالی و نعمانی در کتاب دفع الهموم و الاحزان از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که آنحضرت فرمود هر کسیکه ظلم کرده باشند و ظالم از ظلم بر نگردد از آن ظلم باید که آن مظلوم ابتدا بر خود بریزد و وضوء کامل بسازد و دو رکعت نماز کند و بعد از آن بگوید اللّٰهُمَّ اِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ ظَلَمَنِي وَاعْتَدَى عَلَيَّ وَنَصَبَ لِي وَاَمَضَّنِي وَاَرْمَضَنِي وَاَذَلَّنِي وَاَخْلَقَنِي اَللّٰهُمَّ فَكِلْهُ

صلّ علی محمّد و آل محمّد واجعلنی لانعمک من الشاکرین ولآلائک من الذاکرین الهی و سیّدی وکم من عبد امسی واصبح مغلولاً مکبّلاً بالحدید بایدی العداة لا یرحمونه فقیداً من اهله وولده منقطعاً عن اخوانه وبلده یتوقّع کلّ ساعة بایّة قتلة یقتل وبایّ مثلة یمثّل به وانا فی عافیة من ذلک کلّه فلک الحمد یا ربّ من مقتدر لا یغلب وذی اناة لا یعجل صلّ علی محمّد و آل محمّد واجعلنی لانعمک من الشاکرین ولآلائک من الذاکرین الهی وسیّدی وکم من عبد امسی واصبح یقاسی الحرب ومباشرة القتال بنفسه قد غشیته الاعداء من کلّ جانب بالسیوف والرماح وآلة الحرب یتقعقع فی الحدید مبلغ مجهوده ولا یعرف حیلة ولا یهتدی سبیلاً ولا یجد مهرباً قد اذنف بالجراحات او متشحّطا بدمه تحت السنابک والارجل

اِلَى نَفْسِهِ وَهُدَّ رُكْنَهُ وَعَجِّلْ جَائِحَتَهُ وَاَسْلُبْهُ نِعْمَتَكَ عِنْدَهُ وَاقْطَعْ رِزْقَهُ وَابْتُرْ عُمْرَهُ وَامْحُ اَثَرَهُ وَسَلِّطْ عَلَيْهِ عَدُوَّهُ وَخُذْهُ فِي مَأْمَنِهِ كَمَا ظَلَمَنِي وَاعْتَدَى عَلَيَّ وَنَصَبَ لِي وَاَمَضَّنِي وَاَرْمَضَنِي وَاَذَلَّنِي وَاَخْلَقَنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَعِيذُ بِكَ عَلَى فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ فَاَعِذْنِي فَاِنَّكَ اَشَدُّ بَأْسًا وَاَشَدُّ تَنْكِيلًا پس بدرستیکه مهلت داده نمیشود که سه بار این فعل را بجا آورد یعنی فی الحال آن ظالم هلاک می شود و کفعمی نماز استعدا یعنی نماز بکه برای هلاک عدو میباید کرد از حضرت صادق ع روایت کرده که فرمود از برای دفع عدو دو رکعت نماز کن و رکوع و سجود را در آن دراز کن و بعد از سلام روی خود را بر زمین گذار و بگوی یا رَبَّاهُ یا رَبَّاهُ چندانکه نفس تو منقطع گردد پس بگوی یا مَنْ اَهْلَكَ عَادًا الْاُولَى وَثَمُودَ فَمَا اَبْقَى وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ اِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ اَظْلَمَ وَاَطْغَى وَالْمُؤْتَفِكَةَ اَهْوَى فَغَشَّيهَا مَا غَشَّى اِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ ظَالِمٌ فِيمَا ارْتَكَبَنِي بِهِ فَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَعْدًا وَلَا تَجْعَلْ لَهُ فِي حِلْمِكَ نَصِيبًا يَا اَقْرَبَ الْاَقْرَبِينَ وایضا از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که هر کسیکه ستم شده باشد باید که وضوء بسازد و دو رکعت نماز کند و رکوع و سجود او دراز کند و چون سلام دهد هزار بار بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ پس بدرستیکه در آن زودی نصرت یابد بر دشمن و ابن طاوس در کتاب درع ذکر کرده است که کسیکه خواهد که حق تعالی دشمن او را کفایت کند باید که صبر کند تا شب اول ماه و چون شب اول ماه شود نگاه بماه کند و دست خود را بکشد بسوی خانه دشمن و سه بار گوید اَيَوَدُّ اَحَدُكُمْ اَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَاَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَاَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَاَصَابَهَا اِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ و سه بار بگوید اَللّٰهُمَّ طُمَّهُ بِالْبَلَاءِ طَمًّا وَغُمَّهُ بِالْبَلَاءِ غَمًّا وَارْمِهِ بِحِجَارَةٍ مِنْ

یتمنّی شربة من ماء او نظرة الی اهله وولده ولا یقدر علیها وانا فی عافیة من ذلک کلّه فلک الحمد یا ربّ من مقتدر لا یغلب وذی اناة لا یعجل صلّ علی محمّد وآل محمّد واجعلنی لانعمک من الشاکرین ولآلائک من الذاکرین الهی وکم من عبد امسی واصبح فی ظلمات البحار وعواصف الریاح والاهوال والامواج یتوقّع الغرق والهلاک لا یقدر علی حیلة او مبتلی بصاعقة او هدم او غرق او شرق او حرق او خسف او مسخ او قذف وانا فی عافیة من ذلک کلّه فلک الحمد یا ربّ من مقتدر لا یغلب وذی اناة لا یعجل صلّ علی محمّد وآل محمّد واجعلنی لانعمک من الشاکرین ولآلائک من الذاکرین الهی وکم من عبد امسی واصبح مسافراً شاخصاً عن اهله وولده متحیّراً فی المفاوز تائهاً مع الوحوش والبهائم

سجیل وطیراً ابابیل یا علی یا عظیم و در هر بار اشارت کند بجانب دشمن که شر او کفایت
شود ان شاء الله تعالی در اول ماه این عمل را بجا آورد اگر در ماه اول نفع کرد فبها و الا در ماه
دویم این عمل را بجا آورد و اگر نفع نکند در ماه سیم نفع می کند ان شاء الله تعالی و شیخ سهروردی در
کتاب دعوات خود ذکر کرده است که کسیکه خواهد دشمن او را خدا تعالی هلاک کند
سه روز روزه بدارد و هر روز پانصد مرتبه بگوید یا جبار المذلل کل شیء بقهر
عزیز سلطانه و در نسخه دیگر مذکور است که این اسم را در مدت یکماه هر روز سیصد
مرتبه بخواند خداوند عالم پیش از تمام شدن ماه دشمن او را تمام کند و کسیکه از ظالمی ترسد
قبل از ملاقات او هزار مرتبه این اسم را بگوید از شر او ایمن میشود و ابن طاوس در مهج خود
ذکر کرده که حضرت هادی متوکل را هلاک نمود بدعای سیفی که او را دعای یمنی نیز
گویند و ما ان شاء الله در ابواب دعاهای معروف ذکر خواهیم کرد او را با دو قصه او

باب هفدهم

در حجابها و عوذه ها و هیاکل اما حجابها را ابن طاوس در مهج خود بتفصیل ذکر کرده و ان حجابها در
حجب است که پیغمبر و ائمه علیهم السلام بانها احتجاب میکردند از کسیکه اراده می کرد با ایشان
اذیتی برساند و ما دو حجاب او را در این مختصر بر سبیل نمونه ذکر میکنیم یکی از اول و یکی
از آخر حجاب خاتم انبیاء که از آنحضرت روایت شده وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً
أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا
عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا اللَّهُمَّ بِمَا وَارَتِ الْحُجُبُ مِنْ جَلَالِكَ وَجَمَالِكَ وَبِمَا أَطَافَ
بِهِ الْعَرْشُ مِنْ بَهَاءِ كَمَالِكَ وَبِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَبِمَا تُحِيطُ بِهِ قُدْرَتُكَ
مِنْ مَلَكُوتِ سُلْطَانِكَ اللَّهُمَّ لَا رَادَّ لِأَمْرِهِ وَلَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ اضْرِبْ بَيْنِي وَبَيْنَ
أَعْدَائِي بِسِتْرِكَ الَّذِي لَا تُمَزِّقُهُ عَوَاصِفُ الرِّيَاحِ وَلَا تَقْطَعُهُ بَوَاتِرُ
الصِّفَاحِ وَلَا تَنْفُذُ فِيهِ عَوَامِلُ الرِّمَاحِ وَحُلْ يَا شَدِيدَ الْبَطْشِ بَيْنِي وَبَيْنَ

والهواجر ۱
وبعيداً قريباً لا يعرف حيلة
ولا يهتدي سبيلاً او مناذياً
بسم او حر او جوع او عطش او عري
او غيره من الشدائد مما انا منه
خلو وانا في عافية من ذلك كله
فلك الحمد يا رب من مقتدر لا
يغلب وذي اناة لا يعجل صل على
محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من
الشاكرين ولآلائك من
الذاكرين الهي وكم من عبد
امسى واصبح فقيراً عائلاً عارياً
مملقاً مخفقاً مجهوداً خائفاً جائعاً
ظمآناً ينتظر من يعود عليه بفضل
او عبد وجيه هو اوجه مني عندك
واشد عبادة لك مغلولاً مقهوراً
قد حمل ثقلاً من تعب العناء و
شدة العبودية وكلفة الرق
وثقل الضريبة او مبتلى ببلاء
شديد لا قبل له به الا بمنك
عليه وانا المخدوم المنعم المعافى
المكرم في عافية مما هو فيه
فلك الحمد يا رب

مَنْ يَرْمِينِي بِخَوَافِقِهِ وَبَيْنَ مَنْ تَسْرِي إِلَيَّ طَوَارِقُهُ وَفَرِّجْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ
يَا فَارِجَ هَمِّ يَعْقُوبَ فَرِّجْ هَمِّي يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ اكْشِفْ ضُرِّي
وَاغْلِبْ لِي مَنْ غَالَبَنِي يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ
لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا فَأَيَّدْنَا
الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ حجاب آخر از حضرت صاحب الامر علیه السلام
وان ابیت اللَّهُمَّ احْجُبْنِي عَنْ عُيُونِ أَعْدَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي وَأَنْجِزْ
لِي مَا وَعَدْتَنِي وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي إِلَى أَنْ تَأْذَنَ لِي فِي ظُهُورِي وَأَحْيِ بِي
مَا دَرَسَ مِنْ فُرُوضِكَ وَسُنَنِكَ وَعَجِّلْ فَرَجِي وَسَهِّلْ مَخْرَجِي وَاجْعَلْ لِي
مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا وَافْتَحْ لِي فَتْحًا مُبِينًا وَاهْدِنِي صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
وَقِنِي شَرَّ مَا أَحْذَرُهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَاحْجُبْنِي عَنْ أَعْيُنِ الْبَاغِضِينَ النَّاصِبِينَ
الْعَدَاوَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَلَا تُصِلْ مِنْهُمْ إِلَى أَحَدٍ بِسُوءٍ فَإِذَا أَذِنْتَ
فِي ظُهُورِي فَأَيِّدْنِي بِجُنُودِكَ وَاجْعَلْ مَنْ يَتْبَعُنِي لِنُصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيَّدِينَ
وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ وَعَلَى مَنْ أَرَادَنِي وَأَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنْصُورِينَ وَ
وَفِّقْنِي لِإِقَامَةِ حُدُودِكَ وَانْصُرْنِي عَلَى مَنْ تَعَدَّى مَحْدُودَكَ وَانْصُرِ الْحَقَّ وَ
أَزْهِقِ الْبَاطِلَ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا وَأَوْرِدْ عَلَيَّ مِنْ شِيعَتِي وَأَنْصَارِي مَنْ
تَقَرُّ بِهِمُ الْعَيْنُ وَتَشْتَدُّ بِهِمُ الْأَزْرُ وَاجْعَلْهُمْ فِي حِرْزِكَ وَأَمْنِكَ وَكَنَفِكَ
وَحِفْظِكَ وَعِيَاذِكَ وَسِتْرِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ واما عوذها
بسیار است و عدد انها محصور نیست بعضی از انها در تعقیبات گذشت و در وقت
خواب و عوذه سفر نیز در باب خود ان شاء الله خواهد آمد و اما عوذها در این مقام غالبا
بجهة چشم بد است زیرا که شکی نیست که چشم بد را تاثیر است چنانچه از حضرت پیغمبر مرویست که

من مقتدر لا يغلب
وذي اناة لا يعجل صل على محمد و
آل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين
ولآلائك من الذاكرين الهي ومولاي
وسيدي وكم من عبد امسى واصبح
شديداً مريضاً متحيراً جائعاً خائفاً
في الصحاري والبراري قد احرقه
الحر والبرد وهو في ضر من العيش
وضنك من الحيوة وذل من المقام
ينظر الى نفسه حسرة لا يقدر لها
على ضر ولا نفع وانا خلو من ذلك
كله بجودك وكرمك فلا اله الا انت
سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي
اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد
واجعلني لانعمك من الشاكرين و
لآلائك من الذاكرين وارحمني
برحمتك يا ارحم الراحمين مولاي
وسيدي وكم من عبد امسى
واصبح عليلاً مريضاً سقيماً
مدنفاً على فرش العلة وفي لباسها
يتقلب يميناً وشمالاً لا يعرف شيئاً
من لذة الطعام ولا من لذة الشراب
ينظر الى نفسه

فرمود چشم بد حق است و اثر می کند و چشم بد داخل شتر و گاو و غیر آنها میشود در کتب غره مذکور
شده که مرد چشم زننده نظرش بمرد سواره افتاد گفت چه خوب سوار بیست مقارن
این گفتن آن مرد از اسب افتاد و هر دو مردند و از اصمعی منقولست که نزد ما دو مرد
چشم زننده بودند یکی از آن دو مرد را عبور افتاد بر حوضی که از سنگ تراشیده بودند
گفت بخدا قسم مثل این چیزی ندیده ام فی الحال آن حوض دو پاره شد پس آهن آب کرده
در شکاف آن ریختند باز دیدم بر او گذشت گفت گویا این حوض شکسته است فی الحال
آن حوض دو پاره شد و هر پاره بجائی پرید چشم زننده دیدم عقب دیواری صدای بول را
شنید پرسید که صدای شیر است می دوشند گفت چه شیر بسیاری میدهد این گاو با و گفتند
پسر تو است که بول میکند گفت آه که پشت او منقطع شد والله که بعد از این بول نخواهد
کرد در همان ساعت و این مطلب از واضحات است و در حدیث وارد شده است که چشم کشنده است
پس از هر چشم کشنده استعانت بخدا جوئید و در کتاب زبدة البیان مذکور است که یعقوب
ترسید بر پسران خود از چشم بد بواسطه آنکه صاحب جمال بودند لهذا گفت ای پسران
من از یک در داخل مصر مشوید بلکه از ابواب متفرقه داخل شوید که شما را چشم نکنند و در
بنی اسد مردی بود چشم زن که سه روز گرسنگی میخورد و بعد از آن بهر چیزی که می
گذشت و میگفت مثل این چیزی ندیده ام آن چیز هلاک می شد آن مرد را چیزی بسیار
دادند که حضرت پیغمبر را چشم کند خدای تعالی آنحضرت را نگاه داشت و این آیه وان یکاد
الذین کفروا لیزلقونک تا آخر آیه فرستاد و معنی لیزلقونک اینست که میخواهند
ترا بچشم هلاک کنند لهذا بجهت رفع چشم بد چند تعویذ ذکر میشود از آنجمله عوذه ایست
که شیخ طبرسی در مجمع البیان ذکر کرده است که پیغمبر ص حضرت حسین ع بآن تعویذ
فرمود از چشم بد و حضرت موسی ع دو پسر هرون را بآن تعویذ فرموده است و آن عوذه

حسرة لا یستطیع لها ضرًّا ولا نفعًا وانا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا یغلب وذی اناة لا یعجل صلّ علی محمد وآل محمد واجعلنی لک من العابدین ولنعمائک من الشاکرین ولآلائک من الذاکرین وارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین مولای وسیدی وکم من عبد امسی واصبح قد دنا یومه من حتفه وقد احدق به ملک الموت فی اعوانه یعالج سکرات الموت وحیاضه تدور عیناه یمینا وشمالا ینظر الی احبائه واودائه واخلائه وقد منع من الکلام وحجب عن الخطاب ینظر الی نفسه حسرة فلا یستطیع لها ضرا ولا نفعا وانا خلو من ذلک کله بجودک وکرمک فلا اله الا انت سبحانک من مقتدر لا یغلب وذی اناة لا یعجل صلّ علی محمد وآل محمد واجعلنی لک من

از حضرت صادق ع روایت شده است و آن اینست که اعیذ نفسی وذریتی واهل
بیتی بکلمات الله التامة من شر کل شیطان وهامة ومن کل عین لامة
و عبد الکریم سمعانی در کتاب خود ذکر کرده که جبرئیل ع بر پیغمبر ص نازل شد آن
حضرت را غمناک دید از سبب آن پرسید آنحضرت فرمود که حسنین چشم بدی رسیده
جبرئیل ع گفت یا محمد ص اصلا چشم حق است ایشانرا باین عوذه تعویذ کن اللهم یا ذا
السلطان العظیم والمن القدیم ذا الوجه الکریم ذا الکلمات التامات و
الدعوات المستجابات عاف الحسن والحسین من انفس الجن واعین الانس و طبرسی
در کتاب مکارم الاخلاق از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده که آنحضرت فرمود
اصابه عین حق است و ایمن مباش از چشم بد بر نفس خود و از چشم خود نیز ایمن مباش
بر غیر خود پس هرگاه از چشم بد ترسی سی بار بگوی ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی
العظیم و شیخ طبرسی در جوامع خود از پیغمبر صلی الله علیه واله روایت کرده است که هرگاه
چیزی را ببینی که خوش آید ترا بگوی الله الله ما شاء الله لا قوة الا بالله که ضرری بآن
چیز نمیرسد و از حضرت صادق ع مرویست که هرگاه یکی از شماها بهیئت خوبی آراسته
شود و رخت خوب بپوشد در وقتی که از خانه خود بیرون میاید سوره قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را بخواند هیچ چیز باو ضرر نرساند باذن الله تعالی
و در کتاب زبدة البیان مذکور است که جبرئیل ع باین افسون کرد پیغمبر را از برای اصابه
عین بسم الله ارقیک من کل عین حاسد و در جوامع الجامع از حسن نقل کرده که
او گفت دوای اصابه عین خواندن این آیه و ان یکاد است و کفعمی گفته که بخط مؤید الدین
ابن علقمی وزیر مسطور است که تعویذ چشم بد این است که بسم الله العظیم الشان القوی
السلطان القوی الارکان حبس حابس وحجر یابس وشهاب قابس ولیل دامس وماء

العابدین ولنعمائک من الشاکرین وارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین مولای وسیدی وکم من عبد امسی واصبح فی مضائق الحبوس والسجون وکربها وذلها وحدیدها یتداوله اعوانها وزبانیتها فلا یدری ای حال یفعل به وای مثلة یمثل به فهو فی ضر من العیش وضنک من الحیوة ینظر الی نفسه حسرة لا یستطیع لها ضرا ولا نفعا وانا خلو من ذلک کله بجودک وکرمک فلا اله الا انت سبحانک من مقتدر لا یغلب وذی اناة لا یعجل صل علی محمد وآل محمد واجعلنی لک من العابدین ولنعمائک من الشاکرین وارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین مولای وسیدی وکم من عبد امسی واصبح قد استمر علیه القضاء واحدق به البلاء وفارق اولیاءه واحباءه واخلاءه وامسی حقیرا اسیرا ذلیلا فی ایدی الکفار والاعداء یتداولونه یمینا وشمالا

قادرٌ فی عین العاین وفی احبّ الخلق الیه وفی کبده وکلیتیه فارجع البصر هل
تری من فطورٍ ثمّ ارجع البصر کرّتین ینقلب الیک البصر خاسئاً وهو حسیر
ایضاً بر تخم نوشته بر میان دو پای انسان و در میان دو چشم حیوان نظر رسیده برزمین
زند این تعویذ را شفا یابد و ایضاً بر تخم مرغ نوشته و بعقبله بر میان پیشانی بشکند
که دفع شود بسم البنوّة استتر بانبیاء الله من سلطانه الفراعنه جبرئیل عن یمینی و
میکائیل عن یساری واسرافیل عن ورائی ومحمّد صلی الله علیه وآله امامی والله
مطلع علیّ یمنعک منی ویمنع الشیطان عنی اللهمّ لا یغلب جهله اناتک ان یستفزنی
ویستخفنی اللهمّ الیک الجاث اللهم الیک الجاث جهة نظربندی بنویسد بر تخم
مرغ و بر صاحب نظر گذارد و دست از تخم بردارد و در وقت دست برداشتن از تخم
این اسم را هفت مرتبه بخواند بسم الله علی الاسم العاین و حروفی که بر تخم باید نوشت اینست
جاعب محجعت جحجعت بجعت بعلعب اعج عجاعاع اجعب جعا جعبا جعبا
عیاج ناجع جباع ناجع اعجب عجبا ایضاً بجهة چشم زخم مجرّبست بنویس بر تخم مرغ و
در میان چهار پای حیوان نگاه داشته واگر انسان باشد در میان دو چشم او و بگوید
بسم الله و بالله وعلی اسم العاین و تخم را بیندازد و بر تخم این را باید نوشت حاعب
فجعجعت بجعجعت انفلقت کذلک عین العاین اما عوذه که از حشرات الارض
نگاه میدارد در کتاب طب الائمه مذکور است اینست بسم الله الرّحمن الرّحیم بسم الله
وبالله محمّد رسول الله اعوذ بعزّة الله واعوذ بقدرة الله علی ما یشاء
من شرّ کلّ هامّةٍ تدبّ باللیل والنّهار انّ ربّی علی صراطٍ مستقیم و در کتاب
توسل ابن ابی الدنیا مذکور است که کسیکه از هوام واز عقارب بترسد هر صباح و
شام گوید وما لنا الّا نتوکّل علی الله وقد هدینا سبلنا ولنصبرنّ علی ما آذیتمونا

قد جمل فی
الصّیر و ثقل یا الحدید لا یری
من ضیاء الدّنیا ولا من روحها
ینظر الی نفسه حسرة لا یستطیع
لها ضرّاً ولا نفعاً وانا خلو من ذلک
کلّه بجودک وکرمک فلا اله الّا انت
سبحانک من مقتدرٍ لا یغلب وذی
اناةٍ لا یعجل صلّ علی محمّدٍ وآل محمّدٍ
واجعلنی لک من العابدین ولنعمائک
من الشاکرین وارحمنی برحمتک
یا ارحم الرّاحمین مولای وسیّدی
وکم من عبدٍ امسی واصبح قد
اشتاق الی الدّنیا للرّغبة فیها
الی ان خاطر بنفسه وماله حرصاً
منه علیها قد رکب الفلک و
کسرت به وهو فی آفاق البحار و
ظلمها ینظر الی نفسه حسرة لا
یقدر لها علی ضرٍّ ولا نفعٍ وانا خلو
من ذلک کلّه بجودک وکرمک
فلا اله الّا انت سبحانک من
مقتدرٍ لا یغلب وذی اناةٍ لا
یعجل صلّ علی محمّدٍ وآل محمّدٍ و
اجعلنی لک من

وعلی الله فلیتوکّل المتوکّلون در مسند احمد بن حنبل مذکور است که پیغمبر بمرد یکه او را
عقرب گزیده بود گفت که در وقت شام اگر میگفتی اعوذ بکلمات الله التّامّات
من شرّ ما خلق بتو ضرر نمیرسانید در کتاب حیوة الحیوان مذکور است که سه بار باید
خواند و در فوائد قطبی مذکور است که در وقت غیبوبهٔ آفتاب این کلمات را بگوید و
در کتاب حیوة الحیوان مذکور است که کسیکه در وقت شام و در وقت صبح بگوید بسم الله
الّذی لا یضرّ مع اسمه شیءٌ فی الارض ولا فی السّماء وهو السّمیع العلیم چیزی باو
ضرر نرساند یا آنکه بگوید در هر شب سلامٌ علی نوحٍ فی العالمین انّا کذلک نجزی
المحسنین انّه من عبادنا المؤمنین در آنشب مار و عقرب باو ضرر نرساند و در مکارم
الاخلاق از حضرت امام محمّد باقر روایت کرده که آنحضرت فرمود کسیکه این عوذه را در
شام بخواند من ضامن اویم که تا صباح عقرب و حشرات الارض باو ضرر نرساند و آن
عوذه این است که اعوذ بکلمات الله التّامّات الّتی لا یجاوزهنّ برٌّ ولا فاجرٌ من شرّ
ما ذرأ وبرأ ومن شرّ کلّ دابّةٍ ربّی آخذٌ بناصیتها انّ ربّی علی صراطٍ مستقیم
تتمه در روایت وارد شده است که پیغمبر را در اثنای نماز عقربی گزید چون از نماز
فارغ شد نعل خود را برداشت و آن عقرب را بقتل آورد و بعد از آن فرمود آب و نمک
حاضر کردند و بر گزیدهٔ عقرب مالید و سوره توحید و معوذتین را خواند بدانکه از
خواص سها آنست که کسیکه او را در شب به بیند در آن شب ایمن می شود از عقرب و سها
ستاره کوچکی است که در میان بنات النعش کبری میباشد و شیخ ابو علی سینا در باب سها
این دو بیت را گفته فمن رأی عشیة نجم السّها لم تدن منه عقربٌ بمسّها کلّا
ولا یدنوا الیه سارقٌ فی سفرٍ ولا بسوءٍ طارقٌ یعنی کسیکه در وقت شام ستاره
سها را به بیند عقرب به نزدیک او نمی آید و مس او نمیکند و از دزد ایمن میشود در سفر

العابدین ولنعمائک
من الشاکرین ولآلائک من الذّاکرین وارحمنی برحمتک یا ارحم
الرّاحمین مولای وسیّدی و
کم من عبدٍ امسی واصبح قد
استمرّ علیه القضاء واحدق
به البلاء والکفّار والاعداء و
اخذته الرّماح والسّیوف و
السّهام وجدّل صریعاً وقد شرب
الارض من دمه واکلت السّباع
والطّیر من لحمه وانا خلو من ذلک
کلّه بجودک وکرمک بلا
استحقاقٍ منّی یا لا اله الّا انت
سبحانک من مقتدرٍ لا یغلب و
ذی اناةٍ لا یعجل صلّ علی محمّدٍ و
آل محمّدٍ واجعلنی لنعمائک من
الشاکرین ولآلائک من الذّاکرین
وارحمنی برحمتک یا ارحم الرّاحمین
وعزّتک یا کریم لاطلبنّ ممّا
لدیک ولالحّنّ علیک
ولامدّنّ یدی
الیک مع جرمها الیک فبمن اعوذ یا
ومن الوذ لا احد

وکسیکه شب سر او آید بدی باو نتواند رسانید و بعضی از خواص حروف که مذکور می شود اینست
که کسیکه طاهر باشد و روی بقبله از حروف مفرده در کاغذی سفید پنج بار بنویسد
و باب بشوید و ابی راکه از حروف بان شسته است بکسی دهد که عقرب او را
گزیده است شفا می یابد و آن حروف مبارکه اینست بحو درمود رهو هوف
مطوف م کلم و بعضی از اهل علم در فواید این حروف این ابیات را گفته اند بحو درهو مع هو مطوف
ومیم وکلم والجمیع بلا نقط وواوتها طمس کذا المیم اطمس وهاتها والطاء مبتر
الوسط وکلم فلا تطمس للمیم واحتفظ من الزیغ فیها لا تعلها لسقط فذلك
للملسوع فیها شفاؤه اذا کتبت فی طرس مبیض النمط علی طهر مستقبل القبلة التی تحج
الیها العرب والعجم والنبط وتغسل بالماء القراح وتشرب الرسول فیبرء ان کتبها بلا
کاتبها فیما روینا للنثر واثنین استادی اخفاها اشترط ماحصل این ابیات اینست
که این حروف مجموع بی نقطه می باید نوشت و میان واو و میم را در نوشتن پر باید
کرد و میان جیم ها و طا را گشاده بگذارند و با طهارت روی بقبله در کاغذ
سفیدی بنویسند و باب خالص بشویند و بخورد عقرب و مار گزیده دهند و در
نوشتن باید که غلط نکنند و استاد من گفته است که انرا از مردم مخفی دارید و بهر کس
میاموزید و در بسیاری از کتب علمای امامیه دیده ام که اگر کسی در جمعه آخر ماه
رمضان این شکل را بنویسد و برای هر دردی که باشد انرا بشوید و اب انرا بصاحب
درد بدهد که بخورد شفا یابد باذن الله تعالی و ان شکل اینست که بسم الله الرحمن
الرحیم لا اله الا الله الاول یا الله محیط به علمك لتع س ل ه ون و بالحق انزلناه و بالحق
نزل وما ارسلناك الا رحمة للعالمین اباتراب اباتراب اباتراب و سلطان نقبا
علاء الملك الماضی این شکل را باین ترتیب نقل کرده از خط امیر المؤمنین و از خط او

الا انت افتقری انت معولی وعلیك متکلی اسئلك باسمك الذی وضعته علی السماء فاستقلت وعلی الارض فاستقرت وعلی الجبال فرست وعلی اللیل فاظلم وعلی النهار فاستنار ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تقضی لی حوائجی وتغفر لی ذنوبی کلها صغیرها وکبیرها ما مضی منها وما یاتی منها وتوسع علی من الرزق ما تبلغنی به شرف الدنیا والآخرة یا ارحم الراحمین مولای بك استغثت وبك استجرت فصل علی محمد وآل محمد واغننی بطاعتك عن طاعة عبادك وبمسئلتك عن مسئلة خلقك وانقلنی من ذل الفقر الی عز الغنی ومن ذل المعاصی الی عز الطاعة فقد فضلتنی علی کثیر من خلقك جودا منك وکرما لا باستحقاق منی یا الله لا اله الا انت

نقل کرده است حسام الدین منجم بلخی و از خط او نقل کرده است شمس الدین بدخشی و از خط او
نقل کرده حکیم فاضل مجد الدین خاطی و از خط او نقل کرده است شمس الدین محمد بخاری
و از خط او کفعمی می گوید که من نقل کردم و از او شنیدم باین طریق ولا ۸ ااا ۱ ه م
به لا والله و در کتب بعضی از امامیه دیده ام بواسطه بادی که در بدن بهم رسد
بواسطه قولنج این شکل را در کف دست چپ نویسند که نفع عظیم دارد و آن شکل اینست
ooooo ـــ ✕ ءءءءءءءوه ملا و بعضی از علما این شکل را باین طریق از ائمه علیهم السلم
نقل نموده اند خمس هاءات وخط فوق خط وصلیب فوقه اربع نقط وهمزات اذا
اذا اعددتها وهی سبع لم تجد فیها غلط ثم واو ثم هاء بعدها ثم صاد ثم میم فی الوسط
ثم فی آخرها ان تهتدی نعت حرف شکله شکل المنقط تلك اسماء عظیم قدرها
فاحتفظ فیها وایاك والغلط تشفی الاسقام والداء التی عجزت عنها الاطبا النبط
فیها یدفع عن حاملها کل سحر وبلاء وسخط یعنی این شکل را باید باین طریق نوشت
که اول باید پنج ها باین طریق نوشت ooooo و بعد از ان خطی بالای خط بکشند باین صورت
= و بعد از ان صلیبی بکشند و در دور ان چهار نقطه بگذارند باین قسم ✕ و بعد از ان
۷ همزه بنویسند چنین ءءءءءءء بعد از ان یك واو و یك ها بنویسند چنین وه
بعد از ان صادی بنویسند در وسط ان هم چنین صم و در آخر ان صلیبی دیگر بنویسند
بشکل مقراض ملا و اینها که مذکور شدند اسماء بزرگ خدای تعالی است پس خوب حفظ
کن اینها را و غلط در نوشتن مکن که هر دردی را که اطباء حاذق از معالجه او عاجز شدند شفا
میدهند و از حامل خود دفع میکند هر سحر و بلا و غضب را در اینجا چند فایده است از
انجمله در کتاب العین المبصره کفعمی مذکور است که هرگاه کسی را عقرب گزیده باشند گو
گوسفند را می باید سوخت تا خاکستر شود و آن خاکستر را باب رزه بخورد او میباید داد که

فلك الحمد علی ذلك کله صل علی محمد وآل محمد واجعلنی لنعمائك من الشاکرین ولآلائك من الذاکرین وارحمنی برحمتك یا ارحم الراحمین

شرح دعای مشلول

روایت است از حضرت ابی عبدالله الحسین که آنحضرت فرمود که شبی با پدر خود امیر المؤمنین علی بن ابی طالب در طواف بودیم و شبی تاریک و خلوت شده بود و مسجد از طواف کنندگان و زایران در خواب بودند شنیدند که شخصی استغاثه میکرد و بنا بجد آمیکرد و دعا و از خدا عز وجل طلب رحمت میکرد و این ابیات را میخواند یا من یجیب دعا المضطر فی الظلم یا کاشف الضر والبلوی مع السقم قد نام وفدك حول البیت وانتبهوا یدعو وعینك یا قیوم لم تنم تا آخر حضرت امام حسین فرمود که پدرم گفت که یا اباعبدالله شنیدی آواز این شخص را که بجد استغاثه میکند گفتم بلی شنیدم گفت او را بیاب اگر پیش مرد در تاریکی شب جستجو میکردم در میان خفتگان و ایستادگان فتنکی دیدم ... السلام علیك ای بنده بگناه خود مقر و معترف و حاجات گزار عم رسول الله

ببا شامد و بان خاکستر محل گزیده شده را ضماد باید کرد تا شفا می یابد انشاء الله تعالی و هم چنین هرگاه از عقرب را بکوبند و موضع گزیده شده را بان ضماد نمایند یا انموضع را بسفیداب یا مگس یا دانه سپند یا انجیر خام یا بار دخلبه و سرکه یا سبر بسبتانی یا به پیاز ضماد نمایند نفع دهد و کسیکه که تخم خورده باشد و عقرب باو وا بگزد در همان روز یا در همان شب بمیرد و کسیکه در زیر جامه خود جوز به بندد عقرب باو ضرر نرساند و در کتاب مفتاح الرمز مذکور است که هرگاه خرقه کرمی با نجا بندند یا باتش نزدیک سازند نفع می دهد و هم چنین اگر نقره را بان موضع گذارند یا انموضع را بفلفل و زیت طلا کنند یا پاره از نمک سایده را کف کند و در کتاب عجایب المخلوقات مذکور است که کسیکه چیزی از ریشه درخت زیتون را بر موضع گزیده شده عقرب به بندد در همان ساعت درد او ساکن شود و در قرابادین مذکور است که کسیکه قلی دنکر زاترا ساید و با سیر بموضع گزیده شده ضماد نماید درد ان ساکن شود و در لفظ الفوائد مذکور است که هرگاه کسی را عقرب بگزد ربع یک درهم از نشادر بگیرد در زیت حل کرده باشند بیاشامد از ان درد خلاص یابد و مفید گفته است که اب نشادر را هرگاه بیاشامند از گزیدن مار و عقرب نفع دهد و هم چنین هرگاه دو مثقال حب ترنجا و هم چنین هرگاه دو مثقال حب ترنج بخورد نفع دهد و اگر سیر را بسوزانند و بر موضع گزیدن مار بندند درد ان ساکن شود و شیخ ابو علی سینا گفته است که در نشادر طبیعتی هست که افعیها و حشرات الارض را می کشد و یکمثقال اب نشادر و یک مثقال سرگین گاو را بیاشامد مسمومی را که اهل او از حیاتش نا امید شده باشند از مرگ خلاص می کند و در کتاب تذکره مفید مذکور است که هرگاه سبوس گندم را با سرکه بر لسع مار ضماد کنند یا خاکستر تاک را با سرکه یا برگ درخت امرود را یا کندنا یا قطران را با نمک امیخته بران ضماد کنند نفع دهد و هم چنین جوز را در گندم

و هم چنین خوردن تخم مرغ که زردی ان و سفیدی بیکدیگر امیخته باشند و نمک بران پاشند و گرم بخورند و خوردن کبد و ترب نفع می کند و کسیکه خاتم فیروزج در دست کرده باشد از گزیدن مار و عقرب ایمن می شود و عصاره اس درخت سبز را هرگاه در پارچه کتان نازکی گذارند و موضعی را که رتیلا گزیده است بان ضماد نمایند نفع دهد و هم چنین حب اس و برگ ان نیز این نفع دهد و هم چنین سنگل کو سفند را بسوزانند و با سرکه خمیر کنند و بران موضع ضماد کنند و گزیدن زنبور و زرنط و زنبور عسل سرگین گاو را که ضماد کنند نفع دهد یا مگس را بان موضع بمالند یا زیره را بانموضع طلا کنند یا سر درخت خرما را ضماد کنند یا بخورند یا نمک و سرکه را بان ضماد کنند یا عسل و کافور را ضماد کنند یا سنبل بر دارند انجا مالند نفع کند و کنه را بکوبند و بران موضع مالند نیز نفع کند و اگر کسی موضع گزیده شده زنبور را از سوزن بشکافند و خوب بمکد و بعد از ان گل و سرکه یا کافور و سرکه بران بمالند نفع دهد

باب ۱۸ در ایمن بودن از سحر و شیاطین و سلاطین سرکش و دفع خوف خائفان اما برای امن از سحر بگوید قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنتُم مُّلْقُونَ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ لَهُم مُوسَىٰ مَا جِئْتُم بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنثُورًا بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ وَلَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِندَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ و در مصباح الائمه مذکور است بجهة دفع سحر چون از نماز شب فارغ شود نزدیک بوقت سحر هفت بار بگوید بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ سَنَشُدُّ

عضدك باخيك ونجعل لكما سلطانا فلا يصلون اليكما باياتنا انتما ومن
اتبعكما الغالبون در ادعیه سر هند کور است اگر خدای تعالی فرمود ای محمد سحر همیشه بوده
وان ضرر نمی کند مگر باذن من پس کسیکه خواهد از سحر بعافیت باشد باید بگوید اللهم
رب موسى وخاصته كلامه وهازم من كاده بسحره بعصاه ومعيدها بعد العود
ثعبانا وملقفها افك اهل الافك ومفسد عمل الساحرين ومبطل كيد
اهل الفساد من كادني بسحر او بضر عامدا او غير عامد اعلمه او لا اعلمه
او اخافه او لا اخافه فاقطع من اسباب السموات عمله حتى ترجعه عني غير نافذ
ولا ضار لي ولا شامت اني ادرء بعظمتك في نحور الاعداء فكن لي منهم
مدافعا احسن مدافعة واتمها يا كريم پس بدرستی که هر که این دعا را خواند
ضرر نمیرساند باو سحر ساحر جنی و انسی و اما ادعیه که برای دفع شیاطین وارد شده است
از انجمله حرز ابی دجانه است و کمال الدین دمیری از او در کتاب حیوة الحیوان ذکر کرده است
ملخص او انستکه ابو دجانه گفت شکایت کردم بر پیغمبر که من بخیر بکر شبی مرا هول انداخت و
بهیبت نمود و او صدائی بود مثل صدای اسیا از بود عسل و مثل برق میدرخشید
و سایه سیاهی داشت کاهی بلند می شد و کاهی دراز می شد در صحن سرای من پس بر
خواستم و بسوی او رفتم چون دست بسوی او کردم پوست او مثل پوست خارپشت
بود و مثل شراره اتش بجانب من انداخت پس انحضرت فرمود که او عامر خانه تست پس آن
حضرت بحضرت امير المؤمنين ع امر فرمود که آن دعا را بنویسد و بمن دهد پس آن دعا را
اوردم و در زیر سر خود گذاشتم چون بیدار شدم صدای نوحه کننده را شنیدم که
می گفت ای ابو دجانه ما را بجز خود سند کردی دیگر بخانه تو و بموضعی که این کتاب
در او است نمی ایم و آن حرز اینست بسم الله الرحمن الرحیم هذا كتاب محمد رسول الله رب

العالمين

والجبروت يا ملك يا قدوس يا سلام
يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار
يا متكبر يا خالق يا بارئ يا مصور
يا مفيد يا مدبر يا شديد يا مبدئ
يا معيد يا مبيد يا ودود يا محمود
يا معبود يا بعيد يا قريب يا مجيب يا
ودود يا رقيب يا حبيب يا حسيب
يا بديع يا رفيع يا منيع يا سميع يا
عليم يا حكيم يا كريم يا حليم يا قديم
يا على يا عظيم يا حنان يا منان
يا ديان يا مستعان يا جليل يا جميل
يا وكيل يا كفيل يا مقيل يا منيل
يا نبيل يا دليل يا هادي يا بادي
يا اول يا آخر يا ظاهر يا باطن يا قائم
يا دائم يا عالم يا حاكم يا قاضي يا عادل
يا واصل يا فاصل يا طاهر يا مطهر يا
قادر يا مقتدر يا كبير يا متكبر يا واحد
يا احد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن
له كفوا احد يا من لم يكن له صاحبة
ولا كان معه وزير ولا اتخذ معه مشيرا
ولا احتاج الى ظهير ولا كان معه من اله غيره
لا اله الا انت فصل على محمد و آل محمد

رب العالمين الى من طرق الدار من العمار والزوار الا من طارقا يطرق بخير اما بعد
فان لنا ولكم في الحق سعة فان تك عاشقا مولعا او فاجرا مقتحما هذا
كتاب الله ينطق علينا وعليكم بالحق انا كنا نستنسخ ما كنتم تعملون
ورسلنا يكتبون ما تمكرون اتركوا صاحب كتابي هذا وانطلقوا الى
عبدة الاوثان والى من يزعم ان مع الله الها آخر لا اله الا هو كل شيء
هالك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون حم لا ينصرون حمعسق
تفرقت اعداء الله وبلغت حجة الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم وايضا از انحضرت صلى الله عليه
و آله روایت شده که فرمود برای امن از شر جن و انس بگوی بسم الله الرحمن الرحيم
لا اله الا الله عليه توكلت وهو رب العرش العظيم ما شاء الله
كان وما لم يشأ لم يكن اشهد ان الله على كل شيء قدير وان الله قد
احاط بكل شيء علما اللهم اني اعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل دابة
انت اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم و ابن فهد در عده گفته که هر که
در وقت خواب این آیه را بخواند ایمن میشود از شر جن و شیاطین ان ربكم الله
الذي خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يغشي
الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره
الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين و در ادعیه قدسیه مذکور است
که ای محمد هر کسیکه از جن و شیطان ترسد در وقتیکه ترس بر او مستولی شود بگوید
يا الله الا له الاكبر القاهر بقدرته جميع عباده والمطاع لعظمته عند
كل خليقته والممضي مشيته لسابق قدره انت تكلأ ما خلقت بالليل و

فنعال الت علی علوا كبيرا المبين مسالك
يعمل الظالمون علوا كبيرا يا ذابح يا فتاح
يا على يا عالم يا سامح يا ناصر يا
يا نفاح يا مرتاح يا مفرج يا منتقم
منتصر يا مدرك يا مهلك يا طالب يا غالب
يا غث يا وارث يا اول يا تواب يا وهاب
يا من لا يفوته هارب يا مفتح الابواب
يا مسبب الاسباب يا مجيب
يا من حيث ما دعي اجاب يا طهور
يا شكور يا عفو يا غفور يا نور النور
يا مدبر الامور يا لطيف يا خبير
يا مجير يا منير يا بصير يا نصير
يا ظهير يا كبير يا وتر يا فرد يا ابد يا
سند يا صمد يا كافي يا وافي يا معافي
يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل
يا متفضل يا متكرم يا متفرد يا من
علا فقهر يا من بطن فخبر يا من ملك
فقدر يا من عصي فغفر وستر
يا من لا تحويه الفكر يا من لا يدركه
بصر ولا يخفى عليه اثر يا رازق
البشر يا مقدر كل قدر يا عالي المكان
يا شديد الاركان يا مبدل الزمان
يا قابل القربان

با اراب
يا منان
ملك
فقدر
يا من

النهارِ ولا یمنع من اردتَ به سوءً بشیءٍ دونك من ذلك السوء ولا یحول احدٌ دونك بین احدٍ وبین ما تریدُ به من الخیر کلُّ ما یُری وکلُّ ما لا یُری فی قبضتك وجعلت قبائل الجنّ والشیاطین یروننا ولا نراهم وانا لکیدهم خائفٌ فآمنّی من شرّهم وبأسهم بحقّ سلطانك العزیز یا عزیز و بدرستیکه هرگاه این دعا را بخواند هرگز بکروهی از جن و شیاطین باو نرسد ابن طاوس از عبد الله بن مسعود در مهج خود ذکر کرده که حضرت پیغمبر ع قرائت قرآن می کرد که عفریتی از اجنه روی باو آورد و شعله از آتش در دست داشت مقارن این حال جبرئیل بر آنحضرت نازل شد و این عوذه را باو تعلیم کرد و آنحضرت چون این عوذه را خواند آن عفریت برو افتاد و شعله آتشی که در دست او بود خاموش شد و آن عوذه این است اعوذ بنور وجه الله وکلماته التامّات التی لا یجاوزهنّ برٌّ ولا فاجرٌ من شرّ ما ذرأ فی الارض وما یخرج منها ومن شرّ ما ینزل من السماء وما یعرج فیها ومن شرّ فتن اللیل والنهار ومن شرّ طوارق اللیل والنهار الّا طارقاً یطرق بخیرٍ یا رحمن و اما ادعیه که از برای ایمن بودن از سلاطین جور کننده وارد است ازان جمله روایتی است که ابن طاوس در مهج خود ذکر کرده که بحضرت صادق ع عرض کردند که وقتیکه بر منصور وارد شدی بچه چیز خود را ازو نگاه داشتی فرمود بخدا تعالی و بخواندن انا انزلناه و بعد ازان هفت مرتبه گفتم یا الله و بعد ازان گفتم انی استشفع الیك بمحمد وآله صلی الله علیه وآله ان تغلبه لی و بعد ازان فرمود که کسی که مبتلا شود بسلطان جایر مثل آنکه من کردم بکند و اگر ما نمی خواندیم سوره قدر و دعای مذکور را و شمشیر خود را برهنه کرده بود بخواندن آن هر اینه مردم آشنا را می بودند اما این سوره حصاریست از برای ادیان و از آنجمله روایتی است که وارد شده است که صکّ

یا ذا المنّ والاحسان یا ذا العزّ والسلطان یا رحیم یا رحمن یا من هو کلّ یوم فی شأن یا من لا یشغله شأن عن شأن یا من هو بکلّ مکان یا سامع الاصوات یا مجیب الدعوات یا منجح الطلبات یا قاضی الحاجات یا منزل البرکات یا راحم العبرات یا مقیل العثرات یا کاشف الکربات یا ولیّ الحسنات یا رافع الدرجات یا مؤتی المسئولات یا محیی الاموات یا جامع الشتات یا مطّلع علی النیّات یا رادّ ما قد فات یا من لا تشتبه علیه الاصوات یا من لا تضجره المسئلات ولا تغشاه الظلمات یا نور الارض والسموات یا سابغ النعم یا دافع النقم یا بارئ النسم یا جامع الامم یا شافی السقم یا خالق النور والظلم یا ذا الجود والکرم یا من لا یطأ عرشه قدم یا اجود الاجودین یا اکرم الاکرمین یا اسمع السامعین یا ابصر الناظرین یا جار المستجیرین یا امان الخائفین یا ظهر

ساعده ساعدی از حضرت پیغمبر درخواست که شفاعت کند او را بنجاشی آنحضرت فرمود که ما معاشر پیغمبران بغیر خدای تعالی بکسی شفاعت نمی کنیم و لیکن چون داخل شوی براو بگو اللّهمّ انت اعلی منه شاناً واقوی سلطاناً ورجائی لك اکثر من خوفی منه وآمالی فیك اکثر من رجائی له فاکفنی امره وقنی شرّه واجعل بینی وبینه حجاباً من کفایتك وحاجزاً من کلائتك لا ینوی بی سوءً ولا یطمع فیّ عدوّاً انّك سمیع مجیب که خدای تعالی شرّ او را کفایت می کند و ازان جمله روایتی که ابن فهد در عدّه خود از حضرت کاظم ع روایت کرده است که آن حضرت فرمود از شرّ جمیع مردم احتجاب بجوی به بسم الله الرحمن الرحیم و بقل هو الله احد تا آخر سوره و این دعا را بخوان از جانب راست و جانب چپ خود و از پیش روی و از عقب سر خود و از بالای سر و از زیر قدم خود و چون بر سلطان جور کننده داخل شوی در وقتی که بسوی او نظر کنی سه بار این سوره را بخوان و دست چپ خود را عقد کن و دست راست را عقد کن تا از نزد او بیرون آئی و بعضی دیگر روایتی است که از حضرت صادق روایت شده است که کسی که داخل شود بر سلطانی که از او ترسد وقتی که در برابر او آید بگوید کهیعص هر حرفی را که بخواند یك انگشت خود را از دست راست عقد کند و بعد ازان بگوید حمعسق و در وقت خواندن هر حرفی ازان یك انگشت خود را از دست چپ عقد کند و بعد ازان بگوید وعنت الوجوه للحیّ القیّوم وقد خاب من حمل ظلماً و بعد ازان انگشتها را در روی آن سلطان بگشاید که خدای تعالی شرّ او را کفایت کند و نیز دمیری در کتاب حیوة الحیوان ذکر کرده نزدیك باین عمل که هرگاه داخل شود انسانی بر کسیکه از او ترسد باید چون در برابر او آید بگوید کهیعص حمعسق و بعد بحروف این کلمه ده انگشت را عقد کند بعدد هر حرفی یك انگشت را عقد کند و ابتدا بانگشت ابهام

اللاجین یا ولیّ المؤمنین یا غیاث المستغیثین یا غایة الطالبین یا صاحب کلّ غریب یا مونس کلّ وحید یا ملجأ کلّ طرید یا مأوی کلّ شرید یا حافظ کلّ ضالّة یا راحم الشیخ الکبیر یا رازق الطفل الصغیر یا جابر العظم الکسیر یا فاكّ کلّ اسیر یا مغنی البائس الفقیر یا عصمة الخائف المستجیر یا من له التدبیر والتقدیر یا من العسیر علیه یسیر یا من لا یحتاج الی تفسیر یا من هو علی کلّ شیء قدیر یا من هو بکلّ شیء خبیر یا من هو بکلّ شیء بصیر یا مرسل الریاح یا فالق الاصباح یا باعث الارواح یا ذا الجود والسماح یا من بیده کلّ مفتاح یا سامع کلّ صوت یا سابق کلّ فوت یا محیی کلّ نفس بعد الموت یا عدّتی فی شدّتی یا حافظی فی غربتی یا مونسی فی وحدتی یا ولیّی فی نعمتی یا کهفی حین تعیینی المذاهب وتسلّمنی الاقارب ویخذلنی کلّ صاحب یا عماد

دست راست بند وابهام دست چپ خم کند و در نفس خود سوره فیل را بخواند و هرگاه بترمیم برسد ده بار این لفظ را مکرر بگوید و در هر بار یک انگشت را از انگشتهای بسته بگشاید واین عمل مجرب وعجیب است ودر کتاب طب الائمه علیهم السلام از حضرت کاظم علیه السلام مرویست که کسیکه خواهد داخل شود بر سلطانی که از او ترسد هرگاه نظر او با وافتد بگوید یَا مَنْ یُضَامُ وَلَا یُرَامُ وَبِهِ تَوَاصَلَتِ الْأَرْحَامُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي شَرَّهُ بِحَوْلِكَ ودر کتاب دفع الهموم والاحزان مذکوراست که هرگاه از سلطان یا غیر او بترسید در برابر روی او بگوی حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وباز در همان کتاب مذکوراست که از جمله چیزهائی که تجربه کرده شده است اینست که در روی کسیکه از او می ترسی بگوی حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ أَطْفَأْتُ غَضَبَكَ يَا فُلَانُ بِلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وباز در همان کتاب مذکوراست که در دیگر کسیکه از او اندیشه داری بگوی كَتَبَ اللّٰهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ اصلا بتو ضرری نتواند رسانید و در همان کتاب مذکوراست که در روی آنکسی که از او می ترسی بگوی وَيُنَجِّي اللّٰهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ که ایمن می شوی از او انشاء الله تعالی و در مهج الدعوات مذکوراست که بواسطه ایمن بودن از سلطان واز بلا و بواسطه غلبه کردن بر اعدا و نزد ترسیدن از فقر و تنگی سینه این دعا را باید خواند یَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ که در صحیفه سجادیه مذکوراست که از دعاهای آنحضرت بود که هرگاه مهم عارض می شد یا بلیه نازل می شد این دعا را می خواند و باز در مهج مذکوراست که چون منصور اراده قتل حضرت صادق ع کرد ابرهیم جبله را امر کرد که آنحضرت را حاضر سازد نزد او ابرهیم گوید چون آنحضرت را داخل ساختم بمجلس منصور آنحضرت تکلم بکلامی کرد که او را

مشلول: یا عماد من لا عماد له یا سند من لا سند له یا ذخر من لا ذخر له یا حرز من لا حرز له یا کهف من لا کهف له یا کنز من لا کنز له یا رکن من لا رکن له یا غیاث من لا غیاث له یا جار من لا جار له یا جاری اللصیق یا رکنی الوثیق یا الهی بالتحقیق یا رب البیت العتیق یا شفیق یا رفیق نجنی من حلق المضیق واصرف عنی کل هم وغم وضیق واکفنی شر ما لا اطیق واعنی علی ما اطیق یا راد یوسف علی یعقوب یا کاشف ضر ایوب یا غافر ذنب داود یا رافع عیسی ابن مریم ومنجیه من ایدی الیهود یا مجیب نداء یونس فی الظلمات یا مصطفی موسی بالکلمات یا من غفر لآدم خطیئته ورفع ادریس مکانا علیا برحمته یا من نجی نوحا من الغرق یا من اهلک عادا الاولی وثمود فما ابقی وقوم نوح من قبل انهم هم اظلم واطغی والمؤتفکة اهوی یا من دمر علی قوم لوط ودمدم علی قوم

نفهمید فی الفور منصور را مثل آتشی دیدم که بر او آبی بریزند خاموش شد پس آنحضرت را نزد خود خواند و بر سریر خود نشاند وگفت یا اباعبدالله بر من گران آمد از اری که در آمدی کشیدی ترا حاضر ساختم که از اهل تو بتو شکایت کنم که قطع رحم من کرده اند و عاصی شده اند در من اگر غیر از من کسی والی بود اطاعت او می کردند آن حضرت فرمود باید بسلف صالح خود اقتدا کنی بدرستیکه ایوب مبتلا شد و صبر کرد و بر یوسف ظلم کردند عفو کرد و سلیمان را عطا کردند شکر کرد و تو از نسل ایشانی باید مثل ایشان باشی منصور گفت بدرستیکه من صبر کردم و عفو کردم وشکر کردم بعد از آن گفت یا اباعبدالله بیان حدیثی را که من از تو شنیده بودم در باب صله ارحام حضرت فرمود بلی حدیث کرد پدرم از پدرش از جدم از پیغمبر ص که فرمود رحمی را دیدم که بعرش چسبیده بود و بخدای تعالی شکایت کرد از قاطع خود من گفتم که ای جبرئیل میان ایشان چه قدر تا صله است جبرئیل گفت هفت پشت در میانست منصور گفت این نیست آن حدیث حضرت فرمود بلی حدیث کرد مرا پدرم از جدم که پیغمبر ص فرمود مردیکه صله رحم می کرد و بمردم نیکی میکرد بحال مرگ افتاد و در همسایگی او مردی بود که قطع رحم میکرد خدای تعالی بملک الموت گفت که از عمر این قاطع رحم سی سال باقی مانده است آن سی را باین مرده که صله رحم بجای آورد منصور گفت که راست گفتی وامر کرد بغلام خود که بوی خوش بیار چون بوی خوش آوردند منصور بدست خود بآنحضرت پاشید و بعد از آن چهار هزار دینار بآنحضرت داد و فرمود که اسبی باورند و چون اسب را اوردند منصور گفت پیش آرید تا آنکه آن اسب را نزدیک تخت او آوردند وحضرت صادق ع سوار شد ابرهیم گوید من پیش آنحضرت دویدم وگفتم ای سید من منصور بمسیب بن زهیر شمشیری داده بود و امر کرده بود که ترا بقتل آورد چون داخل

مشلول: ... شعیب یا من اتخذ ابرهیم خلیلا واتخذ موسی کلیما واتخذ محمدا صلی الله علیه وآله اجمعین حبیبا یا موتی لقمن الحکمة والواهب لسلیمن ملکا لا ینبغی لاحد من بعده یا من نصر ذا القرنین علی الملوک الجبابرة یا من اعطی الخضر الحیوة ورد لیوشع ابن نون الشمس بعد غروبها یا من ربط علی قلب ام موسی واحصن فرج مریم ابنت عمران یا من حصن یحیی ابن زکریا من الذنب وسکن عن موسی الغضب یا من بشر زکریا بیحیی یا من فدی اسمعیل من الذبح بذبح عظیم یا من قبل قربان هابیل وجعل اللعنة علی قابیل یا هازم الاحزاب لمحمد صلی الله علیه وآله صل علی محمد وآل محمد وعلی جمیع المرسلین وملائکتک المقربین واهل طاعتک اجمعین واسئلک بها احد ممن رضیت عنه فحتمت له علی الاجابة یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن

مجلس او شدی دیدم لبهای خود را حرکت دادی بچیزیکه من انرا نفهمیدم انچه چیز بود
انحضرت فرمود که این جای ان نیست که انرا بیان کنم پس شب بخدمت او رفتم
فرمود که چون وارد او شدم خواندم حرزیرا که در انشب که لشکر کفار بر پیغمبر ص
هجوم کردند وان اوقات بدترین روزی بود بر پیغمبر ص پس چون بعضی از شب گذشت
انحضرت بیرون امد حضرت امیر المؤمنین ع را دید فرمود یا علی بچکار امده عرض
کرد بنگهبانی مسلمانان هنوز کلام ایشان تمام نشده بود که جبرئیل نازل شد و گفت
ای محمد خدای تعالی میفرماید که من موقف علی را دیدم و هدیه کردم باو از مکنون
علم خود این دعا را که خوانده ان ایمن شود از شیطان و سلطان و از غرق و حرق
و هدم و درنده و دزد و ان دعا اینست که اللّهمّ احرسنا بعینک الّتی
لا تنام واکنفنا برکنک الّذی لا یرام واعزّنا بسلطانک الّذی لا یضام
وارحمنا بقدرتک علینا ولا تهلکنا فانت الرّجاء ربّ کم من نعمة انعمت
بها علیّ قلّ لک عندها شکری وکم من بلیّة ابتلیتنی بها
قلّ لک عندها صبری فیا من قلّ عند نعمته شکری فلم یحرمنی ویا من
قلّ عند بلیّته صبری فلم یخذلنی یا ذا المعروف الّذی لا ینقضی ابدًا ویا ذا
النّعماء الّتی لا تحصی عددًا اسئلک ان تصلّی علی محمّد وآله الطّاهرین
وادرء بی فی نحور الاعداء والجبّارین اللّهمّ اعنّی علی دینی بدنیای وعلی آخرتی
بتقوای واحفظنی فیما غبت عنه ولا تکلنی الی نفسی فیما حضرته یا من
لا تنقصه المغفرة ولا تضرّه المعصیة اسئلک فرجًا عاجلًا وصبرًا جمیلًا
ورزقًا واسعًا والعافیة من جمیع البلایا والشّکر علی العافیة یا ارحم الرّاحمین
پس حضرت صادق ع فرمود بخدا قسم منصور مکرر اراده قتل من کرده و من این دعا را

یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا ذا الجلال والاکرام یا ذا الجلال والاکرام یا ذا الجلال والاکرام به به به به به به به به اسئلک بکلّ اسم سمّیت به نفسک وانزلته فی شیء من کتبک واستأثرت به فی علم الغیب عندک وبمعاقد العزّ من عرشک ومنتهی الرّحمة من کتابک وبما لو انّ ما فی الارض من شجرة اقلام والبحر یمدّه من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله انّ الله عزیز حکیم واسئلک باسمائک الحسنی الّتی نعتّها فی کتابک فقلت ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها وقلت ادعونی استجب لکم وقلت واذا سئلک عبادی عنّی فانّی قریب اجیب دعوة الدّاع اذا دعان وقلت یا عبادی الّذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله انّ الله یغفر الذّنوب جمیعًا انّه هو

خواندم و نجات یافتم عباس بن عبد العظیم گوید من هر شب کان خود را باین دعا بتعویذ
می کردم یکشب فراموش کردم و بعد از ان بیادم امد پس دکان را با و تعویذ کردم چون
صبح شد زودی امدم بدکان مرد برادیدم در انجا گفتم چه می خواهی گفت امده بودم
از این جا چیزی بدزدم وقتی خواستم بیرون روم میان من و در دکان حصاری حایل
شد از اهن و نتوانستم بیرون رفت و نیز در مهج مذکور است که حضرت کاظم ع در وقتیکه
هرون الرّشید قصد قتل او کرد این دو دعا را خواند و خدای تعالی او را از شر و نجات
داد دعای اوّل اینست اللّهمّ انّک حفظت الغلامین لصلاح ابویهما فاحفظنی
لصلاح آبائی و دعای دویم اینست اللّهمّ انّک تکفی من کلّ احد ولا یکفی
منک احد فاکفنیه بما شئت وکیف شئت وانّی شئت واصفهانی در بحصا
خود ذکر کرده از قیس بن ربیع که بکیر زمنصور یکی از سرداران لشکر خود را طلبید
و گفت با هزار کس برو بمدینه و بریز بخانه جعفر بن محمد و سر او و سر پسر او موسی را
بیاور بیدان شخص در همان ساعت بیرون رفت چون بمدینه رسید حضرت صادق ع
خبردار شد و امر فرمود که دو ناقه را اوردند و هر دو را بر در خانه خود بست و اولاد خود را
طلبید و جمیع ایشان را امر کرد دور محراب نشستند و این دعا را با ایشان خواند که او را
دعای احتجاب گویند پس انشخص با لشکر هجوم کرد بر در خانه انحضرت چون دو ناقه را
دیدند سر هر دو را بریدند و در توبره گذاشتند و چون پیش منصور امدند سرها را از
توبره بیرون اوردند دیدند دو سر ناقه است منصور گفت این چیست ان شخص گفت که
چون هجوم کردم بر خانه جعفر بن محمد سر من گردید چون نگاه کردم دو شخص را دیدم ایستاده اند
خیال کردم که جعفر و پسر او موسی است سر هر دو را برداشتم منصور گفت انچه دیدی بوشان
و اگر نه ترا میکشم و حدیث را بکسی نگفتم تا انکه او مرد دعای احتجاب بسم الله الرّحمن الرّحیم

...الشّعور الرّحیم و ادعوا... وانا اسئلک یا الهی و آطمع فی اجابتی یا مولای کما وعدتنی وقد دعوتک کما امرتنی فافعل بی ما انت اهله یا کریم والحمد لله ربّ العالمین وصلّی الله علی محمّد وآله اجمعین پس حضرت فرمود که بعد از این حاجت خود را مذکور سازد بر آورده شود

امام محمد تقی دعای تب مشهور است از امام محمد تقی ع باید برود بیاورند و بند و لوله نقره پوست آهو تمام نویسند و در لوله بعد از نقش بسازند و در ان اوله ایت الشمو ... را نقش دعای تا مشهور است و دعا من بود کنند از اول تا اخر و در بازو بپیچیده در لوله گذارند و در بازوی راست بندند و در وقتیکه تب دعا بستن باید اول بنا شد و در همین بستن بعد چهار رکعت نماز بکنند و در هر رکعت انا فتحنا یک بار از ایه الکرسی و شهد الله و سوره والشمس و توحید و اللیل وقت باید بخواند و این را ببندد از همه بلیات محفوظ مانند و اگر

وَاِذا قَرَأتَ الْقُرآنَ جَعَلْنا بَیْنَکَ وَبَیْنَ الَّذِینَ لا یُؤمِنُونَ بِالآخِرَةِ حِجاباً مَسْتُوراً وَجَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِم اَکِنَّةً اَنْ یَفْقَهُوهُ وَفی آذانِهِم وَقْراً وَاِذا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرآنِ وَحْدَهُ وَلَّوا عَلی اَدْبارِهِم نُفُوراً اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِالاِسْمِ الَّذی بِهِ تُحْیی وَتُمیتُ وَتَرْزُقُ وَتُعْطی وَتَمْنَعُ یا ذَا الْجَلالِ وَالاِکْرامِ اللّهُمَّ مَنْ اَرادَنا بِسُوءٍ مِنْ جَمیعِ خَلْقِکَ فَاَعْمِ عَنّا عَیْنَهُ وَاَصْمِمْ عَنّا سَمْعَهُ وَاَشْغِلْ عَنّا قَلْبَهُ وَاَغْلِلْ عَنّا یَدَهُ وَاصْرِفْ عَنّا کَیْدَهُ وَخُذْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ یَمینِهِ وَعَنْ شِمالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ یا ذَا الْجَلالِ وَالاِکْرامِ **باب** دیگر بجهة ایمنی که گرداند خائف را از مخاویف بسیار است و در عددی محصور نیست و در ابواب گذشته عوذها بسیار مفید است در این باب می‌گشاید ابواب حافظان دعا را از ثغور نجاح و شاد میگرداند دلهای دعا کنندگان با بهای بسیار صالح و در این مقام بعضی از آنها را ذکر میکنیم از انجمله ذکر کرده است شیخ طبرسی ره در کتاب کنوز النجاح صفت بنا کردن مدینه حفظ را در حول خود از ائمه صادقین ع که میباید پشت خود را راست کنی ایستاده یا در سجده و در حالتیکه با طهارت باشی بگوی اللّهُمَّ اِنّی اَحْتَجِبُ بِنُورِ وَجْهِکَ الْکَریمِ الْجَلیلِ الْقَدیمِ الرَّفیعِ الْعَظیمِ الْعَلِیِّ الرَّحیمِ الْقائِمِ بِالْقِسْطِ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِم وَبِاُولِی الْعَزْمِ مِنَ الْمُرْسَلینَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِم اَجْمَعینَ وَبِبَیْتِکَ الْمَعْمُورِ وَالسَّبْعِ الْمَثانی وَالْقُرآنِ الْعَظیمِ وَبِکُلِّ مَنْ یَکْرُمُ عَلَیْکَ مِنْ خَلْقِکَ اَجْمَعینَ وَلِاَنْفُسِ اَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِم وَلِاَنْفُسِنا وَاَدْیانِنا وَلِجَمیعِ ما مَلَکْتَنا وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَیْنا مِنْ شُرُورِ جَمیعِ ما قَضَیْتَ وَقَدَّرْتَ وَخَلَقْتَ وَمِنْ شُرُورِ جَمیعِ ما تَقْضی وَتُقَدِّرُ وَتَخْلُقُ ما اَحْیَیْتَنا وَبَعْدَ وَفاتِنا

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ اَللّهُ الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ و بعد از آن سه بار بگوید کَذلِکَ اللّهُ رَبُّنا و بعد از آن بگوید مِنْ فَوْقِهِم وَمِنْ فَوْقِنا و بعد از آن باز سوره توحید بخواند و سه بار بگوید کَذلِکَ اللّهُ رَبُّنا و بعد از آن بگوید عَنْ اَیْمانِهِم وَعَنْ اَیْمانِنا و باز سوره توحید بخواند و سه بار بگوید کَذلِکَ اللّهُ رَبُّنا و بعد از آن بگوید مِنْ خَلْفِهِم وَمِنْ خَلْفِنا و باز سوره توحید بخواند و سه بار بگوید کَذلِکَ اللّهُ رَبُّنا و بعد از آن بگوید عَنْ اَمامِهِم وَعَنْ اَمامِنا و بعد از آن بگوید عَنْ حَوالَیْهِم وَعَنْ حَوالَیْنا عِصْمَةً وَحِصْناً وَحِرْزاً لَهُم وَلَنا مِنْ کُلِّ سُوءٍ وَضُرٍّ وَمَکْرُوهٍ وَمَخُوفٍ وَمَحْذُورٍ وَشِفاءً ما عِشْنا وَبَعْدَ مَماتِنا بِقُدْرَةِ رَبِّنا اِنَّهُ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَلِکُلِّ شَیْءٍ حَفیظٌ وَصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعینَ و اگر در هر مرتبه سوره توحید و کذلک ربنا را سه مرتبه بخواند بهتر است دعای دیگر که خواننده خود را از مخاوف و ترسها ایمن می‌گرداند دعائی است که ایضا شیخ طبرسی در کنوز النجاح ذکر کرده است و از ادعای کفایة البلا نام کرده اند و آن اینست اَللّهُمَّ بِکَ اُساوِرُ وَبِکَ اُحاوِلُ وَبِکَ اَصُولُ وَبِکَ اَنْتَصِرُ وَبِکَ اَمُوتُ وَبِکَ اَحْیا اَسْلَمْتُ نَفْسی اِلَیْکَ وَفَوَّضْتُ اَمْری اِلَیْکَ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ اَللّهُمَّ اِنَّکَ خَلَقْتَنی وَرَزَقْتَنی وَسَتَرْتَنی وَمِنْ بَیْنِ الْعِبادِ بِلُطْفِکَ خَوَّلْتَنی اِذا هَوَیْتُ رَدَدْتَنی وَاِذا عَثَرْتُ اَقَلْتَنی وَاِذا مَرِضْتُ شَفَیْتَنی وَاِذا دَعَوْتُکَ اَجَبْتَنی سَیِّدی اِرْضَ عَنّی فَقَدْ اَرْضَیْتَنی وَصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ و در ادعیه قدسیه مذکور است که ای محمد بکسیکه ترسی برسد و خواهد که من نعمت خود را بر او تمام کنم و کرامت خود را با او مبارک گردانم و او را نزد خود وجیه و با عزت گردانم باید که بگوید یا حاشِیَ الْعِزِّ

قُلُوبَ اَهلِ التَّقوی وَیا مُتَوَلِّیهُم بِحُسنِ سَرآئِرِهِم وَیا مُؤمِنَهُم بِحُسنِ تَعَبُّدِهِم اَسئَلُکَ بِکُلِّ مٰا قَدْ اَبرَمتَهُ اِحصٰاءً مِن کُلِّ شَیءٍ قَدْ اَتقَنتَهُ عِلماً اَن تَستَجیبَ لی بِتَثبیتِ قَلبی عَلَی الطُّمَأنینَةِ وَالایمٰانِ وَاَن تُولِیَنی مِن قَبولِکَ مٰا تُبَلِّغُنی بِه شِدَّةً فی طٰاعَتِکَ حَتّی لٰا اُبالی اَحَداً سِواکَ وَلٰا اَخافُ شَیئاً مِن دُونِکَ یا رَحیم پس بدرستی که هرگاه این دعا را خواند از ایمن میگرداند از ترسها از چیزیکه در شبان روز حادث می شود در دین و نفس او و در عدة الداعی از حضرت کاظم ع مروی شده است که هرگاه کسی از روی یقین طلب کفایت کند بصد آیه از قرآن کفایت می کند خدای تعالی شر هر دو مرا از او از مشرق تا مغرب و از آنجمله روایتی است که از حضرت ابو الحسن ع روایت شده است که هرگاه از امری ترسی صد آیه از هر جا قرآن که خواهی بخوان و بعد از آن سه بار بگوی اَللّٰهُمَّ ادفَع عَنِّی البَلٰاءَ پس بدرستیکه خدای تعالی تو را ایمن میگرداند از ترسها و نیز روایتست از حضرت صادق ع که فرمود که هرگاه واقع شوی در ورطه هفت بار بگوی بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ لٰا حَولَ وَلٰا قُوَّةَ اِلّٰا بِاللّٰهِ العَلِیِّ العَظیمِ پس بدرستیکه خدای تعالی تو را ایمن میگرداند از مخاوف و ایضاً از حضرت کاظم ع روایت شده است که احتجاب کن از کل مردم بخواندن سوره توحید باین طریق که این سوره را بجانب راست و از جانب چپ و از پیش روی و از پس سر و از بالای سر و از زیر قدم خود و در کتاب مفاتیح الغیب مذکور است که کسیکه لفظ بسم الله را بر در دیگر بیرون خانه او نوشته شود ایمن می شود از هلاک اگرچه کافر باشد و ذکر کرده است که فرعون خدای تعالی با آنکه دعوای ربوبیت می کرد زود وی او را هلاک نکرد بواسطه بر در بیرون خانه خود بسم الله نوشته بود چون حضرت موسی سرعت هلاک او را از خدا طلب نمود خدای تعالی وحی فرستاد بسوی موسی که تو کفر او را نگاه می کنی و من باینچیز نگاه می کنم که او بر در خانه خود نوشته است

و در امالی شیخ طوسی ره از حضرت صادق ع روایت کرده است که آنحضرت فرمود که اگر جن و انس جمع شوند و خواهند که بمن ضرر رسانند چون من این کلمات را گفته باشم اصلا باکی از ایشان ندارم و آن کلمات اینست بِسمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَاِلَی اللّٰهِ وَفی سَبیلِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِلَیکَ اَسلَمتُ نَفسی وَاِلَیکَ وَجَّهتُ وَجهی وَاِلَیکَ فَوَّضتُ اَمری فَاحفَظنی بِحِفظِ الایمٰانِ مِن بَینِ یَدَیَّ وَمِن خَلفی وَعَن یَمینی وَعَن شِمٰالی وَمِن تَحتی وَادفَع عَنّی بِحَولِکَ وَقُوَّتِکَ فَاِنَّهُ لٰا حَولَ وَلٰا قُوَّةَ اِلّٰا بِاللّٰهِ العَلِیِّ العَظیمِ و در مهج از حضرت باقر ع روایت کرده که ما اهل بیت را هرگاه وقتی امری اندوهناک سازد ما و قتی از شر سلطان ما امری بهم رسانیم و علاجی نباشد این دعای خوانیم یٰا کٰائِناً قَبلَ کُلِّ شَیءٍ وَیٰا مُکَوِّنَ کُلِّ شَیءٍ وَیٰا بٰاقِیاً بَعدَ کُلِّ شَیءٍ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاَهلِ بَیتِهِ وَافعَل بی کَذٰا وَکَذٰا و ایضاً تعویذ معروف بحرز چهار زرویه باسناد خود از مشایخ خود روایت کرده بجهت محافظت از جمیع مخاویف اَودَعتُ نَفسی وَاَهلی وَمٰالی وَوَلَدی وَمَن مَعی وَمٰا مَعی فی اَرضِ مُحَمَّدٍ سَقفُهٰا وَعَلِیٌّ بٰابُهٰا وَفٰاطِمَةُ وَالحَسَنُ وَالحُسَینُ وَعَلِیٌّ وَمُحَمَّدٌ وَجَعفَرٌ وَمُوسیٰ وَعَلِیٌّ وَمُحَمَّدٌ وَعَلِیٌّ وَالحَسَنُ وَالحُجَّةُ المُنتَظَرُ حیطٰانُهٰا وَالمَلٰائِکَةُ حُرّٰاسُهٰا وَاللّٰهُ مُحیطٌ بِهٰا وَحَفیظُهٰا وَاللّٰهُ مِن وَرٰائِهِم مُحیطٌ بَل هُوَ قُرآنٌ مَجیدٌ فی لَوحٍ مَحفُوظٍ و در نسخه دیگر بسند علاحده چنین است اَودَعتُ نَفسی وَاَهلی وَمٰالی وَوَلَدی فی اَرضِ اللّٰهِ سَقفُهٰا وَمُحَمَّدٌ حیطٰانُهٰا وَعَلِیٌّ بٰابُهٰا وَالحَسَنُ وَالحُسَینُ وَالاَئِمَّةُ المَعصُومُونَ وَالمَلٰائِکَةُ حُرّٰاسُهٰا الی آخر و ایضاً از حضرت صادق ع مرویست که هرگاه مصیبتی و بیمی یا اندوهی نازل شود بر کسی باید که هر دو زانو و هر دو ساق خود را برهنه کند با سینه بر زمین بچسباند و سجده کند و در حالت سجده حاجت خود را از خدا بخواهد که حاجت او

روایت دیگر باب ادر بعضی از کتب مرویست از بعض ائمه علیهم السلام اینکه هرگاه این شکلرا کسی بنویسد بتربت حضرت سید الشهداء علیه السلام و بشوید بگلاب و بیاشامد مرض برود و شفا یابد والله انه شفاء والله انه شفاء والله بشفاء وانه مکتوب بین کتفی النبی صلی الله علیه واله یعنی قسم بخدا که این شکل شفا دهنده است و نوشته شده بود میان دو کتف پیغمبر نبست

سم ـــ وع السم ـــ ولوع شیخ بهاء در کشکول خود فرموده هرگاه

سم ـــ وع سم ـــ ولوع اراده کنی در شهری یا قریه یا بی حساب کن

توجه حیث شئت فانک منصور اسم خود و مادر خود و آن شهر و آن قریه را

هههههه ////// ءءءءءءءو هص وچهار چهار بینداز پس اگر باقی بماند یک عدد

در انمکان تعب میکذرانی و اگر دو عدد بماند در انجا متوسط الحال خواهی بود و اگر سه عدد

بماند در انمکان رزق تو زیاد میشود و مطمئن میشوی و اگر بماند چهار عدد سعادت تو در ان

مکانست هرگاه خواهی کسیرا دوست خود کردانی باید که اسم او را ملاحظه نمائی چند حرفست و در

ازای هر حرفی از اسم او یک اسم از اسماء الله که اولش همان حرف باشد پیدا کرده در روز پنجشنبه

یا چهارشنبه در مربعی بنظم طبیعی ثبت کنی و با خود داری و اسماء را هر روز بعدد اسم خود و او

الله	حبیب	مقیم	دیان	کفعمی
مقیم	دیان	الله	حبیب	ذکر
دیان	مقیم	حبیب	الله	نموده
حبیب	الله	دیان	مقیم	عجیبه

نمای در خواندن که بسیار مجربست ملا احمد یا میر اکبر خواهی دوست خود کنی این چهار اسم که الله حبیب مقیم دیان باشد مناسب چهار حرفاوست مثل این شکل

استخلاص از حضرت امیر المؤمنین ع دو رکعت نماز میکذاری و طول میدهی رکوع و سجود او را و چون سلام دادی بگو اللهم انی مغلوب فانتصر هزار مرتبه حق سبحانه و تعالی تعجیل در یاری تو میکند مرویست بجهت شفای مریض باید بازوی مریض را گرفته ده مرتبه و هر مرتبه هفت نوبت الحمد بخواند بعد از ان یکمرتبه این دعا را بخواند که هفتاد مرتبه سوره حمد

الی الخیر

بجهت طول عمر و زیادتی ثروت

الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون این ایه بجهت تسخیر قلوب از سوره حج مجربست الم تر ان الله سخر لکم ما فی الارض و الفلک التی تجری فی البحر بامره و یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه ان الله لرؤف رحیم ۷۸۸۸ یا من سخر من فی السموات و الارض سخر و لین و حرق و حرک قلب و فؤاد و جمیع جوارح حسد فلان بن فلان بحق انه لحب الخیر لشدید ملک و علیک مودة عظیمة بینکم فی حیوة الدنیا شیخ بهاء الدین روایت کرده از شیخ علی که هر که هر روز هفت نوبت این دعا را مداومت نماید نماید بینیاز از جمیع کائنات شود و اگر بروی بزرگی هفتاد بار بخواند و بدمد مهمات او ساخته شود و اگر بر روی دوستی بخواند ان دوست هرگز نرنجد و اگر بر دشمنی خواند دوست گردد یا رجی یا مرجب لکل امر فرحا مرویست که هر که صد ایه از قران بخواند از هر جا که خواهد بعد از ان هفت مرتبه بگوید یا الله و دعا کند حاجتش براورده شود بجهت طول عمر بعضی از علما نقل نموده اند بعد از نماز صبح سه مرتبه و بعد از نماز مغرب نیز سه مرتبه این کلمات را بخواند سبحان الله ملاء المیزان و منتهی العلم و مبلغ الرضا و زنة العرش و سعة الکرسی و از بعضی از اجله رسیده که هر که در ماه رجب هر روز دوازده مرتبه این ایه را بخواند البته صاحب ثروت گردد و این امر را علمای معتبر تجربه کرده اند مثل میر محمد باقر داماد و در این نیز جمعی تجربه کرده اند و صاحب ثروت شده اند الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز روایتست که هر گرا مهم عظیمی پیش اید و بران قادر نباشد این نامها را بر سر پاره کاغذ نویسد و هر روز یکی را در اب روان اندازد ما دامیکه زمانی مشکل وی باسانی براید دوم الام قطوم بجهت دفع اعدا بمنزله دعا علوی مصریست بسم الله الرحمن الرحیم یا من کفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء یا من کفی شر اعدائی کیف شئت و ما شئت

اسم بن ط و مط باشد یا بسر ابر در مساب مثال طالب هادی مطلوب مهدی ۹ جمع العددین ٧
طرح ٣ نتمه ۶ وما با واسطه لوحی که با سم محمد وعلی نوشته سه کردیم ذو رسنامه
عدد محمد وعلی و واسطه ٢٢٢ وهر گاه این ٢٢٢ را ٣ مرتبه اخذ کنیم ۶۶۶ است واین لوح هم
که بی واسطه با سم هادی و مهدی است ٧٥ که ٣ مرتبه حساب کنیم ٢٣٧ میشود موافق و نوع
وهر دو لوح عدد سنه
طریق قرائت و ورد نمودن
الله لطیف بعباده یرزق
وهو القوی العزیز اینکه دو رکعت نماز حاجت در ساعت سعد بهر

٤٤٤				٢٣٧			
١ ٢١٩	٨ ٢٢٦	٣ ٢٢١		١ ٧٦	٨ ٨٣	٣ ٧٨	ایه مبارک
٤ ٢٣٤	٢٢٢ محمد	٢ ٢٢		٤ ٨١	٧٥ هادی مهدی	٢ ٧٧	من یشاء
٢٢٣	٢٨١	٧ ٢٢٥		٥ ٨٠	٧٥	٧ ٨٢	قسم

که خواهد بکند وبعد از فراغ از نماز صد مرتبه صلوات فرستد و هفتاد مرتبه
اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ گفته شروع در خواندن ایه مبارکه نماید باین طریق که
یکصد وبیست وپنج هزار مرتبه که عدد زکوة است باید خواند باین شرط که عددی نزد
خود باید معین نمود که هر روز بهمان عدد معین باید تلاوت نمود تا مجموع عدد زکوة
خوانده شود ودر بین قرائت سخن نباید گفت تا مالك ورد مزبور تواند شد ودر خواندن
عدد مزبور هر روزه باید مثلث این ایه را بطریقیکه نموده شد ذو الکتابه رقم نموده ودر برابر خود
داشت تا مالك واقعی شود وبعد از انکه مالك ورد شد هر روز بعد از صد مرتبه صلوات
وهفتاد مرتبه استغفار ایه را بعدد ایام سال که سیصد وشصت مرتبه یا بهر عدد یکه مقدور شود
وترك نشود باید درضمن مثلث بنویسد خواند ووقت قرائت را تغییر ندهد اگر امری رو
دهد که در انوقت ترك شود وقت دیگر بنیت قضا باید قرائت کرد که هر امور تا دویم
دفعه مقتضی است خصوصا دفع ورفع دشمن هر چند بداند چه شخص است و مثلث انرا باید
تا چهل یوم هر روزی شصت عدد در یکمجلس قلمی و باید وان انداخت نهایت شرط نیست که قرائت

بدانکه مختار است دو خود صرف کردن یا بفقرا دادن و مکرر تجربه رسیده
این مثلث باید وان باید انداخت این مثلث را در حین قرائت در نظر باید داشت وهر دو را برفتار باید نوشت

٨ ٩٦	١٨٩	٦ ٩٣		٤ الله	٩ ١٢ لطیف	٤ تعالی	برفتار باید نوشت
٤ ٩١	٥ ٩٣	٧ ٩٥		٧ ١١١	٥ ٩٣	٣ ٧٥	بجهة غریب و تفریق یا غیره
٤ ٩٢	٩ ٩٧	٢ ٩٠		٤ ١٠٢	١ ٥٧	١٢٠ ٨	از اعمال بعضی یا اخراج جا

[illegible] ٢٧٩ [illegible] ارحام اتی از ایات
بعض یا تفریق یا بیمار در ان مثلث بکار برند وثلث اسم منظور را و بنویسند این مثل را
مثلا اسم منظور را اگر فرضیم ده شد در خانه اول نویسد واو را مضاعف کرده در
خانه دویم نوشته وعدد ایه بعض را ثلث بگیرد وثلث اسم منظور را اگر در خانه اول نوشته از
ثلث عدد ایه وضع کند وانچه بماند در خانه سیم گذارند وثلث ایه را در خانه چهارم گذارند
وخانه دویم وسیم را جمع کرده در خانه پنجم نویسد ودر برابر انچه در خانه سیم نوشته در خانه ششم
نویسد وخانه یکم وششم را جمع کرده در خانه هفتم نویسد
وخانه چهارم را مضاعف کرده در خانه هشتم نویسد و بعد
ازان در پشت مثلث بنویسد اصطفی تو مازیر بحروف مقطعه
ومطلب را نیز بحروف مقطعه در ضمن مثلث بنویسد در ساعت
بد بخور کند ودر مکان منظور پنهان کند واگر العیاذ بالله
نحوست بعامل اثر کند بیرون او زند وبعد از اتمام لوح عامل باید
بحمام رفته وغسل کند وهفتاد ودو مرتبه نادعلی را باب بخواند وبسر
ریزد وبر سر ریزد و بیرون اید که نحوست با و کاری نمی کند وهر گاه

ثلث صحیح اسم منظور ٨٤	ودر خانه چهارم مضاعف ودر هشتم	ثلث عدد ایه ٥١٣ اسم منظور از ثلث ایه برده ٤١٩
وضعف انچه در خانه سیم رقم شده در خانه ششم نویسد ٢٨	ثلث ایه صحیحا اینست که باید در خانه چهارم نوشته شود ٥١٣	عدد خانه اول را مضاعف کردیم ١٦٨
٥ وخانه دویم وسیم را جمع در خانه پنجم نوشت ٦٠٧	٥٢٣ [illegible]	٧ وخانه یکم وششم را جمع ودر خانه هفتم رقم نمود ٩٣٢

اسمی باشد که ثلث نداشته باشد از اسماء حسنی اسمی که دلالت بر مطلب کند مثل ممیت غران داخل کنند
که ثلث توان گرفت المثال اسم شخص منظور علیقلی بیك عدد ان ٢٨٢ ثلث صحیح ٤ و عدد ایه یحبونهم
کحب الله والذین امنوا اشد حبا ١٣٤٩ وچون ثلث صحیح نداشت اسم مبارك ولی را که ٤٦ است اضافه کردیم این شد

بجهة قضای حوائج کلی شب جمعه را نیت روزه کند و بعد از طلوع. ۶۰ مرتبه بگوید ما شاء
الله لاحول ولا قوة الا بالله از دستخط مولینا مجلسی اول نوشته شد ختم آیه شریفه الله
لطیف بعباده یرزق من یشاء وهو القوی العزیز را در روز اول ماه شروع کند
و در ظرف مدت شانزده روز هر روز بعدد حروف غیر مکرره که در این است به ترتیب در
وقت معین بخواند و در بین قرائت حرف نزند و در محل وقف که مابین کلمه من یشاء و کلمه و هو القوی
باشد مطلب را بخاطر آورد که باجابت رسد انشاء الله و حروف غیر مکرره این است ا ل ه ط ی
۱ ۳۰ ۵ ۹ ۱۰
ف ب ع د ر ز ق م ن ش و از برای نجات از هر بلیه در یک مجلس ۱۱۰۰۰ هزار مرتبه
۸۰ ۲ ۷۰ ۴ ۲۰۰ ۷ ۱۰۰ ۴۰ ۵۰ ۳۰۰ ۶
صلوات بفرستد و هر هزار مرتبه را بروح یکی از ائمه اثنی عشر بترتیب قربت کند و هزار مرتبه
دیگر را بگذرد نگاه دارد تا وصول مطلب پس او را قربت کند بروح حضرت صاحب الزمان ع
که مجربست هرگاه کسی در مخمصه گرفتار شود یکصد مرتبه بخواند نجات یابد با وجود اجازه
الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا توکلت علی الحی الذی لا یموت مروی است که
هر که سوره یوسف را بکاسه ابنوس بنویسد و در منزل خود نگهدارد و بعد از آن بیرون
برده و در دیوار بیرون خانه دفن کند او را تقرب عظیم نزد سلطان عصر حاصل شود و اگر
سوره مزبور را نوشته و بآب پاک بشوید و آب از او بیاشامد خداوند عالم اسباب گرداند
رزق او را از هر جهت هرگاه حاجتی داشته مصحف بی جزو تمام را بر سر گذارد محکم بگوید که نیت
و بهمان مید دو رکعت نماز بگذارد باین طریق که در هر رکعت سوره فاتحه یکبار و سوره توحید سه بار
و توکلت علی الله هزار بار بعد از آن سلام گفته بگوید بار خدا اسیری بر در تو نیز آمد اسئلک
و صد مرتبه بگو عاجزی بر در پادشاهی آمده اسئلک یا رب و صد مرتبه حاجتمندی بر در
حاجت دهنده آمده اسئلک یا رب و صد مرتبه بگو یا رب یا رب مرا قبول کن بعد از آن
و رقهای مصحف از اول تا آخر بگرداند و هر ورق که بگردانی گشاید بسم الله الرحمن الرحیم یکمرتبه بگوید که

بعد داوراق بسم الله گفته شود بعد از آن زاری و تضرع تمام حاجت خود را بخواهد که ببخشد روا
عزیزش دارد که از تحفها است ختم آیه و من یتق الله انستکه در ساعت سعد شروع نماید
باینطریق که بعدد حروف غیر مکرر آیه مذکوره را هر روز به ترتیب بخواند از برای مطالب
مشروعه مجربست حروف غیر مکرر او و م ن ی ت ق ا ل ه ج ع خ ر ز
۶ ۴۰ ۵۰ ۱۰ ۴۰۰ ۱۰۰ ۱ ۳۰ ۵ ۳ ۷۰ ۶۰۰ ۲۰۰ ۷
ح ث س ب ک ف غ ش د مدت بیست و سه روز می شود بترتیب بخواند
۸ ۵۰۰ ۶۰ ۲ ۲۰ ۸۰ ۱۰۰۰ ۳۰۰ ۴
که آثار عظیمه مشاهده خواهد کرد و ایضا بجهة بر آمدن حاجات هزار و یکمرتبه بدون
تکلم آیه مزبوره را تا لکل شیء قدرا بخواند ابو الحسن شاذلی گفته هر که بنویسد این دو بیت عجیب را
و سر غریب که اینست عینان عینان لم یکتبهما قلم وفی کل عین من العینین عینان نونان
نونان لم یکتبهما قلم وفی کل نون من النونین نونان بر کاغذی و بگذارد در کیسه
خرجی خود یا در محل گندم و جو و امثال اینها حقتعالی ظاهر می کند برکت و زیادتی در او و هرگاه
انکه بیرون بیاورد از کیسه و بشمرد پول کیسه را نفقه را نکشد و در نسخه دیگر اینگونه مرقوم است
عینان عینان لم تکحل جفونهما فی کل عین من العینین نونان نونان نونان لم یحفظهما
قلم فی کل نون من النونین عینان بجهة مطالب عظیمه سوره مبارکه فاتحه را بخواند
البته بر آورده شود طریق آن چنانست که با اعتقاد درست غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد در
هر رکعت بعد از فاتحه سه بار آیة الکرسی و دو مرتبه اذا زلزلت الارض و چهار بار قل
یا ایها الکافرون و سی مرتبه قل هو الله احد و سه مرتبه تبت یدا ابی لهب چون فارغ شود
هفتاد مرتبه صلوات بفرستد و از خیر و بر هر مطلبی دارد بخواهد بعد از آن هفتصد
مرتبه سوره مبارکه فاتحه را بخواند و بهر صد مرتبه را که تمام کند یکبار این دعا را بخواند
اللهم اجعلنی من الحامدین بحرمة سورة الفاتحة و یسر لی ما یلیق بها من خواص
الشریفة والمواهب الهنیئة واهدنا بهدایة الفاتحة وعافنا بعنایة الفاتحة

قل هو الله احد خواند و چون از نماز فارغ شد دستهای خود بسوی آسمان برداشتی و ابتهال خواندی
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک باسمائک التی اذا دعیت بها علی
مغالق ابواب السماء للفتح انفتحت و اذا دعیت بها علی مضائق الارضین
للفرج انفرجت فاسئلک باسمائک التی اذا دعیت بها علی القبور
للنشور انتشرت صل علی محمد و آل محمد و اقلبنی بقضاء حاجتی و حضرت
امام زین العابدین ع فرمود که چون این نماز بگذاری هنوز از جای خود حرکت نکنی که حاجت
روا شود بجهة تفرق فساق خاک چهار راه و خاک سر راه نمک هندی نوشادر کافور
موی سگ تخم جاروب خاک چهل و یک قبر و الاهفت قبر از پایش پا برداشته همگی را صلایه
نموده داخل نمایند بغیر تخم جاروب که صلایه نکرده داخل نمایند و بعدد اسم مطلوب
آیه را بخوانند الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم الآیه بحق الم تر کیف الی آخر سوره
و خاک دمیده و خاکرا در خانه شخص منظور بپاشید و عدد آیه را با سوره و اسمین را با مادر
حساب نموده با هم جمع کنند و بدستور مثلث هندسی برده و در خانه شخص منظور دفن نماید

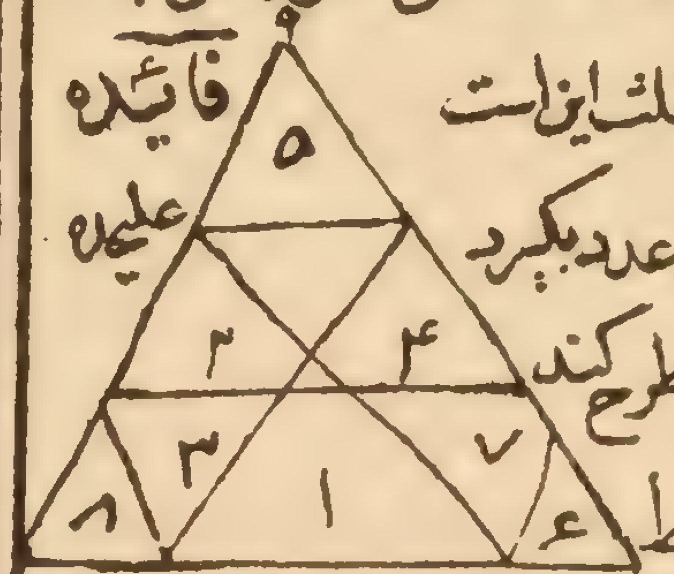

در روز شنبه ساعت اول یا هشتم که از زحل است و رفتار مثلث این است
فایده در دانستن طالع مولود هر کس که باشد اسم مشهور او را عدد بگیرد
علیحده و اسم مادر او و اینرا علیحده عدد بگیرد و از هر یک ۱۲ ۱۲ طرح کند
آنچه باقی ماند از حمل گرفته بهر برجی که منتهی شود ضبط
نماید هر یک را علیحده بعد از آن برجین را جدا جدا عدد بگیرد و جمع نماید و از جمیع دوازده دوازده
طرح کند آنچه باقی ماند از حمل گرفته بهر برجی که برسد ما قبل آن برج را طالع شخص خواهد بود
از افکار خواجه نصیر طوسی است فایده اگر کسی را احوال پریشان باشد و نداند چه کند
چون نماز خفتن بگذارد بلا فاصله روی در قبله او زده سوره مبارکه و اللیل و الضحی

ایضا بتجربه رسیده که هر کس کلمه طیبه لا اله الا الله را نوشته با خود دارد و محمد رسول الله را بهمان تو
با خود دارد بزودی ملاقات بینهما واقع شود بجهة هلاک ظالم و دفع شداید باید دعا
باید مداومت نمود یا قاصم الاکاسرة و قاتل الجبابرة اصبحت مذللا مقهورا فرّق
بینی و بین اولادی و عیالی فیا رادّ یوسف علی یعقوب و یا رادّ الرحمة علی
ایوب فرج عنی الساعة الساعة الساعة فانک حلیم ذو اناة و لا صبر لی علی حلمک
و انا لک فرج عنی و کل مؤمن و مؤمنة و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین فانه لا حول و
لا قوة الا بالله العلی العظیم از روی خط مرحوم ملا محمد تقی مجلسی ره نوشته مجلسی دویم ملا محمد باقر
در کتاب روح الارواح از حضرت رسالت صلی الله علیه باسانید صحیح نقل نموده که بجهة اجابت در
شداید و محن بجهة تسلط بر اعدای خوانده اند و این ذرّه بمقدار در دفع شداید تجربه نموده ام
سریع الاجابه است اللهم الیک اشکو ضعف قوتی و قلة حیلتی و هوانی علی الناس
انت ارحم الراحمین انت رب المستضعفین و انت ربی الی من تکلنی الی بعید
یتجهمنی ام الی عدو ملکته امری ان لم تکن علی غضبان فلا ابالی و لکن عافیتک
اوسع لی اعوذ بنور وجهک الذی اشرقت له الظلمات و صلح علیه امر
الدنیا و الآخرة من ان ینزل بی غضبک او تحل علی سخطک لک العتبی حتی ترضی و لا
حول و لا قوة الا بک دعای قاموس القدرة سیفی است قاطع و تریاقی است نافع هر که
نود و نه مرتبه بخواند بشرط رخصت و اجازه همه او را اطاعت کنند و تواضع نمایند
و از قول او تمرد نکنند و تسخیر جن و انس و کسر شوکت متکبران و قتل عدو و تسخیر سرکشان
و طاغیان او را میسر شود بسم الله الرحمن الرحیم الهی قد تلاطمت امواج قدرتک
فظهرت فی کل مقدور آثار قدرته عجیبة غریبة الهی بحق سر هذه الاسرار
و بحق کرملک الخفی و بحق سرک الاعظم ان تقضی حاجتی بکن فیکون و

واوردن غایب بیک مجلس دو نیت و یکبار بگوید در خواب یا بیداری بوی بنمایند و از عاقبت کار آن
اخبار نمایند آزموده و مجرب است أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ
ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ اما برای کفایت مهمات و باز آمدن
از غربت بوطن و حصول مرادات کلی و جزوی و رسیدن بمطلوبات خویش و دفع
دشمنان قوی و خصمان بزرگ و نصرت بر عدو این کلمات را سیصد و سی و هفت نوبت بخوانند
وَكَفَى بِاللّٰهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللّٰهِ نَصِيرًا وَكَفَى بِاللّٰهِ حَسِيبًا وَكَفَى بِاللّٰهِ عَلِيمًا
وَكَفَى بِاللّٰهِ وَكِيلًا وَكَفَى بِاللّٰهِ شَهِيدًا برای الفت دلها و وسعت رزق و طلب
جاه و منصب و بزرگی و محبت سلاطین و عقد السنة اعدا یکهزار و یکبار بخوانند اَللّٰهُ لَطِيفٌ
بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ برای جاه و رفعت و قبول عامه و استجابت
دعا و ترقی و تسخیر خلایق و آسانی کارها این اوراد را بخواند سه هزار و سیصد و سی و سه نوبت
عدد کبیر عدد وسط ششصد و شش عدد صغیر شصت و شش نوبت يس وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ
ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ این ورد
هفت خاصیت دارد عزت و رفعت و فراخی روزی و حشمت و محبت و قوة و قدرت عدد کرع
مرتبه حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ برای کفایت
مهمات و حاجات و دفع خصمان این کلمه را هفتصد و هفتاد بار بخواند کهیعص و اگر تواند
کلمه حمعسق را بدو ضم کند بعد از فریضه صبح یکصد مرتبه بخواند که انشاء الله تعالی فتوحات
عظیم خواهد شد يَا عَلِيُّ الْمُرْتَضَى أُنْظُرْ إِلَيَّ قَدْ أَتَيْتُ خَائِفًا مِمَّا لَدَيَّ يَا وَلِيُّ
نَجِّنِي مِمَّا أَخَافُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ بسند بسیار معتبر در کتاب بشارات و در کتاب ترجمه
حصن حصین مذکور است از برای دفع اعداء در شب چهارشنبه که ماه در نقصان بوده باشد
غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول بعد از حمد سی و نه مرتبه سوره الم تر کیف فعل ربک

بخوانند و در
دوم بعد از حمد سی و نه
مرتبه سوره تبت یدا ابی لهب بخوانند
و بعد از سلام سه نوبت و الم ترکیف فعل و در شود
و بعد از سلام سوره الکافرون قل یا ایها الکافرون بخوانند
چهار رکعت بنیت سوره ... بسم الله الرحمن الرحیم
و چون باین محل رسید که ... فعلهم ... بعد
صلوات بر ... دشمن را در خاطر آورد ...
از ان پس ... بابد ... و ...
نشت بسمله و ... جمعه و ...
فقطع دابر القوم الذین ظلموا
و الحمد لله رب العالمین ...
بعد از آن دشمن ...
و آنکه ایشان ...
نقل نمودند که ...
کرامات ... از حضرت امیر المؤمنین ...

که از برکات علمای امامیه یافتیم که نوشته بودند که بطرق متعدده بما رسیده که هر گاه احدی را
دشمنی بوده باشد که از شر او خائف و هراسان باشد این نماز را بجوی که مذکور شد بگذارد
که بسیار مجرب است ختم سوره مبارکه فاتحة الکتاب بجهة حفظ نفس و دفع اعادی بعد از نماز
عشاء ابتداء بقرائت نموده چهل مرتبه بخواند و بعد از فرایض صبح و ظهر و عصر بدستور
چهل مرتبه و بعد از فریضه مغرب بیست و هشت مرتبه بخواند که در شبانه روزی یکصد
مرتبه خوانده شود آنگاه حاجت خود را طلب نماید که مستجاب است آیه مبارکه آیة الکرسی بجهت
فتح الرجال بیست و یکنوبت بخواند و بر آن دمد و بشخص بسته دهد بخورد و بجهة ظفر
یافتن بر اعادی بیست یکروز هر روز ده مرتبه بخواند و بجهة ترقی دنیوی از غره ماه شروع
کند تا چهاردهم بعدد ایام ماه بخواند و اگر کسی را مهم صعبی پیش آمد در جای پاکی نشیند
و صد نوبت بخواند و در اثناء قرائت با کسی سخن نگوید مهم وی کفایت شود طریقه ختم
بسم الله الرحمن الرحیم هفتصد و هشتاد و شش (۷۸۶) مرتبه در یک مجلس بخواند و بعد از ختم یکصد و سی و دو
نوبت صلوات بفرستد بهر مقصود که خواهد روا شود بجهة حرز از جمیع بلاها این
دو آیه مبارکه را بطریق ذو الکتابه در مربع دو دو بره در هنگام مقارنه سعدین بمشک
و زعفران و در بازوی راست به بندد اَللّٰهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ
الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ۳۹۱ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ۴۱۹
كِتَابٌ مَرْقُومٌ ۲۷۲ ۸۵۰ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ۱۲۵ ۷۵۳ و عدد آیات را در مربع ثبت نموده بسد بابن ۴۸۹

الله لطیف

۲۷۲	۴۱۹	۲۹۱	۱۹۵
۱۹۴	۳۹۲	۴۱۸	۷۳
۴۲۱	۲۷۴	۱۹۳	۳۸۹
۳۹۰	۱۹۲	۲۷۵	۴۲۰

کلا ان

۷۵۳	۸۵۹	۴۸۹	۱۲۵۰
۱۲۴۹	۴۹۵	۸۵۸	۷۵۴
۸۱۱	۷۵۵	۱۲۴۸	۴۸۷
۴۸۸	۱۲۴۷	۷۵۶	۸۱۰

بجهت ... زن ...
اگر ... مربع ... بنویسد ...
و در بیرون ... بنویسد و در دو ...
بنویسد و در دو فوق مربع اول نام ...
سوره آل عمران الم المص الر المر
حروف مقطعات قرآن کهیعص طه طسم یس ص حم عسق ق ن
است ...
هفت نوبت ...
حروف در ... از یوم الاحد ...
سبعه و ...
لوح ...
از وضع حمل ...
این مبارک ...
طبعی و ...
مع ...
... نکند ...

باب بیست و یکم

نقل است از شیخ بهائی که وقتی که قمر در برج ثور باشد بنویسد باین روش که در خانه اول عدد
عدد مدعا را با اسم شخص و مادرش نویسد و در خانه چهاردهم عدد آیة الکرسی را
بنویسد و در خانه یازدهم عدد اذا جاء نصر الله و در خانه هشتم عدد ابی ربّ انّی مغلوب
فانتصر بنویسد و بطریق ذوالکتابه تمام کند و آیات و سوره را بعدد صغیر بخواند و لوح را
در تاج نگهدارد که بجهة هر مطلبی مجرب است بدین منوال عدد مدعا و اسم شخص و مادر مثلا
۱۰۴۴ عدد آیة الکرسی عدد اذا جاء با بسمله ۴۹۱۰ و عدد ربّ انّی مغلوب فانتصر ۲۱۴۲ باین شکل

۲۱۴۲	۴۹۱۰	۱۴۰۴۹	۴۳۱
۱۰۴۶۸	۱۴۴۷	۲۱۴۱	۴۹۱۱
۱۰۴۶۱	۱۴۰۷۱	۴۹۰۱	۲۱۴۰
۴۹۰۹	۲۱۵۹	۱۰۴۹	۱۴۰۷۰

در شرح ... نقل شیخ صدوق از ابن بابویه بسند صحیح
روایت نموده که یکی از استادان خود چند روزی
متعاقب ملاقات واقع شد هر روز می دیدم او را
که بعد از نماز صبح بلا فاصله قبل از آنکه با کسی تکلم نماید
سوره مبارکه قل یا ایها الکافرون و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را
بهمین ترتیب میخواند و بعد از آن این دعا را می خواند بسم الله الرحمن الرحیم یا مالک الرقاب
ویا هازم الاحزاب و یا مفتح الابواب و یا مسبب الاسباب سبب لنا سببا لا نستطیع
له طلبا بحق لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله علی ولی الله بعد از آن
شروع بتسبیح حضرت فاطمه می نمود از سبب او سؤال کردم رساند بحضرت امام حسن عسکری ع
بچند واسطه که راوی میگوید سؤال کردم بجهة پریشانی احوال و بسیاری دشمن و علیل
بودن پس حضرت امام فرمود که هر مطلبی که داشته باشی اول و ورد را باین ترتیب مذکور شد
بعد از آن این دعا را بخوان و چون بفقره سبب لنا برسی هر مطلبی که داری در خاطر خود بگذران
که البته باجابت مقرونست و این سری است از اسرار الهی که از جد ما بما رسیده است چون تو از
محبان مائی تو تعلیم کردیم و این دعا بحضرت امیر المؤمنین منسوبست هر کس ورد و بعد در خانه خود بگذارد

ازاو دفع شود آنچه ... بنمانی ۱۷۰ بسم الله الرحمن الرحیم ... و لو کان بینی بلد ... منافق باهله و یبلغ البیت حال الطول و العرض و اسبغ الطول ... ان کان بینها الشر ... الضیق باهله اللهم اصلح ... امیدیم ... علی بعض ... مضطرب الاحوال باشد ... از ابتدای ... در دو رکعت ... و بتکرار ... بسم الله ... رکعت اول ... رکعت دوم ... و این ... بسم الله الرحمن الرحیم ... منفصل ... و این ... بکار دارد

چون این عمل را تمام کند در انفس قطعا بمقصود برسد اما دو مربع از ابتدای السطور بکشد یکی ضمیر یکی
مظهر رقم کشد و با خود دارد و این مربع دیگر با در وقت قرائت پیش خود بنهاده نظر کند که عطلب را
و بعضی از عارفین گفته‌اند که بسم الله بمنزله لفظ کن است و او است
اول مراتب علم و اوست اشرف و اعلی از جمیع علوم و مشتمل است
بر لطایف و دقایق قرآن و از برای او مربعی است عظیم القدر معانی
و بهترین طریق در وضع مربع او اینست که باین اسماء بنویسند و
من ذکر بسم الله الرحمن الرحیم ۷۸۶ علی طلسم شاء و هو باطن هذا
المربع ابطاله لوقته فافهم ذلک و هذه صفته و صغر فافهم ذلک

الرحیم	الرحمن	الله	بسم
بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحمن	الرحیم	بسم	الله
الله	بسم	الرحیم	الرحمن

۱۹۶	۱۹۹	۲۰۲	۱۸۹
۲۰۱	۱۹۰	۱۹۵	۲۰۰
۱۹۱		۱۹۷	۱۹۴
۱۹۸	۱۹۳	۱۹۲	۲۰۳

۱۲ الرحیم ۲۸۹	۱۱ الرحمن ۳۲۹	۴ الله ۶۶	۱ بسم ۱۰۲
۲ واحد سید ۱۰۳	۵ اول حسیب ۴۵	۱۲ قیوم عطوف ۳۳۱	۱۵ منتقم حلیم ۶۸۸
۹ واحد قدیر ۳۲۷	۱۴ مانع قوی ۲۸۷	۳ جواد ملک ۱۰۴	۸ احد مجیب ۶۸
۷ هادی والی ۶۷	۴ هو عزیز ۵	۱۳ مؤمن علیم ۲۸۶	۱۰ صمد صادق ۳۲۸

این مثلث را بجهة حفظ از آلات حرب
و جمیع بلیات نوشته با خود دارد
اما از خانه خاک ابتدا کند و اگر بجهت احترام و عزت خواهد از خانه آب ابتدا کند
اما از نهانبا اهل تعلیم نشود مشغول از بابا طاهر منقولست از خط شیخ بهائی و اله بواسطه یکنفر از علما

۴۴	۹۹	۲۲
۳۳	۵۵	۷۷
۸۸	۱۱	۶۶

وفق ۵ ۶ ۱ عدد لا اله الا الله

بجهة دفع وبا و طاعون از خود و هر که دوست تو باشد
و از جمیع مؤمنین اللهم یا عالم السّر و النجوی دافع
الضر و البلوی و یا رب الارض و السماء و یا ممیز الضوء و الدجی ثبت قلبی
علی ما تحب و ترضی و اصرف عنا الوباء و الطاعون بحق حبیبک المصطفی
و ولیک المرتضی و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی اعفنا من الوباء
و البلاء انک سمیع الدعاء یا ذا الجلال و الاکرام برحمتک یا ارحم الراحمین

بجهة دفع طاعون
ایضا منقول از شیخ بهائی بجهة دفع ... اللهم انا نعوذ بک
و الشیخ بهائی عطوف اللهم انا نعوذ بک
من الوباء و الطاعون و الطاعون و نعظیم
البلاء من الطعن و الطاعون و الاسقام
القبایح و العاهات ... النفس و الامراض
الغلیل الله اکبر الله اکبر الله اکبر
مما اخاف و احذر ذنوبنا ... الله اکبر
الله اکبر عدد ... صا حب ... الکوثر
صل علی محمد و آله ... فینا و اتقنا ...
اللهم شفعنا ... یا رب العالمین
و ... ربنا ... و صلی الله علی
انک علی کل شیء قدیر ... سلطان ابراهیم
الهی ... نفر ... سوره ...
ثم ... ما ... از طلا ... روز ...
نقش کند ... ابد از روز ... بجهة
... با خود دارد ...
... طبیب و الله اعلم
بنویسد

بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص تا رَبِّ رَضِیًّا پس باب بارش نیسان بشورد و بپاشامد هفت روز بجهة وسعت رزق از سوره بقره ایه وَاِذْ قُلْتُمْ یَامُوسٰی لَنْ نُؤْمِنَ لَکَ حَتّٰی نَرَی اللهَ جَهْرَةً تا مِنْ طَیِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاکُمْ نقش کند در خاتمی از نقره و در دست خود بر بندد در زق او میل و وسعت می یابد و نیکو میشود معیشت او بجهت بر امدن مطالب از سوره نوح ایه فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ اِنَّهُ کَانَ غَفَّارًا تا اَنْهَارًا نقش کند در خاتم از نقره مطالب بر اورده می شود بجهت استجابت دعا ایه وَلَقَدْ نَادٰینَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِیبُونَ در کف دست راست بنویسد پس دو رکعت نماز بگذارد در اخر شب پس دست خود را بلند کند و بگوید یا رب بحق هذا اجب دعائی اِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ بجهة غلبه بر خصمان بنویسد سوره نصر تا اخر سوره بر پارچه سبز در ساعت عطارد و مسعود بودن ماه بگذارد بر سر خود غالب می شود بر هر که با او مخاصمت کند بجهة جلب معاش و زیادتی رزق و وصول خیر این ایه را زیاد بخواند و بنویسد در پوست اهو بزعفران و گلاب و ببازوی خود به بندد این ایه را از سوره طلاق لِیُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ الی قوله تعالی بَعْدَ عُسْرٍ یُسْرًا بجهة پیدا نمودن گم شده و دزدیده و غایب بخواهی بصفحه نقش کن در خواب ایه یَا بُنَیَّ اِنَّهَا اِنْ تَکُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ تا خَبِیرًا در صفحه و بگذارد زیر سر خود شب جمعه در اول ماه بعد از نماز فریضه و نافله و بگو سُبْحَانَ مَنْ لَا یَخْفٰی عَلَیْهِ خَافِیَةٌ سُبْحَانَ الَّذِی یَظْهَرُ قُدْرَتُهُ سُبْحَانَ الَّذِی بِیَدِهِ الْقُلُوبُ وَالْاَفْوَاهُ بِاَمْرِهِ و مکرر می کنی این دعا را تا خوابت ببرد پس در خواب خبر بتو میدهند بجهة خواب دیدن جناب مقدس نبوی صلی الله علیه و اله پانصد نوبت این دعا را بخواند یَا نُورَ النُّورِ وَیَا مُدَبِّرَ النُّورِ بَلِّغْ عَنِّی رُوحَ مُحَمَّدٍ وَاَرْوَاحَ اٰلِ مُحَمَّدٍ تَحِیَّةً وَسَلَامًا بجهة وسعت رزق در یکشنبه در یک مجلس اسماء مقدسه چهار کاسه بخواند مجربست یَا قَوِیُّ یَا غَنِیُّ یَا مَلِیُّ یَا وَفِیُّ و بروایتی یَا قَوِیُّ یَا غَنِیُّ یَا وَلِیُّ یَا مَلِیُّ

طه و عنکبوت و زمر دان و واقعه است ختم اخواب بر این ترتیب در بر امدن حاجات نفعی عظیم دارد روز جمعه از اول سوره فاتحه تا اخر مائده روز شنبه از سوره انعام تا اخر سوره روز یکشنبه از سوره یونس تا اخر سوره مریم روز دوشنبه از سوره طه تا اخر سوره قصص روز سه شنبه از سوره عنکبوت تا اخر سوره ص روز چهارشنبه از سوره زمر تا اخر سوره رحمن روز پنجشنبه از سوره واقعه تا اخر قران و هر روز بعد از ورد این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ وَاِلَیْکَ الْمُشْتَکٰی وَبِکَ الْمُسْتَعَانُ وَاَنْتَ الْمُسْتَغَاثُ وَعَلَیْکَ التُّکْلَانُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی خَیْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ اَجْمَعِینَ بجهة محبت بی نظیر است باید این دو لوح را پهلوی هم بکشند و در وسط اول نام طالب و در دویم مطلوب را بنویسد و پنج ایه که ذکر میشود بخواند و بخور کند و در زیر سنگ گران نهد و در روز قمر در عقرب ده مرتبه ایات را بخواند و اگر مقصود برسد پانزده مرتبه ایات را بخواند و اگر نشود سه بار بخواند مجربست و در وقت گذاردن زیر سنگ بالای هم گذارد چنانچه لوح طالب بالای لوح مطلوب افتد و جفت شود و ایات خمسه اینست اول کَمَاءٍ اَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْاَرْضِ فَاَصْبَحَ هَشِیمًا تَذْرُوهُ الرِّیَاحُ دوم هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ سیم یَوْمَ الْاٰزِفَةِ اِذِ الْقُلُوبُ لَدَی الْحَنَاجِرِ کَاظِمِینَ مَا لِلظَّالِمِینَ مِنْ حَمِیمٍ وَلَا شَفِیعٍ یُطَاعُ چهارم عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا اَحْضَرَتْ فَلَا اُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْکُنَّسِ وَاللَّیْلِ اِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ پنجم ص وَالْقُرْاٰنِ ذِی الذِّکْرِ بَلِ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ و بخور عمل سندروس و کهربا باید کرد

ب ۱	والقت ۵	د ۲	و	علیک	ح
محبة	طالب	علیک	والمت	مطلوب	منی
و ۳	منی	ح ۴	ب	محبة	د

این مثلث بجهة وسعت معیشت در شرف قمر یا شرف زهره نوشته با خود دارد

الله ۲	لطف ۱۲۹ ۱	بعاده ۴ ۸ ۴ ۵
ال ۱۱۱	۹۳ ۵	۷۵ ۳
۱۵۴	[illegible]	۱۲۵

کہ مطلب تو حاصل شود باید که انکشتان دست خود را باین اسامی مبارک عقد کنی یا الله
یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم و انکشتان دست چپ را به یا سمیع یا بصیر یا حلیم یا ودود
یا مستغاث عقد کنی و بعد از ان دست راست را به کهیعص حل کنی و دست چپ را به
حمعسق البته ان مطالب حاصل شود آز جهت تسخیر شخصی بعد از نماز صبح چهارده بار
رو بشمس بخواند و ملاحظه نماید که عمل خلاف شرع انور نباشد بسم الله الرحمن الرحیم یا
مجری الشمس و یا مسخر النیل یا فالق البحر علی بنی اسرائیل اللهم سخر فلانًا لی کما ارید
فانک تفعل ما ترید و انک علی کل شیء قدیر بجهت کفایت مهمات بعد از نماز
صبح دعای یا من تحل به عقد المکاره را بخواند و چون بر ما قد هبطنی حمله رسد بسجده
رفته مطلب خود را بخضوع و خشوع ذکر نموده با خدای خود راز کوید پس سر بردارد
و دعا را تمام بخواند و در وافتح لی یا رب یا رب را بقدر کنجایش نفس بکوید و بعد از
اتمام الباسط الجواد را هشتصد و نوزده بار بخواند و اگر نتواند یکصد و چهل و هشت
مرتبه بخواند و بکسی اظهار نکند البته مهم کفایت شود بجهت حصول مطلوب خطوط
لوح را باید از قوله الحق و له الملک بکشد و بر دو لوح یا عینائیل و یا شمکائیل با
حروف کهیعص و حمعسق بنویسد و انچه مطلب باشد در خانه جلب المطالب بنویسد و
نظر سعد عمل کند و موافق کوکب بخور بسوزاند و عدد اسم باسط که هفتاد و دو ست
با عدد طالب و مطلوب منظور است ضرب کند و اسم باسط را بقدر حاصل ضرب در مدت
سه روز و اگر نتواند در یک روز باین دستور اجب یا ابا داجه بحق الباسط [illegible]

قول یا عینائیل

٣ ١٨	٨ ٤٨	١٤
٢ ١٢	٤ ٢٤	٦ ٣٦
٧ ٤٢		٥ ٣٠

۸ اگر کسی خواهد که دشمنی را مقهور کند چون مریخ در تربیع
مریخ باشد یا مقابله بساعت نحس این شکل را بر کشد
و در مسجد خراب رفته رو بقبله کرده این ۱۰۶۹ این اسما را

[illegible] بلا الظالم

[illegible] خواند که انکس مقهور شود اما
[illegible] که بهر کس نکند تا مستحق
نشود فورًا اثر کند

٩٥٨ ٢	٩٦٥ ٥	٥٦٠ ٤
٣ ٩٦٧	یا قهار [illegible] یا [illegible] ٥	٥٥ ٣
٤ ٩٦٤	١ ٩٥٧	٨ ٤٦٠

مصریه حکمای مصر در مثلث اسمایست
که عدد اسم هر چیز که باشد از خیر و
شر گرفته وان مطلب را در قطب
نویسند و بعدد خواندن اسم مشغول
شوند و مقصود خود حاصل کنند
مثال یا مفتح فتح یا الجبر جهر فتوحات را
عدد گرفته و در مثلث بنویسند و عبارت را
در قطب نویسند باید که قمر در شرف
باشد یا ناظر زهره و اگر کاری
مشکل پیش اید این شکل را بنگارند
و ۱۸۶۰ نوبت این عبارت را بخوانند
البته اسان کردد و مقصود حاصل شود
شکل اینست ١٠٥

٦ ١٨٦٠	١ ٨٥٦	٨ ١٨٥٨
٧ ١٨٦٢	٥ یا مفتح فتح [illegible]	٥٥
٢ ١٨٥٧	٩ ١٨٦٤	٥٣١

و اگر کسی را از شغل و عمل منصبی پیدا نشود تا اینکه کارش بستر باشد چون قمر در سرطان با
و ناظر بمشتری این شکل را بنگارد و در یک مجلس یا میسر بسر هذا العسر را هزار و هشتصد
و پنجاه و هشت نوبت بخواند البته کار او کشاده شود در
از روی خط شیخ نوشته شد این شکل و طریقه او اینست که
پیش از طلوع آفتاب برهنه شده بر چوب درخت دار
رو بمشرق به بندد و در آفتاب نگاه دارد تا آفتاب باشد

٢ ١٤٥٥	٧ ١٤٦٠	٦ ١٤٥٩
٩ ١٤٦٣	٥ یا میسر بسر هذا العسر ١٤٥٨	١ ١٤٥٤
٤ ١٤٥٧	٣ ١٤٥٦	٨ ١٤٦١

و چون غروب شود در حجره ای در که ستاره نه بیند و صد و چهل و چهار نوبت یا باسط
بخواند و بخور بسوزاند و وسعت عظیم پیدا شود اما وقتی این عمل بکند که خرجی هیچ نداشته
باشد و اگر روز پنجشنبه عمل نماید بهتر است و اگر تاخیر شود یکصد و چهل و چهار مرتبه یا باسط
طریق ختم سوره انعام در یک مجلس هفت نفر باید حاضر شوند حم باسط ۷۲ ولی هو ن باسط ۷۲
و شروع در خواندن سوره مبارکه نمایند چون بمیان دو لفظ
جلاله رسند هر یک که زودتر رسیده باشد ساکت شوند تا

٥١	٤٤	٤٩
٤٦	٤٨	٥٠
٤٧	٥٢	٤٥

١٤٤

هفت نفر همگی برسند و بعد از ان صاحب اجازه دعای یا منتهی مطلب الحاجات را که در صحیفه
کامله است بخواند و همه امین بکویند یا اصل دعا را بخوانند و مطلب را بخواهند و همه یکمرتبه
از جلاله دویم شروع نموده تا اخر سوره که تمام شود و بعد از اتمام دعای اخر صحیفه که دعای
یا فارج الهموم است بخوانند که مطلب حاصل است ان شاء الله و بقدر مقدور تصدق و بر فقرا
نمایند در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقولست که هر گاه ترا حاجتی بسیار رو دهد
پناه ببر بجناب اقدس الهی و دو رکعت نماز کن و هدیه کن از برای حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
باین نحو که اول غسل کن و دو رکعت نماز بکن و در اول نماز هفت تکبیر افتتاح با دعاها کرده

[illegible] بخوان
[illegible] بعد رکوع
[illegible] اللهم انت السلام و منک السلام
و الیک یرجع السلام [illegible]
و ادخلنا دار السلام تبارکت [illegible]
سلام [illegible] اللهم
علیه [illegible] رحمة الله [illegible]
ان هاتین الرکعتین هدیة منی [illegible]
الله صلی الله علیه و آله [illegible]
علیهما ما امّلت و رجوت فیک [illegible] یا ولی المؤمنین
[illegible]
و چهل مرتبه بگو یا حی یا قیوم یا حیًا لا یموت
یا حی لا اله الا انت یا ذا الجلال و الاکرام یا ارحم الراحمین
بعد جانب راست و چپ [illegible] خود را [illegible]
و در هر یک چهل مرتبه [illegible]
دعا را بخوان [illegible]

پس سر از مهر بردارد و دستها را بلند کن و باز چهل مرتبه بگوی پس دستها را بگردن خود بگذار
و انگشت شهادت دست راست را بجانب راست و چپ حرکت بده و باز چهل مرتبه بگو
پس ریش خود را بدست چپ خود بگیر و گریه کن و اگر گریه ات نیاید خود را بگریه بدار
و بگو یا محمد یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اشکو الی الله و الیک حاجتی و اشکو
الی اهل بیتک الراشدین حاجتی و بکم اتوجه الی الله فی حاجتی پس بسجده برو و بگو
یا الله یا الله انقدر که نفس قطع شود پس بگو صل علی محمد و آل محمد و حاجت خود
طلب پس حضرت امام جعفر صادق ع فرمودند من ضامنم بر خدا که از جای خود حرکت نکند مگر
انکه حاجتش بر اورده شود و مبشر بن عبد العزیز از حضرت جعفر بن محمد الصادق ع روایت
کرده بجهة پریشانی چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر پس چون چاشت روز جمعه
شود زیارت حضرت رسول خدا را صلی الله علیه و آله از بالای بام خانه ات یا در بیابانی
که احدی ترا نه بیند در انجا پس دو رکعت نماز بجا اور و بدو زانو در او زانوهای خود را
بخاک برسان در حالتی که رو بقبله کرده باشی و دست راست خود را بر بالای دست
چپ خود گذارده باشی و بگو اللهم انت انت انقطع الرجاء الا منک یا ثقة
من لا ثقة له لا ثقة لی غیرک اجعل لی من امری فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث
احتسب و من حیث لا احتسب پس بسجده برو و بر روی زمین و بگو یا مغیث اجعل
لی رزقا واسعا من فضلک العظیم اگر چنین کنی طالع نمیشود روز شنبه برای تو مگر با
روزی تازه بدانکه حرف کبیر و متعال خواص بسیار دارد خصوص در تسخیر سلاطین و
یافتن مناصب عالیه در لوح ۹ در ۹ باید رقم نمود که موفق باشد در شرف مریخ بجهة اطلاع
بر امور مستقبل این ده اسم را در لوح ۱ در ۱ نهد و در زیر سر گذارد و اسماء را قرائت
کند تا بخواب رود بهر مطلب که قصد کرده باشد در واقعه به بیند و ده اسم اینست سلام

سریع مانع منتقم منتصر ... سبحان سلطان سابق ... سبوح بجهت عقد اللسان ... ثور با اسد این ده حرف ... گند و با نعمد دارد ... دی و تیر شود ... هر که خواهد که کار این ... احوال بداند در نیم شب وضو ساخته ... رکعت نماز بگذارد و بعد از نماز سر باد و اسما ... نویسد و در زیر بالین ... صد بار بخواند و در مصلی بخواب رود ... باشد بخواب بیند یا هادی اهدنی ... تا تعلیم علمنی یا خبیر اخبرنی یا مبین بین لی ... حق تعالی جواب با صواب ... هر کس که خواهد عمرش دراز شود ... اوراد و ست ... شود ... این دو ...

باید که بگذارد اول غسل کند و بعد از ان جامهای پاک در پوشد و بخانه خلوت رود و صد نوبت
صلوات فرستد و دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت تحمید و بکبیر بتبه و این ایه صد مرتبه بسم
الله الرحمن الرحیم فانظر الی آثار رحمة الله کیف یحیی الارض بعد موتها ان ذلک لمحیی
الموتی و هو علی کل شیء قدیر و بعد از نماز صد مرتبه این دعا را بخواند یا منور
الاشجار بانواع النور نورنا و بنا بنور معرفتک یا عزیز یا غفار برحمتک یا ارحم
الراحمین دعای دفع تنگرگ و ملخ و آفات سماوی و ارضی از هر موضع زراعت که خواهد بنویسد بنگار
بر چهار پاره کاغذ و در چهار کوزه آب نرسیده نهد و سرها را محکم کرده در چهار طرف مزرعه
پنهان کند یا انکه کاغذها را در موم گرفته از چهار طرف مزرعه بیاویزد تا الله
تا از جمیع آفات محفوظ باشد و شرط است که قمر در سنبله باشد و او را بنویسد
بسم الله الرحمن الرحیم بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و الحسن و الحسین ع
و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد علیهم السلم
و بحق کهیعص و بحق حمعسق و بحق ایة الکرسی و امن الرسول که بستم
بلای ملخ و سن و تنگرگ و دزد و آفات سماوی و ارضی از مزرعه فلان بن فلان
بچهار حد معین فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم انما امره اذا اراد شیئا ان یقول کن فیکون
فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون الم تر ان الله یزجی سحابا ثم یؤلف بینه ثم یجعله رکاما فتری
الودق یخرج من خلاله و ینزل من السماء من جبال فیها من برد فیصیب به من یشاء و یصرفه عن من یشاء
یکاد سنا برقه یذهب بالابصار سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و
الحمد لله رب العالمین سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین و عنت
الوجوه للحی القیوم و قد خاب من حمل ظلما اللهم ادفع البرد و ضرر الجراد
و جمیع الآفات عن هذا الموضع بحق اسمک الاعظم الاعظم الاعظم و بحرمة محمد و آله الطیبین
علیهم السلم و بحق جمیع انبیائک المرسلین و بعزة ملائکتک المقربین یا اله العالمین

بجهة دفع درد ... دو رکعت ... از قبل اثبات ... مقبولست که مضیق ... بود هر ... گفت ابراهیم ... اخرجنا ... ربنا ... علینا ... یا الله یا الله ... کار خود ... بحروف ... بعضی از عرفا ... که طریق دعوت ... کبیر ... بوده باشد ... طلوع آفتاب ... این ذکر ... بعمل ...

نکسیر آنرا بر خاتم نقره در مربع نقش کند که از چهار دانك نقره طلا و یکدانك باشد و خاتم را در انکشت کند و عزیز دارند و محافظت کنند از زن و کودك و ادم دنی و در ایام و اوقات دعوت کاهی نظر در ان کنند خصوصا در وقت خواندن و شرط دیکر انست که در خلوت خوانده شود و کاهکاهی بخور بسوزانند و در حین خواندن سخن نکوید و تمام بخوانند و معنی اسمین را در دل مکذراند که بمعنی زنده و پاینده باشد اکر شرایط عمل اید حکم خاتم سلیمان دارد و فواید خاتم و اسمین با عدد بسیار است از انجمله برای تسخیر قلوب خلایق و سلاطین و جلب جاه و عزت و رزق و اکر بر سر بیمار و دبیار شفا یابد از خواجه نصیر الملة و الدین مرویست که هر کس قرض دار باشد و از ادای ان عاجز باشد در کار جوی اب این مربع را بنویسد و باب روان دهد و قدرت حق تعالی را ملاحظه کند که از موده است و اکر کسی در بند حاکم باشد همین مربع را نوشته در بغل او کذارند نجات یابد و هم چنین بیمار را و زنی که نزاید و چهار خانه و سطر دیکر عدد نباید نوشت همین اصل فقرات دعا را باید

۹۶۲	۱۰۲۱	۵ ۱۱	۴۸۲	بخط شیخ شهید بود در کتاب
۵۱۲	بعینك احرسنی	اللتی لا تنام ۹۶۳	۱۰۲۰	فرج بعد از شدة قاضی
۴۸۰	برکنك واکفنی ۵۰۹	الذی لا یرام ۱۰۷۳	۹۶۴	تنوخی مذکور است که این صو
۱۰۲۲	۹۶۵	۹۷۴	۵۱۰	ادرست و ما اعجب هذا الجدول

وجدته فی عدة کتب باسانید و غیر اسانید علی اختلاف فی الالفاظ و المعنی قریب و انا اذکر اصحها عندی یعنی چه عجب چیزیست اینکه من یافتم از او در چندین کتاب در بعضی با اسانید و در بعضی بغیر اسانید با اختلاف الفاظ ان اما معنی هم نزدیکست بیکدیکر و از انجمله انچه نزد من اصح است و ان اینست که در کتاب محمد بن جریر طبری که انرا کتاب اداب حمیده نام کرده است یافتم و از ان نقل کردم بحذف اسناد از حارث بن روح که از نقل کرده از پدر خود که او از ائمه حضرت که

ـ مکر در موارد که اعمال هر کاه مهمی و کاری پیش آید که شما را اندوه و غم اندازد باید با امید شما را بالابود و با این شما بخیزید دو دوی کنار شود انکه کلاه از ان مسافر و مکان باشد که را و کنار بزمین با خواند که این ... هفت ... بکوید اللهم اوسا شید ... و بعد از آن بکوید یا اله الا انت سوره والیل بخواند و بعد از ان و بحق ... انقلابی ... شخصی ... بکوید بدر سبکه ... یا مقیم و با می کوید بدر شب ... یا رحیم ... ـ غلامی ... ابو سعید ... این رباعی از شیخ ابو سعید ... صلوات وعطای ... از نصف ... بکصد و ... دکف ... بکصد ... این رباعی ... عزیز ... و ... دل ... رباعی ... کرانه ... و دو وجه ... زبان ...

عالم همه خفته اند و درها بسته یا رب تو در بسته بما بکشائی این رباعی شیخ را نیز بجهت توانکری و غنا بعدد اسم خود مکرر بخواند یا رب بعنایتم توانکر کردان از نور یقین دلم منور کردان اسباب من شیفته سرکردان بی منت مخلوق میسر کردان افسون مورچه باید که بعدد مورچه را بکیرد و بر یکی بخواند سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و بر دیکر بخواند لا اله الا الله ایمانا و صدقا و بر سیم خواند لا اله الا الله ابدا حقا و در سوراخ موران سرد هد این سه مور را بقدرت خدا همه موران را بکشد و بر طرف شوند

باب ۲
بدانکه بمقتضای ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها ابداع کلی در بعضی از انها جاری می شود بخصوص بیست و هشت اسم از انها که هر اسمی از انها ابداع ثانی از برای کل میشود و کاهی هم جاری میشود این اسم در جهتها کلیه بحکم جزئی و ان اسماء اینست البدیع الباعث الباطن الاخر الظاهر الحکیم المحیط الشکور و غنی الذی المقتدر و الرب و العلیم و القاهر و النور و المصور و المحیی و المبین و القابض و الحی و الممیت و العزیز و الرزاق و المذل و القوی و اللطیف و الجامع و رفیع الدرجات و از برای هر یك از این بیست و هشت اسم تجلیاتی هست در عالم معنی که تجلی ذات باریست باین اسم در معنی ان مثلا در عقل اول که صادر اول است باسم بدیع است در مرتبه الف از بیست و هشت حرف هجائیه چون در نزد علماء حرف الف اول مخترعات است که از اختراع اول باشد که اول فعل باشد که در بعضی از احادیث اختراع و ابداع و مشیة و اراده کفته شده که اختراع اول از اختراع اول او را استقص اول و عنصر اول کویند که سایر موجودات از او ناشی شده و در کلی اعداد عددیست که وجود سایر اعداد بسته بوجود اوست چنانچه در اختراع از او وجود یافته که او جسمی است مبدع از اختراع و مخترع به و در نفس کلیه تجلی باسم باعث است در مرتبه با چون با مخرج شده است از اختراع

ـ باب اول از اختراع اول و بالجمله کرسیم مخترع ثانیست و تضعیف الف است ثیم مخترع ثانیست مبسوط شده از برای کرسی دوم ازانجهت ... که کفته ... از الف و نقطه الف است زیرا که ... باین طریق ... و ابداع ... باید ... اول ... در مرتبه ... بسیط ... از جسم ... اولست که مخترع شده ... صورت و جسم ... عدد الف ... صورت ... از اجتماع ... در حرف الف قائم و با مبسوط ... چون الف ... شود ... باسم باطن ... زاویه حاده ... طبیعت کلیه ... جیم و جیم زاویه حاده ... از الف ... فاما در ... مرتبه ثالثه جیم ... اول ... سیم ... از ... ـ

باب ۲۲ در قاعدهٔ کلیه در اسماء حسنی

اب و در هیولی تجلی میکند باسم اخر در مرتبه دال و دال دیم مبدعات ما بدع دیم که الف است
از مخترع دیم که با بود چون با نسبت با الف دیم مخترعات پس با مخترع نشود چون دو با
بود ضرب دو در دو چهار می شود و دال مرتبه چهارم تراب است پس اختراع اول الف است
و اختراع دیم باست و اختراع اول از اخلع اول جیم است و ابداع دیم از اخراج دیم دال است
و اختراع همان ابداع است و از مصطلحات است نزاع در اصطلاح مکن پس ابداع دو قسم
شد یکی ابداع اول در وجود مطلق و یکی ابداع در وجود مقید که ابداع حروف
باشد و از برای هر موجودی بقدر قابلیت و استعداد او ابداع خاصی است در عالم
فیض و هکذا تا اخر اسماء حسنی تجلی است در مرتبه یکی از حروف هجائیه و اختلاف افراد
این جنس باختلاف ظهورات این اسم در ظهور و تفاوت این قابلیات از افراد این است
و از برای این اسماء حسنی خواصی هست که بر وجهی که مقرر شده تصرف در اشیاء می کند
و اورا ابداعات اسماء حسنی کویند از انجمله انست که مکبری بقدر حروف اسم خود مثلا
اسمی را از اسماء حسنی که در اول ان اسم حرفی از حروف اسم تو در او باشد و بعدد اعداد
او یا بعدد حروف هجائیه او یا بعدد حروف اسم اعداد او را بکیری و مکررات را بیندازی
پس از ان بحرف ندا او را بخوانی و حاجت خود را بخوانی مثلا اگر اسم تو محمد باشد می کیری
اسم مجید و حمید و معطی و دلیل را و میخوانی بعدد اعداد او مثلا مجید ۵۷ است و حلیم و معطی
۸۸ است ۱۲۹ است و دلیل ۷۴ است مجموع ۴۰۲ می شود و اگر بعدد بسط هجائی باشد باین طریق
دال ای طا ن ی ع م ی م | م ی ا | ی ا | ل ا | ح | دال ای م ی ج م ی م
لام ی ا لام که مجموع ۲۴ می شود و اگر بحذف مکرر باشد ۹ می شود یا باعداد جفری
انها باشد ۹۵ ا میشود یا باعداد اسماء جفری باشد ۶ باشد و اگر بعدد حروف اعداد انها
باشد س ب ع خ م س و ن ث م ان ی ة ث م ان و ن م ا ة ث س ع ة ع ش رون ا ر ب

شروط تاثیرات اسماء

در شرائط معمول در اسماء حسنی

و دیگری مجسمی یا یکی چاره و دو بکری با رده و هکذا پس اختیار میکنی از میان اسماء حسنی اسمی را
که تعدیل میان خود و حاجت باشد که هر دو موافق باشند و اورا بکیر با اینکه جمع کنی
میان ان اسم و میان خود و میان حاجت خود در شکلی و او را ترکیب کن بکلماتی و باین طریق
بخوان چه عجمی باشد یا عربی اما معنی داشته و ملاحظه کن معنی اسم را و حاجت خود را
تا امر تمام شود از انجمله انست که میکیری از اسماء اسمی را که موافق عدد اسم خود باشد یا جمل
کبیر اسمی را میکیری یاد و اسم یا بیشتر تا وقتیکه عدد حاصل شود مثلا محمد ۹۲ است میکیری
حی و وهاب و ولی و جواد که ۹۲ است پس از ان ۹۲ مرتبه فاتحة الکتاب میخوانی و ۹۲ سوره الم
نشرح و اسماء حسنی را میخوانی الحی الوهاب الولی الجواد ۹۲ مرتبه پس از ان میکوئی یا حی
یا وهاب یا ولی یا جواد صلِّ علی محمدٍ و آل محمدٍ و افعل بی کذا بجای لفظ کذا حاجترا
بخواند و در حال ذکر متذکر باشد که حی را که میکوید بجوید در هر چیز را ملاحظه کند و از
و از جواد و وهاب عطیه از برای هر چیز را و از ولی قیام بهر چیز را و حاجت خود را قبل
در قلب خود قبل از ذکر بکذراند و همچنین در حال ذکر و پیش از دعا یاد کن خدا را چون خدا
ترا میخواند که دعا ترا مستجاب کند وعده داده او را تصدیق کن در وعده اش که بلی خداوند
دعای مرا مستجاب می کند فاذکرونی اذکرکم ادعونی استجب لکم و اعلم ان القاصد الیه قریب
المسافة و اذا سئلک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا
لی و لیؤمنوا بی لعلهم یرشدون یعنی مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم بخوانید مرا تا اجابت کنم
کنم شما را و بدان بدرستیکه هر که قصد کرد او را راه بسیار کم و مسافت او بسیار نزدیک است و چون
سؤال کنند از تو بندکان من از اینکه خداوند نزدیک است یا دور است که او را آهسته بخوانیم یا
او را بلند بخوانیم بکو با ایشان که من نزدیکم بشما از راه کردن شما جواب میدهم دعوه و خواهش
دعا کننده و خواهنده خود را هر کاه مرا بخوانند پس باید البته قبول کند طلب حاجتشان را یعنی اطاعت

خواص الله

کسیکه بترسد از غرق شدن و مربع او ۱۲ در ۱۲ است و مراد با و تکسیر کبیر است که اسم رباعی ۴ الحم

پس مشتباه در ۱۲ خانه اگر ۱۲ در دوازده باشد عمل ابی

ه	ل	ل	ا	ه	ل	ل	ا
ل	ا	ه	ل	ل	ا	ه	ل
ل	ه	ل	ا	ه	ل	ا	ل
ل	ا	ه	ل	ا	ل	ل	ه
ه	ل	ا	ل	ل	ه	ل	ا
ا	ل	ل	ه	ل	ا	ل	ه
ل	ه	ل	ا	ل	ه	ا	ل
ل	ا	ل	ه	ا	ل	ه	ل
ل	ه	ا	ل	ه	ل	ا	ل
ا	ل	ه	ل	ا	ل	ل	ه
ه	ل	ا	ل	ل	ه	ل	ا
ا	ل	ل	ه	ل	ا	ه	ل

وکسیکه مداومت کند بر ذکر او حاصل
می شود از برای او در باطن نور و سر
الهی که از وصف بیرون باشد الا اینکه
این تجلی نور و سر الهی بحسب اقبال اوست
واگر مربع دو مربع او را کسی با خود دارد
از برای او کرامتی و قبولی از خدا و خلق
حاصل شود

۱۶	۱۹	۲۲	۹
۲۱	۱۰	۱۵	۲۰
۱۱	۲۲	۱۷	۱۴
۱۸	۱۳	۱۲	۲۳

واین است صورت او
وعدد او کبیر وسط
وشش میشود که نهم از اسماء

الرحمن است هر که مداومت کند بر او عقب هر نمازی وصد دفعه بگوید مجمل الطاف
الهی میشود در جمیع افعال واقوال خود وکارهای او پسندیده حضرت حق میشود و همچنین
اگر بنویسد و با خود دارد باین طریق وعدد کبیر او باعتبار لفظ ۲۹۹ می شود سیم الرحیم است

۳۸	۶۸	۸۰	۷۴
۸۳	۷۱	۷۶	۹۶
۷۲	۸۲	۷۰	۷۵
۶۷	۷۸	۷۳	۸۱

هر که او را ذکر خود قرار دهد از خدا سؤالی نکند مگر اینکه
خداوند باو عطا فرماید و هر که بنویسد مربع او را و با خود دارد
خداوند او را از آفات ایمن گرداند

۳۶	۶۷	۷۰	۵
۲۶	۲۱	۱۸	۶۸
۲۲	۲۳	۳۸	۶۲
۲۹	۱۶	۱۹	۲۱

واعمال را بر او سهل و آسان کرده اند واین صورت اوست
وعدد کبیر او ۱۲۵ وسط سی و سه صغیر شش یعنی صاحب رحم

[illegible]

مختص بحق است و مناسب حاجتمند مزبوره وکان بالمؤمنین رحیما چهارم الملک است و معنی او

پادشاه صاحب مملکت تام الملکوت السموات والارض دیم مالک وصاحب تصرف که

کرا لعرش بجهت تخفیف افتاده هر که او را در روز جمعه پیش از طلوع آفتاب صد مرتبه بخواند

خداوند مطالب او را روا کند و حوائج دنیا و آخرت او را برآورد هر که بنویسد و با خود دارد

۴۵	۳۶	۴۷	۴۲
۵۰	۳۹	۴۴	۳۲
۴۰	۴۹	۳۸	۴۳
۳۵	۴۶	۴۱	۴۸

دولت و عزت و جاه او زیاد شود عدد کبیر ۹۰ وسط ۹ صغیر ۹ مربع او
پنجم القدوس بسیار منزه از معایب وقبایح و پاک از شبهه
انداد و اولاد و غیرها و تقدیس ما از برای خدا بمعنی نسبت دادن
ماست او را بپاکی و برائت از ما لا یلیق چنانچه ملائکه گفتند نحن نسبح بحمدک و نقدس لک
هر که هر روز وقت زوال صد مرتبه بخواند از شر نفس و وسواس شیطان کفایت شود
و هر که بنویسد روز جمعه بر پاره نان سبوح قدوس رب الملائکة والروح وبخورد باطن
او صفا یابد مثل ملائکه و هر که نقش کند مربع او را و نگاه دارد با خود آثار انبساط و ثبات
و صفا در خود بیابد و در عدد کبیر ۱۷۰ اوسط ۲۰ صغیر ۲ هر که با حتی با هر تو مرا نقش بکن کند ذکر او در میان

۳۲	۳۵	۳۹	۲۵
۳۸	۳۶	۳۱	۲۶
۲۲	۴۱	۳۳	۳۰
۲۴	۲۹	۲۸	۴۰

مردم بماند و همراه داشتن او موجب ایمنی از آفات است و مربع او
ششم السلام است و معنی دارد اول سالم بودن از هر نقصی که
خلایق را عارض میشود از انتقال و زوال و مرض و فوت و فنا
بمعنی سالم مصدر است برای مبالغه مثل رید عدل دیم بمعنی مسلم یعنی سلامتی دهنده بخلق زیرا که
سلامتی از قبل او ناشی میشود و دار السلام یعنی خانه خدائی که مسمی بسلام است هر که مداومت کند

۳۲	۳۵	۳۹	۲۵
۳۸	۳۶	۳۱	۲۶
۲۲	۴۱	۳۳	۳۰
۳۴	۲۹	۲۸	۴۰

ورد او را روزی می شود بیا و راحت و سلامت در ظاهر و باطن
دین او و برای شفای بیمار مجرب است صد بار بخواند شفا یابد البته
و در دش بعدد کبیر ۱۳۱ وسط ۱۴ صغیر ۵ مربع او جهة محافظت است

المؤمن دلیر انکه تصدیق کننده یعنی راست کننده وعده خود را با اهل ایمان و راست کننده نطق کرده انبیاء بود بر ظلم
با اهل ایمان و راست نکول بر او روزن بوعده خود را
و این معنی است ایمنی دهنده بندگان از ظلم
مؤمنین آنان را ایمنی از عذاب از بیم یعنی
اینکه کردانند ایشان را از عذاب و حدانیت خود
تحقیق یعنی ظاهر کرد انند و شناسانند خود را
بدلایل و آیات نزد خلق و ایمنی از شر جن و انس یابد
خلق جهت ایمان یافتن است هر که مداومت کند
مکر و همان مفصل است و شش مرتبه بعدد و سطش
هر روز صد وسی وشش مرتبه ورد کند
از وسواس ایمن گردد و هر که با خود دارد
مؤمن زاده و صغیر بنیست بیاید و سبب نیاسایندا
مربع او را شیطان نباید درد یا صاحب
هشتم المهیمن است و معنی دارد او از آنکه
احوال خلایق از اعمال و اقوال
نگاه کننده

[illegible]

باب ۲۳ بجهة اطلاع بر ضمایر و دولت و سلطنت

ایشان ۲۳ امین یعنی کسیکه در مؤمن کفته شد در اصل مؤمن بوده ثلث ء همزه او را بها از دراه قریب مخرج

هر که با طهارت جمیع بدن یعنی غسل او را بخواند باطن او اشراق پیدا شود و بر ضمایر ناس مطلع می شود

۳۸	۳۶	۳۹	۳۳
۴۲	۳۰	۲۷	۳۷
۳۱	۴۱	۲۸	۲۶
۲۵	۴۹	۴۹	۴۰

عدد کبیرش یکصد و چهل و پنج ۱۴۵ و وسط ۹ و صغیر آم ربعش بجهة حفظ این ا

نهم العزیز است یعنی غالب و عزیز عاجز که مانعی نباشد و بر آنکه

اراده نماید دعزنی فی الخطاب ای غلبنی و پادشاهان از عزعز

کویند از راه غلبه که بر رعیت دارند هر که این ذکر را روزی چهل بار بخواند اگر فقیر باشد

۳۵	۳۸	۴۱	۳۲
۴۴	۲۸	۳۴	۳۹
۲۹	۴۳	۴۰	۳۳
۳۷	۳۶	۳۰	۴۱

غنی شود عدد کبیرش ۹۴ و وسطش سیزده ۱۳ صغیر ۴ و هم چنین است هر که مربع

او را با خود دارد دهم الجبار است ۲ معنی دارد اول بندار

فقربندکان بعنا و دستکیری شکستکان بدفع ستم از ایشان ۲

بر این معنی است جبیره که در موضع زخم و شکست اعضا و ضوء ی شود دوم بر پا دارنده

خلق خود بر آنچه فرماید و آنچه تقدیر کند خواه راضی باشند و خواه نباشند و بر این معنی است

حدیث لا جبر و لا تفویض هر که هر روز بیست و یک بار بخواند از ظلم ایمن کردد و برای هر درد

المی نافع است و هر که مداومت کند جباره جن و انس مطیع او شوند و هر که هر روز بعدد کبیر او

کره بر است بخواند و مربع او را با خود دارد در جمیع عالم از ذلیل خود نماید و در دو سطر بیست و صغیر

۵۱	۶۴	۹۲	۹۶
۴۴	۵۷	۵	۴۷
۵۸	۵۵	۴۴	۴۹
۴۵	۴۸	۵۱	۵۴

یازدهم المتکبر دو معنی دارد اول بزرکواری که بزرکی اختصاص تمام

تمام بذات اقدس او دارد و غیر او و انشاید که خود را شریک و مستحق او

داند زیرا که موصوف باین صفت کسی باشد که محتاج هیچ کس نباشد

و هر موجودی محتاج بوی باشد و این معنی در غیر او سبحانه یافت نشود بنا بر این اسم شریف از اسما خاصه است

و کسیکه خود را موصوف باین صفت داند مشرکست چه خود را با خدا شریک دانسته در صفتی که مر غیر

خدا را نباشد اینکه در حدیث آمده لا یدخل الجنة من کان فی قلبه مثقال ذرة من خردل

۱۵۸	۱۷۳	۱۶۸	۹۶
۱۶۷	۱۶۴	۵۰	۱۷۰
۶۵	۴۴	۱۷۱	۱۳
۱۲	۱۵۵	۱۲۲	۱۲۹

هر که با خود دارد

استحکام عقاید و فرزند و وسعت روزی و بر آمدن حاجات

می نمود جهة راحت در قبر هفته صد مرتبه بکوید بجهة استحکام عقاید مداومت خوب و نکرار

او پنجهزار و صد و ده مرتبه اجابت در عملهای خیر سرعت هر چه بخواهد و اراده کند تحقیق

۱۷۵	۱۹۱	۱۸۹	۱۸
۱۷۴	۱۸۱	۱۸۸	۱۸۸
۱۸۲	۱۸۳	۱۷۸	۱۷۷
۱۰۹	۱۲۲	۱۷۹	۱۸۶

از برای او ظاهر میشود عدد کبیرش ۷۳۱ و وسط ۷۴ و صغیر ۲ مربعش این است

دوازدهم الباری است بمعنی خالق است الباری النسم هو الذی ۱۳

خلق الخلق و در حالت اضافه باید بهمزه خوانده شود چون تو بو

الی بارئکم و بدون اضافه کاهی بیا و کاهی بهمزه خوانده شود هر که هر روز صد مرتبه بخواند

انس و رحمت در قبر او نازل شود و هر که بنویسد و با خود دارد مظفر و منصور شود مداو

بجهة نتاج حیوانات و فرزند فایده عظیم دارد و بعضی بر آنند که جسد او در قبر تازه بماند عدد ۲۱۳

مربع المصور

۸۳	۸۷	۹۰	۷۶
۸۹	۷۷	۸۲	۸۸
۷۸	۹۲	۸۵	۸۱
۸۶	۸	۷۹	۹۱

چهاردهم المصور است یعنی صورت بندی کننده همه شکلها بدون

مثال و نمونه و اندازه و عکس هو الذی یصورکم فی الارحام کیف

یشاء هر کسیکه در حین مقاربت مکرر بکوید طفلی که از او بهم

رسد خوش شکل و وجیه کردد هر زنیکه آبستن نشود هفت روز بخواند بعدد کبیر او که ۱۳۳۶ است

مربع الباری

۵۶	۴۶	۵۸	۵۳
۴۱	۵۰	۵۵	۴۷
۵۱	۶۰	۶۰	۵۴
۴۵	۹۷	۵۲	۵۵

حامله شود و سطش ۳ صغیرش سه است و مربع او را با خود نکاه دارد

پانزدهم الغفار است مبالغه در پوشانیدنست و بر این معنی است مغفر که بر

سر میکذارند و اسنادش بحق تعالی پوشیدن آثار کناهانست یا ن باک دارد

خود جهة زوال وسواس مداومتش ماثر است چون خواهد امری مخفی بماند و بروز نکند سه روز

هر روزی هفتاد بار بر دانه ریک بخواند و در چاه اندازد و غفار ابلغ از غفور است عدد کبیرش

۱۲۸۱ هر که بعد از نماز جمعه صد مرتبه یا بعدد کبیرش بخواند و بکوید یا غفار اغفر لی ذنوبی بیامرزد

۳۲	۳۲	۳۲۶	۳۱۲
۳۲۵	۳۱۳	۳۱۹	۳۲۴
۳۱۴	۳۲۸	۳۲۱	۳۱۸
۳۲۲	۳۱۷	۳۱۵	۳۲۷

خداوند عالم او را و دارنده مربع او سالم باشد از جمیع ضرر رساننده ها

هفدهم الوهاب است مبالغه در هبه و بخشش است هر که ذکر او را بسیار بکوید

نکند بیان خیر زیرا مکر آنکه عطا شود باو

و فتوح روف و عدد رقم او چهارده ۱۰

اشاره بشفع است یا فاضه مساواه

اما عدد لفظ او ۱۹ است اشاره بوتر است

ب	ا	ه	و
۷	۴	۲	۱
۳	۴	۴	۳
۲	۵	۳	۴

عدد لفظ او

ب	ا	ه	و
و	ه	ا	ب
ا	ب	و	ه
ع	و	ب	ا

۱۷

۱۸ هجدهم رزاقست روزی دهنده

و متکفل روزی هر ذی روح

از برای وقاجر ضعیف و قوی کوچک

ویزدان مؤمن و کافر و غیر ذالک مراد برزق جمیع اشیائی است که از آن منتفع توان شد از پوشاک و خوراک و اشامیدن و زن و مسکن و تفنن و غیر ذلک از منفعات و هرکه مداومت کند بر او آسان و سهل میشود بر او رزق عدد کبیر ۳۰۸ و وسطه ۳ و صغیره هرکه او را نقش کند در مربع و حال آنکه قمر در شرف باشد و ۳ درجه ثور باشد خداوند بر او آسان گرداند گرداند رزق را و هم چنین هرگاه او را نقش کند بر خاتمی و زیاد میکوئی او را در در شب نیمه شعبان و صورت او چهار صد و هشتاد و نه است در لفظ

ق	ا	رز	ر
۲۱	۱۳	۲	۹۹
۳	۱۲	۱۹۴	۱۲
۱۱	۱۹۹	۱۰۱	۴

نوزدهم الفتاح است معنی دارد اول حکم نماینده و قضا کننده ربنا افتح بیننا ای احکم بیننا دوم کشایش دهنده کارها بعد از نماز صبح هر دو دست بسینه گرفته هفتاد بار یا فتاح بگوید حقتعالی حجابرا از دل او بر دارد و زبرای همه کار مداومت او مفید است و هرکسی مضطر شود بحاجتی و ذکر کند او را بعدد کبیر ش که ۴۸۰ باشد بعد از آنکه دو رکعت نماز کرده که در یس و تبارک الذی بیده الملک را بخواند و بعد از سلام این اسم را بخواند بعد از تکبیر این اسم بتکبیر کبیر پس از آن سؤال نکند از خدا حاجتی مگر آنکه خدا با او عطا کند و باید تکبیر او روز پنجشنبه نزد طلوع آفتاب باشد با روزه

ح	ا	تت	ف
۸۱	۷۹۹	۲	۷
۳	۱۰	۷۸	۷۹۸
۷۹۸	۷۹	۹	۰۴

در فقره بیستم العلیم است یعنی دانای بنفسه که میداند سرائر و ضمایر خلق را و پنهان نیست از وی مثقال و ذره داننده است اشیاء را قبل از احداث اشیاء بعلم ذاتی حصولی که زیاد و کم نمیشود چون علم بندگان که بمرور و دهور بهم رسد بعد از نبودن و زیاد و کم گردد و این دلیل است بر آنکه ذات او نیز مغایر با ذات بندگانست و نتوان گفت که او عالم بعلم است زیرا که قدم علم لازم میاید هرکه بسیار بگوید ذکر او را خداوند او را مطلع گرداند از دقایق امور و خفیات اسرار هرکه بر صحیفه زیبق مغشوش نقش کند در شرف عطارد که ۱۶ سنبله باشد خداوند او را ناطق کند بحکمت و

لطایف معارف را تعلیم او کند و او را مثلث باین طریق بجهت حفظ

۴۰	۹۰	۲۰
ل	بم	ع
۱۰	۱۰	ع

و هرکه نقش کند مربع او را در نقره و مشتری در شرف خود باشد که ۱۵ سرطان باشد یا مشتری در خانه خود باشد در حوت یا قوس باشد خداوند او را فهم در علوم شرعیه عطا می کند و بسیار مناسبت ذکر این اسم برای کسی که نامش علی باشد ابیست و فق او

م	ی	ل	ع
۷۱	۲۹	۱۹	۳۹
۱۲	۴۲	۶۸	۲۸
۲۷	۲۹	۴۱	۱۳

بیست و یکم الباسط یعنی پهن کننده فضل و احسان و رزق بر همه آفریده گان لاسیما اغنیا هرکه او را نقش کند بر انگشتری در ساعت زهره در روز جمعه ما بین طلوع فجر تا طلوع شمس و آن انگشتر را در دست کند فرح و سرور و خوشحالی او زیاد شود و هم و غم او زایل شود و هرکه او در بر ببندد دوست دارد و هرکه مداومت

کند یا باسط را خداوند بسط دهد روزی ظاهر و باطن او را و زنده بدارد دل او را بنور علم و این ذکر اسرافیل صاحب صور است و رد کبیرش ۷۲ و وسطش و صغیرش ۷ و مربعی دارد جلیل که در او مثلثی عددی باشد و اگر وقت نقش انگشتر یا خواندن او زهره در شرف خود باشد اکمل است

بیست و دوم القابض ماخوذ از قبض است بچند معنی اول باز گرفتن زیرا که حقتعالی روزی وسیع از فقرا باز گیرد و بعوض آن ثواب دهد یا روح را از صاحبان روح باز گیرد دویم تنگ در مقابل باسط والله یقبض و یبسط سیم بمعنی ملک و بر این معنی است قول حق تعالی والارض جمیعا قبضته

هرکه مداومت کند بر این ذکر هیبت و جلال و غالب شود و احدی تاب مجالست او را نداشته باشد هرکه در صفحه رصاصی سیاه نقش کند و زحل در شرف خودش باشد که ۲۱ میزان باشد یا در خانه خودش باشد که جدی یا دلو باشد و بخواند او را بعدد کبیر او ۹۰۳ است و بگوید اللهم اقبض علی فلان فلکت و سره در همان وقت دعایش مستجاب شود هرکه این اسم را با اسم حفیظ چهل روز بر چهل لقمه نان بنویسد و بخورد ایمن شود از مرض جوع مادام که زنده است و خواندن او جهة باقی ماندن مال در دست فایده عظیمی دارد مربع او

ف	۳۰۰	۲۰۵	۲۹۸
۱	۲۹۹	۲۰۱	۲۳
ب	۲۰۴	۲۹۷	۲۰۲
ص	ب	ا	ق

بیست و سیم المعید است یعنی رجوع دهنده و برگرداننده ارواح باجساد مثلا هرکس این اسم را بخواند بعدد کبیر او که ۱۲۴ است خداوند باصلاح بیاورد جمیع مفاسد او را و برگرداند باو هرچه از دستش رفته است و هرگاه مربع او را بنویسد طالع یکی از بروج منقلبه که حمل و سرطان و میزان و جدی باشد و این اسم اگر یا معید باشد تمام شب بخواند بجهت گریخته یا مسافر و آن مربع چهار در چهار را بر روی باد بیاویزد پیش از خواندن آن گریخته یا آن مسافر برگردد بآن مکانیکه از آن مکان

دفتر یا گریخته باذن خدای تعالی

د	ی	ع	م
۳۱	۷۱	۹	۵
۲۱	۶	۳۸	۶۸
۴۰	۳۷	۷	۱۱

بیست و چهارم احد اسم ... یعنی یکی و فرع در میان احد و واحد ... و ابعاض و فرع در میان احد منفرد بالذات سر و جر است اول آنکه واحد عجب مورد ... تنفرد بالغنی است و احد از ذوی العقول و واحد از ذوی الطارق از احد و نزیر آنکه واحد ذوی العقول و احد مطلقا ... تمثیل و عیب از ذوی العقول است اسم واحد تنشد الابد ذوی العقول میشود و احد داخل در حضرت و بعلاوه تغلیص و هم می شود و خواندن آن برای غلبه ... فایده عظیم دارد و برای احباب غنا حاصل کرد در ... رحمت و جمعیت عزیز و در ... بای نصح ... و هم ... دارد

در سیر کر عدد حروف او ستصد نود نود وسه وهرگاه بگذاری او را در مثلث که نقش شود
در صفحه از رصاص هنگامیکه زحل در شرف خود باشد که ۲۱ میزان باشد ایمن می شود حامل
او از معاندین وغالب شود بر جمیع مخالفین خود وهرگاه این صورت را
نقش کنی بر انگشتر حدید وقتی که قمر در یکی از بروج ثابته باشد
که ثور واسد وعقرب ودلو باشد ودر انگشت کند در قوت باه وکمر
جماع بی عدیل شود وعدد او بعدد سوره توحید است زیرا که معنی احد در نفی است که هیچ فنقی
در او نیست واز برای سوره توحید مربعی هست پانزده در پانزده هرکه او را بنویسد بر پوست آهو
در شب نیمه ماه عطا کرده شود جاه وبلندی در میان همه مردم چشم کسی باو نخورد مگر آنکه او را دوست دارد

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	يلد
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	احد

وازاو ...
بدانکه این مربع از اسماء صاحب ... وبعضی است ...
ثابته وانوار ... وبعضی از اسمای اعظم ...
نگاه دارنده از آفات ... شود زیرا ... در دفع ...
درنوشتن ... وانم ... دفع او ... صاحب ...
کمتر ... حرکات وسکنات ... زحل
که بیست ... در جمیع ... در شرف ...
ومظفر است ... اعمال ... ودر روزها ...
بنویسند ... از برای علما وحکام ...
که بیست ... وروز ...
اختیار کنند ... از برای امرا وملوک ...
که در سرطان باشد ... وروزها ...
جهار ... وازبرای ... وروزها ...
اختیار کنند ... شمس ... ساعت اول ...
سلاطین ... در شرف زهره
زنان واطفال ...
که ۲۷ حوت ... روز

روز جمعه ساعت اول وبرای وزراء واهل حساب در شرف عطارد که ۱۶ سنبله است روز
دوشنبه ساعت هفت از زر زرد بیست ونهم صمد است عدد کبیرش ۱۳۴ ووسطش هفده صغیرش ۸
وصمد چون در غیر خدا استعمال شود بمعنی میان پر بودنست واما در خدا بسه معنی اطلاق شود
اول بمعنی سید وبزرگ دویم بمعنی قصد کرده شده در حوائج ونوازل وپناه در همه امور
ماخوذ از صمدت هذا الامر ای قصدته سیم فانی که با ذات همه اشیا است در
عدم جسمیت وجوهریت وغیر ذلک در حین نزول بلا واحتیاج وبرهم خوردن کارها
خواندن آن مجربست وهرکه صاحب حال صادق باشد وبسیار ذکر یا صمد کند حوائج خلق
بر میگردد بسوی او وختم کامل او در خلوت چهل روز با روزه روز وبیداری شب
که اصلا افطار نکند در این چهل روز ونخوابد در این چهل شب وبسیار بگوید این اسم را
مستغنی میشود بدولت تمام واو راست مربع جلیلی که این صورتست

هو	الا	احد	جليل
۷۴	۱۲	۳۸	۱۰
۳۵	۹	۷۵	۱۵
۱۴	۷۴	۸	۳۴

وهرکه نقش کند صمد را در صفحه رصاص وبگردن بیاویزد ایمن میشود
از احتلام مادامیکه در گردن او باشد وهرکه بنویسد صاد صمد را
نود مرتبه وبر عصابه بیاویزد وببندد بر سر شان سر بند برای کسیکه صداع دارد بری
میشود واگر بنویسد الصمد را وبر روغن زیت بازیتون بشوید وگزیده شده بدهد بیاشامد از الم
زهر ایمن گردد بیست وششم سمیع است بمعنی اول شنونده سخنان سر وجهر که یکسان باشد نزد او
نطق وسکوت خلق وقبول کننده واجابت کننده دعای اعیان چنانچه سمع الله لمن حمده
واین اخص از معنی اولست سیم دانای بمسموعات از اصوات وحروف وترکیب کلمات
خواه بمنصه ظهور آید یا نیاید چهارم عالم بهر معلوم اعم از اصوات وکلمات وغیرها هرکس این ذکر را
در آخر هر دعای بخواند دعایش مستجاب شود وهرکه نقش کند بر انگشتر نقره هنگامیکه قمر در شرف
خود باشد که سیم ثور است وبسیار ذکر کند مسموع القول شود نزد همه مردم برای حفظ او وعظ این ذکر

صلاحیت دارد که تاثیری در بند
انها پیدا شود این است مربع او

س	م	ى	ع
۷۱	۹	۴۱	۵۹
۳۸	۵۸	۷۲	۱۲
۱۱	۷۳	۵۷	۳۱

وهرکه نقش کند او را در مثلث
صاحب فضیلت وبلند مرتبه نزد خلق
شود وسخن او را عوام وخواص
قبول میکنند وبر دشمنان غالب
شود وباید باین طریق نوشته شود

رن	دس	طان
س	بس	حن
اس	وس	جس

ع	ظ	او
اى	زى	طد
طل	اع	ى

بیست وهفتم البصیر است بینا ومطلع
بر همه چیز دیده می تواند شد بدون
آلت بصر بیننده چیز از نظر مخفی است
از جهت دفع رمد وشبکوری
وسایر امراض چشم ودفع فساد
قلب مداومت نماید بوقتی که
سمیع وبصیر هر دو ذکر جلیل القدر
هستند هرکس او را در روز صالح
نقش کند وببندد از درد سر وغیر
در ساعت افاقه شود بعد از آنکه
این اسم را هفتصد مرتبه بخواند وهرکه
نوع

برای درد کوش و باقی ماند اسم و وسعت روزی باب ۴۳

ثقش کند بر انکشتری طلا و افتاب در شرف خود باشد و انکشتر را در دست کند لغات جن را بشنود

و ارواح مطیع او شوند باین طریق وضع کند او راد رخاتم و هر که بنویسد بر کاغذ فرزی و بکذارد در کوش خود خداوند عالم بکشاید سامعه او را و روزی او کند فهم و حافظه و هرکاه باین طریق بنویسد و ببندازد در روغن کل و بمالد بکوش عافیت یابد باذن خدای تعالی و اینست صورت او

ب	ص	ی	ر	س	م	ی	ع
ی	ر	س	ع	ن	ص	م	ب
ی	ی	ع	م	ص	ر	ب	س
ص	س	ر	ی	ی	ب	ع	م
ر	ع	م	ص	م	ی	س	ی
ع	م	ی	ب	ب	س	ص	ر
م	ب	ص	س	ر	ع	ی	ی
س	ی	م	ب	ع	ی	ر	ص

ودد کبیر بصیر ست ٣٢ وسط ٣٢ است صغیر صحیح

مثبت و هشتم المقتدر است هر که بنویسد معقد در او بیاویزد بر کشتی از هلاک شدن ایمن شود و هر که چهل مرتبه او را بکوید از هر بلائی ایمن شود و محفوظ اورا اگر بر کردن اسب ببندد بیننی کرد بر سایر اسبان و باین طریق باید وضع کرد

م	ق	ت	ر	ر
د	ر	م	ق	ت
ق	ت	د	ر	م
ر	م	ق	ت	د
ت	د	ر	م	ق

مثبت و هشتم الحی القیوم یعنی زنده بذات خود که محتاج نیست بجائی که بان زنده کی کند و راه نیابد با و موت و فنا و در کبیر ٤٩ و وسط ٣٦ و صغیر ٩ و قیوم بمعنی دائم القائم که امور خلایق از قبض و بسط و رتق و فتق باوست چنانچه اگر یک لحظه واکذارد همه اسمانها و زمینها و من فیهما برهم خورد چنانچه موسی بعرض رسانید که خدایا خواب داری فرمان رسید که دو شیشه را پر آب کن و شب در کف نکهدار چنان کرد خواب بر وی مستولی شد شیشه برهم خورد و شکست هر که حی و قیوم را نقش نکین کند ذکر او میان مردم بماند بشرط انکه روز جمعه وقت طلوع افتاب رو بقبله با طهارت و ذکر نقش و روزی او را وسیع کند و علم او را باقی بدارد هر چند کم باشد و هر که ترکیب بکند و فوق او را که صد و هفتاد

ی	ق	ی	و	م
ن	و	ح	ی	ی
م	ی	و	ق	ح
و	ی	م	ح	ن
ح	م	ق	ی	ی
ی	ح	ی	م	و

وهرکاه وضع کنی او را در مربع نمکانه و در وسط او لفظ الله بکذاری و زهره در شرف خود باشد

حی	ق	ی	و	م
٥	١٤	١٩	٣٩	٤٢
٣٨	١٧	الله	٤١	٢
٤٩	٢٠	١٥	٤٣	٤٧
١	٣٤	٢٤	٢٥	٣٣

خداوند عالم میرساند رزق او را و اسان میکند مشکل او را و منور میکند قلب او را و نیکو میکند خلق او را و بنظر احدی عاقد باو مکر انکه او را دوست داری و اگر بیننی کیرد بکار صعبی مخلوط بماند خود و مال و عیان و و از خدا سؤال نکند چیزی مکر انکه خداوند باو عطا نماید و هر که قدر او را بداند خداوند عالم بی نیاز

در بیان بعضی از اسرار در علم اعداد

ا و ی ق حی
ط ی و ح
٢ ٣٩ ١٩ ١٤ ٥
ق ح ظ ی
٤٧ ٤٧ هو الله ١٧ ٤٢
ح ق ی ط
٩٧ ٢٢ ١٥ ٢٠ ٣٨
ی ظ ح ی
٣٢ ٢٥ ٢٤ ٢٢ ١

مکر داند باین اسم او را از غیر خدای تعالی و این باب و تکسیری از برای این اسم هست که از تکسیر انها بعد از تداخل تکسیر ٤٢ حرف کلمات مسطره پیدا شود که این کلمات موازی کلمات معجمات که اگر اضافه شود این تکسیر با ان صورت ظهر الفعل علی اتمه و کذا سایر الاسماء هرچه خواهی جمع می کنی میان خواص حروف در ضروب و اقسام تکسیر چون تکسیر امتزاج طبایع حروفست بعضی ببعضی و جمع می کنی میان خواص اعداد در ترتیب طبایع انها که خدا داده ان طبایع اگر ان اثر خاص طبیعت است مثل اینکه از حی اراده حیات هر چیزی شود و از قیوم قیومیت از برای هر چیزی اگر عنان مطلب بسته شود مرکب مراد مردم را بوادی هلاکت رساند فلنقبض العنان فللجدران اذان و تعیها اذن واعیه طریق تکسیر بنا بر انچه علمای این فن نوشته اند اینست که حی و قیوم را تکسیر کنی بدین صورت الف لام حای الف لام یا واو میم و اگر مکررات اسقاط کنی از حی شش حرف میماند الف لام حی و اگر مکررات القیوم را بیندازی هفت حرف میماند الف لام قی و م از ضرب هفت در شش حاصل می شود چهل و دو حرف و اینست صورت جدول پس درست ملاحظه کن و تدبر کن تا حظ و بهره وافری ببری از انچه علمای ربانیون و حکمای روحانیین فهمیده اند و معنی تداخل تکسیر اسقاط مکررات است که بعد از اسقاط انها ١٧ حرف باقی میماند اینست ک ل م و ی خ ف ط ث ص ض غ ف ق و از این حروف بیست و نه حرف بیرون اید هر حرفی اسمی از اسماء الله الحسنی الحی الخفی الخلاق الرحیم الرؤف

	ا	ل	ف	م	ح	ی
ا	ا	ل	ف	م	ح	ی
ل	ل	ظ	ت	ر	م	ص
ف	ف	ث	ت	ر	م	ض
م	م	ر	د	خ	ک	ن
ق	ق	غ	ع	ع	ض	ی
ی	ی	ث	ص	ت	ف	ق
و	و	ف	ف	م	ح	س

السلام الناصر الحفیظ الکافی المنصور الفضل الغافر الغفار النقی الشاکور الکریم الحکیم الغافر الکافی الملک مالک الشافی القیوم القوی الوالی الولی الوفی بعدد حروف الفتاح الوکیل الملک ازین امده کلمات موازی معجم است و مراد از بیرون امدن ان اخراج کلمات معجمات است و هذا باب بدیع از اسماء این عدد است که مراد از ان معنی ملک و این العالم الملک القدیر که در این جا رفع و بنا و رفع از ذکر شد و غرض از ذکر ان این است که مراد او باقی باشد و نام او رفیع شود هرکه نقش کند بالعلم است او در شرف باشد بر لوح از نقره و ببندد که مردم را بر سلطان ملک دارد و اذکار او در بالای ان خانه را از تزلزل در امان باشد و اسم او در صلحت حیات او برای او است که او را بنام اسلم و بمانند ادا کند با تفکر و یقین او را از زنان و قلب است بر هرمیقلد و هر چیزی بتفکر ایمان ادا شده بنام هر که ایمان اسلم هر کس ابراهیم

برای حصول مطالب و رفع خوف و الم

کرو وضع کنی او را در شرف شمس و با خود نگاه میدارد نگاه میدارد نگاه دارنده خود را از هر بلیات

ح	ف	ى	ظ
٩٠٩	٩	٨١	٧
٧٨	٥	٩٢	١٠٢
١١	٩٣	٨	٩٠

سی و سیم النور یعنی منور است شی یعنی هنده و مصدر مجرد در مقام اسم فاعل برای مزید مبالغه است والا او سبحانه را نور و حقیقة نتوان گفت چه نور کیفیتی است که باصره از ادراک می‌کند و گفته‌اند یعنی نور کننده نور است مسمی بفعل خود شده عدد کبیرش دویست و پنجاه وسط اسم صغیر ع گویند این اسم با اسم هادی وقتی که سیر باشند بگویند باین قسم الهی یا هادی و آخر بگوید یا خبیر و بین لی یا مبین هزار بار بگوید باعث نورانی شدن ظاهر و باطن مجربست و اگر مداومت کند بر این اسم خداوند دل او را نورانی گرداند و او را عجایبها آگاه گرداند و صفای باطن هم رساند و مزاج حلیل القدری که در شرف

١٩٢

صورت لوح مخصوص

م	ل	ك	ق	د	ى	ر
د	ى	ر	م	ل	ك	ق
ل	ك	ق	د	ى	ر	م
ى	ر	م	ل	ك	ق	د
ك	ق	د	ى	ر	م	ل
ر	م	ل	ك	ق	د	ى
ق	د	ى	ر	م	ل	ك

قادر در وقت وضو بسیار گویند بر خصم غالب شوند سی و یکم المتعال یعنی صاحب سلطنت بر همه اشیاء و منزه از صفات مخلوقین از تجسم و تجزی و حلول و غیرها و بلندی دارنده و عالی از آنکه وسواس شیطان و جهال در راه بلندی او خوض تواند کرد و مثل و مانندی برای وی قرار تواند داد تعالی عما یقول الظالمون علوا کبیرا بهترین اسما است از برای همه مطالب خصوصا در طلب نعت و شان هر که شبها بگوید احدی بر او بلندی ننمود و صالح است این اسم از برای کسیکه محاکمه با مخاصمه داشته باشد و هر کسی که مربع او را در رصاص نقش کند وقتی که زحل در شرفش باشد یا در خانه اش و ذکر کند این اسم را بعدد خودش قاهر شود بر هر که عقاوت کند با او و این اسم از اسماء جلیله است

مربع مشغال

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
١١٤	٩٧	١٠٥	٩٣	١٠١
١٠٨	٩١	١٤	١١٢	٩٥
٣	١١٠	٩٨	١٠٤	٩٤
٩٦	١٠٩	٩٢	١٠٠	١٠٣

سی و دویم الحفیظ فعیل بمعنی فاعل یعنی حافظ و نگاه دارنده اشیاء از چیزیکه مستلزم فنای او باشد تا وقتیکه مقرر گردانیده و حفظ باین معنی که بر خلق اطلاق کنند اسناد آن بجناب اقدس الهی داده نمیشود چه حفظ بندگان نگاه داشتن چیزیست در خاطر و رد کبیرا او ۹۹۸ وسط اسمی است سریع الاجابه از برای کسیکه بترسد در سفر در منازل خوف همیشه بخواند و هم چنین در هر جای مخوف و بیمناک خداوند نگاه دارد با و بدی رسد و هر که نقش کند در انگشتر نقره و بگرداند عدد شرا و فوق کبیرا و حروف در دور نگین در باطن خاتم اگر بخواند در محل جانوران درنده نرسد با و آسیبی و مکروهی و بنویسد بعد از او یا حفیظ احفظنی باین صورت مربع بنویسد طریق و از برای او مربع دیگریست که باید وضع او بطریقی مرسوم تداخل باشد

ح	ف	ى	ظ
ى	ظ	ح	ف
ظ	ى	ف	ح
ف	ح	ظ	ى

یا حفیظ احفظنی

٢٤٢	٢٥٥	٢٩٢	٢٢٩
٢٣	٢٢٨	٢٢٨	٢٤
٢٤٧	٢٥	٢٣٥	٢٢٦
٢٥	٢٤٥	٢٤٦	٢٩١

برای مهربانی و وسعت روزی و عزت

١٩٣

٤٦	٧٧	٧٥	٥٥
٧١	٥٥	٦١	٦٥
٦٣	٦٧	٦٩	٥٧
٧٣	٥٣	٥١	٧٠

شمس بنویسند با غدد و ام ملک شود با اسم نافع آن مربع او بدین صورت در او است چون غنی او ملک ظاهر او اینست مربع او سی و چهارم الرؤف یعنی مهربان و بسیار گفتن این اسم سختی را از دل زایل میکند هر کس بسیار یا حلیم یا رؤف یا منان گوید و تر بظالمی رود بر او وی ذلیل شود و ورد کبیر او ۲۰۷ و وسط سی و دو صغیر ۷ و هر که جمع کند میان مربع حرفی او و مربع عددی او در یکمربع هنگامیکه در شرف خود باشد محبوب نزد جمیع خلق می شود و این صورت او است

ق	د	١	و
٤	د	٦٩	ق
	٢	١٩٩	٨١
	٦٩	ق	د
١٩٨	٧٢	٨	ق
ق	د	٦٩	
٤	٧	٧٩	٩٧

سی و پنجم الکریم هر که نقش کند مربع چهار در چهار او را وقتی که قمر در شرفش باشد بر انگشتر نقره و در دست کند او خداوند در روزی او وسعت دهد و هر که نقش کند روز جمعه در ساعت زهره بر نگین زمرد و انگشتر نماید و صد و هشتاد و نه مرتبه بخواند و انگشتر را در دست کند یا زصد مرتبه بخواند و از خانه اش بیرون رود البته بیابد کسی را که با او چیزی و هر که جمع کند میان اعداد و حروف و به بین طریق در یکمربع اسرع و اقرب بود در اثر است کریم یعنی عزیز است و طویل الاحسان برای گرامی بودن مداومت نماید سی و ششم ذو الطول است هر که هفت ذی الطول بنویسد در هفت ساعتی از روز هفتم ماه به هر نیت که بخواهد بخواند با طهارت خداوند از برای او آسان گرداند و رسیدن بمقصود

ك	د	ى	م
٨٧	٩٤	٨٩	
ى	م	ى	د
٩٢	٩٠	٨٨	
م	ى	د	ك
٩١	٨٦	٩٣	
د	ك	م	ى

و هر کس مشبع حرفی او را بنویسد بر پوست آهوی با زعفران و بعد روز جمعه ساعت اول او با دیم ملحق کند باین مشبع حرفی مشبع عددی او همومو غمومو او رفع شود و برای الفت و دوستی

ذا	٨او	١٣٥	١٣٥	٤٥ل	٣٢٣و	٢ ل
٤٩ط	١٠و	٧٧ل	٣٧ذ	٥و	١١ه	٣٢ل
٤١و	١٢	١٩ل	٢٩و	٤٤و	١٤ل	٢٤ذ
٣٣و	٤٣ل	١١ذ	٢٨و	٣٨و	٤ل	٥١
١٢٥	٤٣ل	٣ط	٣و	٣ل	٣٣د	٨و
١٧ل	٣٤	٣٤د	١١٣	٢ل	٣٩ط	٧و
٩ل	٣٤ط	٣٤	٤ل	١٣ذ	٣١و	١٢٥٨

یا نافع یعنی قهقهه نفع دهنده است یا بدیع هر که بسیار ذکر او مداومت نماید سر او ورود و زوری او بسیار شود و در اسرار و یا دا دیا براو دیا خود دارد منفعت اسرار ما او و هر که بنویسد و بیاویزد شود عدد لفظ او دیگر باید سعی او و ضعف او دنیا را در وسعت و علیه سعی این لفظ وسیع دارد ورد تسلیم الغنی بحیث جلیل دارد باین صورت

٢٥٧	٢٧١	٢٤٨	٢٦٤
٢٦٩	٣٩٣	٢٥٨	١١٥
٤٢	٢٢٦	٩٧٣	١٥٩
٢٧٢	٢ ٤	٢٤١	١٦٧

سی و هفتم الغنی عدد او (١١١) و تمعنی جمع حاجات مغنی البلغ از غنی از اسم او بلیه مجالس کننده است کفن این اسم باعث رسیدن دوازده هفته مریضه است بعد در حضرت ربیعیات بدولت عظیم و سعید سر در ترقی زحل هر که مربع او را بنویسد و همراه داشته باشد بعد از اینکه شمس ١٩٥ جلالت است و با عدد او ذکر نمود مارد و دیگر از بخواند از سوره والضحی و بعد

استجابت دعوات و مهربانی و خلاص از مکر و غضبها

بعد از او و بعد بخواند اللّهمّ یسّر علیّ فی الیسر الذی یسّرته علی کثیرٍ من عبادک و مواظبت نماید بر این طریق هر روز خداوند بفرستد برو کسی را او را تعلیم حکمت نماید یا در خواب یا در بیداری و هر که مربع او را نقش کند بر انگشتر در ساعت زهره و زهره در میزان باشد و آن انگشتر را در دست کند هر کس او را ببیند دوست دارد او را و هر که هر روز بخواند هزار و صد و یازده مرتبه یا مغنی تا یازده روز که عدد او است با حرف نداء خداوند حقیر او را بی نیاز کند و هر که پیرا از او بردارد از خدا چیزی طلب نکند از اسباب مگر آنکه خداوند مال و عطا نماید هر که مواظبت نماید بر این ذکر مستجاب الدعوة شود

م	ع	ن	ی
٩	١٥	٩٩٩	٤١
٩٩٨	٣٨	١٣	٥٣
٥٣	١١	٣٩	١٧

سی و نهم و چهلم الودود و الحبیب است ماخوذ از ود بمعنی دوستی است یعنی دوست دارنده بندگان صالح خود و دوستی او سبحانه راضی بودن از ایشان و قبول اعمال صالحه ایشانست و حبیب بمعنی محبوب یعنی بسیار دوست داشته شده هر که قرار بدهد اسم ودود و حبیب را در مثلثی که در مرکز او جواد باشد در باطن مربع بود ۹۶ و شش و او سؤال باشد از حبیب و در دل چشم احدی بر صاحب او نمی افتد مگر آنکه او را دوست میدارد و هر گاه میخواهد وضع کند این شکل جلیل القدر را باید در ساعت اول از روز جمعه باشد و زهره در شرف خود باشد پس از آن مواظبت کند بر ذکر این دو اسم تا چیزهای عجیب و غریب ملاحظه کند و این

چهل و یکم لطیف است یعنی رفق و نیکوئی کننده ماخوذ از لطف بمعنی مکرمت چنانچه گویند فلانی لطف بفلانی دارد و بمعنی آفریننده خلق کوچک چون ذره که در نظر نیاید و تسویه اعضاء در آن مانند خلق عظیم جثه خلق از شدت وهم بخواند و اگر مجموع آیه اللّه لطیفٌ بعباده را تا آخر بخواند فایده اش بیشتر است

علم لدنی [illegible] یابد و سلطنت هر که نظر لطف خواند در جمیع امور و رحمت مبارک باو مشغول و حضار و بلد و سعت اسباب [illegible] باو و در دعا و بلد از برای کرم [illegible] داد کفن حلال که معنی است و سلامت [illegible] دراشاره بعوض باب طریق حبیب [illegible] صورت او را معانقه کند

و هر که وضع اسم کند او را اندر

لط	ی	ف
٨٤	٤٣	٢
٤	٧٦	٤٧

مربعی که خاتم او از نقره باشد بوضع الندا [illegible] هنگامیکه ماه در شرف خود باشد و در دست کند صاحب کرب می یابد خلق لطف و عنایت را هر چند کرب او از شدت مرض یا مقهور بودن از سلطان باشد و هر که زیاد ذکر کند او را خلاص می شود از هر مکروهی و آن صورت

ل	ط	ی	ف
٧٩	١١	٨	٣١
٧	٢٨	٨٢	١٢١
٣٠	٨١	٢٩	٤

و هر که بنویسد در جائی و

برای شفا یافتن از مرض و پیدا شدن چیزی و ظفر و احترام

و از آب و عسل او را بشوید و بخورد از مرض شفا یابد و هر که جمع کند میان مربع عددی و حرفی او با این طرز بو سر بغیر است در اجابة. چهل و دوم الواسع است یعنی فراوانی دهنده بر اسباب معیشت بندگان و دفع فقر کننده از ایشان و بمعنی مغنی و غناست زیرا که غنا را سعه گویند فلان یعطی عن سعةٍ ای من غنی و بمعنی جد و اهتمام کننده در مقدور خود چنانچه گویند انفق علی قدر وسعک و این مبالغه عظیم است در بخشش او سبحانه چه توانائی غیر متناهی هر که این ذکر را بسیار بگوید خداوند وسعت رزق باو عطا فرماید و علم او را زیاد کند و اجل او را تأخیر اندازد مربع او همان صحبت دارد

و	ا	س	ع
٧١	٥٩	٢	٥
٣	٨	٨٤	٥٨
٩٧	٩٤	٧	٤

چهل و سیم الشهید یعنی شاهد و مطلع بر همه اشیاء که هیچ چیز از وی مخفی نمانده و بمعنی علیم و عالم است چنانچه شهد اللّه بمعنی علم اللّه است جهت گم شده و غایب بر چهار گوشه کاغذ شهید الحق بنویسد و نام گمشده یا غایب را در وسط کاغذ بنویسد و نصف شب در زیر آسمان آید و نظر در آن کند و هفتاد بار این دو اسم را بگوید البته پیدا شود و در کبیر شرح ۱۹۰ عدد وسط صغیر و هر که طالب شهادت است و هم چنین مشاهده آید زیاد بگوید این ذکر را

کهیعص	طه	یس	حم
٤١	٤٩	١٥	١٩٤
١٢	١٩٣	٤٢	٧٢
١٣	٤٣	١٩٢	١٣

چهل و چهارم نعم المولی و نعم النصیر هر که بسیار بگوید این ذکر را ظفر میباید بر دشمنان در جمیع حرکات و سکنات و از خدا خیر نخواهد مگر آنکه باو عطا کند چهل و پنجم و ششم القوی و المتین است یعنی قادر هر که قدرت بر چیزی یافت قادر بر آنست چه او سبحانه جامع جمیع افراد قدرتست هر که بنویسد این دو اسم را بر لوحی از مس هنگامیکه مریخ در شرف خود باشد پادشاهان مطیع او شوند در کلام صورت نقش

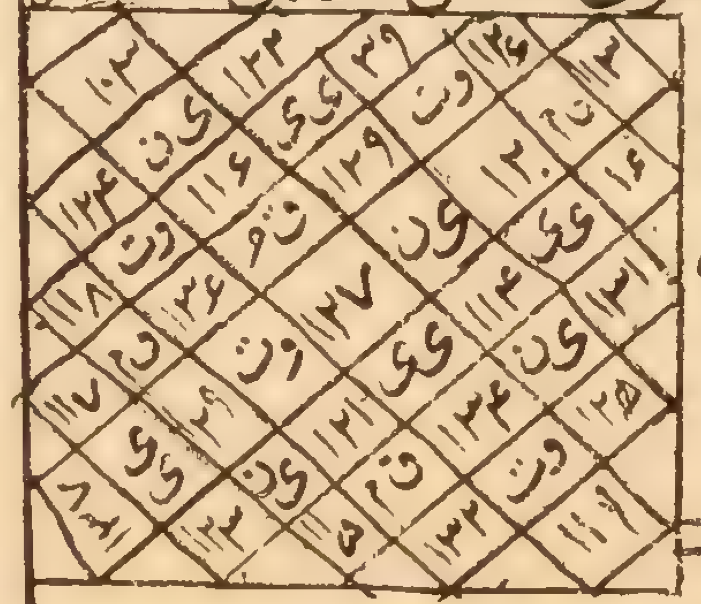

و من بنویسد هر روز بر علم هنگامیکه مریخ در شرف خود باشد در جنگ با عالم بر دشمنان غالب می شود و قدرت بهم میرساند بر متفرق کردن و کشتن ایشان و هر که بنویسد بر گوشه عمامه خود و [illegible] دو شرف خود باشد و او را عام با احترام و بر سر کند از شر خواص و عوام الولی و با جمیعات می شود چهل و هفتم [illegible] همه مخلوقات و ملوکات الحق [illegible] از فان بشتابد همه بدان [illegible] و بعد از طول عمر نقای [illegible] و طلب [illegible] برای بسیار ذکر کند او را خداوند [illegible] هر که در دست عمیا باشد [illegible] کند او را [illegible] کند [illegible] او را وارث او کند با آنکه از نقص [illegible] دو رابان بی نیاز شود با نقص کند [illegible] برای او این ذکر است [illegible] را دو کرم [illegible] کار بر دیدگان [illegible] را بخواند [illegible]

ابرار

برای غلبه بر خصم و توفیق بر طاعات

و	ا	ر	ث
۵۱	۱۹۹	۲	۵
۳	۸	۲۹۸	۱۹۸
۱۹۷	۲۹۹	۷	۴

وارباب وراثت نیز باید بسیار بگویند و او را مربعیست باین طریق
چهل و هشتم الباعث یعنی برانگیزنده خلایق بعد از فوت
در قبر برای سؤال و در آخرت برای جزا و فصل قضا و باقی
بودن در دار بقا و برانگیزاننده پیغمبران برای نمودن راه هدی هر که در وقت
خواب صد بار یا باعث بگوید و دست خود بر سینه بکشد خداوند دل او را زنده کرداند
بنور معرفت این ذکر صلاحیت دارد از برای کسیکه ضعیف شده باشد عزم او در کار خود
و هر که بسیار بخواند استیلاء جوة و صحت بدن و حفظ قوی از برای او پیدا می شود هر گاه
اراده خواندن کند جامهای نظیف بپوشد عود و مشک و قرنفل دود کند با خلاء
معده و طهارت بخواند تا حالتی پیدا شود که خداوند مدد کند و برانگیزاند او را بافعال
طاعت و ورد کبیرش ۵۷ و سطش ۳ صغیرش ۴ مربع حرفی و عددی او

چهل و نهم المنتقم است انتقام کشنده از ظالمان هر که بسیار
بگوید و بر ظالمی نفرین کند هما ساعت نفرین بگیرد و این یکی
از اذکار قهریه است که ذکر حضرت عزرائیل است و مربع جلیلی
دارد که قرار میدهند در مربع عددی که احاطه بر مربع حرفی باشد محزون وقت کندن او
وقتی است که مریخ در شرفش باشد مظلومی اگر با وجود داشته باشد آن مربع را بعد از آنکه ذکر
کند او را فی الحال یاریش میدهند و هر که نقش کند بر صفحه آهن در ساعت مریخ در روز سه شنبه
در ساعت چهار و هفتصد و سی مرتبه بخواند در حالتی
که بروی شکل بنظر جلال نظر کند پس از آن نفرین کند بر ظالم
هما ساعت نفرین بگیرد و اینست صورت شکل
پنجاهم التواب یعنی بازگشت کننده برحمت خود

در بیان بعید لفتح و بیان تمام ...
از توبه او جرایم ... که هر چند او ...
در ان مقتضی الست ... از آن کند برای
در معصیت و بازگشت ... تو به او بکند برای
توبه او و بیاید ... و نیز ... ما ...
توفیق توبه و انابه ... عدد کبیرش ... ۲
مداومت ... صغیرش ... مرکاه ...
و سطش ... از ... طریق ... دور ... او را ایمن
از او و باین ... خداوند او ... کند
النور باشد ... و توبه او دوزی او او را
از آنچه بترسد ... کند حسنات و او را
و سیئات او را بدل ... و او را ... دنیا
بپرداند ... عهد ... و ... آمد ...
آمد و او را الطاف ... حکمت ملائم ...
درست ... تدبیر ... کن که اسرار ... باشد
برای کسیکه ... و ... در حکمت ... کرامات
حکمت ... شریفه ... اشراقیه ... کند
برای مطلع ... انفود ...
از انها ...

در معنی هیئا و توفیق و بی نیازی از خلق

رسول	علوی	ولی	منجی
وان	مبین	الوکیل	ضبط
صاحب	عدل	مبری	محمود
کافی	مانع	منجد	کهف

تا المهین پنجاه و یکم الوکیل متولی و متوجه و قیم بحفظ بندگان
و معتمد و ملجا از برای که توکل بمعنی التجا و اعتماد نیز آمده و مرویست
که حد توکل المسئله با وجود خدا از غیر خدا نترسد و کفیل روزی
بندگان و قایم بمصالح بندگان چنانچه گویند حسبنا الله و نعم
الوکیل ای نعم الکفیل برای ایمنی از دشمن و غرق و حرق و حفظ بدن بسیار نافع است و
هر که مداومت بر او کند خداوند او را ابنیاز می بندد و دل او را منور بنور ایمان میکند و مربع
مسخ در نبح دارد هر که نقش کند او را بر حجر از رخام و عقرب طالع باشد و بگذارد در خانه هیکامی که

۱	۱۴	۲۴	۲	۱۸
۲۶	۸	۱۶	۴	۱۲
۱۹	۲	۵	۲۴	۶
۱۳	۲۲	۹	۱۷	۵
۷	۲	۳	۱۱	۲۶

نماند عقربی و ماری و نه چیزی از حشرات ارض مگر آنکه
گریزند و ورد کبیرش ششصد و سط ۱۲ صغیر ۳ مربعش اینست
پنجاه و دوم الهادی دلالت کننده و ارشاد نماینده بمراد خود
بعقول و الهام و دلایل و اعلام و بنای معنی از بر دو نوعست
اولا هدایتی که اولا و بالذات بدون توقف بچیزی بر خدا واجبست و لازمه عدالت و
مناط تمامیت حجت است بر خلق و مبادی آن چهار چیز است اول افاضه قوت عقل و قوای آن
از قوای ظاهری و باطنی دویم نصب ادله تمیز دهنده میان حق و باطل سیم تعلیم بندگان بان دلیلها
بانزال کتب و ارسال رسل چهارم کشف اسرار دقایق از دلها که مفهم کند و این نوع را ارائه
طریق گویند دویم هدایتی که موقوفست بر قابلیت هر کسی و بر خدا لازم نیست افاضه آن بلکه
تفضلی است بهر که خواهد کند و بنای آن بر سه وجه است اول هدایت عام و آن راه یافتن
جمیع مخلوقات است بجلب نفع و دفع مضار دویم هدایت خاص که مختص بمؤمنان و عبارت
از راه بردن ایشان بدرجات جنان سیم هدی الاخص که از اخاص الخاص گویند و آن مخصوص
حضرت خاتم النبیین است و آن نیز بر سه نوعست هدایت از حق هدایت بسوی حق هدایت بحق و ورد کبیرش ۲۰

و در وسطش ... صغیرش ... عملا عجیب
و صغیرش ... این ذکر صلاحیت دارد
گفته اند این ذکر ... در معصیت ... باشد هر که
برای کسیکه ... سالک ... باشد و این ... از ایمانست
مخصوص بفعل ... باشد ... اعمال ... او را
مربع ... دارد که ... بجواهر ... ملائک صورت
در مربع ... اسماء ... و این اسم صلاح
... ا دال الف ... او ... الهادی
... دارد از برای کسیکه اسم ... زیاد کند بر
باشد که او ... ذکر ... و المبین و ... تم
هادی عالم العلیم و الخبیر و او بگوید یا هادی
بخواند اسم ... او ... علیم ...
اهدنی ... کلنا ... و ... علمنی کلنا ... و همچنین
بلکه یا مبین ... کلنا و ... بخواند خداوند
مطلب ... از ... کند ... بطلب ...
او ... دارد ... ولایت کنند ... اشیاء
... بیم ... یعنی ... از ... است
و ... امضان ... خود از ... اهل
یعنی علم ... خدا ... اهل
عالم ...

خبرت گویند مدا ومتر بحهة امور پنهانی را اطلاع شد چون نسبت چه در جواب وچه در بید از زوردا
وسطش ۱۲ صغیره و هرکه مربع او را بکشد در وقتی که عطارد در شرف باشد اطلاع میابد بر علوم جلیله

خ	ب	ی	ر
۲۱	۹	۳	۵۹۹
۴	۴۲	۱۹۸	۸
۷	۱۹۰	۴۱	۵

پنجاه وچهارم ذوالجلال والاکرام است هرکه نقش کند
بر صندوق یا در خانه در ساعت مشتری روز پنجشنبه
پنج ساعتی آن صندوق وخانه محفوظ ماند از دزد و هر که
خواهد امری از امور را بسیار بخواند که عجایب بسیار خواهد دید پنجاه وپنجم المذل
هرکه نقش کند او را در ساعت اول روز یکشنبه وبخواند بعد دخود ش بهر نیتی که دارد
یا بجهة ظالمی یا حاسدی و با خود داشته باشد این نقش او را ذلیل کند

م	ذ	ل ل
۴۹۸	۴۱	۴۰۱
۴۲	۳۹	۴۹۹

پنجاه وپنجم الحکیم یعنی محکم کار و گذارنده هر چیز بموقع خود صفت
احکام در اینجا شدت تدبیر وحسن تصویر وتقدیر است بنهجی که فعل قبیح از وی صادر نشود
وکسی را مجال اعتراض بر وی نباشد هرکس بنویسد وفق او را بر پوست آهو روز یکشنبه و در ساعت اول
بگوید این اسم را هر روز هفتاد و هشت مرتبه خداوند حکمت را تعلیم او کند و در دل
او ببندد از حکمت را هرگاه بحضور قلب بخواند واینست مربع او

ح	ک	ی	م
۳۹	۱۱	۱۹	۹
۱۸	۴	۴۲	۱۲
۱۳	۴۱	۷	۱۷

هرکه اسم با بسط او بکشد در مربع نه در نه بحروف ونقش کند
در هر خانه از او با بسط او در پوست پاکی با مشک محلول بگلاب
وزعفران در نه ساعتی روز یکشنبه وبا خود دارد ایمن شود از تعدی رفتنی واز الم گرسنگی
واز قهر جبارین وخداوند پاک گرداند باطن او را از اخلاق پست وادناس بشریت وهم
چنین است در جمیع اسمائیکه ذکر نکردیم وآنچه ذکر شد بعضی از خواص واعمال بود مابقی
در محل خود ذکر شده **باب ۲۴** در بیان اشارات به بسط وتکسیر ومزج ووضع است اما بسط
اقسامی دارد بسط حرفی بسط عددی بسط تضاربی بسط ترقی واخیر بر سر قسمت ترفع حرفی

در اصطلاحات عدد
وترفع عددی
وترفع طبیعی وبسط طبیعی
وترفع غریزی اما بسط حرفی مثل دال
وبسط غریزی م ع ا دال وبسط عددی
در محمد م ح م د ا ایضا چهل
از زبر و بینات مثل بعضی از اول از اده
هشت وچهل وچهار کاهی از آن ع ی ب
میشود ادب ع ون ث م اعداد
۱۲ مایا رده با اعداد حروف صدودی
با نود ودو واز زبر و بینات که بخواهد
ودو وتصرف میکند بهم ضرب کند عدد
واما بسط تضاربی مثل اینکه بادر بیستم دیار
حرف او در خود ش یا دیگری با ضرب شود از این اسم
واستنطاق میکند تا متولد شود ونصرف میکند دو
اسم دیگر با اسما چند وتصرف میکند حرف او از حروف
بهم چنین با ضرب میکند حروف مطلوب با
طالب دو حروف
استخراج حروف
دیگری است

از مستنطقه از حاصل ضرب بسط ترفعی بالا بودی هر حرفی است از حروف مطلوب باز
حروف خودش تا با لا واز آن مرتبه بالا می گیری مثل با لا بردن میم محمد تا صد تا
انوقت تا را می گیری تا وحا را می بری بعشرات پس میگیری فا ومیم دیگر را و هم چنین تا
ومیم دیگر را میگیری و دال را با لا می بری تا عشرات پس مقصود حاصل میشود وبسط
ترفعی حرفی گرفتن حرفی است که پهلوی حرف مطلوب است از حروف ابجدیه مثل محمد ی
کبری از برای میم نون واز برای حا طا واز برای دال ها و ترفعی طبیعی است که از برای
حرف ترابی بکبری حرف مائی واز برای مائی ریاحی واز برای ریاحی ناری وحرف ناری را
بحال خود گذاری مثلا محمد میم او ناری وحا ترابی با دال میم را بحال خود میگذاری
وبدل میکنی حا را بزا و دال را بجیم مزج و بسط طبیعی عبارتست از بودن هر حرفی از حروف
نار طالب حرف ریاحی که در درجه اوست وحرف ریاحی طالب حرف مائی ومائی طالب ترابی
واین ترتیب نظر بملاحظه حروف ندارد در درجه اینها وبدون ملاحظه طبیعی گویند واگر
ملاحظه درجات حروف شود از غریزی گویند وچند قسم دیگر از اقسام بسط هست
مثل بسط تراخی وبسط تجامع وبسط تقوی وبسط تکسیر وگاهی استعمال میشود بسط
ابدالی بقول مطلق در تغییر احوال وتبدیل اینها مثل علویه بسفلیه وبعکس ونورانیه
بظلمانیه وبعکس ومتصله بمنفصله وبعکس وروحانیت در جسمیت که نورانیه باشد
وظلمانیه بجوفیه ونهارتیه بلیلیه بعکس در هر دو ونهاریات از برای کوکب نهاری است
زحل مشتری وشمس وعطارد اگر مشرقی باشد ولیلیه انست که از برای کواکب لیلی است
زهره ومریخ وقمر وعطارد واگر مغربی باشد تفصیل در این جا بسیار است اما تکسیر از برای او هم
هست غایت از او مزج کردن حروف طالب وصاحب ومطلوب منه هست با اینکه کلماتی حاصل
شود که معنی هر کلمه ان رابطه باشد بین طالب ومطلوب از حاجتی که مستلزم است از برای فعل

در بیان فواید وعظات
فاعل
واین تکسیر میرانی
دارد صغیر واوسط وکبیر
صغیر این طریقست که حروف اسم را بطور
متفرق پس از آن آخر سطر اول را اول سطر
ثانی می نهی پس اول را در سطر سیم قرار دهی
ثانی است وهکذا تا بازد در سطر تکسیر تفرقه
دهم از حروف سطر ثانی وحروف اسم بعد از
که منتهی بکی بعد در سطر اول عقب حروف
حروف آن اسم را در سطر اول را در بیت
او وقرار دهی حروف از سطر ثانی پس از آن سطر
الف بر سر خود تمام کند وابتدا کند از
ثانی ترتیب با اول سطر بر آن حروف ابجد
سطر سیم با اول الف بر سر خود در سطر
گذارد در بیت نا تمام شود اگر اسم زوج باشد
سیم وهکذا نا تمام باشد بر اسم فرد است در
واگر زوج باشد آخر سطر ابجدی
بعد در دو

نا	ا
ا	نا
نا	ا

بی فرض خاص شد و در زوج بی فرض بدین صورت

پس معنی تکسیر آنست که حروف

اسم را منفصل سازد

از هم در سطر اول پس

مثال ثانی

م	ی	ل	ع
ل	ع	م	ی
ع	ل	ی	م
ی	م	ع	ل

ص	ع	ی	ه	ک
ی	ه	ک	ص	ع
ک	ص	ع	ی	ه
ع	ی	ه	ک	ص
ه	ک	ص	ع	ی

[illegible]

اگر ثلاثی است نقل بکنی حرف اول را بسطر ثانی و حرف سیم اول را نقل می کنی در دوم سطر ثانی سیم از سیم و هکذا و اگر بخواهی قرار بده سیم از اول را در اول ثانی و ثالث در ثانی از ثانی و اول از اول را در ثالث از ثالث و هکذا پس از اسم ثلاثی شش اسم می شود و اگر رباعی باشد بیست و چهار اسم و اگر خماسی باشد صد و بیست اسم و هکذا و ضابطه آنست که ضرب کنی عدد حروف اسم را در عدد صور حاصله

مثال اول

ی	و	ن
ق	ی	و
و	ق	ی
و	ی	ق
ی	ق	و
ق	و	ی

ی	و	ق
و	ی	ق
ق	ی	و
ی	ق	و
ق	و	ی
و	ق	ی

از اسمی که کمتر از اوست بیک حرف پس حاصل میشود از ثنائی دو صورت و از ثلاثی شش صورت که حاصل ضرب سه در دو و از رباعی حاصل ضرب چهار در شش و از خماسی حاصل ربع بیست و چهار و اما خواص اینها با اسرار آنها مذکور است در کتبها قوم من اراده طلبها

باب ۲۵ در بیان تفسیر حروف مقطعه در اوائل سور و معنی حروف هجائیه ابجدیه از الف تا یا

بدانکه حروف مقطعه در اوائل سورها حروف نورانیه است بنا بر اصطلاح علماء جفر و این چهارده حرفست در مجموع صراط علی حق نمسکه و اینها حروف نورانیه سعیده اند و ما بقی اینها ظلمانیه و منحوسه و در این مجموع از هر نوع از حروف صنفی در او هست از حروف مهموسه صاد است و حاء و سین و کاف و هاء و از مهموسه ده است و از مجهوره نصف آن ل ورا ن مطبع و کذا حروف شدیده و ملقله و منذلقه و سائر صفات مذکوره در کتب اهل تجوید و این

فرق میان اینها و الف لینیه و دیگر آنکه ها مجاز الف متحرکه است و متحرکه مجاز لینیه است و مراد مجاز طریق تولد حروف است و الف لینیه در قال و قائل که لینیه ثانیه از بینیه حروف اعلی از اینها مظاهر اینها است و واو و یاء اگر هر دو لینیه باشند ملحق باشند در اشتراک مخرج و امتزاج الف لینیه بواو و یاء و مزج این دو بان بجهة این است الف اما لسانا حرکت نمی کند زیرا که حرکت بسیار است بدانکه حروف بر سه قسمند ملفوظی و مکتوبی و مسرودی پس اول از اینها اسم آنست که ثلاثی باشد و ثالث او اول او باشد مثل میم و نون و واو و دیگر ثلاثی است مختلف و مثبت معطوفة الاعجاز مثل اولی و ثانی حرفی است که اسم او دو حرفی باشد پس اول میم و نون و حروف اول در اول سوره و دوم در آخر سوره اشاره است بسوی اول و آخر سوره اول سوره بقره و صفراء و سوره دویم سوره نون و اشاره شده است باین دو سوره بسوی حامل عالم علوی و حامل عالم سفلی یعنی عالم غیب و شهود و مجموع این دو اشاره است که هر چیزی از فیض اوست بجهة اینکه این دو حرف نون و صاد نند دریای زیر عرش است که کشد باحضرت نزدیک شو بصاد و او مداد قلم است و دو حرفست تا نام برده شود ابتداء خلق بدو و نهایت بصاد و من کل شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکرون و قسم دویم که مکتوبی باشد هفت است الف لام صاد کاف عین سین قاف و باین هفت اشاره بطواف اسبوع شده بجهة کمال صنع و مصنوع و ان یازده حرفست بعدد حروف فاتحه بعد حذف مکررات و اشعارات بمتضمن بودن سر و ظاهر شدن صفت کمال در عوالم ثلثه که هر یک از آن هفت حرفست که عبارت از جبروت و ملکوت و ملک است که مدار اصول مبدأ اینها است و منتهی بانها او بهر یک از این هفت نسبت یکی از سیارات است و روز یکی از هفته و قسم سیم که مسرود نست بحیثیت راحانا ظاهرها و اشاره بها بجست و او اول اسماء و اظهر اشارات و اخفا اوست زیرا که بعد از حذف اشاره بجز مستی چیزی نمی ماند و بودن او اول اسماء از این جهة که اثبات ثابت میکند از ضمو هو و اخر شرم مدلول اینها است از جهة وقوع اینها بر اینها و اشاره باینها

باب ۲۵ در موازین حروف

از کفه یسری از میزان هوا و طاء در ثانیه از کفه یسری د در میزان نار و حاء در اولی از کفه یسری
از میزان تراب و اینست صفت موازین
و اما مقدار هر حرفی در وزن طبیعت
اوست که در او وست از طبایع اربعه
و این شکل متضمن اینست پس سبز از او
عبارت از مطلوب نیست زیرا چون

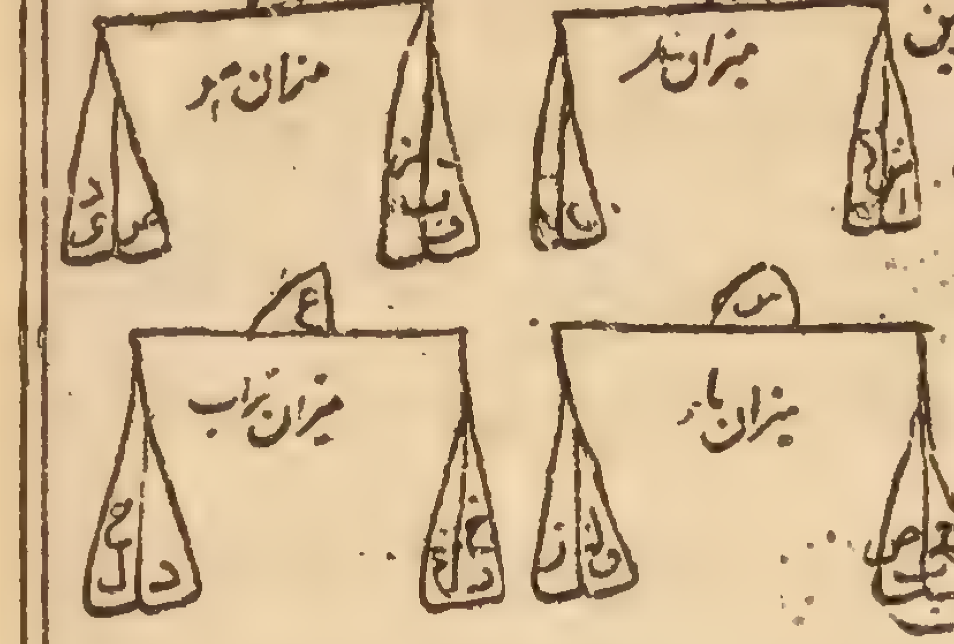

شناختن مقدار را ممکن است بتوانی تقدیر و اندازه معالجات اعمال و کامل نمودن ناقص
و معالجه مرضای انسان و حیوان و نباتات و هر عقار طبیعت او بر نظم حروف اسم او وست بعربی باین طریق

بیانه لجابر بن حیان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۰ درج	۱۰۰۰۰۰۰	المراتب	ا	ب	ج	د	۱۰	ی	۹	۳ درج
۱۰ دقایق	۱۰۰۰۰۰	الدرج	ه	و	ز	ح	۲۶	کو	۱۸۲/۳	۳ دقیقه
۱۰ ثوانی	۱۰۰۰۰	الدقایق	ط	ی	ك	ل	۶۰	سط	۲۱	۳ ثانیه
۱۰ ثوالث	۱۰۰۰	الثوانی	م	ن	س	ع	۲۲۰	رك	۲۷۰۰۰	۳ ثالثه
۱۰ روابع	۱۰۰	الثوالث	ف	ص	ق	ر	۴۷۰	تع	۹۰۰	۳ رابعه
۱۰ خوامس	۱۰	الروابع	ش	ت	ث	خ	۱۸۰۰	غض	۳۰	۳ خامسه
۵	۱	الخوامس	ذ	ض	ظ	غ	۳۴۰۰	غغت	۱۰	

و چون بخواهی حروف منازل قمر را مشخص و معین بکنی پس باید بشناسی حروف نورانیه و
آنچه مختص بان حروفست از منازل بجهة حروف نورانیه که آن حروف روحانیست و حروف
ظلمانیه آن حروف جسمانیه است پس این شکل مقابل متکفل است بر ترتیب مشاهیر و یونان و
فلکیین در حروف معده بجهة آنکه آن حروف معده جاری شده است بر او نظام سلسله حروف

نیز نام ... اعداد ادعای ... کرده ... عظیم است و ... دیگر اگر از ابجد ... جهانند اهل طلوع و جرم بیان کر حروف نورانیه ی ن ص ... هوائیه سیاست ... ک س ق و ابلعیه ... دو جهت ... فالطلق و ثالث دو جهت است و از این است که ... اشاره می شود و چهارم در معانی است ... شد در دو او ... بهر حرف ... ظاهر شد در او اسم الف است از ... در دفعه ... از جهت ظاهر ... لفظ الله از جهت ... کاف است و ان غیب است که ... محیط است بجلالت و ملکوت ... استیب است و حکم ... از صحبت باطن او ... جلالت و ...

در امزجه حروف

المنازل الناریه	المنازل الهوائیه	المنازل المائیه	المنازل الترابیه
الشرطین ا	الهقعه ب	النثره ج	الثریا د
البطین ه	الهنعه و	الطرف ز	الدبران ح
الجبهه ط	الذراع ی	القلب ک	العوا ل
الزبره م	العقرب ن	الشوله س	السماک ع
الطرف ف	الزبانات ص	فرع مقدم ق	الذراع ر
النعائم ش	الاکلیلات ت	مؤخر ث	بلع خ
البلده ذ	الاخبیه ض	رشاد	السعود غ

و اجمالست و اسم از او از طریق ظاهر جلیل است و از جهت باطن موجد و دال اسم باطن
او موجد است و دال اسم از او دائمست و هکذا تا اخر حروف و از این قبیل روایتی در توحید عیون
هست از حضرت رضا علیه السلام که فرمودند اول چیزی که خداوند خلق فرمود که شناختن سوی
او و کتابت برای خلق حروف معجم بود و بدرستیکه هرگاه کسی را بسر او عصا زدند و
معیوب شود حکم در او اینست که حروف معجم را بر او عرضه دارند و دیه را عطا کنند
بقدر یکه فصیح نمی تواند عطا کنند از حروف او و بتحقیق حدیث کرد مرا پدرم از پدرش از
جدش امیر المؤمنین در ا ب ت ث که فرمود الف آلاء الله است و با بهجه الله و تاء
تمامیه امراست بقائم آل محمد و ثاء ثواب مؤمنین است بر اعمال حسنه ابهاج ح خ
جیم جمال خدا و جلال او و حاء حلم خدا از مذنبین خاء خمول ذکر اهل معاصی نزد خدا دال
دین خدا ذال ذی الجلالت ر ز و رؤف و رحیم ازلا ازل روز قیامت سین سناء الله
شین شاء الله و ما شاء الله و اراد ما اراد الله و ما تشاؤن الا ان یشاء الله ص از صادق
لوعد است د حمل ناس بر صراط و حبس ظالمین نزد مرصاد ض ضلالت و گراهی کسی است که مخالفت

محمد ... محمد کرم کریمه ... طاها ... کلاه طوبی للمؤمنین و حسن ... ماب و ظاهر باطن مؤمنین است ... عین از عالم ... و طی ... کافرین بجهة اینست ... و غبن از عینها است ... ان علی الله ... انواع تاب ... کافی است ... ان میم ملک خداوند ... علی الله الکذب ... کرد ماکری ... سیف ... ابلیس الملک البوم ... اینها ... ارواح انبیاء و مرسلین ... خدا و بگو ... الواحد القهار ... عالم ... النجوم ... لا ظلم الیوم ان الله سریع الحساب ... نوال و عطای خدا است از ... و نکال او ... عصیان الله ... من عصاه ... الف

باب ۲۵ تفسیر حروف بیست و هشت گانه

لا اله الا الله و او کلمه اخلاص است هیچ بنده نیست که از روی اخلاص این کلمه را بگوید مگر
آنکه بهشت برای او واجب می شود و یاء ید الله فوق خلقه که روزی دهنده خلق است
سبحانه و تعالی عما یشرکون روایت شده در توحید و خصال از حضرت امیر المؤمنین
علیه الصلوة والسلام که فرمودند سؤال کرد عثمان از رسول خدا صلی الله علیه و آله از تفسیر
ابجد حضرت فرمودند بگیرید تفسیر ابجد را که در او همه اعجوبها است وای از عالمی که نداند
تفسیر ابجد را عرض کردند یا رسول الله تفسیر ابجد چیست فرمودند الف پس آلاء خدا است
و حرفی است از اسماء خدا و اما باء پس بهجت خدا است و اما جیم پس عبارت از جنت خدا
و جمال خدا و جلال خدا و اما دال پس دین خدا و اما هوز پس هاء هاویه است وای بر کسیکه
میل کند باتش و اما واو پس وای از برای اهل آتش و اما زاء زاویه است در آتش پس پناه
باید برد بخدا از شر آن زاویه و اما حطی پس حاء حطوط گناهان است از خطایا با استغفار در شب قدر
و آنچه انحطاط می کند و فرود می آورد جبرئیل از ملئکه تا طلوع فجر و اما طاء طوبی لهم و حسن
ماب و طوبی درختی است که خداوند او را بدست قدرت کشته است و از روح خود در او
دمیده و شاخهای او دیده می شود از پشت باروی بهشت مخلی و حلل میروید و میوهای
او آویخته بر دهان اهل بهشت و اما یاء ید الله فوق خلقه سبحان الله عما یشرکون و اما
کلمن پس کاف کلام خدا لا تبدیل لکلمات الله و لن تجد من دونه ملتحدا و اما لام پس الحام
اهل بهشت است بخود شان اهل بهشت در زیارت و تحیت و سلام و تلاوم اهل آتش در میان
انهاست و اما میم ملک بی زوال خدا است و دوام بی فناء خدا و اما نون ملک بی زوال خدا است
نون ن والقلم و ما یسطرون پس قلم قلمی است از نور و کتابی است از نور در لوح محفوظ بشهد
المقربون و کفی بالله شهیدا و اما سعفص یعنی صاع بصاع و فص بفص یعنی جزاء بجزاء کما تدین
تدان ان الله لا یرید ظلما للعباد و اما قرشت یعنی که قرشهم نحشرهم و نشرهم الی یوم القیمه و قضی

در سلوک طریق رشاد

سایر حروف مکر حرف اول که الف باشد که او بسیط است در فعل خود بالنسبه بما دون خود
و اما بالنسبه بما فوق خود مرکب است از نقطه وجود او لفظا و نقشا پس الف اعم حروفست و اعلی
و اعظم و اکرم و اخص انها است تذییل احسن اوراد و اکمل اذکار و اعلای اعمال در طریق
تزکیه نفس و وصول بطریق حق که در کتب اصحاب مذکور و در کتب ادعیه و اخلاق و سیر ثبت
مسطور است و اهل بیت عصمت علیهم السلام احسن اوراد ذکر کرده اند و اکمل اذکار را ابراد
کرده اند و اعلای اعمال را باد و شیعیان نمودند روشن ترین راهی بما از کسب نفس نشکه
معصوم سلام الله علیهم اجمعین بجا آوردند و بان امر فرمودند و باو رسیدند و فقنا الله
لما تعلموا بدانکه عدد را چهار عنصری باشد چنانچه گذشت و بعد از تشخیص عناصر چهار
مرتبه می باید اول مرتبه خودش دویم توالی یعنی از یک تا چهار بشمارند ای شود سیم ضرب
در نفس است چهارم ضرب کل واحد در نفس مثال وهاب مرتبه اول یعنی مرتبه خودش
۱۴ مرتبه دویم توالی یعنی از یک تا چهارده را می شمارند ۱۰۵ ای شود مرتبه سیم ضرب در
نفس ۱۴ را در ۱۴ ضرب کنند ۱۹۶ می شود و مرتبه چهارم ضرب کل واحد در نفس یعنی
یک در یک و دو در دو و سه در سه ۹ می شود و ۱۴ در ۱۴ شانزده می شود و همچنین
تا چهارده باید ملاحظه نمود که چند می شود مثلا اسم وهاب بطریق جمل ۱۴ می شود در
چهارده ضرب کنند ۱۹۶ می شود ۱۴ بر او اضافه نمایند ۲۱۰ می شود تضعیف نمایند ۱۰۵
می شود پس معلوم گردید که مجموع عدد توالی چهارده یکصد و پنجست والله اعلم هرگاه
اراده کنی که سهر بابی میانه گرگ و گوسفند یا زجر و منع بعضی از حیوانات موذی مثل مار
و عقرب و کفتار و همچنین جمیع حیوانات موذی را پس بنویسی اسم حیوان و اسم سبع و زجر و
و بسط کن حروف ابجد حروف مقطعه تا اینکه بسط منتهی شود پس اخذ کن از هر گوشه از گوشهای
آن لوح چهار حرف و از وسط دو حرف اخذ کن اگر حروف بسط اجنب باشد و یک حرف اخذ کن اگر حروف

ه‌ها و عقرب و کار و بارهای
غالب باشد اختیار از مثلثه آبی کرد
برج مناسب از مثلثه عمل عقرب و دوست
اسد و قوس باشد عمل دفع دشمنان
داشتن و محبت کردن و دزدان و مهر و حصول
اگر کینه و دزدان دوست کردن
و اسد بجهة حصول و حصول جاه
پادشاهان و بزرگان و قوس کردن
و مشتری و وزرا و فقها و علما

ازرطوبت و حروف با ازمرتبه یبوست پس طبع اول حار و یابس است بجهة آنکه حروف حار کرباردر طبع بود یکی بود و حروف حرارت چهار و حروف یبوست یکی پس برودت را اعتبار نکردیم لهذا بجهة عدد مجموع حروف اهطمفشذ که حار و یابس است گرفتیم ۱۱۳ شد او را استنطاق کردیم غقلمه شد لفظ ایل بر سر آن درآوردیم غقلمهائیل شد و بخور این عمل فلفل و عود است و تصرف در این عمل اینست که لوحی از مس سرخ بگیرد و در یکروی لوح جدول تکسیر ذئب و محب و غنم را نقش کند و در روی دیگر صورت گرگ و گوسفند که هر دو گردن بگردن هم کرده باشند و در دهان گرگ لجام بوده باشد و بر سر گرگ اسم ملک غقلمهائیل نقش کنند و بر سر گوسفند عدد ۱۱۳۵ را بلوح موفق دارند و هر دو صورت داخل دایره باشد که آن دایره احاطه با ایشان کرده باشد و ابتهار را در طالع حمل نقش کنند که مریخ در آن برج باشد و در اطراف دایره بنویسد حروفی که از زاویه‌ها و وسط اخراج کرده بعد از آن لوح را دفن کنند در چراگاه گوسفندان پس در میان ذئبان و الفت بهم رسد که مافوق آن متصور نشود و همچنین است عمل در سایر انواع حیوانات و صورت جدول بسط این است

جدول محمد و فاطمه ایضا سبیل علی المثال

م	ح	م	د	م	ح	ب	ت	ف	ا	ط	م	ه
ه	م	م	ح	ط	م	ا	د	ف	م	ت	ح	ب
ب	ه	ح	م	ت	م	م	ح	ف	ط	د	م	ا
ا	ب	م	ه	د	ح	ط	م	ف	ت	ح	م	م
م	ا	م	ب	ح	م	ت	ه	ف	د	م	ح	ط
ط	م	ح	ا	م	م	د	ب	ف	ح	ه	م	ت
ف	ط	م	م	ه	ح	ح	ا	ف	م	ب	م	د
د	ت	م	ط	ب	م	م	م	ف	ه	م	ح	ح
ح	د	ح	ت	ا	م	ه	ط	ف	ب	م	م	م

جدول ذئب و محب و غنم

نا ب	هوا	ما	تراب										
				ذ	ی	ب	م	ح	ب	ة	ع	ن	م
ا	ب	ج	د	م	ذ	ن	ی	ع	ب	ة	م	ب	ح
ه	و	ز	ح	ح	م	ب	ذ	م	ن	ة	ی	ب	ع
ط	ی	ك	ز	ع	ح	ب	م	ی	ب	ة	ذ	ن	م
م	ن	س	ع	م	ع	ن	خ	ذ	ب	ة	م	ب	ی
ف	ص	ق	ر	ی	م	ب	غ	م	ن	ة	ح	ب	ذ
ش	ت	ث	خ	ذ	ی	ب	م	ح	ب	ة	ع	ن	ا
ذ	ط	ض	غ										

اختیار
بجا آوردن باسلیم جامل کرد
ثلث بطالع منسوب است بدهقانان و
اما زحل منسوب و ارباب قلاع و اصحاب عمارات
و کدخدایان و ارباب و جهودان و
قدیم و پیران و حبشی و هندیان و اهل
نجوم سیاه و علما و قضاة و اهل
مشتری منسوب است بعلما و قضاة و اشراف
مدارس و اصحاب ورع و دین و امکان بزرگ
فلاسفه و وزرا و کتاب و ارباب اوقاف
و اما مریخ منسوب است بدزدان و ظالمان
شوکت و صلاح و دزدان و سلاطین
و اما شمس منسوب است بملوک و
ارباب امانت و اهل غنا و طرب
و اما زهره منسوب است بزنان و مطربان و اهل
زنان و خادمان و وزرا و فاحشان
و اما عطارد منسوب است بدبیران و منجمان
دیوان و عاملان و تجار و
و معلمان و نقاشان و
جاهلان و

و صلحا و سادات و حصول مال و اسباب دنیوی و اگر حروف هوائی غالب باشد بر اختیار می کنیم مثلثه هوائی را که در وقت عمل طالع باشد که سرطان و میزان و دلو باشد که یکی از این سه برج باید طالع باشد و اگر نار غالب باشد این عمل را بر روی صفحه مس باید نقش کرد و در زمین گرم مثل اجاق و تنور باید دفن باید کرد و اگر هوا غالب باشد باید در پوست آهو یا اسب باید نقش نمود و در هوا باید آویخت و اگر آبی غالب باشد بر روی کاغذ سفید باید نوشت و بشمع پیچیده و بموم می باید باشد ایضا جدول عناصر بجهة استنطاق طبایع

الطبایع	حار	بارد	باجر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٦
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]				١٠
[illegible]	ا	ب	ج	د	١٠	ے	حولا	[illegible]
[illegible]	ه	و	ز	ح	٢٦	ولك	عی	٠ [illegible]
[illegible]	ط	ی	ك	ل	٩٤	طس	ر	[illegible]
[illegible]	م	ن	س	ع	١٢٠	كر	ر	[illegible]
[illegible]	ف	ص	ق	ر	٤٧	غس	حز	[illegible]
[illegible]	ش	ت	ث	خ	١٨٠٠	ضغ	عض	[illegible]
[illegible]	ذ	ض	ظ	غ	٣٢٤٠٠	غغت	مسع	٠٦

و شیخ بو علی سینا در کنوز المعزمین خود آورده در موامره اعمال که چون خواهیم عمل تحبب و صداقت کنیم آغاز شبها و روزهای زهره و مشتری و ساعات ایشان کنیم از آن زهره روز آدینه و شب سه شنبه اما عمل در اول ساعت و ساعت هشتم کند که تاثیر زهره در آن ساعت یا فتراند و از آن مشتری روز پنجشنبه و روز دوشنبه چنان کند که در زهره گفت و باید که قمر متصرف باشد از سعد بر یا تثلیث یا مقارنه و مشتری متوجه باشد بمقارنه یا تسدیس یا تثلیث زهره تا عمل بر وفق مراد باشد اما چون از برای عداوت باشد آغاز روزها و شبهای مریخ و زحل و ساعات ایشان باید کرد مریخ روز سه شنبه و شب چهارشنبه اول ساعت و ساعت هشتم از روز یا شب و باید قمر متصرف باشد از مقابله یا تربیع مریخ چون

نقاشان وخطاطان وخیاطانند وآنچه بقمر منسوبست عوام الناس وپیکان وجاسوسان وصیادان
در ضدیت کواکب آفتاب ضد زحل است زحل ضد قمر است قمر ضد مریخ است مشتری ضد
زحل عطارد ضد زحل اما دوستی کواکب با یکدیگر آفتاب ومریخ دوستند وعطارد ومشتری
بهمرکواکب کر اتصال کند طبیعت آن کوکب کیرد ومصاوات کواکب بحسب جواهر وطبیعت
وانفعال باشد بر نسبت با ما ومرکز زمینی واکر شرح مصاوات وانفعال کواکب بازکویم از غرض
وفایده باز مانیم اما ذخیره کواکب بخور زحل زعفران مرد مانا وکبر آکند ومیعه بخور مشتری
میعه وسندروس وعود وصنوبر وصمغ وحب الغار بخور مریخ کندر وصبر وافیون
ودارفلفل وسندروس بخور آفتاب عود وزعفران ومیعه ولبان وکل انار بخور زهره
عود زعفران مشک وقسط وشکر ولادن وقشر الخشخاش بخور عطارد اشنه وزهره
کرمانی وقشر اللوز ومصطکی بخور قمر حب اللبان واذخر وطلق وحب الخربوزتا این جمله
بطریق مساوات جمع آرند وبکوبند وقت حاجت بخور کواکب بکار برند که بشخص مطلوب
منسوب باشد که مفید باشد الفصل فی حروف ابجد ۲۸ کذشت در سابق قسمت حروف بچهار
قسم منتهی با حار کرفتیم وقسمی را یابس وقسمی را رطب وقسمی را بارد پس دو حرف از قسم حار بر کرفتیم
اول بزحل دادیم ودویم بمشتری ودو حرف دیکر از قسم یابس بر کرفتیم اول بزحل دادیم ودویم
بمشتری ودو حرف دیکر از قسم رطب بر کرفتیم اول بزحل دادیم دویم بمشتری ودو حرف از
بارد کرفتیم اول بزحل دادیم ثانی بمشتری حاصل آمد حروف زحل اج ه ب وحروف مشتری
وز ر د باز آغاز حروف مریخ وآفتاب کردیم پس دو حرف از حار کرفتیم اول بمریخ دادیم ۲ بآفتاب
علی الترتیب الذی ذکرنا حاصل آمد حروف مریخ ی ل ش خ وحروف آفتاب ل س ث ظ
باز آغاز کردیم بحروف زهره وعطارد کما ذکرنا حاصل آمد حروف زهره م ف ذ غ وحروف
عطارد ن ط ص ض واز این حروف چهار ماند بقمر دادیم ع ح ط ق بعون الله وحسن توفیقه

بانفس اول حروف از اسم ط وم ط واز حروف کوکب منسوب بستانیم وترکیب کنیم بدین قیاس حروف
اسما ترکیب کنیم وه معرب ومعجم کنیم واین چنین باشد که هر حرف که حار باشد فتح کنیم وانچه یابس
باشد ضم کنیم وانچه رطب باشد کسره وانچه بارد باشد جزم چون این حروف اسما را معرب و
معجم کرده باشیم فنون عمل مط باشد بخور این کوکب که باین شخص مط منسوبست بر تحت
در آتش اندازد تا مط حاصل اید مثال خواستیم که حروف محمود وفاطمه وحروف زهره که
بشخص مط منسوب معرب ومعجم کنیم حروف بدین شکل ترتیب کردیم ا ح م و د ف ا ط م ه
و ف ذ غ پس حروف اول از اسم طالب اسم مطلوب وحروف کوکب بستدیم وترکیب کردیم
چنین شد م ف م باز حروف دویم از اسماء مذکوره بستدیم چنین شد ح ا ف باز حروف
ثالث از اسماء طالب ومط وحروف کوکب کرفتیم چنین شد م ط ذ باز حروف رابع از اسما
مذکوره کرفتیم چنین شد و م غ هم چنین حروف پنجم از اسم محمود وفاطمه وکوکب کرفتیم
چنین شد د ه م آه پس بکیر عود ومشک وقسط وزعفران ولادن وقشر الخشخاش که بخور
زهره است جمله را مساوی جمع کند ودر هاون بکوبد وبخور در آتش اندازد بکرد ز
بادور وز باسر روز این عمل کند تا مطلوب حاصل اید وچون اختیار این عمل کند در خانه خالی
رود وجامه پاک بپوشد وروزه باشد وکسی مزاحم وی نشود تا عمل تمام شود بلی تشویش
وچون عمل طالب ومط هر کدام که تمام شود که از حروف بکذرد ونیادت شود باز اول
حرف را بر آن برد تا هم بدان منوال شود وچون ترکیب اسماء کرده باشد ترکیب را بدانک
بر هفت رقعه نویسد وهفت فتیله سازد شب اول دو بسوزاند شب دیم دو شب سیم
سه بسوزد ودر وقت سوختن بخور بسوزاند وفتیله را در موم کیرد وبر اجر نوهد و خطاب
کواکب هفتاد بار بخواند وبعضی صد بار کفته اند ودر میان خطاب ترکیب حروف خواند
وترکیب اسماء در وقتیکه شمع برافروزد صد وهشتاد بار اسامی ترکیب تا آخر شمع سوختن

نمونه اینست وبعضی در آتش عمل کنند بر آتش که
کلمات را تکرار کنند وخطاب زهره اینست
ودر دیوان ... الطاهر الفاضل
ایها السید المبارك الکامل الطاهر الفاضل
المحسن الفطن الحسن والتحیه والتقدیس و
صاحب الطیب والطرب واللهو
والطرب والنصب والعیدان واللعب
والسماع الذی یحب الغنا والطرب
والنابع الغامض الطالب الکامل صاحب
العالیه الفخر صاحب ... و
لک ... وکذا ... وصعود ...

د	و	م	ح	ا
ه	م	ط	ا	ف
م	ع	ه	ف	ح

ومعجم مطرو
معدهم

مثال اینها ... ترکیب اسما ...

باب بسم ... در حرز الا... و بعضی ...

بجهت عزت و دیدن اسرار

ستاننند ورق زعفرانی دیدمو زن بدرو ... کال و ناسمهای ملکه و ایات ... و اسمای ملوک ... نام و کال ... منسوبت و حروف ... از ایات جسم و از ان خواند ... و اینجه بدان ...

بسم الله الرحمن الرحیم قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم ولا انتم عابدون ما اعبد لکم دینکم ولی دین

۵ ۹	۴۸۹	۴۹۳	۳
۴۹۵	۵۱۱	۴۸۷	۵۳
۵ ۷	۴۹۹	۵ ۵	۴۹۷
۵۱۵	۴۹۱	۵۱۷	

طریقه حرز از حرز الاسماء استاد که تصحیح شده مرات کثیره از برای طلب از کن

مطابق ابد مبارکه غافر الذنب قابل التوب

باب علم ما نقل ارسطاطالیس الحکیم القیافة

وکتاب انفذ الی الاسکندر یلزم ملک ان تستشعر بالدلایل مع حسن الطبایع علم الفراسة فهو کثیرا استعانة الاوائل ... و هو علم صحیح ... بحسن الطبع فیه ... بالقلم ... ولو لا خوف الاطالة لا ثبتت ... الی صحة ... الصحة ممن جهد فیه ... صاحب الفراسة و کان اقلیمون ... و علیه حکایة ... الی ترکیب علی اخلاق نفسه ... بقراط صورة ... تلامیذ الفاضل و بقراط صورة ... ثم نهضوا بها الی اقلیمون ... هذه الصورة و احکم لنا علی اخلاق ... ترکیبه و نظر ... من بعض ... تعالی ... قال خداع ... الی الزنا ... هذه صورة افضل ... هذه صورة بقراط ... واحد ... فقال لهم ... الفاضل فقال ... علی بقراط و اخبره ... نکم به فلما قدموا علی بقراط ... عما قال اقلیمون فقال لهم بقراط صدق ... اقلیمون والله ما اخطاء ... لما رایت هذه الاشیاء قبایح ملکت نفسی ... وقویت علی ضبط شهوتی منها

طریق دیکر در رجعة

بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد

٥١٣	۴۹۳	۴۸۹	٥٩
٥٠٣	۴۸۷	٥١١	۴۹۹
۴۹۷	٥٥	۴۹۹	٥٧
	٥٥	۴۹۱	٥١٥

بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد

مخفی نماند که ابن حنبر الاسماء از جناب اسد الله الغالب مظهر العجائب ومظهر الغرائب ارطرق شیوع رسیده وشکی در او نیست وآنحضرت در وبا وطاعون عظیمی ابن حنبر را داده‌اند که در کوفه وبصره بهمه رسیده بود بقسمی که غالب خوانهای این دو شهر واطراف آنها

شرح ... عنها وهذا من الزیادة فی فصل بقراط لان الفلسفة ملکت النهایة وانا ... لک یا اسکندر من علم الفراسة رسوما مختصرة وعقدا کافیا یغنیک بحسن طبعک وکرم جوهرک عن کثیر ان شاء الله تعالی قد علمت یا اسکندر ان الرحم للجنین عزیمة القدر للطبیخ فالبیاض مع الزرقة والشقرة الشدیدة دلیل علی قلة النضج واذا انضاف الی ذلک نقص الخلقة فقد نقص الطبع فتحفظ من کل ازرق اشقر او جزء تشر ... خلقة للحقد والخیانة والفتو یا اسکندر تحفظ من کل ناقص الخلقة وصاحب العاهة یحفظک من عدوک یا اسکندر واعدل الخلقة الموافقة توسط القامة وسواد الشعر والعینین وغورهما وتدویر الوجه والبیاض المشرب حمرة السمرة المعتدلة مع تمام الخلقة واعتدال القامة وتوسط الراس فی الصغر والکبر وقلة الکلام الا عند الحاجة الی ذلک والتوسط فی جهارة الصوت ودقته والمیل الی النحافة من غیر افراط ومیل الی ...

طریق دیکر بجهت حنبر الاسماء

ایشان خالی مانده بود وکفته شده که بقسمی شد بجهت علم دفن موتی وزیاد شد اموات دفن نشده وجوق جوق طیور مردکان از طعمه خود می نمودند وشخصی بود در کوفه از بزرکان اهل کوفه که او را ابا المنذر می نامیدند آمد خدمت حضرت امیر المؤمنین ع وشکایت کرد بآن جناب از این امر وامانده وحیران ... وکفت بحق آنکه ... امدادی اموات ...

بسم الله الرحمن الرحیم قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم ولا انتم عابدون ما اعبد لکم دینکم ولی دین

یا حفیظ یا حافظ

٣١٥	۴۹۳	۴۸۹	٥٩
٥٢	۴۸۷	۴۸۷	۴٥٥
۴۹۷	٥٥	٥٥	٥٧
	٥١٧	٥١٧	٥١٥

بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد

بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب الناس ملک الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنة والناس

شرح علم قیافه در قیافه

والصفرة وانا مقسم لذلک الی افرادها تنزیها انت بصحة نظرک القول فی الشعر الشعر اللین یدل علی الجبن وبرد الدماغ وقلة الفطنة والشعر الخشن یدل علی الشجاعة وصحة الدماغ وکثرة الشعر علی الکتفین یدل علی وحشة الطبع وقلة الفهم وحب الجور والشقرة فی الشعر دلیل علی الحمق وکثرة الغضب والتسلط والشعر الاسود یدل علی الاناة وحب العدل والمتوسط علی هذین یدل علی اعتدال الطبع القول فی العین من عظمت عیناه فهو حسود وقح کسلان غیر مطیع لا سیما اذا کانتا زرقاوین ومن عیناه متوسطتین الی الحول والکحل والسواد فهو یقظان فهم محب ثقة ومن کانت عیناه ذاهبتین فی طول البدین فهو خبیث ومن اشبهت عیناه عیون البهائم فی الجمود وبعد الالحظ فهو جاهل غلیظ الطبع ومن تحرکت عیناه بسرعة وحدة فهو لص ...

طريق تركيب اُمرجعة الأسماء

وفرموداى ابا المنذر ما را مخزون نمودی بسبب مطوع بودن اسبا در مراتب اطفال وضعفا وازمن سوال
نمودی اسم اعظم الهی را وازداب دیدن مار دسائل نسبت وحال آنکه سوال نمودی از
امر بزرکی ذیرا اسم اعظم الهی را سزاوار نیست ظاهر نمودن بجهال پس ترا تعلیم می کنم بشرط اخفاء او
ابو انجاب قواعد او را بحسب نظم نظاالاثر وکیفیت وضع حروف او را در استعمال

بسم الله الرحمن الرحيم قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم
عابدون ما اعبد وانا عابد ما عبدتم ولا انتم عابدون ما اعبد لکم دینکم ولی دین

٥١٣	٤٩٣	٤٨٩	٥٩
٥٣	٤٨٧	٥١١	٤٩٩
٤٩٦	٥٩	٤٩٩	٥٧
	٥١٧	٤٩١	٥١٥

بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد

بدانکه ... علم قیافه ... ومن قوی
وهو صلف هذا وخداع ومن ...
العقیدة التقول تام العقل مدبر اصیح ...
فهو ... ومن کان عنقه ... نقیا فهو
الغبی ومن کان عنقه ...
صباح احمق جبان ومن کان عنقه ... القول فی البطن
قصیرا فهو مکار خبیث القول ... وهو جاهل معجب
ومن کان کثیر البطن فهو ... وضیق
... النکاح والطاقة البدن وضیق
... یدلان علی جودة العقل
الصدر ویدلان علی ... فی الظهر
وحسن الرای القول فی الظهر والاکتاف
الاکتاف وعریض الظهر والاکتاف مع خفة العقل
یدلان علی الشجاعة مع ... علی شکاسة الخلق
وانحناء الظهر یدل علی شکاسة ... واستواء الظهر علامة
وتراقة الصدر واستواء ... تدل علی سوء
... وبعد الکتفین تدل علی ... فی الذراعین
... المذهب القول فی الذراعین حتی
والکف واذا طالت الذراعین ... یدل علی الشجاعة
... الکف الی الرکبة یدل علی ... فضل
والکرم واذا قصرت الذراعین ...
... والکف الطویل
... الاصابع الطویلة تدل علی
... مع الاصابع ... احکام الاعمال
... تدل علی الریاسة

وفرمود در جمله از آن اسعاد از جهت مرض طاعون دایره بکشد و در اول حروف معجمه را ثبت
نماید و در تحتانی بسم الله را که نوزده حرف است بعدد حروف اول در تحتانی اسماء صفات
که فرد حی قیوم حکم عدل قدوس بوده باشد که عدد حروف اینها نیز نوزده حرف است و در
تحت همه سیجعل الله بعد عسر یسرا بحروف مقطعه ثبت نماید باید ثبت نماید

از برای طاعون
او را عوذ

بسم الله الرحمن الرحیم قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم
عابدون ما اعبد ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم لکم دینکم ولی دین

٥١٣	٤٩٣	٤٨٩	٥٩
٥٢	٤٨٧	٥١١	٤٩٩
٤٩٧	٥٠	٤٩٩	٥٧
	٥٠٧	٤٩١	٥٠

اصابع وقصرها یدل
علی الجهل والحمق القول فی القدم والساق
واتخو القدم اللحمیة الغلیظة وجثة العود
والقدم الصغیرة اللینة تدل علی ...
ودقة العقب تدل علی الجمود ودقة
العقب تدل علی الجبن وغلظة تدل
علی الشجاعة وغلظ الساقین مع العروق
یدل علی الشجاعة الخفة والبلة وکثرة
اللحم فی الورك تدل علی ضعف القوة
والاسترخاء ومن کانت خطوته واسعة
بطیئة فهو منجح فی جمیع اموره واعماله
متفکر فی عواقبه ومن کان خطاه
قصیرة سریعة عجولة فهو شکس ...
غیر محکم فی الامور ... القول
فی الرجل واعتداله الرجل المعتدل
تدل علی الفهم الجیدة الطبع ان یکون
لحمه لینا رطبا متوسطا بین الدقة و
الغلظة ویکون بین الطویل والقصیر
ابیض مائلا الی الحمرة اسیل الوجه
طویل الشعر بین السبط والجعد
الشعر متوسط کبیر العینین الی
الغور ...

الراس ... نظم
... استواء شامل ...
صفاء مع الاعتدال ...
بسط الکف طویل الاصابع ...
الربعة قلیل القطع ...
... سرور و فرح ...
یا اسکندر ان ...
واحسبها ...
جاه ...
فصل انشاء الله تعالی

انما ندکه ابان نفل بیرون بیابد و نیز فرموده اند که از برای رضا ... برای
هر دردی والمی بنویسی اسم ان مرض را بزبان با بجلب کذراند که در سر روز شفا یابد
و از جهة وضع کردن اطفال ... و مصروع بنویس و بشوی و بخور و بیاویز
بر سر مجنون و صاحب ... و از برای هر زنی
چون مرض ... از ابا باشا مد و نقل
ازاد ... اندازد و یابد
باشد و ان ... دزد قطاع
طریق و جمع ... مطالب جوی
بلید باشد ... نوشت و زعفران
... سعید و حسن
و بجو بخور د ... بسوزاند و بدود
اللبان و کندر ... اسم مبارک را نویسد
او ابر الکرسی و نورد ... دایره ثبت شد و در
اسماء مبارک اینست که در دور

دایره مرتبی بکشد و در خانه اول ۱۴ کنارد در برها ز نظم طبیعی با ابجد دو دو و بعد و ان
ان دایره کشد و چهار قل را بر چهار طرف مربع نویسد و در میان دایره ایاتیکه بجهة مطلب
از مطالب استخراج شده است بنویسد ایات مناسب از جهة توبه و امرش غافر الذنب
قابل التوب و ایضا و انی لغفار لمن تاب و امن و بجهة قبول شدن دعا ابراد عونی
استجب ایضا فادعوه مخلصین له الدین برای طلب علم و حکمت ان الله کان علیما حکیما
ایضا و یعلمهم الکتاب والحکمة بجهة فتح و غلبه بر اعداء انا فتحنا لک فتحا مبینا ایضا
و ینصرک الله نصرا عزیزا ایضا ینصره من یشاء الله و حق علینا نصر المؤمنین ایضا
انصرنی بما کذبون جهة جاه و عظمت و قبول نزد سلاطین وعنت الوجوه للحی القیوم
جهة محبت وان الله بکم لرؤف رحیم جهة خلاصی از دشمنان نجنی من القوم الظالمین ایضا ونجنا

باب بیست و هفتم در بیان استخارات و طریق انها و اداب سفر از جمله انها استخاره ذات الرقاع است
از حضرت صادق مرویست که فرمود هرگاه اراده امری کنی در سر شش رقعه بنویس
بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة افعل بنویس
و در سر رقعه دیگر مثل این بنگار بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم
لفلان بن فلانة لا تفعل بعد از ان هر شش رقعه را در زیر مصلای خود بگذارد
و دو رکعت نماز کن و چون از نماز فارغ شوی سجده کن و صد نوبت بگوی استخیر الله
برحمته خیرة فی عافیة و بعد از ان بنشین و بگوی اللهم خر لی واختر لی فی
جمیع اموری فی یسر منک و عافیة و بعد از ان رقاع را بر هم زن و یکی یکی بیرون
آر پس اگر سه رقعه متوالی افعل بیرون اید ان کار را بکن و اگر سه رقعه متوالی لا
تفعل بیرون اید ان کار را مکن و اگر یکی افعل بیرون اید و دیگری لا تفعل سر رقعه
دیگر بیرون ار تا پنج رقعه شود پس باکثر ان نظر کن اگر افعل است ان کار را بکن
و اگر لا تفعل است مکن و احتیاج نیست به بیرون اوردن رقعه ششم و از ان جمله
استخاره ایست که اسحق بن عمار از حضرت صادق روایت کرده است که گفت با نحضرت
عرض کردم که بسیار می شود که اراده امری می کنم بعضی از مردم می گویند او را بکن و بعضی
از مردم می گویند او را مکن انحضرت فرمود هرگاه چنین باشد دو رکعت نماز کن و صد و
یک نوبت بگو استخیر الله و بعد از ان بهر امر بکه عزم تو قرار گیرد بکن که خیر تو در ان است
ان شاء الله اما باید که استخاره تو در عافیت باشد یعنی بگوی که استخیر الله برحمته خیرة
فی عافیة زیرا که بسا باشد خیر مردی در قطع ید او و موت ولد او و ذهاب مال
او باشد پس فی عافیة که بگوید از این بلایا سالم میماند و بعضی دیگر از انها استخاره
که از ائمه علیهم السلم مرویست و ان انست که مستخیر حاجت خود را قصد کند و در کلمه لا ...

در مناجات حضرت امیر المومنین
...
اصحاب روایت ...
چون ... امیر المومنین
از ان جمله مناجات حضرت ...
که روایت کرده است ...
الهی اللهم صل علی ...
محمد وارحمنی اذا انقطع من الدنیا ذکری و
اثری وامحی من المخلوقین ذکری
و صرت فی المنسیین کمن قد نسی
کبرت سنی ورق جلدی و دق
عظمی ونال الدهر منی و قرب
اجلی و نفدت ایامی و ذهبت
شهواتی و بقیت تبعاتی الهی
ارحمنی اذا تغیرت صورتی و
امتحت محاسنی و بلی جسمی و
تقطعت اوصالی و تفرقت
اعضائی الهی افحمتنی ذنوبی
و قطعت مقالتی فلا حجة
لی ولا عذر

ودر رقعه دیکر نعم بنویسد و آن دو رقعه را در میان دو کلوله از کل بکذارد وان دو کلوله را در زیر دامن خود کذارد و دو رکعت نماز کند و بعد ازان این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اُشاوِرُكَ فی اَمْری هٰذا وَاَنْتَ خَیْرُ مُسْتَشارٍ وَمُشیرٍ فَاَشِرْ عَلَیَّ بِما فیهِ صَلاحٌ وَحُسْنُ عاقِبَةٍ وبعد ازان یکی را بیرون آورد واکر نعم بیرون آید ان کار را بکن واکر لا بیرون آید مکن واز انجمله استخاره ایست که علی بن اسباط با انحضرت مشورت کرد که از راه بیابان بمصر رود یا راه دریا پس انحضرت باو کفت که در وقت غیر نماز بمسجد پیغمبر رود و دو رکعت نماز کند وصد نوبت بکوید استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة انچه بدل تو میاید بان عمل کن واز انجمله استخاره ایست که ابن فهد در عدة موجز خود ذکر کرده است وان اینست که با بعضی از برادران مؤمن خود مشورت کن واز خدای تعالی سؤال کن که خیر ترا بر زبان او جاری سازد بعد ازان عمل کن بانچه او میکوید ونیز از انجمله استخاره ایست که ابن فهد در موجز خود ذکر کرده که بکشاید مصحف را ونظر کند بانچه در اول انست وبان عمل کند واز انجمله استخاره ایست که شیخ طوسی ره در مصباح خود از ائمه علیهم السلام روایت کرده که هر بنده که هفتاد بار این دعای استخاره را بخواند خدای تعالی خیر را در دل او می اندازد وان اینست که یا اَبْصَرَ النّاظِرینَ وَیا اَسْمَعَ السّامِعینَ وَیا اَسْرَعَ الْحاسِبینَ وَیا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَیا اَحْكَمَ الْحاكِمینَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَخِرْ لی كَذا وَكَذا واز انجمله استخاره ایست که علامه از در مصباح خود ذکر کرده از حضرت صاحب الامر ع روایت کرده وطریق ان اینست که ده نوبت الحمد بخواند وبعد ازان ده نوبت قد بخواند پس سه بار بکوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَخیرُكَ لِعِلْمِكَ بِعاقِبَةِ الْاُمُورِ وَاَسْتَشیرُكَ لِحُسْنِ ظَنّی بِكَ فِی الْمَأْمُولِ وَالْمَحْذُورِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كانَ الْاَمْرُ الْفُلانی ونام ان امر را ببرد وبعد ازان بکوید مِمّا قَدْ نیطَتْ

فانا الاسیر ببدنی المعتقل بجرمی المعترف بذنبی المتحیر فی عملی المتوسل بجودی خصلتی المنقطع بی فصل علی محمد وال محمد وادخلنی برحمتک وتجاوز عنی یا کریم الهی ان کان صغر فی جنب طاعتک عملی فقد کبر فی جنب رجائک املی الهی کیف انقلب بالخیبة من عندک محروما وکان حسن ظنی بک وبجودک ان تقلبنی بالنجاة مرحوما الهی وقد افنیت عمری فی شرة السهو عنک ... علی حسن ظنی بک فلا تبطل صدق رجائی لک بین الاملین الهی عظم جرمی اذ کنت المبارز به وکبر ذنبی اذ کنت المطالب به الا انی اذا ذکرت کبیر جرمی وعظیم غفرانک وجدت الحاصل لی من بینهما عفو رضوانک الهی ان دعانی الی النار بذنبی مخشی عقابک فقد

بالبرکة اعجازه وبوادیه وحفت بالکرامة ایامه ولیالیه فخر لی اللهم فیه خیرة ترد شموسه ذلولا وتقعص ایامه سرورا اللهم اما امر فأئتمر واما نهی فانتهی اللهم انی استخیرک برحمتک خیرة فی عافیة وبعد ازان قطعه از تسبیح را بکیرد وحاجت خود را در خاطر بکذراند وبعد ازان عدد ان قطعه را ملاحظه کند اکر جفت است ان کار را بکند واکر طاق است ترک کند وابن بابویه علیه الرحمه در کتاب فقیه از حضرت صادق ع روایت کرده که انحضرت فرمود هرکاه کسی را حاجت خفیفی یا چیز سهلی باشد هفت مرتبه استخاره کند واکر امر عظیمی باشد صد بار استخاره کند ونیز از انحضرت مرویست که کسیکه یکبار استخاره کند وراضی باشد بان خدای تعالی خیر را برای او اختیار کند وابن باقی در مصباح خود کفته است که سزاوار انست که کسیکه استخاره می کند در دست او خاتم عقیقی باشد که بران محمد وعلی نقش باشد وبعد ازان از دست راست یکی ازان دو رقعه را بر دارد که انچه خیر دنیا واخرت بدست او اید وابن طاوس در کتاب فتح الابواب ذکر کرده که می باید کسیکه استخاره می کند دران نماز متادب باشد باداب مسکینی که از کسی سؤال می کند ودر سجود دل خود را متوجه جناب کبریائی الهی کند ودر سجده بکوید استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة ووقتی که سر از سجده بر دارد نیز این قول را بکوید ودر اثنای اخذ رقاع ودر اثنای استخاره حرف نزند مکر بدعا بلکه سهو زیرا که حرف زدن دران اثنا از قلت ادبست ومخالف حدیثست زیرا که حضرت جواد ع بعلی بن اسباط کفت که در اثنای استخاره حرف مزن تا وقت تمام شدن صد نوبت وهرکاه استخاره مخالف مطلب تو باشد ازرده مباش بلکه شکر کن که خدای تعالی ترا اهل ان دانسته است که با تو مشورت کند وشیخ مفید در رساله عربیه کفته است که سزاوار نیست که استخاره کند در چیزی که خدای

یا الهی فان ... بالرجاء وحسن توکلی الی الجنة یا الهی ... اوحشتنی الخطایا عن محل قربک فقد انستنی بالیقین لطفک الهی ان انامتنی الغفلة عن الاستعداد للقائک فقد انبهتنی المعرفة بکرم الائک الهی ... یا سیدی بکریم ... ان عزب لبی عن تقویم ما یصلحنی فما عزب ایقانی بنظرک الی فیما ینفعنی الهی ان انقرضت بغیر ما احببت من السعی ایامی فبالایمان امضتها الماضیات من اعوامی الهی جئتک ملهوفا قد لبست عدم فاقتی واقامنی مقام الاذلاء بین یدیک ضر حاجتی الهی کرمت فاکرمنی اذ کنت من سؤالک وجدت بالمعروف فاخلطنی باهل نوالک الهی مسکنتی لا یجبرها الا عطاؤک وامنیتی لا یغنیها الا جزاؤک الهی اصبحت علی باب من ابواب منحک سائلا وعن التعرض لسواک بالمسئلة عادلا

تعالی از ان نهی کرده است و در اداء امر واجب نیز استخاره نباید کرد بلکه استخاره در امر
مباح و ترک نافله بواسطهٔ اتیان بنافلهٔ دیگر که جمع میان هر دو ممکن نباشد مثل حج و
جهاد سنتی یا بواسطهٔ زیارت مشهدی دون مشهد دیگر و بواسطهٔ صلهٔ برادری
دون برادر دیگر توان کرد و نماز استخاره دو رکعتست بعد از حمد هر سوره که خواهد
بخواند و قنوت بخواند و چون سلام بدهد حمد و ثنای خدای تعالی بجا آورد و صلوات
بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَخیرُکَ بِعِلْمِکَ وَ بِقُدْرَتِکَ
وَ اَسْتَخیرُکَ بِعِزَّتِکَ وَ اَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ فَاِنَّکَ تَقْدِرُ وَ لَا اَقْدِرُ وَ تَعْلَمُ
وَ لَا اَعْلَمُ وَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَ هٰذَا الْاَمْرُ الَّذی عَرَضَ لی خَیْراً
فی دینی وَ دُنْیایَ وَ آخِرَتی فَیَسِّرْهُ لی وَ بارِکْ لی فیهِ وَ اَعِنّی عَلَیْهِ وَ اِنْ کانَ
شَرّاً لی فَاصْرِفْهُ عَنّی وَ اقْضِ لِیَ الْخَیْرَ حَیْثُ کانَ وَ رَضِّنی بِهِ حَتّی لا اُحِبَّ تَعْجیلَ
ما اَخَّرْتَ وَ لا تَاْخیرَ ما عَجَّلْتَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ الطّاهِرینَ و شیخ طوسی ره در امالی خود ذکر کرده است از علی بن ابی طالب ع
که انحضرت فرمود که چون پیغمبر مرا بیمن والی ساخت از جملهٔ وصایای انحضرت بمن این
بود که فرمود یا علی کسیکه استخاره کند حیران و زیانکار و هلاک نمی شود و کسی که
در امری مشورت کند پشیمان نمی شود و ادعیهٔ استخاره بسیار است و بهتر یا بنها دعائی
که در ادعیه سر مذکور است و آن اینست که خدای تعالی فرمود ای محمد کسی را که دو امر
پیش اید و خواهد که امر بهتر اختیار کند که نزد من بهتر است باید که در وقتی که اراده
ان امر دارد بگوید اَللّٰهُمَّ اخْتَرْ لی بِعِلْمِکَ وَ وَفِّقْنی بِعِلْمِکَ لِرِضاکَ وَ مَحَبَّتِکَ
اَللّٰهُمَّ اخْتَرْ لی بِقُدْرَتِکَ وَ جَنِّبْنی بِعِزَّتِکَ مَقْتَکَ وَ سَخَطَکَ اَللّٰهُمَّ
فَاخْتَرْ لی فیما اُریدُ مِنْ هٰذَیْنِ الْاَمْرَیْنِ و ان دو امر را نام ببرد و بعد از ان بگوید

اَحَبَّهُما اِلَیْکَ وَ اَرْضاهُما لَکَ وَ اَقْرَبَهُما مِنْکَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِالْقُدْرَةِ
الَّتی زَوَیْتَ بِها عِلْمَ الْاَشْیاءِ عَنْ جَمیعِ خَلْقِکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ
وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْلِبْ بِالی وَ هَوایَ وَ سَریرَتی وَ عَلانِیَتی بِاَخْذِکَ وَ اسْفَعْ
بِناصِیَتی اِلی ما تَراهُ لَکَ رِضیً وَ لی صَلاحاً فیما اَسْتَخیرُکَ حَتّی تُلْزِمَنی
مِنْ ذٰلِکَ اَمْراً اَرْضی فیهِ بِحُکْمِکَ وَ اَتَّکِلُ فیهِ عَلی قَضائِکَ وَ اَکْتَفی فیهِ بِقُدْرَتِکَ
وَ لا تَقْلِبْنی وَ هَوایَ بِهَواکَ مُخالِفٌ وَ لا ما اُریدُ لِما تُریدُ مُجانِبٌ اَغْلِبْ
بِقُدْرَتِکَ الَّتی تَقْضی بِها ما اَحْبَبْتَ عَلی ما اَحْبَبْتَ بِهَواکَ هَوایَ وَ یَسِّرْنی
لِلْیُسْری الَّتی تَرْضی بِها عَنْ صاحِبِها وَ لا تَخْذُلْنی بَعْدَ تَفْویضی اِلَیْکَ اَمْری
بِرَحْمَتِکَ الَّتی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ اَللّٰهُمَّ اَوْقِعْ خِیَرَتَکَ فی قَلْبی وَ افْتَحْ قَلْبی
لِلُزُومِها یا کَریمُ آمینَ پس بدرستیکه هرگاه این دعا را بخواند اختیار می کنم
برای او منافع ان امر را در دنیا و اخرت و اما ادعیهٔ سفر و انچه تعلق بان دارد
شیخ مفید ره در کتاب مزار خود گفته که هرگاه اراده سفر کنی از برای زیارت یا غیر ان
باید که اختیار کنی روز خوبی را و می باید از هفته روز شنبه یا سه شنبه یا پنجشنبه باشد
اما روز شنبه پس در روایت واقع شده است از حضرت صادق ع که فرمود کسیکه
اراده سفر کند باید که در روز شنبه سفر کند از جای خود چه اگر روز شنبه سنگی از
جای خود حرکت کند خدا تعالی انسنگ را بمکان خود بر میگرداند و اما روز سه شنبه پس مرویست
از حضرت صادق ع که فرمود سفر کنید در روز سه شنبه و حوائج خود را طلب کنید
در ان روز پس بدرستیکه روز سه شنبه روزیستکه خدای تعالی اهن را از برای داود نرم
کرد در ان روز و اما روز پنجشنبه پس از انحضرت مرویست که فرمود که حضرت پیغمبر ص اجتناب
خود در روز پنجشنبه بعزم امیر رفت و ظفر میافت پس کسیکه اراده سفر کند باید در روز

من اید واجب می شود از برای او شفاعت من و کسیکه شفاعت من برای او واجب شود واجب
شود برای او بهشت و نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه بعد از مردن من قبر مرا زیارت کند
مثل آنست که در زمان حیات من بسوی من مهاجرت کرده است و اگر قدرت بر آمدن نداشته
باشد سلام بفرستد بسوی من که سلام شما بمن میرسد و نیز آنحضرت بجناب امام حسین علیه السلام
فرمود که کسی که زیارت من کند در زندگی یا مرده گی یا زیارت پدر تو کند یا برادر ترا
زیارت کند یا ترا زیارت کند واجبست که در روز قیامت او را زیارت کنم و او را از گناهان
پاک کنم این روایت شیخ شهید در دروس ذکر کرده است و سنتست غسل کردن برای زیارت
و سنتست این دعا را که از حضرت صادق روایت شده در غسل زیارت بخواند وان این است
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُوراً وَطَهُوراً وَحِرْزاً وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ
وَسُقْمٍ وَآفَةٍ وَعاهَةٍ اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَسَهِّلْ بِهِ اَمْرِي
و چون اراده کنی دخول در روضه آنحضرت یا در روضه یکی از مشاهد ائمه علیهم السلام
باید در دخول بطلبی و بگوئی اَللّٰهُمَّ اِنِّي وَقَفْتُ عَلى بابٍ مِنْ اَبْوابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ
صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدْ مَنَعْتَ النّاسَ اَنْ يَدْخُلُوا اِلّا بِاِذْنِهِ فَقُلْتَ يا اَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ اِلّا اَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعْتَقِدُ
حُرْمَةَ (صاحب) هذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَما اَعْتَقِدُها فِي حَضْرَتِهِ وَاَعْلَمُ اَنَّ
رَسُولَكَ وَخُلَفاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ اَحْياءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ يَرَوْنَ مَقامِي وَ
يَسْمَعُونَ كَلامِي وَيَرُدُّونَ سَلامِي وَاَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِي كَلامَهُمْ وَفَتَحْتَ
بابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُناجاتِهِمْ وَاِنِّي اَسْتَاْذِنُكَ يا رَبِّ اَوَّلاً وَاَسْتَاْذِنُ
رَسُولَكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاَسْتَاْذِنُ ثانِياً خَلِيفَتَكَ الْاِمامَ الْمَفْرُوضَ
عَلَيَّ طاعَتُهُ و چون به الامام المفروض طاعته برسد اسم آن امام را که زیارت او را

وأغضبك
ربها وأرضيك وعصاك
[illegible] داعية إلى الشهوات و
أسكنتني داراً قد ملئت من الآفات
ثم قلت لي انزجر فبك أنزجر وبك
أعتصم وبك أستجير وبك أحترز و
أستوفقك لما يرضيك وأسئلك
يا مولاي فإن سؤالي لا تخيبه إلهي
أدعوك دعاء ملح لا يمل دعاء مولاه
وأتضرع إليك تضرع من قد أقر على
نفسه بالحجة في دعوة إلهي لو عرفت
اعتذاراً من الذنب في التنصل أبلغ
من الاعتراف به لأتيته فهب لي
ذنبي بالاعتراف ولا تردني بالخيبة
عند الانصراف إلهي سعت نفسي
إليك لنفسي تستوهبها وفتحت أفواه
أملها نحو نظرة منك لا يستوجبها فهب لي
ما سألت وجد عليها بما طلبت
فإنك أكرم الأكرمين بتحقيق أمل الآملين
إلهي وقد أصبت من الذنوب ما قد عرفت
وأسرفت على نفسي بما قد علمت فاجعلني
عبداً إما طائعاً فأكرمته وإما
عاصياً

ی کنی و اسم پدر او را ذکر کنی و بعد از آن بگو وَالْمَلائِكَةَ الْمُوَكَّلِينَ بِهذِهِ الْبُقْعَةِ
الْمُبارَكَةِ ثالِثاً ءَاَدْخُلُ يا رَسُولَ اللهِ ءَاَدْخُلُ يا حُجَّةَ اللهِ ءَاَدْخُلُ يا
مَلائِكَةَ اللهِ الْمُقَرَّبِينَ (المقيمين) فِي هذَا الْمَشْهَدِ فَاْذَنْ لِي يا مَوْلايَ فِي الدُّخُولِ اَفْضَلَ
ما اَذِنْتَ لِاَحَدٍ مِنْ اَوْلِيائِكَ فَاِنْ لَمْ اَكُنْ اَهْلاً لِذلِكَ فَاَنْتَ اَهْلٌ لَهُ و بعد
از اتمام دعا عتبه مبارکه را ببوس و داخل شو و بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفِي سَبِيلِ
اللهِ وَعَلى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي
وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحِيمُ پس بایست نزد سر مبارک پیغمبر و روی
بقبله کن و بگوی این خبر را که شیخ طوسی در کتاب متهجد خود ذکر کرده است وان این است
اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
وَاَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُولُ اللهِ وَاَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ
رِسالاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً
حَتّى اَتيكَ الْيَقِينُ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَاَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ
الْحَقِّ (انك) وَقَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغَلُظْتَ عَلَى الْكافِرِينَ فَبَلَّغَ اللهُ بِكَ اَفْضَلَ شَرَفِ
مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلالَةِ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ
صَلَواتِكَ وَصَلَواتِ مَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَاَنْبِيائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَعِبادِكَ
الصّالِحِينَ وَاَهْلِ السَّماواتِ وَالْاَرَضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يا رَبَّ الْعالَمِينَ مِنَ
الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَاَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ
وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَخاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ
الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَآتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ
الْاَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ وَلَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جاؤُكَ

إلهي كأني بنفسي قد أضجعت في حفرتها وانصرف عنها المشيعون
من جيرتها وبكى الغريب عليها
لغربتها وجاد بالدموع عليها
المشفقون من عشيرتها وناداها
من شفير القبر ذوو مودتها
ورحمها المعادي لها في الحياة عند صرعتها
ولم يخف على الناظرين إليها عند
ذلك ضر فاقتها ولا على من رآها
قد توسدت الثرى عجز حيلتها
فقلت ملائكتي فريد نأى عنه الأقربون
ووحيد جفاه الأهلون
نزل بي قريباً وأصبح في اللحد غريباً
وقد كان لي في دار الدنيا داعياً
ولنظري إليه في هذا اليوم راجياً
فتحسن عند ذلك ضيافتي
وتكون أرحم بي من أهلي وقرابتي
إلهي لو طبقت ذنوبي ما بين
السماء إلى الأرض وخرقت النجوم
وبلغت أسفل الثرى ما ردني
اليأس عن توقع غفرانك ولا
صرفني القنوط عن ابتغاء رضوانك
إلهي ... عفوك
شفع

فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما و انی اتیتک
مستغفرا تائبا من ذنوبی و انی اتوجه بک الی الله ربی و ربک لیغفر ذنوبی
واگر ترا حاجتی باشد قبر آنحضرت را در عقب خود بگیر و رو بقبله کن و هر دو دست
خود را بردار و حاجت خود را بخواه که روا می‌شود ان شاء الله تعالی زیارت دیگر آنحضرت که
از حضرت امام رضا علیه السلام روایت است السلام علیک یا رسول الله السلام علیک یا
حبیب الله السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک یا امین الله السلام
علیک یا حجة الله اشهد انک قد نصحت لامتک وجاهدت فی سبیل الله وعبدته
مخلصا حتی اتیک الیقین فجزاک الله افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم صل
علی محمد و آل محمد افضل ما صلیت علی ابرهیم و آل ابرهیم انک حمید مجید
و بگو اسأل الله الذی اجتباک واختارک وهداک وهدی بک ان یصلی علیک ان الله
وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما
زیارت دیگر آنحضرت السلام علی رسول الله وامین الله علی وحیه وعزائم امره
الخاتم لما سبق والفاتح لما استقبل والمهیمن علی ذلک کله ورحمة الله و
برکاته السلام علی صاحب السکینة السلام علی المدفون بالمدینة
السلام علی المنصور المؤید السلام علی ابی القاسم محمد ورحمة الله
وبرکاته و در وداع آنحضرت بگو اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارة نبیک
فان توفیتنی قبل ذلک فانی اشهد فی مماتی علی ما اشهد علیه فی حیاتی
ان لا اله الا انت وان محمدا عبدک ورسولک وانک قد اخترته من
خلقک ثم اخترت من اهل بیته الائمة الطاهرین الذین اذهبت عنهم
الرجس وطهرتهم تطهیرا فاحشرنا معهم وفی زمرتهم وتحت لوائهم ولا تفرق

فی مناجات

الذی علمتنیه فلا تحرمنی جزاءک الذی وعدتنیه فمن النعمة ان هدیتنی بحسن دعائک و من تمامها ان توجب لی محمود جزائک ... وعزتک وجلالک لقد احببتک محبة استقرت حلاوتها فی قلبی وما تنعقد ضمائر موحدیک علی انک تبغض محبیک الهی انتظر عفوک کما ینتظره المذنبون ولست ایأس من رحمتک التی یتوقعها المحسنون الهی لا تغضب علی فلست اقوی لغضبک ولا تسخط علی فلست اقوم لسخطک الهی اللنار ربتنی امی فلیتها لم تلدنی الهی انهملت عبراتی حین ذکرت عثراتی وما لها لا تنهمل ولا ادری الی ما یکون مصیری و علی ماذا یهجم عند البلاغ مسیری و اری نفسی تخاتلنی وایامی تخادعنی وقد خفقت عند راسی اجنحة الموت ورمقتنی من قریب اعین الموت فما عذری وقد حشا مسامعی

بینی و بینهم فی الدنیا والآخرة یا ارحم الراحمین و سنت است زیارت حضرت ابرهیم
ولد پیغمبر و زیارت عبدالله بن جعفر و زیارت فاطمه بنت اسد مادر حضرت
امیرالمؤمنین و زیارت کسانیکه در بقیع مدفونند از صحابه و تابعین چنانچه
شیخ شهید ره در دروس ذکر کرده و زیارت حمزه و شهداء احد که اقل بگوید السلام
علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار انتم لنا فرط وانا بکم لاحقون بدانکه اختلاف
واقع شده است در قبر حضرت فاطمه بعضی گفته اند که آنحضرت در روضه مدفونست
یعنی میان قبر پیغمبر و منبر او و بعضی گفته اند که در حجره خود مدفونست و بعضی گفته اند که در
بقیع مدفونست و اکثر اصحاب امامیه بر آنند که در روضه آنحضرت را زیارت کند و اگر
کسی در هر سه موضع آنحضرت را زیارت کند اولی است چنانچه شیخ طبرسی در مختصر مصباح
ذکر کرده است و از حضرت صدیقه کبری حضرت زهرا روایت است که پدرم مرا خبر داد
که کسیکه بر تو و بر من سه روز سلام کند بهشت از برای او واجب شود پرسیدند از آن
حضرت که در حیات شما است این سلام فرمود بلی در حیات ما و بعد از وفات ما
و بهتر آنستکه باین طریق آنحضرت را زیارت کند السلام علیک یا بنت رسول الله
السلام علیک یا بنت نبی الله السلام علیک یا بنت حبیب الله السلام
علیک یا بنت خلیل الله السلام علیک یا بنت امین الله السلام علیک
یا بنت خیر خلق الله السلام علیک ایتها المعصومة المظلومة السلام
علیک ایتها المحدثة العلیمة اشهد الله ورسوله وملائکته انی راض
عمن رضیت عنه ساخط علی من سخطت علیه متبرئ عمن تبرأت منه
موال لمن والیت ومعاد لمن عادیت مبغض لمن ابغضت محب لمن احببت و
کفی بالله شهیدا وحسیبا وجازیا ومثیبا پس صلوات بفرست بر پیغمبر

مناجات

رفیع الصوت ... الهی قد رجوت ممن البستنی ... الاحیاء ثوب عافیته و لقد رجوت الاموات بجود رافته ... بین الاموات بجود احسانه ان تشعر ... الی عبد و ... بعفرانه یا انیس کل غریب ... انس فی القبر غربتی ویا ثانی کل وحید ارحم فی القبر وحدتی ویا عالم السر والنجوی ویا کاشف الضر والبلوی ... کیف نظرک لی بین سکان الثری و کیف صنیعک الی فی دار الوحشة والبلی فقد کنت بی لطیفا ایام حیوة الدنیا یا افضل المنعمین فی آلائه و انعم المفضلین ... آلائک عندی قد عجزت عن احصائها ... ضعفت عن ادائها ... وقد ... فلک الحمد علی ما اولیت و لک الشکر علی ما ابلیت یا خیر من دعاه داع و افضل من رجاه راج بذمة الاسلام اتوسل الیک وبحرمة القرآن اعتمد علیک وبحق محمد و آل محمد اتقرب الیک فصل علی محمد و آل محمد واعرف ... التی رجوت

و بر ائمه علیهم السلام اما از زیارت ائمه اربعه که در بقیع مدفونند از حضرت امام حسن
عسکری ع مرویست که کسیکه زیارت کند امام محمد باقر و امام جعفر صادق ع را چشمها
او بدرد نمی آید و بیماری باو نمیرسد و نمی میرد در حالتی که مبتلا بمرضی باشد و حضرت
صادق ع می فرماید کسیکه زیارت کند مرا البته کناهان او آمرزیده می شود و فقیر نمی میرد
و از حضرت امام رضا ع مرویست که هر امامی را در کردن شیعه و اولیای او عهدی و وفائی است
و وفای بعهد او و حسن ادای آن زیارت قبر اوست پس کسیکه زیارت قبر ایشان کند بواسطه
رغبت در زیارت ایشان و تصدیق بانچه رغبت دارند در آن ائمه ایشان در روز قیامت
شفیع ایشان خواهد بود پس سزاوار است که بخصوص بزیارت این چهار بزرگوار بروند
و این روایت را شهید در دروس ذکر کرده پس هرگاه خواهی زیارت کنی حضرت امام حسن
و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام را باید که غسل زیارت
کنی و بعد از آن قبر ایشان را در پیش روی خود کیری و بکوی اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا خُزّانَ
عِلْمِ اللّهِ وَحَفَظَةَ سِرِّهِ وَتَراجِمَةَ وَحْیِهِ اَتَیْتُکُمْ یا بَنی رَسُولِ اللّهِ عارِفاً
بِحَقِّکُمْ مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِکُمْ مُعادِیاً لِاَعْدائِکُمْ مُوالِیاً لِاَوْلِیائِکُمْ بِاَبی اَنْتُمْ
وَاُمّی صَلَّی اللّهُ عَلی اَرْواحِکُمْ وَاَبْدانِکُمْ اَللّهُمَّ اِنّی اَتَوَلّی آخِرَهُمْ کَما
تَوَلَّیْتُ اَوَّلَهُمْ وَاَبْرَءُ مِنْ کُلِّ وَلیجَةٍ دُونَهُمْ آمَنْتُ بِاللّهِ وَکَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ
الطّاغُوتِ وَاللّاتِ وَالْعُزّی وَکُلِّ نِدٍّ یُدْعی مِنْ دُونِ اللّهِ و داع ایشان علیهم
السلام اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ اَئِمَّةَ الْهُدی وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ اَسْتَوْدِعُکُمُ اللّهَ
وَاَقْرَءُ عَلَیْکُمُ السَّلامَ آمَنّا بِاللّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِما جِئْتُمْ بِهِ وَدَلَلْتُمْ عَلَیْهِ اَللّهُمَّ
فَاکْتُبْنا مَعَ الشّاهِدینَ وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتِهِمْ وَالسَّلامُ عَلَیْهِمْ وَ
رَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ **باب ۳۱ در** زیارت حضرت امیر المومنین ع از حضرت صادق ع مرویست

مناجات حضرت امیر در تخویف نفس خود و ...

... ربها قضاء حاجتی برحمتك یا ارحم الراحمین ... و من مناجاته ... لنفسه ... المؤمنین ع علی نفسه یعاتبها و فرموده ایها المناجی ربه بانواع الکلام والطالب منه مسکنا بدار السلام والمسوف بالتوبة عاما بعد عام ما اراك منصفا لنفسك من بین الانام فلو دافعت یومك یا غافلا بالصیام واقتصرت علی القلیل من لعق الطعام و احییت مجتهدا لیلك بالقیام کنت احری ان تنال اشرف المقام ایتها النفس اخلطی لیلك ونهارك بالذاکرین لعلك ان تسکنی ریاض الخلد مع المتقین و تشبهی بنفوس قد اقرح السهر رقة جفونها ودامت فی الخلوات شدة حنینها وابکی المستمعین عولة انینها والان قسوة الضمائر ضجة رنینها فانها نفوس قد باعت زینة الدنیا وآثرت

که کسیکه زیارت علی بن ابی طالب پیاده برود خداوند عالم بهر کامی که برمیدارد ثواب
یک حج و یک عمره از برای او می نویسد و اگر پیاده برگردد خدای تعالی بهر کامی دو حج و
دو عمره از برای او می نویسد و ابن صیاد از حضرت صادق ع روایت کرده که کسیکه زیارت
کند علی بن ابی طالب را در حالتی که عارف باشد بحق او خدای تعالی بهر کامی یک حج مقبول
و یک عمره مبروره از برای او می نویسد بخدا قسم که آتش نمی خورد قدمیرا که در زیارت
امیر المؤمنین ع کرد آلود شود خواه پیاده بزیارت رفته باشد خواه سواره بعد از آن
آنحضرت ع فرمود که ای ابن صیاد این حدیث را باب طلا بنویس و حضرت امام رضا ع
بمحمد بن ابی نصر بزنطی کفت که روز غدیر حاضر شو نزد علی ع که خدای تعالی در این روز
می آمرزد از برای هر مؤمن و مؤمنه و هر مسلم و مسلمه کناهان شصت ساله او را و آزاد
می کند در این روز از آتش دوزخ ضعف آنچه را که در ماه رمضان و شب قدر و شب
فطر آزاد می کند و تصدق یکدرهم در این روز برابر هزار درهم است برادران
عارفین خود در روزهای دیگر این روایت را شیخ شهید در دروس خود ذکر کرده
و می کوئی در زیارت حضرت امیر المؤمنین ع روز غدیر بعد از اذن دخول و استقبال
قبر و کرد این قبله در میان دو کتف اَلسَّلامُ عَلی رَسُولِ اللّهِ وَاَمینِ اللّهِ عَلی وَحْیِهِ
وَعَزائِمِ اَمْرِهِ وَالْخاتِمِ لِما سَبَقَ وَالْفاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ وَالْمُهَیْمِنِ عَلی ذلِکَ کُلِّهِ وَرَحْمَةُ
اللّهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلی اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلِیِّ بْنِ اَبی طالِبٍ وَصِیِّ رَسُولِ اللّهِ صَلَّی
اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَخَلیفَتِهِ وَالْقائِمِ بِالْاَمْرِ مِنْ بَعْدِهِ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ وَرَحْمَةُ
اللّهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلی فاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللّهِ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ
عَلَی الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ سَیِّدَیْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَجْمَعینَ اَلسَّلامُ عَلَی الْاَئِمَّةِ
الرّاشِدینَ اَلسَّلامُ عَلَی الْاَنْبِیاءِ الْمُرْسَلینَ اَلسَّلامُ عَلَی الْمَلائِکَةِ الْمُقَرَّبینَ

مناجات حضرت امام ...

... وفد علی الاولی والتی ... المطلق الکرامة یوم یحشر فیه ویحشر الی ربه بالحسنی والسرور المتقون

مناجات سید الساجدین

مناجات التائبین

بسم الله الرحمن الرحیم الهی البستنی الخطایا ثوب مذلتی وجللنی التباعد منك لباس مسکنتی وامات قلبی عظیم جنایتی فاحیه بتوبة منك یا املی وبغیتی و یا سؤلی ویا منیتی فوعزتك ما اجد لذنوبی سواك غافرا ولا اری لکسری غیرك جابرا وقد خضعت بالانابة الیك وعنوت بالاستکانة لدیك فان طردتنی من بابك فبمن الوذ وان رددتنی عن جنابك فبمن اعوذ فوا اسفا من خجلتی وافتضاحی وا لهفا من سوء عملی واجتراحی اسألك یا غافر الذنب الکبیر ویا جابر العظم الکسیر ان تهب لی موبقات

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ
اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَصِيَّ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا حُجَّةَ اللهِ عَلَى الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبَاُ الْعَظِيمُ الَّذِي
هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ مَسْئُولُونَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الصِّدِّيقُ
الْاَكْبَرُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْفَارُوقُ الْاَعْظَمُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
خَلِيلَ اللهِ وَمَوْضِعَ سِرِّهِ وَعَيْبَةَ عِلْمِهِ وَخَازِنَ وَحْيِهِ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي
يَا مَوْلَايَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا حُجَّةَ الْخِصَامِ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي يَا مَوْلَايَ يَا بَابَ
الْمَقَامِ اَشْهَدُ اَنَّكَ حَبِيبُ اللهِ وَخَاصَّتُهُ وَخَالِصَتُهُ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ
عَمُودُ الدِّينِ وَوَارِثُ عِلْمِ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ صَاحِبُ الْمِيسَمِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ
وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنْ رَسُولِ اللهِ مَا حُمِّلْتَ وَرَعَيْتَ مَا اسْتُحْفِظْتَ
وَحَفِظْتَ مَا اسْتُودِعْتَ وَحَلَّلْتَ حَلَالَ اللهِ وَحَرَّمْتَ حَرَامَ
اللهِ وَاَقَمْتَ اَحْكَامَ اللهِ وَلَمْ تَتَعَدَّ حُدُودَ اللهِ وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً حَتَّى اَتَاكَ
الْيَقِينُ اَشْهَدُ (بِاَنَّكَ) اَنَّكَ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَآتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ
نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ
وَجَاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَنَصَحْتَ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ
صَابِراً مُحْتَسِباً وَعَنْ دِينِ اللهِ مُجَاهِداً وَلِرَسُولِ اللهِ مُوَقِّياً وَلِمَا عِنْدَ اللهِ
طَالِباً وَفِيمَا وَعَدَ رَاغِباً وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَشَاهِداً وَ
مَشْهُوداً فَجَزَاكَ اللهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنِ الْاِسْلَامِ وَاَهْلِهِ اَفْضَلَ الْجَزَاءِ لَعَنَ اللهُ

مِن خالفك

(حاشیہ:)
الجبار شر
وَلَا تَفْضَحْنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيٰمَةِ مِنْ بَرْدِ
عَفْوِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَلَا تُعَرِّنِي مِنْ جَمِيلِ
صَفْحِكَ وَسَتْرِكَ اِلٰهِي ظَلِّلْ عَلَى ذُنُوبِي
غَمَامَ رَحْمَتِكَ وَاَرْسِلْ عَلَى عُيُوبِي سَحَابَ
رَاْفَتِكَ اِلٰهِي هَلْ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْآبِقُ اِلَّا
اِلَى مَوْلَاهُ اَمْ هَلْ يُجِيرُهُ مِنْ سَخَطِهِ اَحَدٌ
سِوَاهُ اِلٰهِي اِنْ كَانَ النَّدَمُ عَلَى الذَّنْبِ
تَوْبَةً فَاِنِّي وَعِزَّتِكَ مِنَ النَّادِمِينَ وَ
اِنْ كَانَ الْاِسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيئَةِ حِطَّةً
فَاِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ لَكَ الْعُتْبَى
حَتَّى تَرْضَى اِلٰهِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ تُبْ عَلَيَّ
وَبِحِلْمِكَ عَنِّي اعْفُ عَنِّي وَبِعِلْمِكَ
بِي ارْفُقْ بِي اِلٰهِي اَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ
لِعِبَادِكَ بَاباً اِلَى عَفْوِكَ سَمَّيْتَهُ
التَّوْبَةَ فَقُلْتَ تُوبُوا اِلَى اللهِ تَوْبَةً
نَصُوحاً فَمَا عُذْرُ مَنْ اَغْفَلَ دُخُولَ
الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ اِلٰهِي اِنْ كَانَ قَبُحَ الذَّنْبُ
مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ
اِلٰهِي مَا اَنَا بِاَوَّلِ مَنْ عَصَاكَ فَتُبْتَ
عَلَيْهِ وَتَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِكَ فَجُدْتَ
عَلَيْهِ يَا مُجِيبَ

مَنْ خَالَفَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنِ افْتَرَى عَلَيْكَ وَغَصَبَكَ وَلَعَنَ اللهُ
مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ تَابَعَ عَلَى قَتْلِكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ
اَنَا اِلَى اللهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً خَالَفَتْكَ وَاُمَّةً جَحَدَتْ وِلَايَتَكَ وَاُمَّةً
تَظَاهَرَتْ عَلَيْكَ وَاُمَّةً قَتَلَتْكَ وَاُمَّةً حَادَتْ عَنْكَ (عَلَيْكَ) وَاُمَّةً خَذَلَتْكَ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ
اَنْبِيَائِكَ وَاَوْصِيَاءِ اَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعَنَاتِكَ وَاَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ اَللّٰهُمَّ
الْعَنِ الْجَوَابِيتَ وَالطَّوَاغِيتَ وَالْفَرَاعِنَةَ وَاللَّاتَ وَالْعُزَّى وَكُلَّ نِدٍّ
يُدْعَى مِنْ دُونِكَ وَكُلَّ مُلْحِدٍ مُفْتَرٍ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ وَاَشْيَاعَهُمْ وَاَتْبَاعَهُمْ وَاَوْلِيَاءَهُمْ
وَاَعْوَانَهُمْ وَمُحِبِّيهِمْ لَعْناً كَثِيراً لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَلَا اَجَلَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَبْرَاُ اِلَيْكَ
مِنْ جَمِيعِ اَعْدَائِكَ وَاَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ لِي
لِسَانَ صِدْقٍ فِي اَوْلِيَائِكَ وَتُحَبِّبَ اِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ حَتَّى تُلْحِقَنِي بِهِمْ وَتَجْعَلَنِي
لَهُمْ تَبَعاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وبعد ازاں بربالای سران
حضرت برو دبگوی سَلَامُ اللهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْمُسَلِّمِينَ لَكَ
بِقُلُوبِهِمْ وَالنَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ وَالشَّاهِدِينَ لَكَ عَلَى اَنَّكَ صَادِقٌ صِدِّيقٌ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلَى
رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ طُهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طُهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ وَاَشْهَدُ
لَكَ يَا وَلِيَّ اللهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ بِالْبَلَاغِ وَالْاَدَاءِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ جَنْبُ اللهِ وَ
اَنَّكَ بَابُ اللهِ وَاَنَّكَ وَجْهُ اللهِ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ وَاَنَّكَ سَبِيلُ اللهِ وَاَنَّكَ
عَبْدُ اللهِ وَاَخُو رَسُولِهِ اَتَيْتُكَ وَافِداً لِعَظِيمِ حَالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ اللهِ وَعِنْدَ
رَسُولِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً اِلَى اللهِ بِزِيَارَتِكَ عَلَى خَلَاصِ نَفْسِي

(حاشیہ:)
المَفْزَعِ
يَا كَاشِفَ الضُّرِّ يَا عَظِيمَ
الْبِرِّ يَا عَلِيماً بِمَا فِي السِّرِّ يَا جَمِيلَ السِّتْرِ
اسْتَشْفَعْتُ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ اِلَيْكَ وَتَوَسَّلْتُ
بِجَنَابِكَ وَتَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ فَاسْتَجِبْ
دُعَائِي وَلَا تُخَيِّبْ فِيكَ رَجَائِي وَتَقَبَّلْ
تَوْبَتِي وَكَفِّرْ خَطِيئَتِي بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ الثَّانِيَةُ مُنَاجَاةُ
الشَّاكِينَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اِلٰهِي اِلَيْكَ اَشْكُو نَفْساً بِالسُّوءِ اَمَّارَةً وَاِلَى
الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً وَبِمَعَاصِيكَ
مُولَعَةً وَلِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً تَسْلُكُ
بِي مَسَالِكَ الْمَهَالِكِ وَتَجْعَلُنِي عِنْدَكَ
اَهْوَنَ هَالِكٍ كَثِيرَةَ الْعِلَلِ طَوِيلَةَ الْاَمَلِ
اِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجْزَعُ وَاِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ
تَمْنَعُ مَيَّالَةً اِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ مَمْلُوَّةً
بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ تُسْرِعُ بِي اِلَى الْحَوْبَةِ
وَتُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ اِلٰهِي اَشْكُو اِلَيْكَ
عَدُوّاً يُضِلُّنِي وَشَيْطَاناً يُغْوِينِي قَدْ
مَلَاَ بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِي وَاَحَاطَتْ
هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي يُعَاضِدُ لِيَ الْهَوَى
وَيُزَيِّنُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا وَيَحُولُ بَيْنِي
وَبَيْنَ الطَّاعَةِ وَالزُّلْفَى

مُنَاجَاتُ الْخَائِفِينَ

مُتَعَوِّذاً مِنْ نَارٍ اِسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُهُ عَلَى نَفْسِي اَتَيْتُكَ اِنْقِطَاعاً اِلَيْكَ
وَاِلَى وَلَدِكَ الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِكَ عَلَى الْحَقِّ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَاَمْرِي
لَكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ اَنَا عَبْدُ اللهِ وَمَوْلَاكَ فِي طَاعَتِكَ
الْوَافِدُ اِلَيْكَ اَلْتَمِسُ بِذَلِكَ كَمَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللهِ تَعَالَى وَاَنْتَ يَا مَوْلَايَ
مِمَّنْ اَمَرَنِيَ اللهُ بِصِلَتِهِ وَحَثَّنِي عَلَى بِرِّهِ وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ وَهَدَانِي لِحُبِّهِ
وَرَغَّبَنِي فِي الْوِفَادَةِ اِلَيْهِ وَاَلْهَمَنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ اَنْتُمْ اَهْلُ بَيْتٍ يَسْعَدُ
مَنْ تَوَلَّاكُمْ وَلَا يَخِيبُ مَنْ اَتَاكُمْ وَلَا يَخْسَرُ مَنْ يَهْوَاكُمْ وَلَا يَسْعَدُ مَنْ
عَادَاكُمْ وَلَا اَجِدُ اَحَداً اَفْزَعُ اِلَيْهِ خَيْراً لِي مِنْكُمْ اَنْتُمْ اَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ
وَدَعَائِمُ الدِّينِ وَاَرْكَانُ الْاَرْضِ وَالشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ اَللّٰهُمَّ لَا تُخَيِّبْ تَوَجُّهِي اِلَيْكَ
بِرَسُولِكَ وَآلِ رَسُولِكَ وَاسْتِشْفَاعِي بِهِمْ اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِزِيَارَةِ
مَوْلَايَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوِلَايَتِهِ وَمَعْرِفَتِهِ فَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْصُرُهُ وَيَنْتَصِرُ بِهِ وَمُنَّ
عَلَيَّ بِنَصْرِكَ لِدِينِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَحْيَى عَلَى مَا حَيِيَ عَلَيْهِ مَوْلَايَ
عَلِيُّ بْنُ اَبِي طَالِبٍ وَاَمُوتُ عَلَى مَا مَاتَ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ اَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ
وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ بعد از ان ضریح مبارک انحضرترا ببوس وجانب راست روی خود را
بر ضریح بگذار و بعد از ان جانب چپ خود را بر ضریح بگذار و بعد از ان نزد سر مبارک
انحضرت دو رکعت نماز زیارت بجای اور در رکعت اول الحمد و سوره الرحمن بخوان و در رکعت
دویم الحمد و سوره یس بخوان و بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه ع بجای اور و دعا را بخوان
که بعد از این ما بعد از زیارت عاشورا ذکر خواهیم کرد انشاء الله تعالی و بعد از ان سجده شکر
کن و بگوی اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي
فَاكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي وَمَا لَمْ يُهِمَّنِي وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ

اِلٰهِي اِلَيْكَ اَشْكُو قَلْباً قَاسِياً مَعَ الْوَسْوَاسِ مُتَقَلِّباً وَبِالرَّيْنِ وَالطَّبْعِ مُتَلَبِّساً وَعَيْناً عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ جَامِدَةً وَاِلَى مَا يَسُرُّهَا طَامِحَةً اِلٰهِي لَا حَوْلَ لِي وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِقُدْرَتِكَ وَلَا نَجَاةَ لِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا اِلَّا بِعِصْمَتِكَ فَاَسْئَلُكَ بِبَلَاغَةِ حِكْمَتِكَ وَنَفَاذِ مَشِيَّتِكَ اَنْ لَا تَجْعَلَنِي لِغَيْرِ جُودِكَ مُتَعَرِّضاً وَلَا تُصَيِّرَنِي لِلْفِتَنِ غَرَضاً وَكُنْ لِي عَلَى الْاَعْدَاءِ نَاصِراً وَعَلَى الْمَخَازِي وَالْعُيُوبِ سَاتِراً وَمِنَ الْبَلَايَا وَاقِياً وَعَنِ الْمَعَاصِي عَاصِماً بِرَاْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بسوزیا

مُنَاجَاتُ الْخَائِفِينَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اِلٰهِي اَتُرَاكَ بَعْدَ الْاِيمَانِ بِكَ تُعَذِّبُنِي اَمْ بَعْدَ حُبِّي اِيَّاكَ تُبَعِّدُنِي اَمْ مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ وَصَفْحِكَ تَحْرِمُنِي اَمْ مَعَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ تُسْلِمُنِي حَاشَا لِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ تُخَيِّبَنِي لَيْتَ شِعْرِي اَلِلشَّقَاءِ وَلَدَتْنِي اُمِّي اَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِي فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي

وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَرِّبْ فَرَجَهُمْ و بعد از ان جانب راست
روی خود را بر زمین گذار و سه بار بگوی اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرُّعِي
اِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنَ الْعَالَمِ وَاُنْسِي بِكَ يَا كَرِيمُ و بعد از ان جانب راست روی خود را
بر زمین گذار و سه بار بگوی لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبِّي حَقّاً حَقّاً سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ
تَعَبُّداً وَرِقّاً اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ لِي يَا كَرِيمُ و باز پیشانی خود را
بر زمین گذار و صد بار بگوی شُكْراً شُكْراً بعد از ان زیارت حضرت آدم علیه السلام
در نظر آنکه احادیث صحیحه است که در انجا مدفونست چنانچه شیخ مفید در کتاب مزار روایت
مفضل بن عمر جعفی روایت کرده که فرمود ای مفضل هرگاه زیارت بکنی حضرت امیر
المؤمنین ع را بدانکه زیارت استخوانهای آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب ع را
کرده من گفتم یا بن رسول الله آدم در سراندیب فرود آمد در مطلع شمس و گمان
مردم است که استخوانهای او در بیت الحرامست چون استخوانهای او بکوفه آمد آن
حضرت فرمود وقتی که نوح در کشتی بود وحی باو نازل شد که هفت نوبت خانه
کعبه را طواف کن حضرت نوح طواف خانه کعبه بجای اورد و فرود آمد در آب تا زانوهای
او و تابوتی که استخوانهای آدم بود با خود برداشت در کشتی تا آنکه وارد شد در نجف
کوفه و ان تابوت را در غری دفن نمود و غری قطعه ایست از کوهی که موسی بر ان کوه با
خدای تعالی تکلم کرد و عیسی بر ان کوه خدای تعالی را تقدیس کرد و در ان کوه خدای تعالی
حضرت ابراهیم را خلعت خلت در ان کوه پوشانید و حضرت محمد ص در ان کوه
حبیب خود گردانید و ان کوه را مسکن پیغمبران گردانید و در زیارت حضرت آدم
بگوی اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا نَبِيَّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِينَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللهِ فِي اَرْضِهِ

وَلَمْ تُرَبِّنِي وَلَيْتَنِي عَلِمْتُ اَمِنْ اَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي وَبِقُرْبِكَ وَجِوَارِكَ خَصَصْتَنِي فَتَقَرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي وَتَطْمَئِنَّ لَهُ نَفْسِي اِلٰهِي هَلْ تُسَوِّدُ وُجُوهاً خَرَّتْ سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ اَوْ تُخْرِسُ اَلْسِنَةً نَطَقَتْ بِالثَّنَاءِ عَلَى مَجْدِكَ وَجَلَالَتِكَ اَوْ تَطْبَعُ عَلَى قُلُوبٍ انْطَوَتْ عَلَى مَحَبَّتِكَ اَوْ تُصِمُّ اَسْمَاعاً تَلَذَّذَتْ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ فِي اِرَادَتِكَ اَوْ تَغُلُّ اَكُفّاً رَفَعَتْهَا الْآمَالُ اِلَيْكَ رَجَاءَ رَاْفَتِكَ اَوْ تُعَاقِبُ اَبْدَاناً عَمِلَتْ بِطَاعَتِكَ حَتَّى نَحِلَتْ فِي مُجَاهَدَتِكَ اَوْ تُعَذِّبُ اَرْجُلاً سَعَتْ فِي عِبَادَتِكَ اِلٰهِي لَا تُغْلِقْ عَلَى مُوَحِّدِيكَ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَلَا تَحْجُبْ مُشْتَاقِيكَ عَنِ النَّظَرِ اِلَى جَمِيلِ رُؤْيَتِكَ اِلٰهِي نَفْسٌ اَعْزَزْتَهَا بِتَوْحِيدِكَ كَيْفَ تُذِلُّهَا بِمَهَانَةِ هِجْرَانِكَ وَضَمِيرٌ انْعَقَدَ عَلَى مَوَدَّتِكَ كَيْفَ تُحْرِقُهُ بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ اِلٰهِي اَجِرْنِي مِنْ

السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبَا الْبَشَرِ صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْكَ وَعَلى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَعَلَى الطّاهِرينَ مِنْ وُلْدِكَ وَذُرِّيَّتِكَ صَلوةً لا يُحْصيها اِلّا هُوَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وبعد از ان زيارت كن نوح را و در زيارت او بگوی السَّلامُ عَلَيْكَ يا نَبِيَّ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِيَّ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا نَجِيَّ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبيبَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا شَيْخَ الْمُرْسَلينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَمينَ اللهِ في اَرْضِهِ صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْكَ وَعَلى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَعَلَى الطّاهِرينَ مِنْ وُلْدِكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وبعد از ان براى هر كدام دو ركعت نماز زيارت بجاى اور و بعد از هر دو ركعت دعا را بخوان كه ما ذكر خواهيم كرد در عقب زيارت عاشورا و بعد از ان بپايين پاى امير المؤمنين ع برو و بخوان السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَنْتَ اَوَّلُ مَظْلُومٍ وَاَوَّلُ مَغْصُوبٍ حَقُّهُ صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ حَتّى اَتيكَ الْيَقينُ اَشْهَدُ اَنَّكَ لَقيتَ اللهَ وَاَنْتَ شَهيدٌ عَذَّبَ اللهُ قاتِلَكَ بِاَنْواعِ الْعَذابِ جِئْتُكَ زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ مُعادِياً لِاَعْدائِكَ اَلْقى عَلى ذلِكَ رَبّي اِنْ شاءَ اللهُ وَلي ذُنُوبٌ كَثيرَةٌ فَاشْفَعْ لي عِنْدَ رَبِّكَ فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ رَبِّكَ مَقاماً مَعْلُوماً وَجاهاً واسِعاً وَشَفاعَةً وَقَدْ قالَ اللهُ تَعالى وَلا يَشْفَعُونَ اِلّا لِمَنِ ارْتَضى وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَعَلَى الْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ صَلوةً لا يُحْصيها اِلّا هُوَ وَعَلَيْكُمْ اَفْضَلُ الصَّلوةِ وَالسَّلامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ و هر گاه اراده وداع انحضرت كنى نزد قبر انحضرت بايست و بگو السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَسْتَوْدِعُكَ اللهَ وَاَسْتَرْعيكَ وَاَقْرَءُ عَلَيْكَ السَّلامَ آمَنّا بِاللهِ وَبِالرُّسُلِ وَبِما جاءَتْ بِهِ وَدَلَّتْ عَلَيْهِ اَللّهُمَّ

وعظيم تجاوزك يا حنّان يا منّان يا رحيم يا رحمن يا جبّار يا قهّار يا ستّار نجّني برحمتك من عذاب النّار وفضيحة العار اذا امتاز الاخيار من الاشرار وحالت الاحوال وهالت الاهوال وقرب المحسنون وبعد المسيئون ووفّيت كلّ نفس بما كسبت وهم لا يظلمون

مناجات الراجين الى الله تعالى

بسم الله الرّحمن الرّحيم يا من اذا سأله عبد اعطاه واذا امّل ما عنده بلّغه مناه واذا اقبل عليه قرّبه وادناه واذا جاهره بالعصيان ستر على ذنبه وغطّاه واذا توكّل عليه احسبه وكفاه الهي من الّذي نزل بك ملتمساً قراك فما قريته ومن ذا الّذي اناخ ببابك مرتجياً نداك فما اوليته ايحسن ان ارجع عن بابك بالخيبة مصروفاً ولست اعرف سواك مولى بالاحسان موصوفاً كيف

فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ اَللّهُمَّ اِنّي اُشْهِدُ في مَماتي عَلى ما شَهِدْتُ عَلَيْهِ في حَياتي اَنَّ الْاَئِمَّةَ عَلِيُّ بْنُ اَبي طالِبٍ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ اِلى آخِرِهِمْ وَاَشْهَدُ اَنَّ مَنْ قَتَلَكُمْ وَحارَبَكُمْ مُشْرِكُونَ وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ في اَسْفَلِ دَرْكِ الْجَحيمِ اَشْهَدُ اَنَّ مَنْ حارَبَكُمْ لَنا اَعْداءٌ وَنَحْنُ مِنْهُمْ بُرَآءُ وَاَنَّهُمْ حِزْبُ الشَّيْطانِ وَعَلى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللهِ وَالْمَلائِكَةِ وَالنّاسِ اَجْمَعينَ وَمَنْ شَرِكَ فيهِ وَمَنْ سَرَّهُ قَتْلُكُمْ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلوةِ وَالتَّسْليمِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ اِلى آخِرِهِمْ وَلا تَجْعَلْ هذا آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِ فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْني مَعَ هؤُلاءِ الْاَئِمَّةِ الْمُسَمَّيْنَ اَللّهُمَّ وَذَلِّلْ قُلُوبَنا لَهُمْ بِالطّاعَةِ وَالْمُناصَحَةِ وَالْمَحَبَّةِ وَحُسْنِ الْمُوازَرَةِ وَالتَّسْليمِ

باب ۴ در زيارت عاشورا و آداب آن بدانكه سنّت است كه در دهه اول محرّم تعزيه داشتن و با حزن و اندوه بودن زيرا كه در اين روزها اخبار موحشه متصل باهل عصمت ميرسيد و محزون و مغموم بودند و لازمه دوستى محزون بودنست در روزهاى حزن ايشان علاوه از شعائر اسلام است و مستحبّ است روزه داشتن ده روز اوّل محرّم و در روز دهم از مفطرات تا عصر امساك كند و بعد از عصر بايد كه از تربت امام حسين ع و در اين روز حزن و اندوه آل محمّد و شيعه ايشان زياده بر زياد شد و سنّت است كه در اين روز از چيزهاى لهو و لعب دور شود و برپا داردن مصائب را از مجالس تعزيه و نوحه و گريه بر حسين ع امر كند هر كه در خانه اوست بگريه كردن بر انحضرت و در خانه خود مصيبت برپا دارد و تعزيت بگويند يكديگر را بايكه بگويند عَظَّمَ اللهُ اُجُورَنا وَاُجُورَكُمْ بِمُصابِنا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ وَجَعَلَنا وَاِيّاكُمْ مِنَ الطّالِبينَ بِثارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْاِمامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ و اگر توانى در ان روز از خانه بيرون مرو كه ان روز نحسى است كه

مسببات الدنیا وتجلو به علی
عن بصیرته غشوات العمی برحمتك
یا ارحم الراحمین مناجات الراغبین
بسم الله الرحمن الرحیم
الهی ان کان قل زادی فی المسیر
الیك فلقد حسن ظنی بالتوکل
علیك وان کان جرمی قد اخافنی من
عقوبتك فان رجائی قد اشعرنی بالامن
من نقمتك وان کان ذنبی قد عرضنی
لعقابك فقد آذننی حسن ثقتی
بثوابك وان انامتنی الغفلة عن
الاستعداد للقائك فقد نبهتنی
المعرفة بکرمك وآلائك و
ان اوحش ما بینی وبینك فرط العصیان
والطغیان فقد آنسنی بشر الغفران
والرضوان اسئلك بسبحات وجهك
وبانوار قدسك وابتهل الیك
بعواطف رحمتك ولطائف برك ان
تحقق ظنی بما اؤمله من جزیل اکرامك
وجمیل انعامك فی القربی منك
والزلفی لدیك والتمتع بالنظر
الیك وها انا

در این روز حاجت هیچ مؤمنی بر آورده نمیشود واگر بر آورده شود از برای او مبارک نیست
و ذخیره مکن از برای خود چیزی که هرکه در این روز ذخیره کند از برای او مبارک نیست
آنچیز را اگر ذخیره کرده است چون بنی امیه از برای برکت آذوقه سال را در روز عاشورا در
خانه ذخیره می‌کرده اند لهذا از حضرت امام رضا منقولست که هر که سعی در حوائج
خود را ترک کند در روز عاشورا و پی کاری نرود حق تعالی حوائج دنیا و آخرت او را
بر آورد و هر که روز عاشورا را روز مصیبت و اندوه او باشد حق تعالی روز قیامت را
روز فرح و سرور و شادی او گرداند و دیده اش در بهشت بما روشن شود و هر که
روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای منزل خود در این روز چیزی ذخیره کند خدا
آنچیز را بر او مبارک نگرداند و در روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر سعد علیهم اللعنه
محشور شود و فرمود ماه محرم ماهی بود که کافران در این ماه جنگ کردن را حرام
میدانستند و منافقان این امت در این ماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما
کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش در خیمه های ما زدند و اموال ما را
غارت کردند و حرمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله را در باب ما رعایت ن
کردند بدرستیکه مصیبت امام حسین صلوات الله علیه چشمهای ما را مجروح کرد و آب
دیده های ما را جاری ساخت و عزیزان ما را ذلیل کرد و واقعه کرب و بلا
کرب و بلا برای ما مهیا کرد تا روز قیامت پس باید بر مصیبت آنحضرت گریه کنندگان
بگریند بدرستیکه گریه بر آنحضرت گناهان بزرگ را برطرف میکند پس فرمود پدرم
امام رضا چون ماه محرم می شد کسی آنحضرت را خندان نمی دید و اثر حزن و اندوه بر آن
حضرت ظاهر می شد در مجموع ده روز اول ماه و چون روز دهم می شد روز مصیبت
و اندوه و گریه او بود و در حدیث دیگر فرمود که چون جدم شهید شد آسمان خون و خاک

متعرض لنفحات روحك وعطفك
ومنتجع غیث جودك ولطفك فار
من سخطك الی رضاك هارب منك
الیك راج احسن ما لدیك معول
علی مواهبك مفتقر الی رعایتك
الهی ما بدأت به من فضلك فتممه
وما وهبت لی من کرمك فلا
تسلبه وما سترته علی بحلمك فلا
تهتکه وما علمته من قبیح فعلی
فاغفره الهی استشفعت بك
الیك واستجرت بك منك اتیتك
طامعا فی احسانك راغبا فی
امتنانك مستسقیا وابل طولك
مستمطرا غمام فضلك طالبا
مرضاتك مریدا وجهك طارقا
بابك قاصدا جنابك واردا شریعة
رفدك ملتمسا سنی الخیرات من
عندك وافدا الی حضرة جمالك
مستکینا لعظمتك وجلالك
فافعل بی ما انت اهله من المغفرة
والرحمة ولا تفعل بی ما انا اهله
من العذاب

سرخ بارید اگر بر آنحضرت آنقدر گریه کنی که آب از دیده تو جاری شود حقتعالی جمیع گناهان
کوچک و بزرگ ترا بیامرزد پس فرمود اگر خواهی که چون بمیری هیچ گناه بر تو
نباشد زیارت کن امام حسین را و اگر خواهی در غرفه های بهشت با حضرت رسول
و آل او باشی لعنت کن قاتلان حسین را و اگر خواهی ثواب شهیدان کربلا داشته باشی
هر وقت مصیبت آنحضرت را یاد می آوری بگو یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما
یعنی ای کاشکی بودم با ایشان پس رستگاری می یافتم رستگاری بزرگ و اگر
خواهی که در درجات عالیه بهشت با ما باشی از برای اندوه ما اندوهناک و از برای
شادی ما شاد باش و از حضرت صادق منقولست که فرمود بنا بر روایت مختصر متهجد که کسیکه
زیارت امام حسین را در روز عاشورا بکند در حالتی که بحق او عارف باشد یعنی بامامت
او قائل باشد مثل آنستکه خدای تعالی را در عرش او زیارت کرده باشد و از برای او بهشت
واجب شده باشد و از آنحضرت مرویست که کسیکه نزد قبر امام حسین در شب عاشورا را
روز کند روز قیامت ملاقات خواهد کرد با خدای تعالی در حالتیکه بخون خود غلطیده
باشد مثل کسیکه با آنحضرت در عرصه کربلا کشته شده و از آنحضرت مرویست که کسیکه
در روز عاشورا زیارت امام حسین را بکند و گریان باشد تا وقت عصر با جد من
ملاقات خواهد کرد با ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار غزوه و ثواب هر حج
و عمره و غزوه او مثل ثواب حج و عمره و غزوه که با پیغمبر و ائمه بجای آورده باشد و در روز
علقمه فرمود ای علقمه هر گاه بکنی آن دو رکعت را بعد از آنکه اشاره کرده باشی بجانب آن
حضرت بسلام و گفته باشی بعد از اشاره و نماز آن قول را که مذکور خواهد شد پس دعا
کرده خواهی بود بدعائی که ملائکه می خوانند در وقتیکه زیارت آنحضرت می کنند
و می نویسد خدا برای تو از زیارت هزار هزار حسنه و محو می کند از تو هزار هزار گناه و بلند

والنقمة برحمتک یا ارحم الراحمین
مناجات الشاکرین الهی اذهلنی
عن اقامة شکرک تتابع طولک
واعجزنی عن احصاء ثنائک فیض
فضلک وشغلنی عن ذکر محامدک
ترادف عوائدک واعیانی عن نشر
عوارفک توالی ایادیک وهذا مقام
من اعترف بسبوغ النعماء وقابلها
بالتقصیر وشهد علی نفسه بالاهمال
والتضییع وانت الرؤف الرحیم
البر الکریم الذی لا یخیب قاصدیه
ولا یطرد عن فنائه آملیه بساحتک
تحط رحال الراجین وبعرصتک
تقف آمال المسترفدین فلا تقابل
آمالنا بالتخییب والایاس ولا تلبسنا
سربال القنوط والابلاس الهی تصاغر
عند تعاظم آلائک شکری و
تضاءل فی جنب اکرامک ایای ثنائی
ونشری جللتنی نعمک من
انوار الایمان حللا وضربت علی
لطائف برک من العز کللا و
قلدتنی مننک

باب ۳۲ در زیارت حضرت سید الشهداء

می کند از برای تو در بهشت هزار هزار درجه و خواهی بود از آنها که شهید باشند با حسین
بن علی ع تا آنکه شریک شوی با ایشان در درجات ایشان و نشناسند تو را
مگر از آنها که شهید شده باشند و نوشته شود از برای ثواب هر پیغمبری و رسولی
اما زیارت عاشورا از نزدیک باید و در پس کسیکه اراده این زیارت کند و از آنحضرت
دور باشد پس بصحرا رود یا بر پشت بام بلندی رود و بسلام اشاره بجانب آنحضرت
کند و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلان آنحضرت و دو رکعت نماز زیارت بکند
و صد بار تکبیر بگوید و بعد از آن اشاره کند بجانب آنحضرت و بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُسَیْنَ بْنَ عَلیٍّ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یَا بْنَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ
الْمَوْتُورَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی الْاَرْواحِ الَّتی حَلَّتْ بِفِنائِکَ عَلَیْکُمْ مِنّی
جَمیعاً سَلامُ اللهِ اَبَداً ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ یا اَبا عَبْدِ اللهِ لَقَدْ
عَظُمَتِ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصیبَةُ بِکَ عَلَیْنا وَعَلی جَمیعِ اَهْلِ السَّماواتِ
فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَیْکُمْ اَهْلَ الْبَیْتِ وَلَعَنَ
اللهُ اُمَّةً دَفَعَتْکُمْ عَنْ مَقامِکُمْ وَاَزالَتْکُمْ عَنْ مَراتِبِکُمُ الَّتی رَتَّبَکُمُ
اللهُ فیها وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدینَ لَهُمْ بِالتَّمْکینِ مِنْ قِتالِکُمْ بَرِئْتُ اِلَی اللهِ
وَاِلَیْکُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْیاعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ وَاَوْلِیائِهِمْ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اِنّی
سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ اِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ وَلَعَنَ اللهُ آلَ زِیادٍ
وَآلَ مَرْوانَ وَلَعَنَ اللهُ بَنی اُمَیَّةَ قاطِبَةً وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ مَرْجانَةَ وَلَعَنَ اللهُ
عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللهُ شِمْراً وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ وَ

تَهَیَّأَتْ لِقِتالِکَ بِاَبی اَنْتَ وَاُمّی لَقَدْ عَظُمَ مُصابی بِکَ فَاَسْئَلُ اللهَ الَّذی
اَکْرَمَ مَقامَکَ وَاَکْرَمَنی بِکَ اَنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارِکَ مَعَ اِمامٍ
مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَللّهُمَّ اجْعَلْنی عِنْدَکَ وَجیهاً
بِالْحُسَیْنِ ع فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ وَاِلی رَسُولِهِ
وَاِلی اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَاِلی فاطِمَةَ وَاِلَی الْحَسَنِ وَاِلَیْکَ بِمُوالاتِکَ وَبِالْبَرائَةِ
مِمَّنْ قاتَلَکَ وَنَصَبَ لَکَ الْحَرْبَ وَبِالْبَرائَةِ مِمَّنْ اَسَّسَ اَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ
وَاَبْرَءُ اِلَی اللهِ وَاِلی رَسُولِهِ مِمَّنْ اَسَّسَ ذلِکَ وَبَنی عَلَیْهِ بُنْیانَهُ وَجَری فی ظُلْمِهِ وَ
جَوْرِهِ عَلَیْکُمْ وَعَلی اَشْیاعِکُمْ بَرِئْتُ اِلَی اللهِ وَاِلَیْکُمْ مِنْهُمْ وَاَتَقَرَّبُ
اِلَی اللهِ وَاِلی رَسُولِهِ ثُمَّ اِلَیْکُمْ بِمُوالاتِکُمْ وَمُوالاةِ وَلِیِّکُمْ وَبِالْبَرائَةِ
مِنْ اَعْدائِکُمْ مِنْ اَشْیاعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ اِنّی سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ وَحَرْبٌ
لِمَنْ حارَبَکُمْ وَوَلِیٌّ لِمَنْ والاکُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداکُمْ فَاَسْئَلُ اللهَ الَّذی
اَکْرَمَنی بِمَعْرِفَتِکُمْ وَمَعْرِفَةِ اَوْلِیائِکُمْ وَرَزَقَنِی الْبَرائَةَ مِنْ
اَعْدائِکُمْ اَنْ یَجْعَلَنی مَعَکُمْ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَاَسْئَلُهُ اَنْ یُبَلِّغَنِی
الْمَقامَ الْمَحْمُودَ الَّذی لَکُمْ عِنْدَ اللهِ وَاَنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارِکُمْ
مَعَ اِمامٍ مَهْدِیٍّ ظاهِرٍ ناطِقٍ مِنْکُمْ وَاَسْئَلُ اللهَ بِحَقِّکُمْ وَبِالشَّأْنِ
الَّذی لَکُمْ عِنْدَهُ اَنْ یُعْطِیَنی بِمُصابی بِکُمْ اَفْضَلَ ما یُعْطی مُصاباً بِمُصیبَتِهِ یالَها
مِنْ مُصیبَةٍ ما اَعْظَمَها وَاَعْظَمَ رَزِیَّتَها فِی الْاِسْلامِ وَفی جَمیعِ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ اَللّهُمَّ
اجْعَلْنی فی مَقامی هذا مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْکَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ اَللّهُمَّ
اجْعَلْ مَحْیایَ مَحْیا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَماتی مَماتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّهُمَّ اِنَّ
هذا یَوْمٌ تَبَرَّکَتْ بِهِ بَنُو اُمَیَّةَ وَابْنُ آکِلَةِ الْاَکْبادِ اللَّعینُ ابْنُ اللَّعینِ

بگوید اگر روز عاشورا باشد و اگر در غیر

منک وطوقتنی اطواقا
لا تحل فآلاؤک جمة ضعف لسانی
عن احصائها ونعماؤک کثیرة
قصر فهمی عن ادراکها فضلا عن
استقصائها فکیف لی بتحصیل
الشکر وشکری ایای یفتقر الی
شکر فکلما قلت لک الحمد
وجب علی لذلک ان اقول لک الحمد
الهی فکما غذیتنا بلطفک
وربیتنا بصنعک فتمم علینا
سوابغ النعم وادفع عنا مکاره
النقم وآتنا من حظوظ الدارین
ارفعها واجلها عاجلا وآجلا و
لک الحمد علی حسن بلائک و
سبوغ نعمائک حمدا یوافق
رضاک ویمتری العظیم من برک
ونداک یا عظیم یا کریم برحمتک
یا ارحم الراحمین مناجات
المطیعین لله بسم الله
الرحمن الرحیم الهی الهمنا طاعتک
وجنبنا معصیتک ویسر لنا
بلوغ ما نتمنی

باب ۳ زیارت عاشورا

علی لسانک ولسان نبیک فی کل موطن وموقف وقف فیه نبیک اللهم العن اباسفیان ومعویة ابن ابی سفیان ویزید بن معویة علیهم منک اللعنة ابد الابدین وهذا یوم فرحت به ال زیاد وال مروان بقتلهم الحسین علیه السلام اللهم فضاعف علیهم اللعن منک والعذاب اللهم انی اتقرب الیک فی هذا الیوم وفی موقفی هذا وفی ایام حیاتی بالبرائة منهم واللعنة علیهم وبالموالات لنبیک وال نبیک علیهم السلام پس بجا آرند دو رکعت نماز زیارت بکنی وبعد ازان صد بار بگو اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد وال محمد واخر تابع له علی ذلک اللهم العن العصابة التی جاهدت الحسین ع وشایعت وبایعت علی قتله اللهم العنهم جمیعا وبعد ازان صد بار بگوید السلام علیک یا اباعبدالله وعلی الارواح التی حلت بفنائک علیک منی سلام الله ابدا ما بقیت وبقی اللیل والنهار ولاجعله الله اخر العهد منی لزیارتکم السلام علی الحسین وعلی علی بن الحسین وعلی اولاد الحسین وعلی اصحاب الحسین بعد ازان بگوید اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی وابدء به اولا ثم الثانی ثم الثالث والرابع اللهم العن یزید بن معویة خامسا والعن عبیدالله بن زیاد وابن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وال زیاد وال مروان الی یوم القیمة وبعد ازان سجده کند ودر سجده بگوید اللهم لک الحمد حمد الشاکرین لک علی مصابهم الحمد لله علی عظیم رزیتی اللهم ارزقنی شفاعة الحسین علیه السلام یوم الورود وثبت لی قدم صدق عندک مع الحسین واصحاب الحسین الذین بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام وایضا دو رکعت نماز زیارت بکند وبعد

دعای بعد از زیارت عاشورا

از نماز بگوید اللهم انی لک صلیت ولک رکعت ولک سجدت وحدک لا شریک لک لانه لا یجوز الصلوة والرکوع والسجود الا لک لانک انت الله لا اله الا انت اللهم صل علی محمد وال محمد وابلغهم عنی افضل السلام والتحیة واردد علی منهم السلام اللهم وهاتان الرکعتان هدیة منی الی سیدی ومولای الحسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام اللهم صل علی محمد وال محمد وتقبلهما منی واجزنی علیهما افضل املی ورجائی فیک وفی ولیک یا ولی المؤمنین وبعد بگوید دعائی را که از حضرت صادق مرویست یا الله یا الله یا الله یا مجیب دعوة المضطرین یا کاشف کرب المکروبین ویا غیاث المستغیثین ویا صریخ المستصرخین ویا من هو اقرب الی من حبل الورید ویا من یحول بین المرء وقلبه ویا من هو بالمنظر الاعلی وبالافق المبین ویا من هو الرحمن الرحیم علی العرش استوی ویا من یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور ویا من لا یخفی علیه خافیة ویا من لا تشتبه علیه الاصوات ویا من لا تغلطه الحاجات ویا من لا یبرمه الحاح الملحین یا مدرک کل فوت ویا جامع کل شمل ویا باری النفوس بعد الموت یا من هو کل یوم فی شان یا قاضی الحاجات یا منفس الکربات یا معطی السؤلات یا ولی الرغبات یا کافی المهمات یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء فی السموات والارض اسئلک بحق محمد وعلی وبحق فاطمة بنت نبیک وبحق الحسن والحسین والتسعة من ولد الحسین علیهم السلام فانی بهم اتوجه الیک فی مقامی هذا وبهم اتوسل وبهم اتشفع الیک وبحقهم اسئلک واقسم واعزم علیک وبالشان الذی لهم عندک وبالقدر الذی لهم عندک وبالذی فضلتهم علی العالمین وباسمک الذی جعلته عندهم وبه خصصتهم دون العالمین وبه ابنتهم وابنت فضلهم من فضل العالمین

مناجات المریدین بسم الله الرحمن الرحیم سبحانک ما اضیق الطرق علی من لم تکن دلیله وما اوضح الحق عند من هدیته سبیله الهی فاسلک بنا سبل الوصول الیک وسیرنا فی اقرب الطرق للوفود علیک قرب علینا البعید وسهل علینا العسیر الشدید والحقنا بعبادک الذین هم بالبدار الیک یسارعون وبابک علی الدوام یطرقون وایاک فی اللیل والنهار یعبدون وهم من هیبتک مشفقون الذین صفیت لهم المشارب وبلغتهم الرغائب وانجحت لهم المطالب وقضیت لهم من فضلک المارب وملأت لهم ضمائرهم من حبک ورویتهم من صافی شربک فبک الی لذیذ مناجاتک وصلوا ومنک اقصی مقاصدهم حصلوا فیا من هو علی المقبلین علیه مقبل

رضوانک وانلنا ... جنانک واقشع عن بصائرنا سحاب الارتیاب واکشف عن قلوبنا اغشیة المریة والحجاب وازهق الباطل عن ضمائرنا واثبت الحق فی سرائرنا فان الشکوک والظنون لواقح الفتن ومکدرة لصفو المنائح والمنن اللهم احملنا فی سفن نجاتک ومتعنا بلذیذ مناجاتک واوردنا حیاض حبک واذقنا حلاوة ودک وقربک واجعل جهادنا فیک وهمنا فی طاعتک واخلص نیاتنا فی معاملتک فانا بک ولک ولا وسیلة لنا الیک الا انت الهی اجعلنی من المصطفین الاخیار والحقنی بالصالحین الابرار السابقین الی المکرمات المسارعین الی الخیرات العاملین للباقیات الصالحات الساعین الی رفیع الدرجات انک علی کل شیء قدیر وبالاجابة جدیر

باب دعاء علقمه

حتی فاق فضلهم فضل العالمین جمیعا اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد
وان تکشف عنی غمی وهمی وکربی وتکفینی المهم من اموری وتقضی
عنی دینی وتجیرنی من الفقر وتجیرنی من الفاقة وتغنینی عن المسئلة الی
المخلوقین وتکفینی هم من اخاف همه وعسر من اخاف عسره وحزونة من
اخاف حزونته وشر من اخاف شره ومکر من اخاف مکره وبغی من اخاف
بغیه وجور من اخاف جوره وسلطان من اخاف سلطانه وکید من اخاف
کیده ومقدرة من اخاف بلاء مقدرته علی وترد عنی کید الکیدة
ومکر المکرة اللهم من ارادنی فارده ومن کادنی فکده واصرف عنی
کیده ومکره وبأسه وامانیه وامنعه عنی کیف شئت وانی شئت
اللهم اشغله عنی بفقر لا تجبره وببلاء لا تستره وبفاقة لا تسدها وبسقم
لا تعافیه وذل لا تعزه وبمسکنة لا تجبرها اللهم اضرب بالذل نصب
عینیه وادخل علیه الفقر فی منزله والعلة والسقم فی بدنه حتی
تشغله عنی بشغل شاغل لا فراغ له وانسه ذکری کما انسیته ذکرک
وخذ عنی بسمعه وبصره ولسانه ویده ورجله وقلبه وجمیع جوارحه
وادخل علیه فی جمیع ذلک السقم ولا تشفه حتی تجعل ذلک له شغلا شاغلا
له عنی وعن ذکری واکفنی یا کافی ما لا یکفی سواک فانک الکافی
لا کافی سواک ومفرج لا مفرج سواک ومغیث لا مغیث سواک وجار
لا جار سواک خاب من کان جاره سواک ومغیثه سواک ومفزعه الی سواک
ومهربه وملجاؤه الی غیرک ومنجاه من مخلوق غیرک فانت ثقتی ورجائی
ومفزعی ومهربی وملجای ومنجای فبک استفتح وبک استنجح وبمحمد وآل

دعاء علقمه

محمد اتوجه الیک واتوسل واتشفع فاسئلک یا الله یا الله یا الله فلک الحمد
ولک الشکر والیک المشتکی وانت المستعان فاسئلک یا الله یا الله یا الله بحق
محمد وآل محمد ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تکشف عنی غمی وهمی وکربی
فی مقامی هذا کما کشفت عن نبیک صلی الله علیه وآله همه وغمه وکربه وکفیته هول
عدوه فاکشف عنی کما کشفت عنه وفرج عنی کما فرجت عنه واکفنی
کما کفیته هول ما اخاف هوله ومؤنة ما اخاف مؤنته وهم ما اخاف
همه بلا مؤنة علی نفسی من ذلک واصرفنی بقضاء حوائجی وکفایة ما
اهمنی همه من امر آخرتی ودنیای یا امیر المؤمنین ویا ابا عبد الله علیکما
منی سلام الله ابدا ما بقی اللیل والنهار ولا جعله الله آخر العهد من زیارتکما
ولا فرق الله بینی وبینکما اللهم احینی حیوة محمد وذریته وامتنی
مماتهم وتوفنی علی ملتهم واحشرنی فی زمرتهم ولا تفرق بینی وبینهم طرفة
عین ابدا فی الدنیا والآخرة یا امیر المؤمنین ویا ابا عبد الله اتیتکما زائرا
ومتوسلا الی الله ربی وربکما ومتوجها الیه بکما ومستشفعا
بکما الی الله فی حاجتی هذه فاشفعا لی فان لکما عند الله المقام المحمود
والجاه الوجیه والمنزل الرفیع والوسیلة انی انقلب عنکما منتظرا لتنجز
الحاجة وقضائها ونجاحها من الله بشفاعتکما لی الی الله فی ذلک فلا اخیب
ولا یکون منقلبی منقلبا خائبا خاسرا بل یکون منقلبی منقلبا راجحا مفلحا منجحا مستجابا
لی بقضاء جمیع حوائجی وتشفعا لی الی الله انقلبت علی ما شاء الله ولا حول ولا
قوة الا بالله مفوضا امری الی الله ملجئا ظهری الی الله متوکلا علی الله واقول
حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله ووراءکم یا سادتی منتهی ما

علیهم عائد مفضل وبالغافلین عن ذکره رحیم رؤف وبجذبهم الی بابه ودود عطوف اسئلک ان تجعلنی من اوفرهم منک حظا واعلاهم عندک منزلا واجزلهم من ودک قسما وافضلهم فی معرفتک نصیبا فقد انقطعت الیک همتی وانصرفت نحوک رغبتی فانت لا غیرک مرادی ولک لا لسواک سهری وسهادی ولقاؤک قرة عینی ووصلک منی نفسی والیک شوقی وفی محبتک ولهی والی هواک صبابتی ورضاک بغیتی ورؤیتک حاجتی وجوارک طلبی وقربک غایة سؤلی وفی مناجاتک انسی وراحتی وعندک دواء علتی وشفاء غلتی وبرد لوعتی وکشف کربتی فکن انیسی فی وحشتی ومقیل عثرتی وغافر زلتی وقابل توبتی ومجیب دعوتی وولی عصمتی ومغنی فاقتی ولا تقطعنی عنک ولا تبعدنی منک یا

نعیمی وجنتی ویا دنیای وآخرتی یا ارحم الراحمین

بسم الله الرحمن الرحیم

المحبین

الهی من ذا الذی ذاق حلاوة محبتک فرام منک بدلا ومن ذا الذی انس بقربک فابتغی عنک حولا الهی فاجعلنا ممن اصطفیته لقربک وولایتک واخلصته لودک ومحبتک وشوقته الی لقائک ورضیته بقضائک ومنحته بالنظر الی وجهک وحبوته برضاک واعذته من هجرک وقلاک وبوأته مقعد الصدق فی جوارک وخصصته بمعرفتک واهلته لعبادتک وهیمت قلبه لارادتک واجتبیته لمشاهدتک واخلیت وجهه لک وفرغت فؤاده لحبک ورغبته فیما عندک والهمته ذکرک واوزعته شکرک وشغلته بطاعتک وصیرته من صالحی بریتک واخترته لمناجاتک وقطعت عنه کل شیء یقطعه عنک اللهم اجعلنا ممن دأبهم

باب سیم در دعای علقمه

شاءَ ربّی کانَ وما لم یشأ لم یکن ولا حول ولا قوّة الّا باللّه استودعکم اللّه ولا جعله اللّه آخر العهد منّی الیکما انصرفت یا امیر المؤمنین ومولای وانت یا ابا عبد اللّه وسلامی علیکما متّصل ما اتّصل اللیل والنهار واصل ذلک الیکما غیر محجوب عنکما سلامی ان شاء اللّه واسئله بحقّکما ان یشاء ذلک ویفعل فانّه حمید مجید انقلبت یا سیّدیّ عنکما تائبا حامدا للّه شاکرا راجیا للاجابة غیر آئس ولا قانط آئبا عائدا راجعا الی زیارتکما غیر راغب عنکما ولا عن زیارتکما بل راجع عائد ان شاء اللّه ولا حول ولا قوّة الّا باللّه یا سادتی رغبت الیکما والی زیارتکما بعد ان زهد فیکما وفی زیارتکما اهل الدنیا فلا خیّبنی اللّه ما رجوت وما امّلت فی زیارتکما انّه قریب مجیب

صفوان بن مهران جمال گوید که حضرت صادق ع بمن گفت که ای صفوان این زیارت را متعاهد شو واین دعا را بعد از این زیارت بخوان پس بدرستی که من ضامنم از جانب اللّه از برای هر کس که این زیارت را بکند از نزدیک یا دور واین دعا را بخواند آنکه زیارت او مقبول وسعی او مشکور باشد وسلام او بجناب ما برسد وحاجت او روا شود از جانب خدا هر حاجتی که باشد ای صفوان این زیارت را با این ضمان از پدرم وپدرم از پدرش علی بن الحسین که آنحضرت با این ضمان از پدر بزرگوار خود واو از برادر خود حضرت امام حسن ع واو از پدر بزرگوار خود مضمون با این ضمان وآنحضرت از حضرت رسالت وآنجناب از جبرئیل وجبرئیل از حضرت جلیل بدرستیکه خدای تعالی قسم خورد بنفس خود که کسیکه امام حسین ع را باین روش زیارت کند واین دعا را بخواند از دور یا نزدیک زیارت او مقبولست وهرچه سؤال کند بدهم باو وحاجت از درگاه من بر نگردد بلکه با چشم روشن وحاجت بر آورده برگردد وبهشت

بابک والخیرة ... والخیرة ... ابطنتک ... سائلة من خشیتک وقلوبهم متعلّقة بمحبّتک وافئدتهم منخلعة من مهابتک یا من انوار قدسه لابصار محبّیه رائقة وسبحات وجهه لقلوب عارفیه شائقة یا منی قلوب المشتاقین ویا غایة آمال المحبّین اسئلک حبّک وحبّ من یحبّک وحبّ کلّ عمل یوصلنی الی قربک وان تجعلک احبّ الیّ ممّا سواک وان تجعل حبّی ایّاک قائدا الی رضوانک وشوقی الیک ذائدا عن عصیانک وامنن بالنظر الیک علیّ وانظر بعین الودّ والعطف الیّ ولا تصرف عنّی وجهک واجعلنی من اهل الاسعاد والحظوة عندک یا مجیب یا ارحم الراحمین

مناجات المتوسّلین

برای او لازم میشود وآزاد شود از آتش وشفاعت او قبول شود در حق هر کسی که او شفاعت کند مگر ناصبی که دشمن ما اهلبیت باشد خدا قسم باین روش که مذکور شد خورده است بر نفس خود وملائکه را بر آن شاهد گرفته است ای صفوان هر گاه حاجتی داشته باشی امام حسین را باین زیارت زیارت کن در هر جا که باشی وبعد از آن حاجت خود را طلب کن روا میشود وزیارت دیگر که مشتمل است بر زیارت شهداء ومتضمّن تعزیه حضرت رسالت وائمه هدی ومناسب است که در اربعین خوانده شود واگر در آخر دهه خوانده شود انسب است

السّلام علیک یا وارث آدم صفوة اللّه السّلام علیک یا وارث نوح نبیّ اللّه السّلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل اللّه السّلام علیک یا وارث موسی کلیم اللّه السّلام علیک یا وارث عیسی روح اللّه السّلام علیک یا وارث محمّد حبیب اللّه السّلام علیک یا وارث علیّ امیر المؤمنین ولیّ اللّه السّلام علیک یا وارث الحسن الشّهید سبط رسول اللّه السّلام علیک یا بن رسول اللّه السّلام علیک یا بن البشیر النّذیر وابن سیّد الوصیّین السّلام علیک یا بن فاطمة سیّدة نساء العالمین السّلام علیک یا ابا عبد اللّه السّلام علیک یا خیرة اللّه وابن خیرته السّلام علیک یا ثار اللّه وابن ثاره السّلام علیک ایّها الوتر الموتور السّلام علیک ایّها الامام الهادی الزّکیّ وعلی ارواح حلّت بفنائک واقامت فی جوارک ووفدت مع زوّارک السّلام علیک منّی ما بقیت وبقی اللّیل والنّهار فلقد عظمت بک الرّزیّة وجلّ المصاب فی المؤمنین والمسلمین وفی اهل السّموات اجمعین وفی سکّان الارضین فانّا للّه وانّا الیه راجعون وصلوات اللّه

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم الهی لیس لی وسیلة الیک الّا عواطف رأفتک ولا لی ذریعة الیک الّا عوارف رحمتک وشفاعة نبیّک نبیّ الرّحمة ومنقذ الامّة من الغمّة فاجعلهما لی سببا الی نیل غفرانک وصیّرهما لی وصلة الی الفوز برضوانک وقد حلّ رجائی بحرم کرمک وحطّ طمعی بفناء جودک فحقّق فیک املی واختم بالخیر عملی واجعلنی من صفوتک الّذین احللتهم بحبوحة جنّتک وبوّأتهم دار کرامتک واقررت اعینهم بالنّظر الیک یوم لقائک واورثتهم منازل الصّدق فی جوارک یا من لا یفد الوافدون علی اکرم منه ولا یجد القاصدون ارحم منه یا خیر من خلا به وحید ویا اعطف من آوی الیه طرید الی سعة عفوک مددت یدی وبذیل کرمک اعلقت کفّی فلا تولنی

باب ۳۲ در زیارت جامعهٔ عصر عاشورا

وبركاته وتحياته عليك وعلى آبائك الطيبين المنتجبين وعلى ذراريهم الهداة
المهديين السلام عليك يا مولاي وعليهم وعلى روحك وعلى أرواحهم
وعلى تربتك وعلى تربتهم اللهم لقهم رحمة ورضوانا وروحا
وريحانا السلام عليك يا مولاي يا أبا عبد الله يا ابن خاتم النبيين ويا ابن
سيد الوصيين ويا ابن سيدة نساء العالمين السلام عليك يا شهيد
وابن الشهيد يا أبا الشهداء اللهم بلغه عني في هذه الساعة وفي هذا
اليوم وفي هذا الوقت وفي كل وقت تحية وسلاما سلام الله عليك
ورحمة الله وبركاته يا ابن سيد العالمين وعلى المستشهدين معك
سلاما متصلا ما اتصل الليل والنهار السلام على الحسين بن علي
الشهيد السلام على علي بن الحسين الشهيد السلام على العباس بن أمير
المؤمنين الشهيد السلام على الشهداء من ولد أمير المؤمنين الشهيد
السلام على الشهداء من ولد جعفر وعقيل السلام على كل مستشهد
معهم من المؤمنين اللهم صل على محمد وآل محمد وبلغهم عني تحية
كثيرة وسلاما السلام عليك يا رسول الله أحسن الله لك العزاء في ولدك
الحسين السلام عليك يا فاطمة أحسن الله لك العزاء في ولدك الحسين
السلام عليك يا أمير المؤمنين أحسن الله لك العزاء في ولدك الحسين
السلام عليك يا أبا محمد الحسن أحسن الله لك العزاء في أخيك الحسين
يا مولاي يا أبا عبد الله أنا ضيف الله وضيفك وجار الله وجارك ولكل
ضيف وجار قرى وقراي في هذا الوقت أن تسأل الله سبحانه وتعالى
أن يرزقني فكاك رقبتي من النار إنه سميع الدعاء قريب مجيب زيارت ديگر

والحرمان ولا تبتلني بالخيبة و... الخسران يا سميع الدعاء

مناجات المفتقرين

بسم الله الرحمن الرحيم إلهي كسري لا يجبره إلا لطفك وحنانك وفقري لا يغنيه إلا عطفك وإحسانك وروعتي لا يسكنها إلا أمانك وذلتي لا يعزها إلا سلطانك وأمنيتي لا يبلغنيها إلا فضلك وخلتي لا يسدها إلا طولك وحاجتي لا يقضيها غيرك وكربي لا يفرجه سوى رحمتك وضري لا يكشفه غير رأفتك وغلتي لا يبردها إلا وصلك ولوعتي لا يطفيها إلا لقاؤك وشوقي إليك لا يبله إلا النظر إلى وجهك وقراري لا يقر دون دنوي منك ولهفتي لا يردها إلا روحك وسقمي لا يشفيه إلا طبك وغمي لا يزيله إلا قربك وجرحي

در زیارت وارث

که در همهٔ اوقات وارد شده بدون تبدیل لفظ السلام عليك يا وارث آدم
صفوة الله السلام عليك يا وارث نوح نبي الله السلام عليك يا وارث
إبراهيم خليل الله السلام عليك يا وارث موسى كليم الله السلام عليك يا
وارث عيسى روح الله السلام عليك يا وارث محمد حبيب الله السلام عليك يا
وارث أمير المؤمنين ولي الله السلام عليك يا ابن محمد المصطفى السلام
عليك يا ابن علي المرتضى السلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء السلام
عليك يا ابن خديجة الكبرى السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر
الموتور أشهد أنك قد أقمت الصلوة وآتيت الزكوة وأمرت بالمعروف
ونهيت عن المنكر وأطعت الله ورسوله حتى أتيك اليقين فلعن الله
أمة قتلتك ولعن الله أمة ظلمتك ولعن الله أمة سمعت بذلك فرضيت
به يا مولاي يا أبا عبد الله أشهد أنك كنت نورا في الأصلاب الشامخة
والأرحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية بأنجاسها ولم تلبسك من مدلهمات
ثيابها وأشهد أنك من دعائم الدين وأركان المؤمنين وأشهد أنك الإمام
البر التقي الرضي الزكي الهادي المهدي وأشهد أن الأئمة من ولدك
كلمة التقوى وأعلام الهدى والعروة الوثقى والحجة على أهل الدنيا و
أشهد الله وملائكته وأنبياءه ورسله أني بكم مؤمن وبإيابكم
موقن بشرائع ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وأمري لأمركم
متبع صلوات الله عليكم وعلى أرواحكم وعلى أجسادكم وعلى
أجسامكم وعلى شاهدكم وعلى غائبكم وعلى ظاهركم وعلى
باطنكم پس دو رکعت نماز زیارت کند و اگر این نماز را پیش از زیارت بکند درست

لا يبرئه إلا صفحك ورين قلبي لا يجلوه إلا عفوك ووسواس صدري لا يزيحه إلا أمرك فيا منتهى أمل الآملين ويا غاية سؤل السائلين ويا أقصى طلبة الطالبين ويا أعلى رغبة الراغبين ويا ولي الصالحين ويا أمان الخائفين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ذخر المعدمين ويا كنز البائسين ويا غياث المستغيثين ويا قاضي حوائج الفقراء والمساكين ويا أكرم الأكرمين ويا أرحم الراحمين لك تخضعي وسؤالي وإليك تضرعي وابتهالي أسألك أن تنيلني من روح رضوانك وتديم علي نعم امتنانك وها أنا بباب كرمك واقف ولنفحات برك متعرض وبحبلك الشديد معتصم وبعروتك الوثقى متمسك إلهي ارحم عبدك الذليل ذا اللسان

پس قصد زيارت علي بن الحسين بكند و بگويد اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الشَّهيدُ وَ ابْنُ الشَّهيدِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَ ابْنُ الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ پس قصد زيارت ساير شهدا بكند و بگويد اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا اَوْلِيَاءَ اللهِ وَ اَحِبَّاءَهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا اَصْفِيَاءَ اللهِ وَ اَوِدَّاءَهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ دينِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ اَبي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ النَّاصِحِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ اَبي عَبْدِ اللهِ بِاَبي اَنْتُمْ وَ اُمّي طِبْتُمْ وَ طَابَتِ الْاَرْضُ الَّتي فيهَا دُفِنْتُمْ وَ فُزْتُمْ فَوْزاً عَظيماً فَيَا لَيْتَني كُنْتُ مَعَكُمْ فَاَفُوزَ مَعَكُمْ و در روايت عبد الله بن سنان از حضرت صادق ع است كه فرمود بهترين كاري كه در اين روز بكني آن است كه جامه‌هاي پاكيزه بپوشي و بندها را بگشايي و آستينها را تا مرفق بالا كني بروش مصيبت زدگان پس بيرون روي بسوي بياباني يا بلندي كه كسي ترا نبيند يا بخانه خالي از براي تقيه از سنيان و وقت چاشت پس چهار ركعت نماز بجا آوري بالخضوع و خشوع و ركوع نيكو و بعد از هر دو ركعت سلام بگويي و در ركعت اول بعد از حمد سوره قل يا ايها الكافرون و در ركعت دويم بعد از حمد سوره قل هو الله احد و در دو ركعت ديگر در ركعت اول بعد از حمد سوره احزاب بخواني و در ركعت دويم اذا جاءك المنافقون واگر اينها را نداني هر سوره كه داني بخوان پس بگردان روي خود را بجانب روضه مقدس

مناجات عارفين

... بالجليل والعمل القليل ... عليه بطولك الجزيل واكنفه تحت ظلك الظليل برحمتك يا ارحم الراحمين

٢ مناجات العارفين بسم الله الرحمن الرحيم الهي قصرت الالسن عن بلوغ ثنائك كما يليق بجلالك وعجزت العقول عن ادراك كنه جمالك وانحسرت الابصار دون النظر الى سبحات وجهك ولم تجعل للخلق طريقا الى معرفتك الا بالعجز عن معرفتك الهي فاجعلنا من الذين ترسخت اشجار الشوق اليك في حدائق صدورهم واخذت لوعة محبتك بمجامع قلوبهم فهم الى اوكار الافكار ياوون وفي رياض القرب والمكاشفة يرتعون ومن حياض المحبة

آنحضرت و بخاطر آور شهادت آن امام مظلوم و اولاد و اتباع آنحضرت را و سلام كني بر او و صلوات فرستي بر او و لعنت كني بر قاتلان ايشان و بروايت ديگر هزار مرتبه لعنت كني بر قاتلان آنحضرت كه هر لعنتي هزار حسنه براي تو نوشته ميشود و هزار گناه از تو محو ميشود و هزار درجه براي تو در بهشت بلند ميباشد و بهتر آنست كه هزار مرتبه بگويد اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ وَ اَصْحَابِهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ پس برود از موضعي كه ايستاده چند گام پيش و بگويد اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ رِضاً بِقَضَائِهِ وَ تَسْليماً لِاَمْرِهِ واگر هفت مرتبه چنين كند بهتر است و فرمود كه در جميع احوال بايد محزون و گريان و غمناك باشي پس بجاي خود بر گردي و بگويي اَللّٰهُمَّ عَذِّبِ الْفَجَرَةَ الَّذينَ شَاقُّوا رَسُولَكَ وَ حَارَبُوا اَوْلِيَاءَكَ وَ عَبَدُوا غَيْرَكَ وَ اسْتَحَلُّوا مَحَارِمَكَ وَ الْعَنِ الْقَادَةَ وَ الْاَتْبَاعَ وَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ فَخَبَّ وَ اَوْضَعَ مَعَهُمْ اَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْناً كَثيراً اَللّٰهُمَّ وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ اسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ اَيْدِي الْمُنَافِقينَ الْمُضِلّينَ وَ الْكَفَرَةِ الْجَاحِدينَ وَ افْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً يَسيراً وَ اَتِحْ لَهُمْ رَوْحاً وَ فَرَجاً قَريباً وَ اجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلىٰ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِمْ سُلْطَاناً نَصيراً راوي ميگويد عرض كردم اي سيد من چه ميفرماييد در روزه اين روز فرمود روزه بدار بي آنكه شب نيت روزه بكني و افطار مكن نه از روي شماتت و يك روز تمام روزه مگير و بايد كه افطار تو بعد از نماز عصر باشد بيك ساعت بشربتي از آب زيرا كه در اين وقت جنگ بر طرف شد از آل رسول ع و در زمين سي نفر از اهل بيت رسول و از مواليان ايشان افتاده بود كه صاحب مصيبت ايشان حضرت رسالت بود و اگر آنحضرت در دنيا مي بود بايست كه آنحضرت را از براي ايشان تعزيت بگويند پس آنحضرت چندان گريست كه ريش مباركش از آب ديده اش تر شد و در اين مقام

[illegible] ايديهم الغطاء عن ابصارهم وانجلت ظلمة الريب عن عقائدهم وضمائرهم وانتفت مخالجة الشك عن قلوبهم وسرائرهم وانشرحت بتحقيق المعرفة صدورهم وعلت لسبق السعادة في الزهادة هممهم وعذب في معين المعاملة شربهم وطاب في مجلس الانس سرهم وامن في موطن المخافة سربهم واطمأنت بالرجوع الى رب الارباب انفسهم وتيقنت بالفوز والفلاح ارواحهم وقرت بالنظر الى محبوبهم اعينهم واستقر بادراك السؤل ونيل المأمول قرارهم وربحت في بيع الدنيا بالآخرة تجارتهم الهي ما الذ خواطر الالهام بذكرك على القلوب وما احلى المسير اليك بالاوهام في مسالك الغيوب وما اطيب طعم حبك وما اعذب شرب قربك فاعذنا من طردك وابعادك واجعلنا من اخص عارفيك واصلح عبادك واصدق طائعيك واخلص عبادك

باب سیم در آداب روز عاشورا

باب ۳ اشاره بمطالبی چند که متعلقست بتعزیه چون احادیث بسیار در مذمت روزه این روز وارد شده بهتر آنست که
ترک روزه این روز کنند و امساک کنند بهمین طریق که در روایت وارد شده مگر آنکه
در خصوص این روز روزه واجبی داشته باشد که نذر یا مثل آن واجب شده باشد که
این روز را روزه بگیرد اما هرگاه ابتداء نذر روزه عاشورا کند بعنوان روز عاشورا
چنانچه بنی امیه برای برکت و شمات بر قتل آنحضرت روزه می داشتند شکی نیست در
بطلان این نذر و چنین روزه از جهات چند که در روایت وارد شد ترک لذائذ در این روز
چنانچه بعضی از علما فتوی داده اند بترک لذات لکن این در صورتی است که بحال خود
باشد اما هرگاه مؤمنی او را دعوت بر اغذیه لذیذه کند بلکه مستحب است اجابت او کند یا فضیلتی
از فضایل اهل عصمت ذکر شود که لذت یابد بلکه شاد شود بلکه مستحب است مضایقه نکند
زیرا که اینهم طریقی است برای تمسک بعروة الوثقی الهی و نهجی است برای اظهار احکام و بندگی و
مقتضی است برای حصول مودت که از حبل الله الممدود بینه و بین خلقه است اما تعزیه
و استحباب اندوه و گریه ثابت است در اعیاد و زمانیکه ایام سرور اهل بیت بود مثل
نهم ربیع الأول و غدیر و نظیر آنها زیرا که مطلوب در این ایام شادی و مسرت و مطلوب
حزن و الم بمصیبات زیرا که حزن و سرور متضادان می باشند و مطلوبیت هر دو از
شخص واحد بی وجه است پس مسئله نظیر اجتماع امر و نهی می باشد و چون مطلوبیت
مسرت در ایام مخصوصه خاص است سزاوار می باشد تخصیص ادله استحباب اندوه
بغیر این مقام و حق در مقام همانست که در مسئله سابقه ذکر شد اما بنا بر امکان
اجتماع مسرت و اندوه از جهتین مثل اجتماع خوف و امن از جهتین بی اشکال است
و بر فرض تسلیم عدم امکان اجتماع امر استحبابی و نهی تنزیهی کلام است زیرا که عمده دلیل
بر عدم جواز اجتماع تکلیف ما لا یطاق است و در این مقام بی وجه است بجهة جواز

مناجات ذاکرین ۱۰۹

...عادتک یا عظیم یا جلیل یا کریم یا منیل برحمتک یا ارحم الراحمین مناجاة الذاکرین بسم الله الرحمن الرحیم الهی لولا الواجب من قبول امرک لنزهتک من ذکری ایاک علی ان ذکری لک بقدری لا بقدرک وما عسی ان یبلغ مقداری حتی اجعل محلا لتقدیسک ومن اعظم النعم علینا جریان ذکرک علی السنتنا واذنک لنا بدعائک وتنزیهک وتسبیحک الهی فالهمنا ذکرک فی الخلاء والملاء واللیل والنهار والاعلان والاسرار وفی السراء والضراء وآنسنا بالذکر الخفی واستعملنا بالعمل الزکی والسعی المرضی وجازنا بالمیزان الوفی الهی بک هامت القلوب الوالهة وعلی معرفتک جمعت العقول المتباینة فلا تطمئن القلوب الا بذکرک ولا تسکن النفوس الا عند رؤیاک انت المسبح فی کل مکان والمعبود فی کل زمان

در بعضی مطالب متعلقه بتعزیه

ترک و نظیر او در شرع بسیار وارد شده مثل نماز در ازمنه و امکنه مکروهه علاوه بر اینها
دلیل بر استحباب اندوه بر سید الشهداء در این جا مثلا قطعی است و استحباب شادی
در این ایام بخصوصها ظنی است و ادله قطعیه بتسامح مقدم است بر سایر ادله ظنیه
علی احتمال و محل تحقیق این مطلب اینجا نیست و کیف کان حکم بعدم استحباب تعزیه و گریه
در این ایام چنانچه از بعضی مسموع شده بعید است خصوصا نظر بانچه وارد شده از حضرت
سید سجاد فان رجالا منکم یسرون بعد قتله ام ایة عین تحبس دمعها فطوبی لها
و قول حضرت صاحب الامر در زیارت مشهوره فلأندبنّک صباحاً و مساءً
فلأبکینّ لک بدل الدموع دماً و قول منادی که از آسمان ندا کرد در وقت شهادت
آنحضرت الیوم نزل البلاء علی هذه الامة فلا یرون فرحا حتی یقوم قائمکم
و یشفی صدورکم الی غیر ذلک که بعضی از علما را عقیده آنست که ذکر اخبار
ضعیفه در مقام ذکر تعزیه و ذکر مناقب و فضایل ائمه از محرمات مجوز است بجهة
تسامح در ادله سنن بجهة آنچه وارد شده بطرق معتبره و صحیحه که کسیکه برسد باو ثوابی
بر عملی و از آن بجا آورد بجهة طلب آن ثواب باو بدهند آن ثواب را اگرچه در واقع چنانچه باو
رسیده نباشد و این سخن بنظر قاصر درست نیست زیرا که اگر ثابت شود که تعزیه یا ذکر
مناقب مثلا مستحب و دلیل ضعیفی بر استحباب آن اقامه شود مقتضای جواز تسامح
حکم باستحباب آن می شود و کلام در اینمقام نیست بلکه کلام در اینست که این منقبت
غیر معلوم ضعیف منقبت در صاحب منقبت ثابت تا ذکر شود و ثواب بر آن
عاید گردد یا نه و این کیفیت مصیبت واقع شده تا مذکور شود یا نه پس این مقام اثبات
موضوعست نه حکم و اینمقام علمست نه حکم و تسامح و تحقیق در مقام آنست که اخبار ضعیفه
و صحیحه یکسانند و مقام عمل نیست بلکه مقام اعتقاد است در علم معتبر است پس اخبار صحیحه نیز بناء علیه

والموجود فی کل اوان والمدعو بکل لسان والمعظم فی کل جنان واستغفرک من کل لذة بغیر ذکرک ومن کل راحة بغیر انسک ومن کل سرور بغیر قربک ومن کل شغل بغیر طاعتک الهی انت قلت وقولک الحق یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرا کثیرا وسبحوه بکرة واصیلا وقلت وقولک الحق فاذکرونی اذکرکم فامرتنا بذکرک ووعدتنا علیه ان تذکرنا تشریفا لنا وتفخیما واعظاما وها نحن ذاکروک کما امرتنا فانجز لنا ما وعدتنا یا ذاکر الذاکرین ویا ارحم الراحمین مناجاة المعتصمین بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا ملاذ اللائذین ویا معاذ العائذین ویا منجی الهالکین ویا عاصم البائسین ویا راحم المساکین ویا مجیب دعوة المضطرین ویا کنز المفتقرین ویا جابر المنکسرین ویا مأوی

باب سیزدهم در آداب اقامه تعزیه

ما دامیکه علم از ان مستفاد نمی شود اعتقاد نمیشود کرد زیرا که تعبّد بچیزی که اعتقاد
وقوع نتوان کرد مکروه است استحباب تعبّدیه این عمل بآن ندارد لکن نقل اخبار ظنیّه در این
باب مضرّ نیست بلکه موجب ثواب میباشد از جهت ثبوت استحباب ذکر مناقب اهلبیت و استماع
اقامه عزا و گریانیدن و گریستن و ذکر وقایع ایشان و شبهه نیست که بسیار از ذکر این
حکایات و اخبار در این مقام صادق میباشد که ذکر فضیلتهای اهلبیت کرده و
گریانیده و همین قدر کافیست در حصول مطلوب بلی اگر قطع به کذب خبر باشد در
جواز نقل بدون نسبت براوی محل شبهه عظیم می باشد بلکه با شك نیز خالی از شبهه
نیست بنابر این نقل از علما بلکه از کتب تاریخ و غیرها ضرر ندارد مادامی که اعتقاد
بران باشد و آثار کذب و وضع بران لایح نباشد بلکه در این مقامات اگر اکتفا
باشد باخبار صحیحه بلکه مطلق خبر معتبر چیزی بدست نمیاید و لهذا اجله علما اقتصار
باخبار معتبره نمی کنند بلکه کلمات علما و مورخین را نیز نقل میکنند با وجود اینها چیزی
چند از جهال در تعزیه ها بسیار مسموع میشود که بگوش نخورده باشد بگمان انکه همین سخن
تازه مذکور شود خوبست از سوء عاقبتش نمیترسند که حضرت میفرماید وعید من
کسی باشد کسیکه بر من دروغ گوید جایگاه خود را در آتش مییابد و نقل بمعنی اگرچه جایز
است لکن با شرایط مقرره معهوده که مبادا چیزی را کم و زیاد کرده اند چه جای آنکه اخبار
بی ماخذ را نقل کنند با آنکه شاخ و برگ بران افزایند و اوضاع انرا بهم زنند
مثل سایر متعارفات ایشان میباشد مانند تغنّی و سایر قبایح هم جایز است اخذ اجر
بر همین عمل موافق شرع اند در صورتی که خلاف قواعد نباشد زیرا که اجیر شدن بر
صلوة و صوم و حج و زیارت مستلزم تجویز این نیز میباشد لکن اگر اجرت را معین نکرده باشد
بر اجرت المثل تسلطی ندارد و اگر اسم فعل را اجرت باشد بحسب عادت و از حضرت صادق روایت

ويا مأوى المنقطعين ويا ناصر المستضعفين ويا مجير الخائفين ويا مغيث المكروبين ويا حصن اللاجين ان لم اعذ بعزتك فبمن اعوذ وان لم الذ بقدرتك فبمن الوذ وقد الجأتني الذنوب الى التشبث باذيال عفوك واحوجتني الخطايا الى استفتاح ابواب صفحك ودعتني الاساءة الى الاناخة بفناء عزك وحملتني المخافة من نقمتك على التمسك بعروة عطفك وما حق من اعتصم بحبلك ان يخذل ولا يليق بمن استجار بعزك ان يسلم او يهمل الهي فلا تخلنا من حمايتك ولا تعرنا من رعايتك وذدنا عن موارد الهلكة فانا بعينك وفي كنفك ولك اسالك باهل خاصتك من ملائكتك والصالحين من بريتك ان تجعل علينا واقية تنجينا من الهلكات وتجنبنا من

در مسائل متعلقه بایام تعزیه

شده که فرمود لا باس بکسب النائحة اذا قالت صدقا یعنی باکی نیست بکسب زن نوحه گر اگر راست گوید
و فرمود در روایت دیگر که باید شرط نکند از اینکه اگر فلان قدر دادی گریه کنم و باید قبول کند
انچه را میدهند و بدانکه گریستن و جزع نمودن و مهموم و مغموم بودن و آه کشیدن و اظهار
حزن و کآبه نمودن نفس تعزیه و ماتم داریست نزد اربابان و بعضی از علما انرا از آداب
شمرده اند و سزاوارست زیاد نمودن تباکی و گریه بخود بستن یا بکر ماند گریه کنندگان
صدا را ظاهر کند و سر را بزیر اندازد و اظهار اندوه نماید اگرچه گریه نکند و این امر بسیار
آسان و ثوابی بسیار دارد میتوان حضور در مجلس تعزیه و ترك گریه و تباکی و استحباب این امور
بجهت اخبار کثیره است از خانواده عصمت علیهم السلام دوم و سیم و چهارم پوشیدن جامه نظیف
انجاست و گشودن بندها خصوصا بند گریبان که داخل در اظهار ماتم داریست و کشف
ذراعین و ساقین چنانچه از روایت عبدالله بن سنان مستفاد میشود اگرچه این روایت در
بیان آداب زیارتست لیکن بعد از ذکر این آداب میفرماید بهیئة اصحاب المصائب و برهنه
کردن سر و پا را نیز بعضی از علما ذکر کرده اند و بعید نیست استحبابش بجهت دخول آن
در عموم اظهار اندوه و مصیبت و هیئت اصحاب مصیبت با آنکه راه رفتن با پای برهنه
در زیارات وارد شده و ظاهر از ان اظهار تذلل و تخشع است و اینمقام نیز مقام آن است
پنجم و ششم و هفتم و هشتم ترك خضاب و حنا و شانه کردن و سرمه کشیدن است چنانچه بعضی از
علما ذکر کرده اند بجهت اخبار کثیره و سزاوار است ترك روغن مالی بجهت کلام حضرت صادق
ما اختضبت منا امرأة و لا ادهنت و لا اکتحلت و لا رحلت حتی اتانا راس عبیدالله
بلکه در روایتی که دود از خانه بنی هاشم بلند نشد پنج سال و از این روایت مستفاد می شود
که سزاوار است ترك طبخ و اطعمه لذیذه یا مطلق بجز مثل نان که ضرورت مقتضی است
و اما انچه متعارف است میان مردم از زینت مجالس بلکه زینت خود بلباسهای فاخره در ایام محرم

الآفات وتكننا من دواهي المصيبات وان تنزل علينا من سكينتك وان تغشي وجوهنا بانوار محبتك وان تؤوينا الى شديد ركنك وان تحوينا في اكناف عصمتك برأفتك ورحمتك يا ارحم الراحمين

مناجاة الزاهدين بسم الله الرحمن الرحيم

الهي اسكنتنا دارا حفرت لنا حفر مكرها وعلقتنا بايدي المنايا في حبائل غدرها فاليك نلتجئ من مكائد خدعها وبك نعتصم من الاغترار بزخارف زينتها فانها المهلكة طلابها المتلفة حلالها المحشوة بالآفات المشحونة بالنكبات الهي فزهدنا فيها وسلمنا منها بتوفيقك وعصمتك وانزع عنا جلابيب مخالفتك وتول امورنا بحسن كفايتك واوفر مزيدنا من سعة رحمتك واجمل صلاتنا من فيض مواهبك واغرس في افئدتنا

باب ۳۲ در مسائل مهمه متعلقه بتعزیه

مثل اکثر افعال ایشان منافی طریقه اهل شرع میباشد بلی اگر مقصود از تزیین بعضی مجالس
اجتماع خلق بوده باشد بجهة تعزیه شاید ضرر نداشته باشد لکن کسی که بجهة
زینت مجلس میرود نه بجهة تعزیت و اما استحباب پوشیدن لباس سیاه بغیر از عمامه و عبا
و چکمه نصوص دلالت بر کراهت آن میکند ولکن از آنجا که متضمن است اظهار مصائب
ائمه خالی از اجر نیست اگر چه این مسئله خالی از اشکال نیست مگر آنکه منع شود شمول ادله
ناهیه صورة مزبوره را اما خراشیدن رو و طپانچه بر رو زدن و بریدن موی در غیر
اینمقام حرامست چنانچه شیخ در مبسوط ادعای اجماع بر آن میکند و اخبار نیز در منع از
این امور وارد شده مثل روایة خالد بن سدیر از حضرت صادق ع که فرمود لا شیء
فی لطم الخدود الا الاستغفار و در جواز دریدن جامه خلافست ابن ادریس مطلقا
حرام دانسته دیگران بجهة پدر و مادر و برادر استثنا کرده اند نظر بفعل عسکری
نسبت بپدر بزرگوارش و فعل فاطمیات بر حسین ع و خالد بن سدیر از حضرت صادق ع
روایت کرده که فرمود باکی نیست بدریدن گریبان زیرا که حضرت موسی علیه السلم گریبان
جامه را درید پس فرمود پدر بر پسر و شوهر بر زن شق ثوب نباید کند و مؤید اینخبر بود
شدمی باشد از اینکه جناب سید الشهداء ع مکرر وصیت میفرمود که چون من کشته
شوم طپانچه بر رو نزنید و ویل و ثبور مگوئید بلکه در اخبار منع دست بزانو زدن
نیز رسیده چنانچه موسی بن بکر از حضرت موسی بن جعفر ع روایت کرده است که دست
بزانو زدن نزد مصیبت اجر را می برد لکن شمول این دلیل محل کلام است بلکه
ظاهر عدم شمول است بسبب عموم و تأکیدات بر اظهار اندوه بر مصیبت و جزع و فزع و غیر
ذلک خالی از معارض نمی باشد فلمثله یقل شق القلوب فضلا عن شق الجیوب
شکافتن دلها در مصیبت او کم است چه جای دریدن جامه و سنگ بر سینه زدن بر این

محبتك واتمم لنا انوار
معرفتك واذقنا حلاوة عفوك
ولذة مغفرتك واقرر اعيننا
يوم لقائك برؤيتك واخرج حب
الدنيا من قلوبنا كما فعلت بالصالحين
من خاصتك والابرار من صفوة
بريتك يا ارحم الراحمين ويا اكرم
الاكرمين

ايضا مناجات سید سجاد

بسم الله الرحمن الرحيم

الهی الامان الامان یوم لا یستأخرون
ساعة ولا یستقدمون الهی
الامان الامان عند سکرات
الموت وعند مفارقة الروح و
عند معاینة الموت الهی الامان
الامان عند هول المطلع وعند
الوقوف بین یدیك الهی الامان
الامان عند هول القیمة وشدائدها
الهی الامان الامان یوم یكون الناس كالفراش
المبثوث الهی الامان الامان یوم
تقوم الساعة لرب العالمين الهی
الامان

مصیبت و چه دست بزانو زدن و در حدیث وارد است که زنی بنی هاشم بعد از شهادت امام حسین
جامه‌های پوست پوشیدند و از گرما و سرما هیچ پروا نمی کردند و شب و روز قرار نمی گرفتند
بلکه دایم در ندبه و گریه بودند و در فکر اطعام و آشامیدن نبودند سید الساجدین بجهة
ایشان طعام مهیا می فرمود و انقدر گریه کردند که اشک از دیده‌های ایشان خشک شد
آیا پنداری که دست بزانو نمیزدند و واویلا نمی گفتند و طپانچه بر روی نمیزدند با آنکه روح
عزیز با لطام میشد و تقریر امام کافی است در حکم بجواز بلکه وارد شده از فعل فاطمیات
بلی در بریدن مو و خراشیدن رو اشکال است پس تیغ بر پیشانی زدن یا بازو را مجروح کردن
چنانچه بعضی از عوام الناس را دابست خالی از اشکال نیست و اما اعضا را زخم زدن و در هر زا
قفل زدن و امثال ذلک از فعل اوباش ناس میشد اینها مصیبت داری نیست بلکه آنکه در
لباس مصیبت زده کان باشد با سوزش قلب و از گوشه‌ها رویش اشک جاری باشد و آه سوزناک و ناله
از سینه‌اش بر آید باری از آنجا که شیطان را در هر جا دست و پایست و هر عمل خیر را بیک نهجی ضایع می نماید
چنانچه ارکان اسلام را مثل صلوة و زکوة و غیر ذلک را چنان خراب کرده که از صد نفر یکنفر
بقواعد مقرره شرعیه از ایشان عمل نمی آورد بحیثی که مصداق حدیث نبوی صلی الله علیه و آله که
زود باشد بیاید زمانی که لا یبقی من الایمان الا اسمه و من الاسلام الا رسمه این امر عظیم
که منافع آن لا یحصی و فوائد غیر متناهی است نیز در آن چنان تصرف کرده اند که از اضایع کرده اند
که کم مجالس تعزیه است که بر پا شود الا آنکه انواع معاصی بر آن مترتب می شود مانند ریا و غنا
و کذب و افترا و نظر بر اجانب و امردان اسم از تعزیه می گذارند و بغیر از تعزیه همه چیز را مشتمل
می باشد و از اقامه شعائر اسلامی دانند و حال آنکه بغیر از تضییع احکام اسلام چیزی دیگر دارد
نیست و نیز نقلهای دروغ و اطوار نامناسب خیری در آن نسبت بایشان و سیله اطفال و جهال بر
برمنابر بالا میروند و حال آنکه اعاظم علماء و کملین را شرم می باید که بر منابر بالا روند و بجای پیغمبر و نواب

یوم لا تملك نفس لنفس شیئا
والامر یومئذ لله الهی الامان الامان
یوم تبیض وجوه وتسود وجوه الهی
الامان الامان یوم یفر المرء من
اخیه وامه وابیه وصاحبته وبنیه
لكل امرئ منهم یومئذ شأن یغنیه
الهی الامان الامان یوم ینظر المرء
ما قدمت یداه ویقول الكافر یا لیتنی کنت ترابا
الهی الامان الامان یوم كان مقداره خمسین الف سنة فاصبر
صبرا جمیلا الهی الامان الامان
یوم یود المجرم لو یفتدی من عذاب
یومئذ ببنیه وصاحبته واخیه
وفصیلته التی تؤویه الهی الامان
الامان یوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة
قلوب یومئذ واجفة
ابصارها خاشعة الهی الامان
الامان یوم یرون الملائكة لا
بشری یومئذ للمجرمین ویقولون
حجرا محجورا الهی الامان الامان یوم
یعض الظالم علی

باب ۳۱ در مسائل متفرقه و ثواب زیارت اربعین

او و ممکن نشوند ابدا بکه از اجمعی صنعت کرفته اند در ایام عاشورا و صفر را ایام تجارت خود کرده اند
و چنان اشخاص متوجه چنین شغل عظیمی باشند و افعال جیده از ایشان صادر نمیشود
که شخص را ناخوش میاید که او را تعزیه خوان بگویند با آنکه خدمت گذاری سید الشهداء
و ذکر تعزیه او فخر عظیمی باشد یا دی اگر مردم بجهة ریای کنند تو بجهة خدا بکن
و اگر مردم از او وسیله دنیا قرار داده اند تو از او وسیله اخرت کردان و اگر مردم در ضمن
آن معصیت کنند تو از خالص از معصیت کردان نه اینکه از اصل ترک نمائی در حدیث است
که شخصی عرض کرد خدمت حضرت صادق ع که خوشم نمیاید رفتن بزیارت قبر امام حسین ع
زیرا که همه کس میروند و زنان و اطفال هم میروند بجهة شهرت حضرت سر مبارک را بزیر
انداخت زمانی پس سر برداشت و فرمود که اگر مردم بجهة شهرت میروند تو بجهة خدا برو
و از او ترک مکن **باب** در زیارت اربعین یعنی زیارت بیستم صفر که چهلم از مقتل حضرت سید الشهداء
باشد و این روزیست که جابر بن عبد الله انصاری که صاحب حضرت پیغمبر ص بود از
مدینه بکربلا امد بواسطه زیارت قبر امام حسین ع و از مردم اول کسیکه انحضرت را
زیارت کرد او بود و از حضرت امام حسن عسکری ع مرویست که علامت مؤمن پنج است
اول پنجاه و یک رکعت نماز دویم زیارت اربعین سیم خاتم بدست راست کردن چهارم تعفیر
جبین یعنی بخاک سجده شکر کردن بعد از نماز پنجم بسم الله الرحمن الرحیم را بلند خواندن و در
این روز بود که حرم امام حسین ع از شام بمدینه رجوع کردند و از حضرت صادق ع مرویست
که ایام زیارت امام حسین ع را از اجال ایشان نمی نویسند و کسیکه یکسال برا و بگذرد و
بزیارت قبر امام حسین ع حاضر نشود یکسال از عمر او ناقص میشود اگر بگوئی تو که یکی سی
سال پیش از اجل خودی میرد دانست و این بواسطه آنستکه ترک کرده است زیارت
امام حسین ع را پس ترک مکنید این زیارت را که خدای تعالی دراز می کند عمرهای شما را و زیاد میکند

در مناجات سید سجاد

یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا الهی الامان الامان یوما یجعل الولدان شیبا السماء منفطر به کان وعده مفعولا الهی الامان الامان یوما یجعل الولدان شیبا السماء منفطر به کان وعده مفعولا الهی الامان الامان یوم نقول لجهنم هل امتلأت وتقول هل من مزید الهی الامان الامان یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا ولا هم ینصرون الهی الامان الامان یوم تجد کل نفس ما کسبت وهم لا یظلمون الهی الامان الامان یوم لا تجزی نفس عن نفس شیئا ولا یقبل منها شفاعة ولا یؤخذ منها عدل ولا هم ینصرون الهی الامان الامان یوم تذهل کل مرضعة عما ارضعت وتضع کل ذات حمل حملها وتری الناس سکاری وما هم بسکاری ولکن عذاب الله شدید

در زیارت اربعین

در روزیهای شما بسبب این زیارت و هر کاه ترک کنید زیارت او را کم میکند عمرها و روزیهای
شما را پس ترک مکنید زیارت امام حسین ع را باید دانست که او شاهد شماست نزد خدای تعالی
و نزد رسول او ص و نزد علی و فاطمه ع و روایت کرده صفوان بن مهران از حضرت صادق ع
که فرمود ای صفوان زیارت کن حضرت امام حسین ع در این روز بابن زیارت یعنی روز
اربعین نزد ارتفاع شمس و بگو السلام علی ولی الله وحبیبه السلام علی خلیل الله
ونجیبه السلام علی صفی الله وابن صفیه السلام علی الحسین المظلوم الشهید
السلام علی اسیر الکربات وقتیل العبرات اللهم انی اشهد انه ولیک
وابن ولیک وصفیک وابن صفیک الفائز بکرامتک اکرمته بالشهادة
وحبوته بالسعادة واجتبیته بطیب الولادة وجعلته سیدا من السادة
وقائدا من القادة وذائدا من الذادة واعطیته مواریث الانبیاء وجعلته
حجة علی خلقک من الاوصیاء فاعذر فی الدعاء ومنح النصح وبذل مهجته فیک
لیستنقذ عبادک من الجهالة وحیرة الضلالة وقد توازر علیه من غرته
الدنیا وباع حظه بالارذل الادنی وشری اخرته بالثمن الاوکس وتغطرس
وتردی فی هواه واسخطک واسخط نبیک واطاع من عبادک اهل
الشقاق والنفاق وحملة الاوزار المستوجبین النار فجاهدهم فیک صابرا
محتسبا حتی سفک فی طاعتک دمه واستبیح حریمه اللهم فالعنهم
لعنا وبیلا وعذبهم عذابا الیما السلام علیک یا بن رسول الله السلام علیک
یا بن سید الاوصیاء اشهد انک امین الله وابن امینه عشت سعیدا و
مضیت حمیدا ومت فقیدا مظلوما شهیدا واشهد ان الله منجز ما وعدک
ومهلک من خذلک ومعذب من قتلک واشهد انک وفیت بعهد الله

در المناجات

الهی الامان الامان یوم یقوم الناس لرب العالمین الهی الامان الامان یوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة الهی الامان الامان یوم لا یجزی والد عن ولده ولا مولود هو جاز عن والده شیئا ان وعد الله حق الهی الامان الامان یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم الهی الامان الامان بحق الانبیاء والمرسلین ومحمد واله الطیبین الطاهرین برحمتک یا ارحم الراحمین

مناجات دیگر مرویست از امام حسین لبیک لبیک انت مولاه فارحم عبیدا الیک ملجاه یا ذا المعالی علیک معتمدی طوبی لمن کان مولاه طوبی لعبد تکون مولاه یشکو الی ذا الجلال بلواه وما به علة ولا سقم اکثر من حبه لمولاه اذا اشتکی بثه وغصته اجابه الله ثم لباه اذا ابتلی بالظلام مبتهلا

مناجات جناب امیر علیه السلام
بسم الله الرحمن الرحیم
یا سامع الدعاء ویا رافع السماء ویا واسع العطاء

بحق محمد واله

دعا

وجاهد فی سبیله حتی اتاه الیقین فلعن الله من قتلک ولعن الله من
ظلمک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به اللهم انی اشهدک انی
ولی لمن والاه وعدو لمن عاداه بابی انت وامی یابن رسول الله اشهد انک
کنت نورا فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها
ولم تلبسک المدلهمات من ثیابها واشهد انک من دعائم الدین وارکان المسلمین
ومعقل المؤمنین واشهد انک الامام البر التقی الرضی الزکی الهادی
المهدی واشهد ان الائمة من ولدک کلمة التقوی واعلام الهدی
والعروة الوثقی والحجة علی اهل الدنیا واشهد انی بکم مؤمن وبایابکم
موقن بشرایع دینی وخواتیم عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم
متبع ونصرتی لکم معدة حتی یاذن الله لکم فمعکم معکم لا مع
عدوکم صلوات الله علیکم وعلی ارواحکم واجسادکم وشاهدکم
وغائبکم وظاهرکم وباطنکم آمین رب العالمین و دو رکعت نماز میکنی
وهر دعا که میخواهی میکنی وبرمیگردی وسید بن طاوس گفته که من برای این
زیارت وداعی نیافته ام که مخصوص است باین زیارت باید که بایستی پیش روی ضریح
وبگوئی السلام علیک یابن رسول الله السلام علیک یابن علی المرتضی وصی
رسول الله السلام علیک یابن فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین السلام
علیک یا وارث حسن الزکی السلام علیک یا حجة الله فی ارضه وشاهده
علی خلقه السلام علیک یا ابا عبدالله الشهید السلام علیک یا مولای وابن
مولای اشهد انک قد اقمت الصلوة وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف
ونهیت عن المنکر وجاهدت فی سبیل الله حتی اتاک الیقین واشهد

درمناجات منظومه

لذی القاء العدم ویا وداع البقاء
عالم الغیوب ویا غافر الذنوب و
یا ساتر العیوب ویا کاشف الکروب
وفاتق الصفات ویا مخرج النبات
ویا جامع الشتات ویا باعث
الممات من الاعظم الرمیم ویا
منزل الغیاث من ... ویا
علی الحزن والندامات الی ...
من الهرم الرکوم ویا خالق الزوج
سماء بلا فروج مع اللیل ذی الولوج
علی الضوء ذی البلوج یغشی سنا
النجوم ویا فالق الاصباح ویا فاتح
النجاح ویا مرسل الریاح بکود امع
الوقع فیشان بالغیوم ویا مرسی
الرواسخ اوتاد الشوامخ ارضه
الشوامخ اوتادها البواذخ من
صنعه القدیم ویا هادی الرشاد
ویا ملهم السداد ویا رازق
العباد ویا محیی البلاد ویا فارج
الغموم ویا من به اعوذ ویا من به
الوذ ومن حکمه النفوذ فاعنه
لا شذوذ

علی بینة من ربک اتیتک واگر از دور زیارت کند بگوید توجهت الیک
یا مولای زائرا وافدا راغبا مقرا لک بالذنوب هاربا الیک من الخطایا
لتشفع لی عند ربک یابن رسول الله صلی الله علیک حیا ومیتا فان
لک عند الله مقاما معلوما وشفاعة مقبولة لعن الله من ظلمک ولعن
الله من حرمک وغصب حقک ولعن الله من قتلک ولعن الله من خذلک
ولعن الله من دعوته فلم یجبک ولم یعنک ولعن الله من منعک من حرم الله
وحرم رسوله وحرم ابیک واخیک ولعن الله من منعک من شرب الماء
الفرات لعنا کثیرا یتبع بعضها بعضا اللهم فاطر السموات والارض
عالم الغیب والشهادة انت تحکم بین عبادک فیما کانوا فیه یختلفون
وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون اللهم لا تجعله آخر العهد
من زیارته وارزقنیه ابدا ما بقیت وحییت یا رب وان مت فاحشرنی
فی زمرته یا ارحم الراحمین واگر زیارت آخر روز عاشورا در این روز بخواند
مناسبت مشهور است که سبب تاکید زیارت آنحضرت در این روز آنست که حضرت
امام زین العابدین ع با سایر اهل بیت در این روز بعد از مراجعت از شام بکربلای معلا
وارد شدند وسرهای مقدس شهدا را ببدنهای ایشان ملحق کردند واین بسیار
بعید است از جهات بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است وبعضی گفته اند که اهل بیت در این
روز وارد مدینه طیبه شدند واین نیز بسیار بعید است وبعضی گفته اند شاید حضرت
امام زین العابدین ع باعجاز وطی الارض مخفی بکربلا رفته باشند از شام وسرها را ببدنها
ملحق کرده باشند واین ممکنست اما روایتی در این باب بنظر نرسیده بلکه با بعضی از روایات
منافات دارد ووجه دیگر از احادیث ظاهر میشود همانست که سابق اشاره شد از آمدن

تبارکت من حلیم ویا جابر ال...
ویا مطلق الاسیر ویا ...
ویا غادی الصغیر ویا من به اختبرت
ویا منجی ... ویا من به
من الذل والهوان والامان
آمنی من الهموم و
المرازی
من حبه والیه لذکر المعاد ملتمس
للقلب عنه مصیب ومن شرعی
نفس وشیطانها الرجیم ویا معدن
الجلال ویا الفخر والجمال ویا ذا
الکید والمحال ویا الجود والنعماء
آجرنی من الجحیم
تعالیت من رحیم ومن غیثها الذی
هو لها العظیم ومن ماهو ما
ومن حرها المقیم ویا منزل
القرآن اصحبنی
الحمیم وزوجنی الحسان ویا
الجنان الی الجنة النعیم الی النعیم
الامان ولا باد لکاس
ولهو بغیرها استماع لغو ستقیم
شعو ولا باعتداد شکو الدعا
ولا کلیم الی المنزل النزیه
لا لغوب فیه منیلا لساکنیه
فطوبی لعامریه ذوی المدخل الکریم
الا فضل لی تعالی

باب ۳۳ ثواب زیارت حضرت امام حسین ع

و مشرف شد جابر بن عبدالله انصاری چون جابر از اکابر صحابه بود و اساس امر عظیم را گذاشت می تواند بود که سبب مزید فضل زیارت آنحضرت شده باشد و شاید وجوه دیگر داشته باشد که بر ما مخفی باشد چون فرموده اند در این روز زیارت کنند باید کرد و تفحص از سبب ضرور نیست و بعد از آن علی بن الحسین ع را زیارت کنی و بعد از آن شهدا و حضرت عباس را زیارت کن بطریقی که در زیارت وارث گذشت و همچنین در هر وقت که حضرت امام حسین ع را زیارت می کنی انها را نیز ۲ در هر ماهی زیارت آنحضرت سنتست بواسطه روایتی که از حضرت صادق ع وارد شده است که هر کس امام حسین ع را زیارت کند او را ثواب صد هزار شهید از شهدای بدر روزیا دهند هر روز آنحضرت سنتست بواسطه روایتی که از حضرت صادق ع مرویست که آن حضرت گفت مر سدیر حکیم را که ای سدیر زیارت می کنی حضرت امام حسین را در هر روز سدیر گفت نه آنحضرت فرمود که چه جفای کرده اید آنحضرت را آیا در هر ماهی زیارت آنحضرت را می کنی سدیر گفت نه فرمود آیا در هر سالی زیارت آنحضرت را می کنی سدیر گفت گاهی میشود در سالی زیارت آنحضرت را می کنم آنحضرت فرمود چه جفا می کنید با امام حسین ع آیا نمیدانی که خدا را هزار هزار ملکست که مجموع آنها پراکنده موی و غبار آلوده اند و بر آنحضرت زیارت می کنند و ایشان را وهنی و سستی بهم نمیرسد چیست ترا ای سدیر که هر روز آنحضرت را زیارت نمی کنی سدیر گفت جانم فدای تو باد میان من و آنحضرت فرسخ بسیار واقعست آنحضرت فرمود که هر روز بر بالای بام خود رو و بجانب راست و چپ خود التفات کن و بعد از آن سر خود را بلند کن بسوی آسمان بعد از آن میل بجانب قبر آنحضرت کن و بگوی السَّلامُ عَلَیکَ یا اَبا عَبدِ اللهِ السَّلامُ عَلَیکَ وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ از حضرت صادق ع مرویست که کسی که زیارت کند

مناجات منظومه

بالحسین قد تلاقانا بالنور قد تولى تلقى به الجلاء لا قد حقق بالتسنيم إلى المقربين أو طي إلى الملابس السندس إلى المطعم الشهي إلى المشرب الهني من السلسبيل الختيم إيصاله

بسم الله الرحمن الرحيم

وكم لله من لطف خفي يدق خفاه عن فهم الذكي
وكم يسر أتى من بعد عسر وفرج كربة القلب الشجي
وكم أمر تساء به صباحا وتأتيك المسرة بالعشي
إذا ضاقت بك الأحوال يوما فثق بالواحد الفرد العلي
توسل بالنبي فكل خطب يهون إذا توسل بالنبي
ولا تجزع إذا ما ناب خطب فكم لله من لطف خفي
وصلى الله ربي كل حين على الهادي النبي الأبطحي

مناجات حضرت امیر المؤمنین

بسم الله الرحمن الرحيم

لك الحمد يا ذا الجود والمجد والعلى تباركت تعطي من تشاء وتمنع

حضرت امام حسین ع را در اول ماه رجب خدای تعالی البته او را بیامرزد و نیز از آنحضرت مرویست که خدای تعالی بقبر امام حسین ع چهار هزار ملک موکل کرده است که مجموع ایشان پراکنده موی و گرد آلوده گریانند بر آن حضرت تا روز قیامت پس کسی که آنحضرت را در حالتی عارف باشد بحق او زیارت کند آن ملائکه مشایعت می کنند او را تا آنکه او را بمامن خود رسانند و اگر بیمار شود هر صبح و شام او را عیادت می کنند تا روز قیامت و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود اگر یکی در تمام عمر خود حج کند و زیارت حضرت امام حسین ع را نکند حقی از حقوق رسول الله ص را ترک کرده خواهد بود زیرا که زیارت حضرت امام حسین ع واجبست بر هر مسلمانی مترجم گوید که مراد از وجوب شدت تاکید در استحبابست یعنی مردم باید چنانچه واجبات را ترک نمی کنند زیارت آنجناب را نیز ترک نکنند و با او معامله واجبات کنند و از امام محمد باقر ع مرویست که فرمود که امر کنید شیعیان ما را از زیارت امام حسین ع که زیارت او زیاد میگرداند رزق و عمر را و دفع می کند بلا را و زیارت او واجبست بر هر مومنی که اقرار بامامت او دارد و از حضرت صادق ع مرویست که بر توانگران لازمست که در هر سال دو نوبت بزیارت قبر سید الشهدا بیایند و بر فقرا لازمست که سالی یکبار بیایند و نیز از آنحضرت مرویست که کسی که از منزل خود بیرون رود بقصد زیارت امام حسین ع اگر پیاده است بواسطه هر گامی یک حسنه می نویسند و یک سیئه از او محو می گردانند و اگر سواره است از برای او بهر گامی که مرکوبش می گذارد یک حسنه می نویسند و یک سیئه از نامه عمل او محو می کنند و چون بحایر آنحضرت رسد او را از جمله مفلحان نویسند و چون مناسک زیارت را بجا آورد او را از جمله فائزین نویسند و هر گاه اراده انصراف کند ملکی بنزد او میاید و می گوید که من رسول پروردگارم بسوی تو و خدای تو ترا سلام میرساند و میفرماید که عمل خود را از سر گیر که گناهان گذشته ترا آمرزیدم و

إلهي وخلاقي وحرزي وموئلي إليك لدى الإعسار واليسر أفزع
إلهي لئن جلت وجمت خطيئتي فعفوك عن ذنبي أجل وأوسع
إلهي لئن أعطيت نفسي سؤلها فها أنا في روض الندامة أرتع
إلهي ترى حالي وفقري وفاقتي وأنت مناجاتي الخفية تسمع
إلهي فلا تقطع رجائي ولا تزغ فؤادي فلي في سيب جودك مطمع
إلهي لئن خيبتني أو طردتني فمن ذا الذي أرجو ومن ذا أشفع
إلهي أجرني من عذابك إنني أسير ذليل خائف لك أخضع
إلهي فآنسني بتلقين حجتي إذا كان لي في القبر مثوى ومضجع
إلهي لئن عذبتني ألف حجة فحبل رجائي منك لا يتقطع
إلهي أذقني طعم عفوك يوم لا بنون ولا مال هنالك ينفع
إلهي إذا لم ترعني كنت ضائعا وإن كنت ترعاني فلست أضيع
إلهي إذا لم تعف عن غير محسن فمن لمسيء بالهوى

باب ۳۵ ثواب زیارات ایام رجب

زیارت حضرت امام حسین ع در شب اول رجب و روز اول رجب و در روز نصف رجب
باید که غسل زیارت کنی و بعد از اغتسال برو در قبر آنحضرت روی بقبله بایستی و بر پیغمبر ص
و فاطمه و ائمه علیهم السلام سلام فرستی و بعد از آن بدعائی که مذکور شد اذن دخول
طلب کنی و داخل شوی و بایستی بر ضریح آنحضرت و روی خود را بر روی آنحضرت کنی و
قبله را در میان هر دو شانه خود بگردانی و در زیارت هر امامی باین طریق باید عمل
کرد هرگاه از نزدیک زیارت کنی و بعد از آن صد نوبت تکبیر بگوی پس زیارت
انجناب را بعد از آن ضریح مبارک آنحضرت را ببوس و علی بن الحسین ع و سایر شهدا را
زیارت کن بزیارتی که گذشت و سنتست زیارت حضرت پیغمبر ص و ائمه علیهم السلام در روز
اول رجب و بیست و هفتم رجب و رفتن بمشاهد مشرفه ایشان اما زیارت پیغمبر ص و حضرت
زهرا و حضرت مرتضی و ائمه اربعه در بقیع قبل از این مذکور شد اما زیارت حضرت
کاظم ع و حضرت جواد ع پس بتحقیق از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که فرمود کسی که
زیارت کند قبر پدر مرا و بغداد داخل بهشت میشود و از حضرت پیغمبر ص مرویست که
فرمود که ای اهل بیت من خدای تعالی کرانیده دلهای نجبای خلق خود را و دلهای بر
گزیدگان بندگان خود را مایل بسوی شما که بواسطه شما متحمل آزار و زحمت میشوند و
زیارت میکنند شما را و تقرب میجویند بسوی خدا و رسول او بمحبت شما پس این جماعت
مخصوص شدند بشفاعت من و وارد میشوند در حوض کوثر بر من و مرا ایشانرا است در بهشت
چیزی چند که هیچ چشمی ایشانرا ندیده است و هیچ گوشی از ایشان نشنیده است و بر خاطر هیچ بشری
خطور نکرده است اما جمعی از اراذل ناس ایشانرا سرزنش میکنند بزیارت شما هم
چنانکه سرزنش میکنند زن زانیه را بگناه این جماعت بر میاید از من و شفاعت من ایشانرا
در نمی یابد و بر حوض کوثر وارد نمی شوند بر من این روایت را شیخ شهید ره ذکر کرده است

ثواب زیارت حضرت ائمه

اما هرگاه اراده کنی زیارت حضرت کاظم ع از نزدیک پس طلب اذن کن بان دعائی که گذشت
پس هرگاه داخل شدی بایست نزد قبر حضرت کاظم ع در حالتی که غسل زیارت کرده باشی
و روی خود را بان حضرت بکن و بگوی اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وَلِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ
یا حُجَّةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا نُورَ اللهِ فی ظُلُماتِ الاَرضِ اَشهَدُ اَنَّکَ قَد بَلَّغتَ عَنِ
اللهِ ما حُمِّلتَ وَحَفِظتَ مَا استُودِعتَ وَحَلَّلتَ حَلالَ اللهِ وَحَرَّمتَ حَرامَ اللهِ
وَاَقَمتَ حُدُودَ اللهِ وَتَلَوتَ کِتابَ اللهِ وَصَبَرتَ عَلَی الاَذی فی جَنبِ اللهِ مُحتَسِباً
حَتّی اَتاکَ الیَقینُ وَاَبرَءُ اِلَی اللهِ وَاِلَیکَ مِن اَعدائِکَ مُستَبصِراً بِالهُدَی
الَّذی اَنتَ عَلَیهِ عارِفاً بِضَلالَةِ مَن خالَفَکَ فَاشفَع لی عِندَ رَبِّکَ بعد از آن
تربت مبارک آنحضرت را ببوس و جانب راست روی خود را و جانب چپ روی خود را
بر تربت گذار و بعد از آن برو بجانب سر مبارک آنحضرت و بگوی اَلسَّلامُ عَلَیکَ
یا حُجَّةَ اللهِ فی اَرضِهِ وَسَمائِهِ و بعد از آن دو رکعت نماز زیارت آنحضرت بگذار
و بعد از آن دعائی که بعد از زیارت عاشورا ذکر شد بخوان بعد از آن زیارت حضرت
جواد کن بهمین زیارت که مذکور شد و ترتیب عمل در این زیارت بطریقی است که
در زیارت حضرت کاظم ذکر شد پس وداع ایشان بگوی بانچه ذکر در وداع ائمه
بقیع ذکر شد اما ثواب زیارت حضرت امام رضا ع احادیث در باب زیارت آنحضرت

باب ۳۷ در

در بسیاری بجائی رسیده است که نمی توان شمرد و ما بعضی از آنرا ذکر میکنیم از آن جمله
حدیثی است که از پیغمبر ص مرویست که آنحضرت فرمود که زود باشد که پاره از بدن من
در خراسان مدفون شود پس کسیکه او را زیارت کند در غربت او مثل آنست که هفتاد نوبت
حج کرده باشد و هیچ مؤمنی زیارت نکند او را مگر آنکه خدای تعالی واجب کرداند از
برای او بهشت را و حرام گرداند بدن او را بر آتش دوزخ و از حضرت امام رضا ع مرویست که

مناجات حضرت علی ع

الهی لئن فرطت فی طلب التقی
فها انا اثر العفو اقفو واتبع
الهی لئن اخطأت جهلاً فطالما
رجوتک حتی قیل ما هو یجزع
الهی ذنوبی بذت الطود واعتلت
وصفحک عن ذنبی اجل وارفع
الهی ینجی ذکر طولک لوعتی
وذکر الخطایا العین منی یدمع
الهی اقلنی عثرتی وامح حوبتی
فانی مقر خائف متضرع
الهی انلنی منک روحاً وراحة
فلست سوی ابواب فضلک اقرع
الهی اذا اقصیتنی او اهنتنی
فما حیلتی یا رب ام کیف اصنع
الهی حلیف الحب باللیل ساهر
یناجی ویدعو والمغفل یهجع
الهی وهذا الخلق ما بین نائم
ومنتبه فی لیله یتضرع
وکلهم یرجو نوالک راجیاً
لرحمتک العظمی وفی الخلد یطمع
الهی یمنینی رجائی سلامة
وقبح خطیئاتی علی یشنع
الهی فان تعفو فعفوک منقذی
والا فبالذنب المدمر اصرع
الهی بحق الهاشمی محمد
وحرمة اطهار هم لک خضع
الهی بحق المصطفی وابن عمه
وحرمة ابرار هم لک خشع
الهی فانشرنی علی دین احمد
منیباً تقیاً قانتاً لک اخضع
ولا تحرمنی یا الهی وسیدی
شفاعته العظمی فذاک المشفع
وصل علیهم ما دعاک موحد
وناجاک اخیار ببابک رکع

تتمه باب ... در بیان فضیلت و اعمال روز نوروز
در بیان علما در تعیین روز نوروز اختلاف بسیار است بعضی گفته‌اند
اول سال است از ماههای رومی و بعضی گفته‌اند یا ... و مشهور آنکه
گفته‌اند آنست که اول انتقال شمس است به برج حمل و این
معمولست در این ازمنه چنانچه در ... و این مختصر
گنجایش ذکر آنها ندارد و بمکان خود مطلب را تفصیلی داده ... حقیر
مشهور است در این ازمنه همین روز که ... واضطلاحست در رسالت
اقرب است بصواب اگر بنای اعمال بر این گذارد بد نیست
و اما فضایل و اعمال این روز باسانید معتبره از معلی ابن ...

باب ۳۷ ثواب زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

فرموده روزه باشد مرا بقتل رساند بدترین خلق خدا بزهر و بعد از آن دفن کنند مرا در خانه تنگی در بلاد غربت آگاه باشید که هر کسی که مرا در غربت من زیارت کند خدای تعالی می نویسد از برای او ثواب صد هزار شهید و صد هزار مجاهد و صد هزار حاج و معتمر و صد هزار صدیق و او را محشور می سازد در زمره ما و او را در درجات عالی رفیق ما گرداند و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود کسیکه زیارت کند مرا و حال آنکه عارف باشد بانچه بر او گردانیده خدای تعالی واجب کرده باشد از اطاعت من و اطاعت من پس من و پدران من در روز قیامت او را شفاعت کنیم و کسیکه ما او را شفاعت کنیم اگرچه گناه جن و انس بر او باشد نجات میابد و نیز از آنحضرت مرویست که کسی مرا زیارت کند بدور رحمه من در روز قیامت در سه موضع می آیم که او را از اهوال قیامت در سه موضع می آیم که او را از اهوال قیامت خلاص گردانم یکی وقتی که نامه ها در جانب چپ و راست در پرواز باشد دیگر در نزد صراط دیگر در نزد میزان و از حضرت محمد بن علی منقول است که نوشت بسوی بزنطی که بشیعه من برسان این حدیث را که زیارت من نزد خدای تعالی برابر است با هزار حج و هزار عمره مقبوله از حضرت جواد پرسیدند یا ابن رسول الله زیارت آنحضرت برابر هزار حج است فرمود بلی بخدا قسم که برابر هزار هزار حج است از برای کسیکه آنحضرت را زیارت کند در حالتی که بحق او عارف باشد و نیز از حضرت جواد مرویست که فرمود کسیکه زیارت قبر پدر مرا در طوس بکند خدای تعالی گناهان آینده و گذشته او را می آمرزد و چون روز قیامت شود منبری از برای او میگذارند در برابر منبر پیغمبر تا آنکه خدای تعالی از حساب بندهای خود فارغ شود و از حضرت جواد پرسیدند که زیارت حضرت امام رضا افضل است یا زیارت امام حسین آنحضرت فرمود زیارت حضرت امام رضا افضل است زیرا که قبر امام حسین را اکثر مردم زیارت کنند و امام رضا را زیارت نمی کنند مگر خواص شیعه و از حضرت کاظم

از خواص حضرت صادق مروی است که گفتم در روز نوروز بخدمت حضرت صادق رفتم فرمود آیا میشناسی این روز را گفتم فدایت شوم این روزیست که عجم آنرا تعظیم می کنند و در این روز تحفها و هدیها برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق خانه کعبه که در مکه معظمه است که این تعظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی که تفسیر میکنم آنرا برای تو تا بفهمی گفتم ای سید من دانستن این را از تو بهتر است نزد من از آنکه مردگان من زنده شوند و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای معلی بدرستیکه روز نوروز روزیست که حق تعالی در این روز پیمان گرفت از ارواح ایشان در روز الست که او را بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند و در پیغمبران و حجتهای او ایمان بیاورند و بر دوستی و پیروی امامان معصومین و این اول روزی است که آفتاب طلوع کرد و بادها وزید و زمین زینت یافت و این روزیست که کشتی حضرت نوح بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفت و این روزیست که حق تعالی زنده گردانید جماعتی را که هزار بودند و از ترس طاعون از خانهای خود بیرون رفتند پس خداوند قهار همه را میرانید و بعد از مدتها که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران بر استخوانهای ایشان گذشت و از پروردگار خود سؤال کرد که باو بنماید که چگونه این استخوانها زنده میکند پس حق تعالی وحی فرستاد بسوی او که آب بر استخوانهای ایشان بریزد پس چنین کرد همه بقدرت الهی زنده شدند و بجاهای خود برگشتند و این اول سال فرس عجم است و این سبب شد که آب بر یکدیگر می ریزند

ثواب زیارت حضرت امام رضا

مرویست که فرمود کسیکه فرزندم علی را زیارت کند نزد خدای تعالی مثل هفتاد حج مبرور است یحیی مازنی گفت یا ابن رسول الله برابر هفتاد حج است و از حضرت صادق مرویست که یکی از فرزندهای من در زمین خراسان مقتول شود در شهری که او را طوس گویند پس کسیکه در آن زمین او را زیارت کند در حالتی که بحق او عارف باشد من دست او را گرفته داخل بهشت گردانم اگرچه از اهل کبائر باشد پرسیدند یا ابن رسول الله عرفان بحق او کدام است فرمود بداند که او امام مفترض الطاعه می باشد و غریب و شهید است پس کسیکه او را زیارت کند در حالتیکه عارف باشد بحق او ثواب هفتاد هزار شهید حق تعالی باو عطا کند از شهدائی که در خدمت پیغمبر شهید شده باشند و از حضرت امیر المؤمنین مرویست که مخفی از فرزندان من شهید شود بزهر که اسم او اسم من باشد و اسم پدر او اسم موسی کسیکه او را زیارت کند در غربت او خدای تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد اگرچه بعدد نجوم و قطره های باران و برگ درختان و کف دریا باشد و پیغمبر فرمود که خدای تعالی بچهارده هزار سال پیش از خلق دنیا چهار بقعه را پاک آفرید مکه و مدینه و زمین کربلا و مشهد طوس را اما آداب زیارت رضا پس اول غسل زیارت کن و بعد از آن اذن دخول طلب و بعد از آن بگوی اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى الْإِمَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلَوَاةً كَثِيرَةً تَامَّةً زَاكِيَةً مُبَارَكَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً مُتَوَالِيَةً مُتَوَاتِرَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ و بعد از آن دو رکعت نماز زیارت بگذار و در وداع آنحضرت بگوی السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اللّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَاجْمَعْنِي وَإِيَّاهُ فِي جَنَّتِكَ وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَفِي حِزْبِهِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَفِي حِزْبِهِ مَعَ الشُّهَدَاءِ

باب هشتم ثواب زیارت عسکریین

والصّالحین وحسن اولئک رفیقا واستودعک الله واسترعیک واقرء علیک السّلام امنّا بالله وبالرّسول وبما جئت به ودللت علیه اللّهم فاکتبنا مع الشّاهدین **باب ۳۸ در زیارت عسکریین** شیخ شهید ره در دروس از حضرت امام حسن عسکری ع روایت کرده که فرمود قبر من در سرّ من رای امانست از برای خانقان و در روایت امام ا ع که کسیکه زیارت کند امام مفترض الطّاعه را بعد از وفات او و نزد او چهار رکعت نماز کند خدای تعالی از برای او بنویسد حج و یکعمره و این روایترا استرابادی در منسک خود نیز ذکر کرده و از حضرت امام رضا ع مرویست که فرمود هر امامی را در گردن اولیاء و شیعه او عهدیست و از تمامی وفا بعهد زیارت قبور ایشانست پس کسیکه زیارت کند ایشانرا بواسطه رغبت در زیارت ایشان و تصدیق بانچیزیکه رغبت دارند در ان امر روز قیامت شفعای ایشان خواهند بود اما اداب زیارت عسکریین اول اینست که از برای زیارت غسل کنی و جامه پاک بپوشی و دعای اذنیکه در زیارت پیغمبر ص گذشت بخوانی و چون داخل شوی بروضه مطهر ایشان روی خود را بایشان کنی و قبله را در پس پشت خود اندازی صد بار تکبیر بگوئی و بعد از ان بگوی السّلام علیکما یا ولیّی الله السّلام علیکما یا حجّتی الله السّلام علیکما یا نوری الله فی ظلمات الارض السّلام علیکما یا امینی الله اتیتکما زائرا لکما عارفا بحقّکما مؤمنا بما امنتما به کافرا بما کفرتما به محقّقا لما حقّقتما مبطلا لما ابطلتما اسئل الله ربّی وربّکما ان یجعل حظّی من زیارتکما الصّلوة علی محمّد واله وان یرزقنی شفاعتکما ولا یفرّق بینی وبینکما ولا یسلبنی حبّکما وحبّ ابائکما الصّالحین ولا یجعله اخر العهد من زیارتکما ویحشرنی ویجمع بینی وبینکما الجنّة بعد از ان هر یک از این دو قبر را ببوس و بسد

و غسل کند (از حق تعهد در قران مجید اشاره باین قصّه نموده است در انجا که فرموده الم تر الی الّذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثمّ احیاهم مفسّرین گفته اند که ان پیغمبر حضرت حزقیل بود و حضرت فرمود که ایشان سی هزار کس بودند و فرمود در این روز جبرئیل بحضرت رسول بوحی نازل شد یعنی روز نوروز و مبارکتر مبعث بوده مکه بیست و هفتم ماه رجب است و فرمود که این روز که حضرت رسالت پناه ابتهای کفار قریش را در مکه شکست و حضرت ابرهیم نیز در این روز بتهای کافرانرا شکست و قد اشاره است بانکه شیعه روایت کرده اند بطریق تو دیدی که شبیکه حضرت رسالت حضرت امیر المؤمنین را با خود بمسجد الحرام اورد و حضرت امیر را امر کرد که بر دوش انحضرت بالا رفت و بتهای کافرانرا بزیر اورد و شکست پس مراد اینست که در شب این

زیارت حضرت صاحب الامر ع

از ان جانب راست و جانب چپ روی خود را بر قبر بگذار و بعد از ان سر خود را بردار و بگوی اللّهم ارزقنی حبّهم وتوفّنی علی ولایتهم اللّهم العن ظالمی ال محمّد حقّهم وانتقم منهم اللّهم العن الاوّلین منهم والاخرین وضاعف علیهم العذاب الالیم انّک علی کلّ شیء قدیر اللّهم عجّل فرج ولیّک وابن ولیّک واجعل فرجنا مع فرجهم یا ارحم الرّاحمین پس برای هر امامی دو رکعت نماز بگذار و بعد از ان بخوان دعائی که در روز عاشورا مذکور شد و بعد از ان وداع کن ایشانرا بوداعی که در زیارت ائمه بقیع مذکور شد **باب ۳۹ در زیارت حضرت صاحب الامر** سنّت مؤکّداست در هر مکانی و در هر زمانی و سنّتاست دعا کردن بتعجیل فرج انحضرت در سرداب در سرّ من رای سنّت مؤکّداست چنانچه شهید در دروس ذکر کرده است وما انشاءالله تعالی ذکر کرده ایم در این کتاب در بابی که مخصوص بماه شعبانست دعای غیر مخصوصی که منسوب بان حضرتست اما هرگاه زیارت انحضرت خواهی بکنی از نزدیک باید که غسل زیارت کنی و بر در سرداب ایستاده اذن دخول طلبی و بعد از ان صد بار تکبیر بگوی و بعد از ان بگوی السّلام علیک یا خلیفة الله وخلیفة ابائه المهدیّین السّلام علیک یا وصیّ الاوصیاء الماضین السّلام علیک یا حافظ اسرار ربّ العالمین السّلام علیک یا وارث علوم النّبیّین السّلام علیک یا بقیّة الله من الصّفوة المنتجبین السّلام علیک یا ابن الایات الباهرة السّلام علیک یا ابن العترة الطّاهرة السّلام علیک یا معدن العلوم النّبویّة والاسرار الرّبانیّة السّلام علیک یا باب الله الّذی لا یؤتی الّا منه السّلام علیک یا سبیل الله الّذی من سلک غیره هلک السّلام علیک یا ابن شجرة طوبی وسدرة المنتهی السّلام علیک یا نور الله الّذی لا یطفی السّلام علیک یا حجّة الله فی ارضه وسمائه السّلام علیک سلام من عرفک بما عرّفک الله منه ونعتک

روز بوده و فرموده که در روز نوروز حضرت رسول ص اصحاب خود را امر کرد که بیعت کنند با امیر المؤمنین و اقرار کنند او را پادشاه مؤمنان است یعنی روز غدیر خم روز نوروز بوده با این روز که بر سر کرده های اصحاب گفت که بروید بر علی سلام کنید و بگوئید السّلام علیک یا امیر المؤمنین و فرمود که در این روز بوده انروز بوده که امیر المؤمنین بر گشت خلافت با امیر المؤمنین بعد از کشته شدن عثمان و بار دیگر بعد از این روز با انحضرت بیعت کردند و در این روز خلق کرد حضرت امیر با خارجیان نهروان و ایشانرا ظفر یافت و سر کرده ایشانرا که ذو الثدیه میگفتند کشت و در این روز قائم آل محمد ظاهر شد و در این روز امامان دیگر بدنیا رجعت خواهند کرد و در این روز قائم ما ظفر خواهد یافت بر دجال و دجال را بر دار خواهند کشید و در بیرون کناسه که محله ایست از محلات کوفه و روزی نیست مگر انکه ما روز نوروز را انتظار میکشیم

باب ۳ زیارت حضرت صاحب الامر

بِبَعْضِ نُعُوتِهِ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا وَفَوْقَهَا أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ
فَإِنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ وَأَوْلِيَاءَكَ هُمُ الْفَائِزُونَ وَأَعْدَاءَكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ
وَأَنَّكَ خَازِنُ كُلِّ عِلْمٍ وَفَاتِقُ كُلِّ رَتْقٍ وَمُحَقِّقُ كُلِّ حَقٍّ وَمُبْطِلُ كُلِّ بَاطِلٍ
رَضِيتُكَ يَا مَوْلَايَ إِمَامًا وَهَادِيًا وَوَلِيًّا وَمُرْشِدًا لَا أَبْتَغِي بِكَ بَدَلًا وَلَا
أَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيًّا أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ وَأَنَّ
وَعْدَ اللَّهِ فِيكَ حَقٌّ لَا أَرْتَابُ لِطُولِ الْغَيْبَةِ وَبُعْدِ الْأَمَدِ وَلَا أَتَحَيَّرُ مَعَ مَنْ
جَهِلَكَ وَجَهِلَ بِكَ بَلْ مُنْتَظِرٌ مُتَوَقِّعٌ لِأَيَّامِكَ أَنْتَ الشَّافِعُ
الَّذِي لَا يُنَازَعُ وَالْوَلِيُّ الَّذِي لَا يُدَافَعُ ذَخَرَكَ اللَّهُ لِنُصْرَةِ الدِّينِ وَإِعْزَازِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْانْتِقَامِ مِنَ الْجَاحِدِينَ الْمَارِقِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّ بِوِلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ
وَتُزَكَّى الْأَفْعَالُ وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ وَتُمْحَى السَّيِّئَاتُ فَمَنْ جَاءَ بِوِلَايَتِكَ
وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ وَصُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ وَتَضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ
وَمُحِيَتْ سَيِّئَاتُهُ وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلَايَتِكَ وَجَهِلَ مَعْرِفَتَكَ وَاسْتَبْدَلَ
بِكَ غَيْرَكَ أَكَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخِرِهِ فِي النَّارِ وَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا وَلَمْ
يُقِمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَزْنًا أُشْهِدُ اللَّهَ وَأُشْهِدُ مَلَائِكَتَهُ وَأُشْهِدُكَ
يَا مَوْلَايَ أَنَّ مَقَالِي هٰذَا ظَاهِرُهُ كَبَاطِنِهِ وَسِرُّهُ كَعَلَانِيَتِهِ وَأَنْتَ
الشَّاهِدُ عَلَى ذٰلِكَ وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ وَمِيثَاقِي لَدَيْكَ إِذْ أَنْتَ
نِظَامُ الدِّينِ وَيَعْسُوبُ الْمُتَّقِينَ وَعِزُّ الْمُوَحِّدِينَ وَبِذٰلِكَ أَمَرَنِي رَبُّ
الْعَالَمِينَ فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَتَمَادَتِ الْأَعْمَارُ لَمْ أَزْدَدْ فِيكَ إِلَّا
يَقِينًا وَلَكَ إِلَّا حُبًّا وَعَلَيْكَ إِلَّا تَوَكُّلًا وَاعْتِمَادًا وَلِظُهُورِكَ إِلَّا تَوَقُّعًا
وَانْتِظَارًا وَتَرَقُّبًا لِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ فَأَبْذُلُ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي

در آداب ایام سعید

زیرا که امروز عیدها ما و روزهای شیعیان ما است ایشان روز را حفظ کردند و حرمت آن را رعایت کردند و شما عربان آن را ضایع کردید پس حضرت فرمود معلی که چون روز نوروز شود غسل بکن و پاکیزه ترین جامههای خود را بپوش و بهترین بوهای خود را خوشبو کن و در آن روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافلههای آن فارغ شوی چهار رکعت نماز بگذار و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و در رکعت دویم ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت سیم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت چهارم بعد از حمد سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک ده مرتبه بخوان و بعد از نماز سجده شکر بکن و این دعا را بخوان اللهم صل على محمد وآل محمد الاوصياء المرضيين

زیارت حضرت صاحب الامر

وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَجَمِيعَ مَا خَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَالتَّصَرُّفَ بَيْنَ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ
يَا مَوْلَايَ فَإِنْ أَدْرَكْتُ أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ وَأَعْلَامَكَ الْبَاهِرَةَ فَهَا أَنَا
ذَا عَبْدُكَ الْمُتَصَرِّفُ بَيْنَ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ أَرْجُو بِطَاعَتِكَ الشَّهَادَةَ بَيْنَ
يَدَيْكَ وَبِوِلَايَتِكَ السَّعَادَةَ وَالْفَوْزَ لَدَيْكَ وَإِنْ أَدْرَكَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ
ظُهُورِكَ فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ وَبِآبَائِكَ الطَّاهِرِينَ إِلَى اللَّهِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ وَرَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ
لِأَبْلُغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي وَأَشْفِيَ مِنْ أَعْدَائِكَ فُؤَادِي مَوْلَايَ وَقَفْتُ
فِي زِيَارَتِكَ مَوْقِفَ الْخَاطِئِينَ النَّادِمِينَ الْخَائِفِينَ مِنْ عِقَابِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَقَدِ اتَّكَلْتُ عَلَى شَفَاعَتِكَ وَرَجَوْتُ بِمُوَالَاتِكَ وَشَفَاعَتِكَ
مَحْوَ ذُنُوبِي وَسَتْرَ عُيُوبِي وَمَغْفِرَةَ ذُنُوبِي وَزَلَلِي فَكُنْ لِوَلِيِّكَ يَا مَوْلَايَ
عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِهِ وَاسْأَلِ اللَّهَ غُفْرَانَ زَلَلِهِ فَقَدْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِكَ وَتَمَسَّكَ
بِوِلَايَتِكَ وَتَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَائِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَظْهِرْ
كَلِمَتَهُ وَأَعْلِ دَعْوَتَهُ وَانْصُرْهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَعَدُوِّكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَظْهِرْ كَلِمَتَكَ التَّامَّةَ وَمُغَيَّبَكَ الَّذِي
فِي أَرْضِكَ الْخَائِفَ الْمُتَرَقِّبَ اللَّهُمَّ انْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا
اللَّهُمَّ وَأَعِزَّ بِهِ الدِّينَ بَعْدَ الْخُمُولِ وَأَطْلِعْ بِهِ الْحَقَّ بَعْدَ الْأُفُولِ وَأَجْلِ بِهِ
الظُّلْمَةَ وَاكْشِفْ بِهِ الْغُمَّةَ اللَّهُمَّ وَآمِنْ بِهِ الْبِلَادَ وَاهْدِ بِهِ الْعِبَادَ
اللَّهُمَّ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا إِنَّكَ سَمِيعٌ
مُجِيبٌ اللَّهُمَّ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ ائْذَنْ لِوَلِيِّكَ الدُّخُولَ إِلَى حَرَمِكَ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَ

آنبیائك وصل على جميع انبيائك ورسلك بافضل صلواتك وبارك عليهم بافضل بركاتك وصل على ارواحهم واجسادهم اللهم بارك على محمد وآل محمد وبارك لنا في يومنا هذا الذي فضلته وكرمته وشرفته وعظمت خطره اللهم بارك لي فيما انعمت به علي حتى لا اشكر احدا غيرك ووسع علي في رزقي يا ذا الجلال والاكرام اللهم ما غاب عني فلا تغيبن عني عونك وحفظك وما فقدت من شيء فلا تفقدني عونك عليه حتى لا اتكلف ما لا احتاج اليه يا ذا الجلال والاكرام چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود و بسیار بگو یا ذا الجلال والاکرام و در بعضی کتب مشهوره روایت کرده اند که در وقت تحویل این دعا را بسیار بخوانند و بعضی سیصد و شصت و شش مرتبه گفته اند یا محول الحول والاحوال حول حالنا الى احسن الحال وبعضی

ادر بکنوز

زیارت حضرت صاحب الامر ع

نزول سرداب بکو السَّلامُ علی الحقّ الجدیدِ والعالِمِ الّذی علمُهُ لایبید السَّلامُ علی
مُحیِی المؤمنین ومُبیرِ الکافرین السَّلامُ علی مهدیِّ الأُمَمِ وجامعِ الکَلِم
السَّلامُ علی خلفِ السّلفِ وصاحبِ الشّرفِ السَّلامُ علی حُجّةِ المعبودِ وکلمةِ المحمودِ
السَّلامُ علی مُعزِّ الأولیاءِ ومُذلِّ الأعداءِ السَّلامُ علی وارثِ الأنبیاءِ و
خاتمِ الأوصیاءِ السَّلامُ علی القائمِ المنتظرِ والغائبِ المشتهرِ السَّلامُ علی السّیفِ
الشّاهرِ والقمرِ الزّاهرِ والنّورِ الباهرِ السَّلامُ علی شمسِ الظّلامِ وبدرِ
التّمامِ السَّلامُ علی ربیعِ الأنامِ ونضرةِ الأیّامِ وفطرةِ الأنامِ السَّلامُ علی صاحبِ
الصّمصامِ وفلّاقِ الهامِ السَّلامُ علی الدّینِ المأثورِ والکتابِ المسطورِ السَّلامُ
علی بقیّةِ اللهِ فی بلادِهِ وحجّتِهِ علی عبادِهِ المنتهی إلیهِ مواریثُ الأنبیاءِ ولدیهِ
موجودةٌ آثارُ الأصفیاءِ المؤتمنِ علی السّرِّ والولیِّ للأمرِ السَّلامُ علی المهدیِّ الّذی
وعدَ اللهُ بهِ الأُممَ أن یجمعَ بهِ الکلمَ ویلمَّ بهِ الشّعثَ ویملأَ بهِ
الأرضَ قسطاً وعدلاً ویمکّنَ لهُ وینجزَ لهُ ما وعدَ المؤمنینَ أشهدُ یا مولایَ
أنّکَ والأئمّةَ من آبائکَ أئمّتی وموالیَّ فی حیاةِ الدّنیا ویومَ یقومُ
الأشهادُ أسألُکَ یا مولایَ أن تسألَ اللهَ تبارکَ وتعالی فی إصلاحِ شأنی
وقضاءِ حوائجی وغفرانِ ذنوبی والأخذِ بیدی فی دینی ودنیایَ وآخرتی
ولإخوانی المؤمنینَ والمؤمناتِ إنّهُ غفورٌ رحیمٌ و بعد از آن دوازده رکعت
نماز کنی بشش سلام و در هر رکعتی الحمد و توحید بخوانی و در عقب هر دو رکعت
تسبیح حضرت فاطمه زهرا ع بخوانی و بعد از آن این نماز هارا هدیه کن از برای آنحضرت
و بعد از آن آنحضرت را وداع کن با آنچه بگذرد در وداع گذشت ~~و~~ در باب زیارت حضرت امام
حسین ع در نصف شعبان در روز و شب او سنت است از حضرت صادق ع مرویست که

۹۷ صلح

یا مدبّر اللّیل والنّهار و الابصار یا محوّل الحول والاحوال حوّل حالنا الی احسن الحال بعضی روایت کرده اند که این دعا را نیز در روز نوروز و بعد ایام سال بخوانند اللّهمّ هذه سنة جدیدة وانت ملک قدیم اسئلک خیرها وخیر ما فیها و اعوذبک من شرّها وشرّ ما فیها واستکفیک مؤنتها وشغلها یا ذا الجلال والاکرام و اگرچه منع در دعا نیست اما این دعای اول را خواندن هرچند نمازش کرده نشود چون سند معتبر دارد بهتر است

باب ۹ در اعمال ماههای رومیست

سید جلیل علی ابن طاوس روایت کرده است که روزی جمعی از اصحاب نشسته بودند حضرت رسالت پناه داخل شد و برایشان سلام کرد پس ایشان جواب گفتند پس حضرت فرمود که میخواهید تعلیم نمایم شمارا دعائیکه جبرئیل مرا تعلیم کرده است که محتاج بدوای اطبا نبوده باشد

ثواب زیارت حضرت امام حسین ع در نصف شعبان

کسیکه سه سال متوالی در نصف شعبان امام حسین ع را زیارت کند البته گناهان او آمرزیده
می شود و نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه دوست دارد که صد و بیست و چهار هزار پیغمبر
با او مصافحه کند باید که امام حسین ع در نصف شعبان زیارت کند زیرا که ارواح
جمیع پیغمبران در نصف شعبان زیارت کنند آنحضرت را و از خدای تعالی رخصت زیارت
آنحضرت گیرند و نیز از آنحضرت مرویست که چون نصف شعبان شود منادی از افق
اعلا ندا کند زائران امام حسین ع را و گوید ای زائران امام حسین ع برگردید در حالتی
که گناهان شما آمرزیده است و ثواب شما بر خدای شما و بر محمد است که پیغمبر شماست و
نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه زیارت کند امام حسین ع در نصف شعبان و در شب عید
فطر و در شب عرفه در یکسال خدای تعالی می نویسد برای او هزار حج مبرور و هزار عمره
مقبوله و روا می کرد برای او هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرت و از امام محمد باقر ع
مرویست کسیکه زیارت کند امام حسین ع در نصف شعبان گناهان او آمرزیده می شود
و تا سال دیگر گناه بر او نمی نویسند و اگر در سال دیگر نیز زیارت کند گناهان او آمرزیده
شود و از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه از روی خشوع و احتساب و استغفار
زیارت قبر آنحضرت کند در یکی از سه شب از ماه رمضان در شب اول رمضان که
زیارت کند فرو میریزد گناهان او چنانچه فرو میریزد برگهای خشکیده درختان از باد تند
و بیرون میرود از گناهان مثل روزیکه از مادر متولد شده است و با این غفران ذنوب
اجر کسی باو میدهند که یک حج و یک عمره در آن سال بجا آورده باشد و دو ملک ندائی کنند
که ندای ایشان را هر صاحب روحی غیر از جن و انس می شنوند یکی از آن دو ملک میگویند
که ای بنده خدا از گناهان پاک شدی عمل را از سر گیر و دیگری میگوید ای بنده خدا بشارت
باد ترا بمغفرت و فضل از جانب الله تعالی و از جابر جعفی مرویست که گفت حضرت صادق ع مرا

پس حضرت امیر المؤمنین و سلمان فارسی و دیگران سؤال کردند که آن دعا چیست حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین ع خطاب نمود و فرمود که بدرستیکه نیسان رومی ابر باران میکند پس سوره فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون هر یک را هفتاد مرتبه میخوانی از آن و آیت دیگر سوره انا انزلناه را نیز هفتاد مرتبه میخوانی و هفتاد مرتبه لا اله الا الله میگوئی و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد میفرستی و هفت روز بامداد و پسین از آن می آشامی بحق آن خداوندی که مرا براستی بر خلق مبعوث کرده اینست که سوگند یاد میکنم که جبرئیل گفت که حق تعالی بر دارد از کسیکه این ابر آب را بیاشامد هر دردی را که در بدن او باشد و عافیت بخشد او را و بیرون کند درد را از بدن او و استخوانهای او اگر در لوح محفوظ دردی

باب ثواب زیارت امام حسین ع

کهای جابر بدرستیکه هرگاه مردی از شما مهیا شود از برای زیارت حسین ع اهل آسمان با او
ملاقات می کنند و چون از منزل خود بیرون رود سواره یا پیاده خدای تعالی چهل هزار
ملک را موکل میسازد که بر او صلوات می فرستند تا وقتیکه برابر قبر امام حسین ع آید
پس هرگاه برد در روضهٔ آنحضرت بایستی بگوی یا وارث آدم صفوة الله تا آخر پس برو بسوی
قبر او که بواسطهٔ هر قدمیکه برمیداری و میگذاری ثواب کسی داری که در راه خدای
تعالی بخون خود غلطیده باشد بعد از آنکه سلام دادی قبر مبارک را بدست خود
استلام کن و بگوی السلام علیک یا حجة الله پس قصد کن بنماز خود پس بدرستیکه خدای
تعالی و ملائکه او بر تو صلوات می فرستند تا آنکه فارغ شوی از نماز و از برای هر رکعت
نمازیکه نزد آنحضرت میگذاری ثواب هزار هزار حج و ثواب هزار هزار عمره و ثواب آزاد کردن
هزار هزار بنده و ثواب هزار هزار جهاد در راه خدا که با پیغمبر مرسل همراه باشی
از برای تو خواهد بود و چون از نزد قبر او برخیزی منادی ترا ندا کند که اگر قول
او را بشنوی تمام عمر خود را نزد قبر آنحضرت صرف کنی و آن ملک در ندای خود این
قول را می گوید که خوشحال تو ای بندهٔ خدا بدرستیکه غنیمت گرفتی و سالم شدی
و گناهان تو آمرزیده شد پس عمل خود را از سر گیر پس اگر در آن سال یا
در آن روز متولی قبض روح او نمی شود مگر خدای تعالی و اگر زنده بماند ملائکه با او
موافقت و همراهی می کنند و بر او صلوات می فرستند و تسبیح می گویند تا آنکه
بمنزل خود برسد و چون بمنزل برسد ملائکه گویند ای پروردگار ما بندهٔ تو به
خانهٔ خود رسیده ما بکجا رویم از جانب خدا ندا آید که در خانه بندهٔ من بایستید و
تسبیح و تقدیس کنید و ثواب او را داخل حسنات او کنید تا وقت موت او و هرگاه
او را موت رسد در غسل و کفن و نماز او حاضر شوید و بعد از فوت او ملائکه

برای مقصد ... پروردگار ... نداشته باشد و فرزند خواهد و اگر فرزند ... فرزند دوزی کرداند و اگر زن عقیم باشد و فرزند نیاورد و از این ... یا شامد مقصود ایشان بعمل آید چنانچه حق تعالی میفرماید یهب لمن یشاء اناثا و یهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم ذکرانا و اناثا و یجعل من یشاء عقیما یعنی حق تعالی میبخشد هر کرا خواهد دختران و می بخشد هر کرا میخواهد پسران یا جفت میگرداند از برای ایشان پسران و دختران را یعنی هر دو را بایشان کرامت فرماید و هر کرا میخواهد عقیم و بی فرزند میگرداند ... فرمود که اگر کسی درد سر داشته باشد و از این باب ... صداع ... اگر کسی درد چشم داشته باشد درد چشمها

گویند پروردگارا این بندهٔ تو فوت شده ما بکجا رویم از جانب خدا ندا آید
که نزد قبر او بایستید و تسبیح و تهلیل و تقدیس کنید و از حسنات او بنویسید تا روز
قیامت و از هرون خارجه مرویست که حضرت صادق ع فرمود مرا که یا هرون چند حج کرده
عرض کردم هفده حج کرده ام و هفده عمره بجا آورده ام آنحضرت فرمود اگر بیست حج و بیست عمره
تمام کرده بودی مثل کسی بودی که زیارت امام حسین ع کرده بود و نیز از آنحضرت ع مرویست
که کسیکه امام حسین ع را زیارت کند نه از روی تکبر و نه از روی ریا و سمعه گناهان
او محو میشود مثل جامه چرکیکه از آب پاک شود و اصلا در آن چرکی باقی نماند و از برای
هر گامی که برمیدارد یک حج در نامهٔ اعمال او نویسند و هر قدمیکه برمیدارد یک عمره در نامهٔ عمل
او نویسند و نیز از آنحضرت ع مرویست که کسیکه بمیرد و زیارت قبر امام حسین ع نکرده باشد
آنکس ناقص الایمان و ناقص الدین است اگر داخل بهشت شود درجهٔ او دون از مؤمنان
خواهد بود و نیز از آنحضرت ع مرویست که کسیکه قادر باشد بزیارت سید الشهدا و زیارت
آن نماید عقوق ورزیده است و با ما اهل بیت یا رسول خدا نیز عقوق ورزیده است و مستخف بحق او گردیده
و کسیکه زیارت آنحضرت کند خدای تعالی حوائج او را روا می کند و مهمات دنیای او را
کفایت میکند و زیارت آنحضرت جلب روزی میکند و آنچه در این زیارت نفقه کرده است
خدای تعالی عوض خیر باو میدهد و گناهان پنجاه ساله را آمرزیده میگرداند و بخانهٔ خود رجوع
می کند در حالتیکه اصلا با او گناهی نباشد و اگر در این سفر بمیرد ملائکه او را غسل میدهند
و از برای او دری از بهشت میگشایند که روح او داخل بهشت میشود تا روز حشر و اگر از این سفر
بسلامت باز آید میگشایند دری که رزق او از آن نازل میشود و از برای او هر درهمی که صرف
کرده است ده هزار درهم باو میدهند و فرمود کسیکه در سه شب زیارت حضرت امام حسین ع
بکند گناهان گذشته و آیندهٔ او آمرزیده شود و آن سه شب عید رمضان و شب عید قربان و شب نصف

[illegible]

باب ۴ در زیارت حضرت سید الشهداء نصف شعبان

شعبانست و هم چنین سنتست زیارت حضرت صاحب الزمان در نصف شعبان همان زیارتی که
مذکور شد زیرا که انحضرت در شب نصف شعبان متولد شد پس باید که در شب نصف شعبان و روز نصف
شعبان حضرت سید الشهدا را باین نحو زیارت کنی که اول غسل زیارت کند و اذن دخول
طلبد و صد بار تکبیر گوید و بعد از ان زیارتی که از حضرت صادق ع مرویست بخواند
و آن اینست که الحَمدُ لِلّهِ العَلِيِّ العَظِيمِ السَّلامُ عَلَيكَ أيُّهَا العَبدُ الصّالِحُ الزَّكِيُّ
أُودِعُكَ شَهادَةً مِنّي لَكَ تُقَرِّبُني إلَيكَ في يَومِ شَفاعَتِكَ أشهَدُ أنَّكَ
قُتِلتَ وَلَم تَمُت بَل بِرَجاءِ حَياتِكَ حَيِيَت قُلوبُ شيعَتِكَ وَبِضِياءِ نُورِكَ
اهتَدَى الطّالِبونَ إلَيكَ وَأشهَدُ أنَّكَ نُورُ اللّهِ الَّذي لَم يُطفَأ أبَداً وَأنَّكَ
وَجهُ اللّهِ الَّذي لَم يَهلِك أبَداً وَأشهَدُ أنَّ هذِهِ التُّربَةَ تُربَتُكَ وَهذِهِ الحَرَمَ
حَرَمُكَ وَهذا المَصرَعَ مَصرَعُ بَدَنِكَ لا ذَليلٌ وَاللّهِ مُعِزُّكَ وَلا مَغلوبٌ
وَاللّهِ ناصِرُكَ هذِهِ شَهادَةٌ لي عِندَكَ إلى يَومِ قَبضِ رُوحي بِحَضرَتِكَ وَالسَّلامُ
عَلَيكَ وَرَحمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ بعد از ان زیارتی بخواند که از حضرت هادی
مرویست و ان اینست السَّلامُ عَلَيكَ يا أبا عَبدِ اللّهِ السَّلامُ عَلَيكَ يا حُجَّةَ اللّهِ
في أرضِهِ وَشاهِدَهُ عَلى خَلقِهِ السَّلامُ عَلَيكَ يَابنَ رَسولِ اللّهِ السَّلامُ عَلَيكَ
يَابنَ عَلِيٍّ المُرتَضى السَّلامُ عَلَيكَ يَابنَ فاطِمَةَ الزَّهراءِ أشهَدُ أنَّكَ قَد أقَمتَ
الصَّلوةَ وَآتَيتَ الزَّكوةَ وَأمَرتَ بِالمَعروفِ وَنَهَيتَ عَنِ المُنكَرِ وَجاهَدتَ
في سَبيلِ اللّهِ حَتّى أتاكَ اليَقينُ فَصَلَّى اللّهُ عَلَيكَ حَيّاً وَمَيِّتاً بعد از ان جانب
راست روی خود را بر قبر گذارد و بگوید أشهَدُ أنَّكَ عَلى بَيِّنَةٍ مِن رَبِّكَ جِئتُكَ
مُقِرّاً بِالذُّنوبِ لِتَشفَعَ لي عِندَ رَبِّكَ يَابنَ رَسولِ اللّهِ بعد از ان بر ائمه علیهم السلام
درود فرستد و نام یکیک را ببرد و بعد از ان بگوید أشهَدُ أنَّكُم حُجَّةُ اللّهِ فَاكتُب

(Margin:) ولا دیلما

احذاب بنیان

از نور و روشنی و الها خود او مملو گردانند
و دردنا او در سازد و حکمت بر زبان
او جاری گرداند و پر کند دل او را از
فهم و بینائی و با و عطا کند از
کرامتها آنچه با حدی از عالمیان عطا
نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت
برا و بفرستد و غش و خیانت و غیبت
و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و
غضب را از دل او بر دارد و از عداوت
و دشمنی و بدگوئی مردم نجات یابد
او موجب شفای او گردد مؤلف
گوید که این روایت مشهور بعد الله
پسر عمر منتهی میشود و باین
سبب سندش ضعیفست و فقیر
بخط شهید دیدم که این روایت را
از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده
بود با همین خواص و سوره ها اما
ایات و اذکار را باین روش روایت
کرده است که میخوانی بر اب بنیان فاتحة
الکتاب و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون
و سبح اسم ربك الاعلی و قل اعوذ
برب الفلق و قل

(Margin:) نهج البلاغه ... ولا

ادراب زیارت حضرت امام حسین ع در شب فطر

لي يا مَولايَ عِندَكَ عَهداً وَميثاقاً وَعَهداً إنّي أتَيتُكَ أُجَدِّدُ الميثاقَ فَاشهَد
لي عِندَ رَبِّكَ إنَّكَ أنتَ الشّاهِدُ بعد از ان انحضرت را زیارت کند زیارتی که در
اول رجب گذشت بعد از ان زیارت کند علی بن الحسین ع و شهدا و حضرت عباس را
بزیارتیکه بعد از این مذکور می شود در زیارت عرفه بعد از ان نزد سر انحضرت باید
و دو رکعت نماز کند و بعد از نماز دعائی را بخواند که در زیارت عاشورا گذشت باب ۴

در آداب زیارت حضرت امام حسین ع در شب فطر و روز ان اول غسل زیارت کند
و طلب اذن دخول کند اگر زیارت از نزدیک باشد و بعد از ان بگوید اللّهُ أكبَرُ
كَبيراً وَالحَمدُ لِلّهِ كَثيراً وَسُبحانَ اللّهِ بُكرَةً وَأصيلاً وَالحَمدُ لِلّهِ الفَردِ الصَّمَدِ
الماجِدِ الأحَدِ المُتَفَضِّلِ المَنّانِ المُتَطَوِّلِ الحَنّانِ الَّذي مِن تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لي زِيارَةَ
مَولايَ بِإحسانِهِ وَلَم يَجعَلني عَن زِيارَتِهِ مَمنوعاً وَلا عَن ذِمَّتِهِ مَدفوعاً بَل
تَطَوَّلَ وَمَنَحَ و بعد از ان داخل شود و در برابر قبر بایستد بگریه و خشوع و خضوع
و بگوید انچه را که از حضرت صادق ع مرویست و ان اینست السَّلامُ عَلَيكَ يا وارِثَ
آدَمَ صِفوَةِ اللّهِ السَّلامُ عَلَيكَ يا وارِثَ نوحٍ نَبِيِّ اللّهِ السَّلامُ عَلَيكَ يا وارِثَ إبراهيمَ
خَليلِ اللّهِ السَّلامُ عَلَيكَ يا وارِثَ موسى نَجِيِّ اللّهِ السَّلامُ عَلَيكَ يا وارِثَ عيسى روحِ
اللّهِ السَّلامُ عَلَيكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللّهِ سَيِّدِ رُسُلِ اللّهِ السَّلامُ عَلَيكَ يا
وارِثَ عَلِيٍّ أميرِ المُؤمِنينَ وَخَيرِ الوَصِيّينَ السَّلامُ عَلَيكَ يا وارِثَ أخيكَ الحَسَنِ
الزَّكِيِّ إنَّهُ أميرُ الرَّضِيِّ السَّلامُ عَلَيكَ أيُّهَا الصِّدّيقُ السَّلامُ عَلَيكَ أيُّهَا الوَصِيُّ
البارُّ التَّقِيُّ السَّلامُ عَلَيكَ وَعَلَى الأرواحِ الَّتي حَلَّت بِفِنائِكَ وَأناخَت بِرَحلِكَ
السَّلامُ عَلَيكَ وَعَلَى المَلائِكَةِ الحافّينَ بِكَ أشهَدُ أنَّكَ قَد أقَمتَ الصَّلوةَ وَآتَيتَ
الزَّكوةَ وَأمَرتَ بِالمَعروفِ وَنَهَيتَ عَنِ المُنكَرِ وَعَبَدتَ اللّهَ مُخلِصاً حَتّى أتاكَ اليَقينُ

(Margin:) دیدنی ...

(Margin:)
اعوذ برب الناس ... هفتاد مرتبه
و قل هو الله احد هر یک را هفتاد
و بگو هفتاد مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه اللهم صل
مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه سبحان
علی محمد و ال محمد و هفتاد مرتبه
الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله
اکبر و در خواص ان مذکور است که اگر
در زندان باشد و از ان اب بیاشامد
از حبس نجات یابد و سردی بر طبع
وی غالب نگردد و اکثر ان خواص
که مذکور شد در این روایت نیز
مذکور است و باران مطلقا نیز مبارک است
و منفعت دارد خواه در نیسان او خواه
در غیر ان چنانچه در حدیث معتبر از
حضرت امیر المؤمنین منقولست که
بیاشامید اب باران را که پاک کند
بدن شما است و دردها را دفع میکند
چنانچه حق تعالی میفرماید و ینزل
علیکم من السماء ماء لیطهرکم
به و یذهب عنکم رجز الشیطان و لیربط
علی قلوبکم و یثبت به الاقدام یعنی
میفرستد حق تعالی برای شما از اسمان
ابی برای انکه پاک

باب ۴۱ در زیارت آنحضرت شب فطر

السلام علیک و رحمة الله و برکاته و بعد از ان بسوی قبر مبارک رود و قبر را استلام کند و بگوید السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا حجة الله و رحمة الله و برکاته و بعد از ان بگوید الخبر را که از حضرت صادق ع مرویست و ان اینست که السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا سید شباب اهل الجنة و رحمة الله و برکاته السلام علیک یا من رضاه من رضی الرحمن و سخطه سخط الرحمن السلام علیک یا امین الله و حجة الله و باب الله و الدلیل علی الله و الداعی الی الله اشهد انک قد حللت حلال الله و حرمت حرام الله و اقمت الصلوة و اتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و دعوت الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة اشهد انک و من قتل معک شهداء احیاء عند ربکم ترزقون اشهد ان قاتلک فی النار و ادین الله عز و جل بالبرائة ممن قتلک و ممن قاتلک و شایع علی قتلک و ممن جمع علیک و ممن سمع صوتک فلم یعنک یا لیتنی کنت معک فافوز فوزا عظیما پس تکیه کند بر قبر و قبر را ببوسد و بگوید السلام علیک یا ولی الله و حبیبه تا آخر آن که در ماه صفر گذشت بعد از ان دو رکعت نماز زیارت کند و بعد از ان دعائی بخواند که در عقب نماز زیارت عاشورا گذشت و بعد از ان زیارت علی بن الحسین ع و شهدا و حضرت عباس کند تا آن زیارت که در زیارت عرفه مذکور خواهد شد انشاء الله

باب ۴۲ در بیان زیارت آنحضرت روز عرفه و شب او

از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه روز عرفه نزد قبر حضرت امام حسین ع ابد خدا ثلج او را در روز قیامت برانگیزاند ثلج القلب یعنی در حالتیکه دل او مطمئن و مستقیم

باشد

آداب زیارت ... شما و ایشان ... از شما و سوسه شیطان ... یاران ... الله ... ثابت کرداند ... و در این ماهها ... از فرزندان ... ماه ... صادق ع منقول است ... کرده ... و چون ... منقول است ... حضرت صادق ع ... الیشان

ثواب زیارت امام حسین روز عرفه

باشد و نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه روز عرفه بزیارت آنحضرت آید در حالتی که عارف باشد بحق او خدای تعالی از برای او هزار حج و هزار عمره مقبوله مبروره و هزار جهاد که در خدمت پیغمبر مرسل و امام عادل کرده باشد مینویسد و نیز از آنحضرت مرویست که کسی که روز عرفه زیارت امام حسین ع کند خدای تعالی بنویسد برای او هزار حج که با قائم آل محمد بجای آورده باشد و هزار هزار عمره که با پیغمبر کرده باشد و هزار هزار حمل اسب در راه خدا و خدای تعالی او را بنده صدیق خود می نامد و میفرماید که ای بنده من ایمان آورده است بوعده من و ملائکه میگویند که این بنده صدیقی است که خدای تعالی از بالای عرش خود او را تزکیه کرده است و او را در زمین کروبی نام کرده است یعنی سید گردانیده است و نیز از آنحضرت مرویست که خدای تعالی پیش از آنکه نظر کند باهل عرفات نظر میکند بزوار امام حسین ع بعض از اصحاب پرسیدند که این چراست که خدای تعالی قبل از نظر بانها نظر بزوار امام حسین می کند آنحضرت فرمود که بواسطه آنکه در اهل عرفات اولاد زنا داخل هستند و نیز از آن حضرت مرویست که بدرستی که خدای تعالی تجلی میکند برای زوار امام حسین ع قبل از اهل عرفات پس برمیآورد حوائج ایشان را و بعد از ان در حق اهل عرفات این افعال را بجا میآورد و نیز از آنحضرت مرویست که در روز عرفه خدای تعالی نظر میکند بسوی زوار امام حسین ع و میفرماید که رجوع کنید بمنازل خود در حالتی که گناهان گذشته شما آمرزیده است و از روز انصراف تا نود روز دیگر هیچ یک از شما گناه نمی نویسد و آنحضرت ع رفاعه را گفت که اگر من مکروه نمی داشتم که مردم ترک حج کنند هر آینه حدیثی نقل میکردم که هرگز کسی ترک زیارت حسین ع نمیکرد بعد از ان ساکت شد در زمان طویلی و بعد از ان فرمود که پدرم من را خبر داده است که کسیکه برود از منزل خود بزیارت قبر حسین ع در حالتی که بحق او عارف باشد و متکبر نباشد مصاحب او می شوند هزار ملک از جانب راست او و هزار ملک

... معتبر از آنحضرت منقول است ... یعنی ... ماهها ... دوازده است ... تشرین الاول تشرین الآخر کانون الاول کانون الآخر شباط ... ایلول ... حزیران ... سال ... ایشان ... اول سالهای ایشان ... و چون ... مفصل ...

باب ثواب زیارت حضرت امام حسین ع شب عرفه و روز عرفه

از جانب چپ او و خدای تعالی بنویسد از برای او ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد که بهمراه پیغمبر نبی یا وصی نبی کرده باشد و این احادیث و اخبار که ذکر کردیم خلاصه انچیزیست که در کتاب متهجد کبیر شیخ ابو جعفر طوسی است و از بشیر دهقان مرویست که خدمت حضرت صادق ع عرض کردم که بسیاری شود که از من حج فوت می شود و روز عرفه نزد قبر امام حسین ع می گذرانم در حالتی که بحق او عارفم انحضرت فرمود که ثواب از انزد خدای تعالی حساب کن ای بشیر هر مؤمنی که ایتان کند بقبر امام حسین ع در حالتی که عارف بحق او باشد در غیر روز عید خدای تعالی از برای او بنویسد بیست حج و بیست عمره مقبول مبروره و بیست غزوه که با نبی مرسل و امام عادل همراه باشد می نویسد و کسیکه در روز عرفه بزیارت قبر انحضرت حاضر شود خدای تعالی از برای او صد حج و صد عمره و صد غزوه که با نبی مرسل و امام عادل همراه باشد می نویسد و کسیکه در روز عرفه بزیارت قبر انحضرت حاضر شود و عارف بحق او باشد خدای تعالی از برای او هزار حج و هزار عمره و هزار غزوه که با نبی مرسل و امام عادل همراه باشد می نویسد و چون انحضرت این را فرمود من گفتم که پس چونست مرا مثل این موقف را انحضرت مثل غضبناک بر من نگاه کرد و گفت بدرستی که هرگاه مؤمنی از فرات غسل کند و بعد از ان متوجه زیارت امام حسین ع شود در روز عرفه خدای تعالی از برای هر گامی که بر میدارد یک حج که با مناسک صحیح کرده باشد از برای او و اما اداب زیارت شب عرفه و روز عرفه و زیارت شب عید قربان و روز عید قربان اول غسل زیارت کن و بعد از ان اذن دخول طلب کن اگر زیارت از نزدیک باشد و بعد از ان بگو اَللّٰهُ اَکْبَرُ کَبِیراً وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ کَثِیراً وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ بُکْرَةً وَ اَصِیلاً وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَدَانَا لِهٰذَا وَ مَا کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ و بعد از ان سلام و درود بفرست

چند فضیلت در فصل اول در بیان اداب و احکام حال الاحتضار مستحب است و بر داشتن میت است باید که چون در بیمار اثار موت ظاهر شود متوجه احوال کردد و از گناهان توبه و بر گناهان نادم و پشیمان گردد و عازم گردد که اگر زنده بماند عمر ترک معصیت الهی نکند پس وصیت کند بحقوق خدا و خلق انچه بر ذمه اش باشد ادا کند و بدیگران نکذارد و پس بقدر ثلث مال خود وصیت کند که بخویشان بی ارث او و فقراء و مساکین و سایر وجوه بر صرف نماید پس ابراء ذمه از برادران مؤمن بطلبد و هر کرا غیبت کرده باشد یا اذیتی رسانیده باشد اگر حاضر باشد از ایشان التماس نماید از او عفو کنند و اگر غایب باشند از حاضران التماس نماید که عفو نماید و ایشان از او راضی کردند و از برای ایشان استغفار نماید پس امور اطفال و عیال خود را

زیارت شب و روز عرفه و شب و روز عید قربان

بر پیغمبر و ائمه علیهم السلام و بعد از ان بگوی سَلَامُ اللّٰهِ وَ مَلَائِکَتِهِ وَ اَنْبِیَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الصَّالِحِینَ مِنْ عِبَادِهِ وَ جَمِیعِ خَلْقِهِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکَاتُهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ الشَّهِیدَ الْمَظْلُومَ لَعَنَ اللّٰهُ قَاتِلَکَ وَ خَاذِلَکَ بَرِئْتُ اِلَی اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُمْ وَ مِنْ اَنْفَاطِهِمْ وَ مِمَّنْ شَایَعَ عَلَی ذٰلِکَ وَ رَضِیَ بِهِ وَ اَشْهَدُ اَنَّهُمْ کُفَّارٌ مُشْرِکُونَ وَ اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ مِنْهُمْ بُرَاءٌ و بعد از ان بگو اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ وَ ابْنُ اَمَتِکَ الْمُوَالِی لِوَلِیِّکَ الْمُعَادِی لِعَدُوِّکَ اسْتَجَارَ بِمَشْهَدِکَ وَ تَقَرَّبَ اِلَیْکَ بِقَصْدِکَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَدَانِی لِوَلَایَتِکَ وَ خَصَّنِی بِزِیَارَتِکَ وَ سَهَّلَ لِی قَصْدَکَ و بعد از ان بجانب سر انحضرت بایست و بگوی اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ اٰدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ تا وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکَاتُهُ چنانچه گذشت در زیارت مطلقه از ان طلب پس تکیه کن بر قبر انحضرت و بگوی بِاَبِی اَنْتَ وَ اُمِّی یَا رَسُولَ اللّٰهِ بِاَبِی اَنْتَ وَ اُمِّی یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِیَّةُ وَ جَلَّتِ الْمُصِیبَةُ بِکَ عَلَیْنَا وَ عَلَی جَمِیعِ اَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضِ فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَ اَلْجَمَتْ وَ تَهَیَّأَتْ لِقِتَالِکَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ قَصَدْتُ حَرَمَکَ وَ اَتَیْتُ مَشْهَدَکَ اَسْئَلُ اللّٰهَ بِالشَّأْنِ الَّذِی لَکَ عِنْدَهُ وَ بِالْمَحَلِّ الَّذِی لَکَ لَدَیْهِ اَنْ یُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ یَجْعَلَنِی مَعَکُمْ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ بِمَنِّهِ وَ رَحْمَتِهِ و بعد از ان نزد سر ان حضرت ع دو رکعت نماز زیارت بجای اور و بعد از نماز دعایرا که در عقب زیارت عاشورا مذکور شد بخوان و بعد از ان زیارت علی بن الحسین ع را بزیارتی که در عقب همان زیارت گذشت بخوان و اصح انست که این علی بن الحسین اکبر است و او در زیر پای پدر خود مدفونست پس از ان نزد سر انحضرت دو رکعت نماز بگذار و بعد از ان شهدا را زیارت کن

بعد از توکل بخدا وصی امینی بگذارد و وصی از برای اولاد صغار خود تعیین نماید پس کفن خود را حاضر سازد و شهادتین و اقرار بائمه و ادیان بنویسد و سنت که بر او دو شاهد بنویسد که تربت کفن نوشته شود بهتر باید که تربت حضرت امام حسین ع بران بنویسد اگر بیشتر کفن را مهیا نکرده باشد اما مؤمن را سنت که پیوسته کفن با خود داشته باشد چنانچه از حضرت صادق ع منقولست که هر که کفنش با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هرگاه نظرش بران افتد از برای او حسنه نوشته شود و باید که در ان وقت امید وار رحمت حق تعالی و شفاعت رسول خدا و ائمه هدی بوده باشد و بسند معتبر از حضرت رسالت پناه منقولست که حضرت فرمود که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص مروت و مردی او است گفتند یا رسول الله چگونه

باب ۴ زیارت حضرت امام حسین ع

و در زیارت ایشان بگوی آنچه در هنگام گذشت و در وداع ایشان بگوی السَّلامُ عَلَیْکُم
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتی اِیّاهُمْ
وَاَشْرِکْنی مَعَهُمْ فی صالِحِ ما اَعْطَیْتَهُمْ عَلی نَصْرِهِمْ ابْنَ نَبِیِّکَ وَحُجَّتَکَ
عَلی خَلْقِکَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنا وَاِیّاهُمْ فی جَنَّتِکَ مَعَ الشُّهَداءِ وَالصّالِحینَ
وَحَسُنَ اُولٰئِکَ رَفیقاً وَاَسْتَوْدِعُکُمُ اللهَ وَاَقْرَءُ عَلَیْکُمُ السَّلامَ اللّٰهُمَّ
ارْزُقْنِیَ الْعَوْدَ اللّٰهُمَّ وَاحْشُرْنی مَعَهُمْ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ و باز عود کند بجانب
سر حضرت امام حسین ع بعد از آنکه از زیارت شهدا بکنی بر قبر آنحضرت تکبیر کن
و ببوس شیخ طبرسی در متهجد خود گوید چون منتهی شود باین مکان کسیکه زیارت
کند امام حسین ع باین زیارت خدای تعالی بنویسد از برای او بهر گامی صدهزار حسنه
و محو می کند از او صدهزار سیئه و بلند می کرداند برای او صدهزار درجه و روا می
کرداند برای صدهزار حاجت سهلترین آنها دوری از آتش دوزخ باشد و مثل کسی باشد
که با امام حسین ع شهید شده باشد حتی آنکه در درجات شهداء با ایشان شریک
باشد و هرگاه اراده وداع آنحضرت ع کنی بگوی السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ السَّلامُ
عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفْوَةَ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا خالِصَةَ
اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمینَ اللهِ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا قالٍ وَلا سَئِمٍ فَاِنْ اَمْضِ فَلا عَنْ
مَلالَةٍ وَاِنْ اُقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللهُ الصّابِرینَ لا جَعَلَهُ اللهُ یا مَوْلایَ
آخِرَ الْعَهْدِ مِنّی لِزِیارَتِکَ وَرَزَقَنِیَ الْعَوْدَ اِلی مَشْهَدِکَ وَالْمَقامَ فی حَرَمِکَ وَ
اَنْ یَجْعَلَنی مَعَکُمْ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ پس بیرون رو و از آن روضه مبارکه و
پشت خود را بآنحضرت مکن و در حال بیرون آمدن بسیار بگوی اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ
تا آنکه غایب شوی از قبر آنحضرت و در زیارت حضرت عباس ع بگو السَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْعَبْدُ

تلقین محتضر

وصیت کند
و مرد چون نزدیک وفات او شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید اللّٰهُمَّ
فاطِرَ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ عالِمَ الْغَیْبِ
وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحیمَ اِنّی اَعْهَدُ
اِلَیْکَ اِنّی اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا
اَنْتَ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ وَاَنَّ
مُحَمَّداً صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ عَبْدُکَ
وَرَسُولُکَ وَاَنَّ السّاعَةَ آتِیَةٌ لا رَیْبَ
فیها وَاَنَّکَ تَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ
وَاَنَّ الْحِسابَ حَقٌّ وَاَنَّ الْجَنَّةَ
حَقٌّ وَما وَعَدَ اللهُ فیها مِنَ النَّعیمِ
مِنَ الْمَاْکَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّکاحِ
حَقٌّ وَاَنَّ النّارَ حَقٌّ وَاَنَّ الْاِیمانَ
حَقٌّ وَاَنَّ الدّینَ کَما وَصَفْتَ
وَاَنَّ الْاِسْلامَ کَما شَرَعْتَ وَاَنَّ
الْقَوْلَ کَما قُلْتَ وَاَنَّ الْقُرْآنَ
کَما اَنْزَلْتَ وَاَنَّکَ اَنْتَ اللهُ الْحَقُّ الْمُبینُ
وَاِنّی اَعْهَدُ اِلَیْکَ فی دارِ الدُّنْیا
اَنّی رَضیتُ بِکَ رَبّاً وَبِالْاِسْلامِ
دیناً وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ
نَبِیّاً وَبِعَلِیٍّ اِماماً وَبِالْقُرْآنِ کِتاباً
وَاَنَّ اَهْلَ بَیْتِ

باب ۴ زیارت حضرت امام حسین ع

الصّالِحُ الْمُطیعُ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِاَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللهِ
وَبَرَکاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَعَلی رُوحِکَ وَبَدَنِکَ اَشْهَدُ اَنَّکَ مَضَیْتَ عَلی ما
مَضی عَلَیْهِ الْبَدْرِیُّونَ الْمُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللهِ الْمُناصِحُونَ لَهُ فی جِهادِ
الْاَعْداءِ الْمُبالِغُونَ فی نُصْرَةِ الْاَوْلِیاءِ فَجَزاکَ اللهُ اَفْضَلَ الْجَزاءِ وَاَوْفَرَ جَزاءِ اَحَدٍ مِمَّنْ
وَفی بِبَیْعَتِهِ وَاسْتَجابَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَحَشَرَکَ مَعَ النَّبِیّینَ وَالصِّدّیقینَ وَ
الشُّهَداءِ وَالصّالِحینَ وَحَسُنَ اُولٰئِکَ رَفیقاً و بعد از آن دو رکعت نماز زیارت
بکن و بعد نماز زیارت حضرت عباس و سایر شهدا و بعد از نماز زیارت علی بن الحسین دعائی
بخوان که بعد از نماز زیارت عاشورا مذکور شد و حر بن یزید و هانی بن عروه و مسلم بن
عقیل را نیز زیارت کن باین زیارتی که حضرت عباس را نمودی و وداع کن ایشان را بوداع
حضرت عباس و آن وداع اینست اَسْتَوْدِعُکَ اللهَ وَاَسْتَرْعیکَ وَاَقْرَءُ عَلَیْکَ السَّلامَ
آمَنّا بِاللهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِکِتابِهِ وَبِما جاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللهِ اللّٰهُمَّ اکْتُبْنا مَعَ الشّاهِدینَ
اللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتی قَبْرَ ابْنِ اَخی رَسُولِکَ الْعَبّاسِ بْنِ عَلِیٍّ عَلَیْهِ السَّلامُ
وَارْزُقْنی زِیارَتَهُ اَبَداً ما اَبْقَیْتَنی وَاحْشُرْنی مَعَهُ وَمَعَ آبائِهِ فِی الْجِنانِ وَ
عَرِّفْ بَیْنی وَبَیْنَ رَسُولِکَ وَاَوْلِیائِکَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَوَفَّنی
عَلَی الْاِیمانِ بِکَ وَالتَّصْدیقِ بِرَسُولِکَ وَالْوِلایَةِ لِعَلِیِّ بْنِ اَبی طالِبٍ وَوُلْدِهِ الْاَئِمَّةِ
عَلَیْهِمُ السَّلامُ وَالْبَراءَةِ مِنْ اَعْدائِهِمْ فَاِنّی رَضیتُ بِذٰلِکَ یا رَبِّ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ زیارت مخصوصه بضعه هادی بعد از آنکه غسل کرده باشی و جامه های پاک پوشیده
باشی و اذن دخول خوانده باشی داخل حرم شو و بایست و برو ضریح مقدس بیستی بعثت ... و بگو
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ
الصِّدّیقَةِ الطّاهِرَةِ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ

تلقین محتضر

بینک
عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ
اِلٰهی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتی عِنْدَ
شِدَّتی وَرَجائی عِنْدَ کُرْبَتی
وَعُدَّتی عِنْدَ الْاُمُورِ الَّتی تَنْزِلُ
بی وَاَنْتَ وَلِیّی فی نِعْمَتی وَاِلٰهی وَاِلٰهُ
آبائی صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلا تَکِلْنی
اِلی نَفْسی طَرْفَةَ عَیْنٍ اَبَداً وَآنِسْ
فی قَبْری وَحْشَتی وَاجْعَلْ لی عِنْدَکَ
عَهْداً یَوْمَ اَلْقاکَ پس حضرت رسول
فرمود که این عهد و پیمان میت است
با خدا در روز یکه میخواهد وصیت
کند و وصیت واجب و لازم است
بر هر مسلمانی و صحیفه اعتقادات
چنانکه خدا فرموده لا یَمْلِکُونَ الشَّفاعَةَ
اِلّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْداً و در
میان کفن او بگذارند و چون آثار
احتضار ظاهر گردد باید بسیار مکرر
بخواند اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الْکَثیرَ مِنْ
مَعاصیکَ وَاقْبَلْ مِنِّی الْیَسیرَ مِنْ
طاعَتِکَ تا جان کندن بر او آسان
گردد و باید که اولاد و خویشان
و برادران مومن

وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَشهَدُ اَنَّكَ قَد اَقَمتَ الصَّلوٰةَ وَآتَيتَ الزَّكوٰةَ وَاَمَرتَ بِالمَعرُوفِ وَنَهَيتَ عَنِ
المُنكَرِ وَتَلَوتَ الكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ وَجاهَدتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ وَصَبَرتَ عَلَى الاَذىٰ فِي جَنبِهِ
مُحتَسِباً حَتّىٰ اَتاكَ اليَقينُ اَشهَدُ اَنَّ الَّذينَ خالَفُوكَ وَحارَبُوكَ وَالَّذينَ خَذَلُوكَ وَالَّذينَ
قَتَلُوكَ مَلعُونُونَ عَلىٰ لِسانِ النَّبِيِّ الاُمِّيِّ وَقَد خابَ مَنِ افتَرىٰ لَعَنَ اللهُ الظّالِمينَ لَكُم مِنَ
الاَوَّلينَ وَالآخِرينَ وَضاعَفَ عَلَيهِمُ العَذابَ الاَليمَ اَتَيتُكَ يا مَولايَ يَا بنَ رَسُولِ اللهِ
زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ مُوالِياً لِاَولِيائِكَ مُعادِياً لِاَعدائِكَ مُستَبصِراً بِالهُدَى الَّذي اَنتَ
عَلَيهِ عارِفاً بِضَلالَةِ مَن خالَفَكَ فَاشفَع لي عِندَ رَبِّكَ

پس خود را بضریح بچسبان و ببوس ضریح را و چنین بگوی

اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا حُجَّةَ اللهِ في اَرضِهِ وَسَمائِهِ صَلَّى اللهُ عَلىٰ رُوحِكَ الطَّيِّبِ وَجَسَدِكَ
الطّاهِرِ وَعَلَيكَ السَّلامُ يا مَولايَ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ

پس برو نزد قبر علی بن الحسین علیه السلام شهید و بگو

اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ وَابنَ مَولايَ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ لَعَنَ اللهُ مَن ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللهُ
مَن قَتَلَكَ وَضاعَفَ عَلَيهِمُ العَذابَ الاَليمَ پس زیارت کن شهدا رضوان الله علیهم و بگو
اَلسَّلامُ عَلَيكُم اَيُّهَا الصِّدّيقُونَ اَلسَّلامُ عَلَيكُم اَيُّهَا الشُّهَداءُ الصّابِرُونَ اَشهَدُ اَنَّكُم جاهَدتُم
في سَبيلِ اللهِ وَصَبَرتُم عَلَى الاَذىٰ في جَنبِهِ وَنَصَحتُم للهِ وَلِرَسُولِهِ حَتّىٰ اَتاكُمُ اليَقينُ اَشهَدُ اَنَّكُم اَحياءٌ
عِندَ رَبِّكُم تُرزَقُونَ فَجَزاكُمُ اللهُ عَنِ الاِسلامِ وَاَهلِهِ اَفضَلَ جَزاءِ المُحسِنينَ وَجَمَعَ اللهُ بَينَنا وَبَينَكُم في مَحَلِّ
النَّعيمِ پس برو نزد قبر حضرت عباس بن علی ع و بگو اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَا بنَ اَميرِ المُؤمِنينَ اَلسَّلامُ عَلَيكَ اَيُّهَا العَبدُ الصّالِحُ
المُطيعُ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ اَشهَدُ اَنَّكَ قَد جاهَدتَ وَنَصَحتَ وَصَبَرتَ حَتّىٰ اَتاكَ اليَقينُ لَعَنَ اللهُ الظّالِمينَ لَكُم مِنَ الاَوَّلينَ
وَالآخِرينَ وَاَلحَقَهُم بِدَرَكِ الجَحيمِ در بیان زیارت جامعه که شیخ مفید علیه الرحمه از ائمه در مزار خود ذکر کرده
و گفته که کافی است زائر را در جمیع مشاهد ائمه ع که بگوئی اَلسَّلامُ عَلىٰ اَولِياءِ اللهِ وَاَصفِيائِهِ اَلسَّلامُ عَلىٰ اُمَناءِ اللهِ
وَاَحِبّائِهِ اَلسَّلامُ عَلىٰ اَنصارِ اللهِ وَخُلَفائِهِ اَلسَّلامُ عَلىٰ مَحالِّ مَعرِفَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلىٰ مَعادِنِ حِكمَةِ اللهِ اَلسَّلامُ

علی مساکن

عَلىٰ مَساكِنِ ذِكرِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلىٰ عِبادِ اللهِ المُكرَمينَ الَّذينَ لا يَسبِقُونَهُ بِالقَولِ
وَهُم بِاَمرِهِ يَعمَلُونَ اَلسَّلامُ عَلىٰ مَظاهِرِ اَمرِ اللهِ وَنَهيِهِ اَلسَّلامُ عَلَى الاَدِلّاءِ
عَلَى اللهِ اَلسَّلامُ عَلَى المُستَقِرّينَ في مَرضاتِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَى المُخلِصينَ في طاعَةِ اللهِ
اَلسَّلامُ عَلَى الَّذينَ مَن والاهُم فَقَد والَى اللهَ وَمَن عاداهُم فَقَد عادَى اللهَ وَمَن
عَرَفَهُم فَقَد عَرَفَ اللهَ وَمَن جَهِلَهُم فَقَد جَهِلَ اللهَ وَمَنِ اعتَصَمَ بِهِم فَقَدِ اعتَصَمَ
بِاللهِ وَمَن تَخَلّىٰ مِنهُم فَقَد تَخَلّىٰ مِنَ اللهِ اُشهِدُ اللهَ اَنّي حَربٌ لِمَن حارَبَكُم وَسِلمٌ لِمَن
سالَمَكُم مُؤمِنٌ بِما آمَنتُم بِهِ كافِرٌ بِما كَفَرتُم بِهِ مُحَقِّقٌ لِما حَقَّقتُم مُبطِلٌ لِما
اَبطَلتُم بِهِ مُؤمِنٌ بِسِرِّكُم وَعَلانِيَتِكُم مُفَوِّضٌ في ذٰلِكَ كُلِّهِ اِلَيكُم لَعَنَ اللهُ عَدُوَّكُم
مِنَ الجِنِّ وَالاِنسِ وَضاعَفَ عَلَيهِمُ العَذابَ الاَليمَ وَاَبرَءُ اِلَى اللهِ مِنهُم وَ
اَلسَّلامُ عَلَيكُم وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ از حضرت صادق ع مرویست که هرگاه نا
یکی از شما دور باشد بما پس در فراز خود برما سلام کند و بسوی قبور ما ایما کند پس از سلام
بما میرسد پس سلام ائمه از دور برای عیز قادر ثواب نزدیکی را دارد آنست اما از دور که
سلام کنی بگوی اَتَيتُكَ زائِراً بلکه بگوی قَصَدتُكَ بِقَلبي زائِراً اَو عَجَزتُ عَنِ الحُضُورِ
بِمَشهَدِكَ وَوَجَّهتُ اِلَيكَ سَلامي لِعِلمي بِاَنَّهُ يَبلُغُكَ صَلَّى اللهُ عَلَيكَ فَاشفَع
لي عِندَ رَبِّكَ و از حضرت کاظم ع مرویست که هرگاه بیائی تو بمکه و نماز خود را بجا
آوری و بعد از نماز بگوئی اِنَّ هٰذَا الطَّوافَ وَهاتَينِ الرَّكعَتَينِ عَن اَبي وَاُمّي وَ
زَوجَتي وَوَلَدي وَخاصَّتي وَعَن جَميعِ اَهلِ بَلَدي مِنَ المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ
وَعَن اِخواني وَاَخَواتي في مَشارِقِ الاَرضِ وَمَغارِبِها حُرِّهِم وَعَبدِهِم اَبيَضِهِم
وَاَسوَدِهِم و هرگاه چنین کردی هر کس که بگوئی بنیابت تو نماز و طواف کرده ام راست
گفته خواهی بود و هم چنین کن در زیارت پیغمبر و ائمه علیهم السلام چنانچه شیخ مفید در کتاب مزار خود

او در آن تنها تکلم نمازند
وند داو قرآن و دعا بخوانند
و سوره یس و الصافات نزد او بخوانند
و اعتقاد بوحدانیت خدا و صفات کمالیه
الهی و رسالت حضرت رسالت پناه
و امامت ائمه هدی بتفصیل و اعتقاد
بمعاد و بهشت و دوزخ و سؤال قبر
و سایر اعتقادات حق را مکرر تلقین
او کنند که بگوید و بیاد او بدهند و کسی
نتواند خواند نزد او بخوانند و تمام
عدیله را برا او بخوانند و اگر عربی
نداند مضامینش را برا او القا کنند
که در این وقت شیطان بر او دست
نیابد که از دین برگرداند و باید که
کلمه طیبه لا اله الا الله را بسیار
گوید و مکرر تلقین او کنند زیرا
که در حدیث معتبر وارد است از حضرت
امام محمد باقر ع که تلقین کنید مردگان
خود را لا اله الا الله بدرستیکه
کلمه لا اله الا الله را در هم میشکند و مونس
مؤمنست در حال حیوة و نزد مردن
و نزد مبعوث گردیدن و هر که در هنگام
مردن این کلمه طیبه را

علی مساکن

باب ۴ در ثواب زیارت قبور مؤمنین

ذکر کرده است خاتمه و در آن دو مقصد است مقصد اول آنکه سنت است زیارت قبر بزرگان صحابه
رسول الله خصوصا زیارت جعفر طیار در موته و زیارت سلمان و حذیفه در مدائن
و زیارت انبیاء در اماکن قبور ایشان خصوصا زیارت حضرت ابرهیم و اسحق و
یعقوب و مشهد معروف ایشان و زیارت قبور شهداء و صلحاء مؤمنین زیرا که از
حضرت کاظم مرویست کسیکه قادر نباشد بر آنکه ما را زیارت کند پس باید که زیارت کند
برادران صالح خود را که خدای تعالی برای او ثواب زیارت ما را می نویسد و کسیکه قدرت
ندارد که صله کند ما را باید که صله کند برادران صالح خود را که از برای او ثواب صله
ما را می نویسد و سنت است هدیه کردن ثواب اعمال و قربات خصوصا تلاوت قرآن
از برای اموات خصوصا علما و خویشان بتخصیص پدر و مادر و سنت مؤکد است زیارت
برادران دینی میتا و حیا اما مرده ایشان از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم مرویست که
هر که داخل قبرستان شود و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم السلام علی اهل لا اله
الا الله من اهل لا اله الا الله یا اهل لا اله الا الله بحق لا اله الا الله
کیف وجدتم قول لا اله الا الله من لا اله الا الله لا اله الا الله بحق لا اله
الا الله واحشرنا فی زمرة من قال لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی
الله حقا حقا تعالی ثواب پنجاه ساله عبادت در نامه عمل او بنویسد و گناه پنجاه ساله از او و از
پدر و مادرش محو نماید اما حیا از حضرت صادق مرویست که کسیکه زیارت کند برادر
دینی خود را خدای تعالی موکل میسازد با او هفتاد هزار ملک را که ندا کنند او را که آگاه باش
که خوش شدی و خوش شد از برای تو بهشت و سنت است مزور را که زائر خود را استقبال کند
و دست در گردن او کند یا با او مصافحه کند و هر یک از زائر و مزور موضع سجده
یکدیگر را ببوسند و اگر دست یکدیگر را هم ببوسند جائز است خصوصا علما و سادات و اخوتر

در احکام احتضار

بگوید
داخل بهشت شو و احوط آنست که
در آنحال پای او را بجانب قبله
بکرده انند تا ملائکه رحمت بر او
او رسند در این وقت حایض و جنب
نزد او نباشند که ملائکه از ایشان
نفرت میکنند و اگر بغیر ایشان کسی
نباشد جایز است که برای ضرورت
پرستاری او نمایند و چون نزدیک
شود که جانش بر آید بیرون روند
و در احادیث معتبره وارد شده است
که اگر جان کندن بر او دشوار باشد
او را ببرند در جائیکه همیشه نماز
میکرده است یا بخوابانند او را بر
روی جانمازی که همیشه نماز
می کرده است زیرا که اگر امید شفا هست
شفا میدهد و الا جانش بآسانی بر میآید و از
حضرت امام رضا منقول است که زنها
در حال احتضار دست بر او نگذارید
و اگر دست بر او [illegible] و حرکت دهد [illegible]
مشوید چنانچه جاهلان میکنند
و نزد او قرآن بخوانند و یاد خدا
بکنند و صلوات

ثواب زیارت احیاء مؤمنین و فضیلت مصافحه با ایشان

صادق مرویست که هرگاه دو مؤمن با هم ملاقات کنند و با یکدیگر مصافحه کنند خدا ایشان
را میان دو انگشت اهل ایشان صد رحمت میفرستد نود و نه رحمت شامل آنست که محبت او
مر صاحب خود را بیشتر است و یک رحمت میرسد بآن کسیکه محبت او کمتر است و هرگاه دست
در گردن یکدیگر کنند هر دو غرق رحمت الهی میشوند و هرگاه یکدیگر را تقبیل کنند
و باین تقبیل اراده نکنند مگر رضای الهی را خدای تعالی با ملائکه از جانب او گوید
که حفظکم الله امر زیکدیگرها شما را و چون بنشینند و با یکدیگر حرف گویند ملائکه حفظه
بعضی ببعضی گویند بیائید تا از ایشان دور شویم شاید ایشان را با یکدیگر سری باشد
که خدا نخواهد که او را پوشیده باشد و این روایت در کتاب قضاء حوائج شیخ علی بن طاهر
صوری مذکور است و در باب مصافحه اخبار بسیار وارد شده است و اخبار کلینی ره
در کتاب کافی ذکر کرده و چون زیارت کند کسی را بر حکم او باشد هر جا او گوید فرود
آید و او را تکلیف احتشام نفرماید و مزور باید از برای او آنچه حاضر باشد طعام
و آشامیدنی و میوه ها و بوی خوش بیاورد و کمتر آنچه بیاورد آبست و زائر در او وضو
بسازد و دو رکعت نماز کند و بحدیث با هم الفت کنند و در رفتن او را وداع کند و در
ضیافت اخوان احادیث بسیار هست مرویست از حضرت پیغمبر که فرمود مهمان که بجائی میاید روزی خود
را با خود می آورد و هرگاه مهمان طعام جمعی را بخورد خدا ایشان را بیامرزد و نیز از حضرت
مرویست که کسیکه ایمان دارد بخدا و روز قیامت باید که مهمان را اکرام کند و نیکی
کرده میشود بمهمان در روز اول و شب اول و شب سیم نیز از جمله اهل خانه است اهل خانه هر چه میخورند
او نیز میخورد و نهی وارد شده است از خدمت فرمودن مهمان و هرگاه مهمان فرود آید
اعانت او باید کرد و بر راحله او اعانت کردن لازم نیست و از برای مهمان باید زاد
و نفقه خوب مهیا کند مقصد دویم در تربت امام حسین است و آنچه با او تعلق دارد سنت است با خود

کلمات فرج

[illegible]
لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم و الحمد لله رب العالمین
[illegible] امیر المؤمنین [illegible]

باب سیزدهم در ثواب شفا جستن بتربت امام حسین ع

داشتن سجده از خاک امام حسین ع کرسی و سترانه باشد و سنتست شفا جستن بتربت آنحضرت که از حریم قبر او باشد و حریم قبر او پنج فرسخست از چهار جانب و بعضی گفته‌اند از هر جانبی یکفرسخ است یا از هر جانبی بیست و پنج ذرع یا بیست ذرع و مجموع اینها محمولست بر ترتیب در فضیلت یعنی اگر از بعد بیست ذرع بردارند فاضلتر است از بعد بیست و پنج ذرع و اگر از بعد بیست و پنج ذرع بردارند افضل است از بعد یکفرسخ و اگر از بعد یکفرسخ بردارند افضل است از پنج فرسخ و بعضی گفته‌اند افضل آنست که از قبر آنحضرت تا هفتاد ذرع تربت را بردارند و چون تربت برداری از آن بوس و بر چشمهای خود بگذار و زیاده از نخود تجاوز مکن و بگوی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الطَّیِّبَةِ وَبِحَقِّ الْمَلَکِ الَّذی قَبَضَها وَاَسْئَلُکَ بِحَقِّ النَّبِیِّ الَّذی خَزَنَها وَاَسْئَلُکَ بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذی حَلَّ فیها اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَهُ شِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَاَماناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظاً مِنْ کُلِّ سُوءٍ پس هرگاه این دعا را بخواند تربت را بر پارچه پاکی بربندد و سوره قدر را بر آن بخواند پس بدرستی دعائی را که گذشت از برای اخذ تربت از برای طلب اذن بر آن و قرائت سوره قدر ختم آنست و هرگاه اراده خوردن آن کنی از برای شفا بگو اللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبارَکَةِ الطّاهِرَةِ وَرَبَّ النُّورِ الَّذی اُنْزِلَ فیهِ وَرَبَّ الْجَسَدِ الَّذی سَکَنَ فیهِ وَرَبَّ الْمَلائِکَةِ الْمُوَکَّلینَ بِهِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هٰذَا الطّینَ لی اَماناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ کَذا وَکَذا و بعد از آن بجرعه آب در عقب آن بخورد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اجْعَلْهُ رِزْقاً واسِعاً وَعِلْماً نافِعاً وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ اللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبارَکَةِ وَرَبَّ الْوَصِیِّ الَّذی وارَتْهُ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هٰذَا الطّینَ شِفاءً مِنْ کُلِّ

و چون او را خواند حضرت فرمود که الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات یافت و از حضرت صادق ع منقولست که هیچ کس نیست مگر آنکه شیطان در وقت مردن جمعی از شیاطین را موکل گرداند بر او که او را بشک اندازند در دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر مؤمن کامل باشد نمی‌تواند بر او دست یافت پس در آنحال تلقین ایشان بکنید کلمات فرج و شهادت بوحدانیت خدا و اقرار بحضرت رسالت پناه و ائمه طاهرین ع یک یک را تا از سخن گفتن باز ماند و ایضا سنتست که از برای آسانی جان کندن این دعا را تلقین کنند یا مَنْ یَقْبَلُ الْیَسیرَ وَیَعْفُو عَنِ الْکَثیرِ اِقْبَلْ مِنِّی الْیَسیرَ وَاعْفُ عَنِّی الْکَثیرَ اِنَّکَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الرَّحیمُ و بروایت دیگر اِنَّکَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ و چون روح مفارقت کند سنتست که

داءٍ وَاَماناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَعِزّاً مِنْ کُلِّ ذُلٍّ وَعافِیَةً مِنْ کُلِّ سُوءٍ وَغِنیً مِنْ کُلِّ فَقْرٍ و این روایت از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه تربت آنحضرت را بی دعا بخورد نفع نخواهد بخشید

باب چهاردهم در ذکر ثواب سوره‌های قرآن و ذکر چیزی از خواص آنها و خواص آیات آنها و ذکر دعائی که حضرت امام زین العابدین ع بعد از ختم قرآن میخواند اما ثواب قرائت این سوره‌ها پس ذکر میکنیم ما بعضی از آن چیزها که ذکر کرده است آنرا ابو علی فضل بن حسن بن فضل طبرسی ره در کتاب مجمع البیان **الفاتحة** از حضرت پیغمبر ص مرویست که کسیکه فاتحه بخواند چنانست که دو ثلث قرآن را خوانده است و مثل آنست که تصدق کرده است بر هر مؤمن و مؤمنه و نیز آنحضرت فرمود که قسم بآنخدائیکه نفس من در دست اوست که خدای تعالی در توریه و انجیل و زبور و فرقان نفرستاده مثل فاتحه را و ام القرآنست و سبع المثانیست و این سوره قسمت کرده شده است میان خدای تعالی و میان بنده او و مر بنده او راست آنچه از خدا سؤال کند و این فاتحه فاضلترین سوره‌های قرآنست و این سوره شفا است از هر دردی مگر مرگ که چاره پذیر نیست و از پیغمبر ص منقولست که فرمود که خدای تعالی باین سوره تنها بر من منت نهاده است و او را بازاء قرآن قرار داده است و فرمود وَلَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانی وَالْقُرْآنَ الْعَظیمَ و این سوره اشرف آنچیزیست که در گنجهای عرش است و بدرستی که خدای تعالی مخصوص و مشرف ساخت باین سوره پیغمبر را باین سوره و شریک نکردانید هیچ یک از انبیا خود را در آن مگر سلیمان بن داود ع که از این سوره بسمله را با او ارزانی داشت آگاه باشید کسیکه این سوره را بخواند در حالتیکه اعتقاد بموالات پیغمبر ص داشته باشد و مطیع امر این سوره باشد و ایمان بظاهر و باطن او داشته باشد خدای تعالی بعدد هر حرفی از او عطا می‌کند باو حسنه که هر حسنه از آن افضل است از دنیا و آنچه در اوست از اصناف اموال و خیرات و کسیکه گوش اندازد بقاری که این سوره را میخواند مر او راست

در احکام میت

دهانش را بهم بندند و پاهایش را بکشند و دستهایش را بپهلوهایش بکشند و او را بجانب قبله کنند و چشمهایش را بهم آورند و شبی بر او چراغ بیفروزند و قرآن نزد او بخوانند یا جامه بپوشانند و نزد او بدارند مگر تا بعد رجوع و زر و فرش بر او بدارند اگر اشتباهی در موت شدن مؤمن باشد و اگر مشتبه باشد تا یقین نشود موتش بر بدارند و از حضرت صادق ع منقولست که سزاوار است که برادران مؤمن را خبر کنند بمردن او تا بجنازه او حاضر شوند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میت و حاضرین ثواب ببرند و در حدیث دیگر از حضرت منقولست که چون مؤمن را بقبر میگذارند او را ندا میکنند که اول عطائیکه تو را دادیم بهشتست و اول عطائیکه دادیم آنها را که با جنازه تو آمده اند آمرزش گناهانست و در حدیث دیگر فرمود که اول تحفه که می‌دهند مؤمن در قبر آنستکه می‌آمرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است و در

باب ۲ ثواب سورهٔ البقره و آل عمران و نساء

ثلث ثواب قاری او البقره از پیغمبر روایت کرده هر که این سوره را بخواند صلوات و رحمت خدای تعالی بر او نازل میشود ثواب کسی دارد که در راه خدای تعالی یکسال مرابطه کرده باشد و کسیکه ترس داشته باشد هر گاه این سوره بخواند ترس او برطرف شود و فرمود ای ایها گروه مسلمانان اگر این سوره را یاد گیرید زیرا که یاد گرفتن آن برکت و ترک آن حسرت و بطله یعنی سحره استطاعت نمیشود ندارند و از آنحضرت مرویست که فرمود هر چیزی سنامی دارد و سنام قرآن سوره بقره است و کسیکه این سوره را روز در خانه بخواند شیطان سه روز داخل آن خانه نمیشود و کسیکه شبی در خانه خود بخواند شیطان سه شب داخل آن خانه نشود و از آنحضرت پرسیدند که کدام یک از سور قرآن افضل است آنحضرت فرمود آیة الکرسی و آنحضرت امیر ساخت بر قبیلهٔ بعث کوچک سال تر از ایشان را بواسطه آنکه سورهٔ بقره را در حفظ داشت آل عمران از حضرت پیغمبر مرویست که هر که این سوره بخواند خدای تعالی بعدد هر آیه از این سوره امانی میدهد او را از جسر جهنم و کسیکه این سوره را بخواند در روز جمعه خدای تعالی و ملائکه او بر او صلوات میفرستند تا آفتاب غایب شود و از آنحضرت مرویست که فرمود که سورهٔ بقره و آل عمران را بیاموزید که این دو سوره در روز قیامت بر صاحب خود سایه اندازند مثل دو ابر یا سایبان یا دو صف مرغ که بر سر کسی سایه کنند سورهٔ نساء مرویست از حضرت پیغمبر که کسیکه این سوره بخواند چنانست که تصدق کرده باشد بر هر کسیکه توریث میراث کرده باشد و ثواب کسی دارد که بندهٔ را خریده باشد و آزاد کرده باشد و قاری این سوره بری میشود از شرک و در مشیت خدای تعالی از آن جماعتی خواهد بود که خدای تعالی از ایشان درگذشته و ایشان را عفو کرده است و از حضرت علی مرویست کسیکه این سوره را در هر روز جمعه بخواند از ضغطهٔ قبر ایمن گردد مائده از حضرت پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند بعدد هر یهودی و نصرانی

ثواب سوره انعام و انفال و اعراف

در دنیاست ده حسنه بر او میدهند و ده سیئه از او محو می کنند و ده درجه او را بلند می گردانند و از حضرت امام محمد باقر مرویست که فرمود کسیکه این سوره را در هر روز پنجشنبه بخواند ایمان خود را بظلم نپوشد و هرگز شرک بخدای نیاورد انعام از حضرت پیغمبر مرویست که فرمود که این سوره جمله واحده نازل شده است و در وقت نزول آن هفتاد هزار ملک بر او صلوات می فرستند هر روز و شب بعدد هر آیه از این سوره و مثل این حدیث از حضرت امام رضا نیز مروی شده است اما در روایت دیگر از حضرت امام رضا نیز مروی شده است که فرمود که این ملائکه تسبیح می کنند از برای او تا روز قیامت و باز از پیغمبر مرویست که فرمود کسیکه از اول این سوره بخواند تا تکسبون خدای تعالی موکل میسازد باو چهل هزار ملک را که می نویسند از برای او مثل اعمال خود را تا روز قیامت و در کتاب لا فراد و الغرایب مذکور است که کسیکه در وقت صبح این فعل را بجای آورد چهل ملک نازل می شوند بر او و اعمال ایشان برای او نوشته میشود و در کتاب وسیط مذکور است که کسیکه در وقت صبح این فعل را بجا آورد خدای تعالی هزار ملک برای او موکل می کند که او را نگاه دارند و مثل اعمال ایشان را از برای او می نویسند تا قیامت سورة الاعراف از حضرت پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند خداوند عالم میان او و شیطان پرده بیافریند که مانع باشد از شیطان و حضرت آدم شفیع او خواهد بود و از حضرت صادق مرویست که کسیکه این سوره را در هر ماه بخواند در روز قیامت از آن جماعتی خواهد بود که بر ایشان خوف و حزنی نیست و اگر در هر جمعه یکبار بخواند روز قیامت او را حساب نکند سورة الانفال از حضرت پیغمبر مرویست که کسیکه سوره انفال و برائت را بخواند من شفیع او خواهم بود در روز قیامت شهادت می دهم که او بریست از نفاق و خدای تعالی می دهد باو اجر و ثواب بعدد هر مرد منافق و زن منافقه که در دار دنیا اند ده حسنه و محو می کند از او ده سیئه

باب ۳۲ ثواب سوره‌های برائه و هود و یوسف

و بلند میگرداند ده درجه و عرش و حاملان عرش در ایام حیات او در دنیا بر او صلوات فرستند و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه سوره انفال و برائه را بخواند در هر ماهی هرگز نفاق باو راه نیابد و از شیعه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام باشد و در روز قیامت با شیعیان آنحضرت از مایده‌های بهشت بخورد تا آنکه خدای تعالی از حساب فارغ شود سوره برائه فضل او در سوره انفال گذشت از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که در اول برائه بسمله نازل نشده است زیرا که بسمله از برای امانست و این سوره از برای رفع امان نازل شده است سوره یونس از حضرت پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند بعدد هر کس که تصدیق کرده است بنبوت یونس را و تکذیب او کرده است و بعدد هر کسیکه با فرعون غرق شده است ده حسنه باو دهند و از حضرت صادق ع مرویست که هر کس که در هر ماه این سوره را بخواند از جاهلان نخواهد بود و در روز قیامت از مقربان خواهد بود سوره هود از حضرت پیغمبر ص مرویست که هر کس این سوره را بخواند بعدد هر کس که تصدیق کرده است نوح را ع و بعدد هر کسیکه تکذیب او کرده و بعدد هر کسیکه هود و صالح و شعیب و لوط و ابرهیم و موسی را تصدیق کرده اند ده حسنه باو دهند و در روز قیامت از جمله سعدا خواهد بود و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست کسیکه در هر جمعه این سوره را بخواند در روز قیامت از جمله سعدای انبیا محشور می‌شود و در زمره ایشان مبعوث می‌شود و حساب بر ایشان آسان می‌شود و گناه او در قیامت ظاهر نمیشود سوره یوسف از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که این سوره را یاد دهید به بندگان خود زیرا که هر که این سوره را به بندگان خود یاد دهد خدای تعالی سکرات موت را بر او آسان کند و باو قوتی کرامت کند که هیچ مسلمان حسد نبرد و از حضرت صادق ع مرویست که هر کس در هر روز یا در هر شب این سوره را بخواند در روز قیامت مبعوث شود در حالتی که جمال او مثل جمال حضرت یوسف باشد و فزع

منقولست که در حال برداشتن جنازه این دعا بخوانید بسم الله و بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد واغفر للمؤمنین والمؤمنات (صادق ع) و منقولست که حضرت امام زین العابدین ع هر وقت جنازه را می‌دید می‌گفت الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم و زنان را تشییع جنازه سنت نیست و بعضی گفته اند که جنازه را ... بردن مکروه است و مجمره بردن با جنازه کراهت دارد و در روز چراغ بردن خوب نیست و اسراف است و در شب خوب است و مکروه است کسی را که بجنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل گفتن

باب ۷۱ در غسل دادن میت

احکام میت از غسل دادن و کفن نمودن و نماز کردن و دفن کردن و احکام پیش همه واجب کفائیست یعنی بر همه واجبست و اگر یکی بکند از همه ساقط میشود و اگر همه ترک کنند همه معاقب‌اند

ثواب سوره رعد و ابرهیم و نحل و بنی اسرائیل

روز قیامت باو نرسد و از برگزیدگان بندگان صالح خدا باشد سوره رعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست کسیکه این سوره را بخواند بعدد هر ابری که گذشته است و بعدد هر ابری که خواهد آمد تا روز قیامت او را اجری و ثوابی خواهد بود و از جمله جماعتی خواهد بود که وفا کرده باشد بعهد خدا تعالی و از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست کسیکه بسیار این سوره را بخواند هرگز صاعقه باو نرسد و بی حساب داخل بهشت شود و شفاعت کند جمیع آنکسانی را که می‌شناسد از اهل بیت و اقربای خود و اخوان سوره ابرهیم از پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند بعدد هر کسیکه بت پرستید و هر کسیکه بت نپرستید خدای تعالی ده حسنه باو دهد و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه سوره ابرهیم را و سوره حجر را در دو رکعت نماز در روز جمعه بخواند فقر و جنون و بلا بر او راه نیابد سوره حجر از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست کسیکه این سوره را بخواند بعدد مهاجرین و انصار و بعدد جماعتی که استهزا کنندگان پیغمبر ص بوده‌اند ده حسنه باو دهند و حدیث حضرت صادق ع در خواندن این سوره و سوره ابرهیم در دو رکعت جمعه در باب خود مذکور شد سوره نحل از پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند خدای تعالی در دنیا نعمتی که باو داده است در آخرت حساب نطلبد و اگر در آن روز و در آن شب بمیرد ثواب کسی دارد که در وقت مردن وصیت را خوب بجا آورده باشد و از حضرت امام محمد باقر ع مرویست کسیکه در هر ماه این سوره را بخواند هفتاد نوع از بلا از او دفع می‌شود که سهل‌ترین آنها جنون و جذام و برص است و جای او در جنات عدن یعنی در وسط بهشت سوره بنی اسرائیل از حضرت پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند و نزد ذکر والدین رقت قلبی بهم رساند خدای تعالی دو قنطار از اجر باو کرامت کند و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه در هر شب جمعه این سوره را بخواند نمیرد تا ادراک خدمت صاحب الامر کند و از اصحاب آنحضرت باشد سوره الکهف از حضرت پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند داخل بهشت می‌شود و

میشویند و شهید را ... و بعضی از علما آنستکه در کتب ایشان میت دارد در بدن معنی تعلق بوارث میت دارد زیرا که هیچ تمتع از زوجه او و دیگری متوجه او نمی‌شود و از زنان شد و مردان و ورثه او اولی‌اند از دیگران و اولی و شوهر اولی است از دیگران بغسل دادن آنستکه بغیر ورثه خود غسل ندهند و غسل و نماز و سایر احکام میت واجبست برای میت شیعه اثنی عشری و در سنی و سایر فرق مخالف خلاف است و ظاهر واجب نبودن است مگر در حال تقیه و شهید که در جهاد با امام زمان کشته شده باشد و در معرکه مرده باشد او را غسل نمیدهند و کفن نمیکنند بلکه نماز میکنند و دفن با جامه‌هائی که پوشیده است میکنند و بعضی گفته اند که در ... میت که کشته شود چنین است و خالی از قوتی نیست و مشهور میان اصحاب آنستکه اگر از میت عضوی یافته شود که در آن استخوان باشد میشویند و کفن میکنند و دفن میکنند و بعضی گفته اند کفن

باب ثواب سوره کهف و مریم و طه

وکسیکه روز جمعه این سوره را بخواند گناهان او را تا جمعه دیگر و سه روز دیگر خدای تعالی می امرزد و نوری باو ارزانی میدارد که باسمان میرسد و او را از فتنه دجال نگاه میدارد وچون این سوره نازل شد هفتاد هزار ملک مشایعت او کردند و بزرگی این سوره ما بین اسمان و زمین را پر کرده بود و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه هر شب جمعه این سوره را بخواند نمیرد مگر شهید و خدای تعالی او را از زمره شهدا برانگیزاند و در موقف شهدا بایستد سوره مریم از پیغمبر ص مرویست که کسیکه این سوره را بخواند خدای تعالی بعدد هر کسیکه تصدیق زکریا و تکذیب او و یحیی و مریم و عیسی و موسی و هرون و ابرهیم و اسحق و یعقوب و اسمعیل ع را کرده است ده حسنه باو کرامت کند و بعدد هر کسیکه برای خدا که غیر از او خدائی نیست ولد گمان کرده است حسنه میدهد و از حضرت پیغمبر ص مرویست که ده ایه از اول کهف حفظ کند چون ادراک دجال کند دجال باو ضرر نتواند رسانید و کسیکه خواتیم این سوره را حفظ کند در روز قیامت خدای تعالی نوری باو کرامت کند و کسیکه این سوره را روز جمعه بخواند از فتنه دجال و از فتنه که در دنیاست نگاه داشته شود تا شش روز و کسیکه از اخر این سوره و کسی که از اخر این سوره از قل لو کان البحر تا اخر سوره بخواند وقتی که بجامه خواب رود در جامه خواب او نوری بهم رسد که درخشان باشد تا کعبه و در میان ان نور ملکی چند باشند که براو صلوات فرستند تا وقتی که از جامه خواب برخیزد و اگر این سوره را در مکه بخواند نور او درخشان شود تا بیت المعمور و در میان ان نور ملائکه باشند که براو صلوات فرستند تا ابد الابد شود و از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره از دنیا نرود تا که باو برسد چیزیکه اعانت او کند در نفس و مال و ولد او و در اخرت از اصحاب عیسی باشد و در اخرت ملک سلیمان بن داود باو ارزانی دارند سوره طه از پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند ثواب مهاجرین و انصار باو داده میشود و اهل بهشت از قران کریم غیر از سوره یس و طه

در اینجا واجب دانسته اند و اگر بعضی باشد که دل در ان باشد نماز هم می باید کرد و احوط انستکه اگر سینه را تنها یابند باز چنین کنند و همچنین اگر جمیع استخوانهای میت را بیابند و عضوی که بی استخوان باشد مشهور انستکه در لته می پیچند و دفن میکنند و بعضی لته پیچیدن را واجب ندانسته اند و بچه از شکم ساقط شود هرگاه که چهار ماه زیاده داشته باشد غسل میدهند وکفن میکنند و هرگاه چهار ماه تمام نداشته باشد مشهور انستکه در لته می پیچند و دفن میکنند و در روایتی در لته پیچیدن مذکور نیست و بعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار کرده اند در غسل وکفن نه چهار ماه را و این احوط است و اگر عضو استخوان دار را از زنده برید باشند احوط انستکه غسل و کفن و دفن بکنند اگرچه اظهر عدم وجوب است و اگر طفلی در شکم

در ثواب سوره انبیا و حج و نور و مؤمن

نخواهند خواند و این دو سوره را خداوند عالم دو هزار سال قبل از خلقت ادم ع خلق کرده است و از حضرت صادق ع مرویست که فرمود ترک مکنید قرائت این سوره را که خدای تعالی دوست میدارد این سوره و قاری این سوره را و کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره روز قیامت کتاب او را بدست راست او دهند و انچه در اسلام کرده است از او حساب نطلبند و چندان ثواب باو دهند که راضی شود سوره انبیا از پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند خدای تعالی حساب او را اسان کند و هر پیغمبر که در قران مذکور است بر او سلام کند و با او مصافحه کند و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه این سوره را بواسطه دوستی انبیا خواند از رفقای ایشان محسوب خواهد بود در بهشت و در دنیا در نظر مردم با هیبت خواهد بود سوره الحج از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را در هر سه روز یکبار بخواند هنوز سال تمام نشده باشد که حج بیت الله الحرام نصیب او شود و اگر در ان سفر بمیرد داخل بهشت شود سوره المؤمن از حضرت پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند ملائکه او را بشارت دهند بروح و ریحان جنت که چشم او روشن شود نزد نزول ملک الموت و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه در هر جمعه این سوره را بخواند خاتمه عمر او بسعادت و منزل او در فردوس اعلی با انبیا و مرسلین باشد سوره نور از پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند داده میشود از اجر بعدد هر مرد مؤمن و زن مؤمنه که گذشته اند و خواهند امد ده حسنه و نیز از انحضرت ص مرویست که فرمود زنان خود را در غرفها منشانید و سوره یوسف بایشان میاموزید بلکه سوره نور تعلیم کنید ایشان را سوره الفرقان از حضرت پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند در روز قیامت مبعوث شود در حالتیکه ایمان اورده باشد بروز قیامت و باینکه خدای تعالی مرده را زنده میگرداند و بی حساب داخل بهشت شود و از حضرت کاظم ع مرویست کسیکه هر شب این سوره را بخواند خدای تعالی هرگز او را عذاب و حساب نکند

مادر بمیرد باید که در شکم مادر زنده باشد و مادر زنده بماند و او را بیرون نتوانند اورد دست بیرون میاورند پاره پاره میکنند و بیرون میاورند و اگر مادر بمیرد و طفل زنده باشد شکم او را از جانب چپ بشکافند و طفل را بیرون اورند و بهتر انستکه شکمش را بدوزند و واجب است که مرد را مرد غسل دهد و زن را زن و شوهر که بقول اشهر در چند موضع اول زن و شوهر که هر یک دیگری را غسل میتوانند داد و احوط انستکه از زیر جامه غسل دهند و نظر بعورت نکنند و بهتر انستکه بدون ضرورت غسل ندهند خصوصا مرد زن را دوم جایز است که اقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه زن کسی نباید عده کسی نبوده باشد و در غسل دادن کنیز اقا را خلاف است سیم جایز است که غسل دهد اجنبی دختر سه ساله را برهنه و بعضی پنج ساله پسر سه ساله را برهنه و بعضی پنج سال نیز تجویز کرده اند چهارم هرگاه مردی فوت شود و مردی نباشد که او را غسل دهد الله محرم

باب ۳۲
ثواب سوره شعرا و نمل و قصص و عنکبوت و روم

و منزل او در فردوس اعلی باشد سورة الشعراء از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست کسیکه در هر
شب جمعه طواسین ثلث را بخواند از جمله اولیا خدا خواهد بود و در جوار و حفظ خدای تعالی
خواهد بود و در دنیا مصیبتی باو نخواهد رسید هرگز و در آخرت از بهشت چندان باو
دهند که او راضی شود و خدای تعالی در بهشت صد حور باو تزویج کند سورة النمل از پیغمبر
مرویست کسیکه این سوره را قرائت کند مر او راست از اجر ده حسنه بعدد کسانی که تصدیق
و تکذیب کرده اند سلیمان و هود و صالح و شعیب و ابرهیم ع و چون از قبر بیرون آید ندا کند
که لا اله الا الله و از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه طواسین ثلث را بخواند و آن حدیث را
که در شعرا گذشت بیان فرمود سورة القصص از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند
مر او راست از اجر ده حسنه بعدد کسیکه تصدیق و تکذیب حضرت موسی ع کرده است و هر ملکی که
در آسمان و زمین است روز قیامت گواهی میدهند که او صادق است در قول خود که میگوید
کل شیء هالک الا وجهه سورة العنکبوت از حضرت پیغمبر ص مرویست که فرمود کسی که این سوره را
بخواند مر او راست از اجر ده حسنه بعدد هر مؤمن و منافقی و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه
سوره روم و عنکبوت را در شب بیست و سیم ماه رمضان بخواند بخدا قسم که از اهل بهشت خواهد
بود و در این قسم خود اصلا کسی را استثنا نمی کنم و نمی ترسم که خدای تعالی در این قسم بر من
گناهی بنویسد و بدرستی که این سوره را نزد خدای تعالی منزلتی بزرگی هست سورة الروم
از پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند مر او راست از اجر ده حسنه بعدد هر ملکی که خدای تعالی را
تسبیح می کند در میان آسمان و زمین و درک می کند آنچه را که ضایع کرده است در روز
و شب از اعمال حسنه سورة لقمان از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره بخواند در روز قیامت
لقمان رفیق او خواهد بود و مر او راست از اجر ده حسنه بعدد هر کسیکه امر کرده است بمعروف
و نهی کرده از منکر و از امام محمد باقر ع مرویست کسیکه این سوره را بخواند در شب خدای تعالی موکل می

اورا غسل می تواند داد از زیر جامه و همچنین است
هرگاه زن فوت شده باشد و ظاهر
در حال اختیار نیز محارم یکدیگر را می
توانند غسل داد و اما احوط آنست که تا ممکن
باشد زن زن را و مرد مرد را و اما
کیفیت غسل بهتر آنست که پیش از غسل
کفن را مهیا کند و آن حجره را و بعد
از آن سر تا سر و بعد از آن پیراهن را
پهن کند و نصف بالای پیراهن را بر
گرداند و لنگ را و بعد از آن ران
پیچ را بجای خود پهن کند پس متوجه غسل
غسل شود و اگر میسر باشد که میت را
در وقت غسل بر روی تخت یا تخته
بخوابانند بهتر است و مستحب است که
در وقت غسل پای میت بسوی قبله
باشد بطریق حال احتضار و بعضی
واجب دانسته اند و در سایر احوال
باید چنین باشد مگر در حال نماز
و حال دفن و باید رختهایش را بکند
و اگر خواهد با پیراهن غسل دهد
و اگر خواهد لنگ ببندد و پیراهن را
بکند و برهنه

ثواب سوره احزاب و سبا و فاطر و یس

سازد باو سی ملک را که او را نگاه دارند از شر شیطان و لشکر او تا آنکه صبح شود سوره سجده از
حضرت پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را با سوره ملک بخواند ثواب کسی دارد که شب قدر را
زنده داشته باشد و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را در شب جمعه بخواند
خدای تعالی روز قیامت کتاب او را بدست او می دهد و آنچه بر او واقع شده است بر او حساب
نمی کند و از رفقای محمد و اهل بیت او علیهم السلام خواهد بود سورة الاحزاب از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست کسیکه این سوره را بخواند و باهل خود و بندهای خود تعلیم کند
خدای تعالی او را از عذاب قبر امان دهد و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را
بسیار بخواند در جوار حضرت پیغمبر ص و ازواج او خواهد بود در روز قیامت سوره سبا از حضرت
پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند هیچ ملک و نبی و رسول نباشد مگر آنکه روز قیامت
با او مصافحه کند و رفیق او باشد و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه در شب این دو الحمد را بخواند
همیشه در حفظ و حمایت خدای تعالی باشد تا روز و اگر در روز بخواند تا شب باو مکروهی نرسد
و از خیر دنیا و آخرت خدای تعالی چیزی باو کرامت کند که بر دل او خطور نکرده باشد و آرزوی
او بر او نرسیده باشد سورة فاطر از پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند روز قیامت او را خوانند
از هر دریکه خواهد داخل بهشت شود و حدیث در ثواب هر دو والحمد لله گذشت سورة یس
از حضرت پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره بجهت رضای الهی بخواند خدای تعالی گناه او را می آمرزد
و دوازده برابر ثواب قرائت قرآن را باو میدهد و هر بیماریکه این سوره را نزد او بخوانند
نازل می شود بر او بعدد هر حرفی از این سوره ده ملک و نزد او صف زده می ایستند
و برای او استغفار می کنند و اگر او را مرگ رسیده باشد در وقت قبض روح او نزد او حاضر
می شوند و تشییع جنازه او می کنند و بر او نماز میگذارند و در دفن او حاضر می شوند
و هر بیماریکه در سکرات مرگ این سوره را بخوانند رضوان خازن بهشت نزد او آید و در فراش

نقص بدن او ... منتهی و قبیح
بود و وقت غسل او دهند و شهید و آنست که واجب
میت را بپوشانند و ... میت را بکنند و بشکنند
که اول از آلت نجاست ... از اطراف
که برای حرمت میت پیراهن را از اطراف
پا بیرون بکنند و اگر تنگ باشد بادزن
و در شبه بشکافند و سنت است که در زیر
سقفی یا خیمه غسل دهند که برابر آسمان
نباشد و سنت است که دو نفر باشند
غسل دهنده یکی آب بریزد و دیگری
بگرداند میت را و مستحب است که انگشتان
میت را بمالد و بملایمت کند و اگر
دشوار باشد و خوف شکستن باشد
دست بردارد و واجب است که میت را
سه غسل بدهد اول باب سدر
و بعد از آن باب کافور و بعد از آن
باب خالص و سنت است که اول دستهای
میت را تا نصف دستهای میت را
تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید بنا بر
بعضی از روایات پس عورت میت را
بشوید و احوط آنست که چون خواهد
عورت بشوید لته بر دست ببندد
که بعورت نرسد

ثواب سوره مبارکه یس

او شربتی از شراب بهشت بنوشاند پس او سیراب بمیرد و سیراب برانگیخته شود و اصلا او را احتیاج
نشود بحوضی از حوضهای انبیاء تا داخل بهشت شود در حالتی که سیراب باشد و کسی که
این سوره را در شب پیش از آنکه بخوابد بخواند خدای تعالی هزار ملک را بر او موکل سازد
که او را محافظت کنند از هر شیطان رانده شده و از هر آفتی و اگر در آن روز بمیرد خدای تعالی
او را داخل بهشت گرداند و هزار ملک در وقت غسل او حاضر شوند و از برای او استغفار
کنند و تشییع جنازه او کنند تا قبر و چون او را داخل قبر گردانند و در لحد گذارند آن
ملائکه در اندرون قبر او خدای تعالی را عبادت کنند و ثواب عبادت ایشان از او است و تا
چشم کار کند قبر او را از برای او فراخ سازند و از فشار قبر ایمن باشد و همیشه در قبر او نوری
ساطع باشد تا آسمان تا وقتی که از قبر بیرون آید همیشه آن ملائکه با او باشند و مشایعت
او کنند و در روی او خنده کنند و او را بشارت دهند بجمیع خیرات تا آنکه او را از صراط بگذرانند
و از میزان خلاص گردانند و او را در جائی قرار دهند که غیر از ملائکه مقربین و انبیاء مرسلین
کسی از او نزدیکتر نباشد بخدای تعالی و با انبیا باشد نزد خدای تعالی بی بیم و جزع و بعد
از آن خدای تعالی با او گوید که شفاعت کن نزد من که شفاعت ترا قبول می کنم در حق جمیع کسانی که
تو شفاعت ایشان کنی و سؤال کن از من آنچه از من سؤال کنی بتو دهم و از گناهان او هیچ چیز بر او
ننویسند و کتاب او را بدست راست او دهند و همه مردم گویند که سبحان الله این بنده را یک
گناه نیست و از رفقاء محمد خواهد بود و حضرت صادق فرمود که پیغمبر را در قرآن پنج اسم است
محمد و احمد و عبد الله و یس و ن و این روایت ملخص خبریست که شیخ طبرسی در مجمع البیان
ذکر کرده است و از حضرت صادق مرویست که هر چیزی را قلبی هست و قلب قرآن یس است
پس هر که این سوره را در روز بخواند تا شب از جمله محفوظین و مرزوقین باشد و اگر در
شب بخواند تا صبح از جمله محفوظین و مرزوقین خواهد بود و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله

در کیفیت غسل میت

و اگر بدست جنب بشوید بهتر است که اول عورت
میت را بکهنه بپوشاند و باشنان و سدر
بشوید و آب بسیار بریزد تا خوب
پاک شود پس دست بر بالای شکمش
بگذارد و بنرمی و همواری پائین
کشد که اگر فضله باشد بیرون آید
و اگر چیزی بیرون آید تطهیر کند
و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن
فرزند باشد دست بر شکمش نکشد
و علما گفته اند که سنت است که سر و ریش
پیش از غسل بکف سدر بشوید پس
سنت است که دستهای خود را تا
مرفق بشوید یعنی آنکسیکه دست
بر میت میگذارد پس وضو دهد
میت را بر وضوی زندگان
باب خالص و بعضی واجب دانسته اند
و نیت کند که وضو میدهم این میت را
قربة الی الله پس رو و دستهایش را
بشوید و سر و پاهایش را مسح کند
پس ابتدا کند بغسل و احوط آنست که
آب بریزند و کر دانند اگر دو کس
باشند هر دو نیت

ثواب سوره والصافات و ص و زمر

مرویست که کسیکه داخل مقبره شود و این سوره را بخواند تخفیف شود در عذاب اهل آن مقبره و از
برای قاری این سوره بعدد اموات که در آن مقبره است ثواب نویسند و رفع شود
از او بلای دنیا و عذاب آخرت و این سوره را دافعه گویند زیرا که دفع می کند از صاحب
خود جمیع شرور را و او را قاضیه نیز گویند زیرا که جمیع حاجات خواننده آن روا می شود و کسی
که این سوره بخواند برابری می کند با هزار دینار که در راه خدا تصدق کرده باشد و کسیکه این
سوره را بنویسد و بشوید و آب آن را بخورد هزار دوا و هزار یقین و هزار رحمت و هزار
برکت داخل می شود و برود از او هزار درد و علتی که دارد سوره الصافات از حضرت صادق
مرویست که هر که این سوره بخواند داده می شود از اجر بعدد هر جن و شیطانی ده حسنه و مرده
شیاطین از او دور می شوند و از شرک بری می شود و دو فرشته که حافظ اویند روز
قیامت شهادت میدهند که او بمرسلین ایمان دارد و از حضرت صادق مرویست کسیکه
در هر شب جمعه این سوره بخواند همیشه از جمیع آفات محفوظ است و جمیع آفات و بلیات از او
مدفوع است و در دنیا مرزوق است با وسعت رزق و از شیطان رجیم و از جبار عنید بمال
و بدن و ولد او بدی نرسد و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد خدای تعالی او را شهید بمیراند
و شهید برانگیزاند و او را با شهدا داخل بهشت گرداند و در روایت وارد است که قاری آن
شرف و جاه و عزت یابد در دنیا و آخرت سوره ص از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را
بخواند داده می شود از ثواب بوزن هر کوهی که خدای تعالی از برای داود مسخر کرده است
و نگاه میدارد او را از اصرار کردن بر گناه صغیره و کبیره و از حضرت باقر مرویست که کسیکه
این سوره را بخواند در شب جمعه داده می شود از خیر دنیا و آخرت آنچه بکسی داده نشده است
بیکی از مردم مگر پیغمبر مرسل یا ملک مقرب و خدای تعالی داخل بهشت گرداند او را و هر کس را
که او دوست میدارد از اهل خود حتی خادم خود سوره الزمر از پیغمبر مرویست که کسیکه

کنند و بقرائت
سر باید از قبل بکنند
نیت میت و قراح نیز نیت
با آب سدر کافور و
و از برای غسل اول نیت می کنند
جدا کنند پس اول میت را بآب سدر
که این میت را غسل میدهم واجب است از
جهت آنکه واجب است
و کافور و قراح
برای رضای خدا قربة الی الله
میت را باب سدر میشویند و خو
آنستکه اول بجانب راست
و بعد از آن بجانب چپ
سه مرتبه بشوید
سر او و هر جانب را سه مرتبه بشوید
پس میت را بر پهلوی چپ بخواباند و
جانب راست را بشوید و سنت است که
سه مرتبه بشوید پس بر پهلوی راست بخواباند
میت نیز دست قطع نکند تا بپا برساند
و آنکه میت را میگرداند در هنگام
آب ریختن دست بر پشت و شکم بمالد
بهم وارد که آب خوب برسد بهتر
آنستکه دست میت از پهلو جدا کند
تا آنکه آب بزیر آن برسد و چنان
کند که آب بزیر ران برسد و چنان
کند که آب بزیر لنگ و عورتین و
ران و سایر

ثواب سوره دخان و جاثیه و احقاف و محمد ص

ایشان فرموده است یا عبادی لا خوف علیکم و لا انتم تحزنون ادخلوا الجنة بغیر حساب و از امام محمد باقر ع مرویست که هر که مداومت کند بر قرائت این سوره خدای تعالی او را ایمن میگرداند در قبر از حشرات الارض و از ضغطه قبر تا آنکه پیش خدای تعالی بایستد و این سوره داخل می گرداند قاری خود را در بهشت سورة الدخان از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر که این سوره را در شب جمعه بخواند خدای تعالی او را بیامرزد و بعدد هر حرفی از آن ثواب آزاد کردن صد هزار بنده میدهد و هفتاد هزار ملک از برای او استغفار می کنند و کسی که این سوره را در شب جمعه و روز جمعه بخواند بنا می کند خدای تعالی از برای او خانه در بهشت و از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که کسیکه این سوره را در نماز واجب و نافله بخواند حق تعالی او را از جمله ایمنان مبعوث میگرداند و او را روز قیامت در زیر سایه عرش خود جا میدهد و حساب او را آسان میکند و کتاب او را روز قیامت بدست راست او میدهد سورة الجاثیه از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی عورت او را بپوشد و در وقت حساب ترس او را برطرف می سازد و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه این سوره را بخواند هرگز آتش دوزخ نه بیند و رفیق حضرت پیغمبر ص باشد سورة الاحقاف از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره بخواند عطا کرده می شود بعدد هر ریگی که در دنیاست ده حسنه و از حضرت صادق ع مرویست که هر که در شب یا روز جمعه این سوره را بخواند خدای تعالی ترس را از او برمیدارد در دنیا و او را از فزع آخرت ایمن میسازد سورة محمد صلی الله علیه و آله از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند خدا تعالی از انهار بهشت باو آب دهد و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه این سوره را بخواند هرگز در دین او شک داخل نشود و همیشه از شرک و کفر محفوظ باشد تا وقت مرگ و چون بمیرد خدای تعالی هزار ملک را موکل سازد که در قبر او نماز کنند و ثواب نماز ایشان از او باشد و تشییع او کنند تا آنکه او را باز دارند در موقف ایمن و همیشه

ریزه ریزه میکنند
ریزه ریزه میکنند و غسل دهند
و داخل آب میکنند تا فوق میشویید و
دستهای خود را تا نصف ذراع
بهتر آنستکه دست میت و فرج او را
سه مرتبه باب کافور بشویید و دستها
سه مرتبه بشویید بهمان نحو که گذشت یاد شد
بر دست پیچید و دست بر شکم میت بکشد
بهم واری و بهتر آنستکه دست بر شکم
میکشد سر میت را بلند کند که
فضلات از آن طرف بیرون نرود دلیر
احتیاطا ابریزنده هر دو نیت کنند
که این میت را غسل میدهیم باب
کافور از برای آنکه واجبست از برای
رضای خدا پس سر را بشویید و سنتست
که سه مرتبه بشویید و در هر مرتبه ابتدا
بجانب راست سر کنند و گردانند تمام
وادی دستی الله پس جانب راست را
سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بشوید
در غسل سدر مذکور شد بشویید
پس میت را بر پشت بخواباند و بان
دست خود را تا مرفقین بشوید و
ظرفها را خوب بشوید که اثر سدر
کافور در آنها

ثواب سوره مؤمن و سجده و شوری و زخرف

این سوره را بخواند خدای تعالی امید او را قطع نکند و باو ثواب خائفین کرامت کند و از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه این سوره را بخواند خداوند عالم شرف دنیا و آخرت باو می دهد و او را بی مال و عشیرت عزیز میگرداند بمرتبه که اگر کسی او را ببیند از او بترسد و جسد او را بر آتش دوزخ حرام کند و بنا کند در بهشت از برای او هزار مدینه که در هر مدینه هزار قصر باشد و در هر قصری صد هزار حور باشد و دو چشمه جاریه و دو چشمه نضاخه و دو جنت دیگر باو کرامت کند سورة المؤمن از پیغمبر ص مرویست که کسی که این سوره را بخواند روح جمیع انبیاء و مرسلین بر او صلوات میفرستند و از برای او استغفار می کنند و از حضرت باقر ع مرویست که کسی که این سوره را در هر سه روز یکبار بخواند خدای تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و کلمه تقوی را ملازم او گرداند و آخرت او را بهتر از دنیای او گرداند سوره سجده از پیغمبر ص مرویست که کسیکه سوره را بخواند خدای تعالی بعدد هر حرفی از این سوره ده حسنه باو میدهد و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را بخواند این سوره نوری خواهد بود واو در دنیا زندگانی خواهد کرد محمود و مغبوط سورة الشوری از پیغمبر ص مرویست که کسیکه این سوره را بخواند از جمله کسانی خواهد بود که ملائکه بر ایشان صلوات میفرستند و استغفار می کنند و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را بخواند در قیامت مبعوث می شود در حالتی که روی او چون ماه شب چهارده باشد و داخل بهشت می شود و او را قصری در بهشت خواهد بود از یاقوت سرخ و درها و کنگره ها و درج آن قصر نیز از یاقوت سرخ است باطن او از ظاهر او می نماید و ظاهر او از باطن او مینماید و در آن قصر او را است دو حور العین و هزار کنیز و هزار غلام از ولدان مخلد که خداوند عالم در کتاب خود آنها را وصف فرموده سورة الزخرف از حضرت پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند از جماعتی خواهد بود که خدای تعالی در حق

اعضا را خوب بر سر ایشان
و بر پهلوی راست میت را بگردانند
چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه
مرتبه بشوید و در آب سدر مستحب
کافیست و مشهور آنستکه حدی
ندارد و بعضی گفته اند که باید هفت
برگ سدر باشد و بعضی یک
رطل و بعضی رطل و نیم گفته اند
که نزدیک بیست و پنج درم و زیاده
بوده باشد و گویا این زیادتیها
برای شستن فرج و سایر اعضا
پیش از غسل بوده باشد و احوط
آنستکه در این غسل آنقدر
داخل نکنند که مضاف شود و
آبش نگویند و بعضی روایات
در شستن هر دو جانب شستن
نصف سر نیز وارد شده است
و شاید که بد نباشد اگرچه خلاف
مشهور است پس میت را بر
پشت میخواباند و ظرفها را میشوید
که اثر سدر از آنها برطرف شود
و آنقدر کافور

ثواب سوره فتح و حجرات و ق و طور

در امان خدای تعالی باشد و در امان پیغمبر صلعم باشد و کسی که خواهد حال ما و حال اعداء
ما را داند باید که سوره محمد را بخواند پس بدرستی خدای تعالی نماید با و اثر در ما و ابه
در اعدای ما سُورَةُ الفَتح از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر که این سوره را
بخواند چنانست که با پیغمبر صلعم در فتح شهید شده باشد و در قیامت با جماعتی خواهد بود
که در تحت شجره به پیغمبر صلعم بیعت کردند و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرمود اموال و زنان
و بندگان خود را از تلف نگاه دارید باین سوره و کسیکه بر قرائت این سوره مداومت
کند منادی ندا کند او را و گوید که تو از بندگان مخلص مائی ای ملائکه من او را ملحق سازید
بصالحان و او را ساکن سازید در جنات نعیم و از رحیق بهشت باو دهید سُورَةُ الحُجُرات
از پیغمبر صلعم مرویست که هر که این سوره را بخواند داده می شود از اجر بعدد آنکسانی که اطاعت
و عصیان خدا کرده اند ده حسنه و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که در هر شب یا هر روز
این سوره را بخواند از زوار پیغمبر صلعم خواهد بود سوره ق از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که هر که
این سوره را بخواند خدای تعالی سکرات مرگ برا او آسان کند و از حضرت باقر علیه السلام مرویست که
هر که مداومت کند بر قرائت این سوره در فرایض و نوافل خود خدای تعالی رزق او را
واسع گرداند و عطا کند کتاب او را بدست راست او و حساب او را آسان کند سُورَةُ الذّاریات
از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که هر که قرائت کند این سوره را داده میشود بعدد هر بادی که
می وزد و جاری میشود در دنیا ده حسنه و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که این سوره را
بخواند خدای تعالی اصلاح معیشت او می کند و رزق بسیاری از نزد خود باو کرامت کند و در قبر او
نوری خلق می کند که تا روز قیامت مثل چراغ می درخشد سُورَةُ الطّور از پیغمبر صلعم مرویست که هر که
این سوره را بخواند بر خدای تعالی واجب می شود که او را از عذاب قبر خود ایمن گرداند و در بهشت خود
باو نعمت کرامت کند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی از برای او

نماند
و اگر میسر شود بکر برای ابتدا قراح
میت کنند بهتر است و احوط آنست که
آب غسل قراح را از حوضی که اثر سکر
ریکانوید و آن دیختم شده است بر
ندارد و از این برداردکه انها مطلق
داخل نشده باشد پس دستهای میت را
تا نصف ذراع سه مرتبه بآب خالص
بشوید و استنجا باو و فرج میت را
نیز بآب خالص سه مرتبه بشویند
و اگر در این وقت نیز باد دیگر میت را
وضو دهند شاید بهتر باشد پس احتیاطا
نیت کند که غسل میدهم این میت را
بآب قراح از جهة آنکه واجبست قربة الی
الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست را
سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بشوید
که یک مرتبه واجبست و دو مرتبه سنت
و بعضی آنست که گردانند غسال دو ثلث
ابرو نحیث دستی بکشند بر بدن میت و
پیش از این غسل و در اثنای غسل
دست بر شکم میت سریع کشند و چون از
هر سه غسل فارغ شود اگر خوف خروج
نجاستی بوده

ثواب سوره قمر و رحمن و واقعه

جمع می کند خیر دنیا و آخرت را سُورَةُ النّجم از پیغمبر صلعم مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی بعدد
هر کسیکه تصدیق کرده است پیغمبر را و بعدد هر کس که تکذیب او کرده است ده حسنه باو میدهد
و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که در هر روز یا در هر شب مداومت کند بر خواندن این سوره میان مردم
زندگانی می کند در حالتی که ستوده باشد سُورَةُ القَمَر از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست
که هر که مداومت کند بقرائت این سوره یکروز نه یکروز در قیامت مبعوث میشود در حالتی که
روی او مثل ماه شب چهارده باشد و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که این سوره را بخواند
خدای تعالی او را از قبر بیرون میآورد در حالتی که او را بر ناقه از ناقه های بهشت سوار کرده
باشد سُورَةُ الرّحمن از پیغمبر صلعم مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی رحم می کند ضعف او را
و شکر نعمتهای الهی را ادا کرده است و نیز از آنحضرت مرویست که هر چیزی را عروسی هست و
عروس قرآن الرحمن است و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که بر قرائت این سوره مداومت
کند خدای تعالی در قیامت روی او را سفید گرداند و شفاعت او را قبول می کند در حق هر کسی که
او خواهد و کسیکه این سوره را در شب بخواند و هر وقت که بآیه فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ
برسد بگوید لا بِشَيءٍ مِنْ آلائِكَ رَبِّ اُكَذِّبُ خدای تعالی موکل میسازد باو ملکی را که
او را حفظ می کند تا آنکه صبح شود و اگر در صبح بخواند باین روش خدای تعالی ملکی را موکل کند
که او را حفظ کند تا شب شود سُورَةُ الواقِعة از پیغمبر صلعم مرویست که هر که این سوره را بخواند
او را از جمله غافلان نمی نویسند و نیز از آنحضرت مرویست که هر که این سوره را هر شب بخواند
هرگز باو فقر نرسد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که این سوره را در شب پیش از آنکه بخوابد
بخواند روز قیامت ملاقات کند خدای تعالی را در حالتی روی او مثل شب چهارده می باشد
و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که این سوره را در هر شب جمعه بخواند خدای تعالی او را دوست
بدارد و مردم را دوست او کرداند و هرگز در دنیا فقر و فاقه و آفتی از آفات دنیا باو نمی رسد و

در آداب غاسل

بوده باشد قدری
پنبه در دبر میت داخل کنند و هم
پنبه در درد فقها و بینی او قدری پنبه داخل
حنین در درد بیرون آمدن خون
کنند اگر خوف بیرون آمدن است
یا نجاستی بوده باشد پس سنت است
که بعد از آن لنگی را بجامه خشک کنند و بعد از آن
او را بر روی جامه های کفن بگذارد و سنت است
که هر مرتبه که میت را از جانبی بجانبی
گرداند این دعا را بخواند اَللّهُمَّ اِنَّ
هذا بَدَنُ عَبدِکَ المُؤمِنِ وَقَد اُخرِجَ
رُوحُهُ مِنهُ وَفُرِّقَ بَینَهُما فَعَفوَکَ
عَفوَکَ پس اگر زن باشد بگوید اَللّهُمَّ
اِنَّ هذا بَدَنُ اَمَتِکَ المُؤمِنَةِ و اگر
روحها بگوید بهتر است و در سایر احوال
غسل مکرر بگوید رَبِّ عَفوَکَ عَفوَکَ
تا احدا او را بیازرد و سنت است که
هر چه از عیوب میت بر او ظاهر شود
بکسی نقل نکند تا آخر نعم کاملا او را بیامرزد
چنانچه از مادر متولد شده و مستحب است که
غسل دهنده از جانب راست بایستد و
کودالی در برابر قبله بکنند و تخته
سر از بر باشد که آب غسل در آن گودال
مکروه است

ثواب سورهٔ مجادله و حشر و ممتحنه

ودر زاخرت از رفقای امیرالمؤمنین ع خواهد بود سورة الحدید از پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند در زمره جماعتی نوشته می شود که ایمان آورده اند بخدا و پیغمبران او و از حضرت امام محمد باقر ع مرویست کسیکه این سوره ها مسبحات را قبل از آنکه بخوابد بخواند درک حضرت صاحب الزمان کند و اگر بمیرد در جوار پیغمبر باشد سورة المجادله در خبر است کسیکه این سوره را بخواند روز قیامت او را از جمله رستکاران نویسند و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را و سوره حدید را در نماز واجبی بخواند و بران مداومت کند خدای تعالی هرگز او را عذاب نکند و در نفس او و اهل او بدی نه بیند سورة الحشر از پیغمبر صلعم مرویست که هر که این سوره را بخواند صلوات بر او فرستد و استغفار کند از برای او بهشت و دوزخ و عرش و کرسی و آسمانها و زمینها و آنچه در میان آسمانها و زمینهاست و سباع و هوام و بادها و بارانها و اشجار و دواب و آفتاب و ماه و ملائکه و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد شهید بمیرد و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه سوره حشر و الرحمن را در وقت شب بخواند خدای تعالی موکل میسازد بخانه او ملکی را که آن ملک شمشیر خود را کشیده خانه او را نگاه میدارد تا آنکه صبح شود سورة الممتحنه از حضرت پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند جمیع مؤمنین و مؤمنات شفیع او خواهند بود در روز قیامت و از حضرت امام زین العابدین ع مرویست که هر که این سوره را در فرایض و نوافل خود بخواند خدای تعالی امتحان کند دل او را از برای ایمان و نورانی گرداند چشم او را و هرگز باو و اولاد او فقر و جنون نرسد سورة الصف از حضرت پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند تا در دنیاست حضرت عیسی ع بر او صلوات فرستد و از برای او استغفار کند و در روز قیامت رفیق حضرت عیسی باشد و از حضرت باقر ع مرویست کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره در فرایض و نوافل خدای تعالی در قیامت او را در صف ملائکه و انبیاء مرسلین جای دهد سورة الجمعه از پیغمبر ص مرویست کسیکه

بجائی که در آن بول و غایط کنند که آب غسل را بریزند و اگر چاله باشد که کثافات خانه در آن ریزند قصور ندارد و مکروه است میت را بآب گرم غسل دادن مگر در حال ضرورت و مکروه است که میت را در میان پاهای خود بگیرد و ایضا مکروه است که ناخن میت یا موی او را بگیرد یا شانه کند و اگر بگیرد ناخن یا موی یا مو میت در اثنای غسل جدا شود باید در میان کفن گذارد و با میت دفن کنند حتی منقولست که دندانی از حضرت باقر ع کنده شد بحضرت صادق ع داد و فرمود که با من دفن کن در قبر و اگر سدر و کافور بهم نرسد یکمرتبه باب قراح غسل دهند و احوط آنستکه سه مرتبه غسل دهند و اگر پیش از دفن بهم رسد احوط آنستکه مرتبه دیگر از سر غسل دهند و اگر آب بهم نرسد یا میت را نتوان غسل داد که خوف آن باشد که بدن میت از هم پاشد تیمم دهند اورا

ثواب سورهٔ منافقین و تغابن و طلاق و تحریم

این سوره را بخواند بعدد کسانیکه در شهرها ایشان بنماز جمعه کرده اند و آنکسانیکه نماز جمعه را بجا نیاورده اند بعدد هر یک ده حسنه باو دهند و از حضرت صادق ع مرویست که فرمود واجبست بر هر مؤمنی که شیعه ماست اینکه در شب جمعه سوره جمعه و اعلی را بخواند و در ظهر جمعه سوره جمعه و منافقین بخواند پس چون چنین کند عمل پیغمبر را بجای آورده باشد و ثواب او و جزای او بهشت است سورة المنافقین از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر که این سوره را بخواند از شک و نفاق بری میشود سورة التغابن از حضرت پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را در فرایض و نوافل خود بخواند در روز قیامت این سوره شفیع او خواهد بود و شاهد عادلی خواهد بود بر خوبی قاری خود نزد کسیکه شهادة او را قبول کند و بعد از آن از قاری خود جدا نشود تا آنکه او را داخل بهشت کند سورة الطلاق از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر که این سوره بخواند بر سنت پیغمبر بمیرد و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را با سوره تحریم در نماز فریضه بخواند در روز قیامت در پناه خدا باشد از حزن و خوف و آتش دوزخ و خدای تعالی بواسطه تلاوت این دو سوره و محافظت او بر این دو سوره او را داخل بهشت گرداند سورة التحریم از پیغمبر صلعم مرویست که هر که این سوره بخواند خدای تعالی در قیامت توبه نصوح باو کرامت می کند سوره تبارک از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند مثل آنست که شب قدر را احیا کرده باشد و این سوره نگاه دارنده و نجات دهنده است صاحب خود را از عذاب قبر و از حضرت باقر ع مرویست که هر کس در هر روز و هر شب این سوره را بخواند چون در قبر نکیر و منکر از طرف پاهای او در آیند پاهای او بنکیر و منکر گویند که شما را از نزد من بر او راه نیست زیرا که او در هر روز و هر شب سوره ملک خوانده است بعد از آن نکیر و منکر از طرف جوف او آیند از آنجا نیز این حرف را شنوند پس از طرف زبان او آیند و از آنجا نیز همین کلام را شنوند و این سوره در توریه مکتوبست و کسی که این سوره را در شب بخواند

و نظام این باب و سه تیمم
تیمم میت کافیست و احوط است سه تیمم بقصد آنستکه تیمم چنین کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسلهای سدر و کافور و قراح واجب است برای رضای خدا از جهة آنکه واجبست هم و تیمم دیگر را قصد نماید که تیمم میدهم این میت را بدل از غسل کافور یا قراح واجب قربة الی الله و همچنین قراح را نیت کند دست خود را بر زمین زند و بر پیشانی میت بکشد و بعد از آن بر پشت دست راست میت بکشد و بر پشت دست چپ و اگر بدو ضرب تیمم دهد یکی برای رو و یکی برای دستها خوبست و اگر میت محرم باشد او را غسل بکافور ندهند و حنوط نکنند

باب

در کفن کردن میت است واجبات که میت را سه کفن کنند و اکثر علما گفته اند که اول ازآنها لنگ است که از ناف تا بعضی از ساق را بپوشد و بعضی گفته اند سنت است که سینه او را بپوشد

ثواب سوره تبارک و الحاقه و نوح و جن و مزمل

و مواظبت کند بر آن از جمله عاقلان نوشته شد او را و این سوره مانعست از عذاب قبر و از
حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را در نماز مکتوبه بخواند در امان خدا تعالی
است تا صبح و در آخرت در امان خدا تعالی است تا داخل بهشت شود سوره ن از حضرت
پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند عطا کرده می شود ثواب جماعتی که اخلاق
ایشان خوبست و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را در فرایض یا نوافل خود
بخواند هرگز فقر با او راه نیابد و خدا تعالی او را از ضغطهٔ قبر ایمن گرداند سوره الحاقه از پیغمبر
مرویست که هر که این سوره بخواند خدای تعالی حساب او را آسان کند و از حضرت باقر مرویست که
بسیار این سوره را تلاوت کنید در فرایض و نوافل خود زیرا که این علامت ایمان بخدا
و رسولست و سلب نمیشود ایمان قاری این سوره تا آنکه بمیرد سوره المعارج از پیغمبر صلعم
مرویست که هر که این سوره را بخواند داده می شود ثواب جماعتی که با امانتها و عهدهای خود
رعایت کننده اند و جماعتی که بر نماز خود محافظت کننده اند و از حضرت امام محمد باقر مرویست
که هر که مداومت کند بر قرائت این سوره روز قیامت از گناهی که کرده است پرسیده نمی شود
و خدا تعالی او را با محمد و آل او در بهشت خود ساکن کند سوره نوح از پیغمبر صلی الله علیه و آله
مرویست که هر که این سوره را بخواند از جملهٔ مؤمنانی خواهد بود که دعوت نوح ایشان را
ادراک کرده است و از حضرت صادق مرویست که هر که بخدا و کتاب او ایمان آورده است
قرائت این سوره را ترک نمی کند سوره الجن از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند
بخشیده می شود بعدد هر جن و شیطانی که تصدیق و تکذیب پیغمبر کرده اند ثواب
آزادی بنده و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را بخواند در ایام حیات از نسوان
و کید و چشم و زخم جن بلا باو نرسد و در قیامت با محمد و آل او علیهم السلم باشد سوره المزمل از صادق
مرویست که هر که این سوره بخواند دفع کرده می شود از او دشواری دنیا و آخرت و از حضرت صادق

دوم پیراهنست و سیم سر تا پا است که جمیع بدن را بپوشد و بعضی از علما گفته اند که پیراهن است دوم تا سر است و جایز است که بجای پیراهن یک سر تا سری دیگر بکنند که مجموع سه سر تا سری بوده باشد و این قول اظهر است و احادیث معتبره بر این دلالت دارد و احوط آنست که با اینها زنانه بکنند و با سر تا سری کافیست و باید که کفن حریر محض نباشد و احوط آنست که کفن زنان نیز حریر محض نباشد و احوط آنست که کفن از پوست نبوده باشد و بهتر آنست که از پشم و مو نیز نبوده باشد و مستحب است که از پنبهٔ سفید بوده باشد و سنتست که سر تا سری بالا از جلد و سر تا سری حبره باشد و انجام بود که از یمن میاورده اند و الان معلوم نیست و در روایتست که اگر بجای آن قطنی سفید بکنند بد نباشد و علما گفته اند سنتست که او را از جانب

ثواب مدثر و قیمه و دهر و مرسلات و نبا و نازعات

مرویست که هر که این سوره را بخواند دفع کرده می شود از او دشواری دنیا و آخرت و از حضرت صادق
مرویست کسیکه این سوره را در نماز خفتن یا در آخر شب بخواند آن شب و روز این سوره
شهادت بدهد بخوبی او و خدای تعالی او را حیات طیبه میدهد و در وقت مرگ نیز طیبه
خواهد مرد سوره المدثر از پیغمبر مرویست کسیکه این سوره را بخواند بخشیده می شود حسنه
بعدد هر کس که تصدیق و تکذیب کرده است پیغمبر را در مکه و از حضرت باقر مرویست کسیکه این
سوره را در نماز فریضه بخواند بر خدای تعالی واجبست او را با پیغمبر در درجه او جای دهد و در
دنیا هرگز او را شقاوت در نیابد سوره القیمه از پیغمبر مرویست که فرمود هر که این سوره را
بخواند در روز قیامت من و جبرئیل گواهی میدهیم که او در روز قیامت ایمان آورده و از حضرت
صادق مرویست که هر که مداومت کند به قرائت این سوره و عمل باین سوره کند خدای تعالی
برمیانگیزد این سوره را با او در قبر او بخوبترین صورتی که در روی او خندان باشد و او را
بشارت دهد تا از صراط بگذرد سوره الدهر از پیغمبر مرویست که هر که در صبح روز
پنجشنبه این سوره را بخواند خدای تعالی صد حور العین باکره باو تزویج کند و رفیق پیغمبر باشد
سوره المرسلات از حضرت پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند در دیوان عمل او نوشته شود
که او از جملهٔ مشرکان نیست و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی
میان او و پیغمبر آشنائی اندازد سوره النبا از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند حق تعالی
در قیامت آب سرد گوارا باو دهد و از حضرت صادق مرویست که هر که مداومت کند بر خواندن
این سوره در هر روز در همان سال زیارت بیت الله الحرام نصیب او شود سوره النازعات
مرویست که هر که این سوره را بخواند حساب او روز قیامت بقدر یک نماز واجبی خواهد بود
بعد از آن او را داخل بهشت سازند و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را بخواند نمیرد
مگر آنکه سیراب باشد و مبعوث نشود مگر سیراب و داخل بهشت نشود مگر سیراب سوره عبس از

چپ لفافه بر روی میت اندازند بر جانب راست و از جانب راست لفافه را بجانب چپ بعد از آن جانب و بهتر آنست که چنین کنند چپ میت و بهتر آنست که سند نشین منظر سیاه و سفید آنکه پارچه طویلی که عرض یک شبر و نیم آن خرقه طویلی که عرضش یک شبر و نیم باشد و طولش اقلا سه ذرع و نیم باشد از آن پنج بذراع و ستو پایه کنند برای آنکه میت بانکه سازند از آن اشکانند و بر روی فرج ببندند و بسیار پنبه بر آن بگذارند و اگر زن باشد پنبه میت بگذارند و اگر پنبه قدری بیشتر بگذارند شاید بد نباشد کافور بپاشند و خرقه را از میان پاها بدر و سر دیگر خرقه را در کمرش لفافه اورند و از زیر آنچه در کمرش بسته اند بیرون آورند و محکم بکشند که فرج را کرده پاها را بپوشاند و هر دو سر خرقه را که گذاشته اند فرو آورند و ران ها را با یکدیگر بهم آورند و سخت ببندند و پیچند تا زانو ها بانجامند که سخت ببندند و هر جا منتهی شود سرش را با پیچ بهم پیچیده اند فرو برند و سنتست که بر دور عمامه برای میت زیاد کنند سرش بگذارند

باب ثواب سوره تکویر و انفطار و تطفیف و انشقاق و بروج

حضرت پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند روز قیامت خندان و مستبشر باشد و از حضرت
صادق مرویست کسیکه سوره عبس و تکویر را بخواند در بهشت در ظل و کرامت خدای
باشد سوره تکویر از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی در وقتی که
صحیفه او را بگشاید او را رسوا نکند و کسیکه خواهد که در روز قیامت بسوی من نگاه
کند باید که این سوره را بخواند سوره الانفطار از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست
که هر که این سوره را بخواند نوشته می شود از برای او بعدد هر قطرات بارانی که از
آسمان نازل می شود بعدد هر قطره یک حسنه و در روز قیامت خدای تعالی کار او را
باصلاح میاورد و از حضرت صادق مرویست که هر که سوره انفطار را و انشقاق را
بخواند در نماز فریضه و نافله و این دو سوره را نصب العین خود سازد هیچ چیز میان او
و میان خدای تعالی حاجب نشود و همیشه خدای تعالی بنظر رحمت بر او نظر کند تا وقتی که مردم
از حساب فارغ شوند سوره التطفیف از پیغمبر صلی الله مرویست که هر که این سوره را بخواند
خدای تعالی در روز قیامت از رحیق مختوم باو دهد و از حضرت صادق مرویست کسیکه
در نماز فریضه مداومت کند بر قرائت این سوره خدای تعالی او را از آتش دوزخ و از هول
حساب قیامت ایمن میگرداند و بر جسر جهنم واقع نمیشود سوره الانشقاق از حضرت پیغمبر
مرویست که هر که این سوره را بخواند کتاب او را از پشت سر او باو ندهند سوره البروج از
پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند بخشیده می شود از اجر بعدد هر روز جمعه و هر روز
عرفه که در دنیاست ده حسنه و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را در فرایض
خود بخواند در روز قیامت با انبیا محشور شود زیرا که این سوره تعلق دارد بانبیا علیهم السلام
سوره الطارق از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند بخشیده می شود بعدد هر ستاره
که در آسمانست ده حسنه و از حضرت صادق مرویست که هر که در نماز فریضه این سوره را بخواند او را

و موافق مشهور دو برد بر حلت بگذارند و سرهای عمامه را از دو طرف بدر آورند و بر سینه میت بیندازند و چپ را بجانب راست و راست را بجانب چپ بدل عمامه برد از برای زن مقنعه زیاد کنند و پارچه بر سینه زن بهبندند که پستانهای او بکمر و بر پشتش گره زنند و مکروه است که کفن از کتان باشد یا پیراهنی تازه کنند که آستر داشته باشد اما اگر میت را در پیراهن خودش کفن کنند در کار نیست که بریدن آستین و با آستین باکی نیست اما تکمها و بندهای او را ببرند و سنت است که میت را کفن کنند در پیراهنی که در آن نماز می کرده است و اگر در پیراهنی که در آن نماز میکرده است و اگر در پیراهن بعضی از علما و صلحا نیز کفن کنند در کار نیست بریدن آستین و با آستین باکی نیست اما تکمها و بندهای او را ببرند و سنت است که میت را کفن کنند در پیراهن

ثواب سوره غاشیه و فجر و بلد و شمس

نزد خدای تعالی جاه و منزلت عظیم خواهد بود و در بهشت از رفقاء انبیا خواهد بود سوره الاعلی
از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست کسیکه این سوره را بخواند بخشیده می شود از اجر بعدد هر حرفی
که بر ابرهیم و موسی و عیسی و پیغمبر ما نازل شده است ده حسنه و از حضرت صادق مرویست که
هر که این سوره را در فریضه یا نافله خود بخواند در روز قیامت باو گویند از هر دری که میخواهی
داخل بهشت شو سوره الغاشیه از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند در فرایض و نوافل خود
باو روز قیامت گویند از هر دری که خواهی داخل بهشت شو و حساب او را آسان کند و بپوشاند
او را خدای تعالی برحمت خود در دنیا و آخرت و از عذاب قیامت او را ایمن گرداند سوره الفجر از
حضرت پیغمبر مرویست که در دهه اول ذی الحجه این سوره را بخواند خدای تعالی او را بیامرزد
و کسیکه در روزهای دیگر این سوره را بخواند این سوره روز قیامت نوری خواهد بود
برای او و از حضرت صادق مرویست که در فرایض و نوافل خود این سوره را بخواند در بهشت
با امام حسین درجه خواهد بود زیرا که این سوره امام حسین است سوره البلد از پیغمبر
مرویست کسیکه این سوره را بخواند در روز قیامت از غضب خدای تعالی ایمن خواهد بود و از حضرت
صادق مرویست کسیکه این سوره را در فرایض خود بخواند در دنیا معروف خواهد شد بآنکه او از
جمله صالحانست و در آخرت معروف خواهد بود بآنکه او را نزد خدای تعالی منزلت و مرتبه بزرگیست
و از رفقاء انبیا و شهداء و صلحا خواهد بود سوره الشمس از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را
بخواند گویا که تصدق کرده است بهر چیزی که آفتاب و ماه بر آن بتابد و از حضرت صادق مرویست که
کسیکه این سوره را و سوره اللیل و الضحی و الم نشرح را بسیار بخواند در روز یا در شب هر چیزی
که نزد او حاضر است حتی موی او و پوست و گوشت و خون و رگها و پی و استخوانها و جمیع آنچه زمین را
که از او زمین برداشته است در روز قیامت از برای او شهادت خواهند داد بخوبی او و حق
تعالی میفرماید که من شهادت شما را قبول کردم از برای بنده خود او را ببرید به بهشت تا اختیار کند هر جا را

کرده اند نماز و اگر در پیراهن میکشته اند و اگر صلحا نیز کفن کنند بعضی از علما و صلحا نیز کفن کنند در بعضی شاید بدبو نباشد و مستحبست در جامه که در آن احرام بسته است حج یا عمره کفن کنند و لباسهاست که کفن خوش قماش و مستحبست که کفن خوش قماش و صاحب قیمت باشد چنانچه در حدیث وارد شده است که نیکو کنید کفن ها مردگان خود را که زینت ایشانست و مبعوث میشوند با آن کفنها در قیامت و سنتست که در قیمت کفن مضایقه و مبصری نکنند و کفن از مال حلال بی شبهه باشد و سنتست موافق مشهور که بر کفن اقرار بر شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلام بنویسند و در بعضی روایات وارد شده است و سنتست که دعای جوشن و غیر آن و تربت امام حسین هم بنویسند و علما گفته اند که سنتست که کفن را بر لب آبی که از آن بیرون آرند بدوزند و سنتست که در وقتیکه غسل کرده اند آب دهن تر کنند و بعد

ثواب سورهٔ ضحی و الم نشرح و علق و قدر و بینه

که خواهد کوارا بود باو سورة اللیل از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره بخواند حق تعالی چندان
ثواب باو بخشد که او راضی شود و او را از عسر و تنگی نجات دهد و مهمات او را بر او آسان گرداند
سورة الضحی از پیغمبر مرویست که کسی این سوره را بخواند از جماعتی خواهد بود که خدا تعالی دوست دارد
که پیغمبر شفاعت کند از برای او و او را خواهد بود بعدد هر یتیم و گدائی ده حسنه سورة
الم نشرح از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند بخشیده می شود از اجر مثل آنکسیکه ملاقات
کرده باشد پیغمبر را در حالتی که مغموم باشد آنحضرت و او رفع غم آنحضرت کند سورة التین
از پیغمبر صلی الله مرویست کسیکه این سوره را بخواند خدای تعالی در حیات او دو خصلت باو
کرامت کند عافیت و یقین و چون بمیرد خدای تعالی بخشد باو بعدد آنکسی که این سوره را
خواند روزه یکروز و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را در فرایض و نوافل
خود بخواند از بهشت چندان باو دهند که او راضی میشود سورة العلق از پیغمبر مرویست
که هر که این سوره را بخواند ثواب کسی را دارد که کل مفصل را بخواند و از حضرت صادق
مرویست کسیکه این سوره را بخواند در روز یا در شب بمیرد شهید مرده باشد و شهید
برانگیخته شود و ثواب کسی را دارد که با پیغمبر بجهاد رفته است سورة القدر از پیغمبر صلی الله
علیه و آله مرویست کسیکه این سوره را بخواند اجر او مثل آنست که تمام ماه رمضان را روزه داشته است
و شب قدر را احیا کرده و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را در فریضه از فرایض بخواند
ندا کرده می شود که ای بنده خدا گناهان گذشته تو آمرزیده شد عمل خود را از سر گیر و از
حضرت باقر مرویست که هر که این سوره را بلند بخواند ثواب کسی دارد که شمشیر خود را برهنه
کرده در راه خدا جهاد کند و کسیکه این سوره را آهسته بخواند مثل کسی است که در راه خدا در
خون خود غلطیده و کسیکه این سوره را ده بار بخواند خدای تعالی هزار گناه او را می آمرزد
سورة البینه از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر که این سوره را بخواند در روز قیامت با مشهد

خواهد میت را کفن کند دستهای خود را تا دوشها تا مرفق بشوید و بعد از آن شروع کند در کفن کردن و واجب است حنوط کردن میت را با آنکه بر هفت موضع سجده یعنی پیشانی و کف دستها و زانوها و انگشت مهین پاها را کافور مالند اگر چه اندک باشد و احوط آنستکه سر بینی را نیز مالند و بر سینه اش بریزند و اگر کودی آنرا بر گردن و بندهای پای و بندهای دست و مرفقها و زیر بغلها و بیخ ران و بند انگشتان و سایر بندها را بمالند احوط است و بهتر آنستکه کافور حنوط کافور خام جو دانه باشد و مقدارش بقدر یک اشرفی باشد که چهار دانگ و نیم مثقال است و بهتر از آن آنستکه سه مثقال بوده باشد و بهتر از این آنستکه سیزده درهم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول صلی الله علیه و آله که تقریبا هفت مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر آنستکه کافور

در ثواب سورهٔ اذا زلزلت و عادیات و قارعه و تکاثر

و رفیق او بهترین مردم خواهد بود و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود که اگر مردم ثواب این سوره را
بدانند اهل و عیال خود را بگذارند و بتعلم این سوره مشغول می شوند و این سوره را هر
که منافق و کسیکه در دل او شکی باشد نمیخواند و از زمانیکه خدای تعالی آسمان و زمین را خلق
کرده است ملائکه مقربین این سوره را میخوانند و هر بنده که این سوره را در شب بخواند
خداوند تعالی برانگیزد ملائکه چند که دین او را نگاه دارند و دعا کنند از برای او بمغفرت
و رحمت و اگر روز این سوره را بخواند داده می شود از ثواب مثل آنچه بر که ضوء نهار و ظلمت
شب بر آن واقع می شود و از امام محمد باقر مرویست که هر که این سوره را بخواند از شرک بری
می شود و داخل میشود در دین پیغمبر و خدای تعالی او را مؤمن برمیانگیزاند و حساب او را
آسان میگرداند سورة الزلزال از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر که این سوره را
بخواند مثل آنستکه سوره بقره را خوانده است و ثواب قرائت ربع قرآن باو می دهند
و از حضرت صادق مرویست که هر که در نوافل خود این سوره را بخواند هرگز زلزله و صاعقه
و آفتی از آفات دنیا باو راه نیابد و چون بمیرد امر شود که او را به بهشت ببرند سورة
العادیات از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر که این سوره را بخواند بخشیده می شود از
اجر بعدد هر کسیکه در مشعر الحرام حاضر شده است ده حسنه و از حضرت صادق علیه السلام
مرویست که هر که مداومت کند بر قرائت این سوره خدای تعالی او را در روز قیامت با حضرت امیر
المؤمنین برانگیزد و از رفقاء آنحضرت باشد سورة القارعه از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی در روز قیامت میزان او را
ثقیل گرداند و از حضرت باقر مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی او را از فتنه دجال
و از اینکه ایمان باو آورد ایمن میسازد و از دود جهنم نیز ایمن می شود سورة التکاثر
از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند خداوند نعمتی که باو در دنیا داده است از او حساب

غسل از این مقدار رها نباشد و سنت مؤکد است که دو جریده تازه با میت بگذارند که تا در اخبار بسیار وارد شده است که تا این چوبها تر است میت را عذاب نمی کنند و بهتر آنستکه از چوب درخت خرما بوده باشد و اگر یافت نشود چوب سدر کنند و اگر یافت نشود چوب درخت بید و اگر یافت نشود چوب درخت انار و اگر هیچ نشد هر چوب تر که باشد خوب است و باید تر و تازه باشند و چوب خشک نباشند و از درخت بریده باشند هر چند اما کن شمشیر بریده باشد و باید هر یک بقدر یک ذراع باشد یا یک شبر بوده باشد یا یک ذراع باشد و بعضی گفته اند که بقدر یک دست و بعضی گفته اند که ذراع که یک شبر بیشتر است و ظاهر آنست که همه خوبست و بعضی گفته اند که پنبه بر آنها پیچیده تا رطوبتشان بیشتر بماند و یکی را از جانب راست گذارند و سرش را بچسبانند که ملصق ببدن سازند و دیگری را از جانب چپ بمیان

ثواب سورهٔ عصر و همزه و فیل و قریش و دین

طلبد و مثل آنست که هزار آیه از قرآن خوانده باشد و از حضرت صادق مرویست که این سوره را
در نماز فریضه بخواند ثواب صد شهید دارد و از حضرت پیغمبر مرویست که هر که این
سوره را نزد خواب بخواند نگاه داشته می‌شود از فشار قبر سورة العصر از پیغمبر صلی الله علیه
واله مرویست که هر که این سوره را بخواند خاتمهٔ امر او بخیر خواهد بود و روز قیامت از اصحاب
حق خواهد بود و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را در نوافل خود بخواند
خدای تعالی او را برمی‌انگیزد در حالتی که روی او درخشنده و دندان او خندان و چشم
او روشن باشد تا آنکه داخل بهشت شود سورة الهمزه از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
مرویست که هر که این سوره را بخواند بخشیده می‌شود از اجر بعدد هر کسیکه به پیغمبر و اصحاب
او استهزاء کرده است ده حسنه و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را در فریضه
از فرایض خود بخواند فقر از او زایل می‌شود و رزق او واسع می‌شود و مردن بد از او دفع
می‌شود سورة الفیل پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی او را در ایام
حیات او عافیت دهد از مسخ و قذف و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را در
فرایض خود بخواند خدای تعالی او را شهادت می‌دهد روز قیامت هر زمین هموار و هر سنگ
و کلوخی بآنکه او از جمله نمازگزاران است و بحساب داخل بهشت می‌شود سورهٔ قریش از پیغمبر مرویست که
هر که این سوره را بخواند بخشیده می‌شود از اجر ده حسنه بعدد هر کسی که طواف کعبه کرده است
و در کعبه اعتکاف کرده است و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را بسیار بخواند
خدای تعالی او را برانگیزاند روز قیامت در حالتی که سوار باشد بر مرکبی از مراکب بهشت و
سواره بدر بهشت برود تا آنکه در بهشت بنشیند بر خوان نور سورة الدین از پیغمبر مرویست که
که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی می‌آمرزد او را تا زکوة دهد گواهی می‌کند و از حضرت باقر علیه السلم
مرویست که کسی که این سوره را در فرایض و نوافل خود بخواند خدای تعالی نماز و روزه او را قبول

پیراهنی و سر تا سر کند و بعضی
گفته اند که مستحبست که بر جرید تین
شهادت بنویسند بتربت شریف و
اگر تقیه باشد و جریده نتوان در کفن
گذاشت در میان قبر ببندند از زیر اگر
و اگر بعد پر کردن قبر بخاطر شان
اید در میان قبر فرو برند و بدانکه
کفن میت از اصل مال او و سنت مقدم
بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی
نداشته باشد دختهای او را تطهیر
کنند و بان کفن کنند و اگر انهم نباشد
برهنه دفن کنند و بعضی گفته اند که
از زکوة واجب کفن میت را میتوان
کرد و خالی از قوت نیست و سنت
مؤکدست که مسلمانان او را کفن
کنند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر منقولست که هر که
کفن کند مؤمنی را چنانستکه ضامن
جامهٔ او شده باشد تا روز قیامت و
هر که بکند از برای مؤمن قبری
چنانستکه او را در خانهٔ موافق نیکو
جا داده باشد

ثواب سورهٔ جحد و نصر و تبت و اخلاص

می‌کند و آنچه در دنیا از او صادر شده است با او حساب نمی‌کند سورة الکوثر از حضرت صلی الله علیه و آله
مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی از انهار بهشت او را سیر گرداند و عطا کند باو
از اجر بعدد هر قربانی که بندگان او در عید اضحی قربانی کرده اند و قربان خواهند کرد و از حضرت
صادق مرویست که هر که این سوره را در فرایض و نوافل خود بخواند خدای تعالی او را از کوثر آب
دهد و در زیر درخت طوبی با پیغمبر حدیث گوید سورة الجحد از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست
که هر که این سوره را بخواند گویا ربع قرآن را خوانده است و گردنکشان شیاطین از او دور می‌شوند
و از شرک بری می‌شود و از فزع روز اکبر معاف خواهد بود و نیز از آنحضرت مرویست که اگر این
سوره را در وقت خواب بخواند و بخوابد از شرک بری می‌شود و از حضرت صادق مرویست که
هر که سوره جحد و توحید را در فریضه از فرایض خود بخواند خدای تعالی او را و پدر و مادر او را
بیامرزد سورة النصر از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر که این سوره را بخواند ثواب کسی را
دارد که با پیغمبر در فتح مکه حاضر شده باشد و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را
بخواند در فریضه یا نافلهٔ خود خدای تعالی او را بر اعداء او نصرت دهد سورة تبت از پیغمبر
مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی جمع نکند میان او و ابی لهب در یک خانه و از
حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را بخواند باید که بر ابی لهب نفرین کند زیرا که او تکذیب
کرده است پیغمبر را سورة الاخلاص از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند گویا که ثلث
قرآن را خوانده است و بعدد هر کسیکه ایمان آورده است بخدا و ملائکه و کتب و رسل او در روز قیامت
ده حسنه باو دهند و از آنحضرت مرویست که هر که یکنوبت این سوره را بخواند برکت داده می‌شود و
اگر دو بار بخواند برکت داده می‌شود او را و اهل او را و اگر سه بار بخواند برکت داده می‌شود
او را و اهل او را و جمیع همسایگان او را و از حضرت علی علیه السلم مرویست که هر که یازده نوبت
این سوره را در نماز صبح بخواند در آن روز گناهی از او صادر نمی‌شود و بینی شیطان بخاک مالیده سوره

بنا در وقت یا قیمت
زن بر شوهر واجبست
و کفن زن مالدار باشد ولی قیم
هر چند زن مالدار باشد و اگر از
بنده بر صاحبش واجبست و اگر بدن
میت نجاستی بیرون اید بدن او را بشو
یند و اگر بکفن رسیده باشد و کفن را
و اگر بقبر برده باشند کفن را
انموضع را مقراض میکنند تا بدن میت
از یک دیگر میکنند که اگر ممکن
بوشیده شود و بعضی گفته اند که در قبر
بوده باشد شستن بدن را اندر
بوده باشد و آفتابه ببرند و بشویند
با آنکه طشت خصوصا امشکاه بدن میت
بهشت است خصوصا لازم باشد و
شده باشد و تطهیر آن لازم باشد و این
کفن را نیز بان عنوان بشویند و این
کفن را نیز گفته اند مکروه است
احوطاست و جمعی گفته اند از مشایخ
کفن را با من بریدن و گفته اند آل کفن نیز
چنین شنیده ایم و در حال کفن نیز
سنت است که پاهای او بجانب قبله
باشد و کسیکه در غیر جنابت با امام
کشته باشد جراحتهای بدنش را از اول
نمایند و غسل میدهند و اگر سر جدا
باشد در هر غسلی اول سر و اشوید
و آخر بدن را

باب ثواب تلاوت قران و خواص بقره و ال عمران

بدن را و بعضی گفته‌اند که
اگر بیرون بند نشود گل رستم میریزند
تا بند شود و از حضرت صادق مرویست که در بعضی چنین کسی را
میشویند و آب بر او میریزند در غسل
و دست بر بدن نکشند مالند و بر جراحتها
پنبه و کافور میگذارند و محکم می‌بندند
و هم چنین اگر جزو بدن بریده باشد و جدا
نشده باشد کافور میپاشند بر موضع
جراحت و پنبه بر آن میگذارند
و بعضی گفته‌اند که خون بیرون
نیاید و اگر سر از بدن جدا شده
باشد در غسل اول سر را میشویند
و بعد از آن بدن را و پنبه بر بالای
گردن میگذارند و در میان کفن
بپیچند و در هنگام دفن سر را
با بدن میگذارند و بر نحو میگذارند
و درویش را بجانب قبله میکنند

باب ۴۳ در نماز میت
و این نماز واجبست بر همه مسلمانان
که علم بفوت شخصی هم رسانند
و اگر یکی از ایشان [illegible]

الفلق از پیغمبر مرویست که هر که این سوره و سوره ناس را بخواند گویا که جمیع کتبی را که خدا تعالی به پیغمبران فرستاده است خوانده است و حضرت پیغمبر امر کرد بقرائت این دو سوره در وقت خواب و در وقت بیدار شدن از خواب و از حضرت باقر مرویست که هر که در نماز وتر این دو سوره را و سوره توحید را بخواند گفته می‌شود مر او را که ای بنده خدا وتر ترا خدا تعالی قبول کرد سورة الناس فضل این سوره در سوره فلق مذکور شد و از حضرت امام محمد باقر مرویست که کسیکه در شب ده آیه از قران بخواند او را از غافلان ننویسند و اگر پنجاه آیه خواند او را از ذاکران نویسند و اگر صد آیه بخواند او را از قانتان نویسند و اگر دویست آیه بخواند او را از خاشعان نویسند و اگر سیصد آیه بخواند او را از فایزان نویسند و اگر پانصد آیه بخواند او را از مجتهدان نویسند و اگر هزار آیه بخواند از برای او یک قنطار از اجر است و قنطار عبارتست پانزده هزار مثقال طلا که بیست و چهار قیراطست که کوچکترین آن مثل کوه احد است و بزرگترین آن ما بین آسمان و زمین است و از پیغمبر مرویست که هر که در نماز قرائت قران کند بازاء هر حرفی صد حسنه باو دهند و کسیکه در نماز نشسته قران بخواند بهر حرفی پنجاه حسنه باو دهند و کسیکه در غیر نماز نشسته قران بخواند بواسطه هر حرفی ده حسنه باو دهند و از حضرت صادق مرویست که کسیکه قران را از روی مصحف بخواند خدای تعالی او را متمتع و بهره‌ور سازد بچشم خود و در عذاب پدر و مادر او تخفیف دهد اگر چه کافر باشد

باب ۴۲ در ذکر بعضی از خواص سوره قرآنیه

پس ذکر می‌کنیم ما از خواص سوره فاتحه شفاست از هر دردی مگر مرگ و اگر این سوره را در ظرف طاهری بنویسند و بآب باران بشویند و کسیکه بیمار است روی خود را از آن آب بشوید از آن آب بشوید از آن درد شفا یابد و اگر کسی را خفقانی باشد از این آب بخورد شفا یابد البقره اگر کسی این سوره را بر کسی که او را دردی باشد یا او را چشم زده باشند یا صرع داشته باشد یا فزع و فقر داشته باشد بیاویزد آن امراض از او زایل شود آل عمران اگر این سوره را با زعفران

در خواص آیات

دیگر این
بجا آورد و از دیگری نماز
ساقط میشود و واجبست که با امام باشد
بر شیعه اثنا عشری که بالغ باشد یا طفلی
بخلاف مشهور و اقوی آنست که بر طفلی
که شش سال تمام شده باشد نماز
واجبست و ظاهر آنست که قصد قربة الی الله
میتوان کرد و کمتر از شش ساله را
اگر زنده متولد شده باشد بعضی
سنت دانسته‌اند و بعضی بدعت
و احوط نماز نکردنست و جایز نیست
نماز کردن بر کفار و خوارج و ناصبیان
که عداوت اهل بیت داشته باشند
و غالیان که ائمه را خدا میدانند یا
گویند که خدا در ایشان حلول کرده است و
بر مجسمه و آنها که خدا را جسم میدانند
و بر غیر ایشان از اهل قبله خلافست و
ظاهر آنست که واجب باشد و مانع آنکه نماز نکنند
چهار تکبیر بگویند و در تکبیر چهارم نفرین
و لعنت کند بر او و در موضع تقیه ترک
نباید کرد و سزاوارترین مردم بنماز میت
وارثان اوست بنا بر مشهور و بعضی گفته‌اند
که بی رخصت ایشان نیز جماعت میتوان
کرد و [illegible]

و گلاب بنویسد و بدرختی بیاویزد میوه دهد و اگر بزنی آویزند آبستن شود و کسیکه بعد از بسمله سه بار این آیه رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ بر موضعی که درد کند بخواند از آن درد شفا یابد النساء کسیکه چیزی دفن کرده باشد و از او گم شده باشد باید که از این سوره آیه إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ را تا آخر آیه بنویسد در ظرف نوی و بآب باران آنرا بشوید و آن آبرا بپاشد در آن مکان بآن چیز ظفر یابد المائده کسیکه این سوره را بنویسد در منزل خود یا صندوق خود گذارد چیزی از او نتوانند دزدید الانعام کسیکه در وقت سحر در کاغذی از این سوره این آیه را بنویسد وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ و بر کسی بیاویزد که او را درد پهلو یا درد دست باشد شفا یابد الاعراف کسی که این سوره را بگلاب و زعفران بنویسد و بر خود آویزد از مار و درنده و دشمن و گمراه شدن در راه ایمن شود النور کسیکه این سوره را بر خود آویزد و برابر حاکم بایستد آن حاکم بر خصم او از برای او حکم کند یونس هر که این سوره را در میان متاع تجارت یا در میان کلاه خود گذارد از دزد و سوختن ایمن شود کسیکه این آیه را از این سوره که وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ در کوزه نوی بنویسد و آن کوزه را پر از روغن زیت خوشبو کند و آنرا بر آتش نرمی بجوشاند و بر پا و ساق کسیکه پا و ساق او درد می‌کند بمالد از آن درد شفا یابد هود کسیکه از این سوره این آیه را که وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ بنویسد بر تخته و آن تخته را بر مقدم کشتی نصب کند کشتی او از غرق محفوظ ماند یوسف کسیکه این سوره را بنویسد و سه روز در منزل خود گذارد و بعد از آن بیرون رود و بر هوا بیرون خانه دفن کند رسول سلطان او را طلب کند از برای نصرت سلطان و او را نزد سلطان جاه و منزلتی تمام حاصل شود

وکسیکه این سوره را بنویسد و بشوید و اب انرا بیاشامد خدا تعالی اسان کرداند رزق او را
هر لحدی الرعد از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که هر که از این سوره این ایه را و مثل
کلمةٍ خبیثةٍ کشجرةٍ خبیثةٍ اجتثت من فوق الارض مافکانت هباءً منبثا را در
نقصان ماه هفت بار بر ثالول بخواند ازان شفا یابد ابرهیم کسیکه این سوره را در
خرقه از حریر سفید نویسد و بر بازوی طفل بندد ان طفل ایمن شود از ترس و کریه
و از جمیع شرور الحجر کسیکه این سوره را بزعفران بنویسد و بشوید و اب انرا بزنی دهد
که شیر او کم باشد شیر او فراوان شود وکسیکه این سوره را بنویسد و در پهلو یا بازوی
خود نکاه دارد بیع و کسب و رزق او بسیار شود الکهف هر که این سوره را بنویسد و در
میان دیوار باغی کذارد بار جمیع درختهای ان باغ بریزد و اکر در منزل جماعتی کذارد ان
جماعت از ان منزل پراکنده شوند مریم کسیکه این سوره را در میان حریر سبزی کذاشته بر خود
اویزد تیر او خطا نشود وکسیکه این سوره را بنویسد و در میان شیشه سر تنکی کذارد و در
خانه خود کذارد از قرض و فقر ایمن شود وکسیکه این سوره را در ظرف ابکینه پاکی
کذارد و در منزل خود کذارد جز ان منزل زیاد شود و اصلا ابدی بان منزل راه نیابد
وکسیکه این سوره را بنویسد و بشوید و اب انرا بیاشامد خونی که دارد ازان زایل
شود طه کسیکه این سوره را با خود دارد و بسوی قومی رود که اراده تزویج از ایشان
دارد با او تزویج کنند و اکر خواهد میان دو کس که دشمنی است الفت اندازد سخن او را قبول
کنند و اکر در میان لشکر مخالف رود متفرق شوند وکسیکه این سوره را بشوید و بخورد
و بر سلطانی داخل شود از شر او ایمن شود و از نزدیکان او شود الانبیاء کسیکه بیاد شود
یا فکر بسیار و بیخوابی داشته باشد این سوره را بنویسد و با خود دارد شفا یابد الحجر
کسیکه این سوره را با بر و رق اهو بنویسد و در اب کذارد و ان اب را بپاشد در موضع والی

در ... نماز میت

کرد و احوط
آنستکه تا توان از ایشان رخصت
کرفتن بی رخصت نکنند و هر از
همه خویشان اولی است نسبت بزن و مرد از
او لاینند از زنان و وارث اکر خود
قابلیت پیشنمازی نداشته باشد
هر کرا اعتقاد داشته باشد و قابل بهتر
داند مقدم دارد و جایز است که
زن پیشنمازی زنان بکند و با
مؤمنان در یکصف بایستند و مرد
باید که پیش بایستد اکر چه ماموم
یکنفر باشد و اکر زنان با مردان
جمع شوند زنان در عقب مردان
بایستند و اکر حایض باشد سنتست
که در صف جدائی بایستند و
واجبست که نماز کذارنده رو بقبله
بایستد و سر جنازه بجانب راست او
باشد اکر امام باشد و در ماموم
درکار نیست و احوط در منفرد آنستکه
از برابر جنازه بیرون نباشد و
واجبست که میت را بر پشت بخوابانند
و در این نماز طهارت از حدث شرط
نیست و ...

ماباضی ان قاضی و توالی ازان منزل بیرون روند المؤمنون کسیکه این سوره را در شب بنویسد
و در خرقه حریر سبز کذارد و بر خود اویزد شراب نخورد و محبت شراب از دل او بیرون
رود النور کسیکه این سوره را در فراشی که در او میخوابد بکذارد محتلم نشود و کسیکه
این سوره را در طشتی نویسد و بشوید و اب را بچهارپای بیمار دهد و از ان اب بر رو
بپاشد شفا یابد الفرقان کسیکه این سوره را بنویسد و با خود دارد و داخل شود بر قومی
که در میان ایشان هیچ یا شری باشد از هم متفرق شوند و حشرات الارض نزدیک موضع او نیایند
الشعرا کسیکه این سوره را بنویسد و بر خروس سفیدی باویزد و او را رها کند هر جا که ان خروس
بایستد چون می کند انجا کنج یا سری یافت می شود النمل کسیکه خواهد که ز بد معشوقی
در کار او نکند اخر ایه نمل را بخواند القصص کسیکه این سوره را بنویسد و بر غلامی یا ویزد
ایمن می شود بر او غلام از زنا و کریختن و خیانت و هم اکر بر کسی اویزد که او را درد جکر و درد
شکم و طحال باشد ایمن میشود از این اوجاع و اکر این سوره را بشوید با باران و بیاشامد از
جمیع امراض ایمن شود الروم کسیکه این سوره را بشوید و بخورد از تب ربع و جمیع امراض خلاص
شود لقمان کسیکه این سوره را در ظرف ابکینه سر تنک کذارد و در منزل قومی کذارد
هر که در ان خانه باشد بیمار شود و اکر غریبی نیز داخل ان خانه شود بیمار شود السجده کسی را
که اوجاع باشد یا خون از دماغ او اید و بند نیاید این سوره را بنویسد و بر ان بندد ان
مرض زایل شود الاحزاب کسیکه این سوره را بنویسد و در منزل والی بکذارد در همان سال
معزول شود و اکر این سوره را بر کسی اویزد ایمن میشود از تب و درد شقیقه سبا کسیکه این
سوره را با بر و رق اهو نویسد و در خرقه سفیدی کذارد و با خود نکاه دارد ایمن میشود
از حشرات الارض و عقوبت و تیر و سنک و امر ... کسیکه بنویسد از اول ان الذین یتلون

کا ... سوره را ... کسیکه این ... مشوم کند ... او در ازنزد ... بود کذارد در ... را در منزل ... کذارد ان ... و در میان

و بیوضو
وحایض و جنب
این نماز را میتوانند کرد و
احوط آنستکه سایر شرایط یومیه
در این نماز رعایت کنند از پوشانیدن
عورت و نجس نبودن جامه و بدن و
حریر نبودن جامه و غیر اینها اکر چه اظهر
آنستکه هیچ یک در کار نیست مکر حریر
چند که حرام باشد والله اعلم و اما
نماز باشد مانند طلا و حریر برای
مردان و جامه غصبی و سنتست که با
وضو باشد و اکر اب بهم نرسد یا مانعی
داشته باشد و یا وقت تنک باشد
سنتست تیمم کند و ظاهر بعضی
آنستکه بدون عذر نیز تیمم سنت باشد
و باید که از جنازه بسیار دور نباشد
مکر آنکه در نماز جماعت باشد و صفها
در میان باشد و نماز بر میت نمیتوان
کرد تا او را غسل و کفن نکنند اکر
ممکن باشد و اکر کفن نداشته باشد
او را در قبر کذارند و عورتش را بپوشانند
و نماز کنند و سنتست که پیشنماز
مقابل میان مرد و سینه
کلیه ...

باب ۳ در خواص بعضی از آیات

کتاب الله تا الیم در آخر آن بنویسد در پهلوی خرمن بنهد و یا بر در صناع تجارت گذارد مال آن نمو کند
و سود نماید یس کسیکه این سوره را بشوید و آب آن را بزنی دهد که شیر ده باشد شیر او
فراوان شود و کسیکه این سوره را بشوید و با آن غسل کند اوجاع او زایل شود ص کسیکه از
این سوره آیه ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب را در حال کندن چاه
بنویسد بخواند آب آن چاه خوب شود و کسیکه این سوره را بر بازوی خود ببندد محبوب خلایق
گردد و همه مردم او را بخیر یاد کنند و کسی که این سوره را در شب بنویسد و در دکان خود
بگذارد مشتری او بسیار شود و اگر در باغ خود گذارد میوه او بسیار شود و اگر صاحب
دمل یا صاحب قروح با خود دارد شفا یابد باذن الله تعالی الزمر اگر کسی این سوره را بنویسد
و با آب باران بشوید و سرمه را با آب او بساید و بچشم کشد از رمد و بیاض و اوجاع عین شفا یابد
فصلت کسی که این سوره را بنویسد و بشوید و آب آن را در سفر بیاشامد که تشنه شود و اگر
از آن آب بر مصروع بپاشد شیطان او بسوزد و دیگر بسوی او عود نکند الشوری اگر آب آن را
بزنی دهند که با شوهر خود مخالفت ورزد اطاعت شوهر کند و اگر کسی قبض باشد از این
بخورد گشوده شود و کسیکه این سوره را با خود دارد از هر شری ایمن شود و اگر در زیر سر گذارد
و بخوابد خوابهای خوب بیند الزخرف کسیکه این سوره را با خود دارد از جمیع شرور ایمن باشد و
در نظرها بهیبت باشد و مردم او را دوست دارند و اگر کسی این سوره را بشوید و آب او را بیاشامد
ایمن شود از هر سخن حیفی و اگر بر طفلی بندد آن طفل ایمن شود از جن و حشرات الارض الدخان
کسیکه این سوره را با خود دارد ایمن میشود از هر مکروهی و اگر در زیر سر نهد از شر جن ایمن
می شود محمد کسیکه این سوره را در جنگ بر خود دارد نزد منصور شود و کسیکه آن را بشوید و
بخورد ترس از او زایل شود و کسیکه در دریا بخواند از غرق ایمن شود الفتح کسیکه این سوره را
بر خود دارد از سلطان ایمن شود و اگر بر دیوار خانه او نوشته شود شیطان نزدیک او نرود و اگر

زن واجب است بنا بر مشهور و سنت است
که کفش را بکند و اگر موزه در پا داشته
باشند در کار نیست کندن و اگر
پا برهنه باشد بهتر است و واجب است
که نیت کند و بهتر است که چنین
نیت کند که نماز بر این میت حاضر
میگذارم از برای آنکه واجب است قربة
الی الله و پنج تکبیر بگوید و سنت است که
در هر تکبیر دستها را بردارد تا محاذی
گوشها و بعضی در غیر تکبیر اول سنت
نمیدانند دست برداشتن و اول
اقوی است و در وجوب دعا در
میان تکبیرها خلافست و
احوط وجوبست و ظاهرا هر دعائی
مجزی باشد و مشهور آنستکه بعد
از تکبیر اول بگوید اشهد ان لا اله
الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله
صلی الله علیه و آله و بعد از تکبیر دوم
بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد
و بعد از تکبیر سیم بگوید اللهم
اغفر للمؤمنین و المؤمنات و
بعد از تکبیر

در اشاره بخواص بعضی از آیات

زنی این سوره را بشوید و آب آن را بیاشامد شیر او بسیار شود النجم هرگاه این سوره را در مکان
سیاه برند شیطان بآن مکان نزدیکی نکند و اگر بر مصروع ببندند شیطان بآن مکان عود
نکند ق کسیکه این سوره را در صحیفه بنویسد و با آب باران بشوید و خایف یا کسی را که
شکم او درد می کند از او بخورد الم او زایل شود و اگر با آب دهن نقلی را بشویند دندان
او بی مشقت بیرون آید الذاریات هرگاه او را بر زنیکه درد زائیدن دارد ببندند وضع حمل او با آسانی
شود والطور اگر کسی در بند باشد و این سوره را بسیار بخواند زود بیرون آید و اگر مسافر بخواند
از آفات سفر ایمن شود النجم از این سوره هرگاه آیه افمن هذا الحدیث تعجبون و تضحکون
ولا تبکون و انتم سامدون بنویسد و بر اطفال ببندند گریه نکنند القمر کسیکه در روز
جمعه در وقت نماز ظهر این سوره را بنویسد و در زیر عمامه گذارد نزد محبوب و مقبول
القول گردد الرحمن کسیکه این سوره را بنویسد و بشوید و آب آن را بخورد از برای درد دل و طحال
نفع دهد و اگر بر مصروع یا صاحب رمد ببندند شفا یابد و اگر بر دیوار خانه بنویسد هوام
و حشرات الارض از آن خانه بروند الواقعه اگر این سوره را بر زنی ببندند باسانی حمل بزمین
نهد الحدید کسیکه این سوره را بر خود ببندد ایمن شود در جنگ از حدید و اگر بر پیکان تیر و مثل
آن خوانده بی الم از بدن مجروح بیرون آید و اگر اورام و قروح و جروح و باد سرخ را با آن
بشویند شفا یابد باذن خدای تعالی و اگر در برابر خصم او را بر دارد خصم او نرسد المجادله
نزد مریض کسیکه این سوره را بخواند مرض او ساکن شود و اگر در میان حبوب مثل جو و گندم گذارند
فاسد نشود و کسیکه آن را بخواند از هر بدی محفوظ شود الحشر کسی که این سوره را بر جای الکبد [?]
بنویسد و با آب باران بشوید و بخورد حفظ و زیرکی روزی او شود الممتحنه اگر سه روز این
سوره را متوالی بنویسد و بخورد ورم طحال دهند او زایل شود الصف کسیکه در سفر بر قرائت
این سوره مداومت کند محفوظ ماند تا برگشتن از آن سفر الجمعه کسی که مداومت کند بر قرائت

میگوید
اللهم اغفر لهذا المیت
و تکبیر پنجم را بگوید و منزع شود
و مشهور و بهتر آنستکه
بعد از نیت الله اکبر
که چنین گوید بعد الله اکبر وحده
اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده
و رسوله بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی
الساعة پس بگوید اللهم صل
علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل
محمد و ارحم محمدا و آل محمد کافضل ما
صلیت و بارکت و ترحمت علی ابرهیم
و آل ابرهیم انک حمید مجید و صل
علی جمیع الانبیاء و المرسلین پس
بگوید اللهم اغفر للمؤمنین و
المؤمنات و المسلمین و المسلمات
الاحیاء منهم و الاموات تابع بیننا
و بینهم بالخیرات انک مجیب الدعوات
انک علی کل شیء قدیر پس بگوید الله
اکبر اللهم ان هذا عبدک و ابن
عبدک و ابن امتک نزل بک و انت
خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه
الا خیرا و انت

اشاره بخواص بعضی از آیات

این سوره در شب و روز در وقت صبح و شام از وسوسه شیطان ایمن شود المنافقون کسی که این سوره را
بر دمامیل بخواند شفا یابد باذن الله تعالی التغابن کسیکه این سوره را بخواند و بر حاکمی داخل
شود از شر او کفایت شود الطلاق اگر این سوره را بنویسند و بشویند و آب از آن در موضعی
بپاشند جدال و قتال در آن موضع بهم رسد و فراق در میان اهل آن منزل بهم رسد
التحریم هرگاه این سوره را بر مریض یا مارگزیده یا مصروع یا اسیر اگر شب خواب نمی برد بخوانند
آن الم از او زایل گردد و کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره دینی بر او نماند الملك
اگر بر میتی بخوانند تخفیف می شود از میت و نجات می یابد از عذاب قبر القلم هرگاه آن را
بیاویزند بر کسی که درد دندان داشته باشد یا درد سر داشته باشد آن درد ساکن
شود الحاقه بر زن حامله هرگاه این سوره را بیاویزند چنین که در شکم او باشد از هر آفتی
محفوظ ماند و در حال وضع حمل اگر آب از آن طفل دهند صاحب فطانت می شود
و از حشرات الارض و شیطان محفوظ می ماند المعارج کسیکه این سوره را بخواند خدا او را از احتلام
و خوابهای ترسناک ایمن شود تا صبح نوح کسیکه در شب و روز مداومت بر قرائت این
سوره کند بهر حاجتی که توجه کند روا شود الجن کسیکه این سوره را بشوید و آب از آن با مداد
هر چیز که بشنود فرا گیرد و غالب شود بر کسیکه با او مناظره کند و در موضعیکه این سوره
خوانده می شود جن از آنجا منهزم می شود و کسیکه این سوره را بخواند و بر حاکمی داخل شود
از شر او ایمن شود و اگر بر محزونی بخواند از آفات محفوظ ماند و اگر اسیری بخواند از قید آزاد
شود و اگر قرض داری بخواند قرض او ادا شود المزمل کسیکه مداومت کند بر قرائت این
سوره پیغمبر را در خواب ببیند المدثر کسیکه بر قرائت این سوره مداومت کند و در آخر آن
حاجت خود را از خدای تعالی بخواهد حاجت او روا شود و اگر حفظ قرآن خواهد حفظ
کند القیمه قرائت این سوره تقویت قلب کند و اگر کسی این سوره را بشوید و آب او را بخورد

اعلم به منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عنه اللهم اجعله عندک فی اعلی علیین واخلف علی اهله فی الغابرین وارحمه برحمتک یا ارحم الراحمین پس بگوید الله اکبر و فارغ میشود و اگر زن باشد میگوید اللهم ان هذه امتک وابنة عبدک وابنة امتک نزلت بک وانت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منها الا خیرا وانت اعلم بها منا اللهم ان کانت محسنة فزد فی احسانها وان کانت مسیئة فتجاوز عنها واغفر لها اللهم اجعلها عندک فی اعلی علیین واخلف علی اهلها فی الغابرین وارحمها برحمتک یا ارحم الراحمین و اگر بعد از هر چهار تکبیر این دعا را بخواند خوبست اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد و...

اشاره بخواص بعضی از آیات شریفه

ضعف او مبدل بقوت شود المرسلات کسیکه این سوره را در خصومتی بخواند بر خصم خود غالب
شود و اگر از خود بیاویزد دمل از او زایل شود النبأ کسیکه این سوره را بر ورق آهو
نویسد بزعفران و گلاب و با خود دارد در خواب شپش او کم شود و حفظ او زیاد شود و اگر بر
بازوی خود ببندد او را قوت عظیمی بهم رسد و کسی را که مرض بطن باشد و آب از آن بخورد زایل
شود النازعات کسیکه این سوره را در برابر دشمن یا سلطان بخواند از شر او ایمن شود عبس هر که
این سوره را با خود دارد و بسفر رود در راه خیر بسیار باو رسد و مهم او کفایت شود و
اگر این سوره را سه روز هر روز هفت نوبت بر چشمه بخوانند که آب آن فرو رفته باشد آب
آن چشمه فراوان شود و اگر چیزی در جائی دفن کرده باشد که نداند مکان آن را چون این سوره را
بخواند خدای تعالی او را بآن مکان راه نماید کورت اگر کسی این سوره را بر چشمهای خود بخواند
چشمهای او قوت بهم رساند و رمد و شب کوری از او زایل شود الانفطار اگر کسی در زندان باشد
یا اسیر شده باشد یا از کسی ترسد چون این سوره بخواند خلاص شود المطففین اگر بر مخزونی بخوانند
از آفات محفوظ شود الانشقاق اگر بر زنی بیاویزند ولادت او آسان شود و چون وضع حمل
کند او شود فی الفور از او جدا کنند و اگر این سوره را بر چهارپای بخوانند از آفات محفوظ ماند و اگر
بر گزیده بخوانند ساکن شود و هرگاه بر دیوار خانه بخوانند حشرات الارض از آن خانه دور
شوند و همچنین هرگاه سوره القارعه را بر طشتی نویسند و بگلاب بشویند و در خانه که
حشرات الارض باشد بپاشند آن حشرات از آنجا بروند الطارق کسیکه این سوره را بر فرش خود
بخواند محفوظ ماند و اگر در وقت بیرون رفتن از منزل بخواند و بمنزل خود دمد او و خانه
او و اهل و مال او محفوظ ماند و اگر کسی از اول این سوره تا قتل اصحاب الاخدود بخواند از
شر زنابیر محفوظ ماند الاعلی اگر کسی بآب آن جراحت را بشوید درد آن ساکن شود و بگرد خون
او گشوده نشود و این سوره را بر هر مشربی که بخوانند و بیاشامند اثر آن نکند الغاشیه اگر این سوره را

المؤمنین والمؤمنات اللهم ان هذا المسجی قدامنا عبدک وابن عبدک وقد قبضت روحه الیک وقد احتاج الی رحمتک وانت غنی عن عذابه اللهم انا لا نعلم من ظاهره الا خیرا وانت اعلم بسریرته منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عنه و اگر زن باشد بگوید اللهم ان هذه المسجاة قدامنا امتک وابنة عبدک وقد قبضت روحها الیک وقد احتاجت الی رحمتک وانت غنی عن عذابها اللهم انا لا نعلم من ظاهرها الا خیرا وانت اعلم بسریرتها منا اللهم ان کانت محسنة فزد فی احسانها وان کانت مسیئة فتجاوز عن سیئاتها بلکه موافق جمیع احادیث بهتر است و اگر بعد از تکبیر این دعا بخواند خوبست اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد

اشاره ببعضی از خواص آیات قرآنی

بر بواسیر یا بر موضع قشع بخوانند یا بر گوشتی که درد می‌کند از مرض زایل می‌شود الفجر
هر گاه این سوره را بر جوز ذلی بخوانند ضرر نکند و اگر بر مولود خوانند خدا تعالی از اسام
گرداند البلد اگر این سوره را یازده نوبت بر خود خواند و باز خود مجامعت کند خدای تعالی
باو ولدی روزی کند که باعث روشنی چشم او باشد الشمس کسی را اگر در خیشوم آنچه مانند
آب انار هر گاه سعوط کند الم او زایل شود و اگر در وقتی که ولد متولد شود این سوره را بر
او بندند آن طفل ایمن شود از نقص و هر گاه آب این سوره را اگر کسی بخورد درد دل او ساکن
می‌شود واللیل اگر این سوره را بر گوش مصروع خوانند صرع از او زایل شود الضحی اگر کسی
چیزی را فراموش کرده باشد چون این سوره را بخواند او را متذکر شود الم نشرح اگر کسی را سنگ
مثانه باشد و این سوره را بخواند سنگ مثانه او زایل شود و مثانه او مفتوح شود و ادرار
نفع دهد و اگر کسی را درد سینه یا درد دل باشد این سوره را بخواند درد او ساکن شود
التین کسی که این سوره را بر طعامی بخواند خدای تعالی در آن طعام شفا خلق کند العلق کسی که
این سوره را در دریا بخواند سالم ماند القدر اگر کسی این سوره را بر چیزی بخواند که ذخیره
کرده است آن چیز محفوظ ماند و کسیکه این سوره را بشوید و آب آنرا بخورد خدای تعالی
باو نور چشم و یقین قلب و حکمت روزی کند و اگر این سوره را بر روغن گل بخوانند
و بر زن مخلوط سازند و سعوط کنند بلغم را نفع دهد و هر گاه آینه آهن را خوب جلا
دهند و سوره قدر را بزعفران بر او نویسند و کسی که لقوه دارد بخانه تاریک داخل
شود و مکرر بآن آینه نگاه کند شفا یابد باذن الله تعالی و اگر این سوره را در کوزه نو
نویسند و بآب باران بشویند و اندکی از شکر داخل او کنند و بخورد کسی دهند که درد
جگر دارد شفا یابد باذن الله تعالی و کسیکه نزد زوال شمس صد نوبت این سوره را بخواند
حضرت پیغمبر را در خواب ببیند و کسیکه در هر شب جمعه صد بار بخواند هرگز فاقه نشود و کسی که

وآل محمد
... علیهما ... لهذه ... والحقهما
لنا ولاخواننا الذین سبقونا
بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا
للذین آمنوا ربنا انک غفور رحیم
اللهم اغفر لاحیائنا وامواتنا
من المؤمنین والمؤمنات والف بین
قلوبنا علی قلوب اخیارنا واهدنا لما
اختلف فیه من الحق باذنک انک
تهدی من تشاء الی الصراط المستقیم
اللهم عبدک وابن عبدک ابن
امتک انت اعلم به افتقر الی رحمتک
واستغنیت عنه فتجاوز عن
سیئاته وزد فی حسناته واغفر
له وارحمه بقدرتک ونور له
قبره ولقنه حجته والحقه بنبیه
صلی الله علیه وآله ولا تحرمنا
اجره ولا تفتنا بعده و اگر زن باشد
از اول دعا میخواند تا انجا که الی
صراط مستقیم است پس میگوید
اللهم امتک ابنة عبدک ابنة
امتک انت اعلم بها افتقرت الی
رحمتک واستغنیت

در خواص بعضی از آیات قرآنی

اراده حج کند جامه نوی بپوشد و قدحی از آب فرا گیرد و سی و پنج بار این سوره را بر آن آب بخواند
و از آن آب بر این جامه بپاشد و بعد از آن چهار رکعت نماز کند بدو سلام و در هر نماز
الحمد و هر سوره که خواهد بخواند و بعد از آن از خدای تعالی مونس حج را طلب کند خدای تعالی
حج را روزی کند یا والبینه هر گاه این سوره را بشویند و آب آنرا بزن حامله بدهند بسلامت
بزاید و اگر این سوره را بر صاحب یرقان بپا بزند یا بر صاحب بیاض عین بعد از آنکه از لب
آن آشامیده باشند شفا یابند و قرائت این سوره زهر طعام مسموم را دفع می‌کند و اگر از سر
چهار راه ملک کف خاک بردارند و این سوره را بر آن بخوانند و آن خاک را بر جماعتی پاشند
که بر ضلالت جمع شده باشند از هم متفرق شوند و هر گاه این سوره را بر جمیع اورام بنویسند
آن اورام زایل شود الزلزال فی رفع این سوره از شر سلطان ایمن شود العادیات قرائت این سوره
خایف و گرسنه و تشنه را یوبز از این الام خلاص کند التکاثر این سوره را هر گاه بر کسی ببندند
که درد قبر او تنگ شده باشد توسعه در روزق او بهم رسد القارعه هر گاه این سوره را بر صداع
بخوانند ساکن شود العصر این سوره را بر محزون خوانند محفوظ ماند و اگر بر محموم خوانند
شفا یابد و کسیکه در شب جمعه بعد از نماز خفتن بنویسد این سوره را و با خود دارد و بر جای که
داخل شود از شر او ایمن شود الهمزة بر چشمی که درد می‌کند چون این سوره را بخوانند شفا
یابد الفیل کسیکه این سوره را در حرب خواند قوی شود بر قتال و هر گاه این سوره را بر پیشانی
دو لشکر بخوانند آن لشکریکه بر حق نیست و طاغی است فرار نماید و اگر این سوره را بر نیزه
خوانند آن نیزه هر چیز را که مقصد کند بشکند القریش کسیکه این سوره را بر طعامی بخواند
از ضرر او ایمن شود و اگر گرسنه قبل از طلوع شمس این سوره را بخواند طعام را با بسیار رساند
کسیکه بعد از نماز صبح صد بار این سوره را بخواند در حفظ خدا باشد الدین اگر درد قولنج
کرده باشد این سوره را سه بار در گوش راست او بخوانند و سه بار در گوش چپ او و بعد آن

عنها اللهم ... سیئاتها وزد
فتجاوز عن سیئاتها واغفر لها وارحمها
بقدرتک ونور لها فی قبرها ولقنها
حجتها والحقها
بنبیها صلی الله علیه وآله ولا تحرمنا
اجرها ولا تفتنا بعدها و در
وارد شده است که بعد از فارغ شدن
از نماز بگوید ربنا آتنا فی الدنیا
حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا
عذاب النار و اگر بر سنی و خلاف
مذهب نماز کند بعد از
تکبیر چهارم بگوید اللهم اخز
عبدک فی عبادک وبلادک
اللهم اصله حر نارک اللهم
اصله حر نارک اللهم اذقه اشد
عذابک فانه کان یوالی اعداءک
ویعادی اولیاءک ویبغض اهل
بیت نبیک صلی الله علیه وآله و
اگر میت مستضعف یعنی ضعیف
العقل باشد و تمیز میان مذاهب
نکند و با سنی یا شیعه نبوده
باشد و عناد با شیعیان نداشته
باشد یا اعتقاد

حضرت امام حسن عسکری ع فوت شد و تمام اینماه صاحب کتاب مسار الشیعه نقل کرده که هر که در این روز چیزی نفقه کند گناهان او آمرزیده می شود و در این روز سنتست اطعام اخوان و استعمال طیب و توسعه در نفقه عیال و پوشیدن جامه نو و شکر و عبادت و این روز نفی هموم است و در روایتی وارد شده است که در این روز روزه داشتن سنت نیست و جمهور شیعه گمان نموده اند که در این روز عمر بن خطاب بقتل آمده و این صحیح نیست بنا بر آنچه محمد بن ادریس در سرائر خود گفته است کسیکه گمان می برد که عمر در این روز مقتول شده باجماع اهل تاریخ و سیر خطا کرده است و شیخ مفید در کتاب تواریخ گفته است که این گمان خطاست بلکه عمر در روز دوشنبه که چهار شب از ماه ذی الحجه باقی مانده بود در سال بیست و سیم از هجرت چنانچه صاحب غره و صاحب معجم و صاحب طبقات و صاحب مسار الشیعه و ابن طاوس گفته بلکه اجماع سنی و شیعه بر این منعقد شده است و در دهم این ماه پیغمبر ص خدیجه را تزویج کرد و در آنوقت آنحضرت بیست و پنج ساله بود و حضرت خدیجه چهل و پنج ساله بود و در مثل این روز در سال هشتم از مولد آنحضرت ع وفات یافت عبد المطلب که سال هشتم عام الفیل بود و در دوازدهم اینماه در سال صد و سی و دویم از هجرت دولت بنی امیه منقضی شد و در چهاردهم اینماه یزید بن معویه ملعون بجهنم واصل شد و آن ملعون را سی و هشت سال بود و در هفدهم این ماه مولد حضرت پیغمبر ص و مولد حضرت صادق ع بود در ربیع الثانی در چهارم این ماه حضرت عسکری متولد شد و بعضی گفته اند در دهم اینماه آنحضرت متولد شد و در دهم اینماه در سال اول از هجرت نماز حضر و سفر قرار گرفت جمادی الاول و الثانی این دو ماه را جمادی نام کردند زیرا که تسمیه این دو ماه در زمستان واقع شد در وقتی که آب منجمد بود و جمادی اول را جمادی خمسه و جمادی الثانی را جمادی ستّه نیز گویند زیرا که جمادی الاول ماه پنجم است از محرم و جمادی

و مستحب است کندن قبر بقدر قامتی یا تا چنبر گردن و سنت است کندن لحد از طرف قبله و مستحب است که آنقدر فراخ باشد که کسی تواند نشست و اگر زمین سست باشد و لحد نتوان کردن بعضی گفته اند که مانند لحد بسازند و اگر نتوانند قبر را شق کنند یا آنکه از میان قبر بقدر جسد میت فرو برند آنقدر که توان نشست و دو طرف داشته باشد که خشت برد و بر آن توان گذاشت که خاک بر میت ریخته نشود و احوط آنست که در مانند سردابه و تابوت و صندوق نگذارند و شخصیکه در دریا میرد اگر ممکن باشد بخشکی برسانند و الا در مانند خم گذارند و سرش را ببندند و در دریا اندازند اگر ممکن شود و الا او را سنگین کنند و رو بقبله با دریا اندازند و چون جنازه نزدیک قبر رسد سنت است که

الثانی ماه ششم است از محرم و در نصف این ماه مولد حضرت سجاد ع بود و در این روز جنگ جمل واقع شد و نصرت بر علی ع نازل شد جمادی الثانی ذکر کرده اند که در اینماه حوادث عجیبه بسیار واقع شد و لهذا عرب گفته است العجب کل العجب بین الجمادی و الرجب و در اول اینماه ملک بر پیغمبر ص نازل شد در بیستم اینماه وفات حضرت فاطمه ع واقع شد و در نصف ماه چون ابن زبیر متولی امر خلافت شد خانه کعبه را بدست خراب کرد و دو در از برای آن قرار داد که از یکی داخل شوند و از دیگری خارج شوند و بعد از آن عبد الملک بن مروان بحال اول رد کرد خانه کعبه را و در مثل این روز در سال هفتاد و سه عبد الله بن زبیر را کشتند و او هفتاد و سه ساله بود و در بیستم اینماه در سال دویم از مبعث حضرت فاطمه ع متولد شد و بعضی گفته اند در پنجم هجرت آنحضرت متولد شد و در بیست و هفتم این ماه ابی بکر ملعون وفات یافت و امر خلافت را عمر لعین غصب کرد رجب این ماه را بجهت آن رجب گویند زیرا که ترجیب کرده شده است زیرا که در زمان جاهلیت نیز عرب تعظیم این ماه میکردند و این ماه را اصب نیز گویند زیرا که در اینماه از جانب الله رحمت و مغفرت میریزد بر بندگان و اصم نیز گویند از آن زیرا که در اینماه صدای فریادخواه و مظلوم را کسی نشنید و بعضی گویند بواسطه آن اصم گویند که در اینماه صدای اسلحه را کسی نمیشنید و این ماه را متصل الاسنه نیز گویند زیرا که عرب در اینماه سنانها را می کندند از نیزه ها زیرا که در اینماه قتال نزد ایشان حرام است در اول اینماه نوح بکشتی سوار شد و در اول جمعه اینماه امام محمد باقر ع متولد شد و در سیم این ماه حضرت هادی ع وفات یافت و ابن عیاش ذکر کرده است که مولد هادی در دویم رجب بود یا در پنجم رجب بنا بر اختلاف روایت و نیز ابن عیاش ذکر کرده است که در دهم اینماه مولد جواد ع بود و در سیزدهم اینماه در روز جمعه مولد علی بن ابی طالب در اندرون خانه کعبه دوازده سال قبل از نبوت و حضرت پیغمبر ص در آنوقت بیست و دو ساله بود و در نصف اینماه

او را [illegible] اگر مرد باشد پای قبر بگذارند و اگر زن باشد برابر قبله قبر بگذارند و مشهور آنست که سه مرتبه او را بگذارند و بمرتبه چهارم بقبر میگذارند و آنچه در روایات معتبر وارد شده آنست که چون میت را نزدیک قبر رسانند [illegible] و کار را با او بگذار و او را باگاه بقبر برد و ذراع یا کمتر و پایین تر از قبر برد و ذراع بگذار و ساعتی صبر کن تا میت تهیه اسباب خود را ببیند و برای سؤال قبر زیرا که قبر را هولهای عظیم است و دعا کن که خدا او را در اینها مدد کند بر اهوال قبر و سنت است که سر میت را پیش کنند و از پیش پای قبر سرازیر کنند و جمعی از علما گفته اند که زنرا بقبر برند و بعضی قبر را از پیش از قبله میبرند چنانچه در اخبار وارد شده است و بعضی از روایات وارد شده است که شخصی که بقبر میرود که سنت است که بند های قبا را بگشاید و پا برهنه [illegible]

باب ۴۱ در احکام شهور عربیه و وجه تسمیه آنها

پیغمبر از شعب بیرون آمد و در این روز بعد از پنج ماه از هجرت فاطمه را بعلی عقد کرد و در
این روز اشهاد و املاك واقع شد و در این روز فاطمه سیزده ساله بود و بعضی گفته اند آن
حضرت نه ساله یا ده ساله بود و در این روز زام داود دعا کرد و در این روز قبله از بیت المقدس
بکعبه متحول شد و مردم در نماز عصر بودند چنانکه بعضی از نماز ایشان روی به بیت المقدس
واقع شد و بعضی روی بکعبه و بیست و دوم این ماه معویه بادشاه شد و در بیست و پنجم این
ماه حضرت کاظم ع وفات یافت و در بیست و هفتم اینماه مبعث پیغمبر ص بود شعبان این ماه را شعبان
نام کردند بواسطه تشعب و تفرق عرب در اینماه بسوی غارات و مساکن خود و در دویم اینماه
در سال دویم از هجرت روزه رمضان واجب شد و سیم اینماه امام حسین ع متولد شد و در نصف این
ماه مولد حضرت قائم ع بود و در بیستم ماه نیروز معتضدی بود زیرا که نیروز الفرس در
دهم ایان ماه بود معتضد انرا در دهم حزیران قرار داد زیرا که اهل سواد از زارعان باو شکایت
کردند که دیوانیان خراج را قبل از رسیدن غله و حصاد ان حواله می کنند و ما بنفع قرض
کرده می دهیم و ضرر بسیار بما میرسد معتضد قرار داد که طلب خراج نکنند در این نیروز
الفرس و انرا تاخیر کنند تا دهم حزیران رمضان چون اینماه را در شدت گرما تسمیه
کردند انرا رمضان نام کردند زیرا که رمضاء در لغت حجاره را گویند که از شدت گرمی
افتاب گرم شده باشد و بمعنی شدت گرما نیز آمده است و بعضی گفته اند که این ماه را رمضان
گویند که مردم از گرمای جوع و عطش محترق می شدند زیرا که رمض بمعنی احتراق است و اینماه را
مضمار نیز میگویند زیرا که میدان سبق عباد و زهاد است بسبب عبادات و تقربات
و اول اینماه در سال صد و یکم از هجرت مردم با امام رضا ع بیعت کردند و در دهم اینماه در سال
دهم از مبعث پیغمبر ص سه سال قبل از هجرت خدیجه ع وفات کرد و در همین سال سه روز
قبل از وفات خدیجه ابو طالب عم پیغمبر ص وفات یافت لهذا این سال را پیغمبر ص عام الحزن نام نهاد

فرود آرد و بپوشد از دو سر و پایش برهنه باشد و یا زانش که یك کس برود یا زیاده خواه طاق باشد و خواه جفت و اکثر علما گفته اند مکروه است اگر میت محرم باشد خویش او را بقبر برند و انچه از احادیث ظاهر میشود انست که پدر را مکروه است که در قبر فرزند داخل شود و فرزند و سایر اقارب باکی نیست و اگر میت زن بوده باشد احوط انست که محرم او را بقبر برد و اگر محرم نبوده باشد زن صالحه و اگر زن صالحه نبوده باشد مرد صالح پیر و بیرون آمدن سنت است که از پیش پای قبر باشد و سنت است که چون میت را نزدیك قبر بگذارند بگوید اللهم عبدك و ابن عبدك و ابن امتك نزل بك و انت خیر منزول به و چون میت را بردارد که بقبر برد بگوید بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و اله اللهم الی

و نصف این ماه تولد حضرت امام حسن ع واقع شد و در شب هفدهم اینماه لیلة البدر بود که انرا
لیلة الفرقان نیز گویند و هفدهم اینماه جنگ بدر واقع شد و شب نوزدهم اینماه وفد حاج
نوشته می شود و در این شب امیر المؤمنین ضربت خورد و بیستم اینماه در سال هشتم
از هجرت مکه معظمه فتح شد و در این روز علی ع پای خود را بر دوش مبارك پیغمبر ص نهاد و
بتها را شکست و بیست و یکم اینماه پیغمبر ص باسمان رفت و در این روز حضرت عیسی را باسمان بردند
و در این روز حضرت علی ع و حضرت موسی و یوشع مقبوض شدند و در مجمع البیان طبرسی مذکور است
که سه روز از این ماه گذشته بود که صحف ابرهیم ع نازل شد و توریة شش روز از این
ماه گذشته بود که نازل شد و سیزده روز از اینماه گذشته بود که انجیل نازل شد و هجده
روز گذشته بود که زبور نازل شد و بیست و چهار روز گذشته بود که قرآن نازل شد و
شب بیست و سیم اینماه از لیالی احیاست و این شب را لیلة الجهنی گویند و حدیث آن باینطور است
که گفت یا رسول الله خانه من دور است مرا امر کن یکشبی از اینماه داخل مدینه شوم آنحضرت
فرمود شب بیست و سیم اینماه داخل شو و این شب شب قدر است بنابر خلاف معروف و
شبهای احیا بنابر مشهور هفت است شب عید فطر و شب عید قربان و شب نصف شعبان
و شب اول رجب و شب اول محرم و شب عاشورا و شب قدر که گویند یعنی شب بیست و سیم
و ذکر اقوال علماء در اختلاف در شب قدر لایق این مقام نیست و قول ایشانست از برای عمل
که سبب پنهانست گفته اند که اخفی من لیلة القدر شوال این ماه را شوال نام کردند
زیرا که شتر از شدت شهوت ضراب شوال ذنب خود را می کند یعنی دم خود را بلند می کند
و از این جهت است که عرب مکروه می دانند که در اینماه تزویج کنند و دیگر انکه قبایل عرب در این
ماه از اماکن خود کوچ می کنند و از ان اماکن مرتفع می شوند و حدیثی از پیغمبر ص مرویست که این
ماه را بواسطه ان شوال می گویند که گناهان مؤمنین در این ماه مرتفع شده است یعنی در ماه

بلادك الی رحمتك اللهم افسح له فی قبره و لقنه حجته و ثبته بالقول الثابت و قنا و ایاه عذاب القبر و چون میت را در قبر بگذارد دستها که بندهای کفن را بگشاید و روی میت را باز کند و طرف راست روی او را بر زمین برساند و اگر زیر رویش از خاك بلند تر کند بد نیست سر او را بگذارد که بر پشت نخوابد و سنت است که مهری از تربت حضرت امام حسین ع در برابر روی او بگذارد و اگر تربت حضرت امام حسین را نیز در کفن بگذارد بهتر است و بگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم پس سوره فاتحه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند و اگر حاضران هم بخوانند بهتر است پس بگوید بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و اله اللهم صل علی محمد و ال محمد اللهم افسح

باب ۱۴ در احکام شهور عربی و ایام متبرکه و منحوسه

رمضان از گناه پاک شده اند و در اینماه برایشان کافی نیست ولیکن ماه اول اشهر حج است و روز اول
ان عید فطر است و این روز را یوم الرحمة گویند زیرا که خدای تعالی در این روز بر بندگان خود
رحم میکند و در اینروز خدای تعالی وحی کرد بزنبور عسل که عسل را بسازد و در نصف ماه
و بعضی گفته اند در هفدهم اینماه جنگ احد واقع شد و در اینروز مقتل حمزه بود و در
اینروز آفتاب برای امیرالمؤمنین رد شد و در آخر اینماه ایام نحساتی است که خداوند عالم
در ان قوم عاد را هلاک نمود و بعضی گفته اند ایام نحسات ایام برد العجوز است ذوالقعده
و این ماه را ذوالقعده گویند بواسطه آنکه در اینماه عرب از حرب و غارات اختیار قعود
میکردند بجهة آنکه از اشهر حرم است و در اول اینماه خدای تعالی موسی وعده سی شب کرد با موسی
و در پنجم اینماه ابرهیم و اسمعیل تعمیر خانه کعبه کردند قاعدهٔ خانه کعبه را بلند کردند و در بیست و
پنجم اینماه دحو الارض واقع شد و ابن بابویه در ثواب الاعمال گفته است که در شب بیست و پنجم
اینماه ابرهیم و اسمعیل و عیسی متولد شد و در بیست و نهم اینماه خدای تعالی کعبه را انزال کرد و آن اول
رحمتی بود که از اسمان نازل شد ذی الحجه اینماه را بواسطه ان ذی الحجه میگویند که اداء مناسک
حج در اینماه واقع می شود و ایام معلوماتی که در قران کریمست ده روز اول ذوالحجه است
و ایام معدودات عبارتست از ایام تشریق و روایتی انست که میقات موسی تمام ماه ذی القعده
بود پس حقتعالی انرا تمام کرد بده ذی الحجه و ایام معلومات عبارتست از این ده روز است و در
اول اینماه ابوبکر معزول شد از تادیه سوره برائة و این امر بعلی مرجوع شد و در اینروز حضرت
ابرهیم متولد شد و در اینروز حضرت ابرهیم را خلیل خود خواند و در این روز پیغمبر
بعلی تزویج کرد و در روایتی واقع است که در ششم اینماه بود که تزویج واقع شد چنانچه شیخ طوسی
این روایت را در مصباح خود ذکر کرده و بعضی گفته اند که این تزویج در ماه رجب واقع
شد و ذکر این گذشت قبل از این و در ششم اینماه توبه آدم قبول شد و در هفتم اینماه حضرت

والحقه بنبيه صلى الله عليه واله اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان مسيئا فاغفر له وارحمه وتجاوز عنه پس بگو اللهم جاف الارض عن جنبيه وصاعد عمله ولقه منك رضوانا پس بگو اللهم عبدك وابن عبدك وابن امتك نزل بك وانت خير منزول به اللهم افسح له في قبره ولقنه حجته والحقه بنبيه وقه شر منكر ونكير و ايضا بسم الله وبالله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه واله اللهم عبدك ابن عبدك نزل بك وانت خير منزول به اللهم عبدك ابن عبدك نزل بك اللهم افسح له في قبره ولقنه حجته والحقه بنبيه اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا وانت اعلم به منا و بروایت معتبر دیگر بگوید

موسی بر سحره فرعون غالب شد و این روز را یوم الزینه نیز گویند و هشتم اینماه یوم الترویه است
و نهم اینماه روز عرفه است و در اینروز درهای اصحاب که بمسجد الحرام گشوده می شد مسدود شد
مگر در خانه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و در اینروز مسلم و هانی در کوفه شهید شدند و
بعضی گویند معراج پیغمبر در اینروز واقع شد و در اینروز ولادت حضرت عیسی و یحیی
و در دهم اینماه عید قربانست و سه روز بعد از ان ایام تشریقست و در دوازدهم اینماه اشهاد سنت
شد و هیجدهم اینماه روز غدیر است و در اینروز پیغمبر علی را بامیری اصحاب خود منصوب کرد و عقد اخوت واقع کرد
و در این روز عثمان مقتول شد و در شب نوزدهم اینماه علی بر حضرت زهرا داخل شد و آن
جمعه بود و در بیست و یکم اینماه توبه داود نازل شد و در بیست و چهارم اینماه علی بر فراش
پیغمبر خوابید و این روز روز تصدق انحضرت بخاتم خود و روز مباهله است و در روایتی
وارد شده که بیست و یکم اینماه روز مباهله است و در بیست و پنجم اینماه سوره هل اتی در باب اهل کسا
نازل شد و در بیست و هفتم اینماه عمر مقتول شد و خواندن که روز قتل او همین روز است بعضی گفته اند **باب ۱۵**
در ضمن اخبار ما ذکر کردیم و در طی آنچه ذکر کردیم ذکر ایام هفته معروف و فصول اربعه
موسوفه داخل می شود اما ایام پس میگوئیم که روز یکشنبه اول ایام هفته است و در این روز
خدای تعالی خلق عالم را ابتدا کرد و این روز عید نصاریست و ایشان کار نکرده اند که اینروز
صلاحیت ابتدای امور دارد و این روز تعلق بافتاب دارد و در این روز دیدن ارباب
دولت و سلاطین بسیار خوبست و در کتاب ربیع الابرار زمخشری مذکور است که عذاب ثمود
در روز یکشنبه واقع شد و در حدیث وارد است که نعوذ بالله من شر یوم الاحد فان له
حد کحد السیف یعنی پناه میبرم بخدای تعالی از شر روز یکشنبه بواسطه آنکه او را تندی
مثل تندی شمشیر است و روز دوشنبه تعلق بقمر دارد و این روز از برای تجارت و معاش بسیار
خوبست و این روز روز دیدن خلق دنیاست و حضرت پیغمبر بسیار بر روزه این روز و روز پنجشنبه

اللهم ما ربيته ... عبدك ابن عبدك نزل بك وانت خير منزول به اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان مسيئا فتجاوز عنه والحقه بنبيه محمد صلى الله عليه واله وصالح شيعته واهدنا واياه الى صراط مستقيم اللهم عفوك عفوك و بروایت معتبر دیگر این دعا بخواند اللهم هذا عبدك و ابن عبدك و بجای فلان نام او را بگوید و ابن امتك نزل بك وانت خير منزول به قد احتاج الى رحمتك اللهم ولا نعلم منه الا خيرا وانت اعلم بسريرته ونحن الشهداء بعلانيته اللهم جاف الارض عن جنبيه ولقنه حجته واجعل هذا اليوم خير يوم اتى عليه واجعل هذا القبر خير بيت نزل فيه وصيره الى خير مما كان فيه ووسع له في مدخله وآنس وحشته واغفر ذنبه ولا تحرمنا اجره

در تعلق ایام بکواکب

مواظبت میکرد و سفر نمود که در این روز اعمال بندگان باسمان میرود و من دوست میدارم که عمل من
ملبند شود و حال انکه روزه ماشم در این روز و در روز پنجشنبه و ابن الجوزی در کتاب رشد و العقود
ذکر کرده است که پیغمبر ص در روز دوشنبه متولد شد و در روز دوشنبه مبعوث شد و در
روز دوشنبه مقبوض شد و در روز دوشنبه مبعوث شد و در روز دوشنبه از مکه بیرون رفت
و در دوشنبه داخل مدینه شد و بعضی از علما این روز را شوم میدانند و بسیاری سخن در مذمت
این روز ایراد نموده اند و از انجمله شیخ مفید است در کتاب مزار خود مذمت این روز را
کرده و ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه ذکر کرده است و سید عبد الدین در شرح
قواعد ذکر کرده است و ما نیز در باب آداب سفر ذکرش کردیم و اعاده او لایق باین مختصر نیست و روز سه
شنبه تعلق بمریخ دارد و این روز از برای ملاقات دشمن و جهاد در راه خدا بسیار خوبست
زیرا که پیغمبر ص فرموده است که سفر کنید در روز سه شنبه و در این روز طلب حاجات خود
کنید زیرا که این روزیست که خدای تعالی در این روز آهن را برای داود نرم کرد و در این روز
حجامت محمود است و در روایتی وارد شده که هر گاه حجامت هر که را در روز سه شنبه هفدهم
ماه اتفاق افتد این حجامت شفای اوست و در این روز حوا حایض شد و این روز حرب خوبست
و روز چهار شنبه تعلق بعطارد دارد و این روز برای علوم و حکمت و کتابت و حمام رفتن خوبست
و از حضرت پیغمبر ص مرویست که هیچ امری در روز چهار شنبه تمام نکنند مگر انکه آن امر تمام شود و این
روز نزد علما شوم است خصوصا خصوصا چهار شنبه آخر ماه و بعضی گفته اند چهار شنبه آخر ماه
و از صفر و احتراز احوط است و ما باین معنی اشاره کردیم در باب آداب سفر و در انجا ایام
نحسات که در هر ماه و سال نحس است ذکر کردیم روز پنجشنبه تعلق بمشتری دارد و این روز از برای ملاقات
قضاه و علما و اکابر و امرا خوبست و این روز مبارکی است از برای طلب حوائج و ابتدا نمودن
سفر در کتاب علل مذکور است که روز پنجشنبه روزیست که سزاوار است که باو انس بگیرند و در این روز

ابلیس

تلقینا بعده وما ولا
کرد در اینجا عقاید حق را تلقین وسنت ایشان
او کند خصوصا ولایت ائمه
معصومین و بهتر انست که بدست
راست شانه راست او را بگیرد و بدست چپ دوش
او را حرکت دهد و تلقین کند و اگر
باین نحو بگوید جامع تر است اسمع
افهم اسمع افهم اسمع افهم اسمع افهم
یا فلان بن فلان و نام پدرش را
بگوید هل انت علی العهد الذی
فارقتنا فیه من شهادة ان لا
اله الا الله وحده لا شریك له وان
محمدا صلی الله علیه وآله عبده
ورسوله وسید النبیین و
خاتم النبیین وان علیا امیر
المؤمنین وسید الوصیین
وامام افترض الله طاعته علی
العالمین وان الحسن والحسین
وعلی بن الحسین ومحمد بن علی و
جعفر بن محمد وموسی بن جعفر بن
وعلی بن موسی ومحمد بن علی و
علی بن محمد

در اختیارات ایام هفته

ابلیس ملعون شد و ادریس باسمان رفت و این روز پنجم است از ابتدا خلقت دنیا و صاحب کتاب
عجایب گفته است که در این روز و در روز جمعه حجامت مکروه است و ذکر کرده که رشید
در این روز حجامت کرد و بزودی فوت شد و در روایت وارد است که پیغمبر نهی فرمود از
حجامت کردن در این روز و فرمود کسیکه در روز پنجشنبه حجامت کند و تب کند در ان تب
بمیرد روز جمعه تعلق بزهره دارد و این روز از برای تزویج و فرح خوبست و این روز عید
ملت حنیفیه است و سید روزهاست و ذکر فضل این در باب آداب روز جمعه مذکور است
و روز شنبه تعلق بزحل دارد و این روز برای عمل فلاحت و قضاء حوائج خوبست و این روز
عید یهود است و گفته اند که این روزیست که خدای تعالی از خلق اشیا فارغ شد و گمان
کرده اند که امور یکه در شنبه واقع میشود تا شنبه دیگر استمرار ندارد و از اینجهة است که در
این روز یهود امتناع میکنند از داد و ستد و مسلمانان با ایشان مخالفت دارند در اینمعنی
بواسطه قول پیغمبر ص که فرموده است مبارک باد از برای امت من در شنبه و پنجشنبه ایشان و
باید که در روز شنبه داد و ستد واقع شود و علی بن ابراهیم در تفسیر خود گفته است که خداوند
عالم جایز که عبارت از ابو الجن است در روز شنبه خلق کرد و زمین را در روز یکشنبه خلق
کرد و جانوران بر و بحر را در روز دوشنبه خلق کرد و در روز دیگر در قول خدای تعالی واقع
شده است که آئنکم لتکفرون بالذی خلق الارض فی یومین مراد یکشنبه و
دوشنبه است و درخت و نبات و زمین و انهار او و بحر در او وست و حشرات الارض را روز
سه شنبه خلق کرد و طیور را روز چهار شنبه خلق کرد و ملئکه را در روز پنجشنبه خلق کرد و ادم را
در روز جمعه خلق کرد و شیخ طبرسی در مجمع البیان از پیغمبر ص روایتی ذکر کرده است که فرمود
خدای تعالی زمین را روز یکشنبه و دوشنبه خلق کرد و درخت و آب و آبادانی و خرابی را روز چهار شنبه
خلق کرده است و روز جمعه آفتاب و ماه و ستارها و ملائکه و ادم را خلق کرده است و اسمانرا در

المتقین
و محسن بن علی المهدی
والقائم الحجة ائمة المؤمنین
صلوات الله علیهم اجمعین ائمتك
وحجج الله علی الخلق اجمعین یا فلان ابن فلان
ائمة هدی ابرار یا فلان ابن فلان
اذا اتاك الملکان المقربان
رسولین من عند الله تبارك و
تعالی وسئلاك عن ربك و
عن نبیك وعن کتابك وعن
قبلتك وعن ائمتك فلا تخف ولا
تحزن وقل فی جوابهما الله جل
جلاله ربی ومحمد صلی الله علیه
وآله نبیی والاسلام دینی والقرآن
کتابی والکعبة قبلتی وامیر
المؤمنین علی ابن ابی طالب امامی
والحسن بن علی المجتبی امامی و
الحسین بن علی الشهید بکربلا
امامی وعلی زین العابدین امامی
ومحمد باقر علم النبیین امامی وجعفر بن
محمد الصادق امامی وموسی الکاظم
امامی وعلی الرضا امامی ومحمد
الجواد امامی

وعلی الهادی
امامی والحسن العسکری
امامی والحجة المنتظر امامی صلوات
الله علیهم اجمعین ائمتی وسادتی
وقادتی وشفعائی بهم اتولی
ومن اعدائهم اتبرء فی الدنیا و
الاخرة ثم اعلم یا فلان ابن فلان
ان الله تبارک وتعالی نعم الرب
وان محمدا صلی الله علیه وآله
نعم الرسول وان امیر المؤمنین علی
ابن ابی طالب واولاده الائمة
الاحد عشر نعم الائمة وان ما
جاء به محمد صلی الله علیه وآله
حق وان الموت حق وسؤال منکر
ونکیر فی القبر حق والبعث
حق والنشور حق والصراط حق و
تطایر الکتب حق والجنة
حق والنار حق وان الساعة آتیة
لا ریب فیها وان الله یبعث من
فی القبور پس بگوید افهمت یا
فلان بن فلان در حدیث است که
میت در جواب میگوید بلی فهمیدم
پس بگوید ثبتک الله

باب ٤٠ در اختیار ایام سبعه

روز پنجشنبه خلق کرده است و از ابیاتیکه منسوبست بحضرت امیر المؤمنین که در ایام سبعه کرده اند
اینست که فرموده است اری الاحد المبارک یوم سعد لغرس العود مصلح والبناء
وفی الاثنین للتعلیم کرم وبالبرکات یعرف والرخاء وان رمت الحجامة فی الثلثا
فذاک الیوم اهراق الدماء وان احببت ان تسقی دواء فنعم الیوم یوم الاربعاء
وفی یوم الخمیس طلاب رزق لادراک الفوائد والغناء ویوم الجمعة التزویج فیه
ولذات الرجال مع النساء ویوم السبت ان سافرت فیه وقیت عن المکاره والعناء
وهذا العلم لا یعلمه الا نبی او وصی الانبیاء یعنی میبینم روز یکشنبه را روز مبارک
سعدی که صلاحیت دارد از برای درخت نشاندن و بنا نهادن و روز دوشنبه صلاحیت
دارد از برای تعلیم و این روز معروفست ببرکات و رخاء و اگر اراده حجامت داری در روز
سه شنبه باید کرد که روز ریختن خونست و اگر خواهی دوا بخوری در روز چهار شنبه خوبست
و در روز پنجشنبه طلب رزق خوبست و روز جمعه از برای تزویج و لذت یافتن مرد از زن
خوبست و روز شنبه از برای سفر خوبست اگر در این روز سفر کنی از مکاره و عنا محفوظ خواهی

باب ٤١ در فصول اربعه

ماند و این علم را نمیدانند مگر نبی یا وصی نبی پس بدانکه زمان عبارتست از
مرور ایام و لیالی و این زمان منقسم میشود بقرون و قرون منقسم می شود بسالها و سالها
منقسم می شوند بماهها و ماهها منقسم می شوند بایام و ایام منقسم شوند بساعات
و ساعات بدقیقها و زمان حیات انسان بهترین راس المال اوست بواسطه آنکه با آن میتوان
کسب کند کل سعادات را و آن جوهر گرانمایه ایست که قیمت ندارد و زمان شب و روز
معروفست قسمت میشود به بیست و چهار ساعت هر یک از شب و روز از دوازده ساعت
کم و زیاد میشود و درازترین روزها روز سیزدهم حزیرانست و درازترین شب سیزدهم کانون الاول
و در سیزدهم آذار شب و روز معتدل می شوند و هم چنین در شانزدهم ایلول شب و روز

معتدل می شود و بدرستیکه تشبیه کرده اند اوقات شب و روز را بفصول اربعه پس وقت صبح را
بمنزله بهار قرار داده اند و وسط روز را بمنزله تابستان قرار داده اند و نصف شب را بمنزله زمستان
و فصل بهار نزد ایشان وقتی است که آفتاب در حمل و ثور و جوزا باشد و ماههای آن آذار
و نیسان و ایار است و در این فصل خون که طغیان می کند و اخراج خون در این فصل
محمود است و تخم مرغ نیم برشت و کاسنی و شیر بز و شیر میش و سرکه و شکر و هر چیزی که لطیف است
مثل جوجه مرغ و دراج در این فصل باید خورد و در این فصل سیر و پیاز و سبزیهای تند نباید
خورد و هم چنین طعام بطی الهضم و در این فصل کثرت جماع و تعب و اسهال بطن و استحمام
خوبست و علامت کسیکه خون بر او غالب است سرخی رنگ و امتلاء بدن و انتفاخ عروق
و حلاوت دهن است و فصل تابستان وقتی است که آفتاب در سرطان و اسد و سنبله
باشد و ماههای آن حزیران و تموز و آب است و در این فصل صفرای حاره یابسه غالب میشود
و در این فصل چیزهای ترش سرد می باید خورد مثل گوشت گوساله که در سرکه پخته باشند
و مثل جوجه مرغ فربه که در آب جو و آب غوره پخته باشند و ترنج ترش و آلو و انار ترش
و سبزیکه برودت بر او غالب باشد و تخم مرغ نیم برشت و در این فصل جماع کم باید کرد و تعب
بخود راه نباید داد و کمتر بحمام باید رفت و خون از بدن خود کم باید اخراج کرد و ریاحین
حاره بوی نباید کرد و از طیب حار مثل مشک و عنبر احتراز باید نمود و در این فصل غرغره
نباید و مسهل نباید خورد مگر بواسطه ضرورتی و در این فصل قی باید کرد و علامت غلبه
صفرا از زردی رنگ و ضعف قلب و خواهش چیزهای سرد و تندی نفس و سرعت نبض و تلخی
دهن است فصل پائیز فصلی است که آفتاب در میزان و عقرب و قوس و جدی باشد و ماههای
آن ایلول و تشرین اول و تشرین ثانی است و در این فصل سودای بارده غالب می شود و در این
فصل باید جماع و فصد و استحمام باید و دوای مسهل و اضافه حلویات باید خورد و ریاحین حاره

بالقول الثابت
هداک الله الی صراط مستقیم
عرف الله بینک وبین اولیائک
فی مستقر من رحمته پس بگوید
اللهم جاف الارض عن جنبیها
واصعد بروحها الیک ولقه
منک برهانا اللهم عفوک
عفوک پس خشت بر لحد بگذارد
واجر چینه نیز خوبست و خشت خام
بهتر است و اگر خشتی بین را باشد
بگذارد و بر رخنه خشت دیگر باید
یا بگل رخنه را بگیرد و اگر خشتها
کوچک باشد هر کند و بر هر رخنه
رخنها را محکم کند که خاک بر میت
نریزد و در وقت چیدن خشت این
دعا را بخواند اللهم صل وحدته
وانس وحشته وآمن روعته و
اسکن الیه من رحمتک رحمة
تغنیه بها عن رحمة من سواک
فانما رحمتک للظالمین و بروایت
دیگر رحمة یستغنی بها عن رحمة
من سواک واحشره مع من کان یتولاه
مکرره است

یو باید کرد و بعد از طعام میوه باید خورد و در این فصل از طعام و شراب بارد یابس احتراز باید کرد و هر چیزی حار رطب است مثل جوجه و بره و انکور شیرین باید خورد و علامت غلبهٔ سودا آشیا لون و لاغری بدن و اندوه و ترس و فکر بسیار و عفوصت دهن و تبقض است فصل زمستان کاهی است که افتاب در جدی و دلو و حوت باشد و ماههای آن کانون اوّل و کانون ثانی و شباط است و در این فصل بلغم بارد رطب غالب می شود و در این فصل خرمای کرم بخورد مثل کبوتر بچه و کنجشک و بره یکساله و کردکان و انجیر و سبزیهای تند و حلویات و در این فصل از اطعمه بارده و اب سرد در عقب خواب و شرب مسهل و استفراغ احتراز باید کرد مکر بواسطه ضرورتی و در این فصل حرکت و جماع بسیار کند و علامت غلبهٔ بلغم خواب بسیار کردن و شیرینی دهن است و در اینجا اشاره بفایده ایست هرکاه خواهی بدانی که قمر در چه برج است انچه از ماه عربی کذشته است مضاعف سازد و پنج روز بران بیفزا انچه جمع شود ابتدا از عدد برج شمس کرده بازاء هر برجی پنج روز بینداز و بهر برجی که منتهی شود که از پنج روز کمتر مانده است قمر در ان برج است مثلا هرکاه افتاب در برج دلو باشد و از ماه یازده روز کذشته باشد یازده را مضاعف سازیم بیست و دو شود و پنج را بر او اضافه کنیم بیست و هفت شود بیست و پنج روز بازاء بیست و پنج برج که ان دلو و حوت و حمل و ثور و جوزا است پس افتاب در برج ششم است که ان سرطانست و اکر خواهیم بدانیم که افتاب در چند درجه سرطانست دو را در شش ضرب کنیم دوازده شود پس افتاب در دوازده درجه سرطان خواهد بود و اکر خواهیم بدانیم که افتاب در کدام برجست انچه از ماه عربی کذشته است مضاعف باید کرد و پنج روز بران اضافه باید کرد و ابتدا از موضع قمر باید کرد و بازاء هر برجی پنج روز را باید انداخت بر عکس بجهت مغرب پس هرکاه منتهی شود ببرجی که پنج تمام نمیشود و افتاب در ان برجست اما اسماء بروج دوازده کانه حمل و الثور و جوزا السرطان و رعی اللیث سنبل المیزان و رمی العقرب

باتابوت کذاشتن مکر انکه زمین بر در او دریا نم بسیار داشته باشد و چون از پیش قبر بیرون اید بکوید انا لله و انا الیه راجعون و الحمد لله رب العالمین اللهم ارفع درجته فی اعلی علیین و اخلف علی عقبه فی الغابرین و عندک نحتسبه یا رب العالمین پس سنت است که حاضرین بپشت کف دست خاک بر قبر بریزند و اکر بر شکم دست کفها را پر کنند و بریزند نیز خوبست و سنت است که سه مرتبه بریزند و در وقت ریختن خاک بکویند اللهم ایمانا بک و تصدیقا بکتابک هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله اللهم زدنا ایمانا و تسلیما و در حدیثست که هر که چنین کند واینده عاید انحق تعم هر ذره از خاک حسنه برای او بنویسد و مکروه است که خویشان میت خاک بر قبر بریزند که موجب قساوت قلب و ...

من القوس جدی واستقی الدلو برکة الحیتان یعنی دوازده برج بان ترتیب است حمل و ثور و جوزا و سرطان و لیث یعنی اسد سنبله میزان عقرب قوس جدی دلو حوت بدانکه این بیتی که خواهد امد مشتمل است بر دوازده کلمه و هر کلمه سه حرفست حرف اول اشاره بماه عربی و حرف دویم اشاره بروز و قفه و حروف سیم اشاره باول ماه رمضانست و ان بیت اینست مهو صحد رمح روح حهد حده رجد شاب ضرج شهو ده زطی محصلا و بیان این است که مدالی ان ماهی را کردان داخلی پس بدانکه مهو سه حرفست میم اشاره است بمحرم و ها در حساب جمل پنجست و واو ششست پس پنجم محرم را باید دید چه روز است همان روز روز ششم انرا باید دید چه روز است اول رمضان ان روز است و این حساب را ابن طاوس در کتاب اقبال ذکر کرده است و کفعمی را دو بیت هست که مشتمل است بر بیان نزول شمس در بروج اثنی عشر ذکر ماههای رومی هم چنین ذکر بروج بترتیب است و این بیت دوازده کلمه است هر کلمه چهار حرفست حرف اول اشاره است ببرجی که افتاب دران نزول می کند و حرف دویم و سیم اشاره است بعدد ایام ماضیه از ماه رومی و ان بحساب جمل است و حرف رابع اشاره است باسم ماه رومی و ان دو بیت این است حکا تیهش جیهنا سیح ایجب سیزب میتول عتهب فهص جیحك ریحك حیحت حا اشاره بحمل است و یا و جیم اشاره بسیزدهم ماه و الف اشاره است باذار ماه رومی و باقی دیکر بر این قیاس است و اما احوال حضرت معصومین و حضرت فاطمه و ائمه علیهم السلام این جدول شامل کلیات انها علی وجه الاتیان

باب چهل و هفتم در جدول احوالات چهارده معصوم علی وجه الاختصار

تلقین میت

رحمت الهی است و سنت است که از غیر خاک اهل بیت قبر نریزند ... سنت است که بر او سنت است که میت ... که بانکشت چهار انکشت باشد کشاده و بعضی بقدر چهار انکشت کشاده و بعضی بهم اورده چهار انکشت ... کفته اند و ظاهر امر دو خوب باشد دور نیست که یکشبر نیز مجوز باشد و مستحب است که قبر را چهار کوشه کنند و مسنم نکنند و روی انرا پهن کنند و خراشیده نکنند بنحوی که سنیان میکنند و بعد از ان اب بر قبر بریزند و رخصت است که تا نزدیک قبر بریزند ... غذاب برمیکنند و سنت است که اب را بدیده رو بقبله ها ایستند و ابتدا از پیش سر کنند و بر یکجانب قبر بریزند تا پیش پا و بکردانند بجانب دیکر بریزند تا پیش سر و بعد از ان میان قبر بریزند و سنت است که اب را قطع نکنند و متصل بریزند تا تمام شود و مستحب است بعد از ریختن دست بر قبر کذارند و کشاده باشد حالتیکه انکشتان اثر انکشتان بر کل بماند و قوت کنند تا اثر انکشتان بماند و از بعضی روایات مفهوم میشود که رو بقبله باشند

باب هفتم

یو باید کرد و بعد از طعام میوه باید خورد و در این فصل از طعام و شراب بارد باید احتراز باید کرد و هر چیزی حار رطبست مثل جوجه و بره و انکور شیرین باید خورد و علامت غلبهٔ سودا سیاهی لون و لاغری بدن و اندوه و تهور و فکر بسیار و عفوصت دهن و تبغض است فصل زمستان کاهی است که افتاب در جدی و دلو و حوت باشد و ماههای ان کانون اوّل و کانون ثانی و شباط است و در این فصل بلغم بارد رطب غالب میشود و در این فصل چیزهای کرم بخورد مثل کبوتر بچه و کنجشک و بره مکساله و کرد کان و انجیر و سبزیهای تند و حلویات و در این فصل از اطعمهٔ بارده و اب سرد در عقب خواب و شرب مسهل و استفراغ احتراز باید کرد مکر بواسطهٔ ضرورتی و در این فصل حرکت و جماع بسیار کند و علامت غلبهٔ بلغم خواب بسیار کردن و شیرینی دهنست و در اینجا اشارهٔ بفایده ایست هر کاه خواهی بدانی که قمر در چه برجست بچند از ماه عربی کذشته است مضاعف سازو پنج روز بران بیفزا انچه جمع شود ابتدا از عدد برج شمس کرده بازاء هر برجی پنج روز بینداز و بهر برجی که منتهی شود که از پنج روز کمتر مانده است قمر در ان برجست مثلا هر کاه افتاب در برج دلو باشد و از ماه یازده روز کذشته باشد یازده را مضاعف سازیم بیست و دو شود و پنج را برا و اضافه کنیم بیست و هفت شود بیست و پنج روز بازاء بیست و پنج برجست که ان دلو و حوت و حمل و ثور و جوز است پس افتاب در برج ششم است که ان سرطانست و اکر خواهیم بدانیم که افتاب در چند درجهٔ سرطانست دو را در شش ضرب کنیم دوازده شود پس افتاب در دوازده درجهٔ سرطان خواهد بود و اکر خواهیم بدانیم که افتاب در کدام برجست انچه از ماه عربی کذشته است مضاعف باید کرد و پنج روز بران اضافه باید کرد و ابتدا از موضع قمر باید کرد و بازاء هر برجی پنج روز را باید انداخت بر عکس بجهت مغرب پس هر کاه منتهی شود برجی که پنج تمام نمیشود و افتاب در ان برجست اما اسماء بروج دوازده کانه حمل و الثور و جوزا و السرطان و رعی الليث سنبل المیزان و رمی العقرب

در ترتیب دوازده برج

من القوس جدیا و استقی الدلو برکة الحیتان یعنی دوازده برج بان ترتیبست حمل و ثور و جوزا و سرطان و لیث یعنی اسد سنبله میزان عقرب قوس جدی دلو حوت بدانکه این بیتی که خواهد امد مشتمل است بر دوازده کلمه و هر کلمه سه حرفست حرف اوّل اشاره بماه عربی و حرف دوم اشاره برو رقفه و حروف سیم اشاره باوّل ماه رمضانست و ان بیت اینست مهو صحد ربح روح حمهد حبده رجد شاب ضرج شهود ده زطی نحصلا و بیان ان این است که مدالی ان ماهی را کر دران داخلی پس بدانکه مهو سه حرفست میم اشاره است بمحرم و ها در حساب جمل بخست و واو ششست پس محرم را باید دید چه روز بیست همان روز را روز ششم اورا باید دید چه روز است اوّل رمضان روز است و این حساب را ابن طاوس در کتاب اقبال ذکر کرده است و کفعمی را دو بیت هست که مشتمل است بر بیان نزول شمس در بروج اثنی عشر ذکر ماهها در بیت و هم چنین ذکر بروج بترتیب است و این بیت دوازده کلمه است هر کلمه چهار حرفست حرف اوّل اشاره است ببرجی که افتاب دران نزول می کند و حرف دوم و سیم اشاره است بعدد ایام ماضیه از ماه رومی و ان بحساب جمل است و حرف رابع اشاره است باسم ماه رومی و ان دو بیت این است حجحا تیهش جیهنا

سیحج ایخب سیزب میتول عتهب مهب جیحك

ربحك حمحت حا اشاره بحمل است و یا و جیم اشاره بسیزدهم ماه و الف اشاره است باذار ماه رومی و باقی دیکر بر این قیاس است و اما احوال حضرت معصوم و حضرت فاطمه و ائمه علیهم السلام این جدول شامل کلیات انها علی وجه الاختصار

باب چهل و هفتم در جدول احوالات چهارده معصوم علی وجه الاختصار

جدول اسماء چهارده معصوم و کنیه و لقب ایشان و روز و ماه و سال تولد ایشان

اسماء ایشان علیهم السلام	محمد صلی الله علیه و آله	علی علیه السلام	فاطمه علیها السلام	الحسن علیه السلام	الحسین علیه السلام	علی علیه السلام	محمد علیه السلام
کنیه ایشان	ابو القاسم	ابو الحسن	ام ابیها	ابو محمد	ابو عبد الله	ابو الحسن	ابو جعفر
القاب ایشان	المصطفی	المرتضی	الزهراء	الزکی	الشهید	السجاد	الباقر
مکان تولد ایشان	شعب ابی طالب	الکعبه	المکه	المدینه	المدینه	المدینه	المدینه
روز تولد ایشان	دوشنبه	روز جمعه	روز جمعه	روز سه شنبه	روز پنجشنبه	روز یکشنبه	روز دوشنبه
ماه تولد ایشان	هفدهم ربیع	سیزدهم رجب	بیستم جمادی	نصف رمضان	سیم شعبان	[illegible] شعبان	سیم صفر
سال تولد ایشان	سال الفیل	سی ام عام الفیل	پنج سال بعد بعثت	سال [illegible] هجرت	چهار سال بعد از هجرت	سی و هشت سال	پنجاه و [illegible] سال از هجرت
پادشاهان وقت تولد ایشان	نوشیروان عادل	[illegible] پرویز	یزدجرد	یزدجرد	یزدجرد	امیر المؤمنین	معاویه
نامهای مادر ایشان	آمنه بنت وهب	فاطمه بنت اسد	خدیجه بنت خویلد	فاطمه علیها السلام	فاطمه ع	شاه زنان	ام عبد الله بنت الحسن
نقش خاتم ایشان	[illegible]	الملک لله الواحد القهار	امن المتوکلون	العزة لله	ان الله بالغ امره	[illegible] الله حسبی	العزة لله جمیعا
عدد ازواج ایشان	پانزده زن	[illegible]	حضرت امیر المؤمنین	[illegible]	شش غیر از کنیز	[illegible]	دو زن غیر از کنیز
عدد اولاد ایشان	هفت	سی و هفت	پنج اولاد	پانزده اولاد	شش اولاد	پانزده	هفت اولاد
مدت عمر ایشان	شصت و سه سال	شصت و سه سال	هژده سال	چهل و شش سال	پنجاه و هفت	پنجاه و [illegible]	پنجاه و هفت سال
ایام وفات ایشان	دوشنبه	دوشنبه	دوشنبه	روز پنجشنبه	دوشنبه	روز شنبه	دوشنبه
ماههای وفات ایشان	دو روز باقی از صفر	[illegible] رمضان	سیم جمادی الاخر	روز هفتم صفر	دهم محرم		[illegible] ذی الحجه
سالهای وفات ایشان	یازدهم از هجرت	چهل سال از هجرت	یازدهم از هجرت	پنجاه و [illegible] سال از هجرت	شصت و یک سال	نود و پنج سال	[illegible]
مکان وفات ایشان	مدینه طیبه	نجف الکوفه	المدینه	مدینه طیبه	کربلا	المدینه	المدینه
سبب وفات ایشان	[illegible]	ضربت ابن ملجم	[illegible]	زهر جعده	[illegible]	زهر هشام	[illegible]
قبور ایشان	مدینه	در نجف	در [illegible]	در بقیع	در کربلا	در بقیع	در بقیع
پادشاهان وقت وفات ایشان	[illegible]	معاویه	[illegible]	معاویه بن ابی سفیان	یزید بن معاویه	ولید بن عبد الملک	هشام بن عبد الملک
اسماء ابوابهم	[illegible]	[illegible]	فضه	[illegible]	رشید	ابو خالد کابلی	جابر جعفی

پادشاهان وقت ولادت ایشان و [illegible] نقش انگشتر ایشان و عدد ازواج و اولاد و مدت عمر و روز و ماه و سال و مکان و سبب وفات

و سبب وفات و قبور و پادشاهان وقت وفات و اسماء سفیر ایشان و نواب ایشان علیهم السلام

اسماء ایشان	جعفر علیه السلام	موسی علیه السلام	علی علیه السلام	محمد علیه السلام	علی علیه السلام	الحسن علیه السلام	محمد صاحب العصر علیه السلام
کنیه ایشان	ابو عبد الله	ابو ابراهیم	ابو الحسن	ابو جعفر	ابو الحسن	ابو محمد	ابو القاسم
الالقاب	الصادق	الکاظم	الرضا	[illegible]	الهادی	العسکری	الخلف [illegible]
مکان ولادت ایشان	مدینه	در ابواء مابین مکه و مدینه	مدینه	مدینه طیبه	مدینه طیبه	مدینه طیبه	سر من رای
روز ولادت ایشان	دوشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	جمعه	روز جمعه	روز دوشنبه	روز جمعه
ماههای ولادت ایشان	هفدهم ربیع الاول	هفتم صفر	یازدهم ذی القعده	دهم رجب	[illegible] رجب	چهارم ربیع الآخر	نیمه شعبان
سال ولادت ایشان	هشتاد و سه	صد و بیست و هشت	صد و [illegible]	صد و نود و پنج	دویست و دوازده	دویست و سی و دو	دویست و پنجاه و پنج
پادشاهان وقت ولادت ایشان	عبد الملک بن مروان	ابراهیم بن ولید	المنصور	محمد الامین	المامون	الواثق بن المعتصم	المعتمد المتوکل
اسماء الامهات	ام فروه بنت قاسم	حمیده ام ولد	ام البنین ام ولد	سبیکه ام ولد	سمانه ام ولد	حدیثه ام ولد	نرجس خاتون ام ولد
نقش انگشتر ایشان	الله خالق کل شیء	حسبی الله	[illegible]	نعم القادر الله	حفظ العهود من اخلاق المعبود	انا الله شهید	انا حجة الله و خاصته
عدد ازواج ایشان	دو زن غیر از کنیز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عدد اولاد ایشان	ده اولاد	سی و هفت اولاد	[illegible] اولاد	چهار اولاد	[illegible] اولاد	[illegible]	العلم عند الله
مدت عمر ایشان	شصت و پنج سال	پنجاه و پنج سال	پنجاه و یکسال	بیست و پنج سال	چهل و یک	بیست و هشت سال	هنوز زنده است
روز وفات ایشان	دوشنبه	روز جمعه	روز سه شنبه	روز سه شنبه	دوشنبه	روز دوشنبه	روز جمعه
ماههای وفات ایشان	نصف رجب	[illegible] رجب	[illegible] صفر	[illegible]	سیم رجب	هشتم ربیع الاول	[illegible]
سال وفات ایشان	صد و چهل و هشت	صد و هشتاد و سه	دویست و سه	دویست و بیست	دویست و پنجاه و [illegible]	دویست و شصت	[illegible]
مکان وفات ایشان	المدینه	در حبس بغداد	در طوس	بغداد	خانه خود در سر من رای	خانه خود در سر من رای	وفات عند الله
سبب وفات ایشان	زهر [illegible]	زهر هارون	زهر مامون	زهر معتصم	زهر معتمد	زهر معتمد	[illegible]
قبور ایشان	در بقیع	مقابر قریش	در طوس	مقابر قریش	در خانه خود	در خانه خود	[illegible]
پادشاه وقت وفات	[illegible]	زمان هارون	زمان مامون	زمان معتصم	زمان [illegible]	زمان معتمد	[illegible]
اسماء البوابین	المفضل بن عمر	محمد بن المفضل	[illegible]	عثمان بن سعید	عثمان بن سعید	عثمان بن سعید	عثمان بن سعید

باب چهل و یکم در اعمال ماه رجب از نمازها و زیارات ماه رجب و ما یتعلق بها و زیارات کذشته و اعمال شبهای آن سید رضی الدین علی بن طاوس در کتاب مصباح الزائرین ذکر کرده است که سلمان فارسی از پیغمبر از برای هر شبی از شبهای رجب نمازی روایت نموده شب اول کسیکه سی رکعت نماز کند بپانزده سلام در هر رکعتی یکبار الحمد و سوره توحید و جحد را هر یک سه بار بخواند خدای تعالی کناهان او را می آمرزد و از نفاق بری می شود تا سال دیکر و او را از جمله نمازکذاران می نویسند و تا سال دیکر از برای او حسنات می نویسند و کسیکه این نماز را ایستاده تواند کرد نشسته بکند و خدای تعالی با ملائکه خود مباهات می کند باو و می کوید که کناهان او را آمرزیدم و بباید دانست که جمیع نمازها که مذکور می شود در این سه ماه هر دو رکعت بیکسلام است شب دویم ده رکعت نماز است در هر رکعت یکبار الحمد و یکبار سوره جحد بخواند و ثواب آن همانست که در شب اول کذشت شب سیم ده رکعت نماز است در هر رکعت یکبار الحمد و پنج بار سوره نصر هر کس این نماز را بکند خدای تعالی در بهشت از برای او قصری بنا می کند که آن قصر فراختر از برابر هفت دنیا است و او را ندا می کنند به بشارت برافقت پیغمبران و صد یقان و شهدا و صالحان شب چهارم صد رکعت نماز است در رکعت اول الحمد و سوره فلق بخواند و در رکعت دویم الحمد و سوره ناس بخواند جمیع صد رکعت را دو رکعت دو رکعت باین روش کند چون این نماز را بکند از هر آسمانی ملکی نازل می شود که ثواب او را می نویسند تا روز قیامت و روز قیامت چون از قبر برمیخیزد روی او چون ماه شب چهاردهم درخشنده باشد و کتاب او را بدست راست او دهند و حساب او را آسان کنند شب پنجم کسیکه شش رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و بیست و پنج بار سوره توحید بخواند خدای تعالی ثواب چهل پیغمبر و چهل صدیق و چهل شهید باو عطا کند و بر صراط مثل برق جهنده می کذرد شب ششم کسیکه در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و هفت بار آیة الکرسی بخواند ندا کنند

از جانب خدای تعالی که تو ولی خدائی بحق و تراست بهر حرفی که در این نماز خوانده شفاعت شصت کس و خدای تعالی هفتاد هزار حسنه باو دهد که هر حسنه سنکین تر باشد از جمیع کوههای دنیا شب هفتم کسیکه در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و سه بار توحید و سه بار معوذتین بخواند و چون سلام دهد ده بار صلوات بر محمد و آل او بفرستد و ده بار تسبیحات اربع بخواند خدای تعالی او را در سایه عرش خود جای دهد و ثواب کسی دهد باو که ماه رمضان را روزه داشته باشد و ثواب آزادی هفت بنده از اولاد اسمعیل باو دهد با هفتاد رحمت شب هشتم هر که در این شب بیست رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و معوذتین سه بار بخواند خدای تعالی باو ثواب شاکران و صابران کرامت کند و ثواب صد حج و ثواب صد عمره باو دهد و هزار رحمت باو فرستد و او را از آتش دوزخ نجات دهد و اکر تا هشتاد روز دیکر بمیرد شهید مرده باشد شب نهم هر کس دو رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و پنج بار الهیکم بخواند از مقام خود بر نخیزد مکر آمرزیده و اسم او در سلک صدیقان نویسند شب دهم هر کس در این شب دوازده رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از الحمد سه مرتبه توحید بخواند خدای تعالی از برای او قصری بلند کند در بهشت که آن قصر بر ستونی باشد از یاقوت سرخ و فراخی آن مثل فراخی ما بین مشرق و مغرب باشد و در آن ستون هفتاد غرفه باشد از طلا و نقره و یاقوت که هر غرفه فراختر از دنیا باشد و در آن قصر خانهای بسیار باشد شب یازدهم هر که در این شب دوازده رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار و دوازده مرتبه آیة الکرسی بخواند مثل کسی است که جمیع کتابها را که خدای تعالی فرستاده باشد خوانده باشد و از جانب خدای تعالی ندا رسد که عمل خود را از سر کیر شب دوازدهم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار و آیه آمن الرسول بما انزل الیه من ربه تا آخر سوره که فانصرنا علی القوم الکافرین باشد بخوانند

در تلقین میت

کنند دیکر مراو بنشینند و این دعا بخوانند اللهم جاف الارض عن جنبیه و اصعد الیک بروحه و لقه منک رضوانا و اسکن قبره من رحمتک ما تغنیه بها عن رحمة من سواک و هفت مرتبه سوره انا انزلناه را بخوانند و اکر نباشد در جمیع دعاها که کذشت ضمیر را مؤنث بیاورد و سنت است که ولی میت یا اقرب خویشان او بعد از آنکه مردم برکردند نزد سر میت بنشیند و بآواز بلند تلقینی که کذشت بار دیکر بخواند و اکر دیکری را نایب کند نیز خوبست و در اخبار وارد است که چون این تلقین را بکنند منکر بنکیر میکوید برویم تلقین حجتش کردند احتیاج بپرسیدن نیست پس برمیکردند و سؤال نمیکنند و مکروه است عمارت بر سر قبر کردن و بر سر قبر بسیار ماندن و بیچ مالیدن بر قبور مکر قبور انبیا و ائمه صلوات الله علیهم و بعضی کفته اند

قبور علما و صلحا را نیز استثنا کرده اند و مکروه است تازه کردن قبر بعد از مندرس شدن و بعضی کفته اند که حق تعالی دوست میدارد جبر دلهای شکسته و قبرها را مسطح بسازند و مکروه است دو میت را در یک قبر کذاشتن و میت را از جائی بجای دیکر بردن مکر بمشاهد مشرفه و بعضی استثنا کرده اند نقل بمقبره علما و صلحا و شهدا را نیز و مکروه است بر روی قبر نشستن و راه رفتن مکر بواسطه زیارت قبور که ضرور شود و مشهور آنست که جایز نیست شکافتن قبور مکر در چند صورت یکی آنکه در قبر مال صاحب قیمتی افتاده باشد دیکر آنکه در کفن غصبی دفن کرده باشند و دیکر آنکه او را بی غسل و کفن در خاک کرده باشند و اینهم نباشید باشد و مشهور آنست که جایز نیست نقل مردکان بعد از دفن و بعضی استثنا کرده اند نقل بمشاهد مشرفه حضرات ائمه را و

باب ۱۴ در اعمال ماه رجب

خداوند عالم ثواب کسانی دهد باو که امر بمعروف و نهی از منکر کردند شب ۱۳ سیزدهم هر که ده
رکعت نماز کند در رکعت اول بعد از حمد والعادیات بخواند و در رکعت دوم بعد از حمد
سوره تکاثر و در هر پنج نماز چنین کند آمرزیده شود اگرچه عاق والدین باشد و نکیر و منکر
او را اذیت نکند و بر صراط مثل برق جهنده بگذرد و نامه عمل او را بدست راست او
دهند و میزان او ثقیل شود و او را خدای تعالی در فردوس هزار شهر بدهد شب ۱۴ هر که
در این شب سی رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و یکبار توحید و آیه قُلْ اِنَّمَا اَنَا
بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ اِلَيَّ اَنَّمَا اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ
عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ اَحَدًا گناهان او آمرزیده شود اگرچه زیاده
از ستارهای آسمان باشد و ثواب کسی را دارد که جمیع کتب الهی را خوانده باشد و شب ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۹
هر که در هر یک از این سه شب سی رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و یازده بار سوره
توحید ثواب هفتاد شهید باو دهند و ملائکه برای او استغفار کنند تا آنکه از این نماز
فارغ شود و نزع روح بر او آسان شود و فشار قبر بر او سهل گردد و از دنیا بیرون نرود
تا مکان خود را در بهشت نه بیند شب ۱۸ هر که در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت
یکبار الحمد و یکبار توحید و ده مرتبه سوره فلق و ده مرتبه سوره ناس بخواند گناهان او
آمرزیده شود اگرچه زیاده از گناهان عشاران باشد یعنی ده یک گیرنده کان از تجار
و غیرهم و حق تعالی میان او و دوزخ شش خندق خلق کند که عرض هر خندقی ما بین
آسمان و زمین باشد و می نویسند بعدد هر حرفی که در این نماز می خواند ثواب شهیدی
و ملائکه سه بشارت از جانب خدا باو میدهند یکی آنکه خدای تعالی او را در موقف قیامت
رسوا نمی کند دوم آنکه حساب او را نمی کند سوم آنکه می گویند باو که بی حساب داخل بهشت شو
شب ۱۹ هر که در این شب چهار رکعت نماز کند و در هر رکعتی یکبار الحمد و پانزده بار آیة الکرسی و یازده

جایز نیست که پیراهن چاک کردن و جامه دریدن برای غیر پدر و برادر و مشهور آنست که
این جایز است بلکه از اخبار ظاهر میشود که مستحب باشد خصوصا بر
پدر و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا
و احوط ترک آنست و جایز نیست خراشیدن
رو و کندن و بریدن مو و احوط
آنستکه طپانچه برو و زانو و غیر آن
نزنند و بعضی از علما موافق و اینی
قائل شده اند که زن موی سر
خود را در مصیبتی ببرد واجب است
کفاره بدهد چنانکه در خاتمه مذکور
خواهد شد انشاء الله تعالی و بعضی
گفته اند گناه دارد و کفاره برا
او نیست و دور نیست که سنت باشد
و احوط دادن کفاره است و بعضی
تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند بریدن
در وجوب کفاره و همچنین اکثر
علما قائل شده اند که واجب است
کفاره قسم بر زنیکه موی سر خود
بکند در مصیبتی و روی خود را بخراشد
که خون را بدو

مرتبه توحید خداوند مثل ثواب موسی باو بدهد شب بیستم هر کس در این شب شش رکعت نماز کند
در هر رکعت یکبار الحمد و ده بار سوره کوثر و ده بار سوره توحید بخواند یکسال بر او
گناه ننویسند و تا سال دیگر هر روز ثواب نویسند و کسیکه این نماز را بستان
نتواند کرد تشنه بکند و چون این نماز را خدای تعالی بملائکه خود مباهات می کند ملائکه
خود را می گوید که آمرزیدم او را شب ۲۲ هر که در این شب هشت رکعت نماز کند در هر یک یکبار
الحمد و هفت بار سوره جحد بخواند و بعد از سلام دادن ده بار صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد
و ده بار استغفار کند از دنیا بیرون نرود تا جای خود را در بهشت به بیند و بر اسلام بمیرد و
او را ثواب هفتاد پیغمبر باشد شب ۲۳ هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار
الحمد و پنج بار سوره والضحی خداوند عالم او را بعدد هر مرد کافر و زن کافره یک درجه در بهشت
باو بدهد و ثواب هفتاد حج و کسیکه تشییع هزار جنازه کرده باشد و هفتاد مریض را عیادت
کرده باشد و حاجت هزار مؤمن را بر آورده باشد باو کرامت کند شب ۲۴ هر کس در این
شب چهل رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و یکبار سوره اخلاص بخواند خدای تعالی هزار
حسنه از برای او بنویسد و هزار سیئه از او محو کند و هزار درجه او را بلند کند و هزار ملک
بر او نازل گرداند که دستهای خود را برداشته بر او صلوات فرستند و خداوند سلامت
دنیا و آخرت باو کرامت کند و مثل آنستکه شب قدر را درک کرده باشد شب ۲۵ هر که در این شب
بیست رکعت نماز کند در میان شام و خفتن در هر رکعت یکبار الحمد و آیه آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا اُنْزِلَ اِلَيْهِ
مِنْ رَبِّهِ تا آخر سوره بخواند خدای تعالی او را و اهل او را و دین و دنیا و آخرت او را و مال او را در
امان خود بدارد و از جای خود برنخیزد مگر آنکه آمرزیده شود شب ۲۶ هر کس در این شب
دوازده رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه الحمد و چهل مرتبه سوره توحید بخواند ملائکه با او
مصافحه کنند و از حساب و میزان و موقف و صراط ایمن باشد و خدای تعالی هفتاد ملک برانگیزاند

بعد دیگر در جامه چاک
نزنند خود یا زن خود و کفاره یمین انشاء الله تعالی
کند و کفاره یمین شود و بعضی واجب
مذکور خواهد شد و احوط عمل بمشهور است و
دانند و احوط آنستکه مصیبت را که صبر
لازم است اصحاب مصیبت شوند و
کنند بقضای الهی و راضی باشند و برای
راضی باشند و بدانند که حق تعالی عوض
اجر بجهت آن مصیبت عظیم میدهد و باید که
صاحب مصیبت لب را بگوید انا لله
و انا الیه راجعون تا گناهان گذشته
او آمرزیده شود و هر گاه آن مصیبت
بخاطرش آید این کلمه را بگوید تا گناهان
ما بین این دو کلمه آمرزیده شود و
بسند معتبر منقولست که هر که مصیبت را
بخاطر آورد اگرچه بعد از مدتی باشد
بگوید انا لله و انا الیه راجعون
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ
آجِرْنِي عَلَىٰ مُصِيبَتِي وَاَخْلِفْ عَلَيَّ
اَفْضَلَ مِنْهَا ثواب همان مصیبت باو
داده میشود و سنت است که
دیگران تعزیت او بگویند و او را بتسلی
دیگران بصبر و شکیبائی

امر کنند پیش
از دفن و بعد از دفن و مبالغه
بعد از دفن بیشتر است و تعزیت انست که
برونده تا صاحب عزا ایشان را به بینند
و منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه
و اله که هر که صبر فرماید اندوه ناکی را
در صحرای محشر که همه برهنه باشند خدا
او را از حلهای بهشت بپوشاند که خو
سرور او کردد و هر که مصیبت زده را
صبر فرماید حق تعالی او را صاحب مصیبت
کرامت فرماید به آنکه از اجر او چیزی کم شود
فرمود که ثواب تعزیت و صبر فرمودن
بهشت است و مستحب است که صاحب مصیبت
تغییر وضع خود بکند تا او را بشناسند
و جایز است کریه کردن و ندبه کردن
کریبانهای میت را بشمارند و نوحه
کردن بحق جایز است که دروغ نکویند
و چیزی که باید از برای میت اظهار نکنند
و بهتر انست که نوحه کر نیاورند و مستحب
که دیکران خصوصا همسایکان تا سه
روز از برای صاحب مصیبت طعام
بفرستند و زیاده از سه روز طعام
نخورند ...

کر از برای او استغفار کند تا وقت صبح و ثواب او را در صحیفه عمل او نویسند شب ۲۷ و ۲۸ و ۲۹
هر کس در هر یک از این سه شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و سوره اعلی
و قدر هر کدام ده بار بخواند و بعد از سلام صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد فرستد
و صد نوبت استغفار کند خدای تعالی از برای او ثواب عبادت ملائکه را بنویسد شب سی ام
هر کس در این شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و یازده بار سوره توحید بخواند
خدای تعالی در بهشت فردوس هفت شهر باو در فردوس دهد و چون از قبر برخیزد روی
او مثل ماه درخشان باشد و مثل برق جهنده از صراط بکذرد و از جهنم نجات یابد تمت
در بیان نماز رغایب ذکر کرده سید ابن باقی ره در کتاب اختیار خود انکه پیغمبر ص فرمود غافل
مشوید از اول جمعه رجب زیرا که شب او را لیلة الرغایب کویند زیرا که چون ثلث شب شود جمیع
جمع می شوند ملائکه اسمان و زمین در کعبه و دور کعبه خداوند عالم می فرماید ای ملائکه
چه می خواهید میکویند حاجت ما انست که بیامرزی روزه داران رجب را پس حق تعالی
فرمود که آمرزیدم ایشان را پس پیغمبر فرمود تا آخر حدیث که ذکر ثواب او طول می کشد کتاب بذکر اینها و رغایب جمع رغیبه است یعنی عطیه
و بخشش از پیغمبر ص مرویست که نماز رغایب دوازده رکعتست و صفت عمل او اینست که پنجشنبه اول
رجب روزه بکیرد و در شب جمعه میان نماز شام و خفتن دوازده رکعت نماز کند در هر رکعت
الحمد یکمرتبه و سوره قدر سه مرتبه و توحید دوازده بار بخواند و چون سلام دهد هفتاد
بار صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و سجده کند و در سجده هفتاد بار بکوید سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ
رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ و بعد از آن سر از سجده بردارد و هفتاد مرتبه بکوید رَبِّ اغْفِرْ
وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِيُّ الْاَعْظَمُ و بعد از آن هفتاد بار سجده کند
و هفتاد بار بکوید سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ و در سجود حاجت خود را
از خدای تعالی بخواهد که حاجت او بر آورده می شود ان شاء الله تعالی و از پیغمبر ص مرویست که در ماه رجب

رکعت نماز باید کرد باین طریق که ده رکعت در اول ماه به پنج سلام در هر رکعت الحمد یکبار و سه بار
توحید و سه بار سوره جحد بخواند و چون سلام دهد هر دو دست خود را بسوی اسمان بردارد
و بکوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ
حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ
لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ و بعد از ان
دستهای خود را بر روی خود فرود اورد و ده رکعت نماز در میان ماه بهمان روش
بجای اورد و چون سلام دهد هر دو دستها را بردارد و بکوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس بکوید اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ
صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا و بعد از ان دستها خود را بر روی خود بکشد و ده رکعت در
اخر ماه بجا اورد بهمان طریق که کذشت و چون سلام دهد هر دو دست خود را بردارد
و بکوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و هر
دو دست خود را بر روی خود فرود اورد و حاجت خود را از خدای تعالی بخواهد که حاجت
او روا شود و خدای تعالی میان او و جهنم هفت خندق می کند که عرض هر خندقی ما بین اسمان
و زمین باشد برای هر رکعت ثواب هزار هزار رکعت نماز می نویسند و از برای او
برات ازادی از اتش دوزخ و جواز از صراط می نویسند و محو می کنند از او هر کناهی که کرده است
در کوچکی و بزرکی و می بخشند باو ثواب کسی را که تمام این ماه را روزه کرفته باشد و تا
سال دیکر از جمله مصلین می نویسند و در هر روز از برای او عمل شهیدی از شهدا
بدر می نویسند و هزار درجه از برای او بلند می کنند و اکر تمام این ماه را روزه ندارد
خدای تعالی او را از اتش نجات می دهد و از برای او بهشت را واجب کرداند سلمان ابن علاء صلوات

که چهار شاو ...
روز برای شوهر ماتم بکیرد و باید که
جامهای رنکین نپوشد و زینت نکند
و سنت موکد است زیارت قبر مومنان
خصوصا خویشان و چون داخل قبرستان
شود بکوید اَلسَّلَامُ عَلٰى اَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ اَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ
اِنْ شَاءَ اللّٰهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ و بروایت
دیکر اَلسَّلَامُ عَلٰى اَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ رَحِمَ اللّٰهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا
وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَاِنَّا اِنْ شَاءَ اللّٰهُ بِكُمْ لَا
حِقُونَ و بروایت دیکر بکوید اَلسَّلَامُ
عَلَيْكُمْ اَهْلَ الدِّيَارِ مِنْ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ
وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَنْتُمْ لَنَا سَلَفٌ وَ
نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ رَحِمَ اللّٰهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ
وَالْمُسْتَأْخِرِينَ مِنَّا وَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ
رَاجِعُونَ و در احادیث بسیار وارد شده
که هر که نزد قبر برادر مومن خود برسد
هفت مرتبه انا انزلناه بخواند از ترس
روز بزرک روز قیامت ایمن کردد و بروایتی
دیکر خدا او را و صاحب قبر را بیامرزد
و سنت است که در وقت خواندن دست
بر قبر بکذارد و رو بقبله

باب ۴۹ در اعمال ماه رجب

میان مؤمن و منافق بواسطه آنکه منافق این نماز را نمی کند و از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که
کسی که در رجب و شعبان و رمضان در هر شب و روز سه مرتبه فاتحه و سه آیة الکرسی و سه
مرتبه قل یا ایها الکافرون و سه مرتبه قل هو الله احد و سه بار معوذتین و سه مرتبه
تسبیحات اربع و سه مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بخواند و سه مرتبه صلوات
فرستد و چهارصد بار استغفار کند خداوند عالم گناهان و را می امرزد اگرچه بعدد قطرات
باران و برگ درختان و کف دریا باشد و روز عید فطر ندائی از جانب الله آید که ای بنده من
تو ولی بحق منی و مر تراست نزد من بعدد هر حرفی شفاعتی در برادران مؤمن خود و بعد
از آن انحضرت فرمود قسم بخدائی که نفس من در دست او است که کسیکه این عمل را در این سه ماه در
روزها و شبها بجا آورد اگرچه در عمر خود یکبار باشد خداوند عالم اعطا کند باو بعدد هر
حرفی هفتاد هزار حسنه که گرانتر از کوه باشد و خدای تعالی هفتصد حاجت او را روا کند در وقت
و هفتصد حاجت او را نزد خروج از قبر و هفتصد نزد پریدن نامها از جانب راست و چپ
و هفتصد نزد میزان و هفتصد نزد صراط و خدای تعالی او را در سایه عرش خود جای
دهد و حساب او را اسان کند و هزار هزار ملک او را متابعت کنند تا او را به بهشت رسانند
و خدای تعالی اماده کند از برای او چیزی که هیچ چشمی او را ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد
و بر قلب هیچ کس خطور نکرده باشد و در شب نصف این ماه دوازده رکعت نماز باید کرد در هر رکعتی
الحمد و هر سوره که خواهد بخواند و چون سلام دهد هر یک از الحمد و معوذتین و آیة الکرسی
و تسبیحات اربع را چهار مرتبه چهار مرتبه بخواند و بعد از آن بگوید الله الله ربی لا اشرک
به شیئا و ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم و از حضرت جواد ع مرویست که در ماه
رجب شبی است که بهتر است از انچه که افتاب بر او می تابد و آن شب بیست و هفتم رجب است
و در صبح این شب بود که پیغمبر ص مبعوث شد به پیغمبری و عامل در این شب از شیعیان ثواب

در اذکار قبور

بخواند اللهم جاف الارض عن جنوبهم و صاعد الیک ارواحهم و لقهم منک رضوانا و اسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم و تونس به وحشتهم انک علی کل شیء قدیر و بروایت معتبر دیگر این دعا را بخواند اللهم ارحم غربته و صل وحدته و انس وحشته و امن روعته و اسکن الیه من رحمتک ما یستغنی بها عن رحمة من سواک و الحقه بمن کان یتولاه و بروایت دیگر مستحبست که در نزد قبر سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه بخواند و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در قبرستان مؤمنان بگذرد و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان ان قبرستان ببخشد بعدد مردگان اجر و ثواب

در دعاهای ماه رجب

بنصف سال است و در شب مبعث در هر ساعتی از شب که خواهد پیش از نصف شب دوازده رکعت
نماز کند در هر رکعتی الحمد و هر سوره که خواهد بخواند و چون سلام دهد هر یک از الحمد و معوذتین
و توحید و قدر و جحد و آیة الکرسی را هر یک هفت بار بخواند و بعد از آن بگوید الحمد لله الذی
لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من
الذل و کبره تکبیرا اللهم انی اسئلک بمعاقد عزک علی ارکان عرشک
و منتهی الرحمة من کتابک و باسمک الاعظم الاعظم الاعظم الاعلی الاعلی
الاعلی و بکلماتک التامات ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی ما انت اهله
و روز مبعث نیز دوازده رکعت در هر رکعتی الحمد و هر سوره که خواهد بخواند و بعد از
سلام الحمد و توحید و معوذتین هر یک را چهار چهار بار بخواند و چهار مرتبه بگوید لا اله الا
الله و الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و چهار
مرتبه بگوید الله الله ربی لا اشرک به احدا و بعد از آن هر دعا که کند مستجاب شود
و اما دعاهای ماه رجب در شب اول ماه این دعا را بخواند که از حضرت جواد ع مرویست و آن اینست
اللهم انی اسئلک بانک ملک و انک علی کل شیء مقتدر و انک ما تشاء من امر
یکن اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة یا محمد یا رسول الله انی اتوجه
بک الی الله ربک و ربی لینجح لی بک طلبتی اللهم بنبیک محمد و الائمة من اهل بیته
صلی الله علیهم انجح لی طلبتی و بعد از آن حاجت خود را بخواهد و در هر روز از این ماه
این دعا را بخواند یا من یملک حوائج السائلین و یعلم ضمیر الصامتین لکل مسئلة
منک سمع حاضر و جواب عتید اللهم و مواعیدک الصادقة و ایادیک
الفاضلة و رحمتک الواسعة و اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی
لی حوائجی فی الدنیا و الاخرة دعائی که ابن عیاش گوید از ناحیه مقدسه بر دست شیخ ابو

را باید و بروایت دیگر آیة الکرسی را بخواند و ثوابش را مسکینانه در گنجی پیش گذارد هر چیزی که بعد از مرگ او ببرند هدیه اهل قبور کند حق تعالی بعدد هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح کنند برای او تا روز قیامت و در روز پنجشنبه و جمعه زیارت قبور مستحبست که در احادیث معتبره وارد شده است و در مصیبتی وارد شود مصیبت حضرت رسالتپناه را بیاد اورد که صعب ترین مصیبتها است و در اخبار بسیار وارد شده که مرگ دوستان و عزیزان خود مصیبت بزرگ است و نباید که شیون و جامه چاک کند و واویلا و وامصیبتاه و فریاد کند و واثکلاه بگوید و در روایت معتبر منقولست که هر که یک فرزند از او بمیرد و صبر کند بهتر است از برای او از انکه هفتاد فرزند از او بماند که همه سوار شوند و در راه خدا جهاد کنند و منقولست که هر که فرزند او بمیرد خدا او را دوست میدارد به تبین و منقولست که ثواب مؤمن از مردن

ازبهم

در آداب و ادعیهٔ ماه رجب

القاسم بن حسین بن روح بیرون آمد بکما ایام رجب بود و از اینست که اللّهم انّی اسئلک بالمولودین
فی رجب محمّد بن علیّ الثّانی وابنه علیّ بن محمّد المنتجب واتقرّب بهما الیک خیر
القرب یا من الیه المعروف طُلب وفیما لدیه رُغب اسئلک سؤال معترف
مذنبٍ قد اوبقته ذنوبه واوثقته عیوبه فطال علی الخطایا دؤبه ومن
الرّزایا خطوبه یسئلک التّوبة وحسن الاوبة والنّزوع عن الحوبة ومن
النّار فکاک رقبته والعفو عمّا فی ربقته فانت یا مولای اعظم امله و
ثقته اللّهم واسئلک بمسائلک الشّریفة ووسائلک المنیفة ان تتغمّدنی
فی هذا الشّهر برحمةٍ منک واسعة ونعمةٍ وازعة ونفسٍ بما رزقتها قانعة
الی نزول الحافرة ومحلّ الاخرة وما هی الیه صائرة و بسند معتبر منقولست که حضرت
صادق ع در هر روز ماه رجب این دعا را میخواندند خاب الوافدون علی غیرک
وخسر المتعرّضون الّا لک وضاع الملمّون الّا بک واجدب المنتجعون
الّا من انتجع فضلک بابک مفتوح للرّاغبین وخیرک مبذول للطّالبین
وفضلک مباح للسّائلین ونیلک متاح للاملین ورزقک مبسوط لمن
عصاک وحلمک معترض لمن ناواک عادتک الاحسان الی المسیئین و
سبیلک الابقاء علی المعتدین اللّهم اهدنی هدی المهتدین وارزقنی
اجتهاد المجتهدین ولا تجعلنی من الغافلین المبعدین واغفر لی یوم الدّین و ایضاً
بسند معتبر منقولست که محمّد بن ذکوان بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد فدای تو شوم این ماه
رجبست مرا تعلیم نما دعائی که حق تعالی مرا بان نفع بخشد حضرت فرمودند که در هر روز از ماه رجب
در صبح و پیشین و بعد از همه نمازها و در شب و روز این دعا را بخوان یا من ارجوه لکلّ خیرٍ
وآمن سخطه عند کلّ شرٍّ یا من یعطی الکثیر بالقلیل یا من یعطی من سئله یا من

در ازالهٔ مصیبت

بمصیبت فرزندش صبر کند و خواستند و بسند معتبر منقولست که حضرت صادق ع در وقت مصیبت این دعا میخواندند الحمد لله الذی لم یجعل مصیبتی فی دینی والحمد لله الذی لو شاء ان یجعل مصیبتی اعظم ممّا کانت والحمد لله علی الامر الذی شاء ان یکون فکان و باید که مردگان را فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از عمل خیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان و خویشان و برادران و برادر مؤمن امید وارند و احسان ایشان را چشم براهند خصوصاً دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشرّفه پدر و مادر را زیاده از دیگران دعا کرد و عمل خیر از برای ایشان بعمل آورد و در حدیثست که بسا فرزندیکه در حال حیات پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد بسبب اعمال خیریکه برای ایشان بعمل آورده و بسا فرزندیکه در حال حیوة پدر

در ادعیهٔ ماه رجب

یعطی من لم یسئله ومن لم یعرفه تحنّناً منه ورحمةً اعطنی بمسئلتی ایّاک جمیع
خیر الدّنیا وجمیع خیر الاخرة واصرف عنّی بمسئلتی ایّاک جمیع شرّ الدّنیا و
شرّ الاخرة فانّه غیر منقوصٍ ما اعطیت وزدنی من فضلک یا کریم پس حضرت ریش
مبارک را بدست چپ خود گرفتند و انگشت شهادهٔ دست راست خود را بجانب راست و چپ حرکت
میدادند و این دعا را میخواندند با انگشت تمام یا ذا الجلال والاکرام یا ذا النّعماء
والجود یا ذا المنّ والطّول حرّم شیبتی علی النّار و دست برنداشتند تا از ریش ابن
تریهٔ و شیخ طوسی بسند معتبر روایت کرده که حضرت صادق ع بمعلّی بن خنیس گفت که در ماه
رجب این دعا را بخوان اللّهم انّی اسئلک صبر الشّاکرین لک وعمل الخائفین
منک ویقین العابدین لک اللّهم انت العلیّ العظیم وانا عبدک البائس
الفقیر وانت الغنیّ الحمید وانا العبد الذّلیل اللّهم صلّ علی محمّد واله و
امنن بغناک علی فقری وبحلمک علی جهلی وبقوّتک علی ضعفی یا قویّ یا عزیز
اللّهم صلّ علی محمّد واله الاوصیاء المرضیّین واکفنی ما اهمّنی
من امر الدّنیا والاخرة یا ارحم الرّاحمین و از روایت سید بن طاوس ره
ظاهر میشود که این دعا معتبر این دعاهاست و در همه اوقات میتوان خواند و از حضرت
رسول ص منقولست که در جمیع ماه رجب هر بامداد و پیشین هفتاد مرتبه بگوید استغفر
الله ربّی واتوب الیه پس دستها بسوی اسمان بردارد و بگوید اللّهم اغفر
لی وتب علیّ واستغفار در جمیع ایام سال سنّت و هزار مرتبه قل هو الله
احد در جمیع ماه سنّت و ثواب بسیار در ان وارد شده اگر خواهد در یکروز بخواند
و اگر خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد و ایضاً
منقولست که هر که هزار مرتبه لا اله الّا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه از برای او نو

در حقّ ابوان و میّت

و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان عاق ایشان گردد بسبب آنکه اعمال خیر برای ایشان بجا نیاورده و عمل خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان انستکه قرض ایشان را ادا کنند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری کنند و حج و سایر عبادات که از ایشان فوت شده باشد بجا آورد یا استیجار یا تبرّع سعی کند که بجا آورد و در حدیث صحیح منقولست که حضرت صادق ع در هر شب از برای فرزند خود و در هر روز از برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اوّل انّا انزلناه و در رکعت دوم انّا اعطیناه میخواندند و بسند صحیح منقولست که بسا باشد که میّت در تنگی و شدّت بوده باشد و حق تعالی بر او وسعت دهد و تنگی از او بردارد پس باو گویند که این فرج که تو را روی داده بسبب نماز یکه فلان برادر مؤمن از برای تو بجا آورد و راوی پرسید که دو مرد را در یک دو رکعت نماز شریک گرداند فرمود میتواند کرد

باب ۱۴ در اداب ماه رجب

می شود و حقتعالی در بهشت شهری از برای او بنا کند و شبها این ماه صد مرتبه این استغفار نیز منقولست و در جمیع ماه اگر چهار صد مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد اَستَغفِرُ اللّٰهَ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ اَتوبُ اِلَیهِ و در فضیلت ایام البیض ماه رجب احادیث بسیار وارد شده است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقولست که حقتعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده است که بامتهای دیگر از امت‌ها که گذشته‌اند نداده است ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و سه شب باین امت داده که بامتهای دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم و سه سوره باین امت داده است که مثل او بامتهای پیش نداده است یس و تبارک و سوره قل هو الله احد پس هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمیع فضایل این امت را جمع کرده خواهد پرسیدند چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در هر یک بعد از حمد این سه سوره بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت نماز بجا آورد بسه سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را یابد و از حضرت صادق منقولست که هر که ایام البیض ماه رجب را روزه دارد حق تعالی هر روزی عبادت یکساله و روزه یکساله برای او بنویسد و در قیامت او را در محل ایمان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل در آن سنت است و احیای آن بعبادت فضیلت بسیار دارد و از حضرت رسول صلعم منقولست که در شب نیمه رجب حق تعالی امر میکند ملائکه را که هر گناهی که در دیوان اعمال مؤمنان باشد محو کنند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب روزه بدارد و مشغول بعبادت شود شبهای آن از دنیا نرود مگر با توبه نصوح و هر روزی که روزه داشته هفتاد گناه از او آمرزیده شود و هفتاد حاجت او بر آورده شود و در وقتیکه

میت که شاد میشود و فرح می‌یابد بلی فرمود بدعاء و استغفاریکه برای او بکنند چنانچه زنده شاد میشود بهدیه که از برای او ببرند و فرمود که بر میت داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و سایر عملهای خیر و دعا و ثواب آن اعمال برای کسیکه کرده و برای مرده هر دو نوشته میشود و در حدیث دیگر فرمود که هر که از مسلمانان از برای میت عمل صالحی بکند خدا ثواب او را مضاعف میگرداند و میت بآن عمل منتفع میگردد و در روایتی وارد شده است که هرگاه شخصی بنیت میتی تصدق بکند حق تعالی جبرئیل را میفرماید که با هفتاد هزار ملک بنزد او بروند و هر یک طبقی در دست داشته از نعمتهای الهی و هر یک باو گویند السلام علیک ایها الدوست خدا این هدیه فلان مؤمن است از برای تو پس قبر او روشن میشود و حق تعالی هزار شهر در بهشت باو کرامت فرماید و هزار حور باو تزویج مینماید

از قبر بیرون آید و نزد صراط و نزد میزان رود و چنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و شفاعت او را قبول کند در هفتاد نفر از اهل بیت و خویشان او که مستحق جهنم شده باشند و حقتعالی بنا کند از برای او هفتاد هزار شهر در جنات فردوس که در هر شهری هفتاد هزار قصر بوده باشد و در هر قصری هفتاد هزار حوریه باشد و هر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد و بدانکه از جمله اعمال نصف رجب دعای ام داود است که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید بن طاوس بسندهای معتبر روایت کرده اند و برای بر آمدن حاجات و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان مجربست و مجمل روایتش آنست که مادر داود بن الحسن بن زاده امام حسن مجتبی دایه حضرت امام جعفر صادق و بشیر داود آنحضرت شیر داده بود و چون محمد بن عبدالله بن الحسن در مدینه خروج کرده بود و منصور دوانقی لشکر فرستاده او را کشتند و ابراهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبدالله بن الحسن و جمعی از سادات را با غل و زنجیر از مدینه بعراق بردند و نیز داود پسر مرا با ایشان بود ام داود گفت چون مدتی از حبس فرزند من گذشت و از او خبری بمن نرسید پیوسته دعا و تضرع می کردم و از صلحا و نیکان استدعای دعا می کردم و ایشان تقصیر نمیکردند و مطلقا اثر اجابتی ندیدم و گاهی خبر میرسید داود را کشتند و گاهی می گفتند او را با پسران عم او زنده زیر عمارت گذاشتند و روز بروز مصیبت من عظیم تر و اندوه من بیشتر میشد تا آنکه از غم گداختم و پیر شدم و از ملاقات او نا امید شدم تا آنکه روزی شنیدم حضرت صادق را علتی عارض شده بعیادت آنحضرت رفتم چون احوال گرفتم و دعا کردم و خواستم برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری و من شیر داود را بآنحضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم گریستم و گفتم فدای تو شوم داود کجاست او در عراق محبوس است و من از او قطع امید کردم و از شما التماس می کنم که او را دعا کنید که او برادر رضاعی شماست حضرت فرمود که چرا غافلی از دعای استفتاح و درهای اجابت و نجاح و آن دعائیست که درهای آسمان برای

و هزار حله و هزار حاجت او را بر می‌آید و در حدیث معتبر منقولست که شش خیر باو میرسد بعد از وفات او اول فرزندی مؤمن که از جهت او استغفار کند دوم مصحف یا کتاب علمیکه از او بماند بعد از او بخوانند سیم درختیکه بکارد و مردم از او منتفع شوند چهارم آبیکه جاری سازد پنجم جای عبادتیکه بنا کند که مخلوق از او نفع برند ششم سنتیکه میان مردم باقی نماید از ارشاد و هدایت مردم یا عمل نماید بان یا مانند آن یا ایشان با تصنیف کتاب و عملیکه بعد از او بمانند و فضیلت روز جمعه و شب جمعه هفصاید بدر نفصل روز جمعه میشود اما فضل روز جمعه در این روز گرده میشود اما فضل روز جمعه از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که روز جمعه سید و بزرگ روزها است و این روز نزد خدا عظیم تر است از روز عید رمضان و عید قربان است و در این روز پنج خصلتست اول آنکه آدم را در این روز خلق کرد دوم آنکه در این روز خدای تعالی آدم را بزمین فرستاد سیم آنکه در این روز خدای تعالی وحی فرستاد باو چهارم آنکه آدم در این

برای او کشوده می شود و برای او استغفار می کنند و استقبال می کنند خواننده او را و او را بشارت
می دهند او را باجابت وان دعائیست که از مجیب الدعوات محجوب نمی کردد و خواننده
او را ثوابی نیست بجز بهشت امام داود گفت ای فرزند طاهرین و راست کویان چکونه است
ان دعا حضرت فرمود ای مادر داود ماه محترم یعنی ماه رجب نزدیک شده است و ایام
مبارک او حرمت عظیم است و دعاها در ان مستجابست چون ان ماه در اید سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم که ایام البیض است روزه بدار پس حضرت کیفیت عمل را تعلیم او نمود و فرمود که این
دعا را حفظ کن و بهر کس تعلیم مکن که می ترسم بدست کسی افتد که برای امر باطلی و نامشروعی
این دعا را بخواند بدرستی که این دعا شریف بسیار و مشتملست بر اسم اعظم خدا که هر که بخواند
البته حاجت او براورده می شود و اکر در یکجا اسمان و زمین همه بستر شود یا دریاها حایل باشند
میان تو و حاجت تو چون این دعا را بخوانی حقتعالی اسان میکرداند رسیدن ترا بمطلب و حاجت
ترا برمیاورد و هر که این دعا را بخواند خدا مستجاب میکرداند خواه مرد و خواه زن و اکر جن و انس
همه دشمن فرزند تو باشند خداوند تعالی در کفایت شر ایشان میکند و زبان ایشان را می بندد
و ایشان را منقاد فرزند تو میکرداند ام داود گفت که حضرت این دعا را برای من نوشت و من
بخانه برکشتم چون ماه رجب داخل شد انچه حضرت فرموده بود بعمل اوردم و در شب پانزدهم
نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار کرده تندری عبادت کردم و بخواب رفتم
در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران و شهدا و عبادرا که من بر ایشان صلوات فرستاده
بودم و حضرت رسول صلعم بمن فرمود ای مادر داود بشارت باد ترا این جماعت که می بینی همه
برادران و یاوران و شفیعان تو اند و از برای تو طلب امرزش میکنند و بشارت میدهند
ترا باینکه حاجت تو براورده است ای پسر بشارت ترا با مرزش خدا و خوشنودی خدا و خدا تو را جزای
خیر دهد شاد باش که حقتعالی فرزند ترا حفظ می کند و بتو برمیکرداند ان شاء الله تعالی ام داود کفت از خواب

روز وفات یافت پنجم انکه در این روز ساعتی هست که در ان ساعت هر که از خدای تعالی چیزی طلبد خدای تعالی باو ارزانی دارد مکر چیز حرام از خدای تعالی طلب کند هیچ ملک مقرب و هیچ اسمان و هیچ زمین و هیچ باد و هیچ درخت نیست مکر انکه میترسد که در روز جمعه قیامت قایم شود و کسیکه در روز جمعه بمیرد از برای او برائت از اتش دوزخ نویسند و در روایت دیکر وارد شده است که کسیکه در روز جمعه یا شب جمعه بمیرد از عذاب قبر و عذاب قیامت ایمن میشود و هر کس در این روز از خدای تعالی چیزی طلبد و انکس حق و حرمت این روز را بداند بر خدای تعالی واجبست که او را از عتقا و طلقای کرداند از اتش دوزخ و هر کس استخفاف کند بحرمت این روز و حق او را ضایع کرداند بر خدای تعالی واجبست که او را بجهنم برد مکر انکه توبه کند و از حضرت صادق مرویست در قول خدای تعالی که فرموده است که

در اعمال ماه رجب

بیدار شدم و بعد از ان بقدر زمانیکه سواری تندی از عراق بمدینه اید داود نزد من امد و
کفت ای مادر من در عراق در زندان بسیار تنکی و سنکینی بند و زنجیر بودم و نا امید
بودم از خلاص شدن چون شب نصف رجب شد در خواب دیدم که بلندیهای زمین پست
شد و ترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی بر دور تو مردانی چند بودند
که سرهای ایشان در اسمان بود و پاهای ایشان در زمین و تسبیح و تنزیه خدا می کردند
پس یکی از ایشان که از همه خوشروتر و خوشبوتر و جامهای بسیار پاکیزه در بر داشت کمان
کردم که حضرت رسالت پناه صلعم است خطاب کردند بمن که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزه صالحه
که حقتعالی دعای مادر ترا در حق تو مستجاب کرد چون بیدار شدم رسولان منصور دوانقی
بدر زندان رسیده بطلب من امده بودند در میان شب مرا نزد او بردند پس امر کرد تا زنجیرهای
مرا برداشتند و ده هزار درهم که هزار تومان بود بحساب انزمان بمن عطا کرد و فرمود که مرا بر
شتر راهواری سوار کنند و بسرعت تمام بمدینه بیاورند ام داود کفت که من داود را
بخدمت حضرت صادق صلعم بردم حضرت فرمود که منصور را سبب خلاصی تو ان بود که منصور حضرت
امیرالمومنین صلعم در خواب دید که باو فرمود رها کن فرزند مرا اکر رها نکنی ترا در اتش می
اندازم چون نظر کرد دریای اتش در زیر پای خود دید پس از وحشت بیدار شد و از کرده خود
پشیمان شد و ترا رها کرد اما کیفیت این عمل شریف مام داود کفته که در ماه رجب روز سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدارد و روز پانزدهم نزد زوال غسل بکن و بروایت دیکر
نزدیک بزوال غسل کن و چون معلوم شود زوال پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش
و بخانه خلوتی برو و سعی کن که کسی نزد تو نباید که ترا مشغول سازد و با تو سخن کوید و هشت
رکعت نماز زوال را بعمل بیاور رکوع و سجود انها را خوب بعمل اور و بعد از نماز فریضه
ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و بعد از ان صد مرتبه بکو یَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ

که شاهد و مشهود که شاهد روز جمعه است و مشهود روز عرفه و بعضی کفته اند که شاهد روز جمعه است و روایت وارد شده است که کسی که در روز جمعه سفر کند چه در روایت وارد شده است که کسی روز جمعه پیش از نماز سفر کند ملکی ندا کند که خدای تعالی رد نکند او را و در حدیث وارد شده است که افتاب طلوع و غروب نمی نماید بر روزی که افضل از روز جمعه باشد و در این روز ساعتی هست که کسی که در ان ساعت دعا کند مستجاب میشود از برای او و کسیکه پناه بخدا میکیرد خدای تعالی او را در پناه خود میکیرد و از حضرت صادق مرویست که فرمود که کسی از شما اکر روز جمعه را دریابد باید که غافل نشود از عبادت الهی بواسطه انکه خدای تعالی در این روز می امرزد بندکان را و نازل می کرداند بر ایشان رحمت را و از انحضرت مرویست که روز جمعه روز اتصال و اجتماع هست بر مردم

وهشت رکعت نافلهٔ عصر را با اداب بجا میاوری و در بعضی از روایات وارد شده که در هر رکعت از
نافلهٔ عصر بعد از حمد سوره قل هو الله احد سه مرتبه و یکمرتبه سوره انا اعطیناک
الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و اداب بجا اور و در روایتی وارد شده که بر روی
حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه
اية الکرسی بخوان پس هر یک از این سورها را یکمرتبه بخوان سوره انعام و کهف و بنی
اسرائیل و لقمن و یس و الصافات و حم سجده و حمعسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت
الواقعه و تبارک الذی بیده الملک و ن و القلم و اذا السماء انشقت تا اخر قران و اگر
نتوانی این سورها را از روی قران درست بخوانی در عوض هر یک هزار مرتبه قل هو الله
احد بخوان و شیخ مفید ره گفته است که اگر نتوانی یا نتوانی این سورها مخصوص را بخوانی
صد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه اية الکرسی و هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان و این
احوط است و در روایت دیگر وارد شده است که پیش از حمد صد مرتبه بگو سبحان الله والحمد
لله ولا اله الا الله والله اکبر بعد از اية الکرسی صد مرتبه بگوید اللهم صل
علی محمد وال محمد و اگر اية الکرسی را نتواند درست بخواند صد مرتبه سوره الحمد
و هزار مرتبه سوره توحید بخواند و اية الکرسی را بهر انتها که تا هم فیها خالدون بخواند
و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم صدق الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی
القیوم ذو الجلال والاکرام الرحمن الرحیم الحلیم الکریم الذی لیس کمثله
شیء و هو السمیع البصیر العلیم الخبیر شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة
واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم وبلغت رسله
الکرام وانا علی ذلک من الشاهدین اللهم لک الحمد ولک المجد
ولک العز ولک الفخر ولک القهر ولک النعمة ولک العظمة ولک

بر او باد
که ضایع نکرد این از تقصیر
که در چیزی از عبادات الله تعالی و
تقرب جستن بحق تعالی
مجادم پس خدای تعالی بعمل صالح و ترک
کرداند در این روز حسنات را و مضاعف
کرداند در او سیئات را و محو
کرداند در او درجات را و بلند می
میکرداند در او دعوات را و مستجاب
کرداند در او کربات را و کشف
کرداند در او حوائج عظام را و ادا می
روز مزید است و خدای تعالی را و این
ازاد کرده کان و رها کرده کان از
اتش دوزخ و شب او مثل روز است
پس اگر توانی شب او را احیا کن بدعا
و نماز و از حضرت امام رضا مرویست
که روز جمعه از روزهای دیگر کوتاه
ترا است زیرا که الله تعالی ارواح مشرکین را
جمع میکند در زیر عین افتاب پس
هرگاه افتاب در نصف النهار
مکث کند ارواح مشرکین بسبب
مکث او معذب میشوند و هرگاه

روز جمعه

الرحمة ولک المهابة ولک السلطان ولک البهاء ولک الامتنان ولک التسبیح
ولک التقدیس ولک التهلیل ولک التکبیر ولک ما یری ولک ما لا یری
ولک ما فوق السموات العلی ولک ما تحت الثری ولک الارضون السفلی ولک
الاخرة والاولی ولک ما ترضی به من الثناء والحمد والشکر والنعماء
اللهم صل علی جبرئیل امینک علی وحیک والقوی علی امرک والمطاع فی سمواتک
ومحال کراماتک المتحمل لکلماتک الناصر لانبیائک المدمر لاعدائک
اللهم صل علی میکائیل ملک رحمتک والمخلوق لرافتک والمستغفر المعین
لاهل طاعتک اللهم صل علی اسرافیل حامل عرشک وصاحب الصور
المنتظر لامرک والوجل المشفق من خیفتک اللهم صل علی عزرائیل ملک
الموت الموکل علی عبیدک وامیائک المطیع فی ارضک وسمائک
قابض ارواح جمیع خلقک اللهم صل علی حملة عرشک العرش الطاهرین
وعلی ملائکة الذکر اهل التامین علی دعاء المؤمنین وعلی السفرة
الکرام البررة الطیبین وعلی ملائکتک الکرام الکاتبین وعلی ملائکة
الجنان وخزنة النیران وملک الموت والاعوان یا ذا الجلال والاکرام
اللهم صل علی ابینا ادم بدیع فطرتک الذی اکرمته بسجود ملائکتک و
ابحته جنتک اللهم صل علی امنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة من
الدنس المفضلة من الانس المترددة بین محال القدس اللهم صل علی
هابیل وشیث وادریس ونوح وهود وصالح وابرهیم واسمعیل و
اسحق ویعقوب ویوسف والاسباط ولوط وشعیب وایوب وموسی
وهرون ویوشع ومیشا والخضر وذی القرنین ویونس والیاس والیسع

میشود بواسطه
فضیلت این روز از الله تعالی عذاب از
ایشان دفع میکند پس در این روز از
رکود و مکث نیست لهذا از روزهای
دیگر اقصر است و در روایتی دیگر وارد شده
در ترغیب روزه این روز اما افضل
که این روز را تنها روزه نگیرد بلکه روز
پنجشنبه را نیز روزه بگیرد و در روایت
وارد شده است که خوردن انار در روز
جمعه و در شب جمعه فضل بسیار دارد
و از حضرت باقر یا صادق علیهما السلام
مرویست که بنده مؤمن هرگاه از خدای
تعالی حاجت خود را سؤال کند خدای
تعالی قضاء حاجت او را تاخیر میکند
تا شب جمعه بواسطه فضیلت آن شب
و در آن شب حاجت او روا میکند
وانچه نقل کردیم ملخص انچیزیست که در مصباح
کبیر و صغیر شیخ طوسی ره مذکور است
اما اعمالی که در این روز بجای باید اورد
بسیار است و ما در این کتاب انچه میسر است
ذکر میکنیم انشاء الله شیخ شهید در کتاب
بیان ذکر کرده است که از سنن روز جمعه
غسل است و مباکرت

وحوا

باب در دعای ام داود

وَذِي الْكِفْلِ وَطَالُوتَ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَزَكَرِيَّا وَشَعْيَا وَيَحْيَى وَتُورَخَ وَمَتَّى وَارْمِيَا وَحَيْقُوقَ وَدَانِيَالَ وَعُزَيْرٍ وَعِيسَى وَشَمْعُونَ وَجِرْجِيسَ وَالْحَوَارِيِّينَ وَالْأَتْبَاعِ وَخَالِدٍ وَحَنْظَلَةَ وَلُقْمَانَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَالسُّعَدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَأَئِمَّةِ الْهُدَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْتَادِ وَالسُّيَّاحِ وَالْعُبَّادِ وَالْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَّادِ وَأَهْلِ الْجِدِّ وَالْاجْتِهَادِ وَاخْصُصْ مُحَمَّداً وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَأَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّةً وَسَلَاماً وَزِدْهُ فَضْلاً وَشَرَفاً وَكَرَماً حَتَّى تُبَلِّغَهُ أَعْلَى دَرَجَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَفَاضِلِ الْمُقَرَّبِينَ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مَنْ سَمَّيْتُ وَمَنْ لَمْ أُسَمِّ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ وَأَوْصِلْ صَلَوَاتِي إِلَيْهِمْ وَإِلَى أَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَأَعْوَانِي عَلَى دُعَائِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ وَبِكَرَمِكَ إِلَى كَرَمِكَ وَبِجُودِكَ إِلَى جُودِكَ وَبِرَحْمَتِكَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَبِأَهْلِ طَاعَتِكَ إِلَيْكَ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِكُلِّ مَا سَأَلَكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ مَسْأَلَةٍ شَرِيفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ وَبِمَا دَعَوْكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا مُنِيلُ يَا جَمِيلُ يَا كَفِيلُ يَا وَكِيلُ يَا مُقِيلُ يَا مُجِيرُ يَا خَبِيرُ يَا مُنِيرُ يَا مُبِيرُ يَا مَنِيعُ يَا مُدِيلُ يَا مُحِيلُ يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ يَا بَصِيرُ يَا شَكُورُ يَا بَرُّ يَا طُهْرُ يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا سَاتِرُ يَا مُحِيطُ يَا مُقْتَدِرُ

یا حفیظ

در آداب جمعه: وشستن سر است و تراشیدن شارب و کرفتن ناخنها و چیدن سر تراشیدن و ناخن کرفتن و شانه کردن ریش است و پاکیزه ساختن جامه و بدن و پوشیدن جامهٔ فاخر و انتظار است و دعا خواندن است نزد بیرون آمدن از خانه و آن دعا اینست اللهم من تهیّأ تا آخر و رفتن بمسجد است بسکینه و وقار و بیست رکعت نافله جمعه کردن شش رکعت نزد پهن شدن آفتاب و شش رکعت نزد ارتفاع آفتاب و شش رکعت نزد رسیدن آفتاب بسمت الرأس پیش از زوال و دو رکعت نزد زوال و سنتست در نماز جمعه یا نماز ظهر که در روز جمعه میگذارد خواندن سوره جمعه و منافقین و دعا کردن از برای نفس خود و مؤمنین کردن در ساعت استجابت دعا شدن و شرح آن در اول باب گذشت و سنتست در نماز فجر جمعه صد نوبت سوره

يَا حَفِيظُ يَا مُتَجَبِّرُ يَا قَرِيبُ يَا وَدُودُ يَا حَمِيدُ يَا مَجِيدُ يَا مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ يَا شَهِيدُ يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ يَا هَادِي يَا مُرْسِلُ يَا مُرْشِدُ يَا مُسَدِّدُ يَا مُعْطِي يَا مَانِعُ يَا دَافِعُ يَا رَافِعُ يَا بَاقِي يَا وَاقِي يَا خَلَّاقُ يَا وَهَّابُ يَا تَوَّابُ يَا فَتَّاحُ يَا نَفَّاحُ يَا مُرْتَاحُ يَا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ يَا نَفَّاعُ يَا رَؤُوفُ يَا عَطُوفُ يَا كَافِي يَا شَافِي يَا مُعَافِي يَا مُكَافِي يَا وَفِيُّ يَا مُهَيْمِنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا نُورُ يَا مُدَبِّرُ يَا فَرْدُ يَا وِتْرُ يَا قُدُّوسُ يَا نَاصِرُ يَا مُونِسُ يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا عَالِمُ يَا حَاكِمُ يَا بَادِي يَا مُتَعَالِي يَا مُصَوِّرُ يَا مُسَلِّمُ يَا مُتَحَبِّبُ يَا دَائِمُ يَا قَائِمُ يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا جَوَادُ يَا بَارِئُ يَا بَارُّ يَا سَارُّ يَا عَدْلُ يَا فَاصِلُ يَا دَيَّانُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا سَمِيعُ يَا بَدِيعُ يَا خَفِيرُ يَا مُعِينُ يَا نَاشِرُ يَا غَافِرُ يَا قَدِيمُ يَا مُسَهِّلُ يَا مُيَسِّرُ يَا مُمِيتُ يَا مُحْيِي يَا نَافِعُ يَا رَازِقُ يَا مُقْتَدِرُ يَا مُسَبِّبُ يَا مُغِيثُ يَا مُغْنِي يَا مُقْنِي يَا خَالِقُ يَا رَاصِدُ يَا وَاحِدُ يَا حَاضِرُ يَا جَابِرُ يَا حَافِظُ يَا شَدِيدُ يَا غِيَاثُ يَا عَائِدُ يَا قَابِضُ يَا مُنِيبُ يَا مُبِينُ يَا ظَاهِرُ يَا مُجِيبُ يَا مُتَفَضِّلُ يَا مُسْتَجِيبُ يَا عَادِلُ يَا عَادِلُ يَا بَصِيرُ يَا مُؤَمِّلُ يَا مُسْدِي يَا أَوَّابُ يَا وَافِي يَا رَاشِدُ يَا مَلِكُ يَا رَبُّ يَا مُذِلُّ يَا مُعِزُّ يَا مَاجِدُ يَا رَازِقُ يَا وَلِيُّ يَا فَاصِلُ يَا سُبْحَانُ يَا مَنْ عَلَا فَاسْتَعْلَى فَكَانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ قَرُبَ فَدَنَا وَبَعُدَ فَنَأَى وَعَلِمَ السِّرَّ وَأَخْفَى يَا مَنْ إِلَيْهِ التَّدْبِيرُ وَلَهُ الْمَقَادِيرُ يَا مَنِ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَى مَا يَشَاءُ قَدِيرٌ يَا مُرْسِلَ الرِّيَاحِ يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّمَاحِ يَا رَادَّ مَا قَدْ فَاتَ يَا نَاشِرَ الْأَمْوَاتِ يَا جَامِعَ الشَّتَاتِ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا فَاعِلَ مَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ

تو حید خواندن و صد نوبت استغفار کردن و صد نوبت صلوات فرستادن بر پیغمبر و آل او باین طریق که اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و در این روز سنتست خواندن سوره نساء و هود و الکهف و الصافات و الرحمن و خواندن دعائی که در فصل مقدم مذکور شد و آن اینست که اللهم من تعبأ و هفت نوبت این دعا را خواندن و سنتست که اللهم انت ربی لا اله الا انت تا آخر و سنتست در روز جمعه زیارت کرده حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و در بعض زیارات انرا ذکر خواهیم کرد ان شاء الله تعالی و سنتست ختم کردن در روز جمعه و بعد از ختم قرآن دعای ختم قرآن علی بن الحسین خواندن و ذکر آن دعا در باب بجوی که ثواب قرائت سورها در قرآنست مذکور شد و در کتاب سفینه بغداد بسند معتبر از ابن عباس منقول است

یا حی حین لا حی یا حی یا محیی الموتی یا حی لا اله الا انت یا بدیع السموات و الارض
یا الهی و سیدی صل علی محمد و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد و بارک
علی محمد و آل محمد و آل محمد کما صلیت و بارکت علی ابرهیم و آل ابرهیم
انک حمید مجید و ارحم ذلی و فاقتی و فقری و انفرادی و وحدتی
و خضوعی بین یدیک و اعتمادی علیک و تضرعی الیک ادعوک
دعاء الخاضع الذلیل الخاشع الخائف المشفق البائس المهین الحقیر الجائع الفقیر
العائذ المستجیر المقر بذنبه المستغفر منه المستکین لربه دعاء
من اسلمته ثقته و رفضته احبته و عظمت فجیعته دعاء حرق حزین
ضعیف مهین بائس مسکین بک مستجیر اللهم و اسئلک بانک ملیک
و انک ما تشاء من امر یکن و انک علی ما تشاء قدیر و اسئلک بحرمة
هذا الشهر الحرام و البیت الحرام و البلد الحرام و الرکن و المقام و المشاعر
العظام و بحق نبیک محمد علیه و آله السلام یا من وهب لآدم شیثا
و لابرهیم اسمعیل و اسحق یا من رد یوسف علی یعقوب و یا من کشف
بعد البلاء ضر ایوب یا راد موسی علی امه و یا زائد الخضر فی علمه
و یا من وهب لداود سلیمان و لزکریا یحیی و لمریم عیسی یا حافظ بنت
شعیب یا کافل ولد ام موسی ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تغفر لی
ذنوبی کلها و تجیرنی من عذابک و توجب لی رضوانک و امانک
و احسانک و غفرانک و جنانک و اسئلک ان تفک عنی کل حلقة
بینی و بین من یؤذینی و تفتح لی کل باب و تلین لی کل صعب
و تسهل لی کل عسیر و تخرس عنی کل ناطق بشر و تکف عنی کل باغ
و تکبت عنی کل عدو لی و حاسد و تمنع منی کل ظالم و تکفینی کل عائق

کسی که هفت نوبت بعد از نماز جمعه سورهٔ توحید بخواند تا جمعهٔ دیگر محفوظ میماند و در کتاب فضایل قران ابن ضریس مذکور داشته که کسی که در روز جمعه فاتحه و معوذتین و توحید را هفت بار بخواند تا جمعهٔ دیگر محفوظ است و در مسند ابی حنیفه از پیغمبر صلی الله علیه و اله مرویست که بعد از نماز جمعه از مجلس خود برنخواسته هفت بار توحید و هفت بار معوذتین بخواند تا جمعهٔ دیگر محفوظ است و در خزاین منذری از پیغمبر صلی الله علیه و اله مرویست که کسیکه در روز جمعه چون سلام بدهد و هنوز عطف رجلین خود نکرده باشد سورهٔ فاتحه و توحید و معوذتین را هفت بار بخواند خدای تعالی گناهان گذشته و اینده او را بیامرزد و در جامع ابن وهب حدیث مرفوع هست که مضمون آن اینست که کسی روز جمعه نزد تسلیم امام پیش منعطف ساختن پای خود و پیش

بخوان

بینی و بین ولدی و یحاول ان یفرق بینی و بین طاعتک و یثبطنی عن عبادتک
یا من الجم الجن المتمردین و قهر عتاة الشیاطین و اذل رقاب المتجبرین
و رد کید المتسلطین عن المستضعفین اسئلک بقدرتک علی ما تشاء و تسهیلک
لما تشاء کیف تشاء ان تجعل قضاء حاجتی فیما تشاء پس سجده رو و پهلوی
روی خود را بر خاک بگذار و بگوی اللهم لک سجدت و بک امنت فارحم ذلی
و فاقتی و اجتهادی و تضرعی و مسکنتی و فقری الیک یا رب پس حضرت فرمود
که سعی کن که آب از دیدهات بیرون آید اگرچه بقدر سر مگسی باشد که العلامة استجابة
دعا است و در روایت دیگر وارد شده است که در سجده این دعا را بخواند اللهم لک سجدت
و بک امنت فارحم ذلی و خضوعی بین یدیک و فقری و فاقتی الیک و ارحم
انفرادی و خضوعی و خشوعی و اجتهادی بین یدیک و توکلی علیک
اللهم بک استفتح و بک استنجح و بمحمد عبدک و رسولک و آله اتوجه الیک
اللهم سهل لی کل حزونة و ذلل لی کل صعوبة و اعطنی من الخیر اکثر
مما ارجو و عافنی من الشر و اصرف عنی السوء یا قاضی حوائج الطالبین اقض
حاجتی بلطفک یا خفی الالطاف و در روایت معتبره وارد شده که ام داود
بحضرت عرض کرد که ایسید و آقای من این دعا را آیا در غیر ماه رجب توان خواند فرمود
بلی در روز عرفه میتوان خواند و اگر اتفاق افتد که روز جمعه باشد نمیشود که فارغ شود صاحبش
مگر آنکه خدای تعالی بیامرزد او را و در هر ماه که باشد ایام البیض اگر این سه روزه بدارد
و در روز پانزدهم این دعا را بخواند بنحویکه ذکر کردم حاجتش برآورده می شود و در
روایت دیگر وارد شده است که در روز عرفه و هر روز که باشد این دعا را بخواند
حاجت او برآورده می شود مؤلف گوید که از این احادیث ظاهر میشود که در هر ماه که ایام

توحید و معوذتین بخواند تمامی گناهان او که در مابین آن دو جمعه واقع شده بیامرزد و دین و دنیا و اهل و ولدش در دین و دنیا محفوظ میماند و سنت است روز جمعه بعد صد نوبت خواندن سورهٔ قدر و بعد از نماز عصر هفت نوبت خواندن این دعا که اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین بافضل صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک و السلام علیهم و علی ارواحهم و اجسادهم و رحمة الله و برکاته و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله مرویست که کسی که در روز جمعه بعد از نماز امام صد بار سورهٔ توحید بخواند و صد بار صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و اله فرستد و هفتاد بار بگوید اللهم اکفنی بحلالک عن حرامک و اغننی بفضلک عمن سواک صد حاجت از او روا میکنند هشتاد حاجت از حوایج آخرت و بیست حاجت از حوایج دنیا و در جامع بزنطی از حضرت صادق مرویست که کسیکه در روز جمعه مابین نماز ظهر و عصر

البنص او را روزه بدارد و روز پانزدهم این عمل را بجا آورد مطلوب با نرمیکردد و در روایت
که اگر روز عرفه و روز جمعه و سایر ایام متبرکه نیز این عمل را بجا آورد خوب باشد و اگر در
غیر اشهر حرم که ذی القعده و ذی الحجه و ماه رجب وغیره است بدعا را بخواند بجای بحرمة هذا الشهر
بگوید بحرمة شهر الحرام وهذا ببند از د بهتر باشد فایده در بیان احوال پیغمبر انکه در این
دعا مذکور است و ابدال و سیاح وغیرهم چنانچه در کتاب عزه و کتاب شد و ذا العقود
و مفاتیح التنزیل مذکور است آنست که آدم نهصد و سی سال عمر کرد و از دنیا رحلت نکرد تا
آنکه ولد و ولد ولد او بچهل هزار رسید و حوا بعد از آدم یکسال زنده بود و چون حوا فوت شد
او را با آدم ع دفن کردند چون هابیل قابیل را کشت پوست او سیاه شد شیث ع پنج سال بعد از
هابیل متولد شد و از اولاد آدم غیر از شیث عقب نگذاشت و انساب جمیع مردم باو
منتهی میشود و عمر او نهصد و دوازده سال بود و ادریس ع که اخنوخ عبارت از اوست
بعد از سیصد و شصت سال باسمان رفت و پدر او الیارد نام داشت و نوح ع پسر ملکست و عمر
او چهارصد و پنجاه سال بود و هود بن شالخ هشتصد و هفت سال عمر داشت و صالح
از اولاد ثمود است و پدر او عاد بن ارم بن سام است و آنحضرت در مکه فوت شد و عمر او
پنجاه و هشت سال بود و ابرهیم بن تارخ صد و هفتاد و پنج سال عمر او بود و اسمعیل ع صد و
بیست سال عمر او بود و حضرت ابرهیم ع هشتاد و چهار سال عمر داشت که اسمعیل ع متولد
شد و اسحق را صد و هشتاد عمر بود و حضرت ابرهیم ع صد ساله بود که اسحق متولد شد و یعقوب
بن اسحق را صد و چهل و شش سال عمر بود و جمیع اسباط از نسل او بهم رسیدند یوسف ع
صد و بیست سال عمر داشت و اسباط دوازده نفر بودند از اولاد یعقوب ع و لوط پسر خاله
حضرت ابرهیم ع و بعضی گفته اند که پسر خاله او بود و اول کسیکه ایمان بابرهیم آورد او بود
و شعیب عمر بسیار کرد و دختر لوط در حباله او بود و ایوب بن اموص لیا را که دختر یعقوب بود

صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد برابر میکند با هفتاد رکعت نماز و از حضرت صادق ع مرویست که کسی که بعد از نماز صبح و بعد از نماز جمعه بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَوٰاتِكَ وَصَلَوٰاتِ مَلٰائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ یکسال برای او گناه ننویسند و نیز از آنحضرت مرویست که کسی در روز جمعه بعد از نماز ظهر الحمد و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر کدام را هفت بار بخواند و آخر سوره برائت که از آیه لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ تا آخر سوره حشر که آیه لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلٰى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا

در حباله خود در آورد و این زن بود که ایوب او را ضغثی یعنی یکدسته چوب که صد شمراخ
بود بر عددی که ایوب سوگند خورده بود که او را بزند و مادر ایوب دختر لوط بود
و موسی را صد و بیست عمر بود و هرون را صد و بیست و سه سال عمر بود و آنحضرت سه سال
پیش از موسی فوت شد و یوشع بن نون و نون پسر افراهیم بن یوسف بود و میشا
پسر یوسف بود و او را پسری بود موسی نام که پیش از موسی بن عمران بود و خضر بن ملکان
و ملکان پسر فالغ بن هود بود و ذو القرنین جمیع دنیا را مالک شد و یونس بن متی را
خدای تعالی باهل نینوی که از زمین موصل است فرستاد و الیاس از سبط یوشع بن نون
بود و الیسع شاگرد الیاس بود و خدای تعالی او را بعد از الیاس پیغمبر کرد و ذو الکفل
پیغمبری بود که پیش از عیسی مبعوث شد و بعضی گفته اند او را یوسطران ذو الکفل گویند
که کفیل هفتاد پیغمبر شد و ایشانرا از قتل خلاص کرد و طالوت چون بسیار طویل القامه
او را طالوت نام کردند داود دختر او را در حباله خود در آورد و او از فرزندان ابن یامین
بن یعقوب بود و داود صد و چهل سال عمر کرد و سلیمان پنجاه و سه سال عمر کرد و آنحضرت
سیزده ساله بود که پادشاه شد و زکریا بن داود بود و نه سال عمر کرد و شعیا موسی را
خدای تعالی بر قومی فرستاد آن قوم او را شهید کردند و خدای تعالی ایشانرا هلاک کرد و
یحیی و عیسی پسر خاله یکدیگر بودند و توریت عبارتست از متی که پدر یونس است و ارمیا را
خدای تعالی فرستاد به بیت المقدس و قوم او باو ایمان نیاوردند پس خدای تعالی بخت النصر را
بر ایشان مسلط کرد و ارمیا بسوی مصر رفت و باز به بیت المقدس برگشت و توشه و انگور و
انجیر خود خدای تعالی صد سال او را میراند و بعضی گفته اند که او عزیر بود و حیوق و در بعض
از نسخ حیوقست و او پیغمبری بود که بعد از موسی مبعوث شد و بر شریعت موسی بود
و بخت النصر دانیال و عزیر هر دو را اسیر کرد و خدای تعالی هر دو را از او نجات داد و یهود کشتند

لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ تا آخر سوره بخواند و نیز آیه از سوره آل عمران که إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللّٰهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلٰى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا

که عزیر پسر خداست بواسطه آنکه توریة را اقامت کرد از برای بنی اسرائیل بعد از آنکه او را سوخته بودند و عیسی ع در سیزده سالگی باو وحی فرستادند و در سی و سه سالگی باسمان رفت و عمران بن ماثان جد او بود و حنانه مادر مریم جده او بود و شمعون بن حمون صفا وصی عیسی بود و جرجیس از اهل فلسطین بود و خدای تعالی او را بعد از حضرت عیسی ع بسوی ملک موصل مبعوث ساخت اسم حواریان از برای اصحاب حضرت عیسی است که مخصوص عیسی بودند و ایشان دوازده نفر بودند بعضی از ایشان الوقا و مرقانوس و یوحنا و متی بودند و بعضی از ایشان رسولان حضرت عیسی ع بودند بسوی اهل انطاکیه چنانچه حق تعالی فرموده وارسلنا الیهم اثنین فکذبوهما فعززنا بثالث و آن ثالث شمعون بود که سر کرده حواریین بود و بعضی گفته اند که آن ثالث یونس بود و بعضی گفته اند هلوم بود و بعضی گویند دو رسول دیگر صادق و صدوق بودند پس این اسم استعمال کردند در هر کسی که شبیه باشد بایشان از مصدقان خالد بن سنان العبسی از عرب بود و بعد از عیسی مبعوث شد حنظله بن صفوان در زمان فترت میان حضرت عیسی و محمد ص بود ابدال عبارتست از عابدان و از حضرت علی ع مرویست که ابدال در شام می باشند و ایشان برگزیده خیدند که بعضی بدل بعضی دیگر می باشند و اولاد خلاصه ابدالند و سیاح جماعتی می باشند که در زمین سیر می کنند بجهة عبادت الهی و در این امت عبارتست از روزه داران صائم را سایح بواسطه شباهت او بسایح در زمین بی زاد و توشه زیرا که صائم نیز بی زاد در دنیا راه خود می کذارد و بعضی گفته اند که زمین خالی نیست از قطب و چهار وتد و چهار بدل و هفتاد نجیب و سیصد و شصت صالح قطب حضرت صاحب الزمانست و اولاد کمتر از چهار نیستند زیرا که دنیا چون خیمه ایست و حضرت مهدی مثل عمود است و این اربعه طنابهای آن خیمه می باشند و گاه باشد که اوتاد زیاده از چهار باشند و ابدال زیاده از چهل و نجبا زیاده از هفتاد باشند و

و صلحا زیاده از سیصد و شصت باشند و ظاهر آنست که خضر و الیاس از جمله اوتادند و ملصق میان بدایه قطب و صفت اوتاد آنست که یکطرفة العین از خدای خود غافل نیستند و از دنیا هیچ جمع نکنند و هفوات و آثام بشر از ایشان صادر نشود و عصمت در ایشان شرط نیست اما در قطب عصمت شرطست و اما ابدال در مرتبه ادون از اوتادند و گاه هست که از ایشان غفلتی واقع شود پس تدارک کنند آن غفلت را بتذکر و عمدا از ایشان گاهی سر نمیزند و اما نجبا در مرتبه ادون از ابدالند و اما صلحا عبارت می باشد از متقیانی که موصوفند بعدالت و گاه هست از ایشان گاهی صادر شود و باستغفار و پشیمانی تدارک آن کنند چنانچه خدای تعالی فرموده است ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون خدای تعالی هم هدایت براه راست نماید روز بیست و هفتم این ماه از جمله اعیاد عظیمه است در روز بیست و هفتم روزیست که حضرت رسول ص برسالت در این روز مبعوث گردید و جبرئیل بر پیغمبری بر آنحضرت نازل شد و شبش نیز شب بسیار مبارکی است و بسندهای معتبر از حضرت امام محمد تقی منقولست که در ماه رجب شبی هست از برای مردم بهتر است از آنچه آفتاب بر آن می تابد و آن شب بیست و هفتم این ماهست و در صبح آنشب حضرت رسول ص برسالت مبعوث گردید و کسیکه عبادت کند این شب را مثل اجر شصت سال عبادت خدا باو عطا کند پرسیدند عمل آن شب چیست فرمودند که چون نماز خفتن کردی بخواب و هر وقت از شب که بیدار شوی خواه پیش از نصف شب و خواه بعد از آن برخیز و دوازده رکعت نماز کن بطریقیکه گذشت و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که در شب بیست و هفتم رجب هر وقت شب که باشد دوازده رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد چهار مرتبه سوره فلق و چهار مرتبه سوره الناس و توحید بخوان و چون از دوازده رکعت فارغ شدی در همان مکان چهار مرتبه بگو لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس هر حاجت که خواهی طلب

روز جمعه

باب ۹ در اعمال بیست هفتم رجب

براورده است مؤلف گوید بهر یك ازاین دو روایت اگر عمل نماید خوبست و اگر هر دو را بکند بهتر است و اگر نماز نصف شب ماه رجب را که بسند صحیح وارد شده چنانکه گذشت دراین شب بجا آورد خوبست و دران روایت وارد شده که دراین شب نیز بجا آورند و شیخ طوسی ره گفته است که غسل دراین شب سنتست و زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین دراین شب مناسبت و ایندعا نیز وارد شده که دراین شب بخوانند اللّهم انی اسئلك بالتجلی الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر المعظم والمرسل المکرم ان تصلی علی محمد وال محمد وان تغفر لنا ما انت اعلم به منا یا من یعلم ولا یعلم اللّهم بارك لنا فی لیلتنا هذه التی شرفتها بالرسالة وفضلتها بکرامتك واجللتها وبالمحل الشریف احللتها اللّهم فانا نسئلك بالمبعث الشریف والسید اللطیف والعنصر العفیف ان تصلی علی محمد وال محمد وان تجعل اعمالنا فی هذه و فی سائر اللیالی مقبولة وذنوبنا مغفورة وحسناتنا مشکورة وسیئاتنا مستورة وقلوبنا بحسن القول مسرورة وارزاقنا من لدنك بالیسر مدرورة اللّهم انك تری ولا تری وانت بالمنظر الاعلی وان الیك الرجعی والمنتهی وان لك الممات والمحیا وان لك الاخرة والاولی اللّهم انا نعوذ بك ان نذل و نخزی وان نأتی ما عنه تنهی اللّهم انا نسئلك الجنة برحمتك ونستعیذ بك من النار فاعذنا منها بقدرتك ونسئلك من الحور العین فارزقنا بعزتك واجعل اوسع ارزاقنا عند کبر سننا واحسن اعمالنا عند اقتراب اجالنا واطل فی طاعتك وما یقرب الیك ویحظی عندك و یزلف لدیك اعمارنا واحسن فی جمیع احوالنا وامورنا معرفتنا ولا تکلنا علی احد من خلقك فیمن علینا و تفضل علینا بجمیع حوائجنا للدنیا والاخرة

الی

دعای عید روز مبعث

وابدء بابائنا وامهاتنا وابنائنا وجمیع اخواننا المؤمنین فی جمیع ما سئلناك لانفسنا یا ارحم الراحمین اللّهم انا نسئلك باسمك العظیم وملکك القدیم ان تصلی علی محمد وال محمد وان تغفر لنا الذنب العظیم فانه لا یغفر الذنب العظیم الا العظیم اللّهم وهذا رجب المکرم الذی اکرمتنا به اول اشهر الحرم اکرمتنا به من بین الامم فلك الحمد یا ذا الجود والکرم فاسئلك به و باسمك الاعظم الاعظم الاجل الاکرم الذی خلقته فاستقر فی ظلك فلا یخرج منك الی غیرك ان تصلی علی محمد و اهل بیته الطاهرین وان تجعلنا من العاملین فیه بطاعتك والاملین فیه بشفاعتك اللّهم اهدنا الی سواء السبیل واجعل مقیلنا عندك خیر مقیل فی ظل ظلیل وملك جزیل فانك حسبنا ونعم الوکیل اللّهم اقلبنا مفلحین منجحین غیر مغضوب علینا ولا ضالین برحمتك یا ارحم الراحمین اللّهم انی اسئلك بعزائم مغفرتك وبواجب رحمتك السلامة من کل اثم والغنیمة من کل بر والفوز بالجنة والنجاة من النار اللّهم دعاك الداعون ودعوتك وسئلك السائلون وسئلتك وطلب الیك الطالبون وطلبت الیك اللّهم انت الثقة والرجاء والیك منتهی الرغبة والدعاء اللّهم فصل علی محمد واله واجعل الیقین فی قلبی والنور فی بصری والنصیحة فی صدری وذکرك فی اللیل والنهار علی لسانی ورزقا واسعا غیر ممنون ولا محظور فارزقنی وبارك لی فیما رزقتنی واجعل غنای فی نفسی ورغبتی

در اعمال روز بیست و هفتم رجب

فیما عندک برحمتک یا ارحم الراحمین پس بسجده رود و بگوید الحمد لله الذی
هدانا لمعرفته و خصّنا بولایته و وفّقنا لطاعته پس صد مرتبه بگوید
شکراً شکراً پس سر از سجده بردارد و بگوید اللهمّ انّی قصدتک
بحاجتی و اعتمدت علیک بمسئلتی و توجّهت الیک بائمّتی و سادتی
اللهمّ انفعنا بحبّهم و اوردنا موردهم و ارزقنا مرافقتهم و ادخلنا
الجنّة فی زمرتهم برحمتک یا ارحم الراحمین و در روز بیست و هفتم غسل
سنّت و کیفیت دوازده رکعت نماز او گذشت و بهتر آنست که بعد از هر دو رکعت
این دعا را بخواند الحمد لله الذی لم یتّخذ ولداً و لم یکن له شریک فی
الملک و لم یکن له ولیّ من الذلّ و کبّره تکبیراً یا عدّتی فی مدّتی یا
صاحبی فی شدّتی یا ولیّی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی
حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت
الساتر عورتی فلک الحمد و انت المقیل عثرتی فلک الحمد و انت
المنعش صرعتی فلک الحمد صلّ علی محمّد و آل محمّد و استر عورتی و
آمن روعتی و اقلنی عثرتی و اصفح عن جرمی و تجاوز عن سیّئاتی فی اصحاب
الجنّة وعد الصدق الذی کانوا یوعدون و امّا ثواب روزه آن از حضرت
رسالت صلّی الله علیه و آله منقولست که هر که حرمت ماه رجب و شعبان را بداند و وصل نماید
روزه این دو ماه را بماه مبارک رمضان اینها ماههای مبارک روز قیامت گواهان
او خواهند بود در نزد حق تعالی و در از و زمنادی از افق اعلی ندا کند که ای رجب
و شعبان و رمضان چگونه بوده است عمل این بنده در شما ها و طاعت او از برای
خدا هر آن ماهها گویند که بنده تو توشه گرفت از ما ها از برای اطاعت تو و استمداد

لا اله الّا انت یا حنّان یا منّان یا بدیع السموات و الارض یا ذا الجلال و الاکرام صلّ علی محمّد و آل محمّد و سلّم تسلیماً کثیراً کثیراً و بعد از آن از روی خضوع و خشوع و دلشکستگی بگوید که اللهمّ انّی اسئلک بحقّ محمّد و انت المحمود و بحقّ علیّ و انت الاعلی و بحقّ فاطمة و انت فاطر السموات و الارض و بحقّ الحسن و انت المحسن و بحقّ الحسین و انت قدیم الاحسان ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و ان تقبل دعائی و تغفر ذنوبی و تقضی حاجتی بحقّ محمّد و آله اجمعین الحمد لله الذی علا فقهر الحمد لله الذی ملک فقدر الحمد لله الذی بطن فخبر الحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کلّ شیء قدیر و سوره حمد و توحید را بخواند و بگوید یا من هو اقرب الیه من حبل الورید یا من یحول بین المرء و قلبه

العزیز الحکیم سبحانک و انت

فضل و رحمت تو نمود و سعی بسیار در طلب خوشنودی تو کرد و تا توانست اهتمام در تحصیل
محبّت تو نمود پس گواهی دهند ملائکه که موکّلند بر این ماهها که ما نیافتیم این بنده را
مگر طالب کننده طاعت و خوشنودی تو و امیدوار رحمت و آمرزش تو و آنچه را نهی کرده
بودی ترک کرد و آنچه از او طلبیده بودی بسوی آنها مسارعت نمود و روزه کامل داشت
از برای تو و شکم و فرج و چشم و گوش و سایر جوارح او از آنچه بر او حرام کرده بودی اجتناب
اجتناب کرد و روزها بر تشنگی بشب رسانید و در شبها خود را تعب افکند برای بندگی
تو و تصدّق بفقرا و مساکین بسیار کرد و احسان نسبت بایشان بسیار نمود و با این ماهها مصاحبت
نیکو کرد و چون از اینها جدا شد وداع نیکو کرد و بعد از رفتن این ماهها پیرامون محرّمات
تو نگردید و نیکو بنده بود این بنده پس حق تعالی فرماید ببرید این بنده را بسوی بهشت استقبال
کنند او را ملائکه خدا بتحفهها و کرامتها او و او را بر شتران و اسبان نور سوار کنند و ببرند بسوی
نعمتی که هرگز زوال ندارد و خانه که فانی نمیشود و سرائی که جوانانش هرگز پیر نمیشوند و
شادی و خوشنودی او زوال ندارد و هرگز ایشان را تعبی باشد و از عذاب ایمن میگردند
و مشقّت حساب بر ایشان نیست و ایضاً از آنحضرت منقولست که ماه رجب ماه بزرگ خداست و هیچ ماهی بحرمت
و فضیلت آن نمیرسد و قتال با کافران در این ماه حرام است و رجب ماه خداست و شعبان ماه منست و رمضان
ماه امّت منست کسی که یکروز از ماه رجب را روزه دارد مستوجب خوشنودی بزرگ خدا گردد و غضب
الهی از او دور گردد و دری از درهای جهنّم بروی او بسته گردد و بسند معتبر از حضرت موسی بن
جعفر علیه السلام منقولست که هر که یکروز از ماه رجب را روزه دارد آتش جهنّم یکسال راه از او دور گردد
و هر که سه روز او را روزه دارد بهشت از برای او واجب شود و فرمود که رجب نام نهریست
در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرینتر و هر که یکروز از ماه رجب را روزه دارد البتّه از آن
نهر بیاشامد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول فرمود که ماه رجب ماه استغفار

یا من هو یا من لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر و دعای سمات را بخواند و آن اینست که بسم الله الرحمن الرحیم اللهمّ انّی اسئلک باسمک العظیم الاعظم الاعزّ الاجلّ الاکرم الذی اذا دعیت به علی مغالق ابواب السماء للفتح بالرحمة انفتحت و اذا دعیت به علی مضائق ابواب الارض للفرج انفرجت و اذا دعیت به علی العسر للیسر تیسّرت و اذا دعیت به علی الاموات للنشور انتشرت و اذا دعیت به علی کشف البأساء و الضرّاء انکشفت و بجلال وجهک الکریم اکرم الوجوه و اعزّ الوجوه الذی عنت له الوجوه و خضعت له الرقاب و خشعت له الاصوات و وجلت له القلوب من مخافتک و بقوّتک التی تمسک السماء ان تقع علی الارض الّا باذنک و تمسک السموات و الارض

اسم اعظم

بنویسد دعا را

باب ... در اداب ماه رجب

امر شده است این است که طلب آمرزش کنید در این ماه که خدا آمرزنده و مهربانست و رجب را اصب میگویند زیرا که رحمت خدا در این ماه بسیار ریخته میشود پس بگویید استغفر الله و اسئله التوبة و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که سه روز از ماه رجب را روزه دارد هفت در جهنم بروی وی بسته گردد و هر که هشت روز از آن روزه بگیرد هشت در بهشت بروی او گشاده گردد و هر که پانزده روز از آن روزه بدارد خدا حساب او را آسان کند و هر که جمیع رجب را روزه دارد حق تعالی خوشنودی خود را برای او بنویسد و هر که او را عذاب نکند و ابن بابویه بسند معتبر از سالم روایت کرده است که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق در اواخر ماه رجب که چند روز از آن مانده بود چون نظر مبارک آنحضرت بر من افتاد پرسید که آیا روزه گرفته در این ماه گفتم نه ای فرزند رسول خدا فرمود آنقدر ثوابی از تو فوت شده که قدر آنرا غیر از خدا کسی نمیداند بدرستیکه این ماهی است که خداوند آنرا بر ماههای دیگر فضیلت داده است و حرمت آنرا عظیم گردانیده و برای روزه داشتش گرامی داشتن را بر خود واجب گردانیده پس گفتم یابن رسول الله در باقی مانده این ماه روزه بدارم آیا ببعضی ثواب روزه داران فایز میگردم فرمود ای سالم هر که یکروز از آخر این ماه را روزه بدارد خدا او را ایمن گرداند از شدت سکرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از آخر این ماه را روزه بدارد بر صراط بآسانی بگذرد و هر که سه روز از آخر این ماه را روزه بدارد ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت و از شدتها و هولهای آن روز و برات بیزاری از آتش جهنم بوی عطا کنند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده است که هر که یکروز از اول یا از وسط یا از آخر آن روزه دارد گناهان گذشته اش آمرزیده شود و هر که یکشب از این شبها را احیا کند حق تعالی او را از جهنم آزاد گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق هفتاد هزار گناهکار و هر که در این ماه تصدقی از برای خدا بکند خداوند غفار در بهشت نعمتی چند باو عطا فرماید که چشمی ندیده و گوشی نشنیده

أن تزولا و بمشیتک التی دان لها العالمون و بکلمتک التی خلقت بها السموات و الارض و بحکمتک التی صنعت بها العجائب و خلقت بها الظلمة و جعلتها لیلا و جعلت اللیل سکنا و خلقت بها النور و جعلته نهارا و جعلت النهار نشورا مبصرا و خلقت بها الشمس و جعلت الشمس ضیاء و خلقت بها القمر و جعلت القمر نورا و خلقت بها الکواکب و جعلتها نجوما و بروجا و مصابیح و زینة و رجوما و جعلت لها مشارق و مغارب و جعلت لها مطالع و مجاری و جعلت لها فلکا و مسابح و قدرتها فی السماء منازل فاحسنت تقدیرها و صورتها فاحسنت تصویرها و احصیتها باسمائک احصاء و دبرتها بحکمتک تدبیرا و احسنت تدبیرها و سخرتها بسلطان اللیل و سلطان النهار و الساعات و عدد السنین و الحساب و جعلت رؤیتها

و بر هیچ احدی خطور نکرده باشد و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق روایت شده است که چون روز قیامت شود منادی از جانب عرش ندا کند که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور رویهای ایشان بر اهل محشر درخشان باشد تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکلل باشد بمروارید و یاقوت و با هر یک از ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و همراه او روانند ندا کنند که گوارا باد ترا کرامتهای حق تعالی ای بندهٔ خدا پس از حق تعالی ندا رسد که ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خود سوگند که شما را در ماوی نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را بزرگ گردانم و عطا کنم بشما از غرفهای بهشت که نهرها در زیر آنها جاری باشد و همیشه در آن غرفها باشید و نیکو مزد است مزد کارکنان از برای من پس آنکه واجب گردانم بر شما روزه داشتید از برای من در ماهی که حرمت آنرا عظیم گردانیده بودم و حق او را واجب ساخته بودم ای ملائکه من بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت گردانید پس آنحضرت فرمود که این همه ثوابها برای کسی است که چیزی از ماه مبارک را روزه دارد اگر چه یکروز باشد از اولش یا میانش یا آخرش و بسند معتبر از حضرت امام رضا مرویست که هر که روز اول ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی در قیامت از او خوشنود باشد و هر که دو روز از او را روزه دارد خدا تعالی بغایت از او خوشنود و راضی باشد و او را خوشنود گرداند و هر که سه روز از او را روزه دارد خداوند کریم از او راضی گردد و خصمان او را از او راضی گرداند روز قیامت و هر که هفت روز از او را روزه دارد چون بمیرد درهای آسمان برای روح او گشاده گردد تا بملکوت اعلی برسد و هر که هشت روز از او را روزه بدارد هشت در بهشت بروی او گشاده شود و هر که پانزده روز از او را روزه بدارد هر حاجتی که از حق تعالی بخواهد برآورد مگر آنکه سؤال او برای گناهی یا متضمن قطع رحم باشد و هر که تمام این ماه را روزه بدارد از گناهان بیرون رود مانند روزی که از مادر متولد شده و از آتش جهنم آزاد گردد

سمات

لجمیع الناس اللهم و بمجدک الذی کلمت به عبدک و رسولک موسی بن عمران علیه السلام فی المقدسین فوق احساس الکروبیین فوق غمائم النور فوق تابوت الشهادة فی عمود النار و فی طور سیناء و فی جبل حوریث فی الواد المقدس فی البقعة المبارکة من جانب الطور الایمن من الشجرة و فی ارض مصر بتسع آیات بینات و یوم فرقت لبنی اسرائیل البحر و فی المنبجسات التی صنعت بها العجائب فی بحر سوف و عقدت ماء البحر فی قلب الغمر کالحجارة و جاوزت ببنی اسرائیل البحر و تمت کلمتک الحسنی علیهم بما صبروا و اورثتهم مشارق الارض و مغاربها التی بارکت فیها للعالمین و اغرقت فرعون و جنوده و مراکبه فی الیم و باسمک العظیم الاعظم الاعظم الاعز الاجل الاکرم و بمجدک الذی تجلیت به لموسی کلیمک

و داخل بهشت کردد با برکزیدکان و نیکوکاران و در روز بیست و هفتم رجب غسل سنتست و روزه آن
فضیلت بسیار دارد و بسندهای معتبر از حضرت صادق منقولست که روزه اش برابر است
با روزه هفتاد سال و بروایت دیکر شصت سال و ایضا منقولست بسند معتبر از حضرت امام رضا
که هر که روز بیست و هشتم ماه رجب را روزه دارد کفاره نود سال کناه او کردد و هر که روز بیست
و نهم را روزه بدارد کفاره صد سال کناه او کردد و هر که روز سی ام این ماه را روزه بدارد
حقتعالی کناهان کذشته و اینده او را بیامرزد و در روز اخر ماه نماز سلمان سنتست و احادیث
در این باب بسیار است و این رساله کنجایش ذکر انها را ندارد خاتمه در بعضی از روایات معتبره
وارد شده است که بدل روزه مستحبی یکدرهم تصدق کند که موافق ده نخود و ابن زمان تقریبا
هفتاد دینار بوده باشد و بروایت دیکر عوض روزه یکمد کندم یا جو وارد شده است
و احوط در مد صد درم شاهیست و ظاهر اصد درم کهنه کافی باشد و در روایتی در خصوص
ماه مبارک رجب بدل کرده نان نیز وارد شده است اکر قادر بر روزه نباشد و حمل کرده اند بر کسیکه
پریشان باشد و قادر بر درهم و مد نباشد و ایضا در خصوص روزه ماه رجب از حضرت
رسول وارد شده است که اکر قادر بر روزه نباشد بعوض او هر روز این تسبیح را صد مرتبه بخوانند
تا ثواب روزه را بیابد سُبْحَانَ الْإِلٰهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ
سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ و در روایات
معتبره وارد شده که هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزه سنت کرده
باشد و او طعامی حاضر سازد و او را تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از روزه داشتنست
هفتاد برابر و اکر اظهار نکند که روزه ام ثوابش بیشتر است برابر یکسال روزه است و زن را
روزه سنت داشتن بی رخصت شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت پدر
و مادر و مهمان را بی رخصت مهماندار و مهماندار را بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب

فی طور سیناء و لابرهیم علیه السلام
خلیلک علیه السلام من قبل فی
مسجد الخیف و لاسحق صفیک علیه
السلام من قبل فی المسجد الخیف
فی بئر شیع و لیعقوب نبیک علیه السلام
فی بیت ایل و اوفیت لابرهیم علیه السلام
بمیثاقک و لاسحق بحلفک و لیعقوب
بشهادتک و للمؤمنین بوعدک
و للداعین باسمائک فاجبت و
بمجدک الذی ظهر لموسی بن عمران
علیه السلام علی قبة الرمان
و بایاتک التی وقعت علی ارض
مصر بمجد العزة و الغلبة بایات
عزیزة و بسلطان القوة و بعزة
القدرة و بشان الکلمة
التامة و بکلماتک التی
تفضلت بها علی اهل السموات
و الارض و اهل الدنیا و الاخرة
و برحمتک التی مننت بها علی جمیع
خلقک و باستطاعتک التی
اقمت بها العالمین و بنورک
الذی قد خر

و بایاتک التی وقعت علی ارض مصر ٥

نیست و مشهور میان علماء انست که سنت روزه مملوک بی اذن مالک باطل است و هم چنین روزه
سنت زن بی اذن شوهر صحیح نیست و در روزه فرزند اکر سنت باشد مکروه است بی اذن پدر
و مادر و باطل نیست و بعضی کفته اند بی رخصت پدر و مادر باطل است و در روزه سنت مهمان
بدون رخصت میهماندار خلافست و احوط انست که مهمان و میهماندار بی رخصت یکدیکر روزه مستحب ندارند
اکرچه اظهر انست که مکروه است باب پنجاهم در اعمال ماه شعبان اما نمازان از پیغمبر مرویست که
هر که در شب اول از این ماه صد رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و توحید یکبار و چون
سلام دهد پنجاه مرتبه سوره فاتحه بخواند دفع می کند خدای تعالی از او شر اهل اسمان و زمین را
شب دوم هر که در این شب پنجاه رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکمرتبه و توحید و معوذتین
هر کدام یکمرتبه بخواند تا سال دیکر بر او کناهی ننویسند و خدای تعالی او را از عبادت اهل
اسمان و زمین بهره کرامت کند پس انحضرت برای این نماز ثواب بسیار ذکر فرمود شب سیم هر که در این
شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و بیست و پنج مرتبه توحید بخواند درهای بهشت برای
او کشوده شود و درهای جهنم بروی او بسته شود شب چهارم هر که در این شب چهل رکعت
نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و بیست و پنج مرتبه توحید بخواند خداوند عالم بعدد هر رکعت
ثواب هزار سال عبادات از برای او بنویسد شب ۵ هر که در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت
الحمد یکمرتبه و توحید پانصد بار بخواند و بعد از نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و ال او
فرستد خدای تعالی هزار حاجت او را از حوائج دنیا و اخرت بر اورد شب ششم هر که در این شب
چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه الحمد و ده مرتبه توحید بخواند خدای تعالی قبض روح
او کند بر سعادت و قبر او را فراخ و نورانی کرداند و او را مبعوث سازد در حالتی که از شهداء باشد
باشد شب هفتم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در رکعت اول الحمد و صد مرتبه توحید و در رکعت
دوم یکمرتبه الحمد و یکدفعه ایة الکرسی بخواند خدای تعالی دعای او را مستجاب کرداند و حوائج او را

من فرعون و عملوه
سیناء و بطلعتک و جلالک و
کبریائک و عزتک و جبروتک
التی لم تستقلها الارض و
انخفضت لها السموات و انزجر
لها العمق الاکبر و رکدت لها
البحار و الانهار و خضعت لها
الجبال و سکنت لها الارض
بمناکبها و استسلمت لها الخلائق
کلها و خفقت لها الریاح فی
جریانها و خمدت لها النیران فی
اوطانها و بسلطانک الذی عرفت
لک به الغلبة دهر الدهور و
حمدت به فی السموات و الارضین
و بکلمتک کلمة الصدق
التی سبقت لابینا ادم علیه
السلام و ذریته بالرحمة و
اسئلک بکلمتک التی غلبت
کل شیء و بنور وجهک الذی
تجلیت به للجبل فجعلته دکا
و خر موسی صعقا و بمجدک
الذی ظهر علی طور

ابراوده

باب در اداب ماه شعبان

روزی

براورد و بعدد هر سوره ثواب یک شهید باو کرامت کند و یک کناه از او محو کند شب هشتم هر کس در
این شب دو رکعت نماز کند در رکعت اول یکبار الحمد و پانزده یا پانزده مرتبه توحید بخواند
و در رکعت دویم الحمد و آیه قُل اِنّما اَنا بَشَرٌ مِثلُکُم تا اخر سوره بخواند و پانزده مرتبه
توحید خدای تعالی کناهان او را بیامرزد اکرچه مثل کف دریا باشد و ثواب کسی دارد که
چهار کتاب خدا را خوانده باشد شب نهم هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند در رکعتی یکمرتبه
الحمد و ده بار سوره النصر بخواند خدای تعالی بدن او را بر آتش دوزخ حرام سازد شب دهم
هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه الحمد و سه مرتبه آیة الکرسی و سی
بار سوره الکوثر بخواند خدای تعالی از برای او صد هزار حسنه بنویسد و صد هزار درجه
بلند کند و صد هزار در از برای او در بهشت بکشاید و او را و مادر و پدر او را و همسایه
او را بیامرزد شب یازدهم هر کس که در این شب هشت رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکمرتبه
و سوره جحد ده بار بخواند خدای تعالی بعدد هر رکعتی روضه از ریاض بهشت باو کرامت
فرماید و این نماز را نکند مکر مؤمنی که ایمان او کامل باشد شب دوازدهم هر کسیکه در این شب
دوازده رکعت نماز کند هر رکعت یکبار الحمد و ده مرتبه سوره التکاثر بخواند خدای تعالی کناهان
چهل سال او را بیامرزد شب ۱۳ هر کسیکه در این شب دو رکعت نماز کند و در هر رکعت الحمد
یکبار و سوره والتین یکبار بخواند از کناهان بیرون اید مثل روزیکه از مادر متولد شده
باشد و ثواب کسی دارد که دویست تن از فرزندان اسمعیل ازاد کرده باشد شب ۱۴ هر کسی که در
این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه الحمد و سوره العصر پنج مرتبه بخواند خدای تعالی
از برای او ثواب جمیع عابدان دهد که از زمان آدم نماز کنند تا قیامت و جمیع کناهان او را بیامرزد
شب ۱۵ هر کسی که در این شب چهار رکعت نماز کند میان نماز شام و خفتن در هر رکعت یکبار الحمد و
ده مرتبه توحید بخواند و بعد از سلام ده مرتبه بکوید اَللّهُمَّ اغفِر لَنا و ده مرتبه بکوید یا ربّ

سمات
وکلّمت به عبدک و
رسولک موسی بن عمران علیه
السلام وبطلعتک فی ساعیر و
ظهورک فی جبل فاران وبربوات
المقدسین وجنود الملائکة
الصافین وخشوع الملائکة
المسبحین وبرکاتک التی بارکت فیها
علی ابرهیم خلیلک فی امة محمد
صلی الله علیه وآله وبارکت
لاسحق صفیک فی امة عیسی
وبارکت لیعقوب اسرائیلک فی
امة موسی علیه السلام وبارکت
لحبیبک محمد صلی الله علیه
فی عترته وذریته وامته اللهم
وکما غبنا عن ذلک ولم
نشهده وآمنا به ولم نره صدقا
وعدلا ان تصلی علی محمد وآله و
ان تبارک علی محمد وآله کافضل
ما صلیت وبارکت وترحمت علی
ابرهیم وآل ابرهیم انک حمید مجید
فعال لما ترید وانت علی کل شیء
قدیر و بعد از ان

در اداب ماه شعبان

ارحمنا و ده بار بکوید سُبحانَ اللهِ الَّذی یُحیِی المَوتی وَ یُمیتُ الاَحیاءَ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ
قَدیرٌ دعای او را مستجاب کند و حوائج دنیا و اخرت او را براورد و کتاب او را بدست
راستش دهد و تا سال دیکر محفوظ باشد شب ۱۶ هر که در این شب دو رکعت نماز
کند در هر رکعت یک الحمد و یک آیة الکرسی و توحید پانزده مرتبه او را ثواب پیغمبران
خواهد بود و از برای او در بهشت صد قصر بنا کند شب ۱۷ هر که در این شب دو رکعت نماز کند
در هر رکعت الحمد یکبار و سوره توحید هفتاد بار و چون سلام دهد هفتاد بار استغفار
کند خداوند او را بیامرزد و براو کناه ننویسند شب ۱۸ هر که در این شب ده رکعت نماز کند در
هر رکعت الحمد یکبار و پنجاه بار توحید بخواند هر حاجتی که از خدای تعالی طلب کند حاجت او روا
شود و اکر در ان سال بمیرد شهید مرده باشد شب ۱۹ هر که در این شب دو رکعت نماز کند در
هر رکعت در هر رکعت الحمد یکمرتبه و آیه قُلِ اللّهُمَّ مالِکَ المُلکِ تا بغیر حساب پنج مرتبه
خدای تعالی او را بیامرزد و عمل او را قبول کند و اکر مادر و پدر او در آتش دوزخ باشند خدای
تعالی او را از آتش دوزخ بیرون آورد شب بیستم هر که در این شب چهار رکعت نماز کند در هر
رکعت الحمد و سوره نصر پانزده مرتبه از دنیا بیرون نرود تا مراد در خواب ببیند و جای
خود را در بهشت ببیند و خدای تعالی او را با ملائکه کرام بره محشور کند شب بیست و یکم هر کس در این شب
هشت رکعت نماز کند و توحید و معوذتین را هر کدام یکمرتبه بعد از حمد بخواند خدای تعالی
برای او بعدد ستاره اسمان ثواب نویسد و بهمین عدد درجات او را بلند کرداند و سیئات
او را محو کند شب ۲۲ هر که در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد توحید را پانزده
مرتبه خواند نام او را در اسمان صدیق نویسند و چون روز قیامت بعرصات اید در ستر خدای
تعالی باشد و از عذاب قبر نجات یابد و حساب او را خدای تعالی اسان کند و روز قیامت
او را اکرام کند بزیارت حضرت آدم و پیغمبران دیکر و او را صاحب شفاعت کردانند شب ۲۳ هر که در این

سمات
دعا کند بانچه خواهد [illegible] رحمه الله
مولای سعید ضیاء الدین در اخر بعضی از ادعیه
تعالی کوید که در دعا با تمم کرد اللهم بحق
سمات این دعا بحق هذه الاسماء
هذا الدعاء وبحق ما لا یعلم باطنها
التی لا یعلم تفسیرها ولا یعلم
غیرک ان تصلی علی محمد وآل محمد
وافعل بی کذا وکذا الاختتام علی
سمات یا الله یا الله یا حنان یا منان
یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال
والاکرام یا ارحم الراحمین
یا حی یا قیوم اللهم بحق هذا الدعاء
وبحق هذه الاسماء التی لا یعلم
تفسیرها ولا یعلم تاویلها ولا ظاهرها
ولا باطنها غیرک ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان تفعل بی کذا وکذا واغفر
وانتقم لی من فلان بن فلان و
ذنوبی ما تقدم منها وما تأخر
واوسع علی من حلال رزقک واکفنی
عنی شر کل باغ وباغ من شر
مستفحم العرب والعجم واکفنی
مؤنة انسان سوء وجار سوء
وسلطان سوء

باب در اعمال ماه شعبان

شب ... رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد یکمرتبه سوره اذا زلزلت را بخواند خدا تعالی بیرون کند غش و غل را
از دل او بیرون کند شب ۲۴ هر که در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد یکمرتبه سوره
نصر را ده مرتبه بخواند از آتش دوزخ آزاد شود شب ۲۵ هر که در این شب ده رکعت نماز کند در هر
رکعت بعد از حمد یکمرتبه سوره تکاثر بخواند ثواب کسی را باو دهند که امر بمعروف و نهی از
منکر کند شب ۲۶ هر که در این شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و ایه آمن الرسول
بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا
وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا
كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ
أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا
مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
ده مرتبه بخواند از آفات دنیا و آخرت ایمن و عافیت یابد و روز قیامت شش نور باو دهند شب ۲۷
هر که در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و ده مرتبه سوره اعلی بخواند حق تعالی
از برای او هزار هزار حسنه نویسد و هزار هزار سیئه از او محو کند و هزار هزار درجه او را بلند
کند و تاجی از ثواب بر سر او گذارد شب ۲۸ هر که در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت بعد
از حمد توحید و معوذتین را هر کدام یکبار بخواند چون از قبر مبعوث شود روی او مثل ماه
شب چهارده باشد و خدای تعالی ترس روز قیامت را از او بردارد شب بیست و نهم هر که در این شب ده
رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد تکاثر و توحید و معوذتین را هر یک ده مرتبه بخواند
ثواب مجاهدان باو کرامت کند و میزان او را ثقیل و حساب او را خفیف گرداند و مثل برق خاطف
از صراط بگذرد شب سی‌ام هر کس در این شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره
اعلی بخواند و چون سلام دهد صد بار صلوات بر محمد و آل او فرستد حق تعالی در جنت المأوی هزار

در حاشیه:

وَذِكْرٍ مِنْ سُوءٍ وَيَوْمِ سُوءٍ وَسَاعَةِ سُوءٍ
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا تَشَاءُ
تَدْبِيرٌ وَبِالْإِجَابَةِ جَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمٌ وَاجْعَلْنِي فِي عِزِّكَ وَحِرْزِكَ
وَكَنَفِكَ وَعِيَاذِكَ وَسِتْرِكَ
وَكِلَائَتِكَ وَكِفَايَتِكَ بِأَلْفِ
مَرَّةٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَذِلَّ
فِي جَمَالِكَ أَوْ أَضِلَّ فِي هُدَاكَ أَوْ أُزَالَ
عَنْ فَضْلِكَ أَوْ أُبْعَدَ عَنْ رِضَاكَ أَوْ
أُضَامَ وَلَكَ الْأَمْرُ أَوْ أُهْتَكَ وَأَنْتَ
جَمِيلُ السِّتْرِ يَا خَيْرَ مَنْ سَئَلَ السَّائِلُونَ
وَتَصَدَّ لَهَا صَدُوكَ وَتَضَرَّعَ إِلَيْهِ
الْمُتَضَرِّعُونَ وَقِيلَ إِلَيْهِ الْمُتَضَرِّعُونَ
تَوْبَةَ التَّائِبِينَ يَا رَبَّ الْعِزَّةِ عَمَّا
يَصِفُونَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَهَبْ لَنَا خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانَكَ
وَالْجَنَّةَ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ
وَسَخَطِكَ وَالنَّارِ وَنَسْئَلُكَ
النَّصِيبَ الْأَوْفَرَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ
كَذَا لِكَ دَارِ

در آداب و ثواب روزه شعبان

شهر باو دهد مخفی نماند که در روایت دیگر ثواب بسیار ذکر شده بجهة اختصار ذکر ننمودیم
واما ثواب روزه شعبان بدانکه فضل ماه شعبان زیاده از ماه رجب و منسوبست بحضرت سید انبیا
چنانچه منقولست از حضرت صادق که چون حضرت رسول ماه شعبان را مشاهده می فرمود امر می
نمود منادی را که ندا کند در میان مردم که ای اهل مدینه من رسولم از جانب رسول خدا بسوی شما می
فرماید که شعبان ماه منست خدا رحم کند کسی را که یاری کند مرا در ماه من پس حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود که از روزیکه ندای منادی آنحضرت را شنیدم روزه شعبان را ترک نکردم و تا زنده ام ترک
نخواهم کرد و فرمود که روزه ماه شعبان و رمضان توبه ایست از جمیع گناهان از برای مردم از جانب خدا
و ایضا منقولست از ام سلمه که حضرت رسول هیچ ماهی را تمام روزه نداشت مگر ماه شعبان را که وصل
میکرد بماه رمضان و ایضا منقولست که از آنحضرت سؤال کردند که کدام روزه سنت افضل است فرمود
روزه شعبان برای تعظیم ماه رمضان و از حضرت امام محمد باقر منقولست که آنحضرت ماه شعبان را روزه
میداشت و وصل میکرد برمضان و میفرمود هر دو ماه خداست و روزه هر دو کفاره گناهان گذشته
و آینده است و ایضا از حضرت باقر منقولست که هر که ماه شعبان را روزه بدارد پاک گرداند او را
از هر لغزشی و معصیتی و قسیمه در وقت غضب از حضرت رسالت پناه منقولست که ماه شعبان ماهیست شریف و آن ماه
منست و حاملان عرش الهی آنرا تعظیم می نمایند و حق و حرمت آنرا می شناسند و آن ماهیست که زیاد می شود در
آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان و زینت کنند در آن بهشتها را و از آن شعبان نام نهاده اند برای آنکه منشعب
بسیار گردد در آن روزیهای مؤمنان و حسنه در آن ماه مضاعف میکردد ده مضاعف برابر و گناه در آن بسته میکردد
و آمرزیده می شود و اعمال خیر در آن مقبول می شود و خداوند جبار نظر می کند بسوی روزه داران و عبادت
کنندگان آنماه پس مباهات میکند بایشان با حاملان عرش پس در تفصیل روزه هر روز از آنماه ثوابی فرمود
که ذکرش موجب تطویل است و بسند معتبر از حضرت صادق مرویست که روزه شعبان ذخیره بنده است برای
روز قیامت هر که در گناه شعبان روزه بسیار بگیرد حق تعالی امر معیشت او را باصلاح آورد و کفایت کند شر دشمنان

در حاشیه:

در آداب جمعه

اللَّهُمَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و سنتست که بعد از عصر
بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و بعد آن
این صلوات را ابو محمد از حضرت صادق ع
روایت کرده و این صلوات انیست که اللهم ان محمدا
ص و بستد و آن انیستکه کما وصفته
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا وَصَفْتَهُ
فِي كِتَابِكَ حَيْثُ تَقُولُ لَقَدْ
جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ
عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ
رَؤُفٌ رَحِيمٌ فَأَشْهَدُ أَنَّهُ كَذَلِكَ
وَأَنَّكَ لَمْ تَأْمُرْ بِالصَّلَوةِ عَلَيْهِ إِلَّا بَعْدَ
أَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ أَنْتَ وَمَلَائِكَتُكَ وَ
أَنْزَلْتَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّ اللَّهَ
وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ
سَلِّمُوا تَسْلِيمًا لَا لِحَاجَةٍ إِلَى صَلَوةِ
أَحَدٍ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ بَعْدَ صَلَوتِكَ
عَلَيْهِ وَلَا إِلَى تَزْكِيَتِهِمْ إِيَّاهُ بَعْدَ
تَزْكِيَتِكَ بَلِ الْخَلْقُ جَمِيعًا هُمُ
الْمُحْتَاجُونَ إِلَى ذَلِكَ لِأَنَّكَ جَعَلْتَهُ
بَابَكَ الَّذِي لَا تَقْبَلُ لِمَنْ أَتَاكَ إِلَّا مِنْهُ
وَجَعَلْتَ الصَّلَوةَ عَلَيْهِ قُرْبَةً مِنْكَ
وَوَسِيلَةً

در ثواب روزه شعبان

او را و کمتر ثوابیکه بروزه داری روزی از شعبان میدهند آنست که بهشت از برای او واجب گردد و بسندهای معتبر از آنحضرت منقولست که فرمود که شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه خداست هر که یکروز از ماه من روزه دارد من شفیع او میشوم در روز قیامت و هر که دو روز از ماه من روزه دارد گناهان گذشته او آمرزیده گردد و هر که سه روز از ماه من را روزه بدارد ندا کنند او را که عمل را از سر گیر یعنی هیچ گناهی نداری و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که هر که یکروز از ماه شعبان را روزه بدارد بجزا خدا داخل بهشت گردد و هر که یکروز از ماه شعبان را هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت در زمره حضرت رسول محشور شود و کرامت داشتن خدا او را واجب شود و هر که در شعبان تصدق بکند اگرچه بنصف دانه خرما باشد خدا بدن او را بر آتش حرام گرداند و هر که سه روز آخر شعبان را روزه بدارد و وصل کند او را به رمضان خدا بجهت او ثواب روزه دو ماه متصل از برای او بنویسد و بسند صحیح از حضرت صادق روایت شده است که هر که سه روز از ماه شعبان را روزه دارد بهشت از برای او واجب شود و حضرت رسول خدا شفیع او باشد در روز قیامت و بسندهای معتبر از حضرت صادق مرویست که چون ماه شعبان می شد حضرت امام زین العابدین اصحاب خود را جمع مینمود و میفرمود ایگروه اصحاب من میدانید این چه ماهیست این ماه شعبانست و حضرت رسول میفرمود که شعبان ماه منست روزه دارید این ماه شعبان را برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی خدا بحق آنکسیکه جان علی بن الحسین در دست او است یاد می کنم که شنیدم از پدرم حسین بن علی علیهما السلام که گفت شنیدم از حضرت امیر المؤمنین که هر که روزه دارد ماه شعبان را از برای محبت پیغمبر خدا و از برای تقرب بخدا حق تعالی او را دوست دارد و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت و بهشت را از برای او واجب گرداند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده که شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه خداست پس هر که روزه بدارد ماه مرا من شفاعت کنم او را در روز قیامت و هر که روزه بدارد ماه خدا را حق تعالی مونس او گرداند در وحشت قبر او و تنها نگذارد و از قبر بیرون آید

الملك و
زلفة عندك ودلالة المؤمنين
عليه وامرتهم بالصلوة عليه ليزداد
بها اثرة لديك وكرامة عليك
و وكلت بالمصلين عليه ملائكتك
يصلون عليه ويبلغونه صلاتهم
وتسليمهم اللهم رب محمد صلى
الله عليه وآله فاني اسألك بما
عظمت به من امر محمد صلى الله
عليه وآله فاني اسألك بما عظمت
به من امر محمد صلى الله ع و اوجبت
من حقه ان تطلق لساني من الصلوة
عليه بما تحب وترضى وبما لم تطلق
به لسان احد من خلقك ولم
تعطه اياه ثم تؤتيني على ذلك مرافقته
حيث احللته على قدسك وجنات
فردوسك ثم لا تفرق بيني وبينه
اللهم اني ابدء بالشهادة له ثم
بالصلوة عليه وان كنت لا ابلغ
من ذلك رضى نفسي ولا يعبر لساني
عن ضميري ولا الام على التقصير مني
لعجز قدرتي عن بلوغ الواجب علي
فيه لانه حظ لي

در اعمال ماه شعبان

روز قیامت با روی سفید نورانی و نامه عمل او را بدست راست او بدهند و تا آنکه او را نزد عرش الهی حاضر سازند پس حق تعالی او را ندا کند که ای بنده من او بگوید لبیک ای خداوند من پس خدا فرماید که روزه داشتی از برای من گوید بلی ای آقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملکی را که بگیرید دست بنده مرا و ببرید بنزد پیغمبر من پس بیاورند او را نزد من با او گویم ماه مرا روزه داشتی امروز شفاعت تو میکنم پس حق تعالی فرماید که من حقوق خود را به بنده خود بخشیدم اما حقوق خلق من هر که از او عفو کند من از نقد عوض با او بدهم که او راضی گردد پس من دست او را بگیرم و بیاورم بنزد صراط پس بینم که صراط لغزنده است و می لرزد و پای گناهکاران بر آن بند نمی شود پس دست او را بگیرم و بیاورم و ملکیکه موکل است بر صراط گوید کیست این زد گویم که فلان کس است از امت من که در دنیا ماه مرا روزه داشته است بامید شفاعت من و ماه خدا را روزه داشته است از برای طلب وعده خدا پس او را از صراط بگذرانم بعفو خدا تا آنکه او را به بهشت رسانم پس رضوان گوید که امروز روزیست که در از برای امت تو میگشایم و او را داخل بهشت میکنم پس حضرت امیر المؤمنین فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا او شفیع شما گردد در روز قیامت و روزه بدارید ماه خدا را تا بیاشامید از شراب سربمهر بهشت و اما اعمال هر روز ماه شعبان بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار کند گناهانش آمرزیده شود اگرچه بعدد ستارهای آسمان باشد و از حضرت صادق روایت کرده حسین بن سعید که فرمود رسول خدا که شعبان ماه منست پس در اینماه بسیار صلوات فرستید بر من و بر اهل بیت من و شعبان را ماه شفاعت گویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که در اینماه صلوات بر او و آل او بفرستد و از حضرت صادق منقولست که بهترین دعاها در ماه شعبان استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماههای دیگر هفتاد هزار بار استغفار کرده باشد مردی پرسید که چگونه بگویم فرمود بگو استغفر الله واسئله التوبة و بسند معتبر

وحق علي وأداء لما
اوجبت له في عنقي انه قد بلغ
رسالاتك غير مفرط فيما امرت
ولا مجاوز لما نهيت ولا مقصر فيما
اردت ولا متعد لما اوصيت
وتلا آياتك على ما انزلت اليه وحيك
وجاهد في سبيلك مقبلا غير
مدبر ووفى بعهدك وصدق
وعدك وصدع بامرك لا يخاف
فيك لومة لائم وباعد فيك
الاقربين وقرب فيك الابعدين
وامر بطاعتك وائتمر بها سرا
وعلانية ونهى عن معصيتك
سرا وعلانية مرضيا عندك
محمودا في المقربين وانبيائك
المرسلين وعبادك الصالحين
المصطفين وانه غير مليم ولا
ذميم وانه لم يكن من المتكلفين
وانه لم يكن ساحرا ولا سحر
له ولا كاهنا ولا تكهن له
ولا شاعرا ولا شعر له ولا كذابا
وانه رسولك وخاتم النبيين
جاء بالحق من

از حضرت امام رضا منقولست که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله و اسئله
التوبة بنویسد حق تعالی برات بیزاری از آتش جهنم برای او و بگذراند او را و داخل بهشت
کرداند و بسندهای معتبر وارد شده که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله
الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم و اتوب الیه حق تعالی روح او را در افق مبین جای
دهد و افق مبین صحرائیست در پیش عرش و در آن فضا نهرها جاریست و قدحها در کناران
نهرها هست بعدد ستارهای آسمان و در بعضی از روایات الحی القیوم پیش از الرحمن الرحیم است و هر
دو خوبست و بهتر از همه دعاهای وارده در ماه شعبان بیاناتست از آنجمله دعائیست که بسند معتبر از حضرت
امام زین العابدین منقولست که در هر روز ماه شعبان در وقت زوال و در شب نیمه آن این صلوات
میخواندند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسالَةِ
وَ مُخْتَلَفِ الْمَلٰئِکَةِ وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ وَ اَهْلِ بَیْتِ الْوَحْیِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْکِ الْجارِیَةِ فِی اللُّجَجِ الْغامِرَةِ یَأْمَنُ مَنْ رَکِبَها وَ یَغْرَقُ مَنْ
تَرَکَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مارِقٌ وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زاهِقٌ وَ اللّازِمُ لَهُمْ لاحِقٌ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْکَهْفِ الْحَصینِ وَ غِیاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَکینِ
وَ مَلْجَاِ الْهارِبینَ وَ عِصْمَةِ الْمُعْتَصِمینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
صَلوٰةً کَثیرَةً طَیِّبَةً تَکُونُ لَهُمْ رِضیً وَ لِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
اَداءً وَ قَضاءً بِحَوْلٍ مِنْکَ وَ قُوَّةٍ یا رَبَّ الْعالَمینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّیِّبینَ الْاَبْرارِ الْاَخْیارِ الَّذینَ اَوْجَبْتَ لَهُمْ حُقُوقَهُمْ وَ فَرَضْتَ
طاعَتَهُمْ وَ وِلایَتَهُمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اعْمُرْ قَلْبی
بِطاعَتِکَ وَ لا تُخْزِنی بِمَعْصِیَتِکَ وَ ارْزُقْنی مُواساةَ مَنْ قَتَّرْتَ
عَلَیْهِ مِنْ رِزْقِکَ بِما وَسَّعْتَ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ وَ نَشَرْتَ عَلَیَّ مِنْ عَدْلِکَ

در دعای روز جمعه

عِنْدَ النَّبِیِّ وَ مُصَدِّقُ الْمُرْسَلینَ وَ اَشْهَدُ اَنَّ الَّذینَ کَذَّبُوهُ ذائِقُوا الْعَذابِ الْاَلیمِ وَ اَشْهَدُ اَنَّ ما اَتانا بِهِ مِنْ عِنْدِکَ وَ اَخْبَرَنا بِهِ عَنْکَ اَنَّهُ الْحَقُّ الْیَقینُ لا شَکَّ فیهِ مِنْ رَبِّ الْعالَمینَ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ نَبِیِّکَ وَ وَلِیِّکَ وَ نَجِیِّکَ وَ صَفْوَتِکَ وَ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ الَّذِی انْتَجَبْتَهُ لِرِسالَتِکَ وَ اسْتَخْلَصْتَهُ لِدینِکَ وَ اسْتَرْعَیْتَهُ عِبادَکَ وَ ائْتَمَنْتَهُ عَلیٰ وَحْیِکَ عَلَمِ الْهُدیٰ وَ بابِ التُّقیٰ وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقیٰ فیما بَیْنَکَ وَ بَیْنَ خَلْقِکَ الشّاهِدِ لَهُمُ الْمُهَیْمِنِ عَلَیْهِمْ اَشْرَفَ وَ اَفْضَلَ وَ اَزْکیٰ وَ اَطْهَرَ وَ اَنْمیٰ وَ اَطْیَبَ ما صَلَّیْتَ عَلیٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ وَ اَنْبِیائِکَ وَ رُسُلِکَ وَ اَصْفِیائِکَ الْمُخْلَصینَ مِنْ عِبادِکَ اَللّٰهُمَّ وَ اجْعَلْ صَلَواتِکَ وَ غُفْرانَکَ وَ رِضْوانَکَ وَ مُعافاتَکَ وَ کَرامَتَکَ وَ رَحْمَتَکَ وَ مَنَّکَ وَ فَضْلَکَ

وَ اَحْیِنی تَحْتَ ظِلِّکَ وَ هٰذا شَهْرُ نَبِیِّکَ سَیِّدِ رُسُلِکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ
شَعْبانُ الَّذی حَفَفْتَهُ مِنْکَ بِالرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوانِ الَّذی کانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی
اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ یَدْاَبُ فی صِیامِهِ وَ قِیامِهِ فی لَیالیهِ وَ اَیّامِهِ بُخُوعاً
لَکَ فی اِکْرامِهِ وَ اِعْظامِهِ اِلیٰ مَحَلِّ حِمامِهِ اَللّٰهُمَّ فَاَعِنّا عَلَی الْاِسْتِنانِ
بِسُنَّتِهِ فیهِ وَ نَیْلِ الشَّفاعَةِ لَدَیْهِ اَللّٰهُمَّ وَ اجْعَلْهُ لی شَفیعاً مُشَفَّعاً وَ طَریقاً
اِلَیْکَ مَهْیَعاً وَ اجْعَلْنی لَهُ مُتَّبِعاً حَتّیٰ اَلْقاکَ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ عَنّی راضِیاً وَ عَنْ ذُنُوبی
غاضِیاً قَدْ اَوْجَبْتَ لی مِنْکَ الرَّحْمَةَ وَ الرِّضْوانَ وَ اَنْزَلْتَنی دارَ الْقَرارِ وَ
مَحَلَّ الْاَخْیارِ و در روز سیم ماه شعبان چون روز ولادت باسعادت حضرت امام حسین علیه السلام است روزه
بدارند و این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فی هٰذَا الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ
بِشَهادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ وَ وِلادَتِهِ بَکَتْهُ السَّماءُ وَ مَنْ فیها وَ الْاَرْضُ
وَ مَنْ عَلَیْها وَ لَمّا یَطَاْ لابَتَیْها قَتیلِ الْعَبْرَةِ وَ سَیِّدِ الْاُسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ
یَوْمَ الْکَرَّةِ الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَ الشِّفاءَ فی تُرْبَتِهِ
وَ الْفَوْزَ مَعَهُ فی اَوْبَتِهِ وَ الْاَوْصِیاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قائِمِهِمْ وَ غَیْبَتِهِ
حَتّیٰ یُدْرِکُوا الْاَوْتارَ وَ یَثْاَرُوا الثّارَ وَ یُرْضُوا الْجَبّارَ وَ یَکُونُوا
خَیْرَ اَنْصارٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِمْ مَعَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ
اِلَیْکَ اَتَوَسَّلُ وَ اَسْئَلُ سُؤالَ مُقْتَرِفٍ وَ مُعْتَرِفٍ مُسیءٍ اِلیٰ نَفْسِهِ مِمّا فَرَّطَ فی یَوْمِهِ
وَ اَمْسِهِ یَسْئَلُکَ الْعِصْمَةَ اِلیٰ مَحَلِّ رَمْسِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ
وَ احْشُرْنا فی زُمْرَتِهِ وَ بَوِّئْنا مَعَهُ دارَ الْکَرامَةِ وَ مَحَلَّ الْاِقامَةِ اَللّٰهُمَّ وَ کَما
اَکْرَمْتَنا بِمَعْرِفَتِهِ فَاَکْرِمْنا بِزُلْفَتِهِ وَ ارْزُقْنا مُرافَقَتَهُ وَ سابِقَتَهُ وَ اجْعَلْنا
مِمَّنْ یُسَلِّمُ لِاَمْرِهِ وَ یُکْثِرُ الصَّلوٰةَ عَلَیْهِ عِنْدَ ذِکْرِهِ وَ عَلیٰ جَمیعِ اَوْصِیائِهِ

وَ سَلامَکَ وَ اِعْظامَکَ وَ تَحِیّاتِکَ وَ تَشْریفَکَ وَ تَکْریمَکَ وَ صَلَواتِ مَلائِکَتِکَ وَ رُسُلِکَ وَ اَنْبِیائِکَ وَ الْاَوْصِیاءِ وَ الشُّهَداءِ وَ الصِّدّیقینَ وَ عِبادِکَ الصّالِحینَ وَ حَسُنَ اُولٰئِکَ رَفیقاً وَ اَهْلِ السَّمٰواتِ وَ الْاَرَضینَ وَ ما بَیْنَهُما وَ ما فَوْقَهُما وَ ما تَحْتَهُما وَ ما بَیْنَ الْخافِقَیْنِ وَ ما بَیْنَ الْهَواءِ وَ الْجِبالِ وَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ النُّجُومِ وَ الشَّجَرِ وَ الدَّوابِّ وَ ما سَبَّحَ لَکَ فِی الظُّلْمَةِ وَ الضِّیاءِ وَ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ فی آناءِ اللَّیْلِ وَ اَطْرافِ النَّهارِ وَ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ وَ ساعاتِ اللَّیْلِ عَلیٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ سَیِّدِ الْمُرْسَلینَ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِمامِ الْمُتَّقینَ وَ مَوْلَی الْمُؤْمِنینَ وَ وَلِیِّ الْمُسْلِمینَ وَ قائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلینَ وَ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمینَ اِلَی الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ مِنَ الْاَوَّلینَ وَ الْآخِرینَ وَ الشّاهِدِ الْبَشیرِ النَّذیرِ السِّراجِ الْمُنیرِ الدّاعی اِلَیْکَ بِاِذْنِکَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ فِی الْاَوَّلینَ

باب سیم در اعمال شب پانزدهم شعبان

وَاَهلِ اصطِفائِهِ المَمدُودِینَ مِنکَ بِالعَدَدِ الاِثنَی عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهَرِ وَالحُجَجِ عَلی جَمیعِ اَهلِ البَشَرِ اَللّهُمَّ وَهَب لَنا فی هذَا الیَومِ خَیرَ مَوهِبَةٍ وَانجِح لَنا فیهِ کُلَّ طَلِبَةٍ کَما وَهَبتَ الحُسَینَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَعاذَ فُطرُسُ بِمَهدِهِ فَنَحنُ عائِذُونَ بِقَبرِهِ مِن بَعدِهِ نَشهَدُ تُربَتَهُ وَنَنتَظِرُ اَوبَتَهُ آمینَ رَبَّ العالَمینَ

و سنتست که در شب سیزدهم دو رکعت و در شب چهاردهم چهار رکعت و در شب پانزدهم شش رکعت نماز بجا آورند و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند و در نمازها سوره‌ها اگر از حفظ نتوان خواند و روزه هر سه روز سنتست

باب دوم در فضایل و اعمال شب پانزدهم زیاده از آنست که در این رساله احصا توان نمود و اکتفا می نمائیم باخبار صحیح تر است از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که در شب نصف شعبان چهار رکعت نماز باید کرد در هر رکعت الحمد یکبار و سوره اخلاص صد بار باید خواند و چون فارغ شوی از نماز این دعا را بخواند که اَللّهُمَّ اِنّی اِلَیکَ فَقیرٌ وَمِن عَذابِکَ خائِفٌ مُستَجیرٌ اَللّهُمَّ لا تُبَدِّل اِسمی وَلا تُغَیِّر جِسمی وَلا تَجهَد بَلائی وَلا تُشمِت بی اَعدائی اَعُوذُ بِعَفوِکَ مِن عِقابِکَ وَاَعُوذُ بِرَحمَتِکَ مِن عَذابِکَ وَاَعُوذُ بِرِضاکَ مِن سَخَطِکَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنکَ جَلَّ ثَناؤُکَ اَنتَ کَما اَثنَیتَ عَلی نَفسِکَ وَفَوقَ ما یَقُولُ القائِلُونَ و از حضرت صادق ع مرویست که بهترین چیزها در شب نصف شعبان اینست که بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز کنند در رکعت اول الحمد و توحید باید خواند و چون سلام دهند سی و سه بار بگویند سُبحانَ اللّهِ و سی و سه بار اَلحَمدُ لِلّهِ و سی و چهار مرتبه بگویند اَللّهُ اَکبَرُ و بعد از آن این دعا را بخوانند یا مَن اِلَیهِ مَلجَأُ العِبادِ فِی المُهِمّاتِ وَاِلَیهِ یَفزَعُ الخَلقُ فِی المُلِمّاتِ یا عالِمَ الجَهرِ وَالخَفِیّاتِ یا مَن لا یَخفی عَلَیهِ خَواطِرُ الاَوهامِ

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ فِی الاَوَّلینَ وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ فِی الآخِرینَ وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ یَومَ الدّینِ یَومَ یَقُومُ النّاسُ لِرَبِّ العالَمینَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما هَدَیتَنا بِهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَمَا استَنقَذتَنا بِهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما اَنعَشتَنا بِهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما اَحیَیتَنا بِهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما شَرَّفتَنا بِهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ کَما اَعزَزتَنا بِهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ کَما فَضَّلتَنا بِهِ اَللّهُمَّ اجزِ نَبِیَّنا مُحَمَّداً صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وَآلِهِ اَفضَلَ ما اَنتَ جازٍ یَومَ القِیامَةِ نَبِیّاً عَن اُمَّتِهِ وَرَسُولاً عَمَّا اَرسَلتَهُ اِلَیهِ اَللّهُمَّ اخصُصهُ بِاَفضَلِ قِسَمِ الفَضائِلِ وَبَلِّغهُ اَعلی شَرَفِ المَنازِلِ مِنَ الدَّرَجاتِ العُلی وَاَعلی عِلِّیّینَ فی جَنّاتٍ وَنَهَرٍ فی مَقعَدِ صِدقٍ عِندَ مَلیکٍ مُقتَدِرٍ اَللّهُمَّ اَعطِ مُحَمَّداً صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وَآلِهِ حَتّی یَرضی

وَتَصَرُّفُ الخَطَراتِ یا رَبَّ الخَلائِقِ وَالبَرِیّاتِ یا مَن بِیَدِهِ مَلَکُوتُ الاَرَضینَ وَالسَّمواتِ اَنتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ اَمُتُّ اِلَیکَ بِلا اِلهَ اِلّا اَنتَ فَاجعَلنی فی هذِهِ اللَّیلَةِ مِمَّن نَظَرتَ اِلَیهِ فَرَحِمتَهُ وَسَمِعتَ دُعاءَهُ فَاَجَبتَهُ وَعَلِمتَ استِقالَتَهُ فَاَقَلتَهُ وَتَجاوَزتَ عَن سالِفِ خَطیئَتِهِ وَعَظیمِ جَریرَتِهِ فَقَدِ استَجَرتُ بِکَ مِن ذُنُوبی وَلَجَأتُ اِلَیکَ فی سَترِ عُیُوبی اَللّهُمَّ فَجُد عَلَیَّ بِکَرَمِکَ وَفَضلِکَ وَاحطُط خَطایایَ بِحِلمِکَ وَعَفوِکَ وَتَغَمَّدنی فی هذِهِ اللَّیلَةِ بِسابِغِ کَرامَتِکَ وَاجعَلنی فیها مِن اَولِیائِکَ الَّذینَ اجتَبَیتَهُم لِطاعَتِکَ وَاختَرتَهُم لِعِبادَتِکَ وَجَعَلتَهُم خالِصَتَکَ وَصَفوَتَکَ اَللّهُمَّ اجعَلنی مِمَّن سَعِدَ جَدُّهُ وَتَوَفَّرَ مِنَ الخَیراتِ حَظُّهُ وَاجعَلنی مِمَّن سَلِمَ فَنَعِمَ وَفازَ فَغَنِمَ وَاکفِنی شَرَّ ما اَسلَفتُ وَاعصِمنی مِنَ الازدِیادِ فی مَعصِیَتِکَ وَحَبِّب اِلَیَّ طاعَتَکَ وَما یُقَرِّبُنی مِنکَ وَیُزلِفُنی عِندَکَ سَیِّدی اِلَیکَ یَلجَأُ الهارِبُ وَمِنکَ یَلتَمِسُ الطّالِبُ وَعَلی کَرَمِکَ یُعَوِّلُ المُستَقیلُ التّائِبُ اَدَّبتَ عِبادَکَ بِالتَّکَرُّمِ وَاَنتَ اَکرَمُ الاَکرَمینَ وَاَمَرتَ بِالعَفوِ عِبادَکَ وَاَنتَ الغَفُورُ الرَّحیمُ اَللّهُمَّ فَلا تَحرِمنی ما رَجَوتُ مِن کَرَمِکَ وَلا تُؤیِسنی مِن سابِغِ نِعَمِکَ وَلا تُخَیِّبنی مِن جَزیلِ قِسَمِکَ فی هذِهِ اللَّیلَةِ لِاَهلِ طاعَتِکَ وَاجعَلنی فی جُنَّةٍ مِن شِرارِ بَرِیَّتِکَ رَبِّ اِن لَم اَکُن مِن اَهلِ ذلِکَ فَاَنتَ اَهلُ الکَرَمِ وَالعَفوِ وَالمَغفِرَةِ وَجُد عَلَیَّ بِما اَنتَ اَهلُهُ لا بِما اَستَحِقُّهُ فَقَد حَسُنَ ظَنّی بِکَ وَتَحَقَّقَ رَجائی لَکَ وَعَلِقَت نَفسی بِکَرَمِکَ وَاَنتَ اَرحَمُ الرّاحِمینَ وَاَکرَمُ الاَکرَمینَ اَللّهُمَّ وَاخصُصنی مِن کَرَمِکَ بِجَزیلِ قِسَمِکَ وَاَعُوذُ

وَزِدهُ بَعدَ الرِّضا وَاجعَلهُ اَکرَمَ خَلقِکَ مِنکَ مَجلِساً وَاَعظَمَهُم عِندَکَ جاهاً وَاَوفَرَهُم عِندَکَ حَظّاً فی کُلِّ خَیرٍ اَنتَ قاسِمُهُ بَینَهُم اَللّهُمَّ اَورِد عَلَیهِ مِن ذُرِّیَّتِهِ وَاَزواجِهِ وَاَهلِ بَیتِهِ وَذَوی قَرابَتِهِ وَاُمَّتِهِ مَن تُقِرُّ بِهِ عَینَهُ وَاَقرِر عُیُونَنا بِرُؤیَتِهِ اَللّهُمَّ وَلا تُفَرِّق بَینَنا وَبَینَهُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعطِهِ مِنَ الوَسیلَةِ وَالفَضیلَةِ وَالشَّرَفِ وَالکَرامَةِ ما یَغبِطُهُ بِهِ المَلائِکَةُ المُقَرَّبُونَ وَالنَّبِیُّونَ المُرسَلُونَ وَالخَلقُ اَجمَعُونَ اَللّهُمَّ بَیِّض وَجهَهُ وَاَعلِ کَعبَهُ وَاَفلِج حُجَّتَهُ وَاَجِب دَعوَتَهُ وَابعَثهُ المَقامَ المَحمُودَ الَّذی وَعَدتَهُ وَاکرِم زُلفَتَهُ وَاَجزِل عَطِیَّتَهُ وَتَقَبَّل شَفاعَتَهُ وَاَعطِهِ سُؤلَهُ وَشَرِّف بُنیانَهُ وَعَظِّم بُرهانَهُ وَنَوِّر نُورَهُ وَاَورِدنا حَوضَهُ وَاسقِنا بِکَاسِهِ وَتَقَبَّل صَلوةَ اُمَّتِهِ

باب ۵۲ در اعمال نصف شعبان

بِعَفوِكَ مِن عُقوبَتِكَ وَاغفِر لِيَ الذَّنبَ الَّذي يُحبِسُ عَنِّي الخُلُقَ وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزقَ حَتّى اَقومَ بِصالِحِ رِضاكَ وَاَنعَمَ بِجَزيلِ عَطائِكَ وَاَسعَدَ بِسابِغِ نَعمائِكَ فَقَد لُذتُ بِحَرَمِكَ وَتَعَرَّضتُ لِكَرَمِكَ وَاستَعَذتُ بِعَفوِكَ مِن عُقوبَتِكَ وَبِحِلمِكَ مِن غَضَبِكَ فَجُد بِما سَئَلتُكَ وَاَنِل مَا التَمَستُ مِنكَ اَسئَلُكَ بِكَ لا بِشَيءٍ اَعظَمَ مِنكَ پس بسجده میروی ومیگوئی یا رَبِّ بیست مرتبه وَیا اَللّٰهُ هفت مرتبه لا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ هفت مرتبه ما شاءَ اللّٰهُ لا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ ده مرتبه لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ ده مرتبه پس صلوات بر محمد وال محمد بفرست انچه خواهی وحاجات خود را از خدا تعالی طلب بخدا سوگند که اگر بعدد قطرات باران از خدا حاجت بخواهی حقتعالی ترا بانها میرساند بکرم وفضل خود وبروایت دیگر بعد از هفت مرتبه یا الله هفت مرتبه بگوید یا رَبِّ مُحَمَّدٍ وشیخ کفعمی است پس بگو اِلٰهي تَعَرَّضَ لَكَ في هٰذَا اللَّيلِ المُتَعَرِّضونَ وذکر او در ضمن نماز شب گذشت ابن بابویه از حضرت مجتبی روایت کرده که جبرئیل بر حضرت رسول نازل شد وگفت یا محمد امت خود را امر فرما که شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام ودر هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده مرتبه بخوانند پس بسجده روند ودر سجده بگویند اللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدَ سَوادي وَخَيالي وَبَياضي يا عَظيمَ كُلِّ عَظيمٍ اغفِر لي ذَنبِيَ العَظيمَ فَاِنَّهُ لا يَغفِرُهُ غَيرُكَ يا عَظيمُ پس هر که این عمل را بجا آورد محو کند حقتعالی از او هفتاد هزار گناه را ومثل آن حسنه در نامه عمل او بنویسد ومحو کند از پدر ومادرش هفتاد هزار گناه ونماز دیگر نمازیست که عامه وخاصه از حضرت رسول روایت کرده اند که آنحضرت فرمود که در شب نیمه شعبان در خواب بودم جبرئیل بر من نازل شد وگفت یا محمد آیا بخواب میروی در این شب گفتم این چه شب است گفت شب نیمه شعبانست پس

وَاقصُص بِنا اَثَرَهُ وَاسلُك بِنا سَبيلَهُ وَتَوَفَّنا عَلىٰ مِلَّتِهِ وَاستَعمِلنا بِسُنَّتِهِ وَابعَثنا عَلىٰ مِنهاجِهِ وَاجعَلنا نَدينُ بِدينِهِ وَنَهتَدي بِهُداهُ وَنَقتَدي بِسُنَّتِهِ وَنَكونُ مِن شيعَتِهِ وَمَواليهِ وَاَولِيائِهِ وَاَحِبّائِهِ وَخِيارِ اُمَّتِهِ وَمُقَدَّمِ زُمرَتِهِ وَتَحتَ لِوائِهِ نُعادي عَدُوَّهُ وَنُوالي وَلِيَّهُ حَتّىٰ تورِدَنا عَلَيهِ بَعدَ المَماتِ مَورِدَهُ غَيرَ خَزايا وَلا نادِمينَ وَلا مُبَدِّلينَ وَلا ناكِثينَ اَللّٰهُمَّ وَاَعطِ مُحَمَّدًا مَعَ كُلِّ زُلفَةٍ زُلفَةً وَمَعَ كُلِّ قُربَةٍ قُربَةً وَمَعَ كُلِّ وَسيلَةٍ وَسيلَةً وَمَعَ كُلِّ فَضيلَةٍ فَضيلَةً وَمَعَ كُلِّ شَفاعَةٍ شَفاعَةً وَمَعَ كُلِّ كَرامَةٍ كَرامَةً وَمَعَ كُلِّ خَيرٍ خَيرًا وَمَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفًا وَشَفِّعهُ في كُلِّ مَن يَشفَعُ لَهُ مِن اُمَّتِهِ وَغَيرِهِم مِنَ الاُمَمِ حَتّىٰ لا يُعطىٰ

برخیز ایندم او برد بقبرستان بقیع وگفت سر بلند کن بسوی اسمان بدرستیکه این شبیست که درهای اسمان در این شب گشوده میشود یعنی درهای رحمت ودرهای خوشنودی خدا ودرهای امرزش گناهان ودرهای فضل واحسان ودرگاه نعمت ودرگاه توبه ودرگاه جود وبخشش ومیامرزد حقتعالی از بندگان در اینشب بعدد موهای چهارپایان وگوسفندهای ایشان ای محمد هر که احیا کند این شب را بگفتن اَللّٰهُ اَكبَرُ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَسُبحانَ اللّٰهِ وَالحَمدُ لِلّٰهِ ونماز کردن وقران خواندن وطلب امرزش کردن واستغفار کردن بهشت جای او باشد در اخرت وگناهان گذشته واینده او امرزیده میشود ای محمد هر که در اینشب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام ودر هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند وچون از همه فارغ شود ده مرتبه ایة الکرسی وده مرتبه سوره حمد بخواند وصد مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی صد گناه کبیره هلاک کننده او وپدر ومادر او را بیامرزد وبعدد هر سوره وتسبیحی قصری در بهشت باو عطا فرماید وشفاعت او را قبول کند در حق صد نفر از اهل خانه وخویشان او وشریک گرداند او را در ثواب شهیدان وثواب روزه داران اینماه وثواب عبادت کنندگان اینماه را باو عطا کند بی انکه از ثواب ایشان چیزی کم شود پس احیا کند این شب را ای محمد امر نما امت خود را که احیا کنند او را وتقرب جویند بسوی حقتعالی بعبادات ان بدرستیکه این شبی است بسیار شریف یا محمد چون نزد تو امدم جمیع ملائکه اسمانها پای خود را نزد هم گذارده نزد حقتعالی بعبادت مشغول بودند بعضی ایستاده وبعضی در رکوع وبعضی در سجود بودند وبعضی مشغول دعا وبعضی در تکبیر وبعضی مشغول تسبیح وبعضی باستغفار یا محمد بدرستی که حق تعالی در اینشب نظر رحمت به بندگان میافکند ومی امرزد هر مؤمن را که در اینشب بیدار باشد یا نشسته ومشغول تسبیح باشد یا در رکوع وسجود یا مشغول یاد خدا باشد واین شبی است که هر که دعا کند البته دعایش مستجاب شود وهر که سؤال کند باو عطا کرده میشود وهر که استغفار کند امرزیده میشود وهر که توبه کند توبه او مقبول میگردد ومحروم کسی است که از خیر اینشب محروم گردد

مالِكَ مُقَرَّبٍ وَلا نَبِيٍّ مُرسَلٍ وَلا عَبدٍ مُصطَفًى اِلّا دونَ ما اَنتَ مُعطيهِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ يَومَ القِيٰمَةِ اَعوذُ اَللّٰهُمَّ اجعَلهُ المُقَدَّمَ فِي الدَّعوَةِ وَالمُؤثَرَ بِهِ فِي الاَثَرَةِ وَالمُنَوَّهَ بِاسمِهِ فِي الشَّفاعَةِ اِذا تَجَلَّيتَ بِنورِكَ وَجيءَ بِالكِتابِ وَالنَّبِيّينَ وَالصِّدّيقينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ وَقُضِيَ بَينَهُم بِالحَقِّ وَقيلَ الحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمينَ ذٰلِكَ يَومُ التَّغابُنِ ذٰلِكَ يَومُ الآزِفَةِ ذٰلِكَ يَومُ الحَسرَةِ ذٰلِكَ يَومٌ لا تُستَقالُ فيهِ العَثَراتُ وَلا تُبسَطُ فيهِ التَّوباتُ وَلا يُستَدرَكُ فيهِ ما فاتَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَاَفضَلِ ما صَلَّيتَ وَرَحِمتَ وَبارَكتَ عَلىٰ اِبراهيمَ وَآلِ اِبراهيمَ اِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ اَللّٰهُمَّ وَامنُن عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَاَفضَلِ ما مَنَنتَ عَلىٰ موسىٰ وَهارونَ اَللّٰهُمَّ وَسَلِّم عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ

ذکر اعمال شب نیمه شعبان

واز حضرت امیر المؤمنین منقولست که هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بکند با هزار مرتبه قل هو الله احد یعنی
در هر رکعت ده مرتبه نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس مرده باشد و نمیرد تا آنکه صد ملک را
ببیند که او را ایمن کردانند از عذاب الهی سی نفر ایشان بشارت دهند او را به بهشت و سی نفر
ایشان باشند که در دنیا او را از شر شیطان نگاه می دارند و سی نفر ایشان باشند که شب و روز برای
او استغفار میکنند در ساعات شب و روز و ده نفر که او را حفظ کنند از شر دشمنان و منقولست که حضرت
رسول در این شب این دعا را می خواندند اَللّٰهُمَّ اقْسِمْ لَنا مِنْ خَشْیَتِکَ ما یَحُولُ بَیْنَنا وَ بَیْنَ
مَعْصِیَتِکَ وَ مِنْ طاعَتِکَ ما تُبَلِّغُنا بِهِ رِضْوانَکَ وَ مِنَ الْیَقینِ ما یَهُونُ
عَلَیْنا بِهِ مُصیباتُ الدُّنْیا اَللّٰهُمَّ اَمْتِعْنا بِاَسْماعِنا وَ اَبْصارِنا وَ قُوَّتِنا
ما اَحْیَیْتَنا وَ اجْعَلْهَا الْوارِثَ مِنّا وَ اجْعَلْ ثارَنا عَلی مَنْ ظَلَمَنا وَ انْصُرْنا عَلی مَنْ عادانا
وَ لا تَجْعَلْ مُصیبَتَنا فی دینِنا وَ لا تَجْعَلِ الدُّنْیا اَکْبَرَ هَمِّنا وَ لا مَبْلَغَ عِلْمِنا وَ لا
تُسَلِّطْ عَلَیْنا مَنْ لا یَرْحَمُنا یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ و این دعا جامع کاملی است متضمن جمیع مطالب
دنیا و آخرت و از جمله اعمال این شب زیارت حضرت امام حسین است بتفاصیلی که در باب زیارات مذکور
شد و از جمله برکات این شب شریف ولادت با سعادت حضرت صاحب الامر علیه السلام در این شب واقع
شده است پس زیارت کنند آنجناب را بزیارتی که در باب زیارات گذشت و این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ
بِحَقِّ لَیْلَتِنا هٰذِهِ وَ مَوْلُودِها وَ حُجَّتِکَ وَ مَوْعُودِهَا الَّتی قَرَنْتَ اِلی فَضْلِها
فَضْلاً فَتَمَّتْ کَلِمَتُکَ صِدْقاً وَ عَدْلاً لا مُبَدِّلَ لِکَلِماتِکَ وَ لا مُعَقِّبَ لِآیاتِکَ
نُورُکَ الْمُتَاَلِّقُ وَ ضِیاؤُکَ الْمُشْرِقُ وَ الْعَلَمُ النُّورُ فی طَخْیاءِ الدَّیْجُورِ الْغائِبُ
الْمَسْتُورُ جَلَّ مَوْلِدُهُ وَ کَرُمَ مَحْتِدُهُ وَ الْمَلائِکَةُ شُهَّدُهُ وَ اللّٰهُ ناصِرُهُ وَ مُؤَیِّدُهُ
اِذا آنَ میعادُهُ وَ الْمَلائِکَةُ اَمْدادُهُ سَیْفُ اللّٰهِ الَّذی لا یَنْبُو وَ نُورُهُ الَّذی لا یَخْبُو
وَ ذُو الْحِلْمِ الَّذی لا یَصْبُو مَدارُ الدَّهْرِ وَ نَوامیسُ الْعَصْرِ وَ وُلاةُ الْاَمْرِ وَ الْمُنَزَّلُ عَلَیْهِمُ

سلم علی محمد کافضل ما سلمت علی احد فی العالمین اللهم صل علی محمد و آل محمد و علی ائمة المسلمین الاولین منهم و الآخرین اللهم صل علی محمد و آل محمد و علی امام المسلمین و احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوقه و من تحته و افتح له فتحا یسیرا و انصره نصرا عزیزا و اجعل له من لدنک سلطانا نصیرا اللهم و عجل فرج آل محمد و اهلک اعداءهم من الجن و الانس اللهم صل علی محمد و اهل بیته و ذریته و ازواجه الطیبین الاخیار الطاهرین المطهرین و الهداة المهدیین غیر الضالین و لا المضلین الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا اللهم صل علی محمد و آل محمد فی الاولین و الآخرین و صل علیهم فی الملاء الاعلی

ذکر اعمال شب نیمه شعبان

الذِّکْرُ وَ ما یَنْزِلُ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ وَ اَصْحابِ الْحَشْرِ وَ النَّشْرِ تَراجِمَةِ وَحْیِهِ وَ وُلاةِ
اَمْرِهِ وَ نَهْیِهِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلی خاتِمِهِمْ وَ قائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ عَوالِمِهِمْ وَ اَدْرِکْ
بِنا اَیّامَهُ وَ ظُهُورَهُ وَ قِیامَهُ وَ اجْعَلْنا مِنْ اَنْصارِهِ وَ اقْرِنْ ثارَنا بِثارِهِ وَ اکْتُبْنا
فی اَعْوانِهِ وَ خُلَصائِهِ وَ اَحْیِنا فی دَوْلَتِهِ ناعِمینَ وَ بِصُحْبَتِهِ غانِمینَ وَ بِحَقِّهِ
قائِمینَ وَ مِنَ السُّوءِ سالِمینَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ وَ
صَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ الْمُرْسَلینَ وَ عَلی اَهْلِ بَیْتِهِ الصّادِقینَ وَ عِتْرَتِهِ
النّاطِقینَ وَ الْعَنْ جَمیعَ الظّالِمینَ وَ احْکُمْ بَیْنَنا وَ بَیْنَهُمْ یا اَحْکَمَ الْحاکِمینَ
و زید شهید نقل کرده که پدرم امام زین العابدین ع ما را نزد خود جمع می کرد در نیمه
شعبان و شب را سه حصه کرده ثلث اول را نماز می کرد و در ثلث دویم دعا می کرد و ما آمین
می گفتیم بر دعا او و ثلث آخر را استغفار و طلب آمرزش می کرد و ما نیز استغفار می کردیم
تا آنکه صبح داخل می شد بعضی بعد از نماز شب و مناسبت دارد در این روز دعای عهد که از حضرت
صادق مرویست بخوانند و آن اینست اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظیمِ وَ رَبَّ الْکُرْسِیِّ
الرَّفیعِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ مُنْزِلَ التَّوْریةِ وَ الْاِنْجیلِ وَ الزَّبُورِ وَ رَبَّ الظِّلِّ
وَ الْحَرُورِ وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظیمِ وَ رَبَّ الْمَلائِکَةِ الْمُقَرَّبینَ وَ الْاَنْبِیاءِ
الْمُرْسَلینَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْکَریمِ وَ بِنُورِ وَجْهِکَ الْمُنیرِ
وَ مُلْکِکَ الْقَدیمِ یا حَیُّ یا قَیُّومُ وَ بِاسْمِکَ الَّذی اَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰواتُ وَ
الْاَرَضُونَ یا حَیّاً قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ یا حَیّاً بَعْدَ کُلِّ حَیٍّ یا حَیّاً لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ
اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلانَا الْاِمامَ الْهادِیَ الْمَهْدِیَّ الْقائِمَ بِاَمْرِکَ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَ عَلی
آبائِهِ الطّاهِرینَ عَنْ جَمیعِ الْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ فی مَشارِقِ الْاَرْضِ وَ مَغارِبِها
بَرِّها وَ بَحْرِها سَهْلِها وَ جَبَلِها عَنّی وَ عَنْ والِدَیَّ وَ وُلْدی وَ اِخْوانی مِنَ الصَّلَواتِ

و صل علیهم صلوة لا امد لها ابد الابدین ... دون رضاک آمین رب العالمین و اللهم العن الذین بدلوا دینک و ... سنة نبیک صلی الله علیه ... کتابک و غیروا ... و ازالوا الحق عن موضعه ... الف الف لعنة مختلفة غیر مؤتلفة و الفی الف لعنة مؤتلفة غیر مختلفة و العنهم و العن اشیاعهم و اتباعهم و من رضی بفعالهم من الاولین و الآخرین اللهم یا باری المدحوات و داحی ... السموات و ... الجبابرة و رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما تعطی منهما ما تشاء و تمنع ما تشاء اسئلک بنور وجهک و بحق محمد صلی الله علیه و آله اعط محمدا صلی الله علیه و آله حتی یرضی و بلغه الوسیلة العظمی اللهم اجعل محمدا ... فی السابقین غایته و فی المقربین ... کرامته و فی العالمین ذکره و اسکنه علی غرف الفردوس فی الجنة التی

زنة عرشك ومداد كلماتك وما احصاه كتابك واحاط به علمك اللهم اني اجدد له في صبيحة يومي هذا وما عشت فيه من ايام حيوتي عهداً وعقداً وبيعة له في عنقي لا احول عنها ولا ازول ابداً اللهم اجعلني من انصاره واعوانه والذابين عنه والمسارعين اليه في حوائجه والممتثلين لاوامره ونواهيه والسابقين الى ارادته والحامين عنه والمستشهدين بين يديه اللهم فان حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك حتماً مقضياً فاخرجني من قبري مؤتزراً كفني شاهراً سيفي مجرداً قناتي ملبياً دعوة الداعي في الحاضر والبادي اللهم ارني الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة واكحل عيني بنظرة مني اليه وعجل فرجه واوسع منهجه واسلك بي محجته وانفذ امره واشدد ازره وقو ظهره واعمر اللهم به بلادك واحي به عبادك فانك قلت وقولك الحق ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس فاظهر اللهم لنا وليك وابن وليك وابن بنت نبيك المسمى باسم رسولك صلواتك عليه واله في الدنيا والآخرة حتى لا يظفر بشيء من الباطل الا مزقه ويحق الحق ويحققه اللهم واجعله مفزعاً للمظلوم من عبادك وناصراً لمن لا يجد له ناصراً غيرك ومجدداً لما عطل من احكام كتابك ومشيداً لما ورد من اعلام دينك وسنن نبيك واجعله من حصنته من باس المعتدين اللهم وسر نبيك محمداً صلى الله عليه واله برؤيته ومن تبعه على دعوته وارحم استكانتنا من بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة بحضوره وعجل اللهم ظهوره انهم يرونه بعيداً ونريه قريباً برحمتك يا ارحم الراحمين پس دست خود را سه بار بر ران راست خود

دعاء روز جمعه

درجة ولا تنقصها ولا تقصلها شيء ... اللهم بيض وجهه واضئ نوره ... كن انت الحافظ له اللهم اجعل محمداً صلى الله عليه واله اول قارع لباب الجنة واول داخل واول شافع واول مشفع اللهم صل على محمد وال محمد الولاة السادة الكهول الكرام القادة القماقم الضخام الليوث الابطال عصمة لمن اعتصم بهم واجارة لمن استجار بهم والكهف الحصين والفلك الجارية في اللجج الغامرة والراغب عنهم مارق والمتأخر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق ورد ماحك وصل على عبادك في ارضك الذين انفذت بهم من الهلكة وانرت بهم الظلمة شجرة النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائكة ومعدن العلم صلى الله عليه وعليهم اجمعين امين امين رب العالمين اللهم اني اسئلك ... المسكين المستكين

بزن وبگوي العجل العجل يا مولاي يا صاحب الزمان وبعد از اين دعاء بخوان که از حضرت امير المؤمنين مرويست اللهم صل على محمد وال محمد والعن صنمي قريش وجبتيها وطاغوتيها وافكيها وابنتيهما اللذين خالفا امرك وانكرا وحيك وجحدا انعامك وعصيا رسولك وقلبا دينك وحرفا كتابك واحبا اعدائك وجحدا آلائك وعطلا احكامك وابطلا فرائضك والحدا في اياتك وعاديا اوليائك ووالیا اعدائك وخربا بلادك وافسدا عبادك اللهم العنهما واتباعهما واوليائهما واشياعهما ومحبيهما فقد اخربا بيت النبوة وردما بابه ونقضا سقفه والحقا سمائه بارضه وعاليه بسافله وظاهره بباطنه واستاصلا اهله وابادا انصاره وقتلا اطفاله واخليا منبره من وصيه ووارث علمه وجحدا امامته واشركا بربهما فعظم ذنبهما وخلدهما في سقر وما ادريك ما سقر لا تبقي ولا تذر اللهم العنهم بعدد كل منكر اتوه وحق اخفوه ومنبر علوه ومؤمن ارجوه ومنافق ولوه وولي اذوه وطريد اووه وصادق طردوه وكافر نصروه وامام قهروه وفرض غيروه واثر انكروه وشر اثروه ودم اراقوه وخير بدلوه وكفر نصبوه وارث غصبوه وفيء اقتطعوه وسحت اكلوه وخمس استحلوه وباطل اسسوه وجور بسطوه ونفاق اسروه وغدر اضمروه وظلم نشروه ووعد اخلفوه وامان خانوه وعهد نقضوه وحلال حرموه وحرام احلوه وبطن فتقوه وضلع دقوه وصك مزقوه وشمل بددوه وعزيز اذلوه وحق منعوه وكذب دلسوه وحكم قلبوه اللهم العنهم بكل اية حرفوها وفريضة تركوها

اتبعاء الباقين ... ابتغاء الباقين التضرع اليك تضرع الضعيف ... ابتهل اليك ابتهال الضرير ... مسئلة من خضع ... الدنيا ... رغم لك انفه وسقط ... دموعه ... وتخليت لك ناصيته واعترف بخطيئته ... وفاضت لك عبرته واسلمته ... وقلت عنه حيلته واسلمته ... اسالك الصلوة على محمد ... ذنوبه اسالك ... واله اولا واخراً واسالك حسن ... المعيشة ما ابقيتني معيشة اقوى ... بها على جميع حالاتي واتوصل بها في الحيوة الدنيا الى الاخرة ... لا تترفني فاطغى ولا تقتر على فاشقى اعطني من ذلك غنى عن جميع خلقك وبلغة الى رضاك ولا تجعل الدنيا على سجناً ولا تجعل فراقها على حزناً اجرني من فتنتها مرضياً عني عملي فيها متقبلاً الى دار الحيوان ومساكن الاخيار اللهم اني اعوذ بك من ازلها وزلزالها ...

در لعن صنمی قریش

وَسُنَّةٍ غَيَّرُوهَا وَرُسُومٍ مَنَعُوهَا وَاَحْكَامٍ عَطَّلُوهَا وَبَيْعَةٍ نَكَثُوهَا وَدَعْوَىً اَبْطَلُوهَا وَبَيِّنَةٍ اَنْكَرُوهَا وَحِيلَةٍ اَحْدَثُوهَا وَخِيَانَةٍ اَوْرَدُوهَا وَعَقَبَةٍ اِرْتَقَوْهَا وَدِبَابٍ دَحْرَجُوهَا وَاَزْيَافٍ لَزِمُوهَا وَشَهَادَاتٍ كَتَمُوهَا وَوَصِيَّةٍ ضَيَّعُوهَا اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمَا فِي مَكْنُونِ السِّرِّ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ لَعْنًا كَثِيرًا اَبَدًا دَائِمًا دَائِبًا سَرْمَدًا لَا انْقِطَاعَ لِاَمَدِهِ وَلَا نَفَادَ لِعَدَدِهِ لَعْنًا يَعُودُ اَوَّلُهُ وَلَا يَرُوحُ آخِرُهُ لَهُمْ وَلِاَعْوَانِهِمْ وَاَنْصَارِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَمَوَالِيهِمْ وَالْمُسَلِّمِينَ لَهُمْ وَالْمَائِلِينَ اِلَيْهِمْ وَالنَّاهِضِينَ بِاحْتِجَاجِهِمْ وَالنَّاهِضِينَ بِاَجْنِحَتِهِمْ وَالْمُقْتَدِينَ بِكَلَامِهِمْ وَالْمُصَدِّقِينَ بِاَحْكَامِهِمْ پس چهار مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذَابًا يَسْتَغِيثُ مِنْهُ اَهْلُ النَّارِ اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ و دعائی که مناسب دارد

و ضع آن بعد از این دعا دعائی که ابن طاوس ره در مهج خود از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است گفته است که کسی که در سجدهٔ شکر این دعا را بخواند مثل کسی است که هزار هزار تیر با پیغمبر در جنگ بدر و احد و حنین بجانب کفار انداخته باشد و آن دعا اینست اَللّٰهُمَّ الْعَنِ اللَّذَيْنِ بَدَّلَا دِينَكَ وَغَيَّرَا نِعْمَتَكَ وَاتَّهَمَا رَسُولَكَ وَخَالَفَا مِلَّتَكَ وَصَدَّا عَنْ سَبِيلِكَ وَكَفَرَا اٰلَاءَكَ وَرَدَّا عَلَيْكَ كَلَامَكَ وَاسْتَهْزَءَا بِرَسُولِكَ وَقَتَلَا ابْنَ نَبِيِّكَ وَحَرَّفَا كِتَابَكَ وَجَحَدَا اٰيَاتِكَ وَاسْتَكْبَرَا عَنْ عِبَادَتِكَ وَقَتَلَا اَوْلِيَاءَكَ وَجَلَسَا فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَكُنْ لَهُمَا بِحَقٍّ وَحَمَلَا النَّاسَ عَلٰى اَكْتَافِ اٰلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضًا وَاحْشُرْهُمَا وَاَتْبَاعَهُمَا اِلٰى جَهَنَّمَ زُرْقًا اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ لَهُمَا وَالْبَرَاءَةِ مِنْهُمَا فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَتَلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ بِنْتِ رَسُولِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ زِدْهُمَا عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ وَهَوَانًا فَوْقَ هَوَانٍ وَذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ وَ

وَسَطَوَاتِ سُلْطَانِهَا وَسَلَاطِينِهَا وَشَرِّ شَيَاطِينِهَا وَبَغْيِ مَنْ بَغَى عَلَيَّ فِيهَا اَللّٰهُمَّ مَنْ اَرَادَنِي فَاَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ وَافْقَاْ عَنِّي عُيُونَ الْكَفَرَةِ وَاعْصِمْنِي مِنْ ذٰلِكَ بِالسَّكِينَةِ وَاَلْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَاجْعَلْنِي فِي سِتْرِكَ الْوَاقِي وَاَصْلِحْ لِي حَالِي وَبَارِكْ لِي فِي اَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَحُزَانَتِي وَمَنْ اَحْبَبْتُ فِيكَ وَاَحَبَّنِي اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ وَمَا اَسْرَرْتُ وَمَا نَسِيتُ وَمَا تَعَمَّدْتُ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَنِي كَمَا اَرَدْتَ فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و از جمله دعای علی بن الحسین ع که در صحیفه مذکور است که در روز عید فطر هرگاه فارغ میشدند از نماز عید برمیخواستند و رو بقبله می ایستادند و این دعا را میخواندند و در روز جمعه نیز میخواندند

در لعن صنمی قریش

وَخِزْيًا فَوْقَ خِزْيٍ اَللّٰهُمَّ دُعَّهُمَا اِلَى النَّارِ دَعًّا وَاَرْكِسْهُمَا فِي اَلِيمِ عَذَابِكَ رَكْسًا اَللّٰهُمَّ احْشُرْهُمَا وَاَتْبَاعَهُمَا اِلٰى جَهَنَّمَ زُمَرًا اَللّٰهُمَّ فَرِّقْ جَمْعَهُمْ وَشَتِّتْ اَمْرَهُمْ وَخَالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَبَدِّدْ جَمَاعَتَهُمْ وَالْعَنْ اَئِمَّتَهُمْ وَاقْتُلْ قَادَتَهُمْ وَسَادَتَهُمْ وَالْعَنْ رُؤَسَاءَهُمْ وَكُبَرَاءَهُمْ وَاكْسِرْ رَايَتَهُمْ وَاَلْقِ الْبَأْسَ بَيْنَهُمْ وَلَا تُبْقِ مِنْهُمْ دَيَّارًا اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَبَا جَهْلٍ وَالْوَلِيدَ لَعْنًا يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضًا وَيَتْبَعُ بَعْضُهُ بَعْضًا اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَلْعَنُهُمَا بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَكُلُّ مُؤْمِنٍ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ لِلْاِيمَانِ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَتَعَوَّذُ اَهْلُ النَّارِ مِنْهُ وَمِنْ عَذَابِهِمَا اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا لَمْ يَخْطُرْ لِاَحَدٍ بِبَالٍ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمَا فِي مُسْتَسَرِّ سِرِّكَ وَظَاهِرِ عَلَانِيَتِكَ وَعَذِّبْهُمَا عَذَابًا فِي التَّقْدِيرِ وَشَارِكْ مَعَهُمَا ابْنَتَيْهِمَا وَاَشْيَاعَهُمَا وَمُحِبِّيهِمَا وَمَنْ شَايَعَهُمَا اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ و از جمله دعاهای معتبر مشهوره

دعای کمیل است و کمیل بن زیاد از اعاظم اصحاب حضرت امیر المؤمنین ع بود و آنحضرت او را از اسرار خود واقف میمود و او را زمانی عامل شهر هیت که شهری بود در کنار شط فرات بود نموده بود و حجاج علیه اللعنه او را شهید کرد و آنحضرت خبر داده بود که ملعون او را شهید خواهد کرد و این دعا بهترین دعاهای این سنت است در اوقات دیگر نیز میتوان خواند چنانچه سید جلیل ابن طاوس ره در کتاب اقبال روایت کرده که کمیل بن زیاد گفت روزی با مولای خود حضرت امیر المؤمنین ع در مسجد بصره نشسته بودم شب نیمه شعبان مذکور شد حضرت فرمودند هر که این شب را بعبادت احیا کند و دعای حضرت خضر را در این شب بخواند البته دعای او مستجاب شود و چون آنحضرت بمنزل خود مراجعت نمود شب بخدمت آنحضرت رفتم چون مرا دید پرسید که بچه کار آمده ای کمیل گفتم یا امیر المؤمنین ع بطلب دعای خضر آمده ام فرمود بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه یا در هر ماهی یکمرتبه یا در عمری یکمرتبه بخوان تا کفایت

و در روز جمعه نیز میخوانند و دعا اینست یَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ وَيَا مَنْ يَقْبَلُ مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ وَيَا مَنْ لَا يَحْتَقِرُ اَهْلَ الْحَاجَةِ اِلَيْهِ وَيَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ الْمُلِحِّينَ عَلَيْهِ وَيَا مَنْ لَا يَجْبَهُ بِالرَّدِّ اَهْلَ الدَّالَّةِ عَلَيْهِ وَيَا مَنْ يَجْتَبِي صَغِيرَ مَا يُتْحَفُ بِهِ وَيَشْكُرُ يَسِيرَ مَا يُعْمَلُ لَهُ وَيَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَيُجَازِي بِالْجَلِيلِ وَيَا مَنْ يَدْنُو اِلٰى مَنْ دَنَا مِنْهُ وَيَا مَنْ يَدْعُو اِلٰى نَفْسِهِ مَنْ اَدْبَرَ عَنْهُ وَيَا مَنْ لَا يُغَيِّرُ النِّعْمَةَ وَلَا يُبَادِرُ بِالنَّقِمَةِ وَيَا مَنْ يُثْمِرُ الْحَسَنَةَ حَتّٰى يُنْمِيَهَا وَيَتَجَاوَزُ عَنِ السَّيِّئَةِ حَتّٰى يُعَفِّيَهَا اِنْصَرَفَتِ الْاٰمَالُ دُونَ مَدَى كَرَمِكَ بِالْحَاجَاتِ وَامْتَلَاَتْ بِفَيْضِ جُودِكَ اَوْعِيَةُ الطَّلِبَاتِ وَتَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِكَ الصِّفَاتُ فَلَكَ الْعُلُوُّ الْاَعْلٰى فَوْقَ كُلِّ عَالٍ وَالْجَلَالُ الْاَمْجَدُ فَوْقَ كُلِّ جَلَالٍ كُلُّ جَلِيلٍ عِنْدَكَ صَغِيرٌ وَكُلُّ شَرِيفٍ فِي جَنْبِ شَرَفِكَ

خاب الوافدون علی غیرک
وخسر المتعرضون الا لک وضاع
الملمون الا بک واجدب المنتجعون
الا من انتجع فضلک بابک مفتوح
للراغبین وجودک مباح للسائلین
واغاثتک قریبة من المستغیثین
لا یخیب منک الآملون ولا
ییأس من عطائک المتعرضون
ولا یشقی بنقمتک المستغفرون
رزقک مبسوط لمن عصاک
وحلمک معترض لمن ناواک
عادتک الاحسان الی المسیئین
وسنتک الابقاء علی المعتدین
حتی لقد غرتهم اناتک عن الرجوع
وصدهم امهالک عن النزوع
وانما تأنیت بهم لیفیئوا الی امرک
وامهلتهم ثقة بدوام ملکک
فمن کان من اهل السعادة ختمت
له بها ومن کان من اهل الشقاوة
خذلته لها کلهم صائرون
الی حکمک وامورهم آئلة الی امرک

باب ۲۵ در دعای کمیل

شرح دستمان از تو نیست و یاد کرده شود و روزی کرده داده شود و البته امر زیده شود دعای کمیل بن زیاد صحبت
تو موجب آن شد که تو را چنین نعمتی و کرامتی ممتاز گردانم و سرافراز نمایم پس بخواند
بنویسد و دعا را تلقین من نمود و آن اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ
بِرَحْمَتِكَ الَّتي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتي قَهَرْتَ بِها كُلَّ شَيْءٍ وَ
خَضَعَ لَها كُلُّ شَيْءٍ وَذَلَّ لَها كُلُّ شَيْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتي غَلَبْتَ بِها كُلَّ شَيْءٍ
وَبِعِزَّتِكَ الَّتي لا يَقُومُ لَها شَيْءٌ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِسُلْطانِكَ الَّذي
عَلا كُلَّ شَيْءٍ وَبِوَجْهِكَ الْباقي بَعْدَ فَناءِ كُلِّ شَيْءٍ وَبِاَسْمائِكَ الَّتي مَلَأَتْ
اَرْكانَ كُلِّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذي اَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذي اَضاءَ لَهُ
كُلُّ شَيْءٍ يا نُورُ يا قُدُّوسُ يا اَوَّلَ الْاَوَّلينَ وَيا آخِرَ الْآخِرينَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ
الذُّنُوبَ الَّتي تَهْتِكُ الْعِصَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُنْزِلُ النِّقَمَ اَللّٰهُمَّ
اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُغَيِّرُ النِّعَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَحْبِسُ الدُّعاءَ
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُنْزِلُ الْبَلاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي
تَقْطَعُ الرَّجاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ خَطيئَةٍ اَخْطَاْتُها اَللّٰهُمَّ
اِنّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَاَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلى نَفْسِكَ وَاَسْئَلُكَ
بِجُودِكَ اَنْ تُدْنِيَني مِنْ قُرْبِكَ وَاَنْ تُوزِعَني شُكْرَكَ وَاَنْ تُلْهِمَني
ذِكْرَكَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ سُؤالَ خاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خاشِعٍ
اَنْ تُسامِحَني وَتَرْحَمَني وَتَجْعَلَني بِقِسْمِكَ راضِياً قانِعاً وَفي جَميعِ الْاَحْوالِ
مُتَواضِعاً اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ سُؤالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ وَاَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ
الشَّدائِدِ حاجَتَهُ وَعَظُمَ فيما عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ سُلْطانُكَ وَ
عَلا مَكانُكَ وَخَفِيَ مَكْرُكَ وَظَهَرَ اَمْرُكَ وَغَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ

وامهلتهم
ثقة بدوام ملکک فمن کان من
اهل السعادة ختمت له بها ومن
کان من اهل الشقاوة خذلته لها
کلهم صائرون الی حکمک وامورهم
آئلة الی امرک لم یهن علی طول مدتهم
سلطانک ولم یدحض لترک
معاجلتهم برهانک حجتک قائمة لا تدحض
وسلطانک ثابت لا یزول
فالویل الدائم لمن جنح عنک والخیبة
الخاذلة لمن خاب منک والشقاء
الاشقی لمن اغتر بک ما اکثر
تصرفه فی عذابک وما اطول
تردده فی عقابک وما ابعد غایته
من الفرج وما اقنطه من سهولة
المخرج عدلا من قضائک لا تجور
فیه وانصافا من حکمک لا تحیف
علیه فقد ظاهرت الحجج وابلیت
الاعذار وقد تقدمت بالوعید
وتلطفت فی الترغیب وضربت
الامثال واطلت الامهال و
اخرت وانت

در دعای کمیل

وَلا يُمْكِنُ الْفِرارُ مِنْ حُكُومَتِكَ اَللّٰهُمَّ لا اَجِدُ لِذُنُوبي غافِراً وَلا
لِقَبائِحي ساتِراً وَلا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِيَ الْقَبيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلاً غَيْرَكَ لا اِلٰهَ
اِلاّ اَنْتَ سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسي وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلي وَسَكَنْتُ اِلى
قَديمِ ذِكْرِكَ لي وَمَنِّكَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ مَوْلايَ كَمْ مِنْ قَبيحٍ سَتَرْتَهُ وَكَمْ مِنْ
فادِحٍ مِنَ الْبَلاءِ اَقَلْتَهُ وَكَمْ مِنْ عِثارٍ وَقَيْتَهُ وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ
وَكَمْ مِنْ ثَناءٍ جَميلٍ لَسْتُ اَهْلاً لَهُ نَشَرْتَهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ بَلائي وَاَفْرَطَ بي
سُوءُ حالي وَقَصُرَتْ بي اَعْمالي وَقَعَدَتْ بي اَغْلالي وَحَبَسَني عَنْ نَفْعي
بُعْدُ اَمَلي وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيا بِغُرُورِها وَنَفْسي بِخِيانَتِها وَمِطالي يا سَيِّدي
فَاَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ اَنْ لا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعائي سُوءُ عَمَلي وَفِعالي وَلا
تَفْضَحْني بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرّي وَلا تُعاجِلْني بِالْعُقُوبَةِ عَلى ما عَمِلْتُ
في خَلَواتي مِنْ سُوءِ فِعْلي وَاِساءَتي وَدَوامِ تَفْريطي وَجَهالَتي وَكَثْرَةِ شَهَواتي
وَغَفْلَتي وَكُنِ اللّٰهُمَّ بِعِزَّتِكَ لي فِي الْاَحْوالِ كُلِّها رَؤُفاً وَعَلَيَّ في جَميعِ الْاُمُورِ
عَطُوفاً اِلٰهي وَرَبّي مَنْ لي غَيْرُكَ اَسْئَلُهُ كَشْفَ ضُرّي وَالنَّظَرَ في اَمْري اِلٰهي
وَمَوْلايَ اَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْماً اتَّبَعْتُ فيهِ هَوى نَفْسي وَلَمْ اَحْتَرِسْ فيهِ مِنْ
تَزْيينِ عَدُوّي فَغَرَّني بِما اَهْوى وَاَسْعَدَهُ عَلى ذٰلِكَ الْقَضاءُ فَتَجاوَزْتُ
بِما جَرى عَلَيَّ مِنْ ذٰلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ وَخالَفْتُ بَعْضَ اَوامِرِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ
في جَميعِ ذٰلِكَ وَلا حُجَّةَ لي فيما جَرى عَلَيَّ فيهِ قَضاؤُكَ وَاَلْزَمَني فيهِ
حُكْمُكَ وَبَلاؤُكَ وَقَدْ اَتَيْتُكَ يا اِلٰهي بَعْدَ تَقْصيري وَاِسْرافي عَلى
نَفْسي مُعْتَذِراً نادِماً مُنْكَسِراً مُسْتَقيلاً مُسْتَغْفِراً مُنيباً مُقِرّاً مُذْعِناً
مُعْتَرِفاً لا اَجِدُ مَفَرّاً مِمّا كانَ مِنّي وَلا مَفْزَعاً اَتَوَجَّهُ اِلَيْهِ في اَمْري غَيْرَ

قَبُولِكَ عُذْرِي وَاِدْخَالِكَ اِيَّايَ فِي سَعَةٍ مِنْ رَحْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَفُكَّنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي يَارَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي يَا مَنْ بَدَءَ خَلْقِي وَذِكْرِي وَتَرْبِيَتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَتِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بِرِّكَ بِي يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي اَتُرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَبَعْدَ مَا انْطَوٰى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلَهِجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ هَيْهَاتَ اَنْتَ اَكْرَمُ مِنْ اَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ اَوْ تُبَعِّدَ مَنْ اَدْنَيْتَهُ اَوْ تُشَرِّدَ مَنْ اٰوَيْتَهُ اَوْ تُسَلِّمَ اِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ وَلَيْتَ شِعْرِي يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ اَتُسَلِّطُ النَّارَ عَلٰى وُجُوهٍ خَرَّتْ سَاجِدَةً وَعَلٰى اَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً وَعَلٰى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِاِلٰهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً وَعَلٰى ضَمَائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتّٰى صَارَتْ خَاشِعَةً وَعَلٰى جَوَارِحَ سَعَتْ اِلٰى اَوْطَانِ تَعَبُّدِكَ طَائِعَةً وَاَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً مَا هٰكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلَا اُخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَارَبِّ وَاَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلٰى اَهْلِهَا عَلٰى اَنَّ ذٰلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْثُهُ يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ قَصِيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْاٰخِرَةِ وَجَلِيلِ وُقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقَامُهُ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ اَهْلِهِ لِاَنَّهُ لَا يَكُونُ اِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ وَهٰذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ بِي وَاَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ يَا اِلٰهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ

در دعای روز جمعه

وَاَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلْمُعَاجَلَةِ وَاَنْتَ مَلِيٌّ بِالْمُبَادَرَةِ لَمْ تَكُنْ اَنَاتُكَ عَجْزًا وَلَا اِمْهَالُكَ وَهْنًا وَلَا اِمْسَاكُكَ غَفْلَةً وَلَا انْتِظَارُكَ مُدَارَاةً بَلْ لِتَكُونَ حُجَّتُكَ اَبْلَغَ وَكَرَمُكَ اَكْمَلَ وَاِحْسَانُكَ اَوْفٰى وَنِعْمَتُكَ اَتَمَّ كُلُّ ذٰلِكَ كَانَ وَلَمْ تَزَلْ وَهُوَ كَائِنٌ وَلَا تَزَالُ حُجَّتُكَ اَجَلُّ مِنْ اَنْ تُوصَفَ بِكُلِّهَا وَمَجْدُكَ اَرْفَعُ مِنْ اَنْ يُحَدَّ بِكُنْهِهِ وَنِعْمَتُكَ اَكْثَرُ مِنْ اَنْ تُحْصٰى بِاَسْرِهَا وَاِحْسَانُكَ اَكْثَرُ مِنْ اَنْ تُشْكَرَ عَلٰى اَقَلِّهِ وَقَدْ قَصَّرَ بِيَ السُّكُوتُ عَنْ تَحْمِيدِكَ وَفَهَّهَنِيَ الْاِمْسَاكُ عَنْ تَمْجِيدِكَ وَقُصَارَايَ الْاِقْرَارُ بِالْحُسُورِ لَا رَغْبَةً يَا اِلٰهِي بَلْ عَجْزًا فَهَا اَنَا ذَا اَؤُمُّكَ بِالْوِفَادَةِ وَاَسْئَلُكَ حُسْنَ الرِّفَادَةِ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاسْمَعْ نَجْوَايَ وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَلَا تَخْتِمْ يَوْمِي بِخَيْبَتِي وَلَا تَجْبَهْنِي بِالرَّدِّ فِي مَسْئَلَتِي وَاَكْرِمْ مِنْ عِنْدِكَ مُنْصَرَفِي

لِاَيِّ الْاُمُورِ اِلَيْكَ اَشْكُو وَلِمَا مِنْهَا اَضِجُّ وَاَبْكِي لِاَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ اَوْ لِطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَنِي فِي الْعُقُوبَاتِ مَعَ اَعْدَائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ اَهْلِ بَلَائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ اَحِبَّائِكَ وَاَوْلِيَائِكَ فَهَبْنِي يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبَرْتُ عَلٰى عَذَابِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَلٰى فِرَاقِكَ وَهَبْنِي صَبَرْتُ عَلٰى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ اِلٰى كَرَامَتِكَ اَمْ كَيْفَ اَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوُكَ فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ اُقْسِمُ صَادِقًا لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لَاَضِجَّنَّ اِلَيْكَ بَيْنَ اَهْلِهَا ضَجِيجَ الْاٰمِلِينَ وَلَاَصْرُخَنَّ اِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَلَاَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ وَلَاُنَادِيَنَّكَ اَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا غَايَةَ اٰمَالِ الْعَارِفِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ وَيَا اِلٰهَ الْعَالَمِينَ اَفَتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا اِلٰهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ وَحُبِسَ بَيْنَ اَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُّ اِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ اَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقٰى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ وَرَاْفَتِكَ اَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَهُوَ يَاْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ اَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهِيبُهَا وَاَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرٰى مَكَانَهُ اَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَاَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ اَمْ كَيْفَ يَتَقَلْقَلُ بَيْنَ اَطْبَاقِهَا وَاَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ اَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ اَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ مَا ذٰلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بِرِّكَ وَاِحْسَانِكَ فَبِالْيَقِينِ اَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِيكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ اِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا وَمَا كَانَ لِاَحَدٍ

وَاِلَيْكَ مُنْقَلَبِي اِنَّكَ غَيْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِيدُ وَلَا عَاجِزٍ عَمَّا تُسْئَلُ وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

و بعد از دعای روز جمعه

اَللّٰهُمَّ هٰذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مَيْمُونٌ وَالْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي اَقْطَارِ اَرْضِكَ يَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَالطَّالِبُ وَالرَّاغِبُ وَالرَّاهِبُ وَاَنْتَ النَّاظِرُ فِي حَوَائِجِهِمْ فَاَسْئَلُكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَهَوَانِ مَا سَاَلْتُكَ عَلَيْكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ رَبَّنَا بِاَنَّ لَكَ الْمُلْكَ وَلَكَ الْحَمْدُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ اَوْ عَافِيَةٍ اَوْ بَرَكَةٍ اَوْ هُدًى اَوْ عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ اَوْ خَيْرٍ تَمُنُّ بِهِ عَلَيْهِمْ تَهْدِيهِمْ بِهِ

باب ۲ ه در دعای حضرت امیر المؤمنین ع

فيها مقراً ولا مقاماً لكنك تقدست اسماؤك اقسمت ان تملأها من الكافرين
من الجنة والناس اجمعين وان تخلد فيها المعاندين وانت جل ثناؤك قلت
مبتدئاً وتطولت بالانعام متكرماً أفمن كان مؤمناً كمن كان
فاسقاً لا يستوون الهي وسيدي فاسئلك بالقدرة التي قدرتها وبالقضية
التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه اجريتها ان تهب لي في هذه الليلة و
في هذه الساعة كل جرم اجرمته وكل ذنب اذنبته وكل قبيح اسررته
وكل جهل عملته كتمته او اعلنته اخفيته او اظهرته وكل سيئة
امرت باثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم
شهوداً علي مع جوارحي وكنت انت الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما خفي
عنهم وبرحمتك اخفيته وبفضلك سترته وان توفر حظي من كل خير
تنزله او احسان تفضله او بر تنشره او رزق تبسطه او ذنب تغفره او خطأ
تستره يا رب يا رب يا رب يا الهي وسيدي ومولاي ومالك رقي يا من بيده
ناصيتي يا عليماً بضري ومسكنتي يا خبيراً بفقري وفاقتي يا رب يا رب يا رب
اسئلك بحقك وقدسك واعظم صفاتك واسمائك ان تجعل اوقاتي
في الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة واعمالي عندك
مقبولة حتى تكون اعمالي واورادي كلها ورداً واحداً وحالي في خدمتك سرمداً
يا سيدي يا من عليه معولي يا من اليه شكوت احوالي يا رب يا رب يا رب
قو على خدمتك جوارحي واشدد على العزيمة جوانحي وهب لي الجد في
خشيتك والدوام في الاتصال بخدمتك حتى اسرح اليك في ميادين
السابقين واسرع اليك في المبادرين واشتاق الى قربك في المشتاقين

در دعای روز جمعه

تقدمهم به اليك او ترفعهم عندك درجة او تعطيهم به خيراً من خير الدنيا والآخرة واسئلك اللهم بان لك الملك والحمد لا اله الا انت ان تصلي على محمد وآل محمد عبدك ورسولك وحبيبك وصفوتك وخيرتك من خلقك وعلى آل محمد الابرار الطاهرين الاخيار صلوة لا يقوى على احصائها الا انت وان تشركنا في صالح من دعاك في هذا اليوم من عبادك المؤمنين يا رب العالمين وان تغفر لنا ولهم انك على كل شيء قدير اللهم اليك تعمدت بحاجتي وبك انزلت اليوم فقري وفاقتي ومسكنتي واني بمغفرتك ورحمتك اوثق مني بعملي و لمغفرتك ورحمتك اوسع من ذنوبي فصل على محمد وآل محمد وتول قضاء كل حاجة هي لي بقدرتك عليها وتيسير ذلك عليك وبفقري

در دعای حضرت امیر المؤمنین ع

وادنو منك دنو المخلصين واخافك مخافة الموقنين واجتمع في جوارك
مع المؤمنين اللهم ومن ارادني بسوء فارده ومن كادني فكده و
اجعلني من احسن عبادك نصيباً عندك واقربهم منزلة منك واخصهم
زلفة لديك فانه لا ينال ذلك الا بفضلك وجد لي بجودك واعطف
علي بمجدك واحفظني برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجاً وقلبي بحبك
متيماً ومن علي بحسن اجابتك واقلني عثرتي واغفر لي زلتي فانك
قضيت على عبادك بعبادتك وامرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة
فاليك يا رب نصبت وجهي واليك يا رب مددت يدي فبعزتك
استجب لي دعائي وبلغني مناي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني شر
الجن والانس من اعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك الا الدعاء فانك
فعال لما تشاء يا من اسمه دواء وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم من
راس ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ النعم يا دافع النقم يا نور
المستوحشين في الظلم يا عالماً لا يعلم صل على محمد وآل محمد وافعل بي
ما انت اهله وصلى الله على رسوله والائمة الميامين من آله وسلم تسليماً
كثيراً خاتمه در تتمه اعمال ماه از حضرت امام رضا منقولست که هر که سه روز از آخر
ماه شعبان را روزه دارد و بماه مبارک رمضان وصل نماید حق تعالی ثواب روزه دو ماه متوالی
از برای او بنویسد ابو الصلت هروی گوید که در جمعه آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام
رضا رفتم حضرت فرمود ای ابو الصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعه آخر آنست پس تدارک
و تلافی کن از آنچه از این ماه مانده است تقصیرها را که در ایام گذشته این ماه کرده و بر تو باد که
رو آوری بچیزی که نافعست برای تو در آخرت و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قران مجید بسیار بکن

وبغناك عني فاني لم اصب خيراً قط الا منك ولم يصرف عني سوءاً قط احد غيرك ولا ارجو لامر آخرتي ودنياي سواك اللهم من تهيأ وتعبأ واعد واستعد لوفادة الى مخلوق رجاء رفده وجائزته ونوافله وطلب نيله وجائزته فاليك يا مولاي كانت اليوم تهيئتي وتعبئتي واعدادي واستعدادي رجاء عفوك ورفدك وطلب نيلك وجائزتك اللهم فصل على محمد وآل محمد ولا تخيب اليوم ذلك من رجائي يا من لا يحفيه سائل ولا ينقصه نائل فاني لم آتك ثقة مني بعمل صالح قدمته ولا شفاعة مخلوق رجوته الا شفاعة محمد واهل بيته عليه وعليهم سلامك اتيتك مقراً بالجرم والاساءة على نفسي اتيتك ارجو عظيم عفوك الذي عفوت به عن الخاطئين

در آداب دخول ماه رمضان

وتوبه بکن بسوی حق تعالی از گناهان خود تا آنکه چون ماه مبارک در آید خالص گردانیده باشی
خود را از برای خدا و مگذار امانت وحق کسی را در گردن خود مگر آنکه ادا کنی و مگذار
در دل خود کینه کسی را مگر آنکه از دل بیرون کنی و مگذار گناهی را که میکرده مگر آنکه ترک کنی
واز خدا بترس وتوکل کن بر خدا از پنهان واشکار امور خود و هر که بر خدا توکل نماید خدا بس است
وبسیار بخوان در بقیه ماه این دعا را اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَکُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِیمَا مَضَی
مِنْ شَعْبَانَ فَاغْفِرْ لَنَا فِیمَا بَقِیَ مِنْهُ بدرستیکه خدای تعالی در این ماه آزاد میگرداند بسیار
از آتش جهنم برای حرمت ماه مبارک رمضان

باب بیست و چهارم در طلب استهلال و ادعیه او و در بیان آداب دخول ماه مبارک رمضان و ادعیه شب اول و روز اول

بسند معتبر منقولست که حضرت صادق در شب آخر ماه شعبان و شب اول ماه رمضان میخواند اَللّٰهُمَّ
اِنَّ هٰذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَکَ الَّذِی اَنْزَلْتَ فِیهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ هُدًی لِلنَّاسِ وَبَیِّنَاتٍ
مِنَ الْهُدَی وَالْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ فَسَلِّمْنَا فِیهِ وَسَلِّمْهُ لَنَا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا فِی یُسْرٍ
مِنْکَ وَعَافِیَةٍ یَا مَنْ اَخَذَ الْقَلِیلَ وَشَکَرَ الْکَثِیرَ اِقْبَلْ مِنِّی الْیَسِیرَ اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اَسْئَلُکَ اَنْ تَجْعَلَ لِی اِلَی کُلِّ خَیْرٍ سَبِیلاً وَمِنْ کُلِّ مَا لَا تُحِبُّ مَانِعاً یَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِینَ یَا مَنْ عَفَی عَنِّی وَعَمَّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّیِّئَاتِ یَا مَنْ لَمْ یُؤَاخِذْنِی
بِارْتِکَابِ الْمَعَاصِی عَفْوَکَ عَفْوَکَ یَا کَرِیمُ اِلٰهِی وَعَظْتَنِی فَلَمْ اَتَّعِظْ
وَزَجَرْتَنِی عَنْ مَحَارِمِکَ فَلَمْ اَنْزَجِرْ فَمَا عُذْرِی فَاعْفُ عَنِّی یَا کَرِیمُ عَفْوَکَ
عَفْوَکَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ
عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِکَ فَلْیَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِکَ یَا اَهْلَ التَّقْوَی وَیَا
اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ عَفْوَکَ عَفْوَکَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی عَبْدُکَ ابْنُ عَبْدِکَ ابْنُ اَمَتِکَ ضَعِیفٌ
فَقِیرٌ اِلَی رَحْمَتِکَ وَاَنْتَ مُنْزِلُ الْغِنَی وَالْبَرَکَةِ عَلَی الْعِبَادِ قَاهِرٌ مُقْتَدِرٌ اَحْصَیْتَ

بِمَنْعِکَ صَوْتَ عَفْوِهِمْ عَلَی عَظِیمِ الْجُرْمِ اِنْ عُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ فَیَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ وَعَفْوُهُ عَظِیمٌ یَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ یَا کَرِیمُ یَا کَرِیمُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعُدْ عَلَیَّ بِرَحْمَتِکَ وَتَعَطَّفْ عَلَیَّ بِفَضْلِکَ وَتَوَسَّعْ عَلَیَّ بِمَغْفِرَتِکَ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِکَ وَاَصْفِیَائِکَ وَمَوَاضِعَ اُمَنَائِکَ فِی الدَّرَجَةِ الرَّفِیعَةِ الَّتِی اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدِ ابْتَزُّوهَا وَاَنْتَ الْمُقَدِّرُ لِذٰلِکَ لَا یُغَالَبُ اَمْرُکَ وَلَا یُجَاوَزُ الْمَحْتُومُ مِنْ تَدْبِیرِکَ کَیْفَ شِئْتَ وَاَنَّی شِئْتَ وَلِمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ غَیْرُ مُتَّهَمٍ عَلَی خَلْقِکَ وَلَا لِاِرَادَتِکَ حَتَّی عَادَ صِفْوَتُکَ وَخُلَفَاؤُکَ مَغْلُوبِینَ مَقْهُورِینَ مُبْتَزِّینَ یَرَوْنَ حُکْمَکَ مُبَدَّلاً وَکِتَابَکَ مَنْبُوذاً وَفَرَائِضَکَ مُحَرَّفَةً عَنْ جِهَاتِ اَشْرَاعِکَ وَسُنَنَ نَبِیِّکَ مَتْرُوکَةً اَللّٰهُمَّ

در دعای شریف

اَعْمَالَهُمْ وَقَسَمْتَ اَرْزَاقَهُمْ وَجَعَلْتَهُمْ مُخْتَلِفَةً اَلْسِنَتُهُمْ وَاَلْوَانُهُمْ خَلْقاً مِنْ بَعْدِ
خَلْقٍ لَا یَعْلَمُ الْعِبَادُ عِلْمَکَ وَلَا یَقْدِرُ الْعِبَادُ قَدْرَکَ وَکُلُّنَا فَقِیرٌ اِلَی
رَحْمَتِکَ فَلَا تَصْرِفْ عَنِّی وَجْهَکَ وَاجْعَلْنِی مِنْ صَالِحِ خَلْقِکَ فِی الْعَمَلِ وَالْاَمَلِ
وَالْقَضَاءِ وَالْقَدَرِ اِلٰهِی اَبْقِنِی خَیْرَ الْبَقَاءِ وَاَفْنِنِی خَیْرَ الْفَنَاءِ عَلَی مُوَالَاةِ اَوْلِیَائِکَ
وَمُعَادَاتِ اَعْدَائِکَ وَالرَّغْبَةِ اِلَیْکَ وَالرَّهْبَةِ مِنْکَ وَالْخُشُوعِ وَالْوَفَاءِ
وَالتَّسْلِیمِ لَکَ وَالتَّصْدِیقِ بِکِتَابِکَ وَاتِّبَاعِ سُنَّةِ رَسُولِکَ اَللّٰهُمَّ مَا کَانَ فِی
قَلْبِی مِنْ شَکٍّ اَوْ رِیبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ بَذَخٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ خُیَلَاءَ
اَوْ رِیَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ اَوْ کُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ عِصْیَانٍ اَوْ عَظَمَةٍ
اَوْ شَیْءٍ لَا تُحِبُّ فَاَسْئَلُکَ یَا رَبِّ اَنْ تُبَدِّلَنِی مَکَانَهُ اِیمَاناً بِوَعْدِکَ وَوَفَاءً
بِعَهْدِکَ وَرِضًی بِقَضَائِکَ وَزُهْداً فِی الدُّنْیَا وَرَغْبَةً فِیمَا عِنْدَکَ وَاَثَرَةً وَ
طُمَاْنِینَةً وَتَوْبَةً نَصُوحاً اَسْئَلُکَ ذٰلِکَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ اِلٰهِی اَنْتَ مِنْ حِلْمِکَ
تُعْصَی فَکَاَنَّکَ لَمْ تَرَ وَمِنْ کَرَمِکَ وَجُودِکَ تُطَاعُ فَکَاَنَّکَ لَمْ تُعْصَ وَاَنَا
وَمَنْ لَمْ یَعْصِکَ سُکَّانُ اَرْضِکَ فَکُنْ عَلَیْنَا بِالْفَضْلِ جَوَاداً وَبِالْخَیْرِ عَوَّاداً
یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلٰوةً دَائِمَةً لَا تُحْصَی وَلَا تُعَدُّ
وَلَا یَقْدِرُ قَدْرَهَا غَیْرُکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ و سنتست که طلب هلال ماه رمضان
بکنند و بعضی واجب دانسته اند واز حضرت امام جعفر صادق منقولست که چون هلال ماه رمضان
را دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله کن و دستها بسوی خدا بلند کن و خطاب کن ماه را و بگو
رَبِّی وَرَبُّکَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِیمَانِ وَالسَّلَامَةِ
وَالْاِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ اِلَی مَا تُحِبُّ وَتَرْضَی اَللّٰهُمَّ بَارِکْ لَنَا فِی شَهْرِنَا هٰذَا
وَارْزُقْنَا خَیْرَهُ وَعَوْنَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَائَهُ وَفِتْنَتَهُ و بهتر دعاها

اللعن اعدائهم من الاولین والاخرین ومن رضی بفعالهم واشیاعهم واتباعهم اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ کَصَلَوَاتِکَ وَبَرَکَاتِکَ وَتَحِیَّاتِکَ عَلَی اَصْفِیَائِکَ اِبْرٰهِیمَ وَآلِ اِبْرٰهِیمَ وَعَجِّلِ الْفَرَجَ وَالرَّوْحَ وَالنُّصْرَةَ وَالتَّمْکِینَ وَالتَّاْیِیدَ لَهُمْ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْنِی مِنْ اَهْلِ التَّوْحِیدِ وَالْاِیمَانِ بِکَ وَالتَّصْدِیقِ بِرَسُولِکَ وَالْاَئِمَّةِ الَّذِینَ حَتَمْتَ طَاعَتَهُمْ مِمَّنْ یَجْرِی ذٰلِکَ بِهِ وَعَلَی یَدَیْهِ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ لَیْسَ یَرُدُّ غَضَبَکَ اِلَّا حِلْمُکَ وَلَا یَرُدُّ سَخَطَکَ اِلَّا عَفْوُکَ وَلَا یُجِیرُ مِنْ عِقَابِکَ اِلَّا رَحْمَتُکَ وَلَا یُنْجِینِی مِنْکَ اِلَّا التَّضَرُّعُ اِلَیْکَ وَبَیْنَ یَدَیْکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَهَبْ لَنَا یَا اِلٰهِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجاً بِالْقُدْرَةِ الَّتِی بِهَا تُحْیِی اَمْوَاتَ الْعِبَادِ وَبِهَا تَنْشُرُ مَیْتَ الْبِلَادِ وَلَا تُهْلِکْنِی یَا اِلٰهِی غَمّاً حَتَّی تَسْتَجِیبَ لِی وَتُعَرِّفَنِی الْاِجَابَةَ فِی

باب ۴۵ دعای رؤیت هلال

دعای رؤیت هلال صحیفهٔ کامله است که از علی بن الحسین علیه السلام است و آن اینست ایها الخلق
المطیع الدائب السریع المتردد فی منازل التقدیر المتصرف فی فلک
التدبیر آمنت بمن نوّر بک الظلم واوضح بک البهم وجعلک آیة من آیات
ملکه وعلامة من علامات سلطانه وامتهنک بالزیادة والنقصان
والطلوع والافول والانارة والکسوف فی کل ذلک انت له مطیع والی
ارادته سریع سبحانه ما اعجب ما دبّر فی امرک والطف ما صنع فی
شأنک جعلک مفتاح شهر حادث لامر حادث فاسأل الله ربی وربک
وخالقی وخالقک ومقدری ومقدرک ومصوری ومصورک ان
یصلی علی محمد وآل محمد وآله وان یجعلک هلال برکة لا تمحقها
الایام وطهارة لا تدنسها الآثام هلال امن من الآفات وسلامة من
السیئات هلال سعد لا نحس فیه ویمن لا نکد معه ویسر لا یمازجه
عسر وخیر لا یشوبه شر هلال امن وایمان ونعمة واحسان وسلامة
واسلام اللهم صل علی محمد وآله واجعلنا من ارضی من طلع علیه
وازکی من نظر الیه واسعد من تعبد لک فیه ووفقنا فیه للتوبة واعصمنا فیه من
الحوبة واحفظنا فیه من مباشرة معصیتک واوزعنا فیه شکر
نعمتک والبسنا فیه جنن العافیة واتمم علینا باستکمال طاعتک
فیه المنة انک المنان الحمید وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین

باب ۴۶ در بیان فضیلت ماه مبارک رمضان باید دانست که ماه مبارک رمضان بهترین ماههاست و شریف
ترین آنها است چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا منقول است که حضرت رسول در اواخر ماه شعبان خطبه
خواندند و در آن خطبه خواندند که ایها الناس قد اقبل الیکم شهر رمضان بالبرکة والرحمة

لا یبلغ

دعای
واذقنی طعم العافیة
الی منتهی اجلی ولا تشمت بی
عدوی ولا تمکنه من عنقی ولا
تسلطه علیّ الهی ان رفعتنی فمن
ذا الذی یضعنی وان وضعتنی
فمن ذا الذی یرفعنی وان اکرمتنی
فمن ذا الذی یهیننی وان اهنتنی
فمن ذا الذی یکرمنی وان عذبتنی
فمن ذا الذی یرحمنی وان اهلکتنی
فمن ذا الذی یعرض لک فی
عبدک او یسألک عن امره وقد
علمت انه لیس فی حکمک
ظلم ولا فی نقمتک عجلة وانما
یعجل من یخاف الفوت وانما یحتاج
الی الظلم الضعیف وقد تعالیت
یا الهی عن ذلک علوا کبیرا
اللهم صل علی محمد وآل محمد
ولا تجعلنی للبلاء غرضا ولا
لنقمتک نصبا ومهلنی و
نفسنی واقلنی عثرتی ولا تبتلینی
ببلاء علی اثر بلاء فقد تری
ضعفی و

در خطبهٔ سیومی در فضیلت ماه رمضان

والمغفرة وشهره افضل الشهور وایامه افضل الایام ولیالیه افضل اللیالی
وساعاته افضل الساعات قد دعیتم فیه الی ضیافة الله وجعلتم فیه من
اهل کرامته انفاسکم فیه تسبیح ونومکم فیه عبادة وعملکم فیه مقبول
ودعاؤکم مستجاب فاسئلوا الله ربکم بنیة صادقة وقلوب طاهرة
ان یوفقکم لصیامه وتلاوة کتابه فان الشقی من حرم غفران الله فیه واذکروا
بجوعکم وعطشکم جوع یوم القیمة وعطشه وتصدقوا علی فقرائکم ومساکینکم
ووقروا کبارکم وارحموا صغارکم وصلوا ارحامکم وغضوا عما
لا یحل النظر الیه ابصارکم وعما لا یحل الاستماع الیه اسماعکم وتحننوا علی ایتام
الناس یتحنن علی ایتامکم وتوبوا من ذنوبکم وارفعوا ایدیکم بالدعاء
فی اوقات صلواتکم فانها افضل الساعات ینظر الله تعالی الی عباده بالرحمة
ویجیبهم اذا ناجوه ویلبیهم اذا نادوه ویستجیب لهم اذا دعوه یعنی ای مردمان بدرستیکه
روی آورد بشما ماه رمضان ببرکت و رحمت و مغفرت و این ماه بهترین جمیع ماههاست و روزهای
آن بهترین روزها و شبهای آن بهترین شبها و ساعتهای آن بهترین ساعتهاست بدرستیکه شما
در این ماه خوانده شده اید بضیافت خدای تعالی و گردانیده شده اید در این ماه از اهل کرامت خدای
تعالی نفس زدن شما در این ماه تسبیح است و خواب شما عبادتست و عمل شما در آن مقبولست و دعای
شما در آن مستجابست پس به نیت صادق و دل پاک از خدای تعالی بخواهید که توفیق دهد شما را
از برای روزهٔ اینماه و تلاوت کتاب او پس شقی کسی است که در اینماه از غفران حق تعالی محروم
شود و گرسنگی و تشنگی روز قیامت را یاد آورید و تصدق کنید بر فقرا و مساکین و بزرگتر
از خود را حرمت دارید و غربت کنید و بر خوردسالان خود رحم کنید و صلهٔ رحم بجا آرید
و چشم خود را بپوشید از چیزی که نگاه کردن بآن حرام و گوش خود را ببندید از چیزیکه شنیدن

وقیله
وتفرعی الیک اعوذ بک
حیلتی وتضرعی الیک فصل
اللهم الیوم من غضبک فصل
علی محمد وآله واغذنی واستجیر
بک الیوم من سخطک فصل علی
محمد وآل محمد واجرنی واسئلک
امنا من عذابک فصل علی محمد
وآله وامنی واستهدیک فصل
علی محمد وآله واهدنی و
استنصرک فصل علی محمد و
آله وانصرنی واسترحمک فصل
علی محمد وآله وارحمنی واستکفیک
فصل علی محمد وآله واکفنی و
استرزقک فصل علی محمد وآله
وارزقنی واستعینک فصل علی
محمد وآله واعنی واستغفرک لما
سلف من ذنوبی فصل علی محمد
وآله واغفر لی واستعصمک
فصل علی محمد وآله واعصمنی
فانی لن اعود لشیء کرهته
منی ان شئت ذلک یا رب یا رب یا حنان
یا منان یا ذا الجلال والاکرام صل
علی محمد وآله

ان یکن

والمغفرة

باب ۵۵ در فضائل ماه رمضان

ان حلال نیست بر ایشان مردم مهربانی کنید و از گناهان خود توبه کنید و دستهای خود را بدعا بسوی خدای تعالی بردارید در اوقات نمازهای خود که ان بهترین ساعتها که خدای تعالی در ان اوقات نظر می کند بر بندگان برحمت خود و اجابت می کند دعا و مناجات ایشان را ولبیک می گوید ندای ایشان را ایها الناس من حسن منکم فی هذا الشهر خلقه کان له جوازاً علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام ومن خفف فیه عما ملکت یمینه خفف الله حسابه ومن کف فیه شره کف الله عنه غضبه یوم یلقاه ومن وصل فیه رحمه وصله الله برحمته یوم یلقاه ومن تطوع فیه بصلوة کتب الله له برائة من النار ومن ادی فیه فرضا کان له ثواب من ادی سبعین فریضة فیما سواه من الشهور ومن اکثر فیه من الصلوة ثقل الله میزانه یوم تخفف فیه الموازین ومن تلا فیه آیة من القران کان له اجر من ختم القران فی غیره من الشهور الا ان ابواب الجنان مفتحة فیه فاسئلوا ربکم ان لا یغلقها عنکم وابواب النار مغلقة فاسئلوا ربکم ان لا یفتحها علیکم والشیاطین مغلولة فاسئلوا ربکم ان لا یسلطها علیکم یعنی ای مردمان کسی که در اینماه خلق خود را نیکو کند روزیکه قدمهای مردم از صراط بلغزد واسان از صراط می گذرد و کسی که در اینماه تخفیف دهد در خدمت بندگان خود و ایشان را کار آسان فرماید خدای تعالی تخفیف دهد حساب او را و کسی که در اینماه شر خود را از مردمان نگاه دارد خدای تعالی غضب خود را از او باز میدارد روزیکه ملاقات واقع می شود و کسیکه در اینماه صله رحم بجای اورد خدای تعالی رحمت خود را روز قیامت باو میرساند و کسیکه در اینماه یک نماز نافله بکند خدای تعالی از برای او برائتی می نویسد از اتش دوزخ و کسی که در اینماه یک فریضه را ادا کند ثواب هفتاد فریضه دارد که در غیر اینماه بجا اورد و کسیکه در اینماه نماز بسیار کند خدای تعالی میزان او را گران می کند در روزیکه میزانها سبک باشد و کسی که در اینماه یک ایه از قران بخواند

واستجب جمیع ما سألتک وطلبت الیک ورغبت فیه الیک واردده وقدره واقضه وامضه وخر لی فیما تقضی منه وبارک لی فی ذلک وتفضل علی به واسعدنی بما تعطینی منه وزدنی من فضلک وسعة ما عندک فانک واسع کریم وصل ذلک بخیر الاخرة ونعیمها یا ارحم الراحمین ثم تدعو بما بدا لک وتصلی علی محمد وآله الف مرة هکذا نفعل علیه السلام

باب هفتاد و ششم در صوم

وان امساکست از اموریکه میاید ومنقسم میشود بواجب ومندوب ومکروه وحرام واز برای هریک اقسام چند میباشد که خواهد امد ومطالب متعلقه بان در ضمن چند مبحث ذکر میشود مبحث اول در ماهیت وشرایط وکیفیت واحکام انست و دران دو مقصد است مقصد اول در بیان شرایط ولواحق ان ودر ان دو فصل است

در فضایل ماه رمضان

ثواب کسیرا دارد که ختم قران کرده باشد در غیر اینماه ختم کرده باشد بدرستیکه درهای بهشت در اینماه گشوده است پس درخواهید از خدا اگر انها را بر شما نه بندد و درهای دوزخ بر شما بسته شده در اینماه از خدای تعالی درخواهید که انها را بر شما نگشاید و جمیع شیاطین در اینماه مغلولند از خدای تعالی درخواهید که ایشانرا بر شما مسلط نگرداند و از حضرت صادق مرویست که هر گاه شب اول ماه رمضان در اید خدای تعالی ازاد کند از خلق خود هر کسیرا که می خواهد و در شب دویم ماه دو برابر انچه در شب اول ازاد کرده است ازاد کند و در شب سیم سه برابر و هم چنین می سازد تا شب اخر و در شب اخر اینماه دو برابر انچه که در کل اینماه ازاد کرده است ازاد کند و از حضرت پیغمبر مرویست که فرمود بدرستیکه خدای تعالی موکل می سازد در هنگام افطار هر شب هفتاد هزار ملک را ملکه ایشانرا در بیابان بندد تا اخر ماه رمضان و فرمود ایها الناس هر که افطار نماید روزه داری مؤمنی را در اینماه از برای او خواهد بود نزد خدای تعالی ثواب بنده ازاد کردن وامرزش گناهان گذشته پس بعضی از صحابه گفتند که یا رسول الله همه ما قدرت بر این نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از اتش جهنم بافطار دادن روزه داران بنصف دانه خرما باشد و اگر چه بیک شربت ابی باشد بدرستیکه حق تعالی این ثوابرا میدهد کسی را که چنین کند اگر قادر بر زیاده از این نباشد ایها الناس این ماهی است که خدا انرا بر سایر ماهها فضیلت و زیادتی داده است مانند فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم و در اینماه گشوده می شود درهای اسمان و درهای رحمت و بسته می شود درهای جهنم و در اینماه شنیده می شود دعاهای مؤمنان و مستجاب می گردد دعاهای ایشان و رحم می کند گریه های ایشانرا و در اینماه شبی هست که در انشب ملائکه از اسمان بزمین میایند و سلام می کنند بر مردم روزه دار برخصت پروردگار خود تا طلوع صبح و ان شب قدر است که حق تعالی مقدر کرده در ان شب دین وامامت را پیش از انکه ادم را خلق کند بدو هزار سال و عبادت انشب بهتر است از عبادت هزار ماه و روزه روزش بهتر است از روزه هزار ماه ایها الناس بدانید که اینست ماه رمضان و

فصل اول در شرایط وجوب و صحت روزه و ان چند چیز است اول و دویم بلوغ و عقل سیم مسافر نبودن در وجوب روزه چهارم سلامتی از مرض بلکه هر مرضی که بسبب روزه ترسد شخص که بمرض او مضر باشد یا سبب ضعف یا تحریر مرض او بشود یا بطول انجامد یا انکه با بر نفس ضرری بسد یا از مشقت شدیدی که تحمل ان عادة ممکن نباشد بشود مثل انکه ترسد که غالب بر او بیهوشی شده باشد یا از تشنگی بهلاکت افتد پنجم سلامتی از بیهوشی باشد ششم خالی بودن از حیض و نفاس و شرطست در صحت روزه نیز چند چیز اول اسلام است در وجوب بلکه شرط است و شرط بلوغ کرد از طفل ممیز هم صحیح باشد دویم و سیم ایمان و اسلام چهارم انکه ان زمان قابل باشد از برای روزه مثل عید فطر و اضحی نباشد و زمانیکه

در آداب ماه رمضان

ماهیها طالع نمیشود بر مردمان روزه دار مگر با رحمت و این تا شما مانند ماهیهای دیگر نیست و روزها
بهترین روزهاست و شبها بهترین شبها و ساعتها بهترین ساعتها و دیوان و شیاطین در اینماه غل کرده در زندان اند
و زیاد میکند خدای تعالی در اینماه روزیها و عمرها را و می نویسد و مقدر میگرداند در این
ماه حاجیان بیت الله را و در اینماه حق تعالی میگذرد از گناهان و مستجاب میکند دعای اهل ایمان را با مرزش و نیکوکاری و رحمت و روزی
و خوشنودی خداوند را دهد ای روزه دار پس بپرهیز که کار خود را بکن بدرستیکه امانت را امینها خداوند
خودی پس نظر کن و تامل نما که چگونه خواهی بود در شبهای خود و در روزهای خود و چگونه نگاه
میکنی اعضا و جوارح خود را از معصیتهای پروردگار خود پس نظر کن که در شبها خواب نباشی
و در روزها غافل از یاد خدا نباشی پس بیرون رود ماه و گناهان تو بر تو باقی مانده باشد
پس در هنگامی که روزه داران مزد خود را بگیرند تو از جمله زیانکاران باشی و در وقتی که
بکرامات آقای خود فایز گردند تو از جمله محرومان باشی و در روزیکه سعادتمند گردند
بمجاورت دوستان پروردگار خود تو از جمله رانده شدها باشی ای روزه دار اگر آقای تو
ترا از درگاه خود بیرون کند بکدام درگاه رو خواهی آورد و اگر محروم گرداند ترا پروردگار تو
تو کی روزی خواهد داد و اگر او ترا خوار کند کی ترا گرامی خواهد داشت و اگر او ترا ذلیل
کند کی ترا عزیز خواهد کرد و اگر او ترا از بندگان خود قبول نکند بنده کی کدام خداوند را اختیار
کنی و اگر او لغزشهای ترا نگذرد و ترا بنام رزد امید بکی خواهی داشت برای آمرزش گناهان
خود و اگر حق خود را که بر تو واجب کرده است از تو بخواهد چه جواب در برابر خواهی گفت ای روزه دار
تقرب جوی بسوی خداوند بتلاوت کردن کتاب خدا در شبها و روزهای اینماه زیرا که کتاب خدا
شفاعت کننده است که شفاعت او قبول می نمایند و روز قیامت شفاعت میکند از برای آنها که تلاوت
کرده اند او را پس بالا میروند بدرجات بحسب تلاوت آیات قرآن ای روزه دار بشارت باد ترا اگر
هر نفسی که در اینماه می کشی ثواب تسبیح در نامه عمل تو می نویسند و خواب تو در اینماه عبادتست و طاعة تو در

یکروز نداشته باشد یعنی
با اینکه دو ماه متتابع واجب شود و
هم چنین شهر رمضان اگر روزه جز
آن واقع نمیشود در آن پس اگر روزه
غیر ماه رمضان را در ماه رمضان بقصد
غاید نه از آن محسوبست و نه از ماه رمضان
مگر اینکه بروجه تشریع نباشد مثل
آنکه یوم الشک را بقصد شعبان روزه گرفته
و بعد معلوم شد که ماه مبارک
بوده محسوب میشود از ماه مبارک
پنجم آنکه کسیکه روزه سنت بجا آورد
بیکرد قضای ماه رمضان بلکه غیر او
نیز مثل کفاره و نحو آن در ذمه او
نباشد اگر قضا از غیر نباشد و
اگر استیجاری باشد بلکه مطلقا تحمل
ضرر ندارد با وسعت وقت و
ششم اذن از برای زن و غلام و
کنیز در روزه مستحب و اذن پدر و مادر و اجب
موسع اذن معتبر نیست بلکه مخالفت
ضرر ندارد و مراعات احتیاط
خواستن اذن بلکه این احتیاط ترک
نکند و شرط است در

اینماه

در آداب ماه رمضان

اینماه مقبولست و گناهان تو در اینماه آمرزیده و آواز دعا در اینماه شنیده شده است مستجاب و رازیکه با خدای
گوئی بتو رحم میکند بدرستیکه شنیدم از حبیب خود حضرت رسول که خداوند عالمیان را
در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان آزاد کرده هاست از آتش جهنم که عدد آنها را غیر از خدا
کسی نمی داند چون شب آخر ماه می شود در آن شب آزاد میکند مثل آنکه در جمیع ماه آمرزیده است او ایضا فرمود
هرکه ماه رمضان را روزه بدارد و نفس خود را از چیزهائیکه خدا حرام کرده است نگاه دارد بهشت البته او را واجب
گردد و هرکه در اینماه روزه دارد و در هیچ شب از شبها افطار بحرام ننماید البته داخل بهشت شود
پس فرمود شنیدم از سید انبیا که فرمود بهترین اوصیا بهترین پیغمبران در بهترین ماهها شهید خواهد
شد گفتم بهترین ماهها کدامست و بهترین اوصیا کیست فرمود که بهترین ماهها ماه رمضانست و بهترین
اوصیا توئی یا علی گفتم یا رسول الله این البته واقع خواهد شد فرمود بلی بحق پروردگارم بدرستیکه
برانگیخته میشود بدبخت ترین امت من که شقی تر است از پی کننده ناقه صالح و ضربتی بر سر تو خواهد زد
که ریش تو از خون سر تو خضاب گردد پس مردم شروع بگریه و فغان کردند و حضرت از منبر بزیر
آمد و از حضرت رسول منقولست بسندهای معتبر که فرمود ایها الناس هرکه وارد شود بر او ماه
مبارک رمضان پس روزه دارد روز او را و بایستد بنماز و عبادات قدر مقرری از شب او را و نمازها
آزاد در اوقات فضیلت آنها و برود و مبادرت کند بنماز جمعه آن و با مدد بنماز عید او حاضر گردد پس در
یافته خواهد بود ثواب شب قدر را و فایز گردید بجایزهها و بخششهای بزرگ خدا و بخششهای خدا مانند بخششهای
بندگان نیست فصل دویم در اعمال شب اول و افطار بدانکه در شب اول ماه جماع با حلال خود سنتست و غسل
در شب اول سنتست و از حضرت صادق منقولست هرکه غسل کند در شب اول ماه در نهر جاری و بریزد
کف آب بر سر خود با طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود هرکه در شب
اول ماه مبارک رمضان غسل کند خارش بدن در آنسال باو نرسد و ایضا منقولست که چون ماه مبارک
داخل میشد حضرت صادق امر میفرمود و وصیت مینمود فرزندان خود را که اهتمام کنید و سعی

روزه
صحت روزه فرزند عدم نهی پدر و
مستحب از فرزند با تالم ایشان اهم
مادر خصوصا با ... حکم روزه
اجتهاد یا تقلید در حکم آن
میخواهد بعمل بیاورد در حکم روزه یا
یا شرایط آن اگر از جمله ضروریات
نباشد مثل وجوب روزه ماه مبارک
رمضان بلکه علی باشد ضروریست
در آن تقلید لیکن اگر سهل انگاری
کند و اخذ مسائل روزه نکند و
... اند حتی اجمالا
تن ... در روزه اند
یا اخذ نماید از کسیکه نباید اعتماد
باو نماید با عدم اعتقاد بوجوب
اعتماد بر او مجرد امساک نیت روزه
مذکور کفایت در امتثال حکم
نمیکند و همچنین است حکم در
غیر روزه از سایر عبادات و اگر
غافل محض باشد همین قدر که
قصد قربة از او متحقق شود و آنچه
بواقع نماید کافیست در روزه سنت
بلکه مطلق سنن چه روزه چه
نماز چه دعا و چه غیر اینها هم
... که بدانند که

باب سوم در اداب اول ماه رمضان

نماید در اینماه در عقبات که در اینماه روزیها قسمت میشود و اعمال و عمرها نوشته میشود و حاجبان در اینماه مقدور می‌شوند که بحج بروند و در اینماه شبی هست که ان شب بهتر است از هزار ماه و از حضرت امیر المومنین منقولست که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار و دعا اما دعا پس دفع میکند از شما بلاها را و استغفار محو میکند گناهان شما را و زیارت حضرت امام حسین در شب اول ماه نیست طریقیکه در باب زیارات گذشت و از حضرت صادق منقولست که هرکه در شب اول ماه رمضان یا شب اخر زیارت انحضرت بکند گناهان او بریزد مانند برگها از درختان و از گناهان بیرون اید مانند روزیکه از مادر متولد شده است و ثواب حج و عمره خدا او را عطا کند و نیز از انحضرت منقولست که هرکه در شب این ماه سوره انا انزلناه را در نافله بخواند در ان سال از بلاها محفوظ گردد و بروایت دیگر از انحضرت منقولست که هرکه در شب اول ماه مبارک دو رکعت نماز بجا اورد و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و سؤال کند که حقتعالی از او کفایت شرور بکند کفایت کند او را از انچه می‌ترسد در اینماه و حفظ کند او را از انچه می‌ترسد از بیماریها و دردها و نماز انشب میتوان کرد و سوره را از روی قران میتوان خواند و در روز اول ماه نیز سنتست که غسل کند در اب جاری و سی کف بر سر بریزد و از حضرت صادق منقولست که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و ایضا از انحضرت منقولست که هرکه در روز اول ماه کفی از گلاب بر رو بریزد از خواری و پریشانی بیرون اید و اگر هر روز بکند در ان روز از بلاها ایمن گردد و دو رکعت نماز اول ماه که در باب صلوات مستحبه گذشت بکند و سلامتی تمام ماه را بخرد و در روز اول ماه سنتست خواندن این دعا اللهم قد حضر شهر رمضان وقد افترضت علینا صیامه وانزلت فیه القران هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان اللهم اعنا علی صیامه وتقبله منا وتسلمه منا وسلمه لنا فی یسر منک وعافیة انک علی کل

(حاشیه:) کرام نیست و مطلع بفتوی او استحقاق از یکی از علمای شیعه یا مکلف مجتهد استحباب ان به یقین یا قول بوجوب باشد با اطلاع بر علم و جواز ان از مجتهد کفایت در رجحان ان فعل میکند و از این باب است انچه در کتب شیعه باشد از سنن بشرایط مذکوره و احتیاج بتقلید در خصوص اینها نیست هشتم نیت قربت پس جمع نمیشود روزه و نه صحیحست بدون ان چیزی از شرایط وجوب غیر از بلوغ و صحیحست روزه از مستحاضه اگرچه هستند او از غسلهای شب و روز بجهة عادت بعمل بیاورد و احوط انستکه ترک نکند انچه بر او هست از وضو گرفتن و تغییر دادن پنبه و نجوان هرچند صحت روزه توقف بر غیر غسل ندارد و اما انچه موقوفست صحت روزه بران از غسل ظاهر است که از غسلهای روز است و هم غسل شب گذشته اگر پیش از فجر غسل کند کافی است در صحت

شیء قدیر و ایضا از انحضرت منقولست که چون ماه مبارک داخل میشد حضرت رسول این دعا را میخواندند اللهم انه قد دخل شهر رمضان اللهم رب شهر رمضان الذی انزلت فیه القران وجعلته بینات من الهدی والفرقان اللهم فبارک لنا فی شهر رمضان واعنا علی صیامه وصلوته وتقبله منا و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که چون ماه مبارک داخل میشود یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بکند و در رکعت اول بعد از حمد انا فتحنا بخواند و در رکعت دوم هر سوره که خواهد حقتعالی جمیع بدیها را در ان سال از او دور گرداند و در حفظ حقتعالی باشد تا سال اینده و در شب اول یا روز اول دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی و دیگران بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم فرمود که در ماه مبارک رمضان در اول سال یعنی روز اول ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخوان و فرمود که هرکه این دعا را از برای رضای حقتعالی و بی شائبه اغراض فاسده و ریا بخواند در ان سال باو نرسد فتنه و گمراهی و نه افتی که ضرر رساند بدین او یا بدن او و حقتعالی حفظ کند او را از شر انچه در ان سال واقع میشود از فتنها و بلاها و ان دعا اینست اللهم انی اسئلک باسمک الذی دان له کل شیء وبرحمتک التی وسعت کل شیء وبعظمتک التی تواضع لها کل شیء وبقوتک التی خضع لها کل شیء وبعزتک التی قهرت کل شیء وبجبروتک التی غلبت کل شیء وبعلمک الذی احاط بکل شیء یا نور یا قدوس یا اول قبل کل شیء ویا باقی بعد فناء کل شیء یا الله یا رحمن صل علی محمد وال محمد واغفر لی الذنوب التی تغیر النعم واغفر لی الذنوب التی تنزل النقم واغفر لی الذنوب التی تقطع الرجاء واغفر لی الذنوب التی تدیل الاعداء اللهم واغفر لی الذنوب التی ترد الدعاء واغفر لی الذنوب التی یستحق بها نزول البلاء واغفر لی الذنوب التی تحبس غیث السماء واغفر لی الذنوب

(حاشیه:) روزه و اما غسل شب اینده دخلی در صحت روزه ندارد اگرچه ترک ان از برای غیر غسل ... مبطل روزه نیست هرچند تا اینکه ترک شود غسل در صورت دوم ... اول که اگر بجا نیاورد ... شرط نیست در روزه او باطلست و شرط اینست ... انداختن غسل نماز صبح و ابر طلوع فجر و احوط تقدیم است بقصد نافله صبح بان و این احتیاط ... ترک نکند و شرط نیست در روزه بودن و متوسطه غسل بعد از ... و اما وضو در استحاضه شرط نیست روزه اگر از مریض صحیح نیست روزه اگر متضرر شود و معتبر است در ضرر رسانیدن علم یا ظن و در احتمال مساوی احوط جمع میان روزه و قضا است و کافی است در حصول ظن امارات و تجربه یا قول کسیکه مفید ظن باشد قول ان هرچند کافر باشد و از مسافر صحیح نیست روزه واجب مگر سه روز بدل

باب پنجم در آداب اول ماه رمضان

نماید در اینماه دعائیست که در اینماه روزیها قسمت میشود و اعمالها و عمرها نوشته میشود و حاجیان
در اینماه مقدور می شوند که بحج بروند و در اینماه شبی هست که آن شب بهتر است از هزار ماه و از حضرت
امیر المؤمنین منقولست که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار و دعا اما دعا پس بسبب دعا دفع میکند از
شما بلاها را و استغفار محو میکند گناهان شما را و زیارت حضرت امام حسین در شب اول ماه سنت
بطریقیکه در باب زیارات گذشت و از حضرت صادق منقولست که هر که در شب اول ماه
رمضان یا شب آخر زیارت آنحضرت بکند گناهان او بریزد مانند برگ از درختان و از گناهان
بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده است و ثواب حج و عمره خدا او را عطا کند و نیز
از آنحضرت منقولست که هر که در شب این ماه سوره انا انزلناه را در نماز نافله بخواند در آنسال
از بلاها محفوظ گردد و بروایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر که در شب اول ماه مبارک دو رکعت
نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و سؤال کند که حقتعالی از او کفایت
شر و بکند کفایت کند او را از آنچه می ترسد در اینماه و حفظ کند او را از آنچه می ترسد از
بیماریها و دردها و نماز را نشسته میتوان کرد و سوره را از روی قرآن میتوان خواند و در روز
اول ماه نیز سنتست که غسل کند در آب جاری و سی کف بر سر بریزد و از حضرت صادق منقولست که چون
در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و ایضا از آنحضرت
منقولست که هر که در روز اول ماه کفی از گلاب بر رو بریزد از خواری و پریشانی بیرون آید
و اگر هر روز بکند همین را از بلاها ایمن گردد و دو رکعت نماز اول ماه که در باب صلوات نمازهای
مستحبه گذشت بکند و سلامتی اینماه را بخرد و در روز اول ماه سنتست خواندن این دعا اللهم
قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَاَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ
هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَ
تَقَبَّلْهُ مِنَّا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ

در احکام روزه ... ۱۴۱

از یکی از علمای شیعه یا مکلف بتقلید ... کرام
نیست و مطلع بفتوای ... استحباب آن به یقین یا قول بوجوب
باشد با اطلاع بر عدم وجوب آن
از مجتهد کفایت در رجحان آن فعل
میکند و از این باب است اینکه در
کتب شیعه باشد از سنن شرایط
مذکوره و احتیاج بتقلید در خصوص
آنها نیست هشتم نیت قربت پس واجبست
آن چیزی از شرایط وجوب غیر از
بلوغ و صحت بدون
روزه ... نمیشود روزه و نه صحت
اگرچه هست ... از غسلها و روزه از مستحاضه
روز بجهة نماز بعمل بیاورد و احوط
آنست که ترک نکند آنچه بر او هست از
وضو گرفتن و تغییر دادن پنبه و
بخواند هرچند صحت روزه توقف
بر غیر غسل ندارد و اما آنچه موقوفست
صحت روزه بر آن از غسل ظاهر است
که از غسلهای روز است و هم غسل
شب گذشته اگر پیش از فجر غسل کند
کافی است در صحت

در اعمال اول ماه رمضان

شَيْءٍ قَدِيرٌ و ایضا از آنحضرت منقولست که چون ماه مبارک داخل میشد حضرت رسول این دعا را
میخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ
فِيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِ
رَمَضَانَ وَاَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَصَلَوَاتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا و ایضا بسند معتبر از حضرت
صادق منقولست که چون ماه مبارک داخل میشود یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بکند
و در رکعت اول بعد از حمد انا فتحنا بخواند و در رکعت دویم هر سوره که خواهد حقتعالی جمیع
بلیهها را در آنسال از او دور گرداند و در حفظ حقتعالی باشد تا سال آینده و در شب اول یا روز
اول دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی و دیگران بسند صحیح
روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم فرمود که در ماه مبارک رمضان در اول سال یعنی روز اول
ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخوان و فرمود که هر که این دعا را از برای رضای حقتعالی
و بی شائبه اغراض فاسده و ریا بخواند در آنسال باو نرسد فتنه و گمراهی و نه آفتی که ضرر
رساند بدین او یا بدن او و حقتعالی حفظ کند او را از شر آنچه در آنسال واقع میشود از فتنها
و بلاها و آن دعا اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ
الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا
كُلُّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ
الَّذِي اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا اَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا بَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ
يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ
لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ
الَّتِي تُدِيلُ الْاَعْدَاءَ اَللّٰهُمَّ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ
الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا نُزُولُ الْبَلَاءِ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ

روزه و اما
غسل شب ... داخل در قضیه روزه
از برای غیر ... اگر در نماز پس ترک
غسل در صورت ... مبطل روزه
نیست هرچند تا اول شب ترک شود غسل
اول که اگر ... برای نماز ترک شود
روزه او باطلست و شرط نیست
اند اخیر غسل نماز صبح و ... طلوع
فجر و احوط تقدیم است بقصد
نافله صبح بآن و این احتیاط ... ترک
نکند و فرقی نیست در شرط بودن
غسل ... کثیره بودن و متوسطه
و اما وضو در استحاضه شرط نیست
و از مریض صحیح نیست روزه اگر
متضرر شود و معتبر است در ضرر
رسانیدن علم یا ظن و در احتمال
مساوی احوط جمع میانه روزه
و قضا است و کافی است در حصول
ظن امارات و تجربه یا قول
کسیکه مفید ظن باشد قول
آن هرچند کافر باشد و از مسافر
صحیح نیست روزه واجب ...
روزه بدل

دعای روز اول ماه

التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تورث
الندم واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم والبسني درعك الحصينة التي
لا ترام وعافني من شر ما احاذر بالليل والنهار في مستقبل سنتي هذه اللهم
رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش
العظيم ورب السبع المثاني والقرآن العظيم ورب اسرافيل وميكائيل وجبرئيل
ورب محمد صلى الله عليه وآله سيد المرسلين وخاتم النبيين اسئلك بك
وبما سميت به نفسك يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم وتدفع كل محذور وتعطي كل
جزيل وتضاعف من الحسنات بالقليل وبالكثير وتفعل ما تشاء يا قدير
يا الله يا رحمن صل على محمد واهل بيته والبسني في مستقبل سنتي هذه
سترك ونضر وجهي بنورك واحببني بمحبتك وبلغني رضوانك وشريف
كرامتك وجسيم عطيتك واعطني من خير ما عندك ومن خير ما
انت معطيه احدا من خلقك والبسني مع ذلك عافيتك يا موضع كل
شكوى ويا شاهد كل نجوى ويا عالم كل خفية ويا دافع ما تشاء
من بلية يا كريم العفو يا حسن التجاوز توفني على ملة ابراهيم وفطرته
وعلى دين محمد صلى الله عليه وآله وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني موالياً
لاوليائك ومعادياً لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول
او فعل يباعدني منك واجلبني الى كل عمل او قول او فعل يقربني
منك في هذه السنة يا ارحم الراحمين وامنعني من كل عمل او قول او
فعل يكون مني اخاف ضرر عاقبته واخاف مقتك اياي عليه حذار ان
تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب به نقصاً من حظ لي عندك يا رؤوف

هدی
برای کسیکه بیرون رفتن باشد از
قبل از غروب آفتاب عمداً روزه که
نذر کرده باشد گرفتن از او در حضر
و سفر هر دو یا سفر تنها که صحیح است و
اما در روزه مندوب قول بکراهت
مکروه در سه روز در مدینه بجهت
حاجت خالی از قوه نیست لکن احوط
ترک است و اگر روزه بگیرند صاحبان
اعذار سابقه مجزی نخواهد بود از
ایشان و جلت این قضا کند
مسافر بگیرد جاهل بحکم باشد پس
مجزیست روزه او و اگر متذکر
شود جاهل یا ناسی در
اثناء روز بمسئله واجب
است افطار نمودن و
جاهل در حکم عالمست اگر
عالم باشد بحکم اجمالا
یا ماند نبودن جز بر
سفر حضر دردم

دعای روز اول ماه

يا رحيم اللهم اجعلني في مستقبل سنتي هذه في حفظك وفي جوارك وفي كنفك
وجللني ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك وجل ثناؤك اللهم اجعلني
تابعاً لصالح من مضى من اوليائك والحقني بهم واجعلني مسلماً لمن قال بالصدق
عليك منهم واعوذ بك اللهم ان تحيط بي خطيئتي وظلمي واسرافي على نفسي
واتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي فيحول ذلك بيني وبين رحمتك ورضوانك
فاكون منسياً عندك متعرضاً لسخطك ونقمتك اللهم وفقني لكل
عمل صالح ترضى به عني وقربني اليك زلفى اللهم كما كفيت نبيك محمداً
صلى الله عليه وآله هول عدوه وفرجت همه وكشفت غمه وصدقته وعدك
وانجزت له عهدك اللهم فبذلك فاكفني هول هذه السنة وآفاتها واسقامها
وفتنتها وشرورها واحزانها وضيق المعاش فيها وبلغني برحمتك كمال العافية
بتمام دوام النعمة عندي الى منتهى اجلي اسئلك سؤال من اساء وظلم واستكان
واعترف واسئلك ان تغفر لي ما مضى من الذنوب التي حصرتها حفظتك
واحصتها كرام ملائكتك علي وان تعصمني الهي من الذنوب فيما بقي من عمري
الى منتهى اجلي يا الله يا رحمن يا رحيم صل على محمد واهل بيته وآتني
كل ما سألتك ورغبت اليك فيه فانك امرتني بالدعاء وتكفلت لي
بالاجابة يا ارحم الراحمين و سحور خوردن در هر شب ماه مبارک رمضان مستحب است و از حضرت
رسول منقولست که ترک نکند امت من سحور خوردن را اگرچه بیکدانه خرمای زبون باشد
و ایضا از آنحضرت منقولست که حق تعالی و ملائکه صلوات می فرستند بر آنها که استغفار می کنند در
سحرها و سحور میخورند پس سحور بخورید اگرچه بیک شربت آب باشد و بهترین سحرها قاووت و
خرما و آنها که فرمودند سحور بخورید اگرچه بجرعه آبی باشد و خداوند صلوات و رحمت میفرستد

بر سحور خورندگان و از حضرت صادق ع منقولست که هر که سورهٔ انا انزلناه را در وقت سحور و در
وقت افطار بخواند و در ما بین این دو حالت بمیرد ثواب کسی را داشته باشد که در راه
خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد و گفته اند که اگر نیت روزه را بعد
از سحور خوردن بکند بهترست و از اول شب تا آخر شب نیت می توان کرد و همین که مید اند و قصد
روزه دارد که فردا روزه می گیرد و از برای خدای گیرد بس است و اما آداب افطار سنت که
اول نماز شام را بکند و بعد از آن افطار کند مگر اینکه جمعی با نتظار او باشند یا آنکه گرسنگی
و تشنگی بر او غالب باشد و مانع حضور قلب او باشد در نماز در این دو صورت افطار را
مقدم داشتن بهترست چنانچه از حضرت امام محمد باقر ع مرویست فرمود نماز کن در حالتی که صائم
باشی که دوست می دارم که نماز تو ختم شود بروزه و از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر گاه یکی
از شما روزه بدارد باید بگشاید بخرما روزه خود را و اگر خرما نیابد باید بآب روزه بگشاید زیرا که
آب طهورست و حضرت صادق ع افطار می کرد ابتدا بحلوا و اگر حلوا نبود بشکر یا خرما افطار
می کرد و اگر هیچ کدام نبود بآب فاتر یعنی نیم گرم افطار می کرد و میفرمود که آب فاتر معده را
پاک می سازد و ما صبره را قوت می دهد و گاه از آن می شوید و عروق و مضطربه را ساکن
می گرداند و صفرای غالب را فرو می نشاند و بلغم را قطع می کند و اطفاء حرارت می کند و درد
سر را ساکن میسازد و از حضرت صادق ع مرویست که فرمود هر کس که روزه بدارد نور چشم او
کم می شود و هر گاه بشیرینی افطار کند نور او عود می کند بمکان خود و قوت می یابد و
از حضرت صادق ع مرویست کسیکه روزه دار را افطار فرماید مراو راست مثل اجر آن روزه دار
و از حضرت ابو الحسن ع مرویست که روزه گشودن تو برادر صایم خود را بهتر است از روزه داشتن
تو و از حضرت پیغمبر مرویست کسیکه روزه داری را روزه بگشاید مراو راست مثل اجر آن روزه دار بی آنکه
از اجر او چیزی کم شود و هر عمل خوبیکه آن صایم بقوت آن طعام بجا آورد مثل ثواب آن عمل را

در اعمال افطار

خدا بیعمار باو دهد بی آنکه از اجر عامل او چیزی کم شود و از حضرت رسالتپناه منقولست که فضیلت
فضیلت افطار دادن و از آنحضرت مرویست که هر که وقت افطار این دعا را بخواند از گناهان بیرون
میاید مثل روزیکه از مادر متولد شده است یا عظیم یا عظیم یا عظیم انت الله لا اله الا
انت اغفر لی الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا انت یا عظیم و این دعای
دیگر که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در وقت افطار میخوانده اند اللّٰهمّ ربّ النور
العظیم و ربّ الکرسیّ الرفیع و ربّ البحر المسجور و ربّ الشفع الکبیر و النور
العزیز و ربّ التوریة و الانجیل و الزبور و الفرقان العظیم انت اله من
فی السموات و اله من فی الارض لا اله فیهما غیرک انت جبّار من فی السموات
و جبّار من فی الارض لا جبّار فیهما غیرک و انت ملک من فی السموات و ملک
من فی الارض لا ملک فیهما غیرک اسئلک باسمک الکبیر و نور وجهک
الکریم و بملکک القدیم یا حیّ یا قیّوم و اسئلک باسمک الذی اشرق به
کل شیء و باسمک الذی اشرقت به السموات و الارض و باسمک الذی صلح به
الاوّلون و به یصلح الآخرون یا حیّا قبل کلّ حیّ و یا حیّا بعد کلّ حیّ یا حیّ
لا اله الا انت صلّ علی محمّد و آل محمّد و اغفر لی ذنوبی و اجعل لی من امری
یسرا و فرجا قریبا و ثبّتنی علی دین محمّد و آل محمّد و علی هدی محمّد و آل محمّد
و علی سنّة محمّد و آل محمّد علیه و علیهم السلام و اجعل عملی فی المرفوع
المتقبّل و هب لی کما وهبت لاولیائک و اهل طاعتک فانّی مؤمن بک متوکّل
علیک منیب الیک مع مصیری الیک و تجمع لی و لاهلی و لولدی الخیر
کلّه و تصرف عنّی و عن اهلی الشرّ کلّه انت الحنّان المنّان بدیع السموات
و الارض تعطی الخیر من تشاء و تصرفه عمّن تشاء فامنن علیّ برحمتک یا ارحم

گرفتن بی اشکال کند حایض
فصل دوم باید افطار کند و اشتباه
و نفساء هرگاه حاصل شود حیض در اثنای
روز یا پیش از روزه هر چند قلیلی
باشد یا منقطع شود
پیش از غروب و واجبست
بعد از طلوع صبح و کافر
و قتیکه بالغ شود و دیوانه
بر طفل در روزه تمام کردن
مسلم شود در اثنای روزه تمام کند
روزه لکن مستحبست بر طفل
روزه آن افطار نکرده باشد و بالغ
روزه آن روز احوط در آن
شود بغیر مبطل بلکه اگر پیش
عمد ترک گشته ه طلو بر کافر
از ظهر مسلم شود و افطار نموده
باشد و هم چنین است حال دیوانه
و بیهوش اگر زایل شود دیوانگی
بیهوشی از ایشان در اثنای روز
و اما مریض و مسافر پس اگر حاضر
شود مریض و حاضر شود مسافر
پیش از ظهر و افطار نموده باشند
پیش از آن واجبست نیت روزه ایشان
و نه مستحبست و اگر افطار کرده
باشند واجبست بر ایشان تمام
نمودن روزه

باب ۵۷ در نمازهای شبهای ماه رمضان

الراحمین و نیز حضرت امیرالمؤمنین ع در وقت افطار این دعا را می خواند بسم الله اللهم لک
صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبل منا انک انت السمیع العلیم و حضرت صادق ع
نزد افطار می گفت الحمد لله الذی اعاننا فصمنا و رزقنا فافطرنا اللهم تقبل
منا و اعنا علیه و سلمنا فیه و تسلمه منا فی یسر منک و عافیة الحمد لله
الذی قضی عنا یوما من شهر رمضان **باب در نمازهای شبهای ماه مبارک رمضان** از
کتاب اربعین شیخ شهید نقل کرده ایم که از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است شب اول رمضان هر کس
در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و بیست و پنج بار توحید بخواند حق تعالی
باو ثواب صدیقان و شهدا کرامت کند و گناهان او را بیامرزد و در روز قیامت از جمله فایزان و رستگاران
خواهد بود شب دوم هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه الحمد و بیست مرتبه سوره قدر
بخواند حق تعالی گناهان او را بیامرزد و روزی او را واسع گرداند و تمام سال او را کفایت کند شب سوم
هر کس در این شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه الحمد و پنجاه مرتبه توحید بخواند در قیامت
ندا آید که او آزاد کرده شده است از آتش دوزخ و درهای هفت آسمان از برای او گشوده می شود و کسیکه
این شب را احیا کند حق تعالی جمیع گناهان او را می آمرزد شب چهارم هر کس در این شب هشت رکعت نماز کند در هر
رکعت یکمرتبه الحمد و بیست مرتبه سوره قدر اعمال او را در این شب مثل عمل هفت پیغمبر که تبلیغ رسالت
خدای تعالی کرده باشند باسمان برند شب پنجم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه الحمد
و پنجاه مرتبه توحید بخواند و چون سلام دهد صد بار صلوات بر پیغمبر و آل او فرستد با من محشور
در بهشت باشد شب ششم هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار سوره الحمد و یکمرتبه سوره
تبارک بخواند چنانست که شب قدر را دریافته است شب هفتم هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه
الحمد و سیزده مرتبه سوره قدر را بخواند حق تعالی در جنت عدن از برای او قصری بنا کند از طلا
و تا سال دیگر در امان خدا است شب هشتم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و ده مرتبه

و ذکر حاصل شود عذر ایشان در اثناء روزه پس مریض افطار کند هرچند پیش از زوال و اما مسافر پس خارج شود پیش از ظهر و بجهت افطار نماید چه در شب نیت سفر کرده باشد یا نه و اگر خارج شود بعد از زوال تمام نماید روزه را لیکن احوط آنست که سفر ننماید پیش از ظهر مگر اینکه نیت سفر را در شب کرده باشد و هر گاه نیت نکرده باشد در شب تمام نماید روزه را و قضا نماید و مرد پیر و زن پیر هر گاه عاجز شوند از روزه گرفتن چه متعذر باشد بر ایشان روزه و چه متعسر افطار نمایند و همچنین است حکم کسیکه صاحب درد یست که بسیار تشنه شود و نتواند ترک آب خوردن نماید در روز و لیکن واجب است بر هر یک از ایشان در صورت مشقت بودن روزه بر ایشان تصدق نمودن بیک مد روزی

و هم بعد از زوال

نمازهای شبهای ماه رمضان

سوره توحید بخواند و چون سلام دهد هزار مرتبه تسبیح بگوید درهای بهشت بجهت او گشوده می شود تا
از هر دری که خواهد داخل بهشت شود شب نهم هر کس در میان نماز شام و خفتن شش رکعت نماز کند
در هر رکعت یکمرتبه الحمد و هفت مرتبه آیة الکرسی بخواند و چون سلام دهد پنجاه مرتبه صلوات
بفرستد عمل او را با عمل صدیقان و شهدا و صالحان باسمان برند شب دهم هر کس در این شب بیست رکعت
نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و توحید سی و یکبار بخواند حق تعالی روزی او را واسع گرداند و او را از
فایزان گرداند شب یازدهم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و بیست بار سوره کوثر
بخواند در آن روز برای او گناهی ننویسند شب دوازدهم هر کس در این شب هشت رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار
الحمد و سی بار سوره قدر بخواند او را ثواب شاکران دهند و در قیامت ثواب صابران دهند شب سیزدهم
هر کسیکه در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و بیست و پنج مرتبه توحید بخواند مثل برق
جهنده از صراط بگذرد شب چهاردهم هر که در این شب شش رکعت نماز بکند در هر رکعت الحمد یکبار و سی بار
سوره زلزال بخواند حق تعالی سکرات موت و هول منکر و نکیر را بر وی آسان کند شب پانزدهم هر کس
در این شب چهار رکعت نماز کند در دو رکعت اول بعد از حمد چهار مرتبه توحید بخواند چندان
عطیه الهی باو داده شود که غیر از خدای تعالی کسی نداند شب شانزدهم هر کس در این شب دوازده رکعت نماز
بکند در هر رکعت الحمد یکبار و دوازده مرتبه سوره تکاثر بخواند در روز قیامت از قبر سیراب
بیرون آید و ندا کند که اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله تا آنکه بی حساب داخل
بهشت شود شب هفدهم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در رکعت اول الحمد و هر سوره که خواهد بخواند
و در رکعت دوم الحمد و صد مرتبه توحید بخواند و بعد از سلام صد مرتبه لا اله الا الله بگوید ثواب
هزار هزار حج و هزار هزار عمره باو دهند شب هجدهم هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت
یکبار الحمد و بیست و پنج مرتبه سوره کوثر بخواند ملک الموت او را بشارت دهد که خدای تعالی از تو راضی است
شب نوزدهم هر کس در این شب پنجاه رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و پنجاه مرتبه سوره زلزال بخواند مثل

متعدی از طعام و شراب است علاوه بر این روزه و نیست واجب قضا یا اینکه بری از مرض [illegible] بر مرد پیر و زن پیر مطلقا چه بر ایشان آسان شود روزه گرفتن بعد لیکن در صورت تا اول احوط قضا است و اما صاحب ناخوشی کسیکه [illegible] عطش پس اگر بری از مرض او حاصل شود در بین رمضان و رمضان آینده واجب است بر او قضا و واجب نیست اگر بری حاصل شود و جایز است کم آب سیر نخورد و همچنین واجب است افطار نماید و ترک روزه کند زن حامله که وضع حمل او نزدیک باشد هر گاه بترسد بر خود یا فرزند در شکم یا بر مرد چه از تشنگی باشد یا گرسنگی و همچنین زنیکه شیر میدهد طفل را و کم باشد شیر او و بترسد بر ضرر طفل بسبب روزه گرفتن و تشنگی یا گرسنگی در میان آنکه [illegible] یا خبر [illegible]

در نمازهای شبهای ماه رمضان

مثل کسی است که صد حج و صد عمره کرده باشد و خدای تعالی باقی عمل او را قبول کند شب بیستم هر کس در این شب هشت رکعت نماز کند با الحمد و هر سوره که خواهد آمرزیده شود شب بیست و یکم هر کس در این شب هشت رکعت نماز کند با الحمد و هر سوره که خواهد درهای آسمان برای او گشوده شود و دعای او مستجاب شود شب بیست و دوم هر کس در این شب هشت رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد و هر سوره که خواهد از هر در بهشت که خواهد داخل بهشت شود شب بیست و سیم این شب نیز مثل شب بیست و یکم است در عمل و قدر و ثواب شب بیست و چهارم نیز مثل شب بیست و یکم است که این نماز را بجا آورد مثل کسی است که حج و عمره کرده باشد شب بیست و پنجم هر کس در این شب هشت رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و ده بار توحید بخواند از برای او ثواب عابدان نویسند شب بیست و ششم در عمل و قدر و ثواب مثل شب بیست و یکم است شب بیست و هفتم هر کس در این شب هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند بحمد و تبارک و اگر تبارک را از حفظ نداشته باشد بیست و پنج نوبت توحید بخواند خدای تعالی او را و پدر و مادر او را بیامرزد شب بیست و هشتم هر کس در این شب شش رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و آیة الکرسی و کوثر و توحید هر کدام ده بار بخواند و چون سلام دهد صد مرتبه صلوات بر محمد و آل او فرستد آمرزیده شود شب بیست و نهم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد و بیست مرتبه توحید بخواند از جمله مرحومان باشد و کتاب او را در علیین برند شب سیام هر کس در این شب دوازده رکعت نماز کند در هر رکعت یک مرتبه الحمد و بیست مرتبه توحید بخواند و چون سلام دهد صد بار صلوات بر محمد و آل او فرستد خاتمه عمر او برحمت الهی ختم شود بدانکه اجماع بر مشروعیت نافله ماه رمضان قائم شده چنانچه شیخ طوسی و سلار و غیرهما گفته اند و روایتی که ابن بابویه نقل کرده بر عدم مشروعیت آن معارض است با روایاتی که نزدیک بحد تواتر رسد و معارض است بعمل اصحاب زیرا که اصحاب این نافله را رای کرده اند و معنی روایاتی که در نفی آن وارد شده است اینست که این نافله را بجماعت نگذارند بلکه فرادی بجای آورند و باید دانست نافله رمضان که خلاف در مشروعیت و عدم

در مسائل روزه

هر یک دو مد تصدق نماید زن در عوض هر روز یک مد از طعام و قضا کند بعد از زوال عذر و فرق نیست میان مادر و مستأجره و متبرعه در تعلق صدقه و در طفل میان ولد النسبی و رضاعی و حلال زاده و حرام زاده و هر گاه ممکن باشد بدل از برای مرضعه یا رفع ضرر از طفل بدون روزه نمی تواند افطار نماید و لازم است که تصدق از مال مرضعه باشد و اگر زنهای مذکوره که بایست افطار نمایند روزه بگیرند روزه ایشان باطلست و مسقط قضا نیست در جائیکه قضا داشته باشند مقصد ششم در بیان مستحبات روزه و در آن چند فصلست فصل اول در زمان روزه و وقتش از طلوع فجر و نیست که باید ترک نماید از آن وقت تا مغرب اگر خواهد ... صبح که باید ترک نماید از پیش از صبح هر گاه زمان وسعت دارد از برای او غسل نمودن از جنابت و در ... استمنا ... ابتدا ...

در اعمال روزهای ماه

ان غیر این نوافل است که ما از اربعین شیخ شهید نقل کردیم بلکه مراد از آن هزار رکعت نافله رمضان است زاید بر نوافل معتاده که اصحاب او را ذکر کرده اند و گفته اند که در بیست روز اول ماه رمضان پانصد رکعت او را باید کرد باین طریق که در هر شب هشت رکعت بعد از مغرب و دوازده رکعت بعد از نماز عشا بجای باید آورد و بعضی گفته اند بعد از مغرب دوازده رکعت بجای باید آورد و بعد از عشا هشت رکعت و در شب نوزدهم صد رکعت بر آن بیست رکعت بیفزاید و در دهه آخر ماه پانصد رکعت بجای آورد باین طریق که هر شب سی رکعت بجای آورد هشت رکعت بعد از مغرب و بیست و دو رکعت بعد از عشا و در شب بیست و یکم صد رکعت بر سی رکعت بیفزاید و در شب بیست و سیم نیز چنین کند و بهترین اعمال در روزها و شبهای ماه مبارک تلاوت قرآنست که بسیار باید خواند چون قرآن در این ماه نازل شده و در حدیثست که هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه رمضانست و در ماههای دیگر ماهی یک ختم سنت است و اقلش شش روز است و در ماه مبارک رمضان هر روز یک ختم سنت است و اگر روزی یک ختم نتواند کرد هر سه روز یک ختم و در حدیثست که بعضی از ائمه در این ماه چهل ختم قرآن و زیاده می کردند و اگر هر ختمی را ثواب آنرا بروح مقدس امامی از ائمه و رسول خدا و فاطمه زهرا هدیه کند و هدیه نماید ثوابش مضاعف می گردد و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار باید فرستاد و استغفار بسیار باید کرد و لا اله الا الله بسیار باید گفت و نافله های شب و روز را ترک نباید کرد و در شبهای طاق ماه رمضان غسل سنت خصوصا شب اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و در دهه آخر در شبهای جفت نیز غسل سنت خصوصا در شب آخر و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه در هر شب غسل مستحب است و در هر شب سوره انا انزلناه سنت خواندن و صد مرتبه سوره حم دخان اگر میسر شود

باب ۵۸ در ادعیه هر شب و هر روز ماه مبارک رمضانست از حضرت صادق و حضرت کاظم منقول است که بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانند یا علی یا عظیم

در نیت روزه

و احوط بر طرف ... مشهور قلیست و از استمرار این شدن حرمه مشهور قلیست و ... فصل دوم در نیت روزه کند شعبان ... قصد ... میکنند در آن فصل دوم بدانکه کفایت میکند در ... تعیین آن هر گاه روزه قربة الی الله و تعیین آن ... وجوب ما معین نباشد و اما قصد وجوب ... استحباب آن یا مثل آن یا اخطار ... نیست و ترک آن مبطل روزه است ... بر وجه ... باشد یا نه ... معلوم شود که از ماه رمضان بوده باشد چنانچه ... الشک اگر بعد معلوم ... رمضان بوده ... کفایت میکند در نیت ماه رمضان پس کفایت میکند از امور دیگر اینکه ... مسائل ... قربة الی الله بدون قصد مطلقست و تعیین اگر بداند که از ماه وجوب و ... اگر بداند روزه رمضانست ... بگیرد به نیت غیر ماه رمضان ... و بعد معلوم شود که آن از ماه رمضان بوده کفایت میکند و مسقط ... نیست قضا خواهد بود و مثل ... در این حکم و در عدم حاجت بتعیین با علم بان نذر ... معین

باب ۵۸ در ادعیه لیالی ماه رمضان

یا غفور یا رحیم انت الرب العظیم الذی لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر
وهذا شهر عظّمته وکرّمته وشرّفته وفضّلته علی الشهور وهو
الشهر الذی فرضت صیامه علیّ وهو شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن
هدی للناس وبیّنات من الهدی والفرقان وجعلت فیه لیلة القدر
وجعلتها خیرا من الف شهر فیا ذا المنّ ولا یمنّ علیک منّ علیّ بفکاک
رقبتی من النار فیمن تمنّ علیه وادخلنی الجنة برحمتک یا ارحم الراحمین
و دعای بسیار خوبیست و اقلا شبی یکمرتبه خوبست که خوانده شود و بسند صحیح منقول
که در هر شب این ماه هر که این دعا را بخواند گناه چهل ساله او آمرزیده شود اللهم
ربّ شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن وافترضت علی عبادک فیه
الصیام صلّ علی محمد وآل محمد وارزقنی حج بیتک الحرام فی عامی هذا و
فی کل عام واغفر لی تلک الذنوب العظام فانه لا یغفرها غیرک
یا رحمن یا علام و بسند صحیح معتبر از حضرت صادق ع منقولست که در هر شب ماه مبارک این دعا
بخوانند اللهم انی اسئلک ان تجعل فیما تقضی وتقدّر من الامر المحتوم فی
الامر الحکیم من القضاء الذی لا یردّ ولا یبدّل ان تکتبنی من حجّاج
بیتک الحرام المبرور حجّهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفّر
عن سیّئاتهم وان تجعل فیما تقضی وتقدّر ان تطیل عمری فی خیر وعافیة
وتوسّع فی رزقی وتجعلنی ممن تنتصر به لدینک ولا تستبدل بی غیری
و این دعا عالیة المعانی والمضامین نیز در هر شب وارد شده اللهم برحمتک فی
الصالحین فادخلنا وفی علیّین فارفعنا وبکاس من معین من عین سلسبیل
فاسقنا ومن الحور العین برحمتک فزوّجنا ومن الولدان المخلّدین کانهم لؤلؤ

لکن در استحباب نیت مجدد از
شبهه نیّت اسم است اما آنکه آثار ترک روزه
در روزه منذور و مخارج است تعیین و
بعضی گفته‌اند که وقت نیّت در شب است هر
چند در جزء آخر آن باشد و اول داخل
مسئله تفصیلی هست که اینجا گنجایش
هرگاه در اول طلوع صبح صادق
داعی بر امساک مخصوص در زمان
مخصوص با او باشد و قصد منافی
آن نداشته باشد و اگر ترک نماید
عمدا نیت را تا داخل صبح شود روزه
او صحیح نیست و قضا بر او واجبست و
کفاره و همچنین باطلست روزه کسی که
در شب نیت کند که فردا افطار میکنم
و هرگاه بعد از نیت امساک ننماید
پیش از صبح نیت باطل نمیشود و تجدید
نیت ضرور نیست هرچند جماع
کرده باشد اینها که ذکر شد در
روزه واجب معین است مثل رمضان
و نذر معین در حال اختیار اما
در حال اضطرار مثل آنکه نداند
که امروز ...

در ادعیه شبهای ماه رمضان

مکنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطیر فاطعمنا ومن ثیاب السندس
والحریر والاستبرق فالبسنا ولیلة القدر وحج بیتک الحرام وقتلا فی سبیلک
فوفّق لنا وصالح الدعاء والمسئلة فاستجب لنا واذا جمعت الاولین والاخرین
یوم القیمة فارحمنا وبراءة من النار فاکتب لنا وفی جهنم فلا تغلّنا وفی
عذابک وهوانک فلا تبتلنا ومن الزقوم والضریع فلا تطعمنا ومع الشیاطین
فلا تجعلنا وفی النار علی وجوهنا فلا تکبّنا ومن ثیاب النار وسرابیل
القطران فلا تلبسنا ومن کل سوء یا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت
فنجّنا و سنّتست که در هر روز ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانند و این دعا را [illegible]
و ابو الفتح کراجکی در کتاب روضة العابدین ذکر کرده است و کلینی نیز روایت کرده و شیخ مفید
نیز روایت کرده از حضرت صادق ع که آنحضرت در ماه رمضان این دعا را می‌خواند اللهم منک
حاجتی ومن طلب حاجة الی احد من الناس فانی لا اطلب حاجتی الا منک وحدک
لا شریک لک اسئلک بفضلک ورضوانک ان تصلّی علی محمد واهل بیته
وان تجعل لی فی عامی هذا الی بیتک الحرام سبیلا حجة مبرورة متقبّلة زاکیة
خالصة لک تقرّ بها عینی وترفع بها درجتی وترزقنی ان اغضّ بصری
وان احفظ فرجی وان اکفّ عن جمیع محارمک حتی لا یکون عندی آثر من
طاعتک وخشیتک والعمل بما احببت والترک لما کرهت ونهیت عنه
واجعل ذلک فی یسر منک وعافیة واوزعنی شکر ما انعمت به علیّ
واسئلک ان تجعل وفاتی قتلا فی سبیلک تحت رایة محمد نبیک مع
ولیّک صلواتک علیهما واسئلک ان تقتل بی اعدائک واعداء رسولک
وان تکرمنی بهوان من شئت من خلقک ولا تهنّی بکرامة احد من اولیائک

اوّل ماه است یا امروز روز
رمضانست معین نموده اشتباه روزه شهر
کرده معین نیت و وقت نیت
نموده باشد نیت ... واجبست که
با نیتست تا ظهر و واجب روزه
علم به هم رساند بوجوب روزه و فراموش
یا بخاطرش بیاید بعد از زوال و اگر نه
شد تا آنکه نزدیک روزه نیت کند و روزه
روز ماه را باطلست و اما غیر روزه ماه
معین واجب از قضا و روزه
رمضان و نذر مطلق و نافله آماده
واجب پس جائز است اگر نخواهد تجدید
نیت در آن تا بعد زوال ... که
منافی بعمل نیاورده باشد نیت را
پس وقت نیت باقیست تا ظهر
و واجبست بر کسیکه عالم بر روزه
او صحیحست و بظهر شدن فوت میشود
وقت آن و اما در مندوب پس جائز است
نیت نمودن تا پیش از غروب آفتاب
اگر بعد از نیت چیزی از روزه
مانده باشد و کفایت می‌کند نیت
روزه رمضان پیش از دخول ماه
چه بیک نیت ...

در ادعیهٔ ماه رمضان

اللّهمّ اجعل لي مع الرسول سبيلاً حسبي الله ما شاء الله وصلّی الله علی سيّدنا
محمّد رسوله خاتم النبيّين وآله الطاهرين و نیز سنّت است که این دعا را بخوانند که از پیغمبر
مرویست که کسیکه این دعا را در ماه مبارک رمضان بعد از نماز واجب بخواند گناهان او آمرزیده
می شود و آن دعا اینست اللّهمّ ادخل علی اهل القبور السرور اللّهمّ اغن کلّ فقير
اللّهمّ اشبع کلّ جائع اللّهمّ اکس کلّ عريان اللّهمّ اقض دين کلّ مدين اللّهمّ
فرّج عن کلّ مکروب اللّهمّ ردّ کلّ غريب اللّهمّ فکّ کلّ اسير اللّهمّ
اصلح کلّ فاسد من امور المسلمين اللّهمّ اشف کلّ مريض اللّهمّ سدّ فقرنا
بغناک اللّهمّ غيّر سوء حالنا بحسن حالک اللّهمّ اقض عنّا الدّين واغننا
من الفقر انّک علی کلّ شيء قدير و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر منقولست که
بشیعیان نوشتند که در شبهای ماه رمضان این دعا را بخوانند و دعائیست که اهل آسمان می شنوند
و بر صاحبش طلب مغفرت و استغفار می کنند اللّهمّ انّي افتتح الثناء بحمدک وانت
مسدّد للصواب بمنّک وايقنت انّک انت ارحم الراحمين في موضع
العفو والرحمة واشدّ المعاقبين في موضع النكال والنقمة واعظم المتجبّرين
في موضع الكبرياء والعظمة اللّهمّ اذنت لي في دعائک ومسئلتک فاسمع
يا سميع مدحتي واجب يا رحيم دعوتي واقل يا غفور عثرتي فكم يا الهي من
كربة قد فرّجتها وهموم قد كشفتها وعثرة قد اقلتها ورحمة قد
نشرتها وحلقة بلاء قد فككتها الحمد لله الذي لم يتّخذ صاحبة ولا ولداً ولم
يكن له شريک في الملک ولم يكن له وليّ من الذلّ وكبّره تكبيراً الحمد
لله بجميع محامده كلّها علی جميع نعمه كلّها الحمد لله الذي لا مضادّ له في ملكه
ولا منازع له في امره الحمد لله الذي لا شريک له في خلقه ولا شبيه له في عظمته

در اول شهر رمضان نیت روزه کردن تمام ماه را نماید و اکتفای بآن نماید و جایز است
با هر شب نیت علیحده نماید هر چند احوط اکتفا نکردن باولست و منعقد
نمیشود در ماه رمضان روزه غیر رمضانیه در حضر و ... در سفر
... واجب باصل شرع و نه بنذر ... و نه مندوبه لیکن اگر
جاهل باشد بدخول شهر رمضان مثل یوم
الشک یا فراموش کرده باشد کفایت
از رمضان میکند چنانچه اگر واقع
شود در نذر معین غیر از بجهل یا
سهو اسقاط می نماید از او کفایت
نمیکند از آنچه نیت شده است و در
حکم آنست عهد و یمین و سنّتست
روزه روز سی ام شعبان هرگاه
شک عارض شود مبان اینکه از
شعبانست یا رمضان و اگر نیت نماید
یوم الشک از رمضان منعقد نمی
شود و همچنین هرگاه تردید نماید
میان روزه رمضان و شعبان و اگر در
یوم الشک ظاهر

دعای افتتح الثناء بحمدک

— تتمه —

الحمد لله الفاشي في الخلق امره وحمده الظاهر بالكرم مجده الباسط بالجود يده
الذي لا تنقص خزائنه ولا يزيده كثرة العطاء الّا جوداً وكرماً انّه هو العزيز الوهّاب
اللّهمّ انّي اسئلک قليلاً من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناک عنه
قديم وهو عندي كثير وهو عليک سهل يسير اللّهمّ انّ عفوک عن ذنبي
وتجاوزک عن خطيئتي وصفحک عن ظلمي وسترک علی قبيح عملي وحلمک عن
كثير جرمي عند ما كان من خطائي وعمدي اطمعني في ان اسئلک ما
لا استوجبه منک الذي رزقتني من رحمتک واريتني من قدرتک وعرّفتني
من اجابتک فصرت ادعوک آمناً واسئلک مستأنساً لا خائفاً ولا وجلاً
مدلّاً عليک فيما قصدت فيه اليک فان ابطأ عنّي عتبت بجهلي عليک ولعلّ
الذي ابطأ عنّي هو خير لي لعلمک بعاقبة الامور فلم ار مولیً كريماً اصبر
علی عبد لئيم منک عليّ يا ربّ انّک تدعوني فاولّي عنک وتتحبّب اليّ فاتبغّض
اليک وتتودّد اليّ فلا اقبل منک كأنّ لي التطوّل عليک فلم يمنعک ذلک
من الرحمة لي والاحسان اليّ والتفضّل عليّ بجودک وكرمک فارحم عبدک
الجاهل وجد عليه بفضل احسانک انّک جواد كريم الحمد لله مالک الملک
مجري الفلک مسخّر الرياح فالق الاصباح ديّان الدين ربّ العالمين الحمد لله
علی حلمه بعد علمه والحمد لله علی عفوه بعد قدرته والحمد لله علی طول اناته
في غضبه وهو القادر علی ما يريد الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق
ذي الجلال والاكرام والفضل والاحسان الذي بعد فلا يری وقرب فشهد
النجوی تبارک وتعالی الحمد لله الذي ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله
ولا ظهير يعاضده قهر بعزّته الاعزّاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما

شده از
رمضان بودن آن با علم
نیت روزه رمضان پس اگر پیش از
زوال باشد ... نیت کند و آن مجزی
باشد بتجدید نیت و اگر بعد از
ظهر معلوم شود واجبست امساک
از روزه ماه رمضان و قضا آن عوض از او
نمودن و قضا نماید و غافل شود
اگر نیت روزه نماید ... فراموش نماید ...
از آن در روز ... چیزی نیست و روزه
در روز بر او چیزی نیست و همچنین است هرگاه
او صحیح است و همچنین باشد در ثانی
نیت مفطری نموده باشد و ...
حال ... از ... صور ... و
... باشد در ثانی حال
... باشد ... و افطار
در دیگر ... در این
نموده باشد ... اما اگر نیت
صورت قضا است و ... باشد
خروج از روزه نموده باشد ... نیابد
یا قصد ... از آن ...
از واجب نیست و قضا بر او لازم
نیست و اگر با نیت بوده است صحیحست
بر وجه استحباب

باب ۵۸ در دعای افتتاح الثنا

یشاء الحمد لله یجیبنی حین اناديه ويستر علی كل عورة وانا اعصيه ويعظم النعمة علیّ فلا اجازيه فكم من موهبة هنيئة قد اعطانی وعظيمة مخوفة قد كفانی وبهجة مونقة قد ارانی فاثنی عليه حامدا واذكره مسبحا الحمد لله الذی لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب امله الحمد لله الذی يؤمن الخائفين وينجی الصادقين ويرفع المستضعفين ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف آخرين الحمد لله قاصم الجبارين مبير الظلمة مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ المستصرخين موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذی من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها وتموج البحار ومن يسبح فی غمراتها الحمد لله الذی يخلق ولم يخلق ويرزق ولا يرزق ويطعم ولا يطعم ويميت الاحياء ويحيی الموتی وهو حیّ لا يموت بيده الخير وهو علی كل شیء قدير اللهم صل علی محمد عبدك ورسولك وامينك وصفيك وحبيبك وخيرتك من خلقك وحافظ سرك ومبلغ رسالاتك افضل واحسن واجمل واكمل وازكی وانمی واطيب واطهر واسنی واكثر ما صليت وباركت وترحمت وتحننت وسلمت علی احد من عبادك وانبيائك ورسلك وصفوتك واهل الكرامة عليك من خلقك اللهم صل علی علیّ امير المؤمنين ووصیّ رسول رب العالمين وصل علی الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين وصل علی الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين وصل علی سبطی الرحمة وامامی الهدی الحسن والحسين سيدی شباب اهل الجنة وصل علی ائمة المسلمين علی بن الحسين

در بیان مسائل روزه

باطل است و اگر طفل بحد بلوغ برسد پیش از ظهر تجدید نیت روزه را احتیاطا بکند لازم نیست بلکه تمام نیت سابق میتواند اکتفا کند و مستحب واقع میشود و اگر نیت نکرده باشد میتواند تجدید نماید و اگر بعد از ظهر بحد بلوغ برسد روزه آن روز بر آن واجب نیست فصل در بیان آنچه اجتناب از او لازم است در روزه بدانکه امساک عمود چه پیش از زمان روزه مثل بقاء بر جنابت در شب روزه تا صبح چه در زمان روزه مثل غیر بقاء بر جنابت از آنچه میاید از محرمات که اگر بفعل آورند روزه باطل میشود و اینهم فی الحقیقه در جزء اول روزه ملاحظه میشود هر چند تدارک آنرا از سابق باید کرد و آن ده چیز است اول و دوم خوردن و آشامیدن که هر یک مفسد روزه و موجب قضا و کفاره است مطلقا چه معتاد باشد ما کول مثل نان و آب

الهادی

ومحمد بن علی وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن والخلف المهدی حججك علی عبادك وامنائك فی بلادك صلوة كثيرة دائمة اللهم وصل علی ولی امرك القائم المؤمل والعدل المنتظر احففه بملائكتك المقربين وايده بروح القدس يا رب العالمين اللهم اجعله الداعی الی كتابك والقائم بدينك استخلفه كما استخلفت الذين من قبله ومكن له دينه الذی ارتضيته له وابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم اعزه واعزز به وانصره وانتصر به وانصره نصرا عزيزا اللهم اظهر به دينك وملة نبيك حتی لا يستخفی بشیء من الحق مخافة احد من الخلق اللهم انا نرغب اليك فی دولة كريمة تعز بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الی طاعتك والقادة الی سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا والآخرة اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر به قلتنا واعزز به ذلتنا واغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به وجوهنا وفك به اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب به دعوتنا واعطنا به فوق رغبتنا يا خير المسؤولين واوسع المعطين اشف به صدورنا واذهب به غيظ قلوبنا واهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدی من تشاء الی صراط مستقيم وانصرنا به علی عدوك وعدونا اله الحق آمين اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا وغيبة ولينا وكثرة عدونا وشدة الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا فصل علی محمد وآل محمد

الدنيا والآخرة آمالنا واعطنا ... وقلة عددنا

در بیان مسائل روزه

مغذی مثل خاک و سنگ ریزه و شیره درخت چه خوردن و آشامیدن آنها متعارف باشد چه غیر متعارف هر چند ما کول و مشروب باشد هر چند بتبعه غذا که در بین دندان فرو بردن نیز و اگر میماند که از آن مبطلست نیز بهر حال سهوا فرو برد باطل نمیشود لیکن مقصر باشد در خلال کردن و احوط خلال کردنست چنانچه احوط قضا نمودن است هر گاه خلال نکرده باشد و مبطل نیست فرو بردن آب دهن هر چند طعم بهم رسانیده باشد مثل قند و ان و مصطکی بشرط آنکه جزئی از اجزاء آنها در آب دهن یافت نشود و فرقی نیست در حکم آب دهن میان آنکه فرو برد بطریق عادت یا جمع نماید در دهن و فرو برد لیکن در دوم ترکش اولی است و هم چنین در فرو بردن نخامه و نخاعه هر چند منفطر بودن آنها خلاف ظاهر است و احوط نکشیدن آن است تا فصلات

دعاء ابو حمزه

وَاَعِنّا عَلى ذٰلِكَ بِفَتْحٍ تُعَجِّلُهُ وَضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ
وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُناها وَعافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُناها بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ
اما دعائی که مشتمل است اقسام مناجات و آداب الاسرار دعائیست که ابو حمزه ثمالی از حضرت امام
زین العابدین علیه السلام روایت کرده اِلٰهي لا تُؤَدِّبْني بِعُقُوبَتِكَ وَلا تَمْكُرْ بي
في حيلَتِكَ مِنْ اَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ يا رَبِّ وَلا يُوجَدُ اِلّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ اَيْنَ لِيَ النَّجاةُ
وَلا تُسْتَطاعُ اِلّا بِكَ لَا الَّذي اَحْسَنَ اسْتَغْنى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذي
اَساءَ وَاجْتَرَاَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ بقدر
بگوید که نفس منقطع شود بِكَ عَرَفْتُكَ وَاَنْتَ دَلَلْتَني عَلَيْكَ وَدَعَوْتَني اِلَيْكَ
وَلَوْلا اَنْتَ لَمْ اَدْرِ ما اَنْتَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي اَدْعُوهُ فَيُجيبُني وَاِنْ كُنْتُ بَطيئاً
حينَ يَدْعُوني وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي اَسْأَلُهُ فَيُعْطيني وَاِنْ كُنْتُ بَخيلاً
حينَ يَسْتَقْرِضُني وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي اُناديهِ كُلَّما شِئْتُ لِحاجَتي وَاَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ
لِسِرّي بِغَيْرِ شَفيعٍ فَيَقْضي لي حاجَتي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لا اَدْعُو
غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لي دُعائي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لا اَرْجُو
غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَاَخْلَفَ رَجائي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي وَكَلَني اِلَيْهِ فَاَكْرَمَني
وَلَمْ يَكِلْني اِلَى النّاسِ فَيُهينُوني وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي تَحَبَّبَ اِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ
عَنّي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي يَحْلُمُ عَنّي حَتّى كَاَنّي لا ذَنْبَ لي فَرَبّي اَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدي
وَاَحَقُّ بِحَمْدي اَللّٰهُمَّ اِنّي اَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ اِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَناهِلَ
الرَّجاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَالْاِسْتِعانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ اَمَّلَكَ مُباحَةً وَاَبْوابَ
الدُّعاءِ اِلَيْكَ لِلصّارِخينَ مَفْتُوحَةً وَاَعْلَمُ اَنَّكَ لِلرّاجي بِمَوْضِعِ اِجابَةٍ
وَلِلْمَلْهُوفينَ بِمَرْصَدِ اِغاثَةٍ وَاَنَّ فِي اللَّهْفِ اِلى جُودِكَ وَالرِّضا بِقَضائِكَ

در مسائل روزه ۲

مسر
بسوی حلق و اگر بیرون
اب دهن یا نخامه تا فرو رد
مبطلست و همچنین یا نخاعه را فرو برد
مضر نیست مکیدن انگشتر و
دفع تشنگی و غیر از آن و همچنین جشیدن
طعام بجهة طفل و دانه و نان در
حلق کبوتر و مرغ و غیر آن نمودن در
جایی که عادت بچشیدن غذا است و امثال آن
ملاحظه که عمدا چیزی فرو نبرد
احوط و اولی ترک اینها است
بدون ضرورت و حاجت و اگر
بدون اختیار بحلق او فرو رفت
چیزی در این مواضع باطل نشود
روزه هر چند بجهة غرض صحیحی
نموده باشد ولکن احوط ترک
اجر است و جایز است مضمضه
کردن از برای روزه دار هر چند
بجهة غیر خنک شدن باشد و
لیکن افضل ترک است در غیر
وضوء و مکروه هست که مبالغه
و تکرار کند و مستحب است که
بعد از مضمضه

[illegible]

دعاء ابو حمزه

عِوَضاً عَنْ مَنْعِ الْباخِلينَ وَمَنْدُوحَةً عَمّا في اَيْدِي الْمُسْتَأْثِرينَ وَاَنَّ الرّاحِلَ اِلَيْكَ
قَريبُ الْمَسافَةِ وَاَنَّكَ لا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ اِلّا اَنْ تَحْجُبَهُمُ الْاَعْمالُ دُونَكَ وَ
قَدْ قَصَدْتُ اِلَيْكَ بِطَلِبَتي وَتَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ بِحاجَتي وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغاثَتي
وَبِدُعائِكَ تَوَسُّلي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقاقٍ لِاسْتِماعِكَ مِنّي وَلَا اسْتيجابٍ لِعَفْوِكَ
عَنّي بَلْ لِثِقَتي بِكَرَمِكَ وَسُكُوني اِلى صِدْقِ وَعْدِكَ وَلَجَائي
اِلَى الْاِيمانِ بِتَوْحيدِكَ وَيَقيني بِمَعْرِفَتِكَ مِنّي اَنْ لا رَبَّ لي غَيْرُكَ
وَلا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْقائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ
وَوَعْدُكَ صِدْقٌ وَاسْأَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّ اللّٰهَ كانَ بِكُمْ رَحيماً وَلَيْسَ
مِنْ صِفاتِكَ يا سَيِّدي اَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَاَنْتَ الْمَنّانُ
بِالْعَطِيّاتِ عَلى اَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنِ رَاْفَتِكَ اِلٰهي
رَبَّيْتَني في نِعَمِكَ وَاِحْسانِكَ صَغيراً وَنَوَّهْتَ بِاسْمي كَبيراً فَيا مَنْ
رَبّاني فِي الدُّنْيا بِاِحْسانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ وَاَشارَ لي فِي الْآخِرَةِ اِلى
عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتي يا مَوْلايَ دَليلي عَلَيْكَ وَحُبّي لَكَ شَفيعي
اِلَيْكَ وَاَنَا واثِقٌ مِنْ دَليلي بِدَلالَتِكَ وَساكِنٌ مِنْ شَفيعي اِلى شَفاعَتِكَ اَدْعُوكَ
يا سَيِّدي بِلِسانٍ قَدْ اَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبِّ اُناجيكَ قَدْ اَوْبَقَهُ جُرْمُهُ بِقَلْبٍ
اَدْعُوكَ يا رَبِّ راهِباً راغِباً راجِياً خائِفاً اِذا رَاَيْتُ مَوْلايَ ذُنُوبي فَزِعْتُ رَأَيْتُ
وَاِذا كَرَمَكَ طَمِعْتُ فَاِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرُ راحِمٍ وَاِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظالِمٍ حُجَّتي يا
اَللّٰهُ في جُرْاَتي عَلى مَسْاَلَتِكَ مَعَ اِتْياني ما تَكْرَهُ جُودُكَ وَكَرَمُكَ وَ
عُدَّتي في شِدَّتي مَعَ قِلَّةِ حَيائي مِنْكَ رَاْفَتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَقَدْ رَجَوْتُ اَنْ
لا تَخيبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنْيَتي فَحَقِّقْ رَجائي وَاسْمَعْ دُعائي يا خَيْرَ مَنْ دَعاهُ داعٍ وَ

باب ۵ دعای ابو حمزه

أَفْضَلُ مَنْ رَجاهُ راجٍ عَظُمَ يا سَيِّدي أَمَلي وَساءَ عَمَلي فَأَعْطِني مِنْ عَفْوِكَ
بِمِقْدارِ أَمَلي وَلا تُؤاخِذْني بِأَسْوَءِ عَمَلي فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجازاةِ
الْمُذْنِبينَ وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكافاةِ الْمُقَصِّرينَ وَأَنَا يا سَيِّدي عائِذٌ
بِفَضْلِكَ هارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ
بِكَ ظَنّاً وَما أَنَا يا رَبِّ وَما خَطَري هَبْني بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ
بِعَفْوِكَ أَيْ رَبِّ جَلِّلْني بِسَتْرِكَ وَاعْفُ عَنْ تَوْبيخي بِكَرَمِ وَجْهِكَ
فَلَوِ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلى ذَنْبي غَيْرُكَ ما فَعَلْتُهُ وَلَوْ خِفْتُ تَعْجيلَ الْعُقُوبَةِ
لَاجْتَنَبْتُهُ لا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النّاظِرينَ إِلَيَّ وَأَخَفُّ الْمُطَّلِعينَ عَلَيَّ بَلْ
لِأَنَّكَ يا رَبِّ خَيْرُ السّاتِرينَ وَأَحْكَمُ الْحاكِمينَ وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمينَ
سَتّارُ الْعُيُوبِ غَفّارُ الذُّنُوبِ عَلّامُ الْغُيُوبِ تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ
وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ وَعَلى عَفْوِكَ
بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَيَحْمِلُني وَيُجَرِّئُني عَلى مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنّي وَيَدْعُوني
إِلى قِلَّةِ الْحَياءِ سَتْرُكَ عَلَيَّ وَيُسْرِعُني إِلَى التَّوَثُّبِ عَلى مَحارِمِكَ مَعْرِفَتي
بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظيمِ عَفْوِكَ يا حَليمُ يا كَريمُ يا حَيُّ يا قَيُّومُ يا غافِرَ
الذَّنْبِ يا قابِلَ التَّوْبِ يا عَظيمَ الْمَنِّ يا قَديمَ الْإِحْسانِ أَيْنَ سَتْرُكَ الْجَميلُ
أَيْنَ عَفْوُكَ الْجَليلُ أَيْنَ فَرَجُكَ الْقَريبُ أَيْنَ غِياثُكَ السَّريعُ أَيْنَ رَحْمَتُكَ
الْواسِعَةُ أَيْنَ عَطاياكَ الْفاضِلَةُ أَيْنَ مَواهِبُكَ الْهَنيئَةُ أَيْنَ صَنائِعُكَ
السَّنِيَّةُ أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظيمُ أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسيمُ أَيْنَ إِحْسانُكَ الْقَديمُ
أَيْنَ كَرَمُكَ يا كَريمُ بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْني وَبِرَحْمَتِكَ
فَخَلِّصْني يا مُحْسِنُ يا مُجْمِلُ يا مُنْعِمُ يا مُفْضِلُ لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النَّجاةِ

مرتبه ابدهانرا
بیرون اندو هرگاه کسی مضمضه کند
وآب بحلق او فرو رود پس اگر عمدا
فرو برد روزه او باطلست و موجب
قضا و کفاره است و اگر عمدا نباشد
پس اگر در وضوء نماز واجب باشد برا او
چیزی لازم نیست و هم چنین است
هرگاه بجهة مداوا یا ازاله نجاست
بکند یا آنکه بعد از چیز خوردن
باشد و اگر در وضوء نافله باشد
لازم است قضاء آن و هم چنین است
اگر مضمضه را بعنوان لغو و عبث
یا از برای خنک شدن کرد و آب
بحلق فرو رفت و اما استنشاق
پس اگر بسبب آن آب داخل شود
در حلق بدون تعمد برا او چیزی
نیست بلکه مفسد بودن آن
ثابت نیست و جایز است مسواک
کردن حتی بچوب تر بلکه سنتست
مطلقا ولکن اگر مسواک نمود مسواک را
بیرون بیاورد و مادامیکه مسواک
میکند و اگر

دعای ابو حمزه ثمالی

مِنْ عِقابِكَ عَلى أَعْمالِنا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوى وَأَهْلُ
الْمَغْفِرَةِ تُبْدِئُ بِالْإِحْسانِ نِعَماً وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَماً فَما نَدْري
ما نَشْكُرُ أَجَميلَ ما تَنْشُرُ أَمْ قَبيحَ ما تَسْتُرُ أَمْ عَظيمَ ما أَبْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ أَمْ
كَثيرَ ما مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعافَيْتَ يا حَبيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَيا قُرَّةَ عَيْنِ
مَنْ لاذَ بِكَ وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسيئُونَ فَتَجاوَزْ يا رَبِّ
عَنْ قَبيحِ ما عِنْدَنا بِجَميلِ ما عِنْدَكَ وَأَيُّ جَهْلٍ يا رَبِّ لا يَسَعُهُ جُودُكَ
وَأَيُّ زَمانٍ أَطْوَلُ مِنْ أَناتِكَ وَما قَدْرُ أَعْمالِنا في جَنْبِ نِعَمِكَ وَكَيْفَ
نَسْتَكْثِرُ أَعْمالاً نُقابِلُ بِها كَرَمَكَ بَلْ كَيْفَ يَضيقُ عَلَى الْمُذْنِبينَ
ما وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوَعِزَّتِكَ
يا سَيِّدي لَوِ انْتَهَرْتَني ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ وَلا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِما
انْتَهى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَأَنْتَ الْفاعِلُ لِما تَشاءُ
تُعَذِّبُ مَنْ تَشاءُ بِما تَشاءُ كَيْفَ تَشاءُ وَتَرْحَمُ مَنْ تَشاءُ بِما تَشاءُ كَيْفَ تَشاءُ
وَلا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلا تُنازَعُ في مُلْكِكَ وَلا تُشارَكُ في أَمْرِكَ وَلا
تُضادُّ في حُكْمِكَ وَلا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ في تَدْبيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ
تَبارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعالَمينَ يا رَبِّ هٰذا مَقامُ مَنْ لاذَ بِكَ وَاسْتَجارَ بِكَرَمِكَ
وَأَلِفَ إِحْسانَكَ وَنِعَمَكَ وَأَنْتَ الْجَوادُ الَّذي لا يَضيقُ عَفْوُكَ وَلا يَنْقُصُ
فَضْلُكَ وَلا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَقَدْ تَوَثَّقْنا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَديمِ وَالْفَضْلِ
الْعَظيمِ وَالرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ أَفَتُراكَ يا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنا أَوْ تُخَيِّبُ
آمالَنا كَلّا يا كَريمُ فَلَيْسَ هٰذا ظَنُّنا بِكَ وَلا هٰذا طَمَعُنا فيكَ يا رَبِّ إِنَّ لَنا
فيكَ أَمَلاً طَويلاً كَثيراً إِنَّ لَنا فيكَ رَجاءً عَظيماً عَصَيْناكَ وَنَحْنُ نَرْجُو

بما تشاء

نخل
بیرون آید
و اگر میپیدا بیرون آید و جایز است دوا
آب در او فرو ریخت بجهة تحصیل و نحو
احلیل نمودن تا آنکه بجوف برسد و
مطهر نیست و هم چنین دوا بر جراحت
ریختن بنحویکه بجوف برسد یا امثال اینها
احدیرا که چیزی با او بریزد مثل نیزه که
فرو رود بلکه او یا خود باختیار چنین
نماید و مثل منکورات است چیزی
در دماغ کردن بنحویکه وارد بر حلق
شود و احوط اجتناب
و داخل در جوف آن شود و
از تعمد ازالتست سیم جماع کردنست و
آن مفسد روزه است و موجب
قضا است نیز مطلقا چه بقبل
و چه در دبر و چه در فاعل و چه در
مفعول هر چند مفعول مرده باشد
چه انزال بشود چه نشود و هم چنین
در فرج حیوانات و اگر محتلم شود در
روز روزه مفسد روزه نیست و
چهارم کذب بر خدا و رسول
ائمه علیهم السلام که مبطل روزه و
موجب قضا و کفاره است ولیکن در
وقتی مبطلست که بداند کذبست و نسبت
او را بدهد

ان تستر علینا و دعوناک و نحن نرجو ان تستجیب لنا فحقق رجائنا یا مولینا
فقد علمنا ما نستوجب باعمالنا و لکن علمک فینا و علمنا بانک
لا تصرفنا عنک حثنا علی الرغبة الیک و ان کنا غیر مستوجبین
لرحمتک فانت اهل ان تجود علینا و علی المذنبین بفضل سعتک
فامنن علینا بما انت اهله وجد علینا فانا محتاجون الی نیلک یا غفار
بنورک اهتدینا و بفضلک استغنینا و بنعمتک اصبحنا و امسینا ذنوبنا
بین یدیک نستغفرک اللهم منها و نتوب الیک تتحبب الینا بالنعم
و نعارضک بالذنوب خیرک الینا نازل و شرنا الیک صاعد و لم یزل
و لا یزال ملک کریم یاتیک عنا فی کل یوم بعمل قبیح فلا یمنعک
ذلک من ان تحوطنا بنعمک (نسخه: بنعمک) و تتفضل علینا بآلائک فسبحانک ما احلمک
و اعظمک و اکرمک مبدئا و معیدا تقدست اسماؤک و جل ثناؤک
و کرم صنائعک و فعالک انت الهی اوسع فضلا و اعظم حلما من ان
تقایسنی بفعلی و خطیئتی فالعفو العفو العفو سیدی سیدی سیدی
اللهم اشغلنا بذکرک و اعذنا من سخطک و اجرنا من عذابک و ارزقنا
من مواهبک و انعم علینا من فضلک و ارزقنا حج بیتک و زیارة قبر
نبیک صلواتک و مغفرتک و رحمتک و برکاتک و رضوانک علیه
و علی اهل بیته انک قریب مجیب و ارزقنا عملا بطاعتک و توفنا علی
ملتک و سنة نبیک و صلی الله علیه و آله اللهم اغفر لی و لوالدی
و ارحمهما کما ربیانی صغیرا و اجزهما بالاحسان احسانا و بالسیئات غفرانا
اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات الاحیاء منهم و الاموات و تابع بیننا و بینهم

الحرام

بالخیرات

از
برکذب بودن نداشته باشد و اینست و هرگاه اعتقاد
بدهد و در واقع کذب باشد و نیست مبطل
نیست و نه موجب قضا و کفاره هر
چند احوط اقتصار بر صورت اعتقاد
صدق است و احوط الحاق فاطمه زهرا
بسائر معصومین هرچند ظاهر
عدم الحاق است و اما کذب بر غیر
خدا و رسول و ائمه موجب قضا
و کفاره نمیشود هرچند احوط
الحاق سائر انبیا و اوصیا است بایشان
پنجم ارتماس در آبست که مبطل روزه
و موجب قضا و کفاره است و حاصل
میشود آن بفرو رفتن در آب بلکه
بفرو بردن سر را در آب هرچند
موی سر یا بدن بیرون باشد
از آب و فرقی نیست در میان آنکه منافذ
منسد باشد یا نباشد و در میان ذن
و اجزه مستحبه را فشار در میان
ما که بدفعه عرفیه سر زیر آب کند یا نه
مگر آنکه هر جزئی را در وقتی زیر
آب کند مجموع

بالخیرات اللهم اغفر لحینا و میتنا و شاهدنا و غائبنا ذکرنا و انثانا صغیرنا
و کبیرنا حرنا و مملوکنا کذب العادلون بالله و ضلوا ضلالا بعیدا
و خسروا خسرانا مبینا اللهم صل علی محمد و آل محمد و اختم لی بخیر و اکفنی
ما اهمنی من امر دنیای و آخرتی و لا تسلط علی من لا یرحمنی و اجعل علی
منک جنة واقیة باقیة و لا تسلبنی صالح ما انعمت به علی و ارزقنی من
فضلک رزقا واسعا حلالا طیبا اللهم احرسنی بحراستک و احفظنی
بحفظک و اکلانی بکلائتک و ارزقنی حج بیتک الحرام فی عامنا هذا
و فی کل عام و زیارة قبر نبیک و الائمة علیهم السلام و لا تخلنی یا رب من تلک
المشاهد الشریفة و المواقف الکریمة اللهم تب علی حتی لا اعصیک و
الهمنی الخیر و العمل به و خشیتک باللیل و النهار ابدا ما ابقیتنی یا رب العالمین
اللهم انی کلما قلت قد تهیات و تعبات و قمت للصلوة بین یدیک
و ناجیتک القیت علی نعاسا اذا انا صلیت و سلبتنی مناجاتک اذا انا ناجیتک
و ما لی کلما قلت قد صلحت سریرتی و قرب من مجالس التوابین مجلسی عرضت
لی بلیة ازالت قدمی و حالت بینی و بین خدمتک سیدی لعلک عن بابک
طردتنی و عن خدمتک نحیتنی او لعلک رایتنی مستخفا بحقک فاقصیتنی او لعلک
رایتنی معرضا عنک فقلیتنی او لعلک وجدتنی فی مقام الکاذبین فرفضتنی او
لعلک رایتنی غیر شاکر لنعمائک فحرمتنی او لعلک فقدتنی من مجالس
العلماء فخذلتنی او لعلک رایتنی فی الغافلین فمن رحمتک آیستنی او لعلک
رایتنی آلف مجالس البطالین فبینی و بینهم خلیتنی او لعلک لم تحب ان تسمع
دعائی فباعدتنی او لعلک بجرمی و جریرتی کافیتنی او لعلک بقلة حیائی منک

ابدا نباشد
حال در زیر آب نباشد امست و نه
که بر این تقدیر نه حرامست و نه قصد
منعطف میشود آنکه سر در زیر آب کند
غسل کردن غسل او باطلست انبیا
همه بر تقدیر عمد بودن ارتماس است
و اما آنکه سهوا ارتماس نماید پس
غسل او صحیح است بلکه بعد
فوت از عزت محل میشود
از زیر بردن سر مهتملکه شود
و مسافرت لنماید به بیرون آورده
از آب و غسل در هر دو صورت
صحیح است آنکه ارتماس نماید در آب
عصبی سهوا صحیح است و در آن
و باطلست غسل آن شش اینم
غبار غلیظ و رسانیدن بحلق خواه اینست
دار است و آن موجب قضا و کفاره
چه غبار حلال باشد مثل آرد
یا حرام باشد مثل خاک و همگاه خود
برساند بحلق یا باعث شود دیگری
که آن موجب رسیدن باشد
مثل آنکه بایستد در موضعی
که غبار باشد و حفظ ننماید از
خود بجا وقفا آنکه

باب ۵۸ در دعای ابو حمزه ثمالی

جازیتنی فان عفوت یا رب فطالما عفوت عن المذنبین قبلی لان کرمک
ای رب یجل عن مجازات المذنبین وحلمک یکبر عن مکافات المقصرین
وانا عائذ بفضلک هارب منک الیک متنجز ما وعدت من الصفح
عمن احسن بک ظنا الهی انت اوسع فضلا واعظم حلما من ان تقایسنی
بعملی او ان تستزلنی بخطیئتی وما انا یا سیدی وما خطری هبنی بفضلک
یا سیدی وتصدق علی بعفوک وجللنی بسترک واعف عن توبیخی بکرم
وجهک سیدی انا الصغیر الذی ربیته وانا الجاهل الذی علمته وانا
الضال الذی هدیته وانا الوضیع الذی رفعته وانا الخائف الذی امنته وانا
الجائع الذی اشبعته وانا العطشان الذی ارویته والعاری الذی کسوته و
الفقیر الذی اغنیته والضعیف الذی قویته والذلیل الذی اعززته والسقیم
الذی شفیته والسائل الذی اعطیته والمذنب الذی سترته والخاطی
الذی اقلته وانا القلیل الذی کثرته والمستضعف الذی نصرته وانا
الطرید الذی اویته وانا یا رب الذی لم استحییک فی الخلاء ولم اراقبک
فی الملاء انا صاحب الدواهی العظمی انا الذی علی سیده اجترء انا الذی عصیت
جبار السماء انا الذی اعطیت علی معاصی الجلیل الرشی انا الذی حین بشرت
بها خرجت الیها اسعی انا الذی امهلتنی فما ارعویت وسترت علی فما استحییت
وعملت بالمعاصی فتعدیت واسقطتنی من عینک فما بالیت فبحلمک امهلتنی
وبسترک سترتنی حتی کانک اغفلتنی ومن عقوبات المعاصی جنبتنی حتی
کانک استحییتنی الهی لم اعصک حین عصیتک وانا بربوبیتک جاحد ولا
بامرک مستخف ولا لعقوبتک متعرض ولا لوعیدک متهاون ولکن خطیئة

حفظ نماید
از خود بخو بکه باید وبعد
ان ظاهر شود که غبار در حلق ان
داخل شده است ضرر ندارد علی
الاحوط واحوط انست که معتبر نیست
درا و غلیظ بودن بلکه کفایت میکند
احساس نمودن ان وجمعی الحاق نموده
اند بغبار دود و بخار برا که غلیظ
باشد واحوط اجتنابست و این
مستند واضحی ندارد هفتم قی
کردن وان موجب قضا است اگر
بعمد واختیار واقع شود واگر بی
اختیار بقی نماید چیزی براو نیست
واگر بطریق ضرورت باشد عقاب
ندارد لکن مفسد روزه هست
ومدار قی بر صدق عرفیست پس
نیست از این باب بیرون امدن هسته
وکرم ونحوانها وهمچنین هرگاه
غذا یا اب بیرون اید بحلق وبرگردد
مضر نیست واگر در فضای دهن
بیاید باید انرا بریزد واگر عمدا فرو
برد قضا وکفاره براو واجبست
هشتم استمنا

عرضت وسولت لی نفسی وغلبنی هوای واعاننی علیها شقوتی وغرنی سترک
المرخی علی فقد عصیتک وخالفتک بجهدی فالان من عذابک من یستنقذنی
ومن ایدی الخصماء غدا من یخلصنی وبحبل من اتصل ان انت قطعت حبلک
عنی فواسوأتاه علی ما احصی کتابک من عملی الذی لولا ما ارجو من کرمک
وسعة رحمتک ونهیک ایای عن القنوط لقنطت عندما اتذکرها
یا خیر من دعاه داع وافضل من رجاه راج اللهم بذمة الاسلام اتوسل
الیک وبحرمة القرآن اعتمد علیک وبحبی للنبی الامی القرشی الهاشمی
العربی التهامی المکی المدنی ارجو الزلفة لدیک فلا توحش استیناس
ایمانی ولا تجعل ثوابی ثواب من عبد سواک فان قوما امنوا بالسنتهم
لیحقنوا به دماءهم فادرکوا ما املوا وانا امنا بک بالسنتنا وقلوبنا لتعفو
عنا فادرک بنا ما املنا وثبت رجاءک فی صدورنا ولا تزغ قلوبنا بعد
اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب فوعزتک یا
سیدی لو انتهرتنی ما برحت من بابک ولا کففت عن تملقک لما الهم
قلبی من المعرفة بکرمک وسعة رحمتک الی من یذهب العبد الا
الی مولاه والی من یلتجی المخلوق الا الی خالقه الهی لو قرنتنی بالاصفاد
ومنعتنی سیبک من بین الاشهاد ودللت علی فضائحی عیون العباد
وامرت بی الی النار وحلت بینی وبین الابرار ما قطعت رجائی منک وما صرفت
وجه تأمیلی للعفو عنک ولا خرج حبک من قلبی انا لا انسی ایادیک عندی
وسترک علی فی دار الدنیا یا سیدی صل علی محمد وال محمد اخرج حب الدنیا
من قلبی واجمع بینی وبین المصطفی واله خیرتک من خلقک وخاتم

یعنی اخراج
منی ازخود بغیر
نمودن منی میشود بان قضا و
جماع واجب همچنین است علی کسی انزال
کفاره وهمچنین هرچند انزال متصل
نشود عادة هرچند قصد انزال داشته
باشد نشود واگر قصد انزال نداشته
باشد بفعلی منی بیرون نیاید لکن
ان مفسد روزه نمی باشد
ان فعل حرامست واگر نظر کردن
ونگاه کردن خارج شود منی هرگاه
قصدا وانزال باشد یا انکه بروجه
عادت او باشد موجب قضا وکفاره
منی میشود چه بحلال باشد چه بحرام
به موجب قضا است ونه کفاره
وهمچنین است حال گوش دادن
بصدای زن وسخنان وتخیل
جماع ونحوان هرگاه اعتیاد
منی شود تمام احتیاط
بدون ضرورت وان حرام
روزه وموجب قضا وکفاره
وبیامد مکر وهست
ترکست هم بقاء بر جنابت
عمدا تا بطلوع

در ذکر دعای ابوحمزه ثمالی

النبي بن محمد صلى الله عليه وآله وانقلني الى درجة التوبة اليك واعني بالبكاء على نفسي فقد افنيت بالتسويف والآمال عمري وقد نزلت منزلة الآيسين من خيري فمن يكون اسوء حالا مني ان انا نقلت على مثل حالي الى قبر لم امهده لرقدتي ولم افرشه بالعمل الصالح لضجعتي وما لي لا ابكي ولا ادري الى ما يكون مصيري وارى نفسي تخادعني وايامي تخاتلني وقد خفقت عند راسي اجنحة الموت فما لي لا ابكي ابكي لخروج نفسي ابكي لظلمة قبري ابكي لضيق لحدي ابكي لسؤال منكر ونكير اياي ابكي لخروجي من قبري عريانا ذليلا حاملا ثقلي على ظهري انظر مرة عن يميني واخرى عن شمالي اذ الخلائق في شان غير شاني لكل امرئ منهم يومئذ شان يغنيه وجوه يومئذ مسفرة ضاحكة مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة وذلة سيدي عليك معولي ومعتمدي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي تصيب برحمتك من تشاء وتهدي بكرامتك من تحب فلك الحمد على ما نقيت من الشرك قلبي ولك الحمد على بسط لساني افبلساني هذا الكال اشكرك ام بغاية جهدي في عملي ارضيك وما قدر لساني يا رب في جنب شكرك وما قدر عملي في جنب نعمك واحسانك الهي ان جودك بسط املي وشكرك قبل عملي سيدي اليك رغبتي ومنك رهبتي واليك تاميلي وقد ساقني اليك املي وعليك يا واحدي عكفت همتي وفيما عندك انبسطت رغبتي ولك خالص رجائي وخوفي وبك انست محبتي واليك القيت بيدي وبحبل طاعتك مددت رهبتي يا مولاي بذكرك عاش قلبي وبمناجاتك بردت الم الخوف عني فيا مولاي ويا مؤملي ويا منتهى سؤلي

چهارم جنابت با احتلام [نحو] مسئله اگر باشد یا بسبب دیگر و این حرام و مفسد روزه و کفاره است و این حکم در روزه شهر رمضان و قضای آن ثابت است نه در جمیع اقسام روزه حتی در صوم مستحب و مثل بقاء بر جنابت است بقاء بر حیض و نفاس و استحاضه لیکن ظاهر در این سه کفاره و مخصوص است حکم آنها بشهر رمضان نه بغیر آن از قضای شهر رمضان هر چند احوط عدم بقاء بر احداث مذکوره است حتی جنابت در جمیع اقسام روزه حتی در سنت بلکه خالی از قوت نیست و غسل مس میت واجب نیست و مثل بقاء بر جنابت است خوابیدن جنب بقصد غسل نکردن یا با تردد در آن یا خوابیدن بعد از خوابیکه پیش از آن جنب شده باشد اگر عازم بر غسل نباشد و اگر عازم باشد و بخواب رود تا صبح کفاره بر او لازم است

در ذکر دعای سحر از ابوحمزه

صل على محمد وآل محمد وفرق بيني وبين ذنبي المانع لي من لزوم طاعتك فانما اسئلك لقديم الرجاء فيك وعظيم الطمع منك الذي اوجبته على نفسك من الرافة والرحمة والامر لك وحدك لا شريك لك والخلق كلهم عيالك وفي قبضتك وكل شيء خاضع لك تباركت يا رب العالمين الهي ارحمني اذا انقطعت حجتي وكل عن جوابك لساني وطاش عند سؤالك اياي لبي فيا عظيم رجائي لا تخيبني اذا اشتدت فاقتي اليك فلا تردني لجهلي ولا تمنعني لقلة صبري واعطني لفقري وارحمني لضعفي سيدي عليك معتمدي ومعولي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي وبفنائك احط رحلي وبجودك اقصد طلبتي وبكرمك اي رب استفتح دعائي ولديك ارجو فاقتي وبغناك اجبر عيلتي وتحت ظل عفوك قيامي والى جودك وكرمك ارفع بصري والى معروفك اديم نظري فلا تحرقني بالنار وانت موضع املي ولا تسكني الهاوية فانك قرة عيني يا سيدي لا تكذب ظني باحسانك ومعروفك فانك ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك فانك العارف بفقري الهي ان كان قد دنى اجلي ولم يقربني منك عملي فقد جعلت الاعتراف اليك بذنبي وسائل عللي الهي ان عفوت فمن اولى منك بالعفو وان عذبت فمن اعدل منك في الحكم ارحم في هذه الدنيا غربتي وعند الموت كربتي وفي القبر وحدتي وفي اللحد وحشتي واذا نشرت للحساب بين يديك ذل موقفي واغفر لي ما خفي على الآدميين من عملي وادم لي ما به سترتني وارحمني صريعا على الفراش تقلبني ايدي احبتي وتفضل علي ممدودا على المغتسل يغسلني

و بین خواب اول و خواب سابق هیچ فرقی بر ... ولیکن احوط ترک خواب دوم است و اگر دو مرتبه بیدار شد و خوابید تا صبح در خواب سوم قضا و کفاره هر دو لازم است هر چند عازم بر غسل باشد و مثل ... نوبه ثالثه است توبه اول ... داشتن بر غسل جنب و ابد بدون نیت غسل تا بصبح یا متردد باشد در غسل نمودن و نمودن و اما اگر غافل شود از جنابت یا از غسل پیش از صبح یا از آنکه شب روزه است کفاره بلکه قضا بر او واجب نیست و اگر ممکن نشود بر یکی از جنب غسل واجب است تیمم نماید عوض آن غسل و خوابیدن و احوط بقاء بر این تیمم است تا صبح هر چند در تعیین آن اشکال است باقی ماند در مسئله چند مبحث مبحث اول آنکه آنچه مذکور شد که مبطل روزه است و ... شد که بعمل آورد آن را از روی عمد و اختیار پس هرگاه بنسیان فعل مفطری بعمل آرد

باب دعای ابو حمزه

صالح جزائي وحسن على محمولاً قد تناول الأقرباء أطراف جنازتي وجُد على
مقبولاً قد نزلت بك وحيداً في حفرتي وارحم في ذلك البيت الجديد غربتي
حتى لا أستأنس بغيرك يا سيدي فإنك إن وكلتني إلى نفسي هلكت سيدي
فبمن أستغيث إن لم تقلني عثرتي وإلى من أفزع إن فقدت عنايتك
في ضجعتي وإلى من ألتجي إن لم تنفس كربتي سيدي ومن يرحمني إن
لم ترحمني وفضل من أؤمل إن عدمت فضلك يوم فاقتي وإلى من
الفرار من الذنوب إذا انقضى أجلي سيدي لا تعذبني وأنا أرجوك
إلهي حقق وآمن خوفي فإن كثرة ذنوبي لا أرجو فيها إلا عفوك سيدي أنا
أسألك ما لا أستحق وأنت أهل التقوى وأهل المغفرة فاغفر لي
وألبسني من نظرك ثوباً يغطي على الذنوب والتبعات وتغفرها لي ولا
أطالب بها إنك ذو منّ قديم وصفح عظيم وتجاوز كريم إلهي أنت الذي
تفيض سيبك على من لا يسألك وعلى الجاحدين بربوبيتك فكيف
سيدي بمن سألك وأيقن أن الخلق لك والأمر إليك تباركت وتعاليت
تباركت وتعاليت يا رب العالمين إلهي وسيدي عبدك ببابك أقامته
الخصاصة بين يديك يقرع باب إحسانك بدعائه ويستعطف جميل نظرك
بمكنون رجائه فلا تعرض بوجهك الكريم عني واقبل مني ما أقول فقد
دعوتك بهذا الدعاء وأنا أرجو أن لا تردني معرفة مني برأفتك ورحمتك إلهي
أنت الذي لا يحفيك سائل ولا ينقصك نائل أنت كما تقول وفوق ما نقول
اللهم إني أسألك صبراً جميلاً وفرجاً قريباً وقولاً صادقاً وأجراً عظيماً
أسألك يا رب من الخير كله ما علمت منه وما لم أعلم أسألك اللهم من

روزه باطل نمی‌شود و اگر بداند که روزه است ولیکن فراموش کرده باشد که چیزی باطل میکند روزه را و آنرا بعمل آورد در فساد آن نحو دو جهت هست

و هم چنین باطل میشود هر گاه بلا قصد و اراده فعل مفطری از او صادر شود مثل آنکه پشه پرواز کند و در حلق او داخل شود یا داخل شود غبار غلیظ در حلق او در محلیکه احتراز از آن ممکن نباشد و هم چنین هرگاه بغیر بند در حلق او چیزی را یا بعنف فرو نماید و اکراه و بی اختیار و بی قصد او شود و نحو آن و اگر او را بترسانند بر ضرر نفس یا عیال یا مال او برادر دینی او و نحو آن که لابد باشد تحمل آن و قراین شهادت بدهد که اگر افطار نکند چنان نحو اهمال شد پس اگر افطار نماید روزه او باطل است و قضا بر او واجب است و کفاره نیست و مثل اینست تقیه از مخالفین و اگر شک داشته باشد در اینکه چیزی مبطل روزه هست یا نه مثل آنکه مجتهد است و ممکن نمیشود او را فهمیدن حکم آن یا مقلد است و دست او بمجتهد

تتمه دعای ابو حمزه ثمالی

خير ما سألك منه عبادك الصالحون يا خير من سئل وأجود من أعطى
أعطني سؤلي في نفسي وأهلي ومالي وولدي ووالدي وأهل حزانتي
وإخواني فيك وأرغد عيشي وأظهر مروتي وأصلح جميع أحوالي واجعلني
ممن أطلت عمره وحسنت عمله وأتممت عليه نعمتك ورضيت عنه وأحييته
حيوة طيبة في أدوم السرور وأسبغ الكرامة وأتم العيش إنك تفعل ما
تشاء ولا يفعل ما يشاء غيرك اللهم وخصني منك بخاصة ذكرك و
لا تجعل شيئاً مما أتقرب به في آناء الليل وأطراف النهار رياءً ولا سمعة
ولا أشراً ولا بطراً واجعلني لك من الخاشعين اللهم أعطني السعة في الرزق و
الأمن في الوطن وقرة العين في الأهل والمال والولد والمقام في نعمك عندي
والصحة في الجسم والقوة في البدن والسلامة في الدين واستعملني
بطاعتك وطاعة رسولك محمد وأهل بيته صلى الله عليه وآله أبداً ما
استعمرتني واجعلني من أوفر عبادك عندك نصيباً في كل خير أنزلته و
تنزله في شهر رمضان في ليلة القدر وما أنت منزله في كل سنة من رحمة
تنشرها وعافية تلبسها وبلية تدفعها وحسنات تتقبلها وسيئات تتجاوز
عنها وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وارزقني رزقاً
واسعاً من فضلك الواسع واصرف عني يا سيدي الأسواء واقض عني
الدين والظلامات حتى لا أتأذى بشيء منه وخذ عني بأسماع وأبصار أعدائي
وحسادي والباغين علي وانصرني عليهم وأقر عيني وحقق ظني وفرح قلبي واجعل
لي من همي وكربي فرجاً ومخرجاً واجعل من أرادني بسوء من جميع خلقك
تحت قدمي واكفني شر الشيطان وشر السلطان وسيئات عملي و

در مسائل روزه

نمی‌رسد بدان فعل بر او جایز نیست و قضا و کفاره لازم است هر چند در واقع مبطل نباشد و وجوب کفاره فقط در صورتی است که عالم بحکم باشد چنانچه هر گاه مقصر است در روزه و اما جاهل پس اگر مقصر است و روزه او باطل است و قضا بر او واجب است و کفاره نه و اگر غیر مقصر است روزه او صحیح است و کفاره و قضا نیست

مبحث در بیان مفطرات که قضا دارد و کفاره ندارد و آنها چند چیز است اول آنکه حرام نیست ارتکاب آنها و لیکن موجب قضا میشود و آن چند چیز است از آنجمله افطار کردن پیش از تفحص از صبح با قدرت بر آن که جایز است تا یقین بصبح ندارد لیکن موجب قضا میشود اگر بعد معلوم شود که صبح بوده است قضا بر او لازم است نه کفاره و اگر مراعات نماید و تفحص نماید بباقی بودن شب و بعد معلوم شود که صبح بوده است نه قضا بر او و نه کفاره و مخصوص است حکم بصحت بر تقدیر تفحص نمودن بشهر رمضان و واجب معین نیست و از آنجمله است اعتماد نمودن بر قول کسیکه خبر دهد

در دعای ابوحمزه ثمالی

طهرنی من الذنوب کلها واجرنی من النار بعفوک وادخلنی الجنة برحمتک
وزوجنی من الحور العین بفضلک والحقنی باولیائک الصالحین محمد وآله
الابرار الطیبین الطاهرین الاخیار صلوات الله علیهم وعلی ارواحهم وعلی
اجسادهم ورحمة الله وبرکاته الهی وسیدی وعزتک وجلالک لئن
طالبتنی بذنوبی لاطالبنک بعفوک ولئن طالبتنی بلؤمی لاطالبنک بکرمک
ولئن ادخلتنی النار لاخبرن اهل النار بحبی لک الهی وسیدی ان کنت
لا تغفر الا لاولیائک فالی من یفزع المذنبون وان کنت لا تکرم الا اهل
الوفاء بک فبمن یستغیث المسیئون الهی ان ادخلتنی النار ففی ذلک سرور
عدوک وان ادخلتنی الجنة ففی ذلک سرور نبیک وانا والله اعلم ان سرور
نبیک احب الیک من سرور عدوک اللهم انی اسئلک ان تملأ قلبی
حبا لک وخشیة منک وتصدیقا بکتابک وایمانا بک وفرقا منک و
شوقا الیک یا ذا الجلال والاکرام حبب الی لقائک واحبب لقائی واجعل لی
فی لقائک الراحة والفرج والکرامة اللهم الحقنی بصالح من مضی و
اجعلنی من صالح من بقی وخذ بی سبیل الصالحین واعنی علی نفسی بما
تعین به الصالحین علی انفسهم واختم عملی باحسنه واجعل ثوابی منه
الجنة برحمتک یا رب العالمین واعنی علی صالح ما اعطیتنی وثبتنی
یا رب ولا تردنی فی سوء استنقذتنی منه ابدا اللهم انی اسئلک
ایمانا لا اجل له دون لقائک احینی ما احییتنی علیه وتوفنی اذا توفیتنی
علیه وابعثنی اذا بعثتنی علیه وابرء قلبی من الریاء والشک والسمعة فی
دینک حتی یکون عملی خالصا لک اللهم اعطنی بصیرة فی دینک وفهما

و اهل طاعتک

در مسائل روزه

که خبر ثبت شده یا آن مطمئن شود
و مظنه بقول او هم رساند و مفطر
بعد از او ورد و بعد معلوم شود که صبح
بوده و اگر علم بهم رساند یا آنکه جو
تفحص کند بدان قضا نیست و از آنجمله
اگر کسی خبر دهد صبح است و گمان کند
که شوخی میکند یا دروغ میگوید و
چیز بخورد و بعد معلوم شود که
صبح بوده است لازم است بر او قضا
نه کفاره

مبحث سیم حرامست روزه
واجب معین بالذات را افطار کردن و اگر
در بعضی آنها کفاره واجب میشود
مثل روزه ماه رمضان و نذر معین
و جایز است افطار نمودن روزه غیر
معین را پیش از زوال چه قضای ماه
رمضان باشد چه غیر آن چه قضا
از خود باشد چه از غیر و از غیر بر وجه
تبرع باشد و چه بر وجه ولایت و چه
بر وجه استیجار و مکروهست افطار
نمودن بعد از زوال در غیر قضاء
شهر رمضان و در آن حرامست و
اگر مضیق باشد

دعای ابوحمزه

فی حکمک وفقها فی علمک وکفلین من رحمتک وورعا یحجزنی عن معاصیک
وبیض وجهی بنورک واجعل رغبتی فیما عندک وتوفنی فی سبیلک
وعلی ملة رسولک صلی الله علیه وآله اللهم انی اعوذ بک من الکسل
والفشل والهم والحزن والجبن والبخل والغفلة والقسوة والذلة والمسکنة
والفقر والفاقة وکل بلیة والفواحش ما ظهر منها وما بطن واعوذ
بک من نفس لا تقنع وبطن لا یشبع وقلب لا یخشع ودعاء لا یسمع وعمل لا ینفع
وصلوة لا ترفع واعوذ بک یا رب علی نفسی ودینی وولدی ومالی وعلی
جمیع ما رزقتنی من الشیطان الرجیم انک انت السمیع العلیم اللهم انه لا یجیرنی
منک احد ولا اجد من دونک ملتحدا فلا تجعل نفسی فی شیء من عذابک ولا
تردنی بهلکة ولا تردنی بعذاب الیم اللهم تقبل منی واعل ذکری
وارفع درجتی وحط وزری ولا تذکرنی بخطیئتی واجعل ثواب مجلسی
وثواب منطقی وثواب دعائی رضاک والجنة واعطنی یا رب جمیع
ما سألتک وزدنی من فضلک انی الیک راغب یا رب العالمین اللهم
انک انزلت فی کتابک العفو وامرتنا ان نعفو عمن ظلمنا وقد ظلمنا انفسنا
فاعف عنا فانک اولی بذلک منا وامرتنا ان لا نرد سائلا عن ابوابنا وقد
جئتک سائلا فلا تردنی الا بقضاء حاجتی وامرتنا بالاحسان الی ما ملکت
ایماننا ونحن ارقاؤک فاعتق رقابنا من النار یا مفزعی عند کربتی ویا غوثی
عند شدتی الیک فزعت وبک استغثت وبک لذت لا الوذ بسواک
ولا اطلب الفرج الا منک فاغثنی وفرج عنی یا من یقبل الیسیر ویعفو
عن الکثیر انک انت الغفور الرحیم اللهم انی اسئلک ایمانا تباشر

اقبل منی الیسیر واعف عنی الکثیر

در مسائل روزه

وقت قضاء معین است اتمام آن لازم است و اگر باطل کند
لازم نمیشود کفاره و مکرر میشود کفاره
قبل از زوال و مکرر میشود در ایام
بتکرر موجبات آن اگر واقع شود در ایام
متعدده بلکه در یوم واحد بنا بر احوط اگر تعدد
کفاره ماه رمضان شود و اگر در آخر
ماه رمضان افطار کند و بعد ثابت
شود که روز عید بوده در آن کفاره
نیست و اگر مردی زن خود را که
نماید بر جماع و هر دو صائم باشند
واجب است بر مرد دو کفاره و بر
زوج و اگر زن اطاعت شوهر
نموده باشد واجب است بر هر یک
یک کفاره

مبحث چهارم در علامات دخول ماه رمضان و آن
چند چیز است اول دیدن هلال
پس هر که دید ماه را واجب میشود
بر او روزه هرگاه یقین داشته باشد
دوم گذشتن سی روز از هلال
شهر شعبان که در این صورت واجب
میشود روزه هر چند هلال
شهر رمضان

باب دعای سحور

بِهِ قَلْبِي وَيَقِيناً صَادِقاً حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَرَضِّنِي مِنَ
الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و مختصر این دعا در سحر اینست يَا مَفْزَعِي
عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي إِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ اسْتَغَثْتُ وَبِكَ
لُذْتُ لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ فَأَغِثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ
يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ
إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَاناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي حَتَّى أَعْلَمَ
أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَرَضِّنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي
وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَيَا غَايَتِي فِي
رَغْبَتِي أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي وَالْآمِنُ رَوْعَتِي وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ایضاً بسند بسیار معتبر وارد شده که حضرت امام رضا علیه السلام
فرمود که حضرت امام محمد باقر این دعا را در سحرها می‌خواندند و میفرمودند که اگر مردم
بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت آن را هر آینه شمشیر برای طلب این دعا کشند
با یکدیگر قتال نمایند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعا است راست گفته‌ام پس چون
این دعا را بخوانید با اهتمام تمام و تضرع بخوانید و از غیر اهلش پنهان دارید و دعا این است
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِيٌّ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلُّ
جَمَالِكَ جَمِيلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
جَلَالِكَ بِأَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ
كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ اللَّهُمَّ

شوال معلوم میشود و همچنین هلال [illegible] سی روز از هلال رمضان بگذشتن شهادت دو عدل لکن هرگاه موافق باشند در شهادت در وصف هلال و شهادت [illegible] بشرط آنکه موهون نباشد یعنی رؤیت آنها مستبعد نباشد مثل اینکه در موضعی که هیچ مانعی نباشد و عامه خلق استهلال کنند و رؤیت منحصر در آن دو نفر باشد که در اینمقام با وجود [illegible] باشند و اولی رجوع بحاکم شرع است اگر میسر شود زیرا که [illegible] شهادت و عدالت است چهارم شیاع است باینکه جمعی بگویند ماه را دیدیم و ثابت میشود بآن هلال با حصول علم [illegible] پنجم آنکه شرط است در وجوب قضا بلوغ و عقل و اسلام و ایمان پس واجب نیست قضا بر طفل و دیوانه و بیهوش [illegible] مگر آنکه ادراک

دیگر ادعای رؤیت نمایند که بقدر [illegible] نظر

دعاء من بهائک

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ
وَكُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتَمِّهَا وَكُلُّ
كَلِمَاتِكَ تَامَّةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ
كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا وَكُلُّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٌ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا وَكُلُّ عِزَّتِكَ
عَزِيزَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا وَكُلُّ
مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَذِهِ وَكُلُّ
عِلْمِكَ نَافِذٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ
بِأَرْضَاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِيٌّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِأَحَبِّهَا وَكُلُّ مَسَائِلِكَ إِلَيْكَ حَبِيبَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ
شَرِيفٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ
بِأَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاخِرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ
كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِأَعْلَاهُ وَكُلُّ عُلُوِّكَ عَالٍ اللَّهُمَّ إِنِّي

ادراک نمایند آنها اول صبح صادق را [illegible] و اما حایض و نفسا پس واجبست بر هریک قضا و همچنین بر کسی که خواب رفته باشد در تمام روز و نیت نکرده باشد و کسی که روزه را فراموش نموده باشد و کسی که ترک کرده باشد بعد از وجوب بر او و عدم قیام غیر روزه مقام آن و کسی که فراموش نموده باشد غسل جنابت را و بگذرد بر او چند روز یا کل ماه که واجبست بر او قضا و اگر غافل شود از جنابت یا از غسل یا از آنکه شب شب روزه است واجب نیست بر آن قضا و واجب نیست قضا بر مرتد چه ملی و چه فطری و واجب نیست بر سنی و نه بر سایر فرق اسلام که محکوم بکفر نیستند مثل خوارج و غلاة مگر آنچه فوت شده باشد از ایشان یا اخلال رسانیده باشد بنا بر مذهب خودشان هر چند بنا بر مذهب شیعه صحیح باشد و وجوب قضا فوری نیست و مستحبست تتابع

دعاهای مختصرهٔ ایام

اسئلك بعلولك كله اللهم اني اسئلك من منك باقدمه وكل منك
قديم اللهم اني اسئلك بمنك كله اللهم اني اسئلك من اياتك
باكرمها وكل اياتك كريمة اللهم اني اسئلك باياتك كلها
اللهم اني اسئلك بما انت فيه من الشان والجبروت واسئلك
بكل شان وحده وجبروت وحدها اللهم اني اسئلك بما تجيبني حين
اسئلك فاجبني يا الله پس هر حاجتیکه خواهد از حق تعالی بخواهد که البته برآورده
می شود امّا دعاهای هر روز از اول ماه تا آخر ماه در ذخیره از ابن عباس روایت کرده
که او از پیغمبر صلعم روایت کرده که در روز اول بگوید اللهم اجعل صيامي فيه صيام
الصائمين وقيامي فيه قيام القائمين وهب لي جرمي فيه يا اله العالمين
واعف عني يا عافيا عن المجرمين تا آنکه خدای تعالی هزار هزار حسنه باو بدهد و
هزار هزار سیئه از او محو کند و هزار هزار درجه او را بلند کرده اند دعای روز دوم
بگوید اللهم قربني فيه الى مرضاتك وجنبني فيه من سخطك ونقماتك و
وفقني فيه لقرائة اياتك برحمتك يا ارحم الراحمين تا آنکه خدای تعالی بعدد
هر گامی که میگذارد عبادت یکساله در نامه اعمال او نویسد که روز را روزه و شب نماز
باشد دعای روز سوم بگوید اللهم ارزقني فيه الذهن والتنبيه وباعدني فيه من السفاهة
والتمويه واجعل لي نصيبا من كل خير تنزل فيه يا اجود الاجودين
تا آنکه خدای تعالی از برای او در جنة الفردوس خانه بنا کند که در آن هزار غرفه باشد
از نور درخشنده و در هر غرفه هزار حور باشد و داخل شود بر او هر روز هزار ملك
از نزد خدای تعالی که هر کدام هدیه از برای او آورد دعای روز چهارم بگوید اللهم
قوني فيه على اقامة امرك وارزقني لاداء شكرك واحفظني فيه بحفظك

در اداب روزه

و نیت در آن واجب نیست
سنت نیست و روزه مستحب صحیح نیست
از کسیکه بر ذمه او روزه واجب باشد
مگر آنکه قادر نباشد بر واجب که جایز است

باب ٧٠ در سنتها و اداب روزه

مکروه است روزه دار را بوسیدن
زنان و دست بازی کردن با ایشان و بود
نزدیک شدن با ایشان و اقرب آنستکه
کراهت مخصوص بصورتیست که ایشان
محرك شهوت او باشند و خوف وقوع
جماع داشته باشد و مکروه است
کشیدن چیزی در چشم که اثر طعمی
باشد که بحلق برسد یا در آن مشکی
باشد و مشهور کراهیت بیرون آوردن
خون است از بدن که باعث ضعف
شود و در حجامت احتیاط بیشتر
باید کرد و هم چنین داخل شدن در حمام
که مضعف باشد و مکروه است بوئیدن
گلها خصوصا نرجس و همچنین است که
مشک را هم نبوید و سایر بوهای
خوش مکروه

دعاهای مختصرهٔ ایام

وسترك يا ابصر الناظرين تا آنکه او را خدای تعالی در جنة الخلد هفتاد هزار تخت کرامت فرماید
که بر روی هر تختی حوری باشد دعای روز پنجم بگوید اللهم اجعلني فيه من المستغفرين
واجعلني فيه من عبادك الصالحين القانتين واجعلني فيه من اوليائك
المقربين برافتك يا ارحم الراحمين تا آنکه خدای تعالی در جنة المأوی
هزار قصر کاشانه باو دهد که در هر قصر از او هزار لون از طعام باشد دعای روز ششم بگوید اللهم
لا تخذلني فيه لتعرض معصيتك ولا تضربني بسياط نقمتك وزحزحني
فيه من موجبات سخطك بمنك واياديك يا منتهى رغبة الراغبين
تا آنکه خدای تعالی در بهشت چهل هزار شهر باو دهد که در هر شهری هزار خانه باشد و در هر خانه
هزار تخت باشد که طول هر تختی هزار ذرع باشد و بر هر تختی حوری باشد که او را هزار
گیسو باشد و بر هر گیسو او را کنیزی گرفته باشد دعای روز هفتم بگوید اللهم اعني فيه على صيامه
وقيامه وجنبني فيه من هفواته واثامه وارزقني فيه ذكرك بدوامه
بتوفيقك يا هادي المضلين تا آنکه خدای تعالی باو کرامت کند در بهشت چیزی را که به
شهدا و سعدا و اولیا کرامت کرده است دعای روز هشتم بگوید اللهم ارزقني فيه رحمة
الايتام واطعام الطعام وافشاء السلام ومجانبة اللئام وصحبة الكرام
بطولك يا ملجا الاملين تا آنکه عمل او مثل عمل حبیبی صدیق بسوی آسمان بلند شود دعای روز
نهم بگوید اللهم اجعل لي فيه نصيبا من رحمتك الواسعة واهدني فيه
لبراهينك الساطعة وخذ بناصيتي الى مرضاتك الجامعة بمحبتك يا امل
المشتاقين تا آنکه خدای تعالی باو ثواب انبیاء بنی اسرائیل کرامت کند دعای روز دهم بگوید اللهم
اجعلني فيه من المتوكلين عليك واجعلني فيه من الفائزين لديك و
اجعلني فيه من المقربين اليك باحسانك يا غاية الطالبين دعای روز یازدهم

در اداب روزه

تنبیه
مستحبات است و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که بلند
تحفه صائم است و فرمود که هر گاه
روزه دار یکه در اول روز بخود و اخشبه
کند عقلش زایل نشود و اشهر
اقوی آنستکه بوئیدن روغنهای خوشبو
معطر نا پسند است و بعضی گفته اند که بوئیدن
غلیظه که بجوف برسد موجب قضا
و کفاره میشود و احوط آنستکه
بوی خوش سائید که بدماغ
بالا رود نبوید چنانچه دود
و اردشدا است و مکروه است که
صائم که جامه ملاصق بدن تر
کند و مکروه است زن صائم را
که در آب نشیند چنانچه گذشت
و از حضرت صادق منقولست که هرگاه
روزه داری باید که روزه باشد
گوش تو و چشم تو و موی تو و پوست
تو و جمیع اعضای تو یعنی از حرام
بلکه از مکروهات و فرمود که نباید
روز روزه تو مانند روز افطار
تو باشد

در ادعیه مختصره ایام

بکوید اللهم حبب الیّ فیه الاحسان وکرّه الیّ فیه الفسوق والعصیان وحرّم علیّ
فیه السخط والنیران بعونك یا غیاث المستغیثین تا انکه نوشته شود از برای
او حجه مقبوله که انرا با پیغمبر بجا اورده باشد وعمره مقبوله که انرا با اهل علیهم السلام
بجا اورده باشد وهر حجه که با پیغمبر بجا اورد برابری میکند با هفتاد هزار حجه که با غیر پیغمبر
بجای اورد وهر عمره که با ائمه بجا اورد برابری میکند با هفتاد هزار عمره که با غیر ایشان
بجای اورده باشد روز بیست وهشتم بکوید اللهم زینی فیه بالستر والعفاف و
استرنی فیه بلباس القنوع والکفاف واحملنی فیه علی العدل
والانصاف وامنّی فیه من کل ما اخاف بعصمتك یا عصمة الخائفین
خداوند بیامرزد کناهان کذشته او را وسیئات او را بحسنات مبدل سازد روز
سیزدهم اللهم طهّرنی فیه من الدنس والاقذار وصبّرنی فیه علی
کائنات الاقدار ووفقنی فیه للتقی وصحبة الابرار بعونك یا
قرة عین المساکین تا انکه حق تعالی بعدد هر سنك وکلوخی حسنه با و
کرامت کند وبعدد مذکور درجه او را در بهشت بلند کرداند روز چهاردهم بکوید
اللهم لا تؤاخذنی فیه بالعثرات واقلنی فیه من الخطایا والهفوات و
لا تجعلنی فیه غرضا للبلایا والافات بعزتك یا عز المسلمین تا انکه روزه
او مثل روزه باشد که با انبیا وصلحا وصدیقین وشهدا کرفته باشد روز پانزدهم بکوید
اللهم ارزقنی فیه طاعة العابدین واشرح فیه صدری بانابة المخبتین بامانك یا
امان الخائفین تا انکه حقتعالی هشتاد حاجت او بطلبها او روا کند از حوائج دنیا وبیست حاجت
از حوائج اخرت ودر جنة الفردوس هزار شهر باو دهند در همسایکی پیغمبران از نور
درخشنده در هر شهری هزار غرفه باشد در هر غرفه هزار حجره ودر هر حجره انچه نفس خواهد

در اداب ترک زیارة

از انحضرت منقولست که فرمودند که روزه نه همین باز داشتن خودست از خوردن
واشامیدن تنها بلکه باید که در روزه نکاه دارید زبان خود را از
دروغ وبپوشانید دیدهای خود را
از حرام وبا یکدیکر نزاع مکنید وحسد
مبرید وغیبت مکنید ومجادله مکنید
وسوکند دروغ مخورید بلکه سوکند
راست نیز مخورید ودشنام مدهید وفحش
مکوئید وستم مکنید وبیخردی مکنید
ودلتنك مشوید وغافل مشوید از
یاد خدا واز نماز وخاموش باشید از
انچه نباید کفت وصبر کنید وراست
کو باشید ودوری کنید از اهل
شر واجتناب کنید از کفتار دروغ
وافترا وخصومت کردن با مردم و
کمان بد بردن وغیبت کردن وسخن
چینی کردن وخود را مشرف بر اخرت
بکردانید ومنتظر فرج وظهور قائم
ال محمد باشید واز زومند ثوابهای
اخرت باشید وتوشه اعمال صالحه
برای اخرت بردارید

وحشم

در ثواب ادعیه ایام

وچشم از ان محظوظ شود موجود باشد واو در انجا مخلد باشد روز شانزدهم بکوید اللهم
اهدنی فیه لعمل الابرار وجنبنی فیه مرافقة الاشرار وادخلنی فیه برحمتك
الی دار القرار بالهیتك یا اله العالمین تا انکه خدا تعالی در روزیکه او از قبر
بیرون اید باو نور درخشانی کرامت فرماید که در ان نور رود وحله از بهشت براو بپوشانند
وناقه باو دهند که بر او سوار شود واز شراب بهشت باو دهند روز هفدهم بکوید اللهم
اهدنی فیه لصالح الاعمال واقض لی فیه الحوائج والامال یا من لا یحتاج
الی السؤال یا عالما بما فی صدور العالمین تا انکه خدای تعالی او را بیامرزد اکر چه از
خاسران باشد روز هجدهم بکوید اللهم نبهنی فیه لبرکات اسحاره ونوّر فیه قلبی بضیاء
انواره وخذ بکل اعضائی الی اتباع اثاره یا منوّر قلوب العارفین تا انکه
خدا تعالی ثواب هزار پیغمبر باو عطا فرماید روز نوزدهم بکوید اللهم وفّر حظی من برکاته
وسهّل سبیلی الی خیراته ولا تحرمنی قبول حسناته یا هادیا الی الحق المبین
تا انکه ملائکه اسمان وزمین از برای او استغفار کنند ودعا نمایند روز بیستم بکوید
اللهم افتح لی فیه ابواب الجنان واغلق عنی فیه ابواب النیران ووفقنی فیه لتلاوة
القران یا منزل السکینة فی قلوب المؤمنین تا انکه بعدد هر کسیکه در این ماه
روزه کرفته عبادت شصت سال مقبوله از برای او نوشته شود وحقتعالی هزار ملك
برانکیزاند که او را حفظ کنند از شر هر جبار عنید وهر شیطان مرید وخدا تعالی میان او
واتش دوزخ هفت خندق بیافریند که عرض هر خندقی ما بین اسمان وزمین باشد روز
بیست ویکم بکوید اللهم اجعل لی فیه الی مرضاتك دلیلا ولا تجعل للشیطان فیه علیّ
سبیلا یا قاضی حوائج السائلین تا انکه حقتعالی قبر او را نورانی کرداند وروی او را
سفید کرداند وبر صراط مثل برق جهنده بکذرد روز بیست ودوم بکوید اللهم افتح لی فیه ابواب

واجعل الجنة لی منزلا ومقیلا

وبپوشید با ادب باطن پیرایش وشکستی
دل وارامتن وخضوع وخشوع
ومذلت بندکان نیاز مند که از ناهی خود ترسند
ترسان باشید از عذاب خدا وامیدوار
باشید برحمت او وباید که پاک باشد
احد روزه دار دل تو از عیبها وبواطن
تو از حیلها ومکرها وپاکیزه باشد بدن
تو از کثافتها وبیزاری بجوئید بسوی
خدا از انچه غیر اوست ودر روزه
خود را خالص کردانید برای او وپیشوایت
باشی از انچه نهی کرده است خدا تو را
از ان در اشکار وپنهان وبترسی از
خداوند جبار انچه سزاوار ترسیدن
اوست در پنهان واشکار وببخشی روح
وبدن خود را بخدای عز وجل در ایام
روزه خود وفارغ کردانی دل خود را
برمحبت او ویاد او وبکار فرمائی بدن
خود را در انچه خدا امر کرده است بان و
خوانده است بسوی ان اکر چنین کنی
بعمل اورده انچه سزاوار روزه داشتن
بعمل اورده وفرموده خدا را اطاعت
کرده وانچه کم کنی از انچه بیان کردم
از برای تو نقصان

در ادعیه مختصره ایام

ان از روزه
کم میشود از فضل ان
و ثواب آن بدرستیکه پدرم گفت
که رسول خدا شنید که زنی در روزه جاریه خود را دشنام داد
حضرت طعامی طلبید و فرمود بزن
که بخور گفت من روزه‌ام حضرت
فرمود که چگونه روزه داری و جاریه خود را
دشنام دادی روزه از خوردن و
آشامیدن تنها نیست بدرستیکه
حقتعالی روزه را حجابی گردانیده است
از سایر امور قبیحه از کردار و گفتار
بد و چه بسیار کمند روزه‌داری
که بهره نیست او را بغیر از گرسنگی
و تشنگی و چه بسیار عبادت کننده
که نیست او را بهره از عبادت بغیر
تعب و خوشا خواب زیرکان که بهتر است
از بیداری و عبادت احمقان و خوشا
افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه
داشتن بیخردان است زیرا که خواب
مقربان چون بنیت صحیح و تعلیم
شارع واقع شود از جمله عبادات است
بلکه ارواح ایشان

فضلك وانزل علیّ فیه برکاتك ووفقنی فیه لموجبات مرضاتك واسکنّی
فیه بحبوحة جناتك یا مجیب دعوة المضطرین تا انکه خدا تعالی [illegible]
آسان کرداند و او را ثابت کرداند بر پل صراط روز بیست و سوم بگوید اللهم اغسلنی فیه
من الذنوب وطهرنی فیه من العیوب وامتحن فیه قلبی بتقوی القلوب
یا مقیل عثرات المذنبین تا انکه با پیغمبران و صدیقان مثل برق جهنده از صراط
بگذرد روز بیست و چهارم بگوید اللهم انی اسئلك فیه ما یرضیك واعوذ بك
فیه مما یؤذیك واسئلك التوفیق فیه لان اطیعك ولا اعصیك یا عالما
بما فی صدور العالمین تا انکه خدای تعالی بعدد هر موئی که بر سر و جسد او است کنیز و غلام
که مثل یاقوت و مرجان باشد باو عطا فرماید روز بیست و پنجم بگوید اللهم اجعلنی فیه
محبا لاولیائك ومعادیا لاعدائك مستنا بسنة خاتم انبیائك یا عاصم
قلوب النبیین تا انکه حق تعالی بنا کند از برای او در بهشت صد قصر که بر هر قصری خیمه سبزی
باشد روز بیست و ششم بگوید اللهم اجعل سعیی فیه مشکورا وذنبی فیه مغفورا
وعملی فیه مقبولا وعیبی فیه مستورا یا اسمع السامعین تا انکه در قیامت
او را ندا کنند که ای بنده خدا مترس و اندوهگین مباش که خدای تعالی ترا آمرزید روز بیست و
هشتم بگوید اللهم وفر حظی فیه من النوافل واکرمنی فیه باحضار المسائل
وقرب فیه وسیلتی الیك من بین الوسائل یا من لا یشغله الحاح الملحین تا انکه ثواب
کسی باو دهند که اطعام داده باشد هر گرسنه را و سیراب گردانیده باشد هر تشنه را
و اکرام کرده باشد هر مؤمن و مؤمنه را که در دنیا باشد روز بیست و نهم اللهم غشنی
فیه بالرحمة وارزقنی فیه التوفیق والعصمة وطهر قلبی فیه من غیابت التهمة یا رحیما بعباده
المؤمنین تا انکه در بهشت چندان بهره باو دهند که اگر قیاس کرده شود نصیب و بهره او بدنیا

در ادعیه ایام ماه مبارک

در عالم قدس
با ارواح انبیا و اوصیا [illegible] از مخلص
مؤمنان محشور میگردند و برای او غیب
بشر و رؤیای صادقه مطالع میگردند و
راهی از راههای قرب ایشانست و افطار
خردمندان چون از روی دانائیست
بوجهی که حقتعالی خواسته افطار می
نمایند بهتر است از روزه‌های احمقان
که روزه را دستگاه خودفروشی
کرده‌اند و بریا و عجب و غرور میگذرانند
[illegible]
و لشناسد صوم عام نمیکنند و اسرار که
در بیتا جمله از ختوم مجربه و افادات
بعضی از آنها از جمله غیابات و افادات
در بانیه امثال الی جمله ختوم ختم آیه کریمه
الله نور السموات والارض است
و این ختم را مرحوم مبرور آخوند ملا
زین العابدین گلپایگانی اعلی الله مقامه
از اساتید عظام نقل فرموده اند و نیز
مرحوم مبرور حاجی سید علی است
ششتری ره از مرحوم سید محمد
العلوم اعلی الله مقامهما روایت
فرموده اند و حقیر این ختم را از
حاجی سید علی

جهل برابر دنیا باشد روز بیست و هفتم بگوید اللهم ارزقنی فیه فضل لیلة القدر و
صیر اموری فیه من العسر الی الیسر واقبل معاذیری وحط عنی الوزر یا رؤفا
بعباده الصالحین تا انکه بنا شود از برای او در بهشت هزار شهر از طلا و نقره و زمرد
و مروارید روز سی ام بگوید اللهم اجعل صیامی فیه بالشکر والقبول علی ما
ترضاه ویرضاه الرسول محکمة فروعه بالاصول بحق سیدنا محمد وآله الطیبین
الطاهرین والحمد لله رب العالمین و بسند معتبر منقولست از حضرت امام زین العابدین و امام
محمد باقر علیهما السلام منقولست که در هر روز ماه مبارک این دعا را می خواندند اللهم هذا شهر رمضان
الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان وهذا شهر
الصیام وهذا شهر القیام وهذا شهر الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر
المغفرة والرحمة وهذا شهر العتق من النار والفوز بالجنة وهذا شهر فیه لیلة
القدر التی هی خیر من الف شهر اللهم فصل علی محمد وآل محمد واعنی
علی صیامه وقیامه وسلمه لی وسلمنی فیه واعنی علیه بافضل عونك
ووفقنی فیه لطاعتك وطاعة رسولك واولیائك صلوات الله علیهم و
فرغنی فیه لعبادتك ودعائك وتلاوة کتابك وعظم لی فیه البرکة
واحسن لی فیه العافیة واحرز لی فیه التوبة واصح لی فیه بدنی واوسع فیه
رزقی واکفنی فیه ما اهمنی واستجب فیه دعائی وبلغنی فیه رجائی اللهم
صل علی محمد وآل محمد واذهب عنی فیه النعاس والکسل والسأمة
والفترة والقسوة والغفلة والغرة وجنبنی فیه العلل والاسقام والهموم
والاحزان والاعراض والامراض والخطایا والذنوب واصرف عنی فیه السوء
والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء انك سمیع الدعاء اللهم صل

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِذْنی فیهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ وَهَمْزِهِ وَلَمْزِهِ وَنَفْثِهِ
وَنَفْخِهِ وَوَسْوَسَتِهِ وَتَثْبیطِهِ وَبَطْشِهِ وَکَیْدِهِ وَمَکْرِهِ وَحَبائِلِهِ وَخُدَعِهِ
وَاَمانیهِ وَغُرُورِهِ وَفِتْنَتِهِ وَشَرَکِهِ وَاَحْزابِهِ وَاَتْباعِهِ وَاَشْیاعِهِ وَاَوْلِیائِهِ
وَشُرَکائِهِ وَجَمیعِ مَکائِدِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنا قِیامَهُ
وَصِیامَهُ وَبُلُوغَ الْاَمَلِ فیهِ وَفی قِیامِهِ وَاسْتِکْمالَ ما یُرْضیکَ عَنّی صَبْراً
وَاحْتِساباً وَایماناً وَیَقیناً ثُمَّ تَقَبَّلْ ذٰلِکَ مِنّی بِالْاَضْعافِ الْکَثیرَةِ وَالْاَجْرِ
الْعَظیمِ یا رَبَّ الْعالَمینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِی الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ
وَالْجِدَّ وَالْاِجْتِهادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشاطَ وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفیقَ
الْقُرْبَةَ وَالْخَیْرَ الْمَقْبُولَ وَالرَّهْبَةَ وَالرَّغْبَةَ وَالتَّضَرُّعَ وَالْخُشُوعَ وَالرِّقَّةَ
وَالنِّیَّةَ الصّادِقَةَ وَصِدْقَ اللِّسانِ وَالْوَجَلَ مِنْکَ وَالرَّجاءَ لَکَ وَالتَّوَکُّلَ
عَلَیْکَ وَالثِّقَةَ بِکَ وَالْوَرَعَ عَنْ مَحارِمِکَ مَعَ صالِحِ الْقَوْلِ وَمَقْبُولِ السَّعْیِ
وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَمُسْتَجابِ الدَّعْوَةِ وَلا تَحُلْ بَیْنی وَبَیْنَ شَیْءٍ مِنْ ذٰلِکَ
بِعَرَضٍ وَلا مَرَضٍ وَلا هَمٍّ وَلا غَمٍّ وَلا سُقْمٍ وَلا غَفْلَةٍ وَلا نِسْیانٍ بَلْ بِا
لتَّعاهُدِ وَالتَّحَفُّظِ لَکَ وَفیکَ وَالرِّعایَةِ لِحَقِّکَ وَالْوَفاءِ بِعَهْدِکَ وَوَعْدِکَ
بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لی فیهِ
اَفْضَلَ ما تَقْسِمُهُ لِعِبادِکَ الصّالِحینَ وَاَعْطِنی فیهِ اَفْضَلَ ما تُعْطی اَوْلِیائَکَ
الْمُقَرَّبینَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالتَّحَنُّنِ وَالْاِجابَةِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ الدّائِمَةِ
وَالْعافِیَةِ وَالْمُعافاتِ وَالْعِتْقِ مِنَ النّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَخَیْرِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعائی فیهِ اِلَیْکَ واصِلاً وَرَحْمَتَکَ
وَخَیْرَکَ اِلَیَّ فیهِ نازِلاً وَعَمَلی فیهِ مَقْبُولاً وَسَعْیی فیهِ مَشْکُوراً وَذَنْبی فیهِ

در آداب روزه

کرفته‌ام و نیز اجازه فرموده‌اند
که مستحقین را از عدول اجازه بدهم
تا کیفیت آن انستکه چهل روز روزه
بدارد و غرض از صوم مجرد نیت و
امساک از مفطرات نیست بلکه مقصود
صوم کامل است که از جمیع معاصی قلبیه
و جوارحیه اجتناب نماید و از کافه
شهوات نفسانیه اجتناب نماید
و در ... روز اول غسل کند و در هر
شب ما بین العشائین هر یک از
کلمه کهیعص را با حمعسق بعدد
جمل کبیر تلاوت کند و در بقیه
با حضور قلب سر برهنه چهارده
مرتبه صلوات بفرستد و چهار
ده مرتبه صلوات آیه مبارکه نور را
تلاوت کند چون بدین نحو مداومت
نماید دو رؤیای صادقه خواهد
دید و هرگاه قابل نباشد او را
خواهند ترسانید و هرگاه بخواهند
او را ترقی دهند در اربعین دوم
هر یک از صلوات و آیه نور را

مَغْفُوراً حَتّی یَکُونَ نَصیبی فیهِ الْاَکْبَرَ وَحَظّی فیهِ الْاَوْفَرَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَوَفِّقْنی فیهِ لِلَیْلَةِ الْقَدْرِ عَلی اَفْضَلِ حالٍ تُحِبُّ اَنْ یَکُونَ عَلَیْها
اَحَدٌ مِنْ اَوْلِیائِکَ وَاَرْضاها لَکَ ثُمَّ اجْعَلْها لی خَیْراً مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ وَارْزُقْنی فیها
اَفْضَلَ ما رَزَقْتَ اَحَداً مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ اِیّاها وَاَکْرَمْتَهُ بِها وَاجْعَلْنی فیها مِنْ عُتَقائِکَ
مِنْ جَهَنَّمَ وَطُلَقائِکَ مِنَ النّارِ وَسُعَداءِ خَلْقِکَ بِمَغْفِرَتِکَ وَرِضْوانِکَ یا اَرْحَمَ
الرّاحِمینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنا فی شَهْرِنا هٰذَا الْجِدَّ وَالْاِجْتِهادَ
وَالْقُوَّةَ وَالنَّشاطَ وَما تُحِبُّ وَتَرْضی اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَلَیالٍ عَشْرٍ وَ
الشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَرَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ وَما اَنْزَلْتَ فیهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَرَبَّ
جَبْرَئیلَ وَمیکائیلَ وَاِسْرافیلَ وَجَمیعِ الْمَلائِکَةِ الْمُقَرَّبینَ وَرَبَّ اِبْراهیمَ وَ
اِسْمٰعیلَ وَاِسْحٰقَ وَیَعْقُوبَ وَرَبَّ مُوسی وَعیسی وَجَمیعِ النَّبِیّینَ وَالْمُرْسَلینَ
وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ وَنَظَرْتَ اِلَیَّ
نَظْرَةً رَحیمَةً تَرْضی بِها عَنّی رِضاً لا تَسْخَطُ عَلَیَّ بَعْدَهُ اَبَداً وَاَعْطَیْتَنی جَمیعَ
سُؤْلی وَرَغْبَتی وَاُمْنِیَّتی وَاِرادَتی وَصَرَفْتَ عَنّی ما اَکْرَهُ وَاَحْذَرُ وَاَخافُ
عَلی نَفْسی وَما لا اَخافُ وَعَنْ اَهْلی وَمالی وَاِخْوانی وَاَخَواتی وَذُرِّیَّتی اَللّٰهُمَّ
اِلَیْکَ فَرَرْنا مِنْ ذُنُوبِنا فَآوِنا تائِبینَ وَتُبْ عَلَیْنا مُسْتَغْفِرینَ وَاغْفِرْ لَنا
مُتَعَوِّذینَ وَاَعِذْنا مُسْتَجیرینَ وَاَجِرْنا مُسْتَسْلِمینَ وَلا تَخْذُلْنا راهِبینَ
وَآمِنّا راغِبینَ وَشَفِّعْنا سائِلینَ وَاَعْطِنا اِنَّکَ سَمیعُ الدُّعاءِ قَریبٌ مُجیبٌ
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبّی وَاَنَا عَبْدُکَ وَاَحَقُّ مَنْ سَئَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ وَلَمْ یَسْئَلِ الْعِبادُ
مِثْلَکَ کَرَماً وَجُوداً یا مَوْضِعَ شَکْوَی السّائِلینَ وَیا مُنْتَهی حاجَةِ الرّاغِبینَ
وَیا غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ وَیا مُجیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّینَ وَیا مَلْجَاَ الْهارِبینَ وَیا صَریخَ

در خواص ...

بخوانند
و در اربعین بعدد ...
لفظ نور که دویست و پنجاه و ...
بخواند چون با این نحو مواظبت
نماید دو رؤیای صادقه خواهد
دید خدمت حضرات ائمه علیهم
السلام میرسد و افاضات کاف
با و میرسد و بآنچه مطلوب او است
نایل میگردد ولی باید متقی و پرهیزکار
باشد و قلب خود را از محبت
دنیا و حسد و کینه و کبر و ریا
و امثال اینها پاک کرده اند
و بمحاسن اخلاق متصف شده
و پیوسته بمجاهده شرعیه مشغول
باشد آثار کلیه از این ختم شریف
برای او حاصل میشود و بر جمله از
علوم غریبه آگاه میشود و شرط
عامه ختم چند امر است اول قلة اکل
حیوانی دویم قلة مباشرت مکر انچه
در شرع مطلوب است سیم قلة
کلام چهارم قلة خواب و پنجم انستکه
غالبا از ذکر خدا غافل نباشد و
بدانکه اعظم امور

المستصرخين و يا ربّ المستضعفين و يا كاشف كرب المكروبين و يا فارج
همّ المهمومين و يا كاشف الكرب العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم
الراحمين صلّ على محمّد و آل محمّد و اغفر لى ذنوبى و عيوبى و اسائتى و
ظلمى و جرمى و اسرافى على نفسى و ارزقنى من فضلك و رحمتك فانّه لا
يملكها غيرك و اعف عنّى و اغفر لى كلّ ما سلف من ذنوبى و اعصمنى
فيما بقى من عمرى و استر علىّ و على والدىّ و ولدى و قرابتى و اهل
حزانتى و من كان منّى بسبيل من المؤمنين و المؤمنات فى الدنيا و الآخرة
فانّ ذلك كلّه بيدك و انت واسع المغفرة فلا تخيّبنى يا سيّدى و لا تردّ
دعائى و لا تردّ يدى الى نحرى حتّى تفعل ذلك بى و تستجيب لى جميع ما
سألتك و تزيدنى من فضلك فانّك على كلّ شىء قدير و نحن اليك
راغبون اللّهمّ لك الاسماء الحسنى و الامثال العليا و الكبرياء و الآلاء
اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت فى هذه الليلة
تنزّل الملائكة و الروح فيها ان تصلّى على محمّد و آل محمّد و ان تجعل اسمى
فى السعداء و روحى مع الشهداء و احسانى فى علّيّين و اسائتى مغفورة
و ان تهب لى يقينا تباشر به قلبى و ايمانا لا يشوبه شكّ و رضا بما
قسمت لى و آتنى فى الدنيا حسنة و فى الآخرة حسنة و قنى عذاب النار
و ان لم تكن قضيت فى هذه الليلة تنزّل الملائكة و الروح فيها فاخّرنى
الى ذلك و ارزقنى فيها ذكرك و شكرك و طاعتك و حسن عبادتك
فصلّ على محمّد و آل محمّد بافضل صلواتك يا ارحم الراحمين يا
احد يا صمد يا ربّ محمّد و آل محمّد اغضب اليوم لمحمّد و لابرار عترته

و اقتل

در شرایط خشوع

از تاثیر خشوع است مانع
محبت دنیا و غواشی ظلمانیه و
جسمانیه است و اعظم اموریکه باعث
بر تاثیر خشوع میباشد تحصیل مرتبه فنا است
که در حدیث فرموده موتوا قبل ان
تموتوا و در علامات مؤمن فرموده
میتا شهوته و مقصود از فنا و تقوی
از ما سوی الله که قلب او هیچ چیز
تعلق نداشته باشد المؤمن من کان
فی قلبه مثقال خردلة سوی حبّ الله
تا علم انه مرض ... که خدا و
مشیتی برای خود قرار ندهد بلکه
مشیت خود را تابع مشیت الهی قرار
دهد تو خود حجاب خودی حافظ
از میان برخیز و تفصیل این
... در کتاب اخلاق المؤمنین
و در رساله اخلاق ایراد نموده ام
و باید نفس را تزکیه کند چه بدون
تزکیه نفس اثری بر خشوع مترتب
... خداوند جل شانه
... قد افلح من زکّیها و
قد خاب من دسّیها

و اقتل اعداءهم بددا و احصهم عددا و لا تدع على ظهر الارض منهم احدا
و لا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا خليفة النبيّين انت ارحم الراحمين
البدئ البديع الذى ليس كمثله شىء و الدائم غير الغافل و الحىّ الذى
لا يموت انت كلّ يوم فى شأن انت خليفة محمّد صلّى الله عليه و
آله و ناصر محمّد و مفضّل محمّد اسألك ان تنصر وصىّ محمّد و خليفة محمّد و القائم
بالقسط من اوصياء محمّد صلواتك عليه و عليهم اعطف عليهم نصرك يا
لا اله الّا انت بحقّ لا اله الّا انت صلّ على محمّد و آل محمّد و اجعلنى معهم فى
الدنيا و الآخرة و اجعل عاقبة امرى الى غفرانك و رحمتك يا ارحم الراحمين
و كذلك نسبت نفسك يا سيّدى باللطيف بلى انّك لطيف فصلّ على
محمّد و آل محمّد و الطف بى لما تشاء اللّهمّ صلّ على محمّد و آل محمّد و ارزقنى
الحجّ و العمرة فى عامنا هذا و فى كلّ عام و تطوّل علىّ بجميع حوائجى للدنيا
و الآخرة پس سه مرتبه بگوید استغفر الله ربّى و اتوب اليه انّ ربّى قريب مجيب
استغفر الله ربّى و اتوب اليه انّ ربّى رحيم ودود استغفر الله ربّى
و اتوب اليه انّه كان غفّارا اللّهمّ اغفر لى انّك انت ارحم
الراحمين ربّ انّى عملت سوءا و ظلمت نفسى فاغفر لى انّه لا يغفر الذنوب
الّا انت استغفر الله الذى لا اله الّا هو الحىّ القيّوم الحليم العظيم العليم الكريم
الغفّار للذنب العظيم و اتوب اليه استغفر الله انّ الله كان غفورا رحيما
پس سه مرتبه بگوید اللّهمّ انّى اسألك ان تصلّى على محمّد و آل محمّد و ان
تجعل فيما تقضى و تقدّر من الامر العظيم المحتوم فى ليلة القدر من القضاء
الذى لا يردّ و لا يبدّل ان تكتبنى من حجّاج بيتك الحرام المبرور حجّهم

در عدد دشمنان

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بعد از مراجعت از جهاد کفار
با جهاد اکبر تعبیر فرموده بدانکه انسان مرکب
جهاد با نفس است و بدانکه انسان مرکب
از دو چیز یکی از آنها مرتبه انسانیه و
ناطقیه است و دیگری مرتبه حیوانیه
هرگاه جنبه حیوانیه را تقویت کند از
حیوانات پست تر میشود و اگر جنبه
انسانیه را تقویت کند بمقامات عالیه
و درجات رفیعه فائز میشود هرکه متابعت
هدی نمود بمقام سعادت رسید
و هرکه متابعت نفس و هوی و هوس نمود
بهلاکت رسید و بدانکه جهاد دشمن
نمود هلاک شد و بدانکه جهاد با دشمن
داری که امام در دعا اشاره نموده
یا الهی الیک اشکو نفسا بالسوء امّارة
و الیک اشکو عدوّا یضلّنی و هوی قد غلبنی
و من قلبٍ قد قسا من دنیا قد
تزیّنت لی و من نفس امّارة بالسوء
استکلب علیّ
الّا ما رحم ربّی و بدانکه هوای نفس
شیطان است از شیطان بلکه
شرعیات بدتر است از شیطان
تاثیر وساوس شیطان تسویلات
نفس است و از این جهت است که شیطان
تسلط ... بر ... ندارد

در ادعیهٔ ماه مبارک رمضان

الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا
تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوَسِّعَ رِزْقِي وَتُؤَدِّيَ عَنِّي أَمَانَتِي
وَدَيْنِي آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْنِي
مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ وَاحْرُسْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَرِسُ وَمِنْ حَيْثُ
لَا أَحْتَرِسُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً و از جمله
دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان دعائی است که سید بن طاوس ره فضیلت بسیار
از برای او ذکر کرده و در استجابت دعوات مجرّب و مضامین عالیه مشتمل است و دعا
اینست سه مرتبه بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي پس بگوید
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِيٌّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ
وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ پس سه مرتبه بگوید
اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي پس بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا وَكُلُّ
رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا پس سه مرتبه بگوید اللَّهُمَّ
إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي پس بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِكَمَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتَمِّهَا وَكُلُّ كَلِمَاتِكَ تَامَّةٌ

در تحصیل اخلاق

دو دو ملکت جنود انسانی قوهٔ عاقله و قوهٔ جاهله موجود است و هر یک از اینها هفتاد و پنج نیرو دارند و پیوسته در مقام منازعه و جدال میباشند و همه ملکات حسنه از جنود عقل و جمیع ملکات رذیله از جنود جهل میباشد پس هرگاه جنود عقل را مسلط نمودی جنود جهل مغلوب میشود و نجات خواهی یافت و اگر جنود جهل را مسلط نمودی و متابعت هوا و هوس نمودی هلاک خواهد شد فتبصروا ان کنت بصیرا وانهم واغتنم فان الحر تکفیه الاشارة و بدانکه ایمان بجمیع اعضا و جوارح تو منبعث میباشد اگر اطاعت خدا را میکنی ایمان تو زیاد میشود و اگر مرتکب معصیت میشوی معادل همان معصیت از ایمان تو کم میشود چنانکه حدیث لا یزنی الزانی و هو مؤمن و لا یسرق السارق و هو مؤمن اشاره بهمان معنی باشد مؤلف گوید هنگامی که در ارض اقدس نجف

در ادعیهٔ ایّام ماه مبارک

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ
بِأَكْبَرِهَا وَكُلُّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٌ اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا
پس سه مرتبه بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي پس بگوید
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزِيزَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا وَ
كُلُّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ
قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا پس سه مرتبه بگوید
اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي پس بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ
كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضَاهُ
وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِيٌّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِأَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَكُلُّ مَسَائِلِكَ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا پس سه مرتبه بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي
كَمَا وَعَدْتَنِي پس بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ
وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاخِرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ
كُلِّهِ پس سه مرتبه بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي
پس بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَلَائِكَ بِأَعْلَاهُ وَكُلُّ عَلَائِكَ عَالٍ اللَّهُمَّ

در احوال مؤلف

اشرف مشغول تحصیل علوم بودم مسائل و مطالب بسیاری بر حقیر مشتبه شده بود گرامی برای حل آنها پیدا نمیشود تا آنکه باشاره سید علی شوشتری اعلی الله مقامه مشغول تذکیه اخلاق شدم و در شب بعد از فراغ از نماز تضرع و زاری و استغاثه و جمله از ادعیه صحیفه و نحو آن مداومت میکردم تا اینکه در شب چهارم را در مسجد سهله احیا داشتم چون صبح شد بیکبار شطر... شخصی را دیدم ... و جواب من میداد چون ... رسید از باب خارج شد ... و مراد ... کان آنچه ... و جواب هر یک را شنیدم ... الشبهه را ... شد و حقیر بسیاری ... کرده بودم و جواب شنیدم ... در این کتاب ...

باب ۵ در ادعیه ایام ماه مبارک

اللهم اسئلك بعلائك كله اللهم اني اسئلك من منك باقدمه وكل
منك قديم اللهم اني اسئلك بمنك كله اللهم اني اسئلك من اياتك
باعجبها وكل اياتك عجيبة اللهم اني اسئلك باياتك كلها پس سر
بگو بدا اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگو اللهم
اني اسئلك من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني اسئلك
بفضلك كله اللهم اني اسئلك من رزقك باعمه وكل رزقك عام
اللهم اني اسئلك برزقك كله اللهم اني اسئلك من عطائك باهنئه
وكل عطائك هنيء اللهم اسئلك بعطائك كله اللهم اني اسئلك
من خيرك باعجله وكل خيرك عاجل اللهم اني اسئلك بخيرك كله
اللهم اني اسئلك من احسانك باحسنه وكل احسانك حسن اللهم
اني اسئلك باحسانك كله اللهم اني اسئلك بما تجيبني به حين ادعوك
فاجبني يا الله نعم دعوتك اللهم اني اسئلك بما انت فيه من الشؤن
والجبروت اللهم اني اسئلك بكل شان وجبروت اللهم اني اسئلك
بشانك وجبروتك كلها اللهم اني اسئلك بما تجيبني به حين اسئلك
فاجبني يا الله صل على محمد وال محمد پس هر حاجتی داری طلب نما و بگو اللهم
صل على محمد وال محمد وابعثني على الايمان بك والتصديق برسولك
والولاية لعلي بن ابي طالب عليه السلام والائتمام بالائمة من ال محمد
والبرائة من اعدائهم واني قد رضيت بذلك يا رب اللهم صل على محمد
وال محمد واسئلك خير الخير رضوانك والجنة واعوذ بك من شر
الشر سخطك والنار اللهم صل على محمد وال محمد واحفظني من كل مصيبة و

سؤال معنای السعید سعید فی بطن امه والشقی شقی فی بطن امه چیست و چگونه این حدیث اشاره بحقیقت طینت است زیرا که طینت سعید در بطن ام از طینت علیین و طینت شقی در بطن ام از طینت سجین است سؤال معنای ان الله یحب التوابین ویحب المتطهرین چیست و چه سر است که باید اینها که محبوب باشند جواب حقیقت توبه استغفار نیست بلکه باید ندامتی برای انسان حاصل شود مثل کسی که در صحرای محشر وارد شده باشد و بر ثواب و عقاب مطلع باشد و از مرتبه عین الیقین و حق الیقین منتهی والبته چنین کسی محبوب درگاه الهی است هر گاه پیوسته مشغول چنین توبه باشد و معنای ویحب المتطهرین محرز کثرت طهارت بدنست بلکه نفس خود را بسیار از اخلاق ذمیمه از نیت تطهیر نماید و بانواع حمیده ... زینت دهد چنین

در ادعیه ایام ماه مبارک

من كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل بلاء ومن كل شر
ومن كل مكروه ومن كل مصيبة ومن كل افة نزلت او تنزل من
السماء الى الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي
هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم صل على محمد وال محمد واقسم لي
من كل سرور ومن كل بهجة ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل
عافية ومن كل سلامة ومن كل كرامة ومن كل رزق واسع حلال طيب
ومن كل نعمة ومن كل حسنة نزلت او تنزل من السماء الى الارض في هذه
الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة
اللهم ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك فاني اسئلك بنور وجهك
الكريم الذي لم يطفأ وبوجه حبيبك محمد المصطفى وبوجه وليك
علي المرتضى وبحق اوليائك الذين انتجبتهم ان تصلي على محمد وال محمد وان
تغفر لي ولوالدي وما ولدا وللمؤمنين والمؤمنات وما توالدوا ذنوبنا
كلها صغيرها وكبيرها وان تختم لنا بالصالحات وان تقضي لنا الحاجات و
المهمات وصالح الدعاء والمسئلة فاستجب لنا بحق محمد وال محمد اللهم
صل على محمد وال محمد امين امين امين ما شاء الله كان ولا حول ولا قوة الا
بالله سبحان الله رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين
پس دستها را بجانب اسمان بلند کن و صیحه کرده تر ابیوی دو شرحی خود و گریه بکن و
اگر نیاید خود را بگریه بدار پس بعد از ان بگو یا لا اله الا انت اسئلك بحق من
حقه عليك عظيم بلا اله الا انت اسئلك ببهاء لا اله الا انت يا لا اله
الا انت اسئلك بجلال لا اله الا انت بجمال لا اله الا انت يا لا اله الا

کسی در ستکاری ... چنانچه ... درگاه الهی است ... قد افلح من زکیها ... شنی و حاجی سید کاظم رشتی ... میباشند حکم ... کریم خان کرمانی میباشند ... جواب ضلال و ... اینها چیست ... مبتدع هستند و ... میباشند و مبدع اهل بدعت ... بانها بلکه با عموم ... اول رکن ... و بدع انها بسیار است ... رابع است در دین زیاد کرده اند و ... حال اینکه باجماع علماء و نص ایه ... دینکم رکن رابع ایمان ... معرفت علماء مخصوص ... نیست و ... تقلیدا است و ... از اصل ایمان و مسلم ... از مقدمات فروع دین ... نمیشود و دیگر انکه ... توحید ... اتفاق جمیع ... این قول ... مسلمین ... انکه ... این باب برای تاویل میکنند ... خود را اراده فاسده

درادعیه ایام ماه مبارک رمضان

اَنْ اَسْئَلُكَ بِنُورِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِكَمالِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ
يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِعِزَّةِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ
بِعِظَمِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِقَوْلِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ يا لا اِلٰهَ
اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِشَرَفِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِعَلاءِ لا
اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِلا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ يا
رَبّاهُ انقدر بگويد كه نفس وفا كند پس بر همان حالتى كه بود كردن كج كرده بدوش چپ بگويد
اَسْئَلُكَ يا سَيِّدي پس بگويد يا اَللّٰهُ يا رَبّاهُ ان قدر كه نفس وفا كند پس بگويد يا سَيِّداهُ
يا مَوْلاهُ يا غِياثاهُ يا مَلْجاهُ يا مَوْلاهُ يا مُنْتَهىٰ غايَةِ رَغْبَتاهُ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ
اَسْئَلُكَ بِكَ فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ مُسْتَجابَةٍ دَعاكَ
بِها نَبِيٌّ مُرْسَلٌ اَوْ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ اَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ اِمْتَحَنْتَ قَلْبَهُ لِلْاِيمانِ وَاسْتَجَبْتَ
دَعْوَتَهُ مِنْهُ وَاَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَاُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ
حَوائِجي يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللّٰهِ بِاَبي اَنْتَ وَاُمّي اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَى اللّٰهِ رَبِّكَ وَ
رَبّي وَاُقَدِّمُكَ بَيْنَ يَدَيْ حَوائِجي يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ اَسْئَلُكَ بِكَ فَلَيْسَ
كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَاَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ حَبيبِكَ وَبِعِتْرَتِهِ الْهادِيَةِ وَاُقَدِّمُهُمْ
بَيْنَ يَدَيْ حَوائِجي وَاَسْئَلُكَ بِحَياتِكَ الَّتي لا تَمُوتُ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذي لا
يُطْفَا وَبِعَيْنِكَ الَّتي لا تَنامُ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظيمٌ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَبَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَعَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ وَزِنَةَ كُلِّ شَيْءٍ وَمِلاءَ
كُلِّ شَيْءٍ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُصْطَفىٰ وَرَسُولِكَ الْمُرْتَضىٰ
وَاَمينِكَ الْمُرْتَجىٰ وَنَجيبِكَ دُونَ خَلْقِكَ وَحَبيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَجْمَعينَ
الْبَشيرِ النَّذيرِ السِّراجِ الْمُنيرِ وَعَلىٰ آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الْمُطَهَّرينَ الْاَخْيارِ الْاَبْرارِ

دعم

متابعت

ميشمايند سيم انكه چيزهائی نسبت باهل بيت عليهم السلام نسبت است چهارم انكه جميع علماء متشرعه را از زمان غيبت كبری تا زمان مرحوم شيخ احمد احسائی بر باطل ميدانند وحال انكه حقيت انها بادله اربعه ثابت است پنجم معراج حضرت رسول صلی الله عليه واله تاويل ميكنند بمعنی كه راجع بروحانی ميشود وحال انكه معراج جسمانی بنص كتاب وسنت متواتره واتفاق شيعه ثابت شده است ششم انكه ميگويند ضمائر حمد بائمه عليهم السلام راجع ميشود وميگويند عبادات انها عبادت خداست واين قول مختص بجمعی از غلات انشانست ودر معنی شركت دادن درعبادة است وخلاق عالم جل شانه شريكی درهيچ مرتبه ندارد هفتم انكه درحق ركن رابع فضائل بسيار قائل شده اندكه همه انها محض كذب وخلافست

درد عای افتتاح الثناء

الهادي

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرٍ وَمُوسىٰ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْخَلَفِ الْمَهْدِيِّ
حُجَجِكَ عَلىٰ عِبادِكَ وَاُمَنائِكَ فِي بِلادِكَ صَلوٰةً كَثيرَةً دائِمَةً اَللّٰهُمَّ
وَصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّ اَمْرِكَ الْقائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَحُفَّهُ بِمَلائِكَتِكَ
الْمُقَرَّبينَ وَاَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يا رَبَّ الْعالَمينَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ الدّاعِيَ
اِلىٰ كِتابِكَ وَالْقائِمَ بِدينِكَ اسْتَخْلِفْهُ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِ
وَمَكِّنْ لَهُ دينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ وَاَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ اَمْناً يَعْبُدُكَ
لا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئاً اَللّٰهُمَّ اَعِزَّهُ وَاَعْزِزْ بِهِ وَانْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ وَانْصُرْهُ نَصْراً
عَزيزاً اَللّٰهُمَّ اَظْهِرْ بِهِ دينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتّىٰ لا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ
مَخافَةَ اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اَللّٰهُمَّ اِنّا نَرْغَبُ اِلَيْكَ في دَوْلَةٍ كَريمَةٍ تُعِزُّ بِهَا
الْاِسْلامَ وَاَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَاَهْلَهُ وَتَجْعَلُنا فيها مِنَ الدُّعاةِ اِلىٰ طاعَتِكَ
وَالْقادَةِ اِلىٰ سَبيلِكَ وَتَرْزُقُنا بِها كَرامَةَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ ما عَرَّفْتَنا
مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْناهُ وَما قَصُرْنا عَنْهُ فَبَلِّغْناهُ اَللّٰهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعَثَنا وَاشْعَبْ بِهِ
صَدْعَنا وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنا وَكَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنا وَاَعْزِزْ بِهِ ذِلَّتَنا وَاَغْنِ بِهِ
عائِلَنا وَاقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنا وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنا وَسُدَّ بِهِ خَلَّتَنا وَيَسِّرْ بِهِ
عُسْرَنا وَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنا وَفُكَّ بِهِ اَسْرَنا وَاَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنا وَاَنْجِزْ بِهِ مَواعيدَنا
وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنا وَاَعْطِنا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنا يا خَيْرَ الْمَسْؤُولينَ وَاَوْسَعَ
الْمُعْطينَ اشْفِ بِهِ صُدُورَنا وَاَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنا وَاهْدِنا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ
فيهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِكَ اِنَّكَ تَهْدي مَنْ تَشاءُ اِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ وَانْصُرْنا عَلىٰ عَدُوِّكَ
وَعَدُوِّنا اِلٰهَ الْحَقِّ آمينَ اَللّٰهُمَّ اِنّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنا وَغَيْبَةَ وَلِيِّنا
وَكَثْرَةَ عَدُوِّنا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنا وَتَظاهُرَ الزَّمانِ عَلَيْنا فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ اَمالَنا وَاَعْطِنا ... وَقِلَّةَ عَدَدِنا

وحقه

درمسائل روزه

مفطرات

مثل نهار كه وسنكريزه خوردن واشاميدن وشيره درخت چه غير متعارف انها متعارف باشد چه غير مثل هرچند ما كول ومشروب باشد هرچند بتيه غذا كه درين نماند فرو بردن نيزو اكر مي مانند كه ان مبطلست فرو بردباطل نميشود هرچند سهوا فرو بيرد باطل نميشود وليكن متقصر باشد در خلال كردن چنانچه احوط خلال كردن نيست هركاه خلال نكرده قصا نمود لسنت فرو بردن اب باشد ومبطل نيست فرو بردن اب دهن هرچند طعم بهم رسانيده باشد ومصطكی بشرط انكه شل قند راز ومصطكی بشرط انكه جزئی از اجزاء انها داخل دهن يافت نشود وفرق نيست درحكم اب دهن ميان انكه فرو ببرد بطريق عادت يا جمع نمايد در دهن وفرو ببرد ليكن در دو قيم ترك اولی است وهم چنين در فرو بردن نخامه ونخاعه هرچند مغطر بودن انها خلاف ظاهرا ست واحوط نكشيدن از فصلاتست

سر
سوی حلق واگر بیرون نیاورد
ابر دهن یا نخامه یا نخاعه را و فرو برد
مبطلست و هم چنین است آب دهن و
مضر نیست مکیدن انگشتر و چشیدن
دفع تشنگی و غیر آن و هم چنین جاویدن
طعام بجهة طفل و دانه و نان در
حلق کبوتر و مرغ و غیر آن نمودن در
مبالغه آن و چشیدن نمک آش و امثال آن
ملاحظه کند که چیزی فرو نبرد و
احوط و اولی ترک این امور است
بدون ضرورت و حاجت و اگر
بدون اختیار بحلق او فرو رفت
چیزی در این مواضع باطل نشود
روزه هر چند بجهة غرض صحیحی
نموده باشد و لکن احوط ترک
اجزا است و جایز است مضمضه
کردن از برای روزه دار هر چند
بجهة غیر خنک شدن باشد و
لکن افضل ترک است در غیر
وضوء و مکروهست که مبالغه
و تکرار کند و مستحبست که
بعد از مضمضه

وَاَعِنّا عَلى ذلِكَ بِفَتْحٍ تُعَجِّلُهُ وَضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ
وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُناها وَعافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُناها بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ
الراحمین دعای سحر که مشتمل است اقسام مناجات وابتهالات دعائیست که ابو حمزه ثمالی از حضرت امام
زین العابدین علیه السلام روایت کرده اِلهي لا تُؤَدِّبْني بِعُقُوبَتِكَ وَلا تَمْكُرْ بي
في حيلَتِكَ مِنْ اَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ يا رَبِّ وَلا يُوجَدُ اِلاّ مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ اَيْنَ لِيَ النَّجاةُ
وَلا تُسْتَطاعُ اِلاّ بِكَ لاَ الَّذي اَحْسَنَ اسْتَغْنى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلاَ الَّذي
اَساءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ
بگوید که نفس منقطع شود بِكَ عَرَفْتُكَ وَاَنْتَ دَلَلْتَني عَلَيْكَ وَدَعَوْتَني اِلَيْكَ وَ
لَوْلا اَنْتَ لَمْ اَدْرِ ما اَنْتَ اَلْحَمْدُ للهِ الَّذي اَدْعُوهُ فَيُجيبُني وَاِنْ كُنْتُ بَطيئاً
حينَ يَدْعُوني وَالْحَمْدُ للهِ الَّذي اَسْاَلُهُ فَيُعْطيني وَاِنْ كُنْتُ بَخيلاً
حينَ يَسْتَقْرِضُني وَالْحَمْدُ للهِ الَّذي اُناديهِ كُلَّما شِئْتُ لِحاجَتي وَاَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ
لِسِرّي بِغَيْرِ شَفيعٍ فَيَقْضي لي حاجَتي وَالْحَمْدُ للهِ الَّذي اَدْعُوهُ وَلا اَدْعُو
غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لي دُعائي وَالْحَمْدُ للهِ الَّذي اَرْجُوهُ وَلا اَرْجُو
غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لاَخْلَفَ رَجائي وَالْحَمْدُ للهِ الَّذي وَكَلَني اِلَيْهِ فَاَكْرَمَني
وَلَمْ يَكِلْني اِلَى النّاسِ فَيُهينُوني وَالْحَمْدُ للهِ الَّذي تَحَبَّبَ اِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ
عَنّي وَالْحَمْدُ للهِ الَّذي يَحْلُمُ عَنّي حَتّى كَاَنّي لا ذَنْبَ لي فَرَبّي اَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدي
وَاَحَقُّ بِحَمْدي اَللّهُمَّ اِنّي اَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ اِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَناهِلَ
الرَّجاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَالاِسْتِعانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ اَمَّلَكَ مُباحَةً وَاَبْوابَ
الدُّعاءِ اِلَيْكَ لِلصّارِخينَ مَفْتُوحَةً وَاَعْلَمُ اَنَّكَ لِلرّاجي بِمَوْضِعِ اِجابَةٍ
وَلِلْمَلْهُوفينَ بِمَرْصَدِ اِغاثَةٍ وَاَنَّ فِي اللَّهْفِ اِلى جُودِكَ وَالرِّضا بِقَضائِكَ

عِوَضاً عَنْ مَنْعِ الْباخِلينَ وَمَنْدُوحَةً عَمّا في اَيْدِي الْمُسْتَأثِرينَ وَاَنَّ الرّاحِلَ اِلَيْكَ
قَريبُ الْمَسافَةِ وَاَنَّكَ لا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ اِلاّ اَنْ تَحْجُبَهُمُ الاَعْمالُ دُونَكَ وَ
قَدْ قَصَدْتُ اِلَيْكَ بِطَلِبَتي وَتَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ بِحاجَتي وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغاثَتي
وَبِدُعائِكَ تَوَسُّلي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقاقٍ لاِسْتِماعِكَ مِنّي وَلاَ اسْتيجابٍ لِعَفْوِكَ
عَنّي بَلْ لِثِقَتي بِكَرَمِكَ وَسُكُوني اِلى صِدْقِ وَعْدِكَ وَلَجَأي
اِلَى الاْيمانِ بِتَوْحيدِكَ وَيَقيني بِمَعْرِفَتِكَ مِنّي اَنْ لا رَبَّ لي غَيْرُكَ
وَلا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ اَللّهُمَّ اَنْتَ الْقائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ
وَوَعْدُكَ صِدْقٌ وَاسْأَلُوا اللهَ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّ اللهَ كانَ بِكُمْ رَحيماً وَلَيْسَ
مِنْ صِفاتِكَ يا سَيِّدي اَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَاَنْتَ الْمَنّانُ
بِالْعَطِيّاتِ عَلى اَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنِ رَأْفَتِكَ اِلهي
رَبَّيْتَني في نِعَمِكَ وَاِحْسانِكَ صَغيراً وَنَوَّهْتَ بِاسْمي كَبيراً فَيا مَنْ
رَبّاني فِي الدُّنْيا بِاِحْسانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ وَاَشارَ لي فِي الاْخِرَةِ اِلى
عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتي يا مَوْلايَ دَليلي عَلَيْكَ وَحُبّي لَكَ شَفيعي
اِلَيْكَ وَاَنَا واثِقٌ مِنْ دَليلي بِدَلالَتِكَ وَساكِنٌ مِنْ شَفيعي اِلى شَفاعَتِكَ اَدْعُوكَ
يا سَيِّدي بِلِسانٍ قَدْ اَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبِّ اُناجيكَ قَدْ اَوْبَقَهُ جُرْمُهُ بِقَلْبٍ
اَدْعُوكَ يا رَبِّ راهِباً راغِباً راجِياً خائِفاً اِذا رَاَيْتُ مَوْلايَ ذُنُوبي فَزِعْتُ رَاَيْتُ
وَاِذا كَرَمَكَ طَمِعْتُ فَاِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرُ راحِمٍ وَاِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظالِمٍ حُجَّتي يا
اَللهُ في جُرْاَتي عَلى مَسْأَلَتِكَ مَعَ اِتْياني ما تَكْرَهُ جُودُكَ وَكَرَمُكَ وَ
عُدَّتي في شِدَّتي مَعَ قِلَّةِ حَيائي رَأْفَتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَقَدْ رَجَوْتُ اَنْ
لا تَخيبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنْيَتي فَحَقِّقْ رَجائي وَاسْمَعْ دُعائي يا خَيْرَ مَنْ دَعاهُ داعٍ وَ

افضل من رجاه راج عظم یا سیدی املی وساء عملی فاعطنی من عفوک
بمقدار املی ولا تؤاخذنی باسوء عملی فان کرمک یجل عن مجازاة
المذنبین وحلمک یکبر عن مکافاة المقصرین وانا یا سیدی عائذ
بفضلک هارب منک الیک متنجز ما وعدت من الصفح عمن احسن
بک ظنا وما انا یا رب وما خطری هبنی بفضلک وتصدق علی
بعفوک ای رب جللنی بسترک واعف عن توبیخی بکرم وجهک
فلو اطلع الیوم علی ذنبی غیرک ما فعلته ولو خفت تعجیل العقوبة
لاجتنبته لا لانک اهون الناظرین الی واخف المطلعین علی بل
لانک خیر الساترین واحکم الحاکمین واکرم الاکرمین
ستار العیوب غفار الذنوب علام الغیوب تستر الذنب بکرمک
وتؤخر العقوبة بحلمک فلک الحمد علی حلمک بعد علمک وعلی عفوک
بعد قدرتک ویحملنی ویجرئنی علی معصیتک حلمک عنی ویدعونی
الی قلة الحیاء سترک علی ویسرعنی الی التوثب علی محارمک معرفتی
بسعة رحمتک وعظیم عفوک یا حلیم یا کریم یا حی یا قیوم یا غافر
الذنب یا قابل التوب یا عظیم المن یا قدیم الاحسان این سترک الجمیل
این عفوک الجلیل این فرجک القریب این غیاثک السریع این رحمتک
الواسعة این عطایاک الفاضلة این مواهبک الهنیئة این صنایعک
السنیة این فضلک العظیم این منک الجسیم این احسانک القدیم
این کرمک یا کریم به وبمحمد وآل محمد فاستنقذنی وبرحمتک
فخلصنی یا محسن یا مجمل یا منعم یا مفضل لست اتکل فی النجاة

مرتبه اب دهانرا
بیندازد وهرگاه کسی مضمضه کند
واب بحلق او فرو رود پس اگر عمدا
فرو برد روزه او باطلست وموجب
قضا وکفاره است واگر عمدا نباشد
پس اگر در وضوء نماز واجبی باشد
چیزی لازم نیست وهم چنین است
هرگاه بجهة مداوا یا ازاله نجاست
بکند یا آنکه بعد از چیز خوردن
باشد واگر در وضوء نافله باشد
لازم است قضاء آن وهم چنین است
اگر مضمضه را بعنوان لغو وعبث
یا از برای خنک شدن کرد واب
بحلق فرو رفت واما استنشاق
پس اگر بسبب آن اب داخل شود
در حلق بدون تعمد بر او چیزی
نیست بلکه مفسد بودن آن
ثابت نیست وجایز است مسواک
کردن حتی بچوب تر بلکه سنت است
مطلقا ولکن اگر مسواک نمود مسواک را
بیرون بیاورد دوباره داخل نکند سواک
میکند واگر

من عقابک علی اعمالنا بل بفضلک علینا لانک اهل التقوی واهل
المغفرة تبدئ بالاحسان نعما وتعفو عن الذنب کرما فما ندری
ما نشکر اجمیل ما تنشر ام قبیح ما تستر ام عظیم ما ابلیت واولیت ام
کثیر ما منه نجیت وعافیت یا حبیب من تحبب الیک ویا قرة عین
من لاذ بک وانقطع الیک انت المحسن ونحن المسیئون فتجاوز یا رب
عن قبیح ما عندنا بجمیل ما عندک وای جهل یا رب لا یسعه جودک
وای زمان اطول من اناتک وما قدر اعمالنا فی جنب نعمک وکیف
نستکثر اعمالا نقابل بها کرمک بل کیف یضیق علی المذنبین
ما وسعهم من رحمتک یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة فوعزتک
یا سیدی لو انتهرتنی ما برحت من بابک ولا کففت عن تملقک لما
انتهی الی من المعرفة بجودک وکرمک وانت الفاعل لما تشاء
تعذب من تشاء کیف تشاء وترحم من تشاء بما تشاء کیف تشاء بما تشاء
ولا تسأل عن فعلک ولا تنازع فی ملکک ولا تشارک فی امرک ولا
تضاد فی حکمک ولا یعترض علیک احد فی تدبیرک لک الخلق والامر
تبارک الله رب العالمین یا رب هذا مقام من لاذ بک واستجار بکرمک
والف احسانک ونعمک وانت الجواد الذی لا یضیق عفوک ولا ینقص
فضلک ولا تقل رحمتک وقد توثقنا منک بالصفح القدیم والفضل
العظیم والرحمة الواسعة افتراک یا رب تخلف ظنوننا او تخیب
امالنا کلا یا کریم فلیس هذا ظننا بک ولا هذا طمعنا فیک یا رب ان لنا
فیک املا طویلا کثیرا ان لنا فیک رجاء عظیما عصیناک ونحن نرجو

حل
--- آورد
واگر سیدن اورد جایز است دوا یا
اب او را فرو نبرد و
اب او را فرو نبرد تا آنکه بجوف برسد و
احلیل نمودن تا آنکه بجوف برسد وابن جراحت
مضطر نیست وهم چنین دوا برسد یا امر نماید
ریختن بجوئیکه بجوف برسد یا
احدیرا که چیزی با و بزند مثل نیزه که
فرو رود بشکم او یا خود باختیار چیزی
نماید و مثل مذکورات است چیزی
در دماغ کردن بجوئیکه وارد بر حلق
شود واحوط اجتناب
و داخل در جوف آن شود
از تعمد از آنست ستم جماع کردن است و
آن مفسد روزه است و موجب کفاره
وقضا است نیز مطلقا چه بدبر و قبل
وچه در دبر و چه در قبل و چه در
مفعول هر چند مفعول مرد باشد
چه انزال بشود چه نشود وهم چنین
در فرج حیوانات واگر محتلم شود در
روز روزه مفسد روزه نیست
چهارم کذب بر خدا و رسول است و
ائمه علیهم السلام که مبطل روزه و
موجب قضا و کفاره است و لیکن در
وقتی مبطل است که بداند کذبست و نسبت
او را بفهمد

دعای ابو حمزه ثمالی

أن تستر علينا ودعوناك ونحن نرجو أن تستجيب لنا فحقق رجائنا يا مولينا
فقد علمنا ما نستوجب بأعمالنا ولكن علمك فينا وعلمنا بأنك
لا تصرفنا عنك حثنا على الرغبة إليك وإن كنا غير مستوجبين
لرحمتك فأنت أهل أن تجود علينا وعلى المذنبين بفضل سعتك
فامنن علينا بما أنت أهله وجد علينا فإنا محتاجون إلى نيلك يا غفار
بنورك اهتدينا وبفضلك استغنينا وبنعمتك أصبحنا وأمسينا ذنوبنا
بين يديك نستغفرك اللهم منها ونتوب إليك تتحبب إلينا بالنعم
ونعارضك بالذنوب خيرك إلينا نازل وشرنا إليك صاعد ولم يزل
ولا يزال ملك كريم يأتيك عنا في كل يوم بعمل قبيح فلا يمنعك
ذلك من أن تحوطنا بنعمك (بآلائك) وتتفضل علينا بآلائك فسبحانك ما أحلمك
وأعظمك وأكرمك مبدئا ومعيدا تقدست أسماؤك وجل ثناؤك
وكرم صنائعك وفعالك أنت إلهي أوسع فضلا وأعظم حلما من أن
تقايسني بفعلي وخطيئتي فالعفو العفو العفو سيدي سيدي سيدي
اللهم اشغلنا بذكرك وأعذنا من سخطك وأجرنا من عذابك وارزقنا
من مواهبك وأنعم علينا من فضلك وارزقنا حج بيتك (الحرام) وزيارة قبر
نبيك صلواتك ومغفرتك ورحمتك وبركاتك ورضوانك عليه
وعلى أهل بيته إنك قريب مجيب وارزقنا عملا بطاعتك وتوفنا على
ملتك وسنة نبيك صلى الله عليه وآله اللهم اغفر لي ولوالدي
وارحمهما كما ربياني صغيرا اجزهما بالإحسان إحسانا وبالسيئات غفرانا
اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات الأحياء منهم والأموات وتابع بيننا وبينهم

بالخيرات

از ایشان و هرگاه اعتقاد بر کذب بودن نداشته باشد و نسبت بدهد و در واقع کذب باشد مبطل نیست و نه موجب قضا و کفاره هر چند احوط اقتضا در صورت اعتقاد صدق نسبت و احوط الحاق فاطمه زهرا علیها السلام و سایر معصومین هر چند ظاهر عدم الحاق است و اما کذب بر غیر خدا و رسول و ائمه موجب قضا و کفاره نمیشود هر چند احوط الحاق سایر انبیا و اوصیا بایشان است پنجم ارتماس در آبست که مبطل روزه و موجب قضا و کفاره است و حاصل میشود آن بفرو رفتن در آب بلکه بفرو بردن سر در آب هر چند موی سر یا بدن بیرون باشد از آب و فرقی نیست در بنا آنکه منافذ منسد باشد یا نباشد و در بنا آنکه واجب و مستحب در آن شاید و در بنا آنکه بدفعه عرفیه سر زیر آب کند یا به تدریج مگر آنکه هر جزئی را در وقتی زیر آب کند مجموع

بالخيرات اللهم اغفر لحينا وميتنا وشاهدنا وغائبنا ذكرنا وأنثانا صغيرنا
وكبيرنا حرنا ومملوكنا كذب العادلون بالله وضلوا ضلالا بعيدا
وخسروا خسرانا مبينا اللهم صل على محمد وآل محمد واختم لي بخير واكفني
ما أهمني من أمر دنياي وآخرتي ولا تسلط علي من لا يرحمني واجعل علي
منك جنة واقية باقية ولا تسلبني صالح ما أنعمت به علي وارزقني من
فضلك رزقا واسعا حلالا طيبا اللهم احرسني بحراستك واحفظني
بحفظك واكلأني بكلائتك وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا
وفي كل عام وزيارة قبر نبيك والأئمة عليهم السلام ولا تخلني يا رب من تلك
المشاهد الشريفة والمواقف الكريمة اللهم تب علي حتى لا أعصيك و
ألهمني الخير والعمل به وخشيتك بالليل والنهار أبدا ما أبقيتني يا رب العالمين
اللهم إني كلما قلت قد تهيأت وتعبأت وقمت للصلوة بين يديك
وناجيتك ألقيت علي نعاسا إذا أنا صليت وسلبتني مناجاتك إذا أنا ناجيتك
وما لي كلما قلت قد صلحت سريرتي وقرب من مجالس التوابين مجلسي عرضت
لي بلية أزالت قدمي وحالت بيني وبين خدمتك سيدي لعلك عن بابك
طردتني و(عن) خدمتك نحيتني أو لعلك رأيتني مستخفا بحقك فأقصيتني أو لعلك
رأيتني معرضا عنك فقليتني أو لعلك وجدتني في مقام الكاذبين فرفضتني أو
لعلك رأيتني غير شاكر لنعمائك فحرمتني أو لعلك فقدتني من مجالس
العلماء فخذلتني أو لعلك رأيتني في الغافلين فمن رحمتك آيستني أو لعلك
رأيتني آلف مجالس البطالين فبيني وبينهم خليتني أو لعلك لم تحب أن تسمع
دعائي فباعدتني أو لعلك بجرمي وجريرتي كافيتني أو لعلك بقلة حيائي منك

زیر آب نباشد اما زیر آب نه حرام است و نه مفطر که بر این تقدیر زیر آب کند به قصد غسل کردن غسل او باطل است ارتماس است همه بر تقدیر عمد بودن ارتماس نماید و اما اگر سهوا ارتماس نماید مگر آنکه بعد از یاد آمدن نمیشود مگر آنکه بشود از فرو بردن سر و مبادرت نماید به بیرون آوردن سر از آب و غسل در هر دو صورت صحیح است و اگر ارتماس نماید در آب غصبی سهوا صحیح است و باطل است غسل آن ششم رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و احوط الحاق دخان است و آن موجب قضا و کفاره است چه غبار حلال باشد مثل آرد یا حرام باشد مثل غبار ... همراه خود برساند بحلق یا باعث شود و تعلیل که آن موجب رسیدن باشد مثل آنکه بایستد در موضعی که غبار باشد و حفظ ننماید از دخول آن

باب ۵۱ در دعای ابو حمزه ثمالی

جازيتني فان عفوت يا رب فطال ما عفوت عن المذنبين قبلي لان كرمك
اي رب يجل عن مجازات المذنبين وحلمك يكبر عن مكافاة المقصرين
وانا عائذ بفضلك هارب منك اليك متنجز ما وعدت من الصفح
عمن احسن بك ظنا الهي انت اوسع فضلا واعظم حلما من ان تقايسني
بعملي او ان تستزلني بخطيئتي وما انا يا سيدي وما خطري هبني بفضلك
يا سيدي وتصدق علي بعفوك وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم
وجهك سيدي انا الصغير الذي ربيته وانا الجاهل الذي علمته وانا
الضال الذي هديته وانا الوضيع الذي رفعته وانا الخائف الذي امنته وانا
الجائع الذي اشبعته والعطشان الذي ارويته والعاري الذي كسوته و
الفقير الذي اغنيته والضعيف الذي قويته والذليل الذي اعززته والسقيم
الذي شفيته والسائل الذي اعطيته والمذنب الذي سترته والخاطي
الذي اقلته وانا القليل الذي كثرته والمستضعف الذي نصرته وانا
الطريد الذي اويته وانا يا رب الذي لم استحيك في الخلاء ولم اراقبك
في الملاء انا صاحب الدواهي العظمى انا الذي على سيده اجترء انا الذي عصيت
جبار السماء انا الذي اعطيت على معاصي الجليل الرشى انا الذي حين بشرت
بها خرجت اليها اسعى انا الذي امهلتني فما ارعويت وسترت علي فما استحييت
وعملت بالمعاصي فتعديت واسقطتني من عينك فما باليت فبحلمك امهلتني
وبسترك سترتني حتى كانك اغفلتني ومن عقوبات المعاصي جنبتني حتى
كانك استحييتني الهي لم اعصك حين عصيتك وانا بربوبيتك جاحد ولا
بامرك مستخف ولا لعقوبتك متعرض ولا لوعيدك متهاون ولكن خطيئة

حفظ ...
از خود بجوید که باید و بعد
ان ظاهر شود که غبار در حلق او
داخل شده است ضرر ندارد علی
الاحوط واحوط انست که معتنی نیست
در او غلیظ بودن بلکه کفایت میکند
احساس نمودن ان و جمعی الحاق نموده
اند بغبار دود و بخار برا که غلیظ
باشد واحوط اجتنابست و این
مستند واضحی ندارد هفتم قی
کردن و ان موجب قضا است اگر
بعمد و اختیار واقع شود و اگر بی
اختیار قی نماید چیزی بر او نیست
و اگر بطریق ضرورت باشد عقاب
ندارد لکن مفسد روزه هست
و مدار قی بر صدق عرفیست پس
نیست از این باب بیرون امدن
کرم و نحو انها و هم چنین هرگاه
غذا یا ... بیرون بحلق و بر گردد
مضر نیست و اگر در فضای دهن
بیاید باید انرا بریزد و اگر عمدا فرو
برد قضا و کفاره بر او واجبست
هشتم استمنا

در دعای ابو حمزه ثمالی

عرضت وسولت لي نفسي وغلبني هواي واعانني عليها شقوتي وغرني سترك
المرخى علي فقد عصيتك وخالفتك بجهدي فالان من عذابك من يستنقذني
ومن ايدي الخصماء غدا من يخلصني وبحبل من اتصل ان انت قطعت حبلك
عني فوا سوأتا على ما احصى كتابك من عملي الذي لولا ما ارجو من كرمك
وسعة رحمتك ونهيك اياي عن القنوط لقنطت عند ما اتذكرها
يا خير من دعاه داع وافضل من رجاه راج اللهم بذمة الاسلام اتوسل
اليك وبحرمة القران اعتمد عليك وبحبي للنبي الامي القرشي الهاشمي
العربي التهامي المكي المدني ارجو الزلفة لديك فلا توحش استيناس
ايماني ولا تجعل ثوابي ثواب من عبد سواك فان قوما امنوا بالسنتهم
ليحقنوا به دماءهم فادركوا ما املوا وانا امنا بك بالسنتنا وقلوبنا لتعفو
عنا فادرك بنا ما املنا وثبت رجاءك في صدورنا ولا تزغ قلوبنا بعد
اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب فوعزتك يا
سيدي لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن تملقك لما الهم
قلبي من المعرفة بكرمك وسعة رحمتك الى من يذهب العبد الا
الى مولاه والى من يلتجئ المخلوق الا الى خالقه الهي لو قرنتني بالاصفاد
ومنعتني سيبك من بين الاشهاد ودللت على فضائحي عيون العباد
وامرت بي الى النار وحلت بيني وبين الابرار ما قطعت رجائي منك وما صرفت
وجه تاميلي للعفو عنك ولا خرج حبك من قلبي انا لا انسى اياديك عندي
وسترك علي في دار الدنيا يا سيدي صل على محمد وال محمد اخرج حب الدنيا
من قلبي واجمع بيني وبين المصطفى واله خيرتك من خلقك وخاتم

یعنی اخراج
نمودن منی از خود بغیر
جماع و واجب میشود بان قضا و
کفاره و هم چنین است اگر ... انزال
نشود عادة هرچند قصد انزال داشته
باشد بان نشود و اگر قصد انزال ...
باشد بفعلی و منی بیرون نیاید
از مفسده روزه نمی باشد لکن
ان فعل حرامست و اگر نظر کردن
و نگاه کردن خارج شود منی هرگاه
قصدا و انزال باشد یا انکه عادت او
باشد موجب قضا و کفاره
میشود و اگر ... باشد
نه موجب قضا است و نه کفاره
و هم چنین است حال گوش دادن
بصدای زن و سخنان و تخیل
جماع و نحو ان هرگاه اغتسال ...
منی شود ... [illegible]
بدون ضرورت و ان حرام ...
روزه و موجب قضا و کفاره
و مجامعت ...
نرگسست ... [illegible]

در ذکر دعای ابو حمزه ثمالی

النبيين محمد صلى الله عليه وآله وانقلني الى درجة التوبة اليك واعني بالبكاء
على نفسي فقد افنيت بالتسويف والآمال عمري وقد نزلت منزلة الآيسين
من خيري فمن يكون اسوء حالا مني ان انا نقلت على مثل حالي الى قبر لم
امهده لرقدتي ولم افرشه بالعمل الصالح لضجعتي وما لي لا ابكي ولا ادري
الى ما يكون مصيري وارى نفسي تخادعني وايامي تخاتلني وقد خفقت عند
راسي اجنحة الموت فما لي لا ابكي ابكي لخروج نفسي ابكي لظلمة قبري ابكي
لضيق لحدي ابكي لسؤال منكر ونكير اياي ابكي لخروجي من قبري عريانا ذليلا
حاملا ثقلي على ظهري انظر مرة عن يميني واخرى عن شمالي اذ الخلائق في
شان غير شاني لكل امرئ منهم يومئذ شان يغنيه وجوه يومئذ مسفرة
ضاحكة مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة وذلة سيدي
عليك معولي ومعتمدي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي تصيب برحمتك
من تشاء وتهدي بكرامتك من تحب فلك الحمد على ما نقيت من
الشرك قلبي ولك الحمد على بسط لساني افبلساني هذا الكال اشكرك
ام بغاية جهدي في عملي ارضيك وما قدر لساني يا رب في جنب شكرك
وما قدر عملي في جنب نعمك واحسانك الي الا ان جودك بسط املي
وشكرك قبل عملي سيدي اليك رغبتي ومنك رهبتي واليك
تاميلي وقد ساقني اليك املي وعليك يا واحدي عكفت همتي وفيما عندك
انبسطت رغبتي ولك خالص رجائي وخوفي وبك انست محبتي واليك
القيت بيدي وبحبل طاعتك مددت رهبتي يا مولاي بذكرك عاش
قلبي وبمناجاتك بردت الم الخوف عني فيا مولاي ويا مؤملي ويا منتهى سؤلي

در مسائل روزه

بجز
چه جنابت با احتلام بهم
رسیده باشد یا بسبب دیگر وان حرام
ومفسد روزه وکفاره است واین
حکم در روزه شهر رمضان وقضاء
ان ثابت نیست ودر جمیع اقسام روزه
حتی در صوم مستحب ومثل بقاء
برجنابت بقاء برحیض ونفاس
واستحاضه لیکن ظاهر ثبوت قضا
درانها نه کفاره ومخصوص است
حکم انها بشهر رمضان وقضاء
شهر رمضان هرچند احوط عدم
بقاء بر احداث مذکوره است در غیر
جنابت در جمیع اقسام روزه حتی
روزه مستحب بلکه خالی از قوه نیست وغسل
مس میت واجب نیست ومثل
بقاء برجنابت خوابیدن
جنب بقصد غسل نکردن یا با
تردد در ان یا خوابیدن بعد از
خوابیکه پیش از ان جنب شده باشد
اگر عازم بر غسل نباشد واگر عازم
باشد و بخواب رود تا صبح کفاره
براو لازم است

در ذکر دعای سحر ابو حمزه

صل على محمد وآل محمد وفرق بيني وبين ذنبي المانع لي من لزوم طاعتك
فانما اسئلك لقديم الرجاء فيك وحنيني اليك وعظيم الطمع منك
الذي اوجبته على نفسك من الرأفة والرحمة فالامر لك وحدك لا شريك
لك والخلق كلهم عيالك وفي قبضتك وكل شيء خاضع لك تباركت
يا رب العالمين الهي ارحمني اذا انقطعت حجتي وكل عن جوابك لساني
وطاش عند سؤالك اياي لبي فيا عظيم رجائي لا تخيبني اذا اشتدت
فاقتي اليك فلا تردني لجهلي ولا تمنعني لقلة صبري واعطني لفقري
وارحمني لضعفي سيدي عليك معتمدي ومعولي ورجائي وتوكلي
وبرحمتك تعلقي وبفنائك احط رحلي وبجودك اقصد طلبتي وبكرمك
اي رب استفتح دعائي ولديك ارجو فاقتي وبغناك اجبر عيلتي وتحت
ظل عفوك قيامي والى جودك وكرمك ارفع بصري والى معروفك
اديم نظري فلا تحرقني بالنار وانت موضع املي ولا تسكني الهاوية
فانك قرة عيني يا سيدي لا تكذب ظني باحسانك ومعروفك فانك
ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك فانك العارف بفقري الهي ان كان قد دنا
اجلي ولم يقربني منك عملي فقد جعلت الاعتراف اليك بذنبي وسائل
عللي الهي ان عفوت فمن اولى منك بالعفو وان عذبت فمن اعدل منك
في الحكم ارحم في هذه الدنيا غربتي وعند الموت كربتي وفي القبر
وحدتي وفي اللحد وحشتي واذا نشرت للحساب بين يديك ذل موقفي واغفر
لي ما خفي على الآدميين من عملي وادم لي ما به سترتني وارحمني صريعا
على الفراش تقلبني ايدي احبتي وتفضل علي ممدودا على المغتسل يغسلني

در مسائل روزه

وبین خواب
وخواب سابق محیل بر
او حرام نیست ولیکن احوط ترک
خواب دوم است واگر دفعه سیم بخوابد
قضا وکفاره هر دو لازم است هر
چند عازم بر غسل باشد ومثل
نومه ثالثه است توبه اوره
نومه ثالثه است داشتن بر غسل
بخوابد بدون نیت وبا شک در غسل
تا بصبح یا متردد باشد در
نمودن ونمودن واما اگر غافل
شود از جنابت یا از غسل پیش
از صبح یا از انکه شب روزه است
کفاره بلکه قضا براو واجب نیست
واگر ممکن نشود بر یکی از جنب و
غیران غسل واجبست تیمم نماید
واحوط بقاء بر این تیمم ونخوابیدن
تا صبح است هرچند در تعیین
ان اشکال است باقی ماند در مقام
چند مبحث مبحث اول انکه انچه مذکور
شد که مبطل روزه است در وقتی
که بعمل اورد انرا از روی عمد و
اختیار پس هرگاه نسیانا فعل
مفطری بعمل ارد

روزه باطل نمی‌شود و اگر بداند که روزه است ولکن فراموش کرده باشد که چیزی باطل می‌کند روزه را دارا بعمل آورد در فساد آن نخود بجا آن هست

باب ٥٨ دعاء ابو حمزه

صالِحُ جيرتي وتَحْتَ الأرْضِ مَحْمُولاً قَدْ تَناوَلَ الأقْرِباءُ أطْرافَ جِنازَتي وَجُدْ عَلَيَّ

مَنقُولاً قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحيداً في حُفْرَتي وَارْحَمْ في ذلِكَ البَيْتِ الجَديدِ غُرْبَتي

حَتّى لا أسْتَأنِسَ بِغَيْرِكَ يا سَيِّدي فَإنَّكَ إنْ وَكَلْتَني إلى نَفْسي هَلَكْتُ سَيِّدي

فَبِمَنْ أسْتَغيثُ إنْ لَمْ تُقِلْني عَثْرَتي وَإلى مَنْ أفْزَعُ إنْ فَقَدْتُ عِنايَتَكَ

في ضَجْعَتي وَإلى مَنْ ألْتَجِئُ إنْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتي سَيِّدي وَمَنْ يَرْحَمُني إنْ

لَمْ تَرْحَمْني وَفَضْلَ مَنْ أُؤَمِّلُ إنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فاقَتي وَإلى مَنِ

الفِرارُ مِنَ الذُّنُوبِ إذا انْقَضى أجَلي سَيِّدي لا تُعَذِّبْني وَأنا أرْجُوكَ

إلهي حَقِّقْ رَجائي وَآمِنْ خَوْفي فَإنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبي لا أرْجُو فيها إلّا عَفْوَكَ سَيِّدي أنا

أسْألُكَ ما لا أسْتَحِقُّ وَأنْتَ أهْلُ التَّقْوى وَأهْلُ المَغْفِرَةِ فَاغْفِرْ لي

وَألْبِسْني مِنْ نَظَرِكَ ثَوْباً يُغَطّي عَلَيَّ التَّبِعاتِ وَتَغْفِرُها لي وَلا

أُطالَبُ بِها إنَّكَ ذُو مَنٍّ قَديمٍ وَصَفْحٍ عَظيمٍ وَتَجاوُزٍ كَريمٍ إلهي أنْتَ الَّذي

تُفيضُ سَيْبَكَ عَلى مَنْ لا يَسْألُكَ وَعَلى الجاحِدينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ فَكَيْفَ

سَيِّدي بِمَنْ سَألَكَ وَأيْقَنَ أنَّ الخَلْقَ لَكَ وَالأمْرَ إلَيْكَ تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ

تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ يا رَبَّ العالَمينَ إلهي وَسَيِّدي عَبْدُكَ بِبابِكَ أقامَتْهُ

الخَصاصَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ يَقْرَعُ بابَ إحْسانِكَ بِدُعائِهِ وَيَسْتَعْطِفُ جَميلَ نَظَرِكَ

بِمَكْنُونِ رَجائِهِ فَلا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الكَريمِ عَنّي وَاقْبَلْ مِنّي ما أقُولُ فَقَدْ

دَعَوْتُ بِهذا الدُّعاءِ وَأنا أرْجُو أنْ لا تَرُدَّني مَعْرِفَةً مِنّي بِرَأفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ إلهي

أنْتَ الَّذي لا يُحْفيكَ سائِلٌ وَلا يَنْقُصُكَ نائِلٌ أنْتَ كَما تَقُولُ وَفَوْقَ ما نَقُولُ

اللّهُمَّ إنّي أسْألُكَ صَبْراً جَميلاً وَفَرَجاً قَريباً وَقَوْلاً صادِقاً وَأجْراً عَظيماً

أسْألُكَ يا رَبِّ مِنَ الخَيْرِ كُلِّهِ ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَما لَمْ أعْلَمْ أسْألُكَ اللّهُمَّ مِنْ

همچنین باطل می‌شود بجا آن هست قصد و اراده فعل مفطری هرگاه بروز شود مثل آنکه چیزی پرواز کند و در حلق او داخل شود یا داخل شود غبار غلیظ در حلق او در محلیکه احتراز از آن ممکن نباشد و هم چنین هرگاه بیفشرند در حلق او چیزی را یا نیزه‌ای زنند او را که بی‌اختیار و بی‌قصد او شود و بخورند و اگر او را بترسانند بر ضرر در نفس یا عیال یا مال یا برادران دینی او بنحویکه لایق بحال او نباشد تحمل آن و قراین شهادت بدهد که اگر افطار نکند چنان خواهد شد پس اگر افطار نماید روزه او باطل است و قضا بر او واجب است و مثل اینست تقیه از مخالفین و اگر شک داشته باشد در اینکه چیزی مبطل روزه هست یا نه مثل آنکه مجتهد است و ممکن نمی‌شود از او فهمیدن حکم آن یا مقلد است و دستش بمجتهد

دعای ابو حمزه ثمالی

خَيْرِ ما سَألَكَ مِنْهُ عِبادُكَ الصّالِحُونَ يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَأجْوَدَ مَنْ أعْطى

أعْطِني سُؤْلي في نَفْسي وَأهْلي وَمالي وَوَلَدي وَوالِدَيَّ وَأهْلِ حُزانَتي

وَإخْواني فيكَ وَأرْغِدْ عَيْشي وَأظْهِرْ مُرُوَّتي وَأصْلِحْ جَميعَ أحْوالي وَاجْعَلْني

مِمَّنْ أطَلْتَ عُمْرَهُ وَحَسَّنْتَ عَمَلَهُ وَأتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَرَضيتَ عَنْهُ وَأحْيَيْتَهُ

حَياةً طَيِّبَةً في أدْوَمِ السُّرُورِ وَأسْبَغِ الكَرامَةِ وَأتَمِّ العَيْشِ إنَّكَ تَفْعَلُ ما

تَشاءُ وَلا يَفْعَلُ ما يَشاءُ غَيْرُكَ اللّهُمَّ وَخُصَّني مِنْكَ بِخاصَّةِ ذِكْرِكَ وَ

لا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمّا أتَقَرَّبُ بِهِ في آناءِ اللَّيْلِ وَأطْرافِ النَّهارِ رِياءً وَلا سُمْعَةً

وَلا أشَراً وَلا بَطَراً وَاجْعَلْني لَكَ مِنَ الخاشِعينَ اللّهُمَّ أعْطِني السَّعَةَ في الرِّزْقِ وَ

الأمْنَ في الوَطَنِ وَقُرَّةَ العَيْنِ فِي الأهْلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ وَالمُقامَ في نِعَمِكَ عِنْدي

وَالصِّحَّةَ في الجِسْمِ وَالقُوَّةَ فِي البَدَنِ وَالسَّلامَةَ فِي الدّينِ وَاسْتَعْمِلْني

بِطاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ وَأهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أبَداً ما

اسْتَعْمَرْتَني وَاجْعَلْني مِنْ أوْفَرِ عِبادِكَ عِنْدَكَ نَصيباً في كُلِّ خَيْرٍ أنْزَلْتَهُ وَ

تُنْزِلُهُ في شَهْرِ رَمَضانَ في لَيْلَةِ القَدْرِ وَما أنْتَ مُنْزِلُهُ في كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ

تَنْشُرُها وَعافِيَةٍ تُلْبِسُها وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُها وَحَسَناتٍ تَتَقَبَّلُها وَسَيِّئاتٍ تَتَجاوَزُ

عَنْها وَارْزُقْني حَجَّ بَيْتِكَ الحَرامِ في عامِنا هذا وَفي كُلِّ عامٍ وَارْزُقْني رِزْقاً

واسِعاً مِنْ فَضْلِكَ الواسِعِ وَاصْرِفْ عَنّي يا سَيِّدِي الأسْواءَ وَاقْضِ عَنِّيَ

الدَّيْنَ وَالظُّلاماتِ حَتّى لا أتَأذّى بِشَيْءٍ مِنْهُ وَخُذْ عَنّي بِأسْماعِ وَأبْصارِ أعْدائي

وَالباغينَ عَلَيَّ وَانْصُرْني عَلَيْهِمْ وَأقِرَّ عَيْني وَحَقِّقْ ظَنّي وَفَرِّحْ قَلْبي وَاجْعَلْ

مِنْ هَمّي وَكَرْبي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَاجْعَلْ مَنْ أرادَني بِسُوءٍ مِنْ جَميعِ خَلْقِكَ

تَحْتَ قَدَمَيَّ وَاكْفِني شَرَّ الشَّيْطانِ وَشَرَّ السُّلْطانِ وَسَيِّئاتِ عَمَلي وَ

در مسائل روزه

همچنین است آن فعل بر آن جا بجا نیست این فعل اشکال نیست بهم خند در لزوم قضا بلکه کفاره نیز اما لیت چنانچه عالم و جاهل بحکم مقصر است در وجوب کفاره اما جاهل پس اگر مقصر است قضا بر او واجب است و باطل است و کفاره بر او اگر غیر مقصر است پس بر او نیست کفاره و قضا نیست مسئله بدانکه در بیان انفطار ولیکن آنکه حرام نیست از ارتکاب آنها ولیکن موجب قضا میشود و آن چند چیز است از آنجمله افطار کردن پیش از تفحص از صبح با قدرت بر آن که جایز است تا یقین بصبح ندارد لیکن موجب قضا میشود اگر بعد معلوم شود که صبح بوده است قضا بر او لازم است نه کفاره و اگر ملاحظه و تفحص نماید بباقی بودن شب یا اعتماد و بعد معلوم شود که صبح بوده داشته باشد بر آن نداشته لازم نیست بر او قضا و نه کفاره و مخصوص است حکم بصحت بر تقدیر تفحص نمودن بشهر رمضان و واجب معین و نذر از آنجمله است اعتماد نمودن بر قول کسیکه خبر دهد

در دعای ابوحمزه ثمالی

طهرني من الذنوب كلها واجرني من النار بعفوك وادخلني الجنة برحمتك
وزوجني من الحور العين بفضلك والحقني باوليائك الصالحين محمد وآله
الابرار الطيبين الطاهرين الاخيار صلوات الله عليهم وعلى ارواحهم وعلى
اجسادهم ورحمة الله وبركاته الهي وسيدي وعزتك وجلالك لئن
طالبتني بذنوبي لاطالبنك بعفوك ولئن طالبتني بلؤمي لاطالبنك بكرمك
ولئن ادخلتني النار لاخبرن اهل النار بحبي لك الهي وسيدي ان كنت
لا تغفر الا لاوليائك ٧ فالى من يفزع المذنبون وان كنت لا تكرم الا اهل
الوفاء بك فبمن يستغيث المسيئون الهي ان ادخلتني النار ففي ذلك سرور
عدوك وان ادخلتني الجنة ففي ذلك سرور نبيك وانا والله اعلم ان سرور
نبيك احب اليك من سرور عدوك اللهم اني اسئلك ان تملأ قلبي
حبا لك وخشية منك وتصديقا بكتابك وايمانا بك وفرقا منك و
شوقا اليك يا ذا الجلال والاكرام حبب الي لقائك واحبب لقائي واجعل لي
في لقائك الراحة والفرج والكرامة اللهم الحقني بصالح من مضى و
اجعلني من صالح من بقي وخذ بي سبيل الصالحين واعني على نفسي بما
تعين به الصالحين على انفسهم واختم عملي باحسنه واجعل ثوابي منه
الجنة برحمتك يا رب العالمين واعني على صالح ما اعطيتني وثبتني
يا رب ولا تردني في سوء استنقذتني منه ابدا اللهم اني اسئلك
ايمانا لا اجل له دون لقائك احيني ما احييتني عليه وتوفني اذا توفيتني
عليه وابعثني اذا بعثتني عليه وابرء قلبي من الرياء والشك والسمعة في
دينك حتى يكون عملي خالصا لك اللهم اعطني بصيرة في دينك وفهما

واهل طاعتك

وحكما

كه فجر ثابت شود یا آن مطمئن نبود
و مظنه بقول او بهم رساند و مفطر
بعمل آورد و بعد معلوم شود که صبح
بوده و اگر علم بهم رساند یا آنکه خود
تفحص کند بر آن قضا نیست و از آنجمله
اگر کسی خبر دهد صبح شده و گمان کند
که شوخی میکند یا دروغ میگوید و
چیزی بخورد و بعد معلوم شود که
صبح بوده است لازمست برو قضا
نه کفاره مبحث سیم حرامست روزه
واجب معین را الذا افطار کردن اگر
در بعضی آنها کفاره واجب نبود
مثل روزه ماه رمضان و نذر معین
و جایز است افطار نمودن روزه غیر
معین را پیش از زوال چه قضای شهر
رمضان باشد چه غیر آن چه قضا
از خود باشد چه از غیر و از غیر بوجه
تبرع باشد و چه بر وجه ولایت و چه
بر وجه استیجار و مکروهست افطار
نمودن بعد از زوال در غیر قضاء
شهر رمضان و در آن حرامست و
اگر مضیق باشد

دعای ابوحمزه

في حكمك وفقها في علمك وكفلين من رحمتك وورعا يحجزني عن معاصيك
وبيض وجهي بنورك واجعل رغبتي فيما عندك وتوفني في سبيلك
وعلى ملة رسولك صلى الله عليه وآله اللهم اني اعوذ بك من الكسل
والفشل والهم والحزن والجبن والبخل والغفلة والقسوة والذلة والمسكنة
والفقر والفاقة وكل بلية والفواحش ما ظهر منها وما بطن واعوذ
بك من نفس لا تقنع وبطن لا يشبع وقلب لا يخشع ودعاء لا يسمع وعمل لا ينفع
وصلوة لا ترفع واعوذ بك يا رب على نفسي وديني وولدي ومالي وعلى
جميع ما رزقتني من الشيطان الرجيم انك انت السميع العليم اللهم انه لا يجيرني
منك احد ولا اجد من دونك ملتحدا فلا تجعل نفسي في شيء من عذابك ولا
تردني بهلكة ولا تردني بعذاب اليم اللهم تقبل مني واعل ذكري
وارفع درجتي وحط وزري ولا تذكرني بخطيئتي واجعل ثواب مجلسي
وثواب منطقي وثواب دعائي رضاك والجنة واعطني يا رب جميع
ما سألتك وزدني من فضلك اني اليك راغب يا رب العالمين اللهم
انك انزلت في كتابك العفو وامرتنا ان نعفو عمن ظلمنا وقد ظلمنا انفسنا
فاعف عنا فانك اولى بذلك منا وامرتنا ان لا نرد سائلا عن ابوابنا وقد
جئتك سائلا فلا تردني الا بقضاء حاجتي وامرتنا بالاحسان الى ما ملكت
ايماننا ونحن ارقائك فاعتق رقابنا من النار يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي
عند شدتي اليك فزعت وبك استغثت وبك لذت لا الوذ بسواك
ولا اطلب الفرج الا منك فاغثني وفرج عني يا من يقبل اليسير ويعفو
عن الكثير ٧ انك انت الغفور الرحيم اللهم اني اسئلك ايمانا تباشر

اقبل مني اليسير واعف عني الكثير

وقت قضاء معین است تمام آن آنکه باطل کند
و لازم نمیشود کفاره آن و مکروه میشود کفاره
قبل از زوال و مکرر میشود در ایام
متکثر موجب آن اگر واقع شود در ایام
متعدده بلکه در یوم نیز احوط تعدد
کفاره ماه رمضان است و اگر در آخر
ماه رمضان افطار کند و بعد ثابت
شود که روز عید بوده در آن کفاره
نیست و اگر مرد زن خود را که
نماید بر جماع و هر دو صائم باشند
واجبست بر مرد دو کفاره
زوج و اگر زن اطاعت شوهر
نموده باشد واجبست بر هر یک
یک کفاره مبحث چهارم در
علامات دخول ماه رمضان و آن
چند چیز است اول دیدن هلال
پس هر که دید ماه را واجب میشود
بر او روزه هر گاه یقین داشته باشد
دوم گذشتن سی روز از هلال
شهر شعبان که در این صورت واجب
میشود روزه هر چند هلال
شهر رمضان

باب ۵۸ دعای سحور

به قلبی و یقیناً صادقاً حتی اعلم انه لن یصیبنی الا ما کتبت لی و رضّنی من العیش بما قسمت لی یا ارحم الراحمین و مختصرترین دعاها سحر اینست یا مفزعی عند کربتی و یا غوثی عند شدتی الیک فزعت و بک استغثت و بک لذت لا الوذ بسواک و لا اطلب الفرج الا منک فاغثنی و فرج عنی یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر و اعف عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم اللهم انی اسئلک ایماناً تباشر به قلبی حتی اعلم انه لن یصیبنی الا ما کتبت لی و رضّنی من العیش بما قسمت لی یا ارحم الراحمین یا عدتی فی کربتی و یا صاحبی فی شدتی و یا ولیی فی نعمتی و یا غایتی فی رغبتی و یا صاحبی فی شدتی و یا ولیی فی نعمتی و یا غایتی فی رغبتی انت الساتر عورتی و الآمن روعتی و المقیل عثرتی فاغفر لی خطیئتی یا ارحم الراحمین ایضاً بسند بسیار معتبر وارد شده که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که حضرت امام محمد باقر ع این دعا را در سحرهای ماه رمضان میخواندند و میفرمودند که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت آن هر آینه شمشیر برای طلب این دعا کشیده باید که یکدیگر قتال نمایند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعاست راست گفته‌ام پس چون این دعا را بخوانید با اهتمام تمام و تضرع بخوانید و از غیر اهلش پنهان دارید و دعا این است

اللهم انی اسئلک من بهائک بابهاه و کل بهائک بهی اللهم انی اسئلک ببهائک کله اللهم انی اسئلک من جمالک باجمله و کل جمالک جمیل اللهم انی اسئلک بجمالک کله اللهم انی اسئلک من جلالک باجله و کل جلالک جلیل اللهم انی اسئلک بجلالک کله انی اسئلک من عظمتک باعظمها و کل عظمتک عظیمة اللهم

شوال معلوم میشود بگذشتن سی روز از هلال رمضان و بشهادت عدلین هرگاه موافق باشند در شهادت در وصف هلال و شهادت بدهند بدیدن بشرط آنکه موهون نباشد یعنی رؤیت آنها مستبعد نباشد مثل اینکه در موضعی که هیچ مانعی نباشد و عامه خلق استهلال کنند و اغلب رؤیتش منحصر در آن دو نفر باشد که در این مقام با وجود هلال بدیده باشند و اولی رجوع بحاکم شرع است اگر میسر شود زیرا که اقرب و اصح بشهادت و عدالتست چهارم شیاع است باینکه جمعی بگویند ماه را دیدیم و ثابت میشود بآن هلال با حصول علم مبحث پنجم آنکه شرطست در وجوب قضا بلوغ و عقل و اسلام پس واجب نیست قضا بر طفل و دیوانه و بیهوش و کافر مگر آنکه او را

دعا من بهائک

انی اسئلک بعظمتک کلها اللهم انی اسئلک من نورک بانوره و کل نورک نیر اللهم انی اسئلک بنورک کله اللهم انی اسئلک من رحمتک باوسعها و کل رحمتک واسعة اللهم انی اسئلک برحمتک کلها اللهم انی اسئلک من کلماتک باتمها و کل کلماتک تامة اللهم انی اسئلک بکلماتک کلها اللهم انی اسئلک من کمالک باکمله و کل کمالک کامل اللهم انی اسئلک بکمالک کله اللهم انی اسئلک من اسمائک باکبرها و کل اسمائک کبیرة اللهم انی اسئلک باسمائک کلها اللهم انی اسئلک من عزتک باعزها و کل عزتک عزیزة اللهم انی اسئلک بعزتک کلها اللهم انی اسئلک من مشیتک بامضاها و کل مشیتک ماضیة اللهم انی اسئلک بمشیتک کلها اللهم انی اسئلک من قدرتک بالقدرة التی استطلت بها علی کل شیء و کل قدرتک مستطیلة اللهم انی اسئلک بقدرتک کلها اللهم انی اسئلک من علمک بانفذه و کل علمک نافذ اللهم انی اسئلک بعلمک کله اللهم انی اسئلک من قولک بارضاه و کل قولک رضی اللهم انی اسئلک بقولک کله اللهم انی اسئلک من مسائلک باحبها الیک و کل مسائلک الیک حبیبة اللهم انی اسئلک بمسائلک کلها اللهم انی اسئلک من شرفک باشرفه و کل شرفک شریف اللهم انی اسئلک بشرفک کله اللهم انی اسئلک من سلطانک بادومه و کل سلطانک دائم اللهم انی اسئلک بسلطانک کله اللهم انی اسئلک من ملکک بافخره و کل ملکک فاخر اللهم انی اسئلک بملکک کله اللهم انی اسئلک من علوک باعلاه و کل علوک عال اللهم انی

در رمضان روزه

ادراک نمایند آنها اقوی صحت صیام ایشانست و اما حایض و نفساء پس واجبست بر هر یک قضا و همچنین بر کسی که خواب رفته باشد در تمام روز و نیت نکرده باشد و کسی که روزه را فراموش کرده باشد و کسی که ترک کرده باشد عمداً و صدم قیام غیر بعد از وجوب بر او و عصیان و کسی که فراموش نموده باشد غسل جنابت را و بکذرد روزه مقام آن و کسی که واجبست بر او غسل نه و زن یا کل ماه که واجبست بر او قضا و اگر غافل شود از جنابت یا از غسل یا از آنکه شب بوده است واجب نیست بر آن قضا و واجب نیست قضا بر مرتد چه ملی و چه فطری و واجب نیست بر سنی و نه بر سایر فرق اسلام که محکوم بکفر نیستند مثل خوارج و غلاة مگر آنچه فوت شده باشد از ایشان یا انسان اسلام رسانیده باشد بنا بر مذهب خودشان صحیح باشد بنا بر مذهب شیعه هر چند بنا بر مذهب ایشان صحیح نباشد و وجوب قضا فوری نیست و مستحب است تتابع

اسئلک بعلوک کله اللهم انی اسئلک من منک باقدمه وکل منک قدیم اللهم انی اسئلک بمنک کله اللهم انی اسئلک من آیاتک باکرمها وکل آیاتک کریمة اللهم انی اسئلک بآیاتک کلها اللهم انی اسئلک بما انت فیه من الشأن والجبروت واسئلک بکل شأن وحده وجبروت وحدها اللهم انی اسئلک بما تجیبنی حین اسئلک فاجبنی یا الله پس هر حاجتیکه خواهد از حق تعالی بخواهد که البته برآورده می شود اما دعاهای هر روز از اول ماه تا آخر ماه در ذخیره از ابن عباس روایت کرده که او از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که در روز اول بگوید اللهم اجعل صیامی فیه صیام الصائمین وقیامی فیه قیام القائمین وهب لی جرمی فیه یا اله العالمین واعف عنی یا عافیا عن المجرمین تا آنکه خدا تعالی هزار هزار حسنه باو بدهد و هزار هزار سیئه از او محو کند و هزار هزار درجه او را بلند کرداند در روز دویم بگوید اللهم قربنی فیه الی مرضاتک وجنبنی فیه من سخطک ونقماتک ووفقنی فیه لقرائة آیاتک برحمتک یا ارحم الراحمین تا آنکه خدا تعالی بعدد هر گامی که میگذارد عبادت یکساله در نامه اعمال او نویسد که روز آن روزه و شب آن نماز باشد در روز سیم بگوید اللهم ارزقنی فیه الذهن والتنبیه وباعدنی فیه من السفاهة والتمویه واجعل لی نصیبا من کل خیر تنزل فیه یا اجود الاجودین تا آنکه خدا تعالی از برای او در جنة الفردوس خانه بنا کند که در آن هزار غرفه باشد از نور درخشنده و در هر غرفه هزار حور باشد و داخل شود بر او هر روز هزار ملک از نزد خدای تعالی که هر کدام هدیه از برای او آورد در روز چهارم بگوید اللهم قونی فیه علی اقامة امرک وارزقنی لاداء شکرک واحفظنی فیه بحفظک

و تربیت در آن واجب نیست بلکه سنت است و اگر یکسال یا بیشتر روزه مستحب در آن بگذرد یا بیشتر لیکن از کسیکه بر ذمه او روزه واجب باشد صحیح نیست مگر آنکه قادر نباشد بر واجب که جایز است

باب ۷۰ در سنتها و آداب روزه

مکروه است روزه دار را بوسیدن زنان و دست مالیدن بدن ایشان و بازی کردن با ایشان و اقرب آنستکه کراهت مخصوص بصورتی است که محرک شهوت او باشند و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروه است کشیدن چیزی در چشم که اثر او طعمی باشد که بحلق برسد یا در آن مشک باشد و مشهور کراهیت بیرون آوردن خون است از بدن که باعث ضعف شود و در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین داخل شدن حمام که مضعف باشد و مکروه است بوئیدن گلها خصوصا نرجس و بهتر آنستکه مشک را هم نبوید و سایر بوهای خوش مکروه

وسترک یا ابصر الناظرین تا آنکه او را خدا تعالی در جنة الخلد هفتاد هزار تخت کرامت فرماید که بر روی هر تختی حوری باشد در روز پنجم بگوید اللهم اجعلنی فیه من المستغفرین واجعلنی فیه من عبادک الصالحین القانتین واجعلنی فیه من اولیائک المقربین برافتک یا ارحم الراحمین تا آنکه خدای تعالی در جنة المأوی هزار قصر کاشی باو دهد که در هر قصری از او هزار لون از طعام باشد در روز ششم بگوید اللهم لا تخذلنی فیه لتعرض معصیتک ولا تضربنی بسیاط نقمتک وزحزحنی فیه من موجبات سخطک بمنک وایادیک یا منتهی رغبة الراغبین تا آنکه خدا تعالی در بهشت چهل هزار شهر باو دهد که در هر شهری هزار خانه باشد و در هر خانه هزار تخت باشد که طول هر تختی هزار ذرع باشد و بر هر تختی حوری باشد که او را هزار گیسو باشد و بر هر گیسو او را کنیزی گرفته باشد در روز هفتم بگوید اللهم اعنی فیه علی صیامه وقیامه وجنبنی فیه من هفواته وآثامه وارزقنی فیه ذکرک بدوامه بتوفیقک یا هادی المضلین تا آنکه خدا تعالی باو کرامت کند در بهشت چیزی که بر شهدا و سعدا و اولیا کرامت کرده است در روز هشتم بگوید اللهم ارزقنی فیه رحمة الایتام واطعام الطعام وافشاء السلام ومجانبة اللئام وصحبة الکرام بطولک یا ملجأ الآملین تا آنکه عمل او مثل عمل چهل صدیق بسوی آسمان بلند شود روز نهم بگوید اللهم اجعل لی فیه نصیبا من رحمتک الواسعة واهدنی فیه لبراهینک الساطعة وخذ بناصیتی الی مرضاتک الجامعة بمحبتک یا امل المشتاقین تا آنکه خدا تعالی باو ثواب انبیای بنی اسرائیل کرامت کند روز دهم بگوید اللهم اجعلنی فیه من المتوکلین علیک واجعلنی فیه من الفائزین لدیک واجعلنی فیه من المقربین الیک باحسانک یا غایة الطالبین روز یازدهم

تنبیه بدانکه مستحب است که زبان و سایر اعضا از محرمات و مکروهات نگاه دارد چنانکه منقول است از حضرت صادق علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله شنید که زنی روزه دار بکنیز خود دشنام میدهد طعامی طلبید و فرمود که بخور آن زن گفت که من روزه دارم حضرت فرمود که چگونه روزه داری و کنیز خود را دشنام میدهی روزه تنها نخوردن و نیاشامیدن نیست بلکه حق تعالی روزه را حجاب گردانیده است از غیر اینها از افعال و اقوال قبیحه که روزه دار را فاسد میکند چه بسیار کم است روزه داران و چه بسیار است گرسنگان و از حضرت صادق منقولست که هرگاه روزه داری باید که روزه باشد گوش تو و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از محرمات بلکه از مکروهات و فرمود که باید روز روزه تو مانند روز افطار نباشد و ...

در ادعیهٔ مختصرهٔ ایام

بگوید اللهم حبب الی فیه الاحسان وکره الی فیه الفسوق والعصیان وحرم علی فیه السخط والنیران بعونک یا غیاث المستغیثین تا انکه نوشته شود از برای او حجهٔ مقبوله که انرا با پیغمبر بجا اورده باشد و عمرهٔ مقبوله که انرا با اهل علیهم السلام بجا اورده باشد و هر حجه که با پیغمبر بجا اورد برابری میکند با هفتاد هزار حجه که با غیر پیغمبر بجای اورد و هر عمره که با ائمه بجا اورد برابری میکند با هفتاد هزار عمره که با غیر ایشان بجای اورده باشد روز بیست و ایکم بگوید اللهم زینی فیه بالستر والعفاف واسترنی فیه بلباس القنوع والکفاف واحملنی فیه علی العدل والانصاف وامنی فیه من کل ما اخاف بعصمتک یا عصمة الخائفین خداوند بیامرزد گناهان گذشته او را و سیئات او را بحسنات مبدل سازد روز بیست و دوم بگوید اللهم طهرنی فیه من الدنس والاقذار وصبرنی فیه علی کائنات الاقدار ووفقنی فیه للتقی وصحبة الابرار بعونک یا قرة عین المساکین تا انکه حق تعالی بعدد هر سنگ و کلوخی حسنه با و کرامت کند و بعدد مذکور درجه او را در بهشت بلند گرداند روز بیست و چهارم بگوید اللهم لا تؤاخذنی فیه بالعثرات واقلنی فیه من الخطایا والهفوات و لا تجعلنی فیه غرضا للبلایا والافات بعزتک یا عز المسلمین تا انکه روزه او مثل روزه باشد که با انبیا و صلحا و صدیقین و شهدا گرفته باشد روز بیست و سوم بگوید اللهم ارزقنی فیه طاعة العابدین واشرح فیه صدری بانابة المخبتین بامانک یا امان الخائفین تا انکه حق تعالی هشت حاجت او را بجا اورد از حوائج دنیا و بیست حاجت از حوائج اخرت و در جنة الفردوس هزار شهر باو دهند در همسایگی پیغمبران از نور درخشنده در هر شهری هزار غرفه باشد در هر غرفه هزار حجره و در هر حجره انچه نفس خواهد

و حشم

در اداب روزه داری

منقولست که از انحضرت فرمودند که روزه نه همین باز داشتن خود است از خوردن و اشامیدن تنها بلکه باید که در روز روزه نگاه دارید زبان خود را از دروغ و بپوشانید دیدهای خود را از حرام و باید نزاع دیگر مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز مخورید و دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و بیخردی مکنید و دلتنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید از انچه نباید گفت و صبر کنید و راست گو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن و خود را مشرف بر اخرت بگردانید و منتظر فرج و ظهور قائم ال محمد باشید و از زومند ثوابهای اخرت باشید و توشه اعمال صالحه برای اخرت بر دا...

در ثواب ادعیهٔ ایام

و چشم از ان محظوظ شود موجود باشد و او در انجا مخلد باشد روز بیست و پنجم بگوید اللهم اهدنی فیه لعمل الابرار وجنبنی فیه مرافقة الاشرار وادخلنی فیه برحمتک الی دار القرار بالهیتک یا اله العالمین تا انکه خدای تعالی در روز بکه او از قبر بیرون اید ماه نور درخشانی کرامت فرماید که در ان نور رود و حله از بهشت براو بپوشانند و ناقه باو دهند که بر او سوار شود و از شراب بهشت باو دهند روز بیست و ششم بگوید اللهم اهدنی فیه لصالح الاعمال واقض لی فیه الحوائج والامال یا من لا یحتاج الی السؤال یا عالما بما فی صدور العالمین تا انکه خدای تعالی او را بیامرزد اگر چه از خاسران باشد روز بیست و هفتم بگوید اللهم نبهنی فیه لبرکات اسحاره ونور فیه قلبی بضیاء انواره وخذ بکل اعضائی الی اتباع اثاره یا منور قلوب العارفین تا انکه خدای تعالی ثواب هزار پیغمبر باو عطا فرماید روز بیست و هشتم بگوید اللهم وفر حظی من برکاته وسهل سبیلی الی خیراته ولا تحرمنی قبول حسناته یا هادیا الی الحق المبین تا انکه ملائکه اسمان و زمین از برای او استغفار کنند و دعا نمایند روز بیست و نهم بگوید اللهم افتح لی فیه ابواب الجنان واغلق عنی فیه ابواب النیران ووفقنی فیه لتلاوة القران یا منزل السکینة فی قلوب المؤمنین تا انکه بعدد هر کسی که در این ماه روزه گرفته عبادت شصت ساله مقبوله از برای او نوشته شود و حق تعالی هزار ملک بر انگیزاند که او را حفظ کنند از شر هر جبار عنید و هر شیطان مرید و خدای تعالی میان او و اتش دوزخ هفت خندق بیافریند که عرض هر خندقی مابین اسمان و زمین باشد روز بیستم بگوید اللهم اجعل لی فیه الی مرضاتک دلیلا ولا تجعل للشیطان فیه علی سبیلا یا قاضی حوائج السائلین تا انکه حق تعالی قبر او را نورانی گرداند و روی او را سفید گرداند و بر صراط مثل برق جهنده بگذرد روز بیست و یکم بگوید اللهم افتح لی فیه ابواب

واجعل الجنة لی منزلا و مقیلا

و بر شما باد بادب و خضوع و خشوع و شکستگی دل و ارام تن و خضوع مانند کسی که از اقای خود ترسد و مانند کسانی باشید که از عذاب خدا ترسان باشید و امیدوار باشید رحمت او را و باید که پاک باشد او را دل تو از عیبها و بواطن احد فروه دارد تو از عیبها و پاکیزه باشد بدن تو از نجاستها و مکرها و پاکیزه باشد بسوی خدا از انچه غیر او ... و نیت روزه بجهت خدا ... خود را خالص کرده باشی از برای او و شامل باشی از انچه نهی کرده است خدا تو را از ان در اشکار و نهان و بترسی از خداوند جبار انچه سزاوار است از ترسیدن او ... در پنهان و اشکار و ببخشی روح و بدن خود را در ایام روزه خود ... و مشغول کنی دل خود را بر محبت او و یاد او ... خود را در انچه خدا امر کرده است ... خوانده است بسوی ان ... بعمل اوردی انچه ... بعمل اورده و انچه کم کنی از انچه ... از برای تو ...

در ادعیه مختصره ایام

فَضْلِكَ وَاَنْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ وَاَسْكِنِّي
فِيهِ بُحْبُوحَاتِ جِنَانِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ تا آنکه خدا تعالی سکرات مرگ را بر وی
آسان کرداند و او را ثابت کرداند بر قول ثابت روز بیست و سوم بگوید اَللّٰهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ
مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَامْتَحِنْ فِيهِ قَلْبِي بِتَقْوَى الْقُلُوبِ
يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ تا آنکه با پیغمبران و صدیقان مثل برق جهنده از صراط
بگذرد روز بیست و چهارم بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ وَاَعُوذُ بِكَ
فِيهِ مِمَّا يُؤْذِيكَ وَاَسْئَلُكَ التَّوْفِيقَ فِيهِ لِاَنْ اُطِيعَكَ وَلَا اَعْصِيَكَ يَا عَالِمًا
بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ تا آنکه خدای تعالی بعدد هر موی که بر سر و جسد اوست کنیز و غلام
که مثل یاقوت و مرجان باشد باو عطا فرماید روز بیست و پنجم بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ
مُحِبًّا لِاَوْلِيَائِكَ وَمُعَادِيًا لِاَعْدَائِكَ مُسْتَنًّا بِسُنَّةِ خَاتَمِ اَنْبِيَائِكَ يَا عَاصِمَ
قُلُوبِ النَّبِيِّينَ تا آنکه حق تعالی بنا کند از برای او در بهشت صد قصر که بر هر قصری خیمه سبزی
باشد روز بیست و ششم بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا
وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا وَعَيْبِي فِيهِ مَسْتُورًا يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ تا آنکه در قیامت
او را ندا کنند که ای بنده خدا مترس و اندوهگین مباش که خدا تعالی ترا امرزید روز بیست و
هفتم بگوید اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ حَظِّي فِيهِ مِنَ النَّوَافِلِ وَاَكْرِمْنِي فِيهِ بِاِحْضَارِ الْمَسَائِلِ
وَقَرِّبْ فِيهِ وَسِيلَتِي اِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ اِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ تا آنکه ثواب
کسی باو دهند که اطعام داده باشد هر گرسنه را و سیراب کردانیده باشد هر تشنه را
و اکرام کرده باشد هر مؤمن و مؤمنه را که در دنیا باشد روز بیست و هشتم اَللّٰهُمَّ غَشِّنِي
فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَالتَّوْفِيقِ وَطَهِّرْ قَلْبِي فِيهِ مِنْ غَيَاهِبِ التُّهَمَةِ يَا رَؤُوفًا بِعِبَادِهِ
الْمُؤْمِنِينَ تا آنکه در بهشت چندان بهره باو دهند که اگر قیاس کرده شود نصیب و بهره او بدنیا

وَالْعِصْمَةَ التَّوْفِيقَ فِيهِ وَارْزُقْنِي

رَحِيمًا

انان از روزه که میشود از فضل آن و ثواب آن بدرستیکه پدرم گفت که رسولخدا شنید که زنی در روزه جاریه خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید و فرمود از این بخور گفت من روزه ام حضرت فرمود که چگونه روزه داری و جاریه خود را دشنام دادی روزه از خوردن و آشامیدن تنها نیست بدرستیکه حقتعالی روزه را حجابی کردانیده است از سایر امور قبیحه از کردار بد و گفتار بد او چه بسیار کسند روزه داری که بهره نیست او را بغیر از گرسنگی و تشنگی و چه بسیار عبادت کننده که نیست او را بهره از عبادت بغیر تعب ای خوشا خواب زیرکان که بهتر است از بیداری و عبادت احمقان و خوشا افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه داشتن بیخردان است زیرا که خواب مقربان چون بنیت صحیح و قلب آگاه واقع شود از جمله عبادات ایشان است بلکه ارواح ایشان

در ادعیه ایام ماه مبارک

جهل برابر دنیا باشد روز بیست و نهم بگوید اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ
صَيِّرْ اُمُورِي فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ اِلَى الْيُسْرِ وَاقْبَلْ مَعَاذِيرِي وَحُطَّ عَنِّي الْوِزْرَ يَا رَؤُوفًا
بِعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ تا آنکه بنا شود از برای او در بهشت هزار شهر از طلا و نقره و زمرد
و مروارید روز سی ام بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلَى مَا
تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ الرَّسُولُ مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ بِالْاُصُولِ بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و بسند معتبر منقولست از حضرت امام زین العابدین و امام
محمد باقر منقولست که در هر روز ماه مبارک این دعا را میخواندند اَللّٰهُمَّ هٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ
الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ وَهٰذَا شَهْرُ
الصِّيَامِ وَهٰذَا شَهْرُ الْقِيَامِ وَهٰذَا شَهْرُ الْاِنَابَةِ وَهٰذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ وَهٰذَا شَهْرُ
الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَهٰذَا شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَهٰذَا شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةُ
الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِنِّي
عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَسَلِّمْهُ لِي وَسَلِّمْنِي فِيهِ وَاَعِنِّي عَلَيْهِ بِاَفْضَلِ عَوْنِكَ
وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَاَوْلِيَائِكَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ وَ
فَرِّغْنِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَدُعَائِكَ وَتِلَاوَةِ كِتَابِكَ وَعَظِّمْ لِي فِيهِ الْبَرَكَةَ
وَاَحْسِنْ لِي فِيهِ الْعَافِيَةَ وَاَحْرِزْ لِي فِيهِ التَّوْبَةَ وَاَصِحَّ لِي فِيهِ بَدَنِي وَاَوْسِعْ فِيهِ
رِزْقِي وَاكْفِنِي فِيهِ مَا اَهَمَّنِي وَاسْتَجِبْ فِيهِ دُعَائِي وَبَلِّغْنِي فِيهِ رَجَائِي اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَذْهِبْ عَنِّي فِيهِ النُّعَاسَ وَالْكَسَلَ وَالسَّاٰمَةَ
وَالْفَتْرَةَ وَالْقَسْوَةَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغِرَّةَ وَجَنِّبْنِي فِيهِ الْعِلَلَ وَالْاَسْقَامَ وَالْهُمُومَ
وَالْاَحْزَانَ وَالْاَعْرَاضَ وَالْاَمْرَاضَ وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ وَاصْرِفْ عَنِّي فِيهِ السُّوءَ
وَالْفَحْشَاءَ وَالْجَهْدَ وَالْبَلَاءَ وَالتَّعَبَ وَالْعَنَاءَ اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

در عالم قدس با ارواح انبیا و اوصیا ایشان از علم و غیب مؤمنان مخصوص میکردند و مطلع میکردند و بشر و پای صادقه راههای قرب بایشان است و افطار راهی از راههای دانائیست خردمندان چون از راه دانائیست افطار می نمایند بهتر است از روزهای احمقان که حقتعالی خواسته که روزه را دستگاه خود فروشی کرده اند و بریا و عجب و غرور مبتلا میکنند خدا کرده اند و بشرایط صوم عمل نمیکنند و اسرار که در دنیا جمله از ختوم مجربه و افاضات بعضی از آن از جمله غیابات بعضی از آن از جمله ختوم ختم آیه کریمه ربانیه است الله نور السموات والارض است و این ختم را مرحوم مبرور آخوند ملا زین العابدین کلپایکانی اعلی الله مقامه و نیز از اساتید علما نقل فرموده اند و نیز مرحوم مبرور حاجی سید علی ششتری ره از مرحوم سید محمد العلوم علی الله مقامهما روایت فرموده اند و حقیر این ختم را از مرحوم حاجی سید علی

دعای ایام ماه مبارک

علی محمد و آل محمد و اعذنی فیه من الشیطان الرجیم و همزه و لمزه و نفثه
و نفخه و وسوسته و تثبیطه و بطشه و کیده و مکره و حبائله و خدعه
و امانیه و غروره و فتنته و شرکه و احزابه و اتباعه و اشیاعه و اولیائه
و شرکائه و جمیع مکائده اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارزقنا قیامه
و صیامه و بلوغ الامل فیه و فی قیامه و استکمال ما یرضیک عنی صبرا
و احتسابا و ایمانا و یقینا ثم تقبل ذلک منی بالاضعاف الکثیرة و الاجر
العظیم یا رب العالمین اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارزقنی الحج و العزم
و الجد و الاجتهاد و القوة و النشاط و الانابة و التوبة و التوفیق
القربة و الخیر المقبول و الرهبة و الرغبة و التضرع و الخشوع و الرقة
و النیة الصادقة و صدق اللسان و الوجل منک و الرجاء لک و التوکل
علیک و الثقة بک و الورع عن محارمک مع صالح القول و مقبول السعی
و مرفوع العمل و مستجاب الدعوة و لا تحل بینی و بین شیء من ذلک
بعرض و لا مرض و لا هم و لا غم و لا سقم و لا غفلة و لا نسیان بل بالتعاهد
و التحفظ لک و فیک و الرعایة لحقک و الوفاء بعهدک و وعدک
برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم صل علی محمد و آل محمد و اقسم لی فیه
افضل ما تقسمه لعبادک الصالحین و اعطنی فیه افضل ما تعطی اولیائک
المقربین من الرحمة و المغفرة و التحنن و الاجابة و العفو و المغفرة الدائمة
و العافیة و المعافاة و العتق من النار و الفوز بالجنة و خیر الدنیا و الآخرة
اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعل دعائی فیه الیک واصلا و رحمتک
و خیرک الی فیه نازلا و عملی فیه مقبولا و سعیی فیه مشکورا و ذنبی فیه

دربارهٔ اسرار سوره

کرفتم او نیز اجازه فرموده اند اجازه
که مستجیزین از عدول اجازه بدهم
و کیفیتش آنستکه چهل روز روزه
بدارد و غرض از صوم مجرد نیت و
امساک از مفطرات نیست بلکه مقصود
صوم کامل استکه از جمیع معاصی قلبیه
و جوارحیه اجتناب نماید و از کافه
شهوات نفسانیه اجتناب نماید
و در روز اول غسل کند و در هر
شب ما بین العشائین هر یک از
کلمه کهیعص را با حمعسق بعدد
جمل کبیر تلاوت کند و در حین تلاوت
با حضور قلب سر برهنه چهارده
مرتبه صلوات بفرستد و چهار
ده مرتبه صلوات و آیه مبارکه نور
تلاوت کند چون بدین نحو مداومت
نماید رؤیای صادقه خواهد
دید و هرگاه قابل نباشد او را
میرهد ترسانید و هرگاه بخواهد
[illegible]
[illegible] صلوات و آیه نور را
[illegible]

دعای شب ماه مبارک رمضان

مغفورا حتی یکون نصیبی فیه الاکبر و حظی فیه الاوفر اللهم صل علی محمد و
آل محمد و وفقنی فیه للیلة القدر علی افضل حال تحب ان یکون علیها
احد من اولیائک و ارضاها لک ثم اجعلها لی خیرا من الف شهر و ارزقنی فیها
افضل ما رزقت احدا ممن بلغته ایاها و اکرمته بها و اجعلنی فیها من عتقائک
من جهنم و طلقائک من النار و سعداء خلقک بمغفرتک و رضوانک یا ارحم
الراحمین اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارزقنا فی شهرنا هذا الجد و الاجتهاد
و القوة و النشاط و ما تحب و ترضی اللهم رب الفجر و لیال عشر و
الشفع و الوتر و رب شهر رمضان و ما انزلت فیه من القرآن و رب
جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و جمیع الملائکة المقربین و رب ابراهیم و
اسمعیل و اسحق و یعقوب و رب موسی و عیسی و جمیع النبیین و المرسلین
و رب محمد خاتم النبیین صلواتک علیه و علیهم اجمعین و نظرت الی
نظرة رحیمة ترضی بها عنی رضا لا تسخط علی بعده ابدا و اعطنی جمیع
سؤلی و رغبتی و امنیتی و ارادتی و صرفت عنی ما اکره و احذر و اخاف
علی نفسی و ما لا اخاف و عن اهلی و مالی و اخوانی و ذریتی اللهم
الیک فررنا من ذنوبنا فآونا تائبین و تب علینا مستغفرین و اغفر لنا
متعوذین و اعذنا مستجیرین و اجرنا مستسلمین و لا تخذلنا راهبین
و امنا راغبین و شفعنا سائلین و اعطنا انک سمیع الدعاء قریب مجیب
اللهم انت ربی و انا عبدک و احق من سأل العبد ربه و لم یسأل العباد
مثلک کرما و جودا یا موضع شکوی السائلین و یا منتهی حاجة الراغبین
و یا غیاث المستغیثین و یا مجیب دعوة المضطرین و یا ملجأ الهاربین و یا صریخ

در ختم [illegible]

[illegible]

بخواند
و در اربعین بعدد
لفظ نور که دویست و پنجاه و شش
بخواند چون باین نحو مواظبت
نماید رؤیای صادقه خواهد
دید خدمت حضرت ائمه علیهم
السلام میرسد و افاضات کامله
باو میرسد و آنچه مطلوب اوست
فائز میگردد ولی باید متقی و پرهیزکار
باشد و قلب خود را از محبت
دنیا و حسد و کینه و کبر و ریا
و امثال اینها پاک کرده اند
و بمحاسن اخلاق متصف شود
و پیوسته بمجاهده شرعیه مشغول
باشد آثار کلیه از این ختم شریف
برای او حاصل میشود و بر جمله از
علوم غریبه آگاه میشود و شرط
عامه ختم چند امر است اول قلة اکل
حیوانی دویم قلة مباشرت مگر آنچه
در شرع مطلوب است سیم قلة
کلام چهارم قلة خواب و پنجم انسته
غالبا از ذکر خدا غافل نباشد و
بدانکه اعظم اسوه که

الْمُسْتَصْرِخِينَ وَيَا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا فَارِجَ
هَمِّ الْمَهْمُومِينَ وَيَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَعُيُوبِي وَاِسَائَتِي وَ
ظُلْمِي وَجُرْمِي وَاِسْرَافِي عَلٰى نَفْسِي وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ فَاِنَّهُ لَا
يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ وَاعْفُ عَنِّي وَاغْفِرْ لِي كُلَّ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَاعْصِمْنِي
فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَاسْتُرْ عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَوَلَدِي وَقَرَابَتِي وَاَهْلِ
حُزَانَتِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ
فَاِنَّ ذٰلِكَ كُلَّهُ بِيَدِكَ وَاَنْتَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي وَلَا تَرُدَّ
دُعَائِي وَلَا تَرُدَّ يَدِي اِلٰى نَحْرِي حَتّٰى تَفْعَلَ ذٰلِكَ بِي وَتَسْتَجِيبَ لِي جَمِيعَ مَا
سَئَلْتُكَ وَتَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ فَاِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَنَحْنُ اِلَيْكَ
رَاغِبُونَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْاٰلَاءُ
اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ
تَنَزَّلُ الْمَلٰئِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي
فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَائَتِي مَغْفُورَةً
وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَانًا لَا يَشُوبُهُ شَكٌّ وَرِضًا بِمَا
قَسَمْتَ لِي وَآتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ
وَاِنْ لَمْ تَكُنْ قَضَيْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزَّلُ الْمَلٰئِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا فَاَخِّرْنِي
اِلٰى ذٰلِكَ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَطَاعَتَكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ
فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا
اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اِغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَلِاَبْرَارِ عِتْرَتِهِ

از تاثیر خشوع است غفلت و محبت دنیا و غواشی ظلمانیه و علایق جسمانیه است و اعظم اموریکه باعث بر تاثیر خشوع میباشد تحصیل مرتبه فنا است که در حدیث فرموده‌اند موتوا قبل ان تموتوا و در علامات مؤمن فرموده‌اند میتا شهوته و مقصود از فنا و تقوی آنست که قلب او هیچ چیز از ما سوی الله تعلق نداشته باشد المؤمن من کان فی قلبه مثقال خردلة سوی جلال الله فاعلم انه مریض و مگر به درگاه خدا او مشیتی برای خود قرار ندهد بلکه مشیت خود را تابع مشیت الهی قرار دهد مصرع تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز و تفصیل این مطالب را در کتاب اخلاق المؤمنین و در رساله اخلاق ایراد نموده‌ام و باید نفس را تزکیه کند چه بدون تذکیه نفس اثری بر خشوع مترتب نمیشود خداوند جل شانه میفرماید قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها

وَاقْتُلْ اَعْدَائَهُمْ بَدَدًا وَاَحْصِهِمْ عَدَدًا وَلَا تَدَعْ عَلٰى ظَهْرِ الْاَرْضِ مِنْهُمْ اَحَدًا
وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ اَبَدًا يَا حَسَنَ الصُّحْبَةِ يَا خَلِيفَةَ النَّبِيِّينَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَالدَّائِمُ غَيْرُ الْغَافِلِ وَالْحَيُّ الَّذِي
لَا يَمُوتُ اَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَاْنٍ اَنْتَ خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ وَنَاصِرُ مُحَمَّدٍ وَمُفَضِّلُ مُحَمَّدٍ اَسْئَلُكَ اَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَخَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ وَالْقَائِمَ
بِالْقِسْطِ مِنْ اَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اعْطِفْ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ يَا
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ بِحَقِّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي
الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاجْعَلْ عَاقِبَةَ اَمْرِي اِلٰى غُفْرَانِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَكَذٰلِكَ نَسَبْتَ نَفْسَكَ يَا سَيِّدِي بِاللَّطِيفِ بَلٰى اِنَّكَ لَطِيفٌ فَصَلِّ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالْطُفْ بِي اِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي
الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فِي عَامِنَا هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَتَطَوَّلْ عَلَيَّ بِجَمِيعِ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا
وَالْاٰخِرَةِ پس سه مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي
وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي اِنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ رَبِّ اِنِّي عَمِلْتُ سُوءً وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ
اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْحَلِيمُ الْعَظِيمُ الْعَلِيمُ الْكَرِيمُ
الْغَفَّارُ لِلذَّنْبِ الْعَظِيمِ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا
پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْعَظِيمِ الْمَحْتُومِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ
الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ

و حضرت رسول فرمودند علیکم بالجهاد الاکبر بعد فرمودند جهاد اکبر جهاد با نفس است و بدانکه انسان مرکب از دو چیز یکی از آنها مشتبه السانیه و ناطقیه است و دیگر مشتبه حیوانیه است ان هرگاه جهت حیوانیه را تقویت کند او جهت حیوانات پست‌تر میشود و اگر جهت انسانیه را تقویت کند بمقاماً عالیه و درجات رفیعه فائز میشود هر که متابعت هدی نمود بمقام سعادت رسید و هر که متابعت هوا و هوس نفس کرد از اهالک شد و بدانکه جهاد با دشمن نمود هلاکت شد ... و اشاره نموده داری که امام ع در دعا اشاره نموده فیا غوثاه ثم واغوثاه بک یا الله من هوی قد غلبنی و من عدو قد استکلب علی و من دنیا قد تزینت لی و من نفس امارة بالسوء الا ما رحم ربی و بدانکه هوای نفس شر جهان بدتر است از شیطان بلکه تاثیر وساوس شیطان منوط بتقویت نفس است و از این جهت است که شیطان تسلطی بر عباد مخلص

در ادعیه ماه مبارک رمضان

الشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم وان تجعل فيما
تقضي وتقدر ان تطيل عمري وتوسع رزقي وتؤدي عني امانتي
وديني آمين رب العالمين اللهم اجعل لي من امري فرجا ومخرجا وارزقني
من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب واحرسني من حيث احترس ومن حيث
لا احترس وصلى الله على محمد وآله وسلم تسليما كبيرا و از جمله
دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان دعائی است که سید بن طاوس ره فضیلت بسیار
از برای او ذکر کرده و در استجابت دعوات مجرب و مضامین عالیه مشتمل است و دعا
اینست سه مرتبه بگوید اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید
اللهم اني اسئلك من بهائك بابهاه وكل بهائك بهي اللهم اني اسئلك
ببهائك كله اللهم اني اسئلك من جلالك باجله وكل جلالك جليل
اللهم اني اسئلك بجلالك كله اللهم اني اسئلك من جمالك باجمله
وكل جمالك جميل اللهم اني اسئلك بجمالك كله پس سه مرتبه بگوید
اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني
اسئلك من عظمتك باعظمها وكل عظمتك عظيمة اللهم اني اسئلك
بعظمتك كلها اللهم اني اسئلك من نورك بانوره وكل نورك نير اللهم
اني اسئلك بنورك كله اللهم اني اسئلك من رحمتك باوسعها وكل
رحمتك واسعة اللهم اني اسئلك برحمتك كلها پس سه مرتبه بگوید اللهم
اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني
اسئلك من كمالك باكمله وكل كمالك كامل اللهم اني اسئلك
بكمالك كله اللهم اني اسئلك من كلماتك باتمها وكل كلماتك تامة

اللهم

در تحصیل اخلاق

دارد
ودر مملکت وجود انسانی قوه
عاقله و قوه جاهله موجود است و
هر یک از اینها هفتاد و پنج لشکر دارند
و پیوسته در مقام منازعه و جدال
میباشند و همه ملکات حسنه از
جنود عقل و جمیع ملکات رذیله از
جنود جهل میباشد پس هرگاه جنود
عقل را مسلط نمودی بر جنود جهل
ملک میشوی و نجات خواهی یافت و
اگر جنود جهل را مسلط نمودی و
متابعت هوا و هوس نمودی هلاک
خواهی شد [illegible] ان کنت بصیرا
وافهم واغتنم فان الحر تکفیه الاشاره
و بدانکه ایمان بجمیع اعضا و جوارح
تو منبعث میباشد انچه اطاعت خدا را میکنی
ایمان تو زیاد میشود و انچه مرتکب
معصیت میشوی معادل همان
معصیت از ایمان تو کم میشود حدیث
لا یزنی الزانی و هو مؤمن ولا یسرق
السارق و هو مؤمن اشاره بهمان
معنی باشد مؤلف گوید هنگامی
که در ارض اقدس نجف

در ادعیه ماه مبارک

اللهم اني اسئلك بكلماتك كلها اللهم اني اسئلك من اسمائك
باكبرها وكل اسمائك كبيرة اللهم اسئلك باسمائك كلها
پس سه مرتبه بگوید اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید
اللهم اني اسئلك من عزتك باعزها وكل عزتك عزيزة اللهم اني
اسئلك بعزتك كلها اللهم اني اسئلك من مشيتك بامضاها و
كل مشيتك ماضية اللهم اني اسئلك بمشيتك كلها اللهم
اني اسئلك من قدرتك بالقدرة التي استطلت بها على كل شيء وكل
قدرتك مستطيلة اللهم اني اسئلك بقدرتك كلها پس سه مرتبه بگوید
اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني
اسئلك من علمك بانفذه وكل علمك نافذ اللهم اني اسئلك بعلمك
كله اللهم اني اسئلك بعلمك كله اللهم اني اسئلك من قولك بارضاه
وكل قولك رضي اللهم اني اسئلك بقولك كله اللهم اني
اسئلك من مسائلك باحبها اليك وكل مسائلك اليك اللهم اني
اسئلك بمسائلك كلها پس سه مرتبه بگوید اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي
كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسئلك من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف
اللهم اني اسئلك بشرفك كله اللهم اني اسئلك من سلطانك بادومه
وكل سلطانك دائم اللهم اني اسئلك بسلطانك كله اللهم اني
اسئلك من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر اللهم اني اسئلك بملكك
كله پس سه مرتبه بگوید اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني
پس بگوید اللهم اني اسئلك من علائك باعلاه وكل علائك عال اللهم

در احوال مصنف

اشرف
مشغول تحصیل علوم بودم مسائل
ومطالب بسیاری بر حقیر مشکل
شده بود که راهی برای حل آنها پیدا
نمیشود تا آنکه باشاره مرحوم حاجی
سید علی ششتری اعلی الله مقامه
مشغول تذکیه اخلاق شدم و در
هر شب بعد از فراغ از نماز شب
تضرع و زاری و استغفار میشدم
وجمله از ادعیه صحیفه و نحو آنها
مواظبت میکردم تا اینکه در شب
چهارم را در مسجد سهله احیا داشتم و در وقت
چون صبح شد بکنار شط فرات رفتم و دیدم
شخصی را دیدم بر روی آب راه میرود
و بجانب من میاید چون بکنار شط
رسید از آب خارج شد و نشست
و مرا امر بجلوس فرمود و فرمود سؤال
کن از انچه میخواهی حقیر سؤال کردم
و جواب هر یک را شنیدم پس خواستم
الشخص را بشناسم از نظر من غائب
شد و حقیر بسیاری از انچه را سؤال
کرده بودم و جواب شنیده ام
در این کتاب بیان

باب ۵ در ادعیه ایام ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ اسْئَلُکَ بِعَلَائِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ مِنْ مَنِّکَ بِاَقْدَمِهِ وَکُلُّ
مَنِّکَ قَدِیْمٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِمَنِّکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ مِنْ اٰیَاتِکَ
بِاَعْجَبِهَا وَکُلُّ اٰیَاتِکَ عَجِیْبَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِاٰیَاتِکَ کُلِّهَا پس سر بزیر
بکو بدا اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَدْعُوْکَ کَمَا اَمَرْتَنِیْ فَاسْتَجِبْ لِیْ کَمَا وَعَدْتَنِیْ پس بکو اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ بِاَفْضَلِهِ وَکُلُّ فَضْلِکَ فَاضِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ
بِفَضْلِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ مِنْ رِزْقِکَ بِاَعَمِّهِ وَکُلُّ رِزْقِکَ عَامٌّ
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِرِزْقِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ مِنْ عَطَائِکَ بِاَهْنَئِهِ
وَکُلُّ عَطَائِکَ هَنِیْءٌ اَللّٰهُمَّ اسْئَلُکَ بِعَطَائِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ
مِنْ خَیْرِکَ بِاَعْجَلِهِ وَکُلُّ خَیْرِکَ عَاجِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِخَیْرِکَ کُلِّهِ
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ مِنْ اِحْسَانِکَ بِاَحْسَنِهِ وَکُلُّ اِحْسَانِکَ حَسَنٌ اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اَسْئَلُکَ بِاِحْسَانِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِمَا تُجِیْبُنِیْ بِهِ حِیْنَ اَدْعُوْکَ
فَاَجِبْنِیْ یَا اَللّٰهُ نَعَمْ دَعَوْتُکَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِمَا اَنْتَ فِیْهِ مِنَ الشُّؤُنِ
وَالْجَبَرُوْتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِکُلِّ شَاْنٍ وَجَبَرُوْتٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ
بِشَاْنِکَ وَجَبَرُوْتِکَ کُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِمَا تُجِیْبُنِیْ بِهِ حِیْنَ اَسْئَلُکَ
فَاَجِبْنِیْ یَا اَللّٰهُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ پس هر حاجت که داری طلب نما و بکو اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْنِیْ عَلَی الْاِیْمَانِ بِکَ وَالتَّصْدِیْقِ بِرَسُوْلِکَ
وَالْوِلَایَةِ لِعَلِیِّ بْنِ اَبِیْ طَالِبٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَالْاِئْتِمَامِ بِالْاَئِمَّةِ مِنْ اٰلِ مُحَمَّدٍ
وَالْبَرَائَةِ مِنْ اَعْدَائِهِمْ وَاِنِّیْ قَدْ رَضِیْتُ بِذٰلِکَ یَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاسْئَلُکَ خَیْرَ الْخَیْرِ رِضْوَانَکَ وَالْجَنَّةَ وَاَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّ
الشَّرِّ سَخَطِکَ وَالنَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِیْ مِنْ کُلِّ مُصِیْبَةٍ وَ

سؤال معنای السعید سعید فی بطن امه والشقی شقی فی بطن امه چیست و چگونه این حدیث است جواب بحقیقت طینت است نه بحکم طینت سعید در بطن ام از طینت علیین است و طینت شقی در بطن ام از طینت سجین است سؤال معنای ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین چیست و چه سر است که باید اینها که محبوب باشند جواب حقیقت توبه استغفار نیست بلکه باید ندامتی برای او حاصل شود مثل کسی که در صحرای محشر وارد شده باشد و بر ثواب و عقاب مطلع باشد و از مرتبه عین الیقین و حق الیقین منتهی باشد و البته چنین کسی محبوب درگاه الهی است هرگاه پیوسته مشغول چنین توبه باشد و معنای و یحب المتطهرین مجرد کثرت طهارت نیست بلکه نفس خود را بسیار از اخلاق ذمیمه و رذیله تطهیر نماید و باخلاق حمیده او را زینت دهد چنین

در ادعیه ایام ماه رمضان

مِنْ کُلِّ بَلِیَّةٍ وَمِنْ کُلِّ عُقُوْبَةٍ وَمِنْ کُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ کُلِّ بَلَاءٍ وَمِنْ کُلِّ شَرٍّ
وَمِنْ کُلِّ مَکْرُوْهٍ وَمِنْ کُلِّ مُصِیْبَةٍ وَمِنْ کُلِّ اٰفَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ
السَّمَاءِ اِلَی الْاَرْضِ فِیْ هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِیْ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ وَفِیْ هٰذَا الْیَوْمِ وَفِیْ
هٰذَا الشَّهْرِ وَفِیْ هٰذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِیْ
مِنْ کُلِّ سُرُوْرٍ وَمِنْ کُلِّ بَهْجَةٍ وَمِنْ کُلِّ اسْتِقَامَةٍ وَمِنْ کُلِّ فَرَجٍ وَمِنْ کُلِّ
عَافِیَةٍ وَمِنْ کُلِّ سَلَامَةٍ وَمِنْ کُلِّ کَرَامَةٍ وَمِنْ کُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَیِّبٍ
وَمِنْ کُلِّ نِعْمَةٍ وَمِنْ کُلِّ حَسَنَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ اِلَی الْاَرْضِ فِیْ هٰذِهِ
السَّاعَةِ وَفِیْ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ وَفِیْ هٰذَا الْیَوْمِ وَفِیْ هٰذَا الشَّهْرِ وَفِیْ هٰذِهِ السَّنَةِ
اَللّٰهُمَّ اِنْ کَانَتْ ذُنُوْبِیْ قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِیْ عِنْدَکَ فَاِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِنُوْرِ وَجْهِکَ
الْکَرِیْمِ الَّذِیْ کَرَّمْتَنَا وَبِوَجْهِ حَبِیْبِکَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰی وَبِوَجْهِ وَلِیِّکَ
عَلِیٍّ الْمُرْتَضٰی وَبِحَقِّ اَوْلِیَائِکَ الَّذِیْنَ انْتَجَبْتَهُمْ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
تَغْفِرَ لِیْ وَلِوَالِدَیَّ وَمَا وَلَدَا وَلِلْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَمَا تَوَالَدُوْا ذُنُوْبًا
کُلَّهَا صَغِیْرَهَا وَکَبِیْرَهَا وَاَنْ تَخْتِمَ لَنَا بِالصَّالِحَاتِ وَاَنْ تَقْضِیَ لَنَا الْحَاجَاتِ
وَالْمُهِمَّاتِ وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اٰمِیْنَ اٰمِیْنَ اٰمِیْنَ مَا شَاءَ اللّٰهُ کَانَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا
بِاللّٰهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا یَصِفُوْنَ وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِیْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ
پس دستها را بجانب آسمان بلند کن و حیله کردن ترا بسوی دوش چپ خود و کریه بکن و
اگر نباید خود را بگریه بدار پس بعد از آن بکوی یا لا اله الا انت اسئلک بحق من
حَقُّهُ عَلَیْکَ عَظِیْمٌ یا لا اله الا انت اسئلک ببهاء لا اله الا انت یا لا اله
الا انت اسئلک بجلال لا اله الا انت بجمال لا اله الا انت یا لا اله الا

کسی رستکار بد و نجود درگاه الهی است چنانچه میفرماید قد افلح من زکیها سؤال کسانیکه تابع حاجی سید کاظم رشتی و حاجی کریم خان کرمانی میباشند حکم اینها چیست جواب ضال و مضل میباشند و مبدع و مستند و معتقد باینها ملکه باعموم اهل بدعت حرام و مبدع اینها بسیار است اول رکن رابع است در دین زیاد کرده اند و حال اینکه باجماع علماء و نص آیه الکهم تحصیل کردم دینکم رکن رابع ایمان نیست و معرفت علماء مخصوص مقدمه تقلید است و از فروع دین است انکار تقلید از اصل ایمان و مسلم بحجیت او نه خارج از مقدمات فروع دین از ایمان خارج نمیشود و دیگر آنکه فرقه میکویند منکر رکن رابع از منکر توحید بدتر است و این قول مخالف است باتفاق جمیع مسلمین دیم آنکه فرقه آیات و احادیث را برای تاویل میکنند و در این باب اراده فاسده خود را

در ادعیه ایام ماه مبارک رمضان

أنت أسألك بنور لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بكمال لا إله إلا أنت
يا لا إله إلا أنت أسألك بعزة لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك
بعظم لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بقول لا إله إلا أنت يا لا إله
إلا أنت أسألك بشرف لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بعلاء لا
إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بلا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت يا
ربّاه آنقدر بگوید که نفس وفا کند پس بر همان حالتی که بود گردن کج کرده بدوش چپ بگوید
أسألك يا سيدي پس بگوید يا الله يا ربّاه آن قدر که نفس وفا کند پس بگوید يا سيدي
يا مولاه يا غياثاه يا ملجاه يا مولاه يا منتهى غاية رغبتاه يا أرحم الراحمين
أسألك بك فليس كمثلك شيء وأسألك بكل دعوة مستجابة دعاك
بها نبي مرسل أو ملك مقرب أو عبد مؤمن امتحنت قلبه للإيمان واستجبت
دعوته منه وأتوجه إليك بمحمد نبيك نبي الرحمة وأقدمه بين يدي
حوائجي يا محمد يا رسول الله بأبي أنت وأمي أتوجه بك إلى الله ربك و
ربي وأقدمك بين يدي حوائجي يا ربّاه يا ربّاه يا ربّاه أسألك بك فليس
كمثلك شيء وأتوجه إليك بمحمد حبيبك وبعترته الهادية وأقدمهم
بين يدي حوائجي وأسألك بحياتك التي لا تموت وبنور وجهك الذي لا
يطفأ وبعينك التي لا تنام وأسألك بحق من حقه عليك عظيم أن تصلي على محمد
وآل محمد قبل كل شيء وبعد كل شيء وعدد كل شيء وزنة كل شيء وملء
كل شيء اللهم إني أسألك أن تصلي على محمد عبدك المصطفى ورسولك المرتضى
وأمينك المرتجى ونجيك دون خلقك وحبيبك وخيرتك من خلقك أجمعين
البشير النذير السراج المنير وعلى آله الطيبين الطاهرين المطهرين الأخيار الأبرار

متابعت پیغمبر باشند ششم آنکه چیزهائی نسبت باهل بیت علیهم السلام میدهند که ... است چهارم آنکه جمیع علمای متشرعه را از زمان غیبت کبری تا زمان مرحوم شیخ احمد احسائی بر باطل میدانند و حال آنکه حقیقت آنها با دله اربعه ثابت است پنجم معراج حضرت رسول صلی الله علیه وآله تاویل میکنند یعنی که راجع بروحانی میشود و حال آنکه معراج جسمانی بنص کتاب وسنت متواتره واتفاق شیعه ثابت شده است ششم آنکه میگویند ضمائر حمد بائمه علیهم السلام راجع میشود و میگویند عبادت آنها عبادت خداست و این قول مختص بجمعی از غلات ایشانست و در معنی شرکت در عبادت است و خلاق عالم جل شانه شریکی در هیچ مرتبه ندارد هفتم آنکه در حق رکن رابع فضائل بسیار قائل شده اند که همه آنها محض کذب و خلاف است

در ادعیه ماه مبارک رمضان

وعلى ملائكتك الذين استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك وعلى أنبيائك
الذين ينبئون بالصدق عنك وعلى عبادك الصالحين الذين أدخلتهم في رحمتك
الأئمة المهتدين الراشدين المطهرين وعلى جبرئيل وميكائيل وإسرافيل و
ملك الموت ورضوان خازن الجنة ومالك خازن النار وروح القدس وحملة
العرش ومنكر ونكير وعلى الملكين الحافظين علي بالصلوة التي تحب أن تصلي
بها عليهم صلوة كثيرة طيبة مباركة زاكية نامية طاهرة شريفة
فاضلة تبين بها فضلهم على الأولين والآخرين اللهم إني أسألك أن تسمع
صوتي وتجيب دعوتي وتغفر ذنوبي وتنجح طلبتي وتقضي حاجتي وتقبل توبتي
وتنجز لي ما وعدتني وتقيلني عثرتي وتتجاوز عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي
وتعفو عن جرمي وتقبل علي ولا تعرض عني وترحمني ولا تعذبني وتعافيني
ولا تبتليني وترزقني من أطيب الرزق وأوسعه وأهنأه وأمرئه وأسبغه
وأكثره ولا تحرمني يا رب النظر إلى وجهك الكريم والفوز بالجنة
والعتق من النار واقض عني يا رب ديني وأمانتي وضع عني وزري ولا تحملني
ما لا طاقة لي به يا مولاي وأدخلني في كل خير أدخلت فيه محمدا وآل محمد
وأخرجني من كل سوء أخرجتهم منه ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين
أبدا في الدنيا والآخرة پس سه مرتبه بگوید اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب
لي كما وعدتني پس بگوید اللهم إني أسألك قليلا من كثير مع حاجة
بي إليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عليك سهل يسير فامنن به علي
إنك على كل شيء قدير اللهم برحمتك في الصالحين فأدخلنا وفي عليين
فارفعنا وبكأس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين

هشتم آنکه معاد جسمانی را بابدان هورقلیائی تفسیر کرده اند و حال آنکه بمقتضای آیات و اخبار و طریقه حقه شیعه آنستکه همین بدن عنصری عود میکند و تاویل در معاد باطل است نهم آنکه این فرقه میگویند امر خلق و رزق تفویض شده است بائمه علیهم السلام بدلیل خطبة البیان و جمله از ادله که اسانید آنها صحت ندارد و این قول خلاف است بلکه حق آنستکه ائمه علیهم السلام مانند ملائکه چون خدام ائمه میباشند باذن متصدی امر خلق و رزق و موت میباشند زیرا که امثال این امور میسر نمیشود مگر باذن ... هیچ نطفه منعقد نمیشود و روح احدی را قبض نمیکند ملک الموت بلکه هیچ امری بدون اذن ائمه در عالم امکان واقع نمیشود و ما یشاؤن الا ان یشاء الله چنانچه در حدیث معتبر فرمودند نحن اوعیة مشیة الله اذا شئنا شاء الله و ما تشاؤن الا ان یشاء الله

در ادعیه ماه رمضان

بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنْ وِلْدَانٍ مُخَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَأَخْدِمْنَا وَمِنْ
ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَأَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ
فَأَلْبِسْنَا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِي سَبِيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ
فَوَفِّقْ لَنَا وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا يَا خَالِقَنَا اسْمَعْ وَاسْتَجِبْ
لَنَا وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَارْحَمْنَا وَبَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَ
أَمَانًا مِنَ الْعَذَابِ فَاكْتُبْ لَنَا وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فِي النَّارِ
فَلَا تَقْرِنَّا وَفِي هَوَانِكَ وَعَذَابِكَ فَلَا تُقَلِّبْنَا وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا
تُطْعِمْنَا وَفِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكُبَّنَا وَمِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَابِيلِ الْقَطِرَانِ
فَلَا تُلْبِسْنَا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ فَنَجِّنَا اللّٰهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلْ مِثْلُكَ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ إِلَى مِثْلِكَ
يَا رَبِّ أَنْتَ مَوْضِعُ مَسْأَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ أَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ
بِأَفْضَلِ أَسْمَائِكَ كُلِّهَا وَأَنْجَحِهَا يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ وَبِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَصُونِ
الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَعْظَمِ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضَى عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ
دُعَاءَهُ وَحَقٌّ عَلَيْكَ يَا رَبِّ أَنْ لَا تَحْرِمَ سَائِلَكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ
هُوَ لَكَ دَعَاكَ بِهِ عَبْدٌ هُوَ لَكَ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَوْ عِنْدَ بَيْتِكَ
الْحَرَامِ أَوْ فِي شَيْءٍ مِنْ سُبُلِكَ فَأَدْعُوكَ يَا رَبِّ دُعَاءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ
وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَدْحُهُ وَأَشْرَفَتْ عَلَى الْهَلَكَةِ نَفْسُهُ وَلَمْ يَثِقْ
بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَلَمْ يَجِدْ لِمَا هُوَ فِيهِ سَادًّا وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا وَلَا لِعَثْرَتِهِ مُقِيلًا
غَيْرَكَ هَارِبًا إِلَيْكَ مُتَعَوِّذًا بِكَ مُتَعَبِّدًا لَكَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ
وَلَا مُتَجَبِّرٍ وَلَا مُتَعَظِّمٍ بَلْ بَائِسٌ فَقِيرٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ أَسْأَلُكَ يَا اللّٰهُ

سؤال: خون امام پاک است یا نجس و آیه تطهیر دلالت بر آن میکند یا خیر
جواب فرموده‌اند خون امام حکم بول او است خبیث نیست بلکه طیب است و بلکه دوای جمیع امراض است
و در نظر مکلف اشتراک در تکلیف
و هرگاه خون امام یا خون امام زیاده از درهم بر جامه مکلف باشد نماز او باطل است و خوردن آن حرام است
چنانچه حجام چون خون امام را خورد امام باو فرموده خوب کاری نکردی و این خون حجاب شد میان تو و آتش
بجهت اینکه بحسب ظاهر شرع احکام تعبدیه نجاست بر آن جاری میشود ولی نجس و خبیث معنوی نیست
سؤال: علم امام حضوری است یا حصولی یعنی لازم ذات انجناب است یا اینکه حصولی است
جواب علم امام حصولی است ولی نسبت جهل در هیچ مرتبه نسبت با امام نمیتوان داد زیرا که خلاق عالم جل شانه علم ما کان

در ادعیه ایام ماه رمضان

يَا رَحْمٰنُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوٰةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً نَامِيَةً زَاكِيَةً
شَرِيفَةً أَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ أَنْ تَغْفِرَ لِي فِي شَهْرِي هٰذَا وَتَرْحَمَنِي وَتُعْتِقَ
رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَتُعْطِيَنِي فِيهِ خَيْرَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرَ مَا أَنْتَ
مُعْطِيهِ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمْتُهُ لَكَ مُنْذُ أَسْكَنْتَنِي أَرْضَكَ إِلَى
يَوْمِي هٰذَا بَلِ اجْعَلْهُ عَلَيَّ أَتَمَّهُ نِعْمَةً وَأَعَمَّهُ عَافِيَةً وَأَوْسَعَهُ رِزْقًا وَأَجْزَلَهُ
وَأَهْنَأَهُ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَمُلْكِكَ الْعَظِيمِ
أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ مِنْ يَوْمِي هٰذَا أَوْ تَنْقَضِيَ بَقِيَّةُ هٰذَا الْيَوْمِ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ
مِنْ لَيْلَتِي هٰذِهِ أَوْ يَخْرُجَ هٰذَا الشَّهْرُ وَلَكَ قِبَلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ
أَنْ تُقَايِسَنِي بِهَا أَوْ تُؤَاخِذَنِي بِهَا أَوْ تُوقِفَنِي بِهَا مَوْقِفَ خِزْيٍ فِي الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ أَوْ تُعَذِّبَنِي يَوْمَ أَلْقَاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ
لِهَمٍّ لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ وَلِرَحْمَةٍ لَا تُنَالُ إِلَّا بِكَ وَلِكَرْبٍ لَا يَكْشِفُهُ
إِلَّا أَنْتَ وَلِرَغْبَةٍ لَا تُبْلَغُ إِلَّا بِكَ وَلِحَاجَةٍ لَا تُقْضَى دُونَكَ اللّٰهُمَّ فَكَمَا
كَانَ مِنْ شَأْنِكَ مَا أَرَدْتَنِي بِهِ مِنْ مَسْأَلَتِكَ وَرَحِمْتَنِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ
فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ الْإِسْتِجَابَةُ لِي فِيمَا دَعَوْتُكَ بِهِ وَالنَّجَاةُ لِي فِيمَا فَزِعْتُ إِلَيْكَ
مِنْهُ يَا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ أَيْ كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْكُرَبِ الْعِظَامِ عَنْ أَيُّوبَ وَ
مُفَرِّجَ غَمِّ يَعْقُوبَ وَمُنَفِّسَ كَرْبِ يُوسُفَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ اللّٰهُمَّ أَنْتَ
ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَرَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ
وَعُدَّةٌ كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ مِنْهُ الْفُؤَادُ وَتَقِلُّ مِنْهُ الْحِيلَةُ وَيَخْذُلُ فِيهِ

و ما یکون را بامام علیه السلام تعلیم فرموده است و علم جمیع امور در قوه حافظه امام موجود است
و هرگاه بخواهند از قوه حافظه بقوه ذاکره منتقل میشود پس هرگاه بخواهند که بدانند یعنی متذکر علم خود شوند
چنانچه فرموده‌اند اذا شاؤا ان یعلموا علموا مؤلف گوید فقیر تفصیل این مسئله را در کتاب شرح الزیاره بیان کرده‌ام
سؤال: علم امام علیه السلام بنص و اجماع ثابت است پس که تحرز از ضرر و خوف لازم است
سبب چیست که ائمه علیهم السلام از مواضع ضرر با وجودیکه عالم بضرر بودند اجتناب نمیکردند و حال آنکه خدا فرموده است
و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه
حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ملعون ابن ملجم را تعیین فرموده بودند که قاتل من است
نوزدهم رمضان بعد از اذان با وجود این علم
باو فرمودند و چگونه با وجود در محراب معهود نماز بجا آوردند
حال آنکه فرمودند نماز در ... جایز نیست و حضرت امام حسین علیه السلام با وجود علم بشهادت

فیه الصدیق وبیتمت فیه العدو وانزلته بک وشکوته الیک رغبة فیه الیک عمن سواک ففرجته وکشفته وکفیته فانت ولی کل نعمة وصاحب کل حسنة ومنتهی کل رغبة اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق من شیء اللهم انی اسئلک برکة یومی هذا وما نزل فیه من عافیة ومغفرة ورحمة ورضوان ورزق واسع حلال تبسطه علی وعلی والدی وولدی وعیالی واهلی واهل خزانتی ومن احببت واحبنی وولدت وولدنی اللهم انی اعوذ بک من الشک والشرک والحسد والبغی والحمیة والغضب اللهم رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب العرش العظیم صل علی محمد وآل محمد واکفنی المهم من امری بما شئت وکیف شئت پس بخوان سوره حمد وآیة الکرسی را و بگو اللهم انک قلت لنبیک صلی الله علیه وآله ولسوف یعطیک ربک فترضی اللهم ان نبیک ورسولک وحبیبک وخیرتک من خلقک لا یرضی بان تعذب احدا من امته دان بموالاته وموالات الائمة من اهل بیته وان کان مذنبا خاطئا فی نار جهنم فاجرنی یا رب من جهنم وعذابها وهبنی لمحمد وآل محمد یا ارحم الراحمین یا جامعا بین اهل الجنة علی تالف من القلوب وشدة المحبة ونازع الغل من صدورهم وجاعلهم اخوانا علی سرر متقابلین یا جامعا بین اهل طاعته وبین من خلقها له ویا مفرج حزن کل محزون ویا مونس کل غریب یا راحمی فی غربتی وفی کل احوالی بحسن الحفظ والکلاءة لی یا مفرج ما بی من الضیق والخوف صل علی محمد وآل محمد واجمع بینی وبین احبتی وفادلی وسادتی

طیب

در علم امام

چگونه

دوانه که بلا نشدند جواب

فرمودند چون مصالح عدیده بر شهادة ائمه ع ثابت بود و مراعات آن مصالح اهم واعظم بود از مفسده و تحمل ضرر لهذا بر حسب امر حضرت رب الارباب خود را بمقام شهادة رسانیدند چنانچه جهاد و دفاع واجب است هرچند مستلزم هلاکت نفس باشد و دیگر آنکه ائمه هرچند عالم بودند و علم هرچیزی در قوه حافظه ایشان ثابت است ولی بحسب قوه ذاکره ملتفت بر مواضع ضرر و هلاکت نبودند زیرا که چون ملتفت بمقام محبت و معرفت و متوجه بدرگاه الهی میشدند دیگر ملتفت بعالم امکان نبودند چنانچه پیکان را از پای مبارک حضرت امیر المؤمنین ع در حال نماز بیرون کشیدند و آنجناب ملتفت نشدند و حضرت امیر المؤمنین ع در خیبر را بدست مبارک بجود قلع فرمودند و نتوانستند نان خشک را بشکنند

وهداتی وموالی یا مؤلفا بین الاحباء صل علی محمد وآل محمد ولا تفجعنی بانقطاع رؤیة محمد وآل محمد عنی ولا بانقطاع رؤیتی عنهم فبکل مسائلک یا رب ادعوک یا رب الهی فاستجب دعائی ایا له یا ارحم الراحمین اللهم انی اسئلک بانقطاع حجتی ووجوب حجتک ان تغفر لی اللهم انی اعوذ بک من خزی یوم المحشر ومن شر ما بقی من الدهر ومن شر الاعداء وصغیر الفناء وعضال الداء وخیبة الرجاء وزوال النعمة وفجاءة النقمة اللهم اجعل لی قلبا یخشاک کانه یراک یوم یلقاک ودو دنیسته که هر وقتی از اوقات دیگر که شدتی روی دهد یا حاجت ضروری بهمرسانند این دعا را توان خواندن و اگر بتواند جوشن صغیر را بخواند در حدیثی وارد شده که هرکه این دعا را در ماه مبارک رمضان یکمرتبه بخواند خدا جسد او را بر آتش جهنم حرام گرداند و هرکه سه مرتبه در این ماه بخواند بهشت بر او واجب گردد و خدا ملائکه را بر او موکل گرداند که او را از معاصی حفظ نمایند و درهای بهشت را برروی او بگشایند و درهای جهنم را برروی او ببندند و در حیات و ممات خود در امان خدا بوده باشد و در ششم این ماه مامون ملعون با حضرت امام رضا ع بیعت کرد و روایت شده است هرکه در این روز دو رکعت نماز بکند در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت را ادا کرده خواهد بود و بروایت معتبر از حضرت صادق ع منقولست که در شب سیزدهم دو رکعت نماز بگذارند و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام بدین صفت و در شب پانزدهم شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت و شب پانزدهم از لیالی متبرکات است و غسل و زیارت حضرت امام حسین ع در آن مستحب و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت

در مرتبه نبوت و ولایت

کمی بتارم اعلی فشنیند

کمی با پشت پای خود نه بینند

و نظائر این مطلب بسیارات

سؤال مرتبه نبوت و رسالت اعظم است یا مرتبه ولایت جواب

مقام رسالت افضل و اعظم است از مقام رسالت و نبوت و رسالت حاوی زیرا که مرتبه نبوت و ولایت هست و مشتمل بر مقام ولایت نیز میباشد چنانچه خداوند جل شانه میفرماید انما ولیکم الله والذین آمنوا الآیه و مرتبه ولایت حاوی مرتبه نبوت نیست چنانچه حدیث انا اصغر من ربی بسنتین اشاره بهمین مطلب است

سؤال ولایت ائمه ع مختص است بنی آدم یا آنکه عموم دارد جواب

ولایت ائمه بر جمیع ممکنات ثابت است و هر یک بحسب قابلیه و استعداد خود مامور باقرار دادن میباشند چنانچه هر چیزی تسبیح میگوید و بحمد الهی مشغول است

سؤال شکی نیست که سجده عبادت است و عبادت مخلوق

باب ۵ در لیالی قدر

رسول ص فرمود که هر که در شب نیمه ماه رمضان صد رکعت نماز بکند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر
رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حق تعالی ده ملک فرو فرستد بسوی
او که دفع کنند از او شر دشمنان از از جنیان و آدمیان و در هنگام مرگ او سی ملک بفرستند
که او را بشارت بدهند به بهشت و سی ملک که او را ایمن کردانند از آتش جهنم و ایضا
از آنحضرت منقولست که هر که در نیمه ماه مبارک رمضان زیارت حضرت امام حسین ع را بکند و بعد از
نماز عشاء ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت بگذارد و در هر رکعتی سوره حمد و ده مرتبه سوره
قل هو الله بخواند نمیرد تا در خواب ببیند ملکی چند را که بشارت دهند او را به بهشت
و ملکی چند که ایمن کرده‌اند او را از آتش جهنم و شب هفدهم نیز شب بسیار مبارکیست و در آن
لشکر حضرت رسول ص با کفار قریش ملاقات کردند در بدر و در روز شنبه جنگ بدر
شد و حق تعالی لشکر او را بر لشکر کفار ظفر داد و از اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت
در آن شب فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است و حق تعالی میفرماید انا انزلناه
فی لیلة القدر یعنی ما فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبیکه نزد خدا قدر و منزلت عظیم
دارد یا تقدیر امور سال در این شب می‌شود یا زمین تنگ می‌شود از زیادتی نزول ملئکه و ما
ادریک ما لیلة القدر لیلة القدر خیر من الف شهر شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی
عبادت در آن بهتر است از عبادت در هزار ماه تنزل الملئکة و الروح فیها فرود می‌آیند
ملئکه و روح که از همه ملئکه اعظم است در این شب باذن ربهم برخصت پروردگار ایشان من کل
امر بسبب تقدیر هر امری احادیث بسیار وارد شده که ملائکه و روح در این شب بر امام زمان نازل
می‌شوند و آنچه برای هر کس در آن شب مقدر شده است بر امام عرض می‌کنند سلام هی حتی مطلع
الفجر یعنی سلامتی است این شب از جمیع بدیها تا طلوع صبح یا سلام می‌کنند بر امام و مؤمنان اگر
در این شب عبادت می‌کنند تا طلوع صبح و میان سنی و شیعه خلاف بسیار هست در شب قدر بعضی از

شر الداست پس معنای آیه کریمه و اذ قلنا للملائکة اسجدوا لآدم چیست جواب سجده ملائکه برای خدا بود و خدا را سجده کردند و سجده ایشان بسوی آدم بود چنانچه بر ما لازم است که خدا را سجده کنیم ولی سجده ما بجانب کعبه باید باشد پس سجده ملائکه برای خدا بود و بجانب آدم ع خدا را سجده کردند از جهت تعظیم و تکریم برای آدم سؤال معنای ابو القاسم که کنیه محمد ص میباشد چیست جواب آنجناب طفلی داشتند مسمی بقاسم لهذا آنجناب را ابو القاسم مینامند و دیگر آنکه چون قسیم نار و جنت امیر المؤمنین ع میباشد و صاحب این قسمت محمد مصطفی میباشد زیرا که این قسمت بر حسب فرمان آنجناب است لهذا آنجناب صاحب این قسمت و ابو القاسم میباشد و چون قسمت جنت و نار بلکه قسمت جمیع حوادث باذن حضرت امیر المؤمنین ع است و نور آنجناب را خدا از نور محمد
قسمت عالم امکان بحسب اذن حضرت محمد ص بوده و می باشد و آنجناب در مرتبه [illegible] عالم امکان و علت غائیه خلق

در تفسیر شب قدر

سنیان گفته‌اند که شب قدر در زمان حضرت رسول ص بود و بعد از آنحضرت برطرف شد و اکثر ایشان گفته‌اند
که تا روز قیامت باقی است و بعضی گفته‌اند که در تمام سال پنهانست و در همه شبها عبادت
باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و بعضی گفته‌اند که در شعبان و رمضان پنهانست
و بعضی گفته‌اند که شب نیمه شعبانست و بعضی گفته‌اند که شب اول رمضانست و بعضی گفته‌اند شب نیمه
است و بعضی شب ۱۷ و بعضی شب ۲۱ و بعضی شب ۲۳ و بعضی شب ۲۹ و بعضی شب آخر گفته‌اند و اکثر ایشان
در این زمان اتفاق کرده‌اند بر شب ۲۷ و علمای شیعه امامیه اجماع کرده‌اند بر آنکه از شب نوزدهم
و بیست و یکم و بیست و سیم بیرون نیست و بعضی مردد میان شب ۲۱ و بیست و سیم میدانند و بسیار
از احادیث دلالت میکند بر آنکه از این سه شب بیرون نیست و این سه شب را باید احیا کرد بعبادت
تا فضیلت شب قدر را دریابند و در بعضی از احادیث معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سیم شده است
و در بعضی تعیین خصوص بیست و سیم واقع شده است و منقولست که او شب جهنی است و او اعرابی
بود بحضرت رسول عرض کرد که منزل من دورست از مدینه شبی را میخواهم از برای من تعیین بکنی که
بهترین شبها باشد که در آن شب بخدمت تو برسم حضرت شب بیست و سیم را برای او تعیین فرمود او
پیوسته در آن شب با اهل و خیل و حشم داخل مدینه میشد و چون صبح میشد بر میگشت و از بعضی
احادیث ظاهر میشود که هر سه شب قدرند و در شب اول تقدیر امور میشود و در شب دوم بکثرت
دعا و عبادات ممکنست که بعضی تغییر یابد و در شب سیم ختم میشود و تغییر نمییابد یا بسیار کم تغییر می
یابد بلا تشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغییرش آسانست و بعد از آن بدفاتر
میشود و تغییرش دشوارتر است اما تا بمهر سلطان نرسیده باز ممکن است تغییر یابد
و چون بمهر سلطان رسید بمنزله ختم است و تغییرش در غایت صعوبتست و حق تعالی را حکمتها در
ابهام بعضی از امور هست مانند اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نمازهاست
و ساعت استجابت دعا در هر شب و در هر روز جمعه و عمل مقبول در میان اعمال و امثال اینها

[illegible] نموده است [illegible] بلکه نور آنجناب علت وجود همه کرسی و بهشت و آسمانها میباشد صاحب و اصل این قسمت کننده محمد میباشد مؤلف گوید که نکات و اسرار [illegible] در این مقام فرموده‌اند که رخصتی در اظهار آن نیست سؤال اول مخلوقات چیست آیا خلقت زمان قبل از خلقت نور محمد ص میباشد یا بعد از آن جواب اول مخلوقات نور محمد ص است چنانچه قاعده عقلیه امکان اشرف و اخبار معتبره شاهد بر آنست و خلقت آن نور مقدم بر خلقت زمان است چه زمان از حرکت فلک الافلاک پیدا میشود و نور محمد صلی الله علیه و آله مجرد بوده است و حاجت بزمان و مکان نداشته است ولی چون از ممکنات بود لهذا هیچ شباهتی با واجب تعالی ندارد زیرا که نسبت واجب با ممکن تباین کلی است سؤال معنای آیه کریمه و من دخله کان آمنا چیست جواب مقصود [illegible]

در علت مخفی بودن شب قدر

بل حکمت در مبهم ساختن اینها انست که بر همه اسما مقدس الهی مواظبت نمایند و اهتمام در همه نمازها کنند و در همه ساعات شب و روز جمعه دعا کنند و سعی در همه اعمال خیر بکنند شاید یکی از اینها مقبول گردد دوم چنین در شب قدر در شبهایکه احتمال آن دارد همه را احیا دارد و حکمت دیگر در بعضی از ابهامی تواند بود مثل انکه اسم اعظم را اگر همه کس داند گاه باشد که نفوس شریره انرا وسیله حصول مطالب دنیه کنند چنانچه از بلعم نقل کرده اند و هم چنین شب و ساعت استجابت دعا اگر بخصوص اینها را دانند ممکن است که امور غیر مشروعه یا ضرر رسانیدن عظیم نسبت ببعضی از مسلمان استدعا کنند و اگر مخصوص نباشند بایدالبته مستجاب گردد و دیگر انکه مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای دیگر بسیار است که دیگران خارج از وضع این مختصر است پس باید مومن این سه شب را احیا کند و اهتمام در دعا و عبادت بکند با فضیلت شب قدر در را باید و در دو شب اخر اهتمام بیشتر کند و در شب بیست و سیم که احادیث بسیار در تخصیص او وارد شده است که شب قدر است سعی بیشتر کند و فواید عبادات شب قدر بسیار است از جمله ان انکه چون عبادت شب قدر در او دریابد بنص قران زیاده از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سالست از برای او مقرر می فرماید و دیگر انکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر و مال و فرزند و عزت و صحت و توفیق و اعمال خیر و سایر امور در این شب اصلاح می شود احوال تمام سال خود را در این شب کرده خواهد و ممکن است که نام او در دیوان اشقیا نوشته باشد و در این شب تغییر یابد و از جمله سعادتمندان نوشته شود چنانچه این مضمون در اکثر دعاها و اکثر احادیث معتبره وارد شده است و دیگر انکه چون حضرت صاحب الامر در تمام این شب با ملائکه مقربین محشور است و فوج فوج بخدمت او می ایند و بر او سلام می کنند و تقدیرات که از برای او و سایر خلق شده است بر او عرض می کنند پس سزاوار نیست که در چنین شبی باشی که نکند با امام خود و بغفلت بسر اورند و از حضرت رسول صلعم منقولست که چون شب قدر می شود فرود

در علت استحباب زیارت

سفینه نوح است هر که متمسک ان شد بدان نجات یافت و هر که تخلف کرد هلاک شد

سوال که زیارت حضرت امیر مؤمنین ع و سایر ائمه افضل از حج است چگونه باشد زیرا که حج واجب شد و زیارت مستحب و حج بر هر کس واجب است طواف کعبه مستحب است بسوی دیگر احدی بحج نرفته مگر تحللی از مردم و زیارت چنین نیست و دیگر افضلیت در بعضی بوجوه بسیار است و استحباب در اینجه سلام مستحب است و جواب واجب و سلام از جواب افضل است و دیگر عمده در تکالیف حصول امتحان است از جهت تکمیل نفوس مؤمنین و اینکه حجت برای خلایق بالغ باشد و خبیث از طیب تمیز داده شود چنانچه خدا می فرماید لیبلوکم ایکم احسن عملا الم احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امنا وهم لا یفتنون ولقد فتنا الذین

در فضیلت شب قدر

مساید ملائکه که در سدرة المنتهی ساکنند و از جمله ایشان جبرئیل است و جبرئیل با خود علمها می اورد یک علم را در قبر منور من نصب می کند و یکی را بر بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا و نمی گذارند بر هیچ مؤمن و زن مؤمنه مگر انکه بر وی سلام می کنند و ایضا از حضرت رسول صلعم منقولست که بهشت را هر سال از برای داخل شدن ماه مبارک رمضان زینت می کنند چون شب اول ماه می شود نسیمی از زیر عرش می وزد که ان را مثیره می گویند و بصدا می اورد درختان و حلقهای درهای بهشت را پس نغمه از ان می شنوند که هرگز نشنوده اند نغمه از ان خوشتر اینده تر نشنیده اند پس حوریان از غرفهای بهشت بیرون میایند و ندا می کنند که ایا کسی هست که ما را خواستگاری کند از خدا با اعمال صالحه خود پس از رضوان خازن بهشت می پرسند که این چه شبست رضوان می گوید لبیک ای نیکو رویان و نیکو کاران این شب اول ماه رمضانست درهای بهشت گشوده شده است از برای روزه داران امت محمد و جبرئیل بر زمین و کشوده در زنجیر کن شیاطین متمرد را و غلها در گردن ایشان گذار و ایشان را در لجه های دریا انداز تا فاسد نکردانند بر امت حبیب من محمد روزهای ایشان را و فرمود انحضرت که حقتعالی در هر شب از شبهای ماه رمضان سه مرتبه ندا می فرماید که ایا سوال کننده هست که سوال کند او را عطا کنم ایا توبه کننده هست که توبه او را قبول کنم ایا استغفار کننده هست که گناهش را بیامرزم کیست که قرض دهد بخداوند مالدار بکه هرگز پریشان نمی شود و وفا کننده است بوعدهای خود و ستم نمی کند و فرمود که در اخر هر روز از روزهای ماه رمضان در وقت افطار حقتعالی هزار هزار کس را از جهنم ازاد می گرداند و چون شب جمعه و روز جمعه می شود در هر ساعتی هزار هزار کس را از اتش جهنم ازاد می کند که همه مستوجب عذاب باشند و در شب اخر و روز اخر ماه بعدد انچه در تمام ماه ازاد کرده است ازاد می کند و چون شب قدر می شود حقتعالی امر می کند جبرئیل را که بزمین اید با لشکر عظیم از ملائکه و با خود علم سبزی می اورد و بر بالای کعبه معظم نصب می کند و او ششصد بال دارد و دو بال را نگشاید مگر شب قدر و چون شب قدر ران دو بال را

در معنی صراط

امتحان در وصف موجودات است ولی ما ان است که جمیع موجودات متحقق نیست مهد ساختند زیارت و اجب شد **سوال** حجة الاسلام ... دیگر معنای صراط چیست گفتیم که صراط است و ان جهنم است هر کس که از ان عبور کند چنانچه ایه کریمه بایداران عبور ما کان علی ربک وان منکم الا واردها اشاره بان میباشد حتما مقضیا و دیگری از اهل بیت ع است که امام ع فرمودند انا الصراط و انا المیزان و دیگری شریعت است و دیگر صراط مستقیم است که در ایه وارد است اهدنا الصراط المستقیم هدایه اشاره بان شده است و چنانکه صراط جسمانی که مرصاد است ادق است از شعر و احد است هم چنین شریعت صراط معنوی که ادق از شعر است هر که بکمال از مقتضای شریعت تخلف کند مستحق هلاکت و عقوبت میباشد **سوال** معنای تسبیح گفتن جمادات چیست چیست اسکه خدای عز و جل

در فضیلت شب قدر

می‌کشایند از مشرق و مغرب می‌کذرانند و همچنین که جبرئیل این ملائکه را در اطراف زمین پس سلام
می‌کنند بر هر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان مصافحه می‌کنند و
چون ایشان دعا می‌کنند ملائکه آمین می‌کویند و پیوسته مشغول اینکارند تا طلوع
صبح پس چون صبح می‌شود ندا می‌کند جبرئیل که ای کروه ملائکه روانه جانب آسمان شوید پس
ملائکه می‌کویند ای جبرئیل خداوند تعالی چه کرد در حوائج مؤمنان از امت محمد جبرئیل میکوید
خدا کناهان همه ایشان را آمرزید مکر کسیکه همیشه شراب خورد و یا عاق پدر و مادر بوده باشد
یا قطع رحم کند یا با مؤمنان عداوت نماید و چون شب عید می‌شود آن شب جوایز میکویند
خدا مزد میدهد عمل کنندکان ماه مبارک رمضان را بی حساب و چون بامداد روز عید می‌شود
حقتعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرهای فرستد که بزمین آیند و بر سر کوچه‌ها و بازارها و درها
می‌ایستند و می‌کویند ای امت محمد بیرون روید بسوی درکاه پروردکار کریم که عطاها بزرک
می‌بخشد و کناهان بزرک را می‌آمرزد پس چون بمصلی روند بجهة بندکان حقتعالی بملائکه می
کوید که ای ملائکه من کواه می‌کیرم شما را که ثواب ایشان را از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت
شبهای آن عطا کردم که از ایشان راضی شدم و کناهان ایشان را آمرزیدم پس ندا می‌کند مؤمنان را
که در این مجمع حاضر شده‌اند که ای بندکان من هر چه خواهید سؤال کنید بعزت و جلال خود
سوکند یاد می‌کنم که در این مجمع شما هر حاجتی که برای آخرت و دنیای خود سؤال کنید البته
عطا می‌کنم و عیبهای شما را می‌پوشانم تا از من روکردان نشوید و مزدهای شما را مضاعف می‌دهم
و شما را میان کناهکاران رسوا نمی‌کنم برکردید از مصلی آمرزیده بدرستیکه خوشنود کردانیدید
مرا و خوشنود شدم از شما پس ملائکه مسرور و شادی می‌شوند و یکدیکر را مبارکبادی میکویند
بآنچه حقتعالی بامت محمد عطا کرده و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که
هر که احیا کند شب قدر را کناهان او آمرزیده شود هر چند بعدد ستارهای آسمان و سنکینی کوهها

و کیل دریاها

در تسبیح جمادات

میفرماید و ان من شیء الا یسبح بحمده و
چکونه جمادات تسبیح میکویند و چکونه
بولایت محمد و آل محمد اقرار دادند و چکونه
سجده الهی را میکنند که خدا میفرماید و
له یسجد من فی السموات و من فی الارض
و میفرماید الم تر ان الله یسبح له من
فی السموات و من فی الارض و می
فرماید کل قد علم صلوته و تسبیحه
ایا همه موجودات عقل و شعور و
ادراک و معرفت دارند و معصوم را
از غیر معصوم تمیز میدهند یا آنکه
تسبیح و معرفت آنها فطری است و
عقل و شعور ندارند و معنی آیه
کریمه فقلنا للسماء و الارض ائتیا
طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین
هر کاه سماء و ارض از ذوی العقول
نباشند چکونه خطاب بآنها صحیح
باشد و چکونه اطاعت میکنند امر
الهی را و حال آنکه اطاعت ظاهر در
اختیار است هر چند مفطور باشند
باطاعت لکن مثل ملائکه که فطرت
و جبلت آنها

فقال لها و للارض ائتیا

در اعمال شب قدر

و کیل دریاها باشد و تا اعمال این سه شب بر دو نوعست اول آنکه مشترکست در هر سه شب
باید کرد دوم آنکه مخصوص هر شبی است اما اول از حضرت رسول منقولست که هر که در شب قدر
دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و بعد
از فارغ شدن هفتاد مرتبه استغفر الله و اتوب الیه بکوید از جای خود برنخیزد تا حقتعالی او را
و پدر و مادرش را بیامرزد و ملکی چند بفرستد که حسنات برای او بنویسند تا سال آینده و ملکی بفرستد
بسوی بهشت که درختها برای او غرس نماید و قصرها برای او بنا کند و نهرها برای او جاری کرداند و از دنیا
بیرون نرود تا همه را مشاهده کند و غسل در این سه شب سنت مؤکد است و غسل این شبها را اول
مغرب کردن بهتر است که نماز شب را با غسل بجا آورد و مستحب است که در این شبها قرآن مجید را بدست
بکیرد و بکشاید و این دعا را بخواند اللّهم انی اسئلک بکتابک المنزل علی نبیک المرسل
و ما فیه و فیه اسمک الاکبر و اسمائک الحسنی و ما یخاف و یرجی ان
تجعلنی من عتقائک من النار و تقضی حوائجی للدنیا و الآخرة پس حاجات خود را
از حقتعالی طلب نماید که انشاء الله بر آورده است چنانچه از حضرت امام محمد باقر منقولست و از
حضرت امام جعفر صادق منقولست که مصحف را بکیرد و بر سر بکذارد و بکو اللّهم بحق هذا القرآن
و بحق من ارسلته به و بحق کل مؤمن مدحته فیه و بحقک علیهم فلا احد
اعرف بحقک منک پس ده مرتبه بکوید بک یا الله و ده مرتبه بمحمد و ده مرتبه
بعلی و ده مرتبه بفاطمة و ده مرتبه بالحسن و ده مرتبه بالحسین و ده مرتبه بعلی
بن الحسین و ده مرتبه بمحمد بن علی و ده مرتبه بجعفر بن محمد و ده مرتبه
بموسی بن جعفر و ده مرتبه بعلی بن موسی و ده مرتبه بمحمد بن علی و ده مرتبه بعلی
بن محمد و ده مرتبه بالحسن بن علی و ده مرتبه بالحجة القائم صلوات الله علیهم
پس هر حاجت که داری طلب نما و زیارت حضرت امام حسین در هر یک از این سه شب مستحب مؤ

در کیفیت تسبیح جمادات

منظورات
باطاعت و انقیاد و عبادت
و معرفت ولی از روی اختیار عبادت
حق سبحانه و تعالی را بجای میاورند
و مجبور نیستند و چکونه حصاة
تسبیح میکفت و حال آنکه هر کاه بکف
صدای تسبیح در او خلق شده بود
و چکونه شجره
تسبیح را با او نتوان داد
بامر حضرت رسول نزد آنجناب امد و
حال آنکه این فعل او دلیل است بر
عقل و شعور و ادراک شجره که رسول را
می‌شناخت و اطاعت میکرد و چکونه
زمین اوامر پیغمبران را اطاعت میکرد
و بعضی از کناهکاران را مثل
قارون فرو برد و چکونه باد قوم
عاد را هلاک ساخت و مؤمنین
از آن قوم بسلامت باقی بودند
پس اینها دلیل است بر شعور زمین و باد
و همچنین اشکالات جوابات
جواب بلی چنین است و هر یک
از موجودات از بنی نوع انسان
و ملائکه و بنی جان و حیوانات
و بنی ... و نباتات

در اعمال شب قدر

خصوص در شب بیست و سیم و صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت بعد
از حمد ده مرتبه قل هو الله احد می خواند و در بعضی از روایات معتبر وارد شده است که
هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه قل هو الله احد اکتفا می توان کرد و اخبار
بسیار در فضیلت آن صد رکعت وارد شده است و باید که این صد رکعت غیر از نافله شب باشد
و اگر ضعف داشته باشد نشسته هم می تواند کرد و بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش
و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود است و پدر و مادر و خویشان و برادران مؤمن مرده
و زنده ایشان و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام هر چند بیشتر شود و در بعضی از
روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در هر یک از این سه شب بخوانند و اما دیگر
اعمال مخصوص شب بیست و سیم آنست که صد مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبّی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ
و صد مرتبه اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ علیه السلام و این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ
فیما تَقْضی وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ وَ فیما تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَکیمِ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ
مِنَ الْقَضاءِ الَّذی لا یُرَدُّ وَ لا یُبَدَّلُ اَنْ تَکْتُبَنی مِنْ حُجّاجِ بَیْتِکَ الْحَرامِ الْمَبْرُورِ
حَجُّهُمُ الْمَشْکُورِ سَعْیُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُکَفَّرِ عَنْهُمْ سَیِّئاتُهُمْ وَ اجْعَلْ فیما تَقْضی وَ تُقَدِّرُ
اَنْ تُطیلَ عُمْری وَ تُوَسِّعَ عَلَیَّ فی رِزْقی وَ تُقَدِّرَ لی فی جَمیعِ اُمُوری ما هُوَ
خَیْرٌ لی فی دُنْیایَ وَ آخِرَتی یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ پس حوائج خود را از حق تعالی طلب
نماید و شب بیست و یکم فضیلتش زیاده از شبهای سابق است و غسل و اعمال سابقه همه را باید
بعمل آورد و در این دهه آخر اعتکاف در مسجد جامعه سنت است و در همه استجابت دعا است
و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقول است که در شب بیست و یکم و بیست و سیم صد رکعت
نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند و در حدیث
معتبر دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام این دو شب را احیا می کرد و در نصف اول شب

در احوال مؤلف

قابلیت و استعدادی که حضرت رب الارباب در آنها خلق فرموده هر یک بحسب اقتضاء قوه ادراک و شعور دارند و معرفت دارند نهایت آنکه شعور انسان زیاده از حیوانات و شعور حیوانات از نباتات و جمادات زیاده است و هر یک از موجودات بر حسب معرفت مرتبه قابلیت و استعداد معرفت دارند و عبادت ربوبیت و توحید خداوند عالم و بنبوت محمد صلی الله علیه و آله و ائمه معترف میباشند و مطیع و منقاد میباشند و از این جهت خطاب بآنها صحیح میباشد مؤلف گوید عرض کردم میخواهم ایمان من کامل شود و قلب من مطمئن شود فرمودند این مطلب منوط بتصفیه قلب است و آن به پنج امر حاصل میشود اول تفکر است در فنای دنیا و بی اعتباری آن و کثرت تفکر در موت و عقبات آخرت تا مرتبه زهد حاصل

در اداب شب بیست و سیم

بدعا مشغول می شد و در نصف آخر شب مشغول نماز می شد و بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام
مرویست که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست و سیم تمام در هر یک صد رکعت نماز بکن
بغیر سیزده رکعت نماز شب و نافله صبح تا صبح بیدار باش و مستحب است که مشغول نماز و دعا
و تضرع باشی بدرستی که امید شب قدر در یکی از اینها هست و شب قدر بهتر است از هزار ماه
و هر امریکه در آن سال واقع می شود در شب قدر مقدر میگردد و دعای این شب در ضمن
دعاهای دهه آخر مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و اما شب بیست و سیم اکثر احادیث معتبره دلالت
می کند بر اینکه آن شب قدر است و در آن دو غسل سنت است یکی در اول شب و یکی در آخر شب و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که شب بیست و سیم شب جهنی است و در آنشب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر می
گردد و در آنشب مقدر می شود جمیع مرگها و بلاها و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه در آن
سال واقع می شود تا شب قدر آینده پس خوشا حال کسیکه احیا کند در آنشب او بیدار باشد
بعبادت و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود را در برابر دیده های خود ممثل
گرداند و بر آنها بگرید چون چنین کند امیدوارم که از فضیلت شب قدر محروم نگردد و آنحضرت
فرمود که حق تعالی امر می کند ملکی را که ندا می کند در هر روز ماه رمضان که بشارت باد شما را
ای بندگان من که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب قدر دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب
می گردانم و شفاعت شما را در حق یکدیگر قبول می گردانم مگر کسیکه افطار کند بر مست کننده یا کینه
مؤمنی در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که هر که سوره روم و عنکبوت را
در شب بیست و سیم بخواند والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمی کنم در او احدی را و نمی ترسم
که خدا در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره را در نزد حق تعالی منزلت عظیم هست
و ایضا از آنحضرت بسند معتبر منقول است که هر که در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان هزار
مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند هر اینه صبح کند با یقین شدید باعتراف بانچه مخصوص ماست

در تکمیل ایمان

شود دویم مرتبه یقین و رضا و تسلیم است که موت و حیوة و فقر و غنی و صحت و مرض و جمیع حالات در نزد تو یکسان باشد و امور خود را بالقضاء و قدر مفوض نمائی و در جمیع امور از خدای تعالی راضی باشی سیم انقطاع الی الله است و فرار قلبی از ما سوی الله که در قلب تو سوای عظمت الهی چیزی خطور نکند چهارم آنکه مشیت تو تابع مشیت الهی باشد و از متابعت هوای نفس اجتناب نمائی و جمیع افعال و اقوال تو تابع صراط مستقیم شریعت باشد پنجم آنکه اخلاق رذیله را از حسد و تکبر و حب دنیا و نحو اینها از خود دور گردانی و در همه حال مخالفت نفس اماره نمائی تا آنکه ملکه اخلاق حسنه برای تو حاصل شود مؤلف گوید آن شخص جلیل از نظر من غائب شد و تاسف بسیاری عارض من شد لیس ...

در اعمال شب بیست و سیم

از کرامتها در این شب سبب آنچه در خواب ببیند و آنچه دعا از بر سنت که در این شب بخواند وار حضرت
امام محمد تقی ع منقولست که هر که زیارت کند حضرت امام حسین ع در شب بیست و سیم که امید شب
قدر هست و دران هر امری مقدر می شود مصافحه می کند با او روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر
که همه در این شب رخصت طلبند در زیارت آنحضرت و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
روایت کرده است که هر که احیا کند شب بیست و یکم ماه مبارک رمضانرا و صد رکعت نماز بکند حق
تعالی روزی او را فراخ گرداند در دنیا و شر دشمنان از او کفایت کند و پناه دهد او را از
غرق شدن و خانه بر سرش خراب شدن و لقمه در گلو گرفتن و از شر درندگان و دفع کند
از او هول منکر و نکیر را و چون از قبر بیرون آید او را نوری باشد که روشنی بخشد اهل محشر را
و نامه اش را بدست راست او بدهند و بنویسند از برای او برات بیزاری از آتش جهنم و گذشتن
از صراط و ایمنی از عذاب و داخل بهشت شود بیحساب و در بهشت او را از رفقای پیغمبران و
صدیقان و شهیدان و صالحان گردانند و نیکو رفیقانند ایشان و دعای این شب را از جمله
دعای دهه آخر بخواند و ایضا این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لی فی عُمْری وَاَوْسِعْ لی فی
رِزْقی وَاَصِحَّ جِسْمی وَبَلِّغْنی اَمَلی وَاِنْ کُنْتُ مِنَ الْاَشْقِیاءِ فَامْحُنی مِنَ الْاَشْقِیاءِ وَ
اُکْتُبْنی مِنَ السُّعَداءِ فَاِنَّکَ قُلْتَ فی کِتابِکَ الْمُنْزَلِ عَلی نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ
وَآلِهِ یَمْحُو اللهُ ما یَشاءُ وَیُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْکِتابِ و ایضا بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لی
مِنْ اَوْفَرِ عِبادِکَ نَصیباً مِنْ کُلِّ خَیْرٍ اَنْزَلْتَهُ فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ وَاَنْتَ مُنْزِلُهُ
مِنْ نُورٍ تَهْدی بِهِ اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُها اَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ اَوْ بَلاءٍ تَدْفَعُهُ اَوْ ضُرٍّ
تَکْشِفُهُ وَاکْتُبْ لی ما کَتَبْتَ لِاَوْلِیائِکَ الصّالِحینَ الَّذینَ اسْتَوْجَبُوا مِنْکَ
الثَّوابَ لِاَوْلِیائِکَ الصّالِحینَ الَّذینَ اسْتَوْجَبُوا مِنْکَ الثَّوابَ وَاَمِنُوا بِرِضاکَ
عَنْهُمْ مِنْکَ الْعِقابَ یا کَریمُ یا کَریمُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بی ذٰلِکَ

تکمیل
مشغول بمجاهده و تکمیل
اخلاق و دفع اخلاق رذیله شدم
تا آنکه وارد سامره شدم چهار
روز در آنجا مشغول بودم و روز
چهارم بزیارت عسکریین مشرف
شدم همان شخص را دیدم نماز میکرد
چون از نماز فارغ شد بجانب مقامی
که سرداب مطهر در آنجا است روانه
شد او با کمال وقار و طمانینه راه
میرفت و من بسرعت راه میرفتم
باو نمیرسیدم تا آنکه وارد سرداب
شد ساعتی ایستاد و صدای او را
میشنیدم که مشغول زیارت و
تضرع و زاری بود مطالب چندی
بیان فرمود چون نیک ملاحظه
کردم دیدم آنچه در سرداب بود
همه بتسبیح الهی مشغول هستند
هر یک از آنها را بگوش خود شنیدم
فرمود این است تسبیح ممکنات
که از حقیقت آن سؤال نمودی
هدانا الله و ایاک و ثبتنا الصراط المستقیم
واحدی صراط

در اعمال دهه آخر رمضان

بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ و هر قدر که ممکن باشد از قرآن بخواند و دعای صحیفه کامله را
بخواند خصوصا دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز حرمت بدارند
و بدعا و تلاوت و دعا بسر آورند زیرا که در احادیث معتبره وارد شده که روز قدر نیز
در فضیلت مثل شب قدر است و در شب ۲۳ نیز بخصوص غسل سنت است و در شب ۲۵ نیز بخصوص
غسل سنت است و احادیث معتبره در استحباب غسل کردن در آن وارد شده است و منقولست که
خدای عز و جل در این شب دفع می کند بدیها و گناهان و جمیع انواع بلا را از روزه داران
ماه رمضان پس عطا می کند حق تعالی با ایشان نوری بر دیدها و گوشهای ایشان و در شب ۲۷
نیز بخصوص غسل وارد شده است و منقولست که حضرت امام زین العابدین ع در این شب گاه این
دعا را می خواندند از اول شب تا آخر شب اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی التَّجافِیَ عَنْ دارِ الْغُرُورِ وَ
الْاِنابَةَ اِلی دارِ الْخُلُودِ وَالْاِسْتِعْدادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ و در شب ۲۹
نیز بخصوص غسل وارد شده است و در شب آخر غسل سنت است و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
سنت است و مادر دعاهای دهه آخر ماه مبارک رمضان بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که آنحضرت در
هر شب از شبهای دهه آخر این دعا را میخواندند اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فی کِتابِکَ الْمُنْزَلِ شَهْرُ رَمَضانَ
الَّذی اُنْزِلَ فیهِ الْقُرْآنُ هُدیً لِلنّاسِ وَبَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی وَالْفُرْقانِ فَعَظَّمْتَ
حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضانَ بِما اَنْزَلْتَ فیهِ الْقُرْآنَ وَخَصَصْتَهُ بِلَیْلَةِ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَها
خَیْراً مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ اَللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ اَیّامُ شَهْرِ رَمَضانَ قَدِ انْقَضَتْ وَلَیالیهِ
قَدْ تَصَرَّمَتْ وَقَدْ صِرْتُ یا اِلٰهی مِنْهُ اِلی ما اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّی وَاَحْصی لِعَدَدِهِ مِنَ
الْخَلْقِ اَجْمَعینَ فَاَسْئَلُکَ بِما سَئَلَکَ بِهِ مَلائِکَتُکَ الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِیاؤُکَ
الْمُرْسَلُونَ وَعِبادُکَ الصّالِحُونَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفُکَّ
رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَتُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِکَ وَاَنْ تَتَفَضَّلَ عَلَیَّ بِالْاَمْنِ یَوْمَ

تسبیح و تمیز نمود و ملک
انها را تمیز نمود و تذکیه نفس
کسیکه تصفیه قلب و تذکیه نفس
نموده باشد و قلبش از غواشی ظلمانیه
پاک شده باشد و چون من بسجده
افتادم و شکر و حمد الهی را بجا آوردم
چون سر از سجده برداشتم آن شخص از
نظر من غایب شد مؤلف گوید
بنویسم که ببلاد معلی مراجعت
کردم و در شب نیمه شعبان تا صبح
در حرم مطهر حضرت سید الشهداء مشغول بودم
صلوات الله علیه و آله بدعا و زیارت
و نماز میکردم چون سحر شد بعد از
زیارت و دعا در سجده تضرع
بسیار بدرگاه الهی نمودم که مشکلی
که در علوم دارم حل شود چون سر
از سجده برداشتم همان شخص را
دیدم که مشغول نماز و تضرع بود
چون از نماز فارغ شد نزد وی
با این جانب تشریف آورد و جمله از علوم
منایا و بلایا را بمن تعلیم فرمود
فرمود که مدت دوازده سال
که پیوسته از درگاه

در ادعیه دهه آخر ماه رمضان

الخوف من کل هول اعددته لیوم القیمة الهی واعوذ بوجهک الکریم وبجلالک العظیم ان ینقضی شهر رمضان ولیالیه ولک قبلی تبعة او ذنب تؤاخذنی به او خطیئة ترید ان تقتصها منی لم تغفرها لی سیدی سیدی اسئلک یا لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان کنت رضیت عنی فی هذا الشهر فازدد عنی رضا وان لم تکن رضیت عنی فمن الان فارض عنی یا ارحم الراحمین یا الله یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد و بسیار می کفتند یا ملین الحدید لداود علیه السلام یا کاشف الضر والکرب العظام عن ایوب علیه السلام ای مفرج هم یعقوب علیه السلام ای منفس غم یوسف علیه السلام صل علی محمد وال محمد کما انت اهله واسئلک ان تصلی علیهم اجمعین وافعل بی ما انت اهله ولا تفعل بی ما انا اهله و بسند معتبر از ان حضرت منقولست که باید در هر شب دهه اخر اینها را بخوانند اعوذ بجلال وجهک الکریم ان ینقضی عنی شهر رمضان او یطلع الفجر من لیلتی هذه ویبقی لک عندی تبعة او ذنب تعذبنی علیه یوم القاک و بسند معتبر از حضرت صادق روایت شده است و بر مطالب دنیا و اخرت مشتملست و ثواب عظیم دارد دعای شب بیست و یکم یا مولج اللیل فی النهار ویا مولج النهار فی اللیل و مخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی یا رازق من یشاء بغیر حساب یا الله یا رحمن یا الله یا رحیم یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والالاء اسئلک ان تصلی علی محمد وال محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء

در احوالات مولف

از درگاه الهی مسئلت میکنی که در راه خدا شهید شوی دعای تو مستجاب شده است ... الواح قضائیه و قدریه و در نفوس فلکیه ثبت و ضبط شده است ... عرض کردم قضاء و مشیة الهیه بان تعلق گرفته است ... حتمیه است یا معلقه فرمود ... حتم نیست بلکه ... قائم است یمحوا الله ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب پس از ان سؤالات دیگر نمودم از ان جمله عرض کردم قضیه حضرت موسی را و عالم دیگر که خداوند عالم جل شانه در قران مجید نقل فرموده که ان عالم گفت بموسی انک لن تستطیع معی صبرا و موسی میفرماید لقد جئت شیئا امرا و مرتبه دیگر میفرماید لقد جئت شیئا نکرا و حال انکه هر دو از جانب خدا حکم میکردند

در ادعیه دهه آخر ماه

واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی یا ارحم الراحمین واتنا فی الدنیا حسنة وفی الاخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وال محمد علیه وعلیهم السلام دعای شب بیست و دوم یا سالخ النهار من اللیل فاذا نحن مظلمون ومجری الشمس لمستقرها بتقدیرک یا عزیز یا علیم ومقدر القمر منازل حتی عاد کالعرجون القدیم یا نور کل نور ویا منتهی کل رغبة وولی کل نعمة یا الله یا رحمن یا الله یا قدوس یا احد یا واحد یا فرد یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والالاء اسئلک ان تصلی علی محمد وال محمد وعلی اهل بیته وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی واتنا فی الدنیا حسنة وفی الاخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وال محمد علیه وعلیهم السلام دعای شب بیست و سیم یا رب لیلة القدر وجاعلها خیرا من الف شهر ورب اللیل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار والارض والسماء یا باری یا مصور یا حنان یا منان یا الله یا رحمن یا الله یا قیوم یا الله یا بدیع یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والالاء اسئلک ان تصلی علی محمد وال محمد

در حکایت خضر و موسی

حکم میکردند با هم اختلاف نمودند بچگونه با هم اختلاف نمودند حتی اینکه حضرت موسی بر ان عالم اعتراض نمود جواب فرمود که حضرت موسی مامور باحکام ظاهریه بود و ان عالم مامور باحکام باطنیه بود و از این جهة بحسب ظاهر موسی در معنی اعتراض فرمود که این حکم باحکام ظاهریه که نازل شده است مخالفست و در معنی موقع نسبت خطاء بان عالم نداد بلکه مقصود انجناب استفسار از حقیقت و سر معنوی بوده است هر چند موسی پیغمبر اولو العزم بود ولی جمله از اسرار مخصوص بان عالم بود که موسی بر ان اگاه نبود و مقصود او استعلام و تعلم بود و از جهت ادراک مصلحت تعلم موسی بر ان عالم اغماض نمود چنانچه اختلاف ان دو ملک که نزد داود امدند بمرافعه مبنی بر مصالح بود و اختلاف حضرتین علیهما السلام

در ادعیه دهه آخر ماه مبارک

وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمى فى هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِى السُّعَداۤءِ وَرُوحى مَعَ الشُّهَداۤءِ وَاِحْسانى فى
عِلِّيّينَ وَاِساۤئَتى مَغْفُورَةً وَرُوحى مَعَ الشُّهَداۤءِ وَاِحْسانى فى عِلِّيّينَ وَ
اِساۤئَتى مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبى وَايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ
عَنّى وَتُرْضِيَنى بِما قَسَمْتَ لى وَآتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِى الْاخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا
عَذابَ النّارِ الْحَريقِ وَارْزُقْنى فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ
وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ
وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ دعای شب بیست و چهارم يا فالِقَ الْاِصْباحِ وَيا جاعِلَ اللَّيْلِ سَكَناً
وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسْباناً يا عَزيزُ يا عَليمُ يا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ
وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعامِ يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ يا اَللهُ يا رَحْمٰنُ يا اَللهُ يا فَرْدُ
يا وِتْرُ يا اَللهُ يا ظاهِرُ يا باطِنُ يا حَىُّ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ لَكَ الْاَسْماۤءُ الْحُسْنىٰ وَالْاَمْثالُ
الْعُلْيا وَالْكِبْرِياۤءُ وَالْآلاۤءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّىَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
تَجْعَلَ اسْمى فى هٰذِهِ السّاعَةِ اللَّيْلَةِ فِى السُّعَداۤءِ وَرُوحى مَعَ الشُّهَداۤءِ
وَاِحْسانى فى عِلِّيّينَ وَاِساۤئَتى مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ
بِهِ قَلْبى وَايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّى وَرِضاً بِما قَسَمْتَ لى وَآتِنا فِى
الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِى الْاخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ وَارْزُقْنى فيها شُكْرَكَ
وَذِكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ
لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ دعای شب بیست و پنجم يا جاعِلَ اللَّيْلِ
لِباساً وَالنَّهارِ مَعاشاً وَالْاَرْضِ مِهاداً وَالْجِبالِ اَوْتاداً يا اَللهُ يا قاهِرُ يا اَللهُ يا
جَبّارُ يا اَللهُ يا سَميعُ يا اَللهُ يا قَريبُ يا اَللهُ يا مُجيبُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ الْاَسْماۤءُ
الْحُسْنىٰ وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياۤءُ وَالْآلاۤءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّىَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

از وقایع نیز مبنی بر مصالح شرعیه بود و حدیث لو علم اباذر ما فی قلب سلمان لکفره در جمله محمول بر معنای مذکور است و در نزد اهل سر مثل کمیل و میثم تمار و نحو انها اسراری بوده است که افشا نمیکردند و دیگران مکلف بخلاف انها بودند و این مرحله منافات با اشتراک در تکلیف ندارد بلکه از باب اختلاف در موضوع است چنانچه تکلیف صغیر و بالغ مختلف است و واجب بر غیر بالغ مستحب است چنانچه بحسب ظاهر هر کس ادعا کند که در غیبت کبری حضرت قائم عجل الله فرجه را مشاهده کرده و شناخته دروغ گفته است و برحسب معنی اولیاء خدمت انجناب میرسیدند و بدانکه علماء بر سه طایفه اند اول عالم بعلم باطن است دویم عالم باحکام است سیم عالمی است که جامع مرتبتین است و طایفه ثانیه هرگاه بر اسرار طایفه اولی مطلع شوند

در ادعیه لیالی دهه آخر ماه

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمى فى هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِى السُّعَداۤءِ وَرُوحى مَعَ الشُّهَداۤءِ
وَاِحْسانى فى عِلِّيّينَ وَاِساۤئَتى مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبى وَ
ايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّى وَرِضاً بِما قَسَمْتَ لى وَآتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِى
الْاخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ وَارْزُقْنى فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ
وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ دعای شب بیست و ششم يا جاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ آيَتَيْنِ يا مَنْ مَحا آيَةَ
اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْهُ وَرِضْواناً يا مُفَصِّلَ كُلِّ شَىْءٍ
تَفْصيلاً يا اَللهُ يا ماجِدُ يا اَللهُ يا وَهّابُ يا اَللهُ يا جَوادُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ
الْاَسْماۤءُ الْحُسْنىٰ وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياۤءُ وَالْآلاۤءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّىَ
عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمى فى هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِى السُّعَداۤءِ وَرُوحى مَعَ
الشُّهَداۤءِ وَاِحْسانى فى عِلِّيّينَ وَاِساۤئَتى مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ
بِهِ قَلْبى وَايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّى وَتُرْضِيَنى بِما قَسَمْتَ لى وَآتِنا فِى الدُّنْيا
حَسَنَةً وَفِى الْاخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ وَارْزُقْنى فيها ذِكْرَكَ
وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ
لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ دعای شب بیست و هفتم يا مادَّ الظِّلِّ وَلَوْ
شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ ساكِناً وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَليلاً ثُمَّ قَبَضْتَهُ اِلَيْكَ قَبْضاً
يَسيراً يا ذَا الْحَوْلِ وَالطَّوْلِ وَالْكِبْرِياۤءِ وَالْآلاۤءِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ عالِمُ الْغَيْبِ وَ
الشَّهادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ يا قُدُّوسُ يا سَلامُ يا مُؤْمِنُ يا مُهَيْمِنُ يا
عَزيزُ يا جَبّارُ يا مُتَكَبِّرُ يا اَللهُ يا خالِقُ يا بارِئُ يا مُصَوِّرُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ
لَكَ الْاَسْماۤءُ الْحُسْنىٰ وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياۤءُ وَالْآلاۤءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّىَ

بر انها مرتبت و منظور خواهند بود و ما نحن انکار خواهند و احکام ظاهریه تا انکه چون بر اسرار و احکام مطلع شوند و تصدیق میکنند جمیعا مطلع است و این طایفه از جمله اولیاء الله میباشند و مشتمل انها تابع مشتمل الهیه است و مرتبه تقوای عما سوی الله و فناء برای انها حاصل شده است و انها نظیر شهداء میباشند که حیوة ابدیه معنویه برای انها حاصل است بل احیاء عند ربهم یرزقون و بعالم امر رسیده اند و مرتبه انها مانند مرتبه روح است که خدا میفرماید قل الروح من امر ربی و باید موتوا قبل ان تموتوا اشاره ببعضی از درجات و مراتب ایشاست و حدیث و با بقاء الله میباشند و ایه کریمه و اذ قال الله یا عیسی انی متوفیک و رافعک الی الایه مقصود از متوفیک رفع عوائق جسمانیه است که مانع از عروج بعالم سماوی بوده است و مقصود فوت حقیقی نیست بلکه عیسی در حال حیوة باسمان عروج نمود و تحقیق این مطلب بهم خواهد امد

در ادعیه لیالی آخر ماه مبارک

علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء
واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقیناً تباشر به قلبی
وایماناً یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة
وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک و
شکرک والرغبة الیک والانابة والتوفیق والتوبة لما وفقته له
محمداً وآل محمد علیه وعلیهم السلام دعای شب بیست و هشتم یا خازن اللیل فی
الهواء وخازن النور فی السماء ومانع السماء ان تقع علی الارض الا باذنه وحابسهما
ان تزولا یا علیم یا عظیم یا غفور یا دائم یا الله یا وارث یا باعث من فی القبور یا الله یا الله
یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان
تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی
مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقیناً تباشر
به قلبی وایماناً یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا
حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک
وشکرک والرغبة الیک والرهبة منک والتوبة والانابة والتوفیق
لما وفقت له محمداً وآل محمد علیه وعلیهم السلام دعای شب بیست و نهم یا مکور
اللیل علی النهار ویا مکور النهار علی اللیل یا علیم یا حکیم یا رب الارباب و
سید السادات لا اله الا انت یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا الله
یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء
اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء
وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی

یقینا

ختم دیگر

مجرب از مجربه عوده او هر که
کسی دو دمند و ماه هر روز چهار صد مرتبه این اسم
الذی لا اله الا هو الحی القیوم من جمیع ظلمی و جرمی
واسرافی علی نفسی و اتوب الیه را خلاق عالم جل
شانه مال و علم بسیار باو کرامت فرماید و
حاجات او برآورده شود و خداوند جل
شانه اولاد باو کرامت فرماید ختم دیگر که
بعضی از علمای این عصر از تجربه نموده اند هر کس
بعد از تزکیه و تصفیه نفس در مدت چهل شب
در هر شب هزار مرتبه این آیه را بخواند لا اله
الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین حاجت
او برآورده شود و هر که از دشمن بترسد در
شب جمعه هزار مرتبه این آیه بخواند خداوند جل
شانه شر دشمنان را از او دفع و رفع فرماید
و شخصی از علما نقل فرموده که این ختم را
مداومت نمودم در شب چهارم هر چه در
منزل بود همه این ذکر را تلاوت مینمود ختم
دیگر هر که بعد از نماز صبح و مغرب صد
مرتبه بگوید لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم خلاق عالم جل شانه مهمات او را
کفایت فرماید ختم دیگر که بسیار مجرب است
ختم کلمه لا اله الا الله

در ادعیه لیالی دهه آخر ماه

یقیناً تباشر به قلبی وایماناً یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی
الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها
ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما
وفقت له محمداً وآل محمد صلی الله علیه علیهم دعای شب سیم الحمد لله لا شریک
له الحمد لله کما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله وکما هو اهله یا قدوس یا
نور یا نور القدس یا سبوح یا منتهی التسبیح یا رحمن یا فاعل الرحمة یا الله یا
علیم یا کبیر یا الله یا لطیف یا جلیل یا الله یا الله یا سمیع یا بصیر یا الله یا الله
یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان
تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی
مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقیناً تباشر
به قلبی وایماناً یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة
وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک و
شکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له
محمداً وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم اجمعین واما وداع ماه رمضان سنت موکد است
از برای آنکه روزه و عبادات این ماه بر ما گران و صعب نبود و ما خواهان آن بودیم و از مفارقت
آن آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادت الهی را یافته است و فواید آن را در دنیا و عقبی دانسته است
عاشق عبادت و بندگی میباشد پس باید این ماه وافر البرکات را بنحوی وداع کند که عزیز
ترین اهل خود را در هنگام مفارقت وداع میکند و معلوم است غلامی که از خدمت آقای خود
شاد و خوشحال باشد و از ترک خدمت او دلگیر باشد مثل غلامی نیست که از ترک خدمت
کند و بآن راضی نباشد و دعاهای وداع را نیز در شب آخر سنت است خواندن و اگر در روز جمعه

کردد سعیدا
بعدد جمل آیه بخواند و برای شرح
مراتب توحید و انقطاع
وکامل شدن معارف و اخلاص
الی الله وکامل شدن باید غالب اوقات
او بذکر خدا مشغول باشد و از امور که
باعث غفلت است اجتناب کند
با این نحو مواظبت نماید اقسام حکمت
و علم بر قلب او منتشر شود و زبان او بحکمت
جاری میشود ولی باید اقل مجاهده
نماید که از حب دنیا و اخلاق رذیله
قلب او پاک شده باشد و مرتکب
هیچ معصیتی نشود و در اربعین
سیم و چهارم ترقی کلی برای او حاصل
میشود ختم دیگر بعضی از علمای
نجف اشرف نقل فرموده که مرحوم
آخوند ملا زین العابدین کلپایگانی
ره در زمانیکه در نجف اشرف بود
بسیار معیشت بر او تنگ بود تا
آنکه در یکی از لیالی بحضرت مولای متقیان
استغاثه نمودند در عالم واقعه
اشاره شد بایشان که بحضرت امام زمان
متکفل احوال غربا

در وداع ماه مبارک رمضان

برخواندن خوبست در حدیثی که اگر آخر ماه مشتبه باشد دو شب احتیاطاً سنت خواندن دعای وداع
نسبت است و بهترین انها دعای صحیفه کامله است و سند که معتبر است از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام اینست دعای وداع منقول بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انک قلت فی کتابک
المنزل علی لسان نبیک المرسل صلواتک علیه و آله و قولک الحق شهر رمضان
الذی انزل فیه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان و هذا
شهر رمضان قد تصرم و انقضت ایامه و لیالیه فاسئلک بوجهک الکریم
و کلماتک التامة ان کان بقی علی ذنب لم تغفره لی او ترید ان تعذبنی
علیه او تقایسنی به ان یطلع فجر هذه اللیلة او یتصرم هذا الشهر الا
و قد غفرته لی یا ارحم الراحمین اللهم لک الحمد بمحامدک کلها اولها
و آخرها ما قلت لنفسک منها و ما قال لک الخلائق الحامدون المجتهدون
المعدودون المؤثرون فی ذکرک و الشکر لک الذین اعنتهم علی اداء
حقک من اصناف خلقک من الملائکة المقربین و النبیین و المرسلین
و اصناف الناطقین المسبحین لک من جمیع العالمین علی انک بلغتنا شهر
رمضان و علینا من نعمک و عندنا من جزیل قسمک و احسانک و تظاهر
امتنانک لک منتهی الحمد الخالد الدائم الراکد المخلد السرمد
الذی لا ینفد طول الابد جل ثناؤک اعنتنا علیه حتی قضیت عنا صیامه
و قیامه من صلوة و ما کان منا فیه من بر او شکر او ذکر اللهم
فتقبله منا باحسن قبولک و تجاوزک و عفوک و صفحک و غفرانک
و حقیقة رضوانک حتی تظفرنا فیه بکل خیر مطلوب و جزیل عطاء
موهوب و تؤمننا من کل امر مرهوب و ذنب مکسوب اللهم انی اسئلک

سطر

که باید با ایشان هستند
استغاثه بآنحضرت نمایند و در
عالم رؤیا فرموده بودند آنحضرت
صبح در تعقیب نماز هر روز
این دعا را بخوانند یکصد و ده مرتبه
و دعا اینست اللهم اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک
عمن سواک مرحوم آخوند به چند روز
این دعا مداومت نمود و روزی برای
ایشان حاصل شد ختم دیگر
در نجف در مؤلفات مرحوم سید
مهدی بحر العلوم نجفی اعلی الله مقامه
بخط آن مرحوم دیدم که نوشته بودند
مدت چندین سال بود که از درگاه
الهی سه مسئلت نموده بودند یکی
آنکه واقعه کربلا را در عالم رؤیا
مشاهده نمایند و دیگر آنکه در
عالم بیداری خدمت ذیسعادت
حضرت قائم عجل الله فرجه مشرف
شوند و دیگر آنکه حضرت رسول
صلی الله علیه در خواب ببینند
و باین سبب مشغول این ختم شدند
و بمطلوب رسیدند

دعای وداع ماه مبارک رمضان

بعظیم ما سئلک احد من خلقک من کریم اسمائک و جزیل ثنائک و خاصة
دعائک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل شهرنا هذا اعظم شهر
رمضان مر علینا منذ انزلتنا الی الدنیا برکة فی عصمة دینی و خلاص
نفسی و قضاء حاجتی و تشفعنی فی مسائلی و تمام النعمة علی و صرف السوء
عنی و لباس العافیة لی و ان تجعلنی برحمتک ممن خرت له لیلة القدر
و جعلتها له خیرا من الف شهر فی اعظم الاجر و کرائم الذخر و طول
العمر و حسن الشکر و دوام الیسر اللهم و اسئلک برحمتک و طولک
و عفوک و نعمائک و جلالک و قدیم احسانک و امتنانک ان لا تجعله
آخر العهد منا لشهر رمضان حتی تبلغناه من قابل علی احسن حال و تعرفنی
هلاله مع الناظرین الیه و المعترفین له فی اعفی عافیتک و اتم نعمتک و
اوسع رحمتک و اجزل قسمک اللهم یا ربی الذی لیس لی رب غیره لا یکون
هذا الوداع منی وداع فناء و لا آخر العهد من اللقاء حتی ترینیه من قابل
فی اسبغ النعم و افضل الرجاء و انا لک علی احسن الوفاء انک سمیع الدعاء
اللهم اسمع دعائی و ارحم تضرعی و تذللی لک و استکانتی لک و توکلی
علیک و انا لک مسلم لا ارجو نجاحا و لا معافاتا و لا تشریفا و لا تبلیغا الا
بک و منک فامنن علی جل ثناؤک و تقدست اسماؤک بتبلیغی شهر
رمضان و انا معافا من کل مکروه و محذور و من جمیع البوائق الحمد
لله الذی اعاننا علی صیام هذا الشهر و قیامه حتی بلغنا آخر لیلة منه
اللهم انی اسئلک باحب ما دعیت به و ارضی ما رضیت به عن محمد
صلی الله علیه و آله ان تصلی علی محمد و آل محمد و لا تجعل وداعی شهر رمضان

و کیفیت آن
آنستکه بمدت چهل روز و در
هر شب از آنها هر لیلة
بلا دو در هر شب یکصد و ده مرتبه
اسماء الحسنی را یکصد و ده مرتبه بخواند و قبلا
بخواند و باید با وضو بخواند
و قبل از خوابیدن چهارده مرتبه اینوا را
بخواند و در سحرها مشغول دعا
و تهجد و تضرع و زاری باشد
و آداب عامه ختوم را که تقلیل اکل و
خواب و کلام و معاشرت باشد
مراعات کند و پیوسته بذکر خدا
مشغول باشد و باید قبل از آن
قلب را از اخلاق رذیله تصفیه
نموده باشد و حب دنیا را از
قلب خود اخراج نموده باشد
مرحوم سید ره نوشته که در
مسجد کوفه مشغول این ختم شدم
واقعه کربلا را در اربعین دیدم
مشاهده کردم در یک طرف
حضرت امام علیه السلام با جبهه و ریش
خون آلود سوار ایستاده و از
یکطرف صدای العطش اطفال
از خیمه گاه بگوش

باب ٥٨ وداع رمضان

وداع خروجي من الدنيا ولا وداع آخر عبادتك فيه ولا آخر صومي لك وارزقني
العود فيه ثم العود فيه برحمتك يا ولي المؤمنين ووفقني فيه لليلة القدر
واجعلها لي خيرًا من ألف شهر رب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم
والأنوار والأرض والسماء يا باري يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن
يا رحيم يا حي يا قيوم يا بديع السموات والأرض لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا
والكبرياء والآلاء أسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم أن تصلي
على محمد وآل محمد وآل محمد وأن تجعل اسمي في هذه الليلة في
السعداء وروحي مع الشهداء وإحساني في عليين وإسائتي مغفورة
وأن تهب لي يقينًا تباشر به قلبي وإيمانًا لا يشوبه شك ورضًا بما
قسمت لي وأن تؤتيني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب
النار الحريق اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الأمر المحتوم وفيما تفرق
من الأمر الحكيم في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل أن
تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور
ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدر أن تطيل عمري
وأن تعتق رقبتي من النار يا أرحم الراحمين اللهم إني أسئلك ولم يسأل
العباد مثلك جودًا وكرمًا وأرغب إليك ولم يرغب إلى مثلك أنت
موضع مسئلة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين أسئلك بأعظم المسائل
كلها وأفضلها وأنجحها التي ينبغي للعباد أن يسئلوك بها يا الله يا رحمن
وبأسمائك ما علمت منها وما لم أعلم وبأسمائك الحسنى وأمثالك العليا وبنعمك
التي لا تحصى وبأكرم أسمائك عليك وأحبها إليك وأشرفها عندك

(حاشیه: خواب بحر العلوم)

از آن مرحوم سید مهدی بحر العلوم نقل شده که فرمود در یکی از شبهای بسیار از زیارات لشکر حسینیه‌ها کربلا دیدم در یک طرف شهداء را در خاک و خون افتاده پس نزدیک مظلوم رفتم سلام کردم بعد از جواب سلام عرض کردم اذن جهاد خواستم اذن فرمودند چون عازم رفتن شدم عرض کردم میخواهم در این آخر حدیثی از شما بشنوم فرمودند الا ومن مات في محبتنا دخل الجنة الا ومن احبنا حشر معنا الا ومن بكى في مصيبتنا فنحن شفعائه عند الله الا ومن قال يا ليتنا كنا معكم فله ثواب من قتل معنا الا ومن اغتسل في الفرات وزارني كان له بكل خطوة حجة وعمرة مقبولة الا ومن توسل الينا نجى ومن تخلف عنا هلك سید در میفرماید بجانب قائل دوانه وجلال نمودم تا آنکه راحت اسیادی بر بدن من وارد شد حکایت

در وداع ماه رمضان

منزلة وأقربها منك وسيلة وأجزلها منك ثوابًا وأسرعها لديك إجابة
وباسمك المكنون المخزون الحي القيوم الأكبر الأجل الذي تحبه وتهواه
وترضى به عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك أن لا تخيب سائلك
وأسئلك بكل اسم هو لك في التورية والإنجيل والزبور والفرقان
وبكل اسم هو لك في التورية والزبور والفرقان وبكل اسم دعاك به حملة
عرشك وملائكة سمواتك وجميع الأصناف من خلقك من نبي أو
صديق أو شهيد وبحق الراغبين إليك القريبين منك المتعوذين بك
وبحق مجاوري بيتك الحرام حجاجًا ومعتمرين ومقدسين والمجاهدين في سبيلك
وبحق كل عبد متعبد لك في بر أو بحر أو سهل أو جبل أدعوك دعاء
من قد اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه وعظم جرمه وضعف كدحه
دعاء من لا يجد لنفسه سادًا ولا لضعفه مقويًا ولا لذنبه غافرًا غيرك
هاربًا إليك متعوذًا بك متعبدًا لك غير مستكبر ولا مستنكف خائفًا
بائسًا فقيرًا مستجيرًا بك أسئلك بعزتك وعظمتك وجبروتك وسلطانك
وبملكك وبهائك وجودك وكرمك وبآلائك وحسنك و
جمالك وبقوتك على ما أردت من خلقك أدعوك يا رب خوفًا و
طمعًا ورهبة ورغبة وتخشعًا وتملقًا وتضرعًا وإلحافًا وإلحاحًا خاضعًا
لك لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك يا قدوس يا قدوس يا قدوس يا الله
يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رب يا رب يا رب أعوذ
بك يا الله الواحد الأحد الصمد الوتر المتكبر المتعال وأسئلك بجميع
ما دعوتك به وبأسمائك التي تملأ أركانك كلها أن تصلي على محمد

(حاشیه: در رختو و محرر)

از آن اقادم از خواب بیدار شدم و در ایام اربعین سیم در مسجد سهله وارد شدم نماز ایشان خاص با اهله پس دیدم مردم بنماز جماعت مشغول هستند من نیز بآنها اقتداء کردم در آن میان ختم دیگر دانستم آنچه را دانستم در مؤلفات مرحوم آخوند ملا زین العابدین سلماسی مسطور است که هر کس در مدت چهل شب در وقت خواب هفت مرتبه سوره مبارکه لا اقسم بیوم القیمة را با خضوع و خشوع تلاوت کند و مواظب تقوی و پرهیزکاری باشد قیامت و حالات آن را در خواب به بیند و یقین کامل برای او حاصل شود مؤلف گوید با این دستور مشغول شدم در اربعین دیم قیامت و حساب و میزان و صراط را در خواب مشاهده کردم

وداع ماه رمضان

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَارْحَمْنِي وَاوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ وَ
تَقَبَّلْ مِنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ وَصِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَفَرْضَهُ وَنَوَافِلَهُ وَاغْفِرْ
لِي وَارْحَمْنِي وَاعْفُ عَنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمْتُهُ لَكَ
وَعَبَدْتُكَ فِيهِ وَلَا تَجْعَلْ وَدَاعِي اِيَّاهُ وَدَاعَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا اَللّٰهُمَّ
اَوْجِبْ لِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَخَشْيَتِكَ اَفْضَلَ مَا
اَعْطَيْتَ اَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ فِيهِ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي اَخْسَرَ مَنْ سَأَلَكَ فِيهِ وَ
اجْعَلْنِي مِمَّنْ اَعْتَقْتَهُ فِي هٰذَا الشَّهْرِ مِنَ النَّارِ وَغَفَرْتَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ
وَمَا تَأَخَّرَ وَاَوْجَبْتَ لَهُ اَفْضَلَ مَا رَجَاكَ وَاَمَّلَ مِنْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ فِي صِيَامِهِ لَكَ وَعِبَادَتِكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ
كَتَبْتَهُ فِي هٰذَا الشَّهْرِ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَغْفُورِ لَهُمْ
ذُنُوبُهُمُ الْمُتَقَبَّلِ عَمَلُهُمْ آمِينَ آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ
لِي فِيهِ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا خَطِيئَةً اِلَّا مَحَوْتَهَا وَلَا عَثْرَةً اِلَّا اَقَلْتَهَا
وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَيْلَةً اِلَّا اَغْنَيْتَهَا وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا فَاقَةً
اِلَّا سَدَدْتَهَا وَلَا عُرْيَانًا اِلَّا كَسَوْتَهُ وَلَا مَرَضًا اِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا دَاءً اِلَّا اَذْهَبْتَهُ
وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اِلَّا قَضَيْتَهَا عَلَى اَفْضَلِ اَمَلِي وَرَجَائِي
فِيكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَلَا تُذِلَّنَا
بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَلَا تُذِلَّنَا بَعْدَ اِذْ اَعْزَزْتَنَا وَلَا تَضَعْنَا بَعْدَ اِذْ رَفَعْتَنَا
وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ اِذْ اَكْرَمْتَنَا وَلَا تُفْقِرْنَا بَعْدَ اِذْ اَغْنَيْتَنَا وَلَا تَمْنَعْنَا بَعْدَ اِذْ
اَعْطَيْتَنَا وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ اِذْ رَزَقْتَنَا وَلَا تُغَيِّرْ شَيْئًا مِنْ نِعَمِكَ عَلَيْنَا
وَاِحْسَانِكَ اِلَيْنَا لِشَيْءٍ كَانَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَلَا لِمَا هُوَ كَائِنٌ مِنَّا فَاِنَّ فِي كَرَمِكَ

تلبیه حاجیم سابق درجهات علمی استاد دیگر مدنظر دار بعض ملکات تو در دنیا میسر لا سلطه و مانع میشود تو را از ودید درجات کامله ایمانیه چون بگذشتی چون او را قطع نمود و باز نوی مقامات عالیه و درجات نعم که مقام قرب و رضوان است که شی میشود از درجه رضا و تسلیم که با حاصل میشود از مرتبه یقین تا آنجا مرتبه زهد بلکه جمیع مرتبه همه بلکه جمیع مراتب اخلاق ممدوحه اشیء حاصل است از مرتبه یقین هر چه یقین تو زیادتر است کمالات اخلاق تو بیشتر می باشد و عمده آن رذایل و صفات مذمومه از ضعف مرتبه یقین ناشی میشود چنانچه کلمه امنوا در آیه کریمه یا ایها الذین امنوا امنوا امر است و مقصود لزوم تحصیل یقین کامل است و بدانکه علامت یقین کامل توکل و انقطاع و تقوای عما سوی الله و رضا و تسلیم و محبت است و علامت محبت الله متابعت و تاسی بحضرت

دعای وداع ماه مبارک رمضان

وَعَفْوُكَ وَفَضْلُكَ سَعَةً لِمَغْفِرَةِ ذُنُوبِنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَتَجَاوَزْ عَنَّا وَلَا تُعَاقِبْنَا
عَلَيْهَا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ فَاَكْرِمْنِي فِي مَجْلِسِي هٰذَا كَرَامَةً لَا تُهِنِّي
بَعْدَهَا اَبَدًا وَاَعِزَّنِي عِزًّا لَا تُذِلَّنِي بَعْدَهُ اَبَدًا وَعَافِنِي عَافِيَةً لَا تَبْتَلِينِي
بَعْدَهَا اَبَدًا وَارْفَعْنِي رِفْعَةً لَا تَضَعُنِي بَعْدَهَا اَبَدًا وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ كُلِّ
شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ قَرِيبٍ اَوْ بَعِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ
صَغِيرٍ اَوْ كَبِيرٍ وَشَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ
فَرَحٍ اَوْ مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ بَذَخٍ اَوْ خُيَلَاءَ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقَاقٍ اَوْ
نِفَاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ مَعْصِيَةٍ اَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ عَلَيْهِ وَلِيًّا لَكَ
فَاَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَمْحُوَهُ مِنْ قَلْبِي وَتُبَدِّلَنِي
مَكَانَهُ اِيمَانًا بِوَعْدِكَ وَرِضًا بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَوَجَلًا مِنْكَ
وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً بِمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَطُمَأْنِينَةً اِلَيْكَ وَ
تَوْبَةً نَصُوحًا اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ بَلَّغْتَنَا وَاِلَّا فَاَخِّرْ عَنَّا اٰجَالَنَا اِلَى قَابِلٍ
حَتّٰى تُبَلِّغَنَاهُ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ كَثِيرًا وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْهِمْ و در جمعه آخر نیز وداع جمعها خوبست
از جابر بن عبد الله انصاری منقولست که گفت رفتم خدمت حضرت رسول در جمعه
آخر رمضان چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که این آخر جمعه ایست از ماه مبارک رمضان
پس او را وداع کن و بگو اللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا اِيَّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهُ
فَاجْعَلْنِي مَرْحُومًا وَلَا تَجْعَلْنِي مَحْرُومًا زیرا که هر که این دعا را در این روز بخواند بیکی
از این دو خصلت نیکو ظفر می یابد یا برسیدن ماه رمضان آینده یا بآمرزش خدا و رحمت الهی انتها

علامت محبت خدا

میباشد که خدا میفرماید قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و کثرت ذکر الهی باعث زیادتی محبت و وصول بدرجات عالیه میشود چنانچه آیه کریمه واذکرونی اذکرکم اشاره باین مطلب است یا این مطلب میشود و محبت محمد سبب محبت الهی میشود چنانچه خدا میفرماید یحبهم و یحبونه و هر تبه رضا سبب رضای الهی میشود چنانچه خدا میفرماید رضی الله عنهم و رضوا عنه و ذلک هو الفوز العظیم و علامت دیگر یقین آنستکه خوف و امید و اری او بدرگاه الهی کامل میگردد و از این جهت است که خوف الهی از برای اولیا زیاده از خوف دیگرانست و علامت دیگر آنستکه عبادت انها از جهت خوف از عذاب و وصول بدرجات جنت نیست بلکه از جهت آنستکه محبت و قرب است یا از جهت آنستکه خدا را اهل و سزاوار معبودیت میدانند چنانچه حضرت امیر المؤمنین ع بدرگاه الهی عرض میکند الهی ما عبدتک

در آداب ماه مبارک رمضان

و بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که در هر شب آخر این دعا را بخوانند اللهم لا تجعله آخر العهد
من صیامی لشهر رمضان و اعوذ بک ان یطلع فجر هذه اللیلة الا و قد غفرت لی
حق تعالی پیش از صبح او را بیامرزد و او را توبه و انابه روزی کند و ایضاً سنت است که این دعا
بخوانند اللهم انی اسئلک باحب ما دعیت به و ارضی ما رضیت به عن محمد و
اهل بیت محمد علیه و علیهم السلام ان تصلی علی محمد و آل محمد و لا
تجعل وداع شهری هذا وداع خروجی من الدنیا و لا وداع آخر عبادتک و
وفقنی فیه للیلة القدر و اجعلها لی خیراً من الف شهر مع تضاعف الاجر
و الاجابة و العفو عن الذنب برضی الرب و از جمله چیزها که سنت است در شب آخر آزاد
کردن بنده هاست زیرا که شبی است که حق تعالی بنده بسیار از آتش جهنم آزاد میگرداند هر گاه بنده
ضعیفی فرومایه از بندگان را از قید رقیت آزاد کند امید هست که خداوند قادر بی زوال
با آن وسعت کمال او را از آتش جهنم آزاد گرداند و نام او را از جریده عاصیان محو نماید چنانچه
منقول است که حضرت امام زین العابدین بنده هائی که در عرض سال تحصیل می نمود تا
بیست نفر و زیاده و کم در شب آخر ماه مبارک رمضان آزاد می نمود و میفرمود شما را آزاد کردم بامید
آنکه خداوند رحیم از تقصیرات من در گذرد و مرا از عذاب جهنم آزاد گرداند و چون روز عید
می شد جایزه های عظیم بایشان می بخشید که ایشان بی نیاز باشند از سؤال کردن از مردم و می
گفت که حق تعالی در هر شب ماه رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار کس را آزاد می کند از آنها که
مستوجب جهنم شده اند و در شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه آزاد کرده است آزاد می کند و آن
حضرت هیچ غلام و کنیز را زیاده از یکسال خدمت نفرمود و در روز عرفه در عرفات نیز بنده چند را
آزاد می فرمود و سنت است که در شب آخر سوره انعام و کهف و یس بخوانند و صد مرتبه بگویند استغفر الله
و اتوب الیه مطلب ۵۹ در اعمال شب عید فطر و روز او شکی نیست عید فطر از جمله اعیاد بزرگ است

وشبش

در معنی بندگی

خوفاً من نارک ولا طمعاً فی جنتک بل وجدتک اهلا للعبادة فعبدتک و علامت دیگر ایشان است که همیشه معترف بتقصیر میباشند و بکاء معترف میباشند چنانچه معصومین با وجود اینکه معصوم بودند و در هیچ زمانی و حالی گناه نکرده بودند بدرگاه حضرت اله اقرار بگناه میکردند و استغفار می نمودند و حدیث حسنات الابرار سیئات المقربین اشاره باین مطلب است زیرا که ائمه بعضی از حالات ایشان حالات ابرار بود و آن حالاتی بود که مشغول بلوازم بشریت بودند و باقی حالات ایشان حالات مقربین بود که مشغول بتوجه و ذکر و عبادت بودند و حالت اولی باضافه مرتبه ثانیه ثابت است و از این جهت است که در حال مناجات چون متذکر حالت اولی میشدند اعتراف بگناه و استغفار میکردند حاصل آنکه چون هر عبادتی

در آداب شب عید فطر

وشبش از جمله لیالی شریفه است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیار است از حضرت رسول
منقول است که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس بمیرد و از حضرت امام
محمد باقر مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین شب عید را احیا میکرد بنماز تا صبح و در تمام آن شب در
مسجد می ماند و می گفت که ای فرزند امشب کمتر از شب قدر نیست و غسل در این شب سنت است
و شخصی بخدمت حضرت صادق عرض کرد که مردم میگویند آمرزش نازل میشود بر کسیکه
روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر حضرت فرمود که کارگر مزد را نمی دهند مگر بعد از فارغ
شدن از کار و آن شب عید است راوی گفت چه کار سزاوار است در آن شب بکنم فرمود که چون آفتاب
غروب کند غسل کن و چون فریضه مغرب و نافله را ادا کردی دستها را بسوی آسمان بلند کن و بگو
یا ذا المن و الطول یا ذا الجود یا مصطفی محمد و ناصره صل علی محمد و آل محمد
و اغفر لی کل ذنب احصیته و هو عندک فی کتاب مبین پس بسجده برو و
صد مرتبه در سجده بگو اتوب الی الله پس هر حاجت که داری از حق تعالی طلب کن که برآورده است
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که در شب عید فطر دو رکعت نماز می کردند
و در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه سوره قل هو الله احد می خواندند و در رکعت دوم
یک مرتبه می خواندند و بعد از سلام بسجده می رفتند و صد مرتبه می گفتند اتوب الی الله
پس می گفتند یا ذا المن و الجود یا ذا المن و الطول یا مصطفی محمد و آله صل علی محمد
و آله پس حاجات خود را از خدا می طلبیدند پس سر از سجود بر میداشتند و میفرمودند بحق آن
خداوندیکه جانم بید قدرت اوست هر که این نماز را بکند هر حاجت که از حق تعالی بطلبد البته
او را عطا فرماید و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرزد و بعد
از نماز سنت است که این دعا را بخوانند یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا الله یا ملک یا الله
یا قدوس یا الله یا سلام یا الله یا مؤمن یا الله یا مهیمن یا الله یا الله یا عزیز

علامات یقین

که با ما میاوزند همه را از جانب خدا می دانستند و وجود خود را عین فقر و احتیاج و ذلت میدانستند لهذا امامت یقین ایشان باعث میشد که بذنوب اقرار و از گناهان استغفار میکردند و دیگر از علامات یقین تقوای از ما سوی الله است کل شیء هالک الا وجهه ما عندکم ینفد و ما عند الله باق و نیز از علامات یقین ورع و اجتهاد در عبادت و صبر است و صبر از برای ایمان بمنزله راس است از برای جسد و بدانکه در بهشت مقامات و درجات عالیات که مختص است بصابران و مراتب یقین مختلف است چنانچه در حق حضرت عیسی مروی است کان یمشی علی الماء و لو ازداد یقینه لمشی علی الهواء و فرمودند لو لا تخلف عیسی عن طاعة الله لکنت علی عن دینه چه واضح که مرتبه یقین حضرت خاتم الانبیاء بوده با وجود اینکه اکمل و اشرف عبادات

در آداب ماه مبارک رمضان

و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که در هر شب آخر این دعا را بخوانند اللّهمّ لا تجعله آخر العهد من صیامی لشهر رمضان و أعوذ بك أن یطلع فجر هذه اللیلة إلّا و قد غفرت لی حق تعالی پیش از صبح او را بیامرزد و او را توبه و انابه روزی کند و ایضا سنتست که این دعا بخوانند اللّهمّ إنّی أسئلك بأحبّ ما دعیت به و أرضی ما رضیت به عن محمّد و عن أهل بیت محمّد علیه و علیهم السّلام أن تصلّی علی محمّد و آل محمّد و لا تجعل وداع شهری هذا وداع خروجی من الدّنیا و لا وداع آخر عبادتك و وفّقنی فیه للیلة القدر و اجعلها لی خیراً من ألف شهر مضاعف الأجر و الإجابة و العفو عن الذنب برضی الرّب و از جمله چیزهائیکه سنتست در شب آخر آزاد کردن بنده هاست زیرا که شبی است که حق تعالی بنده بسیار از آتش جهنم آزاد میکرداند هر گاه بنده ضعیفی فرمایه از بنده کان را از قید رقیت آزاد کند امید هست که خداوند قادر بیزوال با آن وسعت کمال او را از آتش جهنم آزاد کرداند و نام او را از جرائد عاصیان محو نماید چنانچه منقولست که حضرت امام زین العابدین بنده هائی که در عرض سال تحصیل می نمود تا بیست نفر و زیاده و کم در شب آخر ماه مبارک رمضان آزاد می نمود و میفرمود شما را آزاد کردم باین امید که خداوند رحیم از تقصیرات من در گذرد و مرا از عذاب جهنم آزاد کرداند و چون روز عید می شد جایزه های عظیم بایشان می بخشید که ایشان بی نیاز باشند از سؤال کردن از مردم و میگفت که حق تعالی در هر شب ماه رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار کس را آزاد می کند از آنها که مستوجب جهنم شده اند و در شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه آزاد کرده است آزاد می کند و آن حضرت هیچ غلام و کنیز را زیاده از یکسال خدمت نفرمود و در روز عرفه در عرفات نیز بنده های خود آزاد می فرمود و سنتست که در شب آخر سوره انعام و کهف و یس بخواند و صد مرتبه بگوید أستغفر اللّه و أتوب إلیه مانند ۵۹ در اعمال شب عید فطر و روز او شکی نیست عید فطر از جمله اعیاد بزرگ است

در معنی بند سبب: تا درك ولا طمعاً فی جنتك بل وجدتك اهلاً للعبادة فعبدتك و علامت دیگر شان آنستکه همیشه معترف بتقصیر میباشند و بگناه معترف میباشند چنانچه معصومین با وجود اینکه معصوم بودند و در هیچ زمانی و حالی گناه نکرده بودند در درگاه حضرت اله اقرار بگناه میکردند و استغفار می نمودند و حدیث حسنات الابرار سیئات المقربین اشاره باین مطلب است زیرا که ائمه بعضی از حالات ایشان حالات ابرار بود و آن حالاتی بود که مشغول بلوازم بشریت بودند و باقی حالات ایشان حالات مقربین بود که مشغول که مشغول بتوجه و ذکر و عبادت بودند و حالت اولی باضافه مرتبه ثانیه ثابتست و از این جهتست که در حال مناجات چون متذکر حالات اولی میشدند اعتراف بگناه و استغفار میکردند حاصل آنکه چون هر عبادتی

در آداب شب عید فطر

و شبش از جمله لیالی شریفه است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیاء آن احادیث بسیار است از حضرت رسول منقولست که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزیکه دلها از ترس بمیرد و از حضرت امام محمد باقر مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین شب عید را احیا می کرد بنماز تا صبح و در تمام این شب در مسجد می ماند و می گفت که ای فرزند این شب کمتر از شب قدر نیست و غسل در این شب سنتست و شخصی بخدمت حضرت صادق عرض کرد که مردم می گویند آمرزش نازل می شود بر کسیکه روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر حضرت فرمود که کارگر مزد شرا نمی دهند مگر بعد از فارغ شدن از کار و آن شب عید است راوی گفت چه کار سزاوار است در این شب بکنم فرمود که چون آفتاب غروب کند غسل کن و چون فریضه مغرب و نافله از ادا نمودی دستها را بسوی آسمان بلند کن و بگو یا ذا المنّ و الطّول یا ذا الجود یا مصطفی محمّد و ناصره صلّ علی محمّد و آل محمّد و اغفر لی کلّ ذنب أحصیته و هو عندك فی کتاب مبین پس بسجده برو و صد مرتبه در سجده بگو أتوب إلی اللّه پس هر حاجت که داری از حق تعالی طلب کن که برآورده است و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که در شب عید فطر دو رکعت نماز می کردند و در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه سوره قل هو اللّه احد می خواندند و در رکعت دویم یکمرتبه می خواندند و بعد از سلام بسجده می رفتند و صد مرتبه می گفتند أتوب إلی اللّه پس می گفتند یا ذا المنّ و الجود یا ذا المنّ و الطّول یا مصطفی محمّد و آله صلّ علی محمّد و آله پس حاجات خود را از خدا می طلبیدند پس سر از سجود بر میداشتند و میفرمودند بحق خداوندیکه جانم بید قدرت اوست هر که این نماز را بکند هر حاجت که از حق تعالی بطلبد البته او را عطا فرماید و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرزد و بعد از نماز سنتست که این دعا را بخوانند یا اللّه یا اللّه یا اللّه یا رحمن یا اللّه یا ملك یا اللّه یا قدّوس یا اللّه یا سلام یا اللّه یا مؤمن یا اللّه یا مهیمن یا اللّه یا اللّه یا عزیز

علامات یقین: که بجا میآورند همه را از جانب خدا می دانستند و وجود خود را عین فقر و احتیاج و ذلت میدانستند لهذا ملاحظه یقین ایشان باعث میشد که بتقصیر خود اقرار و از گناهان استغفار میکردند و دیگر از علامات یقین تقوای از ما سوی اللّه است کل شیء هالك إلّا وجهه ما عندکم ینفد و ما عند اللّه باق و نیز از علامات یقین ورع و اجتهاد در عبادت و صبرست و صبر از برای ایمان بمنزله راس است از برای جسد و بدانکه در بهشت مقامات و درجات و مراتب است که مختص است بصابران و مراتب یقین مختلف است چنانچه در حق حضرت عیسی منقولست که کان یمشی علی الماء و لو ازداد یقینه یمشی علی الهواء و فرمودند لو لا تخلف عیسی عن طاعة الله لکشف عن علمه دینه چه واضح است که مرتبه یقین حضرت خاتم الانبیاء اکمل و اشرف بود لهذا با وجود اینکه عبادات

باب دعای شب عید فطر

یا اللّٰه یا جبّار یا اللّٰه یا متکبّر یا اللّٰه یا خالق یا اللّٰه یا باری یا اللّٰه یا مصوّر
یا اللّٰه یا عالم یا اللّٰه یا عظیم یا اللّٰه یا علیم یا اللّٰه یا کریم یا اللّٰه یا حلیم یا اللّٰه
یا حکیم یا اللّٰه یا سمیع یا اللّٰه یا بصیر یا اللّٰه یا قریب یا اللّٰه یا مجیب یا اللّٰه
یا جواد یا اللّٰه یا واحد یا اللّٰه یا ولیّ یا اللّٰه یا وفیّ یا اللّٰه یا مولی یا اللّٰه یا قاضی
یا اللّٰه یا سریع یا اللّٰه یا شدید یا اللّٰه یا رؤف یا اللّٰه یا رقیب یا اللّٰه یا مجید
یا اللّٰه یا جواد یا اللّٰه یا ماجد یا اللّٰه یا علیّ یا اللّٰه یا حفیظ یا اللّٰه یا محیط یا اللّٰه
یا سیّد السّادات یا اللّٰه یا اوّل یا اللّٰه یا آخر یا اللّٰه یا ظاهر یا اللّٰه یا باطن یا اللّٰه
یا فاخر یا اللّٰه یا قاهر یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا
ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا ودود یا اللّٰه یا نور یا اللّٰه یا دافع یا اللّٰه
یا مانع یا اللّٰه یا فاتح یا اللّٰه یا نفّاع یا اللّٰه یا جلیل یا اللّٰه یا جمیل یا اللّٰه یا شهید
یا اللّٰه یا شاهد یا اللّٰه یا حبیب یا اللّٰه یا فاطر یا اللّٰه یا مطهّر یا اللّٰه یا مالک یا
اللّٰه یا مقتدر یا اللّٰه یا قابض یا اللّٰه یا باسط یا اللّٰه یا محیی یا اللّٰه یا ممیت یا اللّٰه
یا مجیب یا اللّٰه یا باعث یا اللّٰه یا معطی یا اللّٰه یا مفضل یا اللّٰه یا منعم یا اللّٰه یا
حقّ یا اللّٰه یا مبین یا اللّٰه یا طیّب یا اللّٰه یا محسن یا اللّٰه یا مبدی یا اللّٰه یا معید
یا اللّٰه یا باری یا اللّٰه یا بدیع یا اللّٰه یا هادی یا اللّٰه یا کافی یا اللّٰه یا شافی یا اللّٰه
یا علیّ یا اللّٰه یا حنّان یا اللّٰه یا منّان یا اللّٰه یا ذا الطّول یا اللّٰه یا متعالی یا اللّٰه
یا عدل یا اللّٰه یا ذا المعارج یا اللّٰه یا صادق یا اللّٰه یا دیّان یا اللّٰه یا باقی یا اللّٰه
یا ذا الجلال یا اللّٰه یا ذا الاکرام یا اللّٰه یا معبود یا اللّٰه یا محمود یا اللّٰه یا
صانع یا اللّٰه یا معین یا اللّٰه یا مکوّن یا اللّٰه یا فعّال یا اللّٰه یا لطیف یا اللّٰه یا
جلیل یا اللّٰه یا غفور یا اللّٰه یا شکور یا اللّٰه یا نور یا اللّٰه یا حنّان یا اللّٰه

علامات یقین

حضرت عیسی کمتر از عبادات وطاعات ومقامات حضرت خاتم الانبیاء بود حضرت عیسی با وجود اینکه متصف بود بمقامات رفیعه ومرتبهٔ عصمت مرتبهٔ آنجناب تخلف داشت از مرتبهٔ حضرت سید الانبیاء صلعم وتخلف آنجناب بقدر زیادتی فضیلت محمد صلی الله علیه واله از او بود ومعلوم است که حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه واله باید افضل از پیغمبران باشد که دین او ناسخ جمیع ادیان باشد غرض آنکه هر پیغمبری مظهر اسمی از اسماء الهیه میباشند وحضرت عیسی مظهر اسامی رحمیه بود ومظهر اسامی غضبیه مثل جبّار ومنتقم نبود وحضرت محمد صلی الله علیه واله مظهر اسماء الله بودند وآن جامع جمیع اسماء جمال وجلال وغضب ورحمت بودند والله مقام الجمع اکمل واشرف است از مقام ذل وهرگاه مقام حضرت

در اعمال شب عید

یا قدیر یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه
یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا اللّٰه اسئلک ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وتمنّ
علیّ برضاک وتعفو عنّی بحلمک وتوسّع علیّ من رزقک الحلال الطّیّب من
حیث احتسب ومن حیث لا احتسب فانّی عبدک لیس لی احد سواک ولا
احد اسئله غیرک یا ارحم الرّاحمین ما شاء اللّٰه لا حول ولا قوّة الّا باللّٰه
العلیّ العظیم پس سجده میروی ومیگوئی یا اللّٰه یا اللّٰه یا اللّٰه یا ربّ یا اللّٰه یا
ربّ یا اللّٰه یا ربّ یا اللّٰه یا منزل البرکات بک تنزل کلّ اسئلک بکلّ
اسم فی مخزون الغیب عندک والاسماء المشهورات عندک المکتوبة
علی سرادق عرشک ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تقبل منّی شهر
رمضان وتکتبنی فی الوافدین الی بیتک الحرام وتصفح لی عن الذّنوب
العظام وتستخرج یا ربّ کنوزک یا رحمن ودر روایت دیگر بجای هزار مرتبه
قل هو اللّٰه نیز صد مرتبه وارد شده است وایضا سنّت مؤکّداست که بعد از نماز شام
وخفتن وصبح عید ونماز عید این تکبیرات را بخواند اللّٰه اکبر اللّٰه اکبر لا اله الّا
اللّٰه واللّٰه اکبر اللّٰه اکبر وللّٰه الحمد اللّٰه اکبر علی ما هدانا ما

در اعمال روز عید پس زکوة فطر واجب مؤکّداست وترکش با تحقق شرایط موجب گناه کبیره است
وشرط قبول روزهٔ ماه مبارک رمضان است چنانچه از حضرت صادق منقول است که از تمامی
روزه دادن زکوة است یعنی چنانچه صلوة بر محمد وآل محمد از تمامی نماز است هر اگر هر که روزه
بدارد وزکوة فطر ندهد روزه او مقبول نیست هرگاه عمداً ترک کند واگر صلوات بر
محمد وآل او را عمداً ترک کند در تشهد نماز نمازش مقبول نیست وخدا ذکر کرده زکوة را پیشتر از
نماز در اینجا که فرموده قد افلح من تزکّی وذکر اسم ربّه فصلّی یعنی بتحقیق که رستگاری یافت

در ختم مجرّبه

از مقامات ومقامات تهی افضلیت ومقامات پس تخلف حضرت عیسی از مراتب خاتم میبود دلیل است بر عدم خاتمیت آنجناب وازین جهت است که ممتنع میدانیم بر خلاف عالم آنکه افضل از محمد خلق کند زیرا که افضل پیغمبران باید اوّل مخلوقات باشد وخاتم پیغمبران وایند وصفت منحصر است که بآنجناب وبعد از آنجناب ممتنع است دیگری متصف باین صفت باشد وقدرت خدا بر ممتنع تعلق نمیگیرد

ختم دیگر آنست که هرگاه کسی در شب بیست وسیم شهر رمضان المبارک هزار مرتبه با حضور قلب سوره مبارکه انا انزلناه را تلاوت کند پس صبح میکند با یقین کامل باعتراف بآنچه مخصوص باهل بیت علیهم السّلام است بسبب آنچه در خواب ببیند مؤلف گوید حقیر چند مرتبه تجربه کرده اثری بظهور نرسید تا آنکه بنجف اشرف مشرف

در آداب فطره

هر که زکوة فطره را داد و پروردگار خود را یاد کرد بان تکبیرات که مذکور شد پس نماز عید را
بجا آورد و چنانچه زکوة مال باعث پاکیزگی مال می شود و مال از تلف محفوظ می ماند
چنانچه منقولست که هیچ مال در صحرا و دریا تلف نمی شود مگر بندادن زکوة و هم چنین فطره
زکوة بدنست و بدن را پاکیزه می گرداند از بخل و سایر کثافات معنویه و او را تا سال دیگر
از بلاها حفظ می کند چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت صادق ع با معتب وکیل خرج خود
فرمود که برو و فطره جمیع غلامان و کنیزان ما را بده و یکی از ایشان را ترک مکن که زکوة او را ندهی
زیرا اگر یکی را ترک کنی می ترسم که در عرض سال بمیرد و واجبست زکوة فطره بشرط بلوغ
و عقل و عدم اغماء و آزاد بودن و غنی بودن و اخیر شرط وجوبست نه صحت بخلاف آن از
سایر شروط که شرط وجوب و صحتست چنانچه اسلام شرط صحتست نه وجوب و غنی بودن
متحقق میشود بمالک بودن اخراجات سال خود و عیال خود هرچند بالفعل مالک نباشد بلکه
صنعتی داشته باشد که اخراجات سال از آن بعمل آید و مستحبست که هر گاه مقدار زکوة را مالک
باشد زیاده از قوت یکشبانه روز خود ترک نکند و در صورتیکه زیاده از یکنفر باشند
و بیش از زکوة بیشتر نداشته باشد باین نحو کند که برای خود بدهد اول ببعض از عیال و هر یک
از ایشان بدیگری و آخر از همه می تواند بیکی از ایشان بدهد یا بغیر ایشان و آن سنتست و این
در وقتی است که عیال او تمام مکلف باشند و هر گاه کافر اسلام اختیار کند در شب عید زکوة از او
ساقطست و هر گاه پیش از دخول شب عید باشد واجبست دادن و هم چنین است حکم طفل هر گاه
بالغ شود یا دیوانه بحال بیاید یا فقیر غنی شود و یا مولودی از برای او تولد شود و معتبرست
در آن نیت و کفایت می کند در آن قربت و تعیین اگر متعین نباشد و علاوه نمودن وجوب
احوطست و واجبست دادن زکوة از برای خود و هر گاه عیال او باشد باختیار نه باکراه چه واجب
النفقه او باشد یا نباشد بالغ باشد یا نباشد بنده باشد یا آزاد مسلمان باشد یا کافر و هم چنین

غیر بالغ هم

مشهور
شدم و مکی مواظب آداب
شرعیه شدم و مجاهده بسیار در تحصیل
اخلاق شرعیه و دفع اخلاق رذیله
و اجتناب از شهوات نفسانیه نمودم آثار
بسیار بظهور رسید و مرحوم سید
بحر العلوم علیه الرحمه در بعضی از
مؤلفات خود نوشته است که در شب
بیست و سیم شهر رمضان هزار مرتبه
این سوره را تلاوت کردم بعد از فراغ
وارد حرم شدم و پس از حرم و زیارت
و نماز شب در سجده گریه بسیار کردم
در میانه خواب و بیداری یا در
عالم رؤیا حضرت امام زین العابدین ع
را مشاهده کردم که در مقابل ضریح
با گردن کج ایستاده بودند و مشغول
تضرع و زاری بودند و بدرگاه
الهی مناجات میفرمودند و عرض
کردند الهی بحق امشب که شب قدر است
مرحمت خود را بر شیعیان امیر
المؤمنین و بر گریه کنندگان بر حسین
نازل گردان و آنها را بیامرز و بعد
از آن با صوت حزین

در آداب فطره

مهمان و کفایت میکند حصول آن در آخر جزئی از ماه رمضان بحیثیتی که هلال شوال ظاهر شود و صدق
اسم مهمان بر او بکند عرفا هرچند عشا او را نخورده باشد و احتیاطا مهمان نیز اگر غنی باشد
بدهد مگر آنکه صدق عیلوله حاصل شود که احتیاط ندارد و زنیکه چیزدار باشد و شوهر
فقیر باشد و خرج زن را بمشقت متوجه باشد احوط آنست که دادن زکوة خود را باید بدهد هرچند
سقوط از هر دو قوتی باقوتست مگر در صورتیکه شوهر نتواند زکوة او را داد هرچند بقرض و
مثل آن باشد که بر این تقدیر واجبست بر زن که زکوة خود را بدهد چنانچه اگر خرج او با خودش
باشد واجبست زکوة خود را بدهد و اگر خرج او با غیر شوهر باشد زکوة او با منفق است و
هم چنین حکم غیر زن از آنها که واجب النفقه اند بشخص را از قبیل پدر و پسر و هر گاه خرج آنها با خود
ایشان باشد یا عیال غیر یکسی باشد که نفقه ایشان بر آن واجب نیست و جنس او مخیرست در قوت غالب
انسان از گندم و جو و خرما و مویز و کشک و عدس و برنج و نخود و غیر آن و احوط اقتصار است بر
غلات اربع و افضل بیرون کردن زکوتست از خرما و مویز و قوت غالب بلد و بعضی فضیلت را
مرتب دانسته اند بهمین ترتیب و مراعات آن خوبست و اگر برای فقیر چیزی از این اجناس انفع
باشد سنت اختیار آن و اولی آنستکه قیمت را از نقره بدهد و جایز است از برای کسیکه باید از
چند نفر زکوة بدهد هر یکرا از جنسی بدهد و در قیمت رجوع بنرخ بازار است و قدری که
باید داده شود از برای هر نفری یکصاعست از جمیع اجناس و مقدار صاع ششصد و چهارده
مثقال و ربع مثقال صیرفیست و آن تمن بوزن شاه الا بیست و پنج مثقال صیرفی و سه ربع است
و واجب میشود زکوة فطره بغروب کردن آفتاب در روز آخر رمضان و اولی جدا کردن
زکوة است در شب و احوط و افضل پس انداختن زکوة است تا پیش از نماز عید و جایز نیست پس انداختن
از نماز عید چه اول وقت نماز کنند چه آخر وقت و آن آخر زکوة فطر است و اگر پس انداخت بدون
جدا نمودن احوط آنست که بدهد بقصد قربت و قصد نماید که اگر وقت باقیست ادا و اگر نه قضا

مکرر این ذکر را
میخوانند لا اله الا انت و آنچه در
حرم و رواق و ضریح بود همه با آنحضرت
در این ذکر موافقت و متابعت می
کردند مرحوم بحر العلوم نوشته است که
نیت داشتم که از آنحضرت سؤال کنم که
جمادات چگونه در ذکر الهی با شما
موافقت دارند آنحضرت ملتفت شدند
و فرمودند خداوند جل شانه عرض
ولایت داشته است توحید و نبوت و
ما اهل بیت را بر جمیع ممکنات و همه
ما را می شناسند و مطیع و منقاد
ما می باشند و اطاعت ما بر جمیع
ممکنات حتم است و همه جمادات
بتسبیح و تهلیل الهی مشغول هستند
ولی اکثر خلایق تسبیح آنها را نمی
فهمند بعد از آن فرمودند هیچ
نطفه منعقد نمیشود مگر باذن امام و هیچ
احدی نمیمیرد مگر باذن امام و هیچ
برگی از درخت ساقط نمیشود مگر
باذن امام ما ائمه ابواب فیوضات
ربانیه و مفاتیح استفاضه و

ائمه قسیم جنت

ظلم شکایت نمود فرمودند بعد از نماز صبح ده مرتبه ایه وَمَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ را بخوان و
ایضاً ده مرتبه بگو فَاللّٰهُ خَیْرٌ حَافِظًا وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ وچون بباب خانه ظالم برسی
روی خود را بجانب اسمان کن وباکمال خضوع این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ تَکْفِی مِنْ
کُلِّ شَیْءٍ وَلَا یَکْفِی مِنْکَ شَیْءٌ فَاکْفِنِی شَرَّ هٰذِهِ الطَّاغِیَةِ وَقِنِی شَرَّهُ وَهَمْزَهُ وبعد
سؤال دیگری از انجناب نمودم فرمودند سَیَجْعَلُ اللّٰهُ بَعْدَ عُسْرٍ یُسْرًا چون از خواب
بیدار شدم بموجب فرموده انجناب عمل نمودم خداوند جل شانه شرور ظلمه را دفع و
رفع فرمود ختم دیگر از نوشتجات مرحوم اسید هاشم نجفی اعلی الله مقامه بخط انمرحوم
دیدم که هرگاه کسی بخواهد حضرت رسول صلی الله علیه واله را در خواب ببیند باید
بعد از تصفیه قلب تا مدت اربعین هزار مرتبه صلوات بفرستد خواه اول شب
باشد یا اخر شب وقبل از خوابیدن چهارده مرتبه ایه نور را تلاوت نماید مکرر تجربه
رسیده است ختم دیگر مؤلف گوید در شهر ذی الحجه ومحرم از سنه ۱۲۹۴ از هجری شدت
بسیاری روی داد واهالی دیوان در مقام خصومت بودند وناصر ومعینی سوی
خداوند جل شانه نبود در شب ختمی را که بجهت رؤیای صادقه مجرب بود بعمل اوردم
در عالم خواب بزرگواری را دیدم بعد از سؤال وجواب فرمودند بوالد خود بگو
بجانب ارض اقدس مشهد روانه شود انچه از حاجات ظاهریه وباطنیه دارند براورده
میشود وعلامت این مطلب انستکه در تاریخ هزار ودویست وشصت از هجرت
در حرم حضرت امام حسین ع کیفیت ختم سوره الم نشرح را باو تعلیم نمودم پس من از
خواب بیدار شدم وچند روز بعد والد مد ظله العالی روانه مشهد مقدس شدند
مؤلف گوید در نجف اشرف مشغول تحصیل علم اخلاق بودم در عالم رؤیا مرا
دلالت نمودند بر حاجی سید علی شوشتری اعلی الله مقامه انمرحوم دران زمان

خواب مؤلف

حیات ... در مسجد کوفه اورا
ملاقات نمودم گفت اشاره در اینجا
بمن نیز شده است ومدت چند روز
او را در مسجد کوفه ودر نجف اشرف
ملاقات میکردم وانچه سؤال می
کردم جواب میشنیدم ومطالبی که می
دانست بمن تعلیم می نمود روزی
مذکور نمود که در ایام مجاهده وتفکر
دنیا بنظر من متمثل شد وگفت بصورت زن
جمیله وگفت تا بحال سه مرتبه است
که مرا تزویج کرده و طلاق گفتم اگر
مرتبه دیگر مرا تزویج کنی تو را بقتل
میرسانم که هرگز زنده نخواهی شد
وبعد از ان نقل فرمود که در ان ایام
روزی قبل از ظهر در خواب بودم
حضرت عیسی را در خواب دیدم که میفرمود
منشا همه معاصی حب دنیا است
ومنشا جمیع فضائل اخلاقیه زهد است
وهمه پیغمبران واوصیاء واولیاء
نصیحت بزهد واز حب دنیا انذار
فرموده اند وتاسی نکرده است
بانها ...

از مردمان پس هلاک شدند در این دریای تاریک کسانیکه هلاک شده اند و
بدانکه نجات نخواهد یافت از این دریا مگر کسیکه بسفینه تقوی متمسک شود
شود ونفس خود را مراقبت نماید ومراقب افعال قلبیه وجوارحیه خود باشد و
با نفس اماره مجاهده کامله نماید وبدرگاه الهی تضرع کند ودر جمیع حالات توکل
واعتمادش بفضل وکرم خدا باشد ختم دیگر که از جهت حیوة قلب وانقطاع
الی الله وافاضات ربانیه والهامات ورؤیای صادقه مجربات ذکر یا حی یا
قیوم است بعد دجمل کبیر ان وباید مجاهده کند با نفس که اجتناب از هوای برای
او حاصل شود بحیثیتی که مشیت او وقف بر اطاعت اوامر ونواهی خدا باشد زیرا
که متابعت نفس وهوی وشیطان در معنی شرک خفی است وخدای تعالی
میفرماید اَرَاَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهُ هَوٰیهُ وباید قلب او از ذکر خدا غافل نباشد ودر جمیع
اقوال وافعال او تابع شریعت باشد چون بدین نحو مواظبت نماید اثار عجیبه
خواهد دید وبهتر انستکه بعد از ذکر یا حی یا قیوم بگوید یا من لا اله الا انت
واین ختم مرحوم مجلسی اول اعلی الله درجته میباشد وباید در قلب او غیر از ذکر خدا
چیزی خطور نکند بیت من کان فی قلبه مثقال خردلة سوی جلالک
فاعلم انه لمرض ودر جمیع حالات توجه بدرگاه الهی داشته باشد وتهجد ونماز
شب را ترک نکند چون چهل روز مواظبت کند انوار حکمت ومعرفت ومحبت در
قلب او ثابت میشود پس ترقی میکند تا اینکه بمقام فناء فی سبیل الله میرسد
چنانچه در حدیث معتبر وارد شده است من اخلص لله اربعین صباحا اثبت الله الحکمة
فی قلبه وانطق بها لسانه وبصره عیوب الدنیا دائها ودوائها وبهتر انستکه
بسیاری از اوقات مشغول تفکر باشد زیرا که فرموده تفکر ساعة خیر من

عبادة ستین سنة وباید از
فضول دنیا اجتناب کند ودر همه
حال بدرگاه الهی مواظبت
بر ابتهال وتضرع کند وجوارحیه بر وجه
کند واعمال قلبیه وجوارحیه خالص
خلوص باشد چنانچه در حدیث است
من اخلص لله اربعین صباحا جرت ینابیع
الحکمة من قلبه علی لسانه واز اعظم
فوائد این ریاضت شرعیه انستکه
توحید او وسائر اعتقادات او کامل
میشود وچون در ایات قرانیه واحادیث
تفکر میکند بر معانی وتفاسیر ان
اگاه میشود وعلوم بسیار از کتاب
وسنت استنباط میکند وعلوم
شرعیه بر او واضح میشود واین ختم را
مرحوم حاجی سید علی شوشتری که
از علمای نجف اشرف واز اتقیاء
واخیار بود بمن تعلیم نمود مؤلف گوید
در اوقات تحصیل مدتی
مشغول تحصیل ومباحثه ودرس
بودم ...
شد ...

در شرایط ختم

بودم و در شب عرفه در رواق مطهر حضرت سید الشهداء روحی لتربته الفداء تا وقت سحر استغاثه نمودم
وحضرت حبیب بن مظاهر را بدرگاه آنجناب شفیع گردانیدم چون وقت سحر شد بعد از تهجد
گریه بسیار کردم در همانجا بخواب رفتم در عالم خواب دیدم حبیب از ضریح بیرون آمد و
بعضی از مصائب امام حسین را ذکر مینمود و گریه میکرد و وارد حرم شد دیدم در
ضریح کشوده شد وحضرت امام حسین ع ظاهر شدند پس حبیب زیارت وارث را
خواند و من نیز همان زیارت را میخواندم وحضرت امام حسین ع جواب سلام حبیب را
فرمودند چون لحظه گذشت نظر شریف بجانب من فرمودند و نظر بجانب آسمان فرمودند
و این دعا را خواندند اَللّهُمَّ یا مُسَبِّبَ الاَسْبابِ وَ یا مُفَتِّحَ الاَبْوابِ وَ یا قاضِیَ
الحاجاتِ وَ یا سامِعَ المُناجاتِ وَ یا کافِیَ المُهِمّاتِ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَیْکَ
عَظیمٌ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَقْضِیَ حاجَتَهُ چون از خواب بیدار شدم
مکرر این دعا را با کمال تضرع و زاری و خضوع و خشوع میخواندم و بجای ان تقضی
حاجته ان تقضی حاجتی میخواندم تا آنکه صبح شد روز عید بعد از فراغ از زیارت
روانه نجف اشرف شدم و مشغول تحصیل فقه شدم و بمطلوب فایز شدم و بسیار
تفکر و تدبر در معانی قرآن و اخبار می نمودم و آنچه تدبر و تفکر من زیاد میشد بر
علوم مطلع میشدم و مشغول استنباط احکام و نوشتن فقه شدم اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی
هَدانا لِهذا وَ ما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا اَنْ هَدانَا اللّهُ **ختم دیگر** مرحوم مبرور شیخ
محمد تقی اعلی الله مقامه بخط خود نوشته اند که آنچه دارم از این ختم است و کیفیت آن استکه
مشغول تصفیه و تزکیه نفس و قطع علائق جسمانیه نماید و بر مجاهدات شرعیه مواظبت
نماید تا اینکه صفای قلب برای او حاصل شود و قلب او از کدورات پاک شود و از
جمیع امور دنیویه اعراض داشته باشد و امور خود را تفویض بقضای الهی نموده

طریق ختم

دیگر آنکه بر قضاء و رضای
الهی راضی باشد و تسلیم داشته باشد چون
مدتی مشغول مجاهده شود و ملکه
برای او در این مراتب حاصل شود
هر شب بعد از نماز شب مشغول
تضرع و زاری شود و هر قدر از
اسماء الله الحسنی را که بتواند با حضور
قلب بخواند تا اینکه قلب او خاضع
و خاشع شود و قلب او بدرگاه الهی
منقطع شود چون باین نحو مداومت
نماید بمطلوب فایز میگردد مؤلف گوید
که در ایام اشتغال در اربعین سیم
بعد از فراغ از تهجد بخواب رفتم در
عالم رؤیا بحضرت امام جعفر صادق
ع رسیدم که در مجلسی نشسته بودند و
جمعی از علماء که چند نفر از آنها را میشناختم
در حضور آنجناب بعضی نشسته و بعضی
ایستاده اند و دو نفر در یک حضور
داشتند یکنفر از علماء عرض کرد
زمان ظهور و فرج چه وقت است
فرمودند لم یجعل الله لذلک وقتا
کذب الوقاتون و

گفتگوی با بعضی از بزرگان

هلک المستعجلون و نجی المسلمون بعد فرمودند منتظر فرج باشید که برای شما خواهد
بود اجر شهید دیگری عرض کرد متی الفرج فرمودند سیجعل الله من بعد عسر یسرا دیگری
عرض کرد جمیع انبیاء و اوصیاء غائب میشدند و ظاهر میشدند سبب چیست که
غیبت امام زمان عجل الله فرجه زیاده از همه غیبتها طول کشیده فرمودند سبب آنستکه
در امم سابقه چون حجه انها غائب میشد امت اتفاق میکردند و بدرگاه الهی انابه و
توبه و دعا میکردند حجه انها ظاهر میشد و این امت اتفاق نکردند و در دعا و انابه
کوتاهی نمودند و دیگر آنکه باید علامات ظهور واقع شود و خواص اصحاب آن امام همام
موجود شود و سیملأ الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا عرض کردم این حدیث
از شما استکه هرگاه بمیرد و یک صفحه از علم از او بماند که از برای مردم نافع باشد آن حجابی
میشود میانه او و آتش جهنم فرمودند بلی قریب باین مضمون است عرض کردم که من قریب
بهفتاد هزار بیت در علوم نوشته ام آیا در میان آنها صفحه هست که حجاب شود میانه من
و آتش جهنم فرمودند رساله در بیان غیبت امام زمان خود تصنیف کن که مشتمل
باشد بر ذکر غیبت جمیع پیغمبران و احادیث آن که مردم بآن محتاجند بعد فرمودند من مات
و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة دیگری از علماء عرض کرد میخواهم محبت دنیا از
قلب من بیرون رود فرمودند بسیار مرگ را یاد کن عرض کرد میخواهم غنی باشم فرمودند بعد
از فریضه صبح و بعد از فریضه مغرب صد مرتبه بگو بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ وَ لا حَوْلَ
وَ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ عرض کردم میخواهم سکرات موت بر من آسان شود فرمودند
علائق دنیویه را از خود دور کن و مهیای سفر آخرت باش ختم دیگر مؤلف گوید
بخط مرحوم سید بحر العلوم علیه الرحمه دیدم نوشته بودند که این ختم از برای حصول
مطالب و افاضات علمیه و شرح صدر و وصول بکمالات اخلاقیه و رؤیای صادقه

و تکمیل نفس را ملازم
بر بعضی از علوم بلایا و منایا و معرفت
ملاقات رجال الغیب تجربیات شده
همین ختم را در بعضی از مؤلفات مرحوم
جد امجد مبرور شیخ محمد تقی اعلی الله
مقامه بخط آنمرحوم دیدم و خود ایشان
مکرر این ختم را تجربه فرموده اند و
و مقامات بسیار براین مسطور
مرحوم شیخ محمد تقی قدس سره از استاد خود نقل
فرموده اند که گفته چون این ختم را بسه
اربعین مواظبت نمودم بر دو باب
راه مستقیم و بر جمله از علوم آگاه شدم
و کیفیت آن استکه اول باید چند
ملکه تحصیل نماید اول آنکه حب دنیا را
از قلب خود زائل کند و مجاهده
با نفس نماید و از متابعت هوای نفس
کند و شهوات نفسانیه و غواشی
ظلمانیه و اخلاق رذیله از بخل و ریا
و کبر و حسد و نفاق و امثال آنها
از قلب خود قطع نماید که همه صفات
و مجرد شود و مواظبت طاعات
عبادات باشد

در خصوص مجربه

معاصی شرعیه و اخلاقیه اجتناب کند تا آنکه ملکه راسخه برای او حاصل شود که مشیت
و اراده او تابع شریعت باشد و بعضی از کاملین مثل مرحوم آخوند ملا زین العابدین اعلی
الله مقامه نوشته‌اند که هرگاه شخص قابل باشد در اربعین سیم این ملکه برای او حاصل
میشود و باید اوقات سحر را بیدار باشد و مشغول نماز شب و ذکر و مناجات و تضرع و
زاری باشد غالبا قلبا و بذکر الهی مشغول باشد و بین الطلوعین و ما بین الغروبین را
بذکر الهی مشغول باشد مؤلف گوید بقدر میسور در نجف اشرف بر این عمل مواظبت
نمودم اسرار عجیبه مشاهده کردیم از آن جمله در شب چهارشنبه در مسجد سهله در
هنگام سحر شخصی از رجال الغیب را دیدم و سؤالات بسیاری از او نمودم و جوابهای آنها را
از فرمایش حضرت بعد آنکه فرجه نقل میفرمود و آنچه میفرمود حقیر اثر نوشتم که فراموش نشود
سؤال رجال الغیب چه کسانی هستند و آیا قول آنها حجه است یا نه و آیا خدمت امام
عصر عجل الله فرجه میرسند یا خیر **جواب** رجال الغیب اشخاصی هستند که از جانب
حضرت صاحب الزمان مامور هستند که در صحراها و بیابانها شیعیان آنحضرت را دستگیری
نمایند و قدرت بر طی الارض دارند و از آن حضرت علوم را کسب نموده‌اند و قدرت بر
طی الارض دارند و از آن حضرت علوم را کسب نموده‌اند ولی شخص آنجناب را مشاهده
نمیکنند و فیوضات آنجناب بآنها میرسد و از جمله مقربین درگاه الهی میباشند و بر جمله از
علوم بلایا و منایا مطلع میباشند و از خواص صحابه و از اهل سر هستند و همه السنه را
می فهمند و عرایض شیعیان را بخدمت امام همام میرسانند و صدای امام را در بلاد می‌شنوند و
مردم را راه می برند **سؤال** نماز جمعه در زمان غیبت واجبست یا سنت **جواب** مستحبست تعیینی و
واجب تخییری است پس مکلف مخیر است میانه نماز ظهر و جمعه **سؤال** آیا تکالیف
شرعیه مختص است بطوائف انس و ملئکه و جن یا آنکه مشترک است میانه جمیع ممکنات

در توضیح تکالیف

جواب بدانکه جمله از تکالیف اختصاص بطوائف ثلثه دارد و آنچه مشترکست میانه جمیع ممکنات چند امر است اول اقرار و اذعان بمراتب توحید و نبوت و ولایت ائمه و محبت آنها دویم تسبیح باری تعالی سیم محبت بلکه عشق بسوی صانع تعالی چه همه موجودات مفطور میباشند بر محبت و عشق و بمقام خود طالب تکمیل میباشند و نذیر و بشیر و هادی همه موجودات محمد صلی الله علیه واله میباشد چنانچه خدای تعالی میفرماید سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا ایضا سبحان الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیرا و مقصود از عالمین همه ماسوی الله میباشد **سؤال** کیم در حدیثی ماثور است که سقف خانه امیرالمؤمنین در زیر زمین گذاشته بودند که مشرف ...

...

در عدد اصول دین

بر هبوط بود و اندیشه نمیفرمود چون برخواستند دیوار ساقط شد فرمودند این یقین است
معنای این حدیث چیست و دیگر آنکه حضرت در مقام دیگر از زیر دیوار شکسته بیرون
آمدند و فرمودند فرار کردن از قضای الهی بسوی قدر او **جواب** اما حدیث اول چون
دیوار بدون اذن امام ساقط نمیشد لهذا یقین بسلامت داشتند و لفظ قدر در
حدیث ثانی اشاره بلوح قدر و مرتبه بدائیه است و چون آنجناب بر الواح قضائیه و قدریه
مطلع بودند بعضی از آثار آنها را فرمودند **سؤال** اصول دین سه امر است یا پنج امر و کسانیکه
اقرار بامامت ندارند کافرند یا مسلم **جواب** اصول دین کسب بحسب ظاهر شرع
سه امر است توحید و نبوت و معاد جسمانی پس هر که باین امور معتقد باشد و مرتد نشده
باشد بحسب ظاهر شرع محکوم باسلام است بجهة مصلحت تقیه و حصول تیسیر و سهولت
برای شیعه ولی در باطن کافر است و اقرار بامامت ائمه اثنی عشر شرط است در توحید
زیرا که اسلام عبارت از تسلیم است و انکار امامت با مقام تسلیم منافات دارد پس اسلام
بمعنای اعم مشروط باقرار بامامت نیست و اسلام بمعنای اخص مشروط بامامت است پس منکر
امامت در روز قیامت در زمره کفار محشور میشود هرچند در دنیا بحسب احکام
ظاهریه خون و مال او محفوظ است و طهارتش ظاهر است و مواصلت با او جایز است و احکام ارث براو
جاری است و از مؤمن ارث میبرد و اما مسئله عدالت پس هرگاه کسی العیاذ بالله خدا را
ظالم بداند کافر است و هرگاه اعتقادی داشته باشد که لازم آن اعتقاد انکار عدالت خدا
باشد مثل مجبره و اشاعره نیز آنها بحسب ظاهر شرع مسلم هستند و مؤمن نیستند
بلکه در معنی کافر میباشند **سؤال** در حدیث است که فرمودند من قال لا اله الا
الله دخل الجنة و ان زنی و ان سرق و در حدیث دیگر فرمودند فاذا زنی فارقه
روح الایمان و در حدیث دیگر فرمودند لا یزنی الزانی و هو مؤمن و لا یسرق السارق

در توضیح حدیث

و هو مؤمن معنای این اخبار چیست **جواب** غرض از حدیث اول آنستکه هرگاه مؤمن باشد عاقبت امر داخل بهشت میشود و زنی و سرقت باعث خلود در آتش نیست مگر آنکه توبه کند یا آنکه شفاعت شامل حال او شود و در حدیث دیگر اشاره بمراتب ایمان است که زانی و سارق متصف بایمان کامل نیستند ملبس **سؤال** در حدیث است که جبرئیل ع هنگام وفات حضرت رسول صلی الله علیه واله عرض کرد هذا آخر هبوطی الی الارض و در اخبار وارد شده است که جبرئیل در مسجد کوفه در مقابل منبر حضرت امیرالمؤمنین حاضر شد و در صحرای کربلا نیز آمد معنای این اخبار چیست **جواب** مقصود از حدیث اول هبوط از جهت وحی است و معلوم است که وحی بنبوت مختص بمقام رسول صلی الله علیه واله است و آنچه بعد از وفات آنجناب نازل شد از جهت وحی ...

در سؤال و جواب

نموده است **سؤال** کیفیت جمع مابین حدیث لو کشف الغطاء ما ازددت
یقیناً و حدیث اللهم زدنی فیك معرفة و آیه کریمه رب زدنی علما چیست
جواب مقصود از حدیث اول موت است و مقصود از ثانی و آیه کریمه تحصیل مقام اکملیت است
زیرا که آنجناب پیوسته در مقام ترقی بودند و فیوضات ربانیه بالنسبه بآنجناب منقطع
نمیشد و در هر آن کامل بودند و اکمل میشدند چنانچه مقام قاب قوسین یکی از مراتب
و شئون آنجناب بود **سؤال** معنای آیه کریمه و اذ قال الله یا عیسی انی متوفیك و
رافعك الی و جاعل الذین اتبعوك فوق الذین کفروا الی یوم القیمة چیست و حال آنکه
در حدیث است که حضرت قائم عالم را مملو از عدل و قسط میفرماید و هیچ کافری باقی نمی
ماند پس چگونه تابعین حضرت عیسی تا روز قیامت فوق یهود خواهند بود **جواب**
مقصود از قیامت وقت ظهور قائم است که آنرا قیامت صغری مینامند و دیگر آنکه
متابعت حضرت عیسی بدون تصدیق بحضرت رسول و ائمه متحقق نمیشود پس تابعین
حضرت عیسی آن کسانی هستند که تصدیق بجمیع انبیاء و اوصیاء نموده باشند و اینها
در مرتبه فوق کفار میباشند تا زمانیکه قیامت برپا شود و خداوند جل شأنه
جزای هریك از مؤمنین و کافرین را بدهد چون مطلب باینجا رسید چون باینجا
رسید صبح شد برخواستیم و نافله و فریضه صبح را بجا آوردیم و بعد از فراغ از
تعقیب بعضی از فقرات و مشکلات زیارت جامعه را سؤال نمودم و جواب شنیدم
تفصیل آنمطالب را در کتاب شرح زیارت جامعه را که مسمی بکاشف الاسرار است
بیان نموده ام **سؤال** معنای حدیث موتوا قبل ان تموتوا چیست **جواب** مقصود
از این حدیث قطع علائق و قیود جسمانیه و ازاله محبت دنیای دنیه از قلب است
زیرا که حب دنیا راس هر خطیئه است و مانع از عروج بمعارج عالیه و ترقیات

بشریه است و موجب ظلمت قلب است
و هم چنانچه زهد موجب صفای قلب و
موجب عنایات انسانیه است و باید انسان
در راه خدا فانی باشد و خدا پرست
باشد و بت پرستی و خود بینی و هوا
پرستی را ترك نماید و تابع شهوات
نفسانیه نباشد شیطان از جهة تکبر
و متابعت هوا رجیم و رانده شد و جمیع
اقسام هلاکت و گمراهی و ضلالت
ناشی و مسبب از هوی و شهوات است
و چون فانی شدی و قطع علائق
نمودی باقی می مانی چنانچه یکی از
بطون آیه کریمه و لا تحسبن الذین
قتلوا فی سبیل الله امواتاً الآیه اشاره
بهمین مطلب است چه هر که در راه
خدا فانی شد در معنی شهید است بلکه
اجر و مرتبه علمای عاملین زیاده از
شهدا میباشد چنانچه فرموده مداد
العلماء افضل من دماء الشهداء و
خدا میفرماید ان الله اشتری من
المؤمنین اموالهم و انفسهم بان
لهم الجنة

در معنی فناء فی الله

چون از مال و نفس گذشتی و مشیت تو فانی شد و هوای نفس را کشتی شراء جنت
خواهد کرد و جنت بر دو قسمت است جنت جسمانی و جنت روحانی که آنرا رضوان مینامند و هر دو
ثابت و متحقق است و ثانی اشرف و افضل از اول است زیرا که او مقام قرب است و چون فانی
شدی قلب تو بذکر الهی مطمئن میشود و حلاوت ذکر و مناجات را خواهی چشید و تقوای از
ماسوی الله برای تو حاصل خواهد شد و بمقام یقین فائز میشوی و بدانکه حضرت کلیم چون
خطاب فاخلع نعلیك انك بالواد المقدس طوی را شنید و محبت زن و ولد و اموال
دنیویه را از قلب خود قطع نمود کلیم حضرت حق سبحانه و تعالی گردید و بمقام قرب و معراج رسید
و حضرت یونس معراجش شکم ماهی بود که در مدت چهل روز در آنجا مشغول تسبیح و تقدیس
الهی بود و علائق او قطع شد و معراج حضرت خلیل هنگامی بود که او را از منجنیق بجانب آتش
نمرودی انداختند که از ماسوی الله منقطع شد و در جواب جبرئیل گفت اما الیك فلا و بدرگاه
الهی عرض کرد الهی علمك بحالی یغنیك عن سؤالی و آن مرتبه فناء بود و معراج حضرت ایوب
هنگام شدت مرض او بود که عرض کرد ربّ انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین که مقام انقطاع
و انتها الی الله بود و معراج حضرت سید کائنات مقام قاب قوسین او ادنی بود و معراج حضرت
سید الشهداء هنگام شهادت بود پس مقام فناء اشرف مقامات و اعظم سعادات است و
بدانکه محبت دنیا و محبت خدا در یك قلب جمع نمیشود و چون محبت دنیا را از قلب خود
خود خارج نمودی و اخلاق رذیله را دفع نمودی محبت خدا در قلب تو داخل میشود و
و حدیث الصلوة معراج المؤمن اشاره بآن صلوة است که از مصلی با کمال خضوع و خشوع
و انقطاع و ابتهال و فناء و حضور قلب بجا آورده شود و مجرد افعال صلوتیه معراج نیست
زیرا که معراج اشاره بمقام قرب است و خضوع و خشوع بدون علم حاصل نمیشود انما
یخشی الله من عباده العلماء و آن از علامات مؤمن و ایمان است که خدا میفرماید الذین

اذا ذکر الله
وجلت قلوبهم و اذا تلیت
علیهم آیاته زادتهم ایماناً و ضد ایمان
نفاق و تاسف و آن ناشی از حب دنیا است
و بدانکه منشا جمیع معاصی حب دنیا است
و مادامیکه حب دنیا از قلب تو خارج نشود
مشتاق عبادت نخواهی شد و مقام
خضوع و خشوع و انقطاع برای تو
حاصل نمیشود پس ای غافل خود را
از چاه ضلالت و گمراهی بیرون آور و همت
کن تا بما یزن لذتهای دنیه نفروشی و خود را
از وصول بمقامات عالیه و درجات رفیعه
محروم ننما و بدانکه اعمال تو و ملکات
تو در عالم برزخ بلکه در جمیع عوالم
آخرت با تو مانوس و محشور خواهند
بود و من یعمل مثقال ذرة خیرا یره و من
یعمل مثقال ذرة شرا یره و آنچه از مراتب
ترقی و هبوط برای بنده حاصل میشود
هم در این عالم است در عالم برزخ ترقی
و هبوطی نخواهد بود و اهل دنیا ترقیات
و لذات معنویه را ترك کرده از روی نادانی
بلذات فانیه که در معنی دفع الآلام است پرداخته
الدنیا جیفة و طالبها

در تمنای مرگ

کلاب و تدبر کن در آیاتی که در مذمت دنیا وارد شده است دریکجا میفرماید الذین یریدون الحیوة الدنیا و زینتها نوف الیهم اعمالهم فیها لا یبخسون و میفرماید اولئک الذین لیس لهم فی الاخرة الا النار الایة و در مقام دیگر میفرماید انما الحیوة الدنیا لهو و لعب و چون بچشم بصیرت و نور معرفت در این آیات تدبر نمودی حقیقت دنیا بر تو معلوم میشود و دنیا مزرعه آخرت است آنچه در مزرعه زرع نمودی همان را حصاد خواهی کرد و چون نفس را بقتل رسانیدی حیوة ابدیه برای تو حاصل میشود و چون قوه عاقله و حقیقت انسانیه را بر قوه جاهله حیوانیه مقدم داشتی و او را تقویت نمودی ترقیات ایمانیه برای تو حاصل میشود و بدرجات رفیعه واصل میشوی و مشیت تو تابع مشیت حق میشود و آنچه از خدا طلب نمائی بتو کرامت میفرماید و حدیث العبودیة جوهرة کنهها الربوبیة اشاره بهمین مطلب است و چون نفس اماره و لوامه را بقتل رسانیدی مقام بیع محبت فایز میشوی و تحمل نزول بلا میکردی و آنچه مرتبه زیاد میشود بلا یا در محبت تو افزون میکردد و تقرب و درجه تو بدرکاه الهی رفیع تر میشود چنانچه فرموده الدنیا سجن المؤمن و جنة الکافر و علامت وصول باین مقامات آنستکه در هر لحظه موت و مرک را تمنا میکنی چنانچه در آیه شریفه اشاره بان شده است قل یا ایها الذین هادوا ان زعمتم انکم اولیاء لله من دون الناس فتمنوا الموت ان کنتم صادقین و از این جهت استکه حضرت امیر المؤمنین ع فرمودند والله ان ابن ابی طالب آنس بالموت من الطفل بثدی امه و هنکامی که سر مبارکش از شمشیر ابن ملجم شکافته شد فرمود فزت برب الکعبة و چون بمقام محبت رسیدی تحمل بلیات و مشقتهای دنیویه را برای تو سهل و آسان میشود و بقضا و قدر الهی راضی خواهی شد و خضوع و خشوع تو بسیار میشود و چون از این مقام ترقی نمودی از فناء خود نیز فانی خواهی شد و سوای ذکر خدا در قلب تو امری خطور نکند مکر امریکه مقرون برضاء الهی باشد و این مرتبه را مرتبه قربیه و رضوان و ذکر

خدا میفرماید و لذکر الله اکبر و ذکر مینامند و آن نتیجه و فائده صلوة است که خدا میفرماید اقم الصلوة لذکری و بدانکه مقام عبودیت مقامی است رفیع و آن موقوف است بر مقام طاعات و قطع اخلاق رذیله و دفع شهوات نفسانیه و رفع اهواء فاسده و چون بندکی نمودی بمقام محبت و قرب خواهی رسید و آن اشرف مقامات سالکین و اعظم درجات عابدین است و نتیجه و غایت و فائده جمیع عبادات حصول محبت است و فائده انقیاد مرتبه قرب است و قرب معراج مؤمن است و این منوط و مربوط بخلاصی از قید هستی و اتصاف بمرتبه نیستی و فناء میباشد که اکمل مراتب آن مرتبه فناء از فناء است و چون باین مقام رسیدی نفس تو از قیود ظلمانیه فارغ میشود و باندک تدبری در آیات و احادیث علوم شرعیه بر تو منکشف کردد

جواب سؤال ده کانه

کردد العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء و قیود جسمانیه موجب بلادت ذهن و کدورت قلب میشود و مانع میشود تو را از عروج بمعارج و درجات رفیعه و مقامات عالیه و سلوک بدون دفع و رفع قیود و غواشی ممکن نیست و آن منوط و مربوط بریاضات شرعیه و مجاهدات اخلاقیه است و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و در حدیث قدسی ماثور است من تقدم الی شبرا قربت الیه ذراعا و این حدیث اشاره بمقام قرب است و این ناشی از مقام محبت است و محبت منوط بمرتبه رضا است و رضا منوط بمرتبه یقین است مادامیکه مرتبه یقین و معرفت برای تو حاصل نشود بمقام رضا نخواهی رسید و چون بمقام معرفت رسیدی و بتحقیق مرحله لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین واقف شدی دانستی که جمیع امور راجع بخدا است و او اعلم است بصلاح بنده مؤمن خود بمرتبه رضا فایز میشوی و بمقام تسلیم و انقیاد کامل خواهی رسید **سؤال** اولا سبب چیست که در هنکام شهادت حضرت سید الشهداء قرص آفتاب کرفته شد و هوا تاریک شد و زمین بلرزه در آمد و هنکام شهادت و وفات سائر معصومین ع اینکونه حوادث واقع نشد و ثانیا کدام یک از شهداء کربلا بعد از مرتبه حضرت امام حسین ع افضل از سائر شهداء بودند و ثالثا آنکه آنکه حضرت امام زین العابدین اکبر بودند یا حضرت علی اکبر و رابعا آنکه سبب چیست که جمعی از انبیاء سابقین بر قوم خود نفرین فرمودند و حضرت امام حسین نفرین نفرمود آیا نفرین ممدوح است یا مذموم و خامسا اهل بیت آنحضرت و همچنین جابر بن عبد الله انصاری در اربعین همان سال دیکر وارد ارض کربلا شدند یا در اربعین سال دیکر و سادسا آنکه چکونه رأس مطهر حضرت امام حسین ع در مواضع عدیده تکلم فرمود و سابعا حضرت زینب معصومه بود یا آنکه متصف بمرتبه عصمت نبود و ثامنا کدام یک از دوازده امام علیهم السلام افضل بودند و آیا ائمه افضل میباشند و یا انبیا

سابقین و آیا حضرت فاطمه صلوات الله علیها افضل میباشند یا ائمه و آیا حضرت امام حسن ع فرزند ایشان و آیا حضرت امام حسین افضل بودند یا حضرت امام زین العابدین و تاسعا با وجود دیکر حضرت امام زین العابدین در دست اعداء اسیر بودند و در کربلا حاضر شدند چکونه هنکام دفن شهداء حاضر شدند و عاشرا آیا شهدا را دفن نمودند و عاشرا آیا شهداء کربلا افضل میباشند یا شهداء بدر و حنین و صفین و سبب چیست که شهید را غسل نمیدهند و کفن نمیپوشانند بلکه با همان لباس او را باید دفن نمود و آیا حضرت امام حسین در روز عاشوراء بقوه امامت و معجزه جنک نمود یا بقوه بشریه و سبب چه بود که در اثناء جنک دست از جنک برداشتند و در مقام شهادت تسلیم نمودند **جواب** اما اولا پس این مطلب چند سبب داشت یکی آنکه حادثه و ظلمی که بر آن مظلوم وارد شد بر احدی از مظلومین وارد نشد و این علامات

در حالت غش از رسیده

در تفضیل چهارده نور ائمه

معجزه بود که بر کفار حجت تمام شود و دیگر آنمظلوم در قتلگاه قریب سه ساعت بیهوش بودند
و روح مطهر آنحضرت خارج شد و مراجعت نمود از جهة حصول کلیه در مقام شهادت و چون
خارج شد بسوی عرش رفت و بدرگاه الهی برای گناهکاران از شیعیان طلب آمرزش کرد
و خدای تعالی بموجب عهدی که در روز الست با آنجناب فرموده بود مقام شفاعت با آنمظلوم کرامت
فرمود و حضرت امام زین العابدین ع هنگام شهادت حضرت امام حسین ع در غش بیهوش بودند
و امور دیگر که ظاهر شد آثار غضب بود و مشیت قضائیه الهیه تعلق گرفته بود که غضب بر
اهل زمین نازل نماید بدعای امام ع غضاب رفع شد و چون مشیت حتمیه و قضاء
محتوم نبود بداء در آن حاصل شد و خدای تعالی ظالمانرا تا وقت معین مهلت داد و
قوام و بقاء زمین مربوط و منوط بوجود امام ع و فیوضات آنجناب است و امام ع بمنزله
قلب عالم امکان است و همه ممکنات فرمان او را مطیع می باشند هر چند علم امام حصولی است
نه حضوری ولی چنانچه قلب بر جمیع اجزاء بدن مطلع است هم چنین امام ع بر جمیع اجزاء
عالم امکان اطلاع دارد و سلطان عالم امکان است و واسطه فیوضات بانیه و علة
غائیه خلقت ممکنات است و اما ثانی پس بعد از مرتبه امام حسین ع حضرت عباس ع افضل
از سائر شهداء بودند و بعد از آنجناب حضرت علی اکبر افضل بودند و بعد از آن حضرت
قاسم و بعد از مرتبه انها برادران حضرت عباس افضل از سائر شهدا بودند و بعد از
مرتبه انها حبیب و مسلم افضل از سائر شهدا بودند و در تمام خلق عالم کسانیکه شایسته
مرتبه شهادت بودند همین هفتاد و نه بودند و کسانیکه در شب عاشورا متفرق شدند
قابل درک این مقامات نبودند و از این جهت بود حضرت امام حسین ع بانها فرمودند
هر که میخواهد در این شب برود مرخص میباشد و اما ثالث پس حضرت امام زین العابدین ع
از حضرت علی اکبر بودند و اما رابع پس مصالح و حکمتهای اینمطالب بسیار است و هر

تفضیل ائمه

ولی صبر افضل است و اما خامس پس اهل
بیت آنحضرت و جابر در اربعین سال
دیدم و اما سادس پس نفس شریف مطهر
آنمظلوم از جانب راس و دهان تکلم
فرمود و نفس امام ع احاطه دارد و اما
در معنی حیوة دارند عند ربهم یرزقون
و این مقام نورانیت و دخلی بعالم بشریت
ندارد و اما سابع پس حضرت یحیی از
شهوات و لیکن انبیا و اشتباه معصوم بود
ولی هرگز مرتکب گناه نشد و مواظبت
اوامر و نواهی شرعیه داشت
پس از معاصی معصوم بود
و از این جهت او را عصمت صغری
نامیده اند و اما ثامن پس حضرت
امیر المؤمنین ع از یازده امام دیگر
در جمیع مراتب افضل بودند و سائر
ائمه ع هر یک از ایشان در بعضی جهات از جهات
و مراتب افضل بودند نه در جمیع
جهات و هم چنین حضرت فاطمه ع ولی
شکی نیست در اینکه دوازده امام ع بعد از
مرتبه محمد ص

کیفیت زیارت عاشورا

و آله برای ائمه ع ثابت است و دعای انبیاء مستجاب شد بسبب استشفاع با ائمه ع و علوم
انبیاء بنی اسرائیل در جنب علوم ائمه طاهرین ع مثل قطره است در جنب دریا و اما
تاسع پس اینمطلب معجزه و خرق عادة است و مقام نورانیت است و رجوعی بمرتبه قوة
بشریه ندارد و اما عاشر پس شهداء کربلا از شهداء دیگر افضل میباشند و نظر
بشرافت خون شهید در شرع مقرر شد که شهید را غسل ندهند و بهمان نحوی که
که شهید شده است در قیامت محشور شود و حضرت امام حسین در روز عاشورا
بقوه امامت جنگ فرمود تا آنکه ذره از مقام نورانیه امامت بر خلایق ظاهر شود
ولی از جهت وصول بمرتبه شهادت و وفاء بعهد الست دست از قوه امامت برداشت
و بمقتضای قوه بشریه ضعف بر آنمظلوم مستولی شد تا آنکه از اسب بروی
زمین قرار گرفت مؤلف گوید چون مطلب باینجا رسید نزدیک بزوال ظهر رسید
و آن شخص از مسجد بیرون رفت چون روز دیگر شد بعد از اداء فریضه صبح مشغول
تعقیب بودم همان شخص از در مسجد سهله داخل شد و نشست و من روز سابق مسائل
چند از او سؤال کردم و جواب فرمود و نحو سؤال و جواب آنچه گفتگو شده بود در این کتاب
نوشته شده میشود **سؤال** کیفیت زیارت عاشورا را بیان فرمائید **جواب**
اول سلامی بنحو اختصار بجانب حضرت امیر المؤمنین و بجانب حضرت امام حسین ع
بکن و بعد از آن بگو دو رکعت نماز زیارت بعمل آورد و بعد از آن دو رکعت نماز زیارت
بعمل آور و بعد از آن زیارت مشهوره را که اولش السلام علیک یا ابا عبد الله است
بخوان و بعد از آن صد مرتبه لعن و صد مرتبه سلام و دو رکعت دیگر نماز زیارت
و دعای سجده و دعای علقمه بترتیبی که در کتب معروفه در دعوات مسطور است بعمل آور
هر حاجتی که داری انشاء الله بر آورده است و امام ضامن استجابت این دعا است

در حاشیه: در روز عاشورا ... حسین ع ... بجهة ... علی ... خود در روز ... اخبار ... بود

و اگر صد مرتبه
لعن و سلام را نتوانی بعمل آوری یک مرتبه
لعن و سلام کفایت میکند و همراه هر
دو لعن و سلام و اراده صد مرتبه بعمل آوری
از لعن و سلام حاصل میشود و کفایت
میکند انشاء **سؤال** هرگاه ذمه کسی
مشغول نماز قضاء باشد نماز زیارت
و سائر صلوات مندوبه را میتواند
بعمل آورد یا نه **جواب** بلی میتواند
اگر کاهی مشغول نماز قضاء باشد
که تسامح و تهاون در نماز قضا نشود
سؤال معنای العبودیة جوهرة
کنهها الربوبیة چیست و حقیقة
عبودیت چگونه است **جواب** معنی
حقیقة عبودیت تخلق باخلاق شرعیه است
و باید در جمیع اقوال و افعال و حرکات
و سکنات تابع شریعت باشد و
متصف بمقام رضا و تسلیم باشد
و اراده و مشیت او تابع مشیت الهیه باشد
چون باینمقام واصل شود آنچه بخواهد
خدا باو کرامت میفرماید و مخلوقات
در این منزل باختلاف مقامات
خود مختلف
ودر اینجا ذکر شد

معنی تخلق باخلاق الله

میباشند واکمل از جمیع مراتب مقام محمد وال محمد علیهم السلام میباشد که انچه مشیت
انها بان تعلق گیرد مشیت خدا بان تعلق گرفته است و مایشاؤن الا ان یشاء الله و
در زیارت جامعه کبیره مسطور است السلام علی محال مشیة الله وحضرت فرمودند
نحن اوعیة مشیة الله اذا شئنا شاء الله وما نشاء الا ان یشاء الله وبدانکه مقامات
ودرجاتی که برای ایشان حاصل شده همه انها از جهت عبودیت و بندگی بوده ومشیة انها
تابع مشیة الهیه بوده واین حقیقت معنای عبودیت است وهمچنین مقامات نورانیه ایشان
از مقام عبودیت حاصل شده وان مقاماتی استکه زبان را قوه تقریر ان نیست و حاصل از انستکه
ایشان ابواب مشیة ومفاتیح استفاضه میباشند و واسطه میباشند میانه خالق ومخلوق
در جمیع مراتب فیوضات وعلة غائیه خلقت جمیع ممکنات و اول وافضل واشرف میباشند
از جمیع ممکنات ومظهر اسم الله که کلمه جامعه است میباشند وچون مشیة ایشان اشرف از
مشیة سائر ممکنات بود لهذا مشیة انرا منسوب بخدا نموده اند چنانچه خانه کعبه و
وروح حضرت ادم را نسبت بخدا داده اند وعیسی را روح الله نامیده اند **سؤال**
معنای وخضع کل متکبر لطاعتکم که در زیارت جامعه مسطور است چیست و گفتگوی
خضوع کفار و دشمنان ائمه ع چگونه است یا خضوع تکوینی است یا تشریعی و یا بر وجه اختیار است
یا اضطرار **جواب** چون امام ع سلطان و پادشاه عالم امکان است و جمیع ممکنات
در ظل کفایت او است و همه ممکنات مامور باطاعت او میباشند وانچه در عالم امکان
واقع میشود همه باذن او ومقرون بمشیت او میباشد و قاهر است بر عالم امکان چنانچه
در عالم الست وعالم ذر هم همین تکلیف بر قاطبه ممکنات ثابت شده است پس امام
بمنزله قلب عالم امکان است و احاطه معنویه دارد بر ممکنات پس همه ممکنات خاضع
میباشند در ید سلطنت او چنانچه حضرت امام حسین ع در روز عاشوراء محض انکه

اشاره
فرمودند همه ساکت شدند حتی انکه صدای زنگ حیوانات نیز ساکت شده بود حاصل انکه همه ممکنات فرمان او را مطیع ومنقاد میباشند وهمه در جنب او خاضع وخاشع هستند وبقاء زمین واهل ان منوط ومربوط بوجود امام ع میباشد واین خضوع واطاعت مثل تسبیحی استکه همه اشیاء بان مشغول میباشند که خدا فرموده وان من شیء الا یسبح بحمده ولکن لا تفقهون چنانچه همه ممکنات بتسبیح الهی مشغول هستند وبمقامات توحید ونبوت و ولایت مقر ومذعن ومفطور و مامور میباشند وهمچنین همه انها برای امام ع خاضع وخاشع میباشند باذن خدای تعالی وحدیث العبودیة جوهرة کنهها الربوبیة اشاره باین معنی است پس امام ع انچه را که بخواهد برای او میسر است ولی بمقام رضا وتسلیم ثابت است واز مقام عبودیت [illegible]

[illegible]

در جمع ما بین امتناع الرؤیة وامکانها

باین مقامات ودرجات رفیعه فایز شده است و در اینمقام مطالبی استکه رخصتی
در اظهار ان نیست **سؤال** مشهور استکه در طوفان حضرت نوح ع عوج بن عنق
بن ادم غرق نشد وحال انکه ایه کریمه رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیارا وایه
لا عاصم الیوم من امر الله دلیل است براینکه جمیع کفار باید هلاک شده باشند و
عوج کافر بود پس چگونه هلاک نشد **جواب** عوج چون در ساختن کشتی حضرت
نوح اعانت کرده بود وخدا عمل احدی را ضایع نمیکند چنانچه فرموده است ان الله
لا یضیع عمل عامل منکم ومیفرماید ومن یعمل مثقال ذرة خیرا یره و عوج در اخرت هیچ
اجری ندارد لهذا اجر ومزد او را خداوند عالم نجات از غرق قرار فرموده چنانچه شیطانرا
بواسطه عباداتی که بعمل اورده بود مهلت داده تا یوم وقت معلوم که زمان ظهور
حضرت قائم ع باشد وامر الهی بغرق شدن عوج تعلق نگرفته بود **سؤال** معنای حدیث نیة
المؤمن خیر من عمله چیست و حال انکه در حدیث است افضل الاعمال احمزها **جواب**
بدانکه نیة احمز واصعب اعمال وروح عبادة است و عبادة روح افضل اعمال
بدنیه است **سؤال** ما وجه الجمع بین ما ورد من امتناع الرؤیة والمعرفة وبین ما
یدل علی امکانهما ووقوعهما فقد قال الله تعالی لا تدرکه الابصار وهو یدرک
الابصار وفی الحدیث ان الله قد احتجب عن العقول کما احتجب عن الابصار وفی الحدیث
لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا **جواب** بلی بکنه حقیقت الهی نیست چرا که
ذات الهیه محیط است بهمه چیز وهو بکل شیء محیط پس چیزی بان احاطه نتواند کرد و
ادراک چیزی که بی احاطه عقل باشد ممکن نیست فاذا لا یحیطون به علما ولا تدرکه العیون
بمشاهدة الابصار ولکن تدرکه القلوب بحقایق الایمان وحضرت امام حسین ع میگوید تعرفت الی
فی کل شیء فرأیتک ظاهرا فی کل شیء فانت الظاهر لکل شیء وقال الله تعالی اولم یکف بربک

انه علی کل شیء شهید وقال ع فی دعاء عرفه ایکون لغیرک من الظهور ما لیس لک حتی یکون هو المظهر لک متی غبت حتی تحتاج الی دلیل یدل علیک ومتی بعدت حتی تکون الاثار هی التی توصل الیک عمیت عین لا تراک علیها رقیبا وخسرت صفقة عبد لم تجعل له من حبک نصیبا [illegible] وذلک لان اصل المقت [illegible] الله الذی خلق السموات والارض [illegible] امتناع الرؤیة [illegible] فانمیده [illegible] الوجود

طرق معرفة الله

بالاثار والمصنوعات وتعرف بالوجود وتعرف بذاته على ذاته والاول طريق العوام والثانى طريق الخواص والثالث طريق الصديقين كما ورد فى الحديث اعرفوا الله بالله وفى الدعا يا من دل على ذاته بذاته وفى الحديث ان الله اجل من ان يعرف بخلقه بل العباد يعرفون بالله وفى الدعاء بك عرفتك وانت دللتنى عليك ودعوتنى اليك ولولا انت لم ادر ما انت وفى الحديث ما رايت شيئا الا ورايت الله بعده ومعه وقبله فسبحان من خفى من شدة ظهوره وللعاقل تكفيه الاشارة اطفا السراج فقد طلع صبح مقصودك من افق البيان واعلم ان معرفة الله بالله من اعظم مقامات العارفين وارفع درجات الموقنين ولا تحصل الا للعباد المخلصين وهو القرب المعنوى من جناب الالوهية الذى هو غاية المطالب ونهاية المقاصد ومعرفة اسرار اسماء الله تعالى وصفاته ومظاهر آياته فى العوالم العلوية والسفلية ورجوع النفس اليها بدقائق انواع السلوك وشدائد اصناف المجاهدات وتعذيب النفس باقسام الرياضات الشرعية وتخليتها عن القيود الدنيوية الدنية وتخليصها عن الغواشى الظلمانية وتبعيدها عن هوى النفس الامارة فان الاولياء ذبحوا انفوسهم بسيوف الرياضات واعرضوا عن طلب الدنيا الغدارة للوصول الى حياض زلال المعالى فاجلست سرائرهم سرير الشهود واطلعت ضمائرهم فى ميدان الوجود فلما رغبت قلوبهم عما سوى الله وابتهجت بفيضان ذكر الله واطمانت قلوبهم بذكر الله وفازوا بالتقوى عما سوى الله وانقطعوا الى الله فى جميع الحالات واضمحلت مشيتهم فى جنب مشية الله بحيث لا يشاؤن الا ان يشاء الله باحوا باسرار التوحيد واظهروا دقائق التوحيد التحقيق بلسان العرفان فاثبت الله الحكمة فى قلوبهم وانطق بها جوارحهم وفازوا بمقامات العارفين كما فاز وابذلك العلم وبالجملة فان الله تعالى اظهر الاشياء واجلاها وهو البرهان على كل شئ فان شدة الظهور وعليه التجلى انما

ديد تروان عين الحخاتى القواطع التي مثالى الخفا... ان حال هكذا فى نور المحسوس فاطلب بالواجب تعالى

سؤال ذكر كه تعليم نمايند كه از جهت انقطاع الى الله ومقامات اخلاص رضا وتسليم وتوسل نافع باشد **جواب** هيچ ذكرى از جهت اين مطلب اشرف وانفع از مواظبت بر سوره توحيد وكلمه لا اله الا الله نيست چون با كمال خضوع وخشوع برآيد مداومت نمايد هنگام ذكر ملتفت مقامات ومراتب توحيد باشى وجميع معانى آنها متذكر باشى **سؤال** اسم اعظم وفوائد آن چيست **جواب** اسم اعظم هفتاد ويك حرف است وعلم بآن مخصوص باوليا است ونزد مخصوص از اهل آن نيست ودر بسم الله الرحمن الرحيم موجود است همچنين در اغلب آيات

سبب غیبت امام

ولى بالنسبه ببعضى از مراتب وشئون لفظ جلال اسم اعظم است ولى تاثير آن موقوف بر چند است وبالنسبه ببعضى از مراتب كلمه لا اله الا الله الملك الحق المبين اسم اعظم است وبالنسبه ببعضى از مقامات كلمه يا هو يا من ليس الا هو وكلمه يا هو يا من لا هو الا هو اسم اعظم است ولى تاثير آن منوط بمرتبه فناء وانقطاع از ما سوى الله است وهر گاه كسى طالب وصول ببعضى از فوائد اسم اعظم باشد در وقت سحر با خضوع واخلاص وحضور قلب وخلو قلب از حب دنيا وقيود جسمانيه چهارده مرتبه از اول آيه لا يستوى اصحاب النار واصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون تا آخر سوره حشر بخواند بمطلوب فائز ميشود ان شاء الله تعالى **سؤال** سبب چيست كه خلائق در غيبت امام عصر عجل الله فرجه از فيوضات ملاقات آن اعلیحضرت محروم مانده اند وانچه متوسل ميشوند بخدمت آنجناب نمى رسند **جواب** فيوضات امام ع بهمه اشياء ميرسد زيرا كه امام واسطه است ميانه خالق ومخلوقات در جميع فيوضات ظاهريه ومعنويه وهر يك از ممكنات بحسب استعداد وقابليت خود كسب فيض ميكند ونور از آفتاب وجود امامت مينمايد واشخاصى چند مثل رجال الغيب وجمعى از اولياء ونقباء بخدمت آنحضرت مشرف ميشوند وشفاهاً سؤال وجواب ميكنند چنانچه مرحوم السيد مهدى طباطبائى وملا احمد اردبيلى ومحمد باقر بهبهانى وآخوند ملا محمد تقى مجلسى ومرحوم شيخ محمد تقى اعلى الله مقاماتهم وجمع كثيرى از علماء كه شايسته اينمقام بودند بخدمت امام ع مشرف ميشدند وانچه مى خواستند سؤال ميكردند وجواب سؤال ميشنيدند ولى مكلف باظهار اسرار نيستند بلكه مكلف ميباشند كه احكام شرعيه واقعيه وظاهريه را متابعت نمايند **سؤال** ارجو منك ان تمن علينا بتعليم ذكر خاص مجرب لجميع الحوائج **جواب** لا اعلم ذكرا اقرب الى الله سبحانه من الصلوة على محمد وآله فعليك بمواظبتها فى كل يوم مائة

مرة منها

منه وفى جو... تشاهد... الجمع الف مترادفات ان تها امور اعظمه خواصها وتاثيراتها **سؤال** تفسير الالسان عن بيانها ما معنى قوله تعالى الله نور السموات والارض **جواب** فيه معانى كثيرة تشير الى بعضها ولا نحصرها ولا نطيلها منها ان الله ... منور السموات والارض فيكون بصيغة الفاعل والثانى ان ... نور السموات والارض والثالث ان الله نور السموات والارض ... ظهوره الشى بالنور من جهة شدة ظهوره واما انه مدبر اهل السموات والارض والرابع ان معناه انهم يستضيئون به والرابع الحق ان الله نور قلوب اهل الحق بنور الحق والتشبيهات التى وقعت بالمشكوة والمصباح والزجاجة والزيت كما انه ظهور صفة الظهور وضرحها والخامس ان المراد من قوله تعالى مثل نوره كمشكوة القران لانه مبين الحق يعنى مثل الله الذى هو موضح الخلق بكتابه المبين الذى حيث قال مبين وقد سماه الله نورا وانزلنا اليكم نورا

سبینا لان القران سبب للهدایه ومنور قارب العارفین ومظهر نور الحق والعرفان فالمصباح کلام الله والزجاجة قلب النبی صلی الله علیه واله والثانی ان یکون بالمعنی الفاعل ای الله منور السموات والارض وخالقهما ومبدعهما فهو بمنزلة قولک نور الانوار ومظهر الموجودات فان وجود کل شئ عبارة عن نوریة یظهر ماهیة ذلک الشئ وذاته فالله منشئ الانوار بنفس ذاته فکلما فی السموات والارض مظهر لکلمة الله والله مظهرها وصانعها والثالث ان المراد بالنور فی قوله تعالی مثل نوره کمشکوة ما روی عن النبی صلی الله علیه واله انه لما نزلت ایة افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه سئل عنه فما معنی هذا النور فقال ان النور لو اقذف فی قلب المؤمن انشرح له الصدر الحدیث فعلی هذا اشبه الله نور قلب المؤمن بالمصباح لان المصباح قد حصل واستنار من نور اخر فکذا هذا النور قذف فی قلبه وحصل واستنار من النور المطلق الالهی والوجود القیومی والقلب بمنزلة المشکوة والالهامات الربانیة بمنزلة الزیت والثامن انه تعالی هادی لاهل السموات والارض والمبین لاهل السموات والارض امور دینهم ومصالحهم فلما کان بالله وبهداه یهتدی اهل السموات والارض الی مصالحهم وامور دینهم کما یهتدون بالنور الذی خلقه الله لهم فی السموات والارض الی صلاح دنیاهم قال انه نور السموات والارض علی هذا المعنی واجری علی نفسه هذا الاسم توسعا ومجازا لان العقول دالة علی انه تعالی لا یجوز ان یکون نورا او الاضیاء ولا من جنس الانوار لانه خالق الانوار وخالق جمیع اجناس الاشیاء ولا ریب فی وجوب افتراق الرب والمربوب والخالق والمخلوق والصانع والمصنوع وثبت بالبرهان ان الله لا شبیه له ولا نظیر فصح ان نوره الذی شبه بالمصباح انما هو دلالته اهل السموات والارض علی توحیده وحکمته وعدله والحاصل انه تعالی هادی لاهل السموات والارض

بطاعته لان الله وفقه لذلک وهداه ونور قلبه لانه تعالی منور قلوبکم حتی عرفتم توحیده الثالث عشر انه تعالی نور النور یهدی من یشاء بنوره الی قدرته وبقدرته الی غیبه وبغیبه الی قدمه وبقدمه الی ازله وابده وبهما الی وحدانیته لا اله الا هو یزید من یشاء علما بتوحیده وتنزیهه والرابع عشر ان الله خلق الارواح قبل الاجساد بالفی عام ونورها بالصفات الکمالیة المعنویة وخاطبها بنفسه واستضائها بنور قدسه واخبر عنها بقوله الله نور السموات والارض لانه تعالی منور الارواح بکمال نوره الخامس عشر ان المراد بالسموات عالم الانوار العلویة وبالارض عالم الاجسام الظلمانیة السادس عشر ان المراد بالسموات العقول النوریة وبالارض مرتبة النفوس القدسیة السابع عشر ان المراد بالسموات المقامات النوریة الملکوتیة والجبروتیة السرادقات وبالارض اجسام السموات والارض والثامن عشر ان هذا النور احد اسماء الله تعالی وهو منور ومحقق ومظهر الهویات فانه تعالی منور الانوار اعنی نور القمر والشمس ونور العقل ونور الایمان ونور التقوی ونور الیاقوت والله تعالی هو الکاشف لرموزهم والمخرج لکنوزهم والمدون لعلومهم والمبین لفهومهم والمبرهن لمقاماتهم والشارح لاشاراتهم فهو حقیقة بسیطة ظاهرة بذاتها مظهرة لغیرها فلا جنس له ولا فصل فلا لها معرف حدی ولا لها کاشف رسمی لعدم اقتضائها فی نفسها بل هی اظهر الاشیاء واجلاها فلا برهان علیه الا به بل هو البرهان علی کل شئ اذ هو غیر النور فهو خفی فی ذاته ظاهر بالنور مستضیئ به فکیف یکون هو مظهر النور ومعرفا کاشفا له فثبت ان الله تعالی هو ظاهر بذاته اذ ذاته عین ظهور ذاته ومظهر لغیره بنفس ذاته لذاته وموجدها من کتم العدم الی عرصة الوجود وبالجملة فالنور هو الذی نور قلوب العارفین بتوحیده وانار اسرار المحبین بتاییده وکون الاشیاء بالتصویر

در تفسیر حدیث انا النقطه

الا فتنتك وهم چنین بعضی از کلماتی که انبیاء بدرگاه الهی عرض مینمودند مبنی
برحکمتها است بیت بین المحبین سر لیس یفشیه قول ولا قلم للخلق یحکیه **سؤال**
در حدیث است که حضرت امیر المؤمنین ع فرمودند انچه در تمام قران است در بسم
الله الرحمن الرحیم ثابت است وانچه در بسم الله میباشد در باء بسم الله وانچه در باء
میباشد در نقطه است ومنم ان نقطه معنای این حدیث ومعنای نقطه چیست تفسیر
این حدیث از غوامض علوم است و هرچند وجه تفسیر میشود مقصود از نقطه حضرت
امیر المؤمنین ع است وجمیع علوم بروجه حصول نزد انجناب موجود است ولا رطب
ولا یابس الا فی کتاب مبین و فی الصحیفة السجادیه وعلمهم الله علم ما کان وعلم ما بقی
وشرح این مطلب انستکه نقطه در میانه حروف شبیه ونظیری ندارد وهمه حروف و
کلمات از نقطه حاصل میشود وحضرت امیر المؤمنین ع نور انجناب با نور حضرت رسول
صلی الله متحد بودند وافضل از جمیع ممکنات میباشند واحدی از ممکنات در مرتبه ایشان
نیست که مثل ایشان بوده باشد وایشان علة غائیه وعلة غایته وعلة مادیه وصوریه
ممکنات میباشند ونقطه دائره امکان هستند وبروجه دیگر قلب وسلطان و
حافظ و واسطه در فیوضات فایضه بعالم امکان هستند وصادر اول واول مخلوقات و
ابواب الله ومفتاح مشیة واستفاضه میباشند ودیگر انکه نقطه مرکز است وعلی
مرکز حق است کما قال صلی الله علیه واله علی مع الحق والحق مع علی یدور حیثما دار
ودیگر انکه مرجع ومآل حروف بسوی نقطه است ورجوع وحساب خلائق با علی علیه
السلام است ودیگر انکه نقطه میزان است وعلی میزان حق وباطل است زیرا که اوست صراط
مستقیم ومنهاج قویم ونور الهی ودیگر انکه از نقطه اسرار حروف شناخته میشود واز علی
اسرار معارف واحکام شناخته میشود واوست هادی وراهنمای خلائق چنانچه از اخبار

ولکل قوم هاد اینمطلب مستفاد میگردد وصراط علی حق نمسکه وبوجه اخر لاریب فی ان علیا هو سر الله وایته العظمی ومظهر الاسماء والنقطة هی سر انوریه الغیبیه المطلقة فی عالم الرقم المطلقه فی عالم الرقم وهی هیئة جمیع احدیة محیطة فی مراتب مخارج الحروف فارقیه ومدارج اشکالها وهیاتها الحسیه مندمجة فی خصوصیاتها محتجبة بصورها و اعیانها ولنسبة صورتها الی مدارج الحروف والکلمات نسبة التعین الاول من المتعین الی مراتب اعیان الموجودات والتعین الاول امر اعتباری لاتحقق له الا بالمتعین کما لا یتحقق ظهور المتعین الا بالتعین وهو مبدء امتداد نفس الاقدس فی درجات المخارج الانسانیه واول تعینها اشارة الی الصادر الاول یعنی اوائل التجلیات الایجادیه الذی هو عبارة عن الوجود المنبسط والعقل الاول لاظهار الحقائق الکونیه فی برزات الظهور ولاظهار الانقطة قیوم للحروف

در اعتبارات نقطه

مع احتجابها فیها مع اندراجها فی مدارج مخارجها واعلم ان للنقطة باعتبار اختفائها
بالصور الالفیه وظهورها بها ثلث مراتب الاولی قبل الامتداد وهی المرتبة الاجمالیه
الاتحادیه وهی مرتبة لا یظهر اعیانها وهی عبارة عن المرتبة النورانیه الثابتة للامام ع
علی حسب ما هی مذکورة فی الاخبار والاثار والثانیه ابتداء النفس بایجاد اعیان الحروف
حال تعیناتها فی مخارجها وهذا التشبیه لکون الامام ع واسطة بین الخالق والمخلوق
فی جمیع الفیوضات وکونه ع حافظا للشریعه وهادیا للامم وقلبه عبارة عن المشکوة
التی فیها مصباح المصباح کما فی الحدیث نحن اوعیة مشیة الله اذا شئنا شاء الله
ولا نشاء الا ان یشاء الله وفی الزیارة الجامعة السلام علی محال مشیة الله والسر
فی المعنی المذکور ظاهر اذ تلک التعینات اشارة الی مقام اقبال المعصوم الی الخلق لاصلاح
امور دینهم وانتظام دنیاهم وخلوه عن تلک التعینات اشارة الی مقام ادباره عن
الخلق واقباله الی الحق والفناء فی مشیة الله والبلوغ الی عالم الامر والروح کما یشیر
الی ذلک الحدیث الوارده فی بیان العقل والجهل وهو قوله ع لما خلق الله العقل استنطقه
فقال له اقبل فاقبل ثم قال له ادبر فادبر الحدیث ویمکن ان تکون المرتبة الاولی اشارة
الی کون الامام مظهر المقام الاحدیه والثانیة اشارة الی کونه مظهر المقام الواحدیه
والثالثة تعین النقطة الروحانیه فی امتداد النفس وعبورها علی مدارج المخارج
وفی هذا اشارة الی کون الامام ع واسطة فی عموم تجلیات النفس الرحمانیه واسعاد
الفیض الوجودی من غیب التعین النوری علی قابلیات مظاهر اسم الظاهر واعلم
ان للمرتبة النورانیة للامام ع شئون ومقامات کثیرة لا یعرفها الا الراسخون فی العلم
الا ان شیئا منها مستفاد من التلویحات الوارده فی الاخبار وللنقطة بالمعانی المتقدمه
مراتب اربع فالاولی منها اشارة الی التنزل الاول وهو کون الامام ع مظهر المقام

الواحدیة التی هی عبارة عن مقام الاسماء والصفات مع تحقق ان الامام ع مظهر جمیع الاسماء الالهیه کما انه قد ثبت ان القائم ع ما شاء الکبریاء والثانیة کونه ع مظهر العالم الملکوت المسمی بعالم الامر واللوح المحفوظ وظهوره فی الاطوار والثالثة کونه مظهر العالم الملک المسمی بعالم الحس والشهاده والرابعة کونه ع مظهر للفیض الاقدس وظهوره فی العالم الناسوتیه الانسانیه عکوس الکمالیه الظاهر الاسماء الالهیه واما قوله ع فی الحدیث بسم الله الرحمن الرحیم اقرب الی الاسم الاعظم من سواد العین الی بیاضها ففی معناه وجوه کثیرة نشیر الی بعضها الاول انه کنایة عن کونه البسملة هی عین الاسم الاعظم اما بهذا الترتیب وترکیب اخر محزون عند اهله ولکن ترتب الاثار العظیمة علیها مشروط بشروط لا یتفق اجتماعها الا عند الاولیاء الثانی ان الاسم

تفسیر حدیث ما ترددت فی شیء انا فاعله

الاعظم کما ورد فی کثیر من الاخبار عبارة عن وجود الامام و شدت شبهها الی البسمله فی غایة الوضوح والثبوت کما یشهد به آیه فکان قاب قوسین او ادنی و بوجه آخر النقطه هو وجود الامام ع والبسمله اقرب الی النقطه من حیث المعنی من سواد العین الی بیاضها سؤال معنای حدیث ما ترددت فی شیء انا فاعله کترددی فی قبض روح عبدی المؤمن یکره الموت وانا اکره مسائته چیست جواب بدانکه خداوند جل شانه را بنده کان مقربی می باشد که بعض صفات انها را بخود استناد میدهد تشریفا لهم پس تردد ملک الموت و اعوانش را تردد خود شمرده چنانچه فرموده الله یتوفی الانفس حین موتها و در مقام دیگر فرموده قل یتوفیکم ملک الموت و در آیه دیگر فرموده و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی و سبب تردد ملک الموت کثرة وقوع علوم بدائیه است از جهت صدور اموریکه از بنده که باعث طول عمر میشود مثل صدقه و صله ارحام و نیکوئی و صله و اشیائی که باعث نقصان عمر میشود مثل قطع رحم و ظلم و نحو اینها سؤال اجوا منک ان تاذن لی فی روایة الاخبار والختوم المأثوره والاذن لمن استاذن منی ممن هو اهل لذلک جواب انت ماذون فی ذلک و قد اذنت واجزت لک ان تاذن لمن استاذن منک ممن کان من الصالحین سؤال در حدیث است که عایشه خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و اله عرض کرد ثواب زیارت حضرت امام حسین ع چیست فرمودند یک حج و یک عمره عایشه تعجب کرد فرمودند دو حج و دو عمره و انچه عایشه تعجب میکرد حضرت ثواب را زیاد میفرمود تا آنکه رسید بهفتاد حج و هفتاد عمره مقبوله سر این حدیث و اختلاف بیان چیست و حال آنکه حجة الاسلام واجب است و اصعب از زیارت است و در حدیث است که افضل الاعمال احمضها جواب این حدیث و اشباه آن باعتبار عظمت شان و اکرام مزور است و سر آنکه حضرت در مرتبه اول فرمودند ثواب

فرمود یکی از جهات امر است و آن این است که ثواب یک حج و یک عمره است و بعد زیاد اختلاف بر حسب اختلاف مراتب اشخاص زائرین است حسب اختلاف انها در علم و معرفت در حق امام ع مدیم آنکه آنچه بحسب اصل بجهة ثواب زیارت آنحضرت مقرر شده بود ثواب یک حج و یک عمره بود و آنچه عایشه تعجب یا انکار میکرد خدا ثواب زیارت را زیاد میفرمود و حضرت رسول ص مطلع میشدند بیان میفرمودند تا اینکه بهفتاد رسید سیم مرحله ثواب مثل جمله از احکام جعل از مفوض بحضرت رسول ص بود و آنچه آنحضرت زیاد میفرمود مقرون بامضاء الهی میشود چهارم آنکه هر یک از زیارت ثوابی دارد و این اختلاف ثواب زیارت بود مثل آنکه زیارت عرفه افضل از زیارات آنحضرت است و بعد از آن زیارت عاشورا افضل است از سائر زیارات و بعد از آن زیارت نیمه رجب و نیمه شعبان و عید اضحی و عید فطر و نیمه رجب افضل است و هکذا سؤال خوبی بیان نمائید که از جهت زهد و تقوی و سائر مقامات اخلاقیه و دفع اخلاق رذیله

در اقسام روح انسانی

و وسواس شیطانیه و فاسد قلبیه و سائر مراتب شرعیه فائده کامله داشته باشد جواب هرگاه در وقت سحر بعد از تهجد سر بسجده با حضور قلب و خضوع و خشوع و انقطاع الی الله هر یک از اسماء الله الحسنی را باحرف نداء مرتبه بخوانی جمیع اینمقامات برای تو حاصل میکردد مؤلف گوید مکرر در این مرحله تجربه کردیم فوائد کلیه حاصل شد سؤال روح انسانی اشرف است یا عقل او جواب انسان چند روح دارد یکی روح حیوانی است والبته عقل اشرف از آن است بجهة اینکه عقل و شعبه از شئونات عقل اول است که اول مخلوقات بوده و بعقل عبادت خدا بجا آورده میشود و عقل سراج منیر و حجت باطنیه و دلیل و از جمله مجردات است و بواسطه عقل انسان از حیوان ممتاز شده است و عقل که سلطان بدن است باوامر و نواهی عقل رفتار میکند و روح حیوانی از جنبه حیوانیه است و منشأ اخلاق رذیله و شهوات نفسانیه است و دیگر روح انسانی است و آن از عالم امر است کما قال الله تعالی و یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی و آن عبارت از نفس ناطقه است و آن ببعضی از معانی نفس عقل است و بیک معنی ملازم با عقل است و بیک معنی وعاء عقل است و آن روحی که مغایر با عقل است عقل از آن اشرف است بدانکه عقل اول مخلوقات است که فرمودند اول ما خلق الله العقل و در حدیث است اول ما خلق الله الروح و در حدیث دیگر فرمودند اول ما خلق الله نوری و در حدیث دیگر فرمودند اول ما خلق الله الماء و افلاطون و متابعین او گفته اند وجود امکانی اول مخلوقات است و مقصود از جمیع یک امر است پس عقل انسانی همان روح انسانی که دائره مستدیره قلم اعلی است و نور محمد صلی الله علیه و اله صادر اول و واسطه در جمیع فیوضات است و آن قلم و مثل اعلی است که میفرماید و لله المثل الاعلی و سائر عقول امکانیه از پرتو نور عقل اول خلق شده است باعتبار علة غائیه بلکه علة علة

و در حدیث دیگر اول ما خلق الله القلم

مادیه و صوریه و قال الله تعالی و من الماء کل شیء حی مقصود از ماء نور محمد ص است که خیر فرمودند لو لا الحجة لساخت الارض باهلها چنانچه بقاء ماهی بقاء انسان بروح است و بقاء وجود انسانی بقلب منحصر باب است و بقاء وجود ماهی که افلاطون گفته مقصود از ماء وجود است چنانکه بقاء هیاهیات منبع بقاء وجود است که موجود میشوند و وجود جمیع اشیا بوجود موجود است سؤال در حدیث است اصل اشیاء است شقی در لغت عمر بن الخطاب که گناه اولین و آخرین بر گردن او است ثابت میشود مسلما از حیث اینکه او اول است و اشقی است جواب سر این مطلب این است که عمر طینت سجین اصل و ماهیات وجود او جمیع کفار از آن طینت خلق شده اند و کل شیء یرجع الی اصله پس جمیع شرور راجع باو است دیگر اینکه بجمیع شرور و اقسام کفر راضی بوده زیرا که او ضد ولی الله بود و هر که بعمل کسی راضی باشد با او در آن عمل شریک است من احب قوما حشر معهم و من احب عمل قوم

در تفسیر و معنی لعن کل بنی امیه

قوم اشراک در عملهم ولذا ورد اللهم العن قتلة امیر المؤمنین ع وحال آنکه قاتل آنجناب یکنفر بود و صیغه جمع از جهت آنست که هر که راضی بقتل امام بود شریک در قتل است و در حدیث اللهم العن بنی امیه قاطبة نیز محمول براین مطلبست و هم چنین فقره زیارت ولعن الله امة سمعت بذلك ششم آنکه در عالم ذر چون خطاب الهی رسید و خدا امر فرمود جمیع اهل العالم را باقرار بتوحید ونبوت وولایت اول کسیکه منکر ولایت شد عمر بن الخطاب بود و سایر جاحدین او را متابعت کردند و جمیع شرور از این مخالفت ناشی شد مؤلف گوید در اصفهان در سالی که ابتلای ظالمی بود بسیار بر مسلمانان ظلم می نمود و غرتش روز بروز زیاد می شد تا آنکه چند شب از دست ظلم او بعد از تهجد بدرگاه الهی شکایت کردم شبی از شبها بعد از تهجد مرا خواب ربود در عالم واقعه حضرت امیر المؤمنین ع در خواب دیدم این ختم را بمن تعلیم فرمودند و فرمودند فوائد همه ختوم در این ختم موجودست و طریق خواندن آن آنستکه در سه شب بخواند رو بقبله بر سر سجاده یکصد و پانزده مرتبه غالب آنستکه در اول سحر طلب براورده می شود چون تمام شود یکنوبت بگوید یاذا الجلال والاکرام وده مرتبه صلوات بفرستد وچهل و یکبار کلمه جلاله را بیکنفس بگوید و بغیر اهلش تعلیم ننماید دعا اینست یا من لَيْسَ فِي السَّمٰوَاتِ الْعُلٰى اِلٰى مُنْتَهٰى قَرَارِ نُجُومِ الْاَرَضِينَ السُّفْلٰى اَنْتَ غِيَاثُ لِكُلِّ اَحَدٍ عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ نَزَلَتْ بِهِ غَيْرُكَ يَا اَللّٰهُ فَرِّجْ هَمَّنَا وَانْجِحْ طَلَبَتَنَا فَاِنَّكَ اَعْرَفُ بِحَاجَاتِنَا و حاجت خود را در نزد تلفظ بشدة و تلفظ بانجح قصد کند و وقف نکند بر یا الله شنیده اند این دعا را در شب جمعه یا دوشنبه بعد از دو رکعت نماز عرض کردم حمدی را بمن تعلیم فرمائید که هنگام هر نعمتی قرائت نمایم که ثواب آن شکر نعمت را داشته باشد و باعث زیادی نعمت و دفع بلیات شود فرمودند این حمد را بخوان اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا يَنْسٰى مَنْ ذَكَرَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مَنْ وَثِقَ بِهِ لَمْ يَكِلْهُ

در تاثیر ختم

اِلٰى غَيْرِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا نَخْشٰى اِلَّا اِيَّاهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَجْزِي بِالْاِحْسَانِ اِحْسَانًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَجْزِي بِالصَّبْرِ نَجَاةً وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَكْشِفُ ضُرَّنَا عِنْدَ كُرُبَاتِنَا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هُوَ ثِقَتُنَا حِينَ يَنْقَطِعُ الْحِيَلُ عَنَّا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هُوَ رَجَاؤُنَا حِينَ سَاءَ ظَنُّنَا بِاَعْمَالِنَا و فرمودند این حمد را بعد از هر نماز و هنگام هر نعمت و هنگام هر بلیه بخوان که سریع الاجابة است و بعد از آن فرمودند مطالب دیگری که متعلق بامر آخرت بود و حمد حقیر از خواب بیدار شدم و در شب جمعه دیگر او را بخواب دیدم که بعد از قرائت نمودم صبح روز شنبه خبر رسید که آن ظالم را هلاک شده بود و در هر بلیه که حمد مذکور را قرائت نمودم بلا دفع شد و از آن روز که بر این حمد مواظبت نمودم فوائد عظیمه مشاهده نمودم والسلام علی من اتبع الهدی مؤلف گوید هنگامی که در نجف اشرف مشغول تحصیل علم اخلاق و مجاهده بودم بعضی از شبها بعد از فراغ در صحرای وادی السلام توقف میکردم و ناصح بیدار بود مشاهده

در ختوم مجربه

در بازار قم شنیدم صدای شخصی را که در وسط دریا یا حقیقی لی مشغول مناجات بود و تضرع و زاری بود از آنجمله عرض میکرد اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَالِقُ الْخَلْقِ وَرَازِقُهُمْ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ مُبْدِئُ الْخَلْقِ وَمُعِيدُهُمْ وَاَنْتَ اللّٰهُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْعَظِيمُ الْمُهَيْمِنُ السَّلَامُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ وَاَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْخَاضِعُ الْفَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَجِيرُ اِلٰهِي اَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَاَنْتَ رَجَائِي مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَاَنْتَ كَهْفِي عِنْدَ الشَّدَائِدِ يَا كَافِيَ الْمُهِمَّاتِ وَيَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرُّعِي اِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَاُنْسِي بِكَ يَا كَرِيمُ دیگر صدای او را نشنیدم بعد از ساعتی شنیدم میگفت لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبِّي حَقًّا حَقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ لِي يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ مؤلف گوید از شنیدم این کلمات کمال خوف و خشیة بر من عارض شد که نزدیک بود بیهوش شوم و فوائد کثیره اخلاقیه بر این خوف و خشیة مترتب شد ختم دیگر از جمله زوایای صادقه و افاضات علمیه ثبت یا نافع و مجربست و آن آنستکه در مدت چهل روز مواظبت تقوی کرده باشد و از اخلاق رذیله مجتنب باشد و در هر روز هر یک از اسماء الحسنی را با حرف نداء با خضوع و خشوع و حضور قلب یکصد و ده مرتبه بخواند آثار عجیبه مشاهده خواهد کرد و این ختم را در تالیفات مرحوم آخوند ملا زین العابدین کلپایگانی اعلی الله مقامه ملاحظه کردم که از اساتید خود نقل نموده اند و نوشته بودند که در شهر رمضان مشغول این ختم شدم در یکی از شبها در منزل یکنفر از اهل دنیا توان موعود بودم در آنجا افطار کردم در شب چهلم شخصی از جمله علما را در خواب دیدم فرمود شرط این ختم اجتناب از شبهه است و آن طعام مشتبه باعث فساد این ختم شد و خداوند عالم جل شانه هیچ یک از نماز و روزه تو را در این ماه قبول نکرد از جهة آنکه طعام مشتبه را خورده بودی

ختم دیگر

مؤلف گوید مدتی مشغول این ختم بودم آثار عجیبه مشاهده شد ختم دیگر را که در تألیفات مرحوم سید بحر العلوم اعلی الله مقامه نوشته بودند بعد از تهذیب اخلاق چهل روز مشغول ذکر یا الله شدم و شروط ختم را مراعات نمودم در شب عروه در حرم مطهر حضرت امام حسین ع نزدیک قبور شهدا اسیبی بدست من داد آن سیب را استشمام نمودم بوی آن شبیه بود بر ایحه مشک و عنبر نزدیک بود که بیهوش شوم و دانستم اینها را دانستم این ختم مجربست و افاضه علوم بر آن حاصل است مؤلف گوید در شب ۱۲ محرم الحرام ۱۳۸۳ در کربلای معلا مشرف بودم نصف شب بعد از تهجد چند دقیقه بخواب رفتم زهرا را در خواب دیدم که ایستاده حضرت فاطمه ع بودند و جمع کثیری از شیعیان ایشان بودند و ایشان مظلومه و مصائبی که بر حضرت امیر المؤمنین ع از عمر بن الخطاب وارد شده بود

معنی طینت

در معنی حدیث انا الاول وانا الآخر

بود بینا میفرمودند و مردم گریه میکردند چون ذکر مصیبت تمام شد مردم متفرق شدند پس نظر با
من بواسطه نسبت و سبب محرمیت داشتم نقاب از روی خود برداشتند و فرمودند این اول
مصیبتی است که بر ما اهل بیت وارد شد و استشهاد مباد چشمی که این مصیبت را ببیند و قلب
او محزون و چشم او گریان نشود و آنچه ظلم بر اهل بیت وارد شد نتیجه ظلمی بود که بواسطه
سقیفه وارد شد و بعد فرمودند در شادی ما شاد باشید و در حزن ما اندوهناک
باشید عرض کردم چه ثواب است برای کسیکه در مصیبت شما گریه کند فرمودند گناهان
گذشته و آینده او آمرزیده میشود و من در روز قیامت او را شفاعت خواهم نمود بدرستیکه
هرگاه اهل مشرق و مغرب عالم بر محبت اهل بیت ع اتفاق میکردند و در مصیبت ایشان
محزون بودند هر آینه خداوند جهنم را خلق نمیفرمود بدرستیکه آتش جهنم بر دوستان اهل بیت
حرام است **سؤال** در حدیث است که حضرت امیر المؤمنین ع فرمودند انا الاول انا الآخر
انا الظاهر انا الباطن مقصود چیست **جواب** نور آنحضرت با نور حضرت محمد صلی الله علیه
و آله یکی بود و او اول مخلوقات بود پس او سابق اول و دیگر آنکه امیر المؤمنین ع اول من
آمن بالله و اول من دعی فاجاب بودند و چون نور حضرت امیر المؤمنین و یازده امام
دیگر متحد بودند با ایشان وصایت و امامت ختم شد پس هر یک از ایشان را آخر میتوان
گفت چنانکه فرمودند نحن السابقون الاولون و معنای ظاهر ظهور ولایت آنجناب است
بر عرصه ممکنات و مقصود از باطن مقامات معنویه و ولایت و مقامات نورانیت آنجناب است
و دیگر آنجناب مظهر اسم الله اعظم و اول و آخر میباشند و فرمودند ما لله آیة اکبر منا
و صفات ایشان از اعظم دلائل است بر توحید صانع ع و دیگر آنکه چون در جمیع عوالم
سماویه و ارضیه آنجناب از جانب حق سبحانه و تعالی هادی و رهنمای خلق بوده اند
لهذا اول و آخر میباشند از این حیثیت **سؤال** آیا ائمه افضلند یا پیغمبران سابق بعضی

از جهال می گویند که پیغمبران سابق
از ائمه افضلند این سخن است بی راه
که ناشی شده است از عدم اطلاع بآثار
و اخبار اهل بیت اطهار علیهم صلوات
الله الملک الغفار زیرا که یکی از امامان
ما صلوات الله علیهم صلوات الله الملک
الغفار حضرت امیر المؤمنین است و آنجناب
بعد از پیغمبر از جمیع ممکنات افضل است بضرورت
یا دلالت سابقه **سؤال** معنی طینت علیین
و سجین چیست **جواب** مراد از علیین
درجه ایست در جنت و مراد از سجین
درکه ایست در جهنم و آنچه متصوفه
می گویند که هر چه در روز ازل الست
بعضی در عالم ذر از برای هر کس نوشته شده است
همان خواهد شد زیرا که اگر طینت او را
از علیین برداشته اند عاقبت امر او بخوبی
سعادت و نجات است و اگر طینت او را از
سجین برداشته اند عاقبت امر او بدی
شقاوت و هلاکت است

مراد از طینت علیین و سجین

مراد از لفظ حمیرا

معصیت فائده ندارد و هیچ عبادت کننده مستحق ذم نیست و عذاب عاصی بر حسب ظلم و
و این امور بر خدای تعالی روا نیست و عمده شبهه ایشان اخبار طینت است که ظاهر از اخبار اینستکه
طینت هر کرا از علیین برداشته اند کافر نبود و طینت هر کرا از سجین برداشته اند که مؤمن نمیشود
و جماعتی از محققین از علما آن اخبار را تأویل کرده اند بمیل کردن طبیعت بایمان و کفر و خیر و شر نه آنکه
برداشتن طینت از سجین آدمیرا مجبور کرد بر شر و کفر مولف گوید که حق آنستکه طینت باعث تمام
ایمان و کفر مکلفین نمیگردد بلکه باعث بمعنی است که حق تعالی بعلم ازلی خود پیش از خلق خلایق میدانست
هر یک از مکلفین را که او کفر را اختیار میکند یا ایمان را و چون بمعنی امید آنستکه طینت آنها
که قبول ایمان میکرده اند و از کفر دوری مینمودند از علیین برداشته اند و آنانیکه
قبول ایمان نمیکردند طینت ایشان را از سجین برداشته اند و اگر از سجین هم بر نمیداشتند
نیز قبول ایمان نمیکردند و علم حق تعالی قدیمست و از صفات ذات است و علیین و سجین حادثند و چون
حضرت عز شانه پیش از خلق علیین و سجین ایمان را میدانست باین سبب طینت ایشان را از جائیکه برداشته
است و طینت بارز را از جائیکه برداشته است چنانچه در اخبار بسیار وارد شده است که حق تعالی
فرموده است که من پیش از آنکه خلقی را ایجاد کنم میدانستم که هر خلقی را خلق کنم چه خواهد
خواهد بود و این معنا علم ازلی است پس بنابراین طینت در ایمان و کفر مکلف مدخلیت تامه
ندارد مثل این باب تشبیه مثل آنستکه دو غلام داشته باشد یکی در نهایت اطاعت و فرمان
بردار باشد غلام دیگر در نهایت عدم اطاعت و مخالفت و سرکشی باشد و از او عملی
اینمعنی فهمیده باشد پس غلام مطیع را لباسهای فاخر بپوشاند و غلام عاصی را رختهای
زشت بپوشاند هیچ عاقلی آقا را از این کار مذمت نمیکند بلکه مدح میکند که تسویه این مطیع
و عاصی نکرده است و طینت مکلفین مانند خلعتی است از برای ایشان و معنا اخبار طینت باین
راجع است نه اینکه طینت انسان مجبور اعمال او کند **سؤال** وجه تسمیه حمیرا چیست پیغمبر
او را دوست داشت و از راه دوستی او را حمیرا نامیده باینه **جواب** خطاب پیغمبر